

مشق فن

یکی از نتایج ملاقات شمس و مولانا فهم این نکته است، که تنها اصل ثابت جهان، بی‌ثباتی است.

فقط بی‌ثباتی است که ثبات دارد و ما مدام در حال تلاش برای نقض این مهم‌ترین قانون جهان هستیم.

مدام می‌خواهیم قرار و ثبات را حفظ کنیم،

در حالی که جهان بر بی‌ثباتی و تغییر استوار است.

فهرست مطالب

مقدمه	3
فاز اول (پولبک)	10
فاز دوم (شکست)	64
فاز سوم (پترن)	88
فاز چهارم (تقارن)	114
فاز پنجم (فرکتال)	139
فاز ششم (ایچیموکو)	221
فاز هفتم (تراز هیستو)	372
پنل اصلی سبک تعادل (ستاپ توازن)	428
پرایس تعادلی	522
مجموعه عکس	528

مشق فن، تمرین برای کسب مهارت در بزرگترین بازار مالی (فارکس - کریپتو - بورس) می باشد. اگر به این تخصص، هنر یا دانش دست یابیم، می توانیم رویای خود و آنهایی را که رویایشان، رویایمان است را، به حقیقت تبدیل کنیم. اما اگر قمار گونه به آن نگاه شود، ذهنیتی ویرانگر است که عواقب آن می تواند گریبان عزیزانمان را نیز بگیرد.

مخاطب اول مشق فن، فرد مبتدی می باشد که می خواهد بازار را برای اولین بار تجربه نماید و یا اگر در بازار هست هنوز پلن معاملاتی مشخصی را تست نکرده است. مشق فن این امکان را به شخص می دهد که بازار را از ابتدا به صورت واقعی، با یک پلن تکنیکالی برنامه ریزی شده که توسط افراد مبتدی، تست شده است، به صورت گام به گام، تجربه نماید.

مخاطب دوم مشق فن، افرادی هستند که با این سبک ترید می کنند تا با استفاده از این کتاب بتوانند سریع و راحت تر، به آموخته های قبلی و جدید، در جهت یک پلن مشخص، ساختار بدهند.

مخاطب سوم مشق فن هر شخص با هر تجربه و هر استراژی شخصی است که بتواند از این مطالب در بهبود وین ریت یا ریسک به ریوارد پلن شخصی اش، استفاده نماید یا حداقل این سبک، ذهنیتی مفید به ایشان بدهد.

اگر چه پلن، مدیریت سرمایه و روانشناسی، لازم و ملزوم یکدیگر در موفقیت یک شخص در بازارهای مالی و حتی غیر مالی می باشد، اما پر واضح است که روانشناسی و مدیریت سرمایه باید بر یک چهارچوب یا ساختار یا پلن معاملاتی پیاده شود.

لذا در ابتدا باید به یک سیستم معاملاتی موفق دست یابیم، حال روانشناسی و مدیریت سرمایه را با آن تجربه نماییم. این دقیقاً بر عکس ذهنیتی است که بعضی از افراد داشته و در همان ابتدای ورود به بازار مالی، انتظار سود دارند.

این بازار مانند هر شغلی و چه بسا سخت تر و بیشتر، نیاز به تلاش و زمان، جهت شناخت آن، تثبیت در آن و سپس سود آوری با آن را دارد.

در این کتاب، مجموعه سبک تعادل در هفت فاز به صورت گام به گام و ساده شده در راستای یک استراژی معاملاتی، ارائه می شود تا در نهایت با کنار هم قرار گرفتن این فازها، پازل پلن تکمیل شود.

هر فاز شامل آموزش و ترید می باشد. زمان لازم برای هر فاز، برای فرد مبتدی، حداقل یک ماه می باشد تا در این فرصت، بر ترید مربوطه تسلط پیدا کرده و بتواند به فاز قبلی، ارتباطش دهد. همچنین در این مدت، فرصت کافی برای مشق و کسب مهارت در تمرین خواسته شده را داشته باشد. در فاز(ماه) بعد، تمرین مرحله قبل، به ترید تبدیل می شود. در واقع فاز اول، با طی مراحل، در طول زمان، تکمیل شده و می تواند در صورت سود دهی به پلن اصلی فرد تبدیل شود.

در گام اول، هدف از این فاز بندی، کسب سود نیست. هدف، تجربه کردن یا زندگی کردن بازار مالی است. هدف، پرورش ذهن ناخودآگاه فرد مبتدی است که جزء با درگیر شدن در بازار، توام با برنامه مشخص و بدون استرس ناشی از کسب سود، حاصل نخواهد شد.

در واقع تمام الزامات یک پلن در فاز اول گفته نمی شود تا فرد مبتدی در ابتدا بازار را ساده اما درست تجربه کند. اگر فرد مبتدی بخواهد در حین آموزش، به فکر سود از نوع دلاری باشد؛ و یا تمام فازها را با هم مطالعه کرده و شخصی سازی کرده و حال شروع به تمرین نماید(به جای تمرین یک به یک آن ها به صورت مجزا و متوالی) این کتاب مشکلی از ایشان را حل نخواهد کرد.

یک شخص مبتدی باید بازار را با آرامش تجربه کرده و آموزش ببیند. اگر ذهن آسوده نباشد و دغدغه سود کردن را از همان ابتدای ورودش به بازارهای مالی داشته باشد، آمادگی فراگیری درست، عمیق و به هنگام یک مطلب را نخواهد داشت.

این که ما بخواهیم تمام شکست های زندگی امان را با فارکس جبران کنیم و یا بر عکس، تمام رویاهایمان را با فارکس بسازیم، اصلا ربطی به فارکس ندارد و تمام و کمال، به نگرش واقع بینانه، همت بالا و تلاش آگاهانه ما، بر می گردد.

لذا حساب دمو یا سنتی 10 دلاری و شروع پلن و ادامه آن طبق فاز بندی خواسته شده، با مدیریت زمان مناسب که شخص در آن زمان بتواند مسلط به ترید و تکلیف خواسته شده شود، شرط لازم برای موفقیت با این پلن خواهد بود.

برای شخص مبتدی، کفایت می کند که بتواند در یکی از فازها با ترید نمودن، سرمایه اش را فقط حفظ کند.

این حفظ سرمایه با ادامه تلاش همراه با مدیریت سرمایه و روانشناسی، ناگزیر، سود را با خودش خواهد آورد.

اهداف مشق فن:

- 1_ فازبندی کل مجموعه (مطالب قدیم و جدید) در قالب یک کتاب و یک فیلم.
- 2_ ارائه یک پلن تست شده به فرد مبتدی تا با کمترین هزینه (زمان و نقدینگی)، بازار را تجربه نماید.
- 3_ ارائه سیستم معاملاتی شامل چند ترید در یک موقعیت، که هر شخص با هر تکنیک و سلیقه ای (واگرایی- تحلیل زمانی- شکست سطوح- باکس- فیبو- فرکتال- مولتی تایم- ورود از قله و دره...) و در هر بازاری، و در هر تایم فریمی، بتواند از آن استفاده نماید.
- 4_ ارائه سیستم ترکیبی به صورت ساده و شکل گرا که موقعیت های خوب سبک های متفاوت (ایچی- پرایس- اندیکاتور-NDS...) را پوشش می دهد.
- 5_ اگر چه در ابتدا شخص مبتدی، در گیر سه سیستم و ترکیب آنها می شود، اما در پایان در صورت موفقیت، سبک تعادل به او ذهنیتی داده است که می تواند بدون هیچ افزونه ای، یعنی فقط با قیمت، تحلیل و ترید نماید.
- 6_ آرامش در ترید که حاصل وین ریت بالا، ریسک به ریوارد خوب و موقعیت های فراوان ستاپ های سبک است، مانع از به خطر انداختن سرمایه با ریسک های بی مورد می باشد ...

کارنامه نهایی مشق سبک تعادل، رفتار شناسی قیمت است و در آن، قطعیت مردود است.

قبل از ورود به فاز اول، تکالیف زیر را انجام دهید.

1_ فیلم یا فایل مربوط به آشنایی با بازار فارکس را در اینترنت سرچ کرده و مشاهده یا مطالعه بفرمایید تا با مفاهیم آن (جفت ارز- حد سود- حد ضرر- لات - پیپ- تایم- لوریج - ساعات فعالیت بازارهای مالی-...) آشنا شوید.

اگر هر مطلب یا اصطلاحی، در ابتدا برایتان نامفهوم است فعلا از آن رد شوید. به اندازه کافی زمان برای آموختن و تجربه کردن در طول دوره، بدون ریسک کردن و استرس، دارید.

2_ با سرچ در اینترنت یک بروکر(کارگزاری) را انتخاب نماید. با راهنمایی پشتیبان بروکر، می توانید یک کابین شخصی داشته باشید تا با آن، حساب معاملاتی بسازید و آن را شارژ کنید و در این صورت امکان ترید(معامله) در بازار مالی را خواهید داشت. با توجه به این که فعلا حساب شما از نوع دمو یا از نوع سنتی با حداکثر سرمایه 10 دلار می باشد، پس نوع بروکر مهم نیست.

انشاا.. بعد از موفقیت در این بازار، حال با توجه به مقدار سرمایه، نوع ترید و بازاری که در آن می خواهید فعالیت نماید و تحقیقی که در این مدت در مورد بروکرها انجام داده اید، بروکر مناسب را انتخاب خواهید نمود.

پس در این مرحله صاحب یک حساب دمو یا سنتی که با 10 دلار شارژ کرده اید هستید.

3_ فیلم یا فایل آشنایی با نرم افزار متاتریدر را در اینترنت سرچ نمایید و مشاهده یا مطالعه کنید؛ تا بتوانید :

به حساب تان وصل شوید.

با نحوه ترید و گذاشتن حد سود و حد ضرر و تعیین لات ترید، آشنا شوید.

اندیکاتور را در چارت بیاورید و تنظیماتش را تغییر دهید و تمپلیت را پیاده سازی نمایید.

تاریخچه ترید های گذشته را بررسی کنید ...

باز هر چه که برایتان فعلا نامفهوم است رهايش کنید و يا از پشتيبان بروکرتان راهنمایی بخواهید. بعضی از مطالب، شاید هیچ وقت به کارتان نیاید و اگر دانستن آن مفید و لازم باشد، فرصت در مسیر برای یادگیری آنها زیاد است.

تصور این که همه موارد را باید مسلط باشید تا به سود برسید، باور اشتباهی است که زمان و انرژی زیادی را از شما خواهد سوزانید.

با انجام تکالیف فوق، الان در شرایطی هستید که می دانید فارکس بزرگترین بازار جهان با بیشترین مقدار نقدینگی می باشد. همان طور که رویای موفقیت در آن شیرین است، بی حساب و کتاب به دل این اقیانوس زدن هم نابودگر است.

در واقع با ورود به این بازار مثل هر بازاری، ریسک آن را از قبل پذیرفته اید. معامله در فارکس (و بورس- کریپتو) را به عنوان یک دانش و مهارت، مثل سایر شغل ها در نظر گرفته اید که با سعی و تلاش با طی زمان می توان در ابتدا، ریسک آن را محدود و معقول کرد و سپس به سود رسید.

همچنین در ادامه، حساب باز کرده اید و به حسابتان در نرم افزار وصل شده اید و به راحتی با نرم افزار می توانید کار کنید و با محیط آن مانوس هستید.

حال منتظر یک سبک معاملاتی مشخص می باشید.

هر جا احساس کردید در این کتاب یا فیلم مشق فن، مطلبی نیاز به توضیح یا مثال بیشتر دارد، می توانید سه کتاب و هشت فیلم قبلی مجموعه که در سایت فراچارت بارگذاری شده است را به عنوان مرجع، ملاحظه نمایید.

در مجموعه سبک تعادل موارد زیر را عنایت داشته باشید:

_ توضیحات مربوط به هر شکل، قبل از آن شکل بیان شده و خاتمه می یابد.

در واقع سعی شده است که توضیح و شکل مربوط، در یک صفحه باشند.

_ اگر نوشته شده است، سطحی تاج می شود، شروع روند داریم، سویچ زده خواهد شد و ... به معنی تاج صد در صدی یا برگشت حتمی... نیست.

اگر چه همه ستاپ ها، در گام اول، در گذشته بازار بررسی شده اند و سپس با ترید، تست شده اند، اما بررسی وین ریت ستاپ ها، با افراد استفاده کننده می باشد.

_ منظور از تغییر روند، برگشت قیمت در حد یک لگ از پترن N، و نه تغییر روند کلی می باشد.

با تشکر فراوان از مدیریت محترم نشر قدیس و سایت فراچارت که زحمت چاپ و نشر مجازی این مجموعه را تقبل نمودند.

سپاسگزار مانا و مهیار هستم؛ که اگر همیاری و دلگرمی این عزیزان نبود، مجموعه سبک تعادل شکل نمی گرفت.

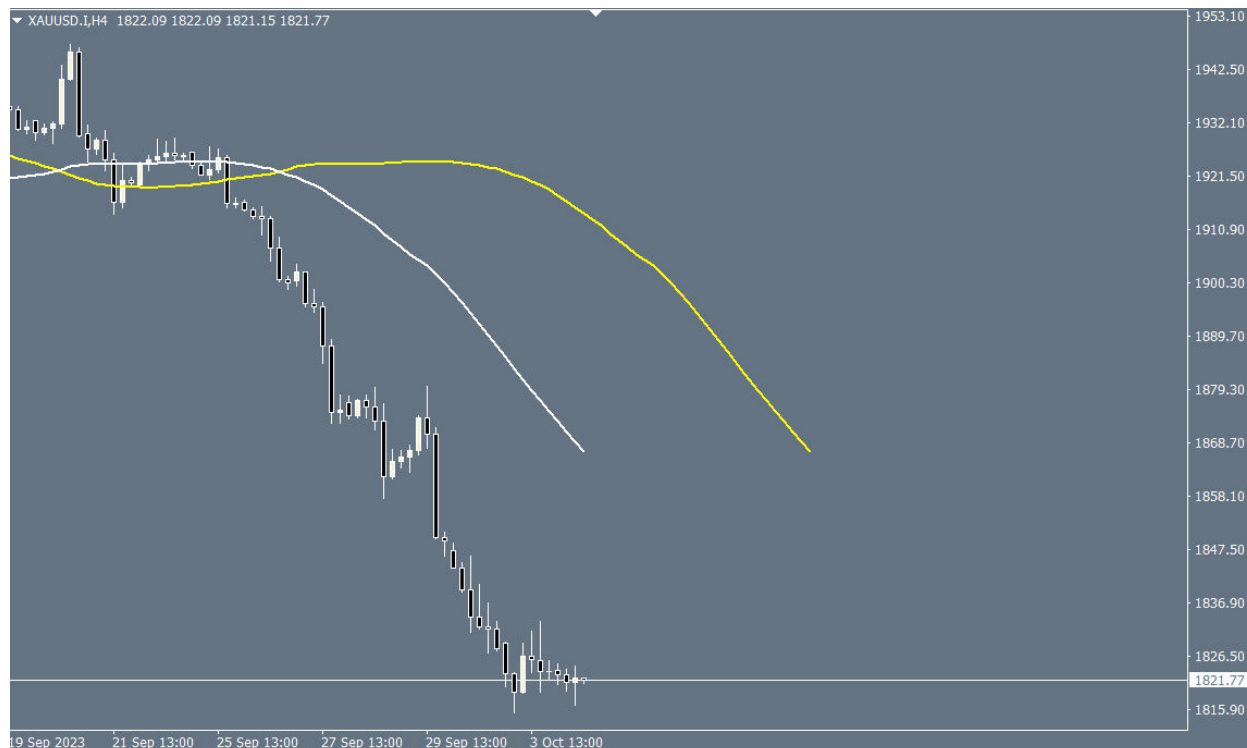
فاز اول

پولبک

آماده سازی تمپلیت

چارت را طبق مراحل نشان داده در شکل تنظیم نمایید.



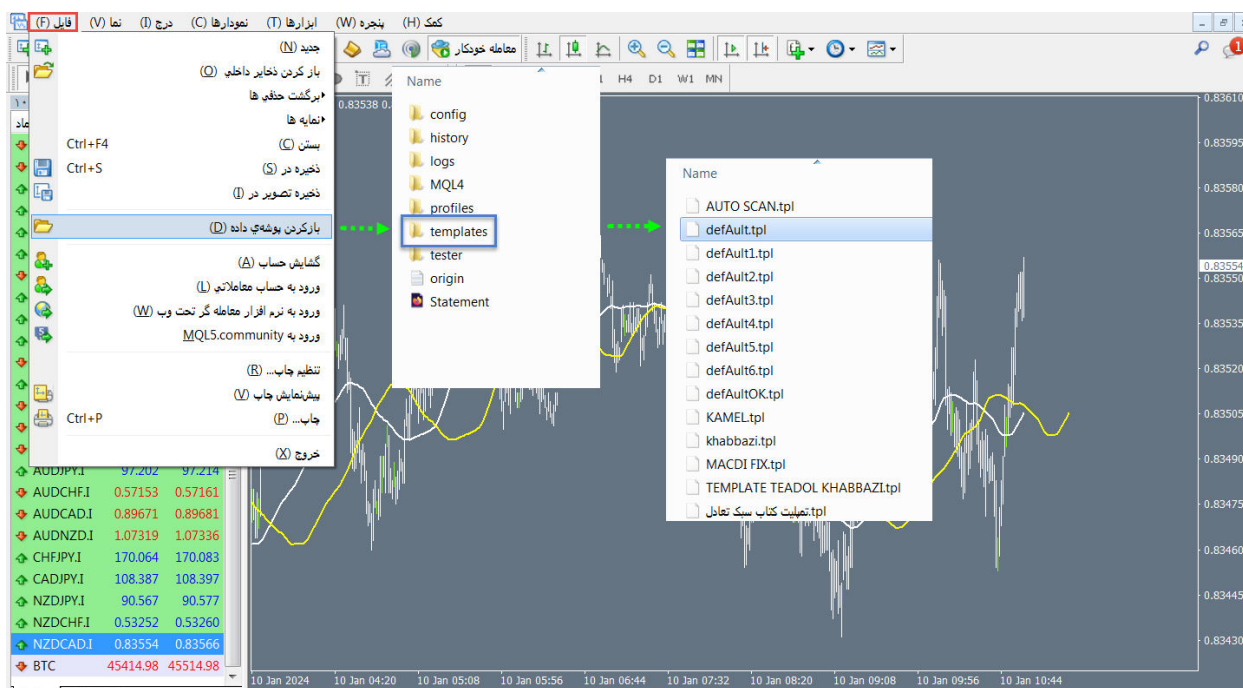


موینگ سفید 26 کندل به سمت جلو شیفت داده شده است تا به کراس این دو موینگ (سویچ تعادلی) جنس زمان نیز داده شود.

اگر می خواهید از تمپلیت آماده استفاده نمایید، تمپلیت را از سایت فراچارت، دانلود نمایید و آن را از منوی فایل از قسمت پوشه داده در پوشه تمپلیت کپی کنید.

با راست کلیک در چارت، توسط گزینه الگو، این تمپلیت را انتخاب نمایید. سپس برای هر فاز، اندیکاتورهای اضافی را حذف نمایید تا تمپلیت، دقیقا آن چیزی باشد که در آن فاز نیازش دارید.

نام تمپلیتی که ساخته یا دانلود نموده اید را به DFAULT تغییر دهید تا تمپلیت پیش فرضتان باشد و هر چارتی که باز می کنید؛ همین قالب را به خود بگیرد.



آموزش

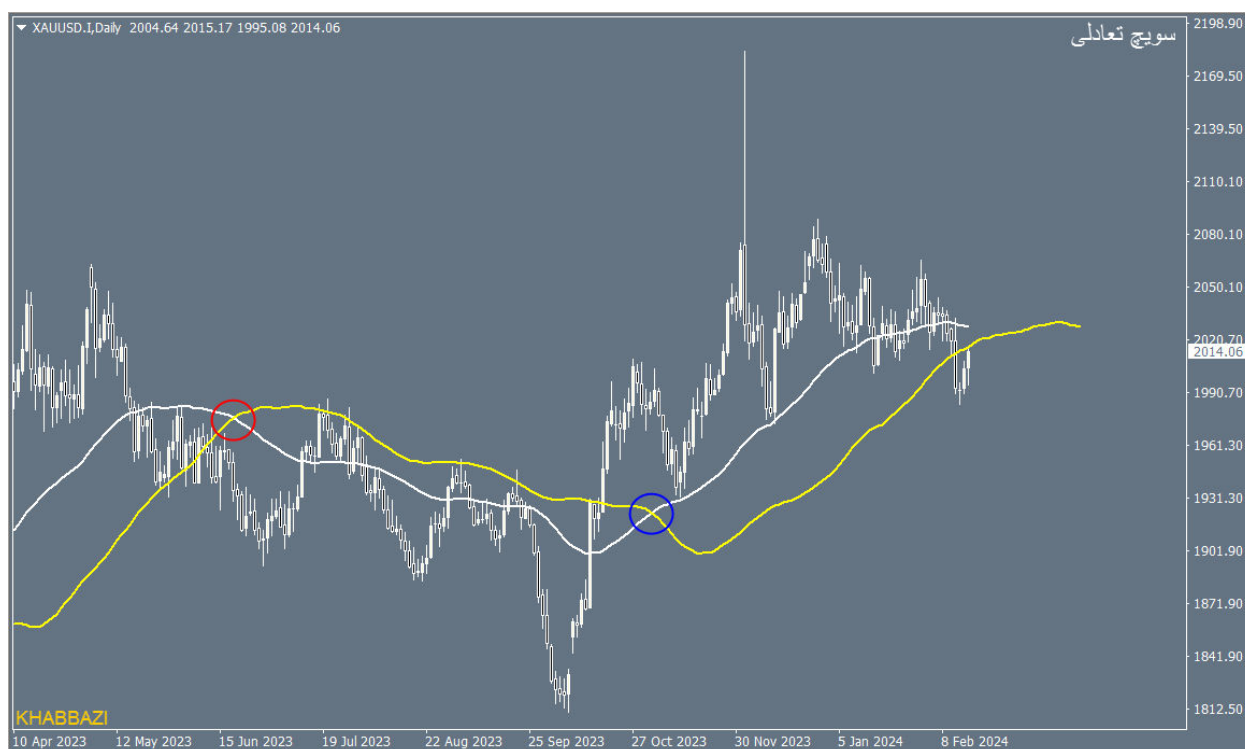
رسم ابزار تعادلی

سویچ تعادلی

به کراس دو موینگ سویچ تعادلی می گوییم. ابزار تعادلی (فیبو و باکس و کانال) بر روی این سویچ پیاده شده تا گام های حرکتی مشخص شود.

فضای بین دو موینگ، ابر یا کومو تعادلی نام دارد.

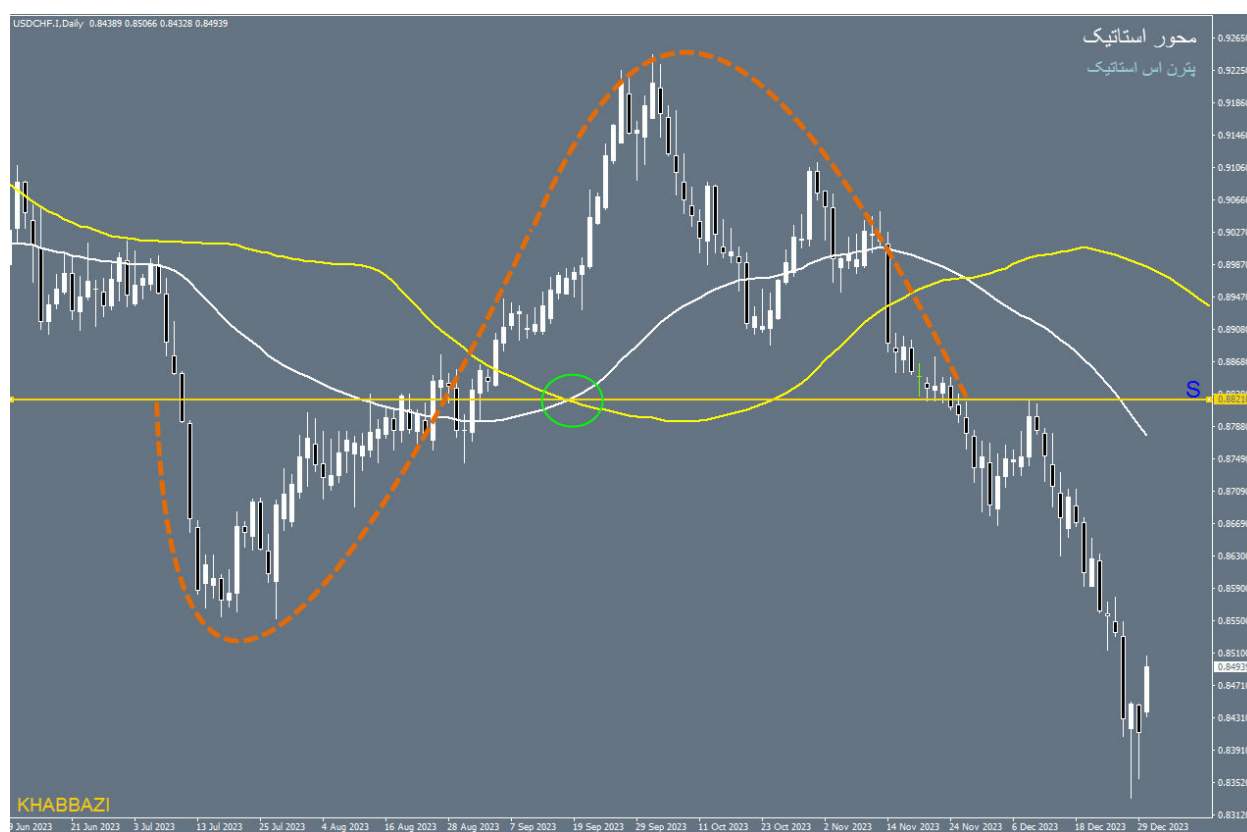
اگر موینگ سفید، موینگ زرد را به سمت بالا کراس کند، سویچ تعادلی از نوع صعودی (دایره آبی) و اگر به سمت پایین کراس کند، سویچ تعادلی از نوع نزولی (دایره قرمز) خواهد بود.



محور تعادل استاتیک

خط افقی که از سویچ تعادلی عبور می کند، به عنوان محور تعادل استاتیک است؛ زیرا قیمت حول آن چرخیده و تشکیل پترن **S** استاتیک را می دهد.

منظور از استاتیک این است که چارت در یک سطح افقی یعنی در یک قیمت، سایکل(سیکل-چرخه) خود را باز و بسته می نماید.



ابزار تعادلی

از هر منظر که به چارت نگاه کنید، حرکت قیمت، رد یا یا سطوحی بر جای می گذارد. هر سبکی به روش خاص خود، سعی در نمایش این اثر قیمت در چارت، جهت پیش بینی آن، یا شکست آن، یا پولبک بعد از شکست آن، یا برگشت به آن، جهت بستن چرخه قبلی و شروع یک چرخه جدید و یا ... را دارد.

سبک تعادل با ابزار تعادلی اش به صورت نقطه ای، در هر زمان در هر چارتی و هر تایمی، این سطوح را به شما نشان می دهد. پس این سبک می تواند به صورت مستقل و یا در کنار استرژژی شخصی اتان استفاده شود.

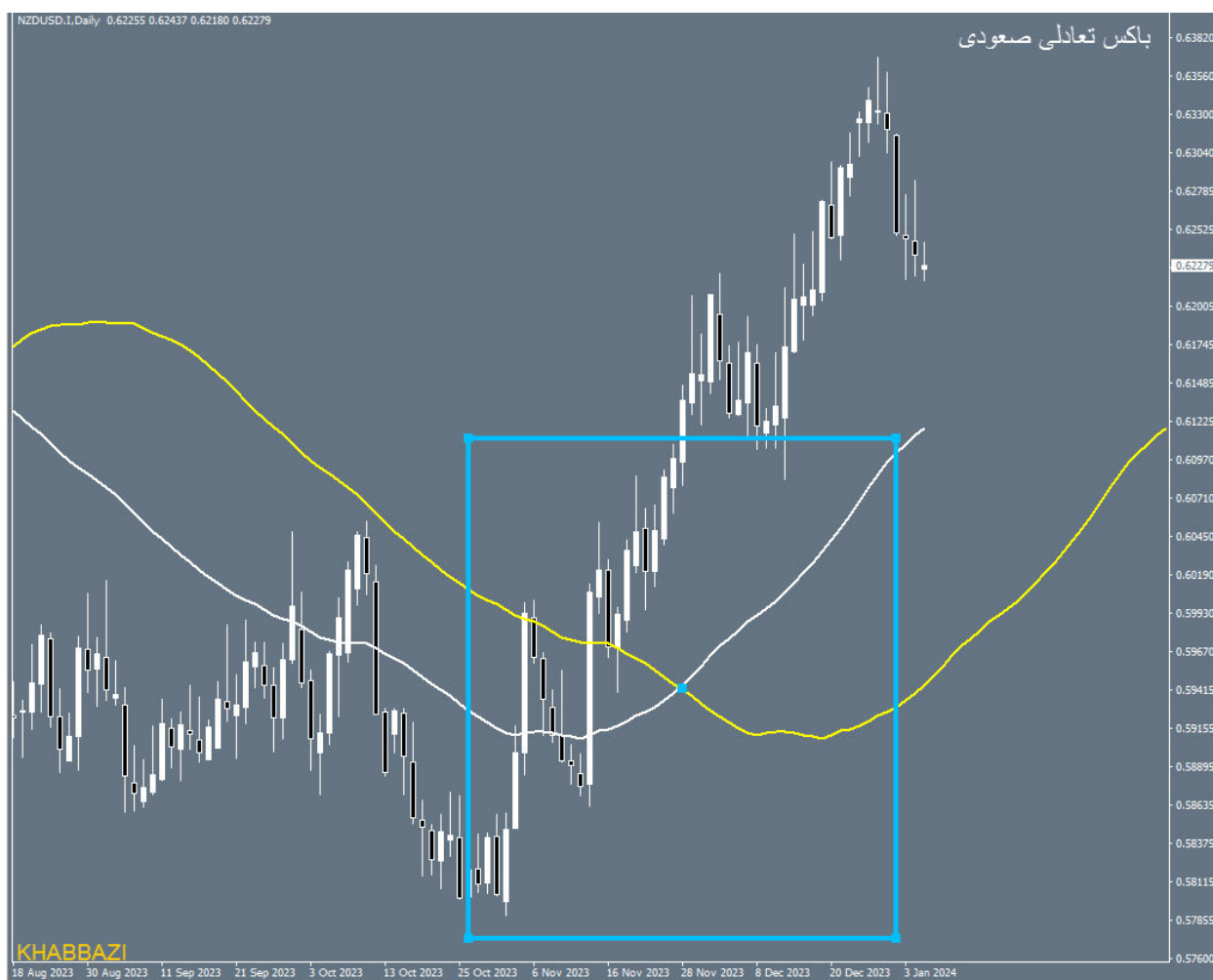
فیبو تعادلی، فیبو کانال تعادلی، باکس تعادلی و کانال تعادلی، چهار ابزار تعادلی می باشند که با محوریت سویچ تعادلی، تحلیل قیمتی و زمانی چارت را به عهده دارند.

1_ باکس تعادلی

باکس تعادلی صعودی

بر روی باکس در نوار ابزار کلیک کرده و موس را در حالت کلیک نگه می داریم. سپس بر دره شروع روند(سوینگ) کلیک کرده، موس را به سمت بالا کشیده، سپس آن را رها می کنیم. در ادامه، راس بالایی(سمت راست) باکس را با موس جابجا می کنیم تا مرکز باکس دقیقاً بر روی سویچ تعادلی قرار گیرد.

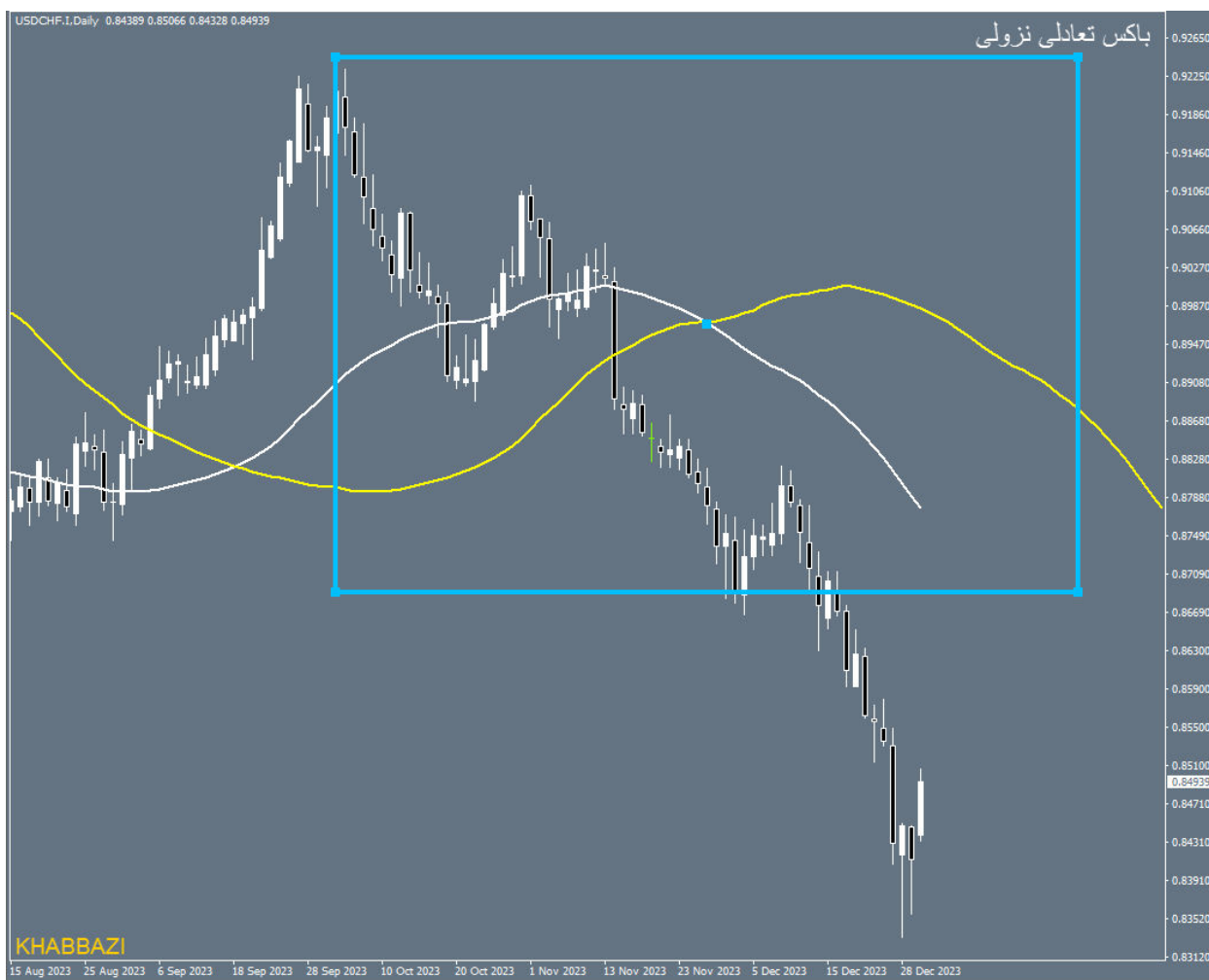
دقت شود در ترسیم باکس عرض(ارتفاع) یعنی قیمت، و نه طول(امتداد افقی-زمان) آن مهم است. یعنی بعد از رسم باکس، می توان امتداد افقی آن را تغییر داد و در این صورت، سطوح مهم آن یعنی مرکز و انتهای باکس، تغییر نخواهد کرد.



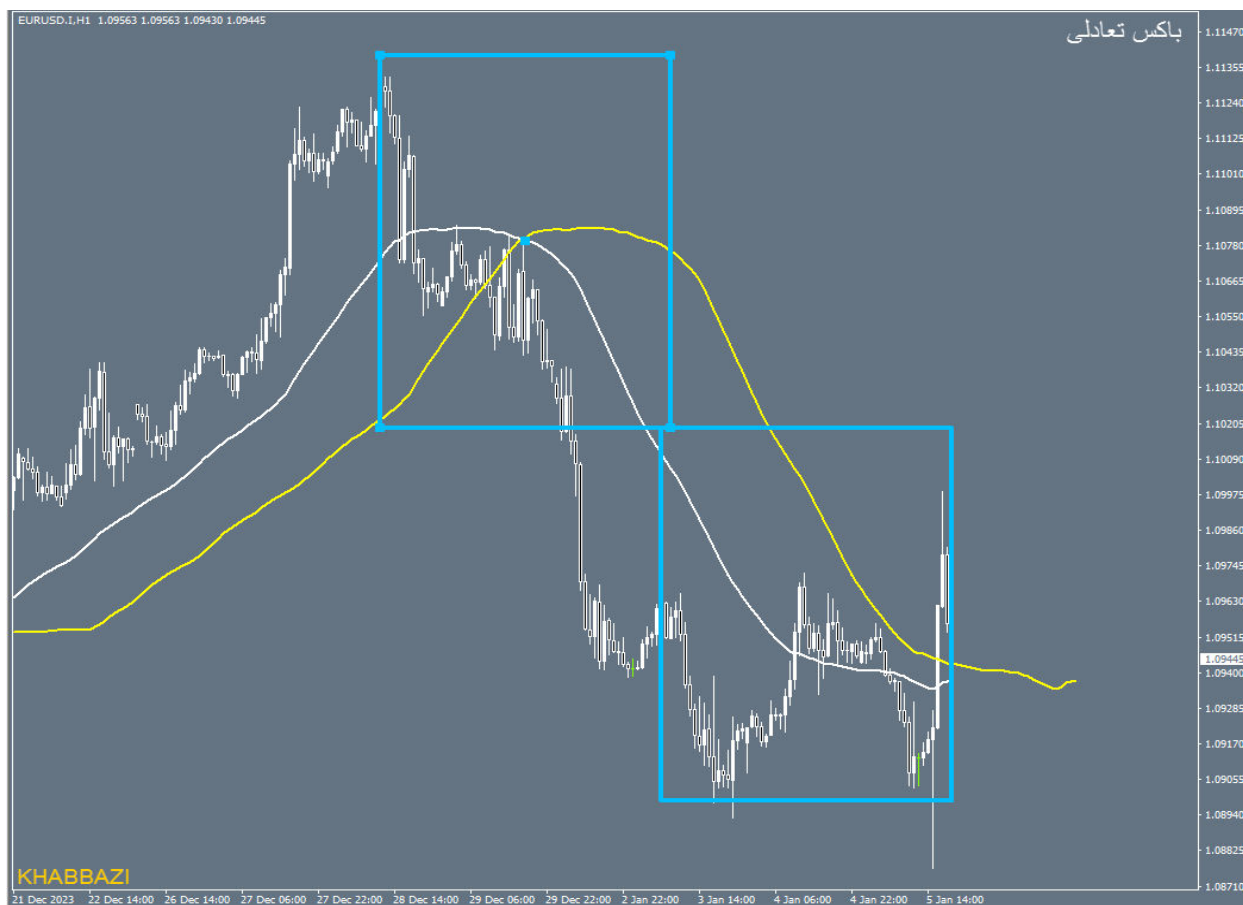
باکس تعادلی نزولی

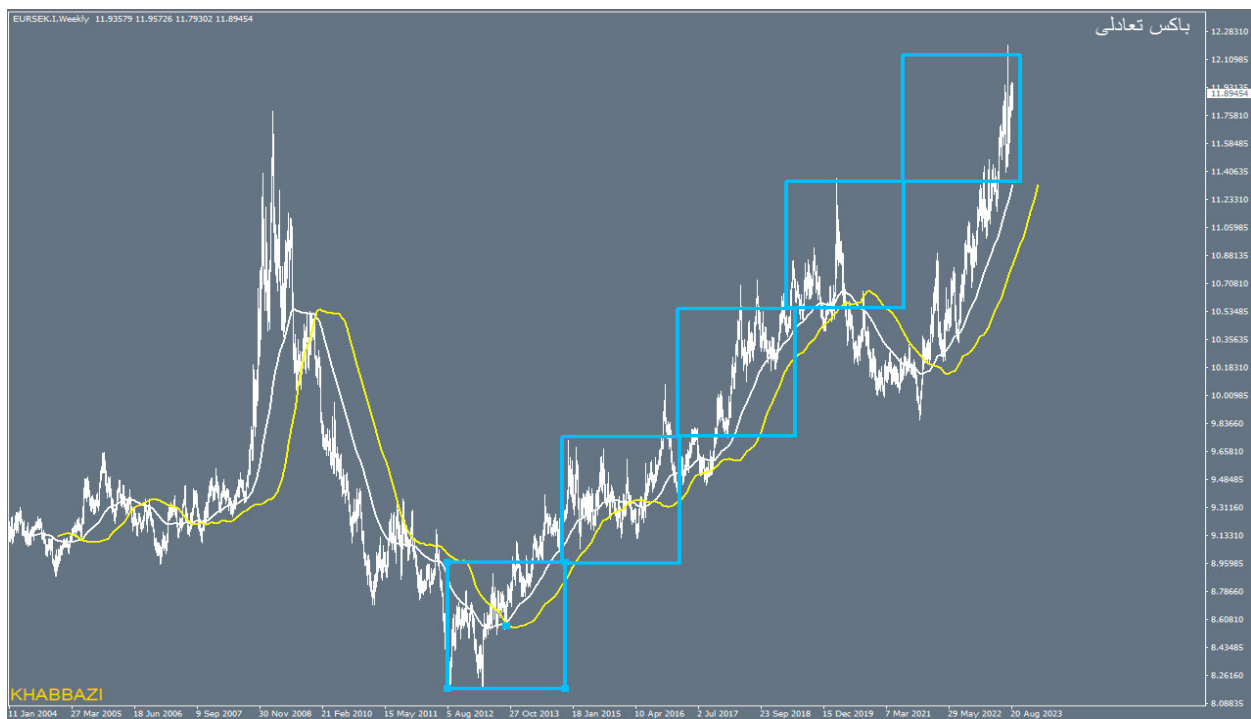
بر روی باکس در نوار ابزار کلیک کرده و موس را در حالت کلیک نگه می داریم. سپس بر قله شروع روند یا چرخش قیمت، کلیک کرده، موس را به سمت پایین کشیده، سپس آن را رها می کنیم.

در ادامه، راس پایینی(سمت راستی) باکس را با موس جابجا می کنیم تا مرکز باکس دقیقاً بر روی سویچ تعادلی قرار گیرد.



باکس ها می تواند بر روی سویچ تعادلی لایو بازار، یعنی نزدیک ترین سویچ به قیمت یا سویچ اول روند و یا هر سویچی بین این دو سویچ، رسم شوند و سپس با نگه داشتن کلید کنترل کیبرد، کپی شده و بر روی هم قرار گیرند تا سطوح تعادلی مشخص شود.





2_ فیبو تعادلی

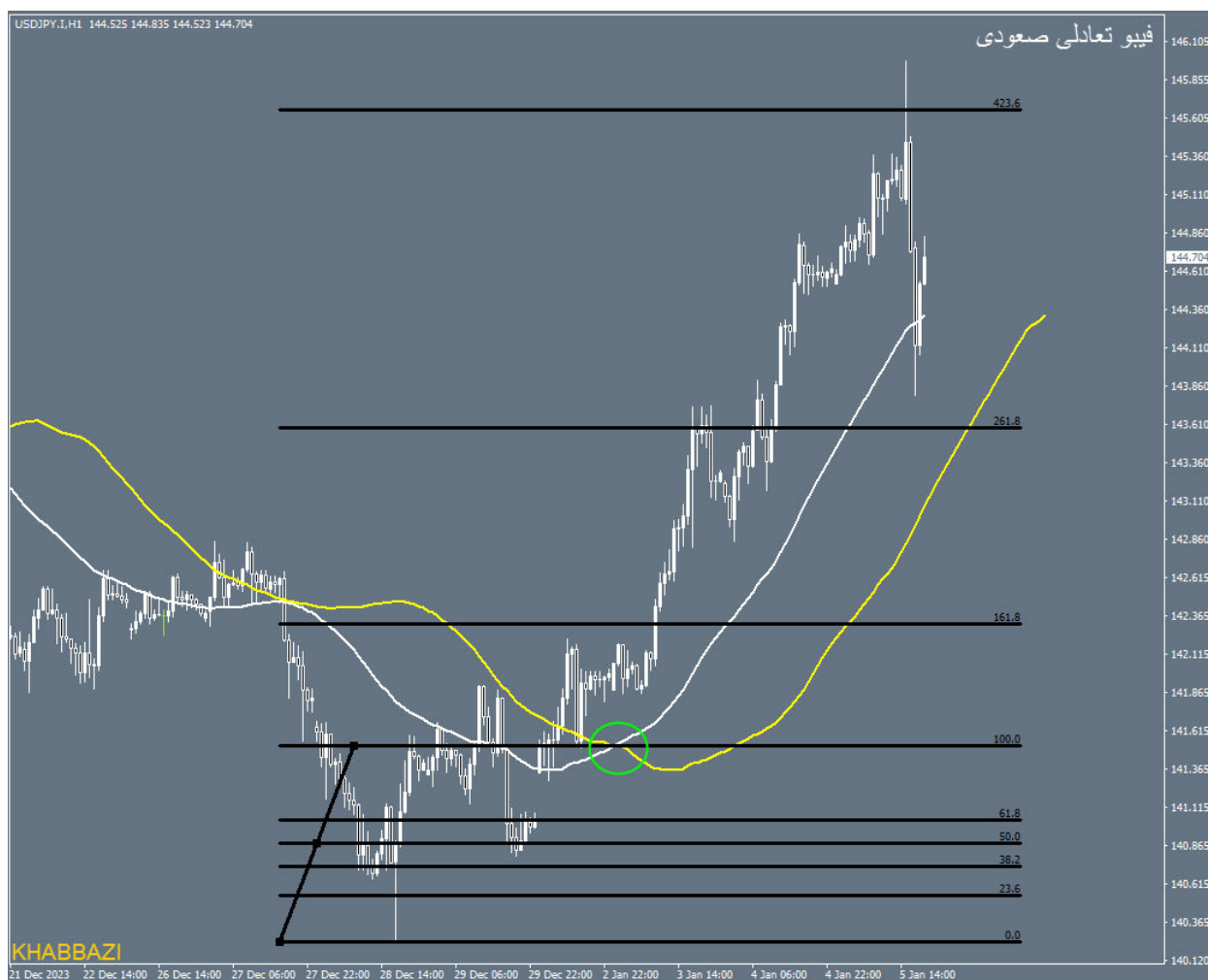
تنظیمات فیبو تعادلی :

توازن	توصیف
0	0.0
0.236	23.6
0.382	38.2
0.5	50.0
0.618	61.8
1	100.0
1.618	161.8
2.618	261.8
4.236	423.6
6.856	685.6
11.089	1108.9

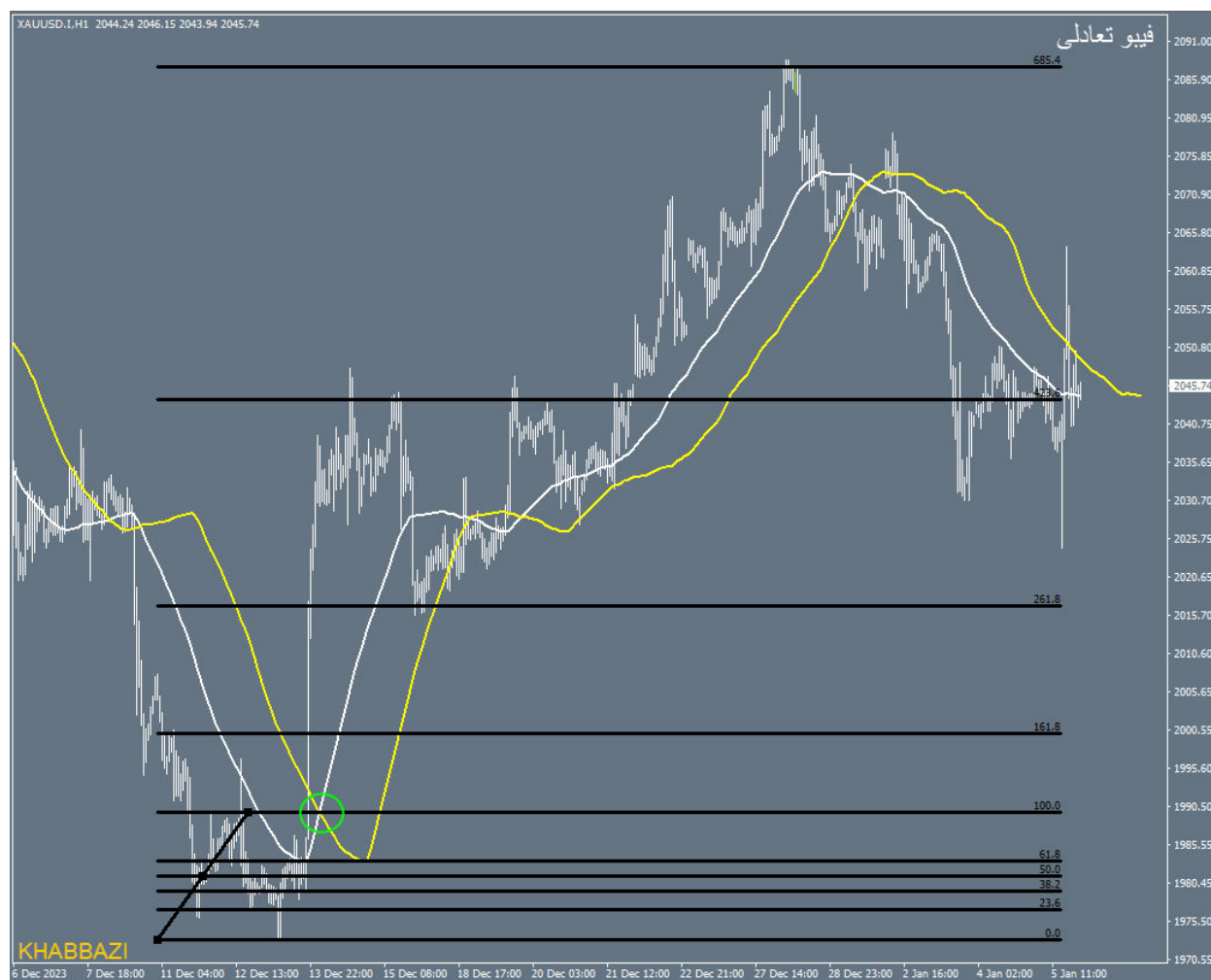
فیبو تعادلی صعودی

بر روی فیبو در نوار ابزار کلیک کرده و موس را در حالت کلیک نگه می داریم. سپس بر مرکز سویچ تعادلی کلیک کرده و موس را، به سمت پایین بر روی دره کشیده و سپس آن را رها می کنیم.

در این صورت سطح صد از فیبو بر روی مرکز کراس موینگ ها و سطح صفر آن بر دره قرار گرفته است.



فیبو تعادلی مانند باکس تعادلی می تواند بر روی سویچ لایو، سویچ ابتدای روند و یا هر سویچ بین این دو سویچ رسم شود.

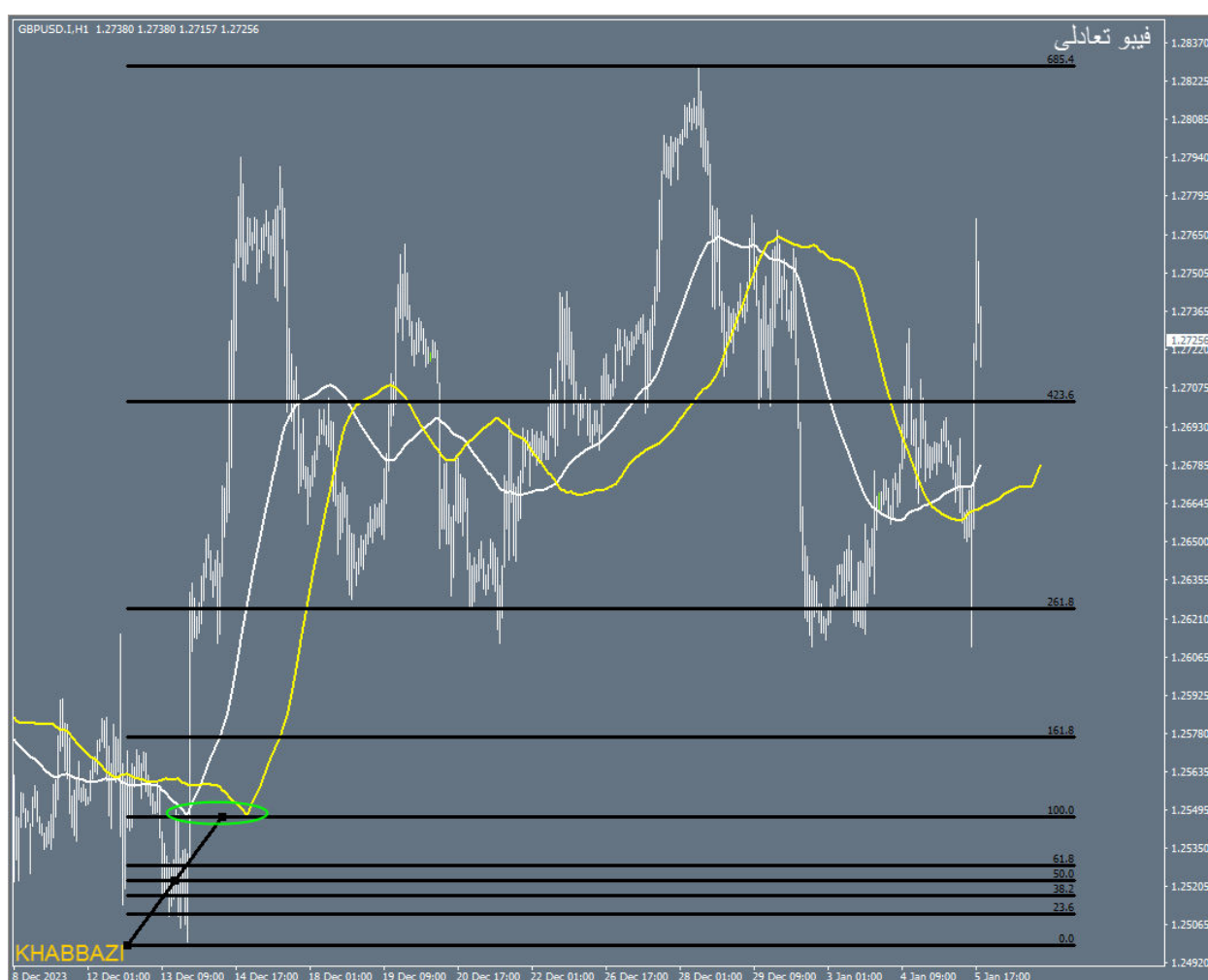


در مواردی که سایر ابزار تعادلی، بر یک سطح، هم پوشانی دارند اما فیبو تعادلی، هم پوشانی ندارد، می توان بر روی سویچ تعادلی، فیبو تعادلی به صورتی رسم نمود که سطح صد آن بر روی محل چرخش موینگ ها، به جای نقطه کراس موینگ ها باشد.

در واقع مثل ناحیه مقاومتی یا حمایتی در پرایس اکشن، اینجا نیز با تغییر محل سطح صد از فیبو از سویچ تعادلی تا محل چرخش موینگ، یک محدوده به جای یک خط برای سطح تعادلی بدست می آید.

البته نقطه ای برای سطح صد ملاک است که سایر ابزار با هم پوشانی اشان، آن را تایید کنند.

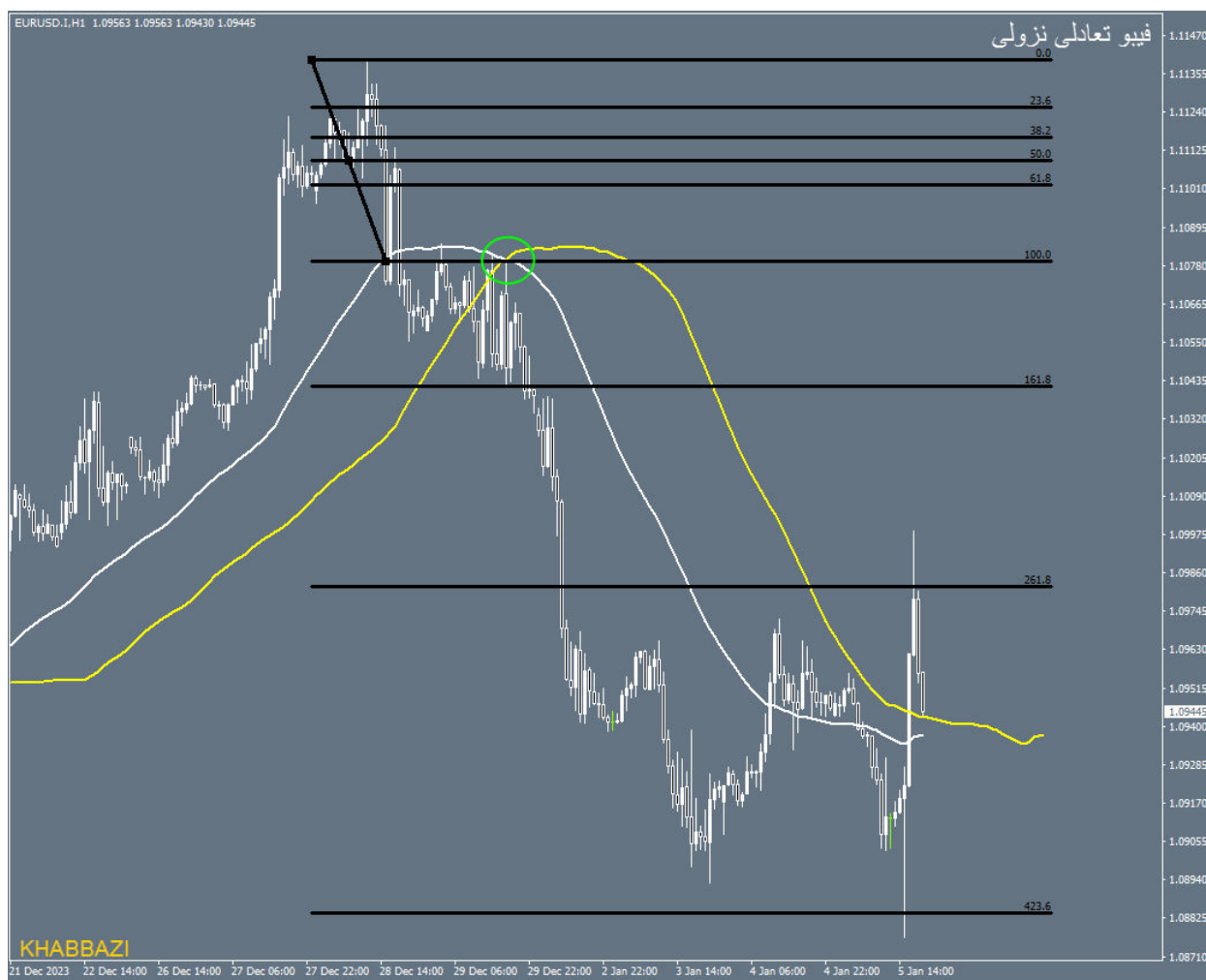
برای رسم فیبو با توجه به شرایط به دست آمده از سایر ابزار تعادلی، دو نقطه سویچ و محل چرخش موینگ ها، به عنوان ناحیه صد از فیبو کفایت می کند.



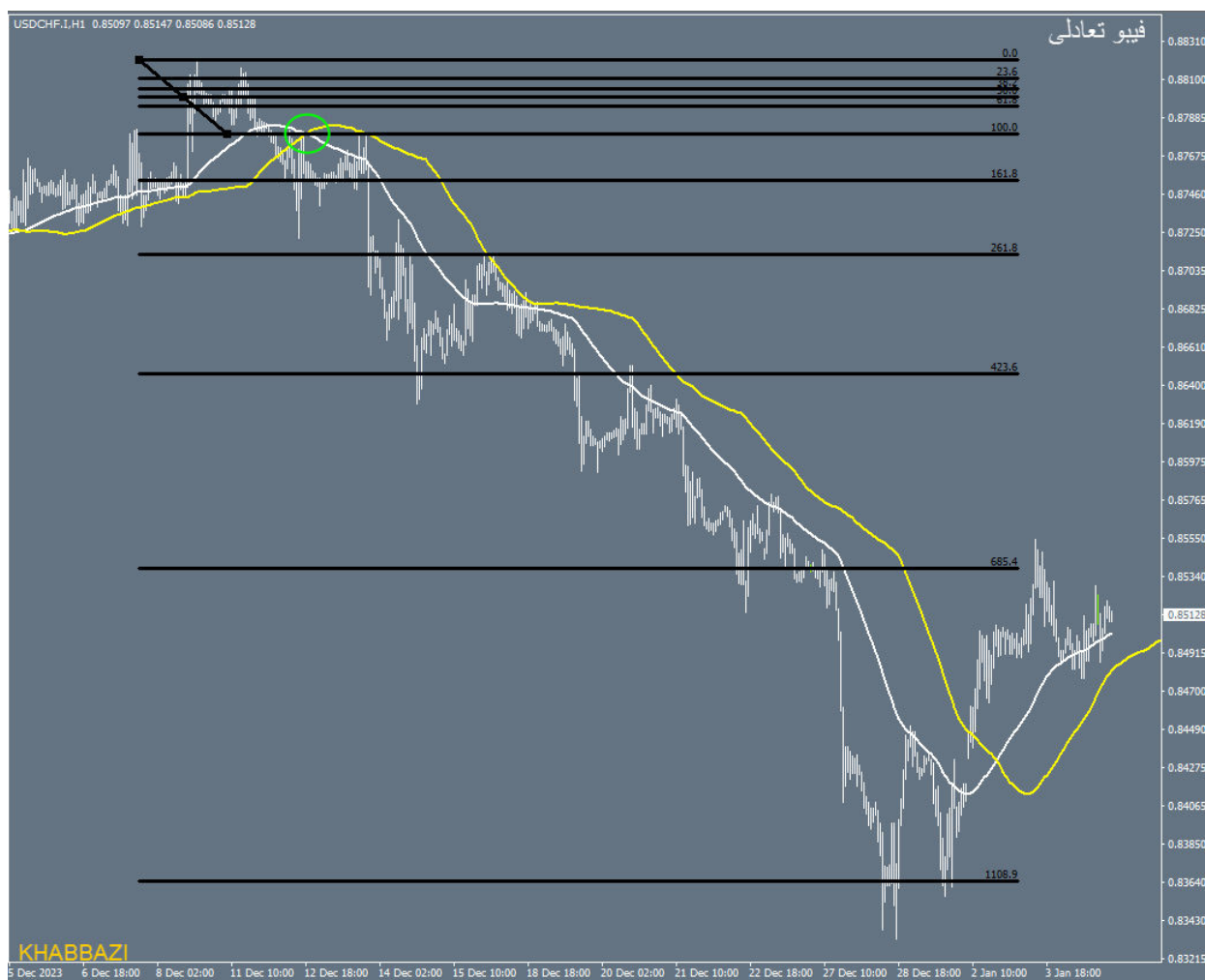
فیبو تعادلی نزولی

بر روی فیبو در نوار ابزار کلیک کرده و موس را در حالت کلیک نگه می داریم. سپس بر مرکز سویچ تعادلی کلیک کرده و موس را به سمت بالا بر روی قله کشیده و سپس آن را رها می کنیم.

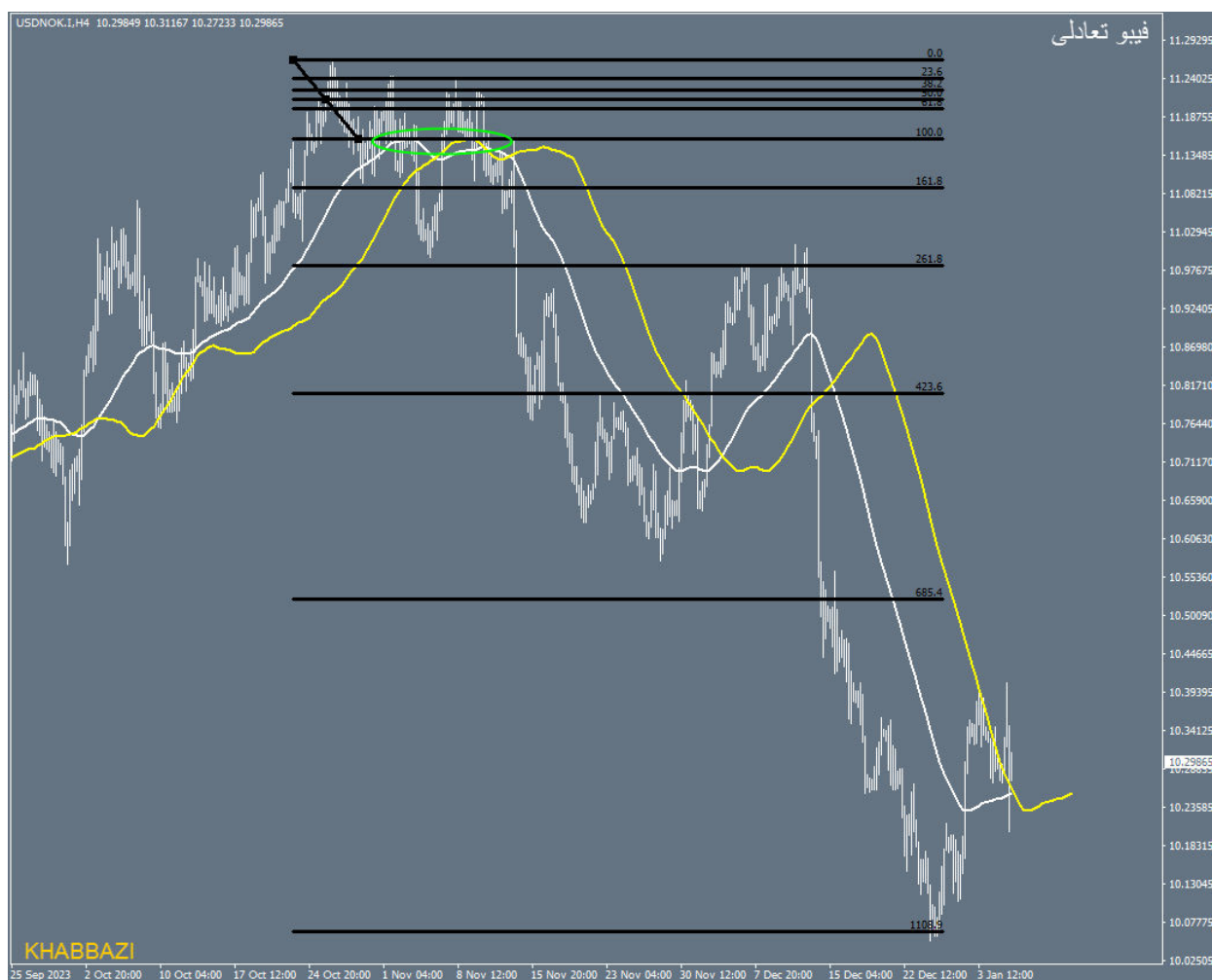
در این صورت سطح صد از فیبو بر روی مرکز کراس موینگ ها و سطح صفر آن بر قله قرار گرفته است.



فیبو تعادلی مانند باکس تعادلی می تواند بر روی سویچ لایو، سویچ ابتدای روند و یا هر سویچ بین این دو سویچ استفاده شود.



همچنین می توان فیبو تعادلی به صورتی رسم کرد که سطح صد آن بر روی محل چرخش موینگ ها، به جای نقطه کراس موینگ ها، باشد.



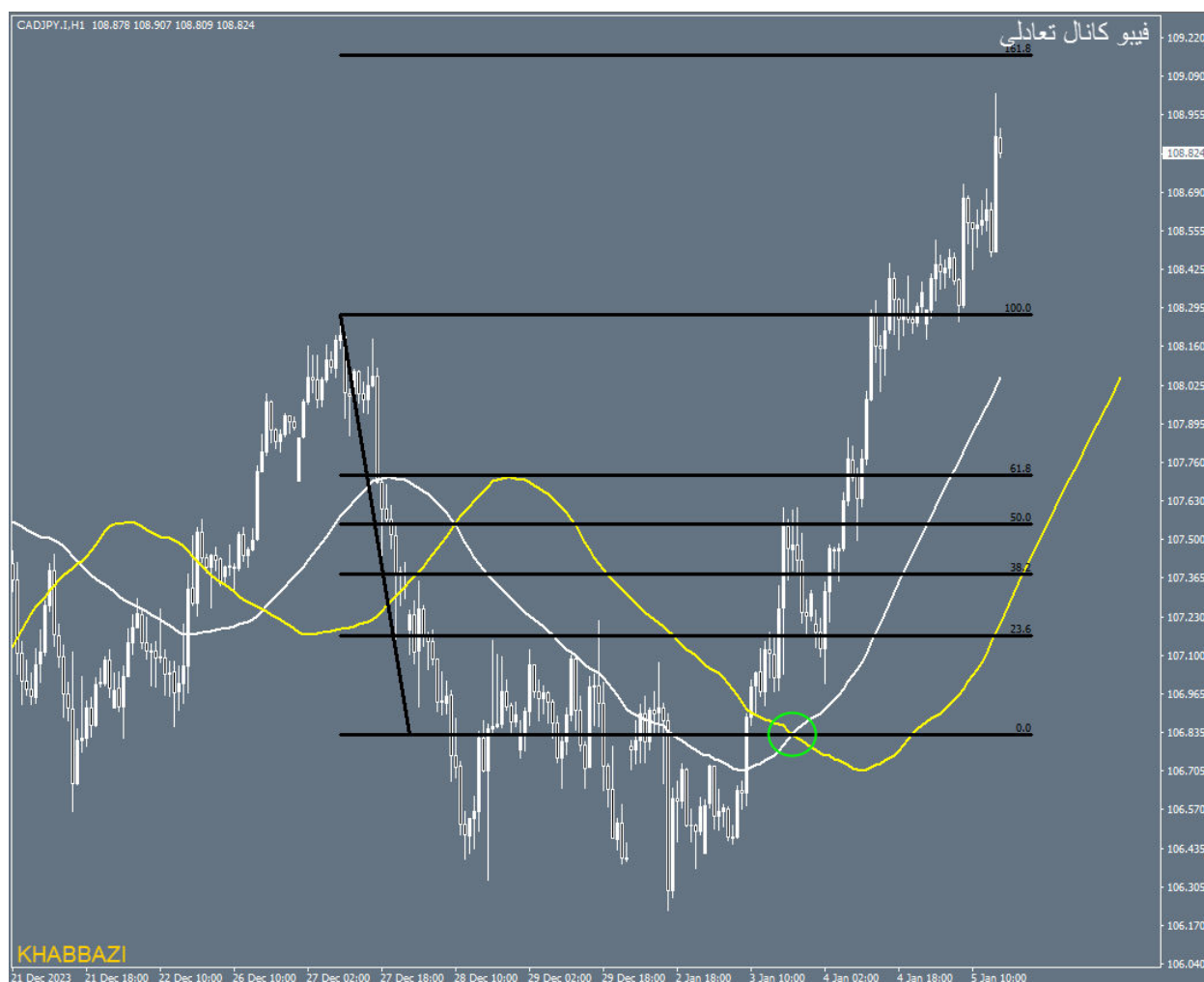
3_ فیبو کانال تعادلی

هدف اصلی از رسم فیبو کانال تعادلی، استفاده از آن برای ترسیم کانال تعادلی می باشد. سطوحی از این فیبو که کندل همزمان در گیر با آن و کانال تعادلی می شود، اعتبار بیشتری دارد.

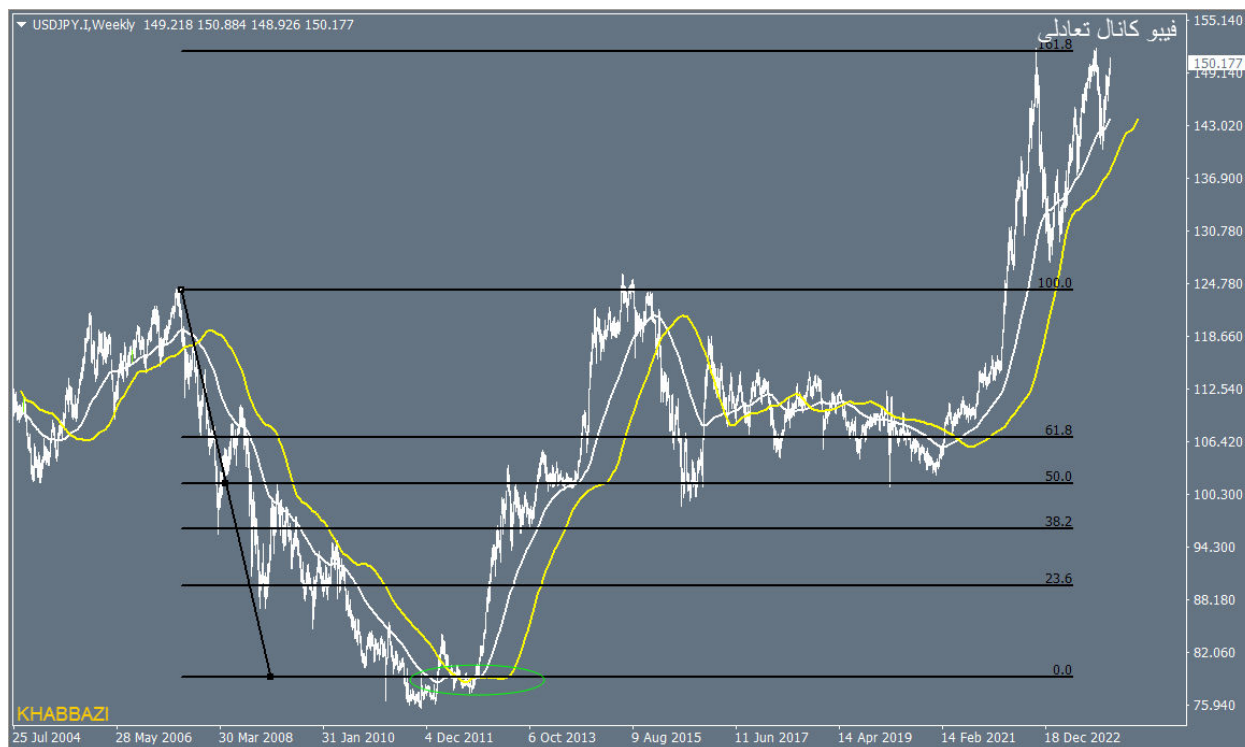
فیبو کانال تعادلی صعودی

وقتی سویچ تعادلی صعودی زده می شود، سطح صد از فیبو را بر روی قله قبل از دره مربوط به سویچ قرار داده و سطح صفر را بر روی سویچ تعادلی می گذاریم.

در واقع یک فیبو معمولی بر روی قله تا دره قبلی می اندازیم سپس سطح صفر آن را بر روی سویچ مورد نظر قرار می دهیم.



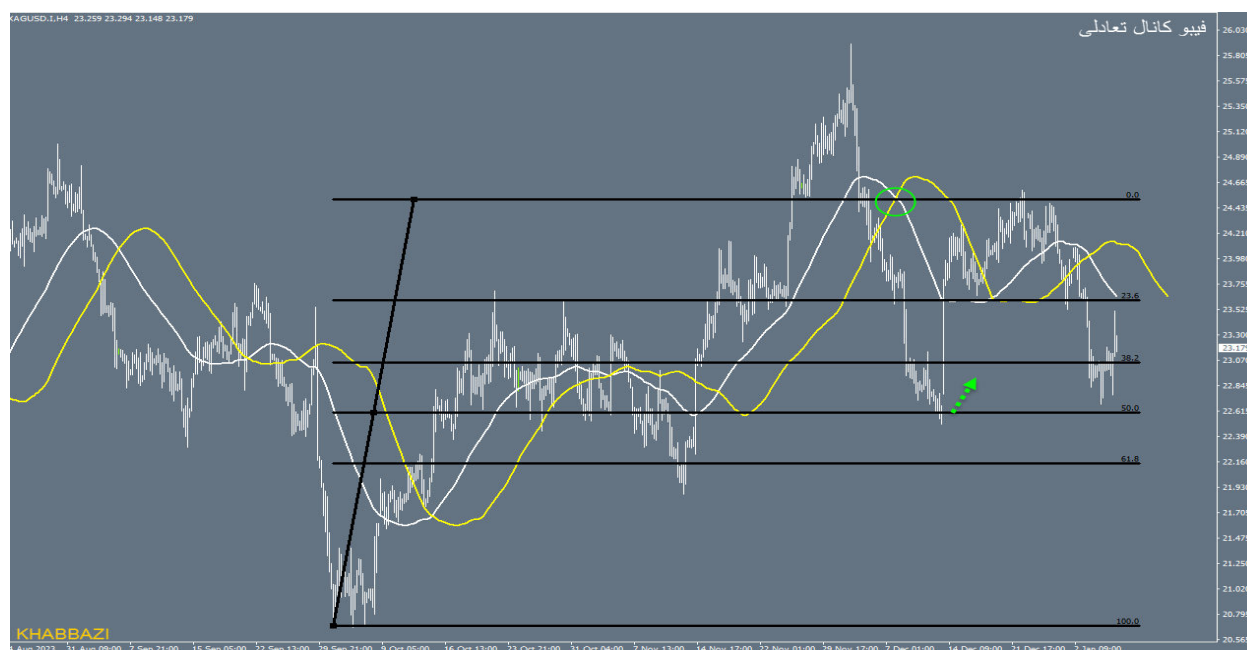
از این فیبو نیز می توان برای سویج ابتدای روند استفاده نمود تا انتهای روند را نشان دهد.



فیبو کانال تعادلی نزولی

وقتی سویچ تعادلی نزولی زده می شود، سطح صد از فیبو را بر روی دره قبل از دره مربوط به سویچ قرار داده و سطح صفر را بر روی سویچ تعادلی می گذاریم.

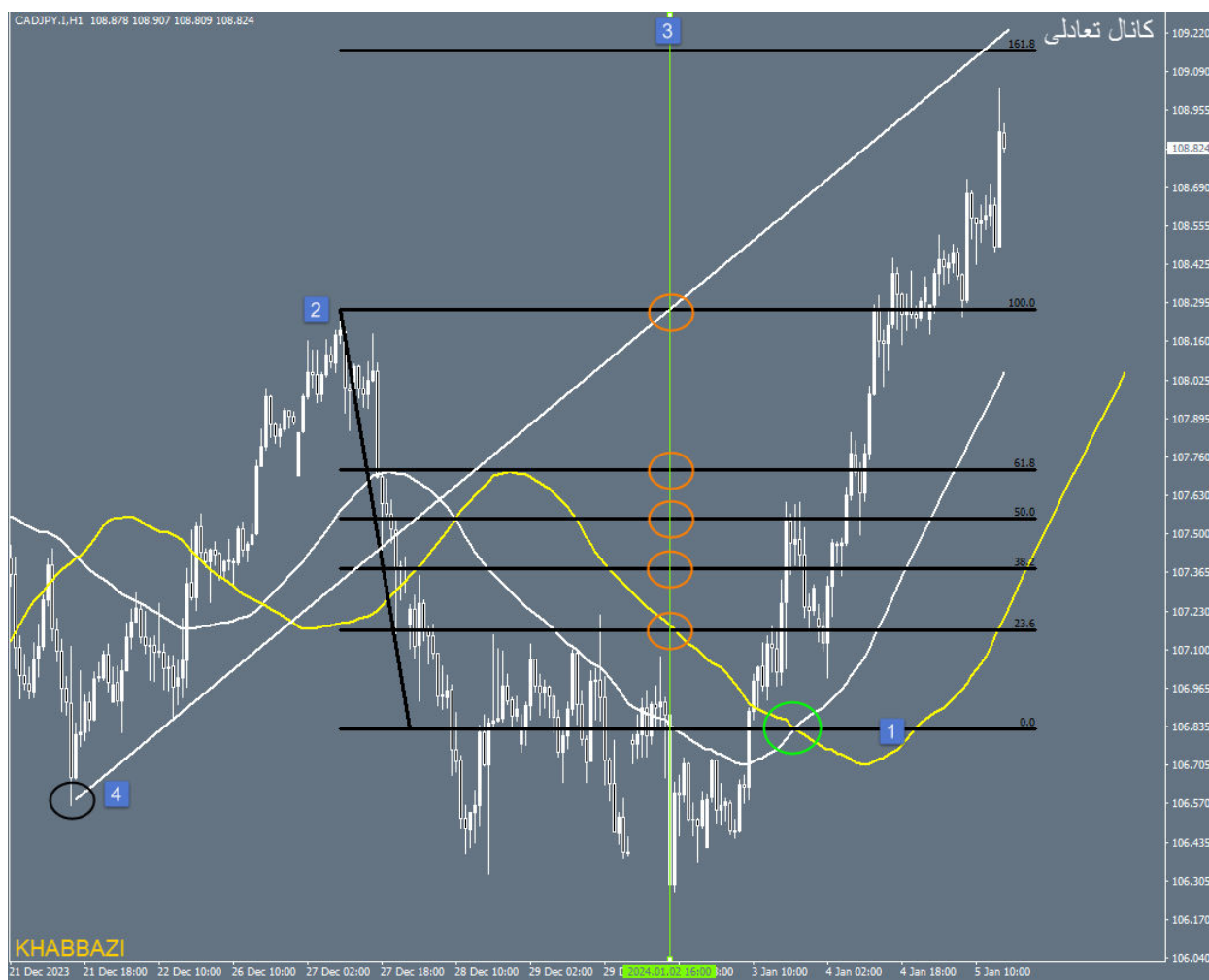
در واقع یک فیبو معمولی بر روی دره تا قله قبلی می اندازیم سپس سطح صفر آن را بر روی سویچ مورد نظر قرار می دهیم.



4_ کانال تعادلی

کانال تعادلی صعودی

در ابتدا فیبو کانال تعادلی را بر روی سویچ تعادلی صعودی (شماره 1) رسم می کنیم در این صورت تراز صد از فیبو بر روی قله قبل (شماره 2) و صفر فیبو از این سویچ (شماره 1) عبور خواهد کرد. حال خط عمود را بر روی کندل مربوط به دره این سویچ (شماره 3) می اندازیم. از دره ما قبل از قله شماره 2، یعنی دره شماره 4، می توان برای هر محل کراس خط شماره 3 با سطوح فیبو (دایره های نارنجی)، خطی رسم نمود (محور تعادل دینامیک) تا در مجموع، گن تعادلی را تشکیل بدهند. چارت در سطوح فیبو به این خطوط واکنش می دهد.



از دره ما قبل از دره مربوط به سویچ تعادلی لایو(شماره 4)، می توان خطوطی رسم کرد تا از تقاطع خط عمود، با سطوح فیبو عبور کنند.

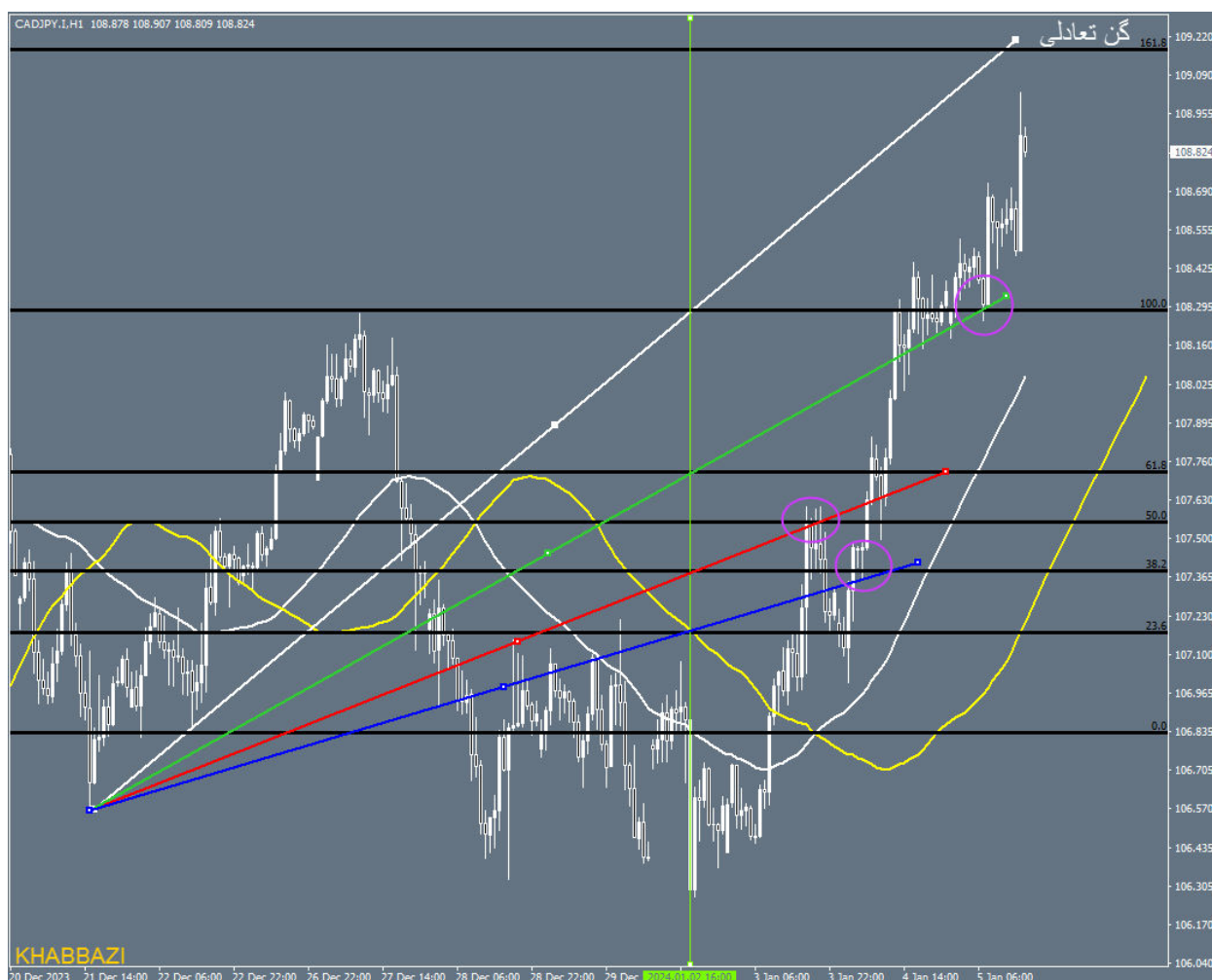
مجموع محورهای تعادل دینامیک، می تواند در نقش گن تعادلی ظاهر شود.



بهتر است کانال، بعد از رسم باکس و فیبو تعادلی رسم شود تا خطوطی به عنوان تارگت منظور شود که در ناحیه نشان داده شده، توسط سایر ابزار باشد.

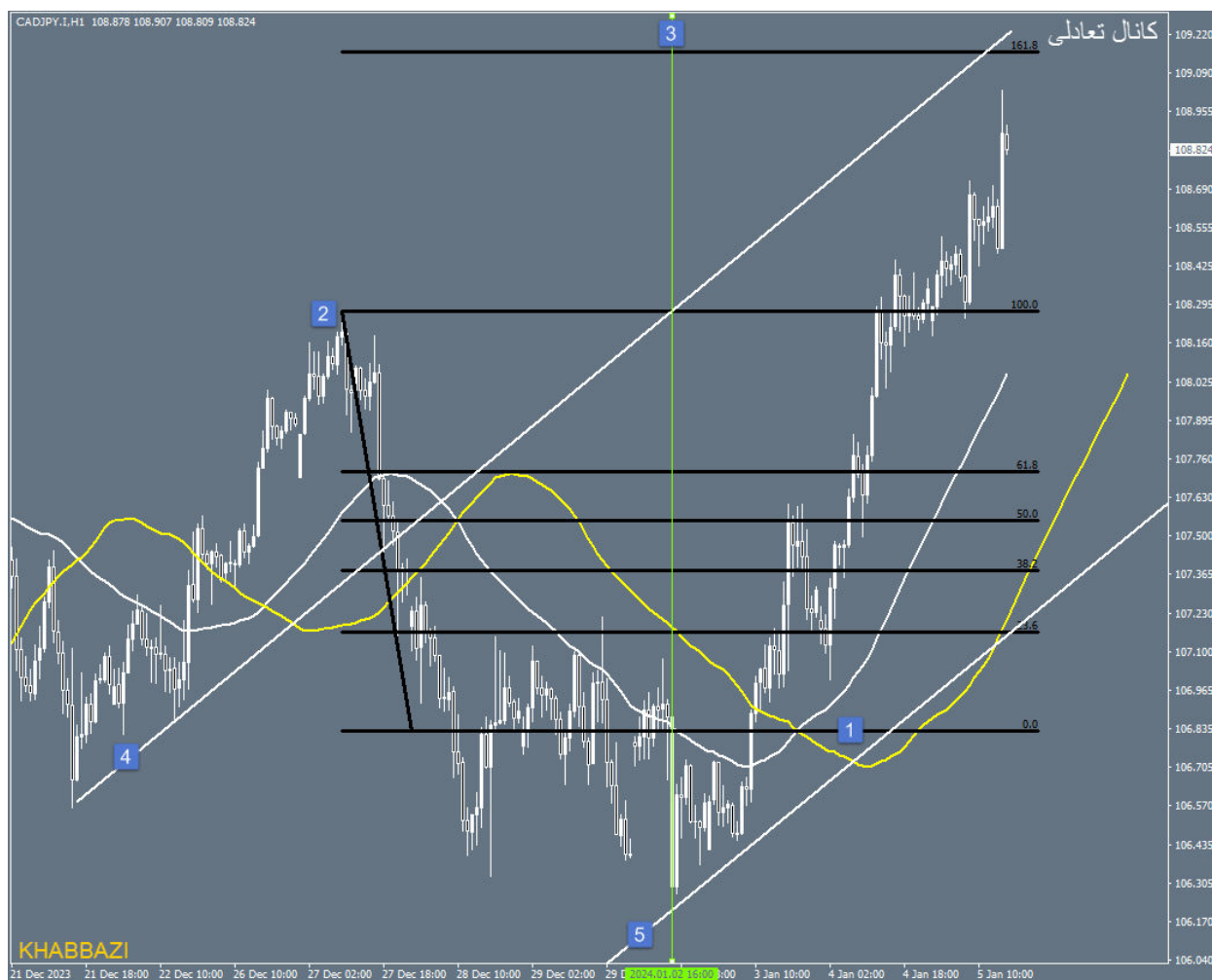
در این صورت محور تعادل دینامیک، دلیل دیگری برای هم پوشانی ابزار تعادلی و واکنش چارت به این محدوده تعادلی می باشد.

مواردی که کندل همزمان درگیر یک سطح از فیبو و یک خط از گن می شود، به آن واکنش(اسکلپ) می دهد؛ زیرا همزمان توسط محورهای استاتیک و دینامیک محدود می شود.



با کپی کردن خط شماره 4 (محور کانال) و قرار دادن آن در دره شماره 5 (خط عمود سبز)، می توان کانال تعادلی صعودی رسم نمود.

خط شماره 5 (خط روند از کانال) به عنوان تارگت، در برگشت قیمت می باشد.



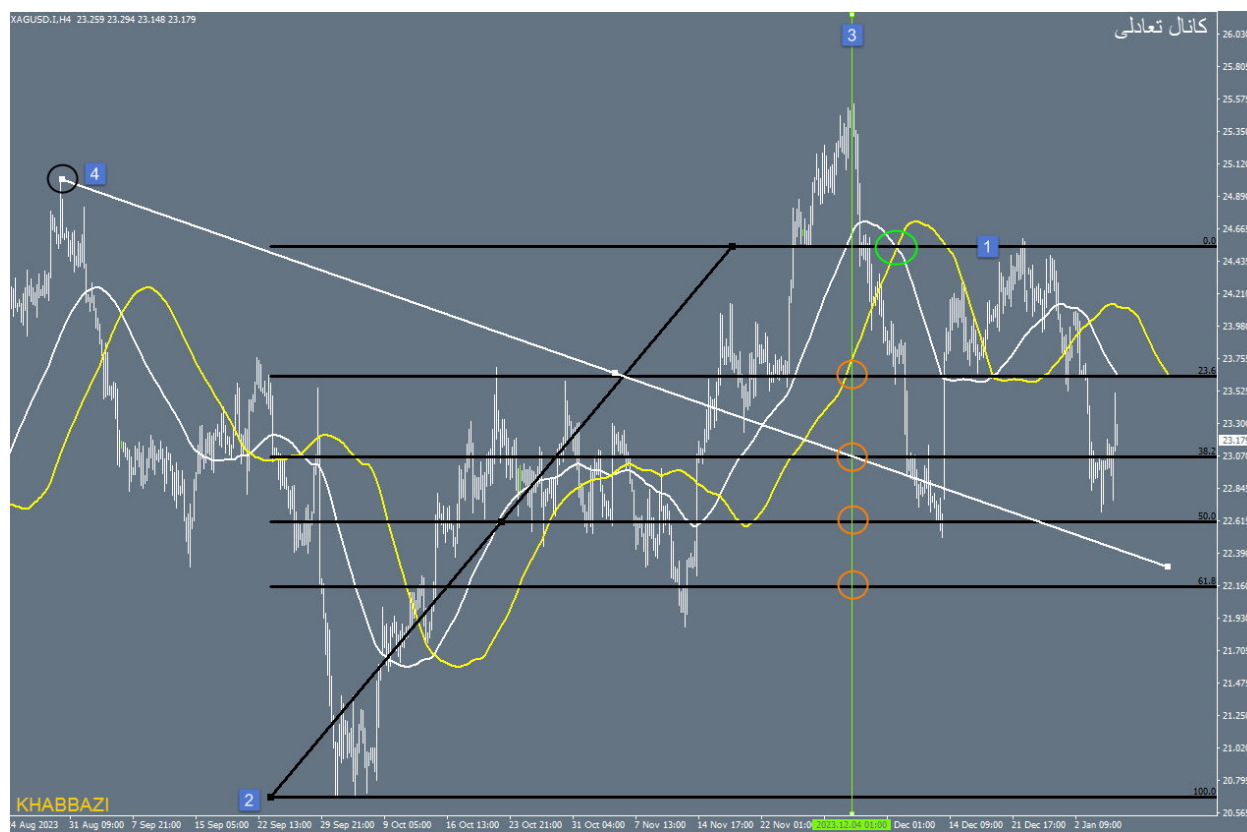
کانال تعادلی نزولی

در ابتدا فیبو کانال تعادلی را بر روی سویچ تعادلی نزولی (شماره 1) رسم می کنیم در این صورت تراز صد از فیبو بر روی دره قبل (شماره 2) و صفر فیبو از مرکز این سویچ (شماره 1) عبور خواهد کرد.

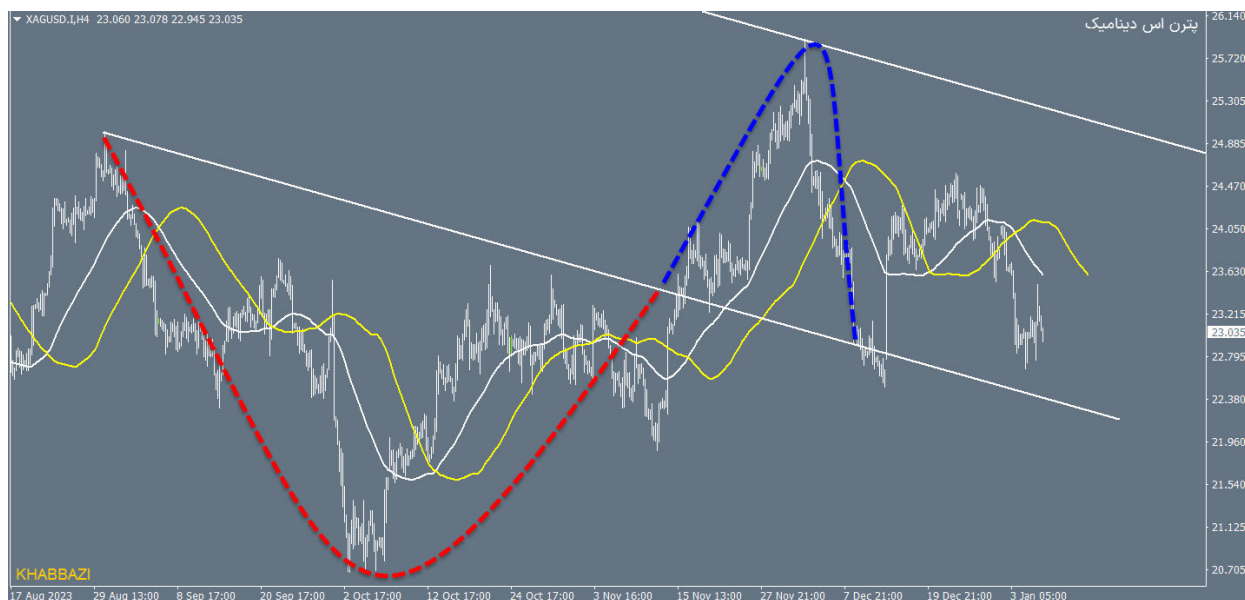
حال خط عمود را بر روی کندل مربوط به قله این سویچ واقع بر روی خط عمود سبز (شماره 3) می اندازیم.

از قله ما قبل از دره شماره 2، یعنی قله شماره 4، می توان برای هر محل کراس خط شماره 3 با سطوح فیبو (دایره های نارنجی)، خطی رسم نمود (محور تعادل دینامیک) تا در مجموع گن تعادلی را تشکیل بدهند.

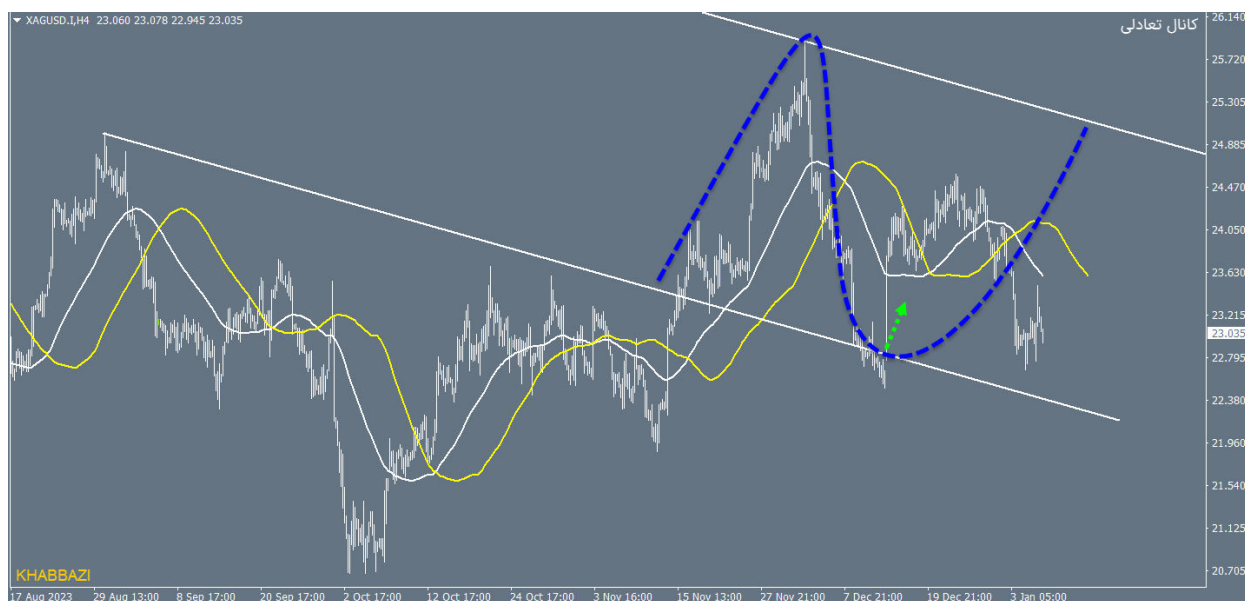
چارت در سطوح فیبو، به این خطوط واکنش می دهد.



انتظارمان از این خط، چرخش قیمت به حول آن و شکل گیری پترن S می باشد.



وقتی خط کانال از سطوح تعادلی این فیبو، فیبو تعادلی یا باکس تعادلی عبور می کند؛ می توان منتظر واکنش قیمت بود. با کپی کردن خط شماره 4 و قرار دادن آن در قله واقع بر روی خط سبز(شماره 3)، می توان کانال نزولی از نوع تعادلی رسم نمود. تاج این خط می تواند تارگت اول، بعد از واکنش کندل به خط کانال(شماره 4) باشد تا یک پترن S داخل کانال شکل بگیرد.

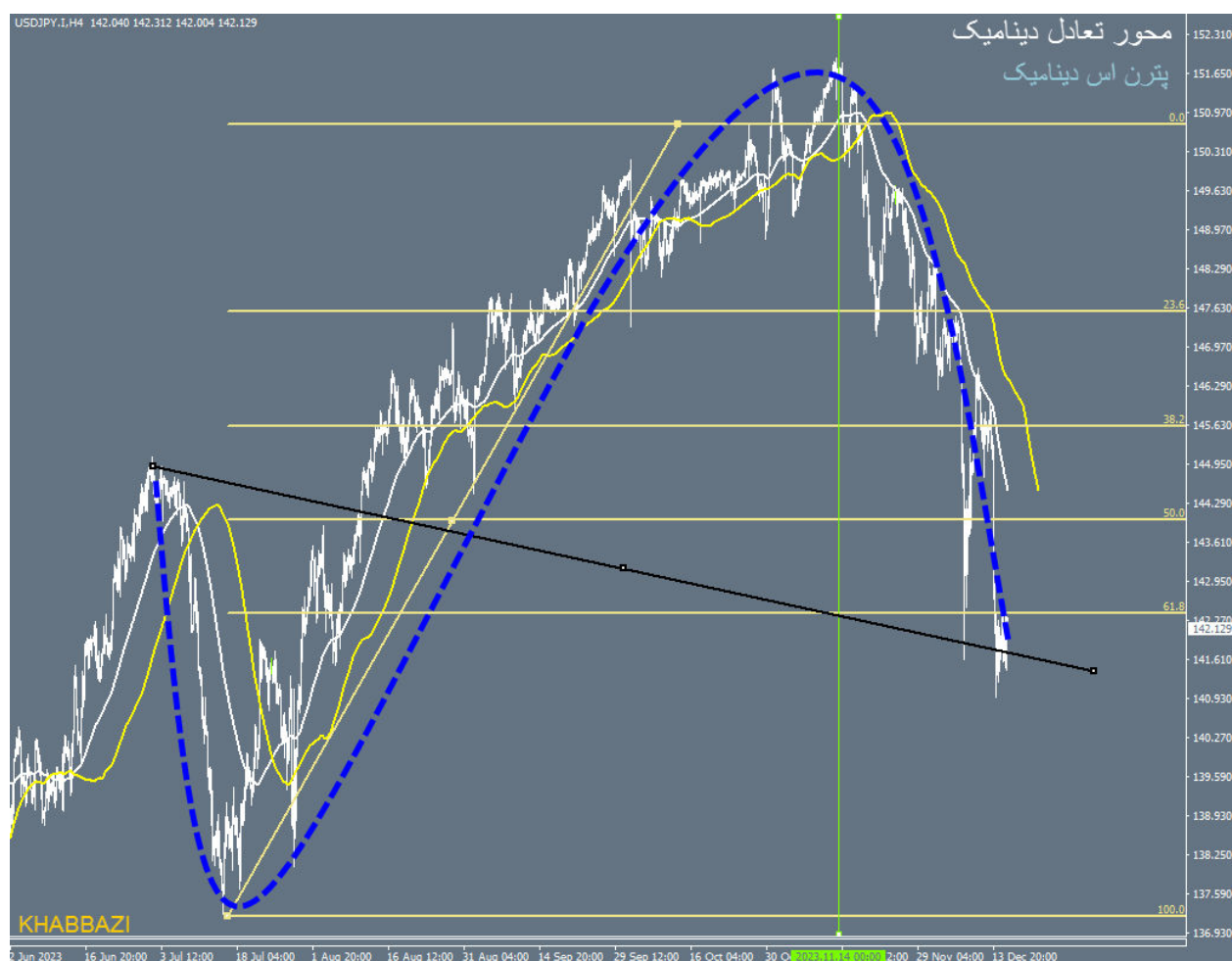


واکنش قیمت به محور دینامیکی که در گیر با سطح پنجاه از فیبو می باشد، یادآور خط تعادلی پنجاه درصدی یک موج در اصلاحش می باشد.



محور تعادل دینامیک :

خط کانال به عنوان محور تعادل دینامیک است زیرا قیمت به دور آن چرخیده و تشکیل پترن S دینامیک را می دهد. منظور از دینامیک این است که باز و بسته شدن چرخه، بر خلاف محور تعادل استاتیک، در یک سطح قیمتی اتفاق نمی افتد.



تمرین

جهت آشنایی بیشتر با نحوه رسم ابزار تعادلی، فیلم دوم و سوم را از سایت فراچارت ببینید و تمرین نمایید.

در فیلم ششم، کلیه جفت ارزها در لایو بازار توسط این ابزار تحلیل(تمرین) شده است. شما نیز بعد از تمرین باید بتوانید به این صورت، ابزار تعادلی را برای هر سویچ تعادلی، رسم نموده و بهترین هم پوشانی را مشخص نمایید.

در فیلم ششم، واکنش قیمت (و یا تکنسن) به ابزار تعادلی مشهود است و برای اثبات عملکرد دقیق سبک، کفایت می کند زیرا در هر زمان، در هر بازار مالی و در هر تایمی، این فیلم و واکنش، برای مشخص کردن سطوح تعادلی، قابل تکرار است.

دقت عملکرد این ابزار در تمرین، روحیه ادامه فازها را به شما خواهد داد.

منظور از هم پوشانی تعادلی این است که در یک سطح قیمتی، یک سطح از فیبو تعادلی، یک سطح از فیبو کانال تعادلی، مرکز یا انتهای باکس تعادلی و محور تعادل دینامیک، همه با هم یا حداقل دو مورد حضور داشته باشند.

این هم پوشانی می تواند در یک تایم مورد نظر، بر روی سویچ لایو باشد و یا توسط چهار ابزار تعادلی در تایم های متفاوت و یا سویچ های متفاوت در مسیر یک روند، مخصوصا سویچ شروع روند در تایم مورد نظر نیز باشد.

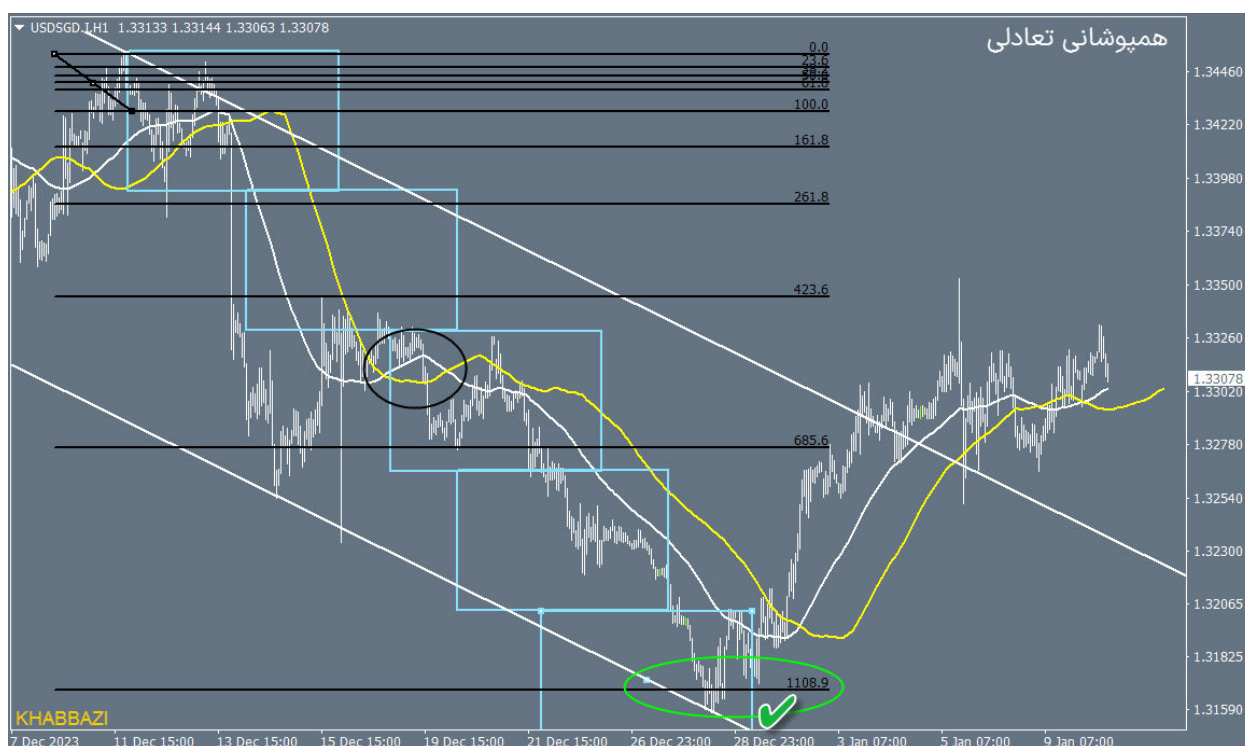
در فاز اول وقتی تریدی با پولبک انجام می شود، با استفاده از چهار ابزار تعادلی، هم پوشانی تعادلی را مشخص کرده(یک خط افقی در سطح هم پوشانی می اندازیم اما تاثیری در ترید فاز اول ندارد) و آن را به عنوان تارگت نهایی پیش بینی می کنیم.

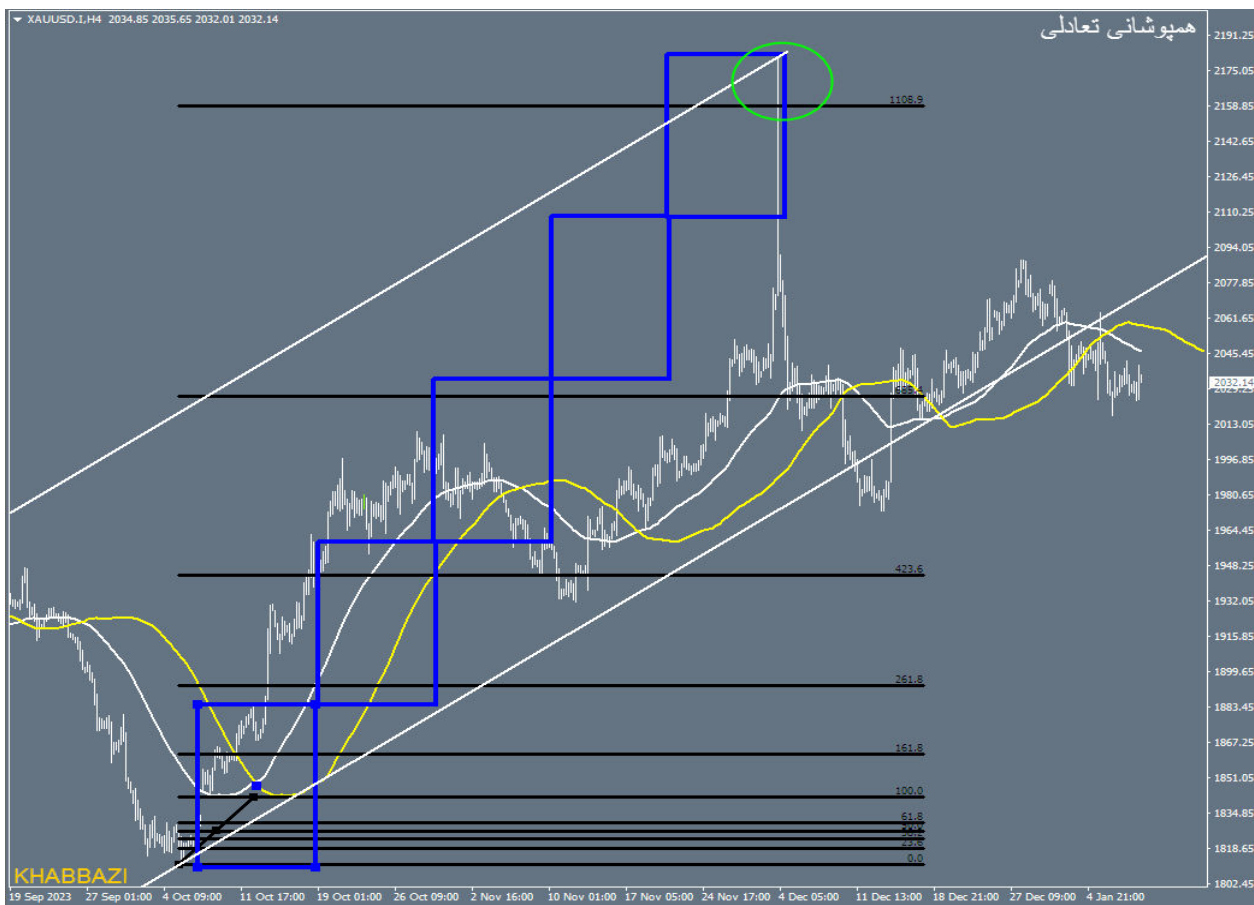
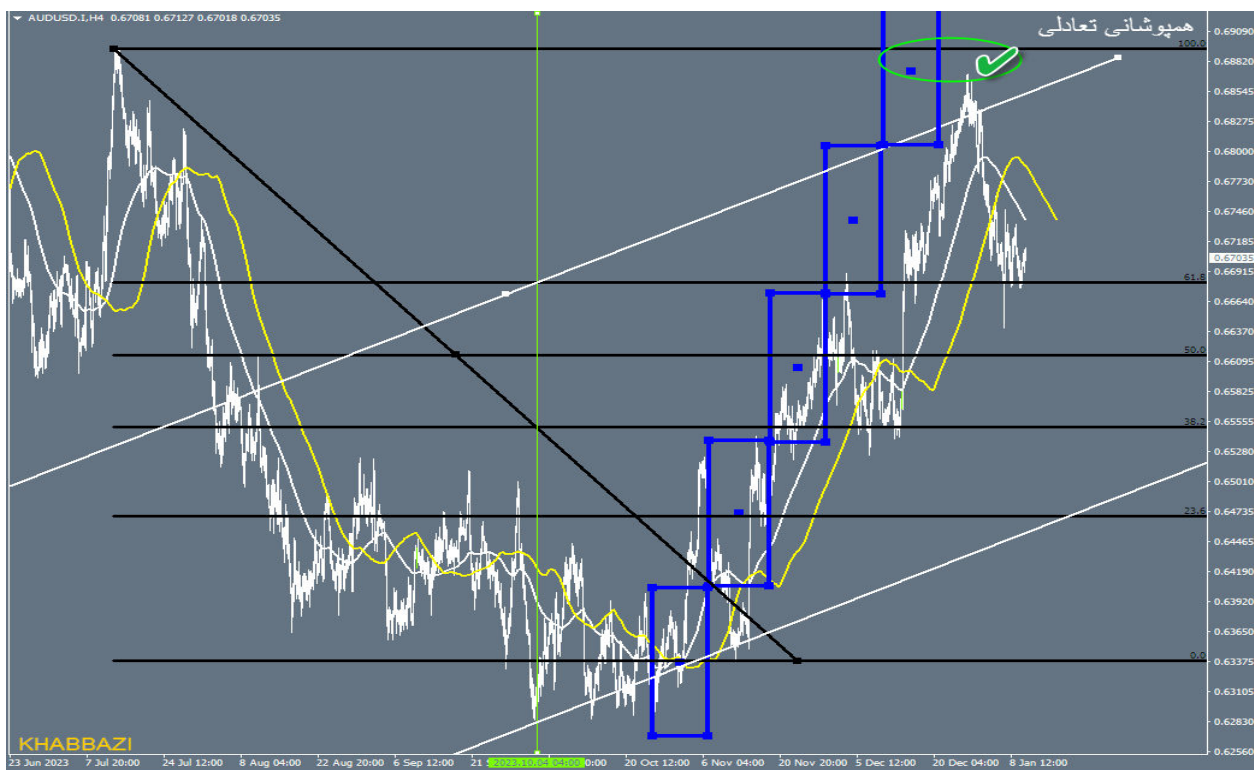
در فاز های بعد، با تایید از فرکتال، تحلیل زمانی، میز اندیکاتوری و ایچی در پلن معاملاتی مشخص، این ورود از قله و دره ها با اعتبار بیشتری انجام خواهد شد. اکنون داریم برای آن زمان، مشق می کنیم.

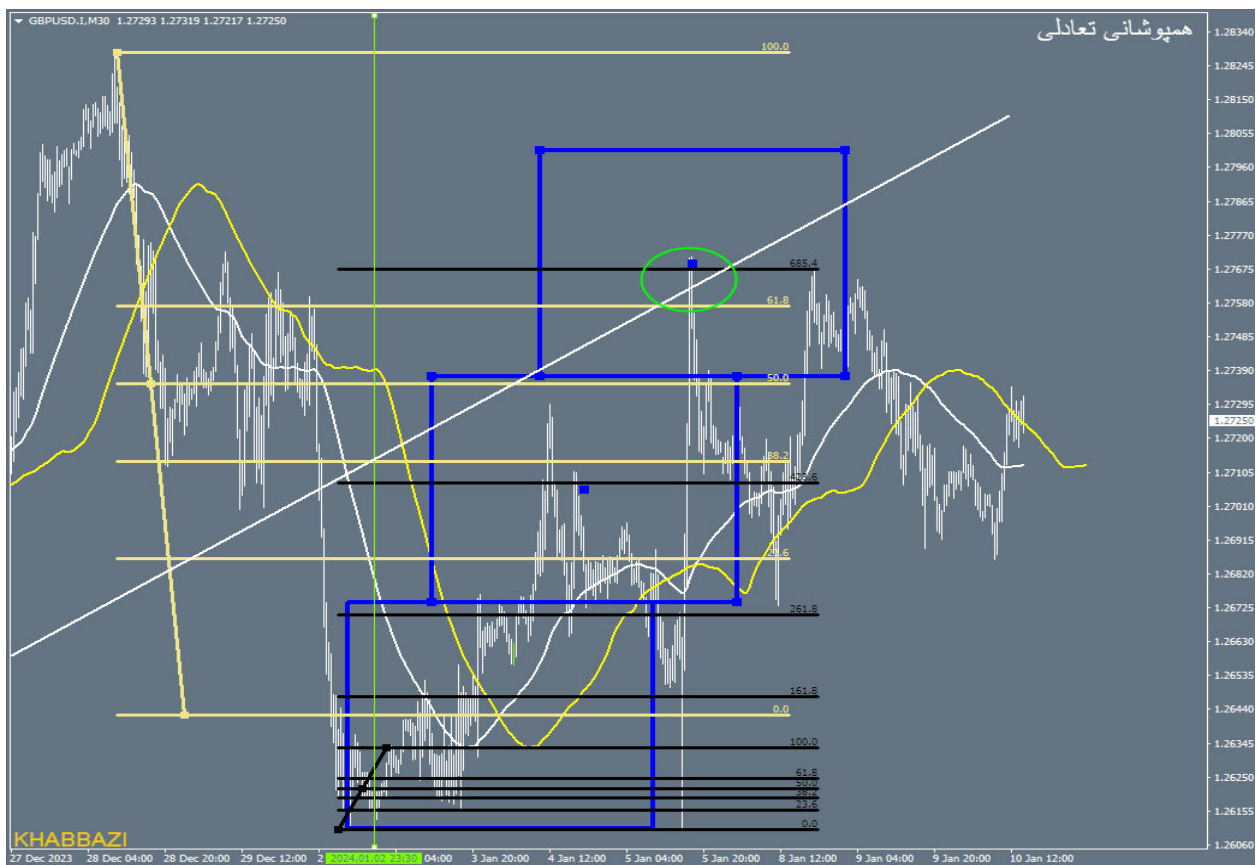
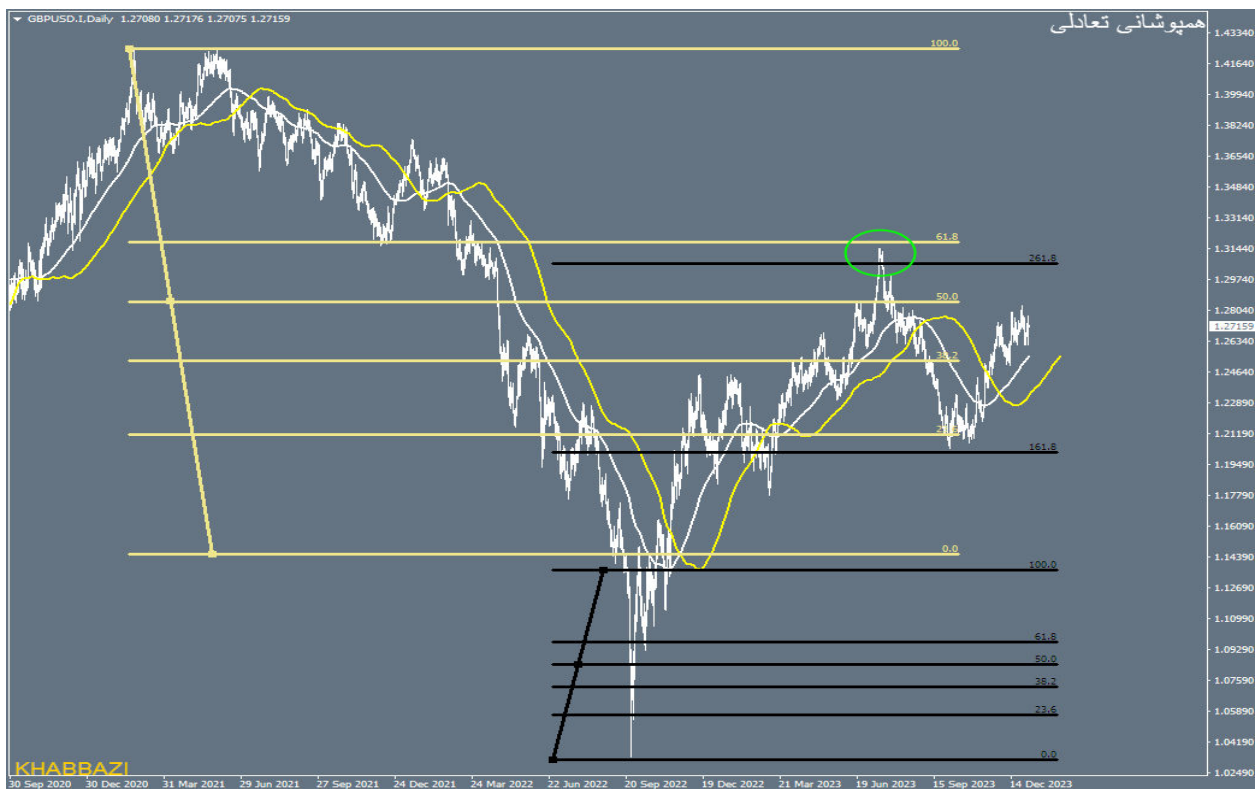
سبک تعادل فقط شامل دو موینگ می باشد که چهار ابزار تعادلی، سطوح تعادلی(گام حرکت) را با استفاده از کراس این دو موینگ، نمایش می دهند.

میز اندیکاتوری و ایچی به سبک اضافه شده است تا جوابگوی سلیق بیشتری باشد.

چند مثال از هم پوشانی تعادلی







ترید

در این فاز در هر نماد فقط یک ترید زده خواهد شد و چارت از تایم پایین به بالا، ترجیحا تایم 5 دقیقه تا تایم چهار ساعته، برای موقعیت فاز اول بررسی می شود. یعنی اگر به فرض در تایم 5 دقیقه ترید زده شد؛ ترجیحا به تایم های بالاتر مراجعه نکنید؛ زیرا موقعیت های متفاوت، در تایم های متفاوت، شما را در شروع فاز، سردرگم خواهد نمود.

هر تایم، تحلیل و تارگت خودش را دارد و می تواند به صورت مستقل باشد؛ اگر چه در دل تایم های دیگر جا گرفته است. بحث مولتی تایم و فرکتال، در فاز چهارم بیان می شود.

اگر چه از نظر تکنیکال حرکت به سمت سطح شکسته شده و نه حتما تاچ آن نیز به عنوان پولبک لحاظ می شود؛ اما با توجه به ساده و مکانیکی کردن ترید در فاز اول، تاچ محور استاتیک در موقعیت خواسته شده را به عنوان پولبک و نقطه ورود لحاظ می کنید.

لات هر ترید تا پایان فاز نهایی و سپس تا بعد از رسیدن به سود مستمر در سه ماه متوالی، یک صدم ترجیحا با حساب 10 دلاری سنتی و یا 100 دلاری دمو خواهد بود. در هر دو نوع، به صورتی به حساب نگاه کنید(رفتار نمایید) که این حسابی که باز نموده اید، حساب اصلی اتان است تا تجربه تریدتان برای حساب دلاری که بعدا باز خواهید نمود، قابل استفاده باشد.

هدف اصلی از این فازبندی، تمرین برای انجام حداقل دو ترید متوالی از قله به دره یا دره به قله و سپس بلافاصله ترید معکوس آن با یک پلن مشخص می باشد. در واقع ترید هایی را که بعدا با تکمیل اطلاعات تان، در پلن اصلی انجام خواهید داد، اکنون به صورت گام به گام می آموزید، مشق می کنید و در فاز نهایی این تمرین و تجربیات در کنار هم مثل قطعات یک پازل قرار می گیرند و پلن معاملاتی کامل می شود.

در ترید فاز اول حد ضرر و حد سود را جابجا نمی کنید تا یکی از آنها فعال شده و در نهایت، ترید شما با سود یا ضرر بسته شود. اگر تجربه شخصی از قبل دارید و یا در طول ترید فاز اول، کسب کرده اید، آن ها را در این ترید دخالت نمی دهید. در واقع مانند یک ربات (بی احساس و بی اختیار)، در حال اجرای یک پلن (برنامه) با ورود و خروج مشخص هستید.

در فازهای بعدی که نیم نگاه به این فاز بکنید، خواهید دانست که در چه شرایطی شکست باکس، نوید یک روند خوب را می دهد و در چه شرایطی، پولبک به معنی شکست محور و ادامه روند قبلی خواهد بود که حد ضرر ترید فاز اول را نیز فعال خواهد کرد.

تریدی که شک داشته باشیم حداقل تارگتس را بدهد و بخواهیم به محض در سود رفتن، اگر چه هنوز تارگت اولش را نداده باشد، ریسک فری کنیم (حد ضرر را به نقطه ورود منتقل کنیم)، بهتر است که انجام نشود.

حداقل چهار هفته با این فاز ترید شود و وین ریت هر هفته را جداگانه مشخص کنید. وقتی وین ریت این پلن ساده برای شما مشخص شد، حداقل این ذهنیت را همیشه دارید که یک پلن ساده با وین ریت تست شده دارید.

سبز بسته شدن های ترید، این حس را به شما القا می کند که می شود با رعایت یک اصول ساده (حساب سنتی با شارژ کم و یک پلن ثابت و ساده) بدون استرس و بدون سنجاق شدن به موبایل یا کامپیوتر تا ترید بسته شود، سود کرد.

با قرمز بسته شدن ترید، این پیغام از همان ترید اول در ذهن فرد مبتدی دیکته می شود که هر بازاری ریسک خودش را دارد و **قطعیتی در بازار و یا حداقل در این سبک نیست** و سپس با پذیرش ریسک مدیریت شده، ترید می زنیم.

در واقع نهایت تلاش را انجام می دهیم تا احتمال بیشتری در موفقیت در ترید مان باشد، اما بعد از همه این تلاش ها التزام عملی به عدم قطعیت خواهیم داشت.

این تصور که حد ضرر نگذاریم یا با رسیدن قیمت به آن، حد ضرر را دائما به دورتر منتقل کنیم؛ از همان ابتدا از ریشه اشتباه است (و اگر به فرض درست نیز باشد برای یک فرد مبتدی و در این سبک، اصلا جایگاهی ندارد).

اگر لات خارج از مدیریت سرمایه را از ده اشتباه، یک اشتباه در کال شدن (از دست رفتن) حساب منظور کنیم، نه اشتباه دیگر، اجازه ریسک به ضرر دادن، با این ذهنیت که شاید قیمت برگردد و تریدمان، حداقل بدون ضرر بسته شود؛ خواهد بود.

بله احتمال برگشت قیمت وجود دارد؛ اما آیا تضمینی وجود دارد که تا زمان برگشت قیمت به نقطه ورود به ترید، با از دست دادن سرمایه اتان، کال نشده باشید.

در ادامه، عدم رعایت مدیریت سرمایه و نابود شدن قسمت زیادی از حساب، روان فرد را به هم خواهد ریخت و با خود خواهد گفت :

همه سرمایه از دست برود یا این که حسابم به موجودی اولش برگردد. این همان به هم ریختگی روان است که باعث می شود یک فرد قمار باز، خانه اش را به تاراج گذارد.

وقتی می توان با پلن ساده و تست شده بدون ریسک کردن، به سود رسید چه الزامی دارد با دام قطعیت یا لات نامناسب و یا نگذاشتن حد ضرر، موجودی حساب را به خطر بیندازیم و روانمان را پریشان کنیم.

در فاز چهارم می آموزیم که با پذیرش حد ضرر کم با ورود از قله یا دره، در سود ریسک کرده و هیچ گاه در ضرر، ریسک نکنیم؛ یعنی اجازه زیاد شدن ضرر را ندهیم.

واکاوایی یک ترید فقط از منظر آموزشی و بهینه نمودن آن، توجیه دارد. که آن به شما دوست عزیز مبتدی، تا پشت سر گذاشتن تمام فازها، توصیه نمی شود؛ زیرا مطالب به اندازه کافی بررسی و تست شده اند.

ترکیب تجربیات شخصی بعد از پشت سر گذاشتن فازهای این مجموعه، بسیار عالی می باشد.

با نگاه کردن به ترید، قبل از بسته شدن آن، بابت نگاه قشنگتان، مسیر چارت عوض نخواهد شد و فقط چشم و اعصاب و اوقاتی که باید در کنار خانواده باشید، سوخت خواهد شد.

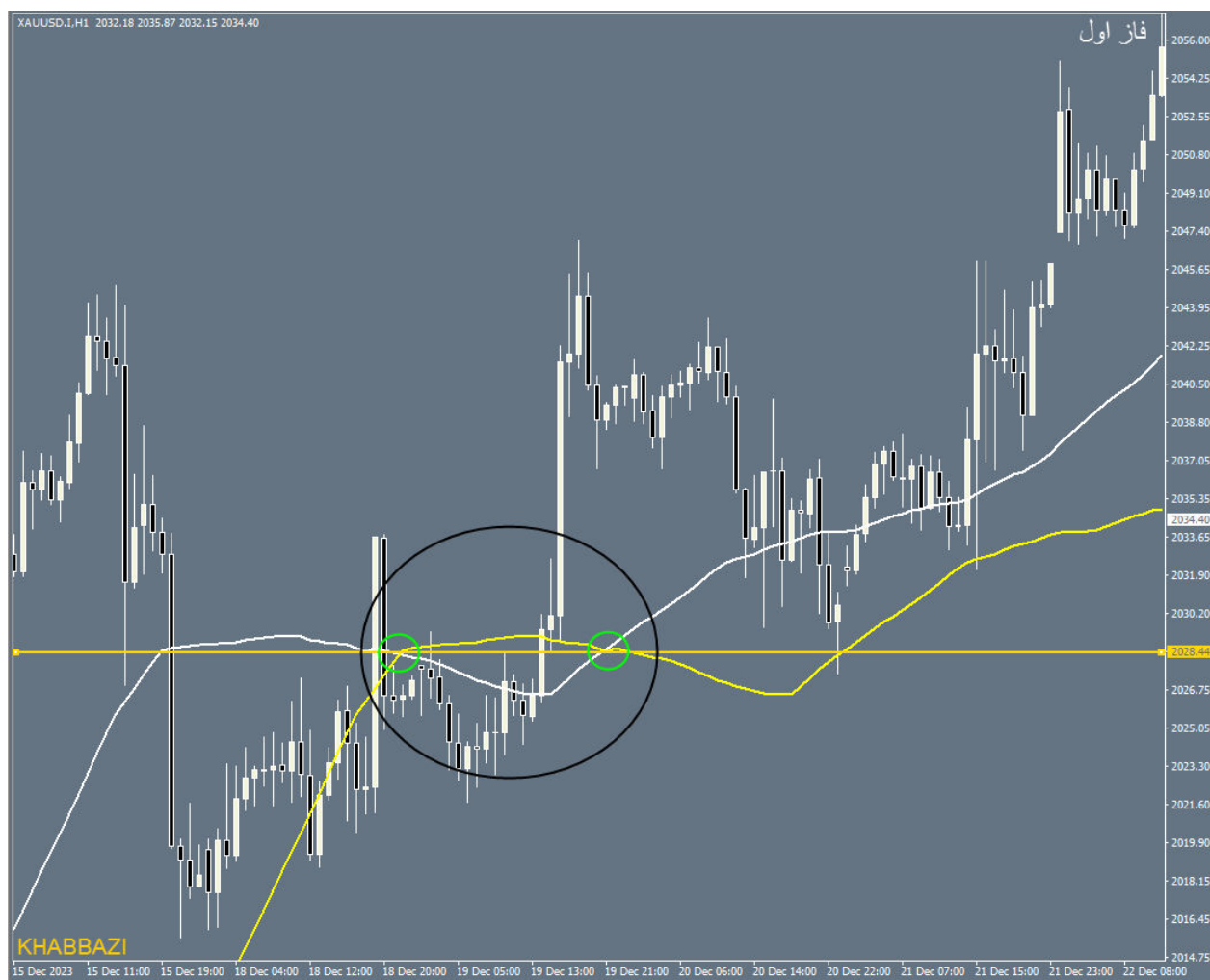
و بعد از بسته شدن، اگر با ضرر باشد شاید ناامیدی و استرس و اگر با سود باشد شاید هیجان آن، بر ترید بعدی تاثیر بگذارد.

هر ترید بر اساس یک پلن مشخص و تست شده، یک هویت مستقل دارد که طبق شرایط تعریف شده، باید انجام گیرد و نباید هیچ احساسی(غرور یا انتقام) از ترید قبلی در آن دخالت داده شود.

فقط ارتباط ترید ها می تواند از منظر مدیریت سرمایه برای محاسبه حجم ترید جدید باشد.

مثال اول

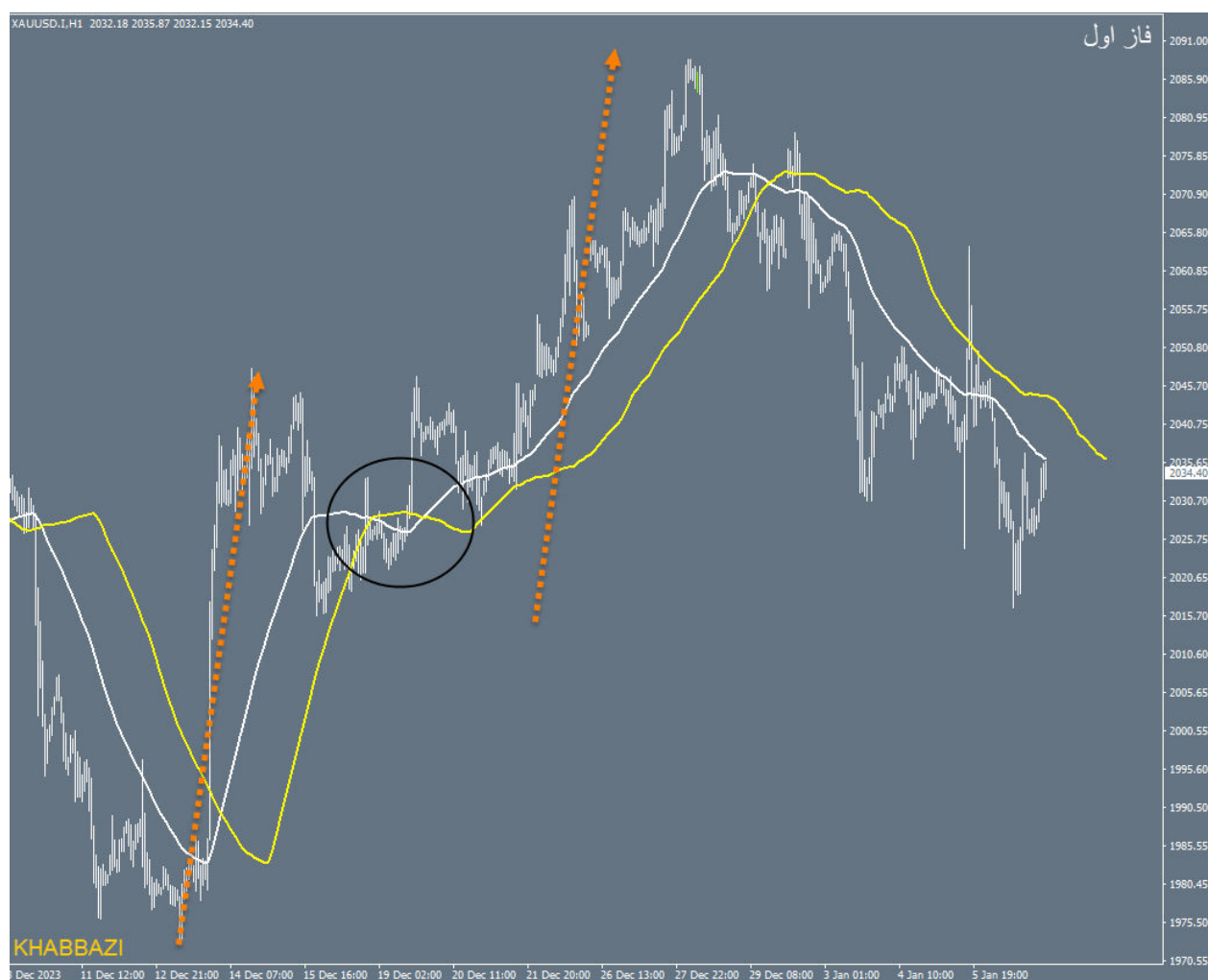
در محدوده مشخص شده در شکل، دو سویچ تعادلی در یک راستای افقی می بینید که نزدیک یکدیگر می باشند. به عبارت بهتر محور استاتیک آنها مشترک است.



وقتی زوم را منفی کنید، اشراف بیشتری به چارت پیدا می کنید. قبل از قسمت مارک شده، یک رالی(حرکت خوب) را شاهد هستید(پیکان نارنجی).

با دو سویچ با شرایط گفته شده، انتظار تکرار این حرکت در همان جهت قبلی می باشد. یعنی انتظار می رود قیمت اصلاحش را تمام کرده و به همان میزان، ادامه حرکت دهد.

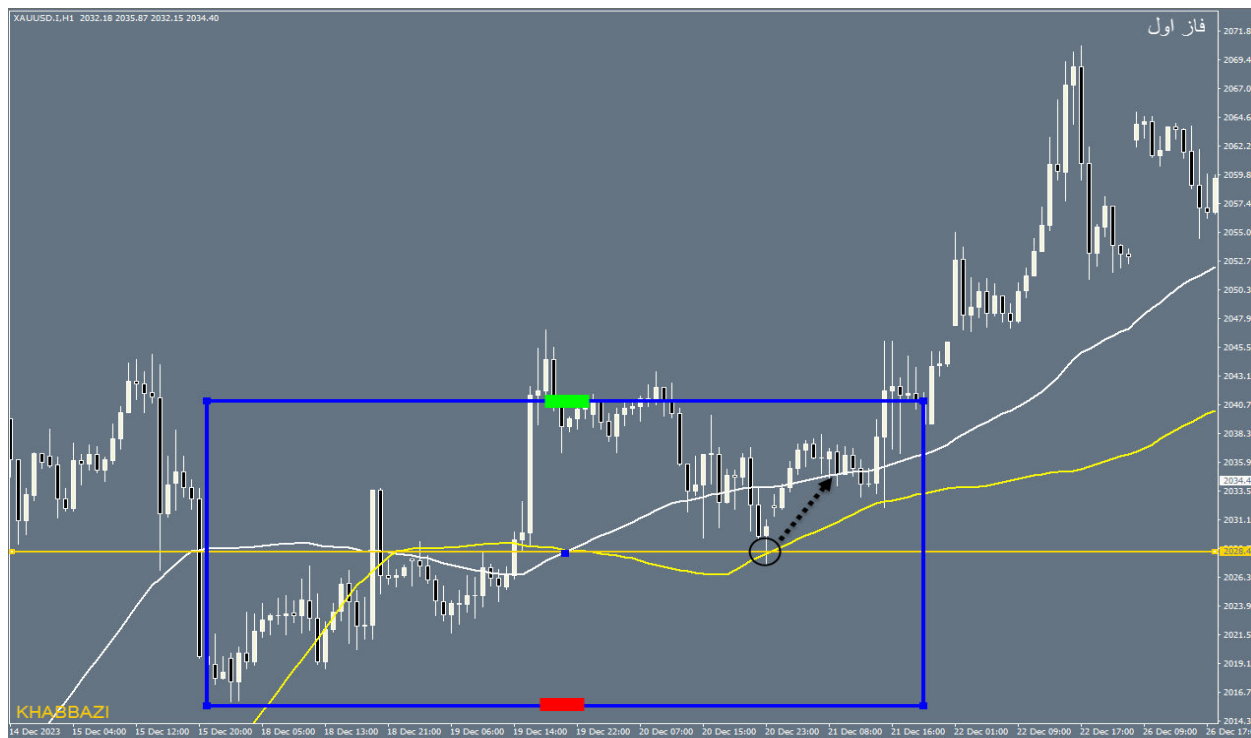
به همین دلیل این موقعیت، ستاپ توازن نامیده شده است که پلن اصلی سبک تعادل می باشد. ستاپ توازن در حالت ایده آل، هم وزنی دو رالی را از نظر قیمت و زمان شامل می شود.



بعد از یک رالی خوب، وقتی توازن با شرایط بیان شده مشاهده شد، محور استاتیک توازن را رسم نمایید. اجازه دهید چارت، که این محور را شکسته است به آن پولبک(دایره مشکی روی محور) بزند؛ یعنی قیمت برگشت کند و این محور را تاج کند.

حال در جهت سویچ تعادلی لایو، یعنی سویچ سمت راستی ستاپ توازن، ترید کنید. باکس تعادلی را ترجیحا برای سویچ تعادلی دومی رسم کنید که زمان بیشتری را جهت طویل بودنش نشان دهد. حد ضرر(خط قرمز) را ابتدای باکس و حد سود(خط سبز) را انتهای باکس تعادلی بگذارید. در واقع در مرکز باکس ترید انجام می شود و بالا و پایین باکس، حد سود و ضرر می باشد. چون این حدود برابر هستند؛ پس ریسک به ریوارد یک به یک است؛ یعنی به عنوان مثال، گذشته از کارمزد معامله، به ازای یک دلار سود یک دلار ضرر را پذیرفته اید. حد سود و ضرر را جابجا نمی کنید تا یکی از آنها فعال شود و ترید بسته شود.

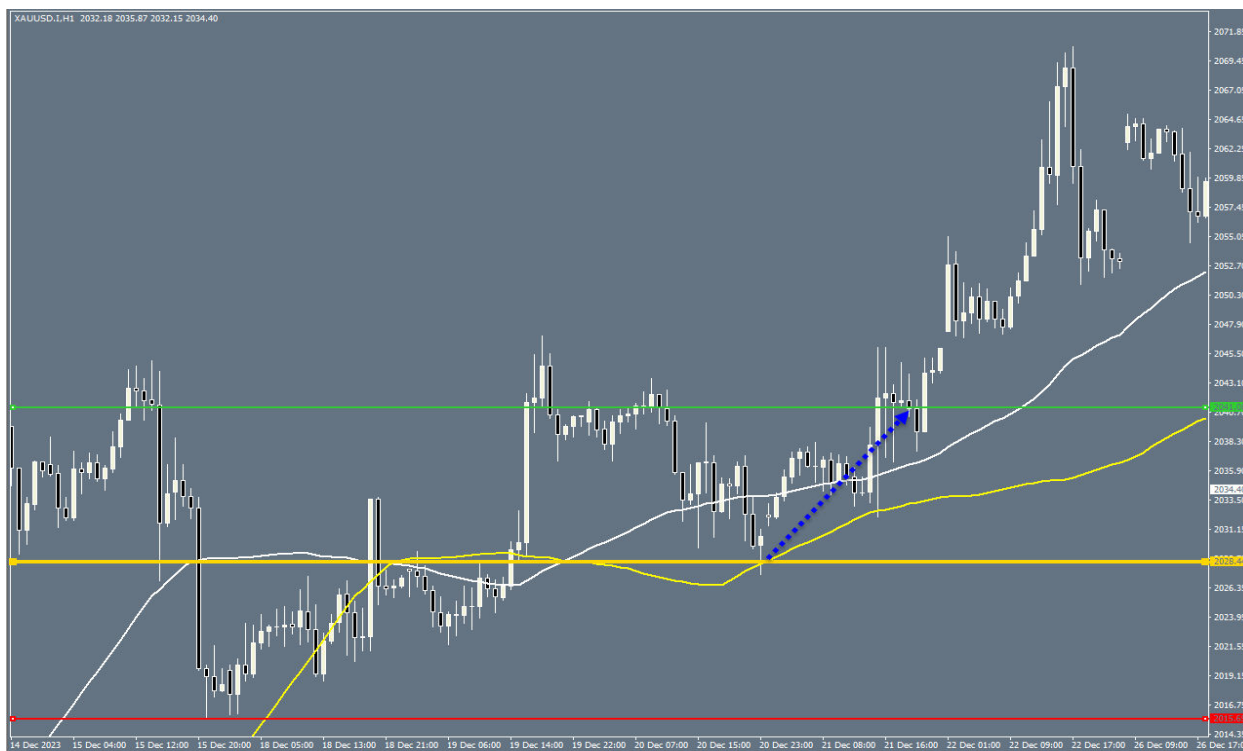
با بسته شدن ترید، ترید از قسمت معامله به هیستوری منتقل می شود که با سبز بودن تارگت یا قرمز بودن حد ضرر، مشخص می شود که ترید با سود یا ضرر بسته شده است.



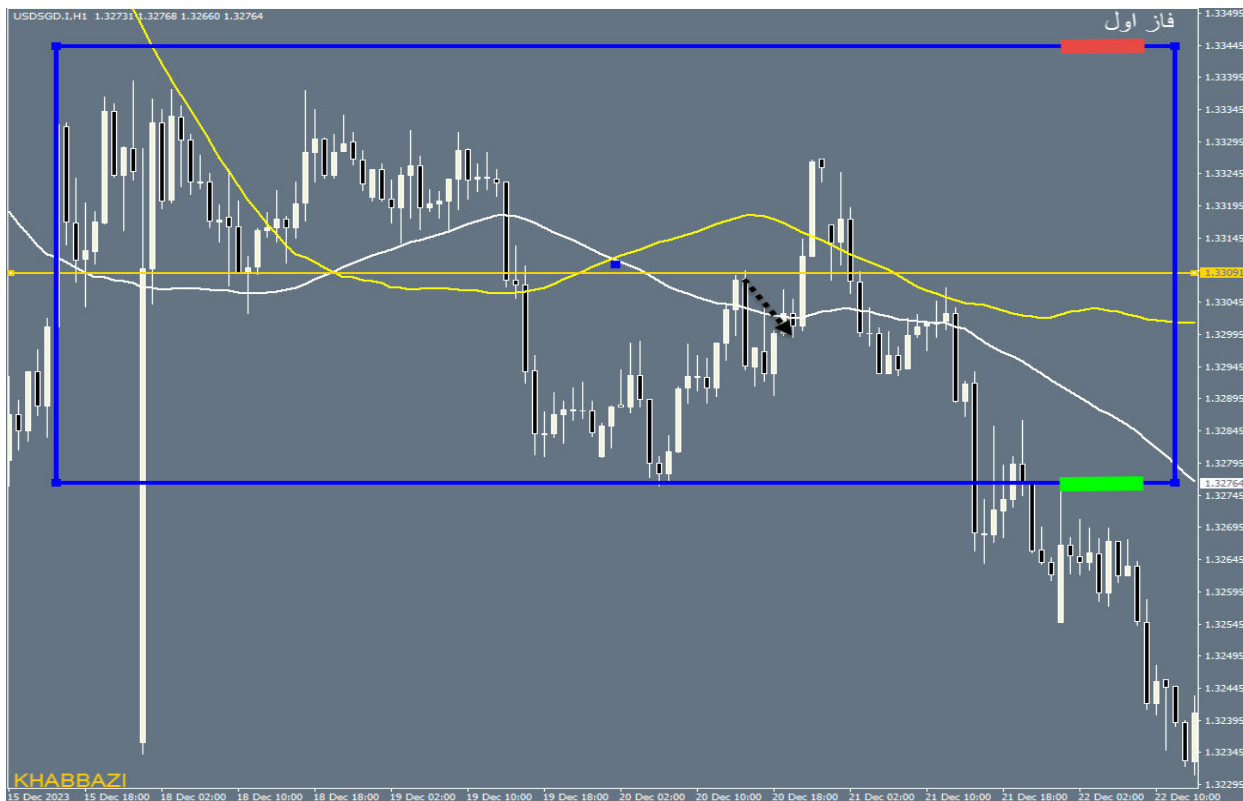
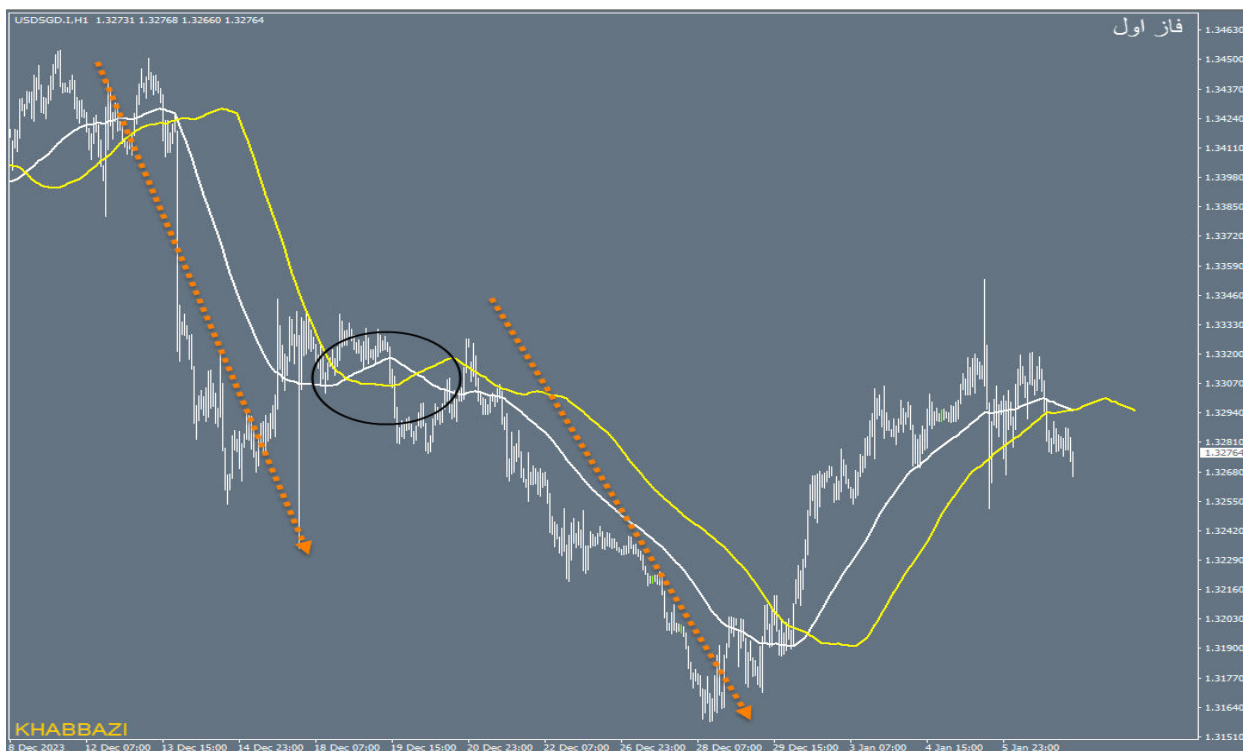
باکس از نظر زمانی مهم نیست. پس تعداد کندل آن یعنی ادامه دار بودنش در جهت راست و چپ اهمیت ندارد.

در واقع خطوط ابتدا و انتها و مرکز آن یعنی محور استاتیک، از نظر قیمتی مهم است.

پس می توان به جای باکس، در دو فاصله مساوی از محور استاتیک، از خط افقی استفاده شود.



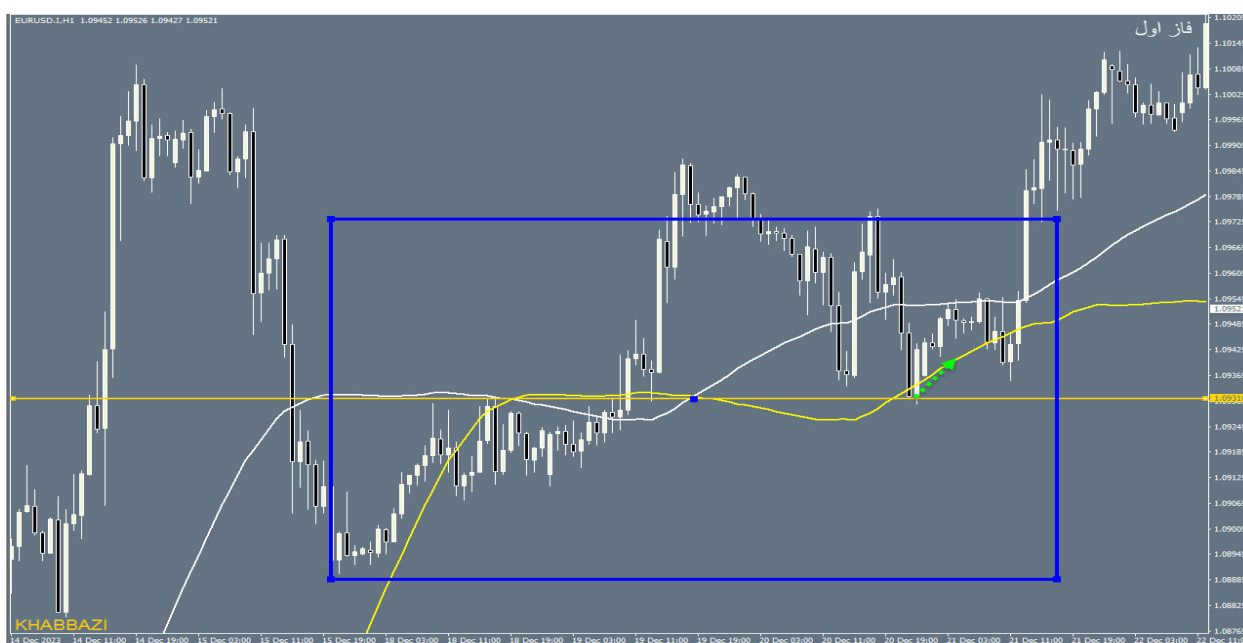
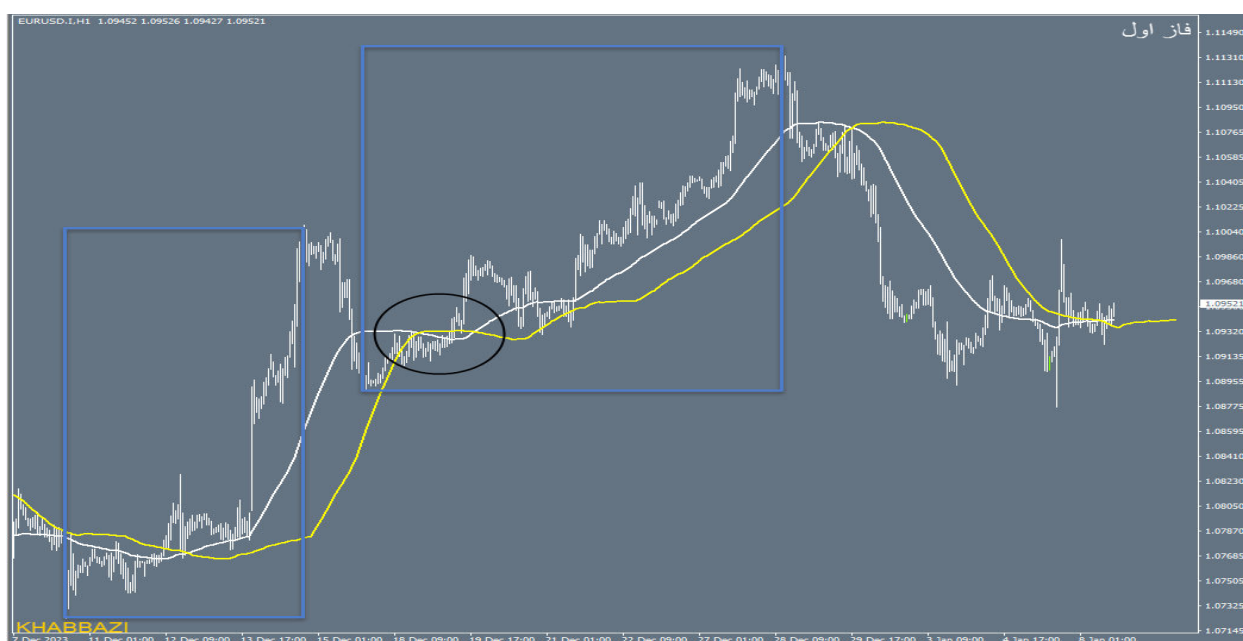
مثال دوم



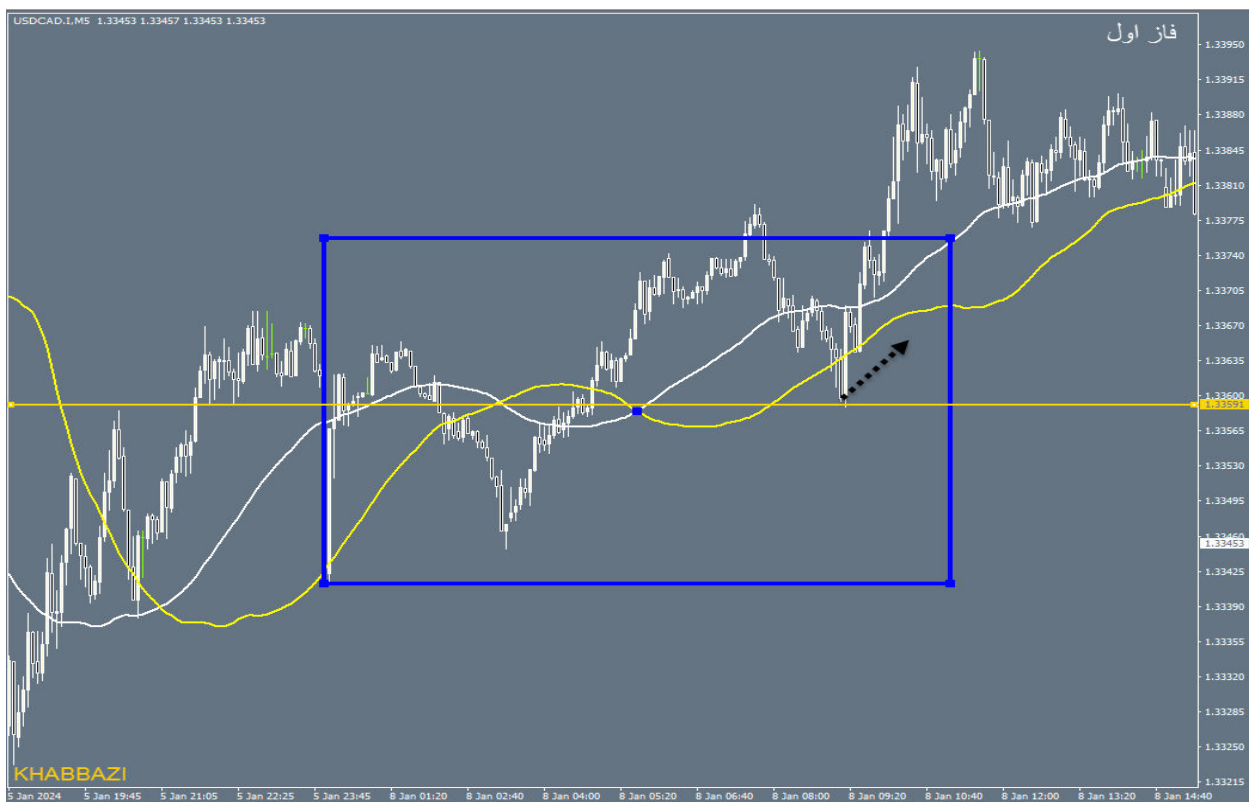
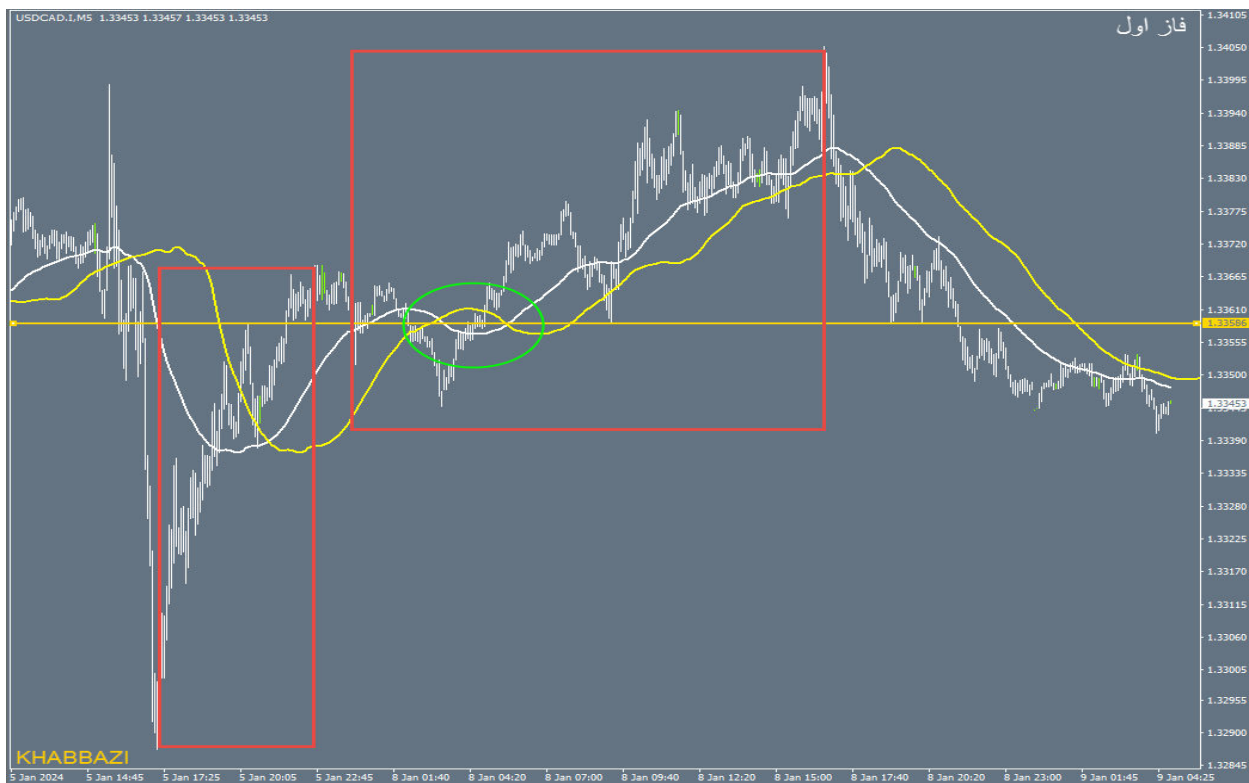
مثال سوم

دو رالی که قبل و بعد از سویچ های توازن هستند، با باکس نشان داده شده اند.

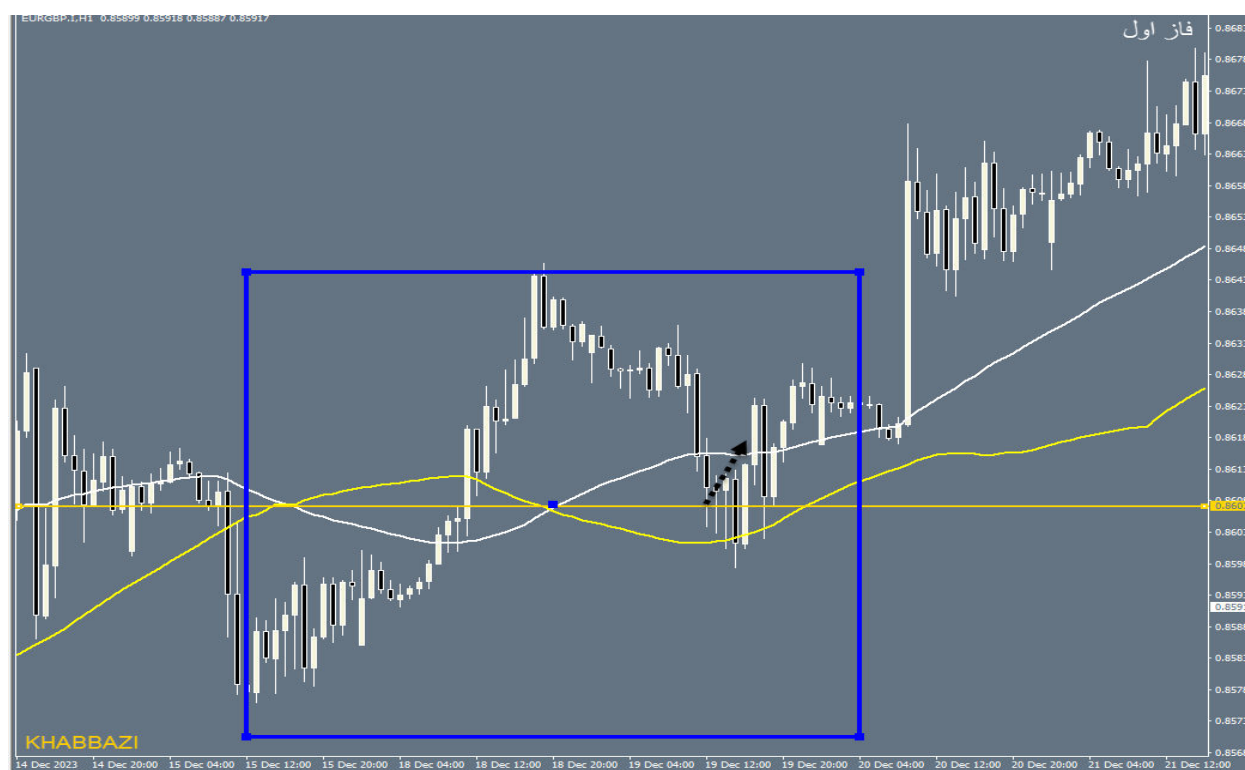
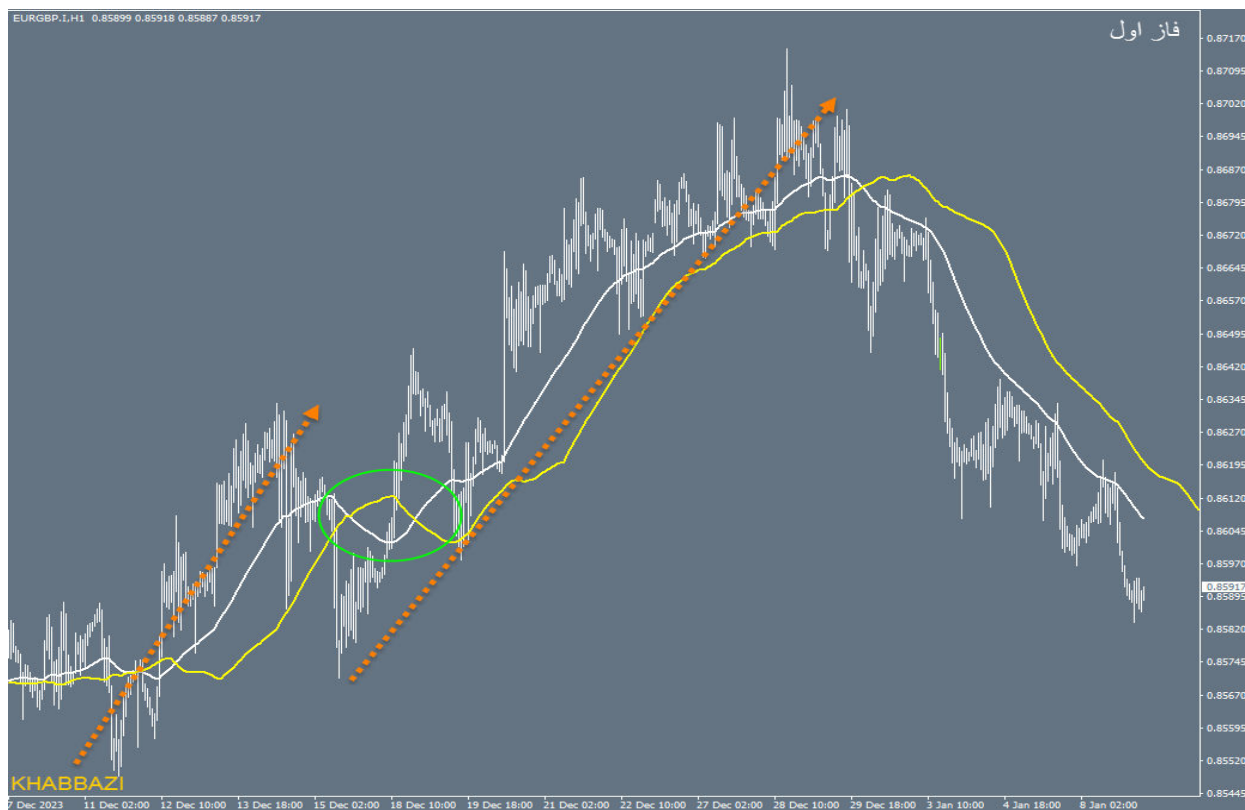
این باکس ها را **رالی باکس** می نامیم. گاهی این دو باکس از نظر ارتفاع (قیمت) و پهنا (زمان) دقیقاً با هم برابر می باشند. این ویژگی ستاپ توازن، از نوع ایده آل می باشد.



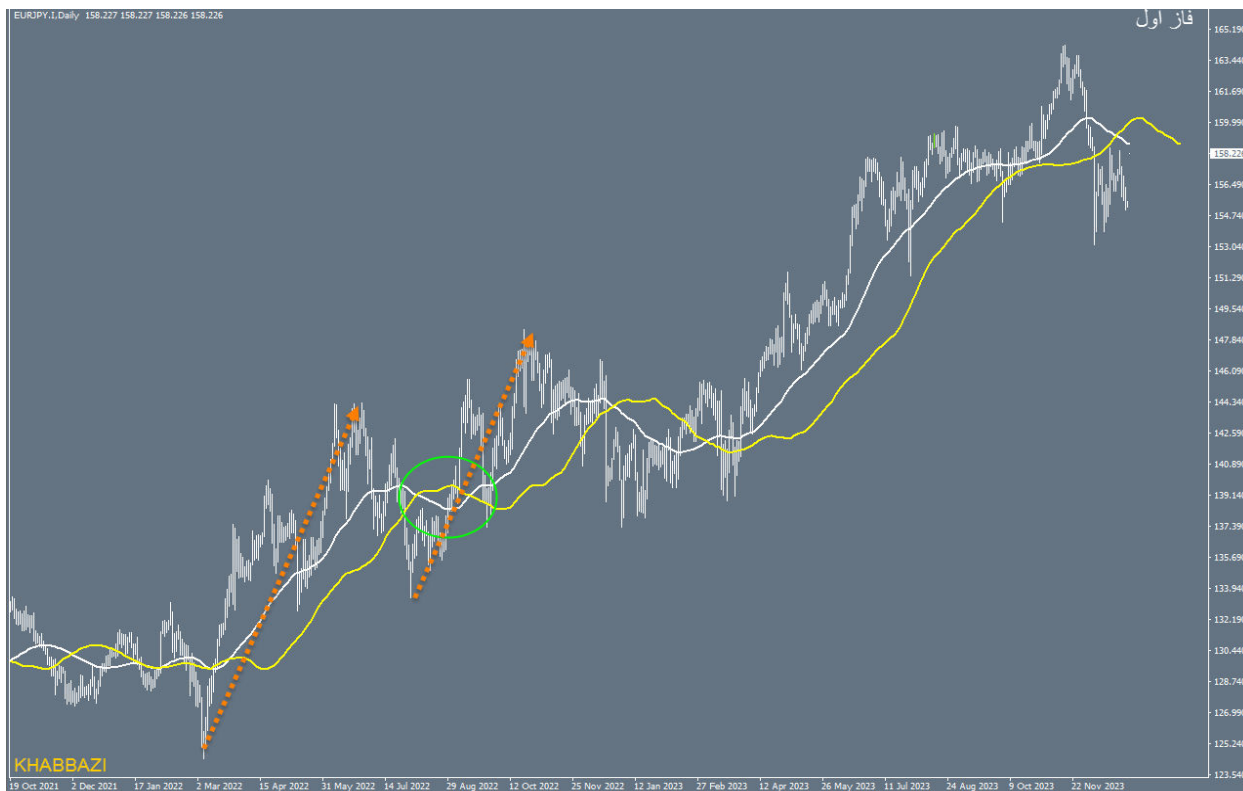
مثال چهارم



مثال پنجم



مثال ششم



مثال هفتم

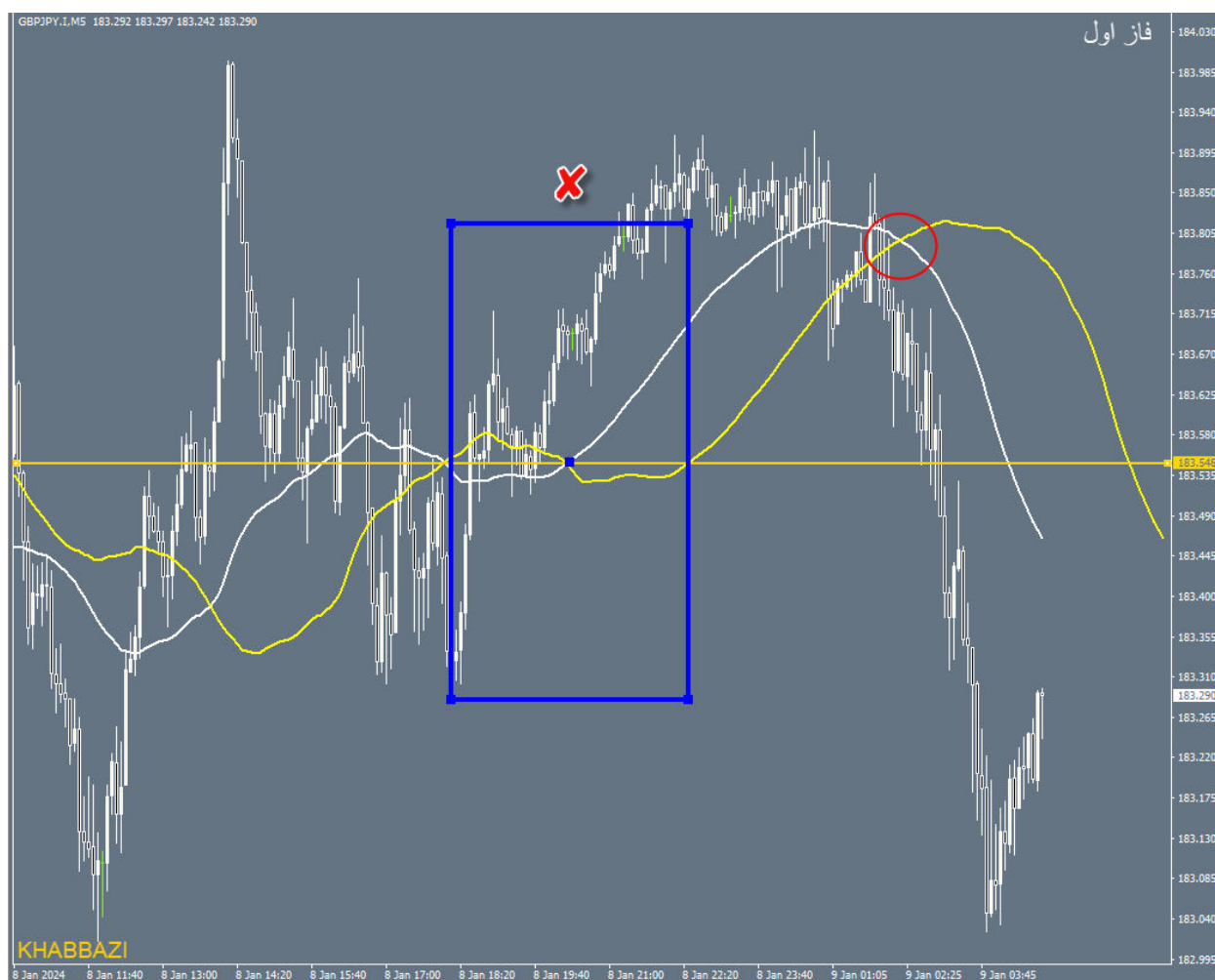


مثال هشتم

بین سویچ تعادلی و پولبک به آن، سویچ تعادلی جدید(دایره قرمز) زده شده است که شکست محور استاتیک را نیز امکان پذیر می کند.

لذا در فاز اول، از این ترید صرف نظر می کنید.

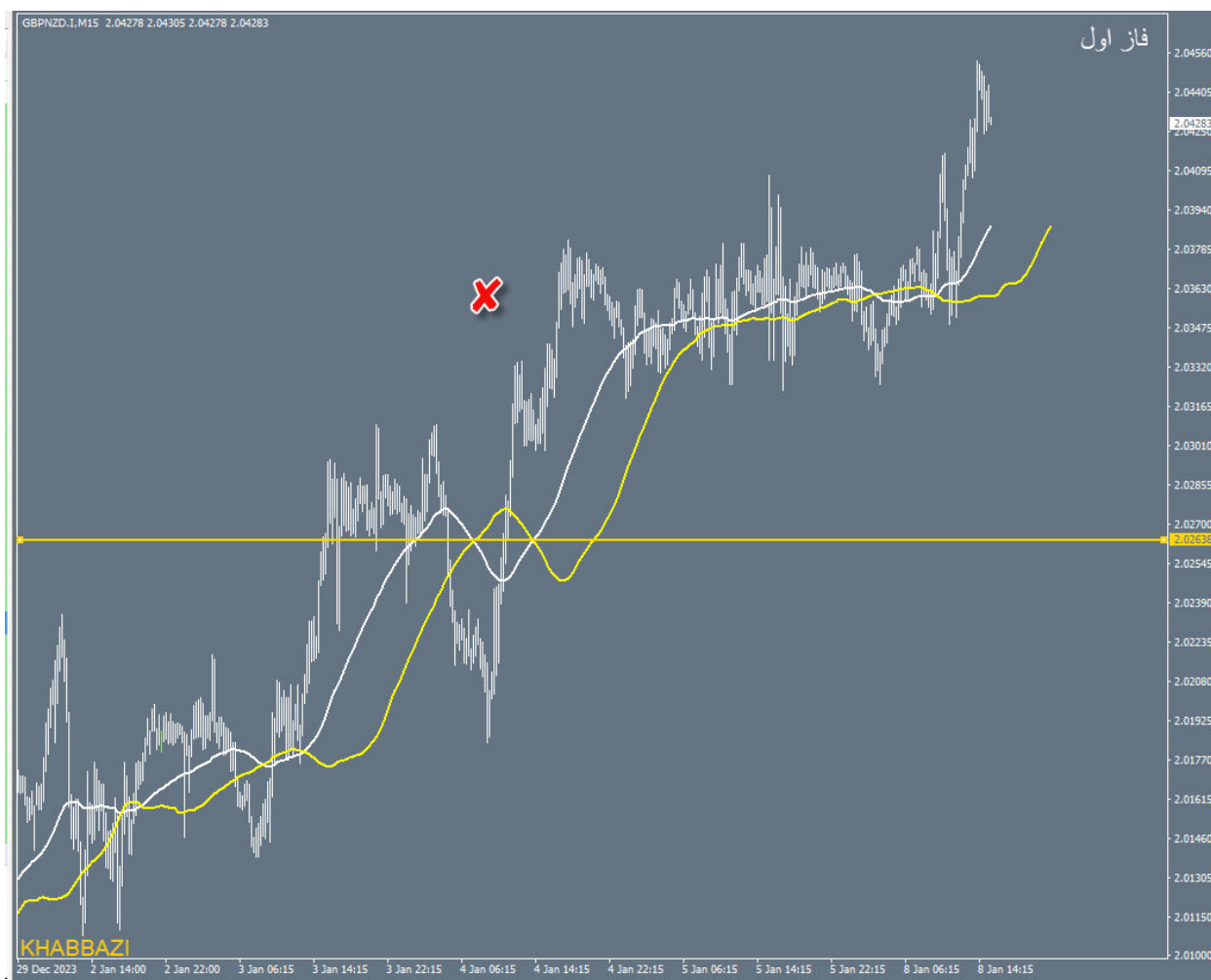
ترید در این شرایط را در فازهای بعدی بررسی خواهیم نمود.



مثال نهم

قیمت به محور استاتیک پولبک نزده است، پس ترید نمی کنید.

این ترید را در فازهای بعد انجام خواهید داد.

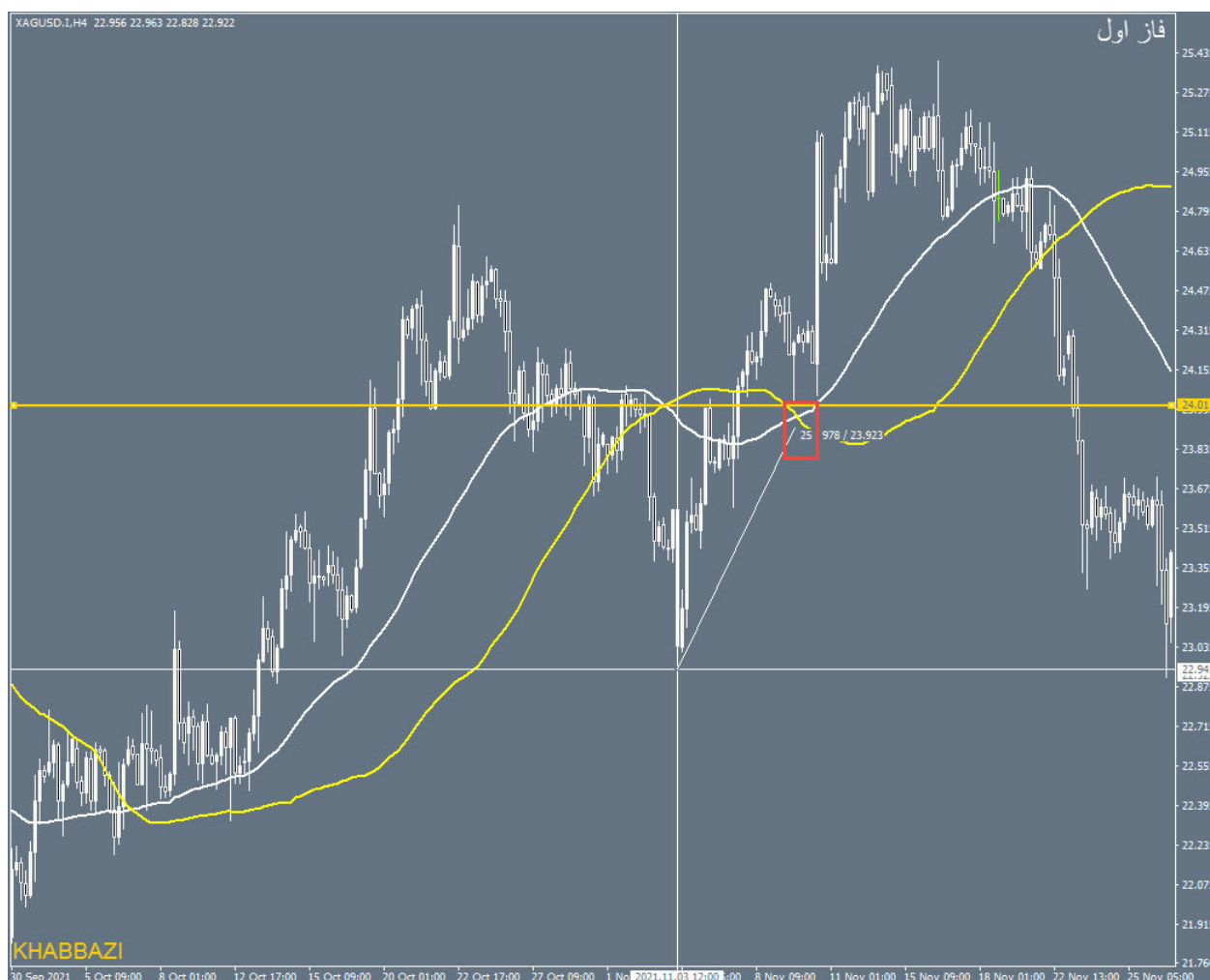


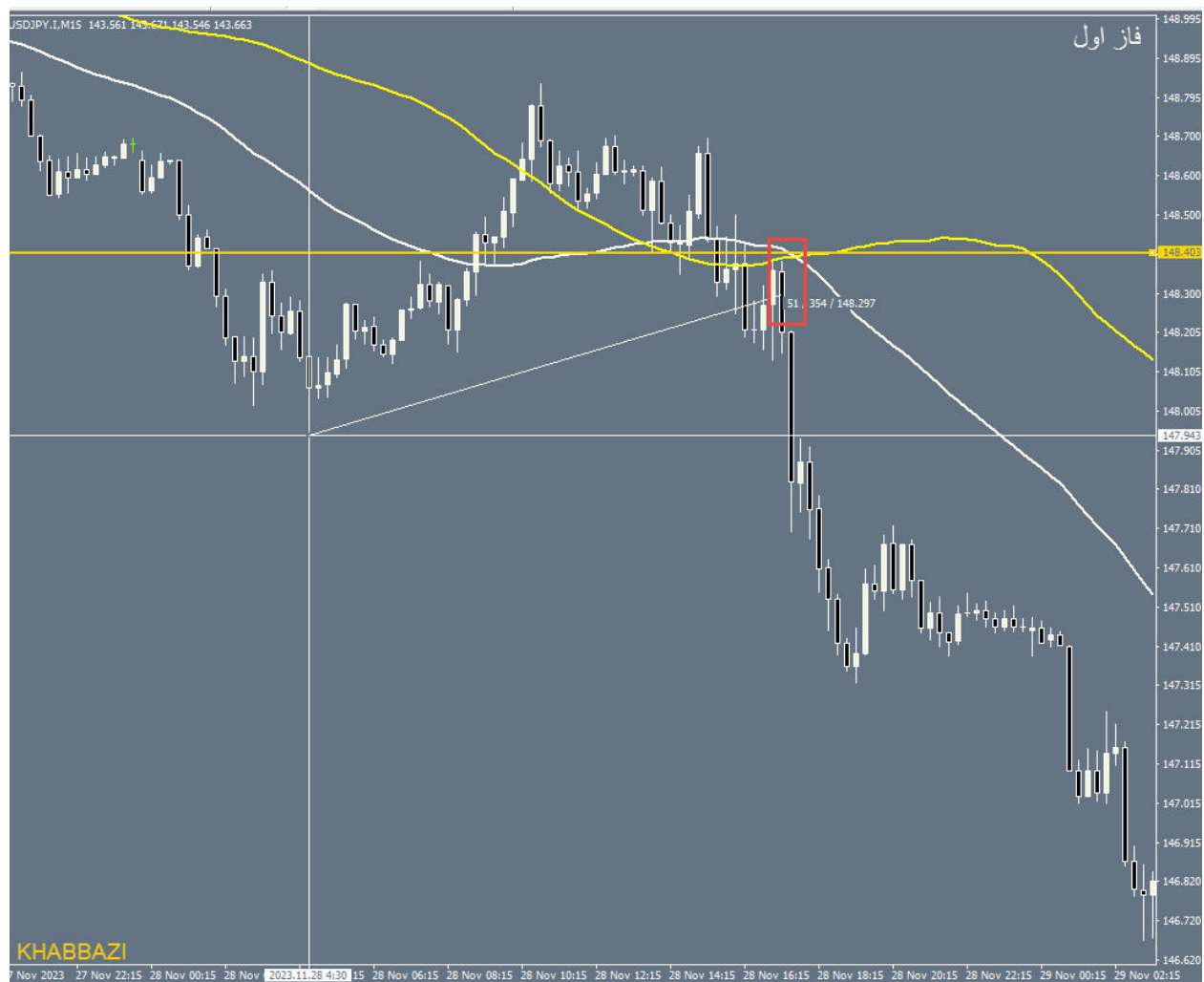
مثال دهم

هر گاه کندل بعد از یک حرکت خوب محور استاتیک را بشکنند و محل پولبک آن به محور، دقیقا مرکز سویچ تعادلی باشد، با توجه به رپورسی که سویچ به قیمت می دهد، اطمینان بیشتری به این که قیمت به تارگتس برسد، خواهد بود.

اگر فاصله کندل پولبک که در محل سویچ تعادلی قرار دارد، از دره یا قله ای که استارت حرکتش را زده است، اعداد 17 و 26 و 52، باشد، اثر زمانی آن، امکان تاج تارگت تا شکل گیری پترن N را بیشتر می دهد.

شکل های بعد تایید پولبک و رپورس از سویچ تعادلی و عدد زمان را با هم دارد.



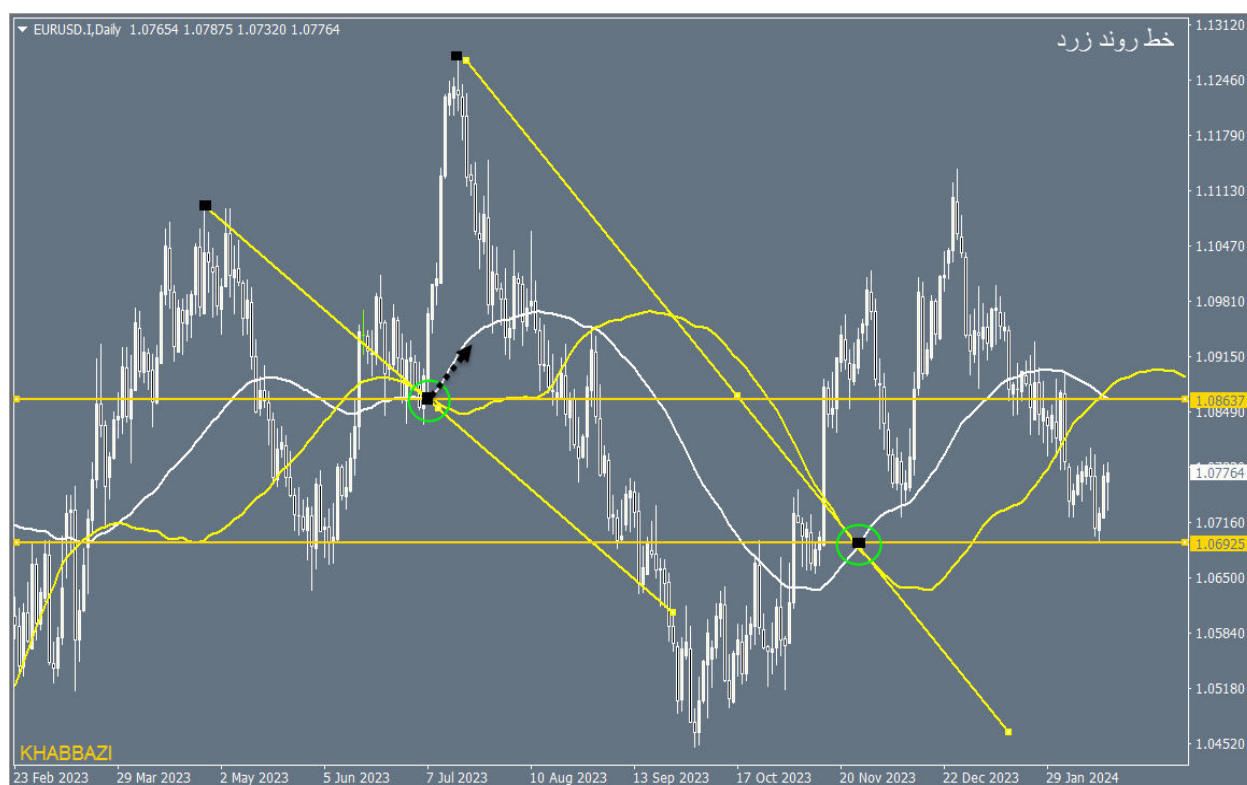


مثال یازدهم

وقتی حرکت از قله یا دره و در ادامه آن، اصلاحش با ریتم خاصی باشد، کومو حالت متقارنی پیدا می کند و معمولا حداقل یکی از سویچ های توازن با دره یا قله شروع حرکت، تشکیل خط روند موینگی را می دهند.

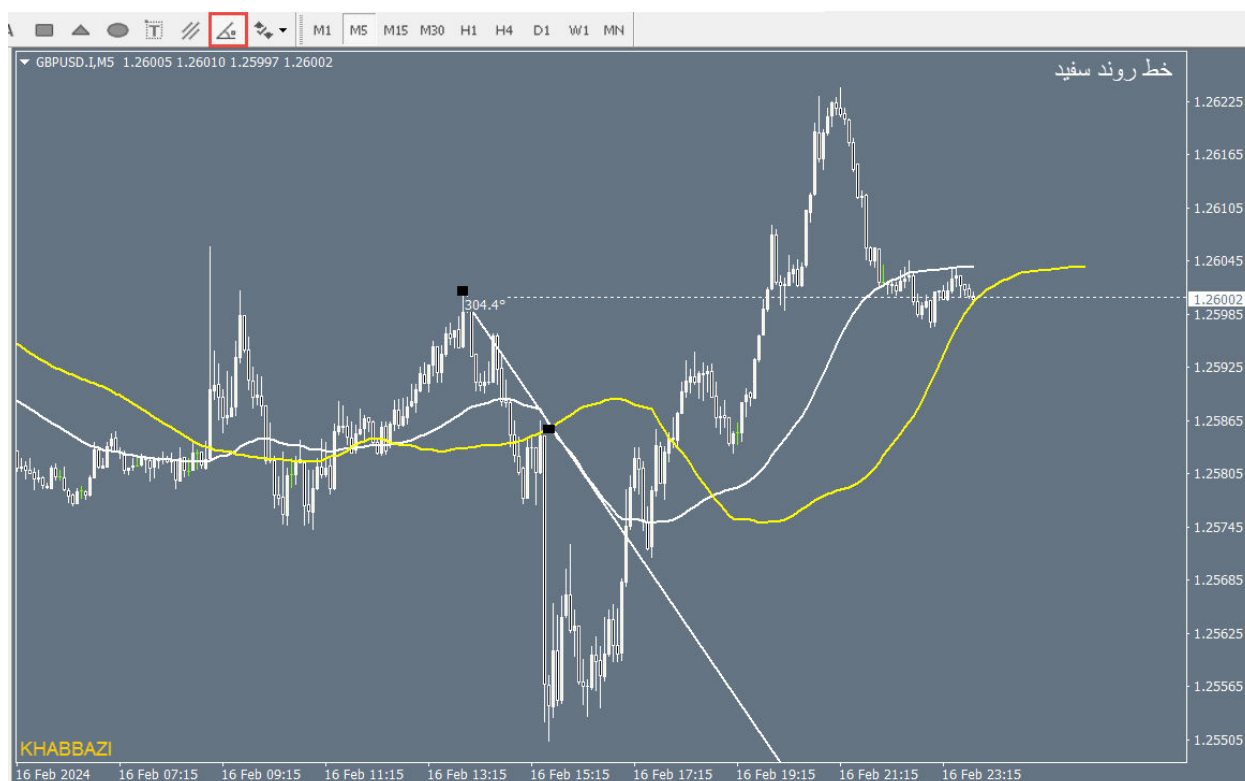
خطی از دره یا قله شروع حرکت بر روی سویچ تعادلی دوم (سویچ سمت راست) در ستاپ توازن انداخته و آن را امتداد می دهیم. اگر این خط هم شیب با موینگ زرد باشد و آن را بپوشاند؛ به عنوان خط روند زرد قابل قبول است. پس خط روند موینگی، خطی است که از اتصال و امتداد دو نقطه مشخص شکل می گیرد. به عبارت بهتر انتخاب شیب این خط در اختیار ما نمی باشد.

وقتی که خط روند زرد، محور تعادل استاتیک را کراس می کند، اگر کندل در آنجا حضور داشته باشد، با توجه به برخورداری از حمایت استاتیک و دینامیک، از یک طرف و پرتابی که سویچ تعادلی می دهد از طرف دیگر، ترید مطمئنی می باشد (پیکان مشکی).



امتداد خطی که دره یا قله شروع حرکت را به سوی تعادلی اول در ستاپ توازن وصل می کند؛ خط روند سفید نامیده می شود.

از خط زاویه برای خط روند سفید استفاده شده است تا میزان شارپ بودن حرکت، مشخص باشد (اصراری به استفاده از خط زاویه نیست و خطوط روند سفید و زرد فقط محدود به ستاپ توازن نمی باشد).



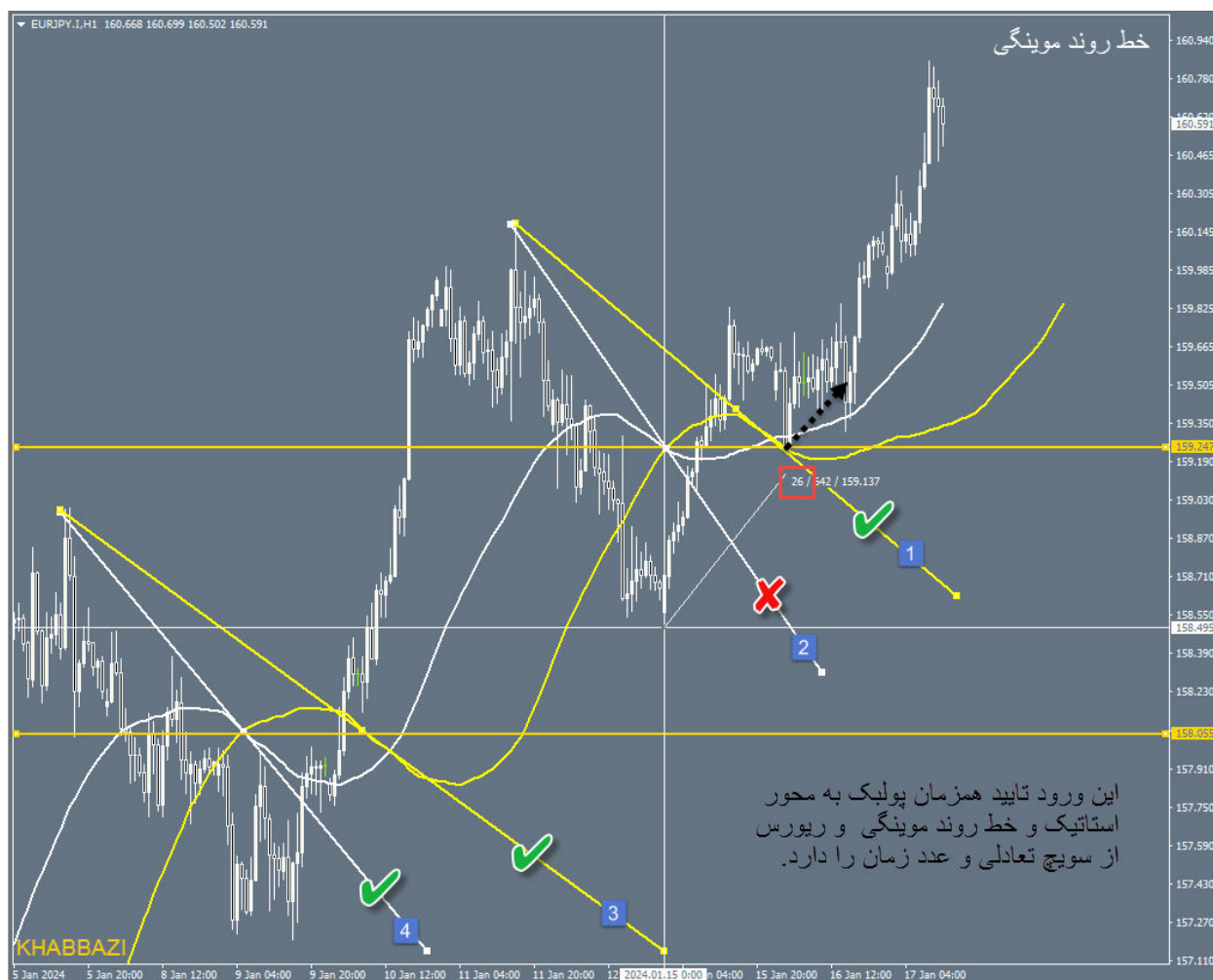
اگر چه چارت به خطوط روند موینگی واکنش می دهد؛ اما خطوطی را به عنوان خط روند منظور می کنیم که قسمتی از موینگ را بپوشاند؛ یعنی با آن هم شیب شده باشد.

خط روند سفید، معمولاً خبر از حرکت شارپ می دهد که باعث عدم پولبک قیمت به محور استاتیک می شود.

احتمال پولبک به محور استاتیک، با خط روند زرد بیشتر می باشد.

در این فاز فقط خط روند زرد آن هم در حالتی که در محل کراسش با محور استاتیک، کندل حاضری بزند، استفاده می شود. در این شرایط اگر تایید زمان را نیز داشته باشیم، یکی از ورود های خوب می باشد.

خط روند شماره دو مردود و خط روند شماره یک بهترین است.



بعد از ترید، طبق تمرین داده شده، هم پوشانی تعادلی را برای سویچ تعادلی مورد نظر، مشخص کرده و فقط در آن سطح، یک خط افقی می اندازیم و در آینده عملکرد سویچ نسبت به این سطح را بررسی می کنیم.

حد سود در این ترید همان انتهای باکس تعادلی خواهد بود اگر چه با شکست باکس تعادلی، تارگت سطح 261 از فیبو تعادلی در دسترس می باشد.

هدف در فاز اول، وین ریت، نه ریسک به ریوارد، می باشد تا سبز بسته شدن نخستین ترید ها، روحیه و اعتماد به نفس بیشتری به تریدر مبتدی بدهد.

در این فاز ترید دوم از پلن اصلی را تمرین می کنید و این هم پوشانی، محل بستن ترید سوم و باز نمودن ترید چهارم از پلن اصلی خواهد بود.

تکلیف فاز اول

گزارش برداری

نتیجه نهایی فاز اول که ترید با سود یا ضرر بسته شده است، اعتبار دره یا قله، تارگت نهایی، نتیجه پیش بینی شما و ... را مستند کنید. این گزارش بعدا در شخصی سازی پلن، بدون صرف زمان مجدد، می تواند کمک خوبی باشد.

این مستند سازی را در تمامی فاز ها مخصوص در پلن نهایی به صورت مجزا انجام دهید. با توجه به تنوع ستاپ ها، مشخص نمایید هر ترید با چه ستاپی انجام شده است؟ آیا قبل از فعال شدن حد ضرر، تارگت اولش را داده است؟ تارگت نهایی ترید بر اساس کدام آموخته بوده است؟...

حداقل استفاده این گزارش برداری این خواهد بود که در پایان فاز بندی، نشان خواهد داد که در کدام یک از فازها، عملکرد بهتری داشته اید.

فاز دوم

شکست

آموزش : رالی باکس

هدف از ترید در فاز اول در ستاپ توازن، ترید موافق جهتی بعد از انجام پولبک، یعنی اتمام اصلاحش بود. در این ترید قیمت می تواند سطح قبلی را شکسته و به اندازه حرکتی که قبل از شروع اصلاح داشته است، حرکتش را ادامه دهد. سطح قبلی را دره یا قله مینور یا فرکتال می نامیم و تارگت نهایی این حرکت، دره یا قله ماژور یا اصلی خواهد بود.

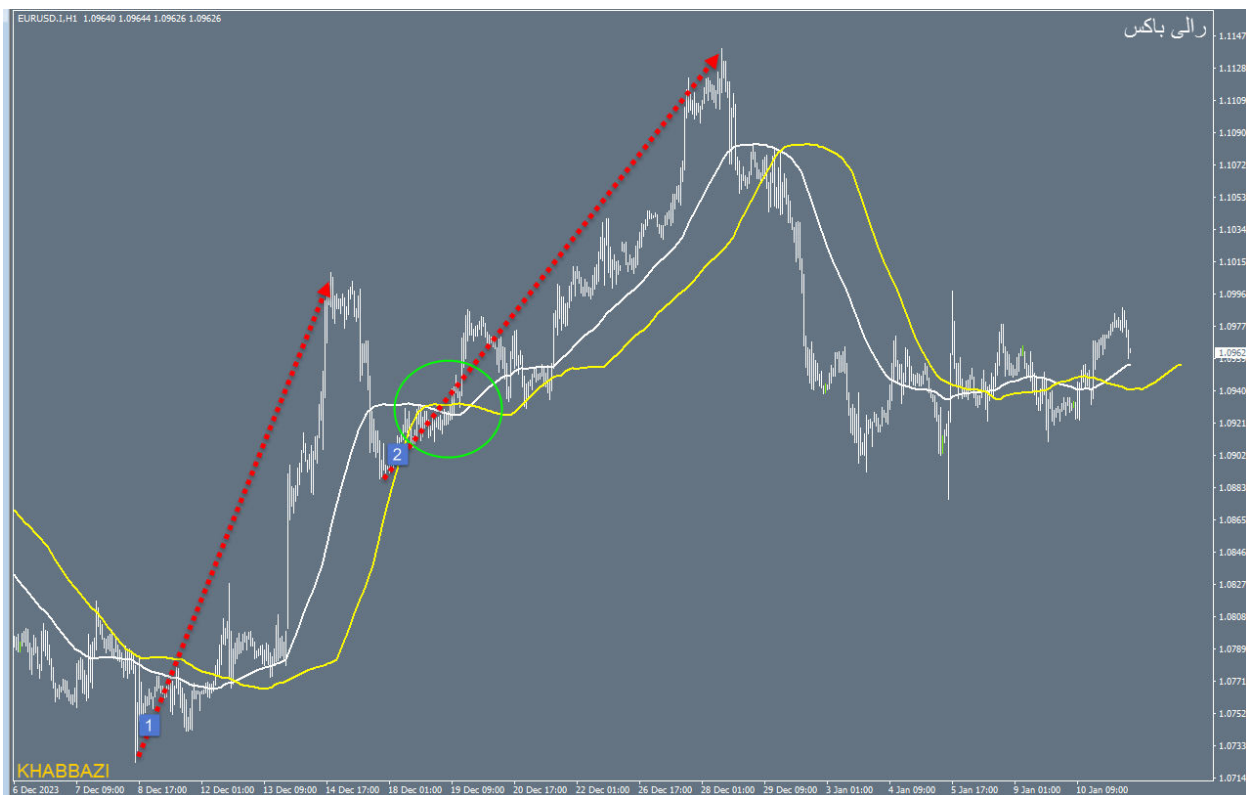
این حرکت جدید در ستاپ توازن از نوع ایده آل، از نظر زمان و قیمت برابر حرکت یا رالی قبلی می باشد. ترید دوم در واقع می تواند ادامه همان ترید قبلی(فاز اول) باشد؛ و یا به عنوان ترید مستقل به آن نگاه شود.

در ستاپ توازن، بر روی حرکت قبلی(از قله به دره در توازن نزولی و بالعکس در توازن صعودی) یک باکس(رالی باکس) می اندازیم. ابتدای باکس(خط قطور مشکی) قله یا دره شروع روند، و انتهای باکس(خط قطور نارنجی)، قله یا دره قبل از توازن(قله یا دره فرکتال) خواهد بود.

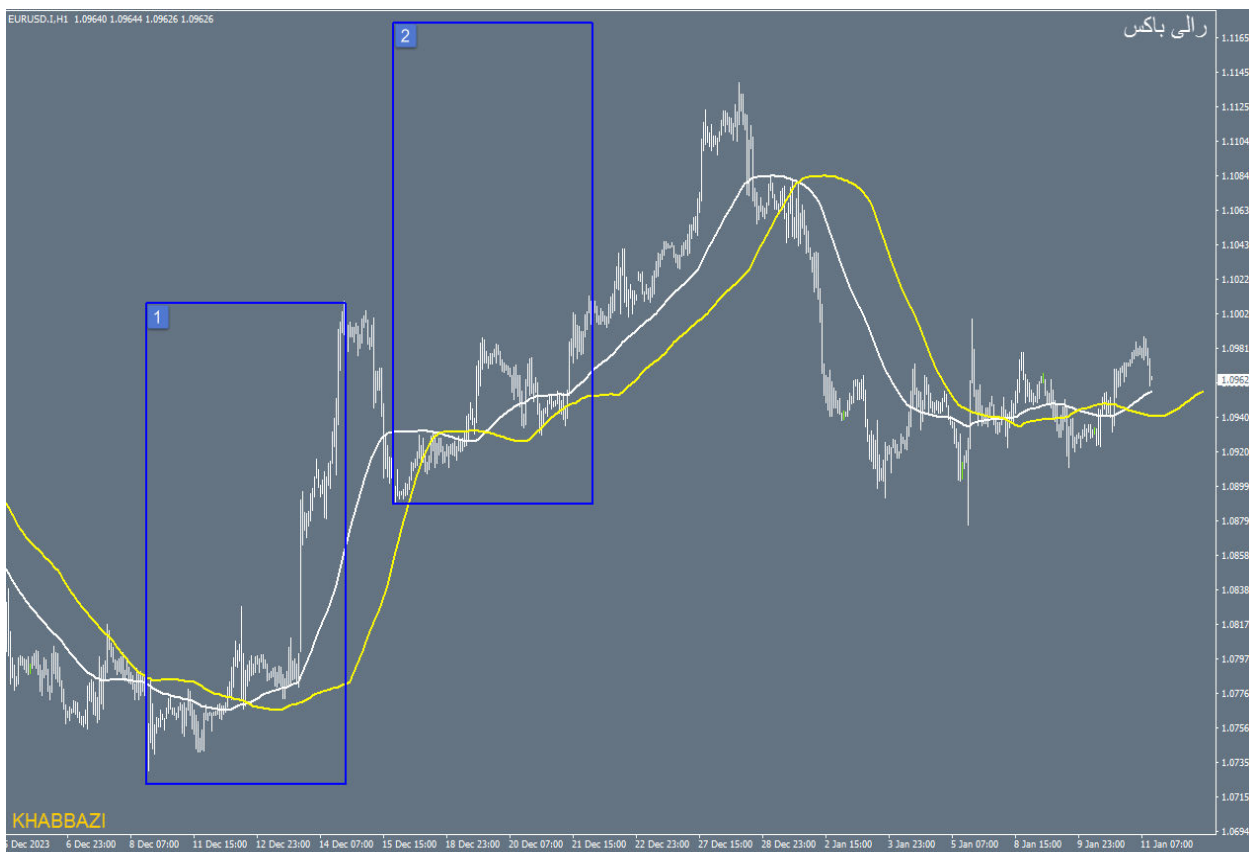
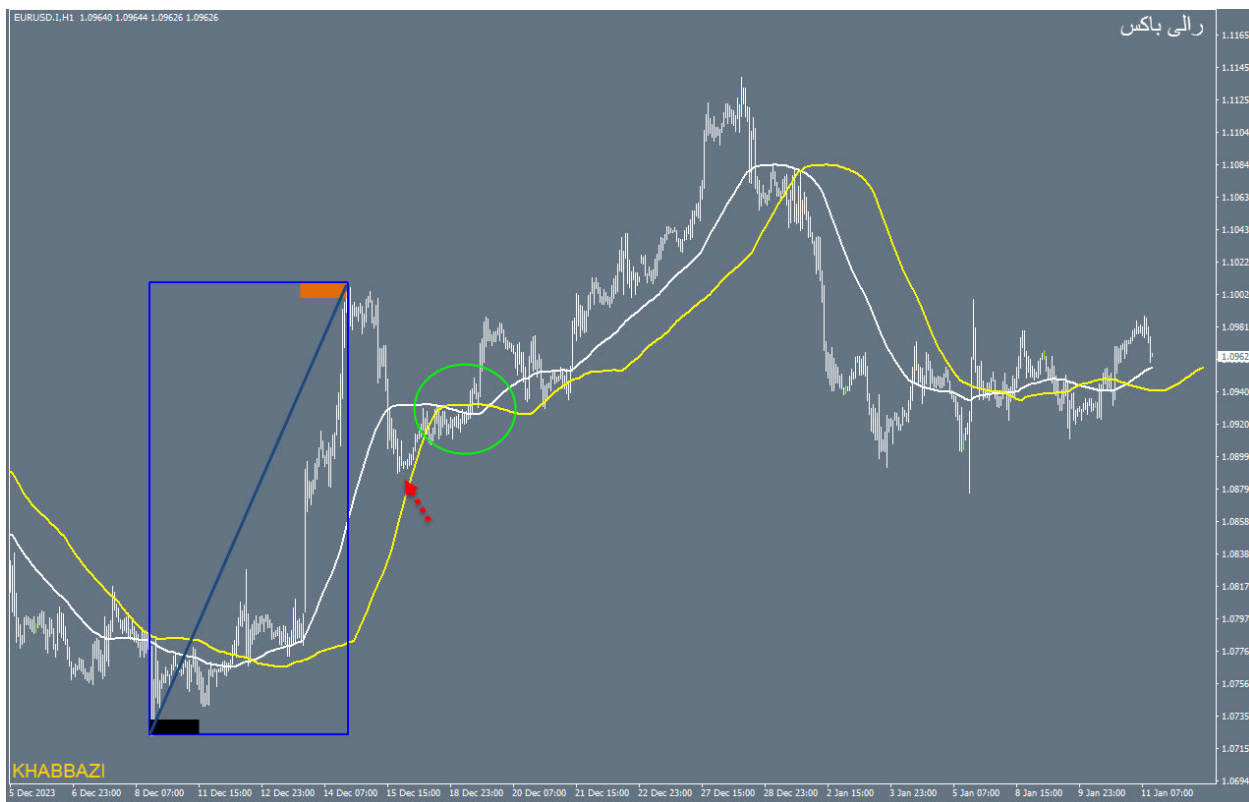
ارتفاع باکس قیمت و پهنای باکس زمان(تعداد کندل) این رالی را نشان می دهد. فعلا تحلیل قیمتی رالی باکس منظور می باشد. در ادامه، این باکس را کپی کرده و ابتدایش را به محل حد ضرر در ترید اول(پیکان قرمز) منتقل می کنیم.

انتهای رالی باکس دوم، تارگت ستاپ توازن ایده آل در فاز دوم خواهد بود.

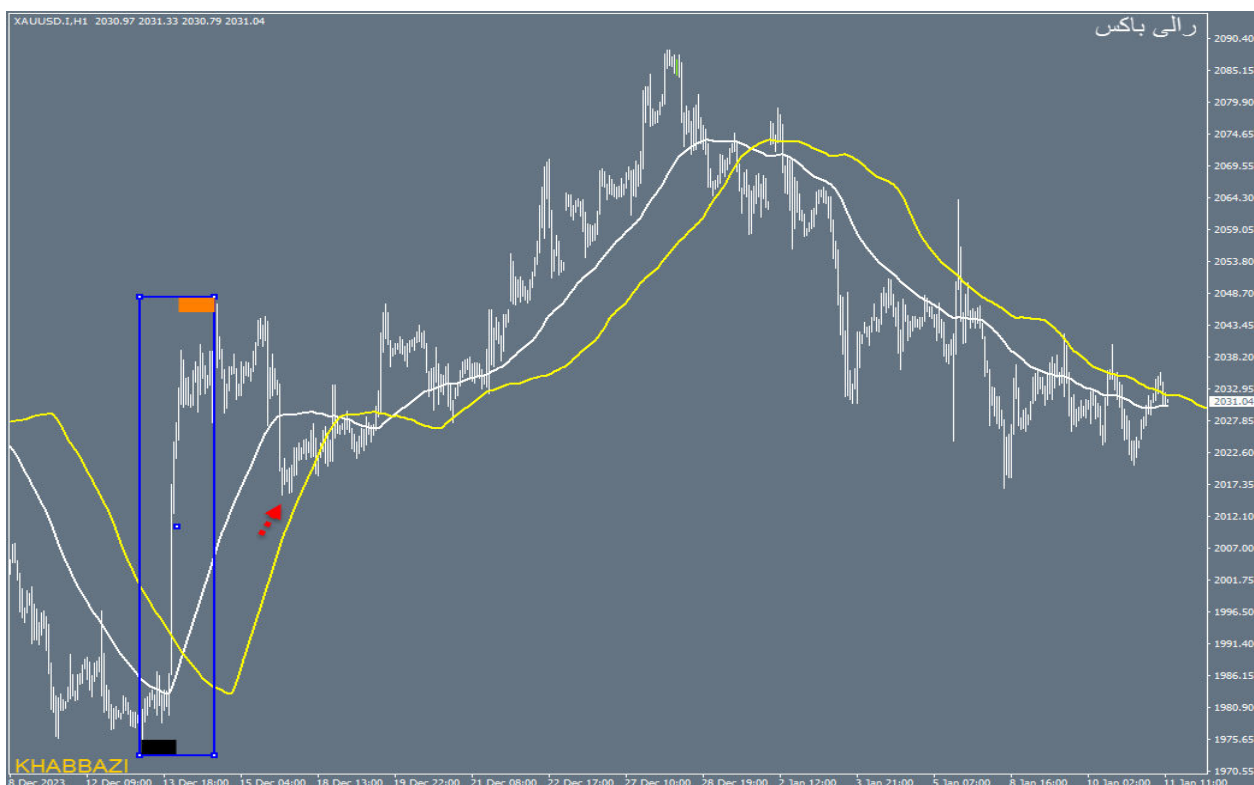
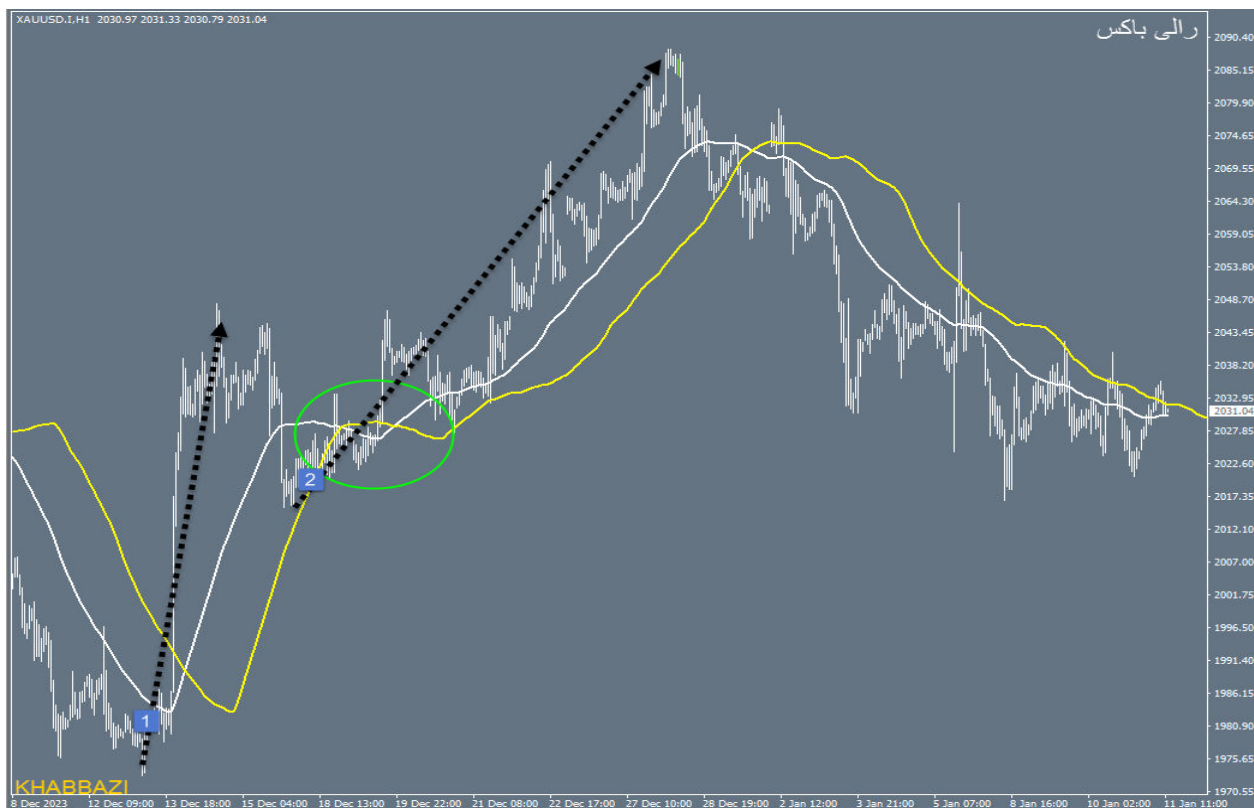
مثال اول

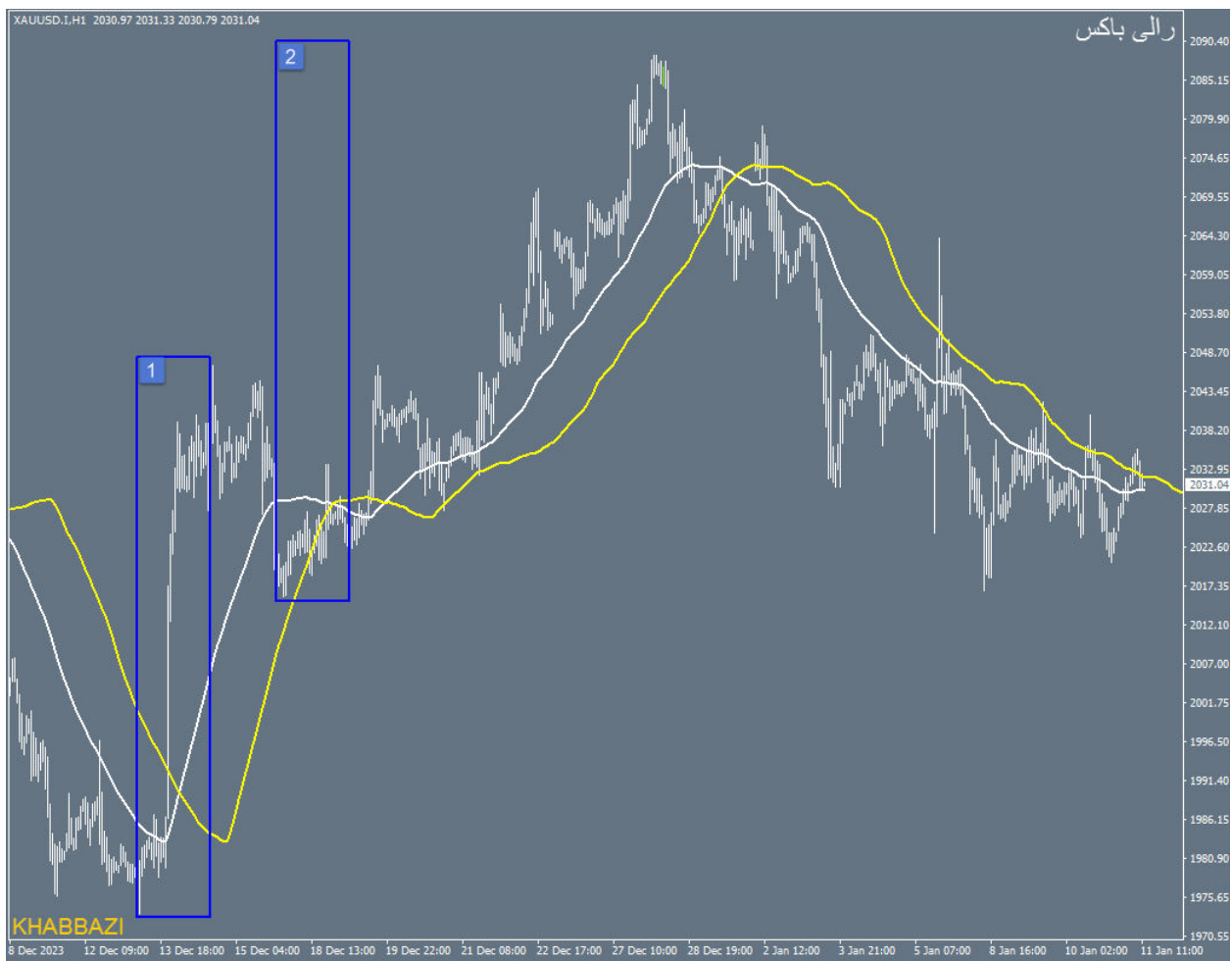


رالی باکس اگر قیمتی و زمانی درست رسم شود، قطر رالی باکس، دقیقاً ابتدا و انتهای روند (سوینگ) را نشان می‌دهد. پس رالی باکس چون قیمتی و زمانی است، قطرش شتاب (مومنتوم) حرکت را به ما نشان خواهد داد.

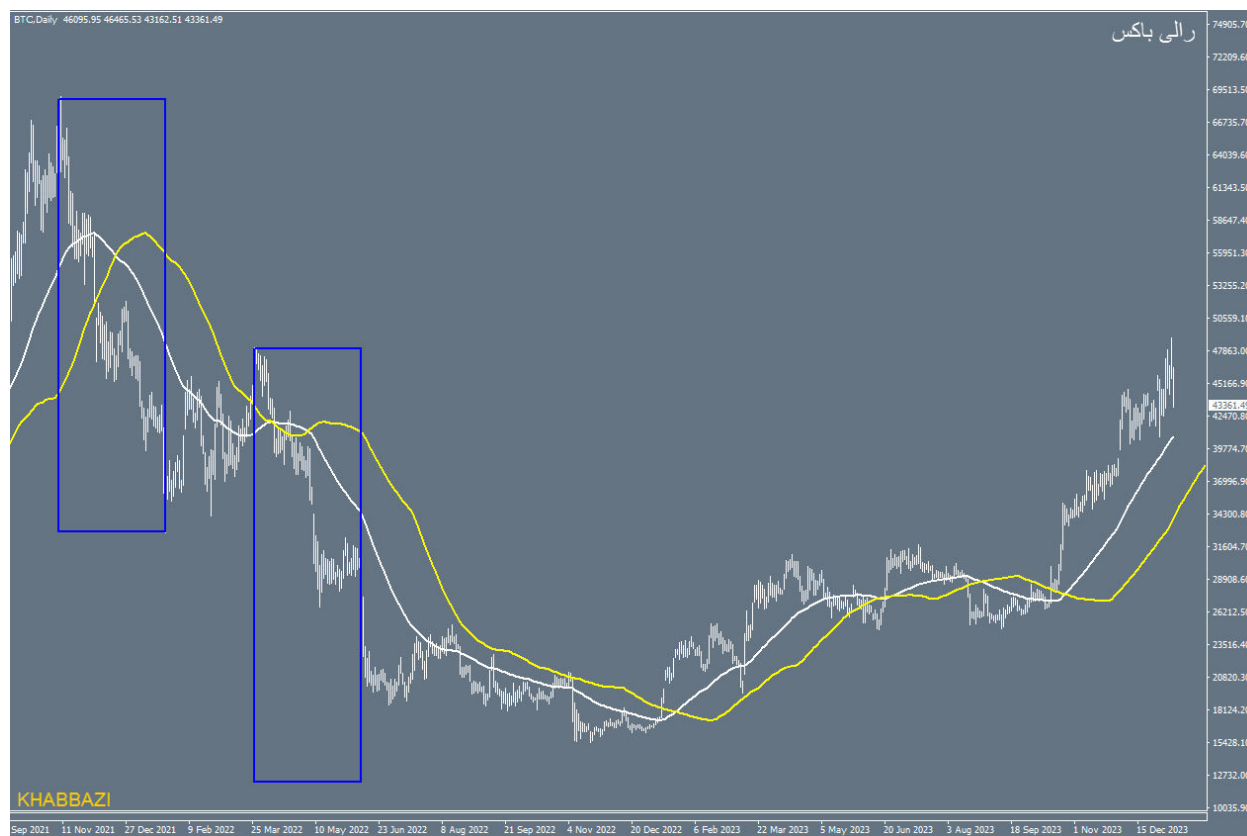


مثال دوم

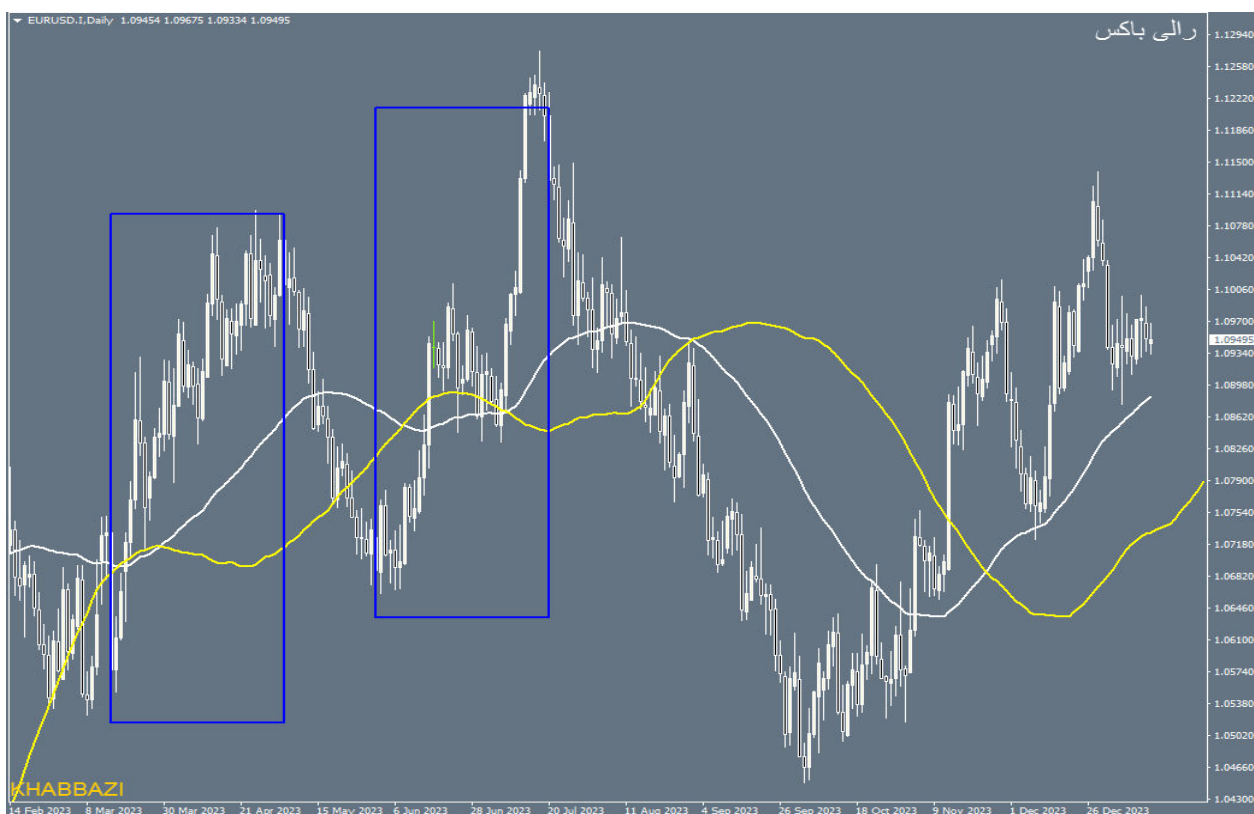
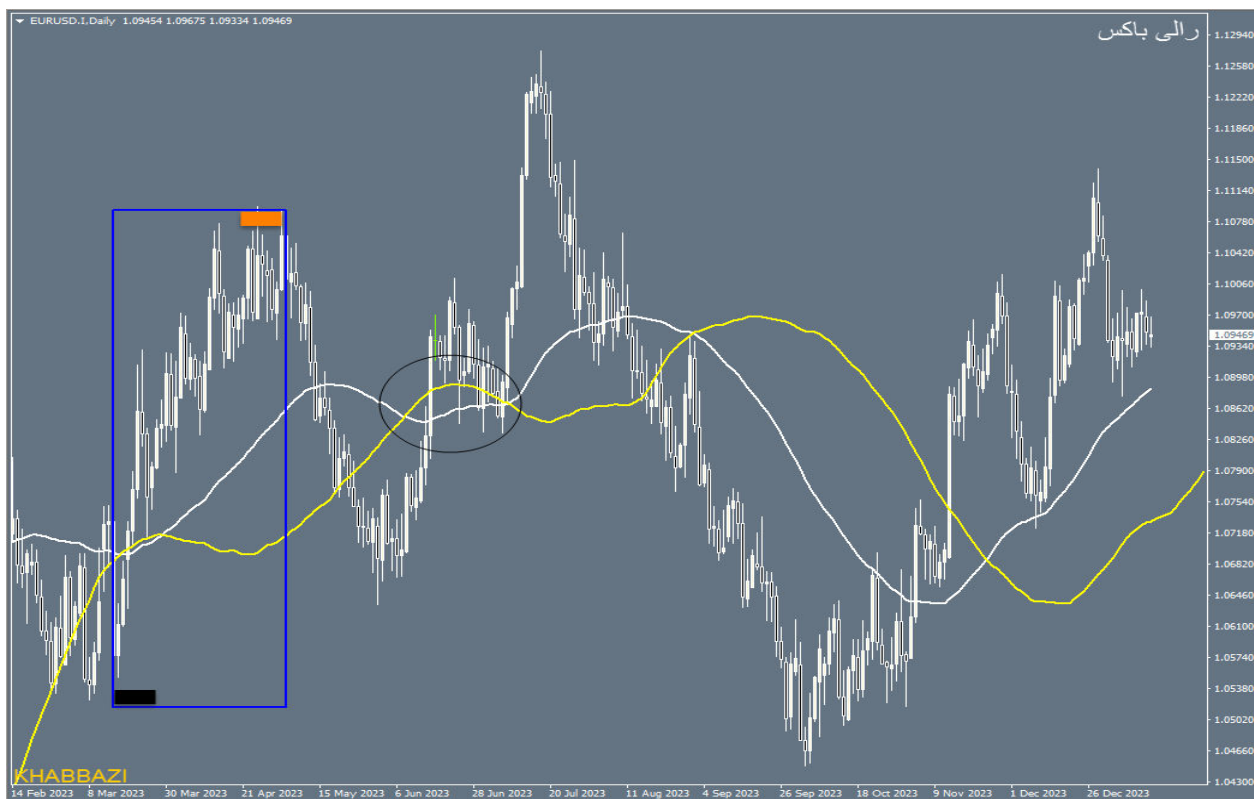




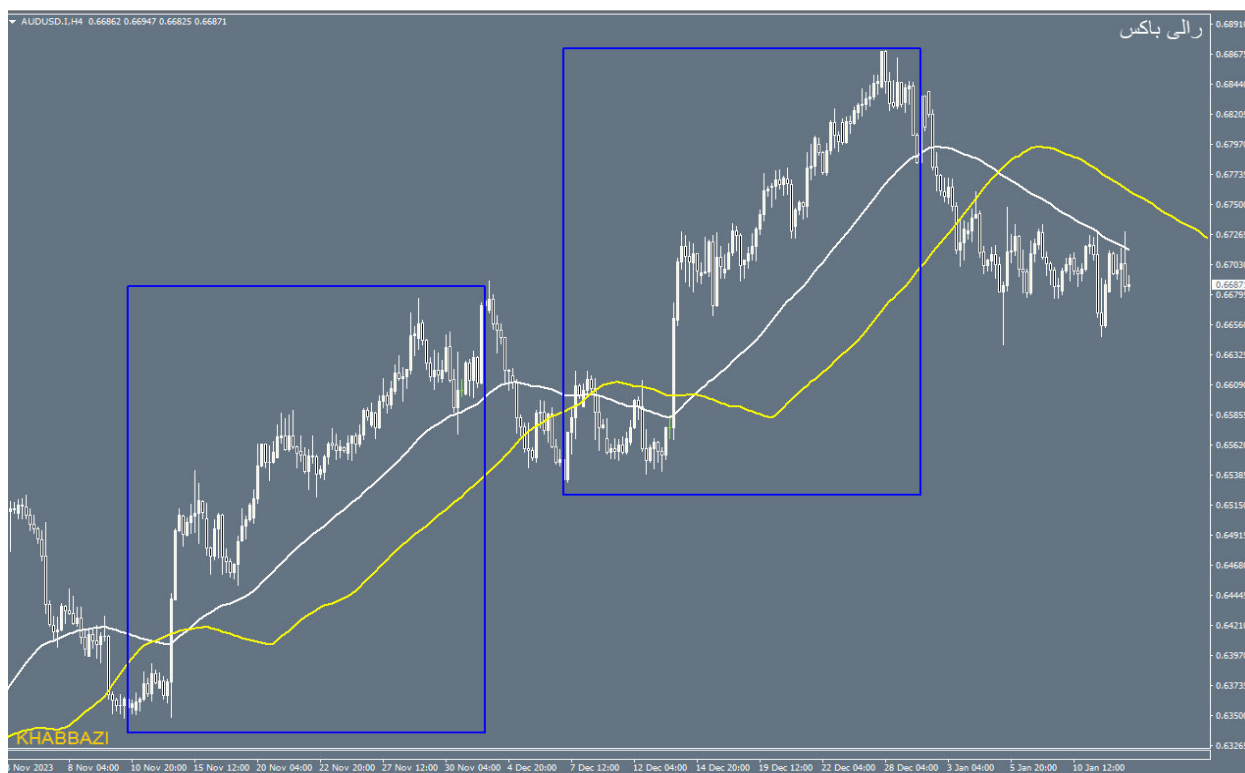
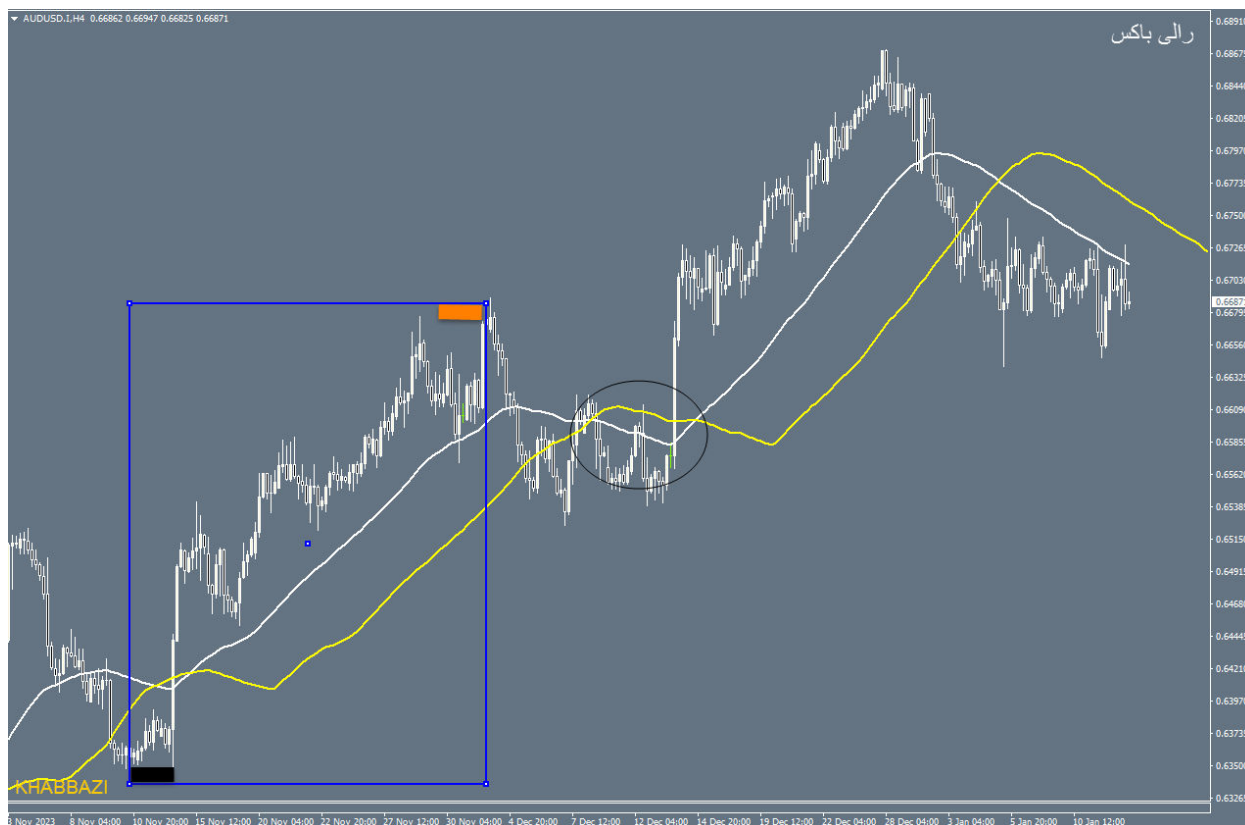
مثال سوم



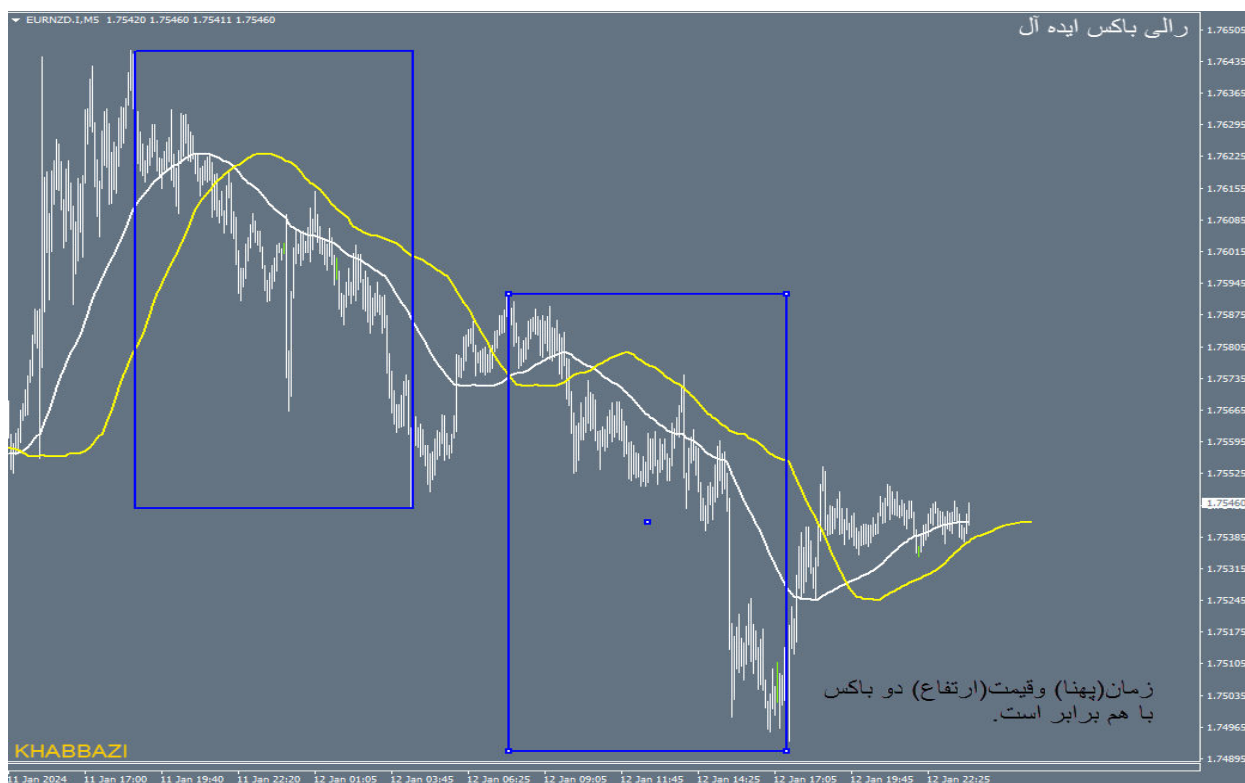
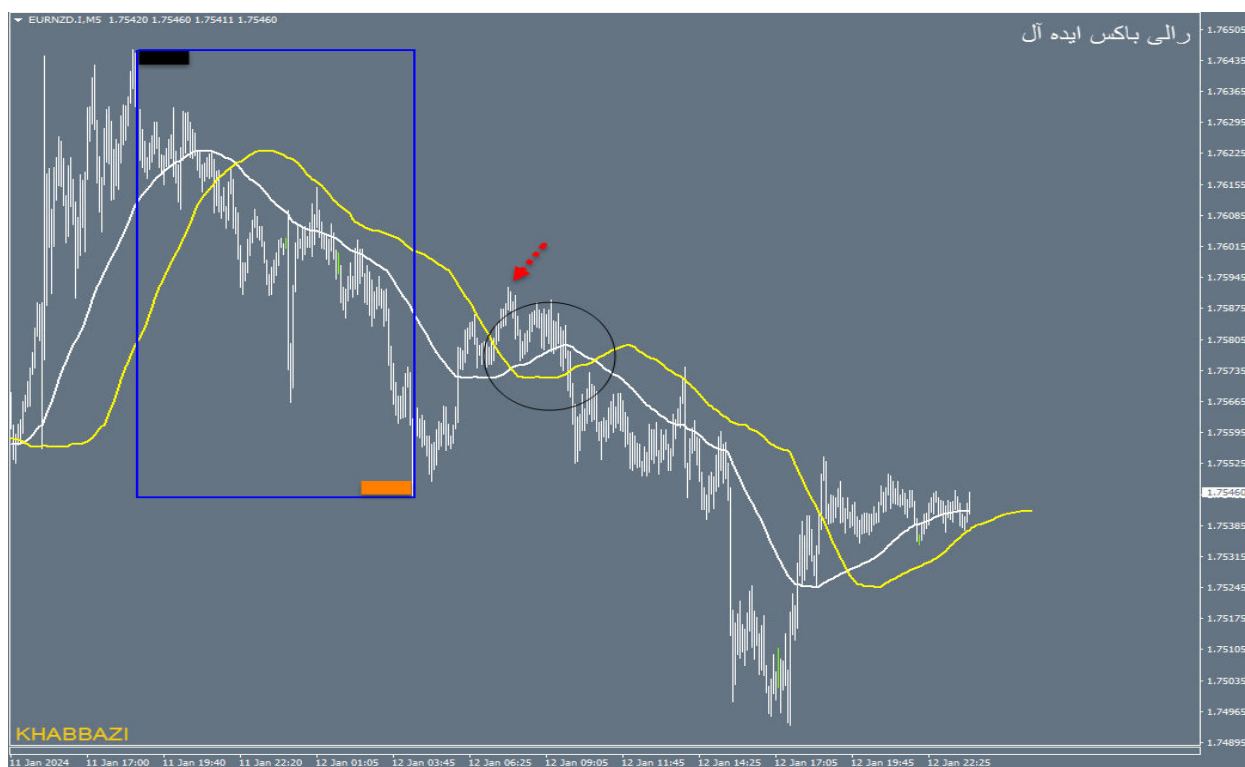
مثال چهارم



مثال پنجم



مثال ششم



باکس فرکتال

باکس فرکتال مانند باکس تعادلی رسم می شود. با این تفاوت که ابتدای باکس دقیقا نقطه صفر ستاپ توازن یعنی ابتدای رالی باکس اول است.

باکس را با موس امتداد دهید تا مرکزش بر روی یکی از سویچ های توازن بیفتد. این باکس را **باکس فرکتال** می نامیم.

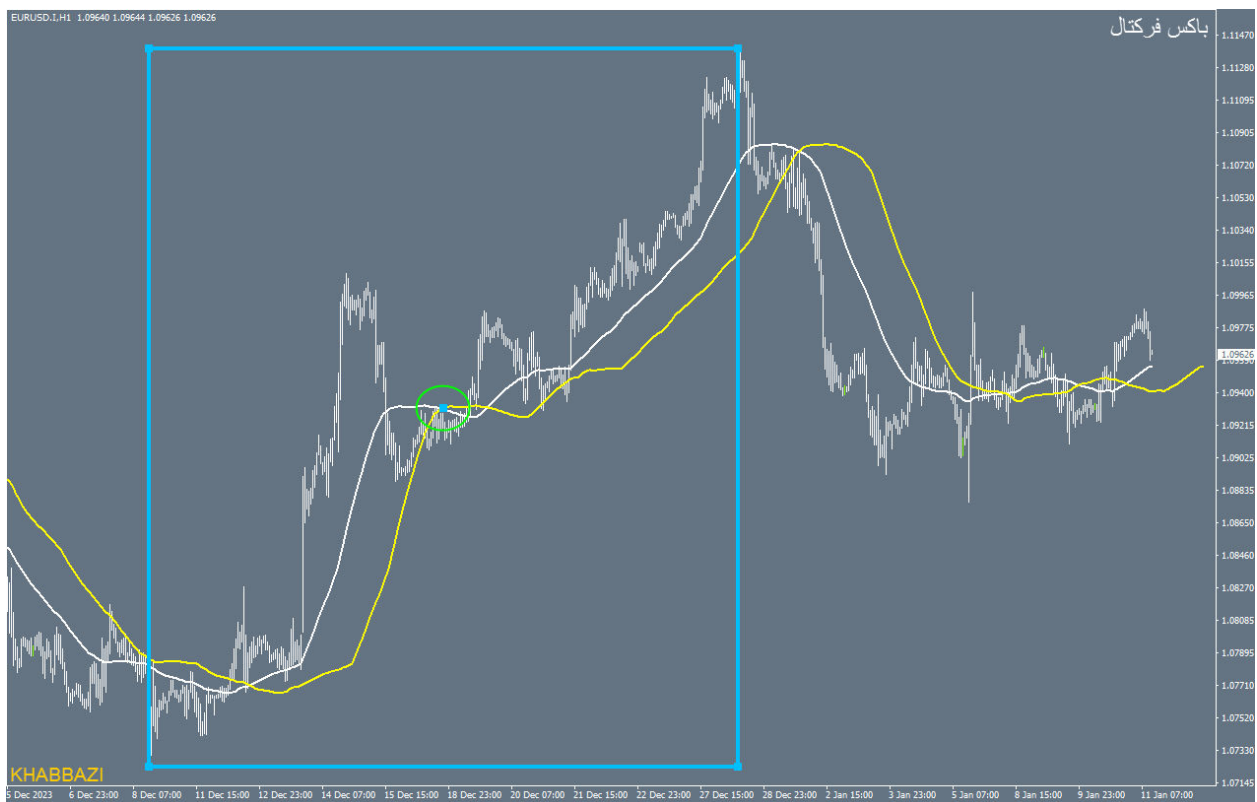
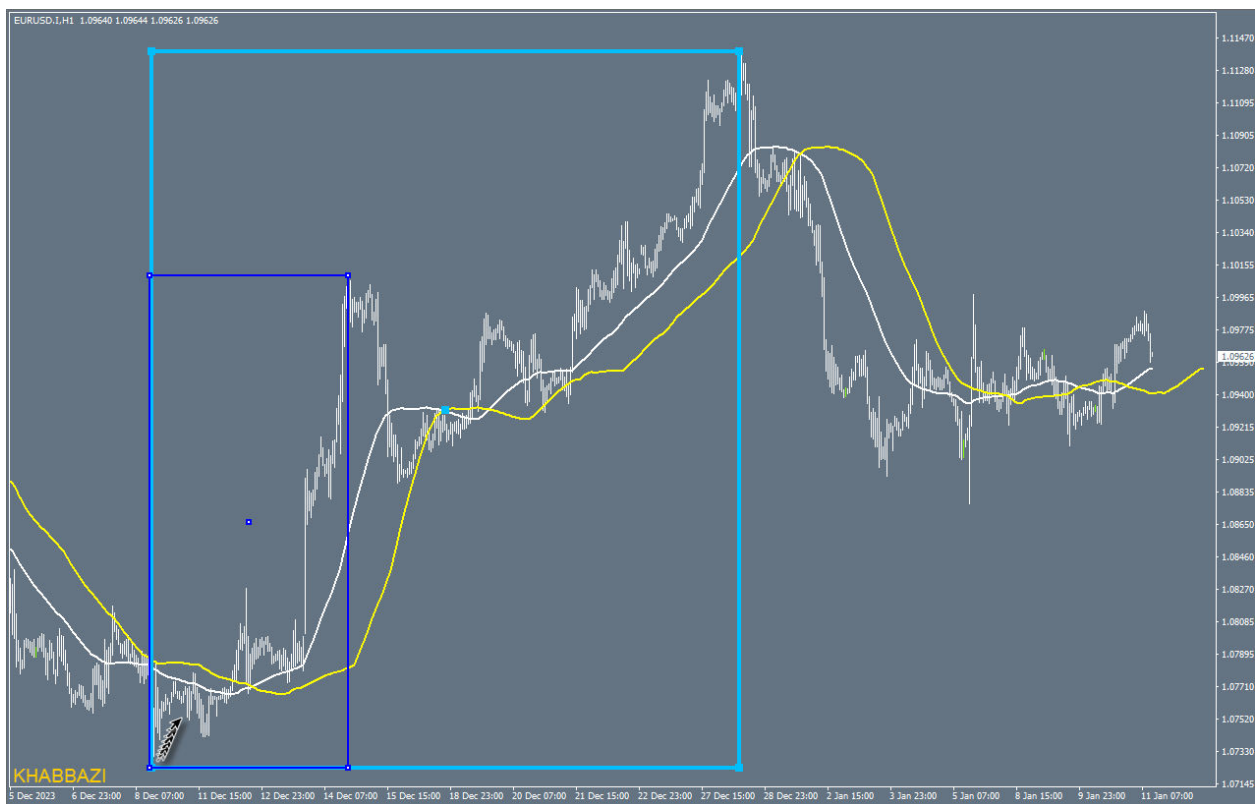
اگر ابتدای باکس فرکتال، ابتدای رالی باکس اول باشد و انتهای باکس فرکتال نیز انتهای رالی باکس دوم باشد و با این شرایط، مرکز باکس دقیقا بر روی یکی از سویچ های توازن بیفتد، این ویژگی باکس فرکتال، مربوط به **ستاپ توازن ایده آل** خواهد بود.

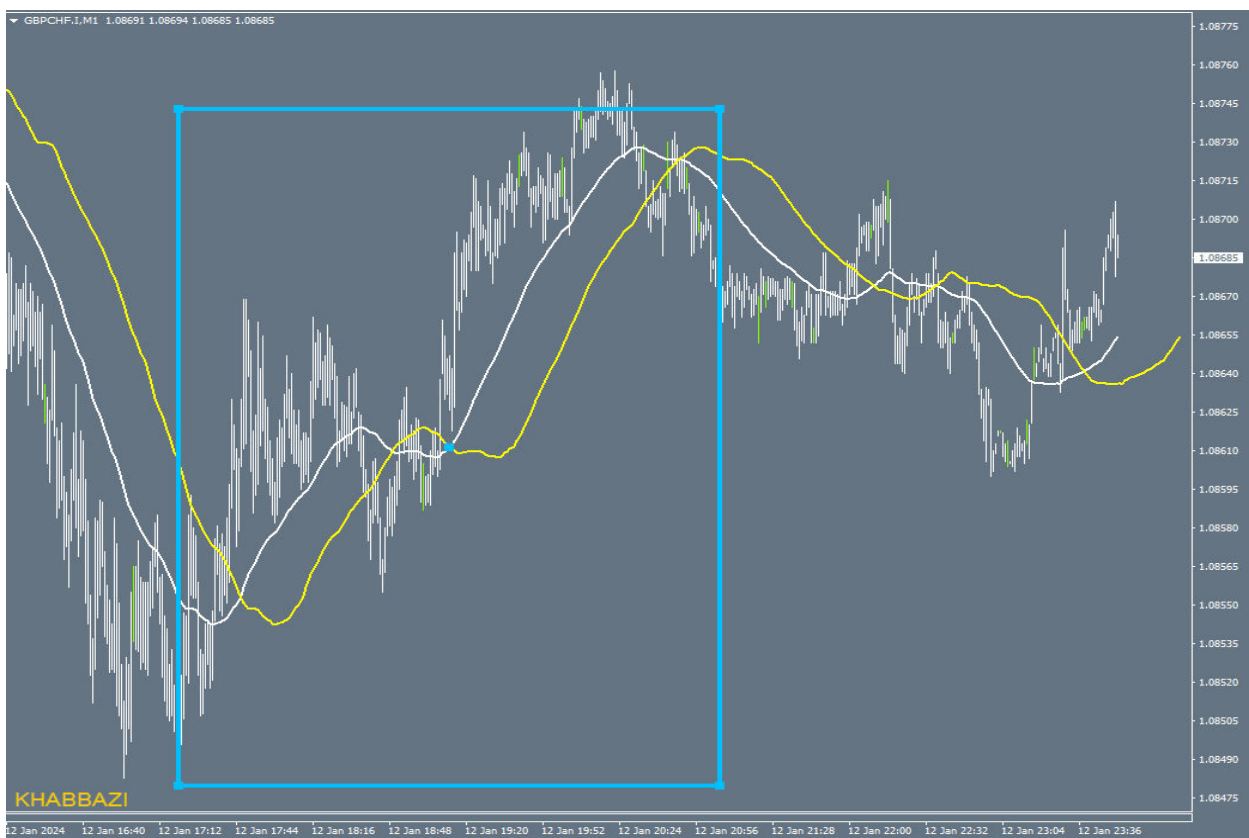
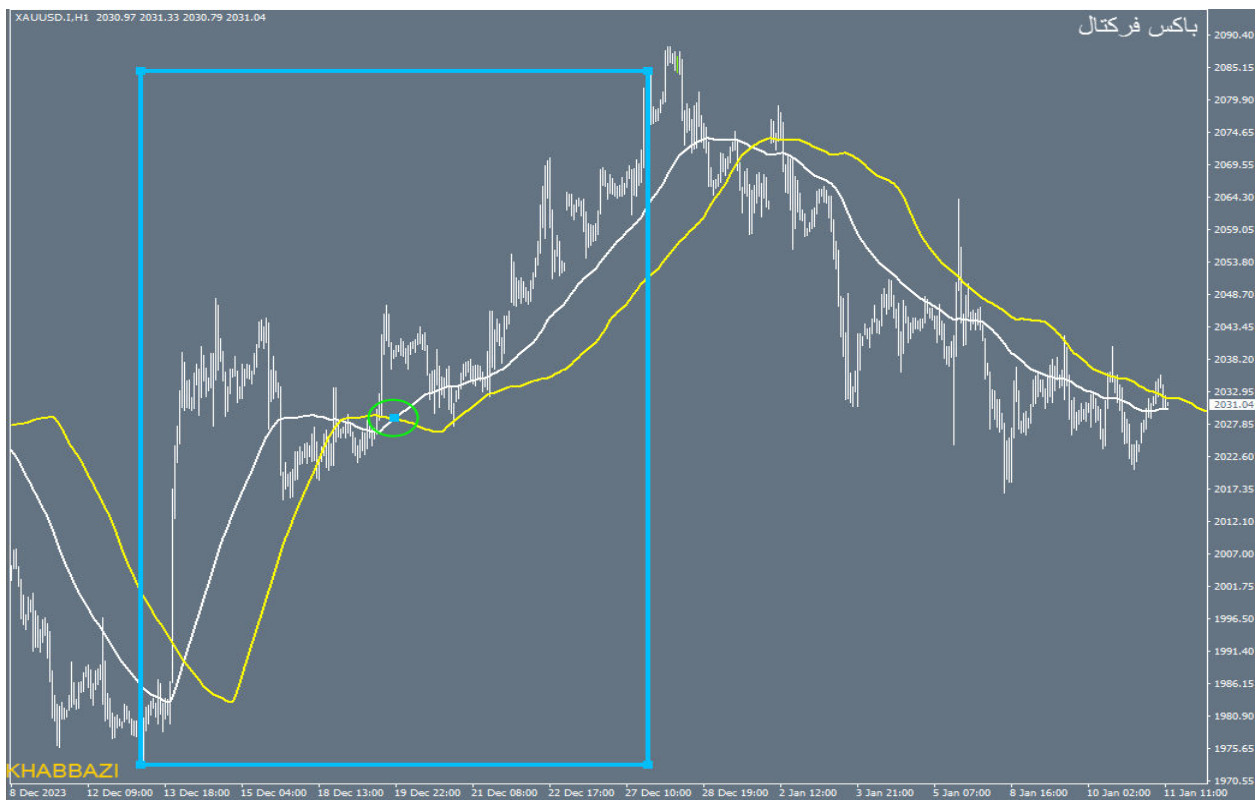
بعدا با دید فرکتالی و زمانی باکس فرکتال و رالی باکس و حتی ابزار تعادلی(گام متعادل) بررسی خواهند شد. فعلا مانند سایر ابزار، در تارگت گذاری قیمتی استفاده می کنیم.

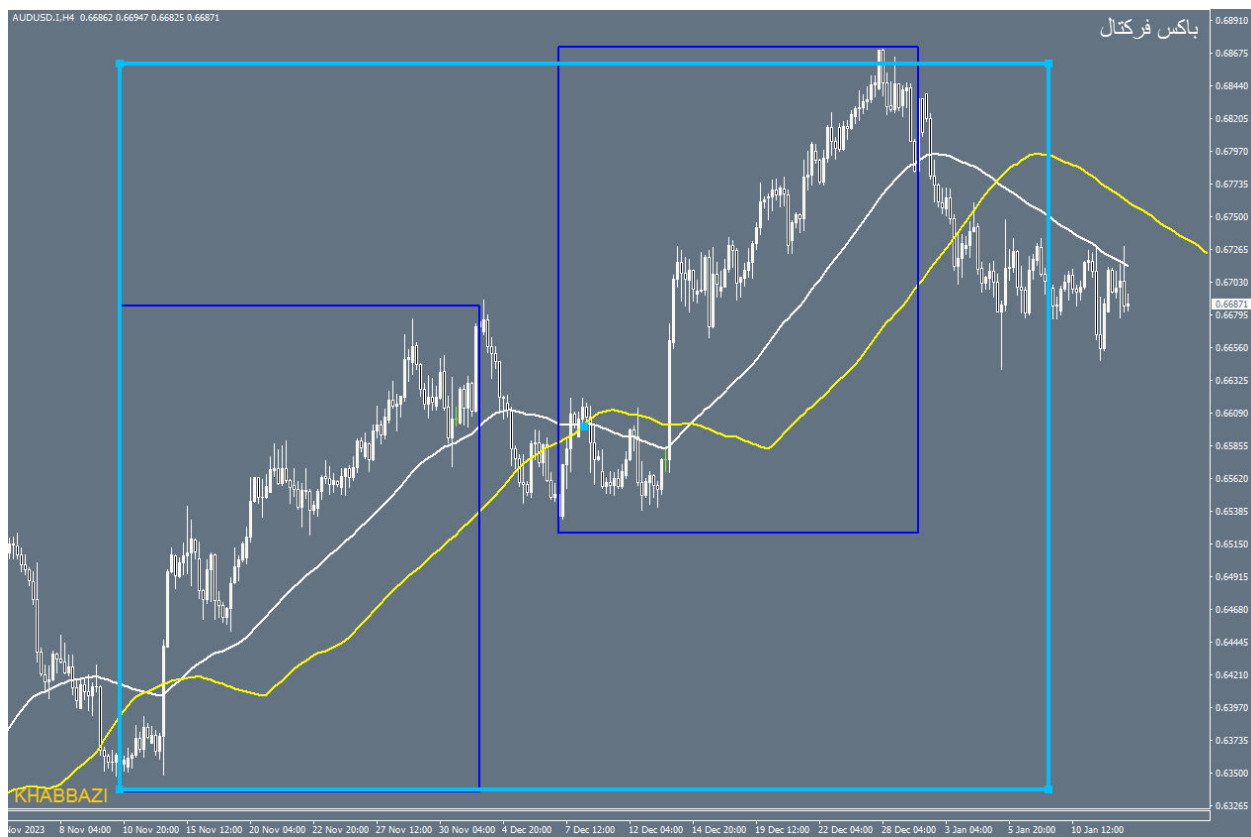
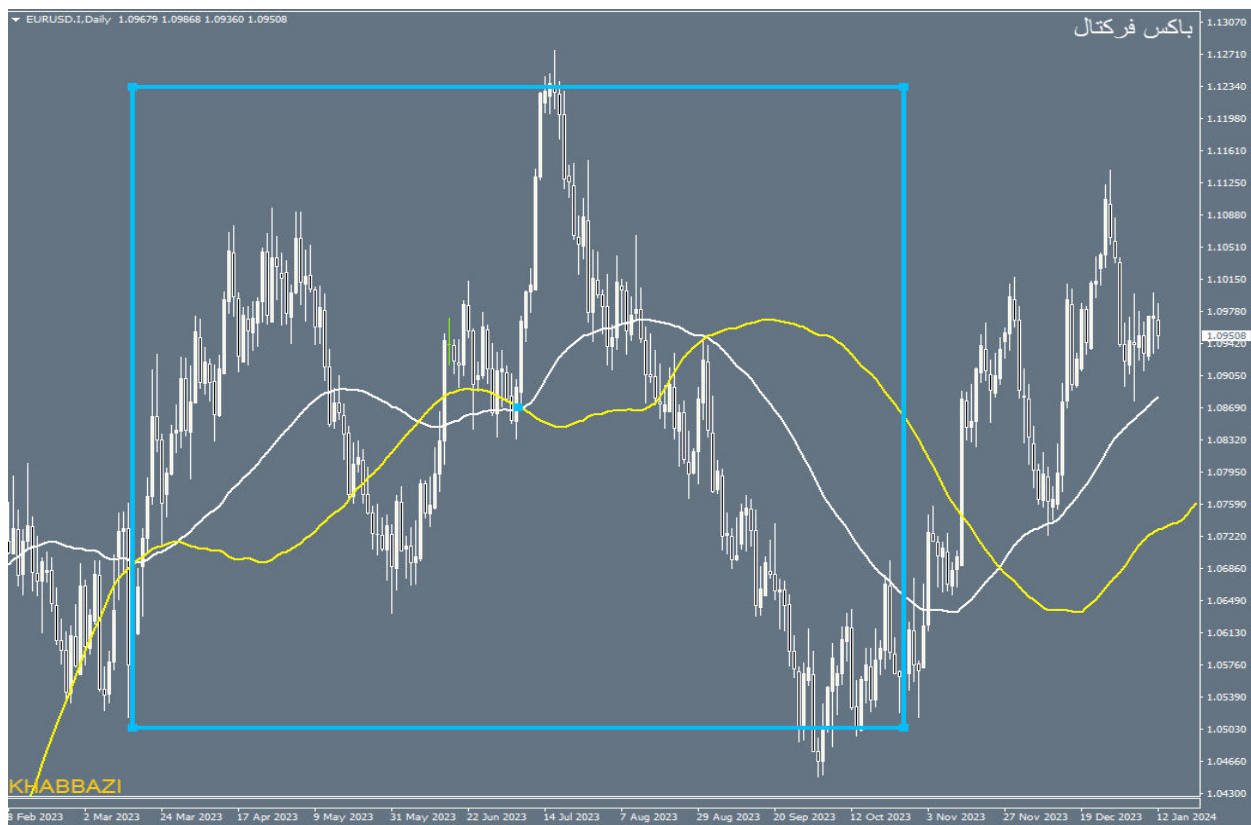
با بررسی گذشته بازار خواهید دید که اکثر زوج سویچ های توازن، در یک امتداد نیستند. در این فاز، فقط برای تمرین و بررسی، نه ترید، هر سویچی که هم پوشانی بهتری با سطوح تعادلی و یا رالی باکس داشت را منظور می کنیم.

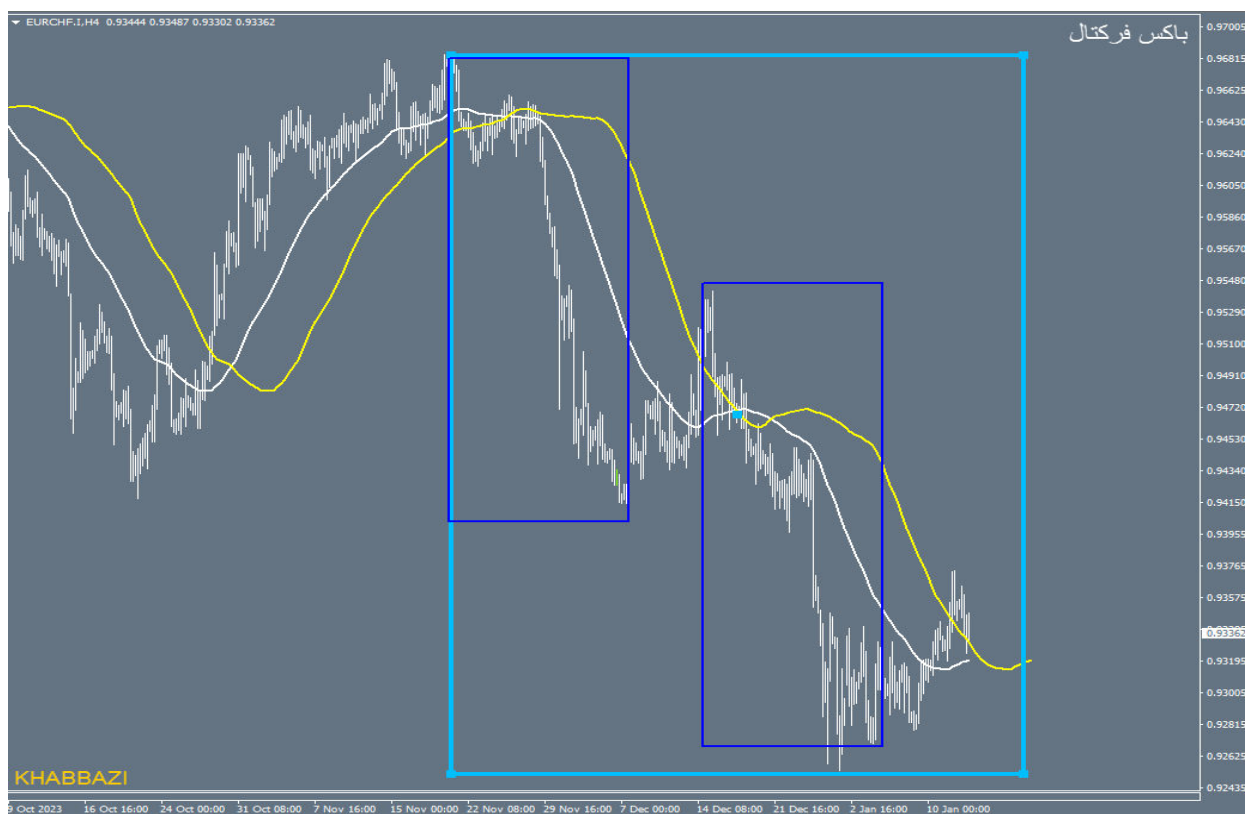
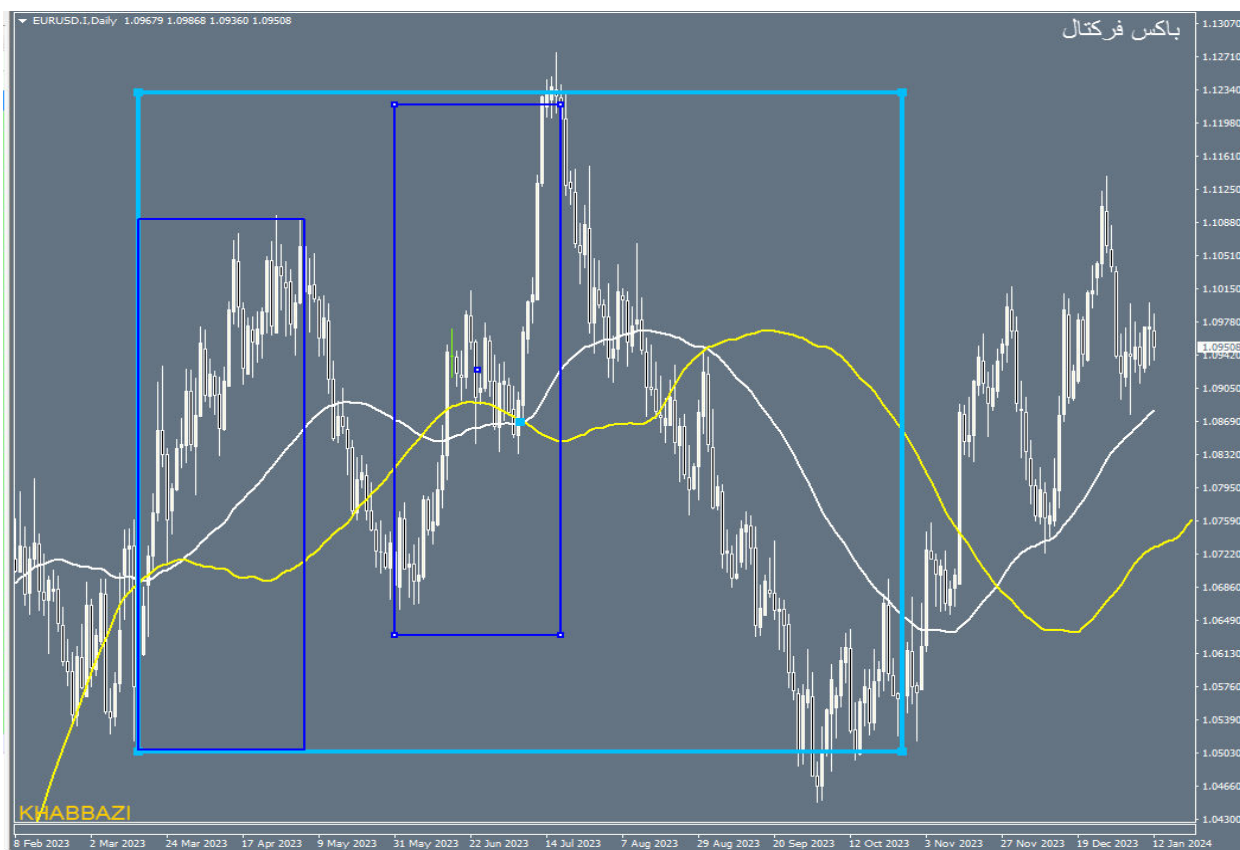
در فاز بعدی با شرط اصلی زوج سویچی که شرایط ستاپ توازن را دارند، آشنا خواهیم شد.

ابزار تعادلی تا وقتی که تکنسن آن ها را نشکسته است اعتبار دارند و باکس فرکتالی تا وقتی که موینگ ها از آن خارج نشده اند، معتبر است.









در توازن ایده آل، انتهای باکس فرکتال با رالی باکس یکی می شود و حداقل یکی از ابزار تعادلی به صورت نقطه ای، با این باکس ها هم پوشانی خواهد داشت.

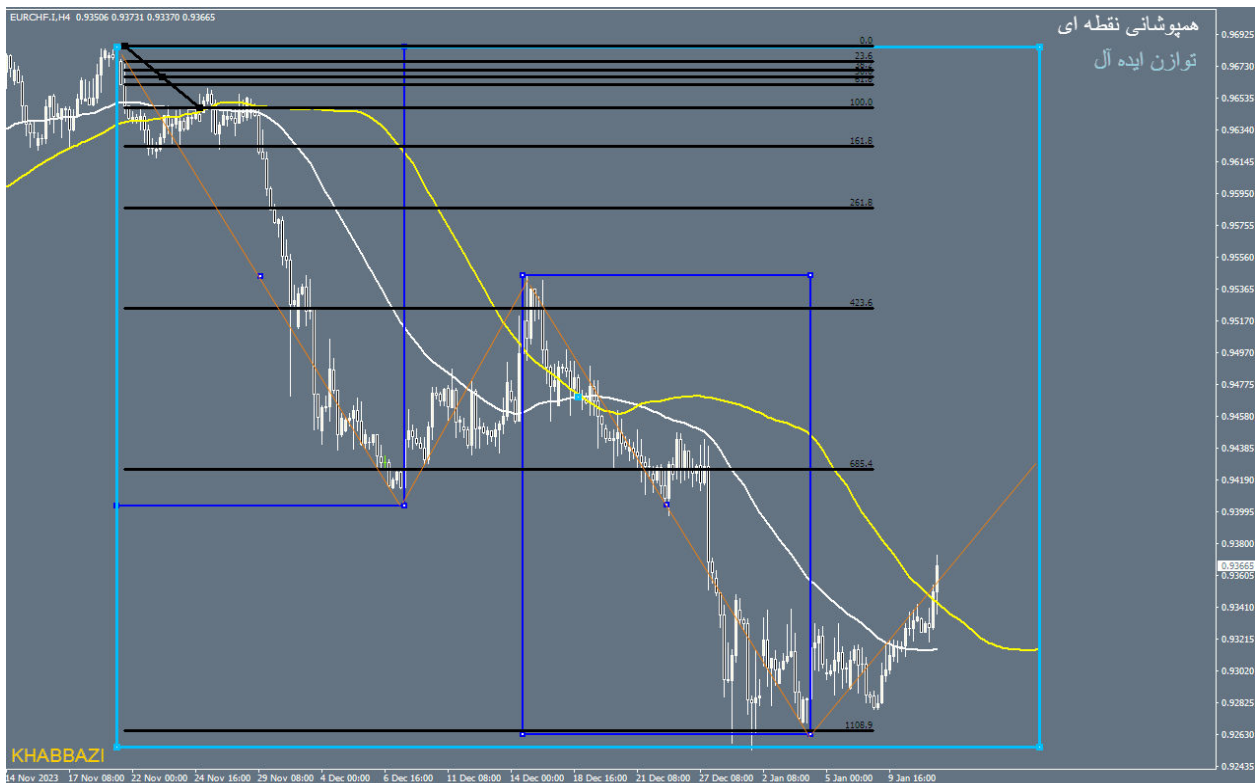
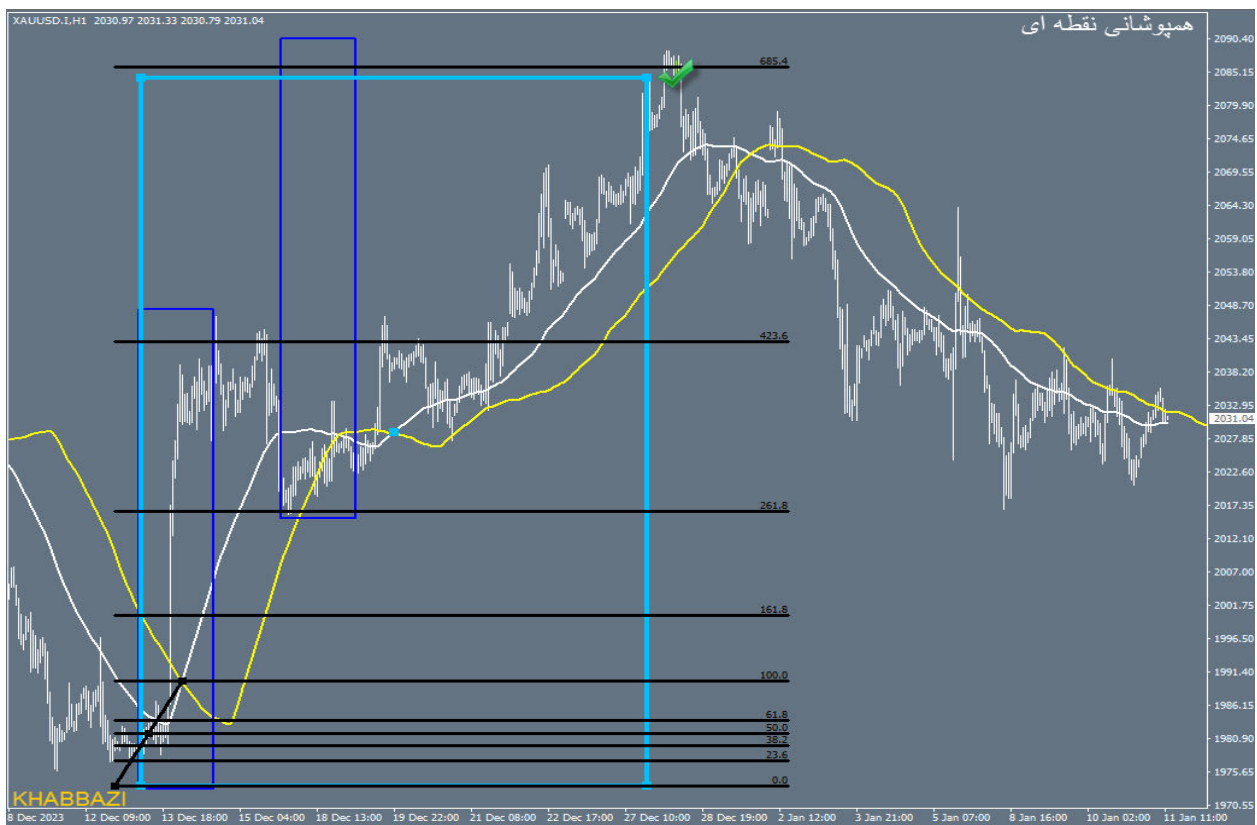
در این شرایط یک سطح تعادلی معتبر در چارت بر قرار است. در ادامه از این سطح که تایید همزمان چندین ابزار زمانی و قیمتی و فرکتالی را به صورت دقیق (نقطه ای) دارد، هم پوشانی نقطه ای یا فرکتالی نام خواهیم برد.

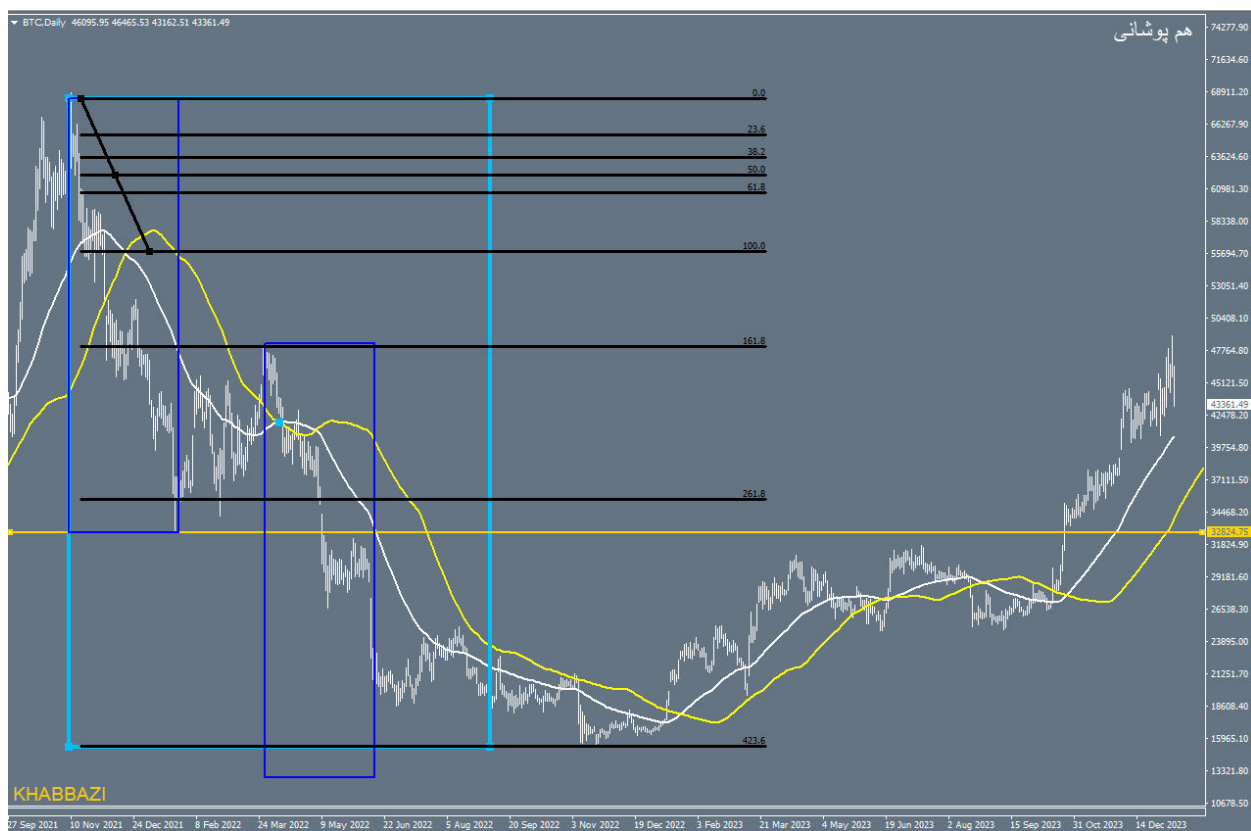
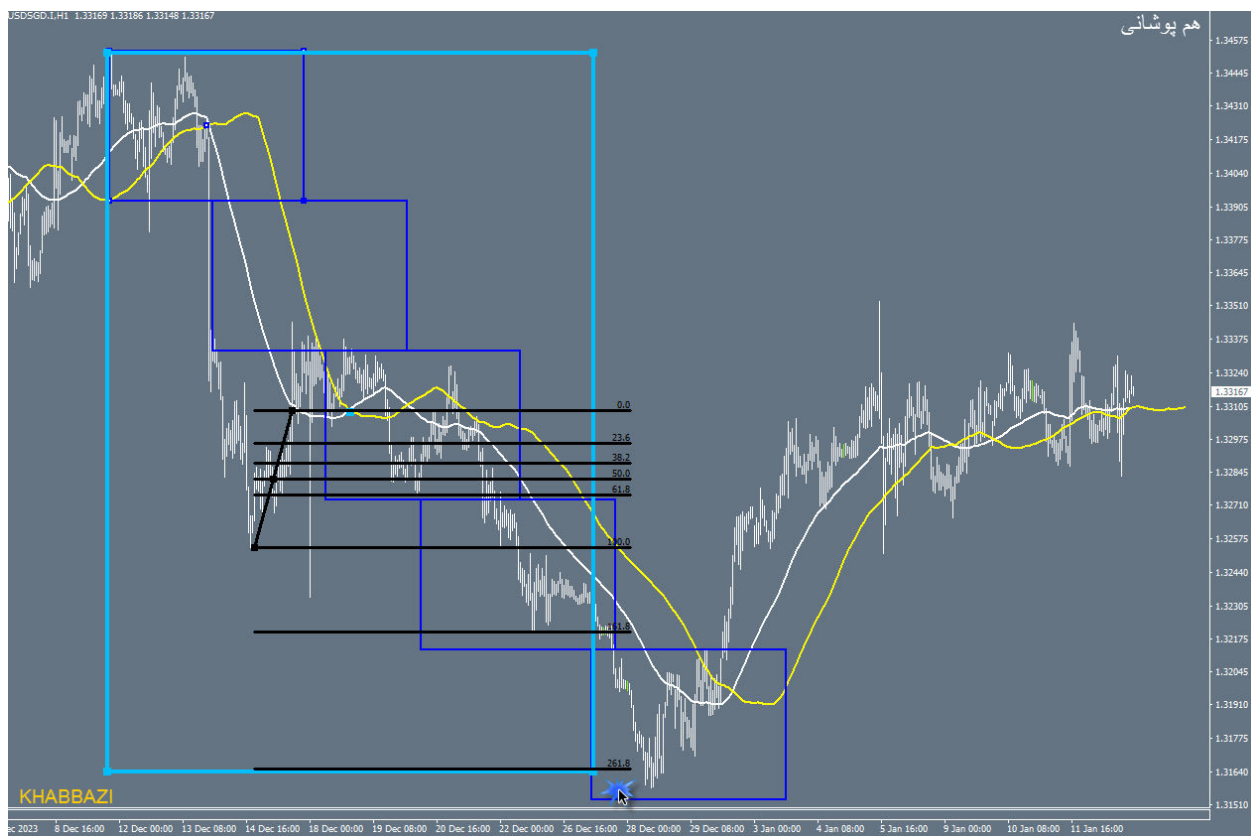
آیا واکنش یا برگشت از هم پوشانی نقطه ای، قطعی است؟ خیر

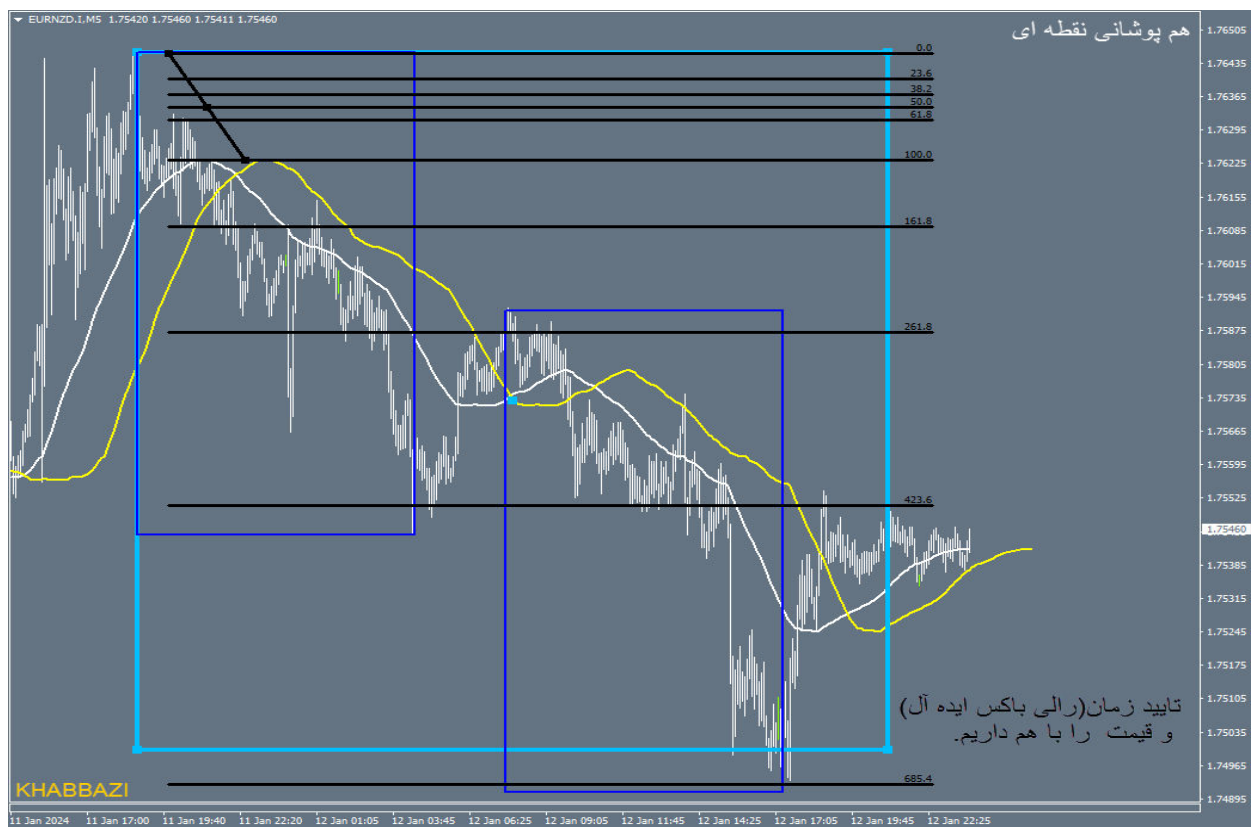
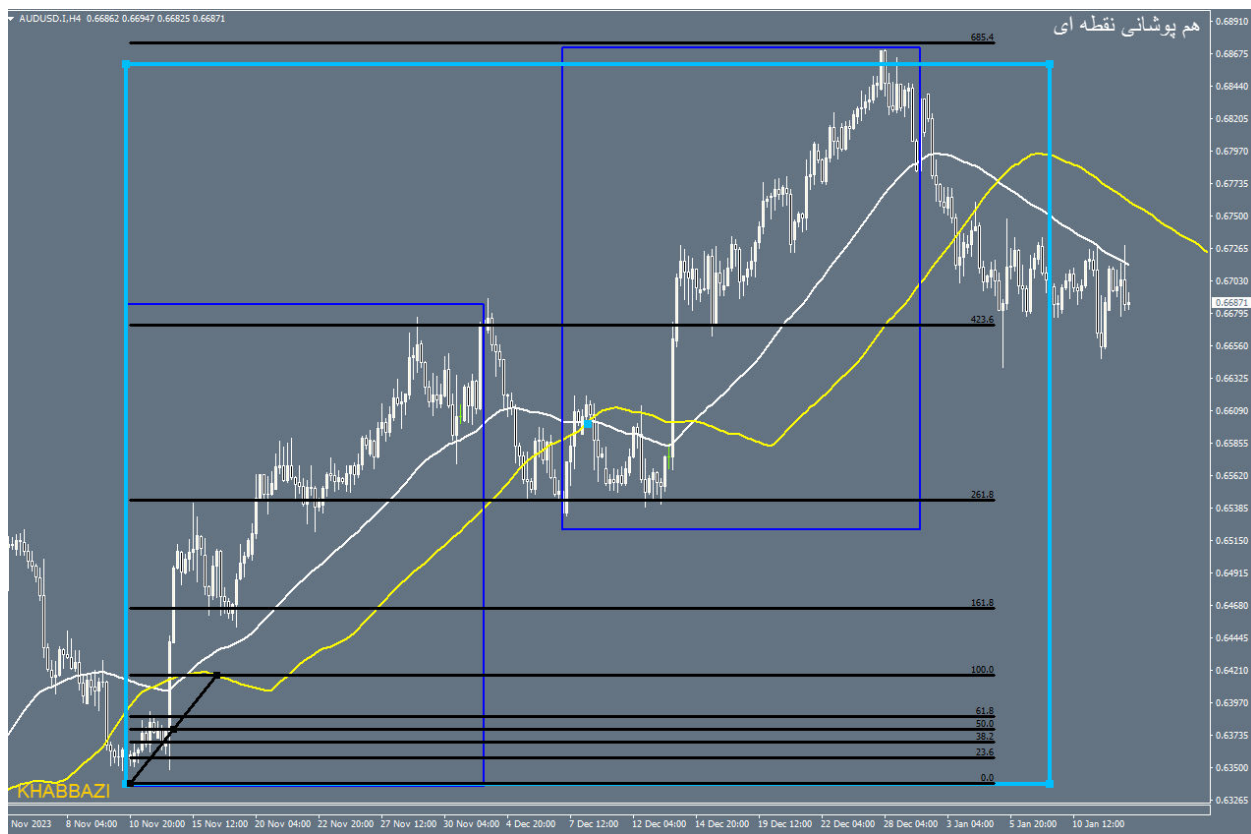
اما برگشت از این سطح تعادلی، با توجه به پترن S فرکتالی که حول محور فرکتال، می تواند شکل بدهد، آرامش خوبی به ترید می دهد.

سطح معتبر با شکست یا عدم شکستش، هدف قیمت را به ما نشان داده و در واقع گام به گام رفتار شناسی قیمت را پشت سر می گذرانیم.

سطح مهم سطحی است که با ورود با آن و فعال شدن حد ضرر، می توان ترید معکوس زد؛ چون هدف چارت از شکست آن سطح، مشخص می باشد.







تمرین

زوم را منفی کنید تا دید خوبی (روندی نه کندلی) به چارت داشته باشید. در گذشته بازار در ستاپ توازن، ابتدا باکس فرکتال را رسم نمایید. اگر باکس فرکتال توازن را به صورت نقطه ای در بر گرفت، رالی باکس ها را رسم کرده و سپس هم پوشانی تعادلی را مشخص نمایید.

بررسی بفرمایید که چند درصد وقتی باکس فرکتال، به صورت دقیق توازن را در بر گرفته است، رالی باکس ها نیز عملکرد خوبی داشته اند و سطح هم پوشانی نیز با عملکرد نقطه ای حداقل یکی از چهار ابزار تعادلی، انتهای باکس فرکتالی را نشان داده اند. آیا تحلیل چارت فقط با یک باکس، می تواند این ترید را به ساده ترین ترید با وین ریت معقول تبدیل کند؟

تعامل این سه ابزار (باکس فرکتال و رالی باکس و ابزار تعادلی) در انتهای ستاپ توازن مشهود است. در این فاز، محل بستن ترید سوم و باز نمودن ترید چهارم را در پلن اصلی در حال تمرین هستید.

همچنین بررسی بفرمایید اگر قیمت به این هم پوشانی واکنش نشان داد، در برگشت، تارگت تاچ محورهای فرکتال، استاتیک مربوط به توازن، اولین دینامیک بعد از محور استاتیک و استاتیک مربوط به ابتدای توازن که همان محور سویچ تعادلی رالی باکس اول است، چه وین ریتی دارند. در واقع برای فاز چهارم نیز آماده می شوید.

ترید

در فاز دوم هر گاه شرایط ترید مربوط به فاز اول، با پولبک فراهم بود، ترید را انجام دهید. حد ضرر را طبق فاز اول قرار دهید و حد سود را با توجه به تمرین فاز اول و فاز دوم، بر اساس هم پوشانی ابزار تعادلی، رالی باکس و باکس فرکتال یعنی هم پوشانی نقطه ای (فرکتالی) تعیین کنید.

شرط لازم برای تارگت گذاری هم پوشانی ابزار تعادلی می باشد؛ اما اگر باکس های فرکتال و رالی باکس از این هم پوشانی حمایت کردند، اطمینان بیشتری به دسترسی به تارگت خواهد بود.

برای ترید فاز دوم، یک خط افقی، اگر توازن، صعودی است بر روی قله و اگر توازن نزولی است، بر روی دره ای که در مسیر ترید اول می باشد، رسم کنید. این قله یا دره فرکتالی در محدوده توازن می باشد. این خط را **محور فرکتال** می نامیم. هر گاه این محور به صورت معتبر شکست، ترید دوم را نیز انجام دهید.

شکست معتبر می تواند :

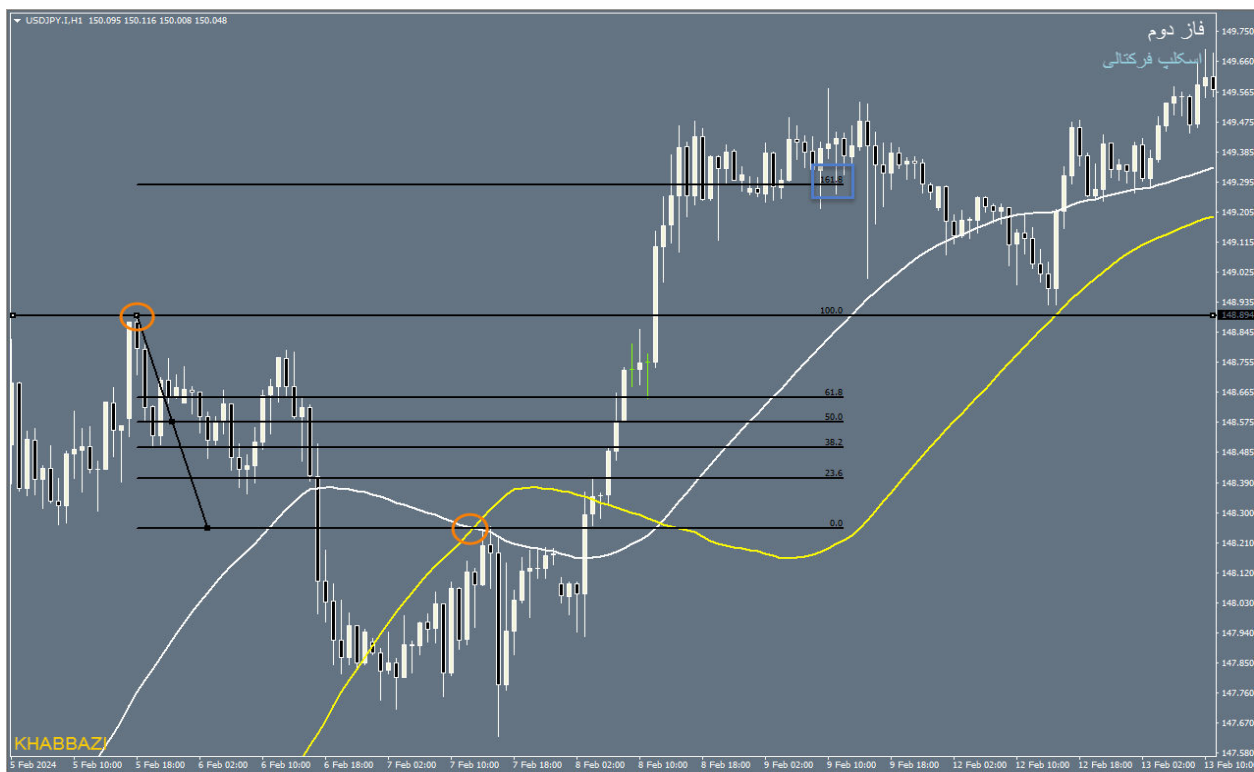
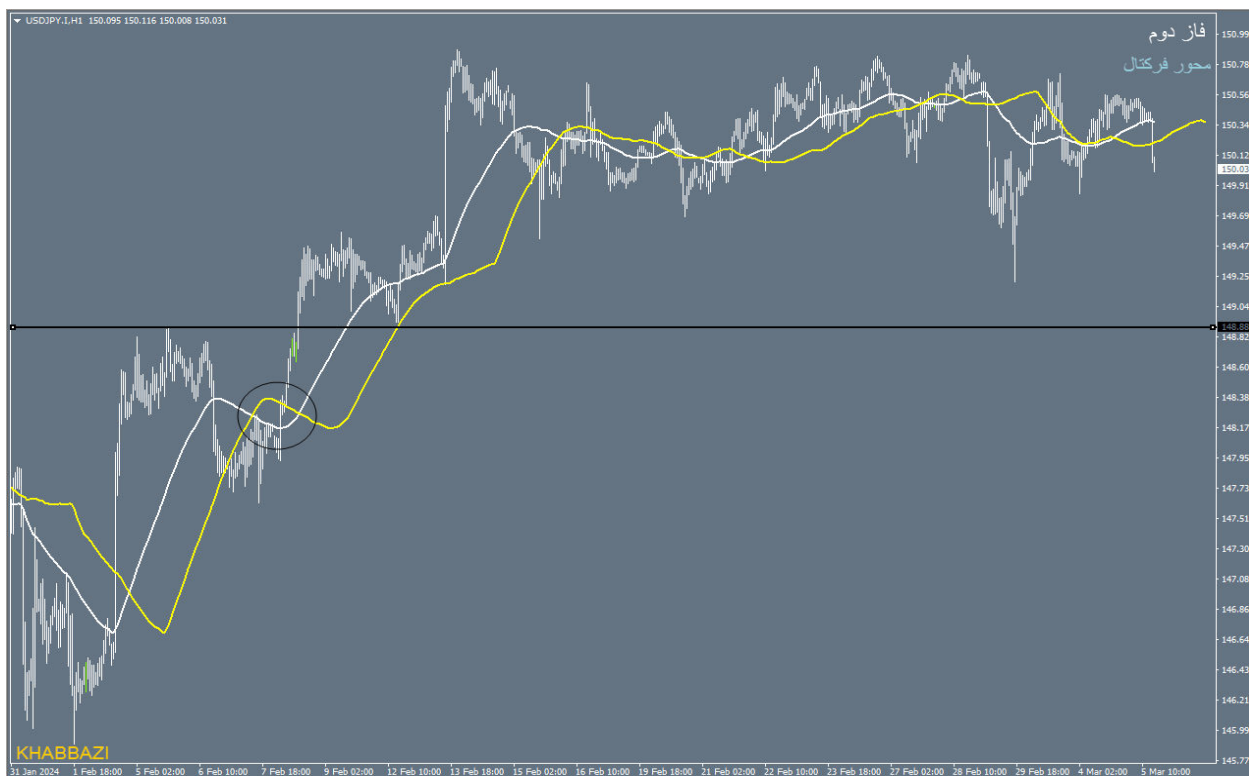
بسته شدن یک کندل بعد از محور فرکتال باشد.

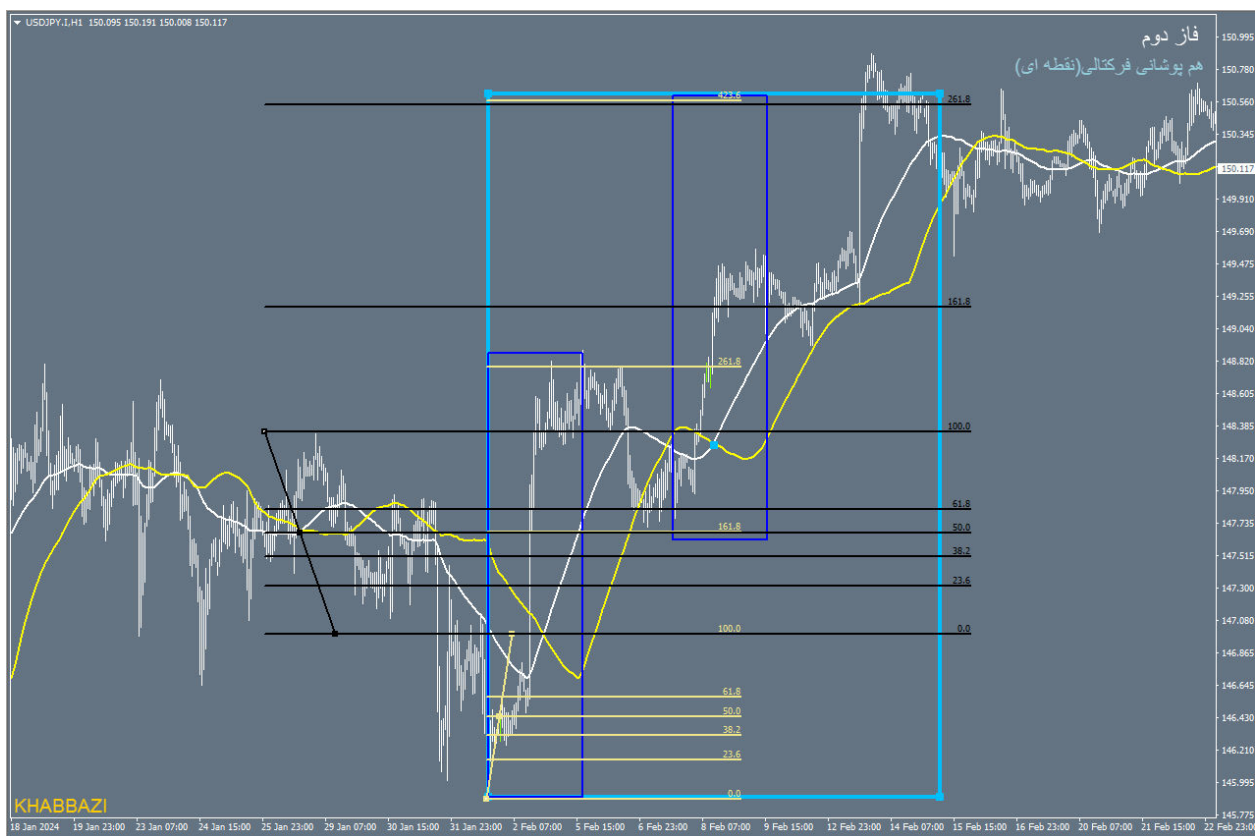
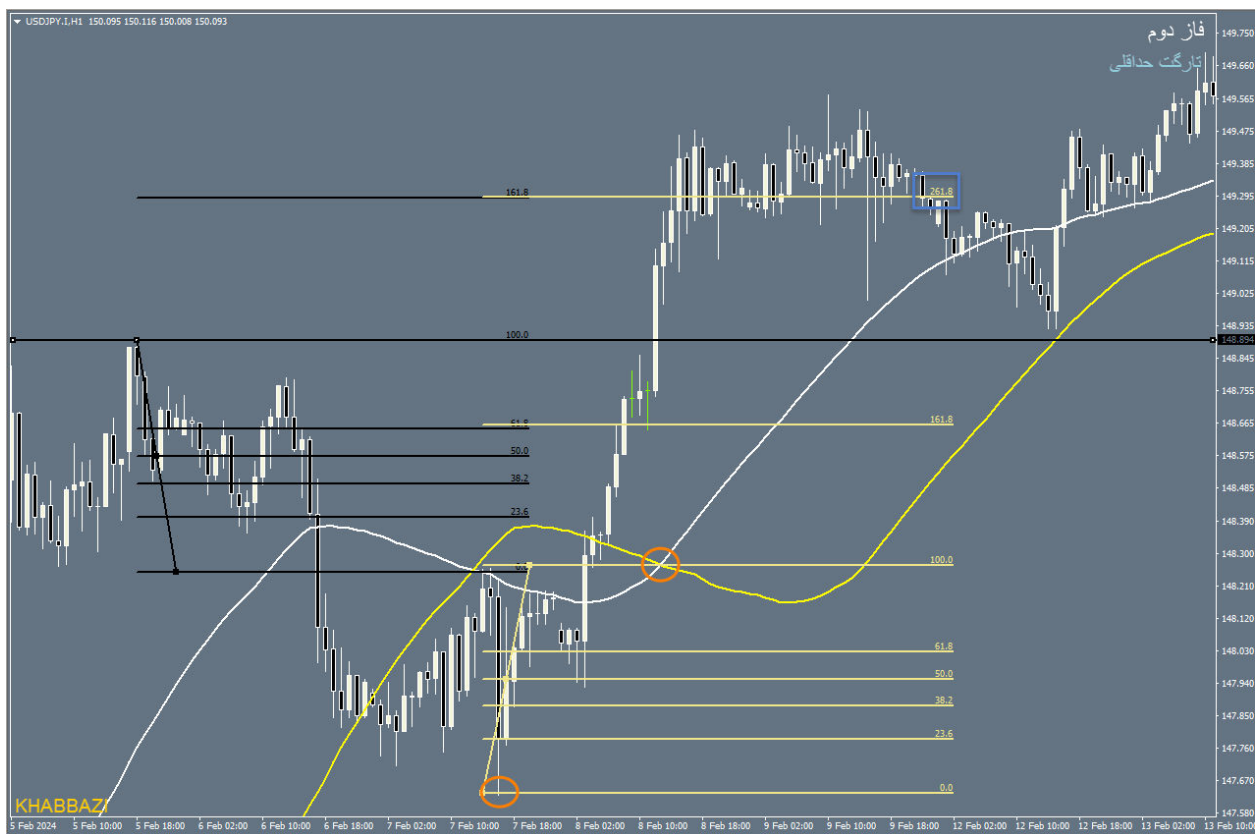
کندل بزرگی که محور را کراس کند و بیش از پنجاه درصدش از محور عبور کرده باشد. و یا هر آن چه که شما تجربه کرده و با آن سود کرده اید! باشد.

حد ضرر ترید را نزدیک ترین دره برای توازن صعودی و نزدیک ترین قله برای توازن نزولی که قبل از محور فرکتال می باشد، می گذارید. از آنجا که محور فرکتال، قبل از رسیدن به تارگت، چندین بار شاید تاج شود حد ضرر با کمی فاصله از آن قرار داده می شود. حد سود را سطح **161** از فیبو کانال تعادلی مربوط به سویچ سمت چپ توازن و یا سطح **261** از سویچ سمت راست توازن، هر کدام کمتر بود، قرار دهید. در واقع ترید فاز دوم، یک ترید اسکالپی می تواند باشد.

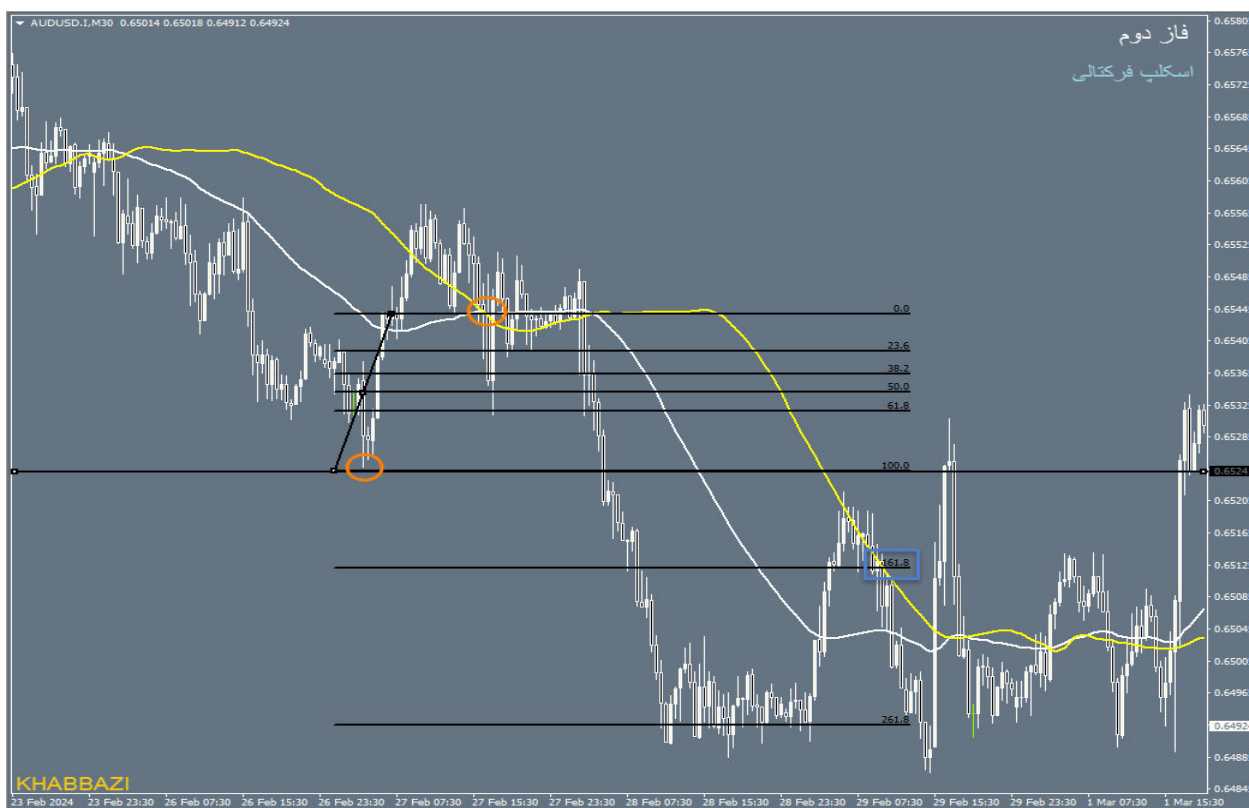
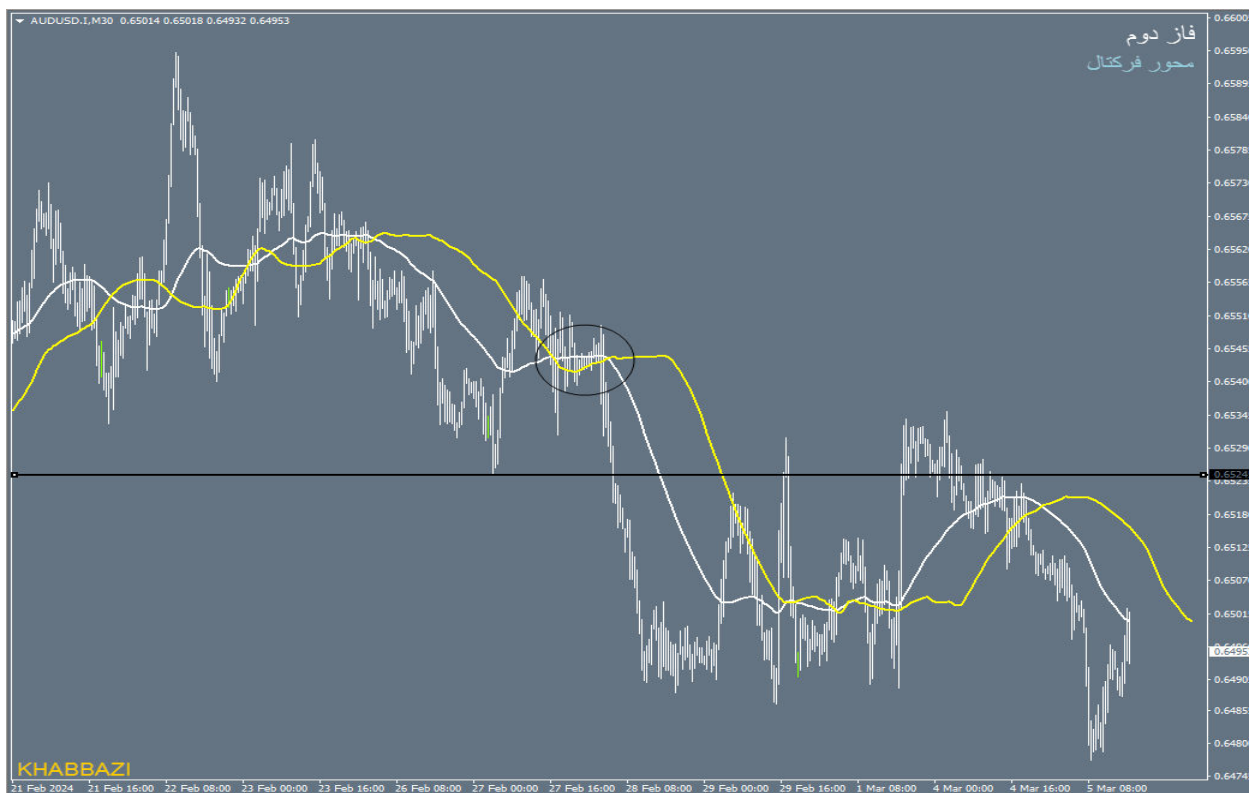
وقتی قیمت از این تارگت عبور کرد؛ حد ضرر ترید اول را به حد ضرر ترید دوم منتقل کنید و حد ضرر ترید دوم را به محل سود منتقل نمایید؛ در واقع ریسک فری می کنید. در این صورت سود قبلی تضمین شده است و شانستان را برای سود بیشتر، محک می زنید. سپس حد سود ترید دوم را به همان تارگت ترید اول یعنی نقطه هم پوشانی، منتقل کرده و منتظر شوید تا حد ضرر یا حد سود فعال شود. در آینده با تسلط به پلن اصلی، تارگت حداقلی ترید دوم، با وین ریت خوبش، می تواند با حجم زیاد(در چهارچوب مدیریت سرمایه) پوشش داده شود.

مثال اول





مثال دوم



آموزش: میز اندیکاتوری

ترید اصلی در پلن معاملاتی، ترید از قله تا دره و بالعکس می باشد و سایر تریدها در مسیر رفت یا برگشت حکم اضافه حجم یا اسکالپ را دارند. با توجه به ورود از نقطه صفر حرکتی، ریسک ترید بالا بوده و دفعات حد ضرر خوردن، زیاد می باشد.

به عبارت بهتر در این فاز بر خلاف فاز اول که از نظر روانشناسی، وین ریت ملاک قرار داده شده بود، ریسک به ریوارد مهم است؛ زیرا فرد مبتدی تا حدی بازار را تجربه کرده است که از نظر روانشناسی بتواند چند ضرر کوچک را برای یک سود بزرگ بپذیرد.

برای کم کردن ریسک ترید در این فاز از تاییدات دیگر مثل میز اندیکاتوری یا ایچی ... استفاده می کنیم.

بر خلاف معمول، اندیکاتور ها در میز اندیکاتوری مثل قیمت در چارت، رها می باشند. مهره های میز شطرنج به صورت سنجاق شده به یکدیگر نیستند تا با آزادی عملکرد شان بتوانند بهترین سنخیت و تعامل را با موینگ ها و ایچی داشته باشند تا در این صورت سه سیستم در تایید یکدیگر باشند.

از آنجا که سه سیستم ایچی، موینگ و میز اندیکاتوری، دقیقا یکی نیستند از تقارن(هم شکلی) آنها برای شروع یک روند و از عدم تقارن(غیر هم شکلی) میز با چارت(موینگ و ایچی) برای اتمام اصلاح و ادامه روند قبلی، استفاده خواهد شد.

در واقع از تقدم و تاخر میز نسبت به ایچی و موینگ ها با توجه به این که اولویت با میز است، بدون این که دچار سردرگمی شویم، آینده قیمت، قابل تحلیل و پیش بینی می باشد.

با توجه به پویا بودن میز، با تغییر زوم و حتی انتقال چارت به چپ یا راست، وضعیت اجزا در میز نسبت به یکدیگر (محل کراس یا اشباع آنها) تغییر خواهد کرد.

این از امتیاز میز است تا بتوانید آن را با توجه به شرایط چارت (ایچی-موینگ) که همیشه فیکس است، با تغییر زوم یا جابجایی آن، به الگو یا قالب چارت در بیاورید.

دوستانی که با توجه به تجربه شخصی اشان، با شناور بودن میز مشکل دارند می توانند از اشباع (فلت چرخه) یا کراس اجزا (پرچم) آن در شرایط فیکس شده استفاده نمایند.

کاربرد اصلی میز اندیکاتوری، زمان با دید فرکتال (فرکتال زمانی) می باشد که در هر زوم یا موقعیت، برقرار است.

مثلا از وضعیت مکدی در موقعیت خاص نسبت به وضعیت قبل خودش، نه نسبت به یک جزء دیگر، استفاده می کنیم تا مشخص شود مکدی در حال صعود است.

به همین ترتیب وضعیت مکدی دیگر را معلوم می کنیم تا با مقایسه وضعیت این دو مکدی، مشخص شود آیا چرخه کوچک تر، حرکت خود را شروع کرده است یا هنوز شروع نکرده است؟ وضعیت آن نسبت به چرخه اصلی چگونه است؟ آیا هر سه سیکل صعودی هستند؟....

در این صورت با همزمانی چرخه ها می توانیم ترید روندی و با غیر همزمانی آنها ترید اصلاحی بزنیم.

مورد دیگر استفاده از میز، مقایسه هر جزء با معادل آن در چارت می باشد. در این صورت متوجه هم گرایی یا واگرایی آنها می شویم. اگر هر جزء از میز با معادلش در چارت، واگرایی داد؛ این مفهوم را دارد که اولاً این سطح، سطح مهمی است؛ دوماً زمان پولبک به این سطح وقتی است که سیکل های میز به یکدیگر برسند؛ یعنی هم جهت شوند.

با این ذهنیت به میز، تغییر زوم و جابجایی چارت در تحلیل تاثیری نخواهد داشت.

توجه داشته باشید :

اولا، هر زومی که مایل هستید استفاده نمایید. قبلا از زوم استاندارد در سبک نام برده شده بود تا فرد در آغاز مسیر بتواند شکل های کتاب از میز را دقیقا به همان قالب در چارتش بررسی نماید.

دوما، در این فاز اگر با جابجایی چارت، خط مورد نظر را در تراز 10 یا 90 مشاهده کنید کفایت می کند؛ حتی اگر این اشباع در یک محدوده مشخص باشد و با جابجایی چارت، خط مورد نظر از تراز 10 یا 90 جدا شود. در واقع یک شرط بصری یا مکانیکی برای افراد مبتدی در نظر گرفته شده است تا هر مقداری را به عنوان اشباع منظور نکند.

اما ماهیت تکنیکالی میز از این نظر به این صورت است که نمی توان حد ثابت و از پیش تعیین شده ای را برای نمایش قله و دره های فرکتال در تایم اصلی(مشاهده قله یا دره تایم یک چهارم یا یک شانزدهم در تایم اصلی) در نظر گرفت.

چه بسا مکدی در نیمه راه تراز 10 یا 90 به اشباع برسد و از آنجا برگشت نماید. در این شرایط اگر به تایم مربوط به آن مکدی برویم؛ مثلا برای بررسی اشباع خط قرمز اگر در تایم چهار ساعته هستیم به تایم یک ساعته برویم، مشاهده می کنیم که خط زرد در اشباع است؛ اگر چه خط قرمز در تایم چهار ساعته شاید در تراز 10 یا 90 نباشد(خط قرمز تایم چهار ساعته همان خط زرد تایم یک ساعته می باشد).

سوما، در پنل نهایی، می توان اشباعی (خطوط در تراز 10 یا 90 ی) را منظور کرد که چارت در یک سطح تعادلی باشد؛ و آن قدر وزن و اعتبار داشته باشد که بتواند هم زمان، سنکو اسپن B را فلت کند.

اگر خطوط زرد، قرمز یا مشکی و یا هر سه (هم زمانی چرخه ها) در تراز 10 یا 90 باشند و باعث شوند در یک سطح تعادلی، سنکو B همزمان فلت شود، این اشباع از نظر سبک تعادل معتبر است و قیمت آن فلت را تاج می کند تا چرخه ها همزمان بسته شوند.

اگر این سطح با تاج فلت یا بدون تاج آن، شکست؛ پس هدف چارت، اشباع در تایم چهار برابری می باشد.

اکثرا در این شرایط خطوط به صورت سنجاق شده با تراز 10 یا 90 از RSI می باشند؛ که اگر نباشند نیز با توجه به توضیحات داده شده مهم نیست.

همچنین اگر خواسته باشید از کراس اجزا در میز استفاده کنید باز شاید در ابتدا، بازی خطوط در میز (حرکت مهره های میز شطرنج) تمرکز ما را بگیرد. لذا از کراس ها در موقعیت درست استفاده خواهد شد تا بتوان به آنها اعتبار داد.

مانند حالت عدم تقارن یعنی صفر هیستو (هیستو مکدی چهار برابر به تراز صفرش نزدیک شده یا صفر می شود؛ اما تغییر فاز نمی دهد) که خط زرد، چرخش خطوط قرمز و مشکی را تایید نمی کند؛ پس باید این خطوط برگردند.

در برگشت، خط زرد را کراس خواهند کرد تا با آن هم جهت شوند.

از ترتیب و توالی این کراسها با خط زرد (پرچم) در میز می توانیم مومنتوم حرکت و هدف چارت را پیش بینی نماییم.

نحوه چیدمان میز اندیکاتوری

اندیکاتور مکدی را طبق شکل، تنظیم و ظاهر کنید. هیستو گرام(میله های) آن و تغییر فازش(عبور میله ها از لول یا تراز صفرش که باعث تغییر جهت میله ها خواهد شد) معادل کوموی تعادلی، فضای بین موینگ ها و کوموی ایچی خواهد بود.

از این فاز به بعد، شرط توازن برای موقعیت دو سویچ تعادلی اش، فقط عدم تغییر فاز هیستو در محدوده توازن، لحاظ خواهد شد. در این صورت شرط ترید فاز اول یعنی در یک راستا بودن دو سویچ تعادلی در ستاپ توازن حذف می شود.

با شرط عدم تغییر فاز هیستو در ستاپ توازن، موقعیت های خیلی بیشتری را ترید خواهید نمود که اعتبار لازم را نیز دارند؛ زیرا بر خلاف حالت مرسوم، مکدی با تنظیمات چهار برابری، معادل تایم جاری منظور شده است تا بتوانیم حرکات اصلاحی و روندی(ستاپ تقارن) را با راهنمایی میز، از یکدیگر، تشخیص دهیم.

پس خط زرد مکدی نیز معادل موینگ زرد در تایم جاری (تایمی که باز است و از آن چارت را بررسی می کنیم) لحاظ می شود. این دید یعنی تنظیمات مکدی چهار برابر را معادل تایم جاری نه تایم چهار برابر منظور کردن، باعث می شود در شرایط تقارن(هم شکلی میز با موینگ ها و ایچی)، میز روند دار بودن حرکت چارت را تایید کند و در حالت عدم تقارن، خبر از اصلاحی بودن حرکت چارت (در ترید فاز چهارم) بدهد.

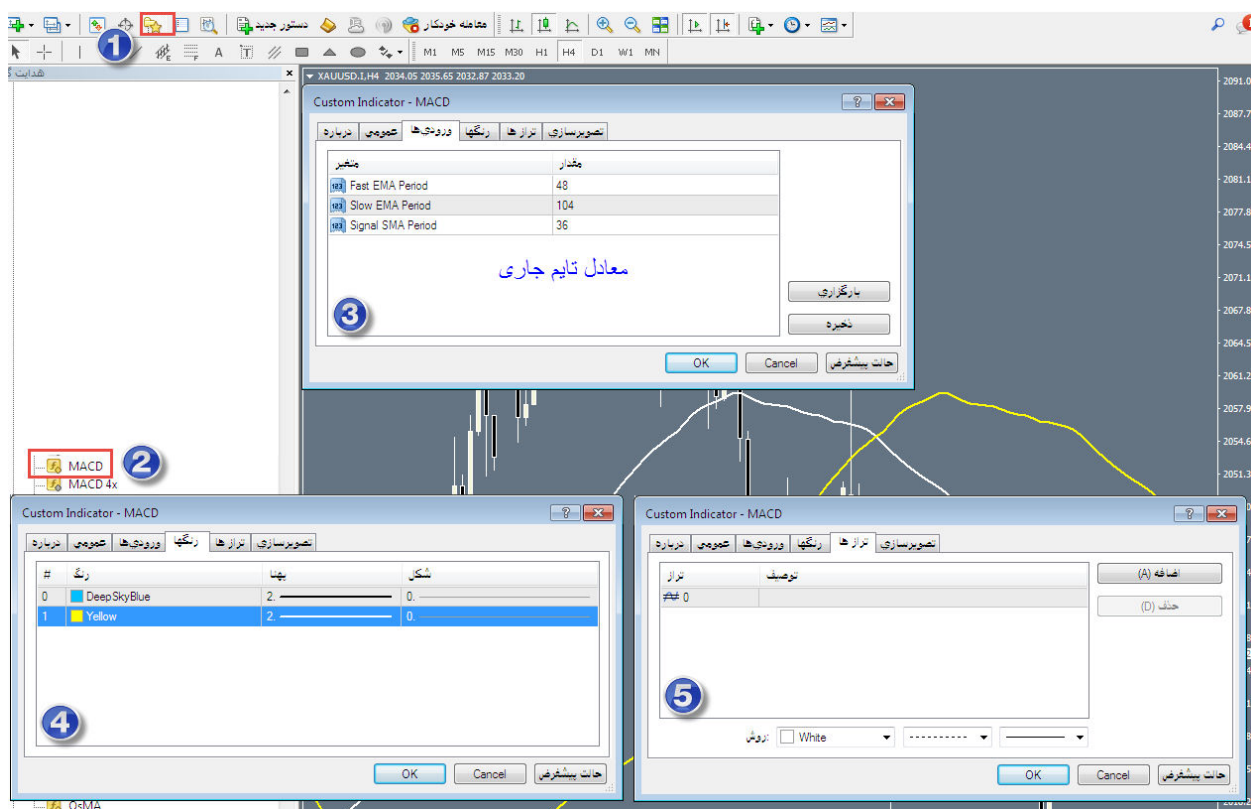
لفظ معادل برای اندیکاتورهای میز با یکدیگر(**RSI** با مکدی یک چهارم) و یا با اندیکاتورهای چارت(تنکن با مکدی دیفالت)، به معنی دقیقا یکی بودن(هم جنس) نیست؛ که اگر منظور این بود، معادل سازی، قابلیتی نداشت.

معادل سازی در میز، به منزله نقش بازی کردن اندیکاتورها به جای هم در موقعیت خاص می باشد تا از تایید یا تقدم و تاخرشان در پنل مربوطه استفاده شود.

دقیقا این همان اتفاقی است که در میز شطرنج می افتد و در شرایطی مهره ای جایگزین مهره دیگری می شود و برای هر شطرنج بازی از بدیهیات است که این دو مهره متجانس نیستند.

از آنجا که این دید و تناسبات همزمان برای دو مکدی دیگر، لحاظ شده است؛ پس بعد(جنس) زمانی و فرکتالی میز نسبت به کراس اجزا آن اولویت دارد. اگر هدف اصلی از میز اندیکاتوری، کراس اندیکاتورهایش بود، ایچی و موینگ ها به صورت غیر اصلاحی و ثابت در هر زوم یا موقعیتی به صورت امتحان پس داده شده، وجود داشتند.

دوستان ایچی کار، می توانند خط زرد را معادل کیجنسن منظور کرده و در این صورت رنگ آن را نیز مشابه رنگ کیجن در ایچی در چارت، تغییر دهند.



مجدداً بر روی مکدی کلیک کرده و بدون رها کردن موس آن را به داخل میز، بر روی مکدی قبلی آورده و موس را رها کنید. تنظیمات را طبق شکل انجام دهید.

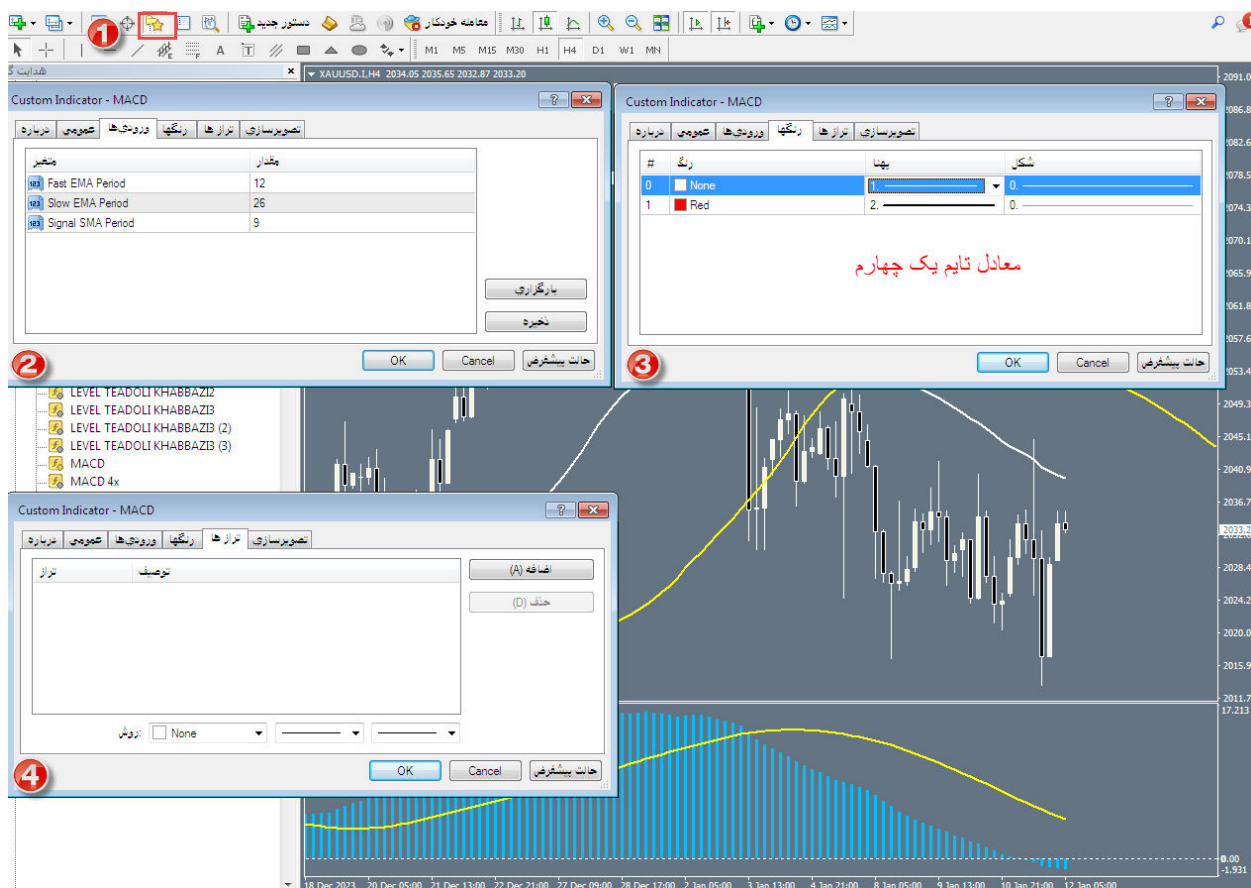
این مکدی، وضعیت چارت را در تایم یک چهارم تایمی که باز است؛ نشان می دهد. پس بدون جابجایی در تایم ها می توان وضعیت چارت یک چهارم را در چارت باز شده مشاهده نمود. به این خاصیت حالت **مولتی تایم** گفته می شود و چون مکدی ها نسبت مشخصی با هم دارند و بیشتر از همزمانی آنها (سایکل ها) در اشباع استفاده خواهد شد، پس میز از دو منظر (زمان- الگو) به صورت **فرکتال** می باشد.

منظور از فرکتال الگویی این است که در تایم پایین، همزمان همان موقعیت یا الگوی تایم بالا شکل گرفته باشد که هر تایم تناسبات و در نتیجه حد سود و ضرر خودش را دارد.

ساده ترین دید فرکتالی تقسیم شدن یک کندل چهار ساعته به چهار کندل یک ساعته با تغییر تایم می باشد. مثل این که در یک باکس یا جعبه بزرگ، چهار باکس کوچک، مشابه و هم اندازه جای گرفته باشد.

در واقع خط قرمز در میز اندیکاتوری از نظر فرکتال زمانی، در چارتی که باز است، وضعیت خط زرد در میز را در تایم یک چهارم تایم باز نشان می دهد.

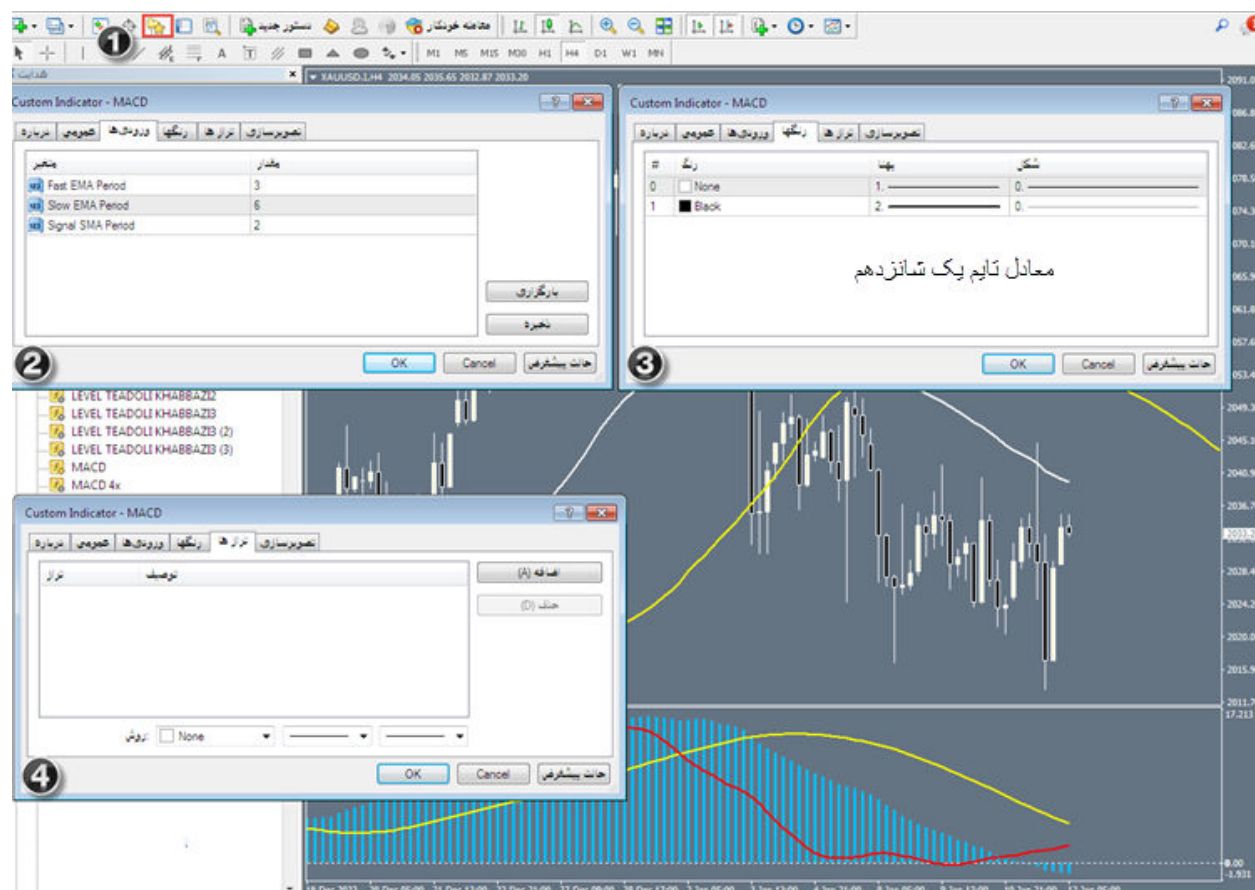
قرمز در میز اندیکاتوری نقش تکنسن در ایچی را دارد. کراس قرمز با زرد در میز اندیکاتوری در شرایط تایید شده، کراس ایچی را پیش بینی یا تایید می کند.



مجدداً بر روی مکدی کلیک کرده و بدون رها کردن موس آن را به داخل میز بر روی دیگر مکدی ها آورده و موس را رها کنید. تنظیمات را طبق شکل انجام دهید. این مکدی، وضعیت تایم یک شانزدهم تایمی که باز است را به ما نشان می دهد. پس بدون جابجایی در تایم ها می توانید وضعیت چارت یک شانزدهم را نیز همزمان با وضعیت چارت یک چهارم، در چارت باز شده، مشاهده نمایید.

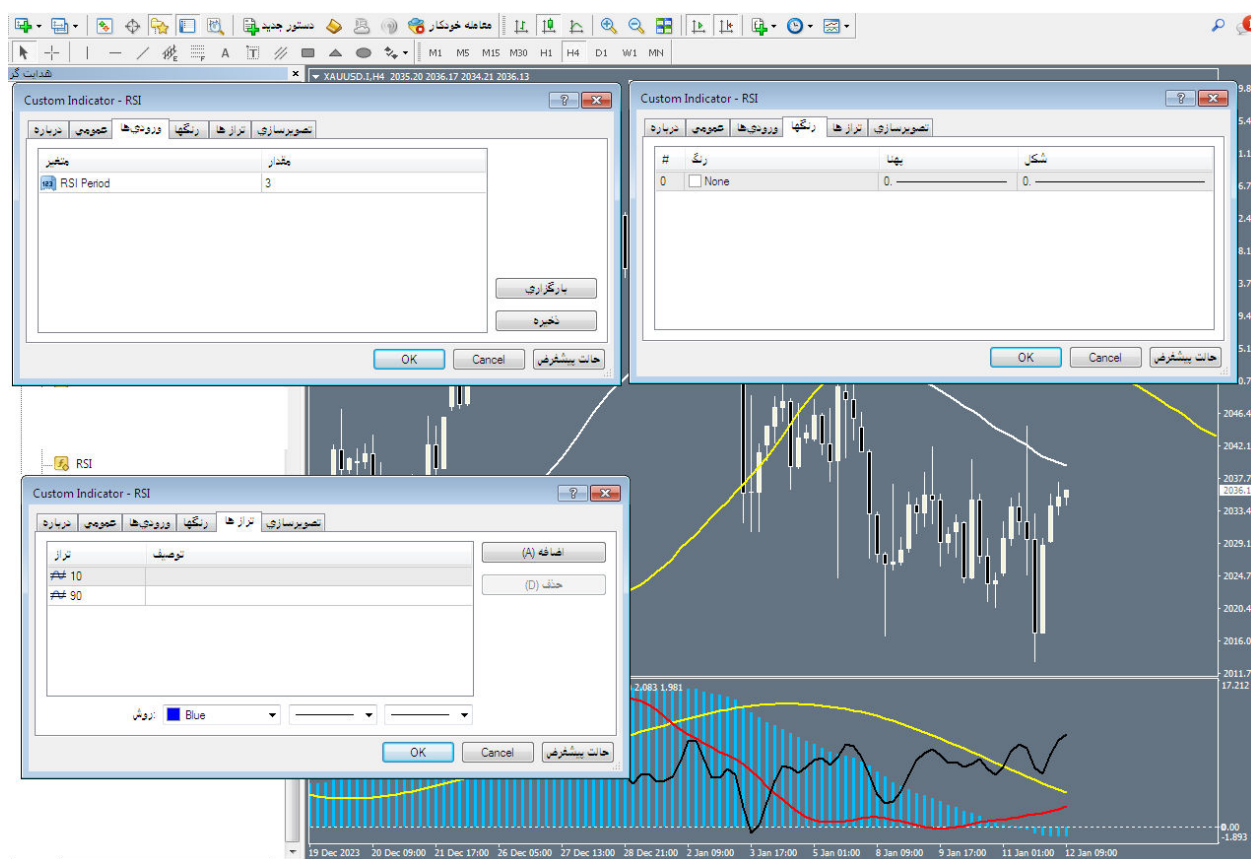
در واقع مشکى در میز اندیکاتورى از نظر فرکتال زمانى در چارتى که باز است، وضعیت خط زرد در میز را در تایم یک شانزدهم تایم باز نشان می دهد.

مشکى در میز اندیکاتورى از نظر ایچى، نقش قیمت را دارد.



قسمت رنگ از اندیکاتور **RSI** غیر فعال است. زیرا در شرایطی که برای سبک مهم است و این اندیکاتور سیگنال می دهد، خط مشکی نیز اوکی داده است. پس جهت خلوتی میز، حذف شده است.

در واقع مکدی یک چهارم معادل اندیکاتور **RSI** در نظر گرفته شده است.



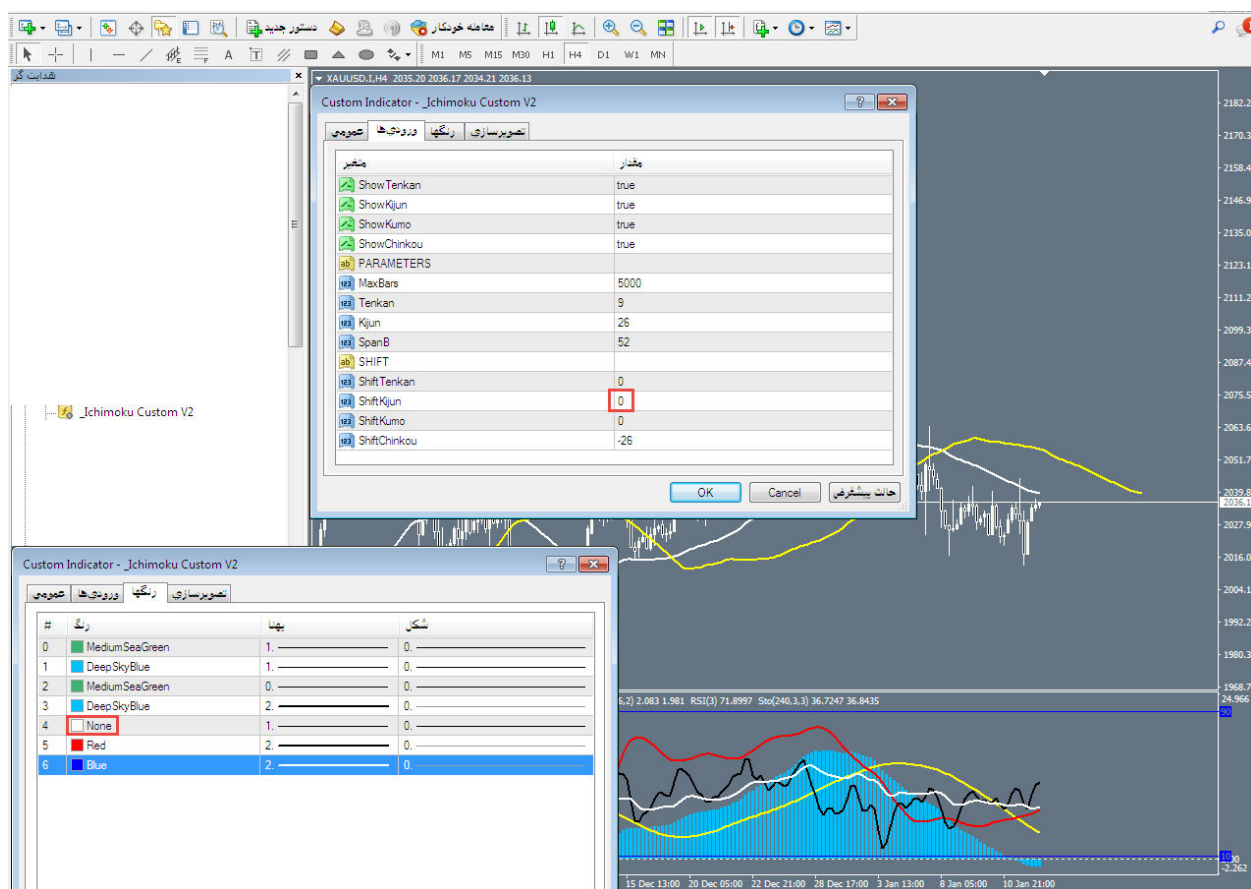
برای این منظور که میز اندیکاتوری ساختاری نزدیک به چارت(موینگ و ایچی) را داشته باشد، نیاز به اندیکاتور با تنظیمات روندی می باشد؛ تا حرف اول را در میز بزند. از استوک با تنظیمات نمایش داده شده، در نقش موینگ سفید موجود در چارت استفاده شده است. استوک با خط زرد در میز، فضا سازی می کنند و کراس شان در نقش سویچ تعادلی یعنی کراس موینگ ها و یا پیش بینی سویچ کوموی ایچی، در چارت می باشد.

برای این منظور از رنگ زرد برای مکدی چهار برابری در میز در نقش موینگ زرد در چارت به جای رنگ آبی در نقش کیجن، استفاده شده است. در تمپلیت سعی شده است موارد معادل سازی شده به صورت هم رنگ باشند تا خستگی ذهنی و بصری(مخصوصا با رنگ پشت زمینه چارت) کمتری به تحلیل گر بدهد.



اندیکاتور ایچی که قابلیت تغییر شیفیت را داشته باشد به تمپلیت با تنظیمات نشان داده شده اضافه کنید. برای این منظور موینگ ها را حذف کرده و سپس اندیکاتور ایچی را به چارت اضافه نمایید و مجدداً موینگ ها را نیز به چارت برگردانید تا موینگ ها در پشت اجزاء ایچی نباشند.

با توجه به این که ایچی، در سبک تعادل به عنوان سیستم اصلی نیست (اما می تواند برای ایچی کارها با هر تنظیماتی به عنوان سیستم اصلی باشد)، تنظیمات را به صورت شکل بعد انجام دهید.

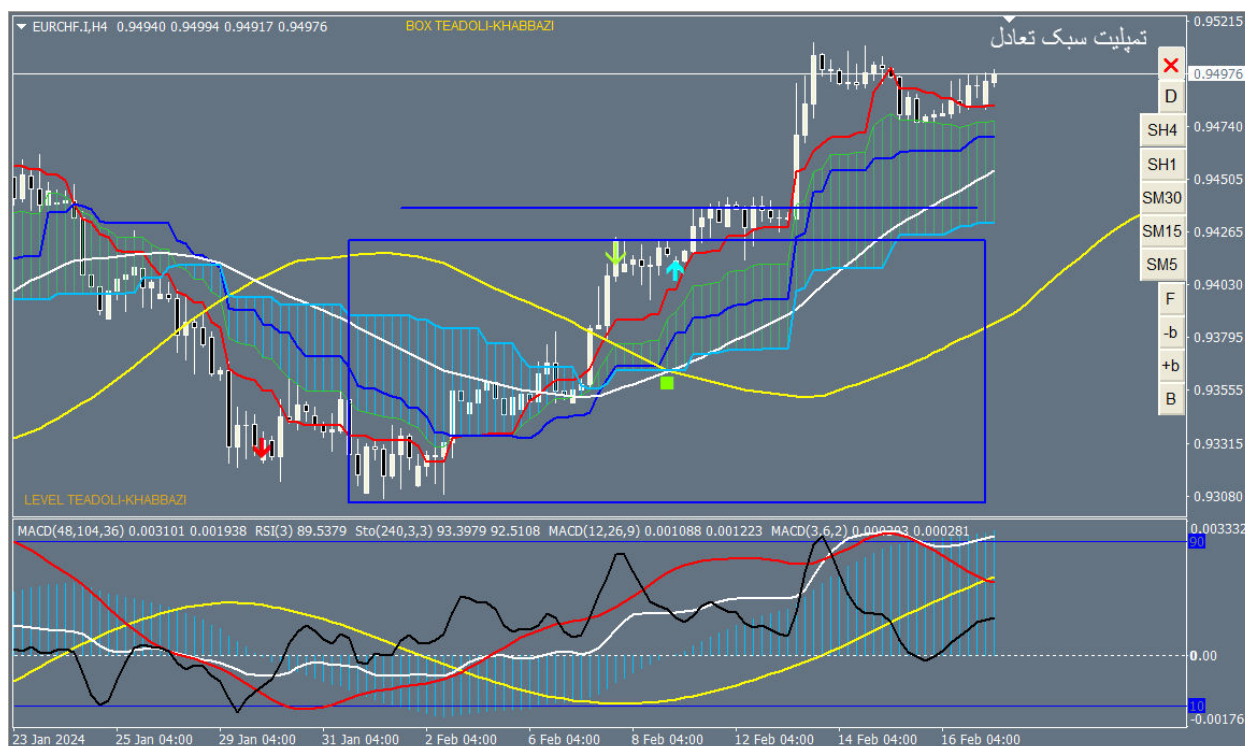


در این صورت تمپلیت سبک تعادل، با اضافه کردن اندیکاتورهای سبک (TARAZ_LEVEL_BOX) که در سایت فراچارت ارائه شده است، کامل می شود.

اندیکاتور فرکتال و ZZ از تمپلیت قبلی حذف شده اند. زیرا در پلن اصلی، قله یا دره فرکتال با ستاپ توازن به راحتی قابل تشخیص می باشد.

اندیکاتور فرکتال در نرم افزار متا تریدر موجود است که راهنمای خوبی برای ترید تعادلی می باشد.

اندیکاتور تراز هیستو و تمپلیت نهایی سبک تعادل در سایت بارگذاری شده است.



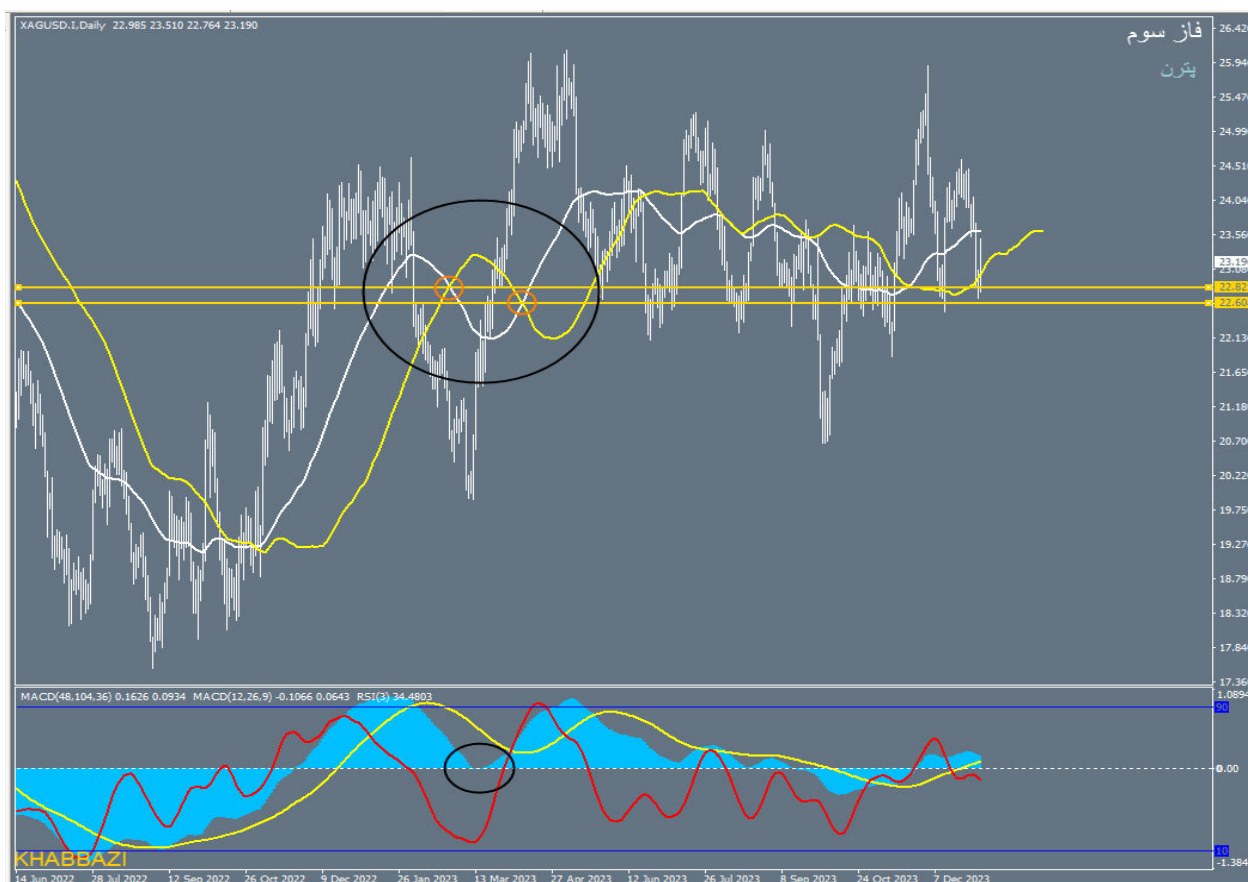
پترن

در این فاز از تمپلیت نشان داده شده در شکل بعد استفاده کنید. در این تمپلیت جهت ساده و خلوت بودن میز اندیکاتوری برای فرد مبتدی، خطوط مشکی و سفید از آن حذف شده است.

دقت داشته باشید از این فاز به بعد، شرط برقراری ستاپ توازن برای دو سویچ تعادلی را فقط عدم تغییر فاز هیستو در محدوده توازن، منظور کنید.

اعتبار تایم بالا مشخص می کند که حرکت در محدوده ستاپ توازن اصلاحی می باشد و چارت تصمیم دارد با زدن سویچ تعادلی جدید یعنی سویچ سمت راستی توازن، با شکست سطح قبلی، به اندازه رالی قبل، ادامه حرکت دهد.

ستاپ توازن در گام اول با تاچ محور استاتیک مربوط به سویچ تعادلی اول، سویچ تعادلی دوم را پیش بینی می کند.



در فاز اول در ستاپ توازن، با شکست محور استاتیک و پولبک به آن با قیمت همراه می شدید. در فاز دوم با شکست محور فرکتال این همراهی را ادامه داده و یا یک ترید جدید می زدید و وقتی که هم پوشانی تعادلی یا ترجیحا فرکتالی داشتید، ترید ها را می بستید.

اگر در نقطه مناسب، ترید فاز دوم بسته شود، یعنی پیش بینی شما درست باشد، آنجا قله یا دره اصلی بوده و میز اندیکاتوری نیز در اشباع خواهد بود و انتظار برگشت قیمت است. منظور از **اشباع** این است که اجزا میز در تراز **10** یا **90** از **RSI** باشند.

در این فاز چون هنوز اندیکاتور ایچی به تمپلیت اضافه نشده است، از شرط فلت شدن سنکو اسپن **B** برای اشباع صرف نظر شده است.

وقتی هم پوشانی تعادلی در چارت بر قرار است و خط زرد(یا هیستو که زودتر از خط زرد حرکتش را کرده است) در میز اندیکاتوری نیز در اشباع است، زمان(نقطه) چرخش قیمت حول محور فرکتال می باشد.

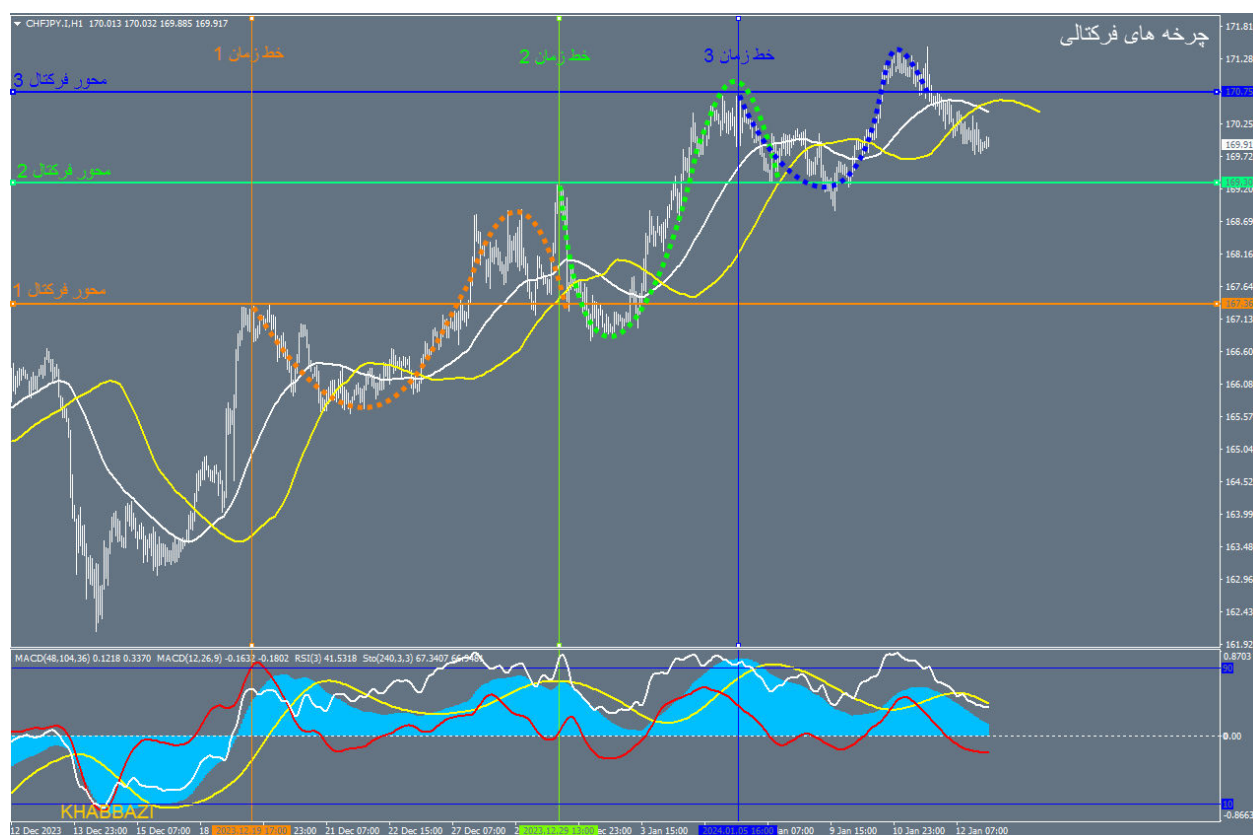
محور فرکتال قبلا در ترید دوم شکسته شده است و چرخه فرکتال(پترن **S** فرکتال) باز شده است. با بستن ترید فاز دوم، فوراً ترید معکوس با تارگت تاج محور فرکتال به منظور بسته شدن چرخه فرکتال انجام دهید. حد ضرر کمی دورتر از قله یا دره شروع ترید سوم و حد سود محور فرکتال می باشد.

موردی که در این فاز برای بستن ترید دوم و استارت ترید سوم (نقطه چرخش) به شرایط فاز دوم اضافه شده است، اشباع میز اندیکاتوری می باشد.

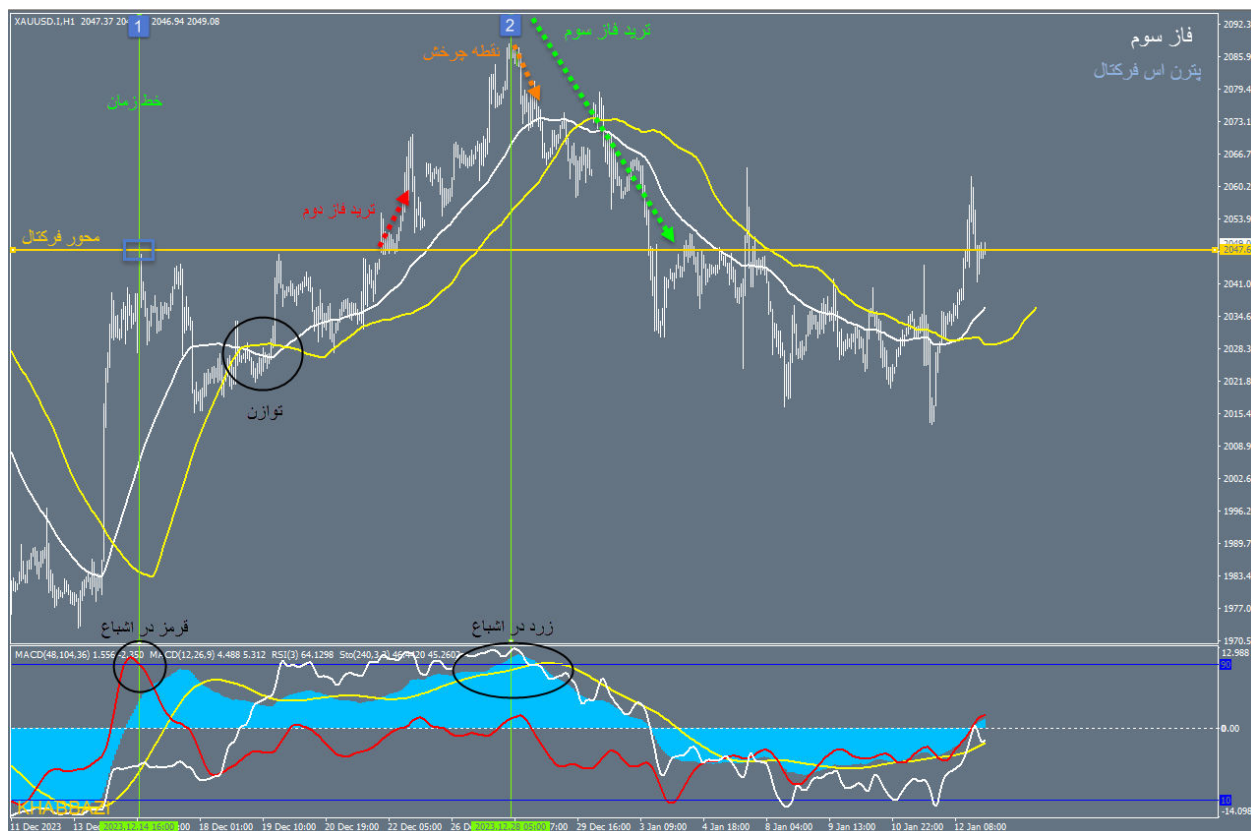
وقتی ترید فاز دوم و سوم را در یک نگاه بررسی می کنیم، مشاهده می شود که قیمت یک سطح پرایسی (محور فرکتال) را می شکند و از اشباع (نقطه چرخش) به آن بر می گردد.

انتهای ترید فاز دوم، شروع ترید فاز سوم یعنی نقطه چرخش است که یک سطح دینامیکی و پویا است اما انتهای ترید سوم، مکانیکی یعنی محور فیکس شده از قبل می باشد.

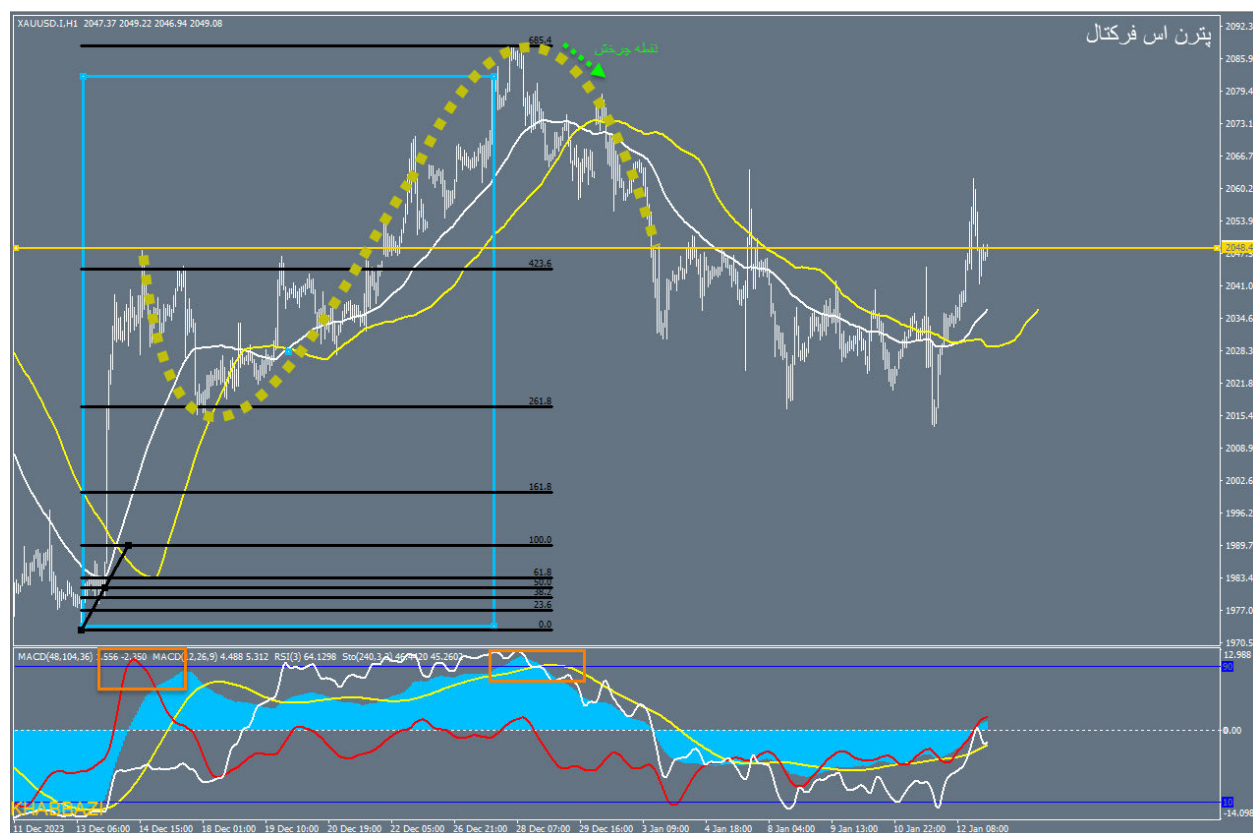
بر روی قله یا دره که محور فرکتال بر اساس آن رسم می شود، که مربوط به قله یا دره تایم یک چهارم تایم مورد نظر (تایم فرکتال) است، خط عمود زمان می اندازیم (خط 1)



اگر در خط زمان در میز اندیکاتوری، فقط خط قرمز در تراز 10 یا 90 از اندیکاتور RSI باشد، وقتی که در همین تایم، منحنی زرد در ادامه حرکتش، به تراز 10 یا 90 رسید(خط 2)، تایید اشباع را دارید.



در نقطه چرخش با برقرار بودن هم پوشانی، قیمت حول محور فرکتال چرخش خواهد کرد تا پترن S فرکتال شکل گیرد.

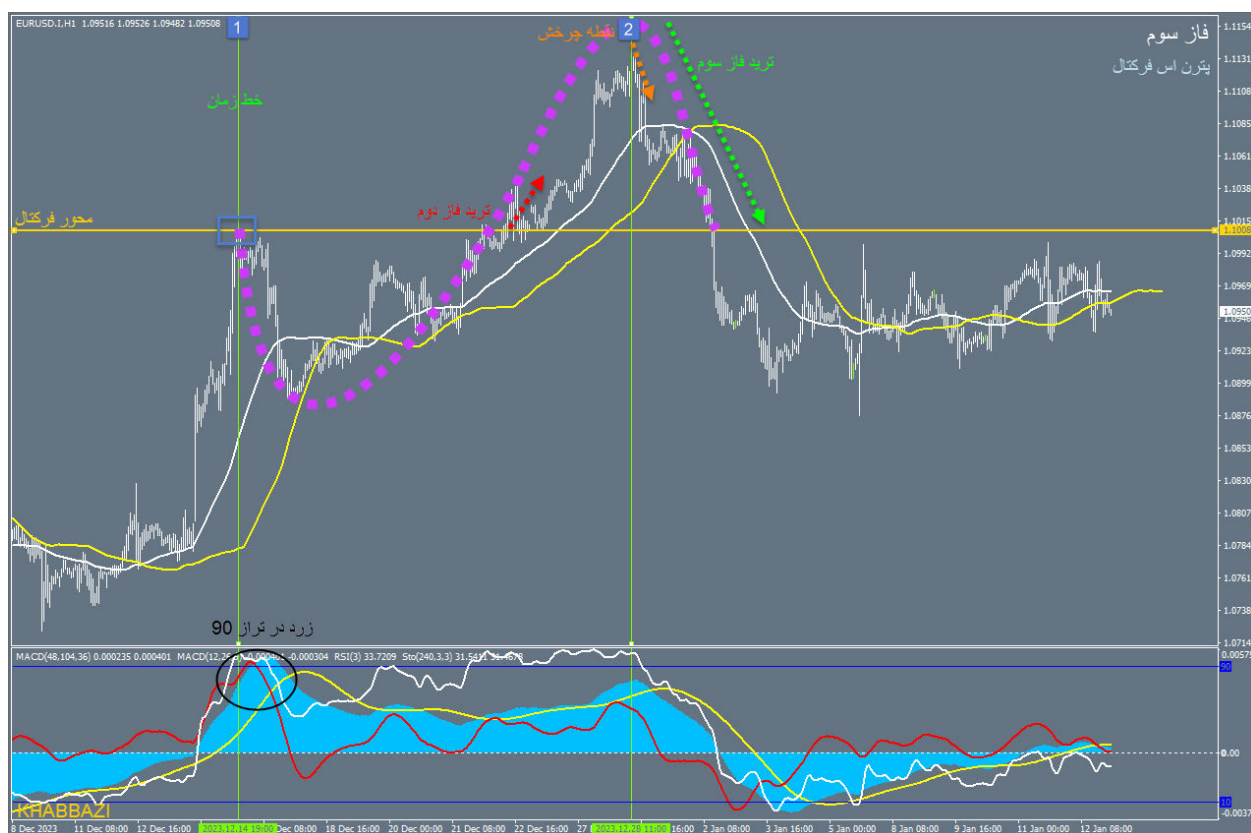


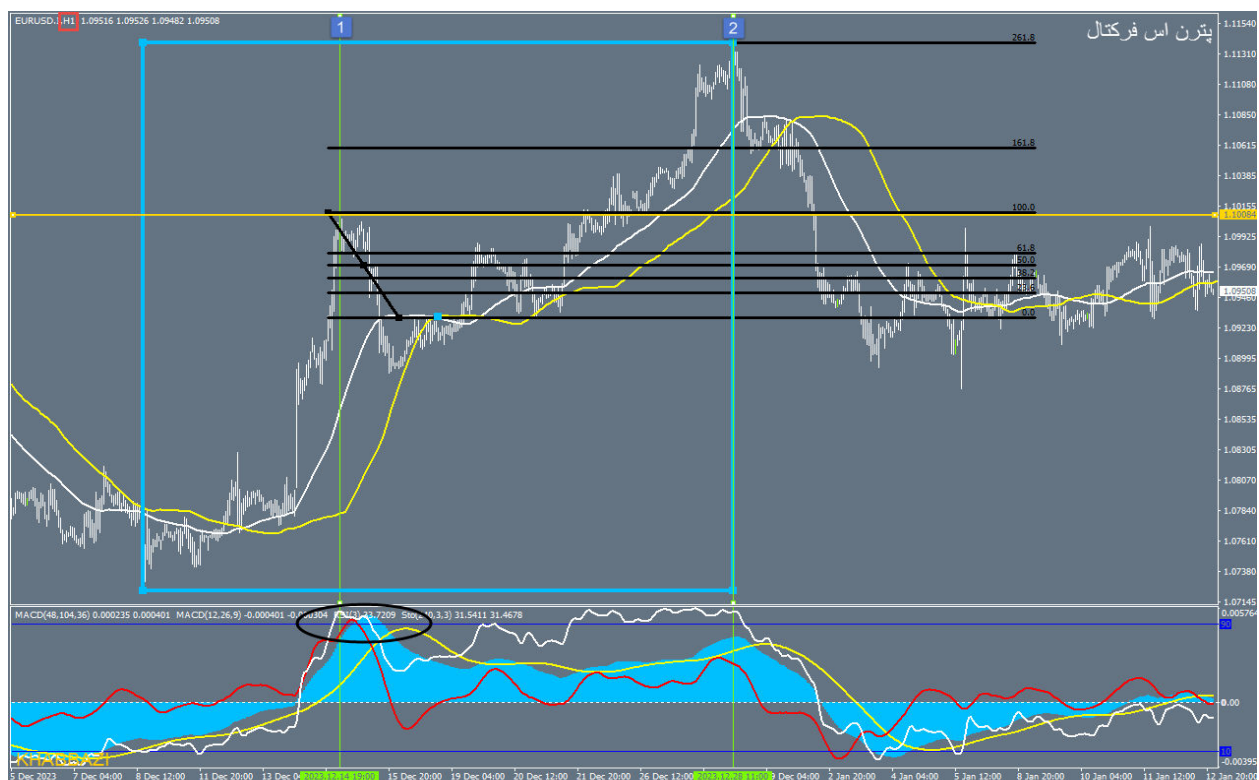
اما اگر در خط زمان در اشباع باشد (دیگر قرمز ملاک نخواهد بود)، وقتی خط زرد با ادامه حرکتش، در تایم چهار برابری تایم مورد نظر به تراز 10 یا 90 رسید، زمان چرخش قیمت می باشد.

پس اگر در خط زمان یعنی محور فرکتال، فقط اندیکاتور قرمز در اشباع باشد در همان تایم که هر تایمی می تواند باشد، وقتی اندیکاتور زرد به اشباع رفت، ترید بسته می شود.

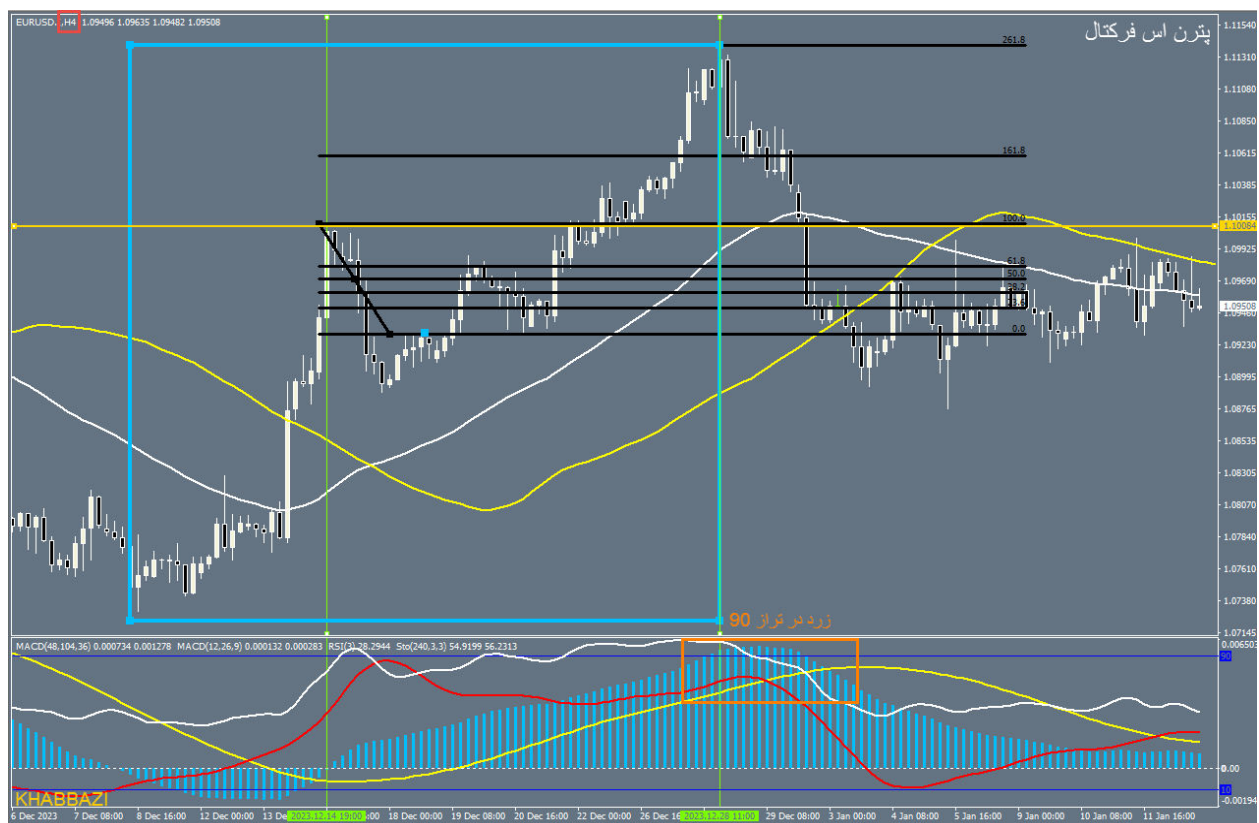
اما اگر در خط زمان، خط زرد در اشباع باشد، وقتی خط زرد در تایم چهار برابری تایم مورد نظر به اشباع رفت، زمان چرخش قیمت و بستن ترید دوم و باز کردن ترید سوم خواهد بود.

مثال اول

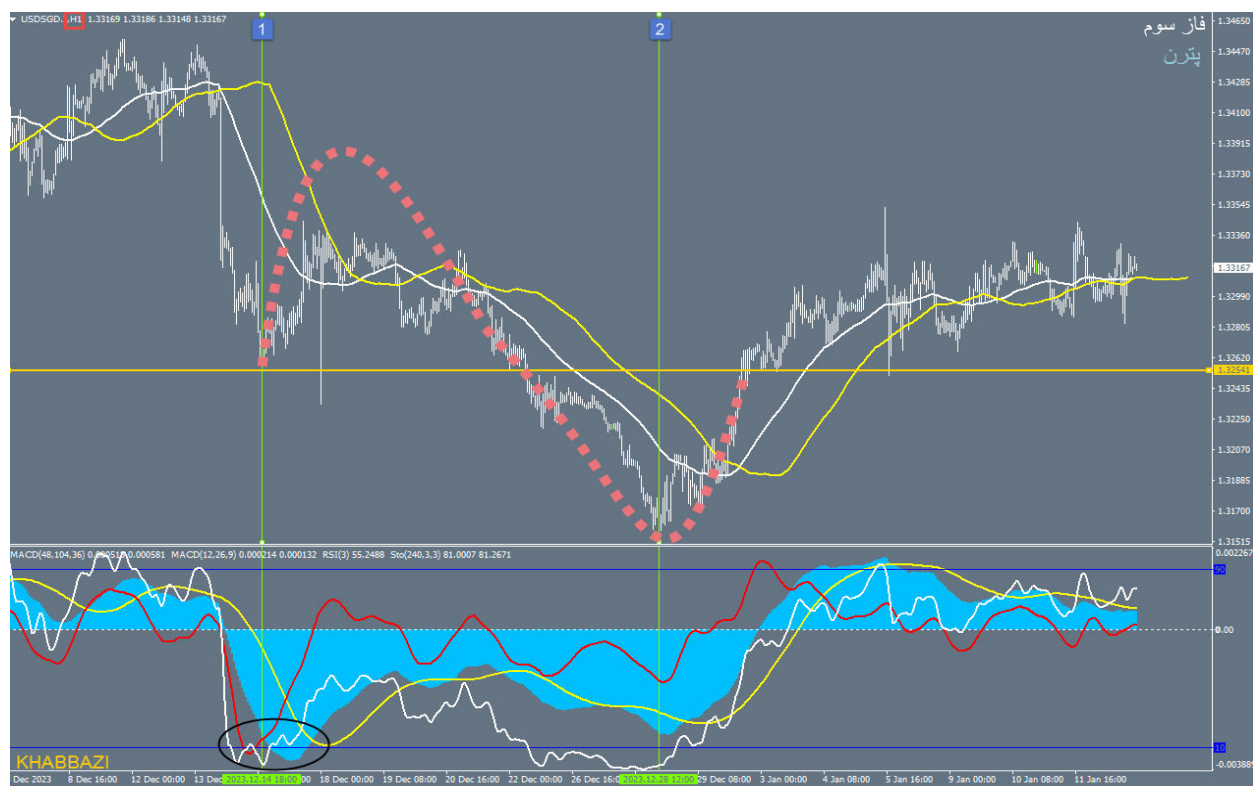




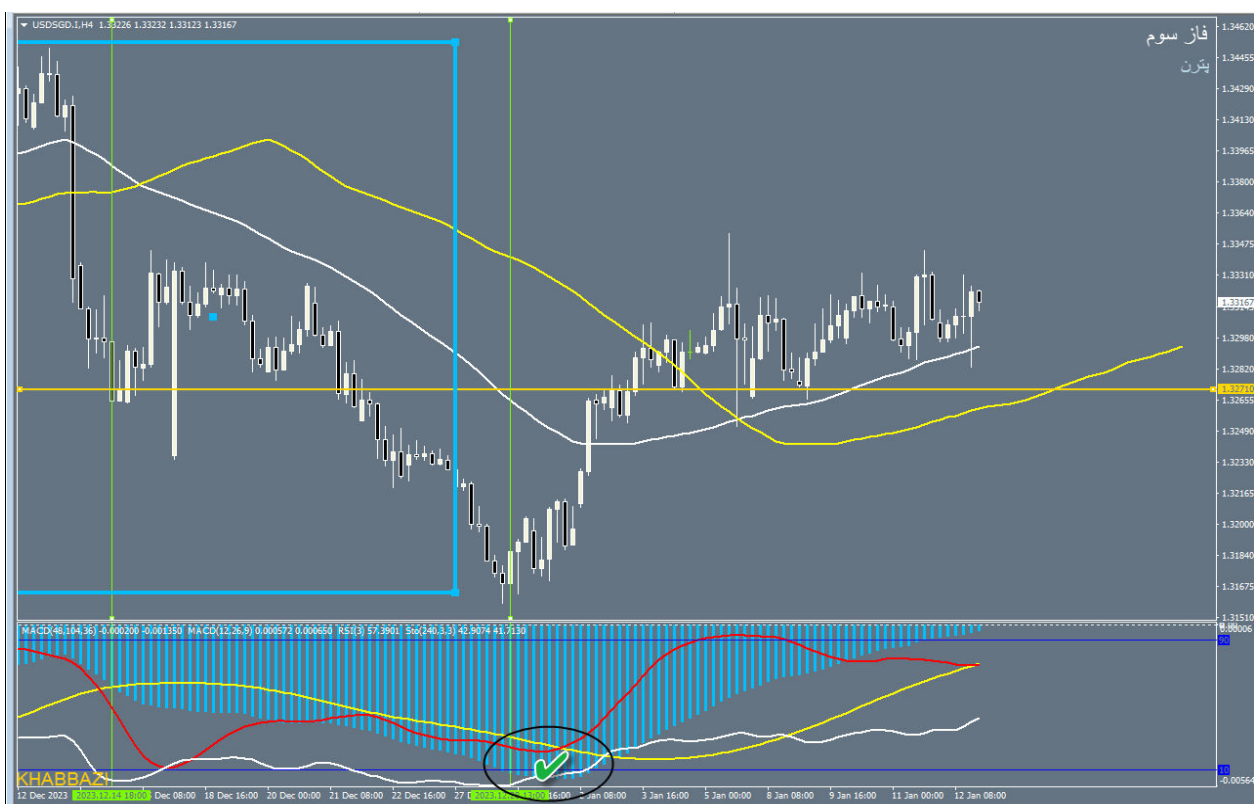
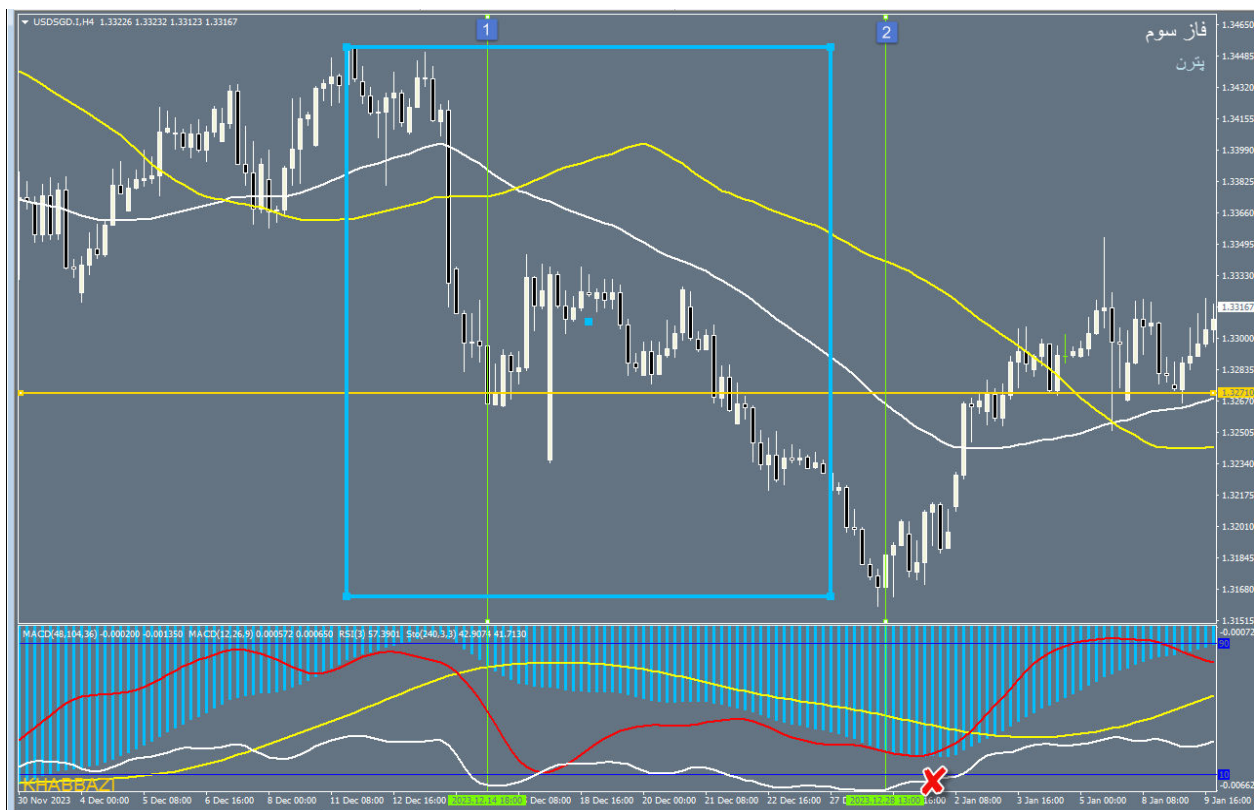
چارت قبل در تایم چهار برابری آن



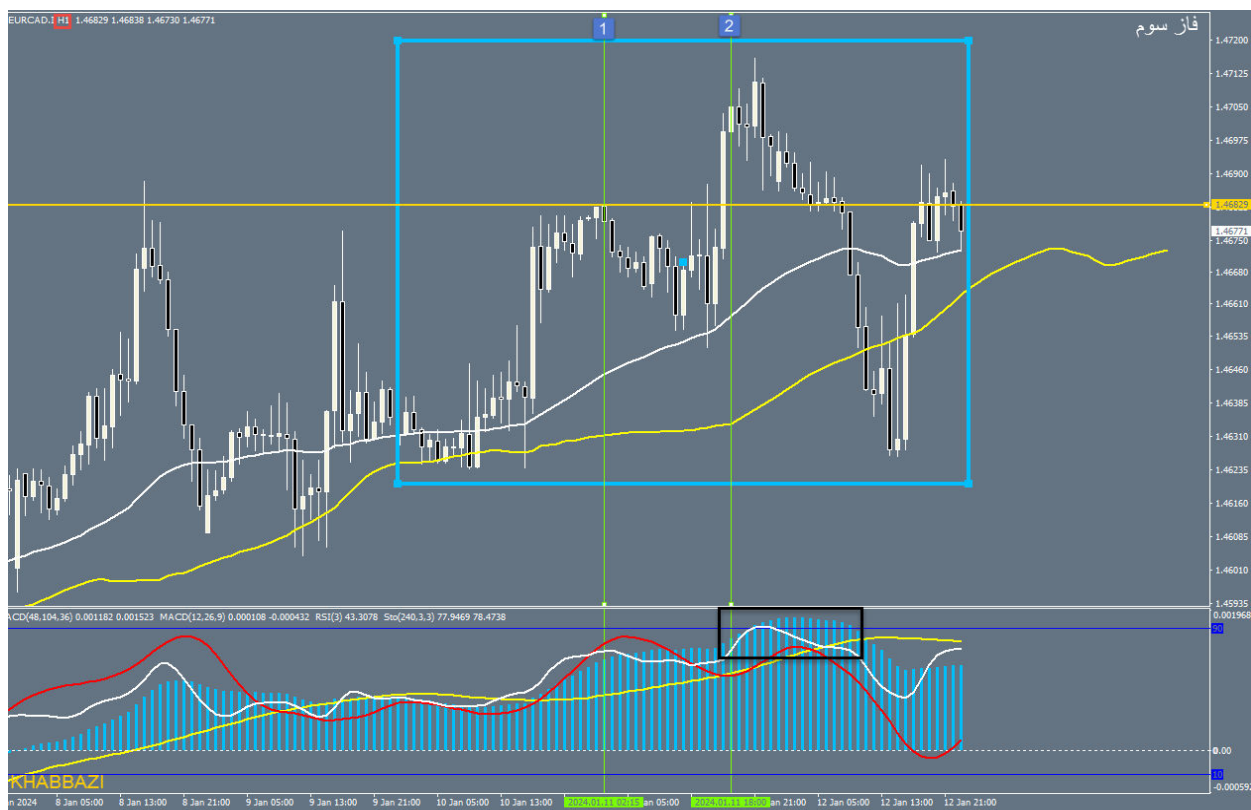
مثال دوم



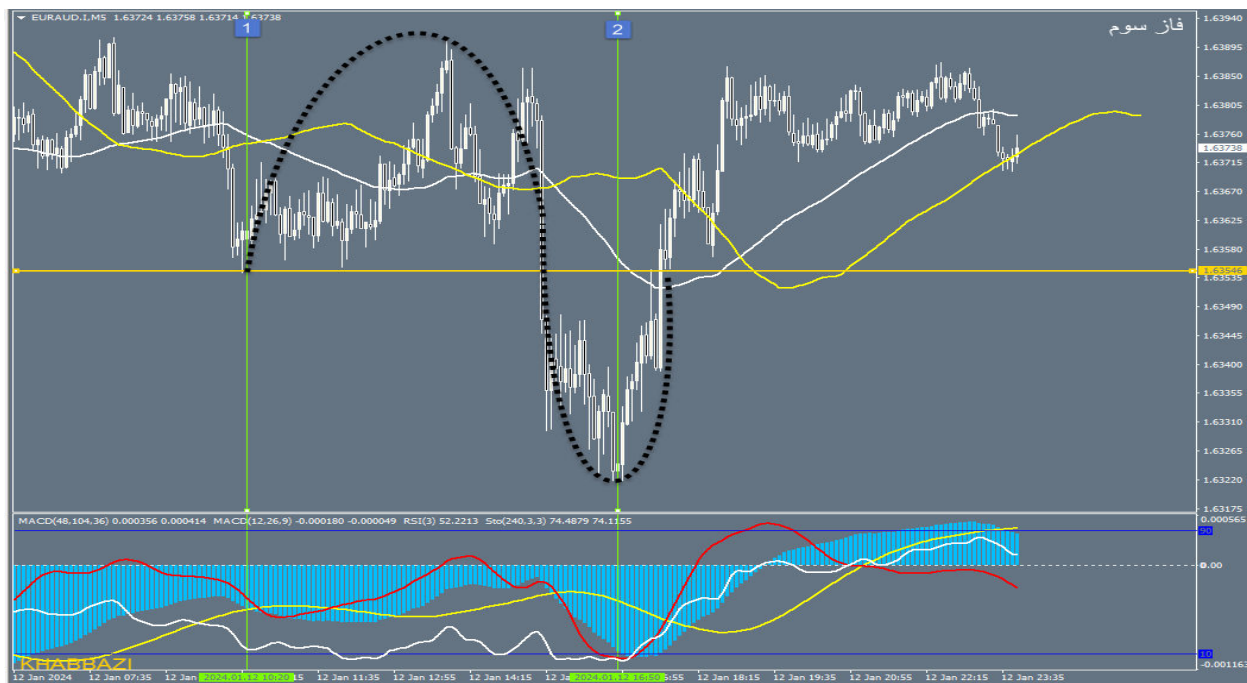
چارت قبلی در تایم چهار برابری آن



مثال سوم



مثال چهارم

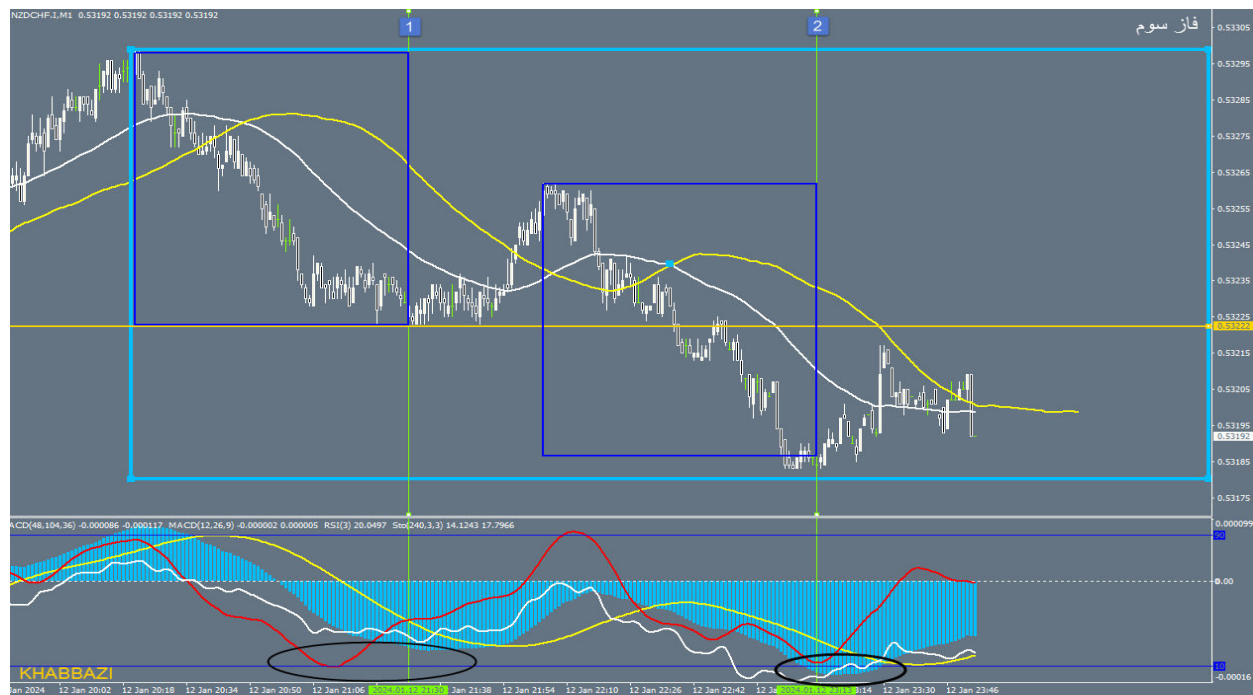


مثال پنجم

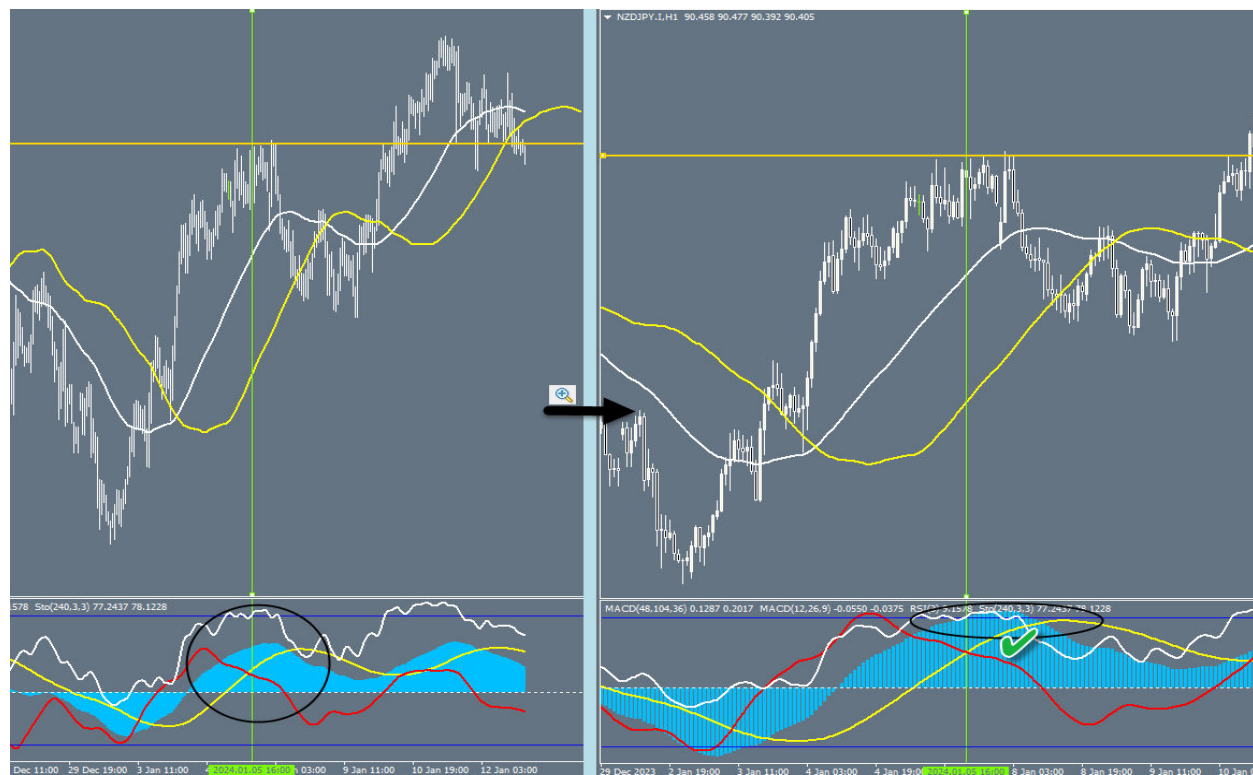


مثال ششم

باز



مثال هفتم



هیستو پیش فاز خط زرد در مکدی چهار برابر است. پس هر جا که از اندیکاتور زرد در تراز 10 یا 90 صحبت می شود، هیستو اگر از قبل به آن جا رسیده است، قابل قبول است.

می توانید از تنظیمات خاص موینگ یا مکدی استفاده کنید که انتهای میله های هیستو را با خط نشان دهد و با تغییر فاز هیستو، میله ها نیز هم رنگ کوموی ایچی در چارت شوند.

در واقع ترکیب میز اندیکاتوری با موینگ، باعث می شود اولاً با یک نگاه، فرد مبتدی سطح پرایسی مورد نظر یعنی محور فرکتال را تشخیص دهد و با دو ترید متوالی، نیم سیکل دوم پترن S فرکتال را کامل شکار کند.

پس نه تنها این سبک نیازی به ایچی ندارد بلکه در ترکیبش با ایچی موارد خوب آن را مثل پیش بینی کومو فیک و زمان تاج آن، فلتی که با پوشش دادن اشباع(هم زمانی) سه سیکل(چرخه)، تاج می شود و مهمترین سطح در ایچی می باشد، حرکت از فلت (پترن سازی)، ... را نیز پیش بینی یا تایید می کند.

فاز چهارم

ستاپ تقارن

ستاپ تقارن در وضعیت تقارن

میز اندیکاتوری طبق تعادل و ایچی با بیس زمان، طراحی شده است. در فاز تراز هیستو و ایچی، تعامل دقیق این سه مورد (ایچی- میز اندیکاتوری- موینگ) را برای روند گیری، ریورس و یا تارگت حداقلى مطمئن خواهید دید.

خط قرمز در میز در هر تایمی به عنوان خط زرد در تایم یک چهارم آن تایم می باشد. یعنی در هر تایمی که هستیم، وقتی قرمز در تراز 90 یا 10 از RSI باشد، در تایم یک چهارمش، زرد در میز در قله یا دره خواهد بود.

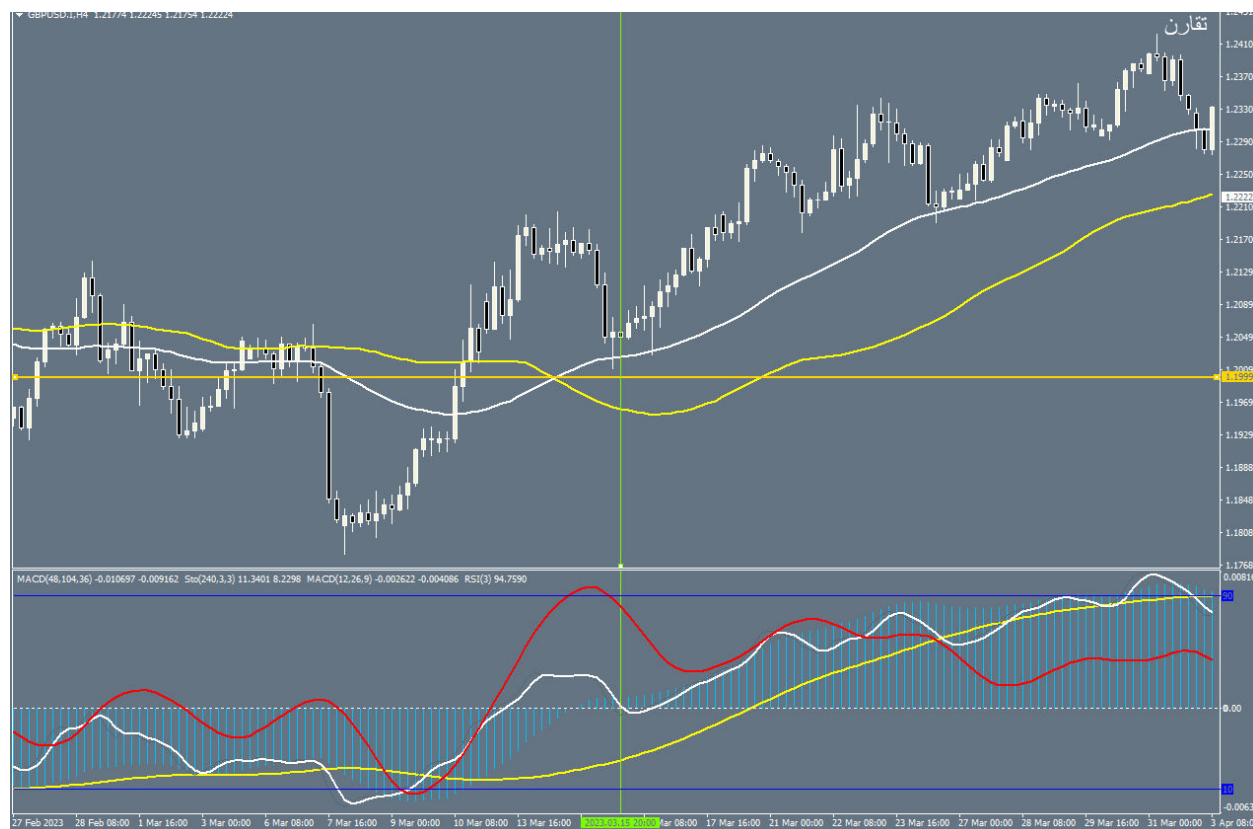
خط مشکی در میز در هر تایمی به عنوان خط زرد در تایم یک شانزدهم آن تایم می باشد. یعنی در هر تایمی که هستیم، وقتی خط مشکی در تراز 90 یا 10 از RSI باشد، در تایم یک شانزدهمش، خط زرد در میز در قله یا دره خواهد بود.

پس میز حالت مولتی تایم دارد و در هر تایم، بدون تغییر تایم، از وضعیت قیمت در تایم یک چهارمی آن (با خط قرمز) و تایم یک شانزدهمی آن (با خط مشکی) مطلع هستیم.

در میز اندیکاتوری خطوط زرد و سفید معادل موینگ های چارت منظور شده اند. پس سویچ تعادلی در میز می تواند سویچ تعادلی در چارت را پیش بینی و یا تایید نماید. خط سفید (استوک) مهمترین مهره میز شطرنج می باشد.

در شکل، خط عمود در محل پولبک قرار دارد. قبل از این خط، در میز اندیکاتوری خط سفید، منحنی زرد را به سمت بالا کراس کرده است و خبر از سویج تعادلی در چارت را می دهد. خط قرمز نیز خط زرد را به سمت بالا کراس کرده است، خبر می دهد که یک حرکت صعودی از تایم یک چهارم این تایم شروع شده است. کراس خط قرمز با خط زرد تایید ادامه دار بودن این حرکت صعودی می باشد.

در ادامه، هیستو(مکدی چهار برابر) در میز، نیز مثبت شده است. یعنی حرکت تایم پایین، منجر به حرکت تایم بالا شده است. به عبارت بهتر وضعیت میز و چارت هر دو صعودی و مشابه بوده، لذا تقارن یعنی هم شکلی داریم. با ستاپ تقارن که در حالت تقارن است، انتظار داریم روند خوبی بعد از پولبک شکل بگیرد.



از ستاپ تقارن در فاز تراز هیستو بیشتر سخن خواهیم گفت. در این فاز به همین مقدار بسنده کرده و با توجه به پلن اصلی، بر روی حالت عدم تقارن از ستاپ تقارن، متمرکز می شویم.

ستاپ تقارن در وضعیت عدم تقارن

میز اندیکاتوری دقیقا هم جنس با موینگ ها (و ایچی) نیست. پس در مواردی این دو هم شکل یکدیگر نبوده و به صورت پیش فاز یا پس فاز یکدیگر خواهند بود.

در این شرایط، ستاپ تقارن در وضعیت عدم تقارن است.

عمدا مکدی چهار برابر، معادل قیمت در هر تایمی که باز است، منظور شده است، تا در هنگام عدم تقارن، اولویت را به میز اندیکاتوری، نه به سویچ تعادلی (یا سویچ ایچی) بدهیم.

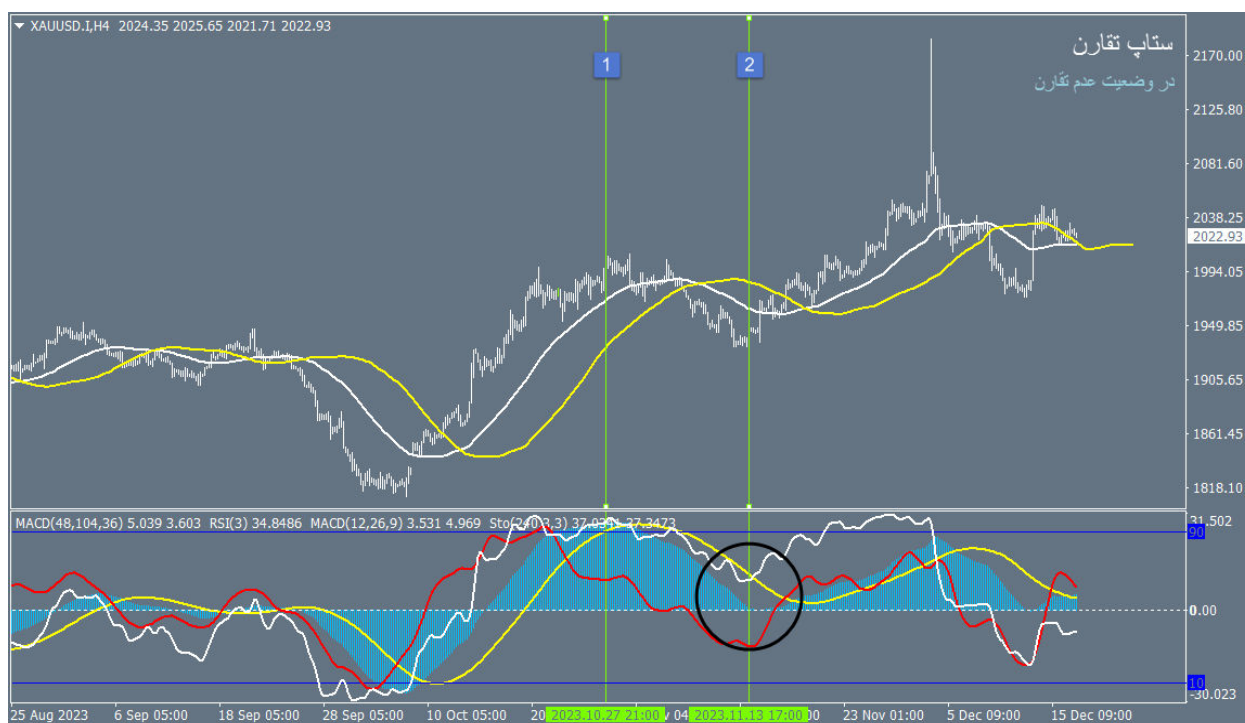
در واقع از هم شکلی سه سیستم (ستاپ تقارن در وضعیت تقارنش)، برای روند گیری و از غیر هم شکلی آن ها (ستاپ تقارن در وضعیت عدم تقارنش)، برای اتمام اصلاح و ادامه روند، استفاده خواهد شد.

در خط عمود شماره یک، چارت در قله است و این قله را میز اندیکاتوری نیز تایید نموده است. پس با نزولی شدن چارت، سویچ تعادلی نزولی نیز زده می شود، اما در میز اندیکاتوری، در خط عمود شماره دو، هیستو، تغییر فاز نداده است. یعنی هیستو مکدی چهار برابر، تراز صفرش را به سمت پایین کراس نکرده است. پس وضعیت میز اندیکاتوری با وضعیت موینگ ها، هم شکل نیست.

این حالت از ستاپ تقارن را، عدم تقارن می نامیم و هر جا قبلا در مجموعه (کتاب و فیلم) از ستاپ تقارن نام برده شده است، همین وضعیت، منظور بوده است. با وضعیت عدم تقارن، نزولی شدن چارت از نظر میز اندیکاتوری تایید نشده است و این حرکت را به عنوان اصلاح منظور می کند؛ اگر چه در تایم خودش (پایین تر) یک روند می تواند باشد.

بن بست یک حرکت بزرگ مثل واگرایی در انتهای روند در تایم پایین، هیستو صفر در تایم بالا می باشد.

منظور از هیستو صفر، ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن است که باعث می شود هیستو به لول صفرش بچسبد و یا نزدیک به آن شود؛ اما تغییر فاز ندهد.

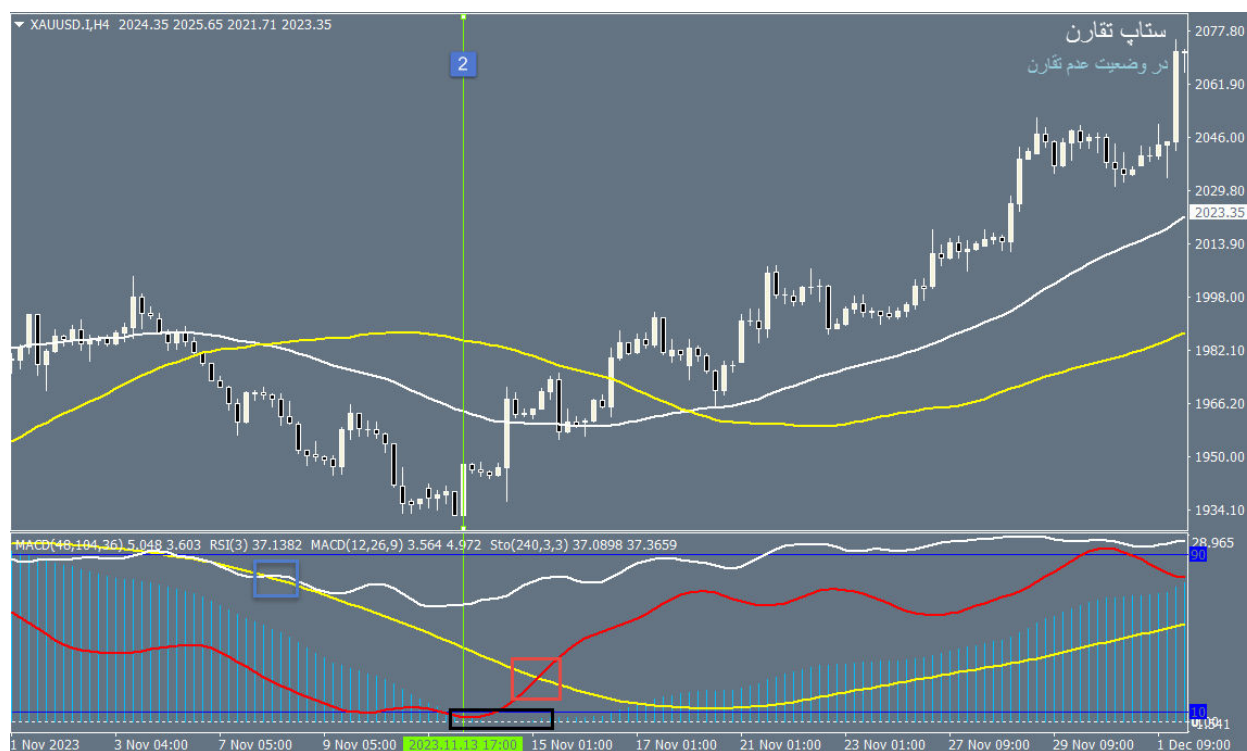


در ادامه، همان شکل قبل با زوم مثبت را مشاهده می کنید.

در میز از قبل، سویچ تعادلی صعودی داریم(باکس آبی) و خط سفید در بالا جا خوش کرده است. هیستو هم تغییر فاز نداده است(باکس مشکی).

کراس خط قرمز با خط زرد، که نشان از صعودی شدن چارت در تایم یک چهارم تایم فعلی دارد، احتمال منفی شدن هیستو را بسیار کم می کند. پس سویچ تعادلی صعودی در چارت در این تایم، در تایم بالاتر(میز اندیکاتوری با توجه به تنظیماتش) تایید نشده است.

لذا در این تایم این سویچ تعادلی تارگت حداقلی خودش را خواهد داد و سپس با کراس خط قرمز با منحنی زرد، شروع یک حرکت از تایم پایین تر را خواهیم داشت.

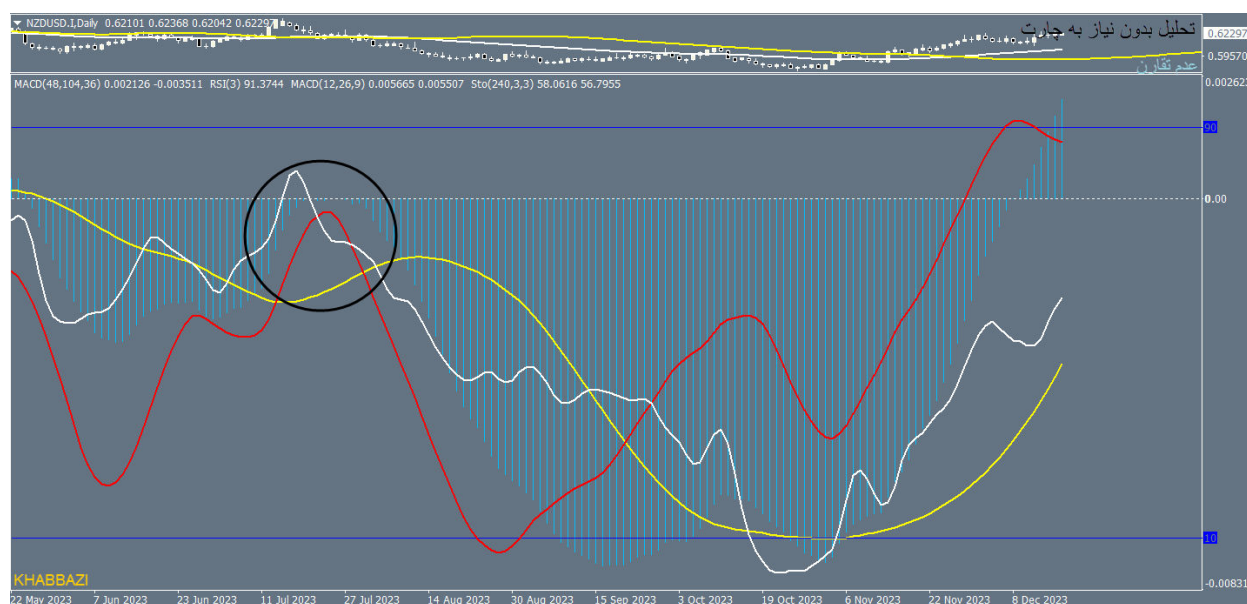


طبق شکل، میز را تمام صفحه نمایید تا چارت پیدا نباشد. حال چارت را از لایو تا گذشته بازار بررسی نمایید.

در موقعیت هایی که چارت طبق شکل قبل، در حالت عدم تقارن می باشد، خط عمود روی کراس خط قرمز با زرد بیندازید و پیش بینی اتان از جهت حرکت چارت را با گذاشتن یک پیکان صعودی یا نزولی مشخص نمایید. حال چارت را ظاهر کنید و وضعیت چارت را در خط عمود ها بررسی نمایید. در واقع بدون چارت (قیمت) در حال تحلیل هستید و به این صورت در ابتدا، توانایی میز و سپس وین ریت این ستاپ مشخص شده و این تمرینی برای مهارت شما در رفتار شناسی قیمت خواهد بود.

اگر پیش بینی اتان از عدم تقارن درست باشد، با زدن سویچ جدید منجر به ادامه حرکت روند قبلی با ستاپ توازن خواهد شد. به عبارت بهتر، با حالت عدم تقارن، تشکیل سویچ تعادلی جدید را پیش بینی می کنید که اولاً این دو سویچ با توجه به عدم تغییر فاز هیستو، تشکیل ستاپ توازن را می دهند که در حالت ایده آل، نوید رالی جدید و اکثراً شارپ به اندازه حرکت قبلی، را می دهد.

دوماً اکثر سویچ های تعادلی، تارگت سطح 161 از فیبو تعادلی اشان را می دهند.



این نقطه به عنوان نقطه صفر پِنل اصلی می باشد که حداقل دو ترید متوالی از دره به قله و قله به دره یا بالعکس را شامل می شود. در ادامه موارد متعدد و متنوعی (تحلیل زمانی- فرکتال- تراز هیستو- پرچم- فلت چرخه) را خواهید آموخت تا همیار شما در ورود از این نقطه باشد.

از منظر ایچی، این ستاپ، در رفت، کومو فیک را پیش بینی کرده و در برگشت، قطعه تکمیل کننده پازل ترید تعادلی و زمان تاچ کومو فیک می باشد.

از منظر سبک تعادل، این ستاپ، در رفت سویچ تعادلی آینده را پیش بینی کرده که تارگت حداقلی سطح 161 از فیبو تعادلی اش با وین ریت خوب، در دسترس می باشد و در برگشت قطعه تکمیل کننده چرخش قیمت برای تکمیل پترن S استاتیک می باشد.

ستاپ تقارن وقتی وضعیت عدم تقارن را گزارش می دهد، می تواند پایان اصلاح روند قبلی و ادامه حرکت آن را مشخص کند. این ستاپ در ادامه، منجر به شکل گیری ستاپ توازن، خواهد شد.

یعنی ادامه روند قبلی باعث زدن سویچ تعادلی در نزدیک سویچ قبلی و تقریباً در امتداد افقی آن خواهد شد. به همین دلیل یعنی دو سویچ در یک راستا و نزدیک هم، نام ستاپ توازن را به خود گرفته است. این ستاپ در حالت ایده آل باعث می شود قیمت، رالی دوم را هم وزن (قیمتی و زمانی) با رالی اول، شروع و تمام کند.

ترید در این فاز، مقدمه ترید فازهای قبل یعنی پولبک و شکست می باشد. اگر این ترید با موفقیت انجام شود ترید فاز اول و دوم در ادامه همین ترید و در حکم اضافه حجم کردن می تواند باشد و یا هر شخص با توجه به علاقه و مهارتش به دید مستقل به این سه ترید توازن نگاه کند و یا حتی فقط یکی از این سه ترید را با توجه به علاقه یا تسلطش انجام دهد.

تکلیف

ستاپ تقارن و توازن را از مجموعه سبک تعادل (کتاب و فیلم)، بررسی نمایید.

ترید

برای ترید در فاز چهارم که از قله یا دره می باشد، در تایم مورد نظر، حالت عدم تقارن را جهت مشخص کردن نقطه پایان اصلاح رالی قبل، بررسی کنید که در تایم یک چهارم، این نقطه در واقع یک دره یا قله اصلی است.

لذا برای مشخص شدن اعتبار این دره یا قله تایم فرکتال، هم پوشانی تعادلی (فیو تعادلی و فیو کانال تعادلی و باکس و کانال تعادلی) و هم پوشانی فرکتالی (رالی باکس ها و باکس فرکتال) را طبق فاز قبلی، بررسی نمایید.

این هم پوشانی ها اگر فرکتالی بود و میز اندیکاتوری نیز تایید داد، تایید خوبی برای پایان اصلاح و شروع رالی دوم در تایم چهار برابرش یعنی تایم اصلی، خواهد بود.

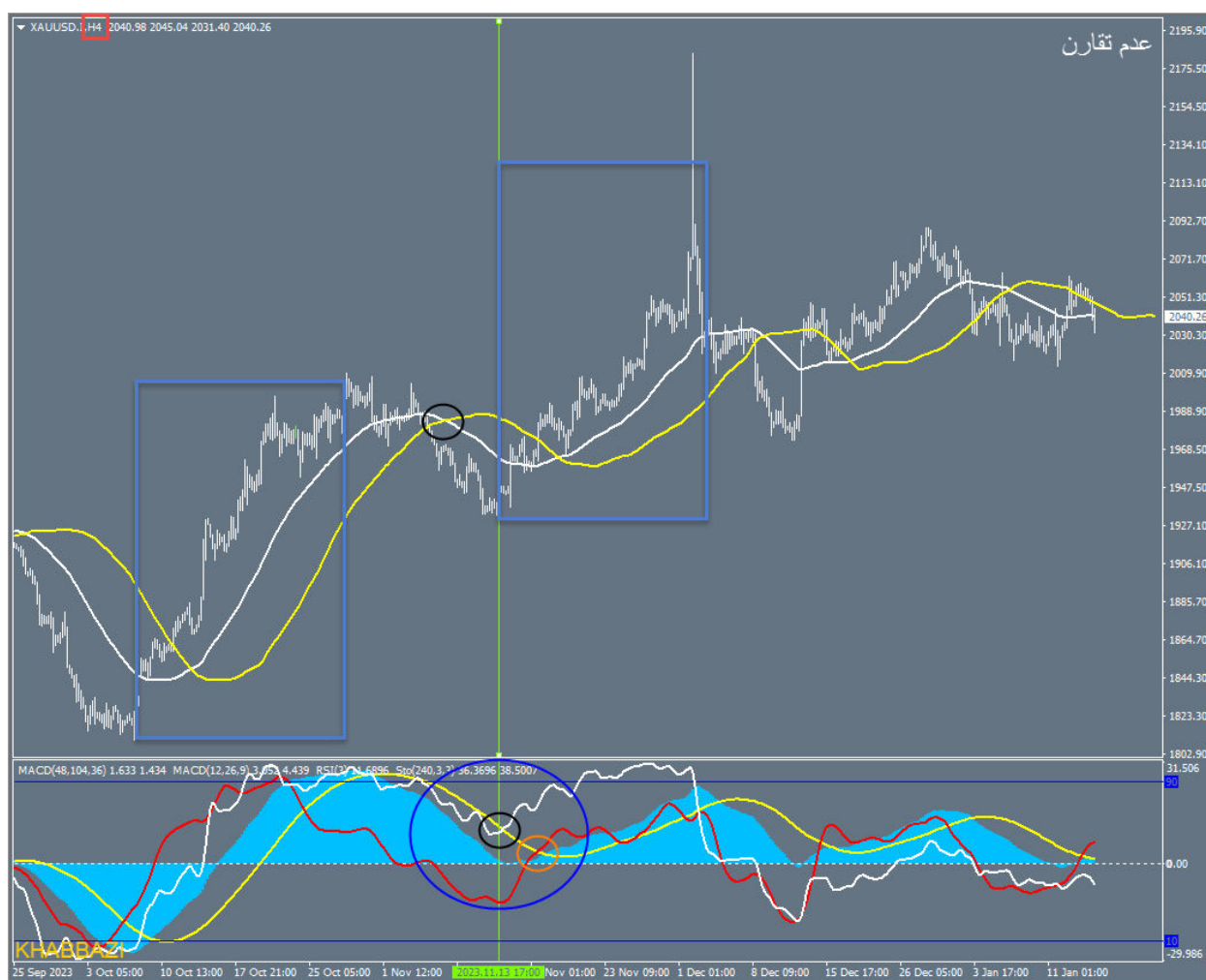
در مثال های بعد، شکل اول مربوط به ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن در خط عمود به منزله پایان اصلاح و شروع رالی دوم در تایم اصلی با زوم منفی می باشد.

شکل دوم، همان شکل قبلی با زوم مثبت تر و در نهایت، شکل سوم، تایید قله یا دره فرکتال در تایم فرکتال (تایم یک چهارم) تایم مورد نظر (تایم اصلی) می باشد.

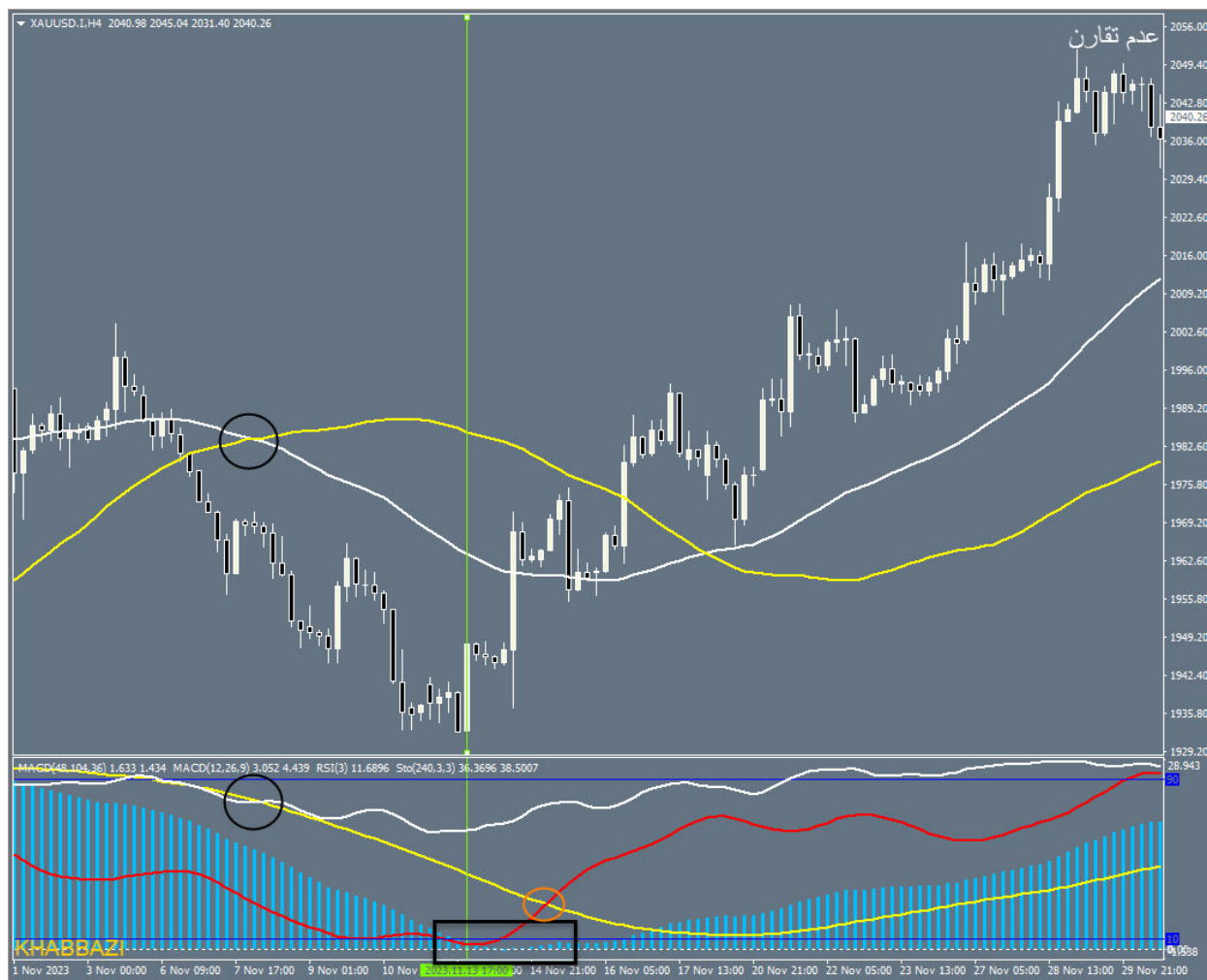
مثال اول

فقط سیکل قرمز از هیستو عبور کرده و اگر چه به ظاهر در این تایم و زوم، در تراز 10 از RSI نیست، اما در اشباع است. دره سیکل قرمز در این تایم، مقیاس مشخصی با دره تایم اصلی ندارد. اگر با تغییر زوم، قرمز را در تراز 10 مشاهده کردیم با توجه به تاییدات دیگری که از چارت داریم، قابل قبول است.

با توجه به فیکس بودن موینگ و ایچی در چارت، از انعطاف میز در جهت تایید مورد نظر استفاده می کنیم. محک در دره بودن قرمز، چک آن در تایم فرکتال می باشد که معادلش خط زرد می باشد.



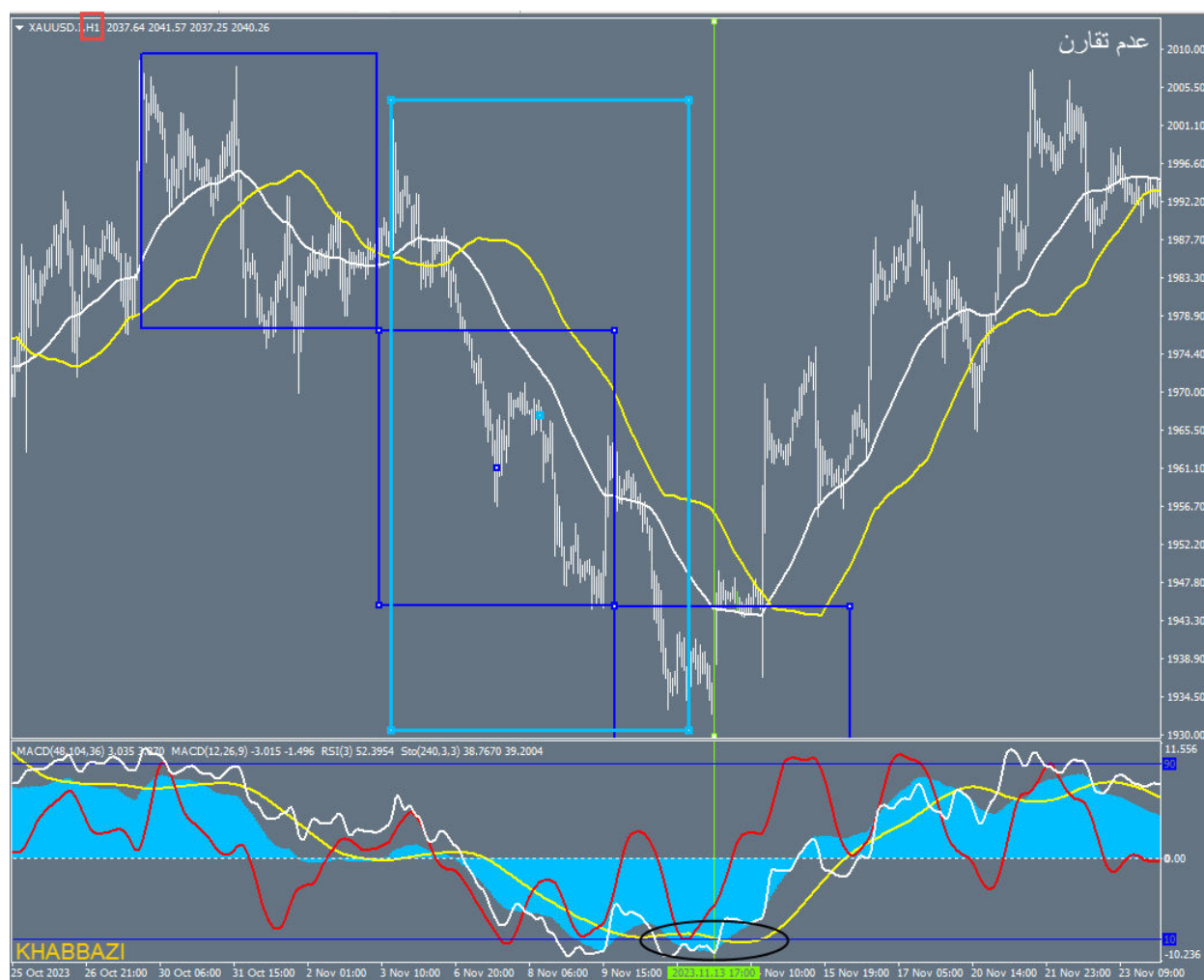
وقتی با تغییر زوم یا جابجایی چارت، سویچ تعادلی در میز مخصوصا چسبیده به صفر هیستو، دقیقا در راستای عمودی سویچ تعادلی در چارت اما در جهت خلاف آن است، بهترین مفهوم عدم تقارن را تداعی می کند.



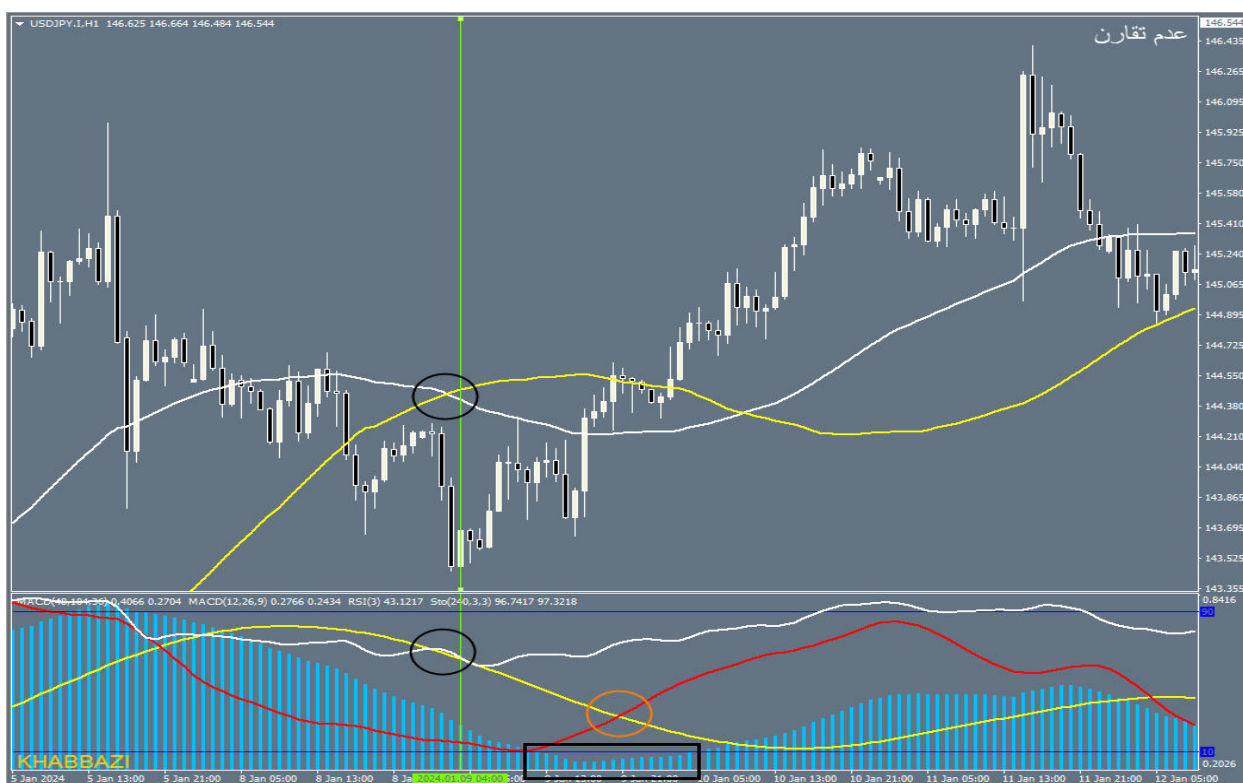
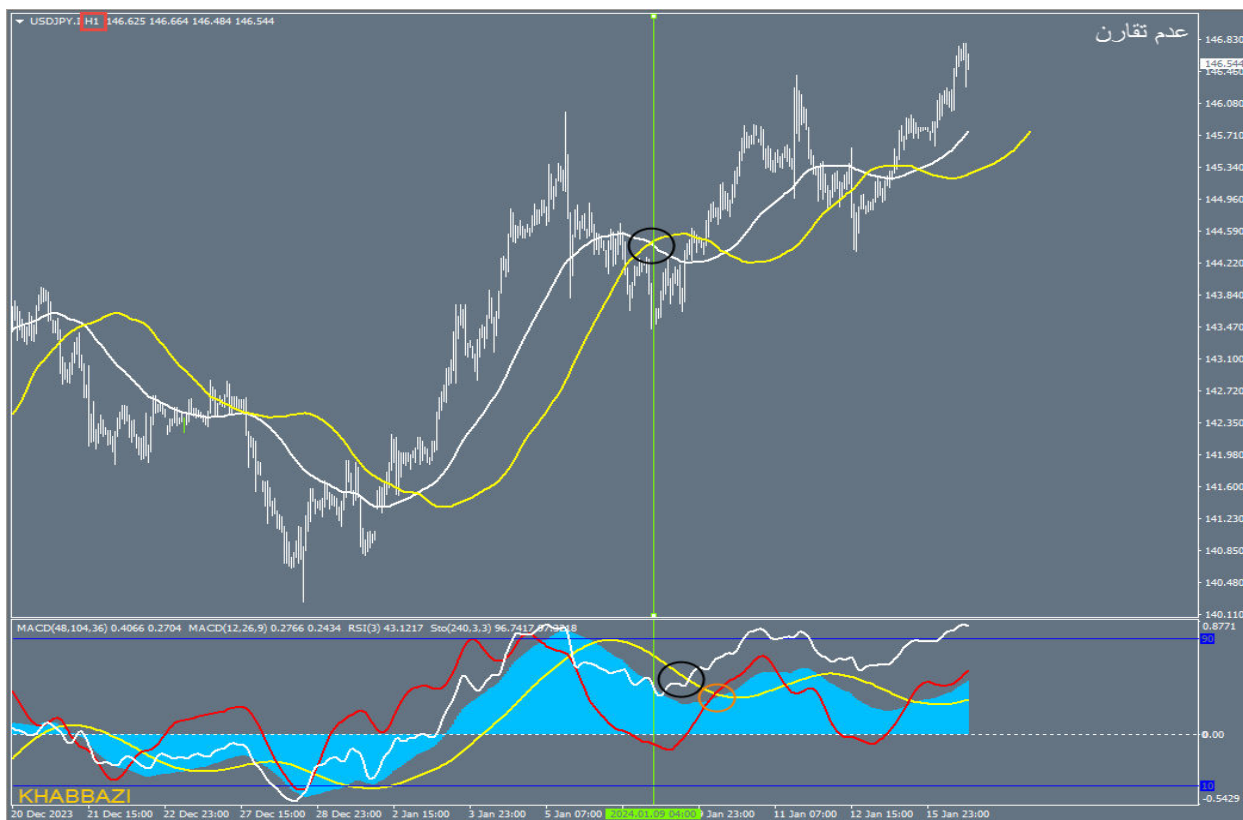
باکس بزرگ، باکس فرکتال مربوط به تایم یک شانزدهم می باشد. از آنجا که به محدوده توازن از قبل آشنا هستید و همپوشانی خوبی را در چارت به ما می دهد پس می توان غیر از تایم فرکتال، تایم های پایین تر مخصوصا تایم یک شانزدهم را بررسی کرد تا اگر در این مسیر، ستاپ توازن برقرار باشد، از این تایم، هم پوشانی نقطه ای(فرکتالی) را بررسی نمایید.

میز اندیکاتوری نیز در دره بودن قیمت در تایم فرکتال را تایید نموده است.

در واقع بن بست هیستو صفر در تایم بالا، انتهای حرکت روند دار در تایم پایین را مشخص می کند.



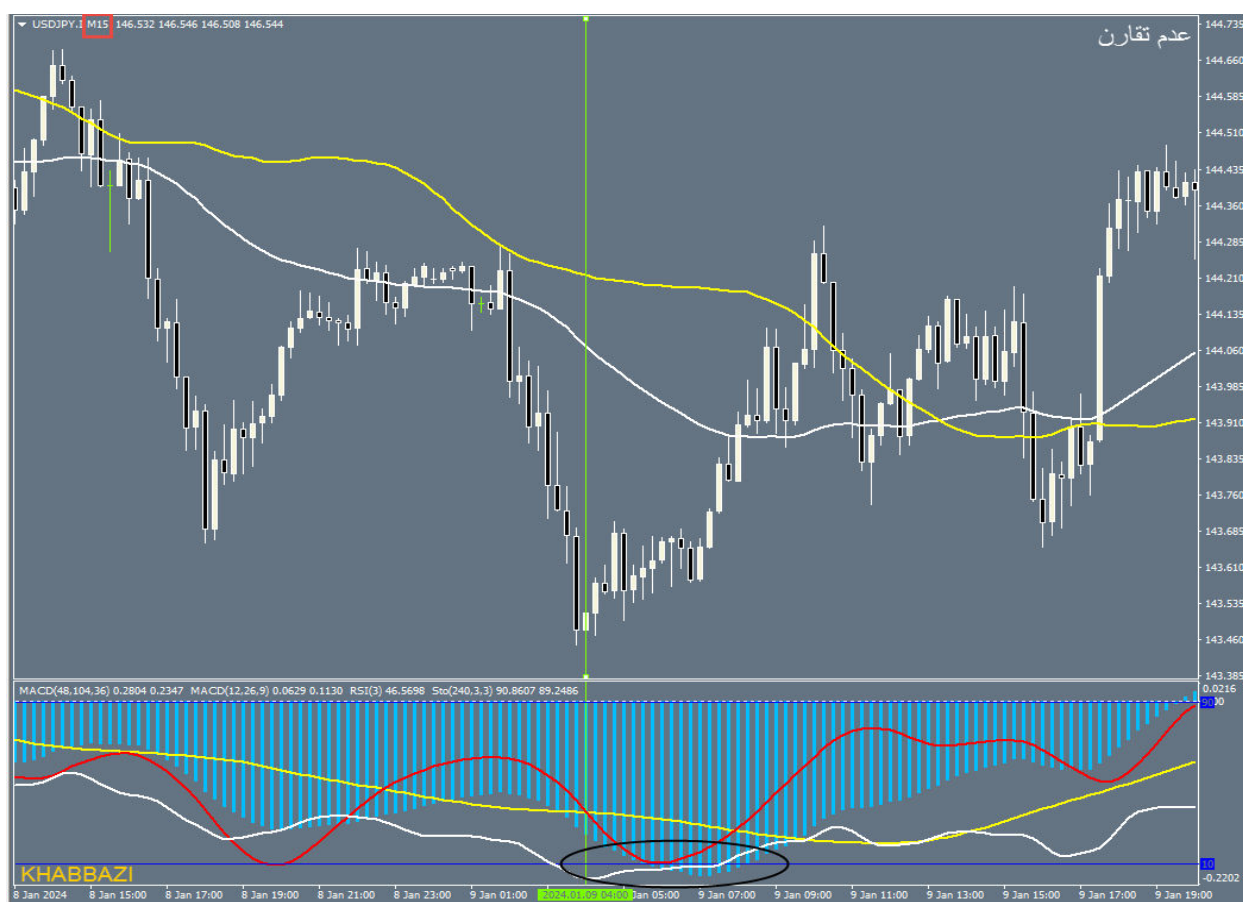
مثال دوم



با توجه به تنظیمات مورد نظر، تایم فرکتال تایم یک ساعته، تایم پانزده دقیقه است. چون قله و دره در تایم های متفاوت بررسی می شود، پس فرکتال از نوع الگو یا ستاپی است. منظور از **فرکتال ستاپی**، برقرار بودن یک ستاپ یا الگو به صورت همزمان در دو تایم در یک جهت می باشد.

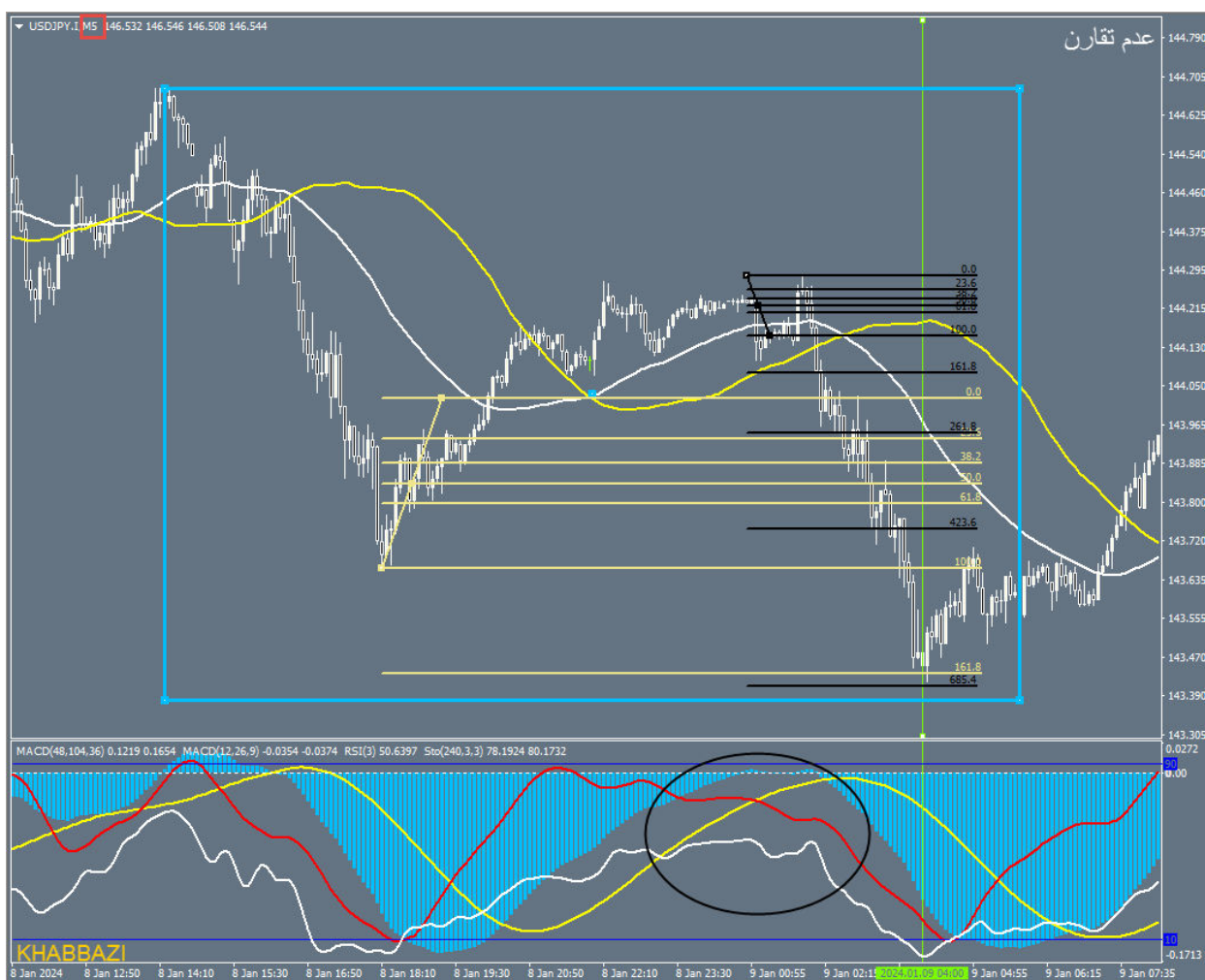
از طرفی چون دقیقاً نسبت مشخص (چهار یا یک چهارم برابری) بین تایم ها منظور شده است، پس **فرکتال زمانی** نیز برقرار می باشد.

به عبارت بهتر وقتی در تایم یک ساعته چارت در قله یا دره است یا ستاپ عدم تقارن برقرار است و همزمان در تایم فرکتال (یک چهارم) نیز همان الگو یعنی در قله یا دره بودن و یا ستاپ عدم تقارن برقرار است، پس تایید فرکتال زمانی برقرار است. در این تایم طبق چارت قبل در تایم یک ساعته خط قرمز در تراز **10** است و با رجوع به تایم پانزده دقیقه مشاهده می شود که معادل آن یعنی خط زرد در تراز **10** می باشد.

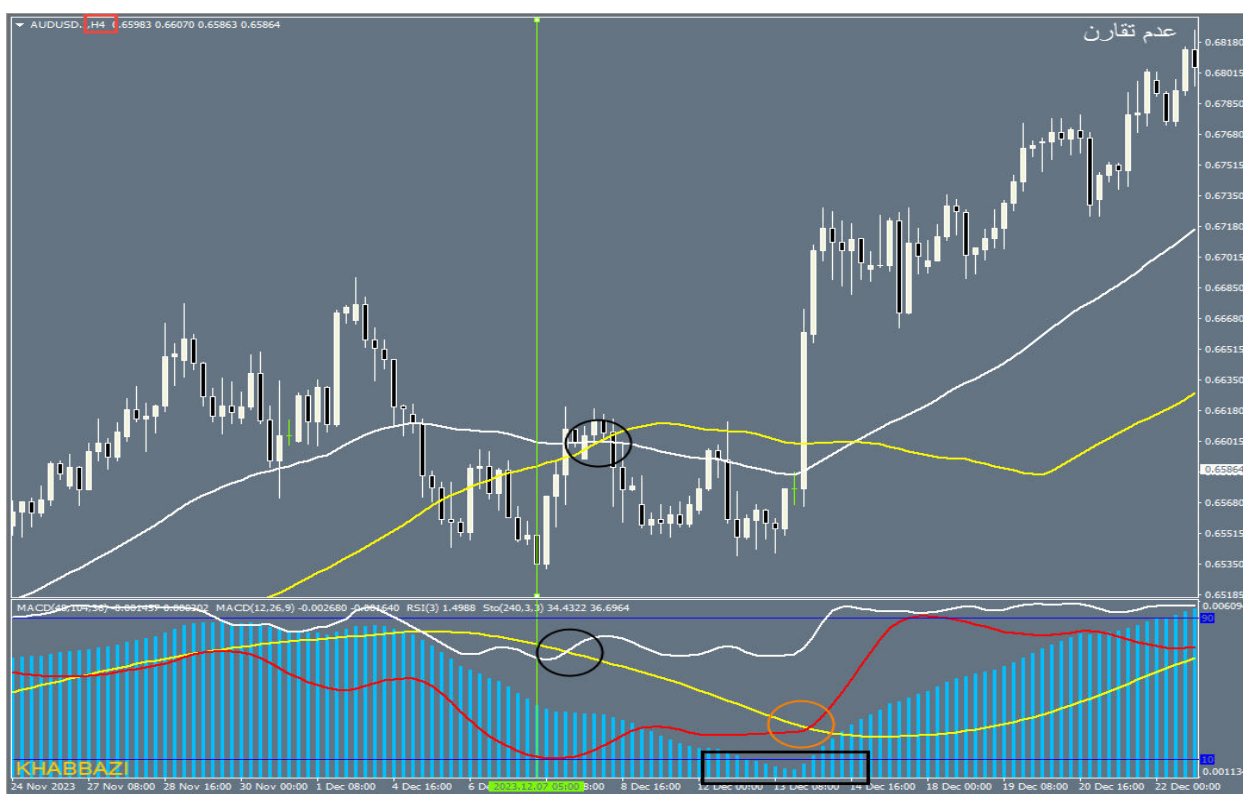
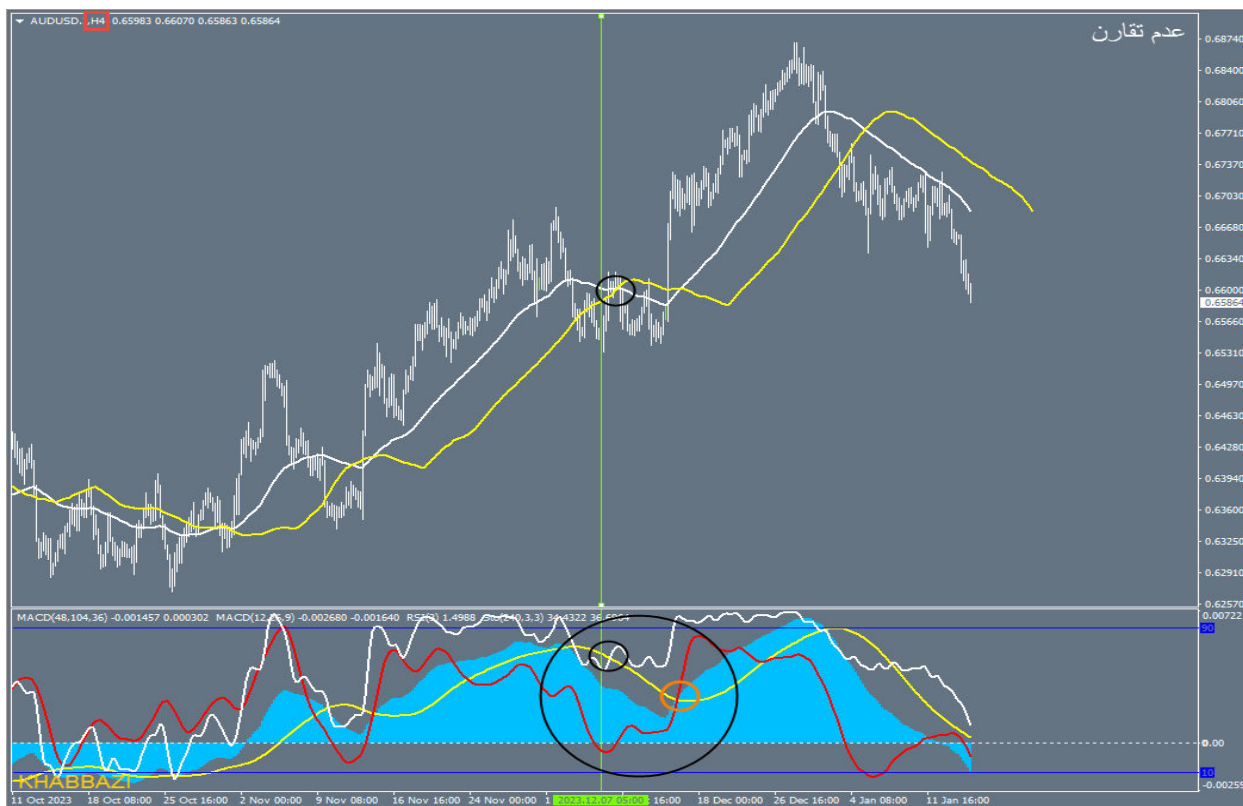


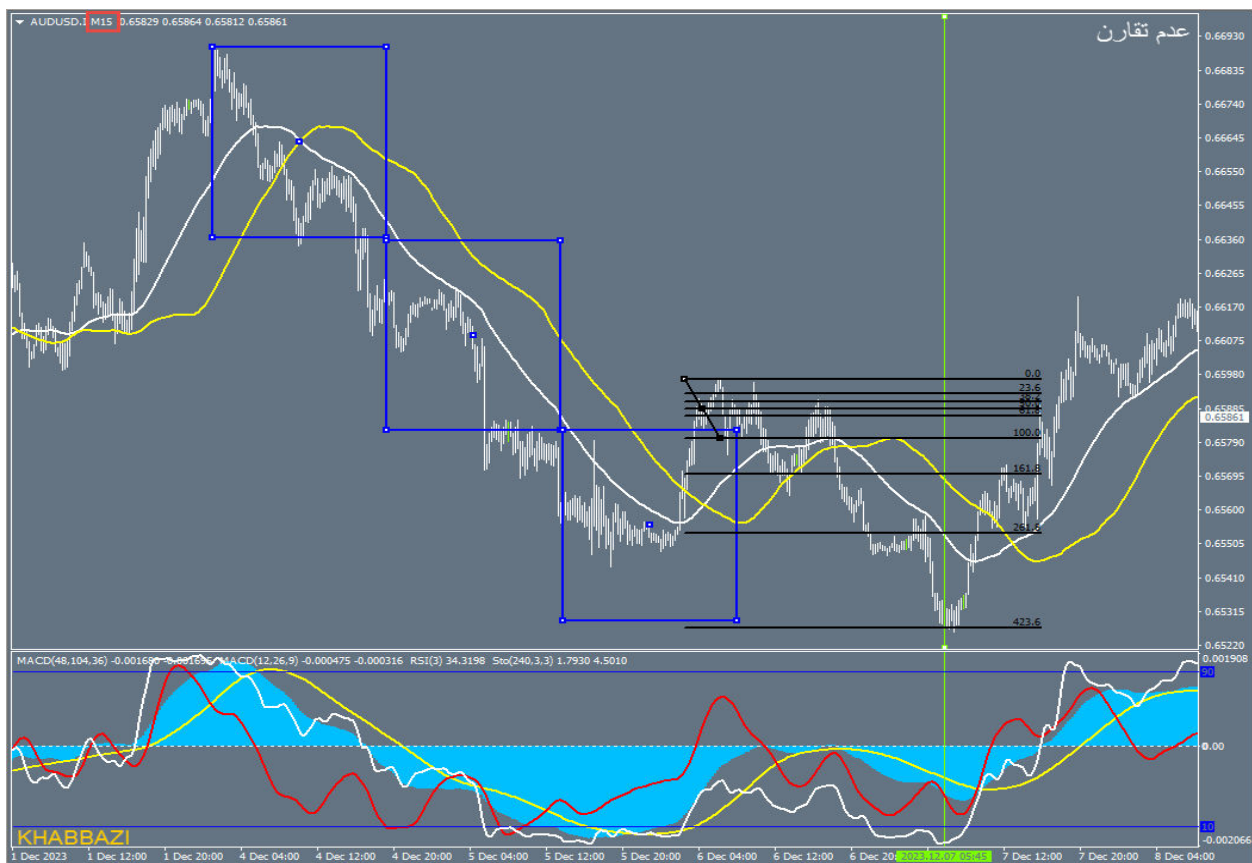
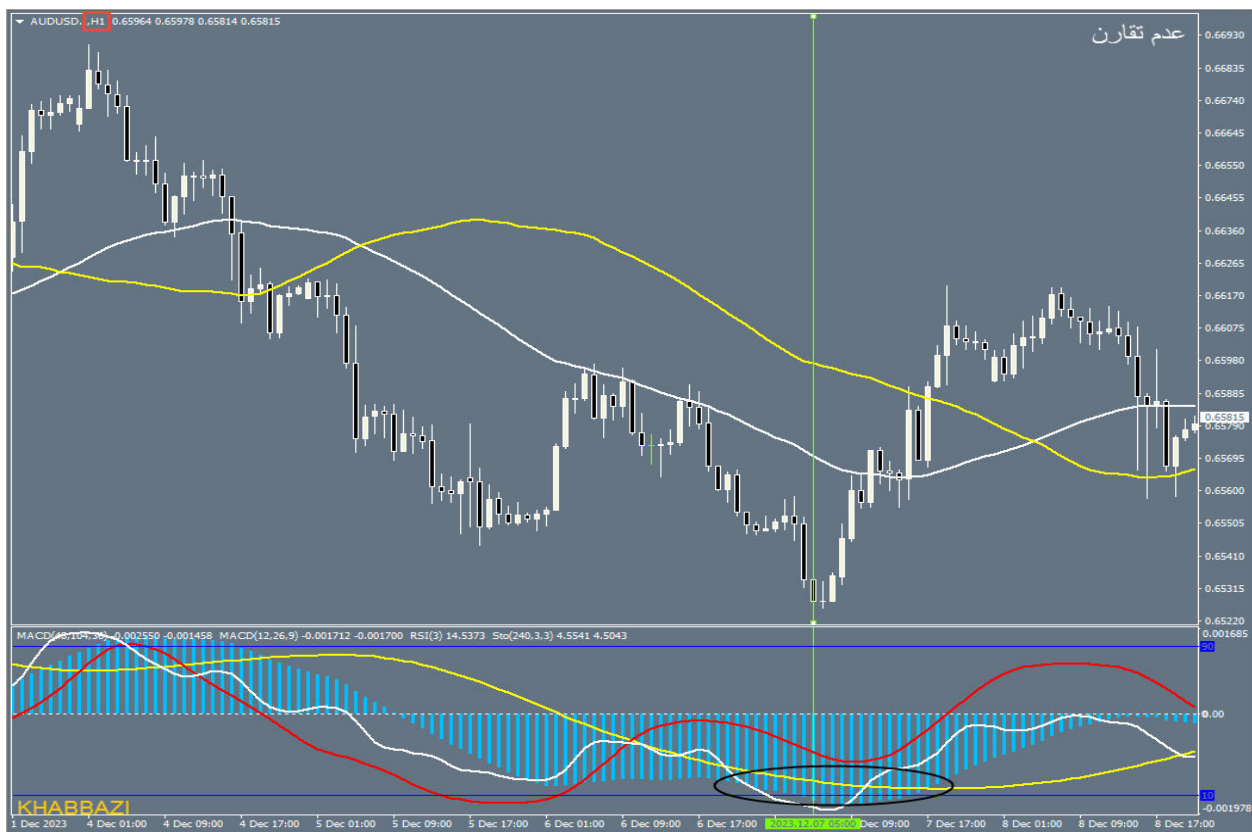
حال برای فرکتال از نوع ستایی، تایم های پایین تر، مخصوصا تایم یک شانزدهم تایم اصلی را بررسی می کنیم. مشاهده می شود که در تایم پنج دقیقه نیز ستاپ عدم تقارن برقرار است.

این تایید، که هر دو تایم با یک ستاپ (اگر چه در فاز های متفاوت، یکی استارت توازن با عدم تقارن و دیگری اتمام توازن)، حرکت در یک جهت را دلالت می کنند، اعتبار زیادی به تاج تارگت ستاپ می دهد.

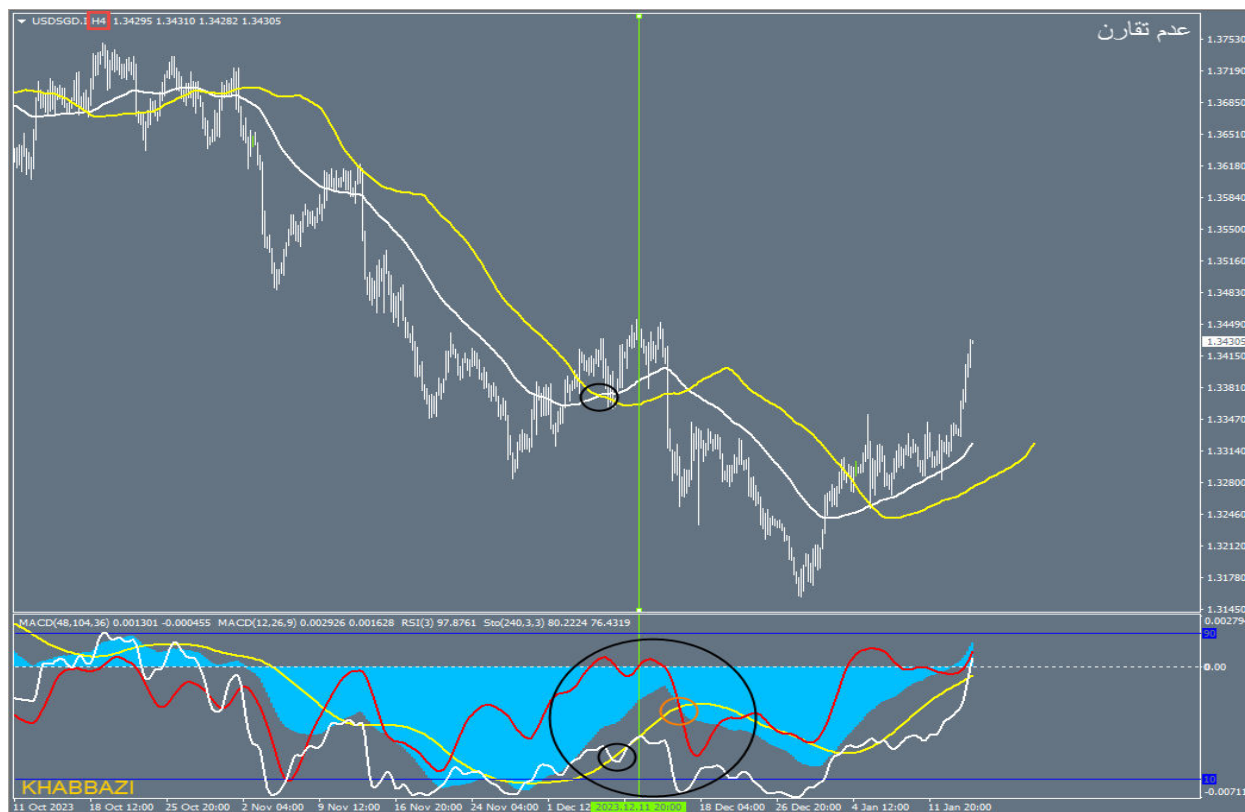


مثال سوم

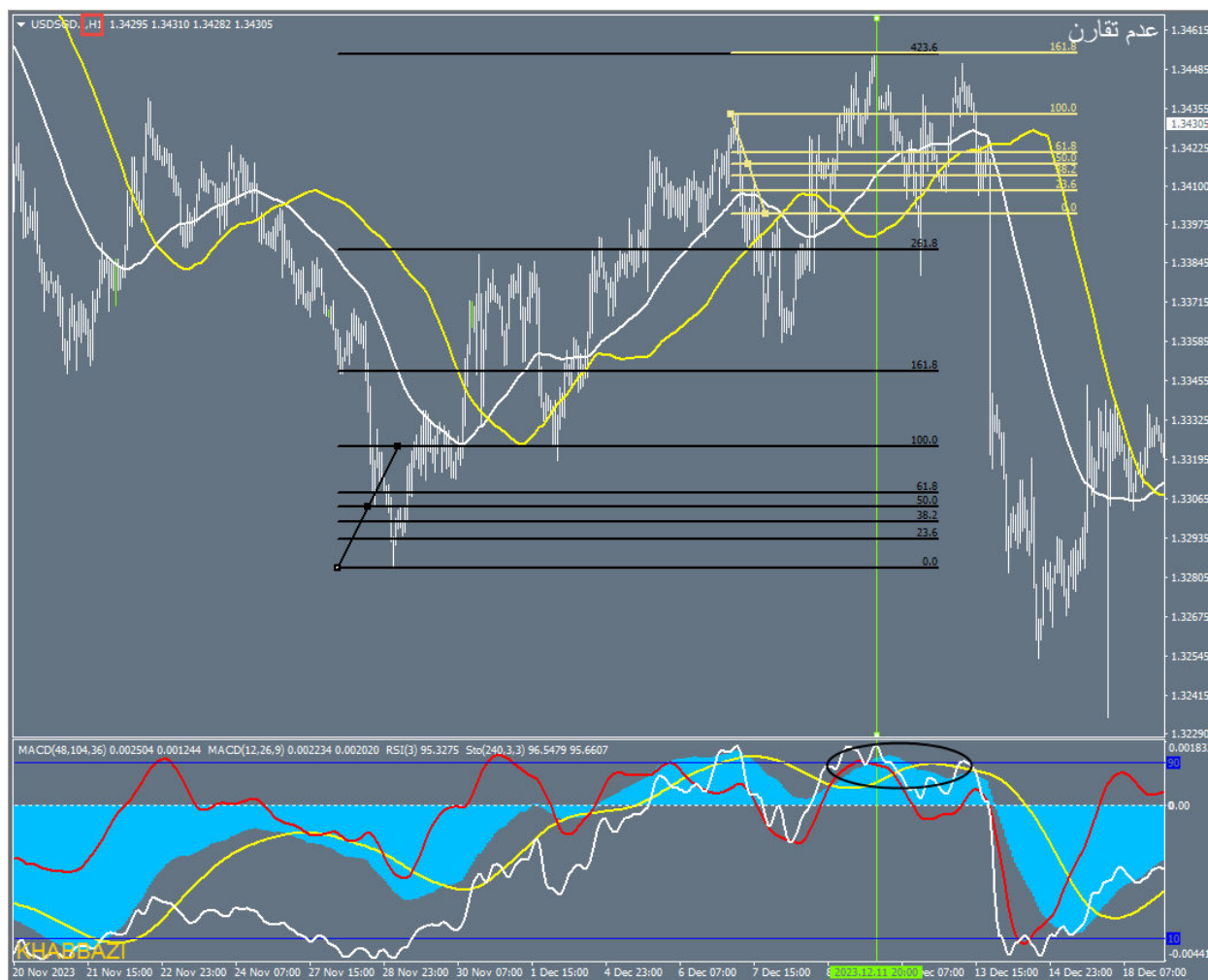




مثال چهارم



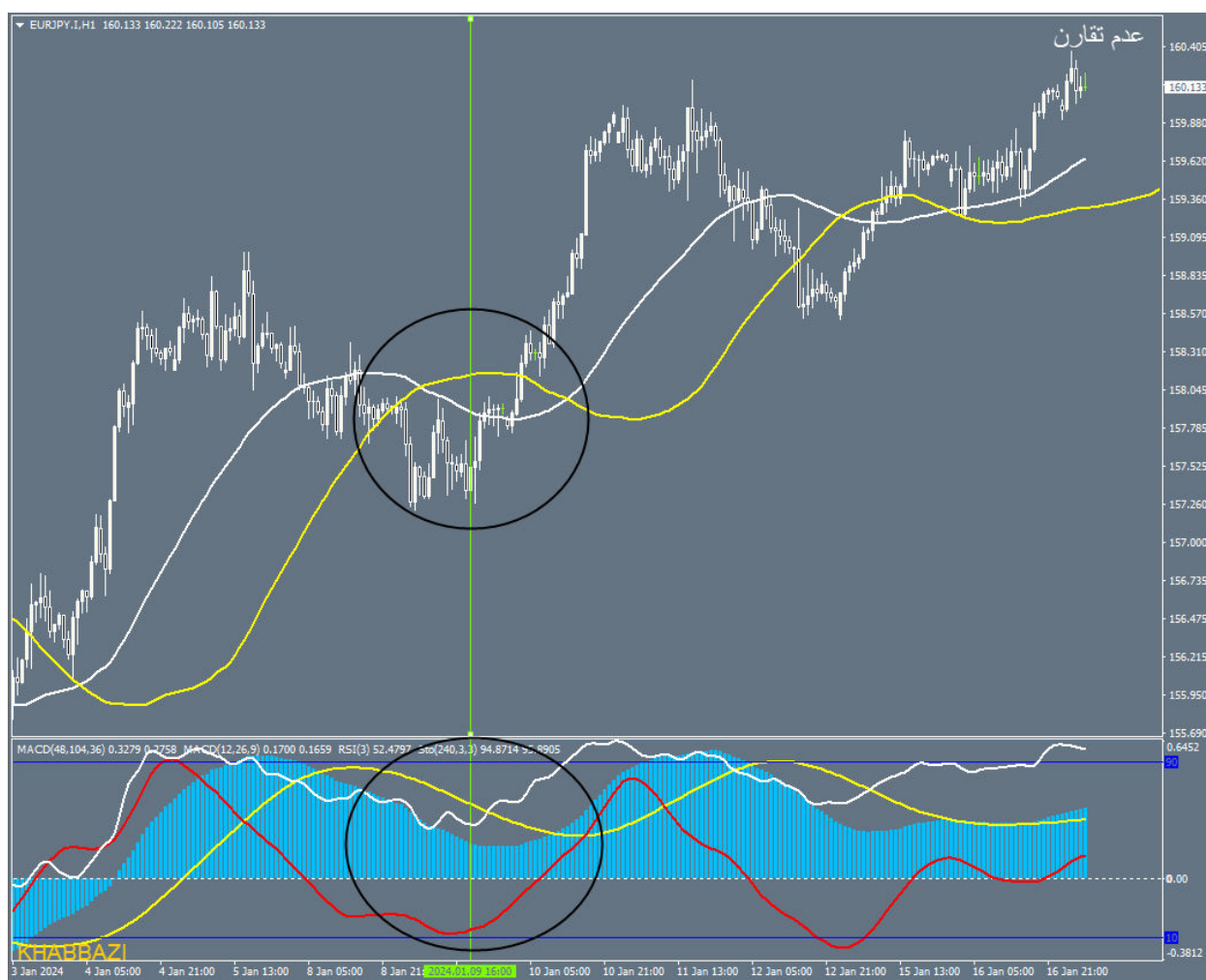
یکی بودن رالی باکس ها که منجر به تایید باکس فرکتال نیز می شود و به عنوان هم پوشانی فرکتالی از آن نام برده شد، شرط لازم نیست اما اگر همزمان با هم پوشانی تعادلی و اشباع میز اندیکاتوری که شرط لازم برای تایید قله یا دره به صورت کلی می باشد، این هم پوشانی نیز برقرار باشد؛ هم پوشانی فرکتالی برقرار است که اطمینان بیشتری به واکنش چارت به این سطح می باشد.



مثال پنجم

گاهی پذیرش یک ضرر کم و منطقی، و بیخیال از تارگت شدن، سود های خوبی را به ما می دهد. شوق روشن کردن سیستم تا شاید یک روند خوب شکار شده باشد، ارجحیت دارد به استرس روشن کردن سیستم به دلیل نگذاشتن حد ضرر و احتمال نابود شدن موجودی، اگر چه در این قمار شاید موجودی، چندین برابر شده باشد.

ریسک در سود که استارتش می تواند با همین عدم تقارن باشد که منجر به توازن می شود، به ریسک در ضرر، ارجح است. تجربه با ضرر ماندن تا کال شدن را به امید این که شاید قیمت برگردد و تریدمان با سود بسته شود، بارها و بارها چشیده ایم.

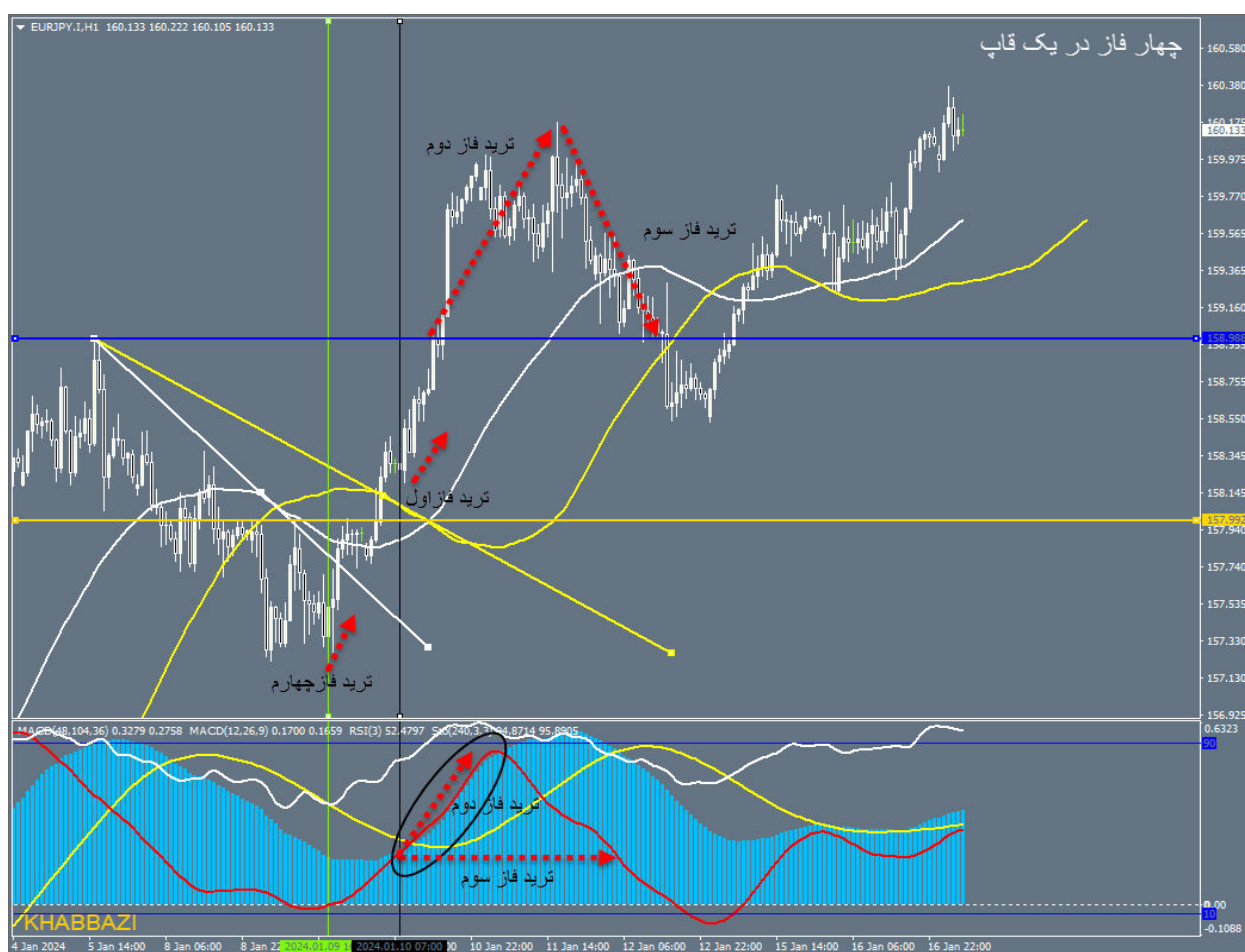


در توازن خوش فرم، معمولاً موینگ‌ها به صورت خطی می‌باشند.

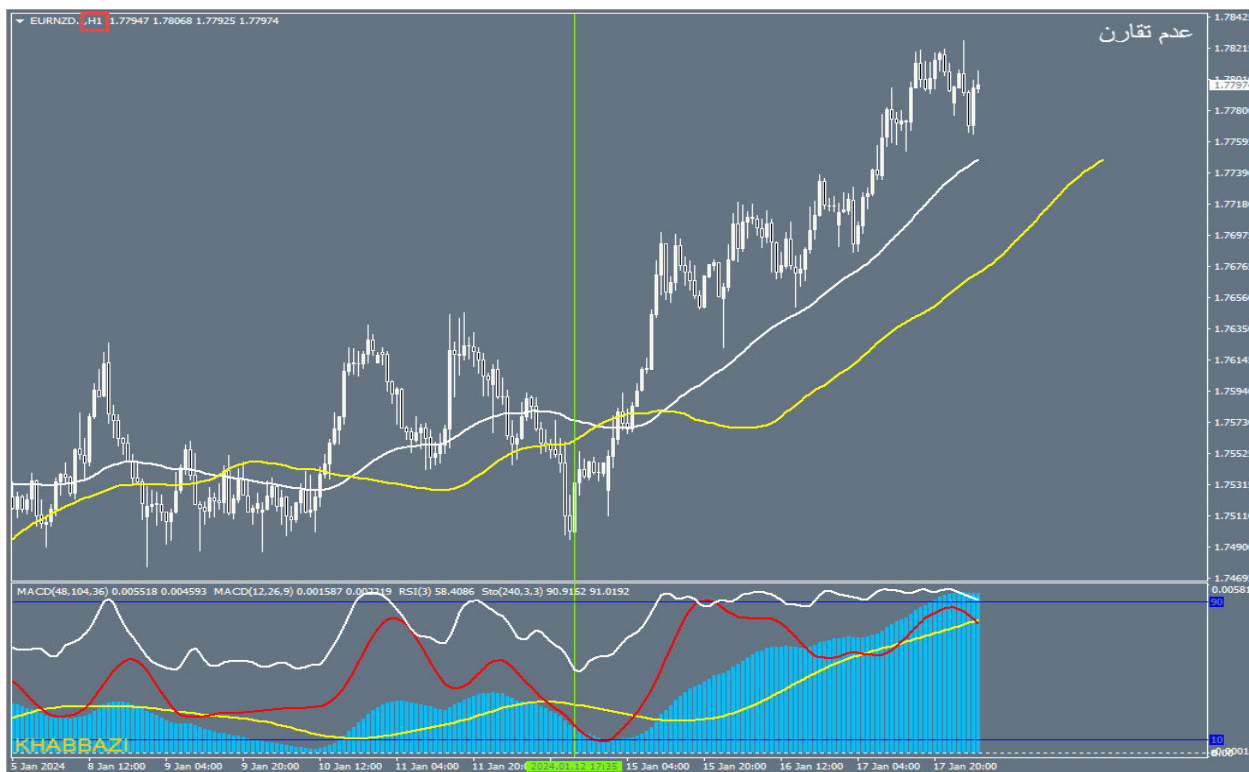
خط قرمز در میز نشانگر قیمت در چارت فرکتال یعنی تایم یک چهارم همین تایم است که بر روی هیستو (که در اصل پیش فاز خط زرد است) افتاده است (در خط عمود مشکی) و با هم در حال صعود هستند. پس تایید همزمان حرکت صعودی را با هم شکلی خط قرمز با هیستو، از دو تایم داریم.

این هم شکلی، نوید شکست محور فرکتال (خط آبی) را می‌دهد و چون این محور و محور استاتیک (خط طلایی) بعد از شکست شان پولبک نخورده اند، احتمال این پولبک نیز با ترید فاز سوم (پترن S فرکتال) زیاد می‌باشد.

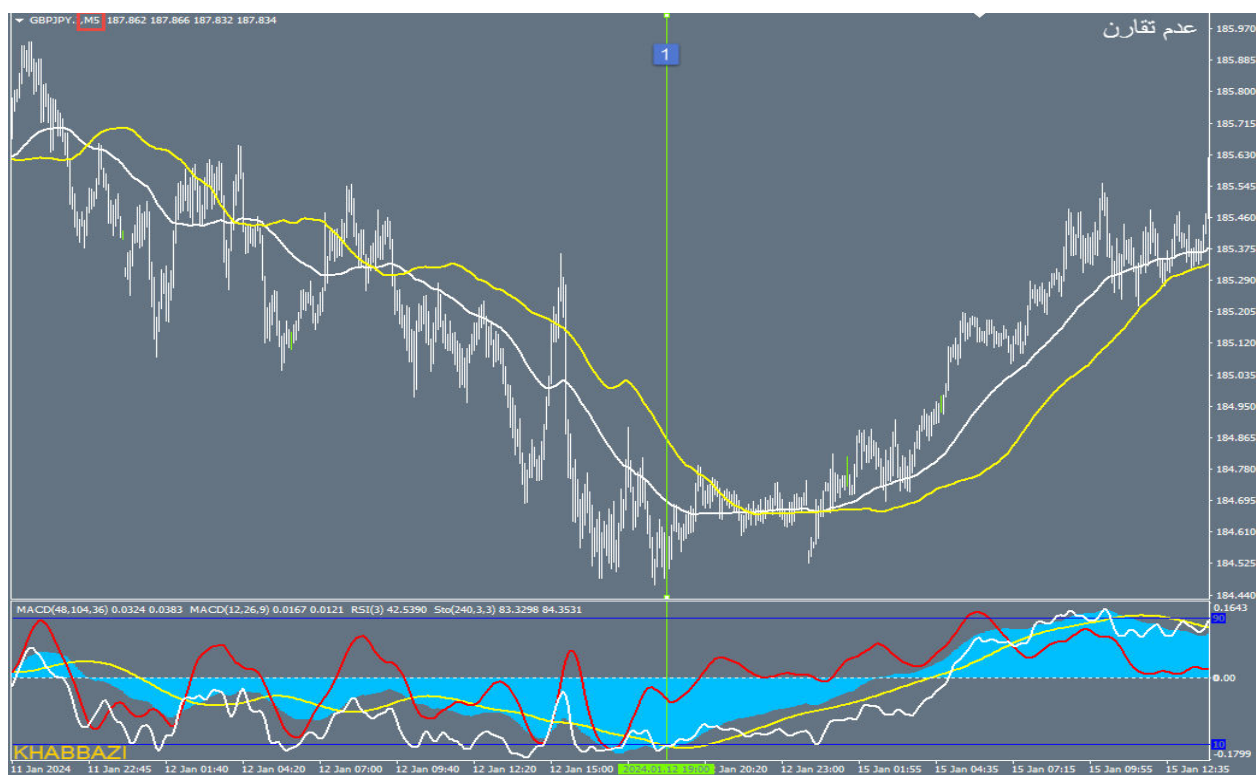
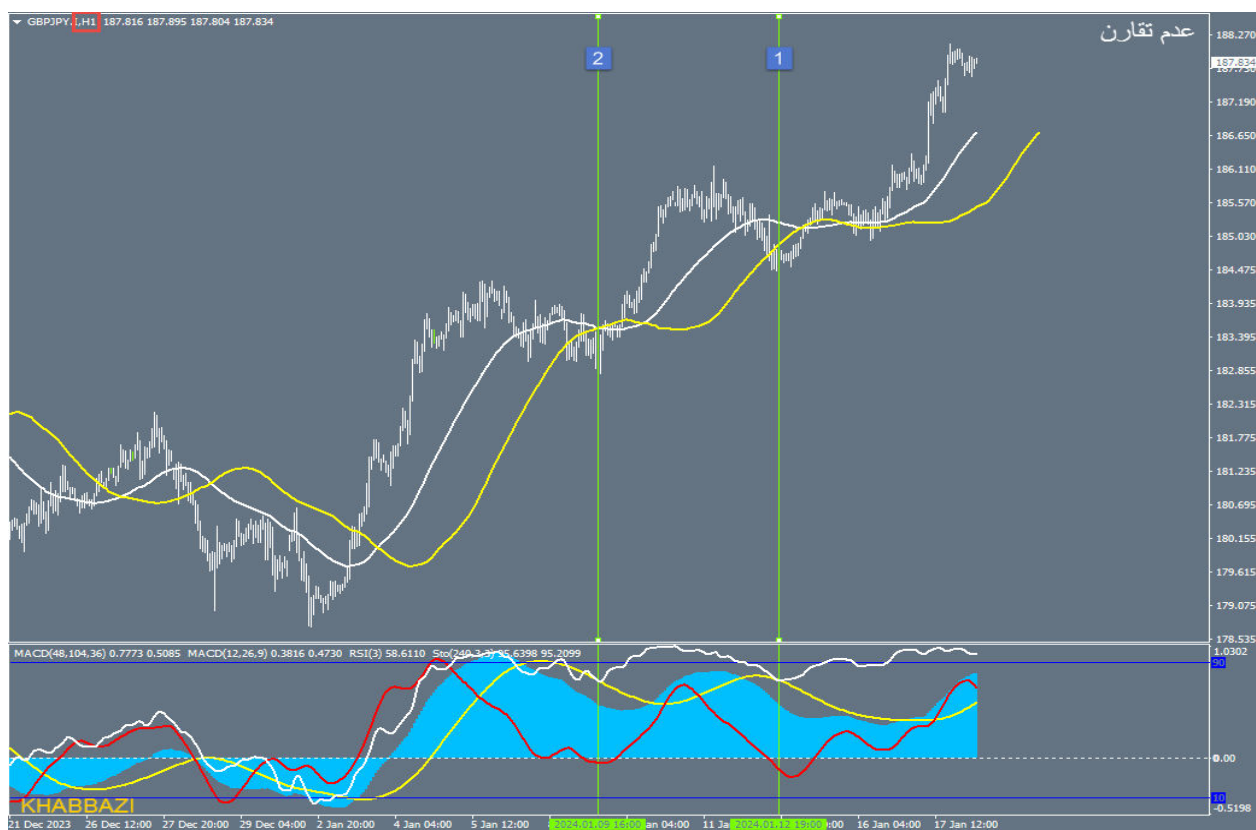
در واقع وقتی در میز قرمز به محل شروع هم شکلی اش با هیستو بر می‌گردد، قیمت در چارت به محور فرکتال برگشت می‌کند.



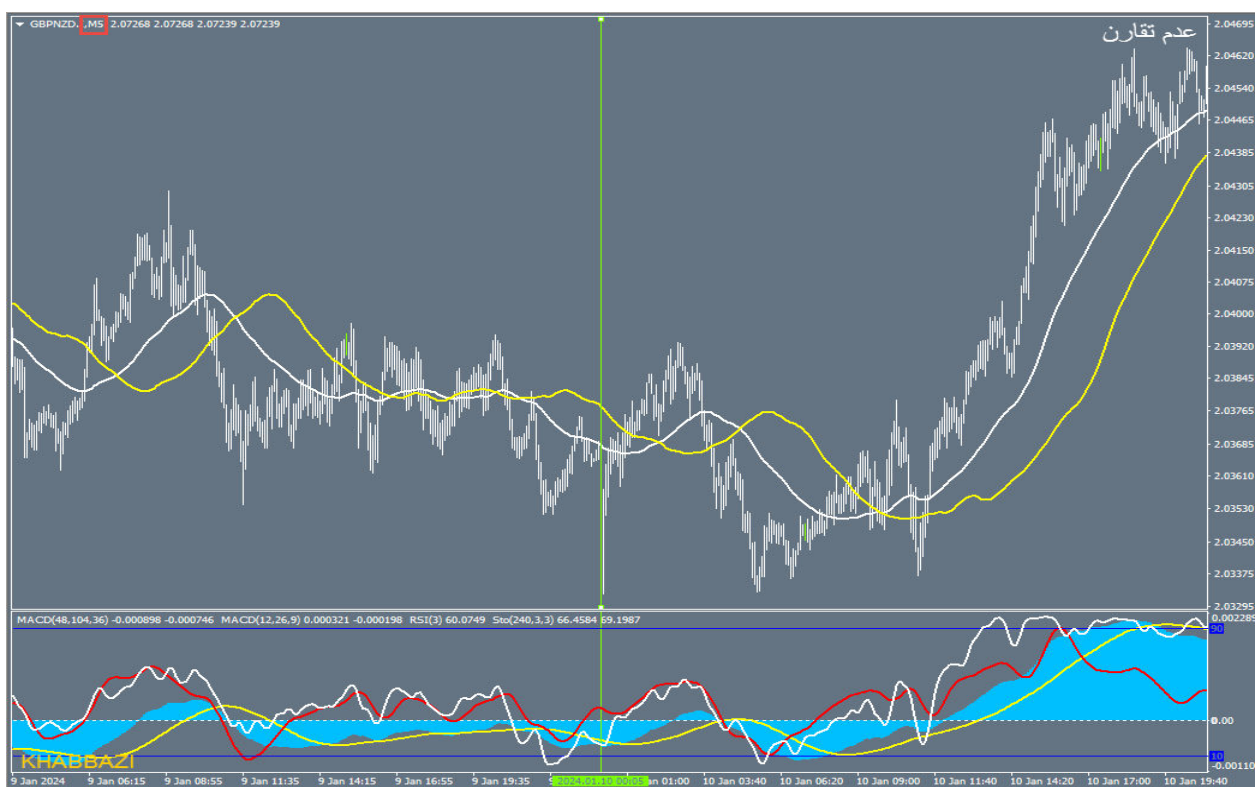
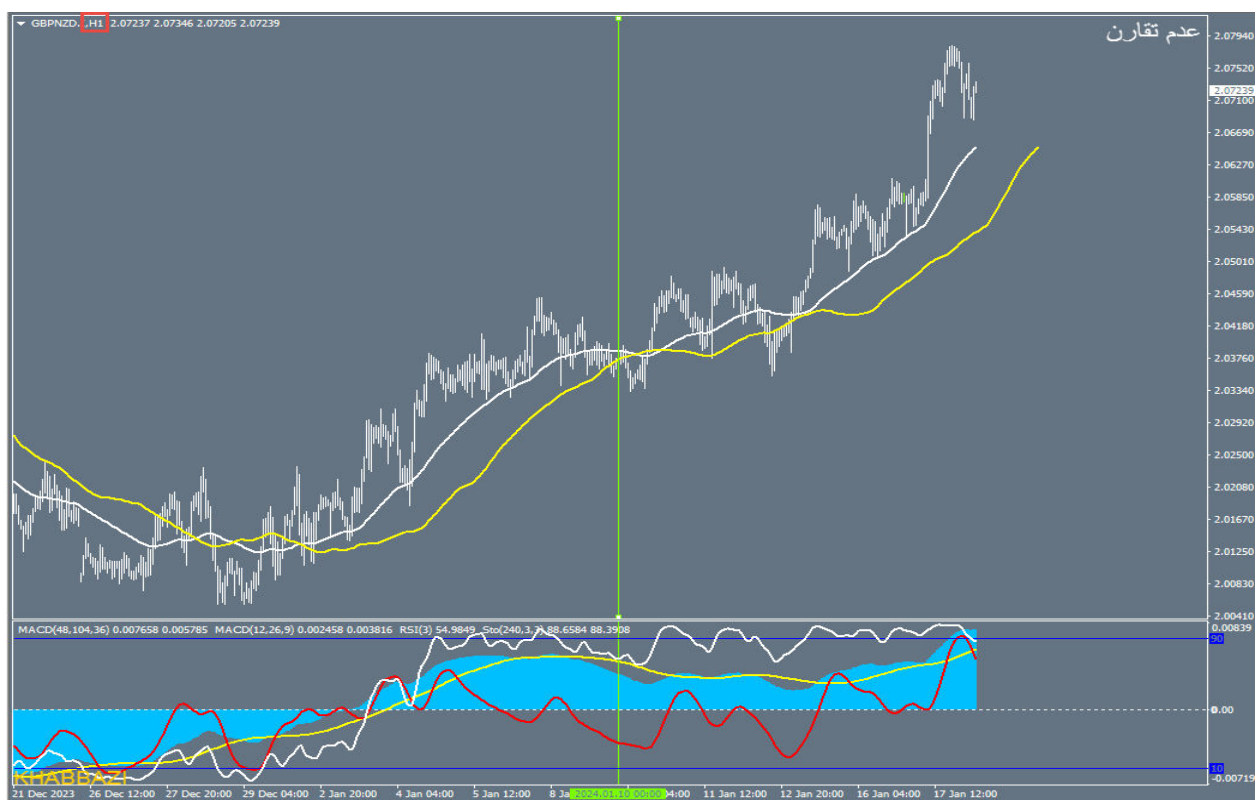
مثال ششم



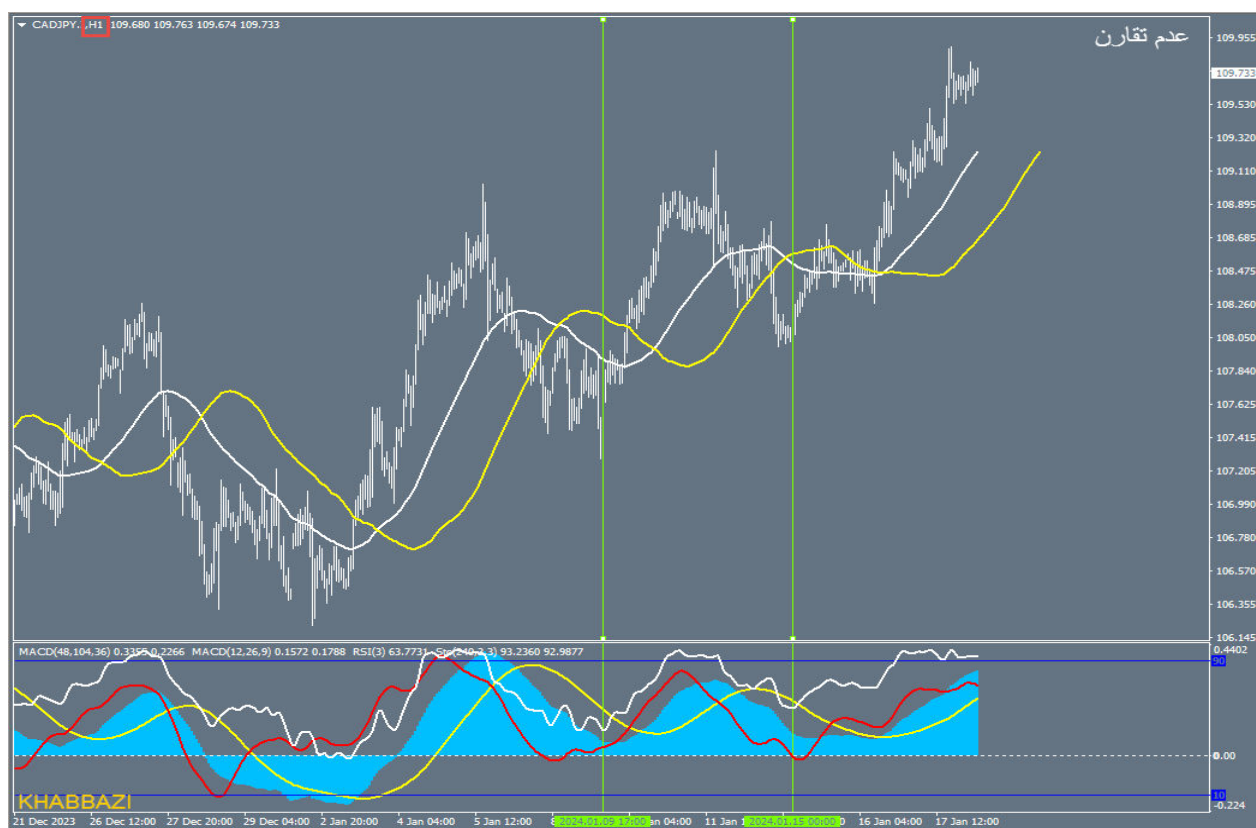
مثال هفتم



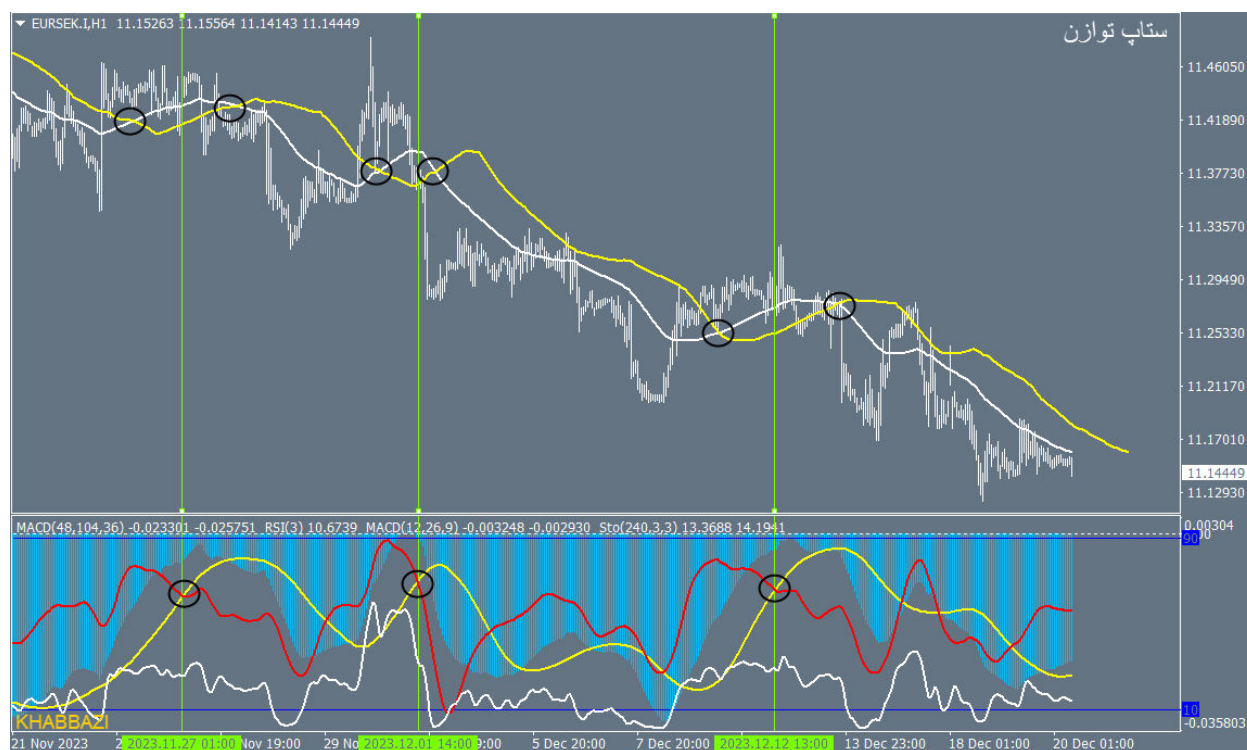
مثال هشتم



مثال نهم



مثال دهم



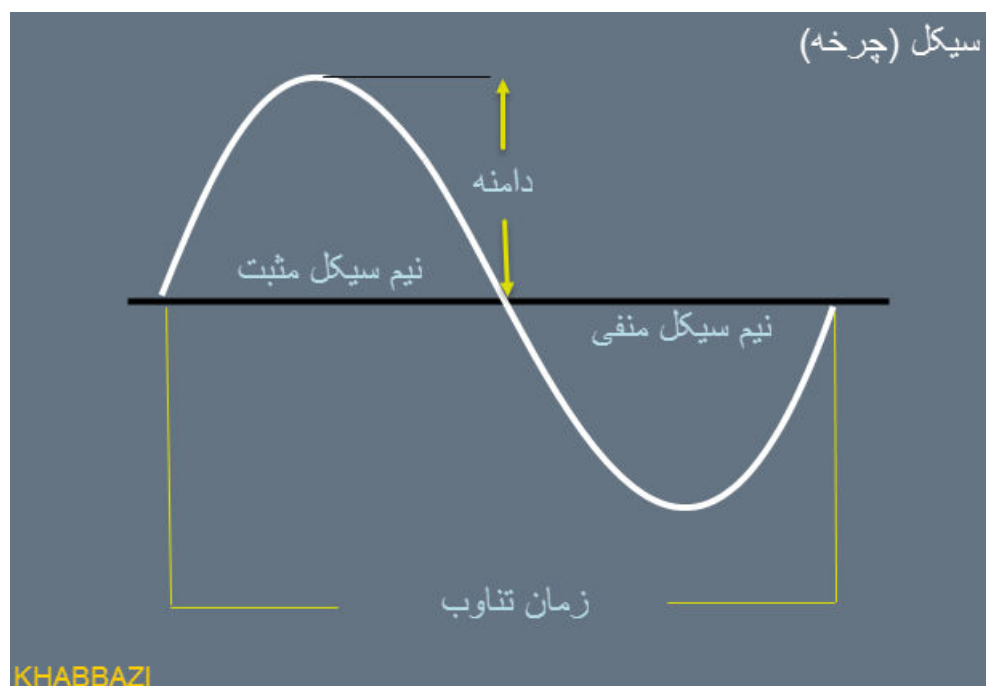
فاز پنجم

فرکتال

شکل، یک موج را با مشخصات ثابت نشان می دهد. این شکل موج مربوط به شبکه برق ایران است. حداکثر فاصله موج از محور افقی یعنی صفر را دامنه یا مقدار پیک می گویند.

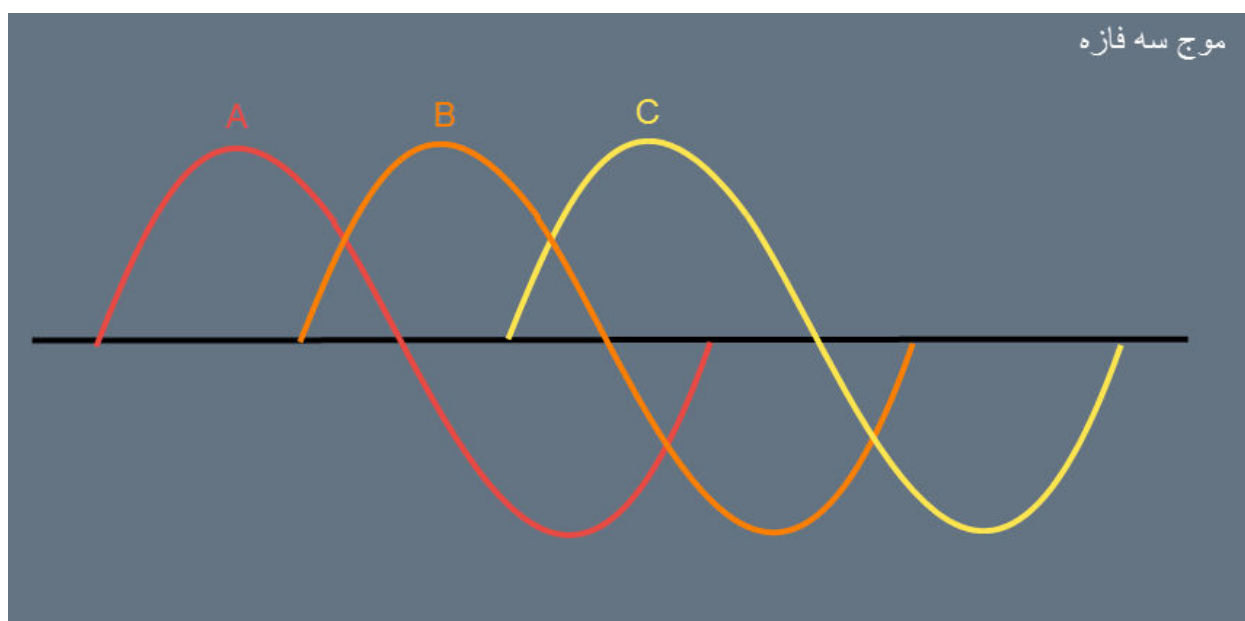
مسافت بین دو نقطه مشابه را یک سیکل می نامند. پس فاصله بین دو قله یا پیک، یک سیکل است. یا مسافتی را که موج طی می کند تا یک چرخه یا پترن S حول یک محور بسازد را یک سیکل خواهد بود. مدت زمانی که طول می کشد تا موج یک سیکل را طی کند، زمان تناوب نامیده می شود.

مشخصات تعریف شده برای موج برق همیشه ثابت است. پس مقدار و موقعیتش در هر لحظه مشخص و محدود است. اگر غیر از این بود مصرف کننده های برقی آسیب می دیدند.



اگر شبکه برق سه فازه باشد، از سه موج قبل که مشخصه های دقیقا یکسان دارند، تشکیل شده است. فقط از نظر زمانی اختلافشان **120** درجه می باشد یعنی موج دوم بعد از **120** درجه از موج اول، شروع به حرکت می کند. به این ترتیب سه موج با هم به صورت متقارن، یک محیط دوار **360** درجه را پوشش داده اند.

در این شبکه سه فازه با مشخص بودن مقدار و وضعیت یک موج، وضعیت موج های دیگر کاملا مشخص است و باز اگر به این صورت هم شکل نبودند، وسایل برقی سه فازه آسیب می دیدند.



از بازار برق به بازار فارکس بر گردیم. اگر مشخصه های موج، مانند بازار برق ثابت و مشخص باشد، بازاری (رقابتی) با توجه به ورود و خروج همزمان همه تریدرها شکل نمی گرفت.

حرکت قیمت به صورت مستقیم نیست بلکه به صوت سینوسی یا همان چرخه می باشد. در یک چرخه در بازار مالی باید تحلیل یا پیش بینی نماییم که شروع یک موج کجاست و دامنه (قیمت) آن چه مقدار خواهد بود. در بازار مالی فقط یک موج یعنی قیمت وجود دارد که آن را می توان در زمان تناوب های(تایم فریم های) متفاوت مشاهده کرد.

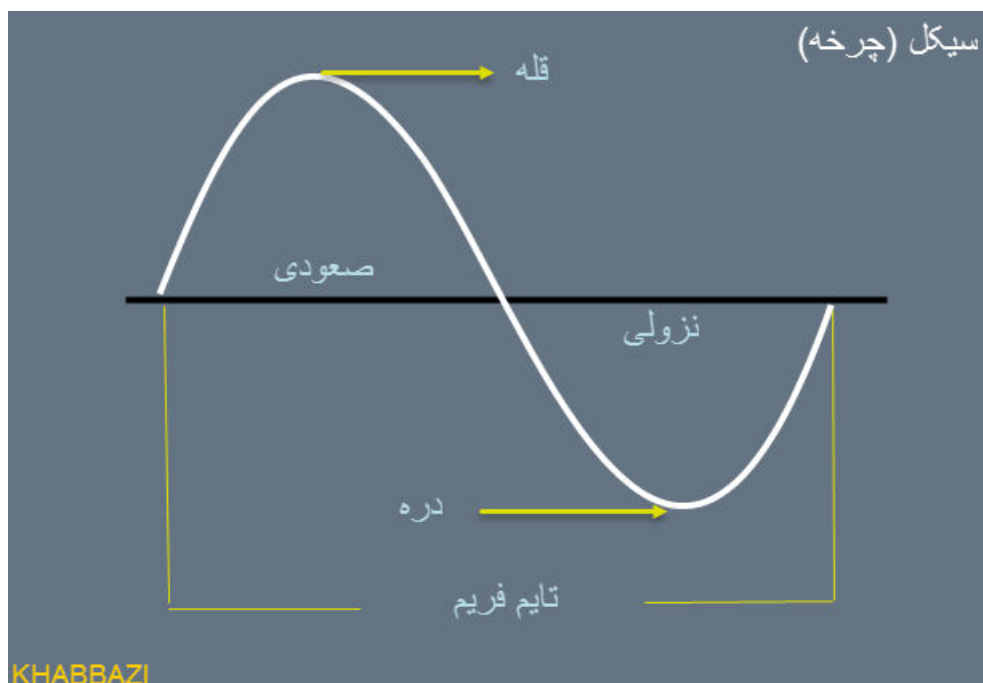
پس تایم فریم های متفاوت امکان نمایش قیمت در دامنه و سیکل های متفاوت را فراهم می کنند. اگر موج های چند تایم را همزمان بخواهیم بررسی نماییم؛ یعنی از تحلیل مولتی تایم استفاده نماییم؛ علیرغم این که همه یک هویت واحد را نشان می دهند، همیشه آنها را هم جهت یکدیگر نخواهیم دهید؛ اگر چه روند کلی قیمت مشخص باشد. پس هر تایم برای خودش تناسبات خودش را دارد و این باید در حد سود و ضرر در ترید در آن تایم لحاظ شود.

اگر چه، شروع سیکل ها، همزمان است، چون مربوط به نمایش یک ماهیت یعنی قیمت می باشند، اما این که نقطه شروع و پایان کجاست و قیمت در این بازه زمانی چه دامنه ای(مقداری) خواهد داشت را **بایدی** در کار نیست و فقط قابل تحلیل و پیش بینی است.

در تحلیل مولتی تایم، اگر فقط گام های قیمتی در تایم های متفاوت با هم اختلاف داشتند، هنگام صعودی بودن چارت، همه موج ها در هر لحظه از زمان، به صورت صعودی می بودند و این تحلیل را بسیار ساده می کرد اما چون حرکت به صورت سیکلی یعنی سینوسی و نه به صورت خط مستقیم است؛ در ابتدا این روش تحلیل برای فرد مبتدی کمی گیج کننده می باشد؛ زیرا قیمت در تایم های متفاوت، جهت های متفاوت خواهد داشت.

اما ایشان با شناخت بحث فرکتال که حالت مولتی تایم را نیز در خودش دارد؛ می تواند با هم زمانی(هم جهتی)سایکل ها ترید روندی و در غیر این صورت، ترید اصلاحی انجام دهد.

موج نشان داده شده در شکل به عنوان یک موج مستقل می تواند برای هر تایمی درست باشد و به صورت تک تایم با تناسبات خودش، مورد تحلیل و ترید قرار گیرد.



اگر موج قبل را در تایم چهار ساعته منظور نماییم، قیمت در زمان چهار ساعت توانسته است یک سیکل را طی کند و از یک نقطه که می تواند هر نقطه ای از چرخه باشد به نقطه مشابه اش برسد. مثلاً قیمت در چهار ساعت، مسافت قله تا قله بعدی را طی نموده است.

این مسافت طی شده در چهار ساعت، با چهار سیکل یا موج یک ساعته قابل نمایش می باشد؛ زیرا گام حرکتی موج یک ساعته یک چهارم گام حرکتی موج چهار ساعته می باشد. یعنی برای طی کردن مسافت مشابه مسافت موج چهار ساعته، که همان یک سیکل در تایم چهار ساعته است، موج یک ساعته باید به ازای هر سیکل یا گام چهار ساعته، چهار گام بردارد؛ یا چهار سیکل چرخش نماید.

به همین ترتیب طی این مسافت مشخص، در تایم پانزده دقیقه با شانزده چرخه خواهد بود؛ زیرا هر موج یک ساعتی شامل چهار موج پانزده دقیقه می باشد.

یک چرخه بزرگ در خودش چهار سیکل یا چرخه متوسط و یک چرخه متوسط در خودش چهار سیکل یا چرخه کوچک را در بر گرفته است. مثل دقیقه شمار ساعت که شصت چرخه یا سیکل ثانیه شمار را در خودش دارد. این همان مفهوم فرکتال می باشد.

در همین راستا می توان گفت یک کندل چهار ساعته در خودش چهار کندل یک ساعته یا شانزده کندل پانزده دقیقه را جای داده است. این می تواند مفهوم **فرکتال کندلی** باشد. یعنی در یک جزء بزرگ مثلا باکس یا کندل، دقیقا چهار جزء کوچک و مشابه وجود دارد.

می شود چارت(تایم) را کوچک تر نمود و از **فرکتال الگویی** استفاده نمود. زیرا تعداد کندل ها در یک زمان مشخص به علت کوچک تر شدن تایم نمایش، بیشتر شده و می توانند تشکیل الگو یا حالت خاص را بدهند؛ که این الگو همزمان نیز در تایم های دیگر بر قرار باشد. از جمله فرکتال الگویی، می تواند وجود الگوی مثلث زمان در دو تایم فرکتال باشد.

به صورت کلی برای تایم های اصلی که شامل هفتگی، روزانه، چهار ساعته و یک ساعته می باشند تایم فرکتال را به ترتیب چهار ساعته، یک ساعته، پانزده دقیقه و پنج دقیقه منظور می کنند و هر چه اختلاف تایم اصلی با تایم فرکتال بیشتر باشد، فرد مبتدی با آن راحت تر خواهد بود.

در سبک تعادل :

اولا، به جای نیم سیکل، مجموع نیم سیکل مثبت و منفی، یک سایکل منظور می شود چون بیس سبک، محورها(استاتیک-فرکتال-دینامیک-هیستو) و چرخش قیمت به حول آنها می باشد.

دوما، تایم ها با نسبت ثابت و مشخص یعنی چهار برابری، برای فرکتال منظور شده اند تا گذشته از فرکتال ستاپی، در سه تایم اصلی(چهار ساعته) و فرکتال(یک ساعته) و فرکتال تایم فرکتال(پانزده دقیقه)، ستاپ های متفاوت اما با یک جهت و تارگت، اطمینال بیشتری به تحلیل ما بدهد. برای این منظور از اصطلاح **فرکتال زمانی** استفاده شده است.

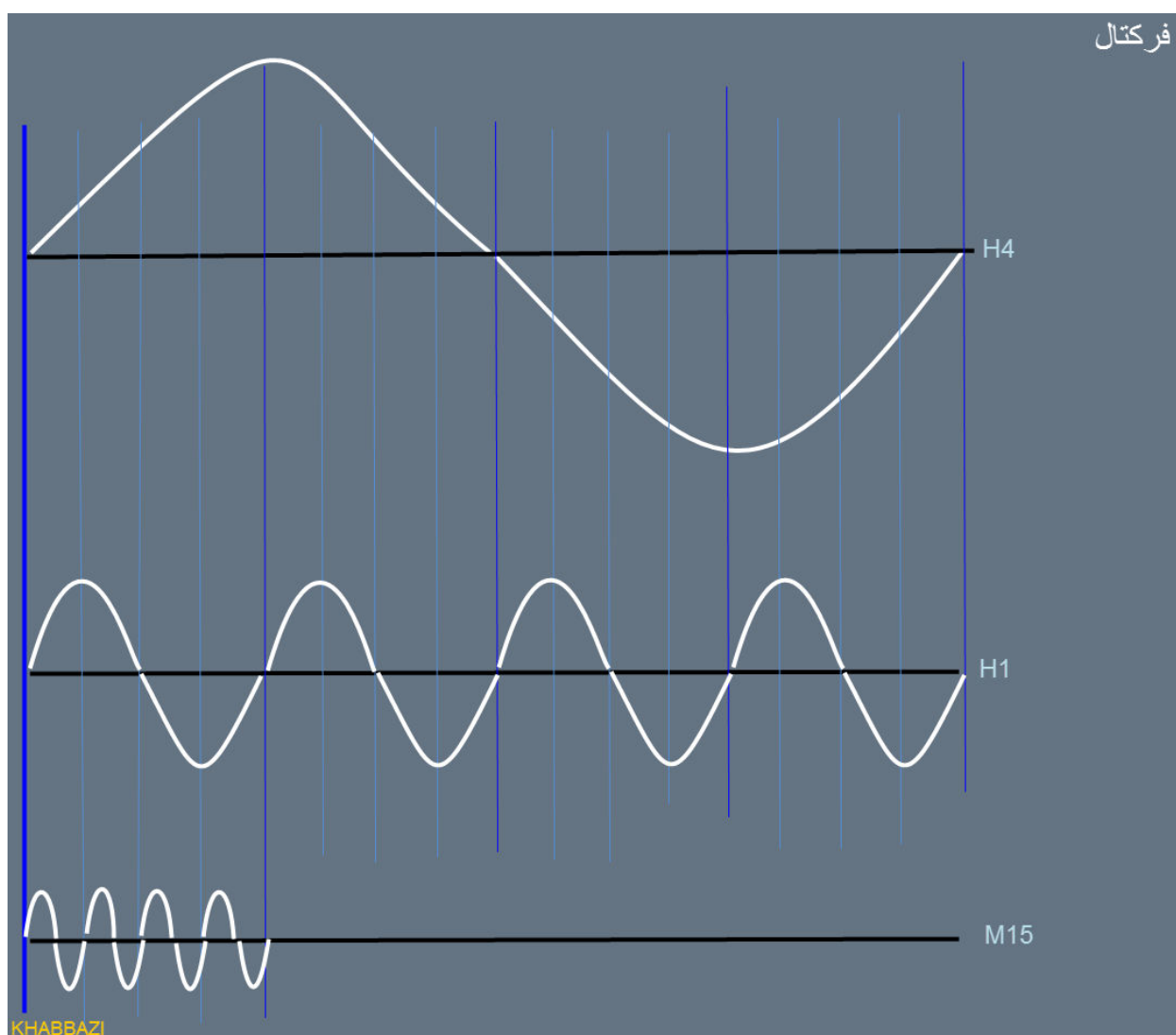
در واقع در فرکتال الگویی دقیقا همان قالبی که چارت در تایم اصلی دارد را در تایم فرکتالش به تناسب تایم مربوطه، به خود می گیرد. اما در فرکتال زمانی الگوها یا ستاپ ها اگر چه می توانند متفاوت باشند، اما همه به یک جهت و تارگت اشاره می کنند.

یک مثال برای فرکتال زمانی به این صورت بارها تکرار می شود که هم زمان در تایم چهار ساعته تاج فلت به علت هم زمانی چرخه ها، در تایم یک ساعته تشکیل پترن تراز هیستو و در تایم پانزده دقیقه تشکیل پترن استاتیک، همه اشاره به رسیدن قیمت به یک سطح را دارند. یعنی فلت تایم چهار ساعته همان تحلیل را به تحلیل گر القاء می کند که محور هیستو در تایم یک ساعته و یا محور تعادل استاتیک، در تایم پانزده دقیقه القاء می کند و این تفاوت فرکتال زمانی با مولتی تایم را نشان می دهد.

در واقع در فرکتال زمانی با مشاهده یک موقعیت در تایم یک ساعته می توانیم حدس بزنیم در تایم چهار ساعته و در تایم پانزده دقیقه چارت به چه صورت می باشد؛ یعنی چه ستاپ هایی در آن تایم ها، برقرار است و فقط در این جابجایی تایم ها، سطح مورد نظر، قالب و نام متفاوت (محور استاتیک یا محور هیستو...) به خود می گیرد.

فرکتال زمانی اشاره به هم زمانی ستاپ های خاص که می توانند یکسان یا متفاوت باشند در تایم های با نسبت خاص اما یکسان دارد.

شکل، حرکت هم زمان قیمت در سه تایم که به نسبت یک چهارم یکدیگر می باشند را به صورت مستقل، نشان داده است.



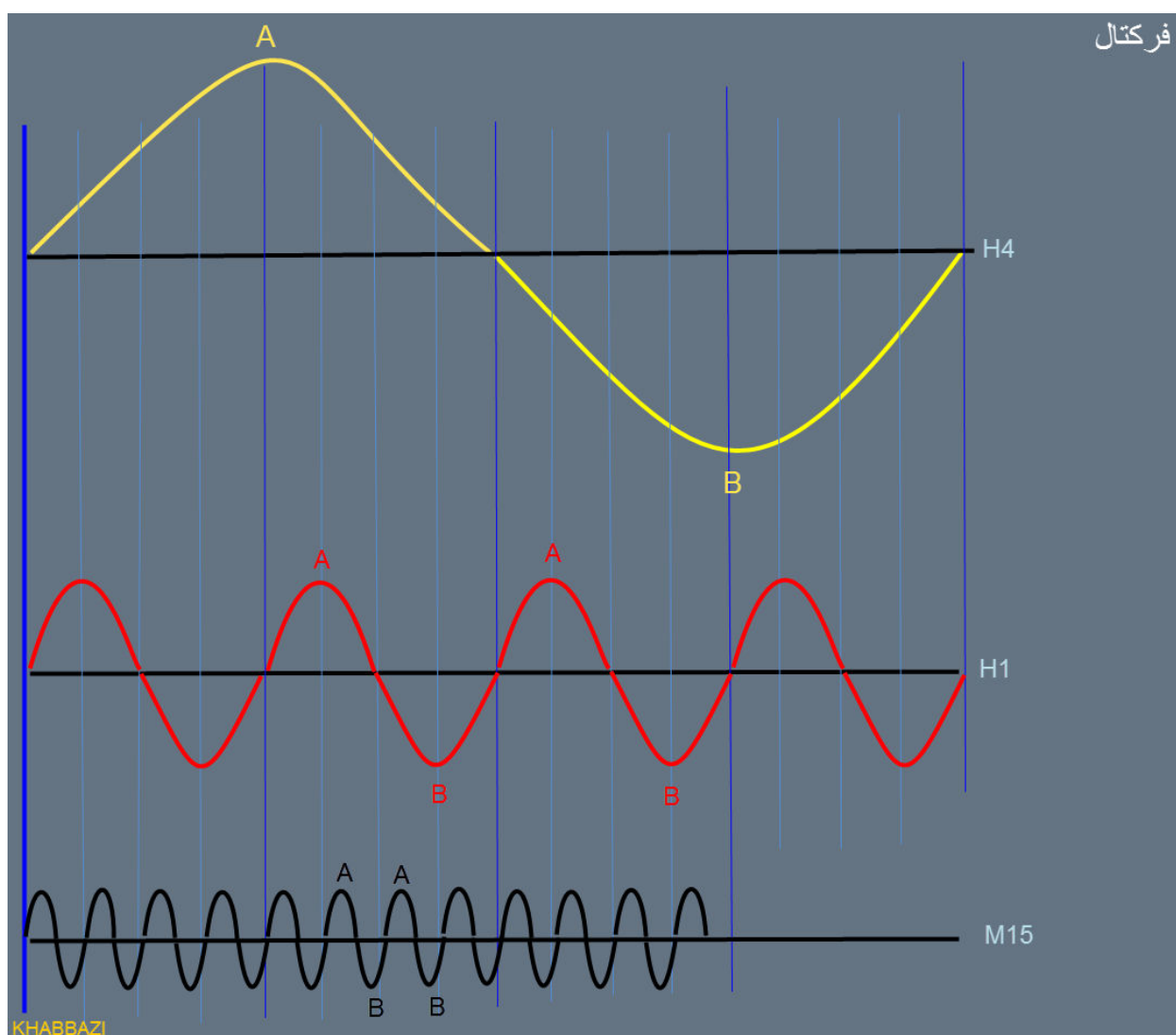
متناظر با حرکت موج در تایم چهار ساعته از قله به دره که با **A** و **B** نشان داده شده است؛ دو حرکت یا رالی در تایم یک چهارم آن یعنی یک ساعته از نقطه **A** تا نقطه **B** خواهد بود.

و به همین منوال به ازای حرکت موج در تایم یک ساعته از قله به دره که با **A** تا **B** نشان داده شده است؛ دو حرکت در تایم یک چهارم آن یعنی پانزده دقیقه از نقطه **A** تا نقطه **B** انجام خواهد شد.

چیدمان میز اندیکاتوری در سبک تعادل به این صورت است که در چارت مربوط به تایم چهار ساعته (خط زرد)، حرکت قیمت را در چارت یک ساعته (خط قرمز) و پانزده دقیقه (خط مشکی)، می توان به صورت هم زمان یعنی بدون تغییر تایم فریم، مشاهده نمود.

در میز اندیکاتوری به ازای حرکت موج زرد از تراز 90 از RSI به تراز 10، یا بالعکس،
موج قرمز دو بار این مسیر را طی خواهد نمود.

در میز اندیکاتوری به ازای حرکت موج قرمز از تراز 90 از RSI به تراز 10، یا بالعکس،
موج مشکی دو بار این مسیر را طی خواهد نمود.



خاصیت مولتی تایم بودن میز، این ذهنیت را به بیننده می دهد که قیمت هم زمان در همه تایم ها با تناسب خودش حرکت می کند.

مانند نمایش زمان توسط ساعت، که چرخش واحد کوچک زمان(ثانیه) را به دور واحد بزرگ تر (دقیقه) و هر دو به دور ساعت شمار را شاهد هستیم.

در شکل بعد نیز، مشکی که نماینده تایم یک شانزدهمی تایم اصلی است به دور قرمز که نماینده قیمت در تایم یک چهارمی تایم اصلی است و هر دو به دور خط زرد که نماینده تایم اصلی است، می چرخند.

نمایش یک حرکت مشخص توسط ثانیه شمار یا تایم فریم پایین، نسبت به دقیقه شمار یا تایم فریم بالاتر، به علت گام زمانی کوچک تر، با جلوه بیشتری خواهد بود.

اگر ساعتی امکان نمایش عقربه وار زمان های 1 و 5 و 10 ثانیه را داشته باشد، همه این عقربه ها در یک جهت(راستگرد) حرکت می کنند؛ تناسب خودشان را دارند.

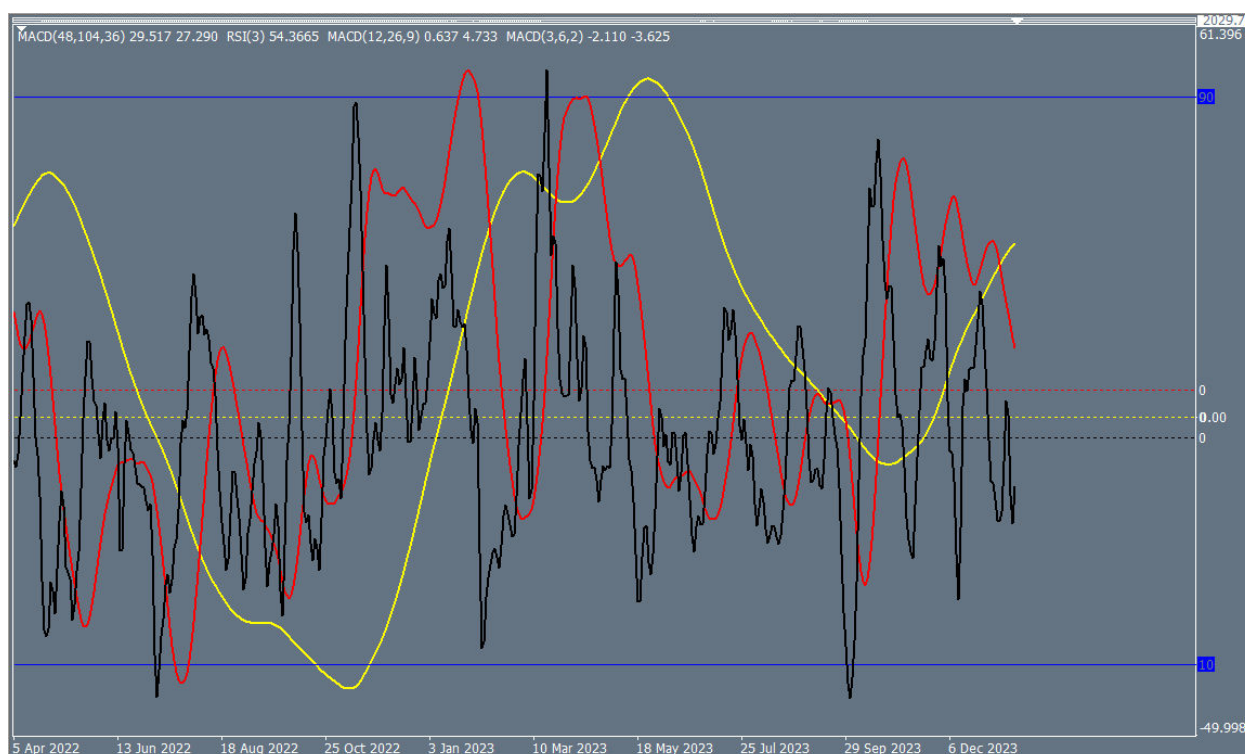
وقتی هم زمان به عقربه ها نگاه می کنیم با توجه به حرکت دایره وار یا سیکلی آنها و این که این سیکل و در نتیجه گام های حرکتی با هم برابر نیستند؛ همیشه، همه عقربه ها، در یک جهت نیستند.

شاید در آن لحظه یکی به سمت پایین و دیگری به سمت بالا در حال حرکت باشد؛ اگر چه همه به صورت دقیق و با تناسب درست، زمان را نشان می دهند.

در آن لحظاتی که عقربه ها هم جهت هستند(هم زمانی چرخه ها- هم شکلی هیستو) دید واحدی از چرخش زمان را نشان می دهند.

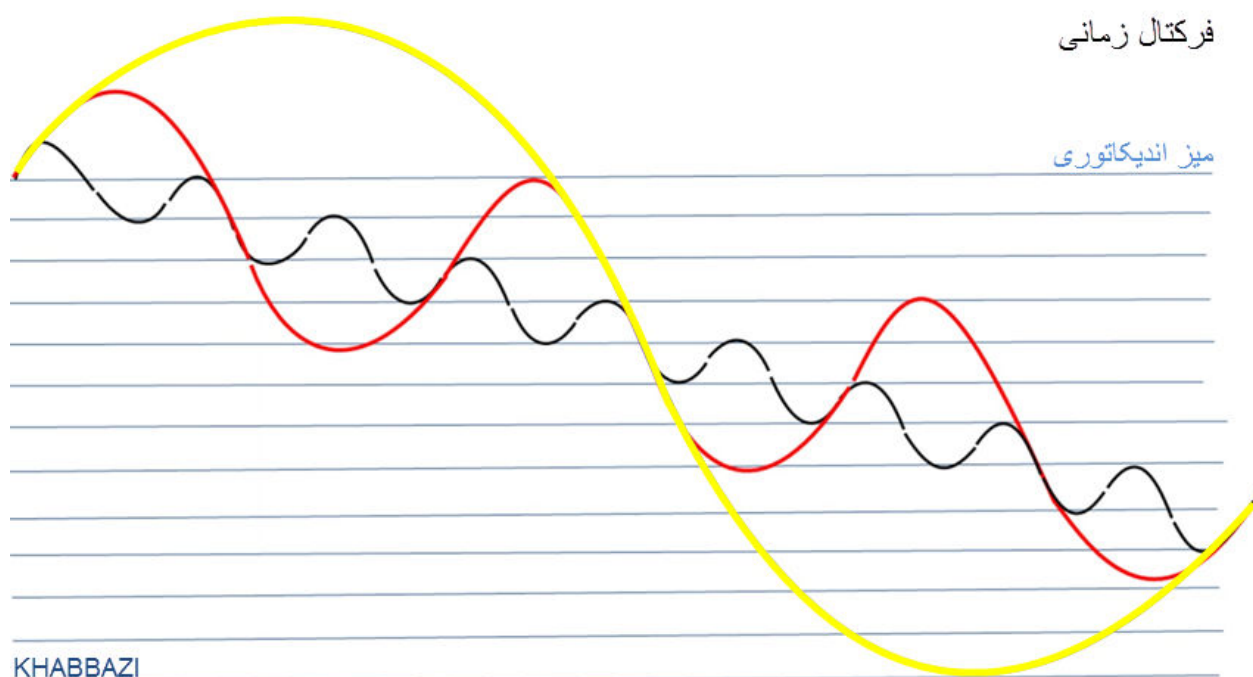
اگر شکل، مربوط به تایم چهار ساعته باشد، خط زرد معادل قیمت در همین تایم، خط قرمز معادل قیمت در تایم یک ساعته و خط مشکی مربوط به قیمت در تایم یک شانزدهمی تایم اصلی خواهد بود.

خط زرد را تایم اصلی(ساعت شمار) و خط قرمز را تایم فرکتال(دقیقه شمار) و خط مشکی را فرکتال تایم فرکتال(ثانیه شمار) می نامیم.



با توجه به ذهنیتی که از چرخه (پترن S) فرکتال در ستاپ توازن دارید و بارها مشاهده کرده اید که در یک حرکت روند دار، ستاپ توازن و در نتیجه این چرخه ها به صورت متوالی در یک جهت تکرار می شوند، و این که یک چرخه چهار ساعته چهار سیکل یا چرخه تک ساعته را در خودش جای داده است، با شکل بعد، نباید غریبه باشید.

بهترین زمان ترید در هم زمانی سیکل ها می باشد.



دامنه موج یعنی مقدار **A** تا **B** را با تراز **90** و **10** از اندیکاتور **RSI** نشان می دهیم. دقت شود این تراز بندی فقط از منظر بصری و نامگذاری می باشد.

زیرا در خیلی از مواقع که مکدی ها این تراز را رد می کنند؛ بعد از مدتی خواهیم دید از تراز فاصله گرفته اند(نرسیده اند به آن).

و یا بر عکس حالت قبل، میز در اشباع است اما مکدی ها به تراز **10** یا **90** نزدیک نیز نشده اند.

علت این است که در میز به دره یا قله فرکتال و پایین تر از آن در تایم اصلی نگاه می کنیم که بین این دو تناسب خاص و ثابتی از نظر قیمت وجود ندارد.

با این ذهنیت که قیمت وقتی در تایم چهار ساعته مسافت تراز **90** تا تراز **10** یا بر عکس را طی می کند؛ هم زمان موج یک ساعته دو بار این مسافت را در تایم خودش طی خواهد کرد؛ می توان ترید های بعد را انجام داد. به عبارت بهتر می توان گفت یک رالی در تایم چهار ساعته با دو رالی در تایم یک ساعته قابل نمایش است. در فاز قبل، یعنی توازن، برای کاهش ریسک سعی در ترید برای رالی دوم داشتیم که بعد از اصلاح قیمت که در پایان رالی اول صورت می گرفت، در جهت روند، ورود می کردیم.

در فاز نخست، با استفاده از اندیکاتور(فقط دو موینگ با شرط یک محور)، این سطح مهم برای فرد مبتدی بدون این که درگیر موارد پرایسی(قله و دره) یا فرکتالی(هم زمانی چرخه ها) یا ایچی(پیش بینی کومو فیک و کراس برابری) شود؛ به راحتی قابل تشخیص بود. در این فاز با توجه به تجربه ای که از بازار کسب کرده اید، در ابتدا سعی در ورود از رالی اول را داریم و در ادامه، حتی ترید اصلاحی نیز قابل انجام می باشد و سپس به رالی دوم که شروع ستاپ توازن و ترید های چهار فاز قبلی بود؛ می رسم.

اگر چه ستاپ توازن به عنوان ستاپ اصلی پلن تعریف شده است تا همه ستاپ ها و مطالب در یک ستاپ جمع شده و در ذهن شما ساختار منسجم به آنها داده شود؛ اما مسلماً در پایان، علاقه، تجربه، مهارت، زمان، سرمایه... ملاک شخصی سازی شما خواهد بود.

برای ورود از کف

– خط زرد در تایم چهار ساعته وقتی در تراز **10** از **RSI** است؛ نشان از این دارد که قیمت در دره است.

قیمت می تواند از دره برگشت نماید یا این دره شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی در چارت تبدیل شود و قیمت ادامه ریزش دهد تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری اش یعنی شانزده ساعته به تراز **10** برسد و سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن **S** را می دهند.

– خط قرمز در تایم چهار ساعته وقتی در تراز **10** از **RSI** است؛ نشان از این دارد که قیمت در تایم یک چهارم آن، یعنی تایم یک ساعته در دره است. یعنی در تایم یک ساعته اندیکاتور زرد در تراز **10** می باشد.

قیمت می تواند از دره برگشت نماید یا این دره شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی در چارت تبدیل شود و قیمت ادامه ریزش دهد تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری اش یعنی چهار ساعته به تراز **10** برسد و سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن **S** را می دهند.

– خط مشکی در تایم چهار ساعته وقتی در تراز **10** از **RSI** است؛ نشان از این دارد که قیمت در تایم یک شانزدهم آن یعنی تایم پانزده دقیقه در دره است یعنی در تایم پانزده دقیقه اندیکاتور زرد در تراز **10** است.

قیمت می تواند از دره برگشت نماید یا این دره شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی تبدیل شود و قیمت ادامه ریزش دهد تا اندیکاتور زرد در تایم

چهار برابری آن یعنی تایم یک ساعته به تراز 10 از RSI برسد سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن S را می دهند.

برای ورود از سقف :

_ خط زرد در تایم چهار ساعته وقتی در تراز 90 از RSI است؛ نشان از این دارد که قیمت در قله است.

از این قله، قیمت می تواند برگشت نماید یا این قله شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی تبدیل شود و قیمت ادامه صعود دهد تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری اش یعنی شانزده ساعته به تراز 90 برسد و سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن S را می دهند.

_ خط قرمز در تایم چهار ساعته وقتی در تراز 90 از RSI است؛ نشان از این دارد که قیمت در تایم یک چهارم آن یعنی تایم یک ساعته در قله است؛ یعنی در تایم یک ساعته اندیکاتور زرد در تراز 90 می باشد.

از این قله، قیمت می تواند برگشت نماید یا این قله شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی تبدیل شود و قیمت ادامه صعود دهد تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری اش یعنی چهار ساعته به تراز 90 برسد و سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن S را می دهند.

_ خط مشکی در تایم چهار ساعته وقتی در تراز **90** از **RSI** است؛ نشان از این دارد که قیمت در تایم یک شانزدهم آن یعنی پانزده دقیقه در قله است؛ یعنی در تایم پانزده دقیقه اندیکاتور زرد در تراز **90** است.

از این قله، قیمت می تواند برگشت نماید یا این قله شکسته شود و سطح قیمتی معادل آن به سطح پرایسی تبدیل شود و قیمت ادامه صعود دهد تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری اش یعنی یک ساعته به تراز **90** از **RSI** برسد و سپس از آنجا قیمت به آن سطح پرایسی شکسته شده، برگردد.

این یعنی دو ترید متوالی با ورود و خروج مشخص که تشکیل یک پترن **S** را می دهند.

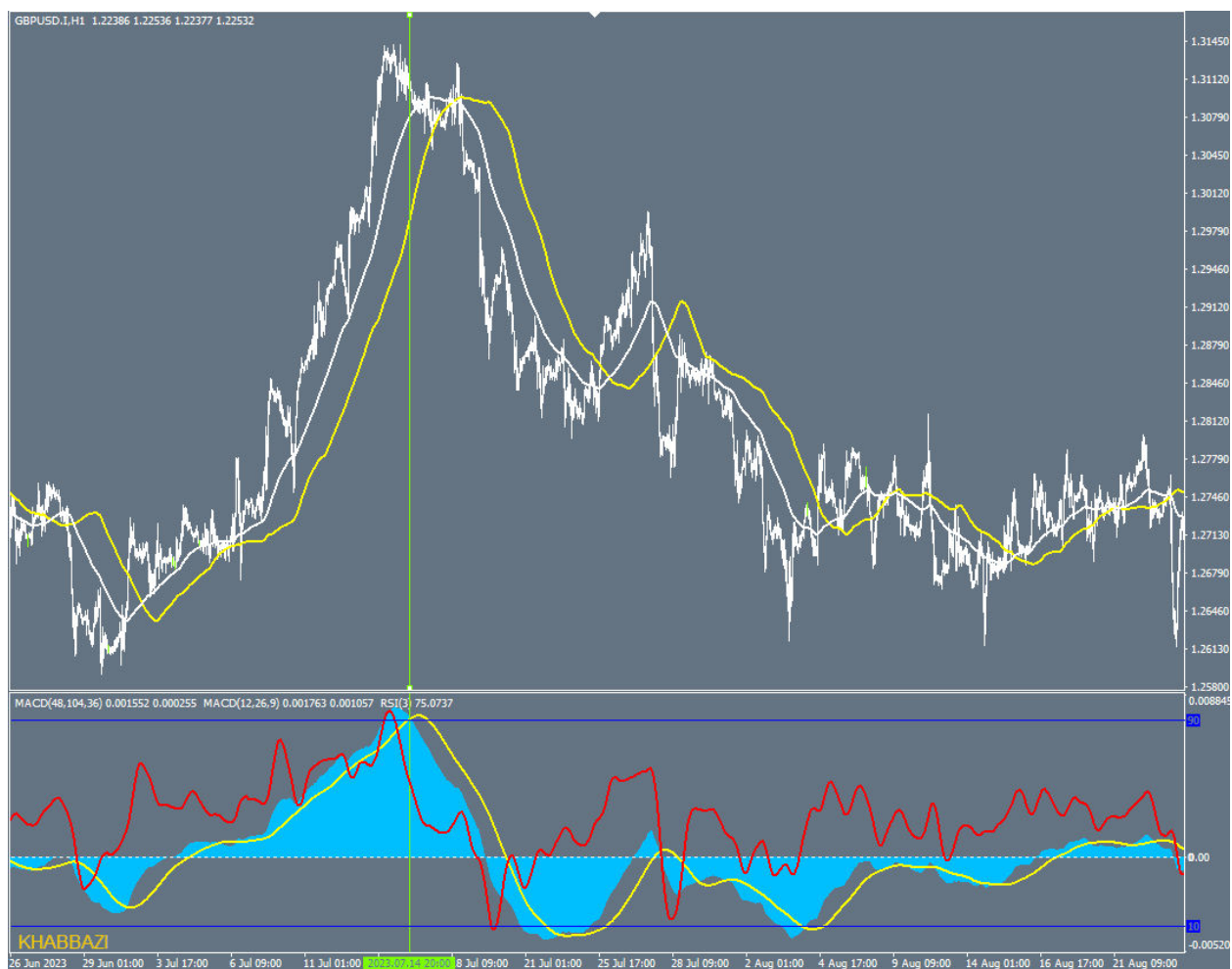
سطح پرایسی با تغییر تایم فریم، در نقش فلت سنکو **B**، محور فرکتال، محور هیستو یا محور تعادل استاتیک خودش را نشان می دهد که با چرخش قیمت حول این محورها، پترن **S** مربوطه شکل می گیرد.

مثال اول

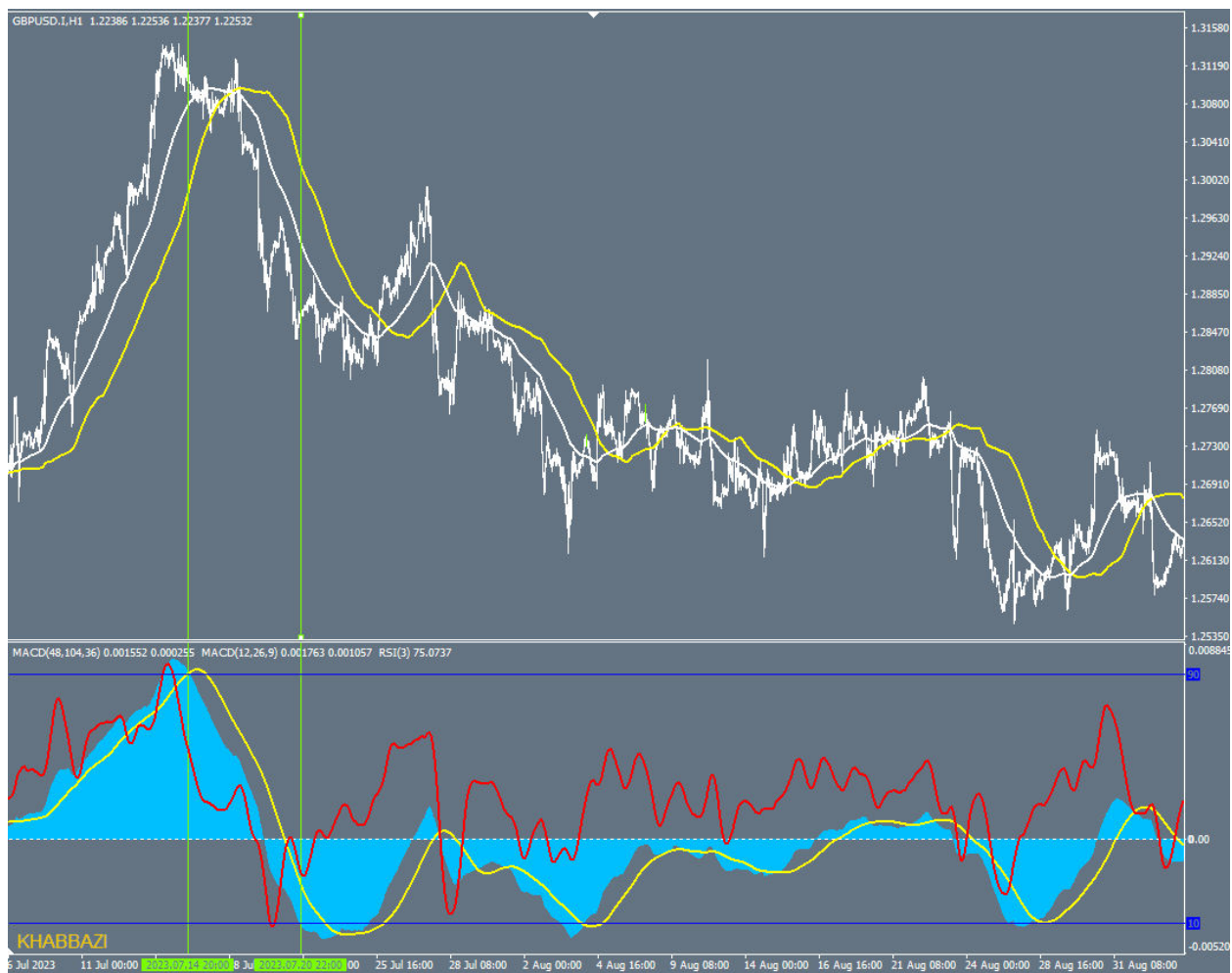
در تایم چهار ساعته، قیمت در قله قرار دارد. یعنی اندیکاتور زرد در میز اندیکاتوری در سطح 90 از RSI می باشد. به تایم یک چهارم آن یعنی یک ساعته می رویم. اگر اندیکاتور زرد در این تایم هم در سطح 90 از RSI باشد، ترید سل می زنیم و تا اندیکاتور زرد در میز در تایم یک ساعته به تراز 10 از RSI برود با ترید می مانیم. محدوده رسیدن اندیکاتور زرد به تراز 10 را می توان با ابزار تعادلی و هم پوشانی سطوح آنها پیش بینی نمود. از آنجا که از قله یا دره ورود می کنیم می توان به جای منحنی زرد از، از هیستو گرام مکدی چهار برابر استفاده کرد که پیش فاز خط زردش بوده و زودتر از خط زرد، در قله یا دره بودن قیمت را خبر می دهد. در محل کراس هیستو با تراز 90 یک خط زمان می اندازیم.



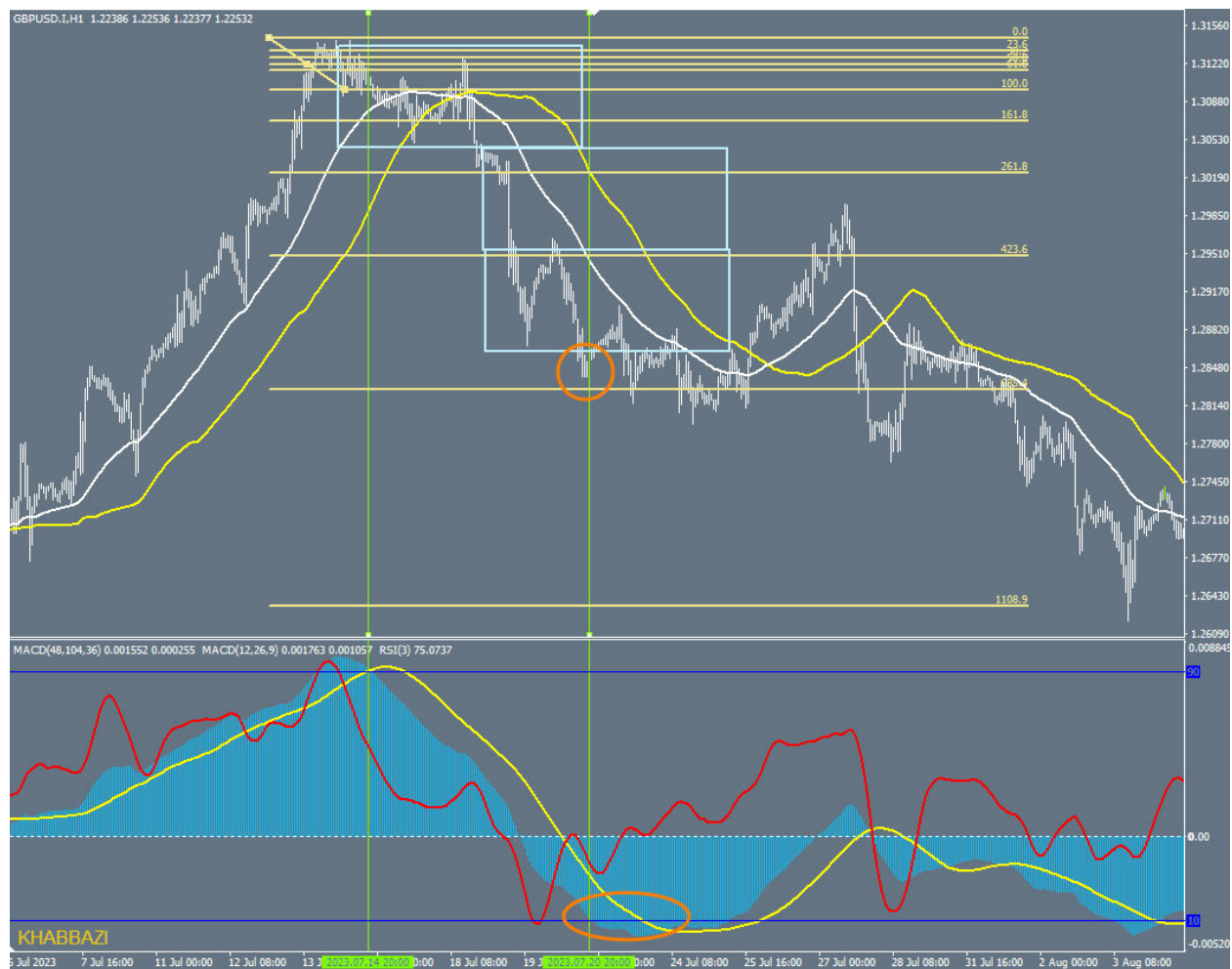
به تایم یک ساعته می رویم و وضعیت چارت را در این خط بررسی می کنیم.



قیمت در تایم یک چهارم نیز در قله می باشد. به دلیل هم پوشانی قله در دو تایم فرکتال، ترید سل را می زنیم و تا خط دوم عمود که خط زرد (و یا زودتر از آن هیستو) به تراز 10 می رسد با چارت می مانیم.



با هم پوشانی تعادلی در خط دو، اشباع خط زرد یعنی به تراز 10 رسیدن آن قابل پیش بینی و تایید است. یعنی(فعلا) اشباعی ملاک است که در یک سطح تعادلی در تراز 10 یا 90 اتفاق بیفتد.



حال در همین تایم یک چهارم (یک ساعته) چارت را رصد می کنیم. چارت یک اصلاح انجام می دهد و سپس مجددا شروع به ریزش می کند(البته اگر از نظر زمان در چرخه اول از لول 90 تا 10 باشد).

پس هر گاه مجددا در همین تایم یک ساعته، اندیکاتور زرد به تراز 90 رسید(خط عمود سوم) مجددا ترید سل می زنیم تا اندیکاتور زرد مجددا به تراز 10 (خط چهارم) برسد. سپس حد ضرر را به این نقطه منتقل می کنیم و حد سود را می توان به سطح تعادلی بعدی، جابجا کرد.



بعد از جابجا کردن حد ضرر، بهتر است در ترید باقی بمانیم تا اگر قیمت بخواهد بدون اصلاح، این سطح (خط قرمز) را بشکند تا در تایم چهار ساعته به سطح 10 برسد (اندیکاتور زرد به تراز 10 از RSI برسد)، سود این حرکت را هم بگیریم.



در شکل بعد تریدهای فرکتالی انجام شده را با هم مرور می کنیم.

در خط اول، در تایم چهار ساعته (تایم اصلی) قیمت در سطح 90 بود، به تایم فرکتال یعنی یک ساعته رجوع می کنیم تا دو ترید در جهت تایم بالا یعنی ترید سل بزنیم.

با رجوع در تایم یک ساعته، از قله سل می زنیم چون در این تایم نیز قیمت در تراز 90 است (اندیکاتور زرد در سطح 90 از RSI است).

تارگت زمانی خواهد بود که در همین تایم یک ساعته، خط زرد در میز اندیکاتوری به سطح 10 برسد که با هم پوشانی سطوح تعادلی در آن ناحیه، از قبل قابل پیش بینی است.

از ترید (رالی) اول خارج شده صبر می کنیم تا مجددا قیمت به سطح 90 برسد مجددا برای رالی دوم، سل می زنیم و وقتی قیمت در این تایم به سطح 10 رسید حد ضرر را به این سطح منتقل کرده، اگر قیمت این سطح معتبر را بشکند، تارگت بعدی، سطح 10 در تایم چهار ساعته خواهد بود.

میز اندیکاتوری مولتی تایم است.

شکل مربوط به تایم چهار ساعته است. اگر دقت کرده باشید خط چهارم مربوط به تایم یک ساعته بود. در همین تایم چهار ساعته، با اندیکاتور قرمز که در تراز 10 از RSI است، بدون تعویض تایم، متوجه می شویم در تایم یک ساعته اندیکاتور زرد در سطح 10 است.

به همین ترتیب، در خط دوم که قرمز در تراز 10 است نشان می دهد که زرد در تایم فرکتال در تراز 10 است و در خط سوم (با تغییر زوم) خط قرمز در تراز 90 است، پس خط زرد در تایم فرکتال یعنی تایم یک ساعته در تراز 90 می باشد.



پیرو مولتی تایم بودن میز، در تایم یک ساعته در قسمت میز اندیکاتوری، وقتی خط قرمز در سطح 10 است؛ یک خط عمود می اندازیم.



حال چارت را در تایم یک چهارم آن یعنی پانزده دقیقه بررسی می کنیم. اندیکاتور قرمز در تایم یک ساعته، اندیکاتور زرد در تایم یک چهارم آن یعنی پانزده دقیقه می شود.



حال تصور نمایید اندیکاتور مشکی هم در میز باشد. در این صورت مثلاً در کف تایم چهار ساعته، شما کف تایم پانزده دقیقه (مشکی) و کف تایم یک ساعته (قرمز) را دارید. و با حد ضرر خوردن کف تایم چهار ساعته، کف تایم شانزده ساعته (زمان برگشت قیمت و اتمام واگرایی) را هم خواهید داشت.

این یک دید مولتی تایمی در قالب فرکتال زمانی می باشد؛ زیرا شما یک وضعیت مشابه مثلا کف یا سقف را در تایم های با نسبت مشخص و ثابت، در یک تایم بدون جابجا شدن دارید.

تحلیل فرکتالی یک تحلیل مولتی تایمی نیز می باشد؛ اما تحلیل مولتی تایم، الزاما فرکتالی نیست.

(فعلا خط مشکی در میز اضافه نگردیده است تا در شروع فاز فرکتال، میز شلوغ نباشد)

مثال دوم

در تایم چهار ساعته (تایم اصلی) قیمت در سطح 10 می باشد (اندیکاتور زرد در میز در تراز 10 از RSI است). انتظار دو ترید از دره به قله را در تایم فرکتالشی داریم.



به تایم ترید یعنی فرکتال تایم قبل (تایم یک ساعته) می رویم. ترید خرید انجام می دهیم؛ اگر چه در میز اندیکاتوری، دره زودتر از خط اول تشکیل شده است (خطوط زرد در میز و چارت با یکدیگر واگرایی دارند) یعنی قیمت از این دره در چارت عبور کرده است. (در همین فاز، واگرایی توضیح داده خواهد شد)

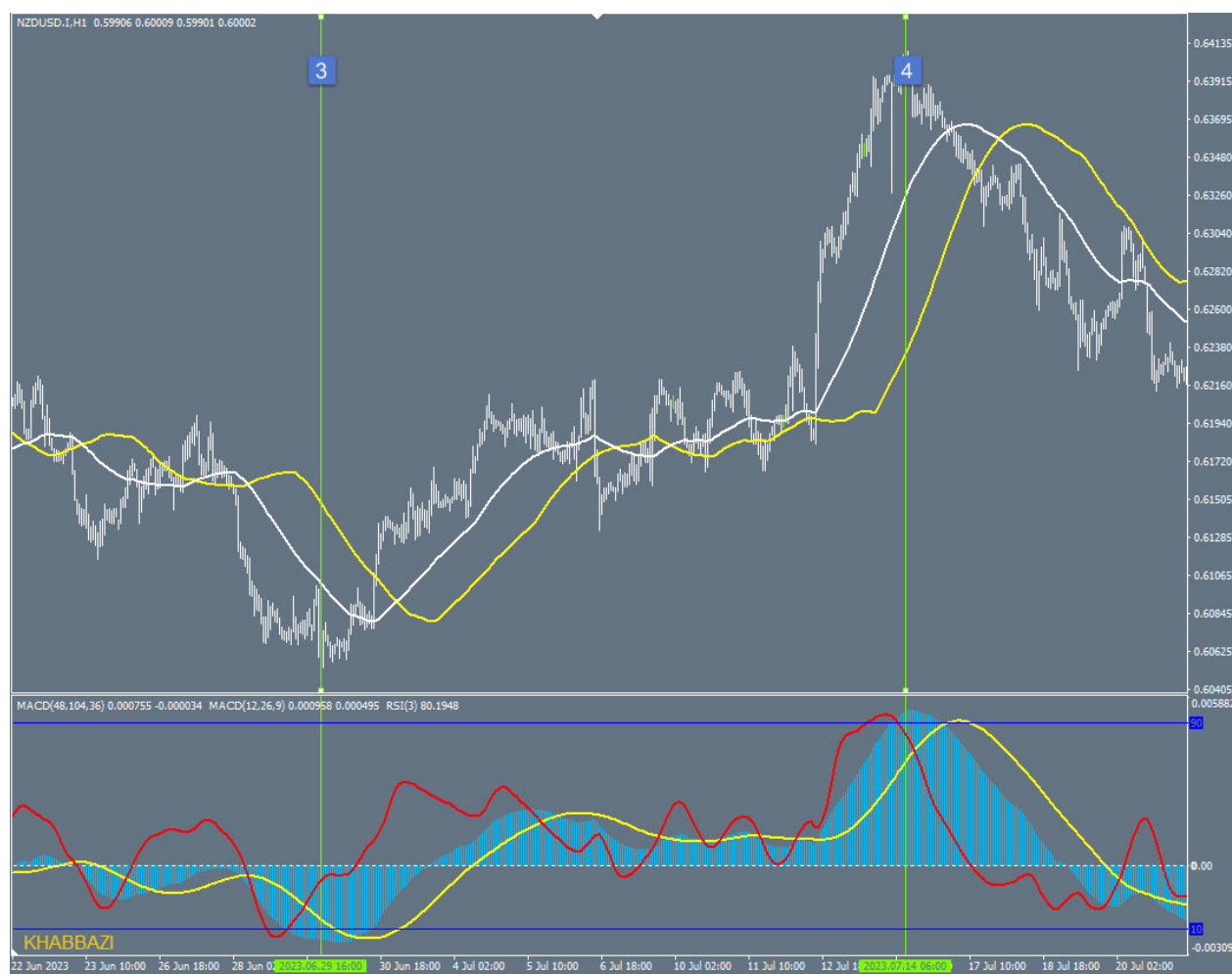
با ترید می مانیم تا در این تایم، اندیکاتور زرد به تراز 90 برسد (خط دوم)؛ حال خروج می زنیم.

محدوده رسیدن قیمت به قله که با رسیدن اندیکاتور زرد به سطح 90 هم زمان می باشد، توسط هم پوشانی ابزار تعادلی و فرکتالی و تحلیل زمانی قابل پیش بینی است.



قبل از رسیدن اندیکاتور زرد به لول 90 در تایم اصلی، انتظار می کشیم تا مجددا در این تایم یعنی یک ساعته، اندیکاتور زرد به سطح 10 (خط سوم) برسد. مجددا ترید بای می زنیم و با چارت می مانیم تا اندیکاتور زرد باز به سطح 90 (خط چهار) برسد.

حال حد ضرر را به این محدوده تغییر داده و تا اندیکاتور زرد در تایم اصلی یعنی چهار برابری به تراز 90 برسد، با چارت می مانیم.



در شکل دقت نمایید. تایم یک ساعته و چهار ساعته همزمان در سطح 10 می باشند. پس انتظار برگشت قیمت را داریم.

خط دوم، سطح 90 در تایم یک ساعته، یعنی قله تایم فرکتال را نشان می دهد. خط سوم، سطح 10 در تایم یک ساعته، یعنی دره تایم فرکتال را نشان می دهد. در واقع این دو خط روی قله و دره خط قرمز افتاده اند که نشانگر خط زرد در تایم فرکتال بوده که نسبت مشخص و ثابتی، با قله و دره خط زرد در تایم اصلی ندارد.

پس طبق شکل، از خط یک ترید خرید انجام می دهیم که حد ضرر نزدیک دره و حد سود خط دوم می باشد و ترید دوم از خط سوم با حد ضرر نزدیک به دره با حد سود قله در این تایم و سپس ریسک فری(انتقال حد ضرر به تارگت اول) تا قله تایم چهار ساعته خواهد بود.

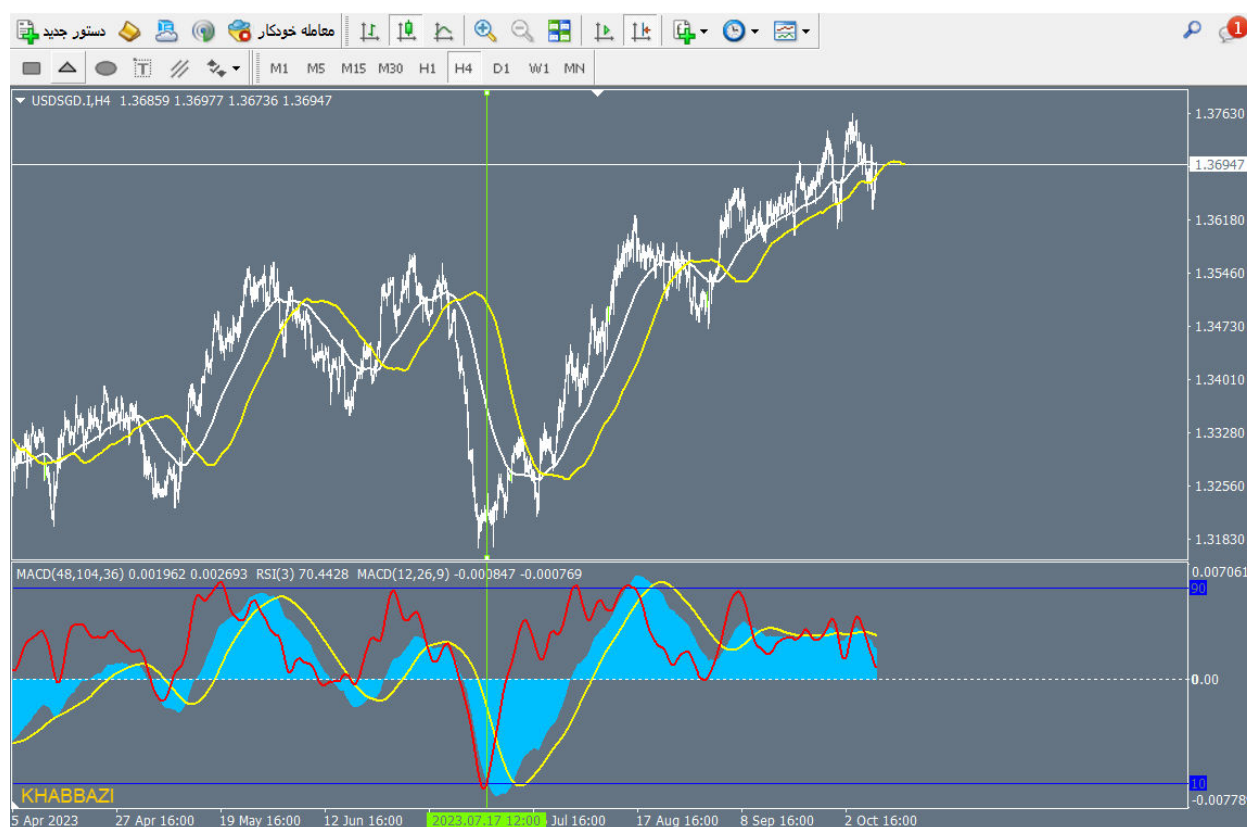


مثال سوم

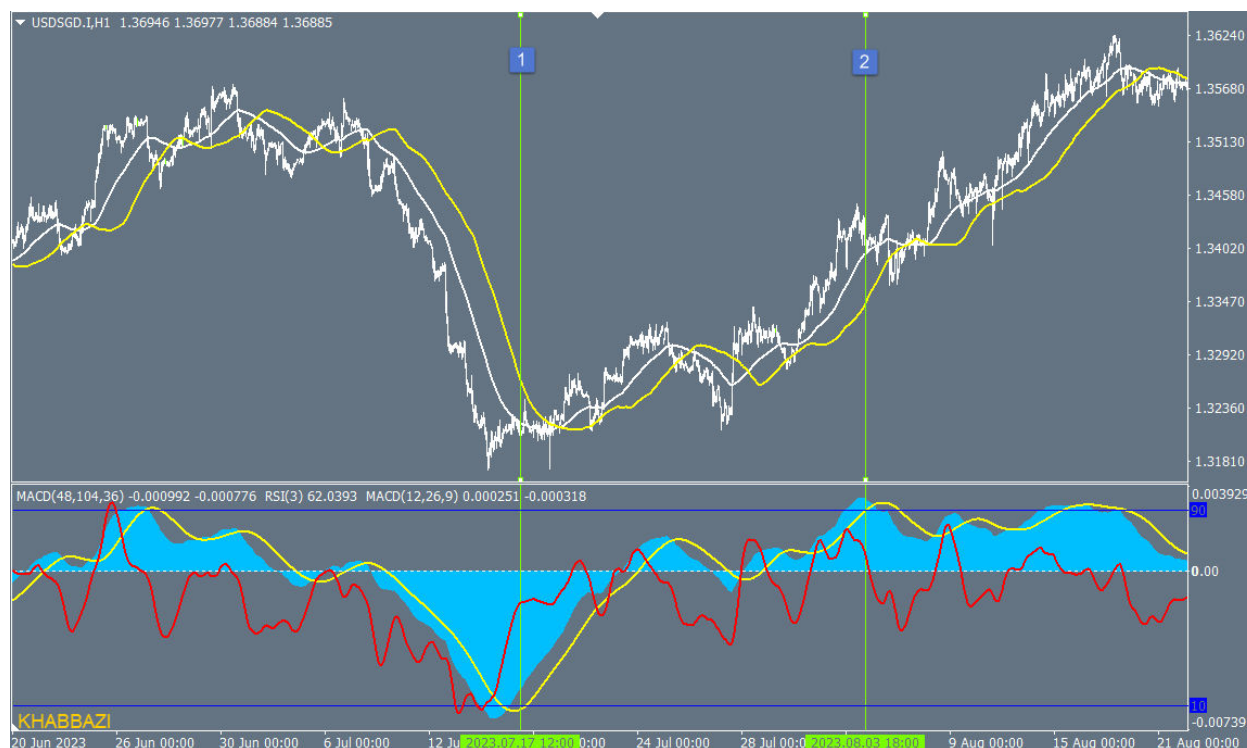
تحلیل فرکتالی یعنی قله و دره تایم یک چهارم(و با اضافه کردن مکدی یک چهارم یعنی خط مشکی در میز، قله و دره تایم یک شانزدهم) را در تایم چهار ساعته داریم.

در خط زمان(عمود سبز) اندیکاتور زرد در میز در سطح 10 از RSI می باشد.

به دید فرکتالی انتظار دو ترید بای در تایم فرکتال آن یعنی تایم یک ساعته از دره تا قله داریم.

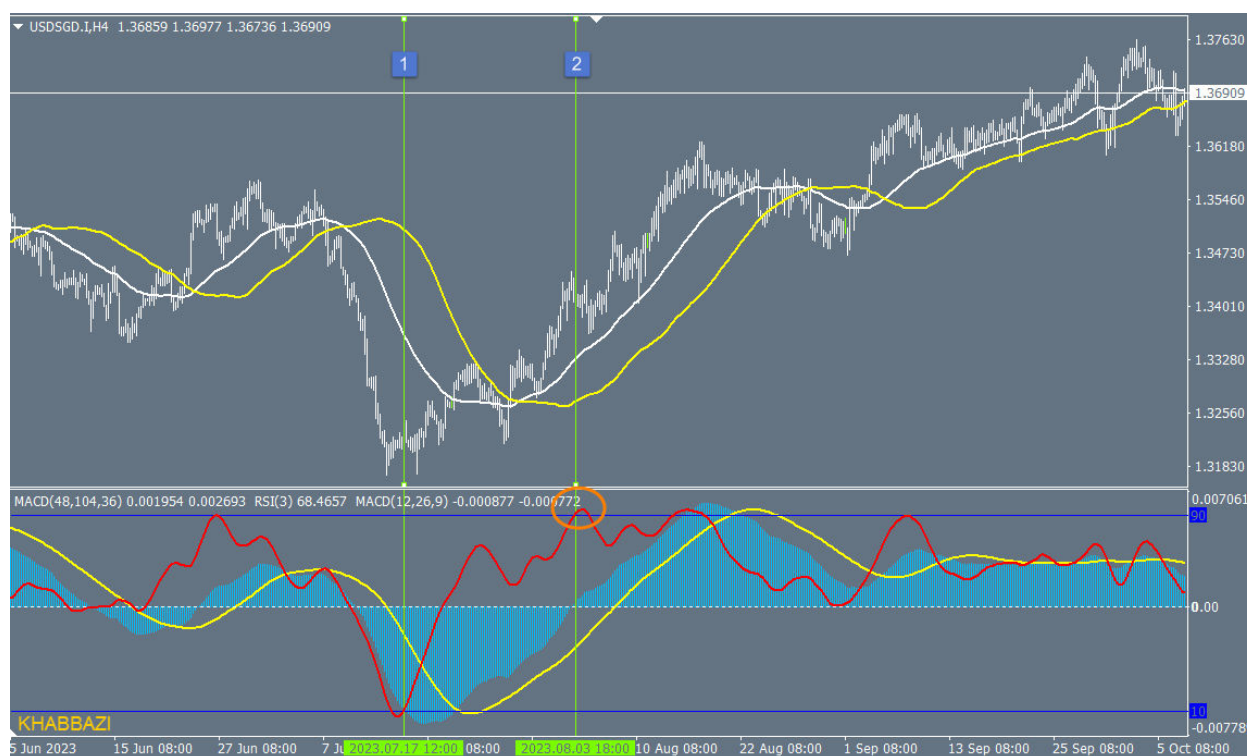


در تایم فرکتال نیز، قیمت در دره قرار دارد(خط اول). پس اولین رالی را ترید می کنیم. تارگت وقتی است که در این تایم، اندیکاتور زرد در میز اندیکاتوری به سطح 90 برسد که با هم پوشانی سطوح تعادلی و فرکتالی و تحلیل زمانی، قابل پیش بینی می باشد.



تارگت دوم (حد ضرر را به این منطقه که تارگت اول بوده است منتقل می کنیم و حد سود جدید) را، رسیدن اندیکاتور زرد در میز در تایم اصلی یعنی چهار ساعته به سطح 90 منظور می کنیم.

در خط دوم، مشاهده می شود که خط قرمز در تراز 90 از RSI می باشد که معادل خط زرد در تایم فرکتالش می باشد.



صبر می کنیم تا در تایم یک ساعته چارت به سطح 10 برگردد یعنی اندیکاتور زرد در میز به تراز 10 برسد؛ مجدداً بای می زنیم تا این اندیکاتور در همین تایم فرکتال به سطح 90 برسد.

سپس حد ضرر را به این منطقه منتقل کرده و با ترید می مانیم تا اندیکاتور زرد در میز در تایم اصلی (تحلیل) به سطح 90 از RSI برسد.



مثال چهارم

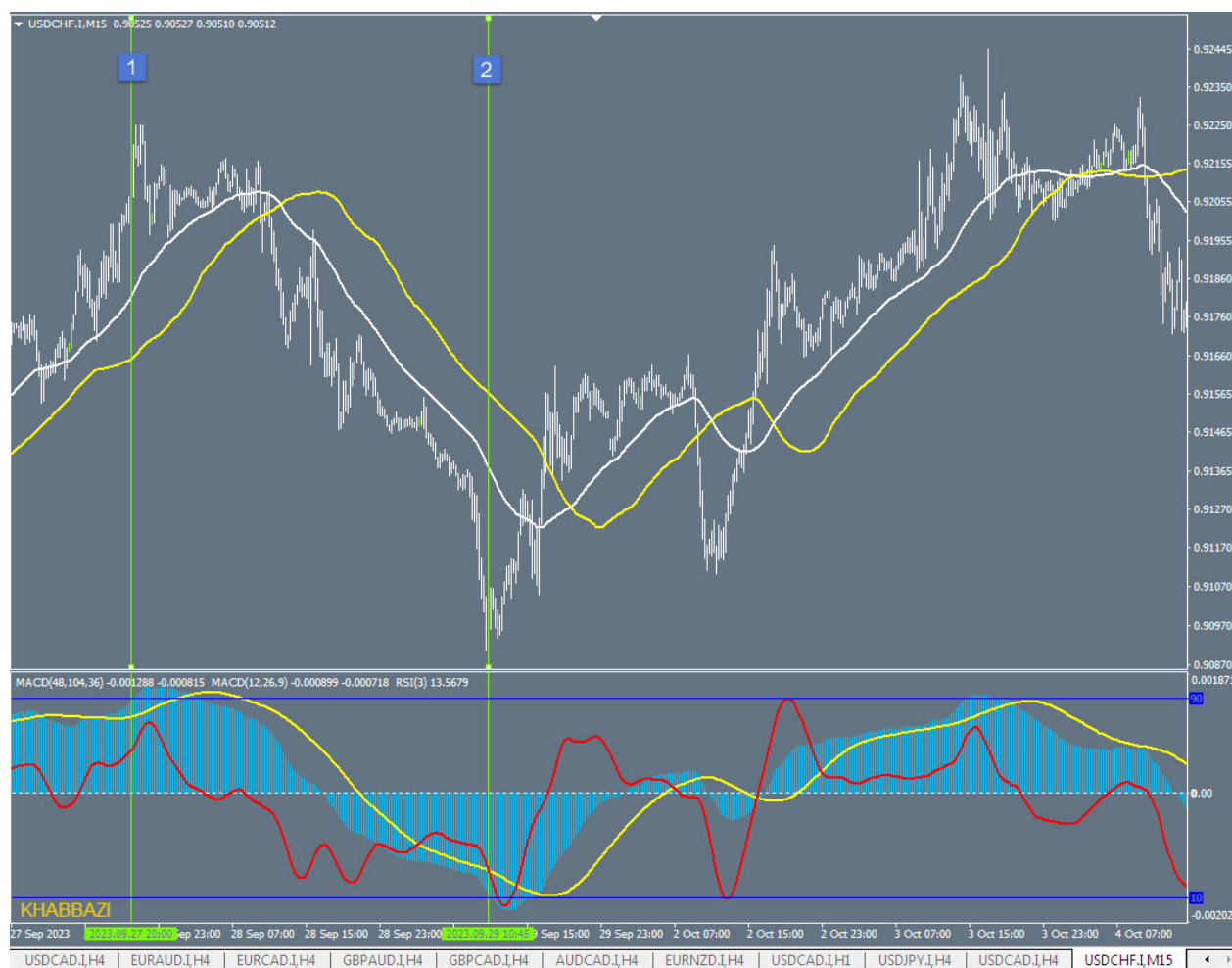
در تایم اصلی (تحلیل) یعنی تایم یک ساعته، بر روی قله اصلی خط زمان می اندازیم.



به تایم فرکتال(ترید) یعنی تایم یک چهارمش(تایم پانزده دقیقه) می رویم. مشاهده می شود که چارت در خط زمان انداخته شده(خط اول) در قله می باشد.

پس هر دو تایم، در یک وضعیت یا شکل(فرکتال) می باشند؛ اما هر تایم تناسب خودش را دارد.

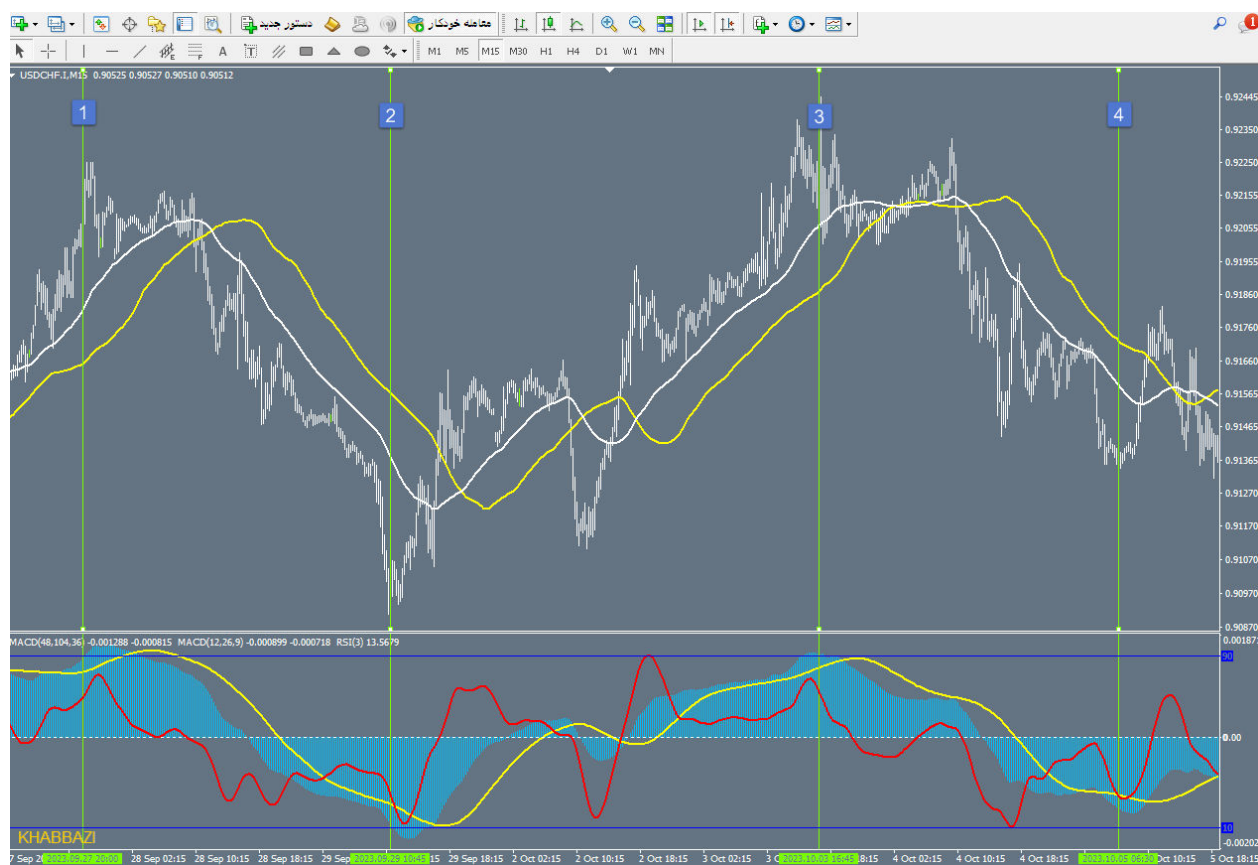
ترید فروش انجام می دهیم و تا وقتی اندیکاتور زرد(یا هیستو که زودتر نشان می دهد) در میز اندیکاتوری به تراز 10 از RSI برسد(خط دوم) با ترید می مانیم و سپس خروج زده یا ریسک فری می کنیم.



در تایم پانزده دقیقه چارت را برای شکار رالی دوم رصد می کنیم.

هر گاه قیمت مجدداً به تراز 90 (اندیکاتور زرد به سطح 90 از RSI) رسید (خط زمان سوم)؛ ترید سل می زنیم. وقتی قیمت به تراز 10 رسید، ریسک فری کرده و با ترید می مانیم تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری آن یعنی یک ساعته، به تراز 10 برسد.

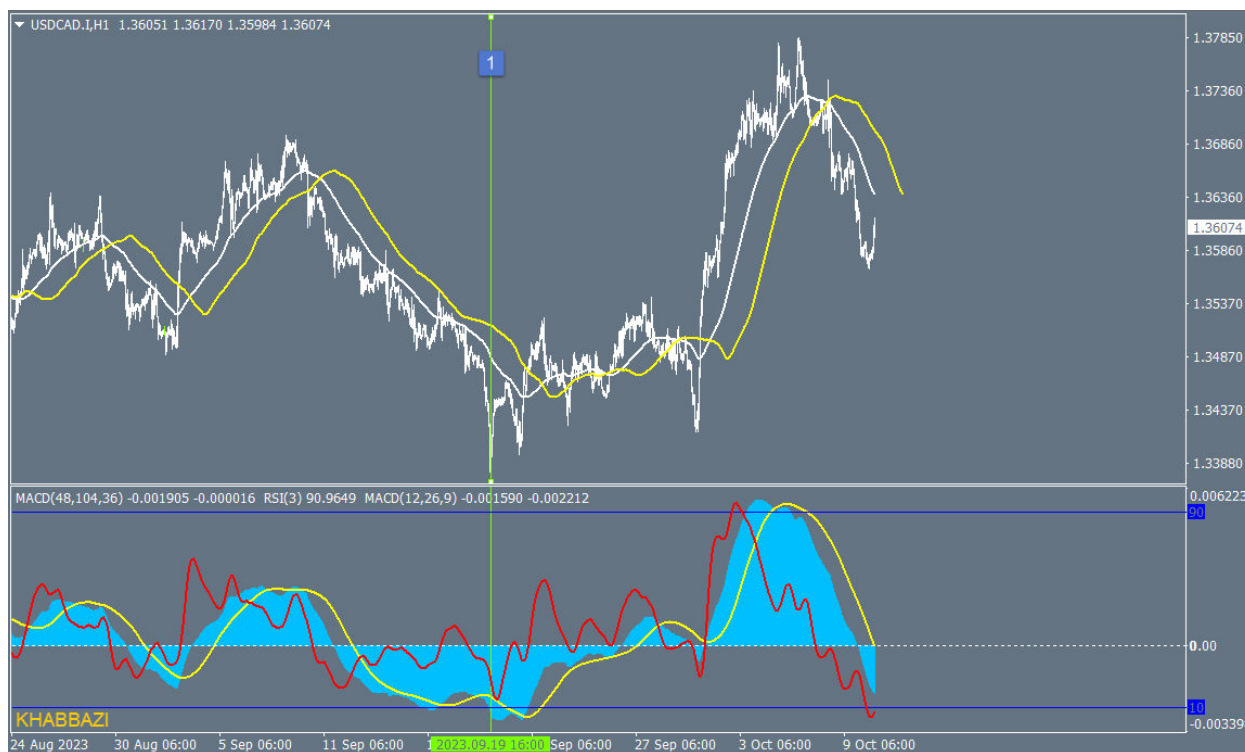
پس در کل طبق شکل، دو ترید فروش از خط اول به خط دوم و از خط سوم به خط چهارم که هم شکل (فرکتال) و هم جهت (مولتی تایم)، با تایم چهار برابری است، انجام می دهیم.



شکل، علت انتقال حد ضرر به دره تایم اصلی در رالی دوم را نشان می دهد.
 علت، سودی است که بعد از تارگت ترید دوم یعنی بعد از خط چهارم، می تواند
 نصیب ما شود.



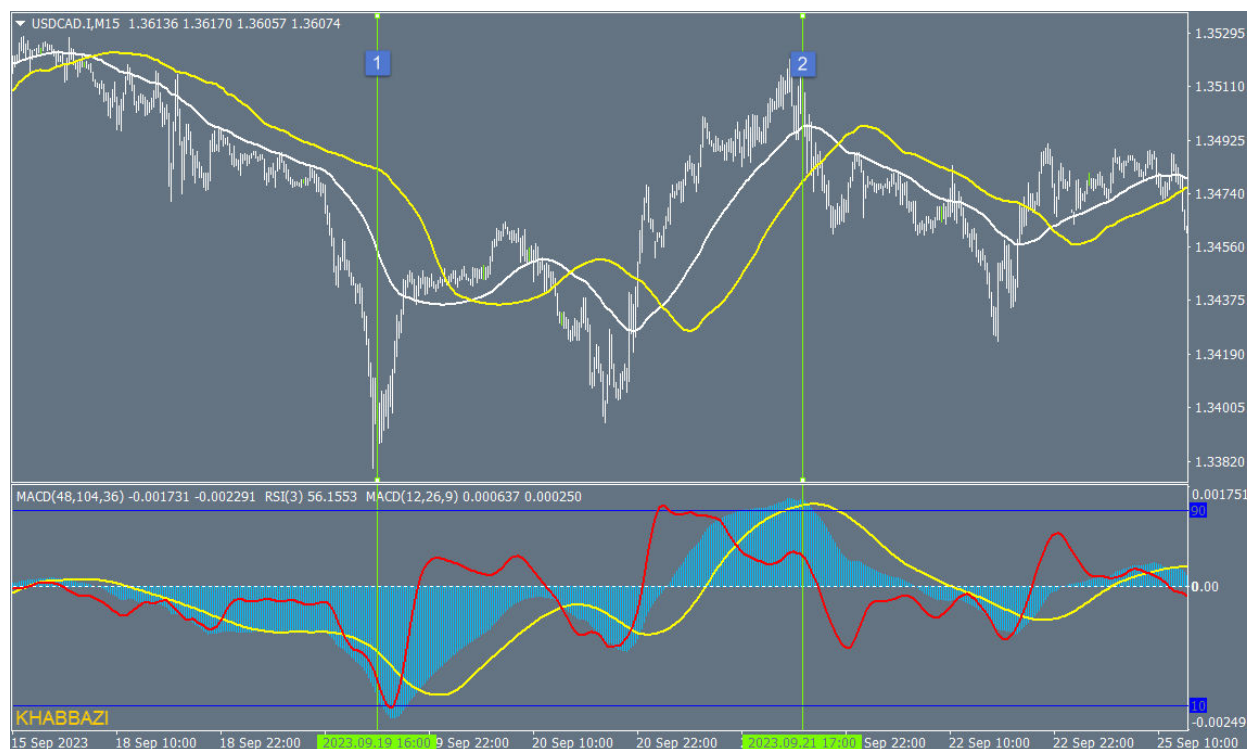
در تایم اصلی یعنی تایم یک ساعته، بر روی دره اصلی، خط زمان می اندازیم.



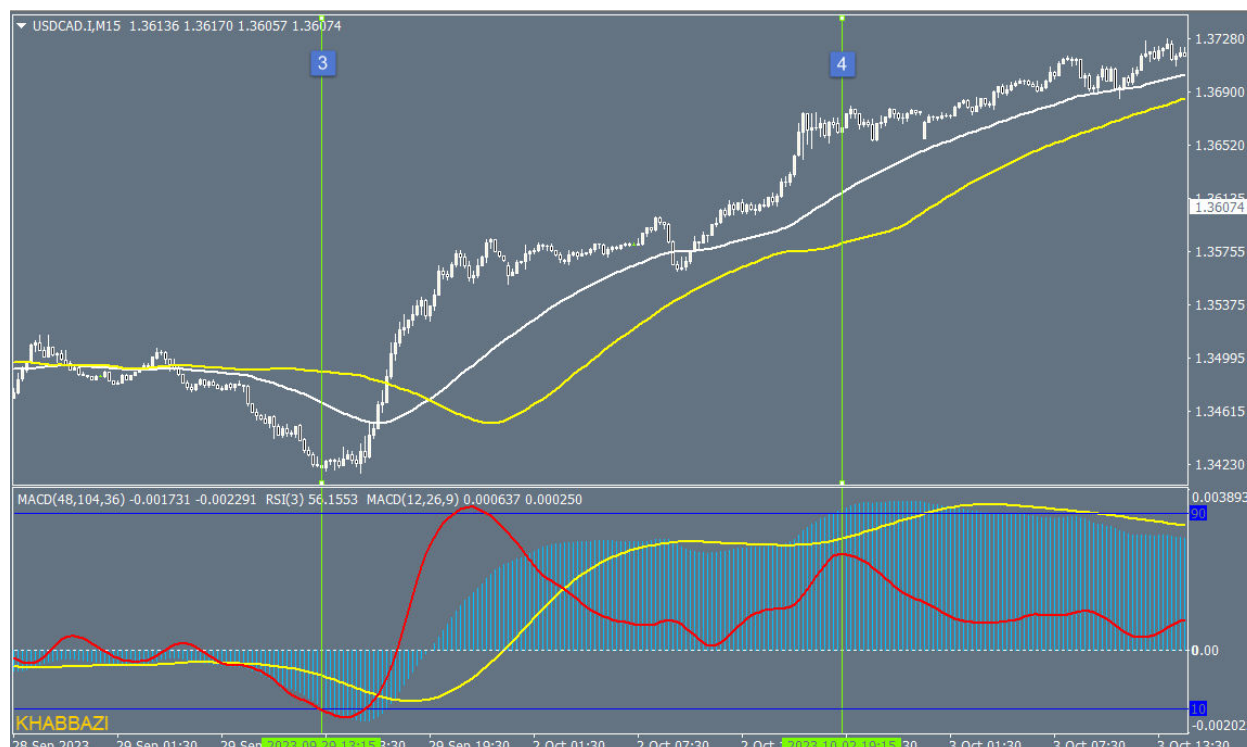
به تایم فرکتال یعنی تایم یک چهارم می رویم.

چارت در خط زمان انداخته شده (خط اول) در دره می باشد. پس هر دو تایم در یک وضعیت یا شکل (فرکتال) با تناسب خودشان می باشند.

ترید بای می زنیم و تا وقتی که اندیکاتور زرد (یا هیستو که زودتر نشان می دهد) در میز اندیکاتوری به تراز 90 از RSI برسد (خط دوم) با ترید می مانیم و سپس خروج زده یا ریسک فری می کنیم.



در تایم پانزده دقیقه چارت را برای شکار رالی دوم رصد می کنیم. هر گاه قیمت مجدداً به تراز 10 (اندیکاتور زرد به سطح 10 از RSI) رسید (خط زمان سوم)؛ ترید بای می زنیم تا وقتی که قیمت به تراز 90 برسد (خط چهارم)، حال ریسک فری کرده و با ترید می مانیم تا اندیکاتور زرد در تایم چهار برابری (تایم اصلی) به تراز 90 برسد.



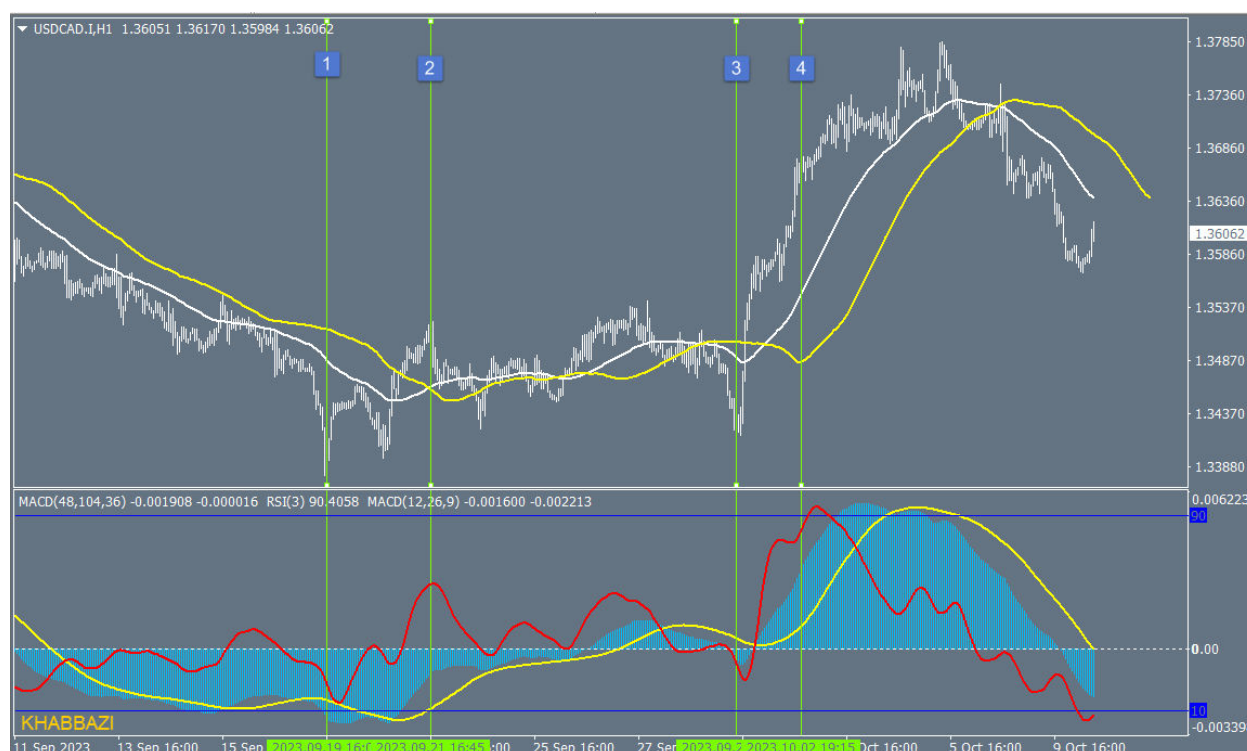
پس در کل دو ترید از خط اول به خط دوم و از خط سوم به خط چهارم که هم شکل و هم جهت با تایم چهار برابری است، را انجام می دهیم.

در ترید دوم در خط چهارم، قرمز که همان زرد در تایم یک چهارم می باشد، به عنوان تارگت اول و محل انتقال حد ضرر می باشد. در واقع در هر تایم با توجه به دسترسی به تایم یک چهارمی و یک هشتمی آن و در دره یا قله بودن آنها می توان جابجایی حد سود و ضرر ها را بدون رجوع به آن تایم ها، انجام داد.

در شکل دقت نمایید. با این زوم و وضعیت چارت (چپ یا راست بودن آن)، در خطوط سوم و چهارم، خط قرمز دقیقا در 10 یا 90 نیست؛ زیرا نسبت ثابتی بین قله و دره های تایم فرکتال با تایم اصلی برقرار نیست.

اگر چه با تغییر زوم و یا جابجایی چارت، معمولا این مورد حل می شود، اما جهت تایید در اشباع بودن خط قرمز در تایم اصلی، رجوع به تایم فرکتال و بررسی این خطوط عمود می باشد که در خط دوم و سوم، ملاحظه می کنید خط زرد که معادل خط قرمز در تایم اصلی است در قله یا دره (اشباع) می باشد و یا قبلا بوده است و الان واگرایی داده است.

در فاز ایچی با اضافه شدن یک تایید به سطح تعادلی در اشباع، نقاط با این سه ویژگی می توانند ملاک اشباع باشند که اکثرا نیز به صورت فیکس شده به تراز های 10 و 90 می باشند.



واگرایی

مسلم همیشه، روال، طبق مطالب قبل نیست که به ازای یک حرکت از تراز 10 به تراز 90 در تایم اصلی، دو بار این حرکت در تایم فرکتالش انجام شود.

گاهی این به اشباع رسیدن ها در تایم فرکتال از دو رالی بیشتر خواهد بود و یا در حرکات شارپ این حرکات از تراز 10 به تراز 90 یا بالعکس، همزمان در تایم اصلی و فرکتال صورت خواهد گرفت یعنی رالی دوم در تایم فرکتال نخواهد بود.

یا دره یا قله ای که انتظار برگشت قیمت از آنجا را داریم، قیمت، برگشت نخواهد کرد و واگرایی خواهد داد.

مثال اول

خطوط زرد هم زمان در چارت و در میز به صورت هم گرا، حرکت متعادل را شروع کرده اند. شاید در همین تایم، ترید از سطح 10 تا سطح 90 با پذیریش یک حد ضرر کم در ازای یک حد سود بسیار، از ساده ترین ترید ها باشد.

اما با دید فرکتال و تبدیل یک ترید به دو ترید :

اولا، زمان اصلاح یا رنج را حذف می کنیم.

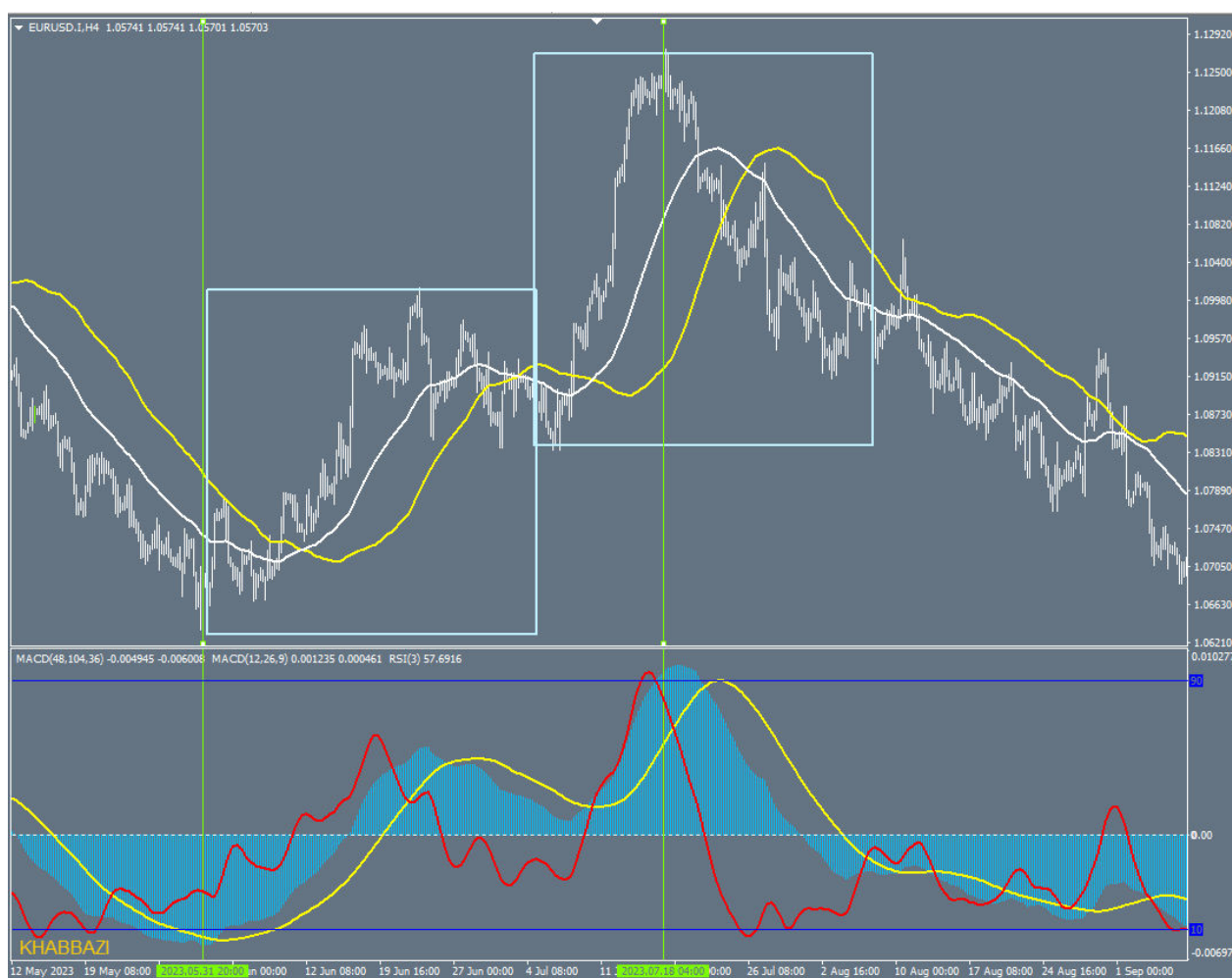
دوما، با تسلطی که بعدا پیدا می کنید؛ حتی ترید اصلاحی را نیز می توانید شکار کنید که در تایم فرکتال، یک ترید مستقل با ابتدا و انتهای مشخص می باشد.

سوما، با دید چرخه ها و فرکتال، دقیقا متوجه می شویم در هر زمان، تایم یک ساعته در کجای تایم چهار ساعته، می چرخد و آگاهانه و با تایید تایم بالا ترید می کنیم.

با دید فرکتال انتظار داریم دو ترید در تایم فرکتالش (یک ساعته) از دره تا قله اش یعنی از سطح 10 تا سطح 90 بزنیم. این دو ترید در تایم اصلی (چهار ساعته) با دو باکس (رالی باکس) نشان داده شده است.

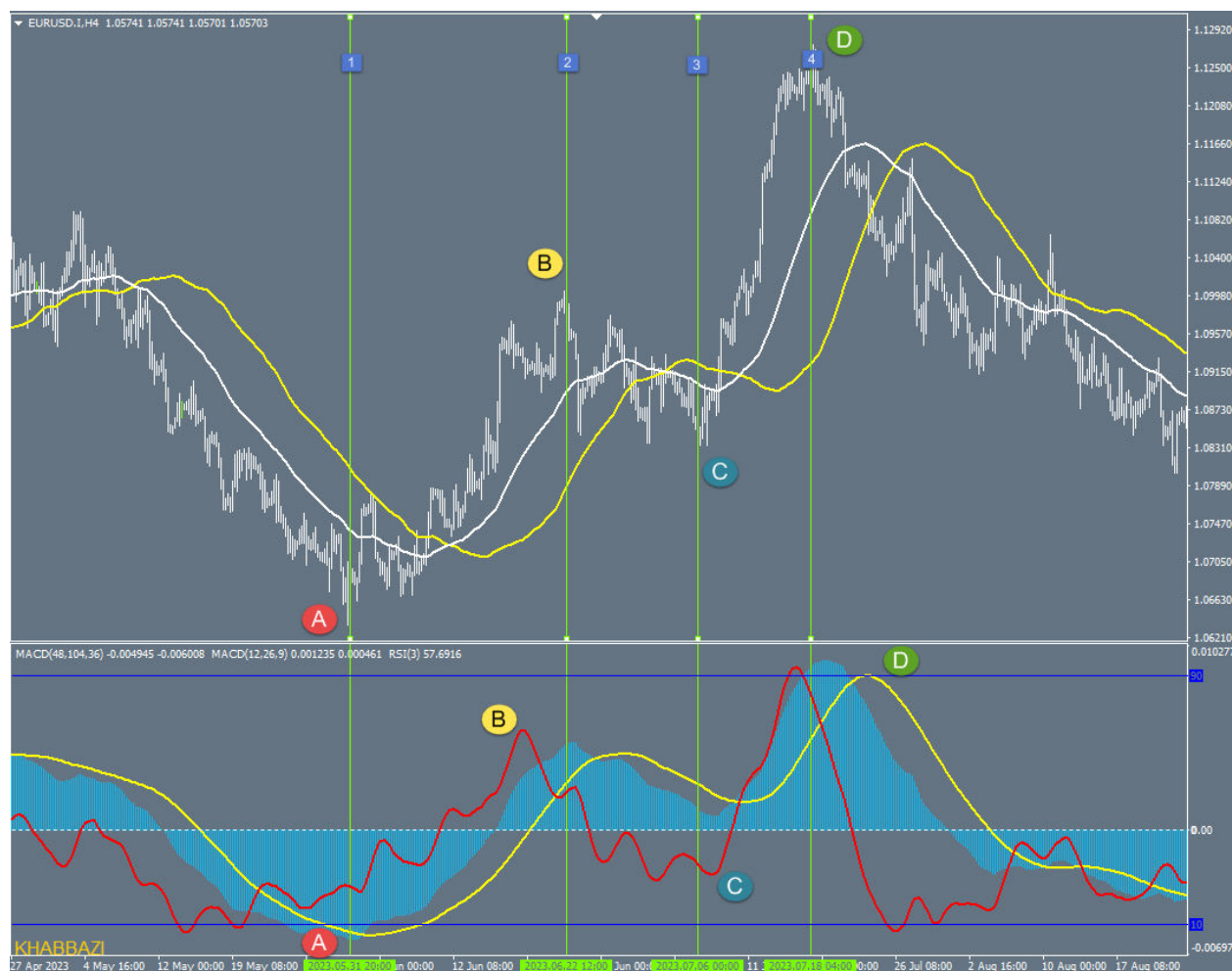
در چارت، قیمت در خط عمود سبز سمت چپی، در دره اصلی است.

یعنی اندیکاتور زرد در ناحیه تراز 10 از اندیکاتور RSI در تایم چهار ساعته می باشد.



حرکت نشان داده شده بین دو خط سبز از متعادل و فرکتالی ترین حرکات بازار است که قالب ستاپ توازن را نشان می دهد.

هدف ترید از نقطه **A** از تایم اصلی، شکار دو رالی اش در تایم یک چهارمی می باشد.



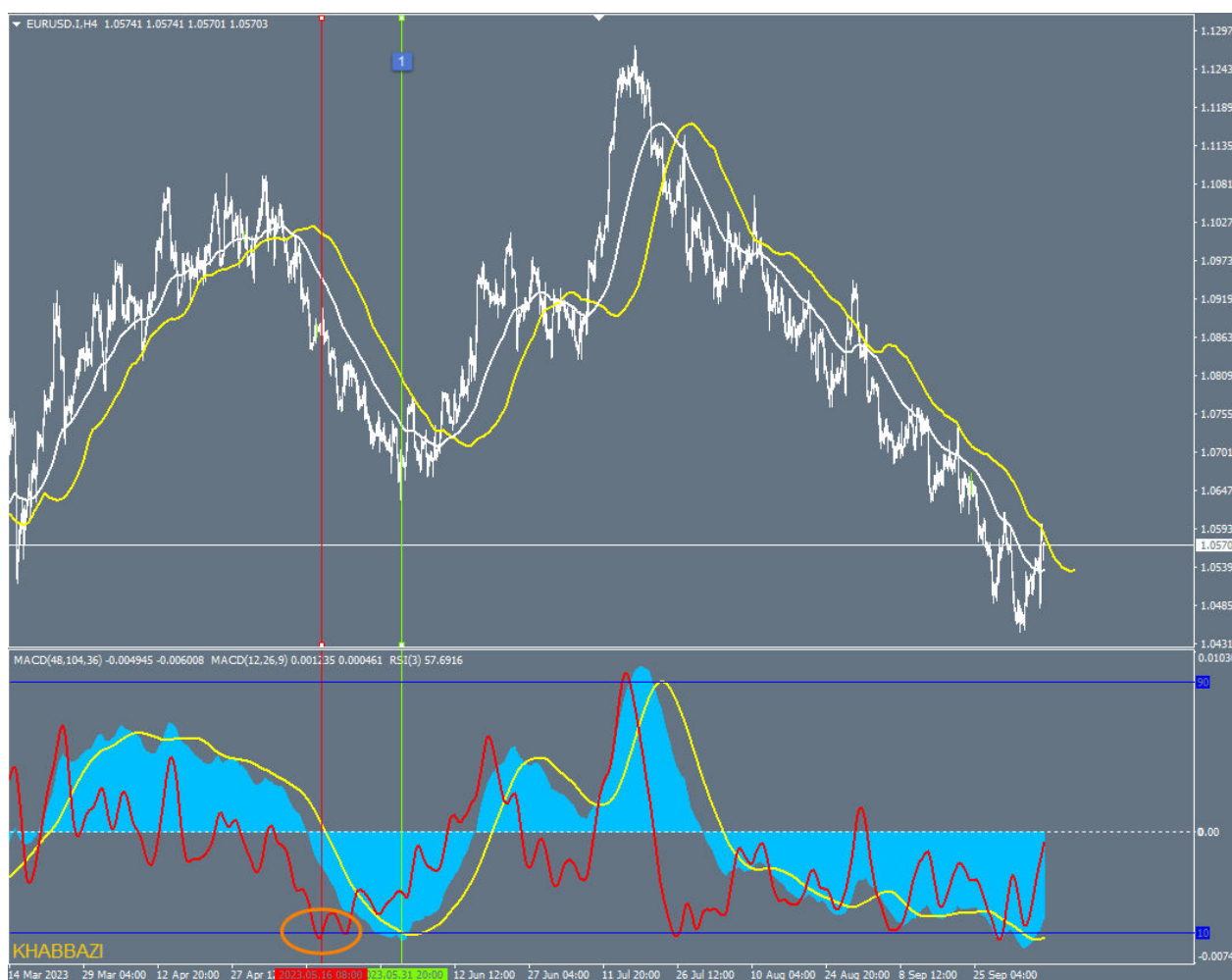
اگر خط اول را لایو بازار در تایم چهار ساعته منظور کنیم، انتظار دو ترید در تایم یک ساعته از سطح 10 تا سطح 90 را داریم.

در خط زمان سبز(خط عمود اول) چون اندیکاتور زرد در سطح 10 می باشد، کف تایم چهار ساعته یعنی دره اصلی را نشان می دهد. همچنین خط زمان قرمز، چون

اندیکاتور قرمز در سطح 10 می باشد، کف تایم یک چهارم یعنی یک ساعته را نشان می دهد و بدون مراجعه به آن تایم معلوم می کند که زرد در تایم فرکتال در سطح 10 خواهد بود.

با یک نگاه به اندیکاتور قرمز که در سطح 10 است و تفاوت قیمت در این سطح (خط عمود قرمز) با سطحی که اندیکاتور زرد در سطح 10 است، متوجه می شویم که دره تایم یک ساعته زودتر به کف خودش رسیده و شکسته شده است.

سپس با توجه به وضعیت تایم بالاتر، نزول ادامه یافته تا قیمت در تایم چهار ساعته به کف معتبر برسد؛ یعنی زرد به سطح 10 برسد. حال از این دره در تایم چهار ساعته یک خرید با تارگت حداقلی دره شکسته شده تایم یک ساعته (سطح متناظر با دره تایم یک ساعته) خواهیم داشت و با آن می مانیم تا چارت به سطح 90 برسد.

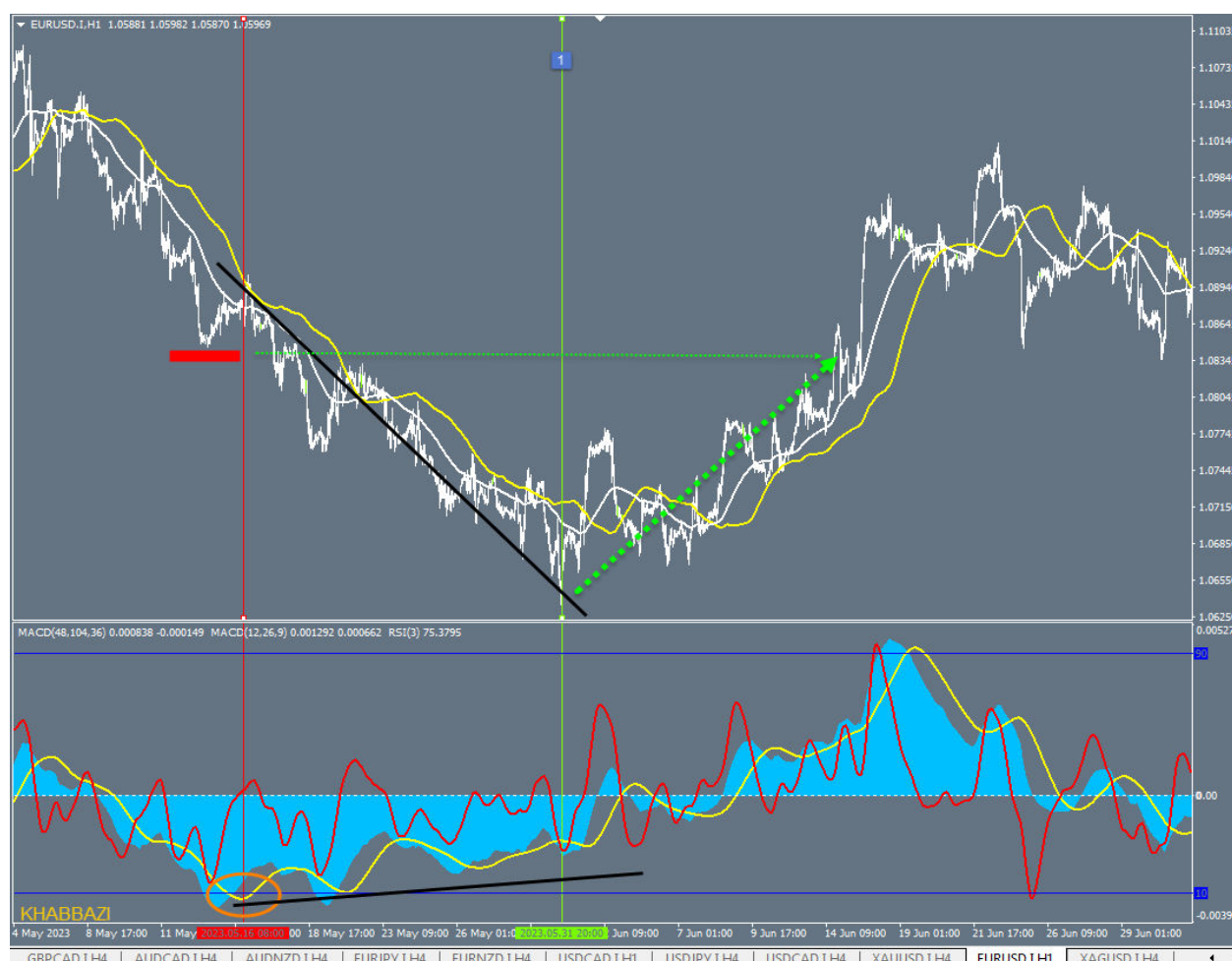


شکل مربوط به چارت قبلی در تایم یک ساعته با همان خطوط می باشد. در خط عمود قرمز، خط زرد در تراز 10 بوده است؛ اما شکسته شده است. اندیکاتور زرد در میز صعودی می شود؛ اما موینگ زرد در چارت همچنان نزولی خواهد بود.

به حرکت در دو جهت مخالف خطوط زرد در چارت و میز(و یا هر دو خط هم رنگ دیگر) واگرایی گفته می شود.

در شکل خطوط مشکی این واگرایی را نشان می دهد که واگرایی همیشه به معنی انتهای روند نیست.

انتهای واگرایی با خط زرد در سطح 10 در دره تایم چهار ساعته، معلوم می شود (البته اگر چارت قصد ادامه ریزش تا رسیدن خط زرد به تراز 10 در تایم چهار برابری تایم اصلی را نداشته باشد).



مشخص کردن واگرایی از جمله اهداف اصلی میز است که با تغییر زوم یا جابجایی چارت، نزولی یا صعودی بودن وضعیت فعلی موج با وضعیت قبلی خودش در میز، تغییر نمی کند.

با دید فرکتالی با نوعی از واگرایی در چارت و میز، سر و کار داریم که شروع، پایان و هدف آن مشخص است.

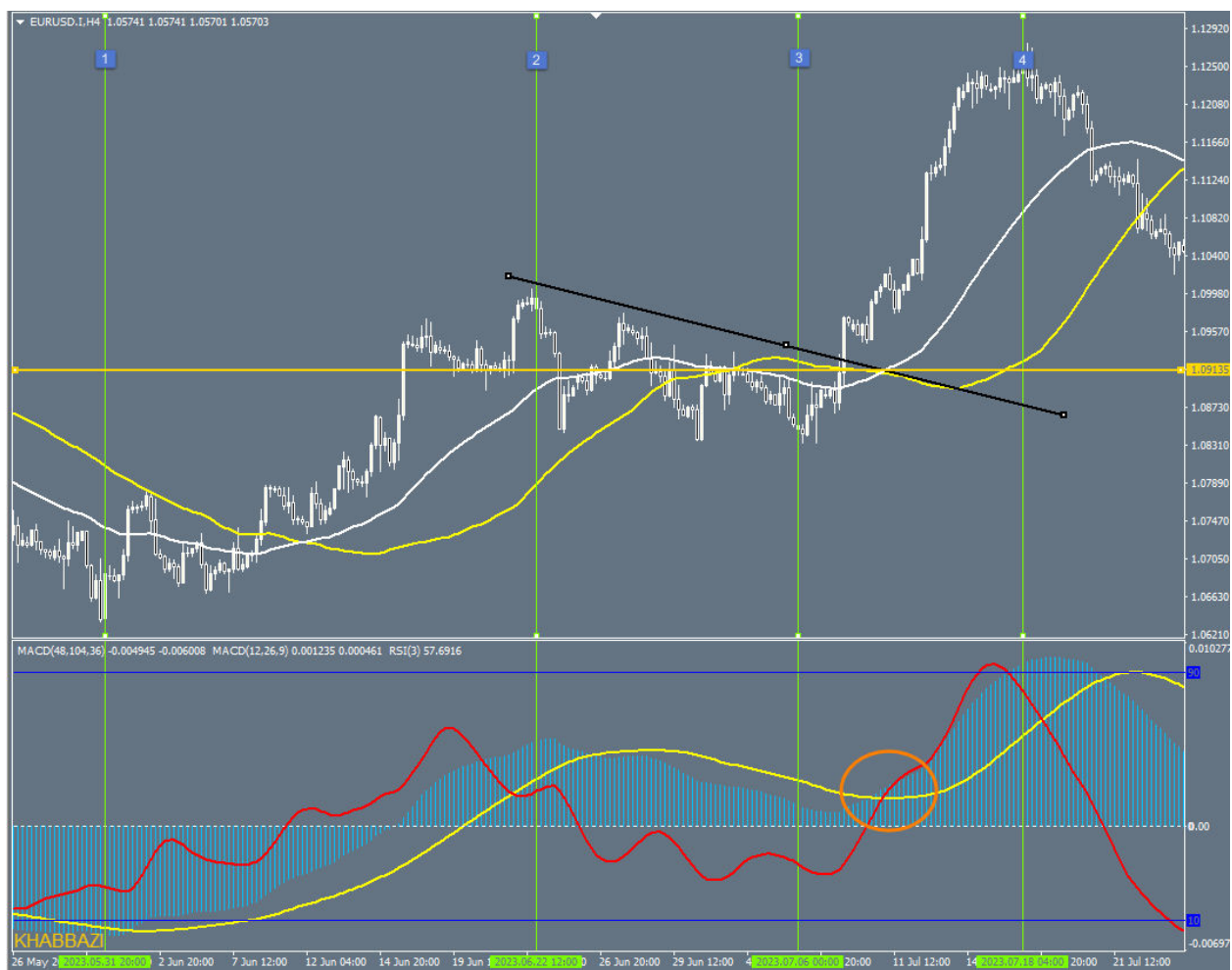
شروع واگرایی دره شکسته شده تایم فرکتال و انتهای آن دره تایم اصلی است که نوید برگشت تا سطح شروع واگرایی را نیز می دهد.

این شکست معمولا با ستاپ تقارن در حالت عدم تقارنش است که تاچ مجدد این سطح برای ساخت پترن S با محوریت سطح شکسته شده، با ستاپ تقارن در وضعیت تقارنش می باشد. در ستاپ تقارن سویچ سمت چپ وضعیت عدم تقارن (اصلاح) و سویچ سمت راست وضعیت تقارن (ادامه روند) را خبر می دهد.

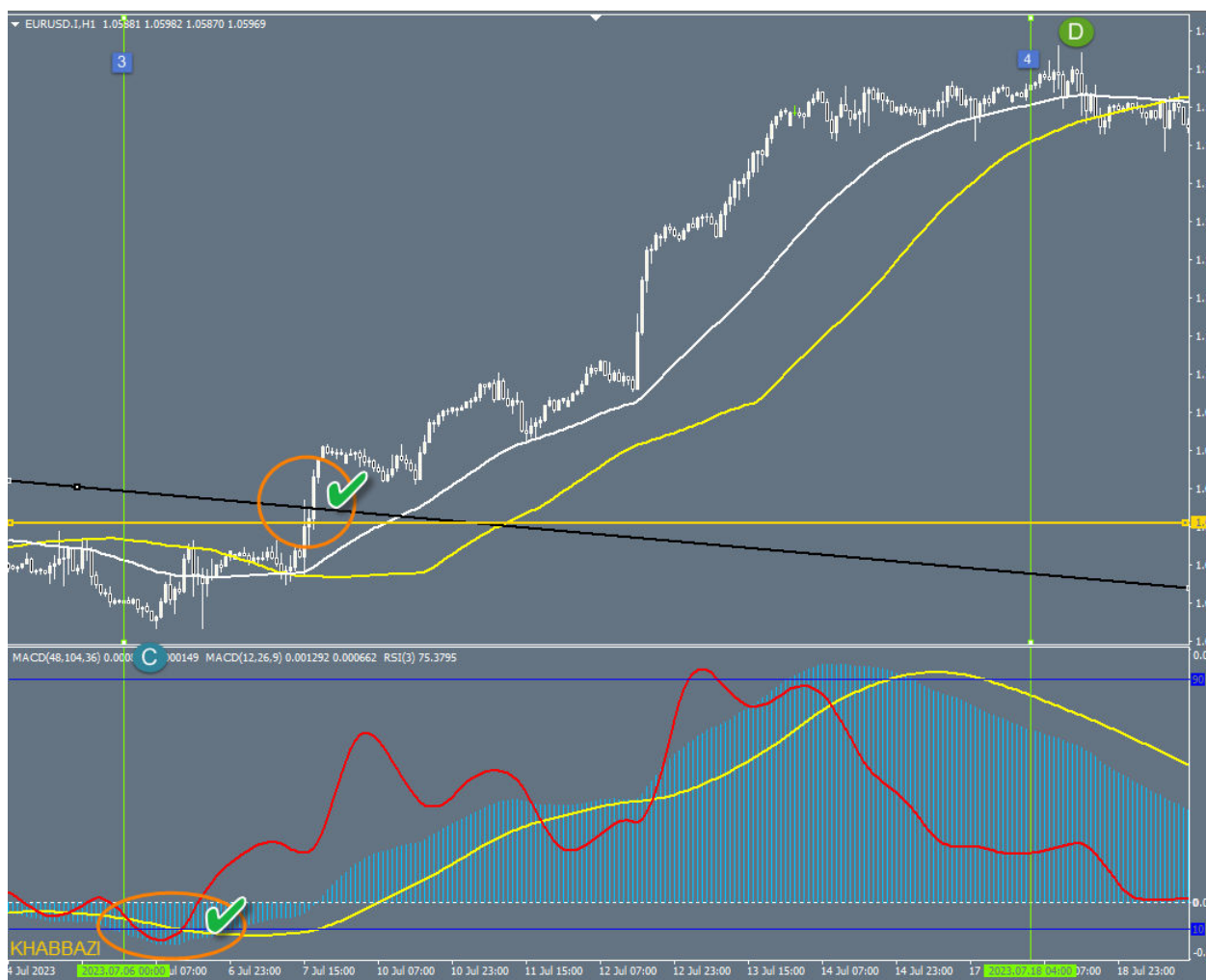
در اتمام واگرایی، اگر چارت با میز هم گرا شود (طبق شکل قبل)، روند قبلی تمام شده و روند جدید شکل می گیرد.

در اتمام واگرایی، اگر میز با چارت هم جهت شود، با همزمانی چرخه ها، روند قبلی ادامه می یابد.

در خط سوم، عدم تقارن و هم شکلی هیستو در میز و شکست خط روند موینگی را در چارت داریم.

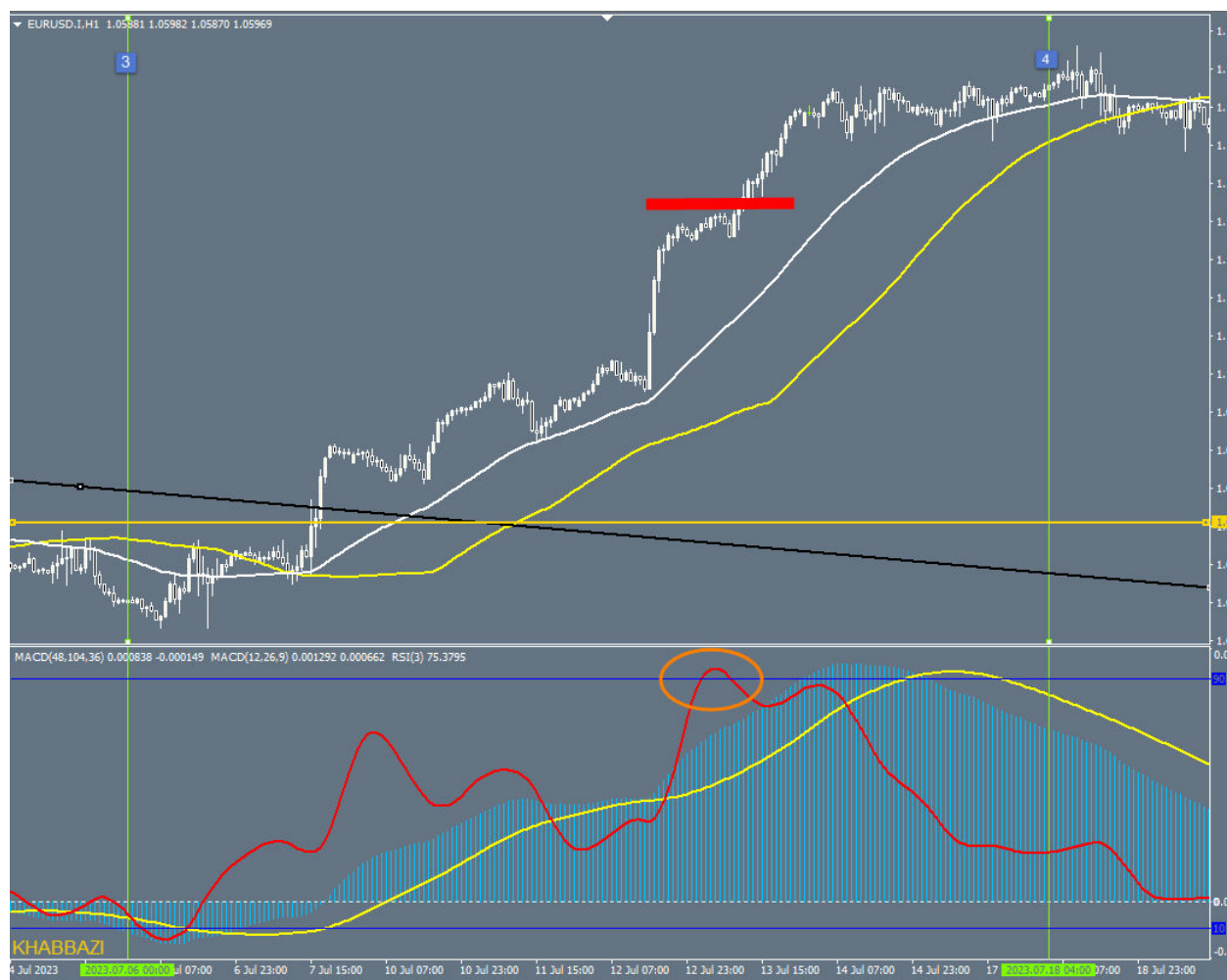


عبور از کراس محور استاتیک و خط روند موینگی و تثبیت بعد از آنها، در نقطه C از پترن فرکتالی، تایید یک حرکت روند دار می باشد.



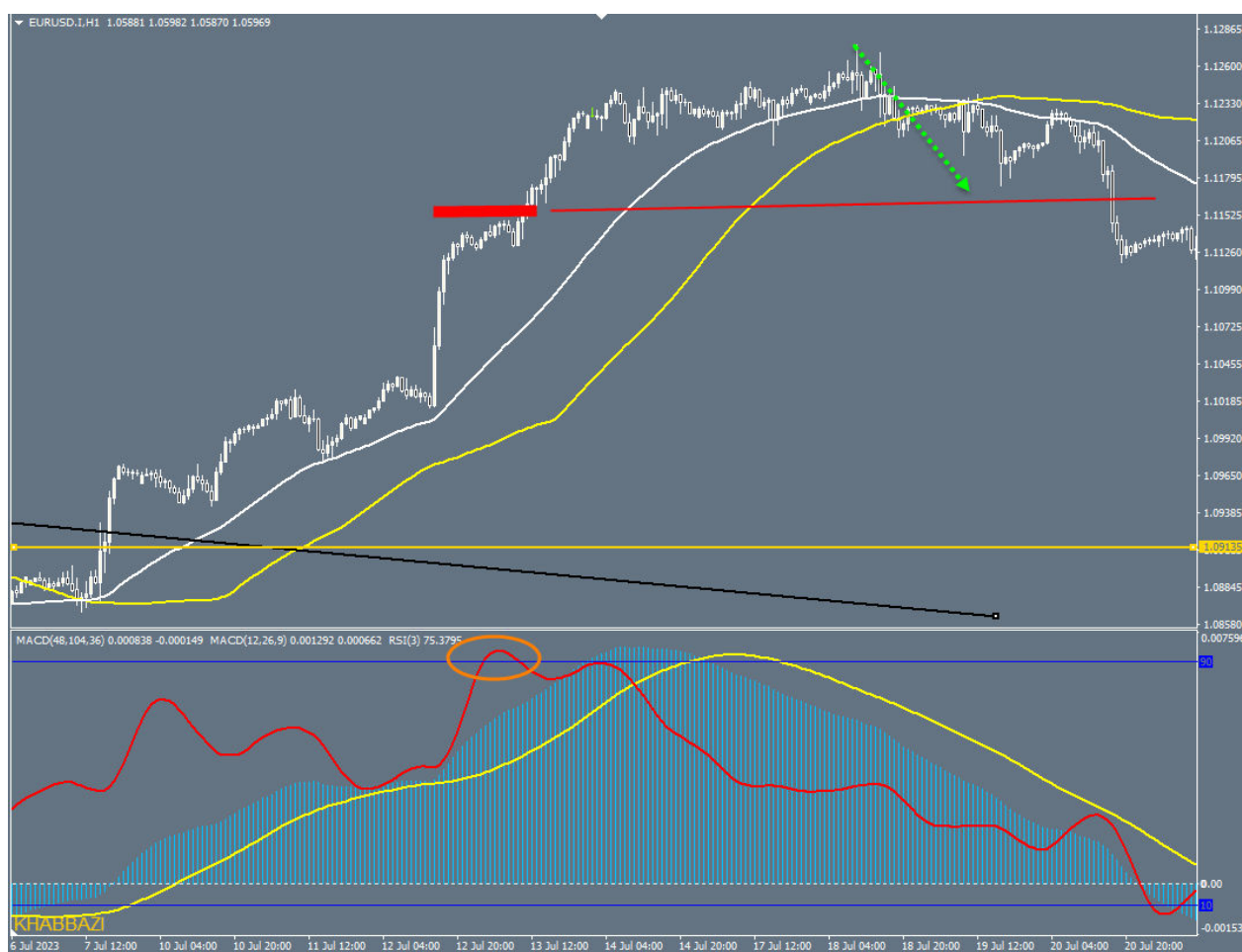
در تایم یک ساعته قرمز در سطح 90 می باشد و محدوده قیمتی اش که با خط قرمز نشان داده شده است، شکسته شده است تا چارت خودش را به ناحیه زرد در سطح 90 برساند. قرمز در تراز 90 در تایم یک ساعته، خبر از اندیکاتور زرد در سطح 90 در تایم یک چهارم یعنی پانزده دقیقه دارد.

اگر در تایم پانزده دقیقه بودیم انتظار داشتیم قیمت از این قله برگردد و ترید سل می زدیم. اما این اتفاق نیفتاده است. پس وقتی قله (یا دره) اصلی می شکند می توان با آن همراه شد تا قیمت در تایم چهار برابری آن به ناحیه زرد در قله برسد. لذا ترید از خط قرمز نشان داده شده؛ یعنی قله شکسته شده در تایم فرکتال تا قله تایم اصلی، یعنی خط چهارم، قابل انجام است.



حال که قیمت قله تایم قبل را شکست و تا قله تایم چهار برابری حرکت کرد، ترید معکوس یعنی فروش با تارگت حداقلى تاچ سطح شکسته شده(قله تایم پانزده دقیقه) و ادامه تارگتش به دید فرکتال، ترید مطمئنی می باشد.

پس دو قله(قرمز و زرد) در تراز 90 داریم. اما سطح قیمتی اشان یکی نیست. پس ترید با شکست معتبر سطح اول تا سطح دوم و سپس ترید معکوس بین این دو سطح تا یک پترن S صورت بگیرد، می تواند یک پلن معاملاتی باشد.



دقت شود این تریدها، در سطوحی هستند که منجر به فعال شدن حد ضررهای بسیاری می شود. پس در ابتدا طبق پلن باید با حساب دمو و یا سنتی 10 دلاری با لات یک صدم ترید شوند تا با کسب مهارت و احاطه به عملکرد چارت در این نواحی فقط با همین دو ترید، یعنی سطح مهمی بشکند با آن همراه شویم تا سطح مهم دیگر و سپس بلافاصله ترید معکوس بزنیم تا قیمت به سطح شکسته شده قبل برگردد، حقمان را از بازار بگیریم.

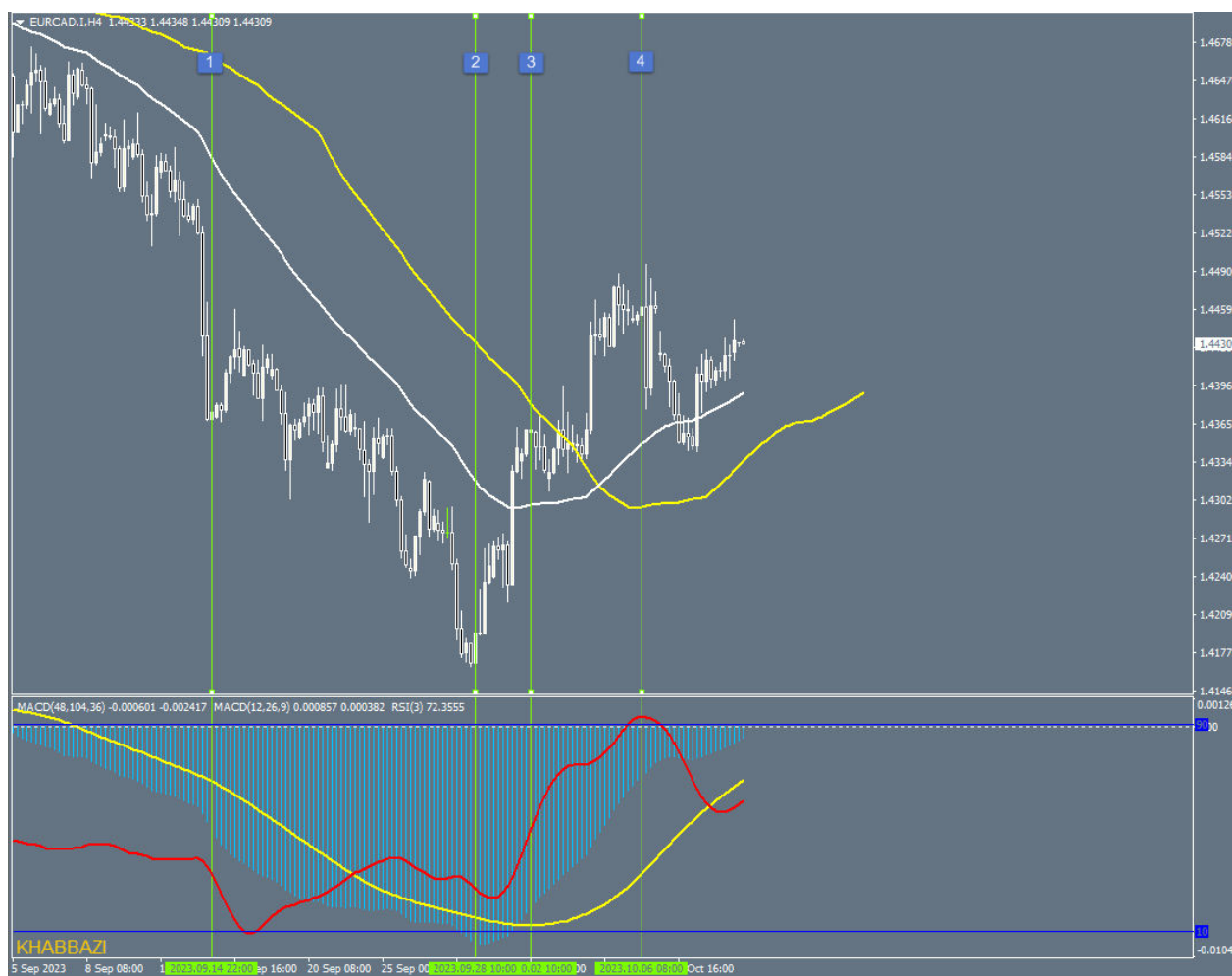
با فعال شدن حد ضرر در سطح 10، می توانیم ترید سل بزنیم تا قیمت به سطح 10 در تایم چهار برابری اش برسد و سپس ترید معکوس بزنیم.

با فعال شدن حد ضرر در سطح 90، می توانیم ترید بای بزنیم تا قیمت به سطح 90 در تایم چهار برابری اش برسد و سپس ترید معکوس بزنیم.

مثال دوم

در تایم چهار ساعته، در خط اول، خط قرمز در تراز 10 می باشد. پس در تایم یک ساعته، در خط اول، خط زرد باید در تراز 10 باشد. این سطح که دره تایم یک ساعته است شکسته شده است. لذا قیمت تا دره تایم چهار ساعته یعنی خط دوم، ادامه حرکت داده و در برگشت، این سطح را تاچ می کند.

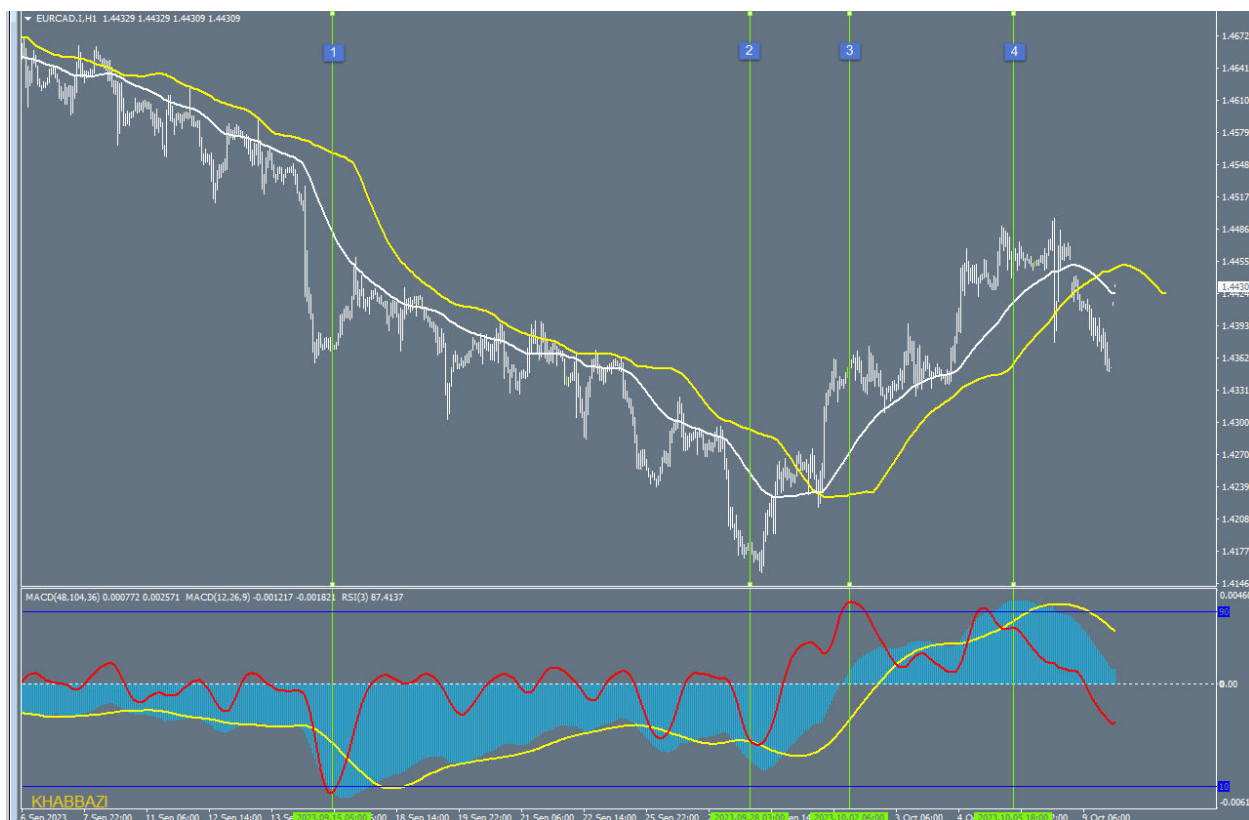
لذا از سطح شکسته شده، ابتدا یک ترید فروش می زنیم تا دره تایم چهار ساعته و سپس یک ترید خرید می زنیم تا دره تایم یک ساعته که شکسته شده است.



به تایم فرکتال می رویم.

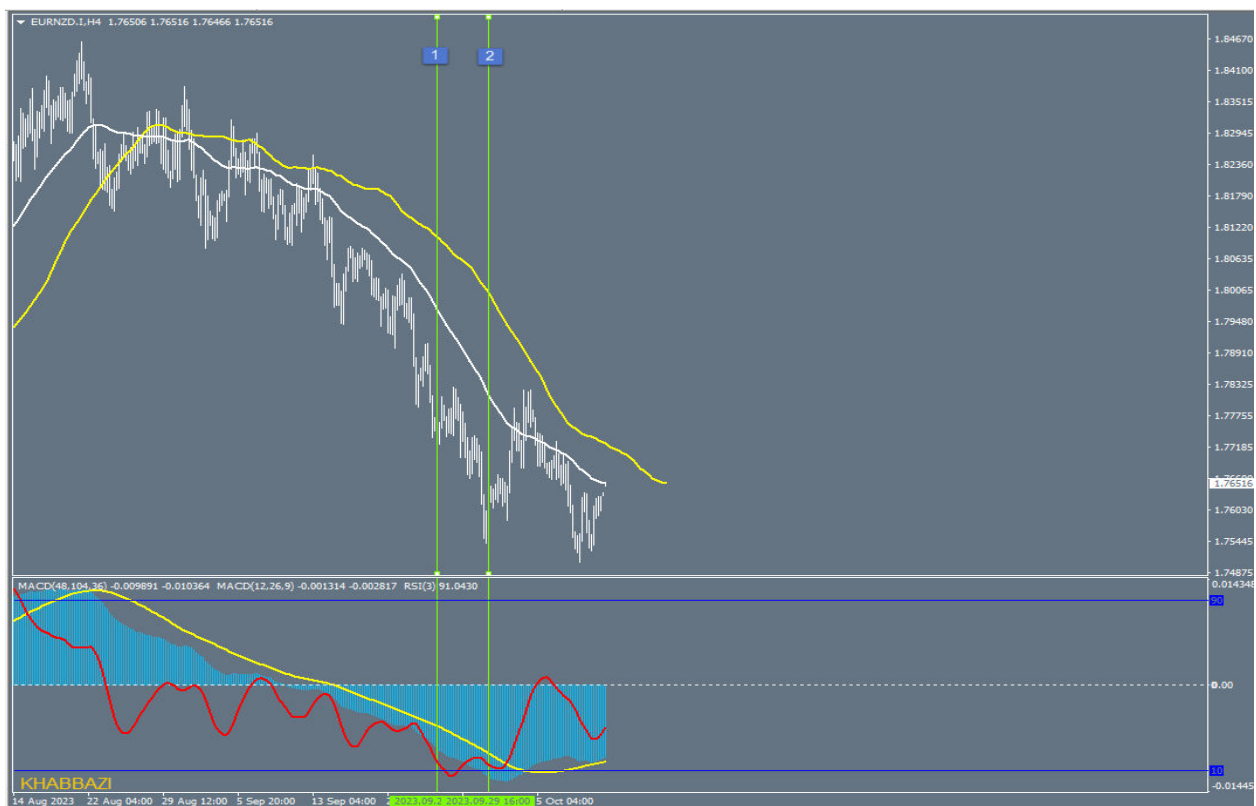
در خط اول، شروع واگرایی را بین دو خط زرد در چارت و میز دارید. هر گاه قیمت، وقتی اندیکاتور زرد در میز در تراز 10 است، این سطح را بشکند، شروع واگرایی خواهد بود که می توان ترید فروش زد.

وقتی اندیکاتور زرد در میز در تایم چهار برابری به تراز 10 برسد، اتمام واگرایی می باشد که ترید فروش را می توان بست و ترید خرید تا سطح شروع واگرایی زد.



دقت شود هیچ قطعیتی در این که قیمت از دره و قله چهار برابری بعد از شکسته شدن دره و قله یک چهارمی برگردد وجود ندارد زیرا شاید مایل باشد در همان جهت ادامه حرکت دهد و بخواهد در تایم چهار برابری بعدی بر گردد.

مثال سوم

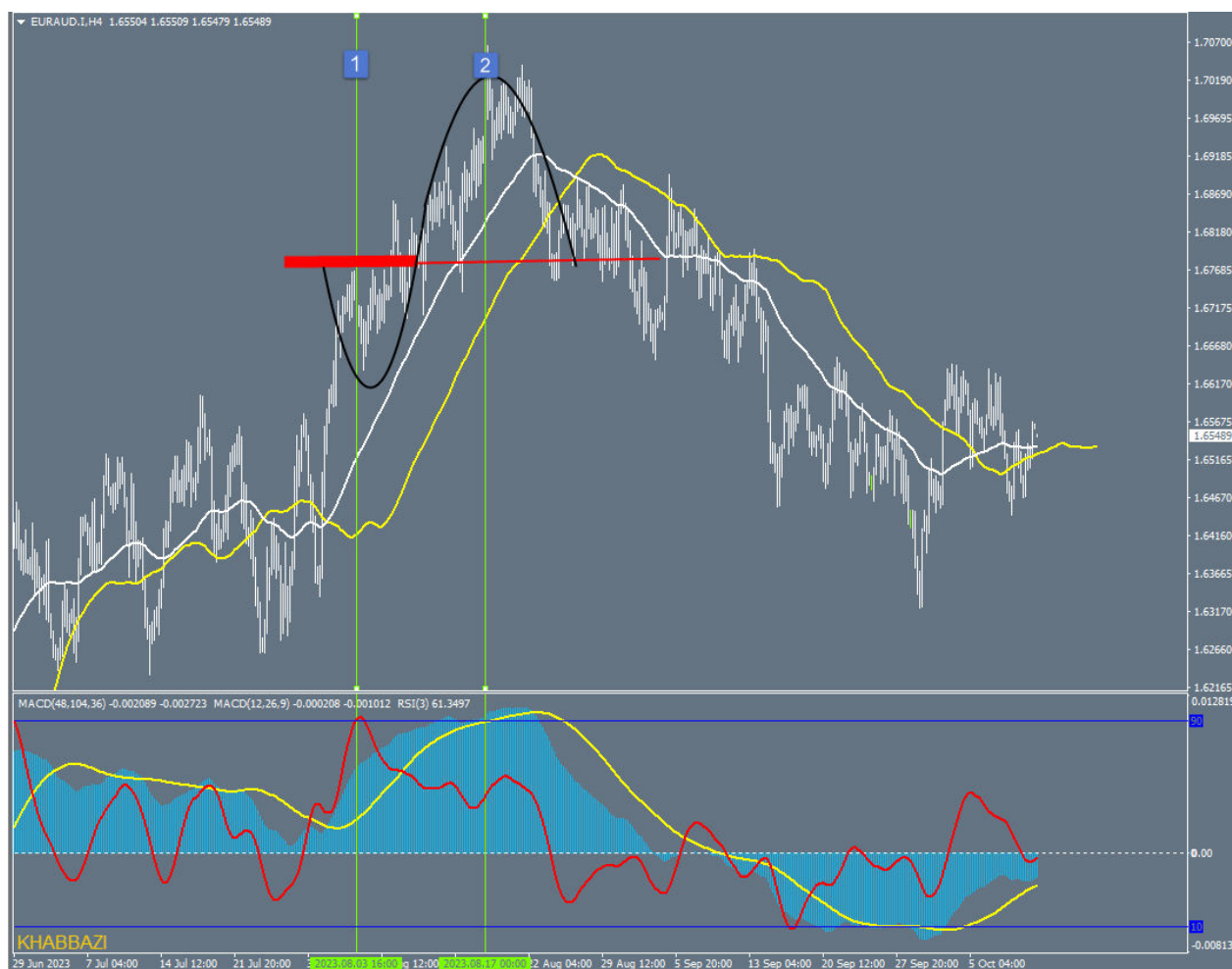


مثال چهارم

در تایم چهار ساعته، در خط اول، خط قرمز در تراز 90 می باشد. پس در تایم یک ساعته، در خط اول، خط زرد باید در تراز 10 باشد. این سطح که قله تایم یک ساعته است شکسته شده است.

لذا قیمت تا قله تایم چهار ساعته یعنی خط دوم ادامه حرکت داده و در برگشت این سطح را تاج می کند.

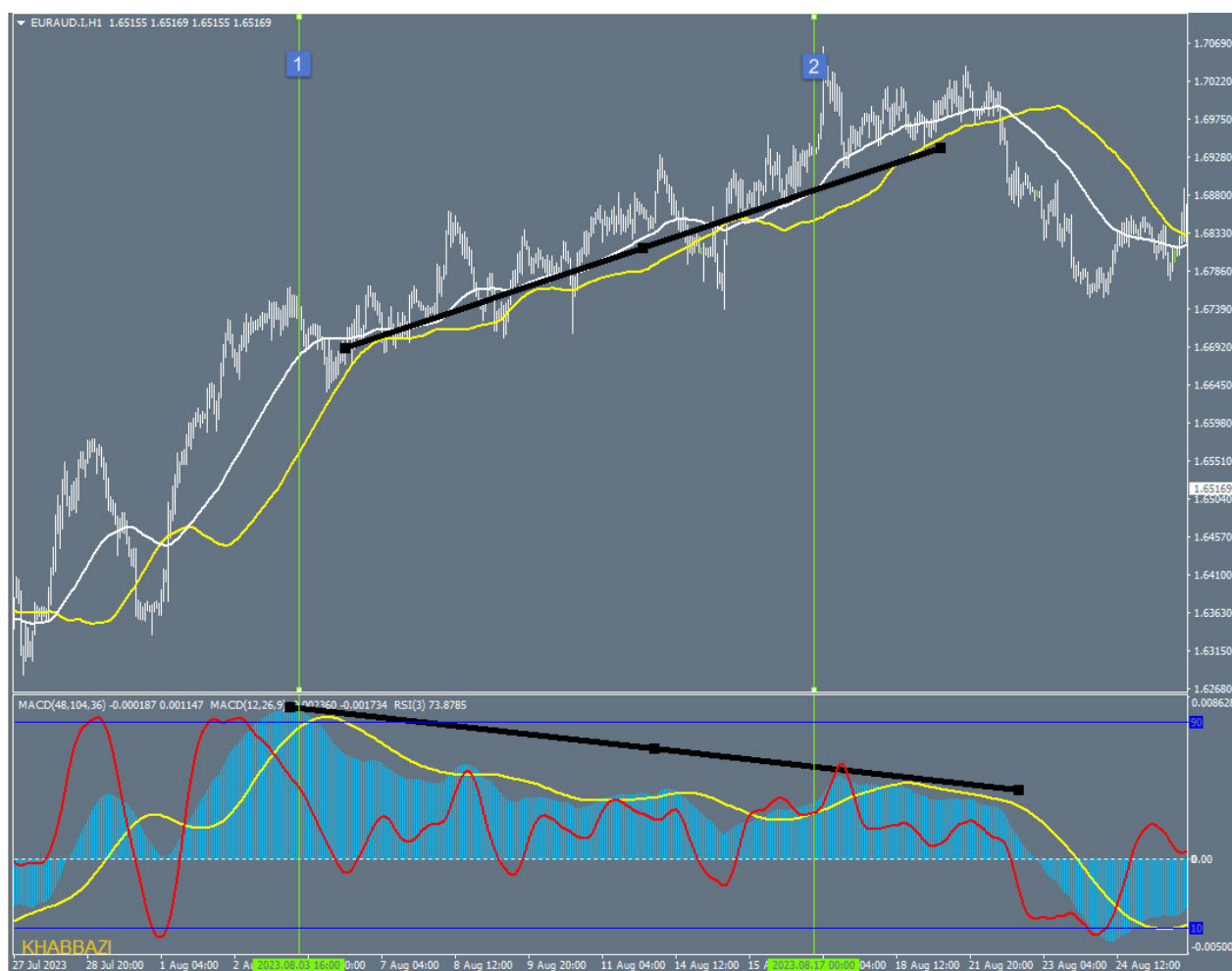
لذا از سطح شکسته شده ابتدا یک ترید خرید تا قله تایم چهار ساعته می زنیم و سپس یک ترید فروش تا قله تایم یک ساعته که شکسته شده است، می توان زد.



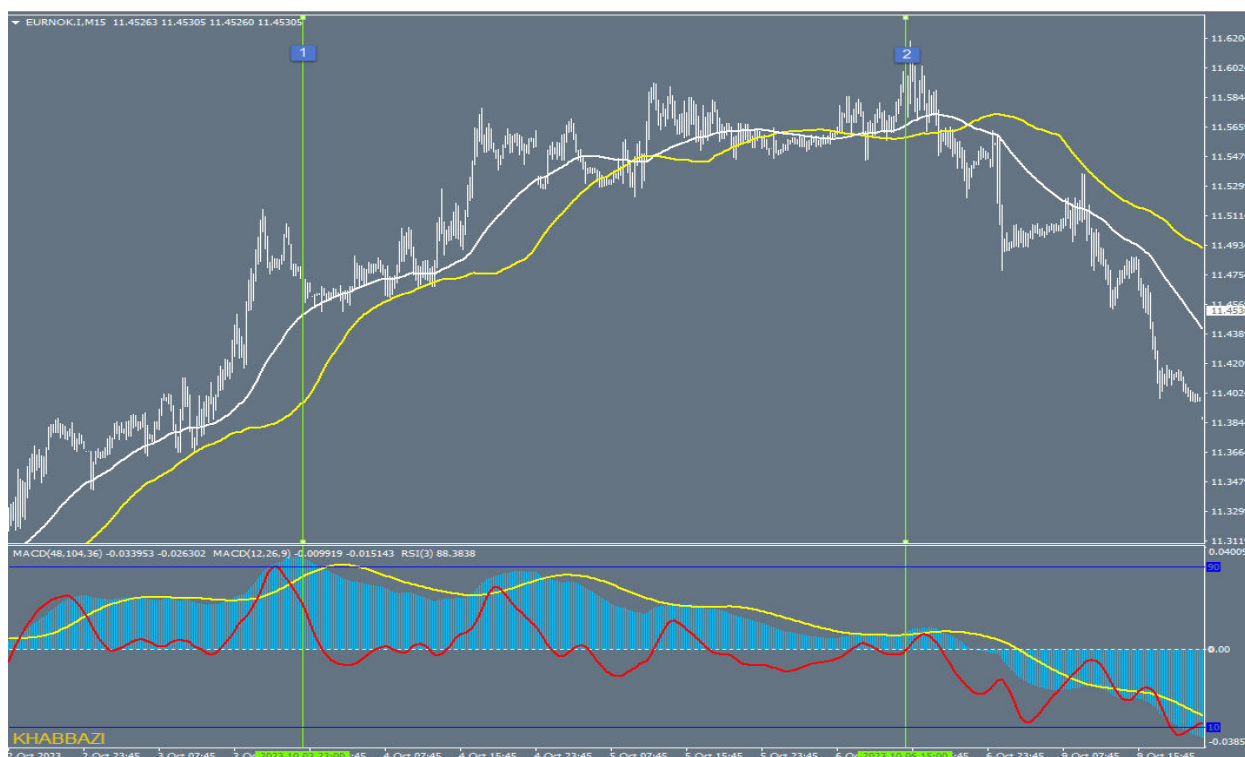
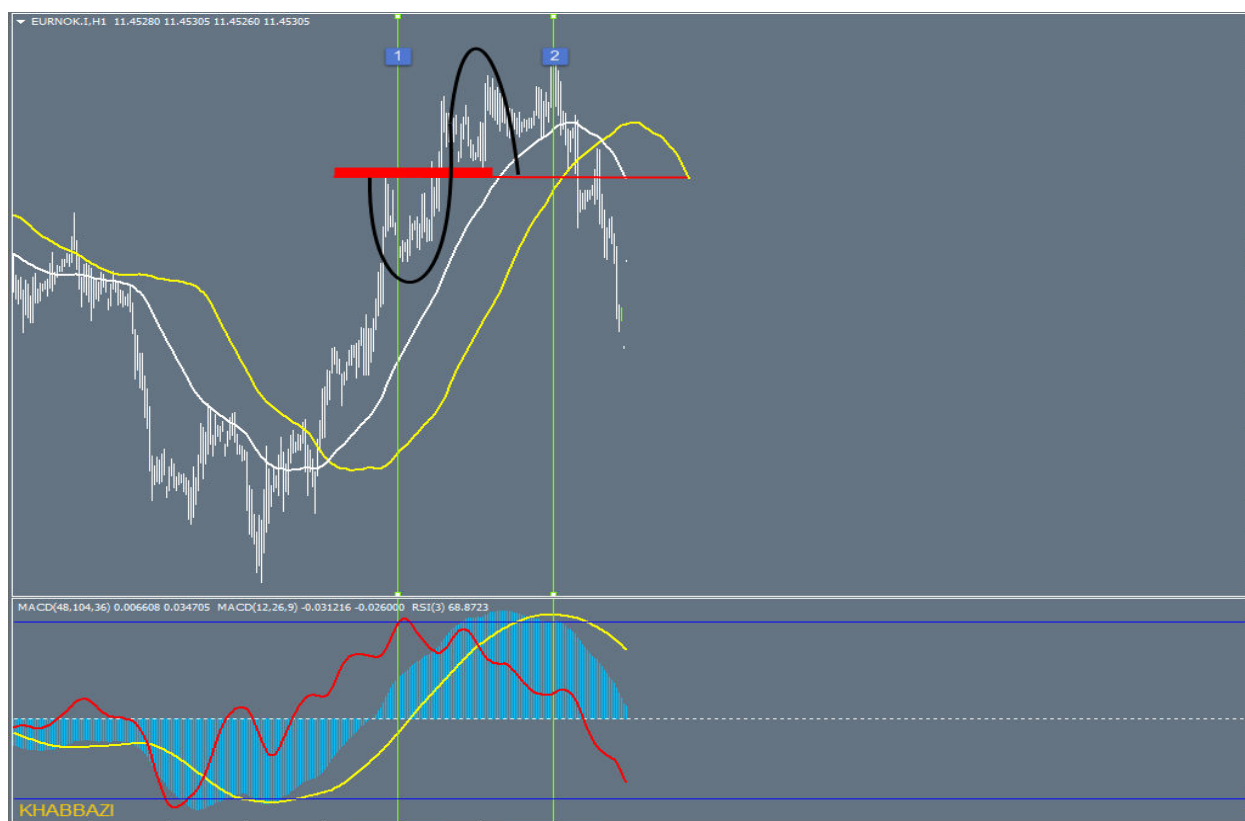
در خط اول، شروع واگرایی بین دو خط زرد در چارت و میز دارید. وقتی اندیکاتور زرد در تایم یک چهارم در تراز 90 است و قیمت این سطح را بشکند، شروع واگرایی خواهد بود که می توان ترید خرید زد.

وقتی اندیکاتور زرد در میز در تایم چهار برابری به تراز 90 برسد، اتمام واگرایی می باشد. که ترید خرید را می توان بست و ترید فروش تا سطح شروع واگرایی زد.

از قبل در خط اول خط زرد در اشباع بوده است. پس در خط دوم با کراس خطوط (مشکی و) قرمز با زرد، چرخه ها هم جهت می شوند و دیگر دلیلی برای به تراز 90 رفتن خط زرد وجود ندارد.



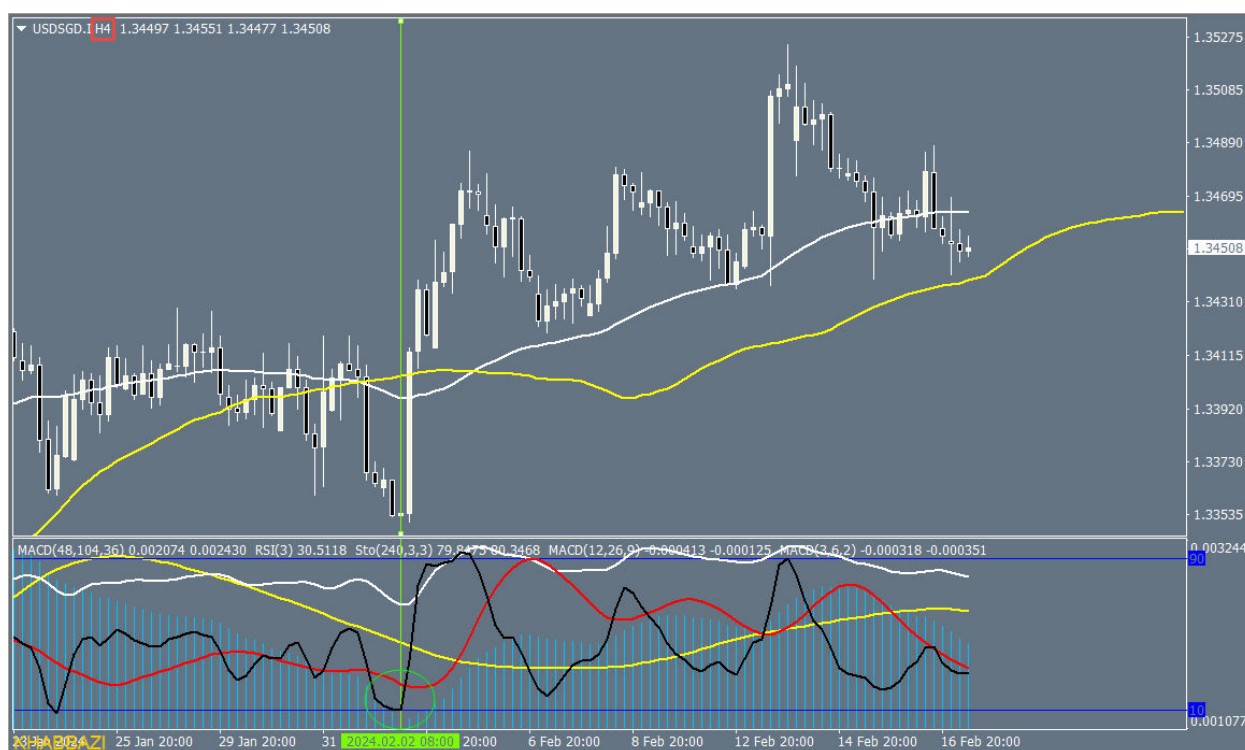
مثال پنجم



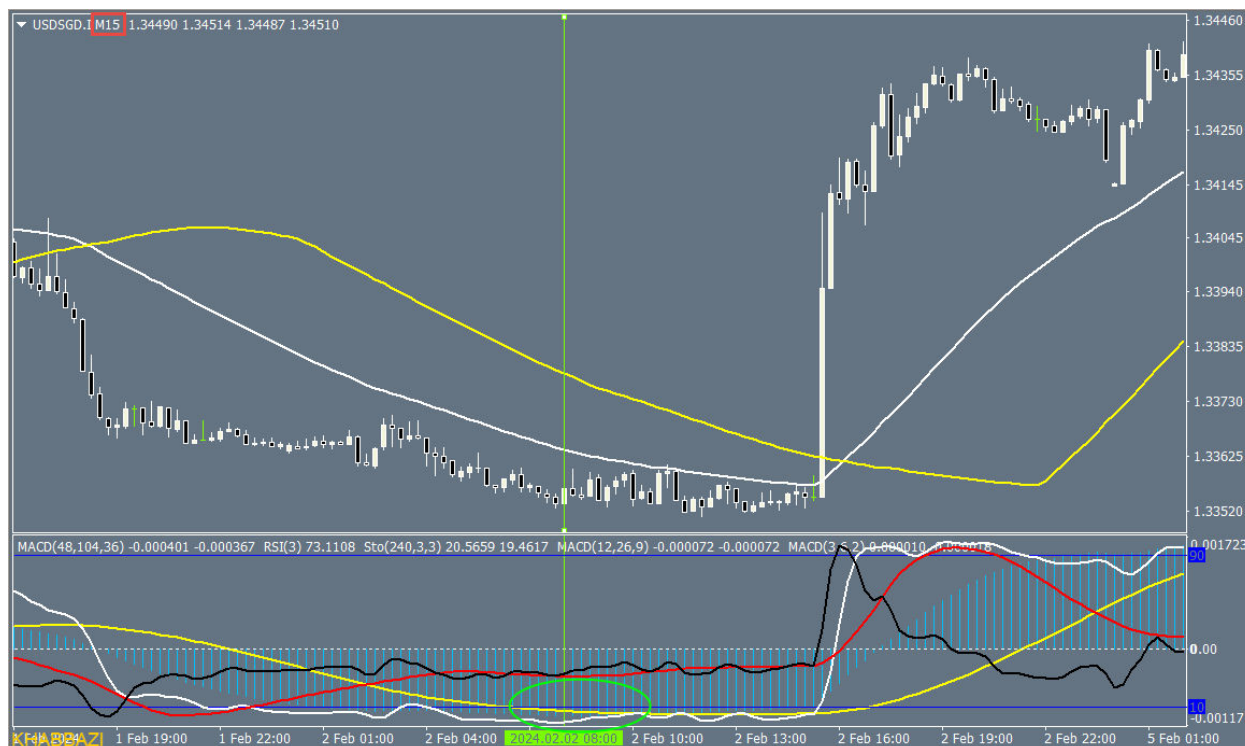
مثال ششم

حال که با میز اندیکاتوری آشنا شدید مکدی یک چهارم مکدی دیفالت (خط مشکی) را نیز به میز اندیکاتوری اضافه می کنیم. این مکدی از نظر ایچی، نقش قیمت و از نظر فرکتال، نشانگر قیمت در تایم یک شانزدهم تایم مورد نظر می باشد.

به عنوان مثال اگر چارت مورد نظرمون چهار ساعته است و چارت در این تایم باز است، همانطور که خط قرمز در میز، وضعیت قیمت در تایم یک ساعته را نشان می دهد؛ خط مشکی وضعیت قیمت در تایم پانزده دقیقه را نشان خواهد داد. پس اگر وقتی خط مشکی در تایم چهار ساعته در تراز 10 است؛ خط عمود بیندازیم :



حال در تایم پانزده دقیقه، در خط عمود، خط زرد(یا هیستو مربوط به آن که پیش فازش است) در تراز 10 از RSI می باشد. پس در همان تایم چهار ساعته بدون نیاز به تغییر تایم، از وضعیت چرخه تایم پانزده دقیقه مطلع هستیم.



در تایم چهار ساعته، از اندیکاتور زرد برای تحلیل قیمت در همین تایم استفاده می کنیم. اندیکاتور قرمز، که مکدی دیفالت است؛ همزمان در همین تایم، وضعیت قیمت در تایم یک چهارم یعنی یک ساعته را به ما نشان می دهد و اندیکاتور مشکی که مکدی یک چهارم است در همین تایم چهار ساعته، وضعیت قیمت در تایم یک شانزدهم آن یعنی پانزده دقیقه را نشان می دهد.

مکدی چهار برابر معادل تایم اصلی منظور شده است تا در پلن اصلی با اولییتی که به میز اندیکاتوری می دهیم، به صورت ساده، حرکت اصلاحی را از غیر اصلاحی

تشخیص دهیم و چون خطوط قرمز و مشکی نیز با همین دیدگاه معادل سازی شده اند پس در کلیت فرکتال، مشکلی ایجاد نمی کند.

مثال هفتم

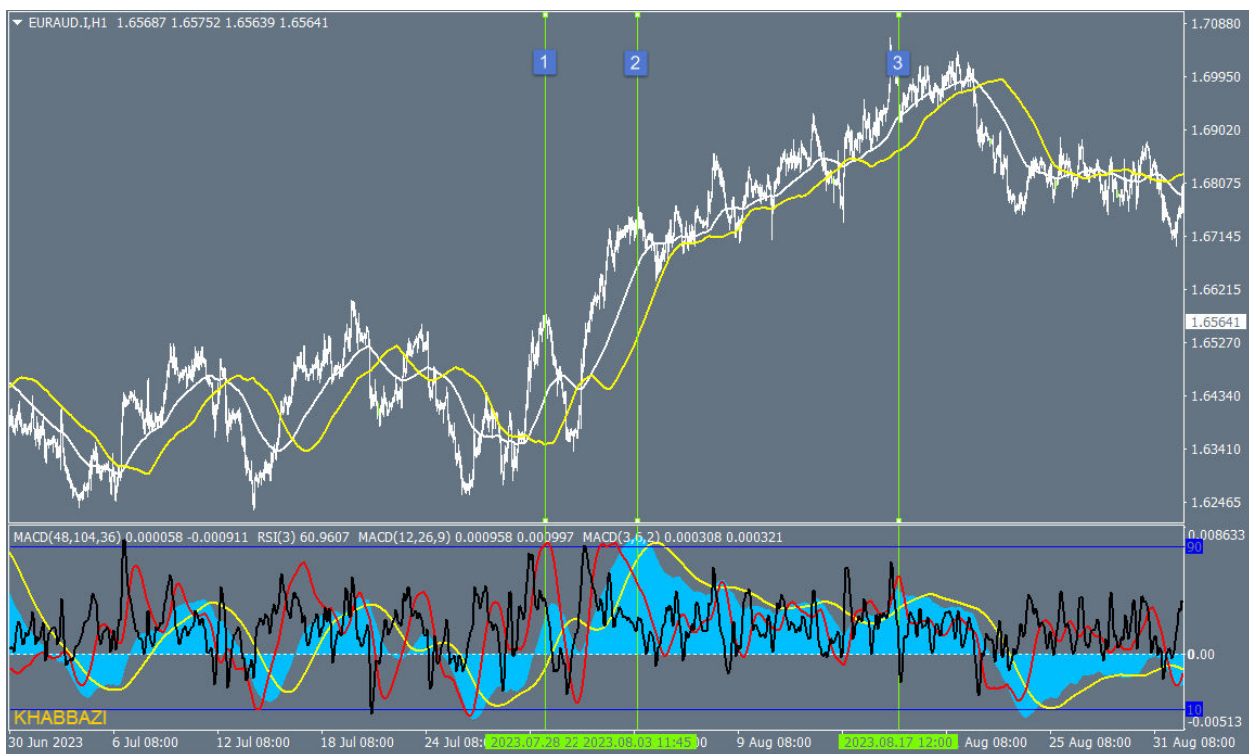
چارت مربوط به تایم چهار ساعته است. در خط اول، خط مشکی در تراز 90 می باشد که خبر از آن دارد که در تایم پانزده دقیقه، اندیکاتور زرد در تراز 90 یعنی قله است.

همچنین در خط دوم، اندیکاتور قرمز در تراز 90 است پس خبر می دهد که خط زرد در تایم یک چهارمی آن یعنی تایم یک ساعته در تراز 90 است.

پس وضعیت دو تایم فرکتال را در تایم چهار ساعته داریم (میز مولتی تایم است).

با شکسته شدن قیمت در تایم یک ساعته در خط اول که به معنی قله تایم پانزده دقیقه است، انتظار داشتیم که از خط دوم قیمت، برگشت نماید و به قله شکسته شده تایم پانزده دقیقه، پولبک بزند.

اما پولبک نزده است؛ بنابراین قله تایم یک ساعته نیز در خط دوم شکسته شده است. پس در خط سوم که قله تایم چهار ساعته است می توان انتظار برگشت قیمت و تاج قله های شکسته شده را داشت. در این صورت در قله چهار ساعته، هم زمانی چرخه ها را خواهیم داشت.





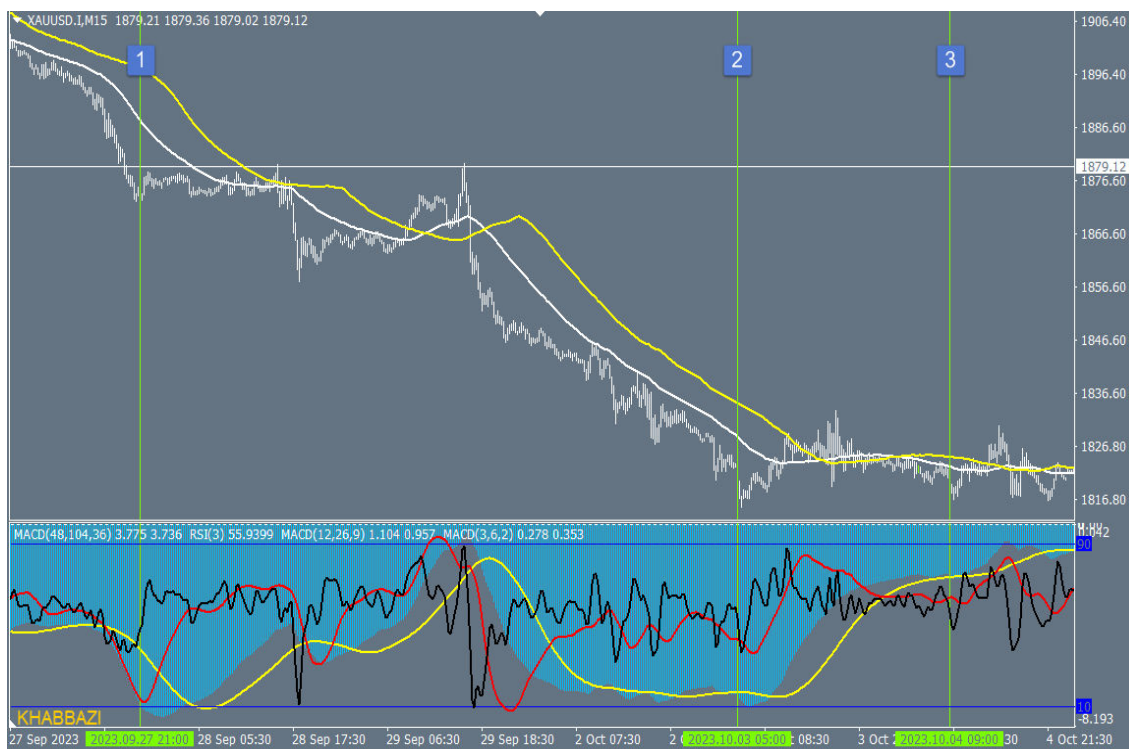
مثال هشتم

قیمت در خط دوم و سوم که متناظر با دره های تایم چهار برابری و یک برابری می باشند، در یک سطح، کف سازی کرده است.

اما قیمت در خط اول که متناظر با تایم یک هشتمی است، شکسته شده و هم سطح با قیمت در خطوط دوم و سوم نیست.

پس در برگشت قیمت از ناحیه دره های خط دوم و سوم که دارای یک کف هستند، دره شکسته شده تایم پانزده دقیقه یعنی سطح متناظر با خط اول تاچ خواهد شد.





مثال نهم

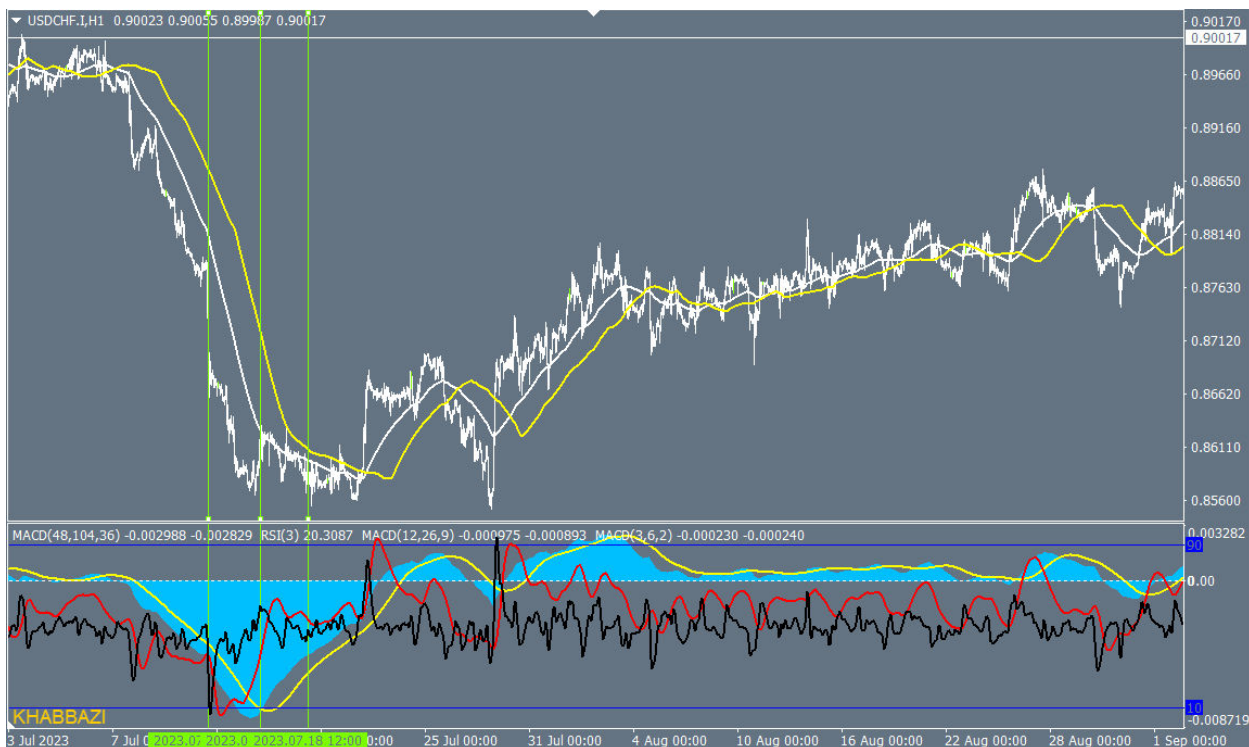
سه خط عمود، اشباع سه سیکل در میز اندیکاتوری را نشان می دهند.

در ناحیه مربوط به خط افقی سبز، که دره سه تایم را داریم، قیمت کف سازی خوبی انجام داده است. پس با توجه به هم پوشانی سیکل ها انتظار برگشت قیمت می باشد.

در واقع در کف، هم زمانی چرخه ها برقرار می باشد.

تارگت ها در برگشت قیمت، تاج دره تایم فرکتال و یک چهارم فرکتال می باشد.





ترید اصلاحی

در قله تایم چهار ساعته انتظار دو ترید از قله به دره در تایم یک چهارم آن یعنی تایم یک ساعته را داریم.

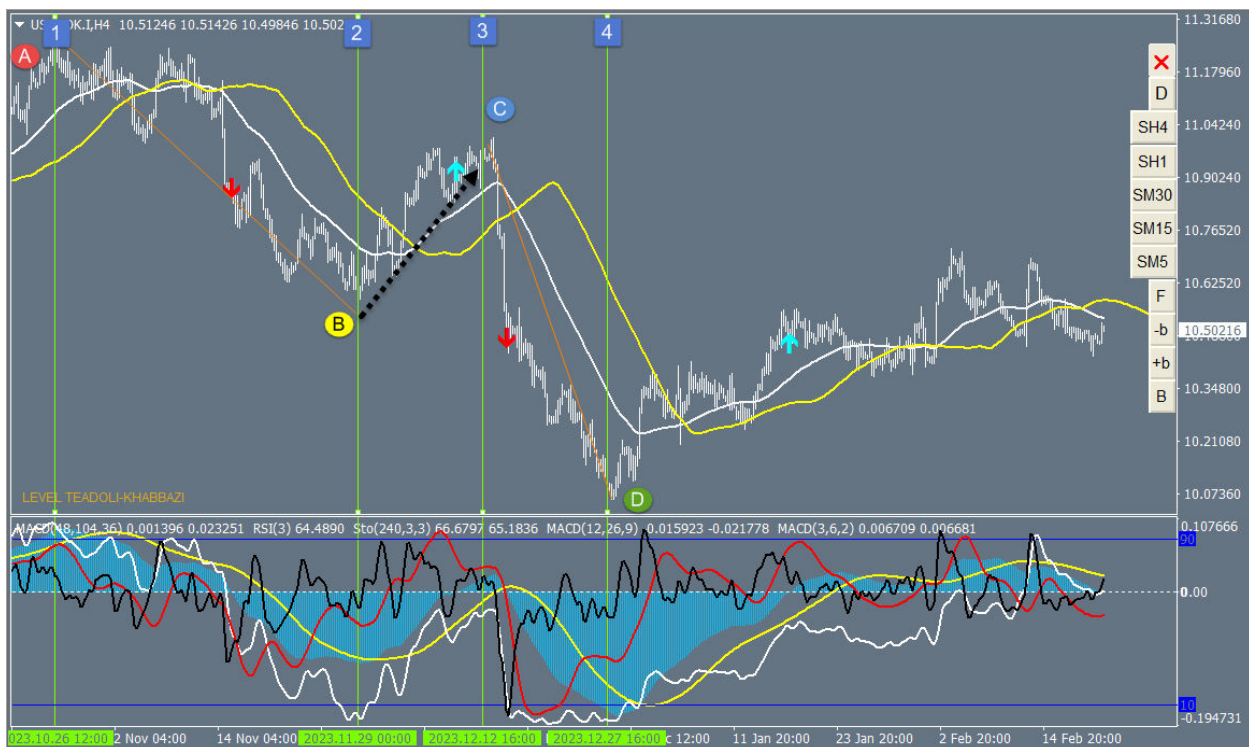
به عبارت بهتر بعد از خروج از رالی اول، انتظار می کشیم تا قیمت از دره رالی اول که دره تایم یک ساعته است (خط زرد در تراز 10) به قله رالی دوم که قله تایم یک ساعته (خط زرد در تراز 90) است برود و حال که در جهت تایم چهار ساعته است، ترید فروش دوم را انجام دهیم.

در واقع با دید فرکتال می توان حرکت مخالف یا اصلاحی یا رنج را توسط تایم یک چهارم حذف نمود. اما در صورت حرفه ای شدن می توان با توجه به این که اصلاح نیز در تایم خودش که ترید مستقلی است، یک ترید خرید که مخالف روند است، بین دو ترید موافق روند، انجام داد.

ترید اصلاحی از دره تایم یک ساعته (قیمت در محدوده تراز 10) تا قله تایم یک ساعته (قیمت در محدوده تراز 90) می توان با حد ضرر و حد سود مشخص انجام داد. این ترید شامل ترید از نقطه B تا نقطه C می باشد.

لگ C از بن بست هیستو صفر (یا هیستو فیک)، شکل می گیرد.

اگر کلی تر به این ترید نگاه کنیم می توانیم انتهای هر حرکت بلند مدتی در تایم پایین را با بن بست هیستو صفر یا هیستو فیک در تایم بالاتر مشخص کنیم.



تحلیل زمانی

حرکت ایده آل در تایم اصلی، معمولاً با دو حرکت یا رالی در تایم فرکتال یا تایم پایین تر می تواند باشد که با یک حرکت اصلاحی از یک دیگر جدا شده اند. جمع این سه حرکت متوالی، تشکیل پترن **N** را می دهد. از آنجا که این پترن در حالت ایده آل داخل باکس فرکتال جا می گیرد، یعنی در تایم اصلی، بر اساس قله و دره فرکتالی شکل می گیرد، آن را **پترن فرکتال** می نامیم.

در حالت ایده آل، رالی باکس ها از نظر قیمتی (ارتفاع) و پهنا (تعداد کندل یعنی زمان) با یکدیگر برابر می باشند، اما مسلماً ستاپ توازن، همیشه به صورت ایده آل نیست. امکان دارد رالی باکس ها فقط از نظر قیمت و یا فقط از نظر تعداد کندل با هم برابر باشند و یا هیچ هم وزنی با یکدیگر نداشته باشند.

اگر ستاپ توازن از نظر زمان تحلیل پذیر باشد، تعداد کندل دو رالی با یکدیگر برابر خواهد بود. یعنی در تایم فرکتال دو حرکت مساوی با تعداد کندل برابر از دره به قله و یا بر عکس خواهیم داشت.

در حالت دیگری از تحلیل زمانی، کندل های یک رالی، مساوی مجموع کندل های رالی دیگر با کندل های لگ اصلاح، خواهد بود.

برای نمایش تعداد کندل پترن از یک خط افقی که ابتدایش ابتدای پترن یعنی نقطه **A** و پایانش، انتهای پترن یعنی نقطه **D** می باشد، استفاده شده است. بعد از تکمیل پترن، اگر وسط این خط افقی که کل کندل های پترن را در بر گرفته، در وسط دو لگ **B** و **C** باشد، تعداد کندل دو رالی با یکدیگر برابر است.

اگر وسط خط افقی بر روی یکی از لگ های **B** و **C**، بیفتد حالت دوم تحلیل زمانی بین لگ ها برقرار است و باز پترن به صورت پترن فرکتالی قابل قبول می باشد. در غیر این صورت تحلیل زمانی در باکس فرکتال برقرار نیست.

پترن فرکتال، مانند باکس فرکتال و رالی باکس ها، به عنوان شرط لازم برای ترید نیستند؛ اما در کنار شروط لازم برای باز یا بسته نمودن هر ترید یعنی هم پوشانی تعادلی به عنوان شرط اول و میز اندیکاتوری به عنوان شرط دوم، اطمینان بخشی خوبی به واکنش چارت به انتهای پترن فرکتالی خواهد بود.

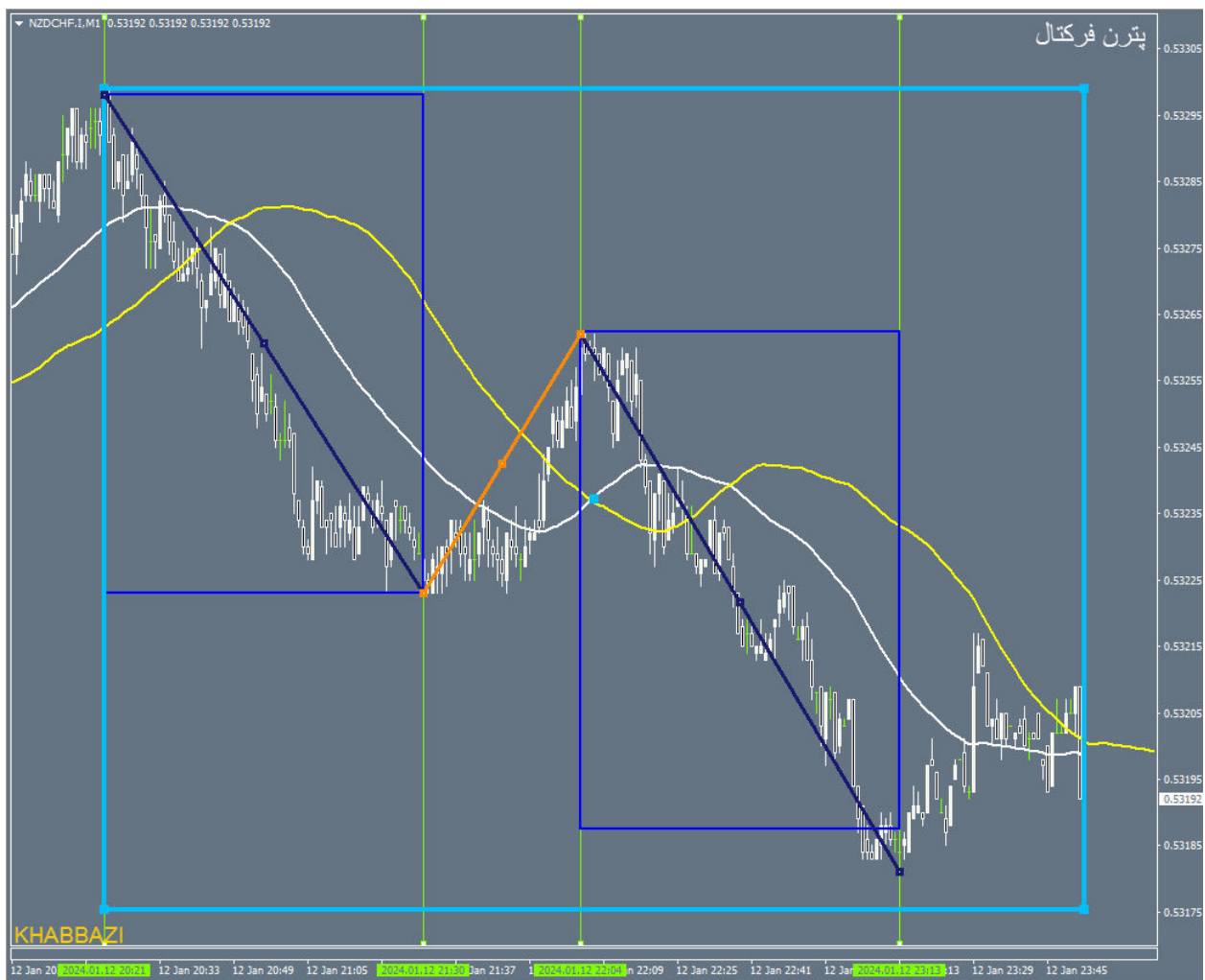
مسئله اگر همه این موارد نیز برقرار باشند باز در حکم شرط کافی هم، نخواهند بود، چرا که **قطعیتی حداقل در سبک تعادل وجود ندارد.**

مثال اول

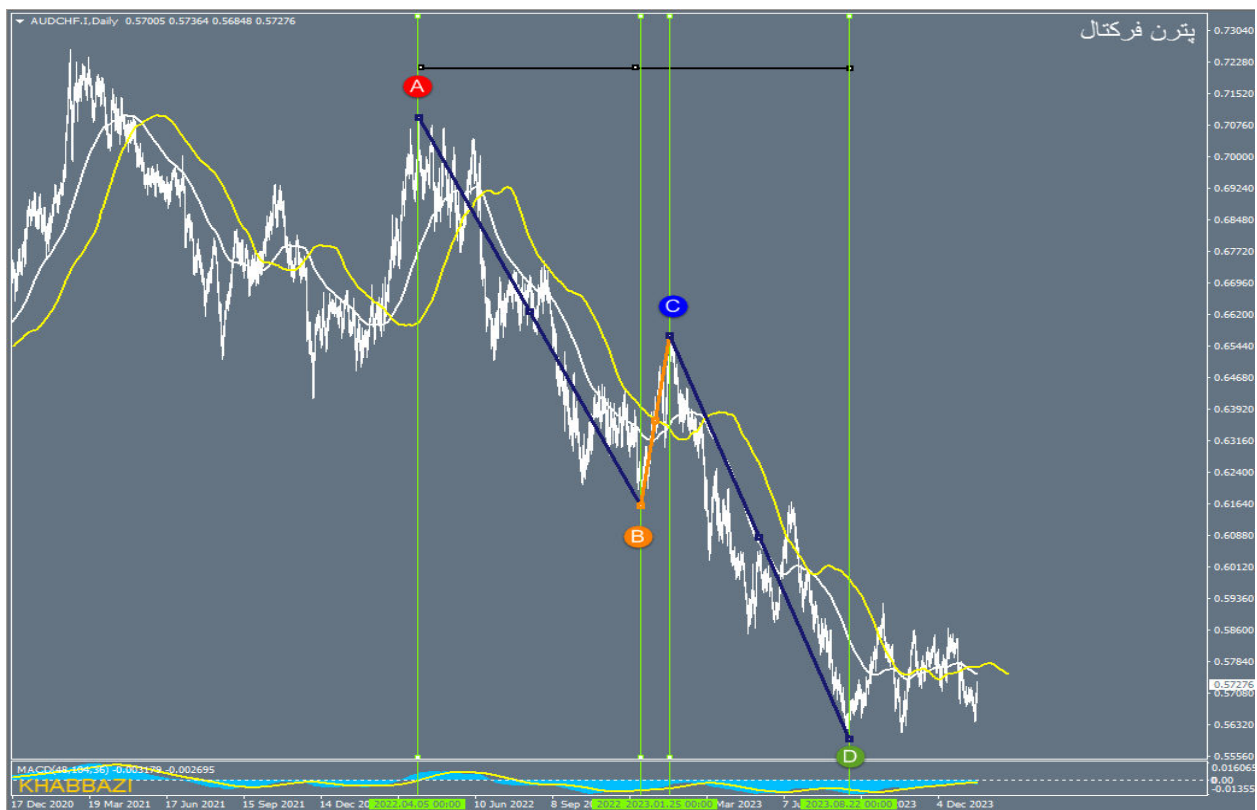
در پترن فرکتال نزولی، **A** قله تایم اصلی، **B** دره تایم فرکتال، **C** قله تایم فرکتال و **D** دره تایم اصلی می باشد. امکان دارد در میز اندیکاتوری خط قرمز در همین تایم و یا خط زرد در تایم فرکتال نیز در نقطه **A** در قله (تراز 90) باشد یعنی هم پوشانی قله ها را داشته باشیم و یا کمی قبل تر در قله بوده و الان در حال واگرایی با خط هم رنگش در چارت و یا به صورت کلی با قیمت باشد.

همچنین در میز اندیکاتوری خط قرمز در همین تایم و یا خط زرد در تایم فرکتال نیز در نقطه **D** در دره (تراز 10) باشد یعنی هم پوشانی دره ها را داشته باشیم و یا کمی قبل تر در دره بوده و الان در حال واگرایی با خط هم رنگش در چارت و یا به صورت کلی با قیمت باشد.

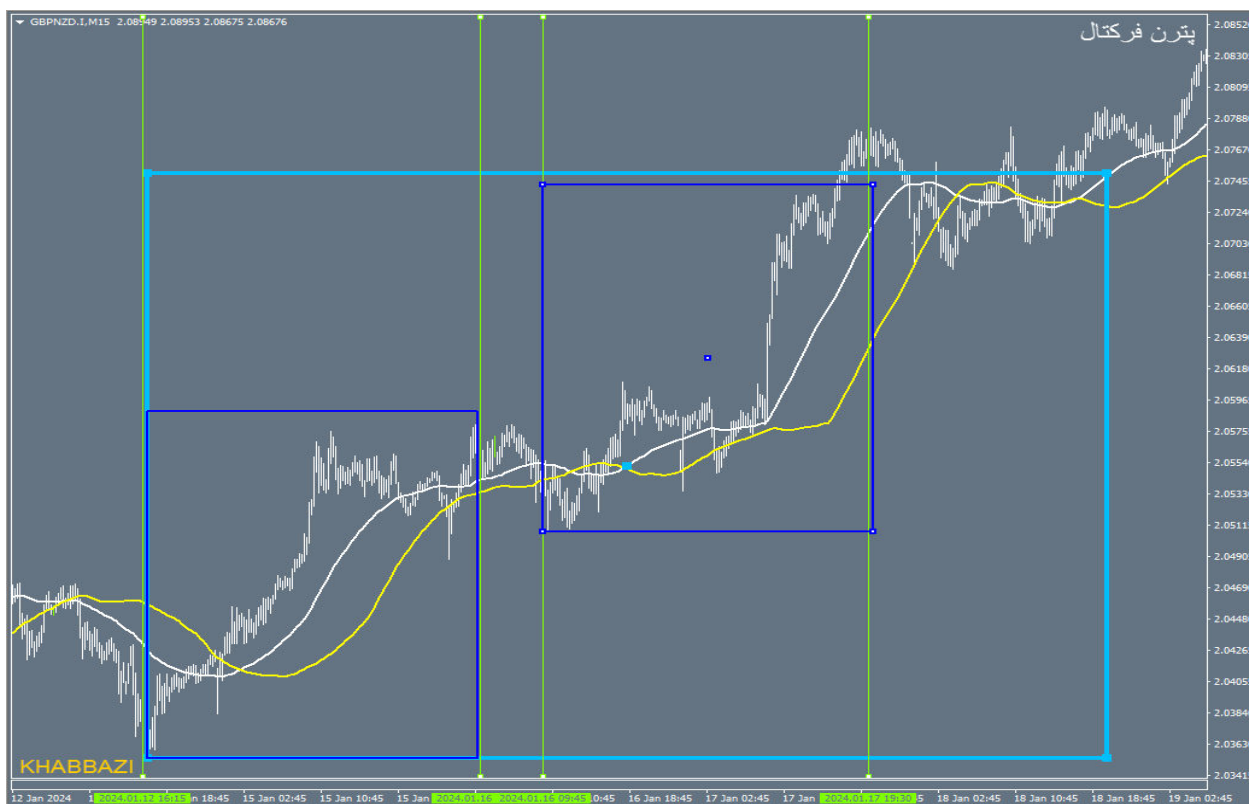
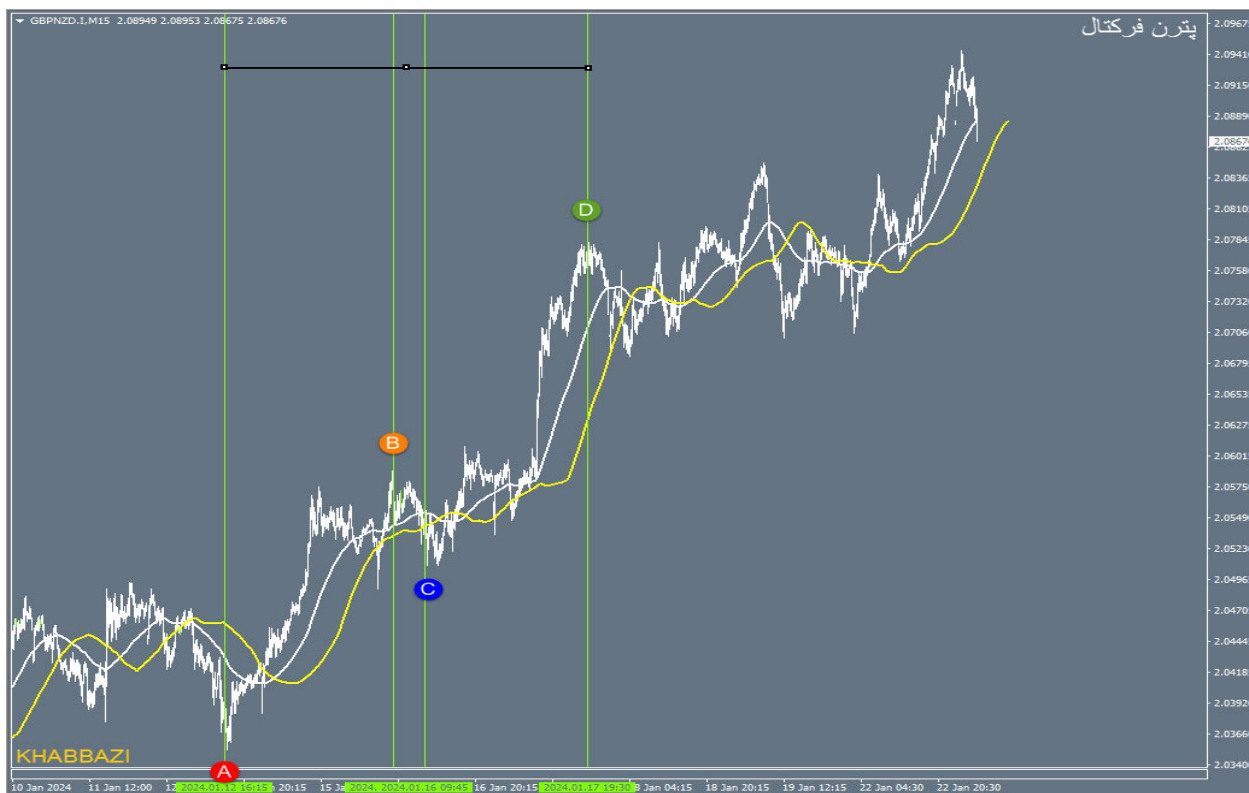




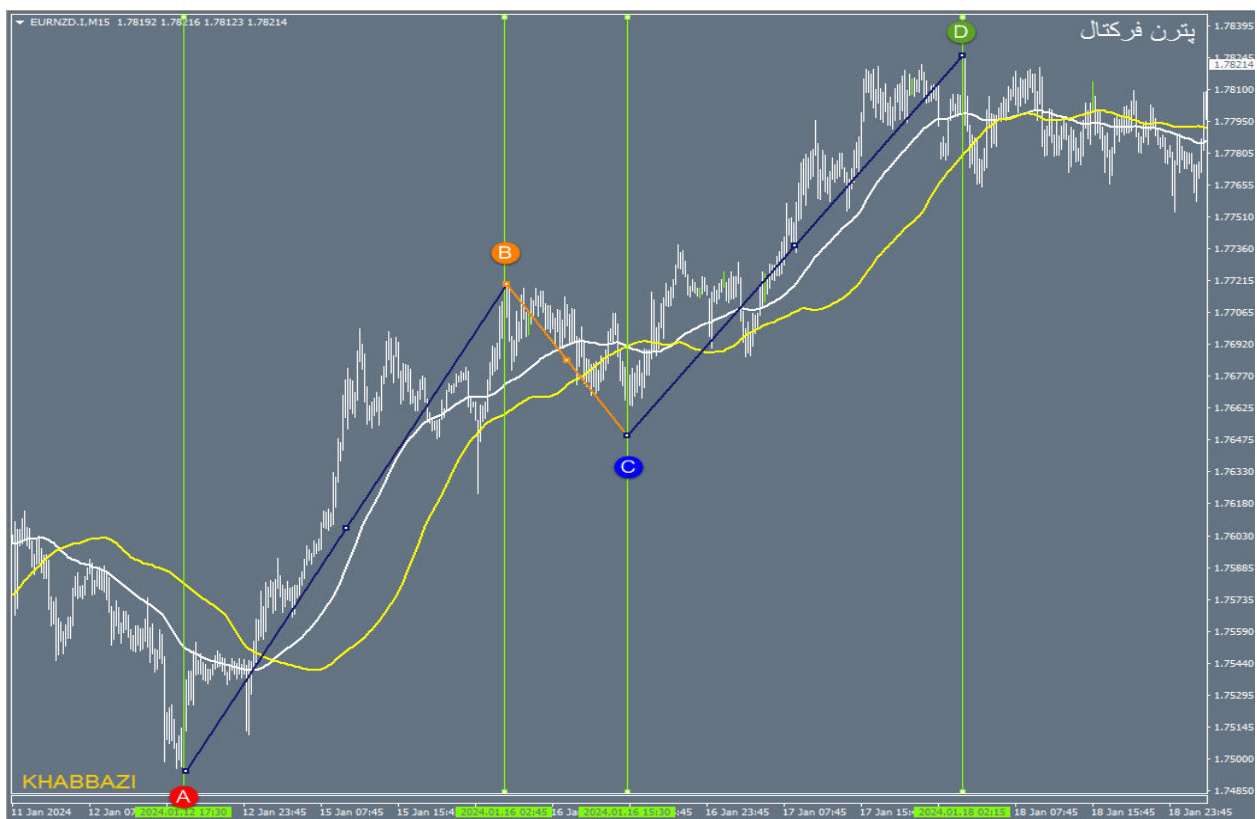
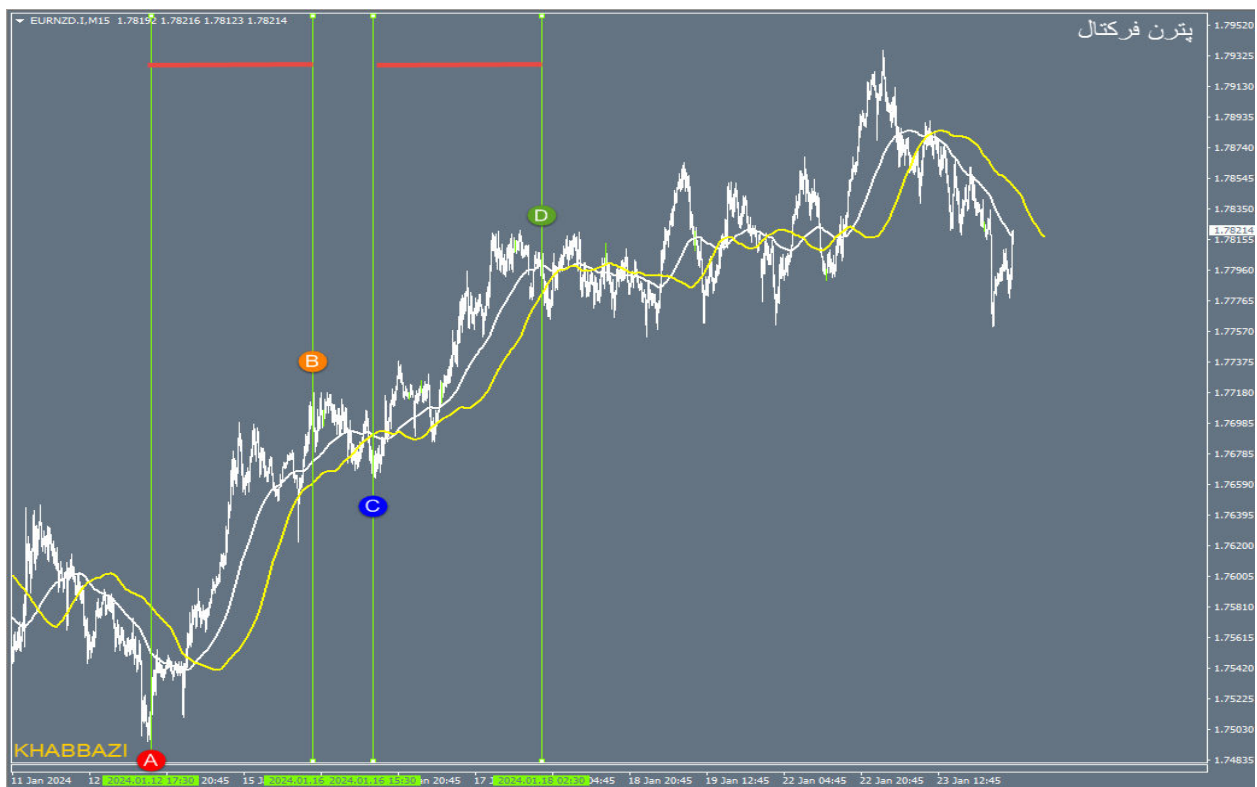
مثال دوم

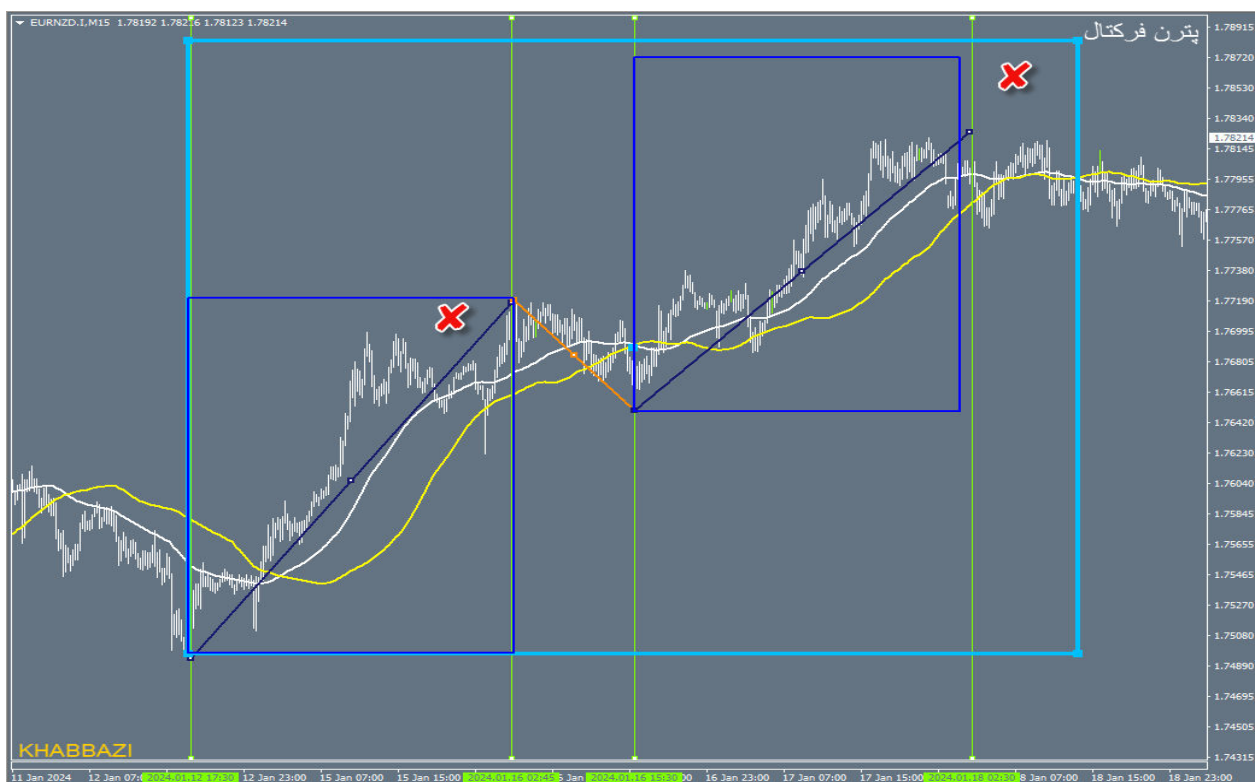


مثال سوم

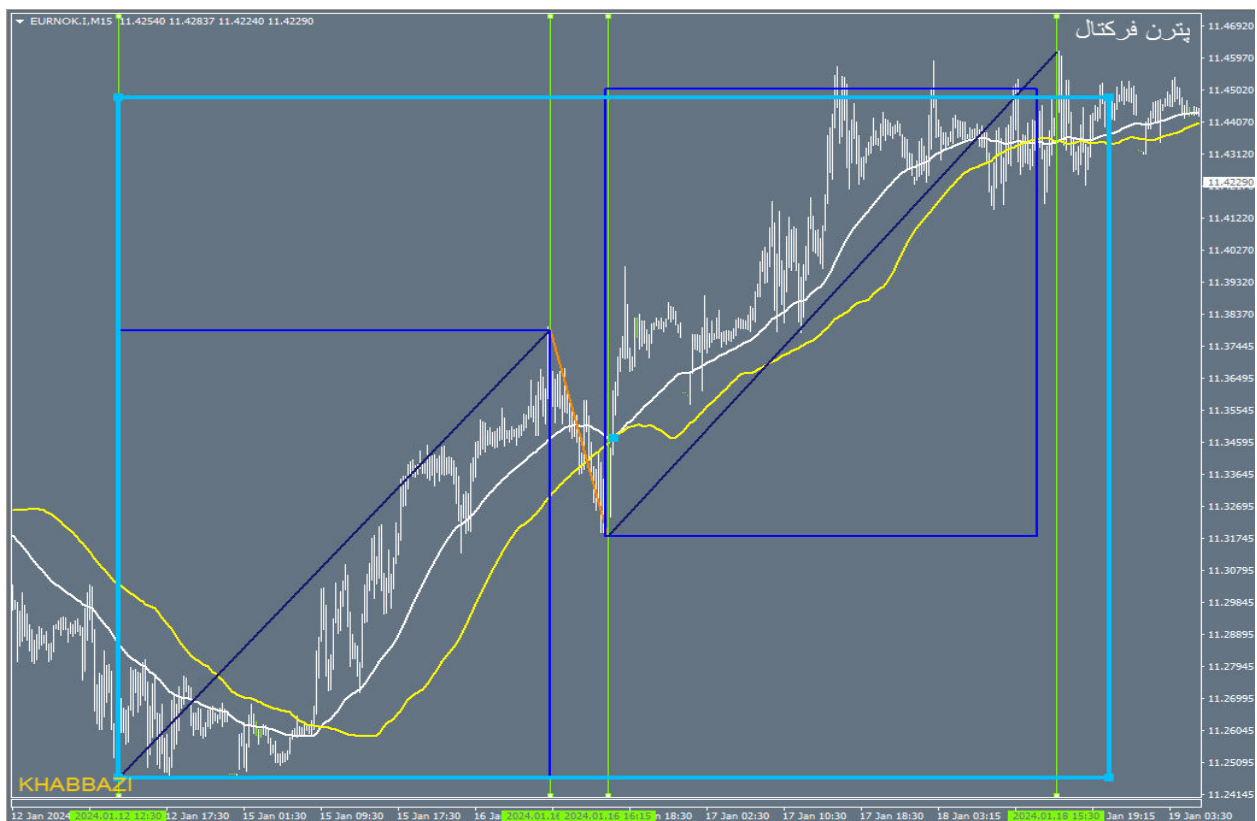


مثال چهارم

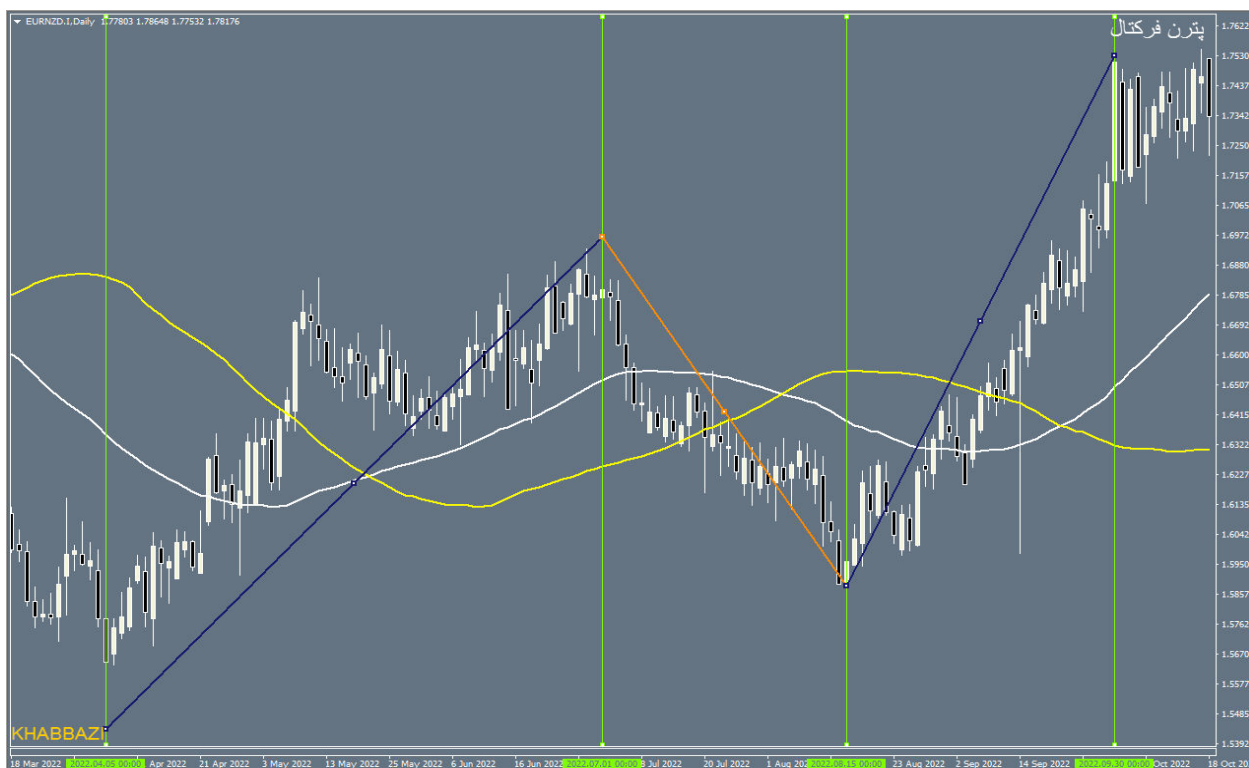
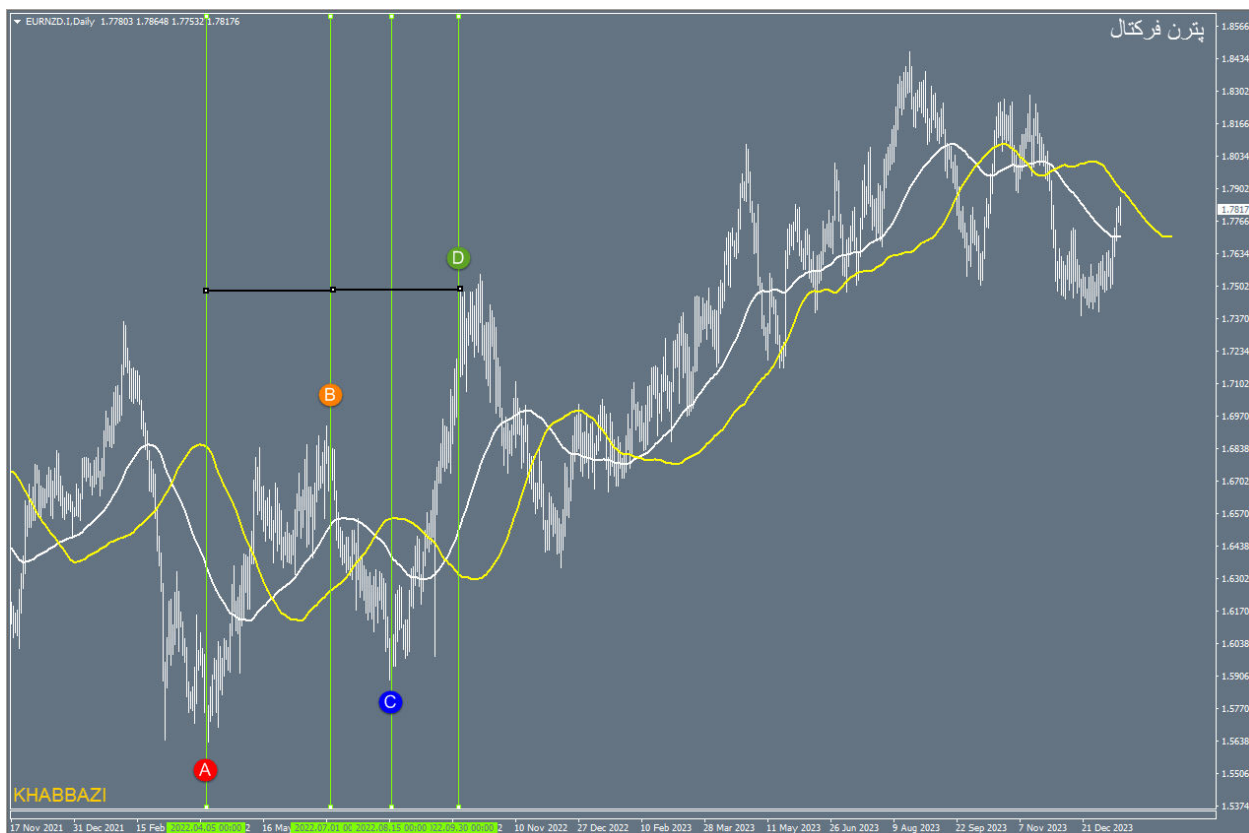




مثال پنجم



مثال ششم



در صورت واکنش چارت به باکس فرکتال، تارگت اول، پولبک به محور فرکتال(خط افقی قرمز) و تشکیل پترن S فرکتال می باشد.

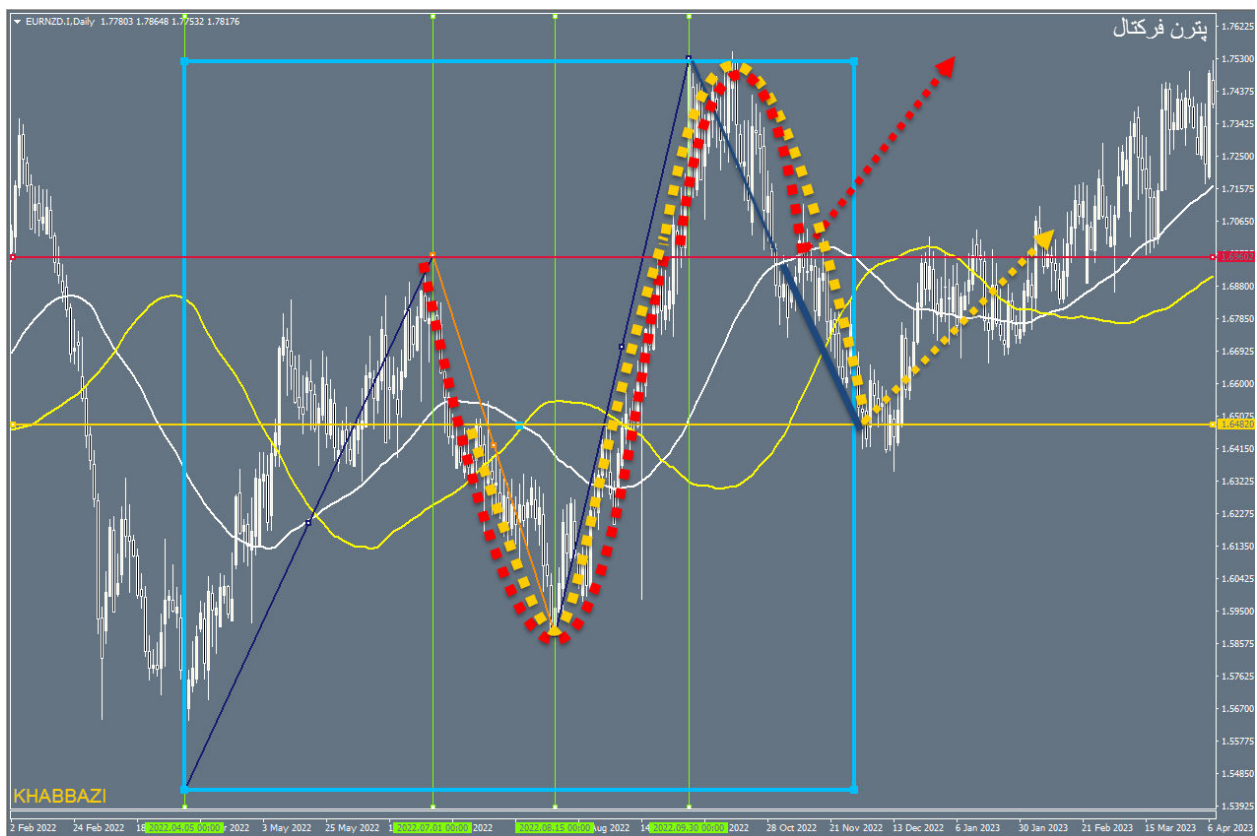
تارگت دوم پولبک به محور استاتیک توازن(خط افقی طلایی) و تشکیل پترن S استاتیک است.

و تارگت نهایی پولبک به محور استاتیک مربوط به سویچ تعادلی در ابتدای باکس فرکتال مخصوصا اگر پترنش تشکیل نشده باشد(هنوز کندل به آن پولبک نزده باشد و در نتیجه، چرخه بسته نشده باشد) می باشد.

در واقع ستاپ توازن با پیش بینی سویچ تعادلی شروع می شود که در نهایت می تواند محور آن در برگشت قیمت تاج شود.

یک محور به نام تراز هیستو نیز در این مسیر با محدوده نامشخص(پویا) وجود دارد که مربوط به تغییر فاز قبلی هیستو مکدی چهار برابر دیفالت در میز می باشد تا با پولبک به آن چرخه هیستو نیز کامل شود(بسته شود).

این سه پترن S، در قسمتی از مسیر فصل مشترک دارند.



فاز ششم

ایچیموکو

اندیکاتور ایچی یک سیستم کامل می باشد که به صورت دیفالت و بدون هیچ افزونه ای می تواند شخص را به سود مستمر برساند.

ایچی از پنج جزء تشکیل شده است.

تنکنسن (تنکن) : میانگین دره و قله 9 کندل می باشد. با رنگ قرمز نشان داده شده است.

کیجنسن (کیجن) : میانگین دره و قله 26 کندل می باشد. با رنگ آبی نشان داده شده است.

چیکو اسپن : قیمت است که 26 کندل به عقب شیفت داده شده است. با رنگ مشکی نشان داده شده است.

سنکو اسپن B : میانگین دره و قله 52 کندل می باشد که 26 کندل به جلو یعنی آینده شیفت داده شده است. با رنگ فیروزه ای نشان داده شده است.

سنکو اسپن A : میانگین تنکن و کیجن می باشد که 26 کندل به جلو یعنی آینده شیفت داده شده است. با رنگ سبز نشان داده شده است.

فضای بین دو سنکو اسپن، ابر یا کومو نامیده می شود و هدف از شیفت اجزا، تحلیل زمانی با بررسی تعامل دوره های ایچی با یکدیگر می باشد.

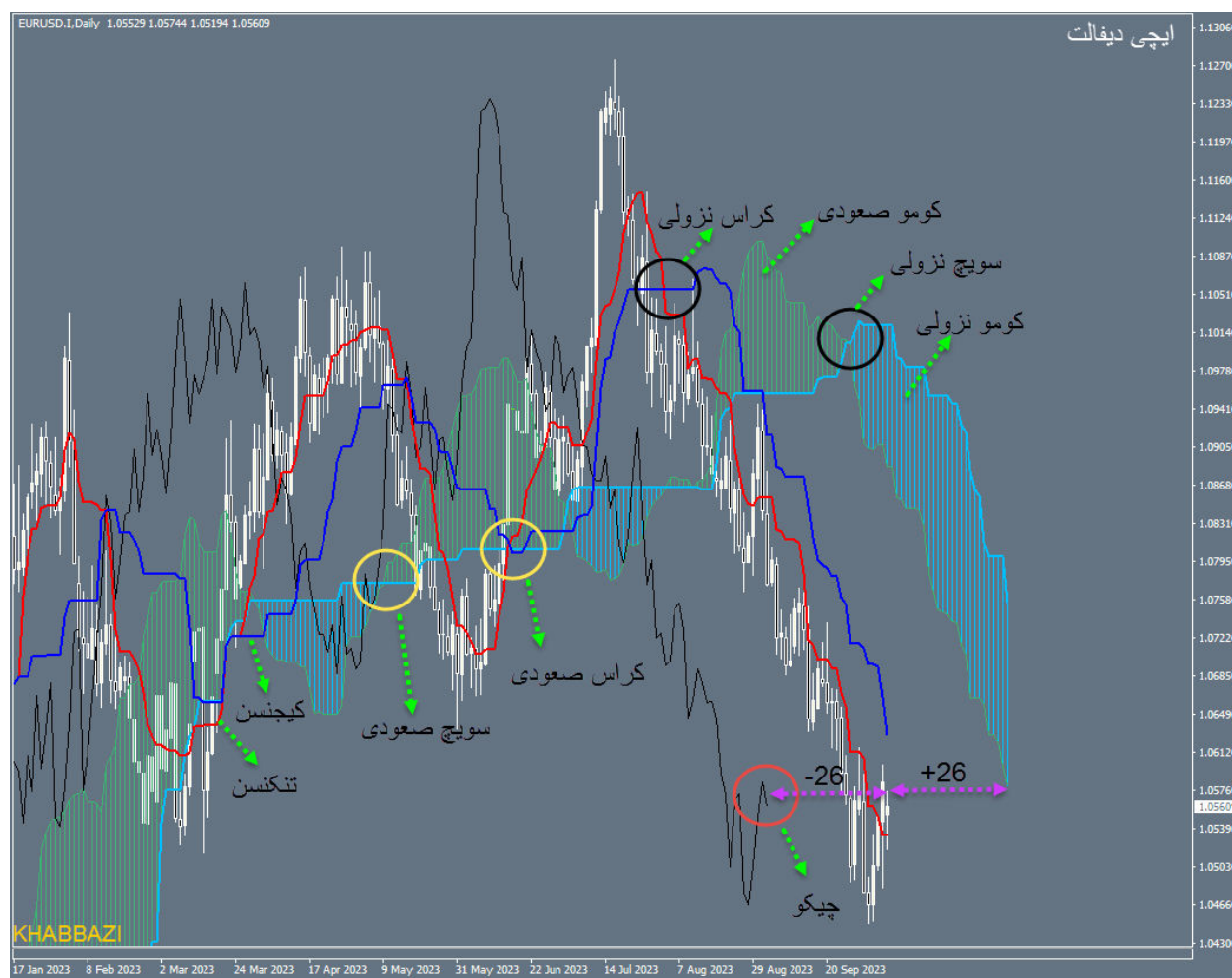
به تقاطع تنکن و کیجن کراس و به تقاطع دو سنکو، سویچ گفته می شود.

اگر دوره کوتاه مدتی یعنی تنکن، دوره بلند مدتی یعنی کیجن را به سمت بالا کراس کند، کراس را صعودی می نامند؛ که نشان از صعودی شدن چارت دارد.

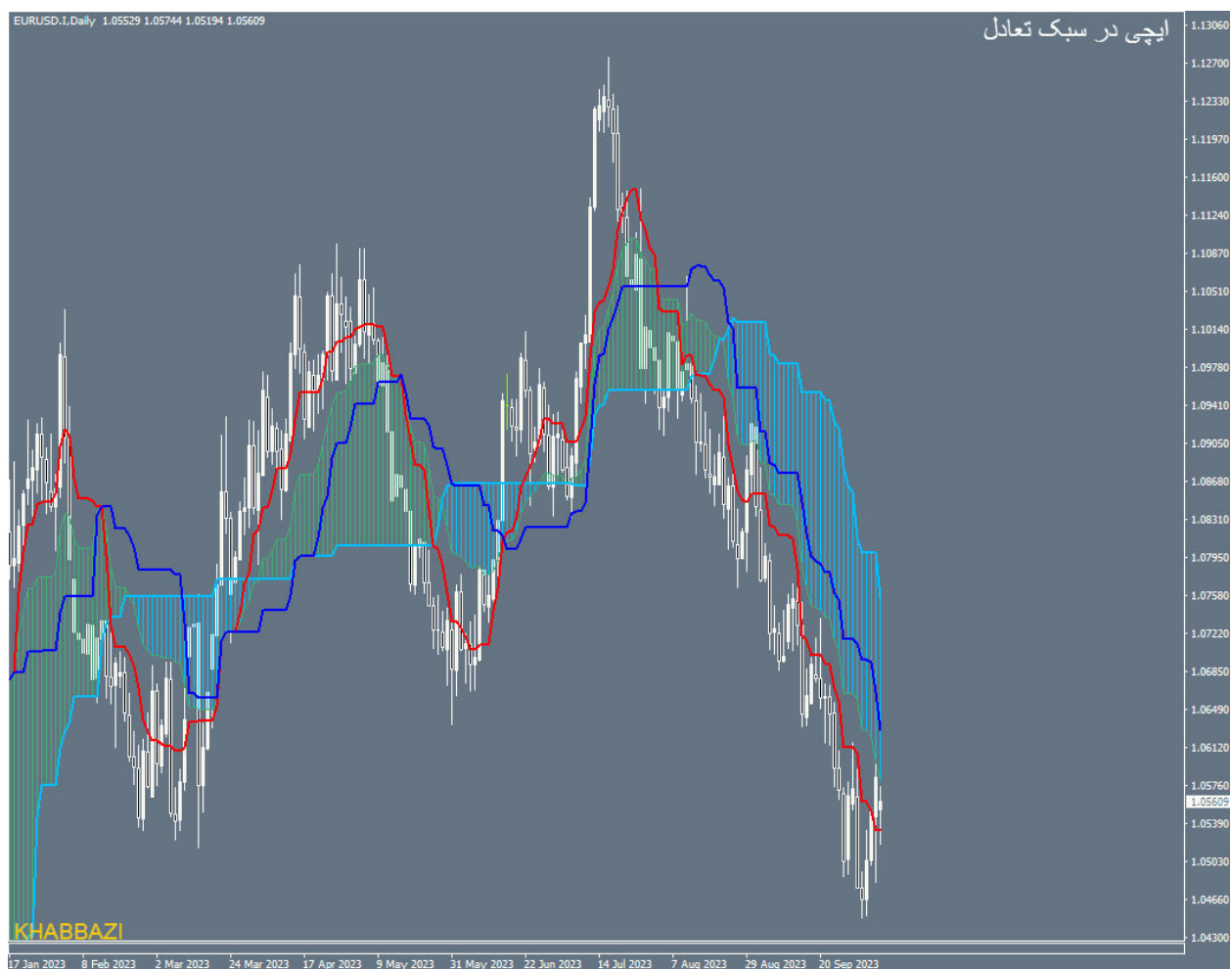
اگر دوره کوتاه مدتی(تنکن)، دوره بلند مدتی(کیجن) را در جهت پایین کراس کند، کراس را نزولی می نامند؛ که نشان از نزولی شدن چارت دارد.

اگر **سنکو اسپین A**، **سنکو اسپین B** را به سمت بالا کراس کند؛ سویچ صعودی و اگر به سمت پایین کراس کند؛ سویچ نزولی نامیده می شود.

سویچ با توجه به دوره بیشتر اعتبار بیشتری نسبت به کراس دارد و اگر کراس و سویچ به صورت هم زمان در یک جهت زده شوند؛ با توجه به هم جهتی و هم زمانی دوره ها، تحلیل مطمئن تری از قیمت می توان داشت.



از آنجا که ایچی، سیستم اصلی در سبک تعادل نمی باشد، لذا در حد مواردی که یک فرد مبتدی در سبک تعادل به آن نیاز دارد؛ به آن پرداخته می شود.



با توجه به تفاوت ایچی با اندیکاتور موینگ، که اجزا ایچی بر اساس میانگین قله و دره و نه میانگین قیمت، در یک زمان یا دوره مشخص می باشند؛ پس اگر شروع زمان (ابتدای باکس) را قله یا دره و یا حرکت شارپی منظور کنیم؛ در انتهای دوره زمانی (انتهای باکس) به شرطی که دره یا قله جدیدی نزنند، حرکت اجزا قابل پیش بینی می باشد.

باکس قرمز (باکس تنکن) باکس دوره 9 کندلی است که قله و دره این محدوده را در بر می گیرد.

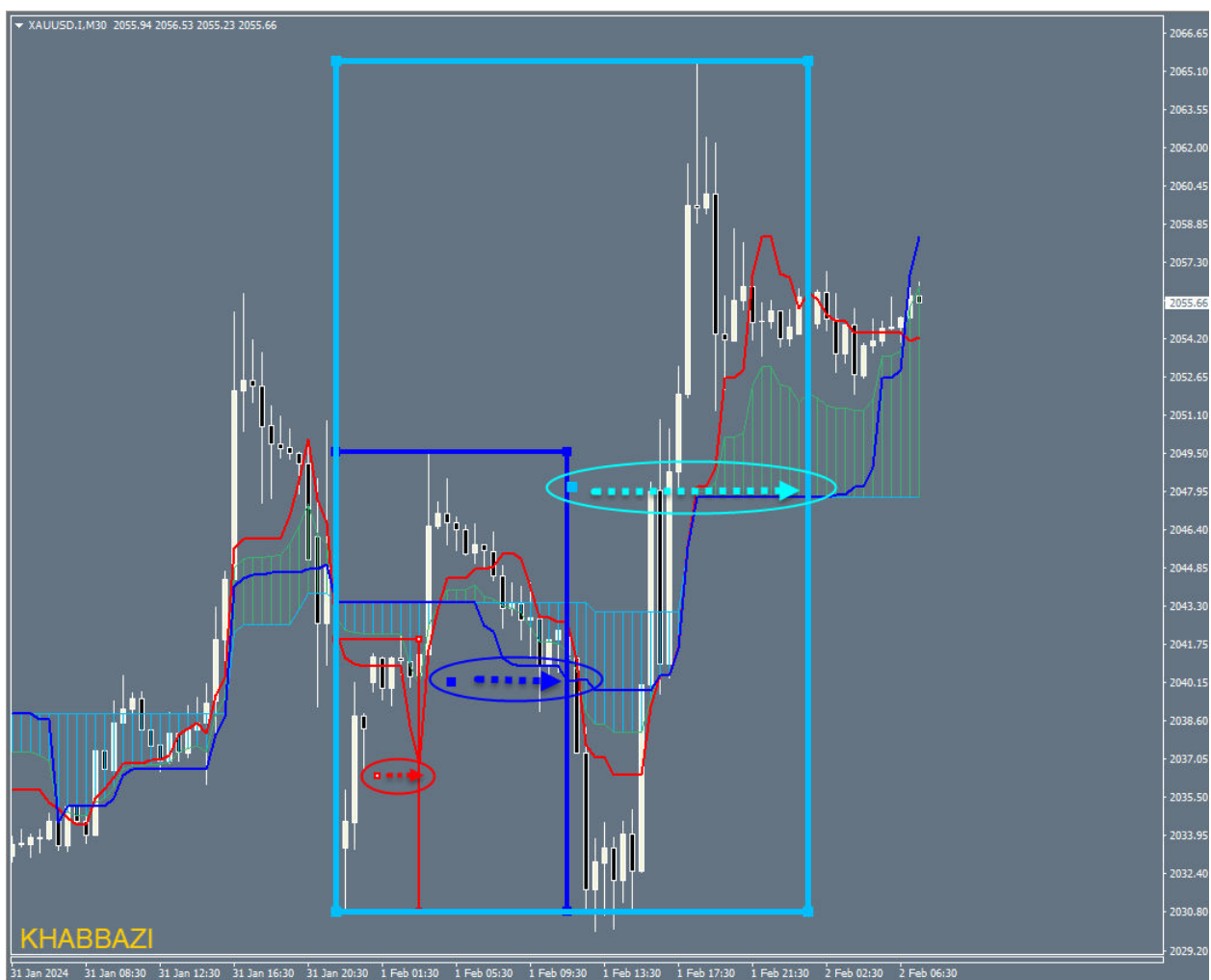
تنکن در راستای افقی مرکز باکس (موقعیت قیمتی تنکن)، به انتهای باکس (موقعیت زمانی تنکن) چسبیده است. (فلش قرمز)

باکس آبی (باکس کیجن) باکس دوره 26 کندلی است که قله و دره این محدوده را در بر می گیرد.

کیجن در راستای افقی مرکز باکس (موقعیت قیمتی کیجن)، به انتهای باکس (موقعیت زمانی کیجن) چسبیده است. (فلش آبی)

باکس فیروزه ای (باکس سنکو) باکس دوره 52 کندلی است که قله و دره این محدوده را در بر می گیرد.

سنکو اسپن B در راستای افقی مرکز باکس (موقعیت قیمتی سنکو)، به انتهای باکس (موقعیت زمانی سنکو) چسبیده است. (فلش فیروزه ای)



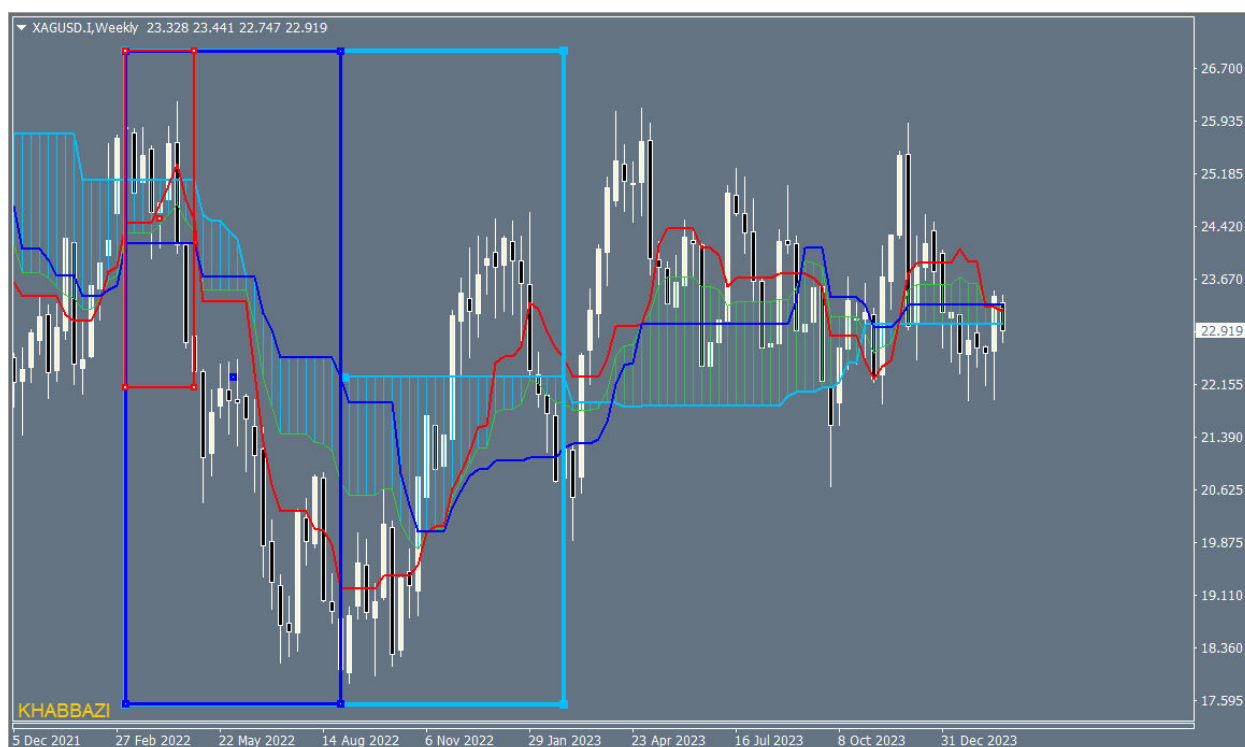
ابتدای این سه باکس بر روی قله یا دره یا شروع یک حرکت و یا هر جا که پیش بینی رفتار یک جزء از ایچی برای ما مهم است، می تواند قرار گیرد.

در این صورت با جابجایی (حرکت) باکس ها به کندل های جدید که زده می شوند، و تنظیم ارتفاع باکس بین دره و قله این محدوده زمانی، در هر حرکت باکس، موقعیت اجزا ایچی توسط مرکز باکس ها معلوم و در شرایطی، قابل پیش بینی می باشد.

برای این منظور می توانید از اندیکاتور باکس ایچی استفاده نمایید.

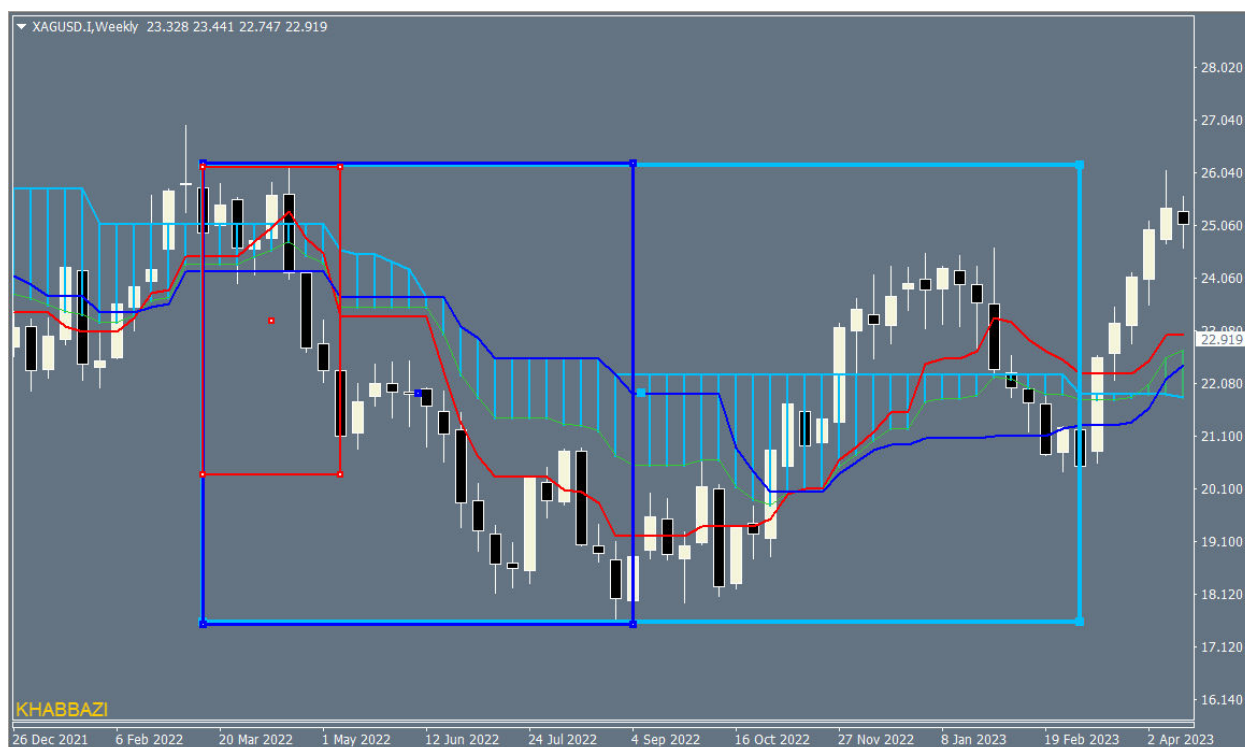
با انتقال باکس ها از قله یا دره به کندل دوم، با توجه به دره و قله دوره جدید، امکان دارد مرکز باکس ها در موقعیت قبلی باشد؛ یعنی آن جزء فلت شود و یا تغییر نمایید؛ یعنی آن جزء، حرکت کند.

در شکل، هر سه باکس بر روی قله فیکس شده اند. مرکز هر باکس وضعیت یکی از اجزاء ایچی را در راستای افقی خود که به سمت راست باکس چسبیده است؛ نشان می دهد.



اگر باکس ها یک کندل به جلو شیفت داده شوند و ارتفاع هر باکس بین دره و قله کندل های داخل باکس تنظیم شود؛ مشاهده می شود که باکس تنکن، دره و قله قبلی را از دست می دهد؛ پس نسبت به قبل، به سمت پایین حرکت کرده است.

باکس کیجن و سنکو اسپن بی، فقط قله را از دست داده اند یعنی دره داخل باکس در هر دو حالت یکسان است؛ پس هر دو نزولی شده اند.



حال اگر مجدداً چندین کندل باکس ها جابجا شوند، دره و قله تمامی باکس ها همان دره و قله های قبل خواهند بود. لذا مشاهده می کنیم که هر سه جزء در انتهای باکس شان تا چندین کندل به صورت فلت می باشند.

از حرکت خوانی اجزا ایچی در پیش بینی سویچ تعادلی و تارگتس، ستاپ ترید تعادلی، فلت چرخه که مهمترین سطح ایچی است... می توان استفاده نمود.

در سبک تعادل از باکس 52 استفاده می شود. در مرکز باکس که اشاره به کندل 26 دارد، وضعیت کیجن و باکس 26 بدون رسم آن قابل تصور است.

سبک تعادل، فقط کراس دو موینگ با تنظیمات خاص است که ابزار تعادلی که بر روی این کراس پیاده می شود، گام های حرکتی را در چارت مشخص می کند. سبکی که می تواند به عنوان یک سبک مستقل، سطوح تعادلی را در اختیار شخص قرار دهد.

از آنجا که هدف همه (یا اکثر) سبک ها در نهایت، مشخص کردن سطوح مهم است تا قیمت به آن برسد، یا آن را بشکند، یا پولبک به آن بزند و یا به آن سطح برگشت نماید تا سیکل مربوط به آن سطح یا محور بسته شود؛ پس این سبک می تواند در کنار هر سبکی استفاده شود.

میز اندیکاتوری به صورتی که تحلیل و ترید در سطوح تعادلی را ساده و مطمئن تر نماید، همراه سبک شده است که با توجه به توانایی خوب آن، می تواند مکمل هر سبکی باشد.

هدف استفاده از میز با توجه به معادل گرفتن مکدی با تنظیمات چهار برابر مکدی دیفالت، به عنوان تایم چارت (تایم اصلی)، مشخص نمودن ابتدا و انتهای چرخه ها (سیکل ها-دوره ها) با توجه به اولویت میز نسبت به ایچی و موینگ می باشد.

ایچی نیز، به علت علاقه مندان زیادی که دارد، در کنار سبک قرار گرفته است و الزامی به استفاده از آن در سبک تعادل، مخصوصا برای افراد مبتدی نیست. می توان از سیستم ایچی به صورت دیفالت استفاده کرد و یا از یک جزء آن مثل سنکو اسپن **B** با شیفیت صفر و یا کوالیتی لاین و یا هر اندیکاتور دیگر که به آن شناخت کامل دارید، تا در این سبک نقش کراس تعادلی را در کنار کوموی تعادلی بازی کند و به این ترتیب یک ایچی ایرانی شکل بگیرد. هدف استفاده از ایچی در سبک تعادل، ابزاری نه سیستمی (حرفه ای) است، لذا شیفیت کومو صفر شده و چیکو حذف گردیده است تا بتوان ستاپ های متنوع و مطمئنی از ترکیب این دو سیستم گرفت. مهمترین کاربرد ایچی در سبک تعادل، مشخص کردن تارگت حداقلی هر سویچ تعادلی مخصوصا در گام متعادل، واکنش تنکن به ابزار تعادلی، ستاپ تقارن، ستاپ توازن، ستاپ پترن زمانی، ستاپ باکس تعادلی، ترید تعادلی، سطوح مهم فلت اشباع... می باشد.

1_ ستاپ تقارن (پیش بینی کومو فیک و کراس برابری)

در چارت از ایچی به همراه کومو تعادلی استفاده شده است. همچنین در میز، یک ایچی شبیه سازی شده است به صورتی که خط مشکی معادل قیمت، خط قرمز معادل تنکن و خط زرد را معادل کیجن می توان منظور کرد.

اگر روند جدیدی در چارت شروع شود و هر سه سیستم این روند را تایید کنند یعنی هم شکل به صورت صعودی یا نزولی باشند، ستاپ تقارن، در حالت تقارن یا هم شکلی بوده و این روند را تایید می کند.

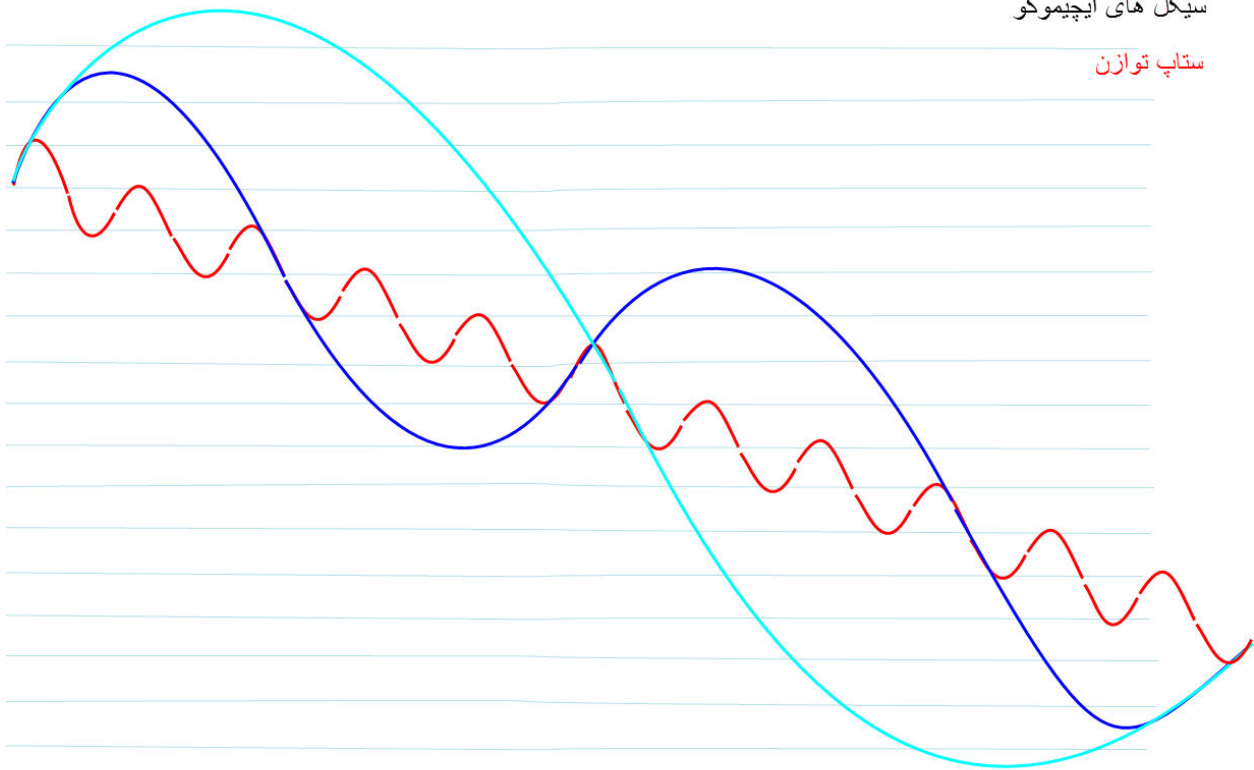
اما اگر ایچی و سبک تعادل (سویچ تعادلی) شروع روند را گزارش دهند؛ اما میز اندیکاتوری تایید نکند، هم شکلی یا تقارن بین سه سیستم بر قرار نیست.

به عبارت بهتر ستاپ تقارن، در حالت عدم تقارن می باشد و به معنی اتمام اصلاح و ادامه روند قبلی خواهد بود.

اولویت با میز اندیکاتوری می باشد چون مکدی چهار برابر مکدی دیفالت (و نه مکدی دیفالت)، برابر وضعیت تایم باز منظور شده است. در کتاب و فیلم های قبل هر جا از ستاپ تقارن صحبت شده است، این حالت یعنی عدم تقارن منظور بوده است.

ستاپ تقارن در حالت تقارن، باعث تغییر روند می شود و در حالت عدم تقارن، به اصلاح و سپس ادامه روند در قالب ستاپ توازن، منجر می شود.

در ستاپ توازن به ازای یک دوره بالاتر (موج فیروزه ای)، دو دوره کوچک تر و هم وزن یکدیگر (موج آبی) داریم که هدف ستاپ، شکار دوره یا رالی دوم از موج آبی می باشد.



KHABBAZI

مثال اول

در خط یک، سویچ تعادلی و کوموی ایچی صعودی هستند و میز اندیکاتوری نیز در وضعیت صعود است. پس سه سیستم مشابه هستند، ستاپ تقارن، وضعیت تقارن را خبر داده و تغییر روند قبلی و شروع روند صعودی را تایید کرده اند.

در خط دوم، سویچ تعادلی و کوموی ایچی نزولی هستند، اما در میز اندیکاتوری، همزمان، سویچ تعادلی صعودی زده است که منجر به ستاپ توازن گردیده است.

پس سه سیستم مشابه یکدیگر نیستند. ستاپ تقارن وضعیت عدم تقارن را خبر داده و شروع روند نزولی را تایید نکرده و خبر از حرکت اصلاحی و سپس ادامه روند قبلی را می دهد. در ستاپ تقارن، اولویت با میز اندیکاتوری می باشد.

دو سویچ تعادلی به صورت هم زمان در چارت و میز اما مخالف جهت یکدیگر، به منزله عدم تقارن است.

در خط سوم، سویچ تعادلی و کوموی ایچی نزولی هستند و میز اندیکاتوری نیز در وضعیت نزولی است. پس سه سیستم مشابه هستند. ستاپ تقارن، وضعیت تقارن را خبر داده و تغییر روند قبلی و شروع روند نزولی را تایید کرده اند.



خط شماره دو را در شکل قبل بررسی می کنیم.

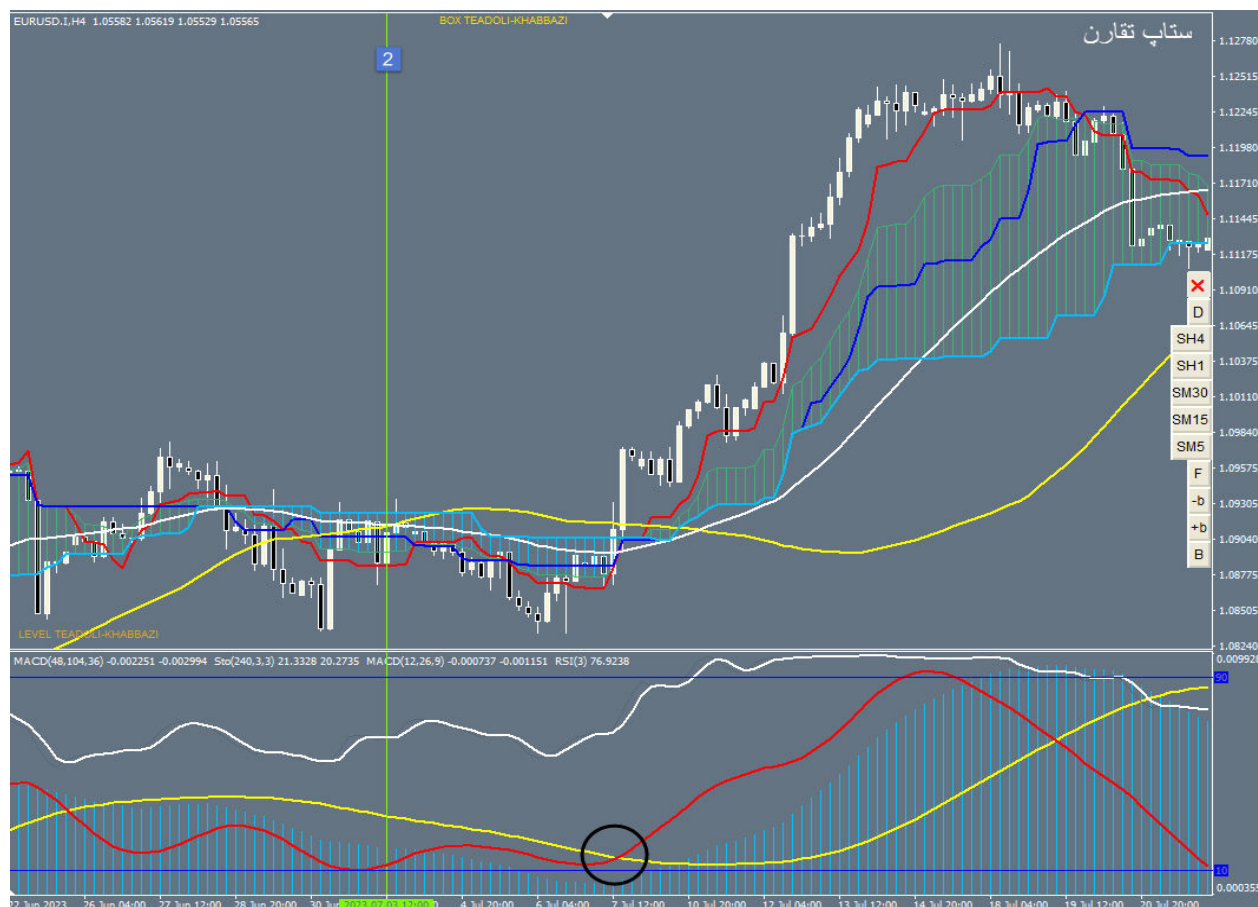
در چارت سویچ تعادلی نزولی زده شده است؛ اما در میز اندیکاتوری، سویچ تعادلی صعودی از قبل زده شده است و خط سفید، منتظر صعود سایر اجزا میز است و همچنین کراس صعودی خط قرمز با خط زرد که معادل کراس تنکن با کیجن یا کراس

تایم یک چهارم با تایم فعلی می باشد، نشان می دهد که هیستو در میز اندیکاتوری، بر خلاف کوموی ایچی و کوموی تعادلی در چارت، منفی نخواهد شد.

پس کوموی نزولی ایچی فیک است و توانایی تغییر روند را ندارد. در سبک تعادل به کومویی که باعث تغییر فاز هیستو نشود، فیک(نامعتبر) گفته می شود.

در این ستاپ در حالت عدم تقارن که منجر به ستاپ توازن می شود، قیمت، معمولاً شتاب بسیار خوبی دارد که می تواند همراه با ستاپ های هم شکلی هیستو و ترید تعادلی و باکس تعادلی نیز باشد که هر کدام از این ستاپ ها تارگت برگشتی مشخص خودشان را دارند و هم پوشانی خوبی برای تحلیل به ما می دهند و در این مسیر برگشت، تارگت تاج کومو فیک نیز می باشد.

ستاپ تقارن در حالت عدم تقارنش، در صورت هم زمانی چرخه ها، می تواند کراس برابری در ایچی را نیز پیش بینی نماید.



مثال دوم

اشباع خط قرمز (و خط مشکی)، نشانه خوبی برای تشخیص سریع و راحت تر وضعیت عدم تقارن می باشد.

در شرایطی که هیستو در صفر یا نزدیک صفر است (هیستو صفر)، بر خلاف کوموی ایچی و سویچ تعادلی که صعودی هستند، هیستو صعودی نشده است (میله های هیستو گرام مکدی، تراز صفرش را به سمت بالا کراس نکرده است)، خط قرمز در اشباع است و از قبل سویچ تعادلی نزولی در میز زده شده است. پس هیستو مثبت نخواهد شد. کراس نزولی خط قرمز با زرد این خاطر جمعی را به ما می دهد.

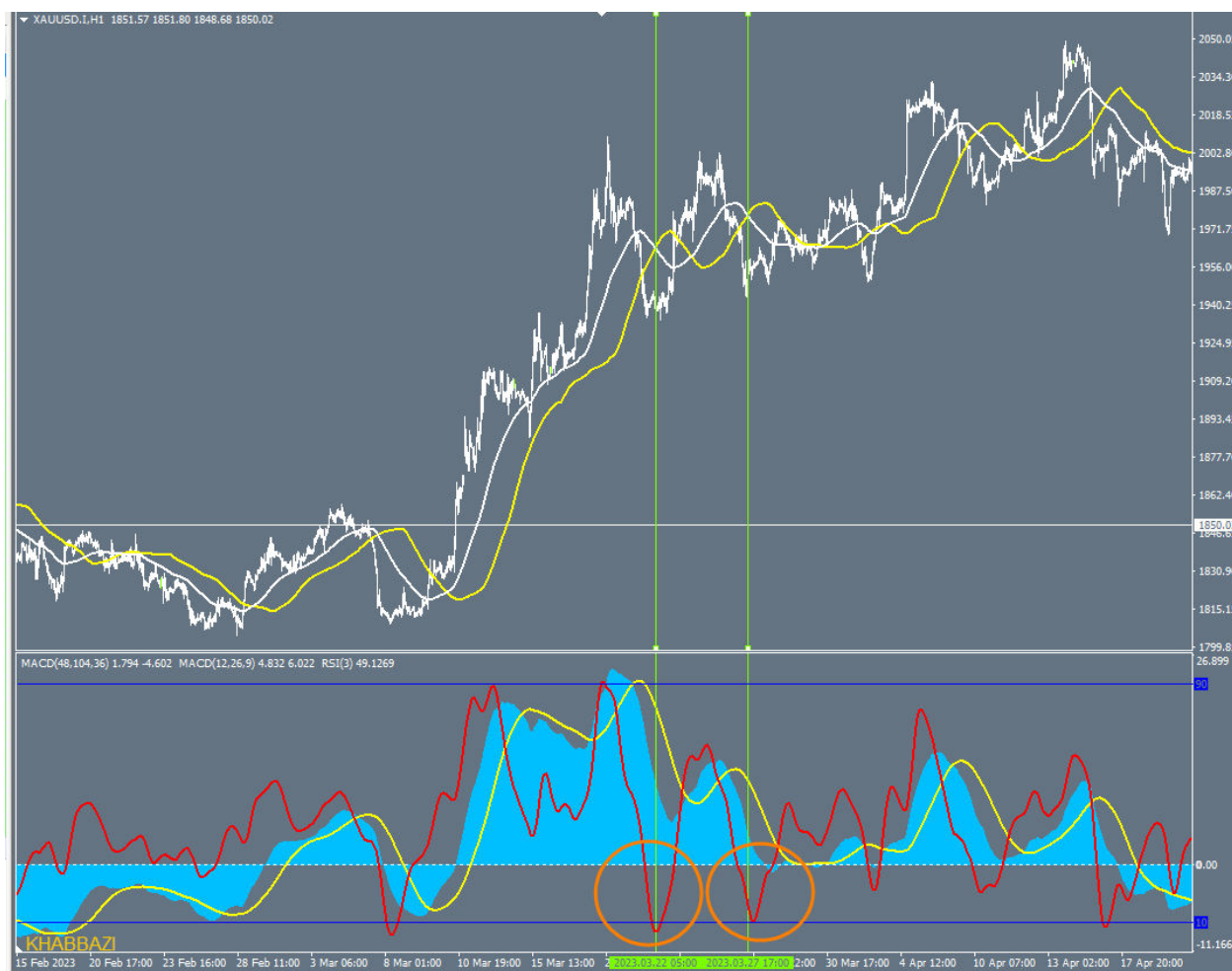


زوم را مثبت کرده، چارت را جابجا کرده تا میز را به صورتی که در ذهنمان نقش بسته است؛ ببینیم.



مثال سوم

در خطوط عمودی، چرخه قرمز در اشباع می باشد.



حالت اشباع قرمز در شکل قبل را می توان با تغییر زوم به صورت بن بست برای قرمز دید.

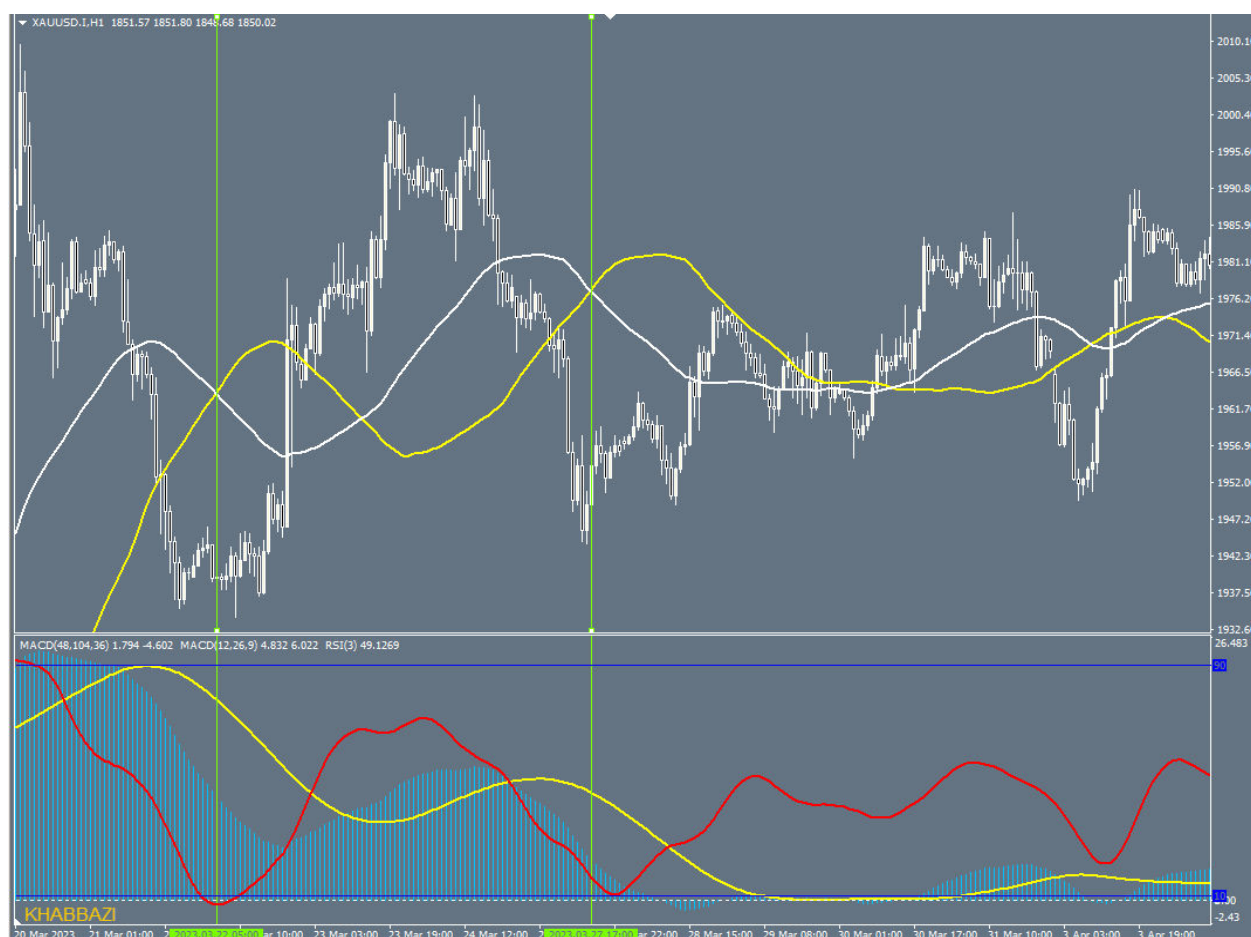
بن بست هیستو، ترفندی است که برای هر ستایی با تغییر تایم، می توان پیاده نمود و انتهای روند یا واگرایی یا... را مشخص کرد.

بن بست هیستو(هیستو صفر یا فیک) به صراحت اعلام می کند که چرخه بزرگتر موافق مسیری که چرخه های کوچک تر شروع کرده اند نیست؛ پس باید برگردند و تبعیت کنند.

اگر در انتهای کندلی که در آن تغییر فاز هیستو صورت می گیرد، خط افقی بیندازیم؛ این خط، **تراز یا محور هیستو** نامیده می شود. زیرا قیمت با چرخش حول آن، پترن S هیستو را می سازد. اگر قیمت از تراز عبور نکند، هیستوی مربوط به این تراز را **هیستو فیک** می نامیم.

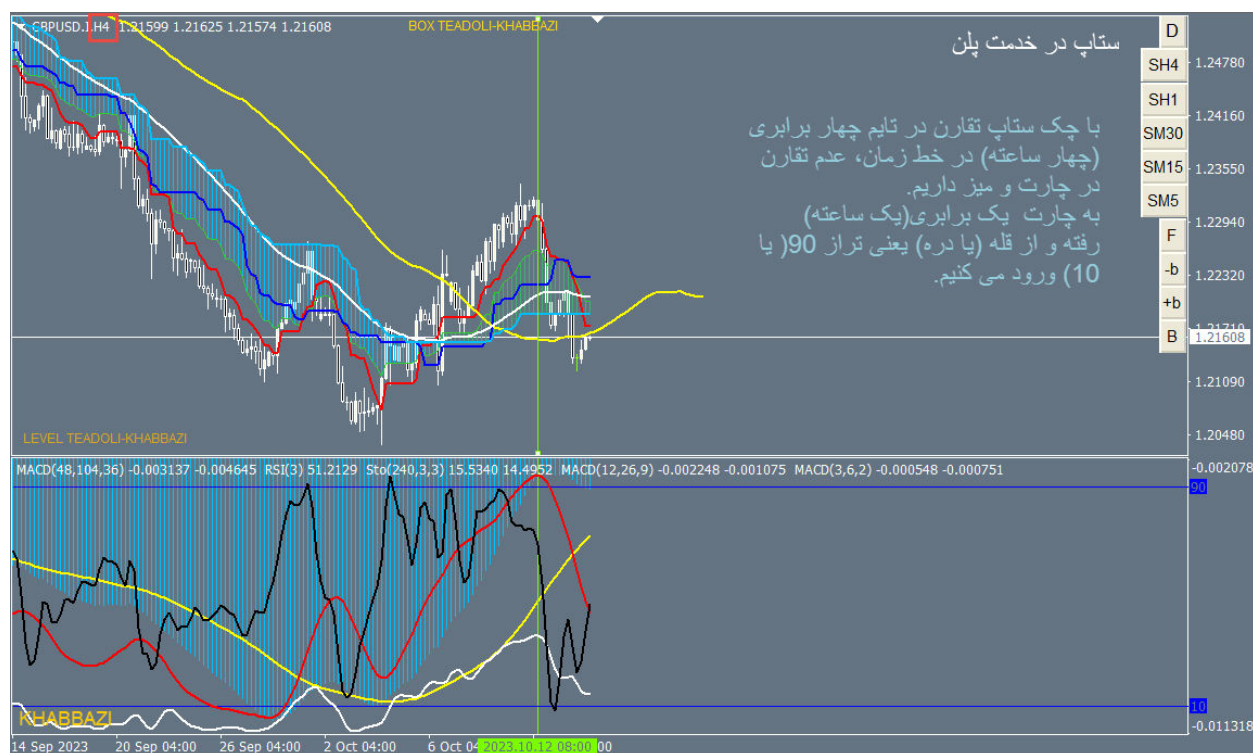
معمولا اگر در تایمی هیستو صفر باشد، در تایم نصف آن تایم، هیستو فیک خواهد بود و باز اگر به تایم پایین تر برویم، فلتی(فلت چرخه) است؛ که تاچ می شود.

در فاز بعد به صورت مفصل به محور هیستو، پرداخته خواهد شد.

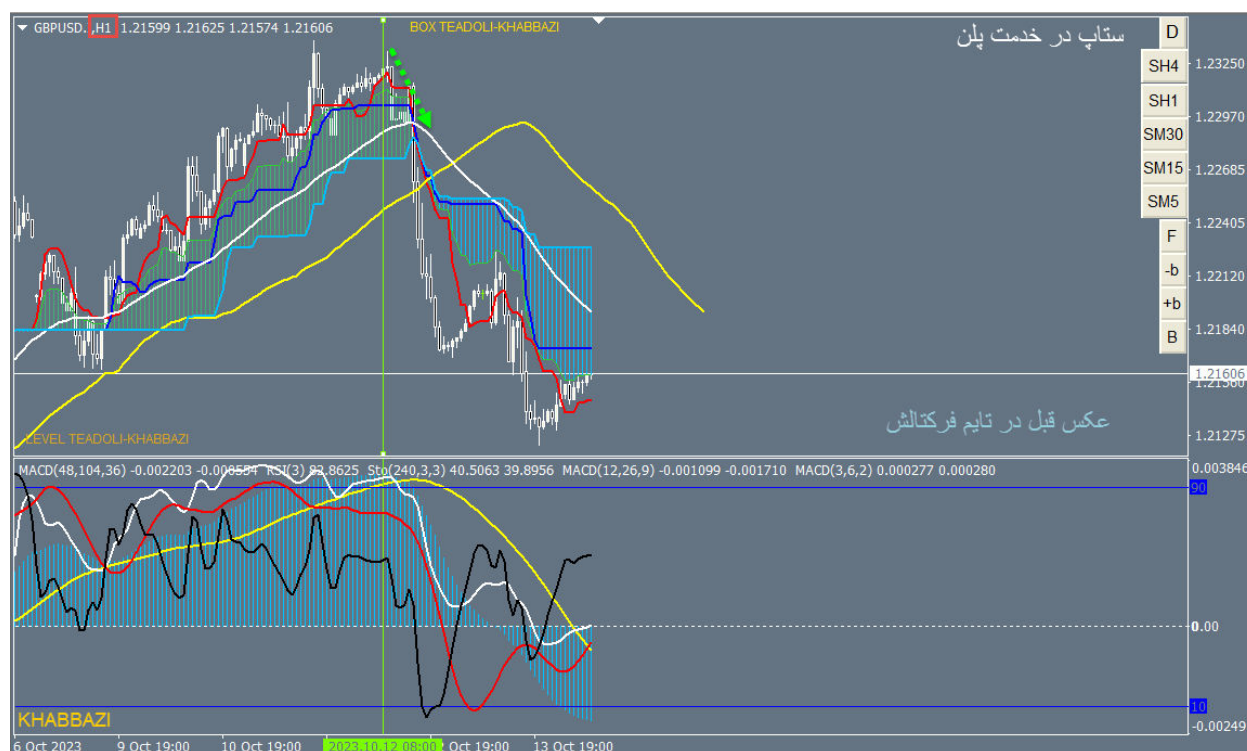


مثال چهارم

وقتی در تایم چهار ساعته (چهار برابری) ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن یعنی ادامه روند است، می توان به تایم یک ساعته رفت و از قله (خط زرد در تراز 90 است)، ترید سل زد.

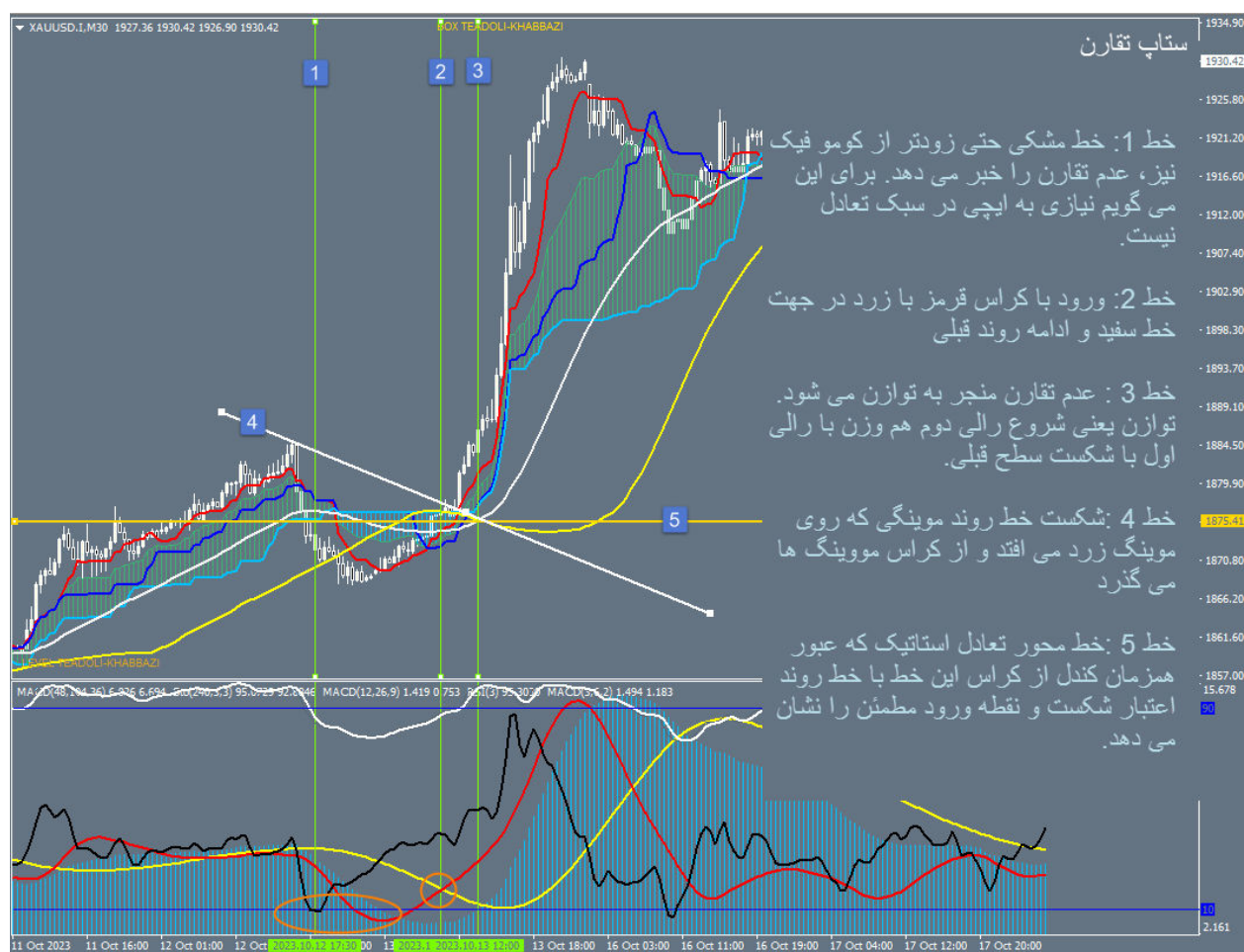


ستاپ تقارن با تایید فرکتالی، به روند گیری در تایم فرکتال، تبدیل می شود.



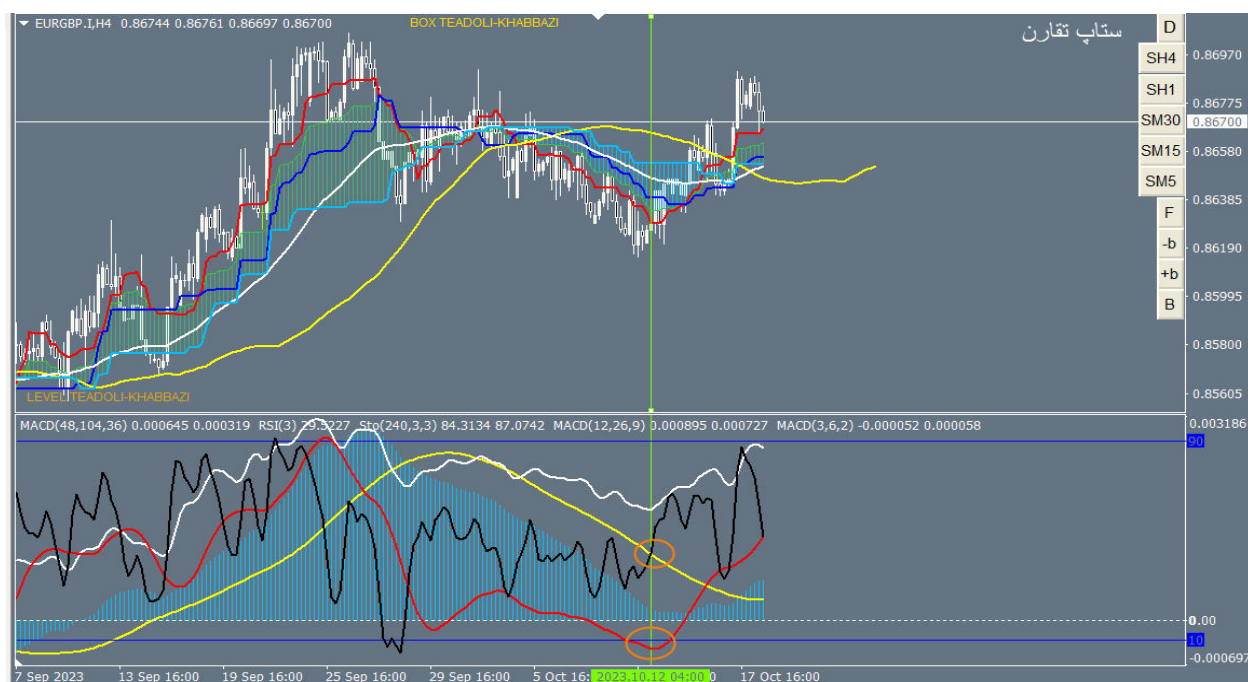
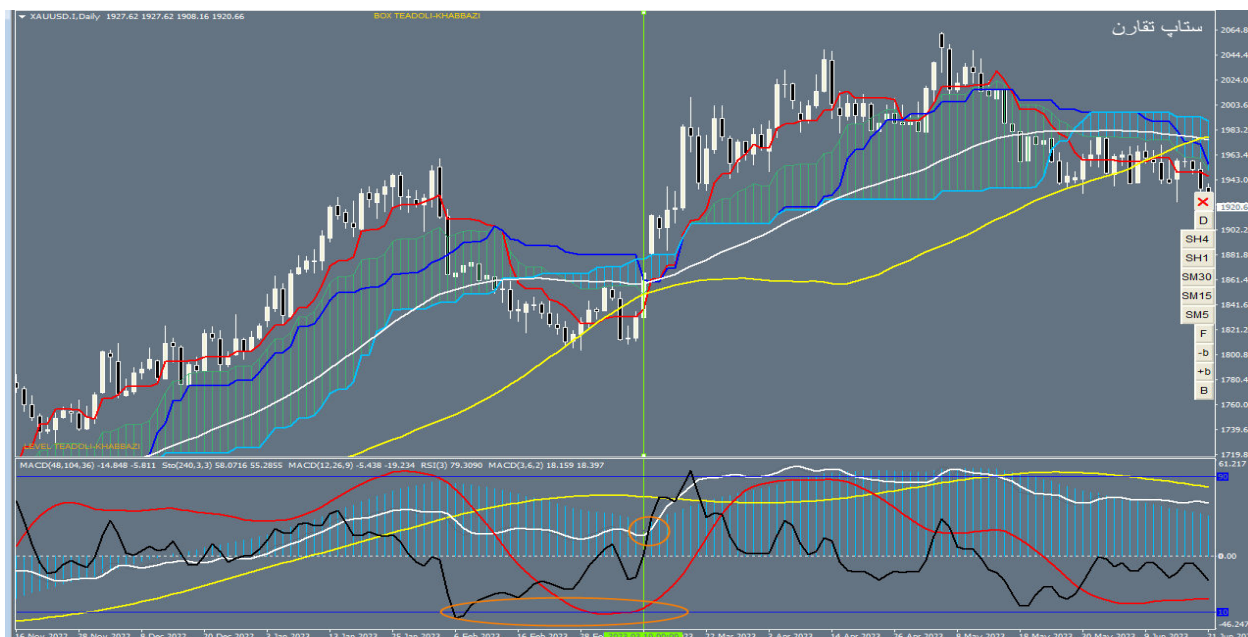
مثال پنجم

ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن، معمولا برای ادامه روندش، از ستاپ توازن به عنوان سکوی پرتاب استفاده می کند. در واقع با ترید اول ستاپ توازن (پنل اصلی)، سویچ تعادلی را می توان پیش بینی کرد که در برگشت قیمت، یعنی ترید چهارم ستاپ توازن، محور استاتیک آن تاج خواهد شد.



مثال ششم

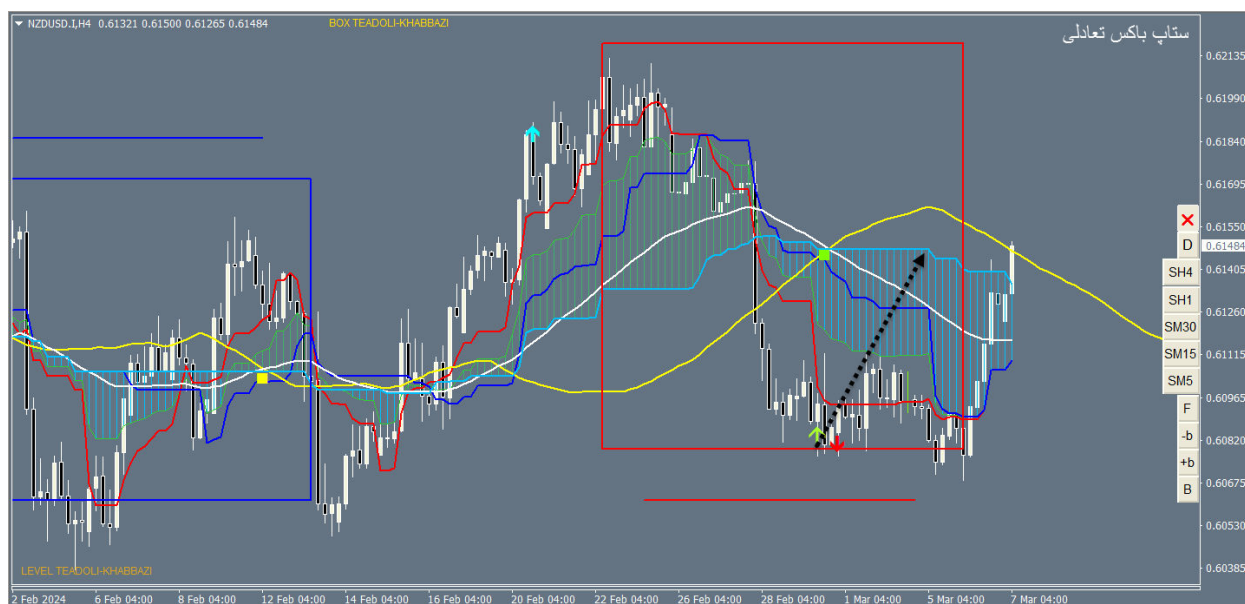
ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن، معمولا برای ادامه روندش، از انرژی آزاد شده از باریک شدن کوموی تعادلی شتاب می گیرد. یعنی چارت به علت شتاب زیاد، فرصت زدن سویچ تعادلی مخالف و یا حتی کوموی فیک را هم پیدا نمی کند. در این شرایط اگر به تایم پایین تر برویم، ستاپ توازن برقرار است.

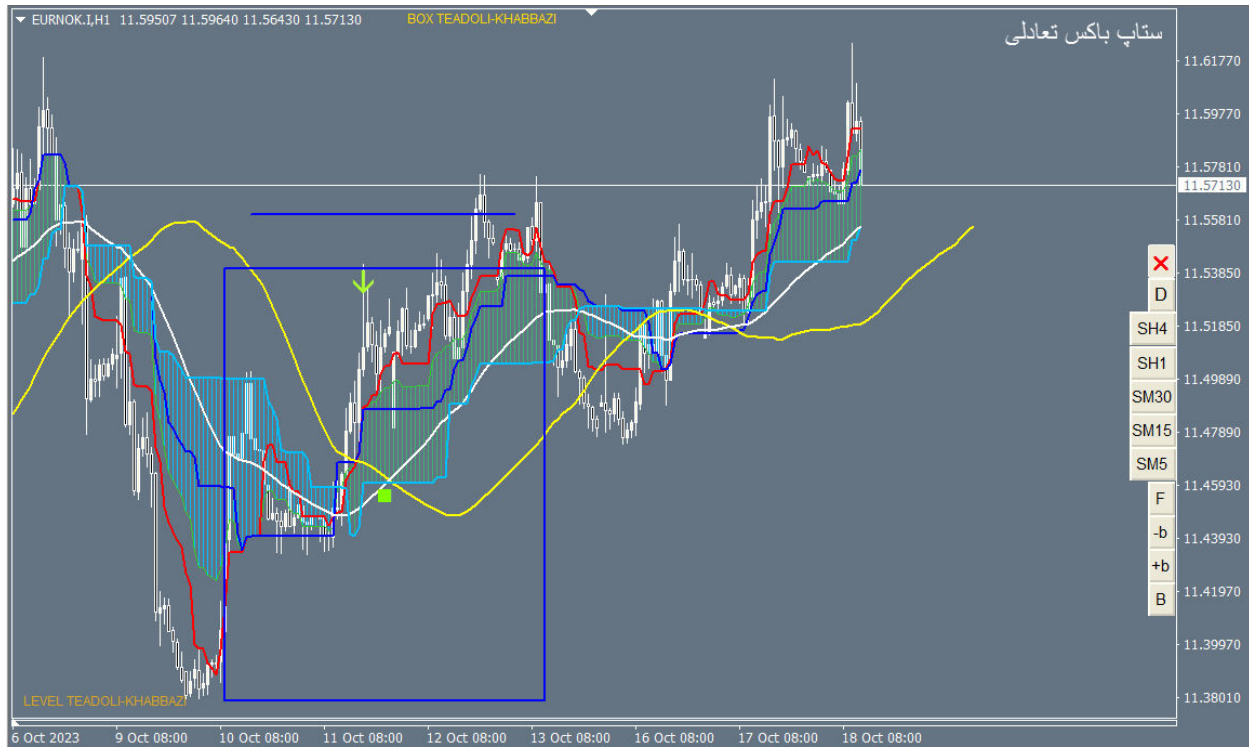
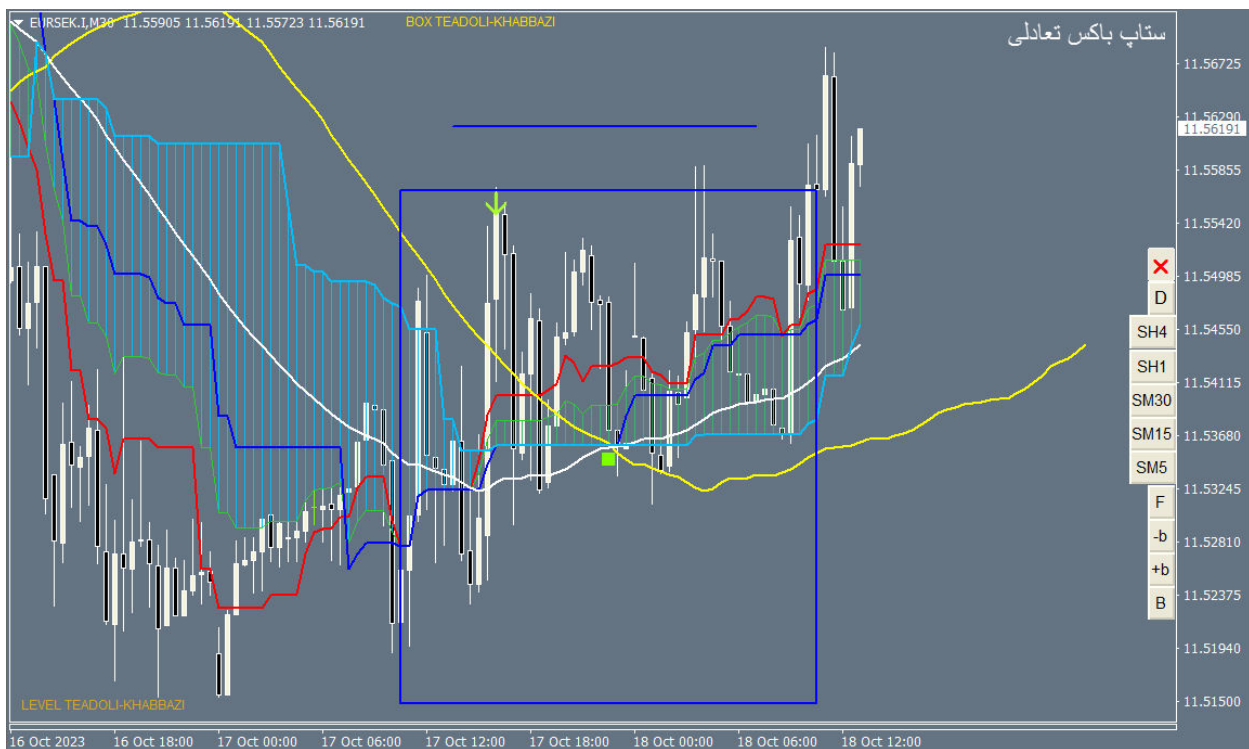


2_ ستاپ باکس تعادلی

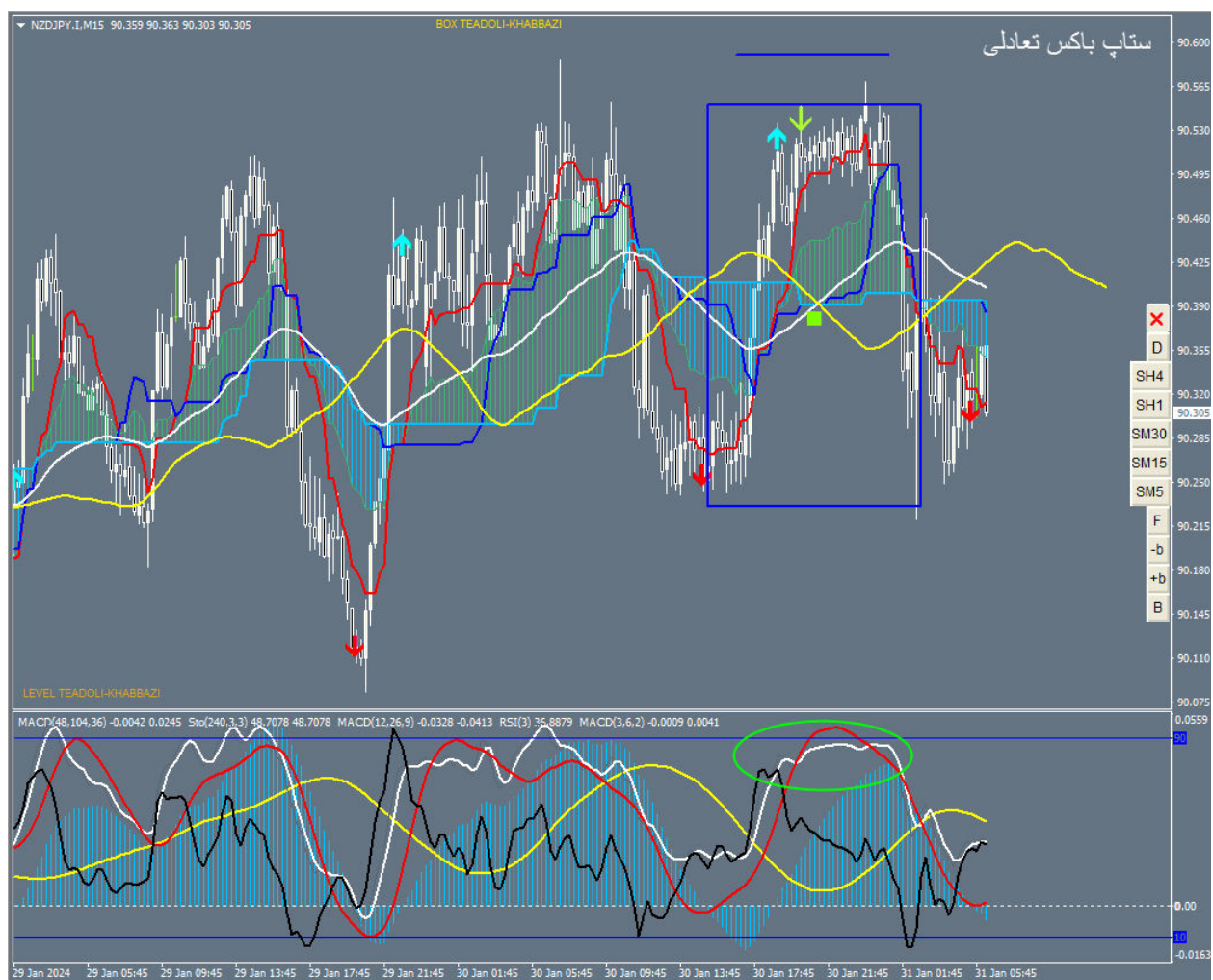
این ستاپ معمولاً بر اثر حرکات شارپ حاصل شده که باعث می شود سویچ تعادلی بر روی فلت سنکو اسپن **B** با شیفیت صفر قرار بگیرد. انتظار می رود چارت جهت اصلاح این حرکت شارپ، از انتهای باکس به مرکز پولبک زده و سپس به مسیر اصلی اش جهت شکست انتهای باکس ادامه حرکت دهد.

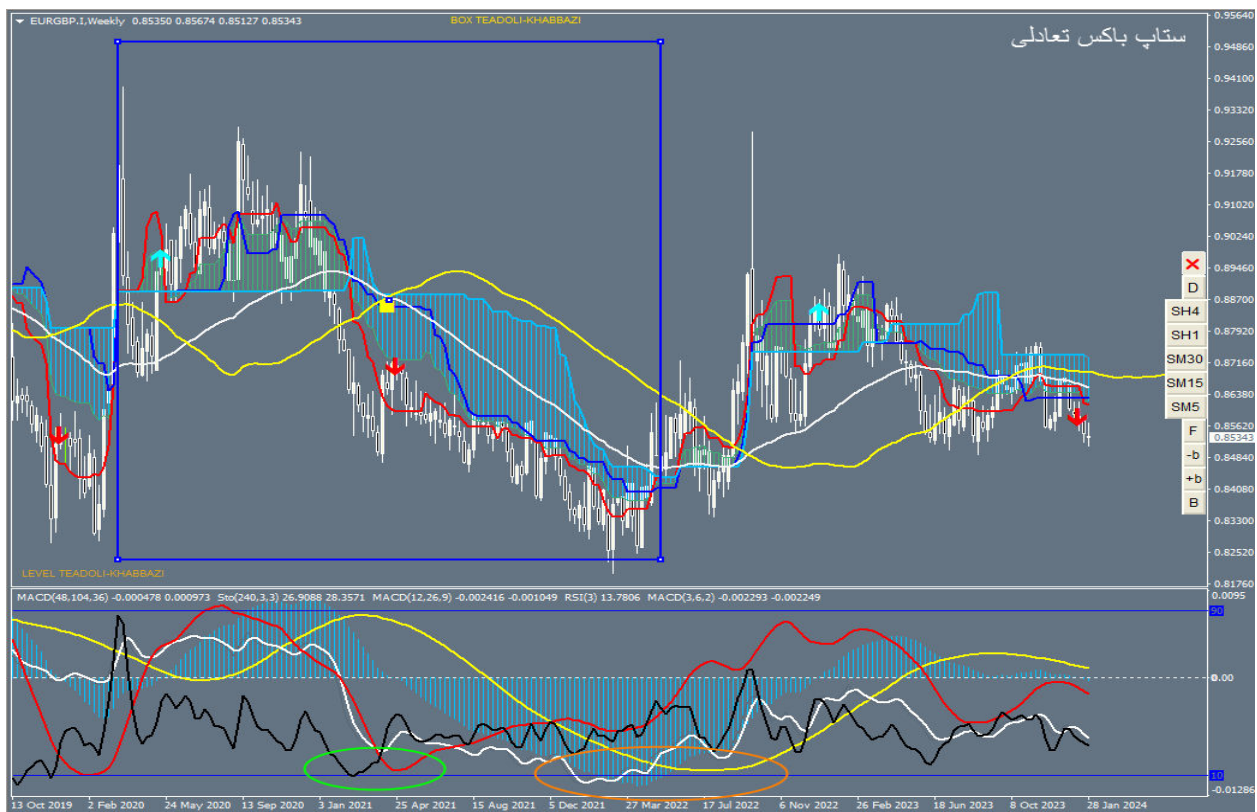
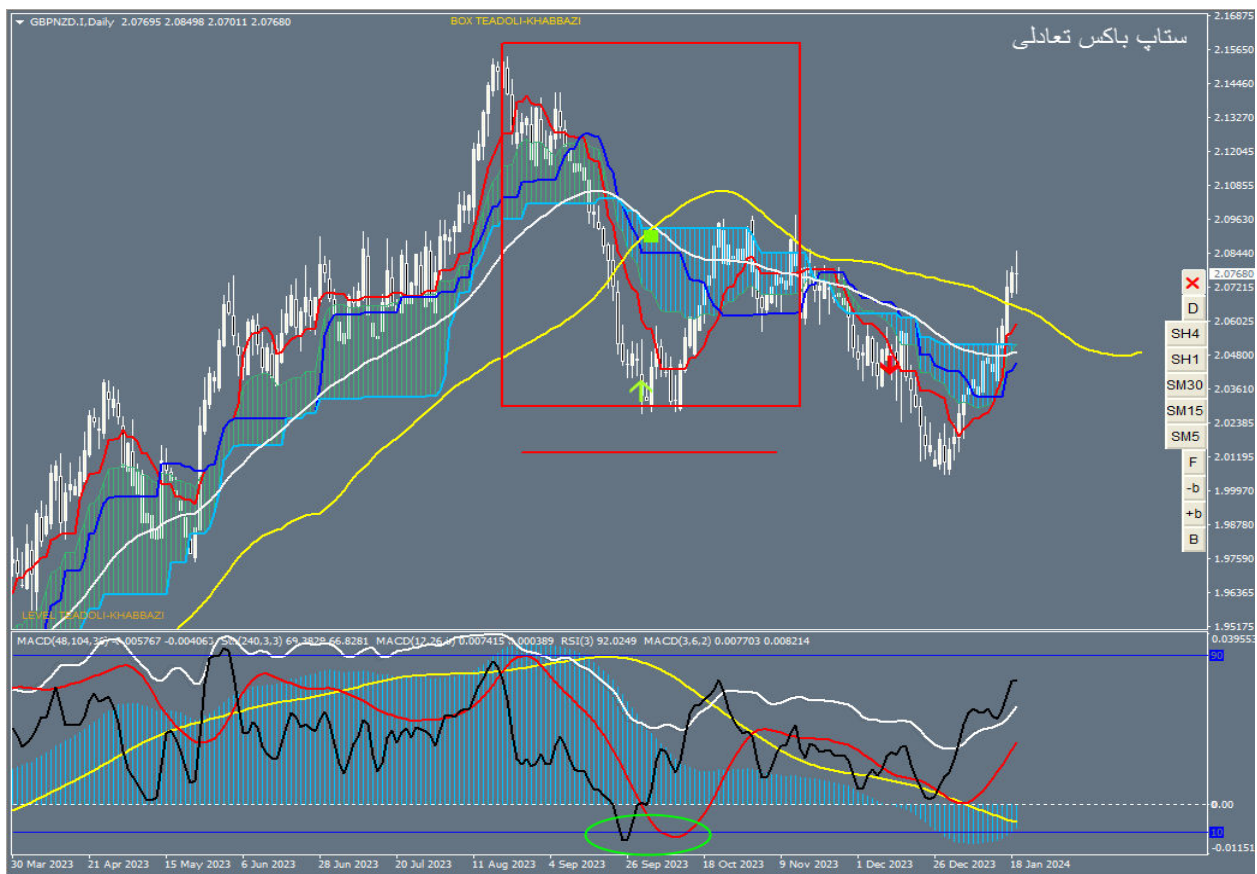
در واقع قیمت در اصلاح، یک پولبک به خط تعادلی **50** درصد چرخه حرکتی اش می زند.





وقتی چارت در انتهای باکس تعادلی می باشد، در اشباع بودن میز، دلیل خوبی برای برگشت قیمت و تاچ مرکز باکس خواهد بود.





در سطوح مهم مانند انتهای باکس تعادلی، محور استاتیک، محور فرکتال، محور هیستو، فلت چرخه،... معمولاً حداقل یکی از سیکل های مشکی، قرمز یا زرد در اشباع می باشند.

هر چه در این سطوح چرخه های بیشتری به صورت همزمان در اشباع باشند، اعتبار سطح بیشتر خواهد بود. در این صورت رفتارشناسی قیمت در قبال آن سطح مهم می باشد تا این که انتظار قطعی (نابجایی) از آن داشته باشیم.

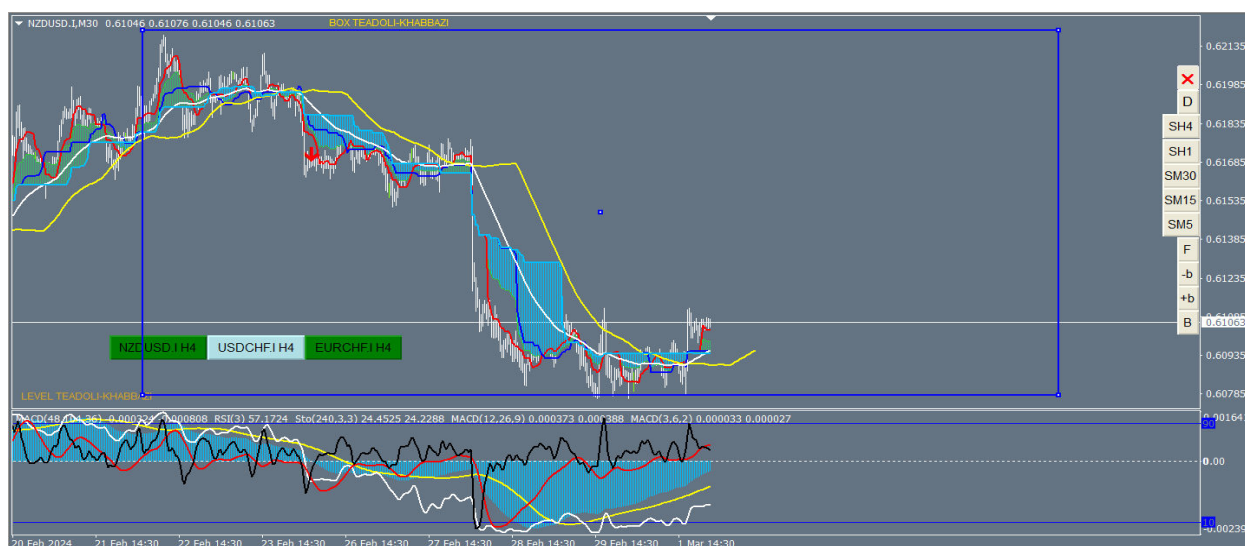
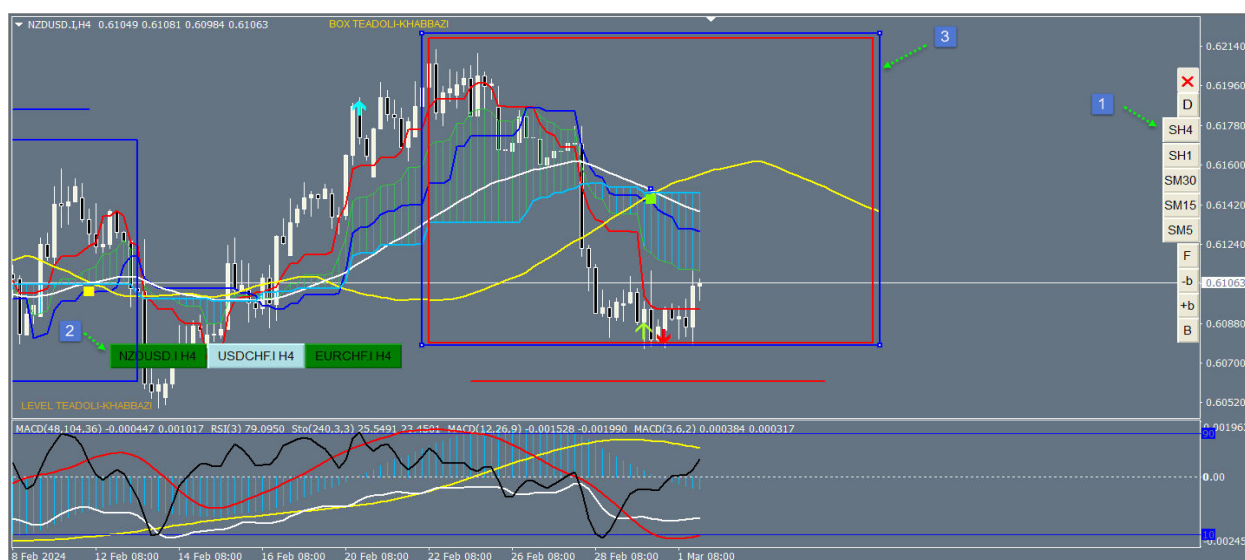
اگر در ترید از انتهای باکس 26 یا باکس 52 یا باکس تعادلی یا هر سطح مهم دیگر، با وجود اشباع خطوط مشکی و قرمز، انتهای باکس، قبل از تاج فلت مرکز باکس و یا آن سطح مهم، بشکند، با به اشباع رسیدن خط زرد در همان تایم، انتظار برگشت قیمت جهت تاج انتهای باکس و سپس مرکز باکس و یا آن سطح مهم شکسته شده را داریم.

و اگر در سطح مهم همه چرخه ها (نه فقط سیکل مشکی و قرمز) در اشباع باشند، با شکست آن سطح، انتظار برگشت قیمت به آن سطح را وقتی که چرخه ها در تایم چهار برابری تایم مورد نظر به اشباع برسند، داریم.

ستاپ باکس تعادلی در تایم پایین می تواند خودش را به صورت ستاپ توازن نشان دهد و مرکز باکس تعادلی، همان محور هیستو و یا فرکتال خواهد بود. اسکرن ستاپ باکس تعادلی در تایم بالا می تواند به عنوان اسکرن باکس فرکتال در تایم پایین تر عمل نماید.

برای این منظور یک باکس بر روی باکس تعادلی که توسط اندیکاتور **BOX** رسم شده است؛ می اندازیم و سپس عملکرد این باکس را در نقش باکس فرکتال به منظور ترید فاز سوم در تایم های پایین تر بررسی می کنیم.

با تغییر تایم، باکس رسم شده توسط اندیکاتور مربوطه، پاک می شود.

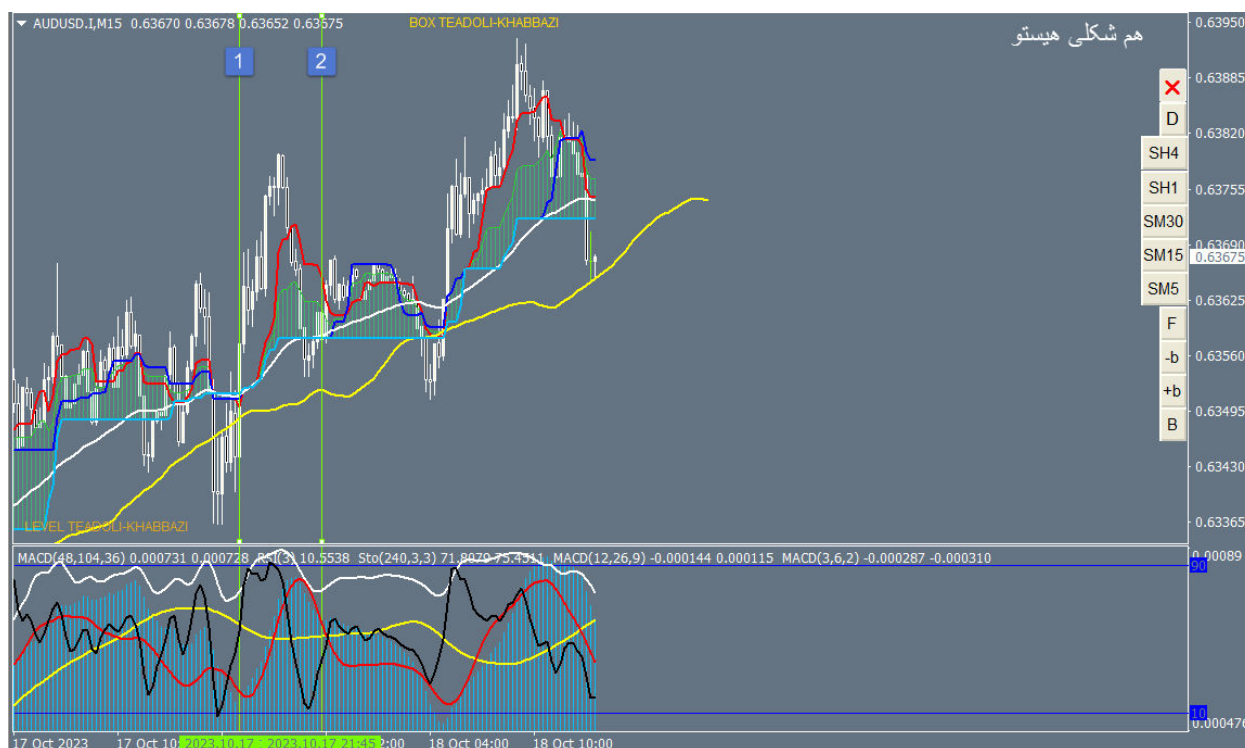


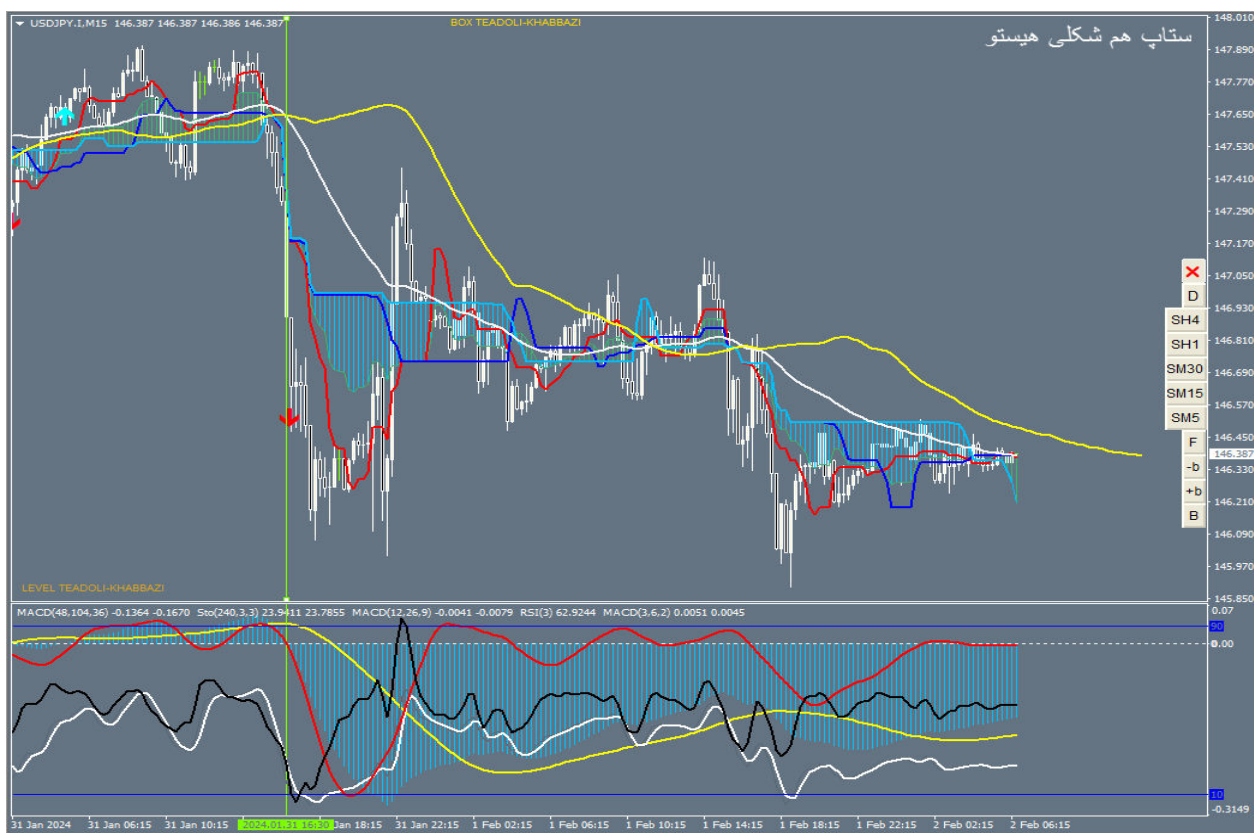
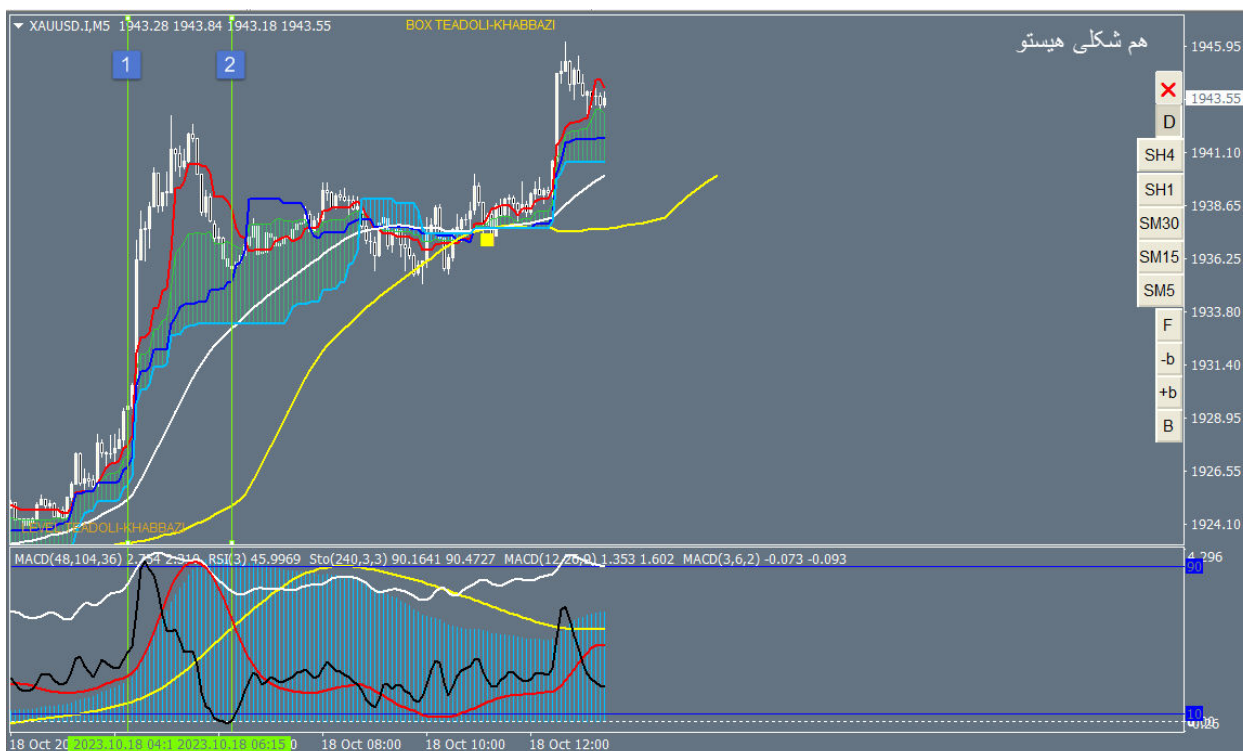
3_ ستاپ هم شکلی هیستو

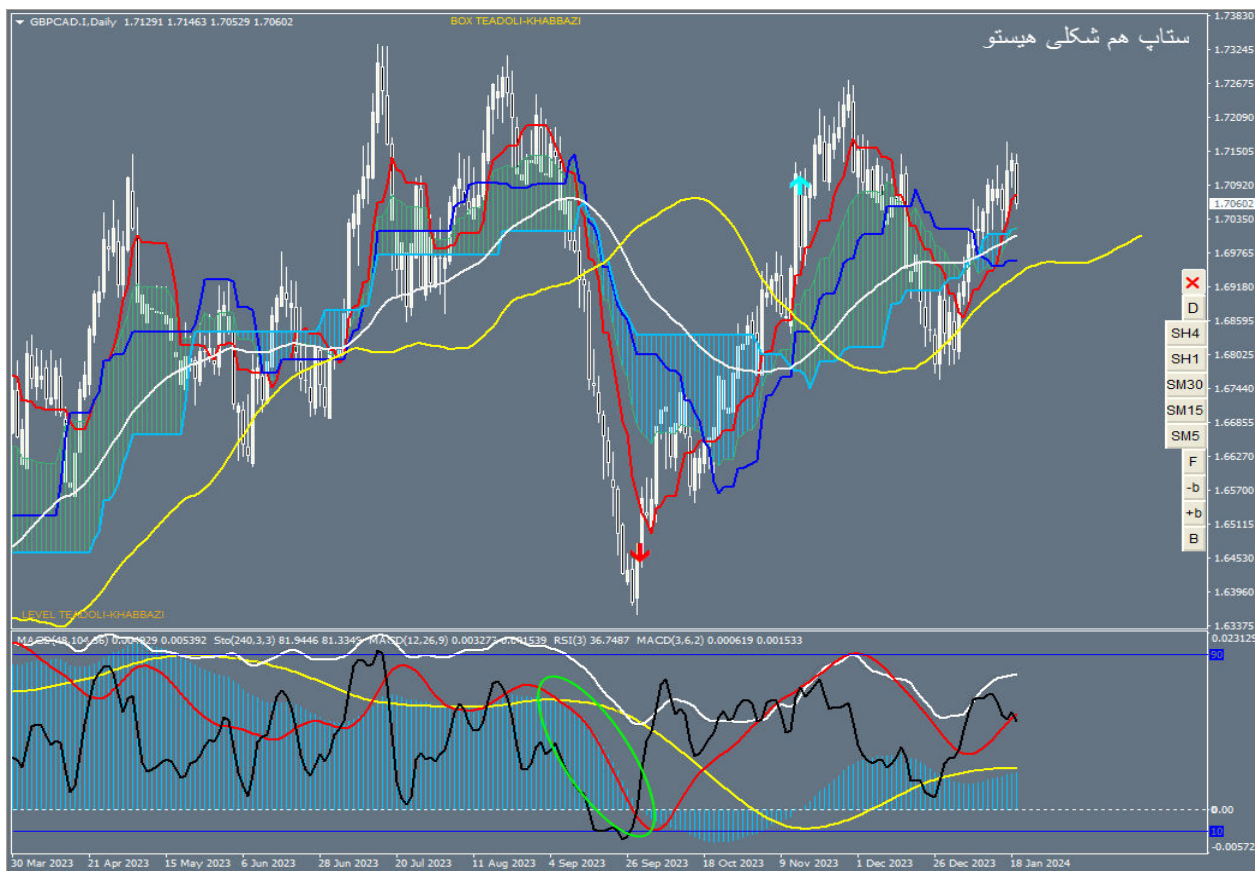
میز اندیکاتوری خاصیت مولتی تایم دارد. یعنی خط قرمز نمایشگر وضعیت تایم یک چهارمی و خط مشکی نمایشگر وضعیت تایم یک شانزدهمی می باشد. پس وقتی خط قرمز بر روی خط هیستو (در خط عمود یک) می افتد و با هم حرکت می کنند، این حرکت، تایید تایم یک چهارمی را نیز دارد.

این تایید فرکتال، نشان از حرکت شارپ دارد که می توان با آن همراه شد. همچنین بعد از به اشباع رفتن سیکل قرمز، این حرکت شارپ اصلاح می کند. تارگت اول در اصلاح، برگشت قیمت تا زمانی است که خط قرمز خط زرد را کراس کند (خط زمان دوم).

تارگت دوم زمانی است که خط قرمز در میز به همان نقطه استارت هم شکلی، برگردد.



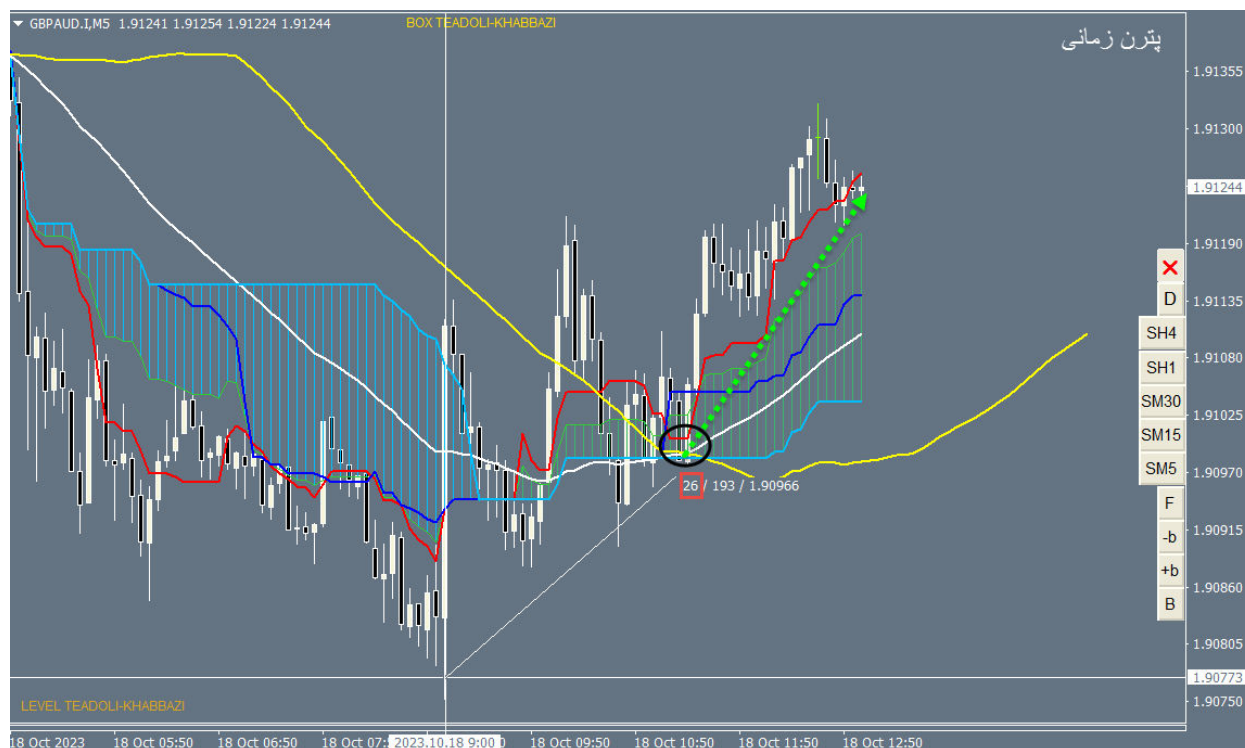




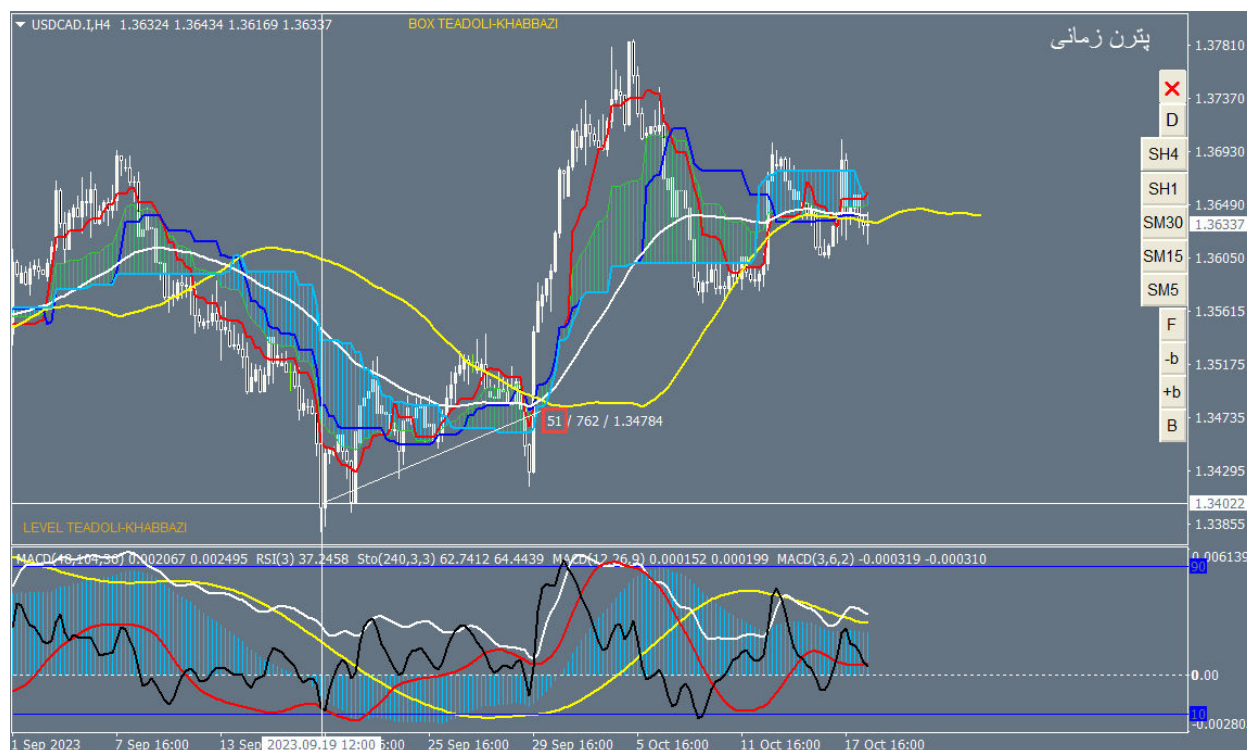
4_ ستاپ پترن زمانی

در انتهای باکس 52 یعنی منطقه آشوب، کیجن، سنکو اسپن B را کراس می کند تا چرخش قیمت صورت بگیرد. در این محدوده امکان فلت شدن کیجن و سنکو اسپن B و روی همدیگر افتادن آنها نیز وجود دارد که اعتبار این سطح را نشان می دهد. حال اگر سویچ تعادلی نیز بر روی این فلت واقع شود، و در آن جا قیمت نیز وجود داشته باشد، ستاپ ریورس سویچ تعادلی و ستاپ همراهی قیمت با کیجن را با هم داریم.

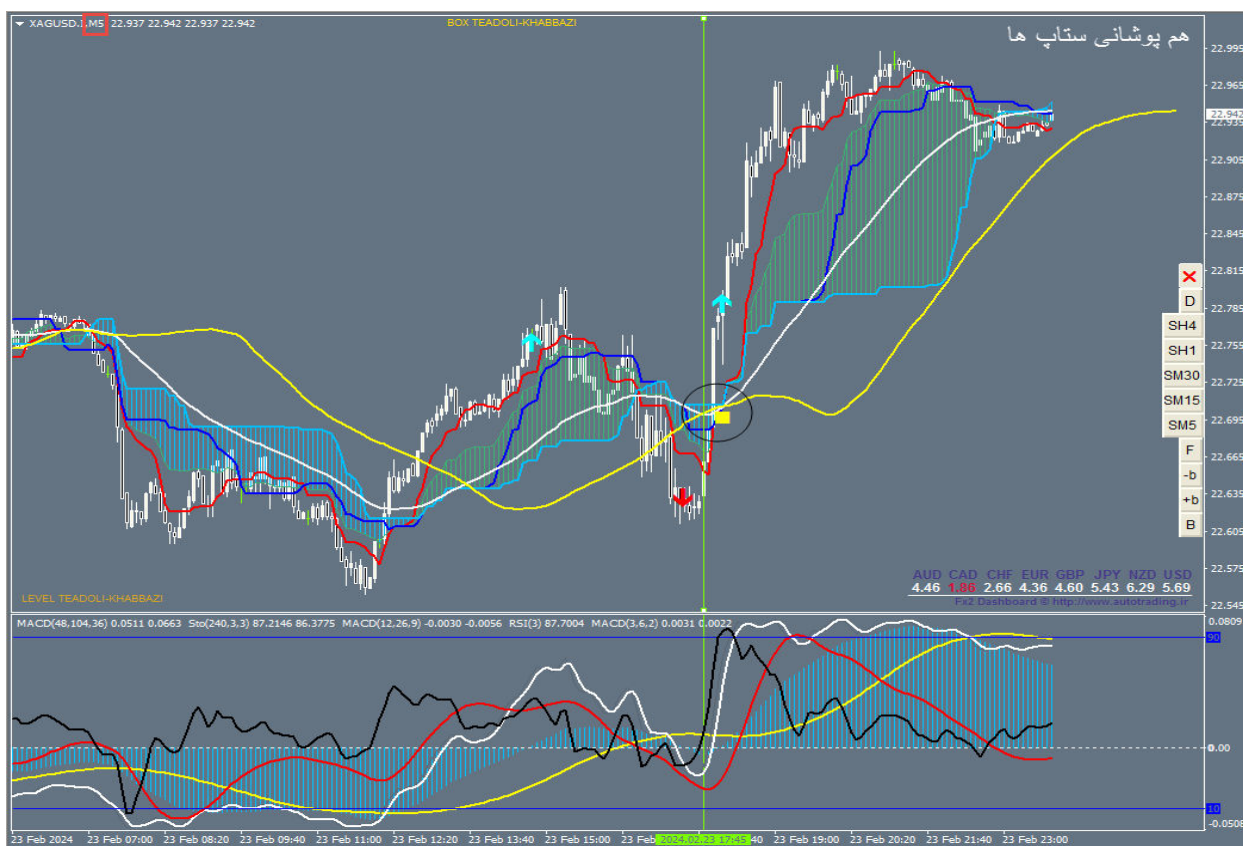
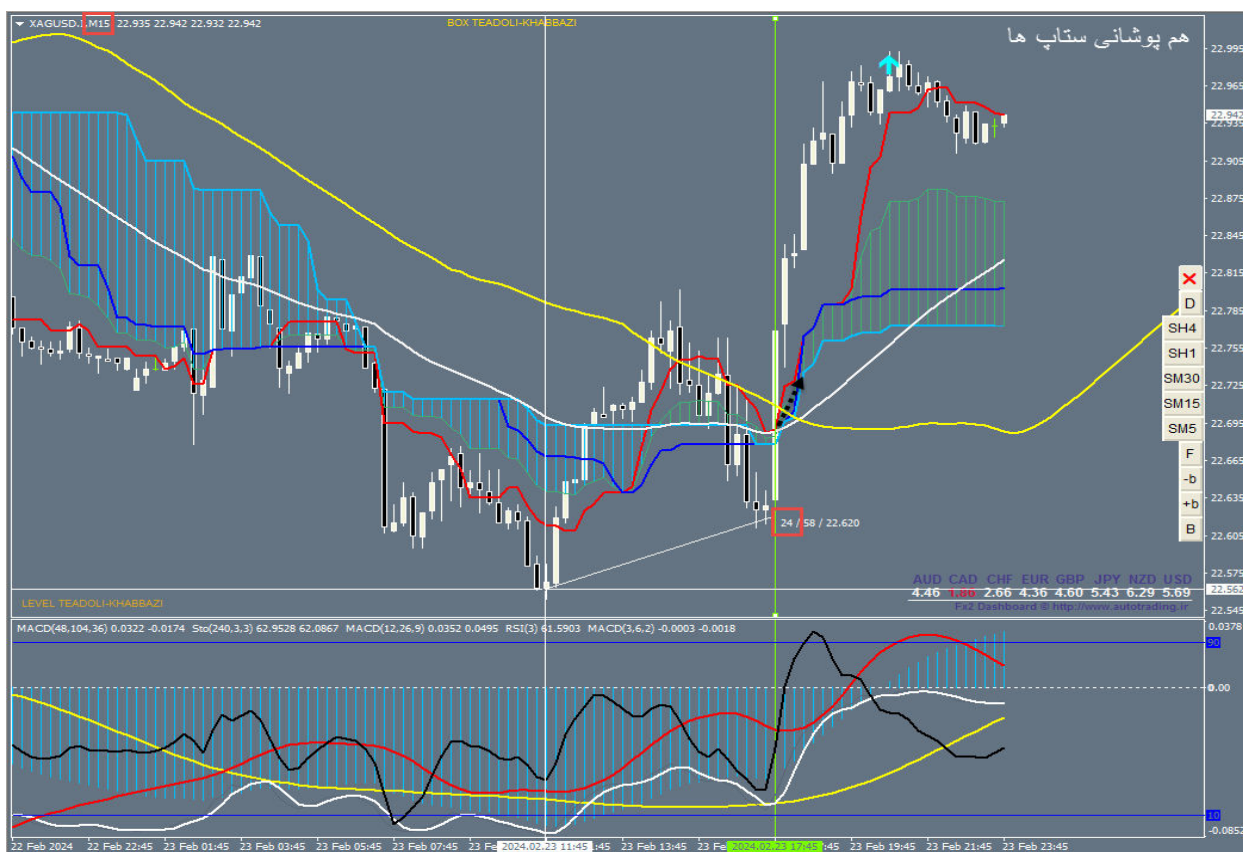
در این شرایط اگر کندل واقع بر سویچ تعادلی، در عدد 26 (17 یا 52) از قله یا دره باشد، قیمت با تایید زمان که دارد؛ می تواند پترن سازی نماید. در واقع قیمت در کندل 26 از شروع یک دره یا قله بر روی یک سطح معتبر قرار دارد که می تواند با ریورس سویچ، همراه با کیجن، با هم حرکت کنند و ستاپ پترن زمانی را فراهم سازند. کندل واقع بر روی سویچ تعادلی، به عنوان نقطه C از پترن خواهد بود. از آنجا که این حرکت در یکی از اعداد زمان در ایچی مخصوصا عدد 26 از شروع حرکت می باشد، نام پترن زمانی را بخود گرفته است.



تارگت اول ستاپ پترن زمانی باکس تعادلی(معمولا همان سطح قبلی می شود) است؛
مخصوصا اگر قبلا به این سطح نرسیده باشد و تارگت بعدی سطح 261 از فیبو
تعادلی خواهد بود.



ستاپ پترن زمانی خودش را در تایم پایین تر به صورت ستاپ توازن نشان می دهد.
در نتیجه با رجوع به تایم پایین، جهت ستاپ پترن زمانی(مثلث زمان) برای ساخت
پترن N و یا پترن V مشخص می شود.
دو شکل بعد را ملاحظه فرمایید.



5_ ستاپ ترید تعادلی

اگر حرکت قیمت به صورت متعادل باشد، قیمت معمولاً به خط پنجاه درصد تعادلی اش برگشت می‌کند. یعنی خط یا سطحی را شکسته و با پولبک به آن، پترن **S** شکل می‌گیرد.

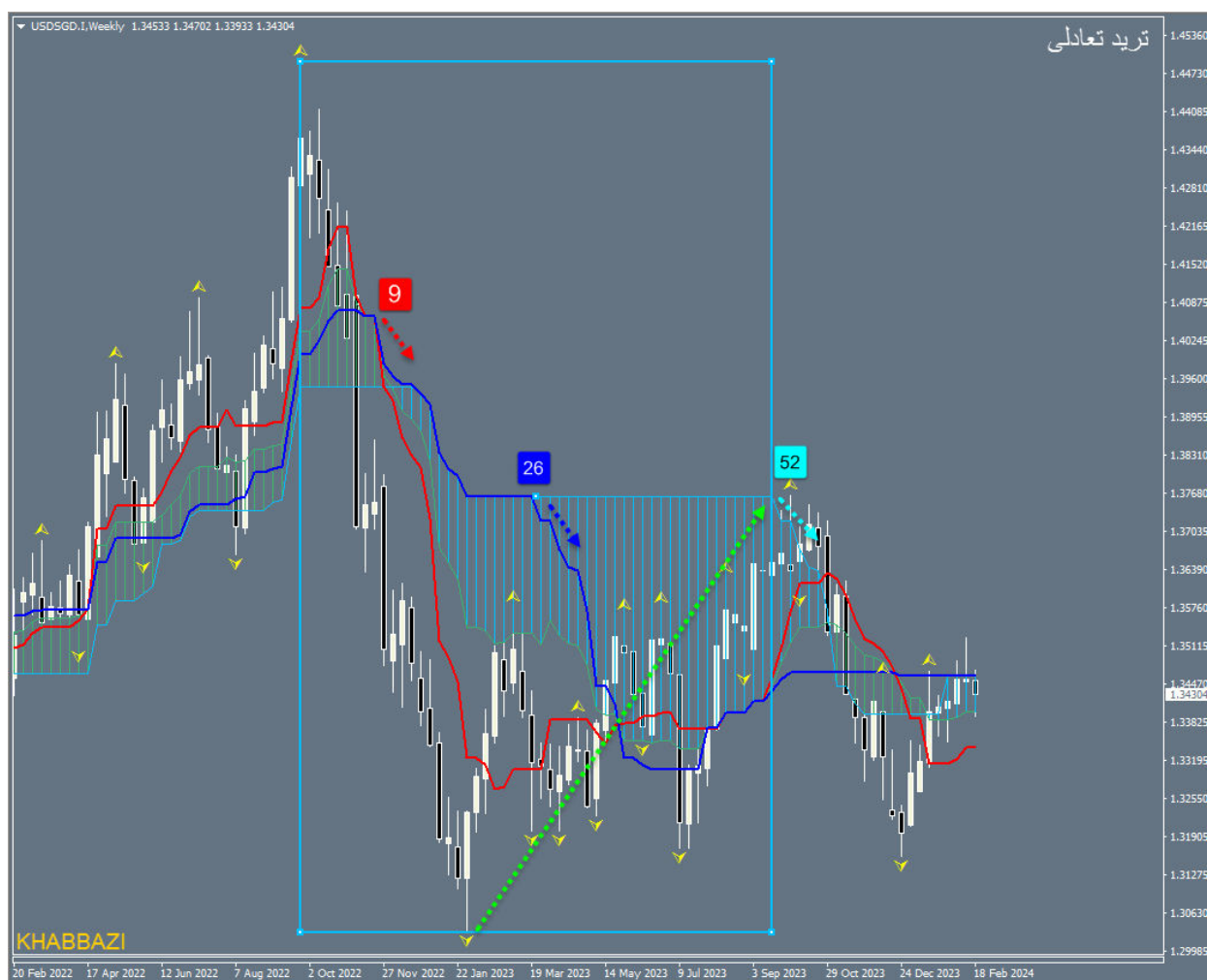
ترید تعادلی اشاره به فلت سنکو اسپن **B** دارد که در صورت متعادل بودن حرکت، بعداً در محل مشخص که قابل پیش بینی است، تشکیل شده و قیمت آن را تاج خواهد کرد.

این پلن را داخل باکس **26** و یا **52** می‌توان اجراء نمود. در سبک تعادل از باکس **52** استفاده می‌شود که مرکز باکس، وضعیت باکس **26** را نیز گزارش می‌دهد.

در شکل، چارت حرکت شارپی را بدون اصلاح انجام داده است. پس باکس محصور بین کندل شروع تا کندل انتهای دوره یعنی باکس 52 کندلی، با باکس دره و قله مربوط به دوره 52 کندلی، برابر است.

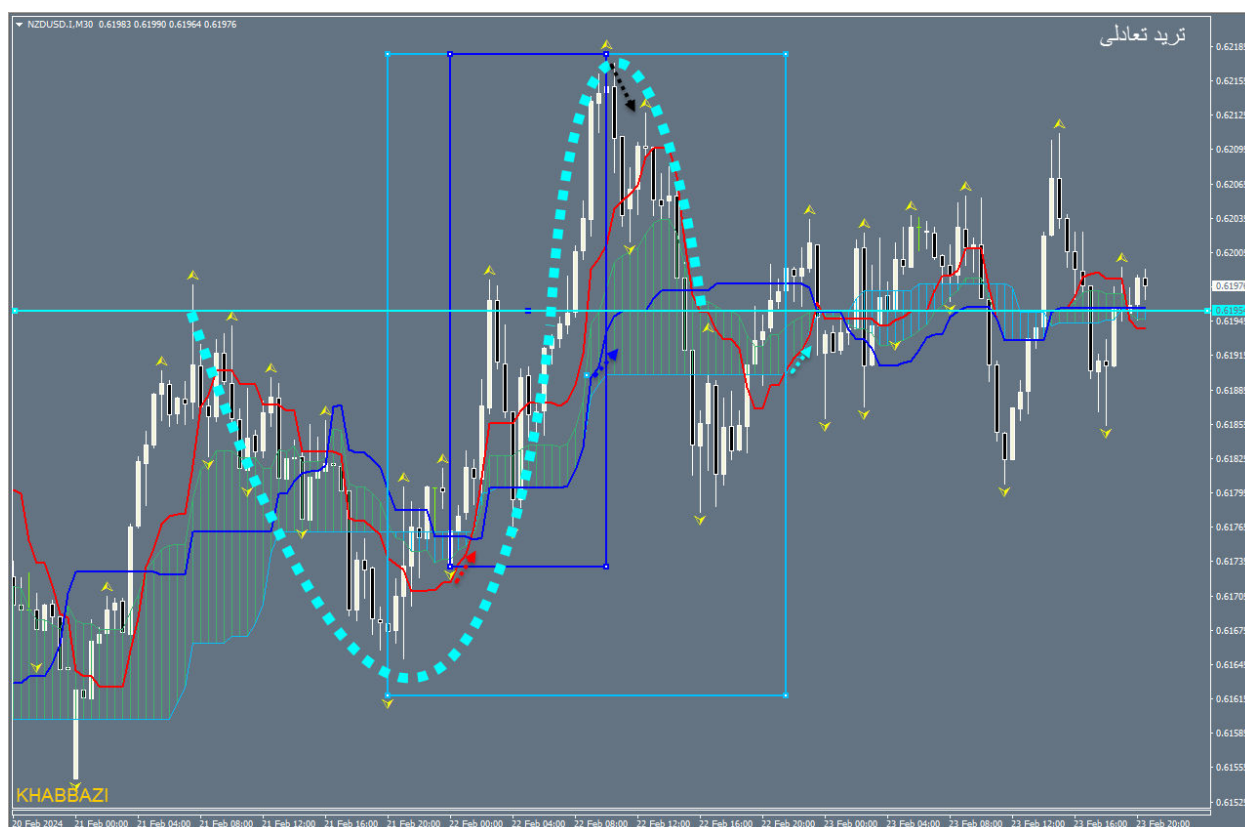
فلت سنکو اسپن B واقع در مرکز باکس، قبلا تشکیل شده و نیاز به پیش بینی ندارد؛ سطح تعادلی است که تاچ می شود.

تنکن و کیجن و سنکو اسپن B، با توجه به دوره های زمانی اشان با از دست دادن قله به سمت پایین حرکت خواهند کرد.



باکس محصور بین کندل شروع دوره تا کندل انتهای دوره (باکس فیروزه ای)، با باکس محصور بین دره تا قله محدوده 52 کندلی (باکس آبی)، برابر نیستند.

مرکز باکس بین دره و قله را به عنوان فلت تعادلی منظور می کنیم که در آینده تشکیل خواهد شد و قیمت در برگشت، آن را تاچ خواهد کرد.



6_ فلت چرخه(اشباع)

در تحلیل و ترید با فلت ها(رنج شدن سنکو اسپن **B** یا کیجنسن) از قیمت استفاده می شود. از آن جا که چارت جنس زمان نیز دارد، اگر این دو هم زمان تایید لازم را بدهند، این شرایط خوب، با جلوه های زاویه، حجم(نقدینگی)، هم زمانی سیکل ها... خودش را نشان می دهد.

در سبک تعادل مومنتوم یا زاویه با خط روند(خط زاویه) سفید مشخص می شود. وقتی تایید شکست خط روند سفید را با الگوی زمانی پرچم(توالی چرخه ها) از میز اندیکاتوری می گیریم؛ در واقع از یکی از موارد تعامل دقیق سه سیستم میز اندیکاتوری و موینگ و ایچی، استفاده می کنیم.

در ترید تعادلی اشاره می شود به فلت سنکو اسپن **B** که در آینده، شکل خواهد گرفت و تاچ خواهد شد. اگر فلت سنکو شکل نگیرد یا سنکو طبق پیش بینی این ستاپ، فلت بشود؛ اما قیمت آن را تاچ نکند، حرکت متعادل نخواهد بود و قیمت قصد ادامه حرکت و نه انجام اصلاح تعادلی اش را دارد. در ترید تعادلی، دره و قله یعنی قیمت، در تعداد مشخص یعنی زمان، منظور می شود پس تحلیل، زمانی و قیمتی است.

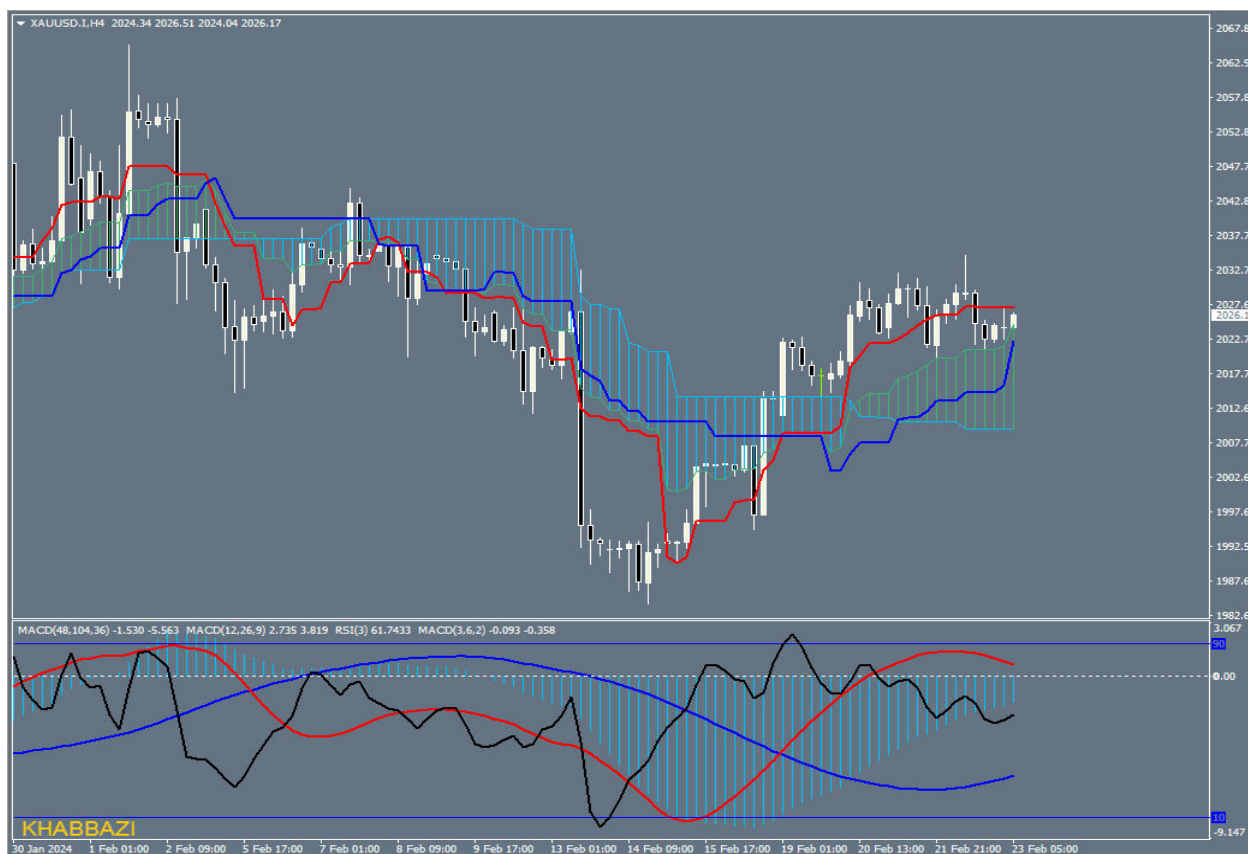
بعضی اوقات فلت واقع در مرکز باکس **52** یا **25**، همان فلت شروع و انتهای دوره می باشد. اما در بعضی مواقع، فلت مورد نظر، فلت بین دره و قله این دوره زمانی است و چارت در ابتدا آن فلت را تاچ می کند و سپس احتمال تاچ فلت مربوط به شروع و انتهای دوره خواهد بود.

در این قسمت به فلتی می پردازیم که بر اساس هم زمانی چرخه ها یا سیکل ها در اشباع می باشد؛ که در حالت ایده آل، تعامل سه سیستم را به رخ می کشد که راهنمای خوبی برای یک سبک تعادلی می باشد و همچنین دید و ذهنیتی ساده اما عمیق، به تریدری که فقط با ایچی تحلیل و ترید می کند، می دهد.

یک مثال از این فلت ها همان فلت ترید تعادلی در وضعیت برابر بودن دو باکس 52 و باکس محصور بین کندل شروع و کندل انتهای دوره می باشد.

این نوع فلت ها، اکثرا تاچ می شوند و اگر تاچ نشوند علت آن (رفتار شناسی قیمت) برای ما مشخص است. این فلت ها اکثرا اشباع هایی را در بر می گیرند که اجزا میز علیرغم آزاد و رها بودن، به صورت سنجاق شده با تراز ها می باشند؛ یعنی با جابجایی چارت، سایکل ها از تراز 10 یا 90 جدا نمی شوند که اگر هم بشوند، مهم نیست.

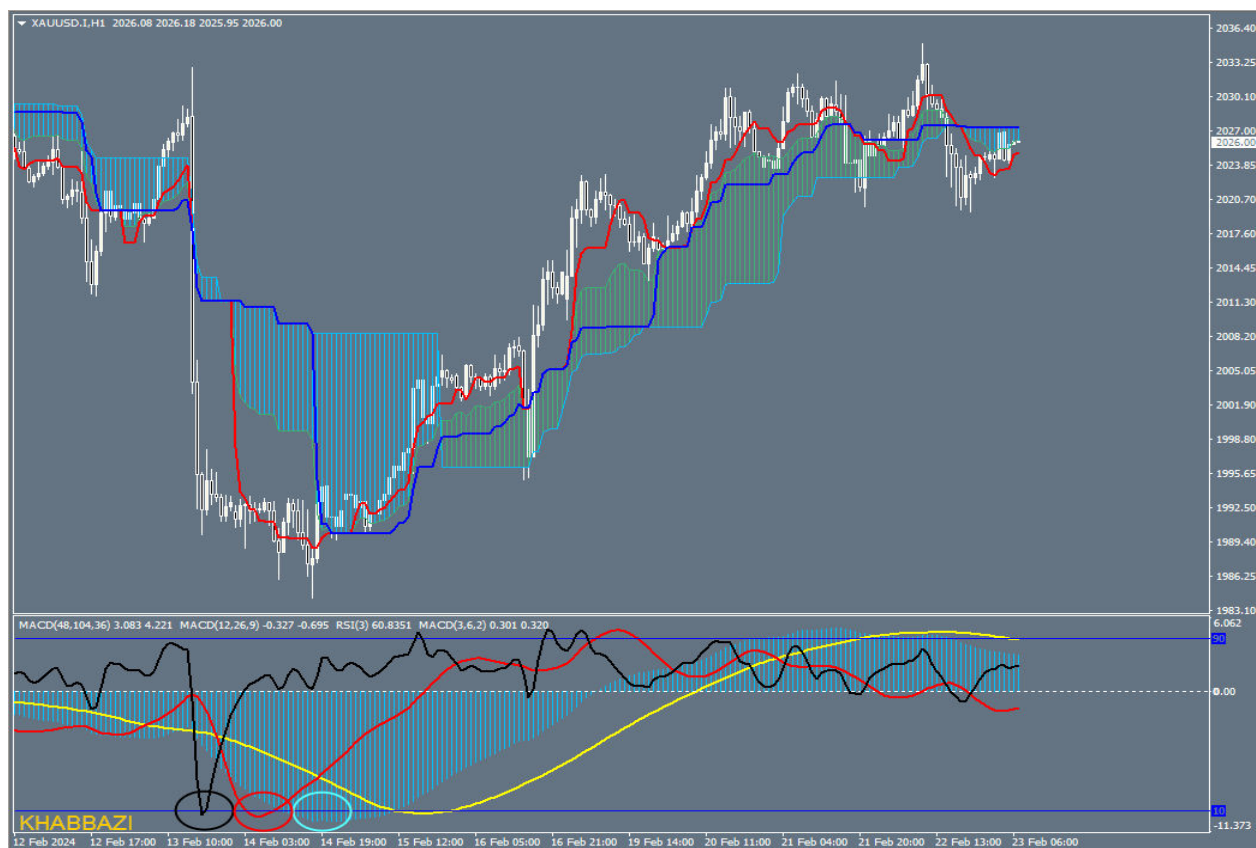
دوستان ایچی کار، اگر از میز در کنار ایچی بدون موینگ ها می خواهید استفاده نمایید طبق شکل بعد، از رنگ آبی به جای زرد استفاده کنید تا معادل کیجن منظور شود و با چارت هم خوانی داشته باشد و قرمز را معادل تنکنسن و مشکی را معادل قیمت منظور نمایید. با این دیدگاه همان چرخه ها یا دوره های ایچی را در میز در اختیار دارید.



در سبک تعادل سه شرط برای اشباع منظور می شود.

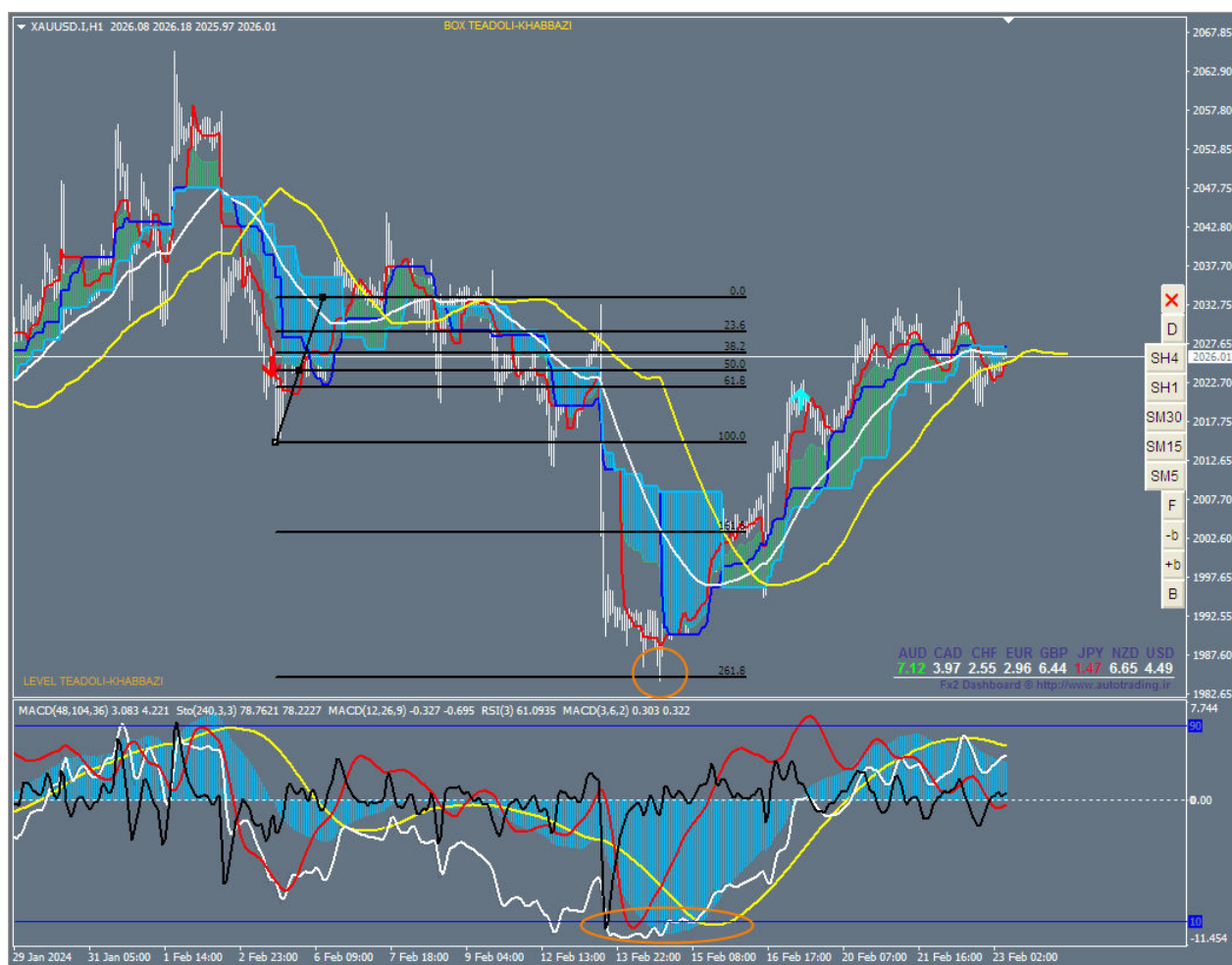
شرط اول

چرخه یا سیکل در تراز 10 یا 90 از RSI باشد. منظور از سیکل یا چرخه، همان مکدی های دیفالت، یک چهارم و چهار برابری در میز یعنی خطوط قرمز، مشکی و زرد است. تراز 10 یا 90 یک محدوده یا مرز بصری می باشد که در بسیاری از مواقع خواهیم دید که هنوز خطوط به این تراز ها نرسیده اند اما در اشباع می باشند و یا بر عکس یعنی خطوط به این ترازها رسیده اند؛ اما بعد از مدتی مشاهده می شود که وضعیت اشباع قبل، بر قرار نیست. این موارد ذکر شده بعد از یک مدت با توجه به مطالب گفته شده و تمرینات فاز بندی، برای یک سبک تعادلی به صورت روتین و حل شده خواهد بود. هدف از لول گذاری این است که فرد مبتدی در ابتدا با یک سیستم مکانیکی یعنی صفر و یک در ارتباط باشد تا وضعیت های فراوان، تمرکز را از ایشان نگیرد و فقط یک نقش در ذهنش متصور شود.



شرط دوم

وقتی خطی در تراز **10** یا **90**(اشباع) است، چارت هم زمان باید در یک سطح (فیو، باکس،کانال) تعادلی باشد. دوستان ایچی کاری که از موینگ ها استفاده نمی کنند سطح تعادلی را با باکس مساحت کراس یا ...می توانند مشخص نمایند.



شرط سوم

وقتی دو شرط قبل برقرار است سنکو اسپن **B** باید فلت شود.

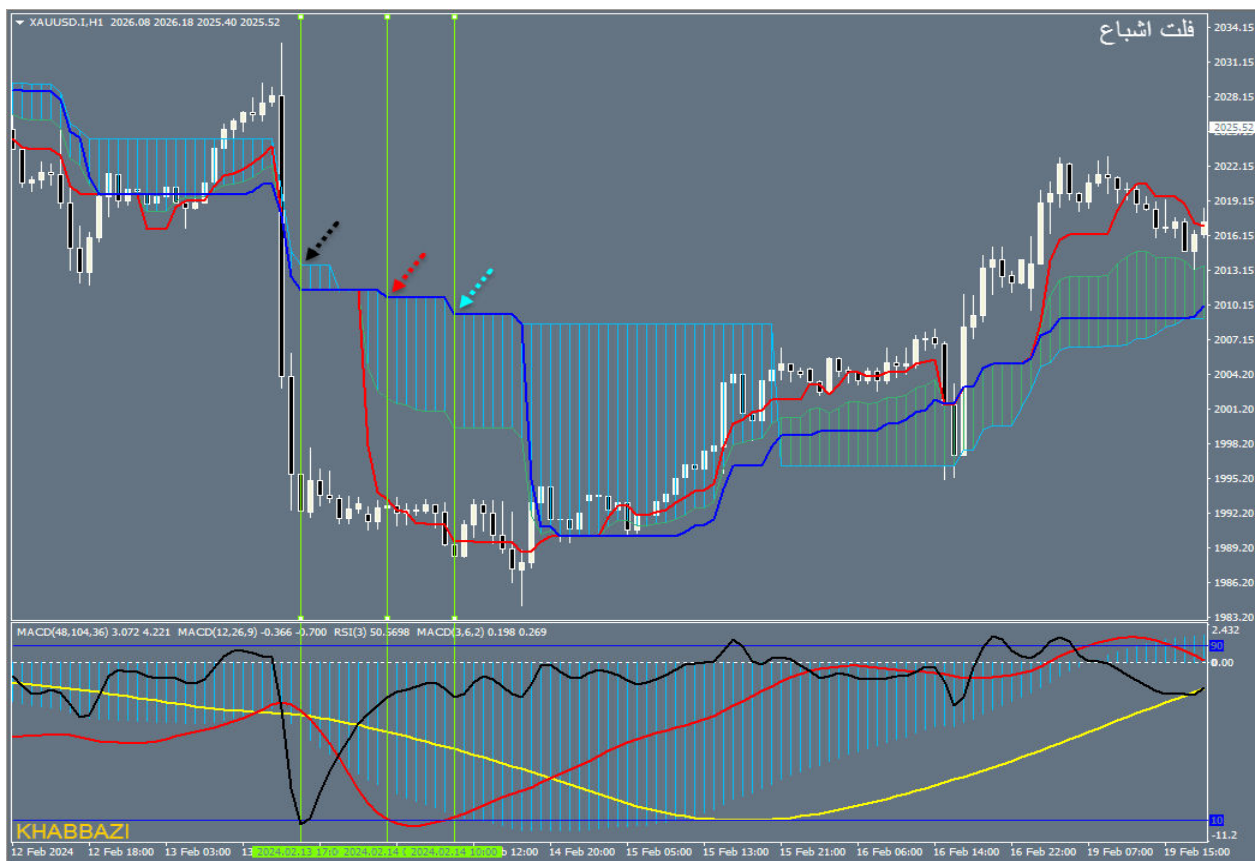
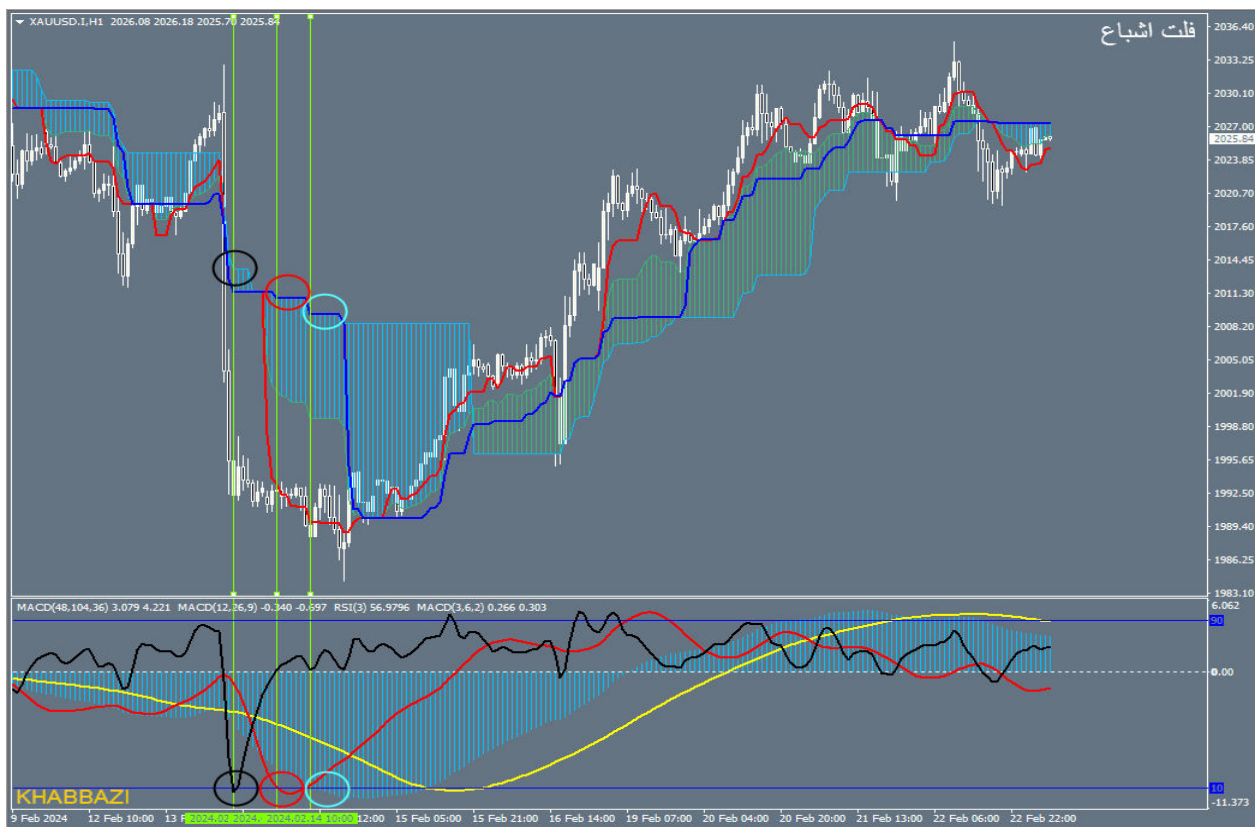
پس در یک سطح تعادلی وقتی سیکلی به اشباع یعنی به تراز **10** یا **90** از **RSI** میرود اگر سنکو اسپن **B** هم زمان فلت شود؛ این فلت را فلت اشباع سیکل یا چرخه می نامیم. پس اشباعی اهمیت دارد که در یک سطح تعادلی، در این حد، توان داشته باشد که بتواند سنکو اسپن **B** را فلت کند.

شکل، فلت مشکی و فلت قرمز و فلت فیروزه ای را نشان می دهد. به سطحی که قیمت در روبروی فلت سنکو **B** است، یعنی باعث فلت شدن آن شده است، سطح فلت چرخه می گوئیم. پس منظور از شکست سطح فلت چرخه مشکی، یعنی شکست سطح قیمتی می باشد که باعث این فلت شده است.

منظور از فلت مشکی، فلت سنکو اسپن **B** است که هم زمان با به اشباع رفتن خط مشکی یعنی مکدی یک چهارم مکدی دیفالت در میز، شکل می گیرد.

منظور از فلت قرمز، فلت سنکو اسپن **B** است که هم زمان با به اشباع رفتن خط قرمز یعنی مکدی دیفالت در میز، شکل می گیرد.

منظور از فلت فیروزه ای، فلت سنکو اسپن **B** است که هم زمان با به اشباع رفتن خط فیروزه ای یعنی مکدی چهار برابر مکدی دیفالت در میز، شکل می گیرد.



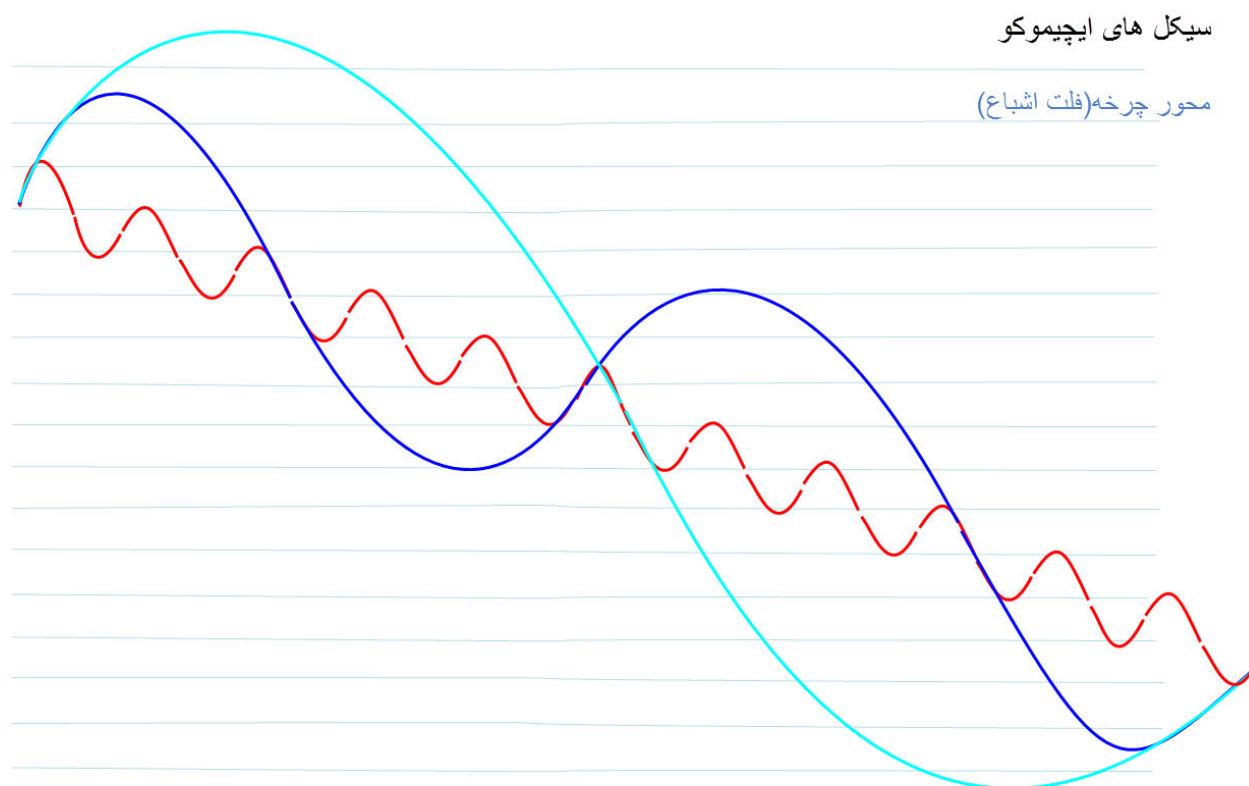
وقتی یک روند شکل می گیرد ابتدا خط مشکی با توجه به دوره کوتاه آن نسبت به دوره های قرمز یا زرد، به اشباع می رسد. چارت در واکنش به فلت مشکی می تواند با اصلاحش، این فلت را تاج کرده و چرخه مشکی را ببندد.



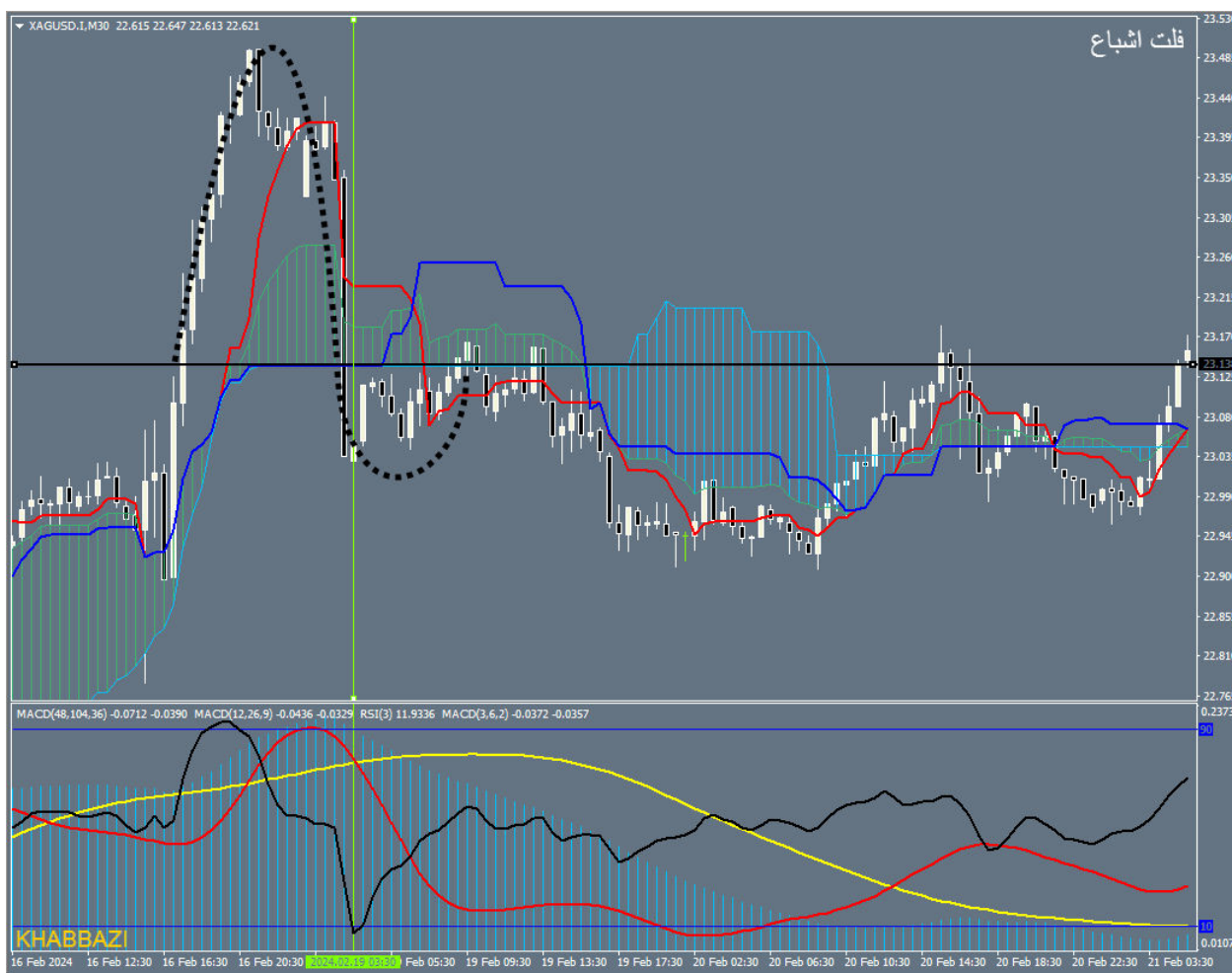
فلت اشباع یا چرخه، برای هر سیکل (مشکی- قرمز- فیروزه ای) در حکم محور برای باز و بسته کردن آن سیکل با چرخش قیمت حول آن می باشد. این محور ها پویا هستند و دائم در حال تغییر بوده و در همان تایم یا تایمی دیگر می توانند در نقش محور تعادل استاتیک یا محور هیستو یا محور فرکتال، ظاهر شوند.

یک فرد سبک تعادلی در پایان فاز بندی به این ذهنیت می رسد که محور چرخه(فلت اشباع) در تایم چهار ساعته می تواند در تایم یک ساعته به صورت محور هیستو و در تایم پانزده دقیقه به صورت محور فرکتال یا توازن ظاهر شود و وقتی به سود رسید تازه متوجه می شود که همه این اصطلاح و نام ها فقط ابزاری بوده است تا ایشان را به این مرحله برساند و الان به واسطه فنی که مشق کرده است، این ذهنیت را دارد که بتواند بدون ابزار، تحلیل و ترید کند.

طبق شکل، در فاز فرکتال سعی شده است که شخص مبتدی بتواند دو رالی سیکل آبی که در داخل یک چرخه فیروزه ای قرار دارد را ترید نماید و در فاز چهارم با ستاپ توازن، از رالی اول صرف نظر کرده و به سراغ رالی دوم از سیکل آبی برود. در واقع ندانسته، کاربردی ترین تکنیک در قالب ساده اما مطمئن را پیاده می کند.

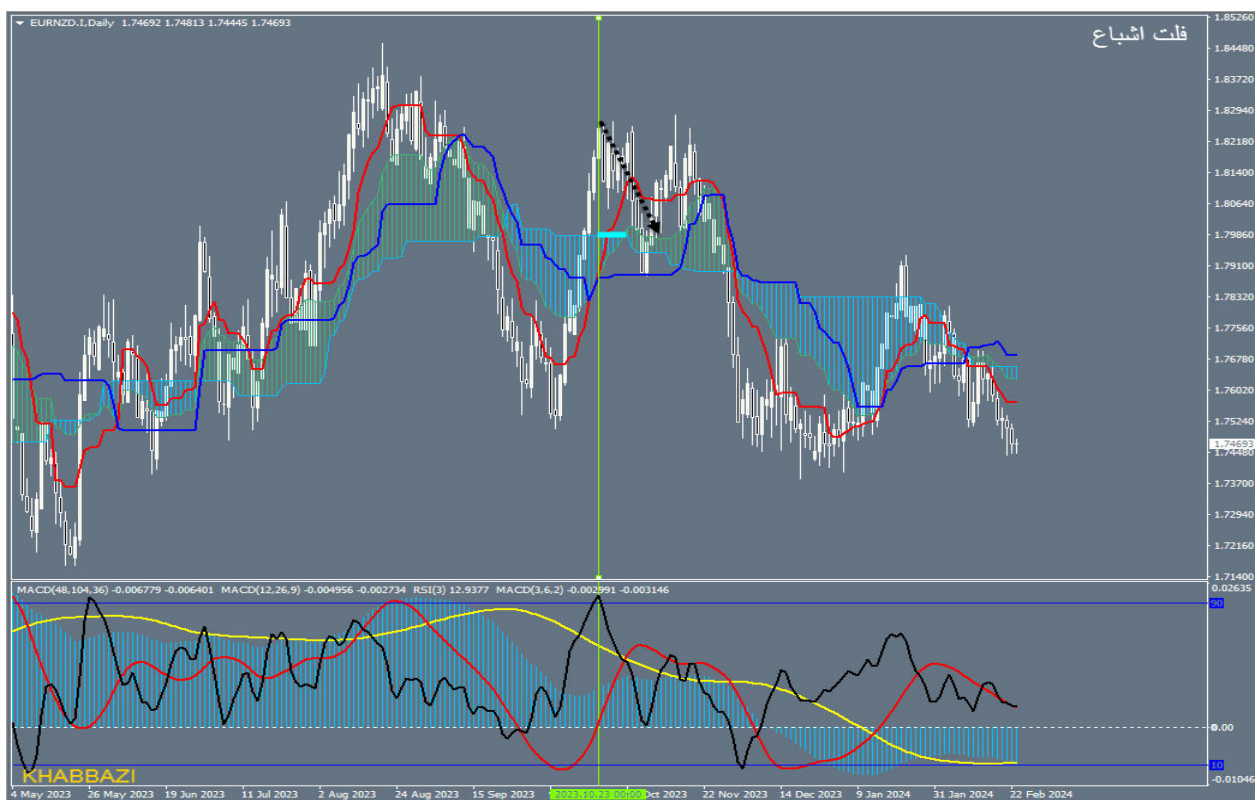
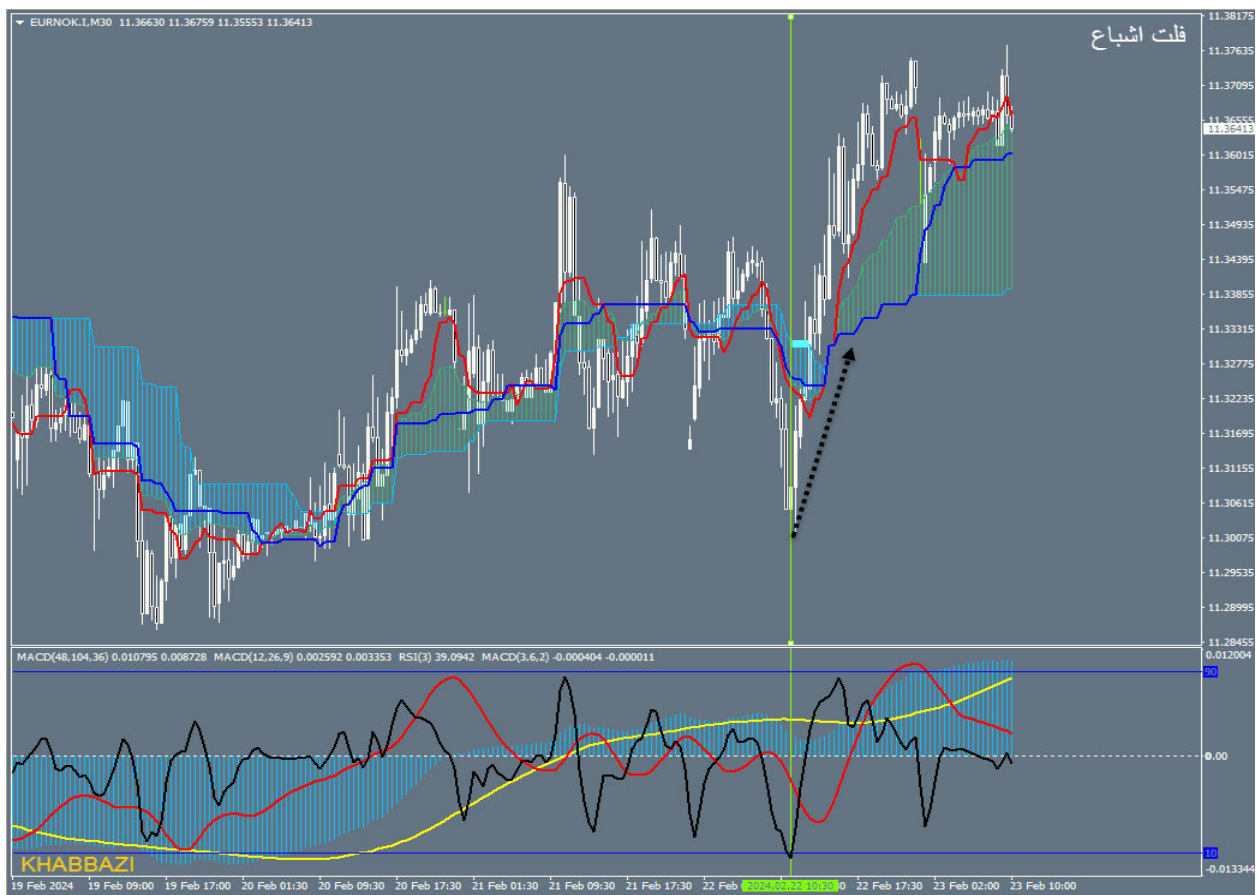


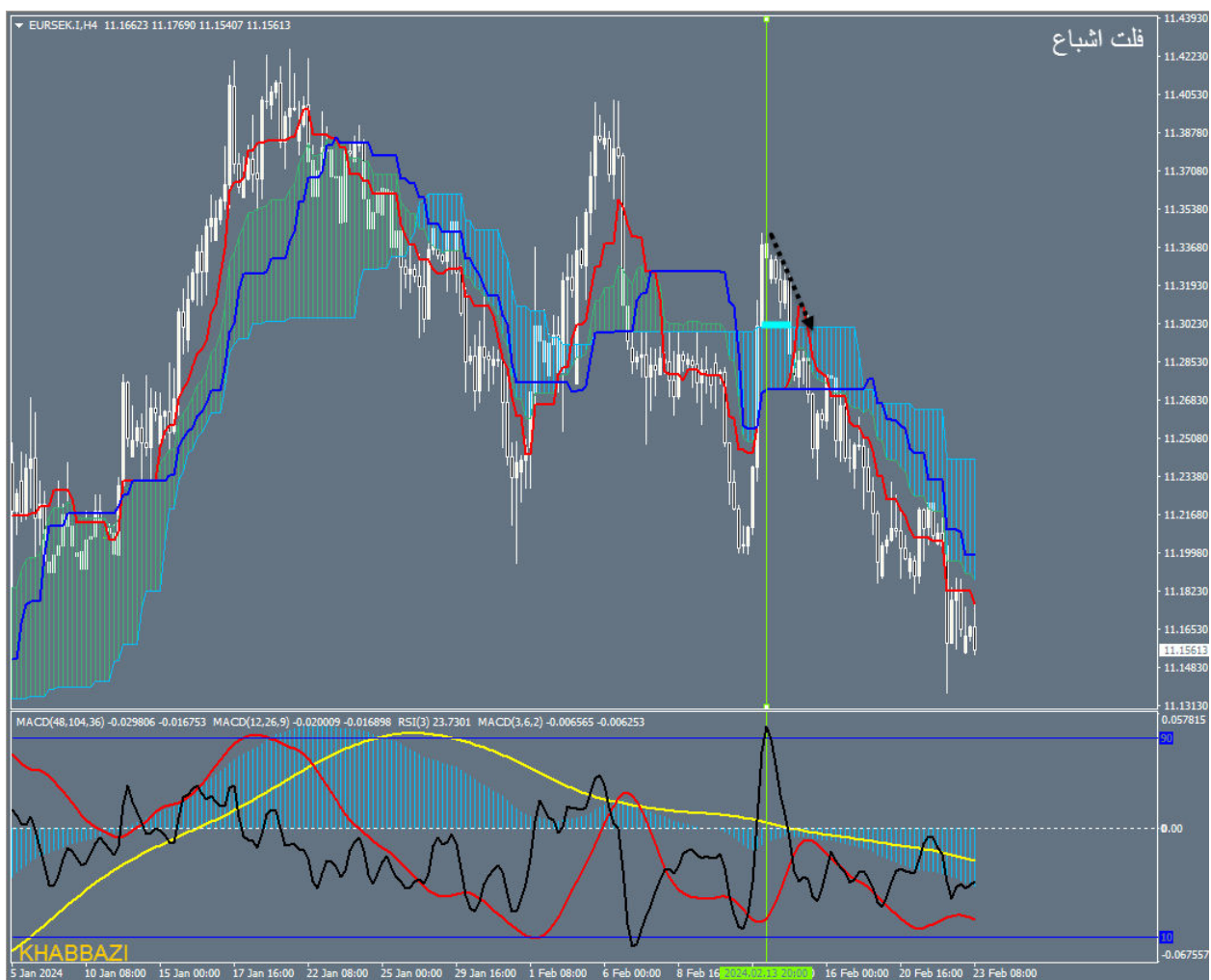
KHABBAZI



امکان دارد چارت بعد از تاچ فلت مشکی، فلت را بشکند و برگشتی در کار نباشد. در این شرایط اگر فقط سیکل مشکی در اشباع باشد، مشخصاً طبق شکل مربوط به سیکل های ایچیموکو، به تنهایی نمی تواند روند را تغییر دهد، پس حرکت اصلاحی می باشد.

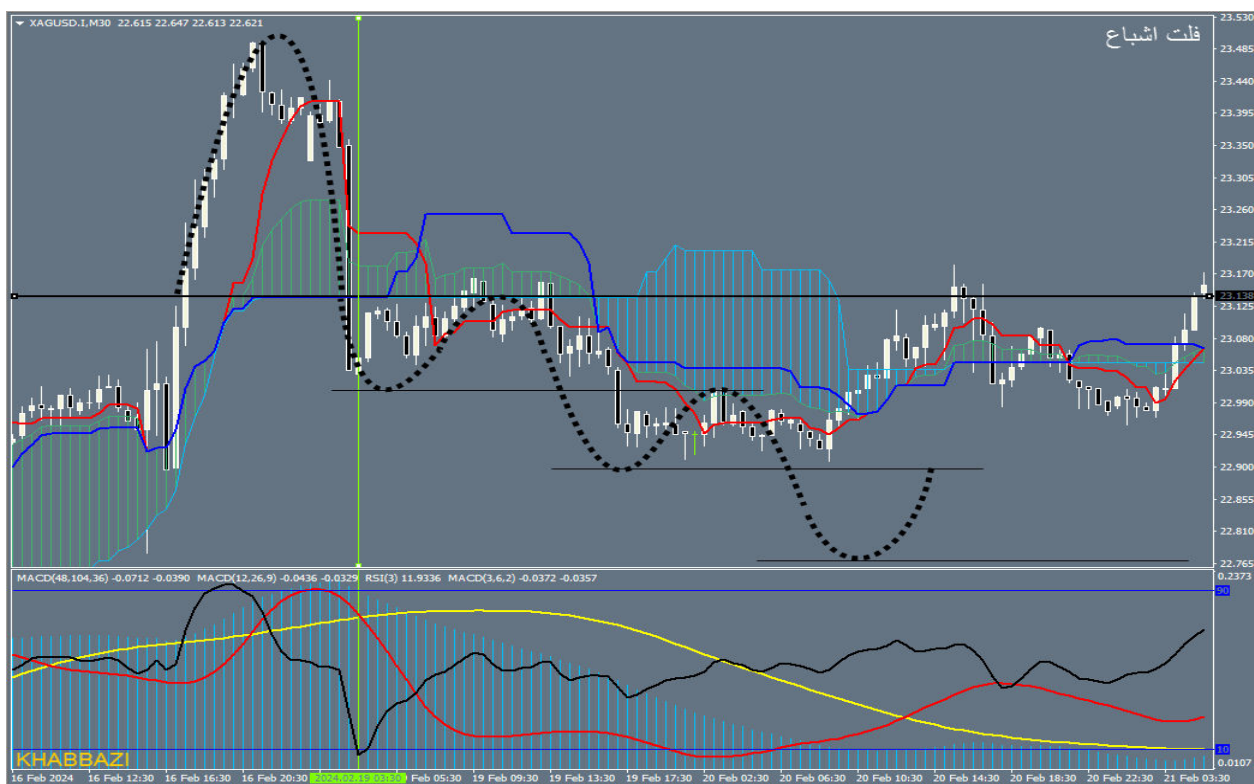
یعنی از قبل، چرخه های قرمز و زرد و مشکی از اشباع حرکت شان را شروع کرده اند؛ حال سیکل مشکی به علت دوره کمتر مجدداً به اشباع رفته است. با اتمام اصلاح، این سیکل مشکی به چرخه قرمز و زرد بر خواهد گشت.





همچنین امکان دارد با برگشت چارت از فلت مشکی، چرخه جدید مشکی شروع شود. مثل شکل مربوط به سیکل های فرکتال زمانی، با این تفاوت که در آنجا دوره ها با نسبت چهار برابری بودند؛ اما در این جا طبق شکل سیکل های ایچیموکو، دوره ها همان دوره های زمانی ایچی با هر تناسبی می توانند باشند.

در شکل بعد، خارج از وضعیت اکنون چارت، حالت ایده الی که چرخه مشکی می تواند در ادامه داشته باشد، رسم شده است.



فالت اشباع(چرخه) یک سطح مهم برای تحلیل آینده چارت می باشد که با آن می توان سوینگ های خوبی گرفت.



در سبک تعادل با توجه به اولویت چرخه ها در میز اندیکاتوری نسبت به دوره های زمانی ایچی و همچنین شرایط فلت اشباع و ساده شدن شکل، دوره زمانی ایچی منظور نشده است.

در باکس 52 تعامل بین دوره های ایچی و چرخه های میز و فلت ها، قابل تحلیل و استفاده می باشد.

هدف اصلی از نشان دادن چرخه های مشکی در شکل بعد، نمایش تعامل ایچی با میز اندیکاتوری از نظر سیکل ها می باشد.

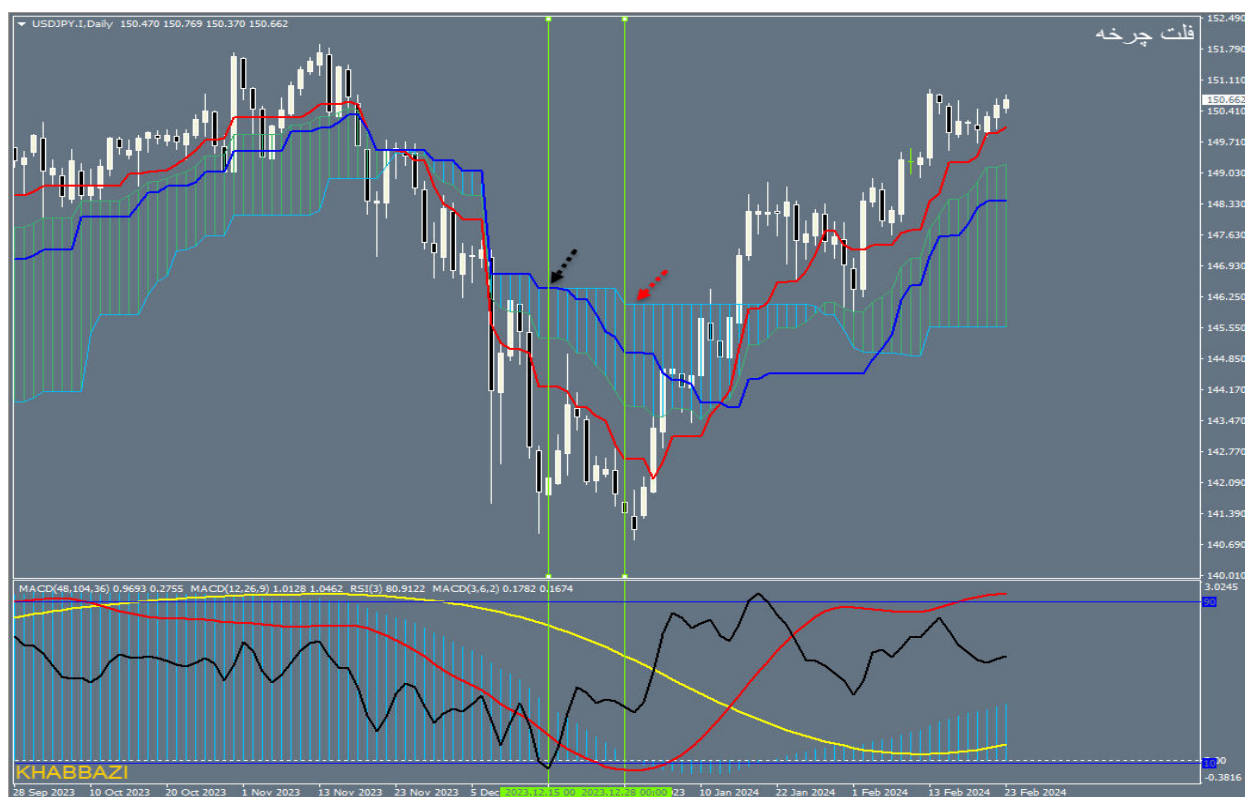
چسبیده به خطوط عمود، در میز فقط خط مشکی را مشاهده می کنید و در چارت فقط قیمت را مشاهده می نماید. بعد از چندین کندل، در میز، خط مشکی به خط قرمز و در چارت، قیمت به تنکن می رسد.

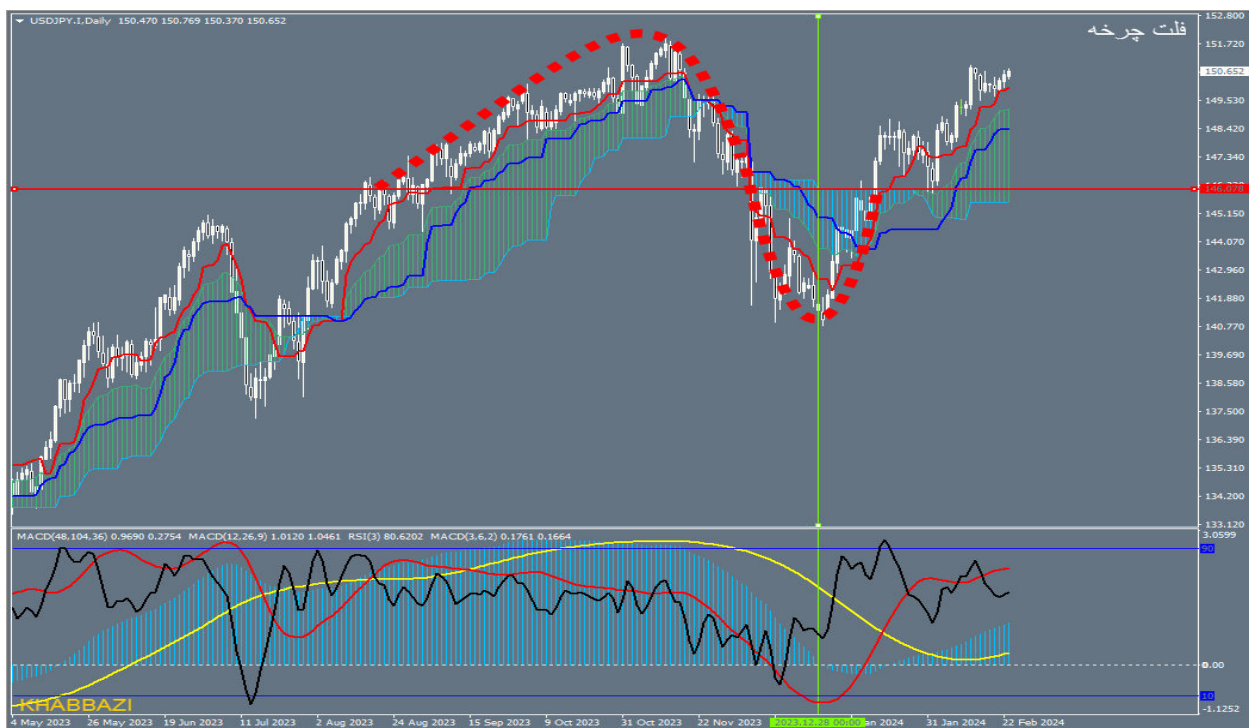
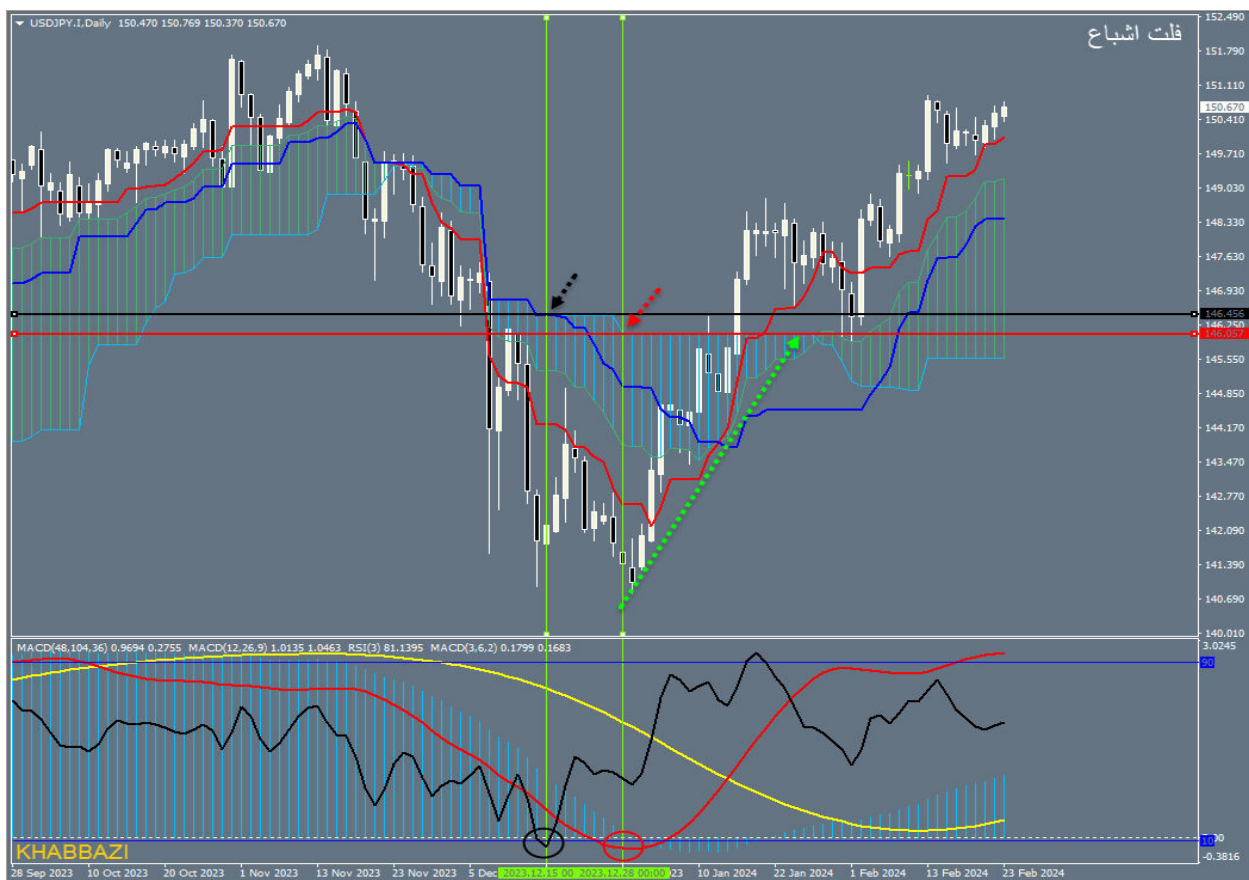


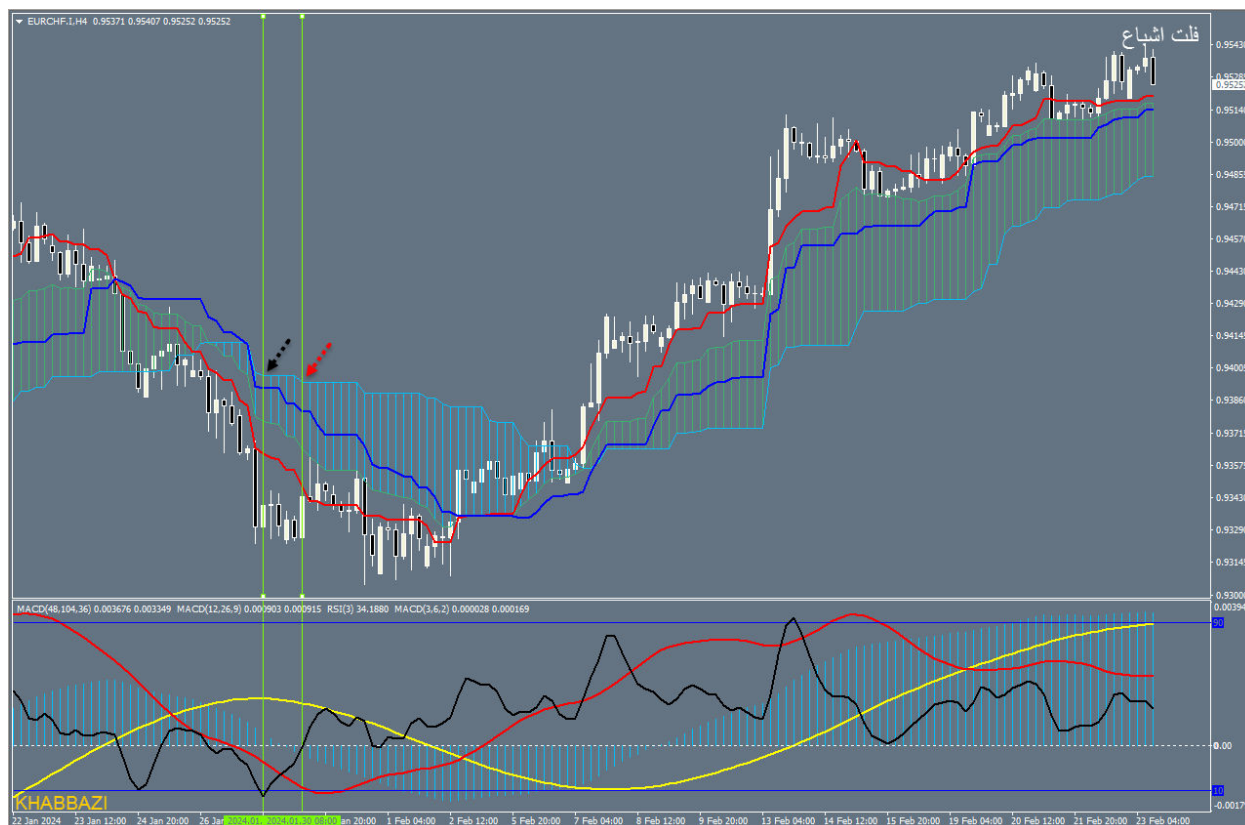
وقتی بعد از شروع یک حرکت، با به اشباع رفتن سیکل مشکی، قیمت، فلت مشکی را تاج می کند و سپس برگشت می کند یا تاج نکرده برگشت می کند و یا اصلا به سمت فلت جذب نمی شود، در واقع هدف چارت شکست سطح فلت مشکی است تا خط قرمز به اشباع برود. برای این منظور شاید چارت در محل فلت مشکی رنج شود، زمان بخرد تا سیکل قرمز به اشباع برسد.

در ادامه، سطح مربوط به فلت مشکی (قیمت زمانی که چرخه مشکی به اشباع رفته و سنکو اسپن B را فلت کرده است) شکسته شده و چارت تا به اشباع بردن خط قرمز، ادامه حرکت می دهد. وقتی خط قرمز یعنی مکدی دیفالت به اشباع رسید با برقرار بودن دو شرط قبل، باز چارت به سمت فلت قرمز می رود و آن را تاج می کند تا چرخه قرمز بسته شود. سپس همین حرکت را ادامه می دهد یعنی فلت را می شکند تا هم سو با چرخه بزرگ تر یعنی خط زرد شود. چرخه مشکی نیز به دور سیکل قرمز تاب می زند. به عبارت بهتر این یک حرکت اصلاحی بوده است.

مثال اول







وقتی بعد از شروع یک حرکت، با به اشباع رفتن سیکل قرمز، قیمت، فلت قرمز را تاج می کند و سپس برگشت می کند؛ یا تاج نکرده برگشت می کند و یا اصلا به سمت فلت جذب نمی شود، در واقع هدف چارت، شکست سطح فلت قرمز است تا خط زرد به اشباع برود. برای این منظور شاید چارت در محل فلت قرمز رنج شود؛ زمان بخرد تا سیکل زرد به اشباع برسد.

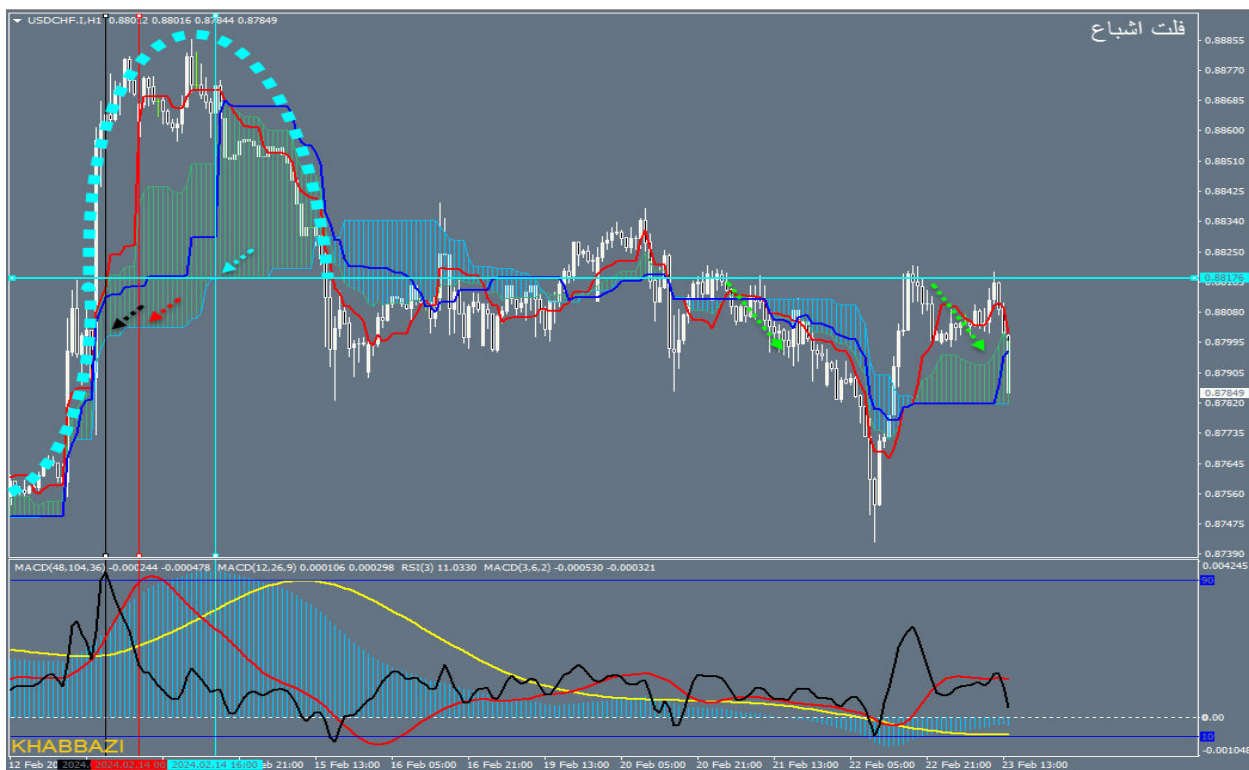
با به اشباع رفتن خط زرد و در اشباع بودن خطوط مشکی و قرمز در کنار آن، هم زمانی یا هم شکلی چرخه ها را داریم. این فلت مهمترین سطح در ایچی برای تحلیل رفتار قیمت در آینده می باشد.

بعد از اشباع شدن خط زرد(هیستو)، چارت به سمت فلت زرد می رود و آن را تاچ می کند و می شکند و روند جدید شکل می گیرد.

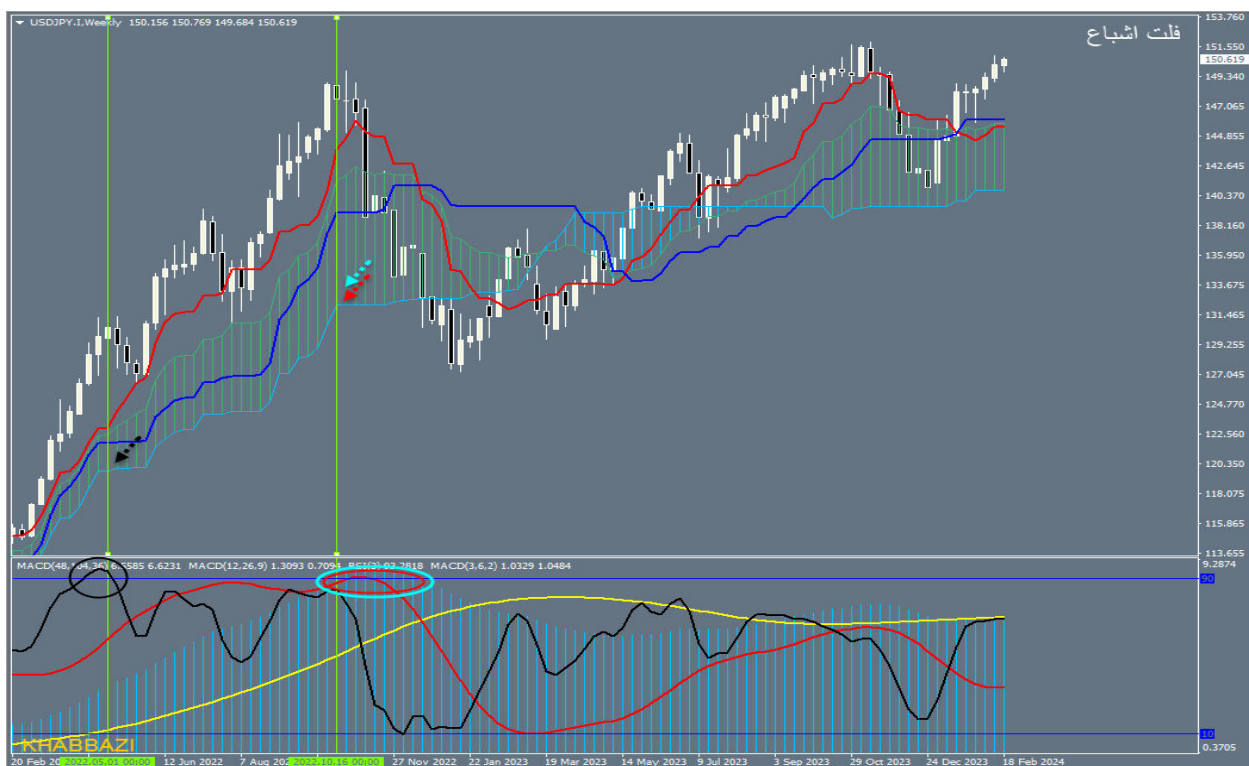
معمولا فلت هیستو که برای ما ملاک است آخرین فلت قبل از فلت کراس خط زرد با هیستو و فلت آشوب است.

گاهی همه این فلت ها یعنی فلت چرخه ها و فلت آشوب و فلت ترید تعادلی یکی می شوند. این سطح بسیار مهمی برای تاچ شدن و تصمیم گیری جهت شروع یک روند خوب خواهد بود.

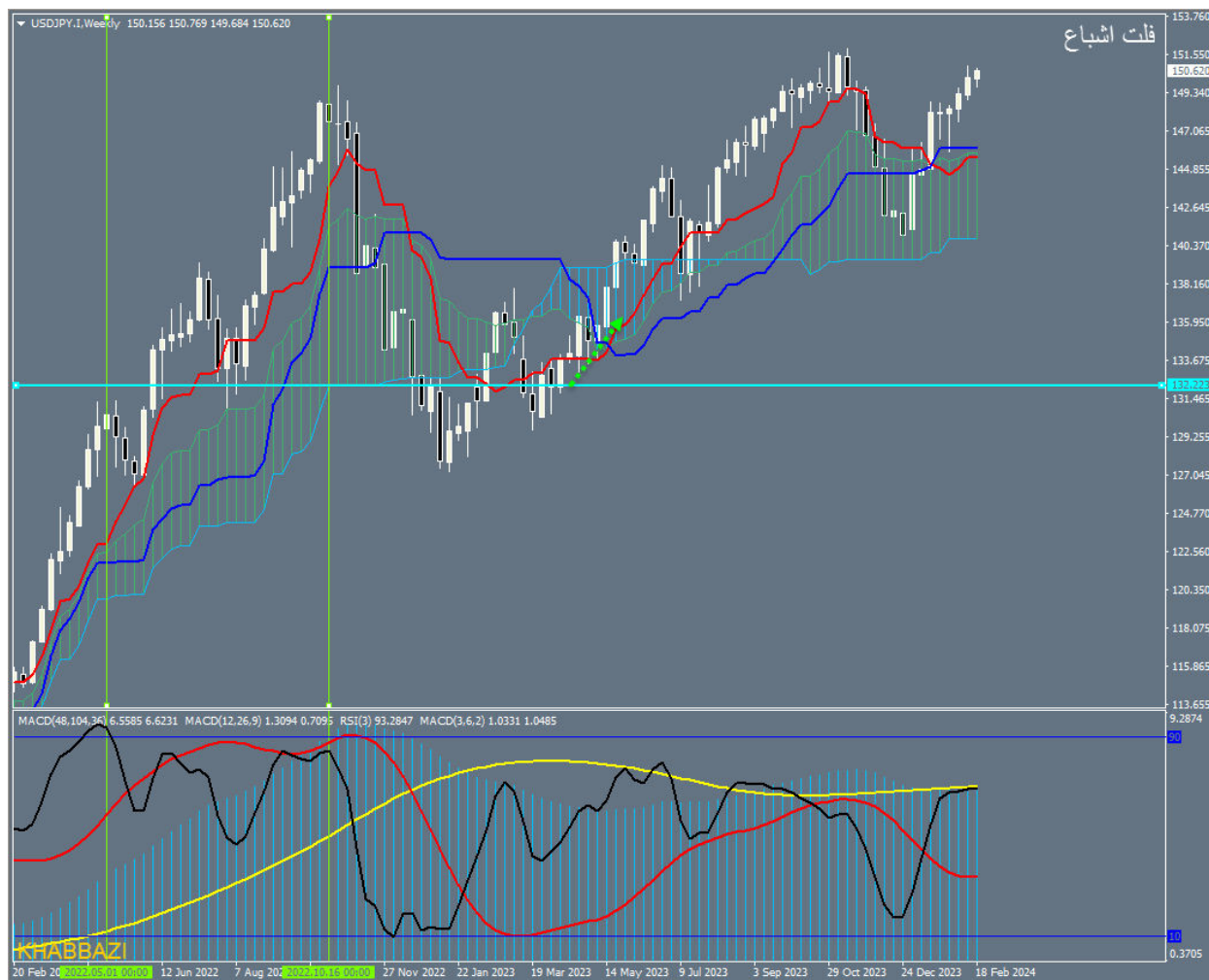




در خط عمود اول اشباع سیکل مشکی و در خط عمود دوم اشباع هم زمان چرخه های قرمز و زرد را داریم.



فلت چرخه سطح بسیار مهمی برای تحلیل ادامه حرکت چارت می باشد.



تا هنگامی که سنکو اسپن **B** از فلت چرخه عبور نکند، عبور قیمت و سایر اجزا ایچی از آن اعتباری ندارد. در شکل یک کراس خطی در زیر فلت چرخه، تکلیف چارت را مشخص کرده است.

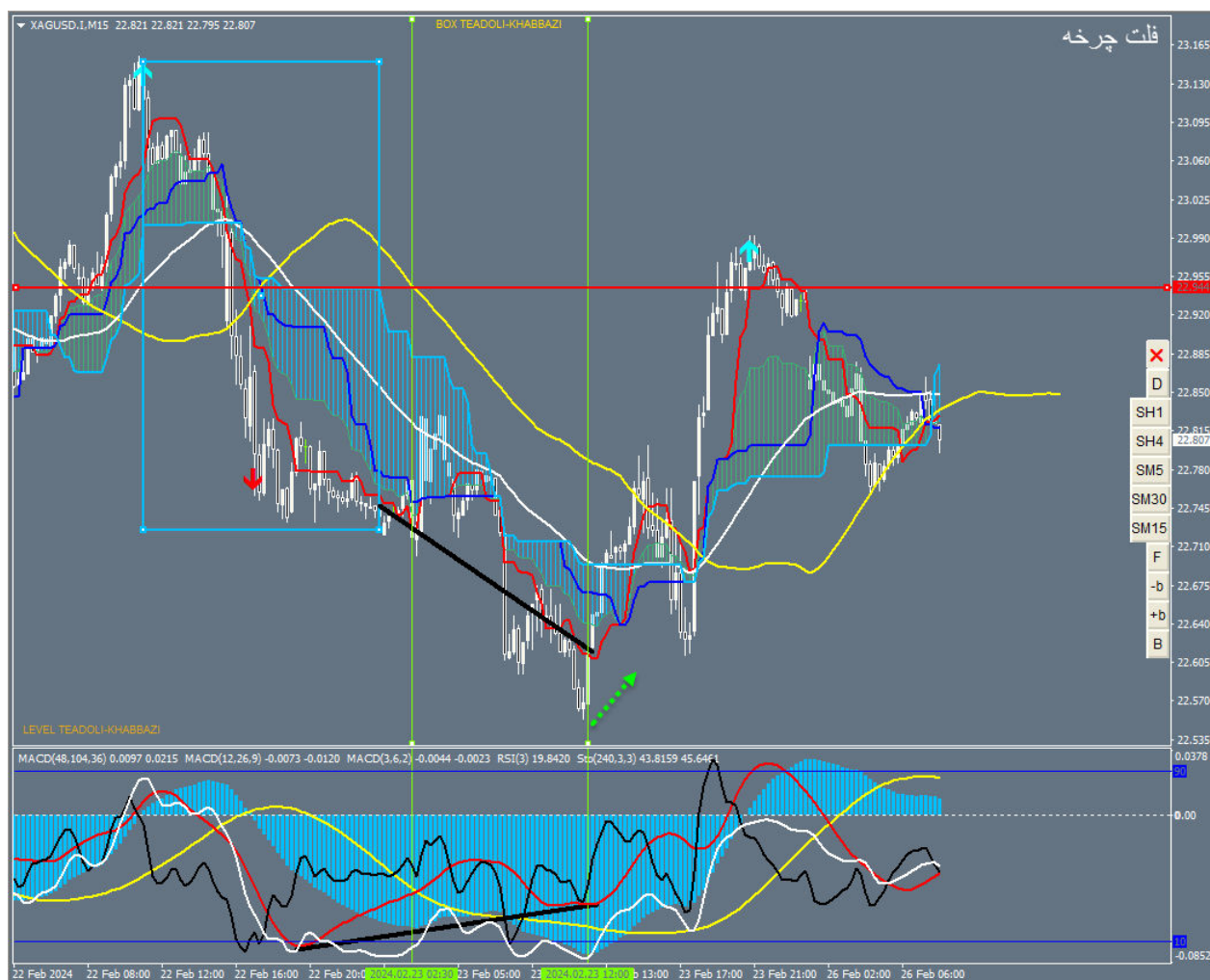
کراس خطی در ایچی اشاره دارد به چرخش دوره کوتاه مثلا تنکن حول دوره بزرگ تر مثلا کیجن یا سنکو اسپن **B** که به صورت فلت باشند. پس فرمان با تنکن خواهد بود. تارگت اول کراس خطی با مثلث، یعنی تاج سطح قبلی، مشخص می شود.

چرخش تنکن در کراس خطی را می توان در یک سطح مهم مثلا فلت اشباع، منظور کرد. با دید تعادلی، کراس خطی در تایم بالا همان ستاپ توازن در تایم پایین تر خواهد بود.

پس کراس های خطی در محدوده توازن یا نزدیک شدن موینگ ها به یکدیگر که کومو تعادلی باریک می شود، نقطه صفر حرکتی را برای ترید فاز چهارم یعنی عدم تقارن نشان می دهد.



اگر در انتهای باکس 52، خط قرمز در اشباع باشد و فلت قرمز نشکند، شروع واگرایی خطوط قرمز در چارت و میز خواهد بود. اتمام واگرایی در همین تایم وقتی خط زرد به اشباع برود؛ می باشد. در این زمان، چرخه ها هم جهت شده اند.



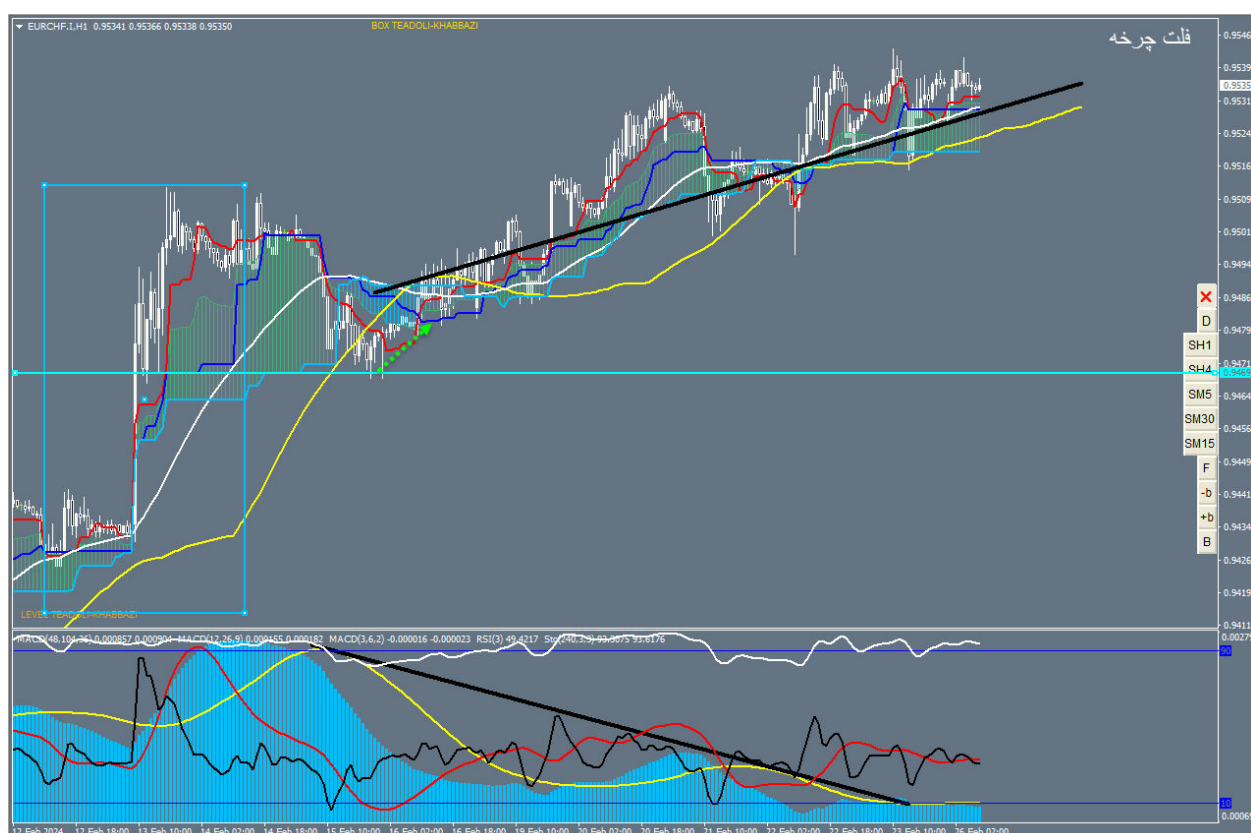
اگر چارت از فلت زرد، تاج شده یا نشده، برگشت کرد، هدفش هم زمانی چرخه ها می باشد. یعنی چارت با شکست سطح مربوط به فلت زرد، روند قبلی را ادامه می دهد و یا رنج شده و زمان می خرد تا خطوط مشکی و قرمز نیز به اشباع برسند. حال که همه چرخه ها هم زمان در یک فلت به اشباع رسیده اند، حرکت اصلی شروع می

معمولا خط زرد در میز با قیمت (یا موینگ زرد) در چارت در محدوده این دو خط، واگرایی دارد که اتمام واگرایی، همزمانی چرخه ها در همین تایم است که با اشباع سیکل زرد در تایم چهار برابری مصادف می شود.



اگر در انتهای باکس 52، خط زرد(هیستو) در اشباع باشد و فلت هیستو(زرد) نشکند، شروع واگرایی خطوط زرد در چارت و میز خواهد بود.

اتمام واگرایی زمانی است که چرخه ها هم جهت شده باشند. این همزمانی چرخه ها با اشباع خط زرد در تایم چهار برابری اتفاق خواهد افتاد.



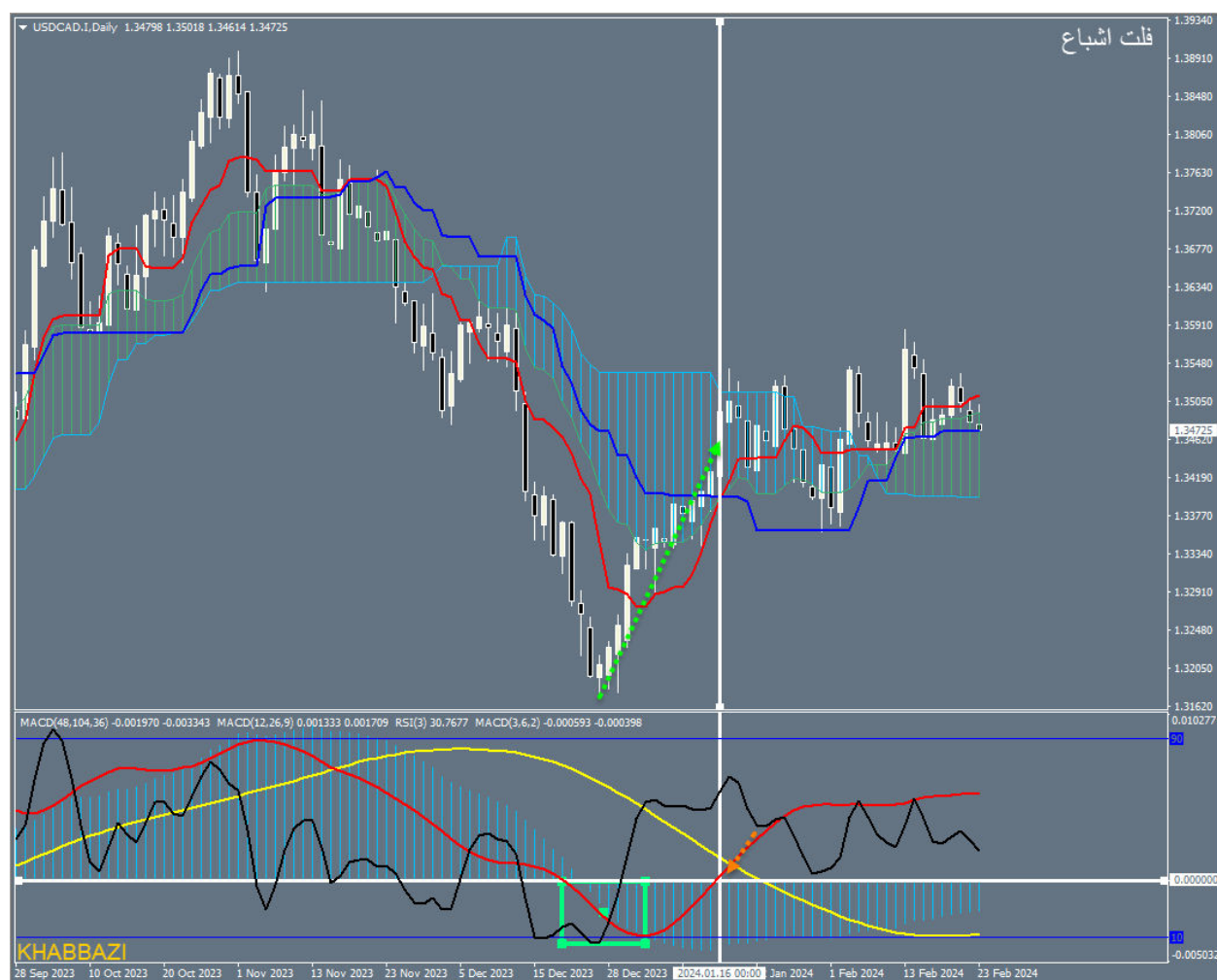
در شکل، هم زمانی چرخه ها را در هم شکلی هیستو می بینیم. منظور از هم شکلی هیستو، افتادن چرخه قرمز بر روی هیستو و حرکت همزمان آنها با یکدیگر می باشد.

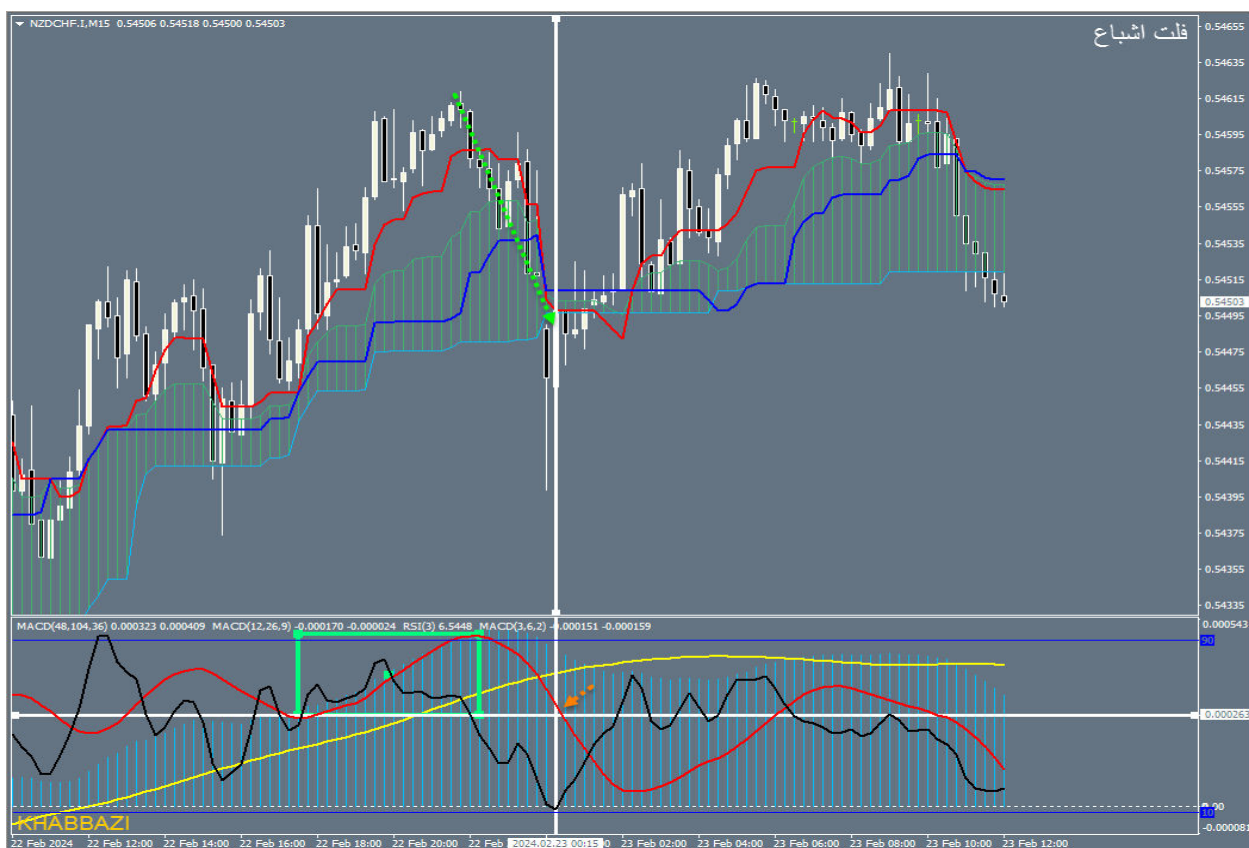
گاهی خط سفید(استوک) نیز این وضعیت را با قرمز یا هیستو شکل می دهد. این حرکت، با شتاب و کراس برابری همراه است و اصلاحی را نیز در پایان به همراه داشت.

با یک نگاه به گذشته بازار، مشاهده می شود که تاج فلت بعد از هم شکلی هیستو، اعتبار خوبی دارد.

وقتی هم شکلی هیستو دارید و احساس می کنید هم شکلی (با اشباع خط قرمز یا هیستو صفر) در پایان است، در میز باکس هم شکلی بسازید. این باکس ابتدا و انتهای این هم شکلی را در بر گرفته به صورتی که قطر آن، هم شکلی می باشد.

تارگت اول در برگشت قیمت از پایان هم شکلی هیستو، کراس چرخه قرمز با چرخه زرد است. تارگت دوم برگشت چرخه قرمز در میز به نقطه شروع هم شکلی یعنی ابتدای باکس هم شکلی می باشد که در شکل با محل تقاطع دو خط سفید نمایش داده شده است. بعد از هم شکلی هیستو می توانیم ترید زده و با ترید بمانیم تا قیمت خط عمود سفید را تاج کند.





هم شکلی هیستو معمولا مواقع خبر، باز شدن بازار ها یا وضعیت تکنیکالی خوب مثل مثلث زمان اتفاق می افتد که بیشتر در تایم پایین می توان در کمین آن بود.

با اندیکاتور داشبورد می توانید در هر زمان حرکات شارپ در جفت ارزهایی که یکی به رنگ قرمز و دیگری به رنگ سبز است را متوجه شوید. در حالت معمول این اندیکاتور سه یا چهار کندل متوالی پر شتاب در تایم چهار ساعته را گزارش می دهد که می توانید برای بررسی هم شکلی به تایم پانزده یا پنج دقیقه رجوع کنید.

می توان اندیکاتور را به گونه ای تنظیم کرد که مستقیما هم شکلی هیستو(حرکت شتاب دار) را در تایم دلخواه اسکن کند.

برای داشتن وین ریت خوب با فلت هم پوشانی هیستو، می توانید این هم شکلی را در شرایط ترید فاز چهارم یعنی در حالت عدم تقارن انجام دهید. زیرا :

اولا، تکلیف خط سفید که مهمترین جزء میز اندیکاتوری است؛ قبل از چرخه های مشکی و قرمز مشخص شده است.

دوما، این که خط زرد در هیستو صفر یا هیستو فیک، تغییر فاز نمی دهد؛ به این معنی است که چرخه های قرمز و مشکی را همراهی نخواهد کرد.

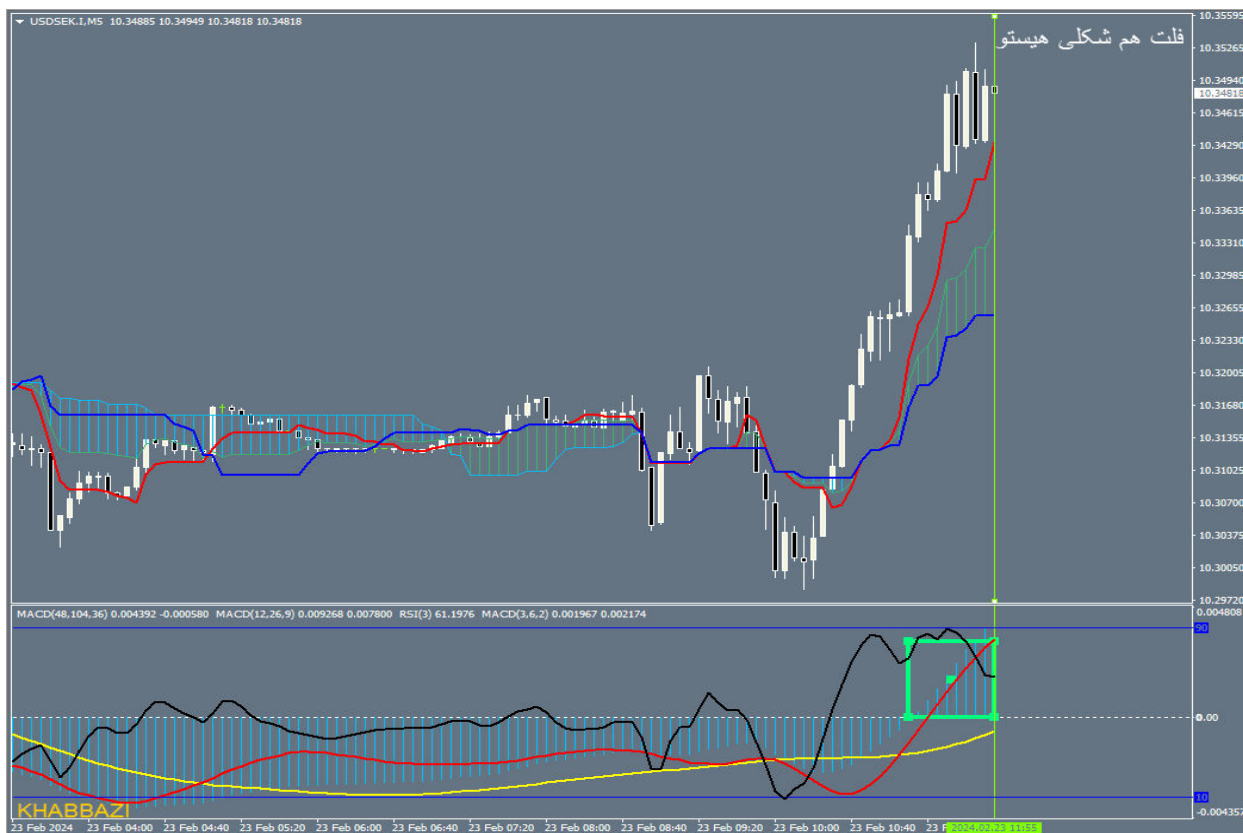
لذا سیکل های قرمز و مشکی بعد از حرکت شتاب دار ناشی از هم شکلی هیستو به خط پنجاه در صدی تعادلی اشان یعنی فلت اشباع بر خواهند گشت.

کراس چرخه های قرمز و مشکی با خط زرد داخل هیستو خبر از تاج فلت می دهد.

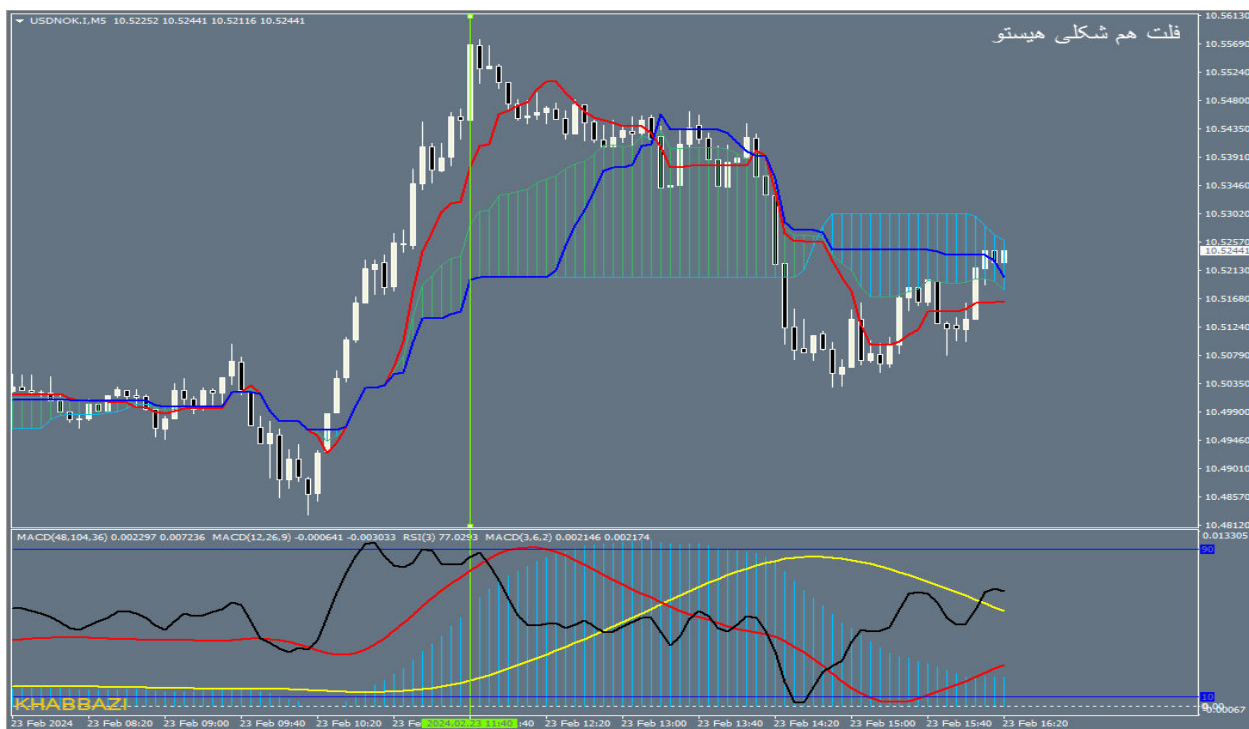
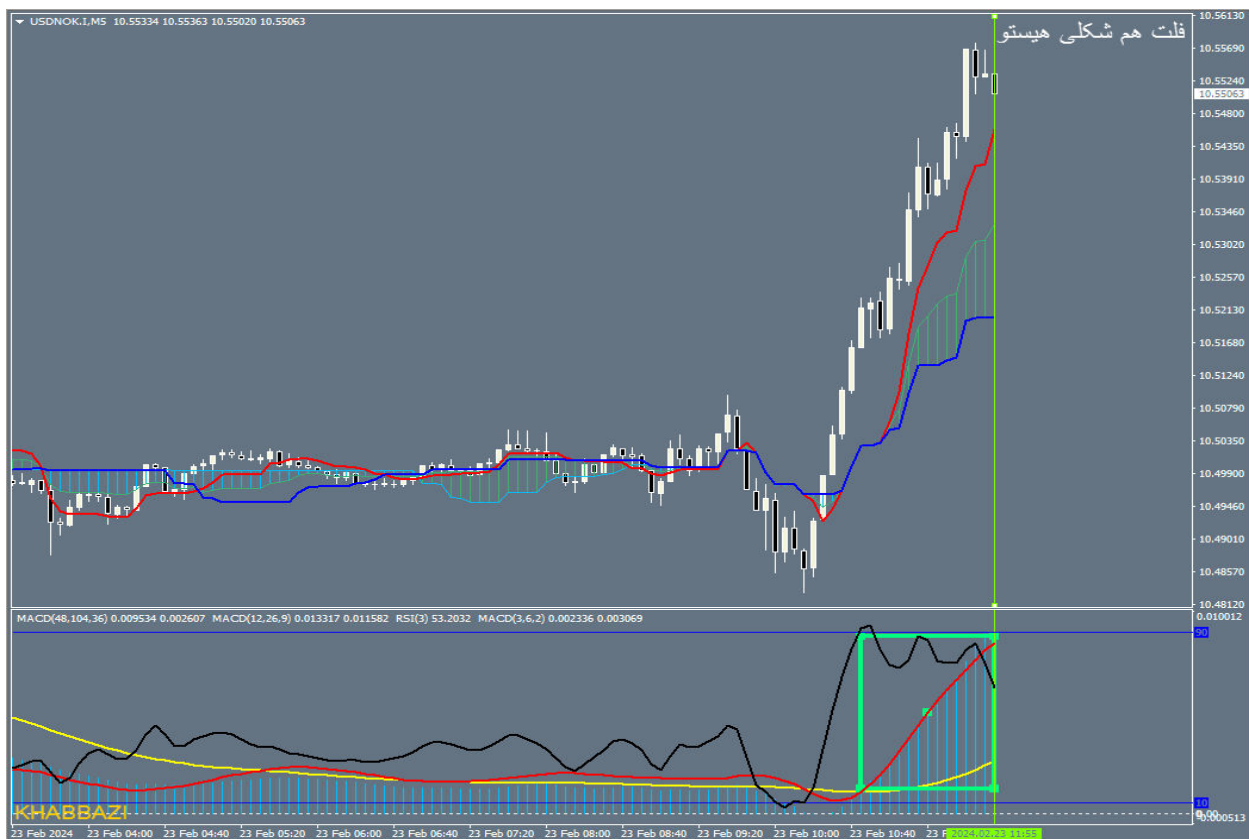
فلت اشباع یا چرخه بعد از حالت هم زمانی و هم شکلی دو سیکل یا چرخه زمانی را فلت هم شکلی هیستو می نامیم.

فلت چرخه مخصوصا فلت هم شکلی هیستو، می تواند نقطه صفر ترید فاز چهارم را مشخص نماید.

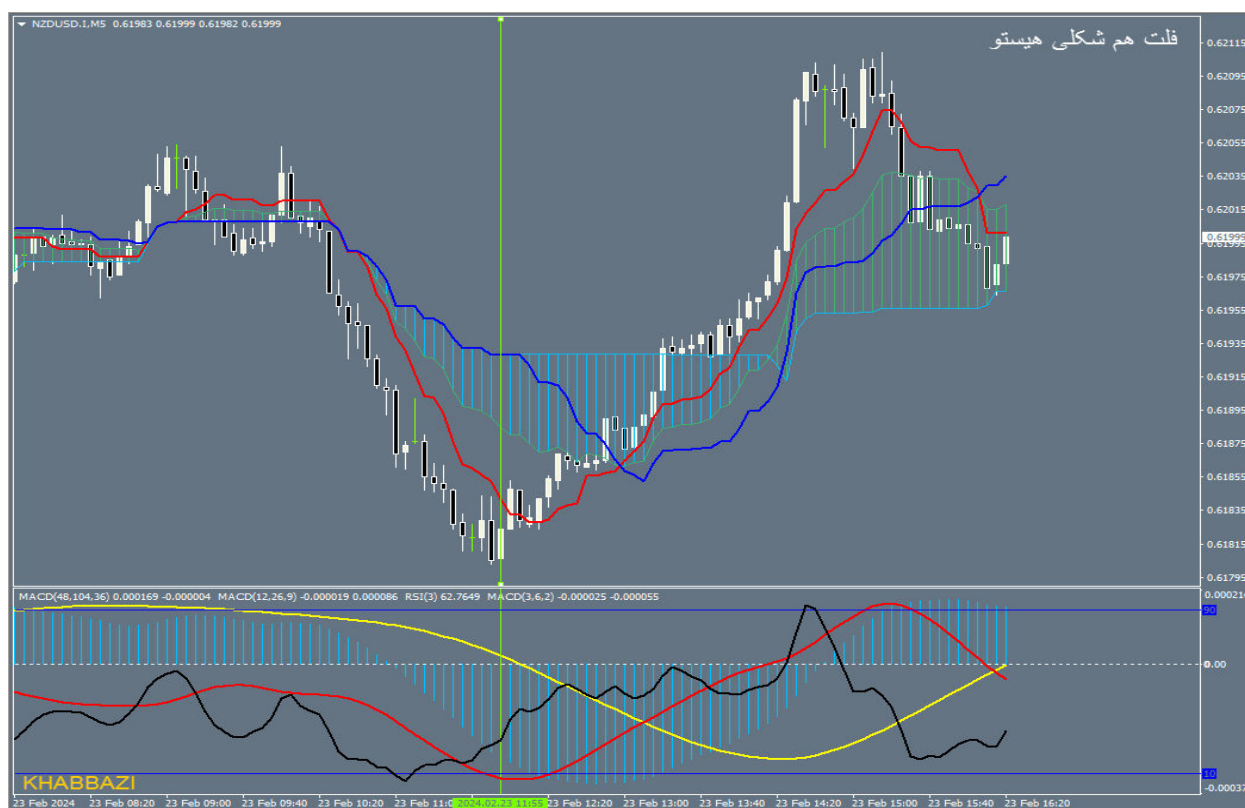
مثال اول



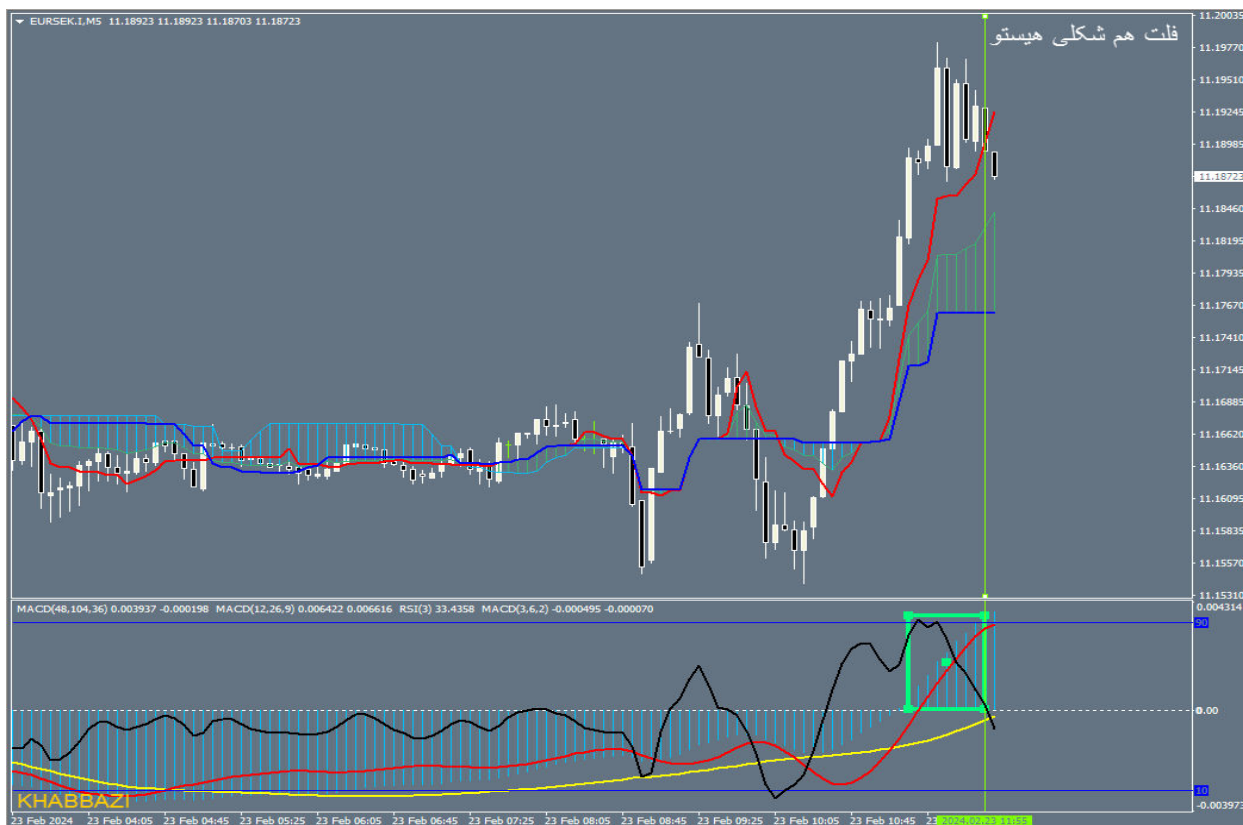
مثال دوم



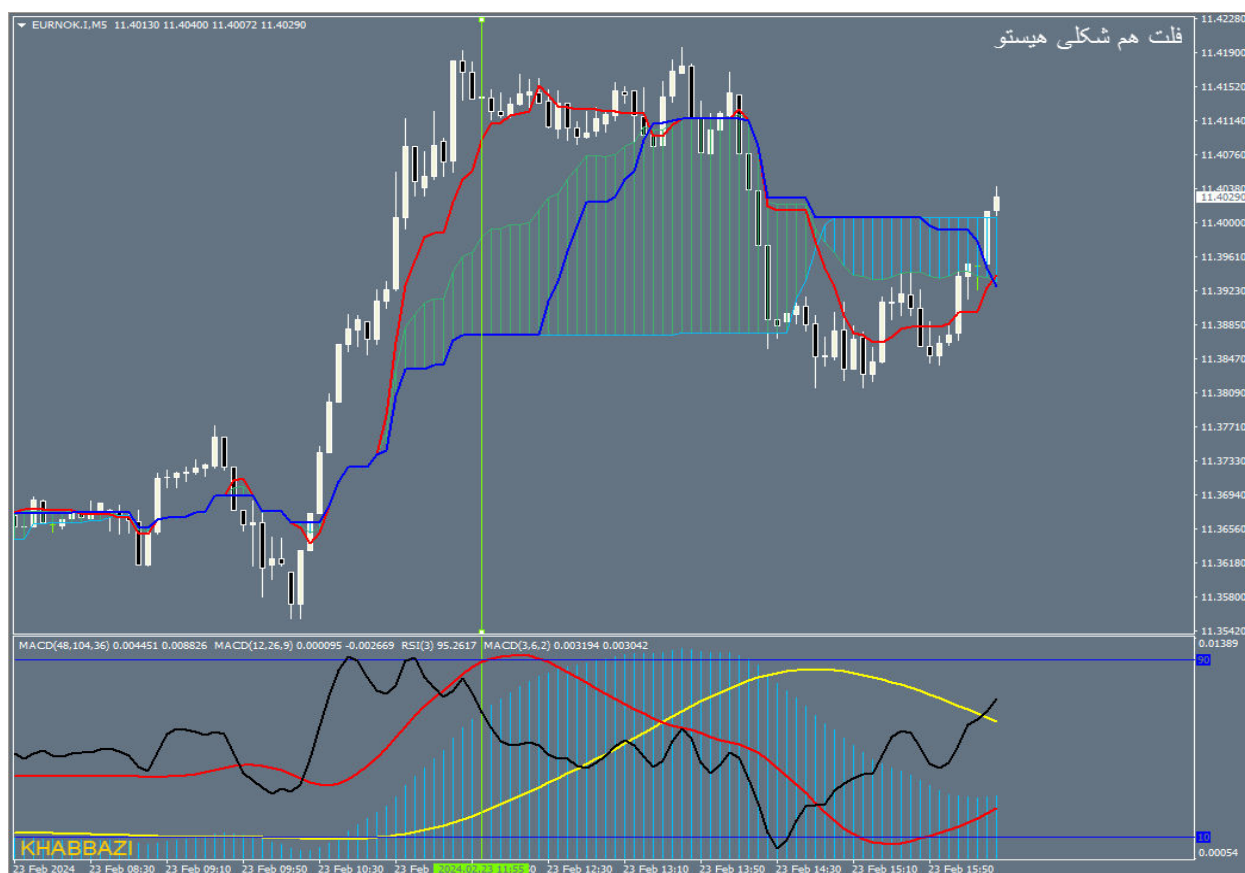
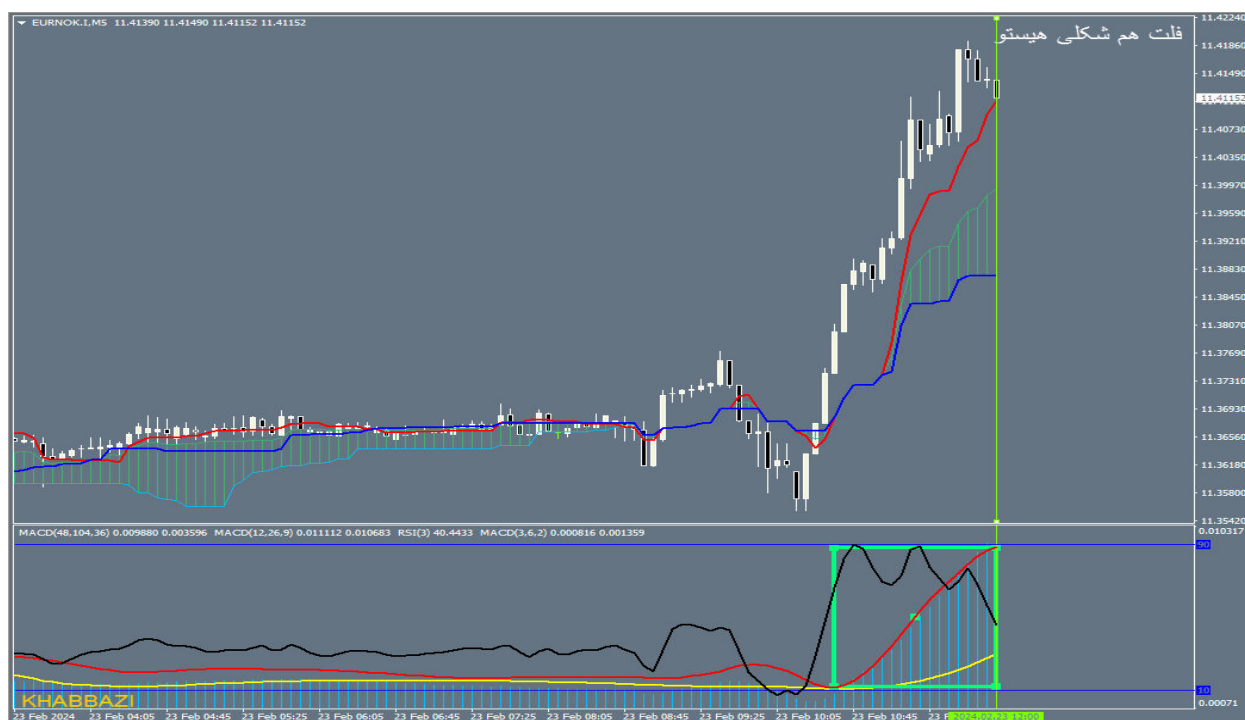
مثال سوم



مثال چهارم



مثال پنجم



در سبک تعادل از سه فلت سنکو B، نام برده شده است که مهمترین آنها فلت چرخه می باشد.

1_ فلت تعادلی که مربوط به ترید تعادلی می باشد. در صورت متعادل بودن حرکت، محل این فلت، پیش بینی شده و تاج خواهد شد.

2_ فلت آشوب که آخرین فلت یا سطح تحت تاثیر از دست دادن قله یا دره باکس 52 می باشد. در باکس 52، وقت دوره کوتاه یعنی تنکن حرکت مخالف جهت باکس انجام داد و فلت تعادلی شکل گرفت، حرکت مخالف دوره های بزرگ تر یعنی کیجن و سنکو B تا فلت آشوب شکل نگرفته است، مهم نیست.

فلت آشوب منطقه ای است که به علت هم زمانی با هیستو صفر یا هیستو فیک، ایچی خشک(خطی) می شود یعنی همه اجزاء ایچی در همان تایم یا تایم دیگر در فلت سنکو B جا گرفته اند و با آن به صورت یک خط نمایش داده می شوند. در این شرایط فرمان با دوره کوچک تر یعنی تنکن می باشد.

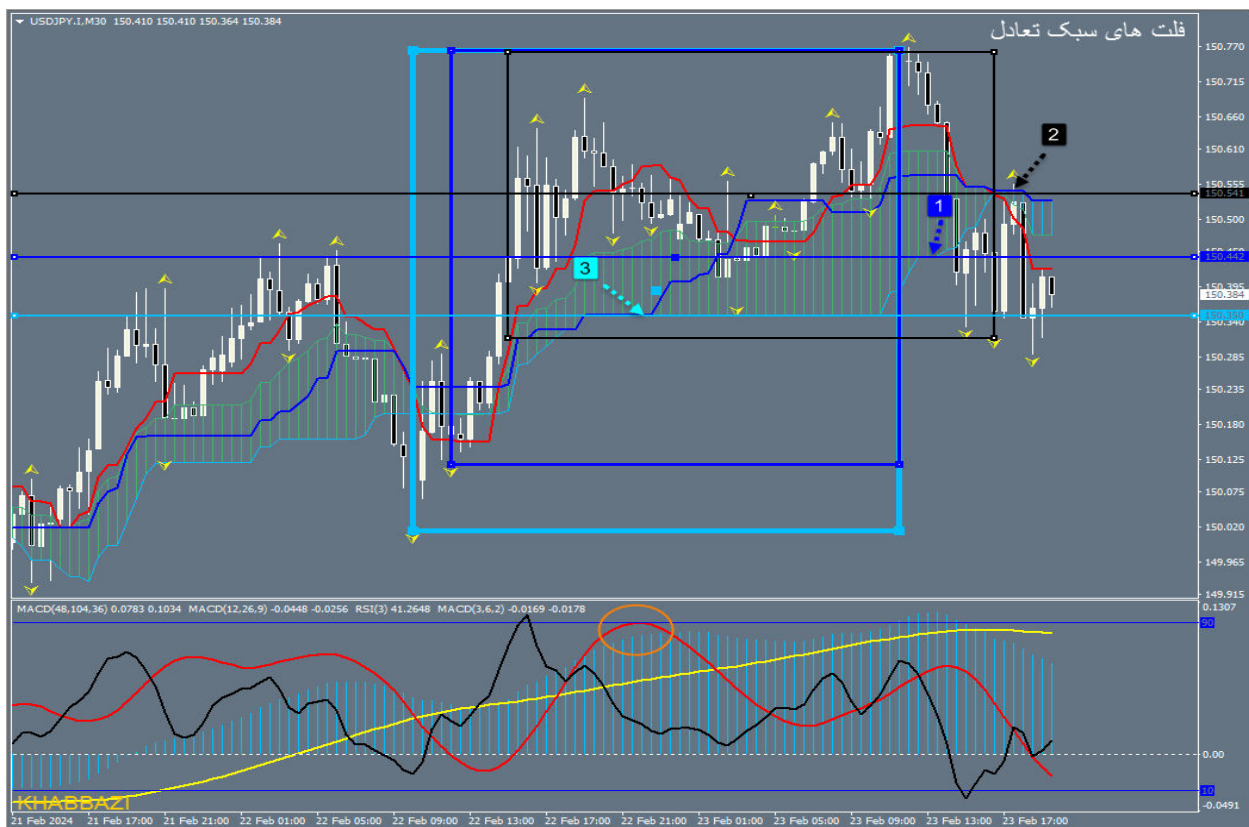
3_ فلت چرخه مخصوصا (فلت هم شکلی هیستو)، مهمترین سطح در ایچی می باشد که با آن می توان ریورس یا ادامه روند را از نقطه صفر گرفت.

فلت چرخه(اشباع) در دید کلی همان محور های اجزاء ایچی هستند که در همان تایم یا تایم دیگر، در نقش محور های فرکتال، هیستو یا استاتیک ظاهر می شوند.

فلت ترید تعادلی می تواند در محدود دو فلت دیگر باشد و یا حتی یکی از آنها باشد.

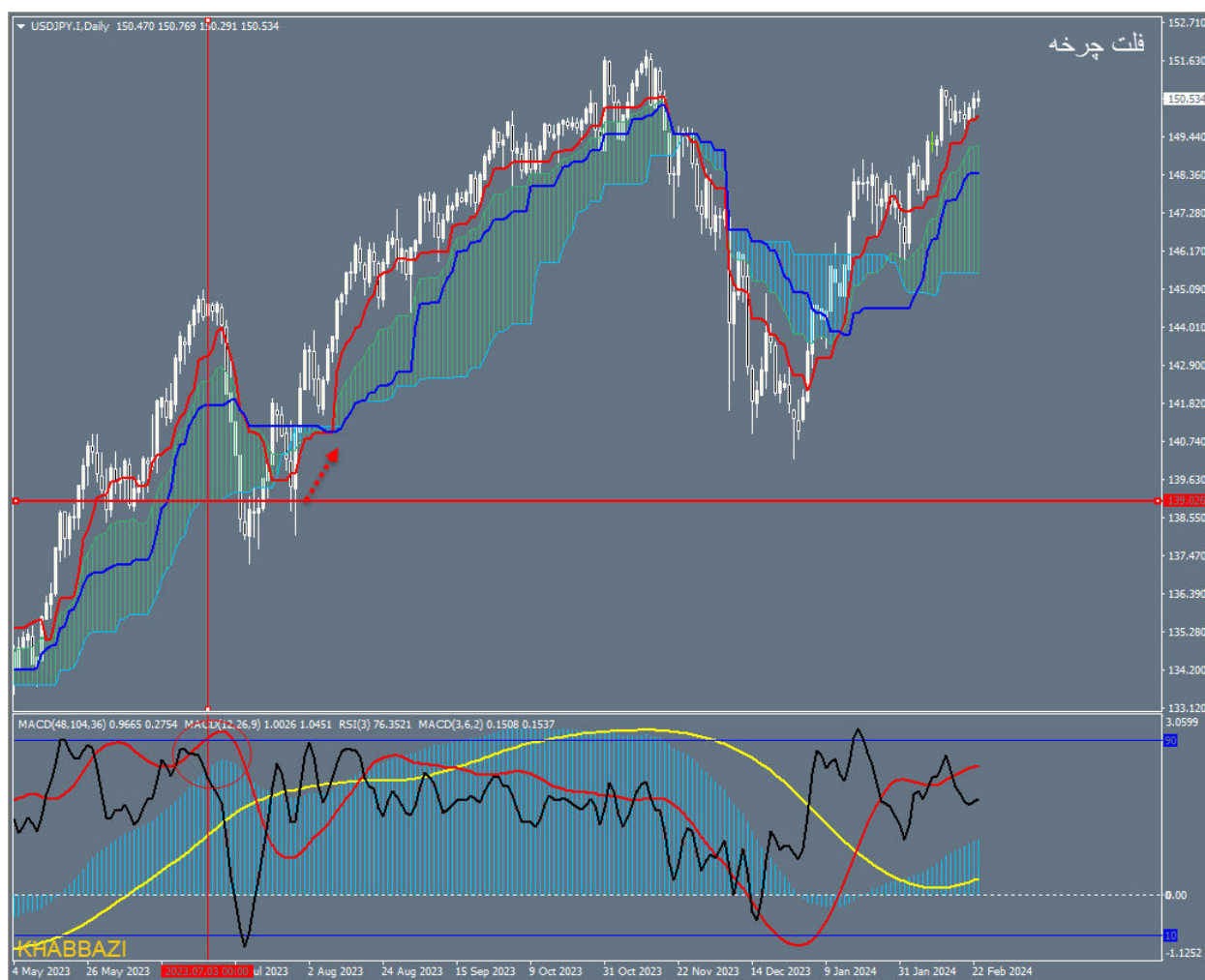
پس اگر فلت ترید تعادلی بر روی فلت چرخه بیفتد، دلیل خوبی برای قیمت است تا این فلت را تاج کند و این حرکت در چارت را با حرکت سنکو B از فلت آشوب یعنی حد نهایت سنکو B، به سمت فلت چرخه می توان مشاهده کرد.

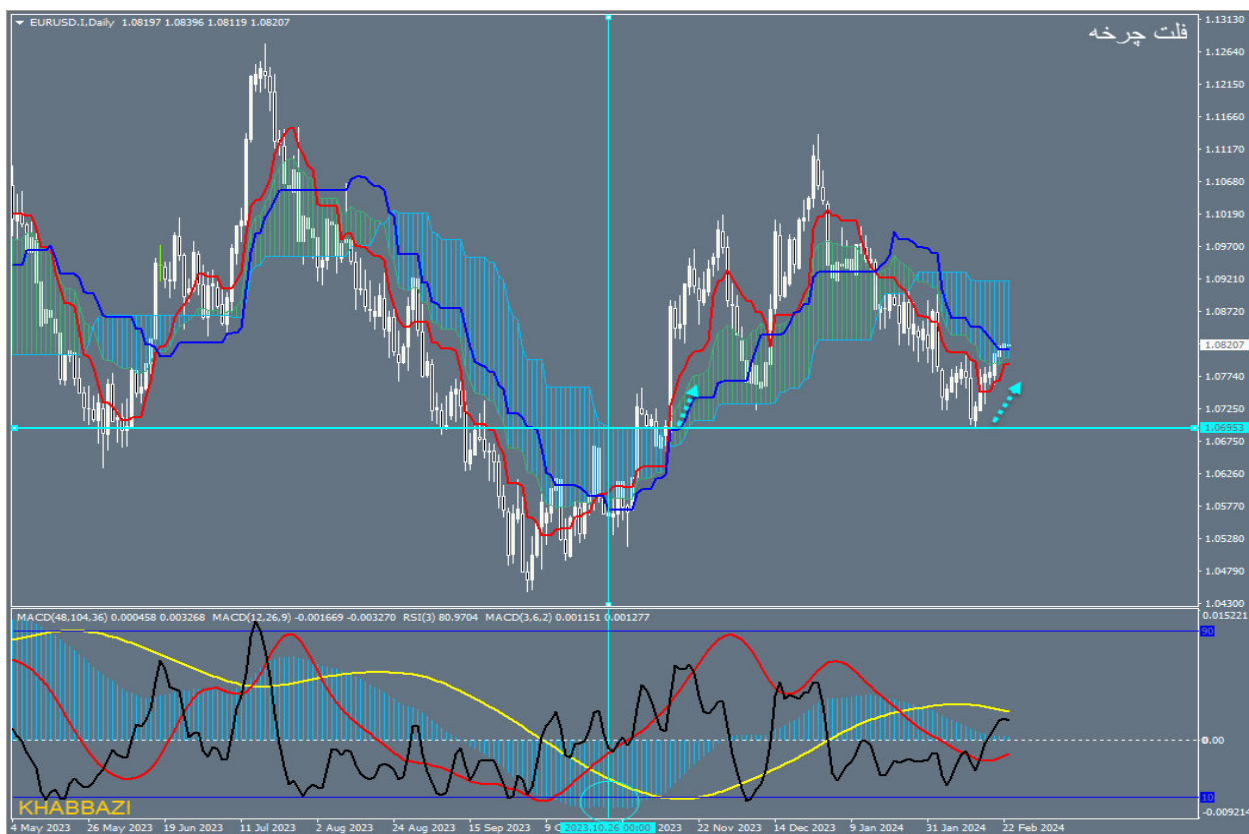
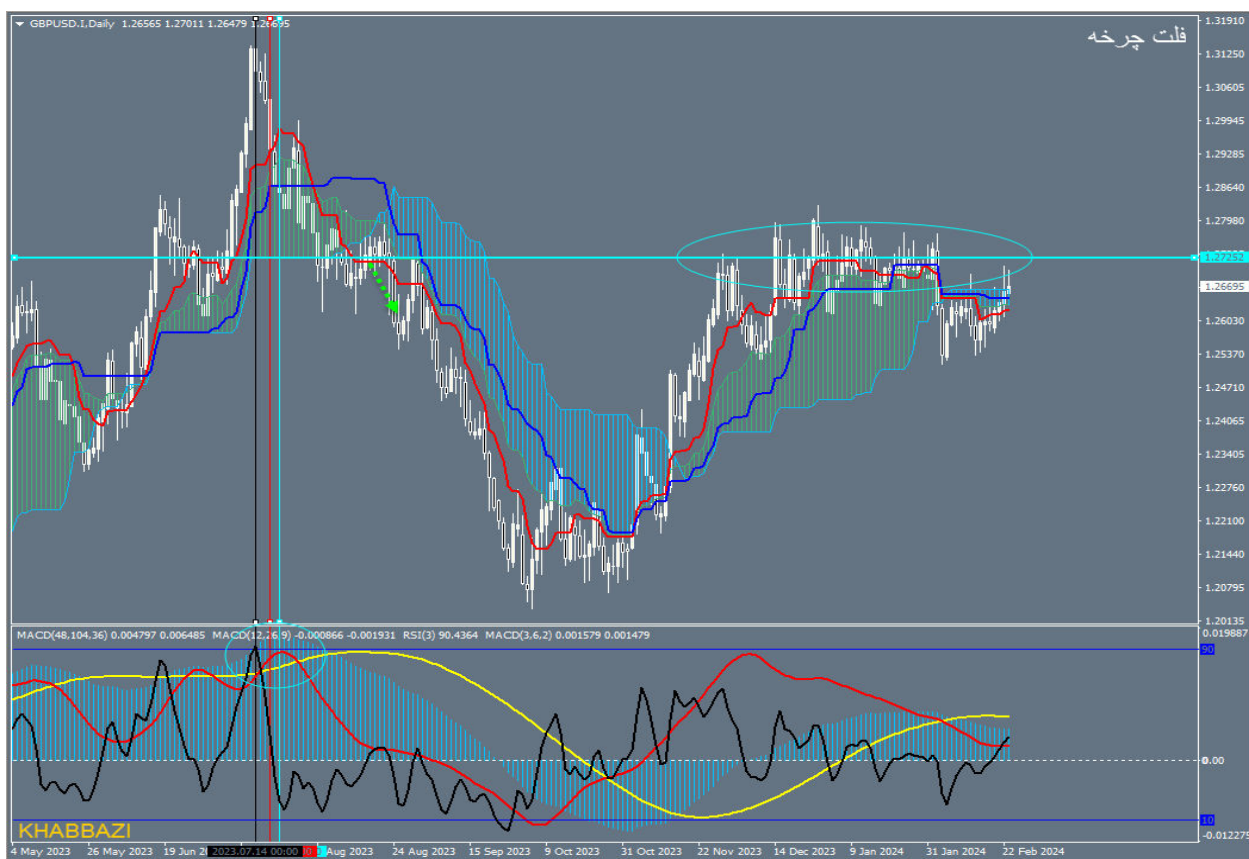
در شکل ها، نوع فلت ها با شماره مشخص شده است.

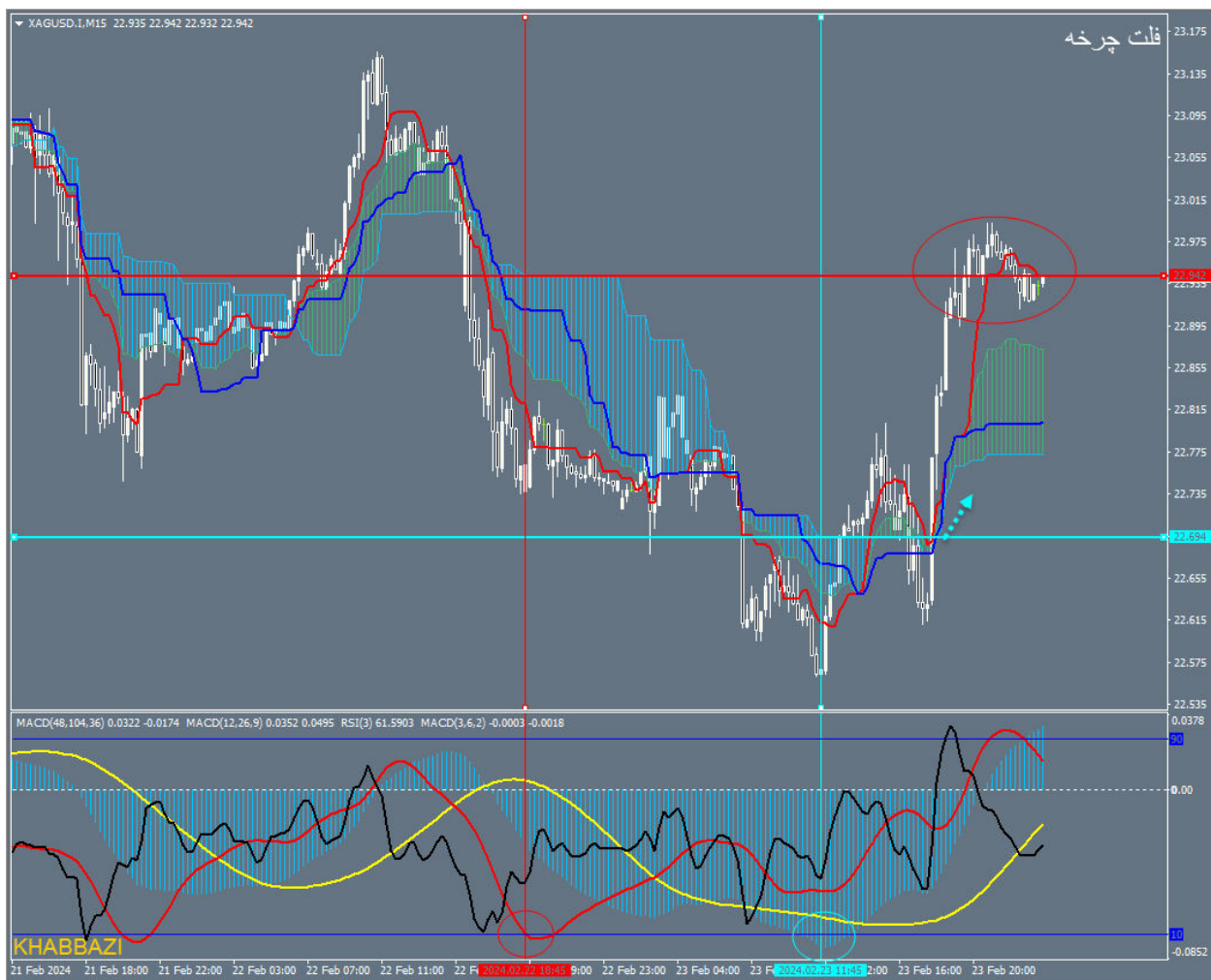


فلت موینگ سفید(مثلت زمان) و همچنین شکست خط روند موینگ سفید با تایید میز(پرچم سفید) از جمله مواردی هستند که به تاج فلت های سنکو اسپن B وین ریت خوبی می دهند.

چند مثال از واکنش چارت به فلت چرخه







پرچم چرخه

پرچم ماهیت زمانی دارد و توالی چرخه ها را در میز نشان می دهد. از آنجا که سیکل های میز همان دوره های ایچی در قاپی دیگر هستند، پس الگوی پرچم راهنمای خوبی برای تحلیل با ایچی و حتی هر سبک دیگر می باشد.

پرچم چرخه در واقع در تایید و ادامه فلت چرخه می باشد. تریدر در ترید با فلت چرخه تمایل به ورود از نقطه صفر حرکتی دارد؛ اما در ترید با پرچم چرخه تمایل به ورود بعد از تاییدات لازمه با شکست یکی از محورهای هیستو یا استاتیک یا فرکتال و یا شکست سطح قبلی در چارت خالی را دارد.

در میز، دوره بزرگ تر، مکدی چهار برابر است که آن را به عنوان تکیه گاه(مبنا) یا میله پرچم در نظر می گیریم. دو نوار دیگر و خط سفید، با کراس شان با میله زرد، پرچم سه رنگ را تشکیل می دهند.

مشخص است که تکیه گاه پرچم باید در جای محکم بنا شود. یک تکیه گاه مطمئن برای اهتزاز پرچم جهت افراد مبتدی، حالت عدم تقارن است. یعنی جایی که خط زرد با عدم عبور از لول صفر هیستو، با ایجاد شرایط هیستو صفر یا هیستو فیک، اعلام می کند که مایل به تغییر روند نیست و می خواهد رالی دومش را بدهد.

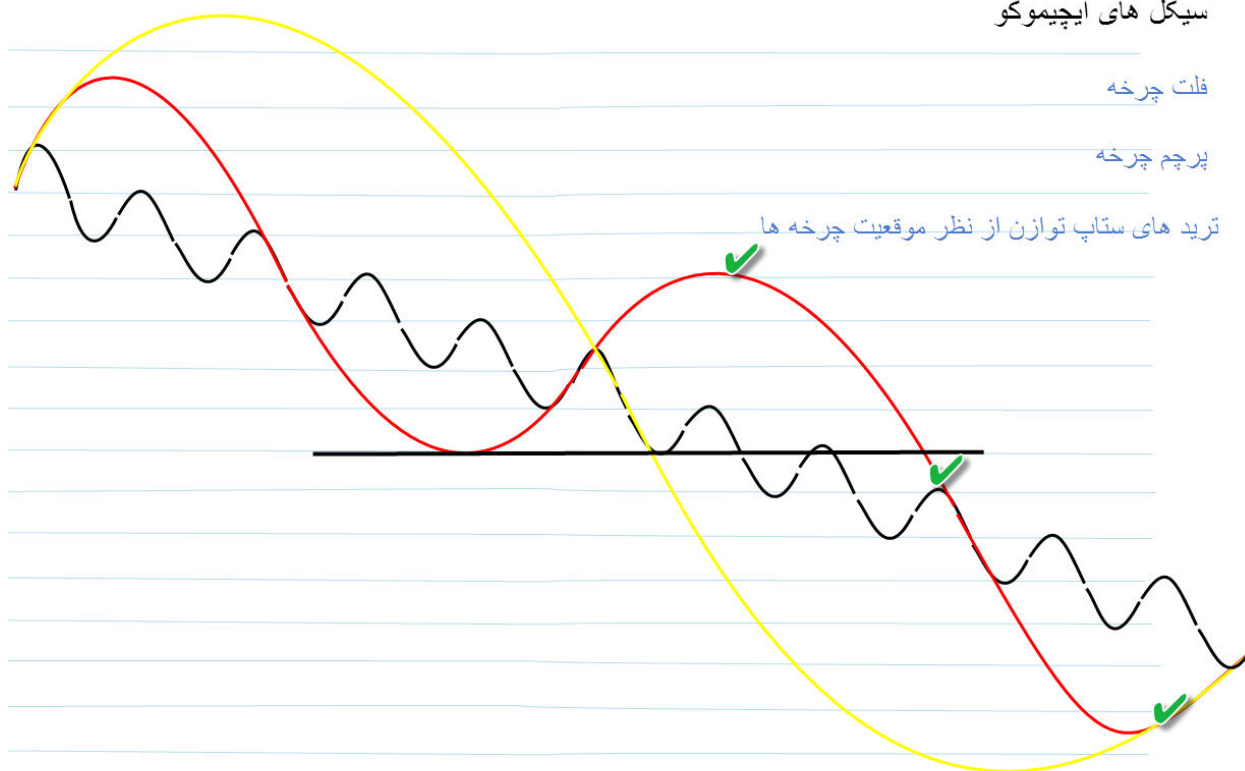
در این شرایط میز علیرغم پویا بودن، یک باید برای رنگ بندی پرچمش با کراس نوارهای مشکی و قرمز با میله زرد، برای چرخه های مشکی و قرمز می سازد و این اجبار، تکلیف ایچی و موینگ ها را نیز در چارت پیش بینی می کند.

سیکل های ایچیموکو

فالت چرخه

پرچم چرخه

ترید های ستاپ توازن از نظر موقعیت چرخه ها



KHABBAZI

اما استوک(نوار سفید) در این حلقه اجبار نیست و همان پویایی خودش را دارد و این سروری رنگ سفید تا جایی است که گاهی در رنگ بندی پرچم شرکت نمی کند و به آن احترام نمی گذارد. در این مواقع، مشاهده می کنیم که نوار سفید از قبل، سویچ تعادلی اش را در میز زده است و در قله یا دره منتظر الحاق دو رنگ دیگر است.

با توجه به پویایی میز، پرچم را می توان در شرایطی که به آن احاطه داریم مثل هیستو صفر یا هیستو فیک که در حالت عدم تقارن شکل می گیرد و یا هم زمانی چرخه ها در هم شکلی هیستو که باز این حالت را هم می توان در هیستو صفر در همان تایم و یا تغییر تایم منظور نمود، استفاده کرد.

یا کلا زمانی که در چارت به واسطه ایچی یا موینگ ها موقعیت مستندی برقرار است؛ به سراغ پرچم برویم.

اگر چه معادل سازی پرچم با کراس و سویچ ایچی و سویچ تعادلی، که فیکس و ثابت هستند، باعث می شود میز علیرغم پویایی آن، حالت ثبات و قابل استنادی به خود بگیرد؛ اما در این شرایط، شما از میز به عنوان تایید حالتی که در ایچی یا موینگ ها شکل گرفته است؛ استفاده می کنید در صورتی که دو سیستم ایچی و میز آن قدر قوی هستند که برای یک فرد حرفه ای نیازی به این تایید نیست مگر این که شخص مبتدی باشد.

اصلی ترین وظیفه میز پیش بینی رفتار قیمت مخصوصا قبل از ایچموکو می باشد که در این راستا قبلا پیش بینی کراس برابری و کومو فیک و حرکت به سمت تاج این کومو را بررسی کردیم. تایید چارت(ایچی و موینگ ها) وظیفه دوم میز است.

با توجه به رها بودن چرخه ها در میز، پرچم، رنگ بندی متفاوت از نظر توالی دوره ها می تواند به خود بگیرد. اما در این رنگ بندی، مشخص است که نوار مشکی زودتر از نوار قرمز حرکتش را شروع می نماید.

لذا در شرایط مناسب که می خواهیم شروع یک حرکت را مشخص کنیم؛ رنگ مشکی در پرچم نزولی، پایین تر از رنگ قرمز خواهد بود چون حرکتش را از قله به دره، زودتر از آن شروع کرده است.

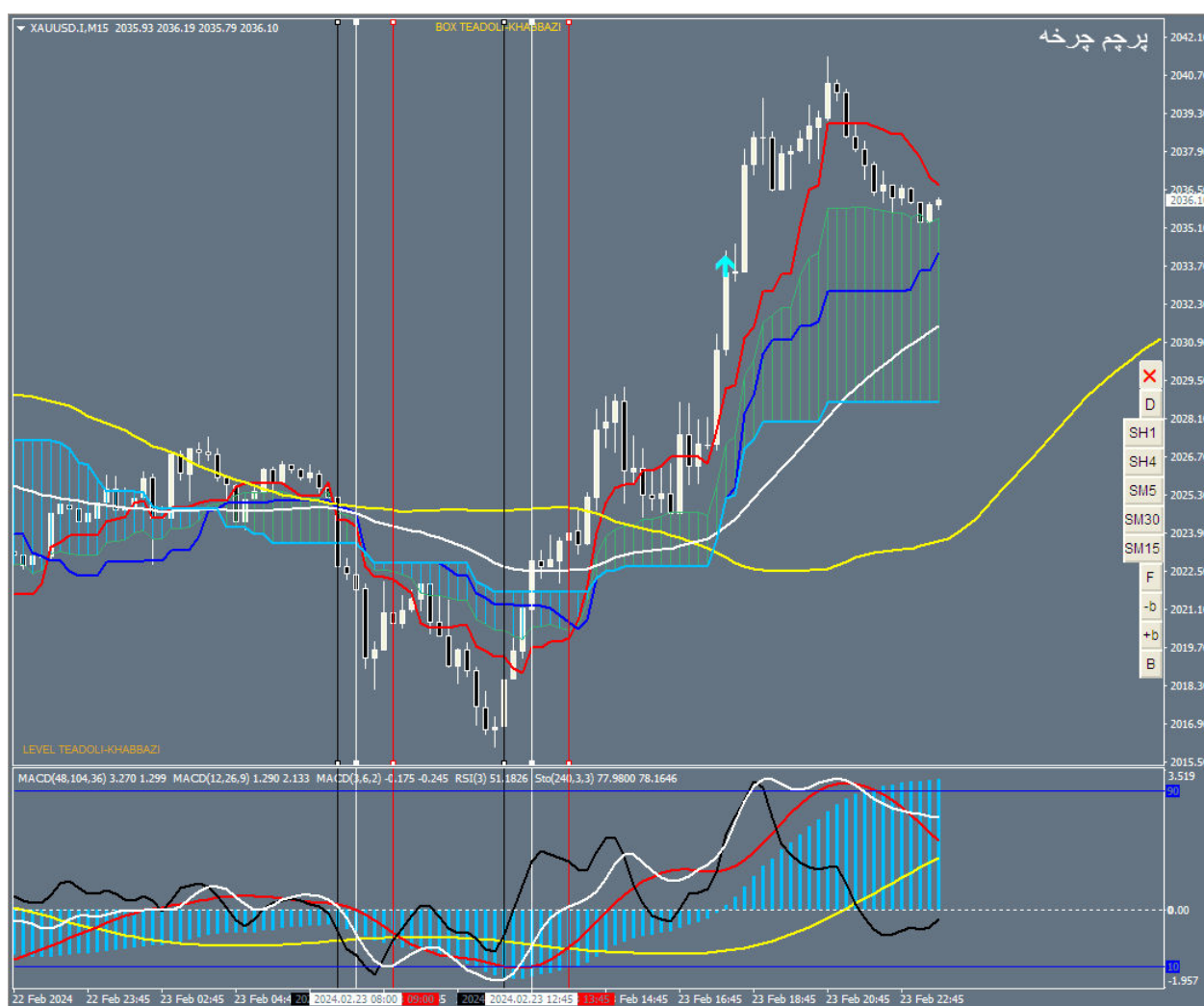


در پرچم سعودی نوار مشکی بالاتر از نوار قرمز خواهد بود چون زودتر از رنگ قرمز حرکتش را از دره به قله شروع کرده است.



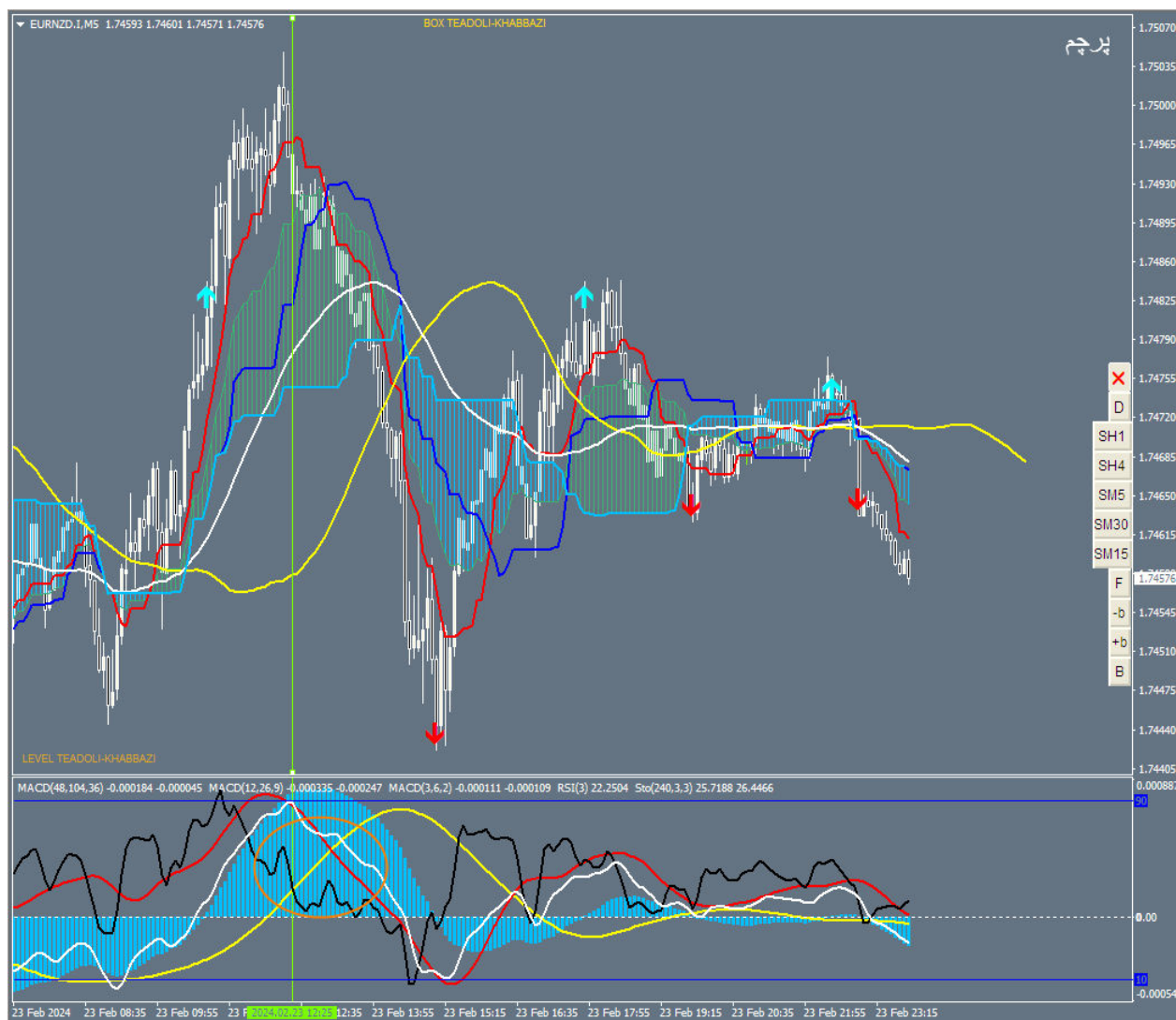
ماهیت نوار سفید با دو نوار دیگر متفاوت است؛ پس جایگاه آن در رنگ بندی ثابت نیست. رنگ سفید برای روند گیری به چرخه ها اضافه شده است تا سویچ تعادلی در چارت را پیش بینی کند. اگر چه ذات هر سه سیستم یکی است و با نگاه دیگر، سویچ تعادلی در میز، مقدمه ای برای سویچ ایچی و تغییر روند خواهد بود.

نوار سفید در حالت معمول بین نوار مشکی و قرمز است. پس سفید، رنگ دوم پرچم در روند معمولی می باشد.



اگر رنگ سفید آخرین رنگ باشد یعنی آخرین جزء از میز باشد که حرکت می کند؛ به این معنی است که هنوز روند جدیدی که رنگ های مشکی و قرمز شروع کرده اند را تایید نکرده است. در این شرایط عجله نمی کنیم و صبر می کنیم تا در میز، سیکل های مشکی و قرمز به اشباع برسند؛ در این زمان، قیمت در چارت به یک سطح پرایسی مانند محور فرکتال یا استاتیک یا هیستو رسیده است.

با هم سو شدن خط سفید با خطوط مشکی و قرمز در میز، قیمت این سطح پرایسی را شکسته و سه سیکل با هم به اشباع می روند. در شکل ستاپ هم شکلی هیستو که با نوار سفید انجام گرفته انرژی خوبی برای شکست فلت چرخه و ادامه روند خواهد بود.



اما اگر در پرچم در وضعیت نوار سفید در آخر، چرخه های قرمز و مشکی به اشباع برسند، نوار سفید با کراس مخالفش با زرد، حرکت آنها را حمایت نکند، سیکل های مشکی و قرمز برگشت می کنند و با چرخه زرد برخورد خواهند کرد؛ یعنی پرچمی شکل خواهد گرفت که رنگ سفید در آن رنگ اول است.

در این شرایط قیمت همزمان با سویچ تعادلی در میز، محور استاتیک سویچ قبلی را تاج کرده است یا اگر تاج نکرده است و هنوز استارت برای این حرکت نزده است؛ موقعیت بسیار خوبی برای ترید در جهت تشکیل پترن **S** استاتیک خواهد بود.

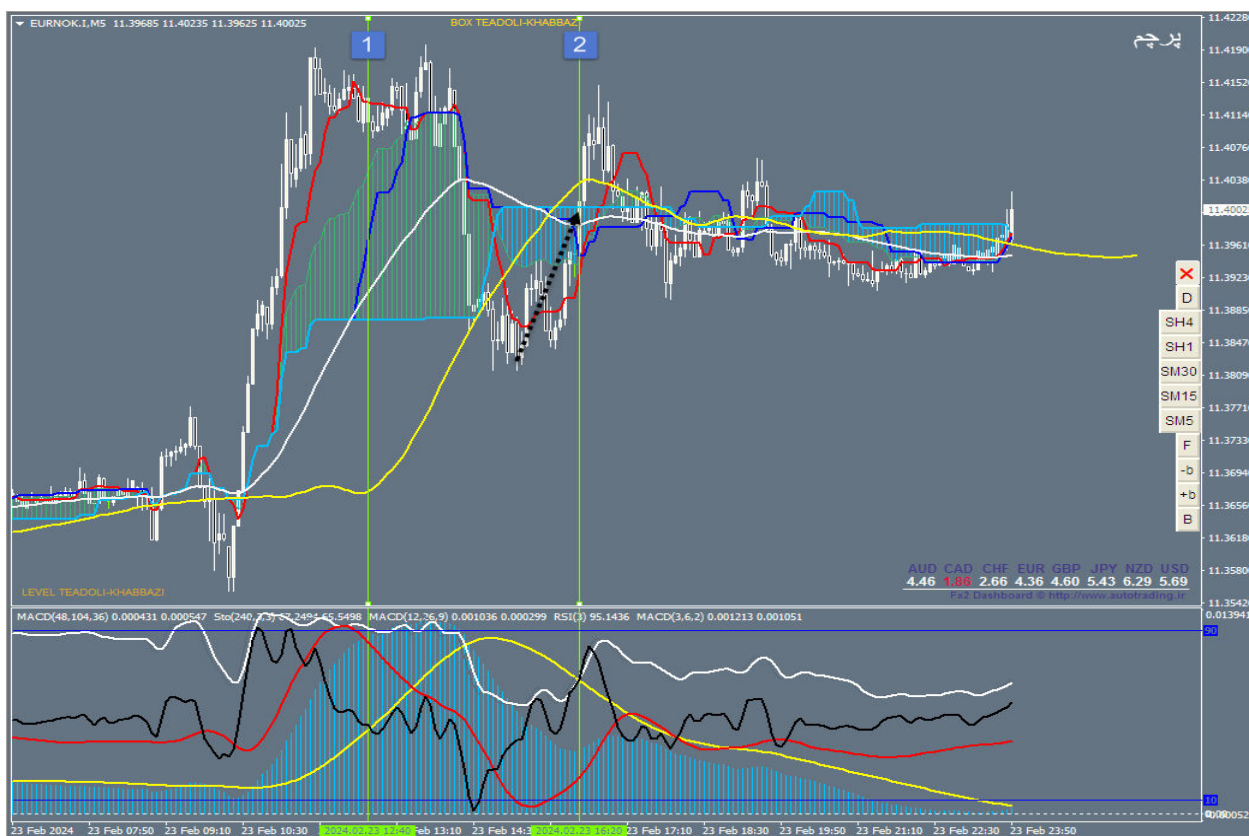
پس در پرچم، نوار سفید رنگ اول نخواهد بود؛ مگر این که در پرچم قبلی، نوار سوم باشد و در این صورت پرچم لایو در وضعیت نوار سفید در اول، نوید یک ترید خوب جهت بسته شدن چرخه استاتیک (و تاج فلت سنکو اسپن **B**) را می دهد.

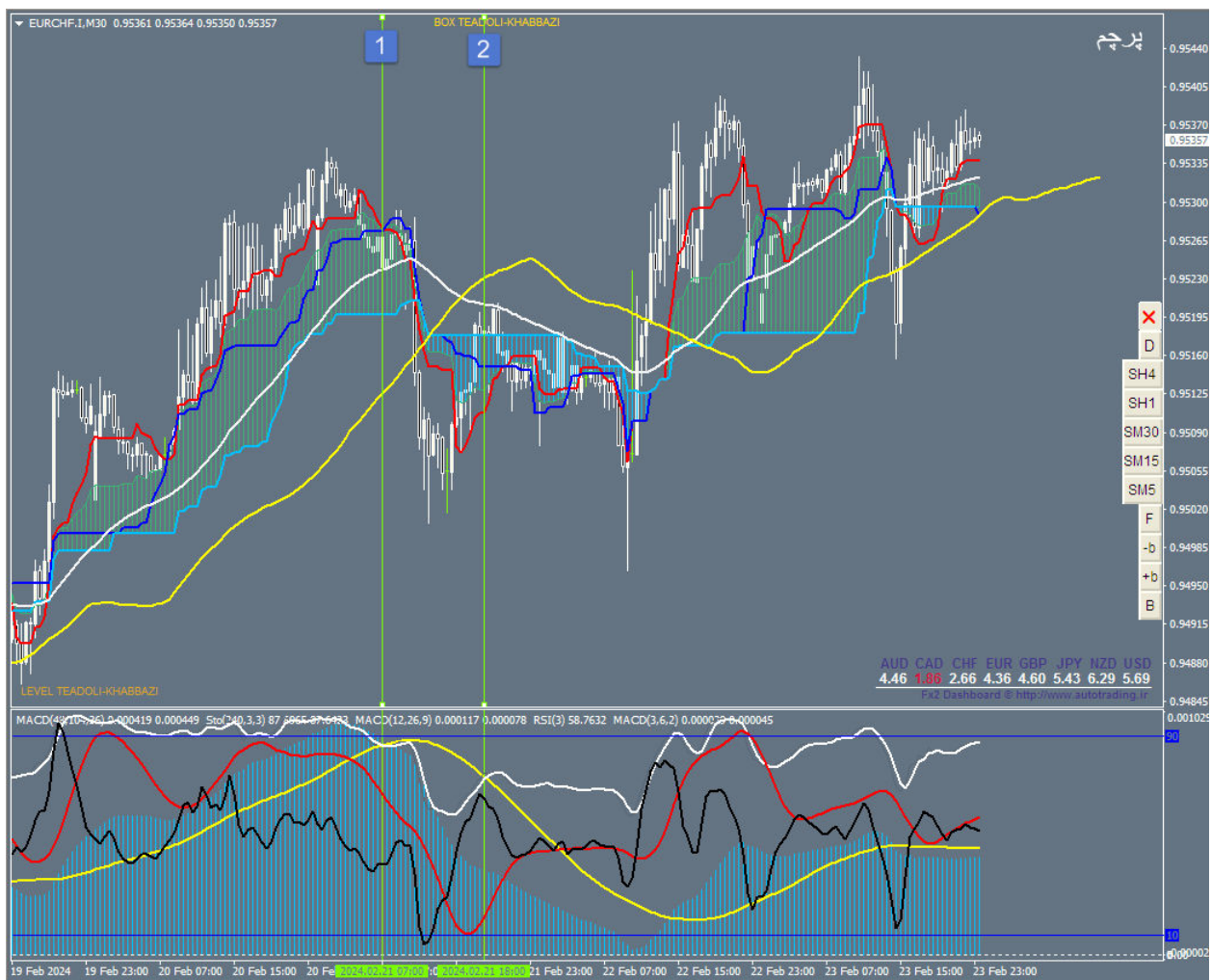
مخصوصا اگر کراس رنگ سفید با رنگ زرد در اشباع صورت گیرد وقتی که نوار های رنگی مشکی و قرمز در سمت مخالف، در اشباع باشند.

در خط اول، شروع پرچمی است که سفید در آن در رنگ سوم می باشد. سپس خطوط قرمز و مشکی به اشباع رسیده اند؛ اما سفید با آنها همراهی نکرده است.

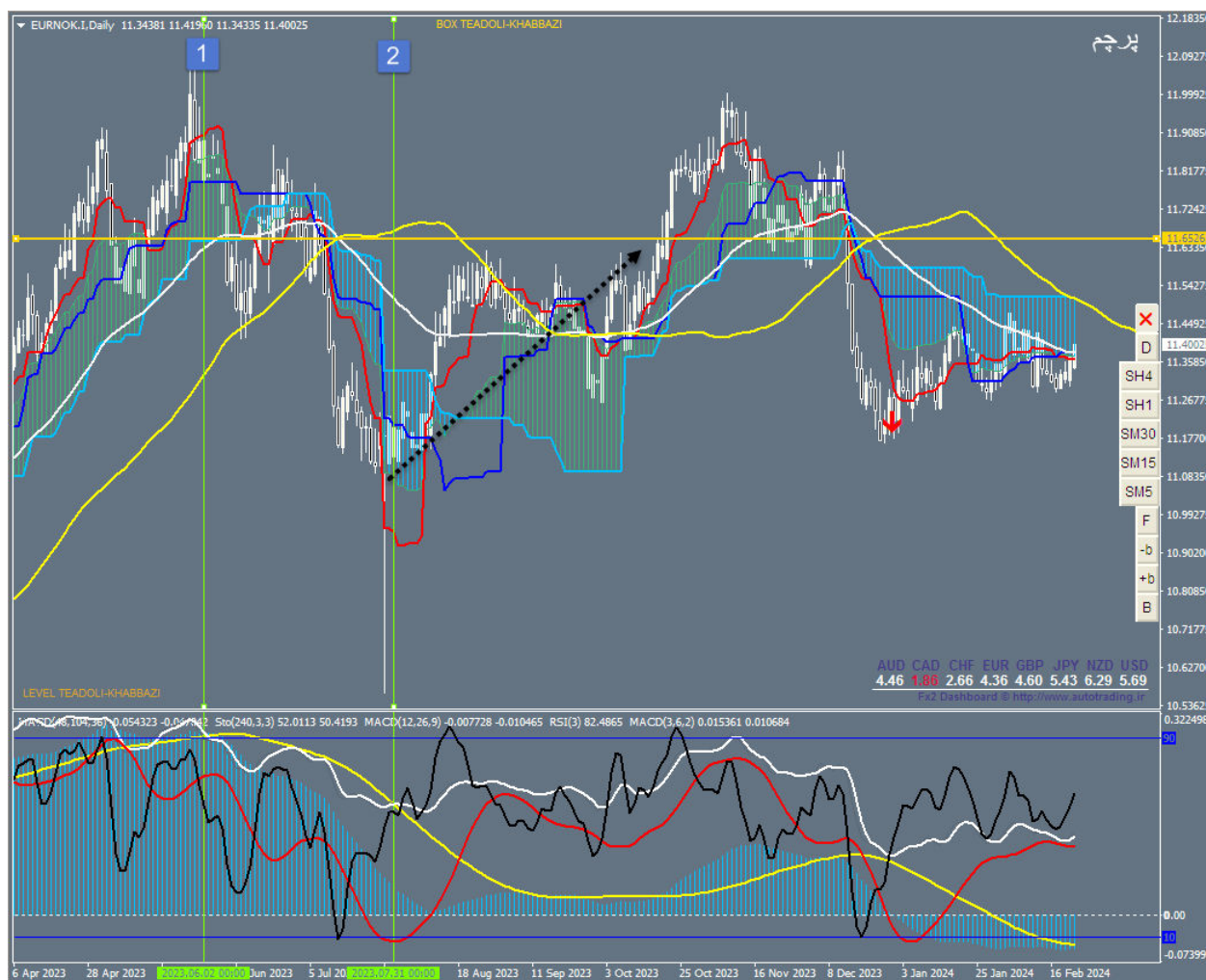
در خط دوم پرچمی زده شده است که سفید در نوار اولش است و باعث برگشت قیمت به محور تعادل استاتیک شده است.

در لایو بازار انجام این ترید بخاطر در نیمه راه بودن خط سفید در زمان اشباع دیگر خطوط، شاید مشکل باشد و اگر منتظر پرچم خط دوم شویم، تارگتس را داده باشد.



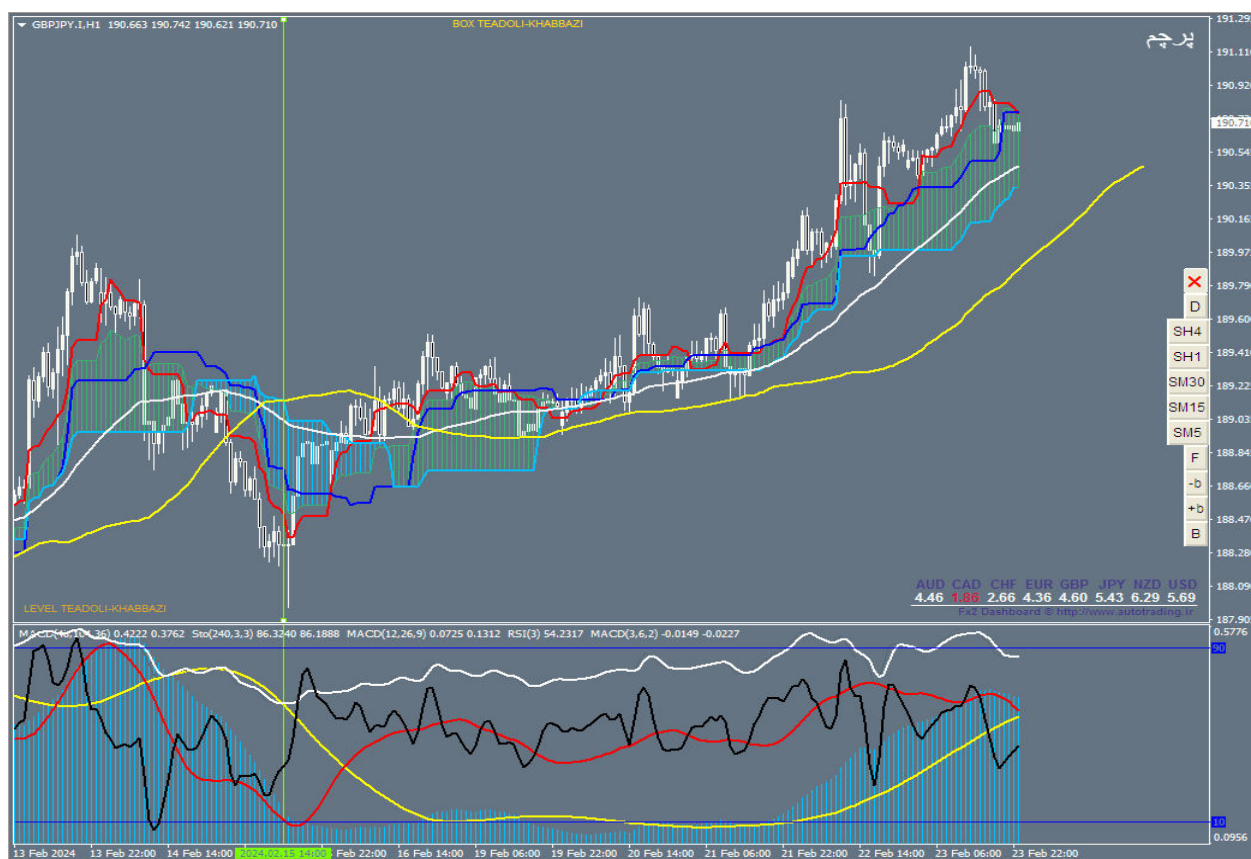


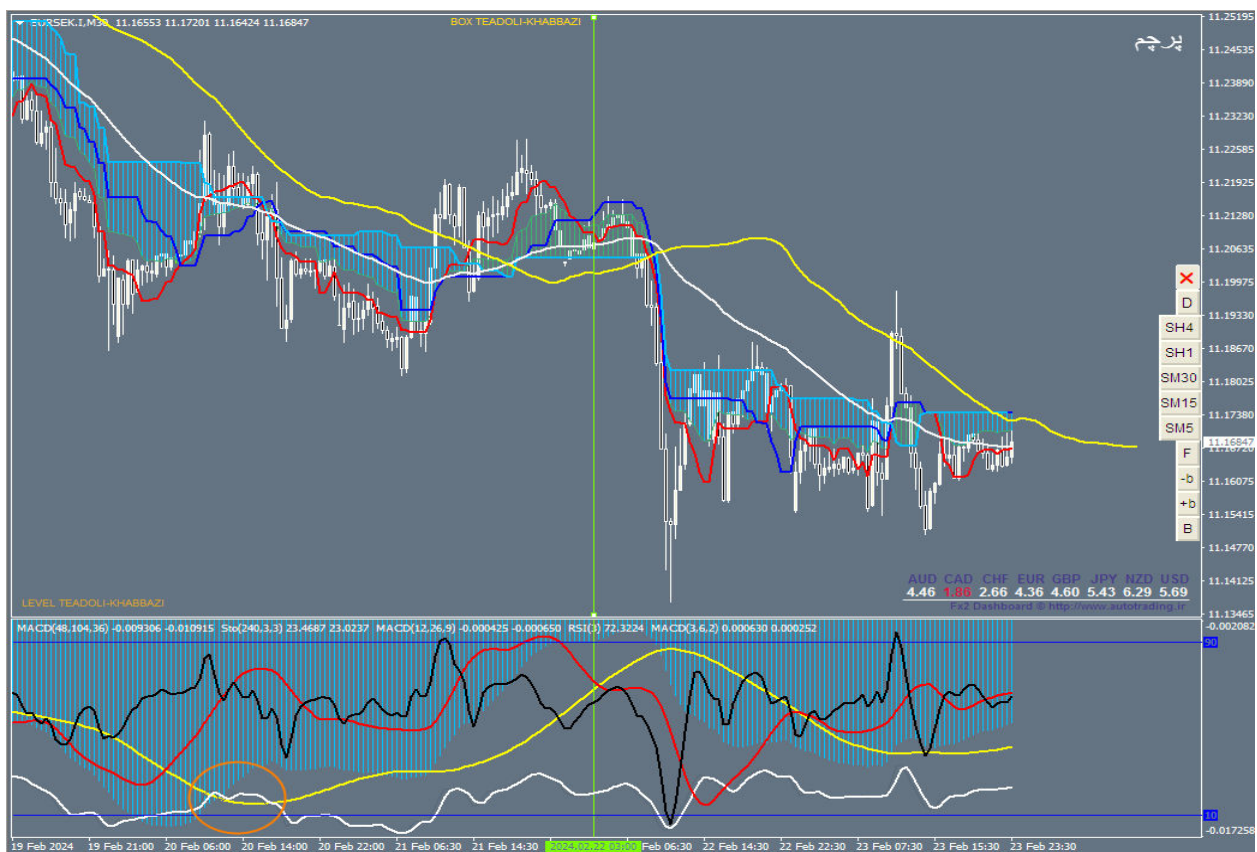
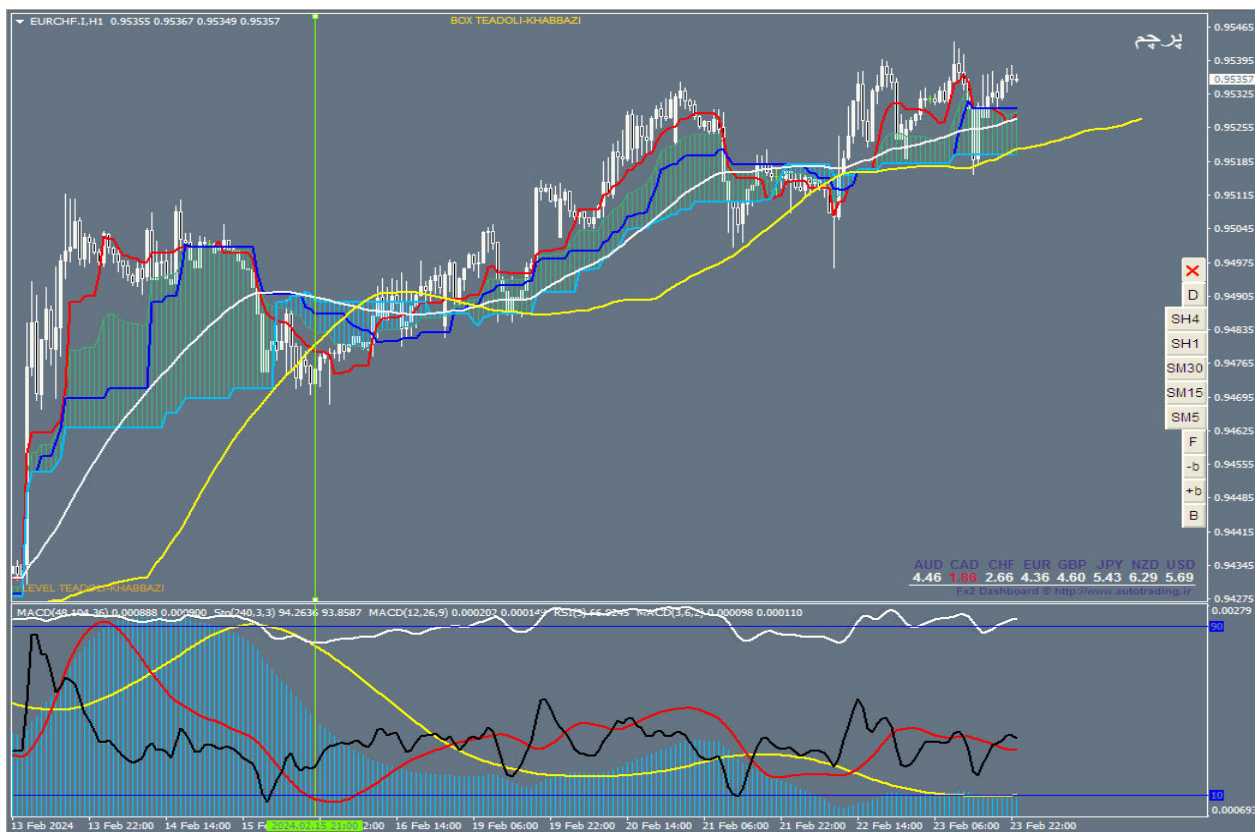
در شکل، همان وضعیت قبلی پرچم ها در خطوط است؛ اما با این تفاوت که در خط عمود شماره دوم، پرچم با مشخصه نوار سفید در اول داریم اما هنوز قیمت، از کف حرکتش را شروع نکرده است؛ پس موقعیت خوبی برای ترید می باشد.



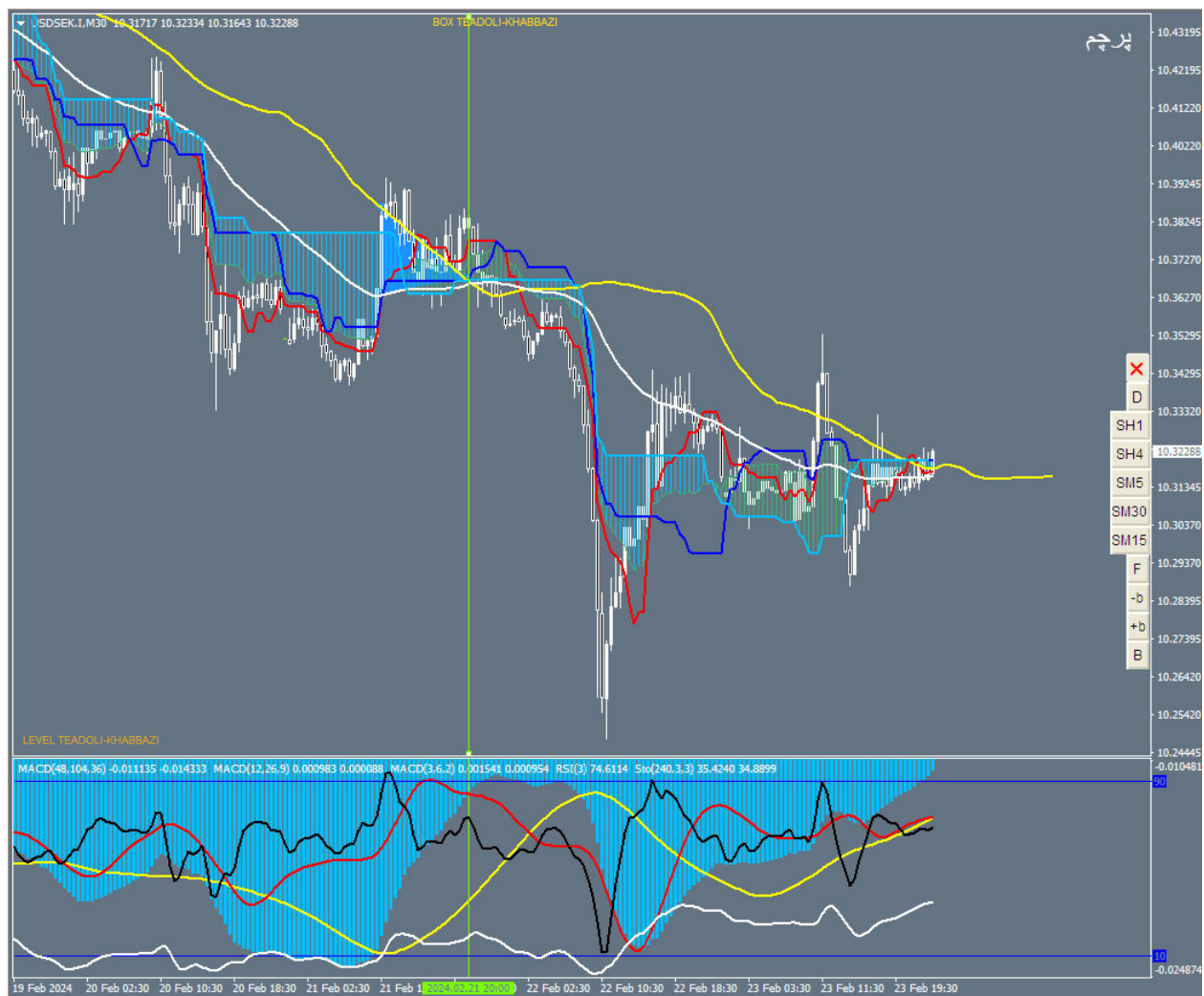
حالت قبل یعنی پرچم با رنگ سفید در اول، اگر هم زمان با هیستو صفر یا هیستو فیک شود، همان ترید فاز چهارم می باشد. در این وضعیت خط زرد موقعیتش را زودتر خبر می دهد و رنگ سفید نیز هنگامی که دو خط دیگر در اشباع هستند، تایید را از قبل داده است.

به اهتزاز در آمدن پرچم با اولویت رنگ سفید در هیستو صفر، نشان از بن بست برای چرخه های قرمز و مشکی می باشد.





پرچم موقعیت خوب پترن زمانی برای ساخت پترن N را تایید نکرده است.



با مارک کردن مثلث زمان، به آن هویت می دهیم.

تاچ فلت موینگ در شکل قبل، به تاچ فلت چرخه در تایم پایین تبدیل شده است.

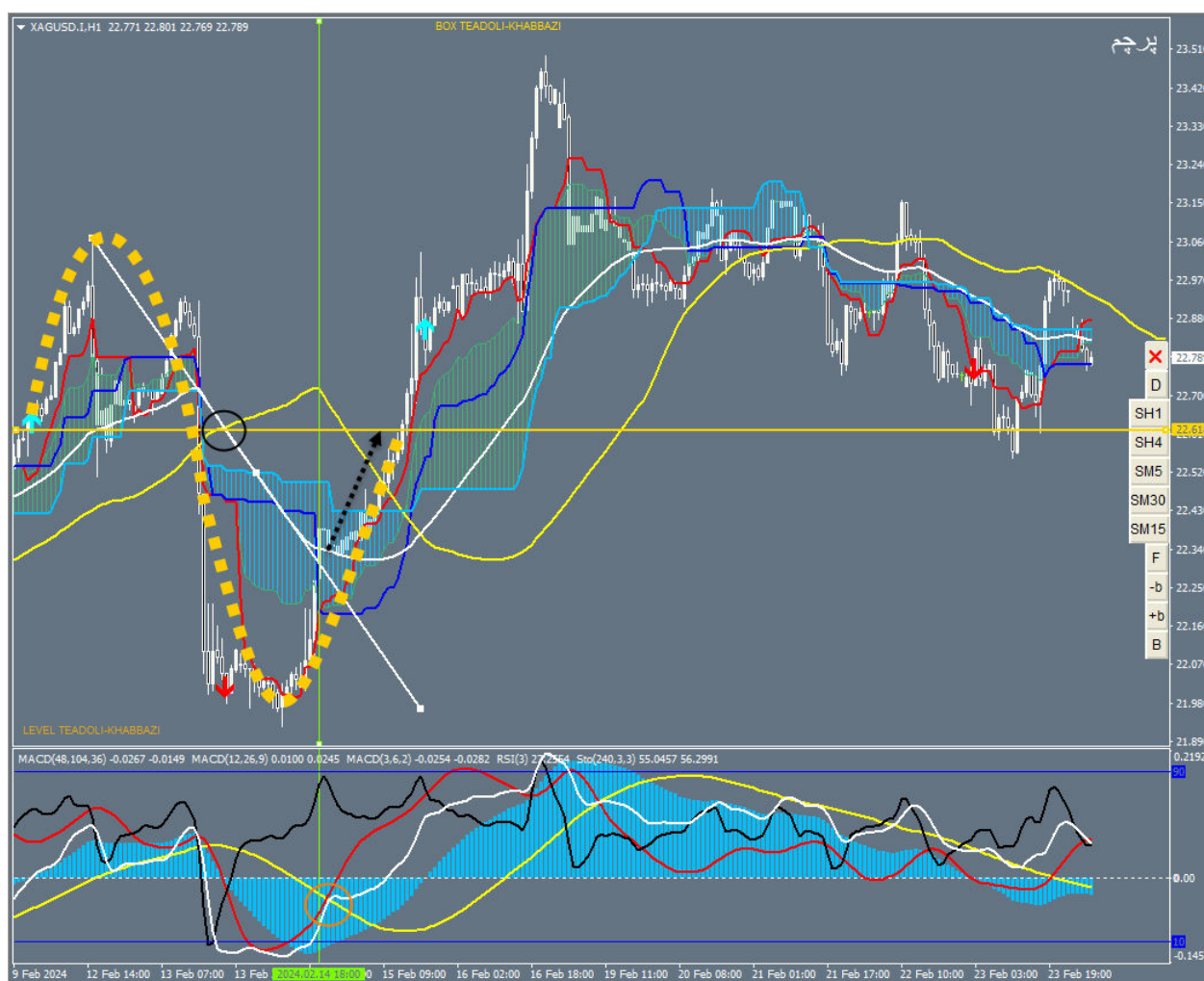


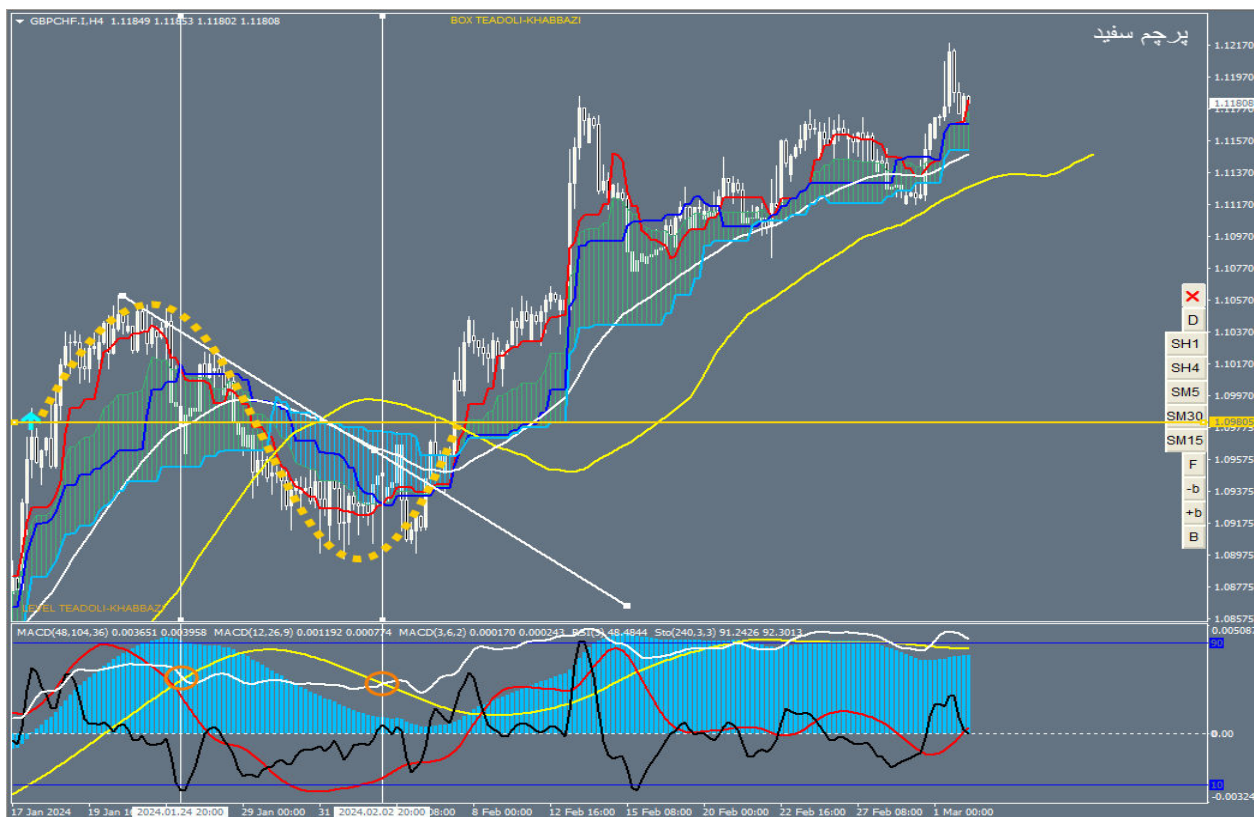
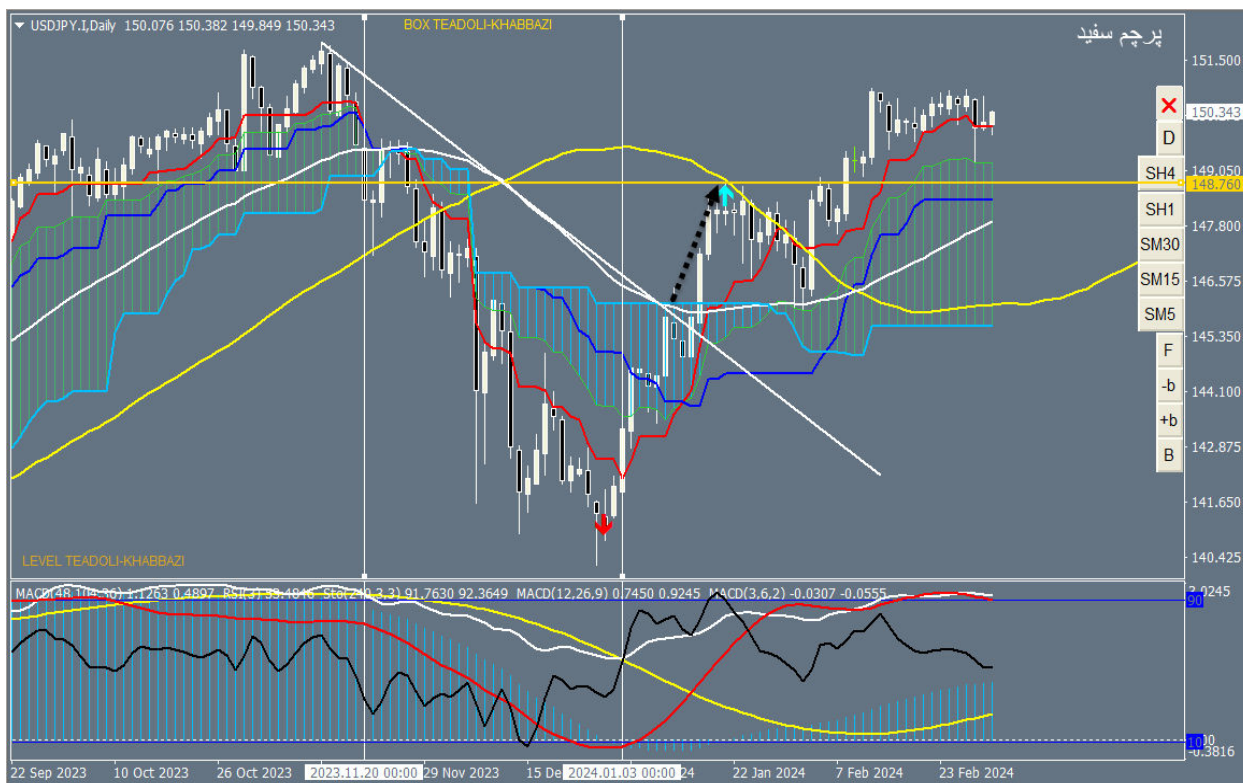
همزمانی شکست خط روند سفید و پرچم با اولویت رنگ سفید، تایید خوبی برای تاج محور استاتیک سویچ قبلی و حتی شروع ترید اول ستاپ توازن می باشد.

پرچم با وضعیت رنگ سفید در اول، همزمان با شکست خط روند سفید، تشکیل سویچ جدید تعادلی را پیش بینی می کند.

موقعیت شکست خط روند سفید همزمان با سویچ تعادلی در میز را اگر در پرچم لایو، سفید رنگ اول و در پرچم قبلی، سفید در رنگ آخر باشد؛ پرچم سفید می نامیم.

در این شرایط تارگت اول، تاج فلت چرخه و تارگت دوم تاج محور تعادل استاتیک می باشد.

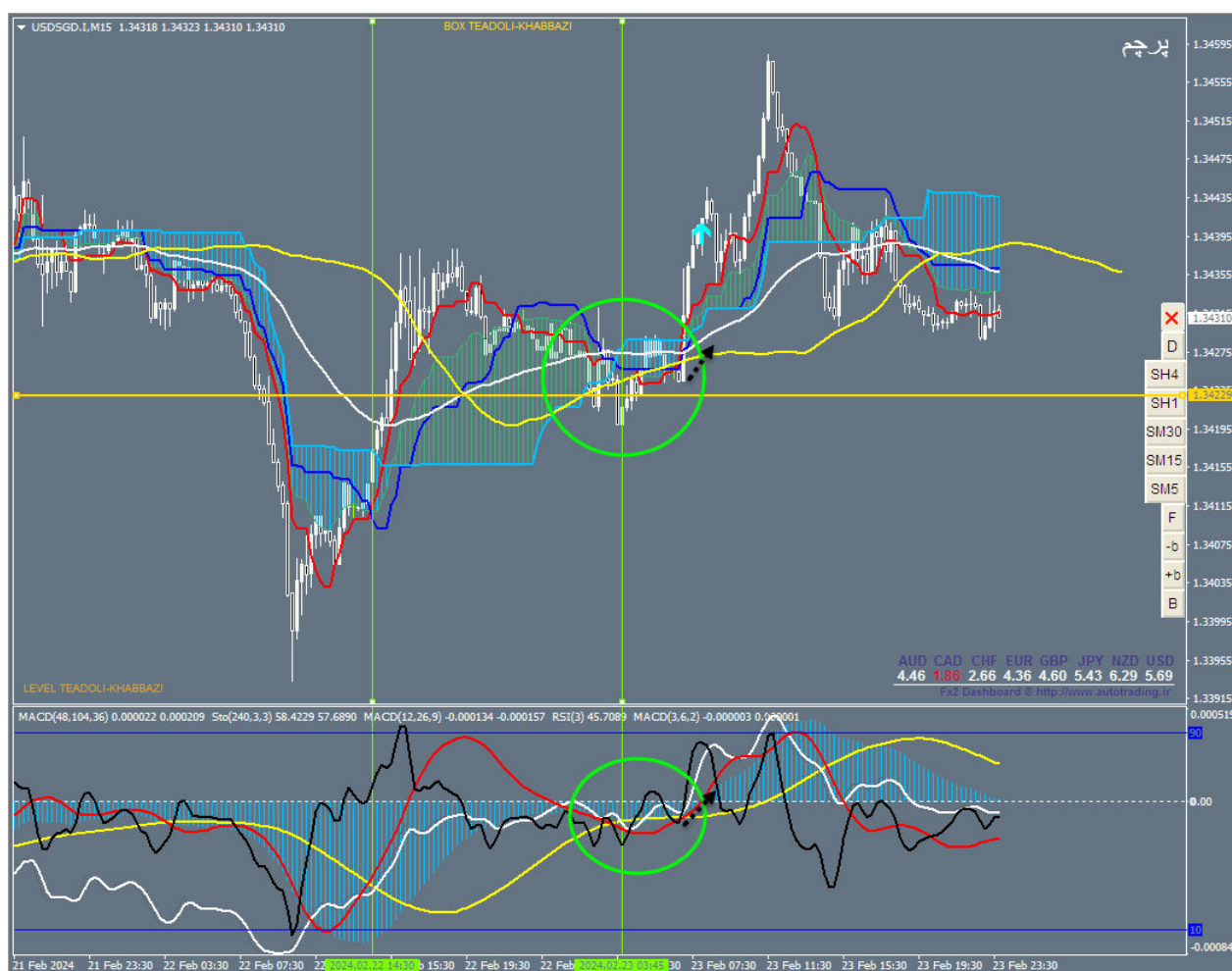




هنر یک سبک تعادلی وقتی به اوج می رسد که بتواند پرچم را با رنگ بندی اجزاء ایچی هماهنگ کند و یک رنگین کمان بسازد. در واقع هنگامی که هیستو صفر می شود، اجزاء ایچی نیز همه، هم جهت(خطی) برای شروع حرکت می شوند و در میز اندیکاتوری نیز، چرخه ها برای همان حرکتی که دو سیستم دیگر گزارش داده اند؛ هم جهت می شوند.

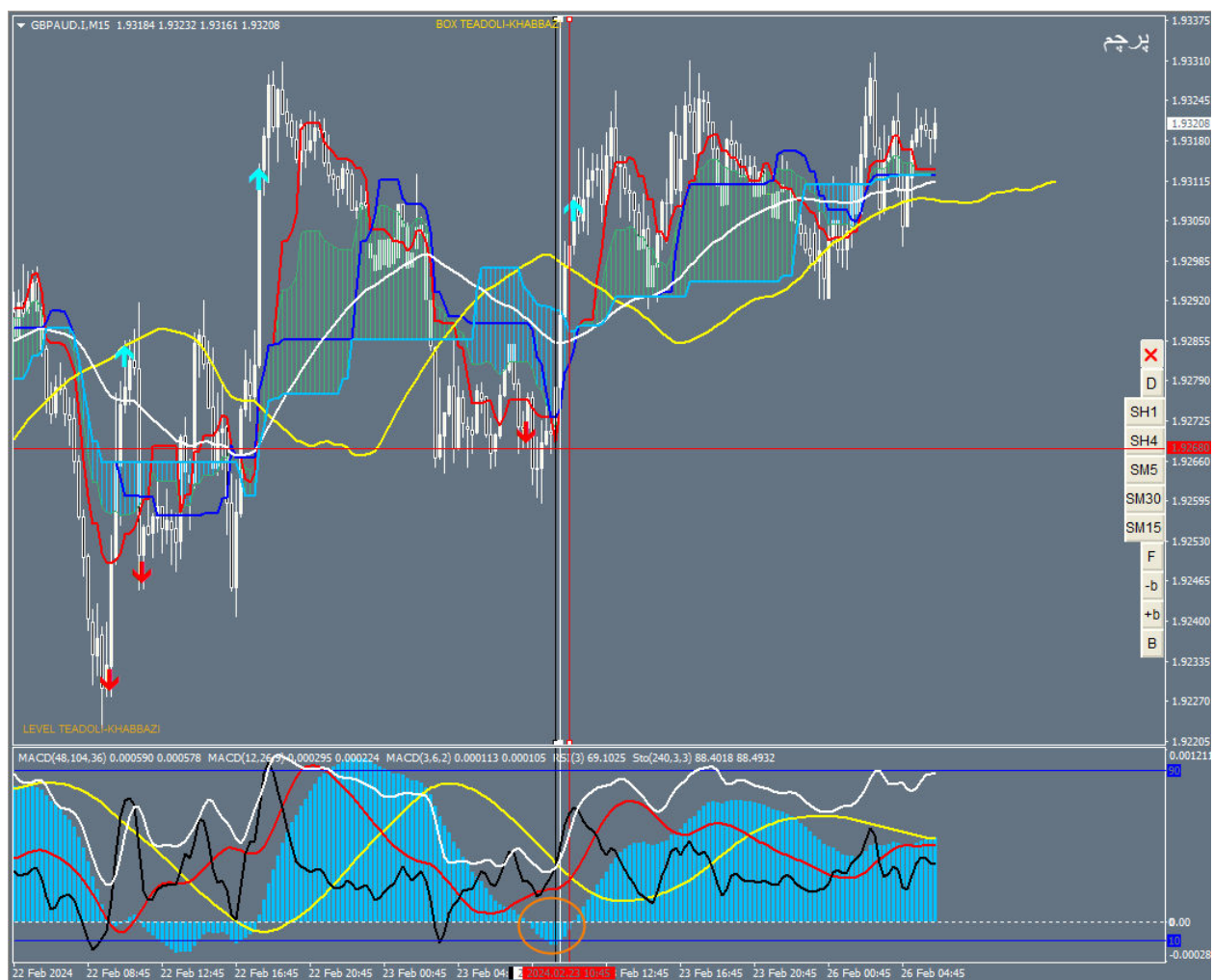
این اتفاق الزماً نباید در اشباع بیفتد. اگر چه آن را با تغییر تایم میتوانیم از اشباع یا هر نقطه ای که دوست داریم و در آن مهارت داریم مثل هیستو صفر یا هیستو فیک شکار کنیم.

این مفهوم درست حرفه ای شدن در یک فن می باشد که جز با **مشق** آن **فن**، حاصل نمی شود.

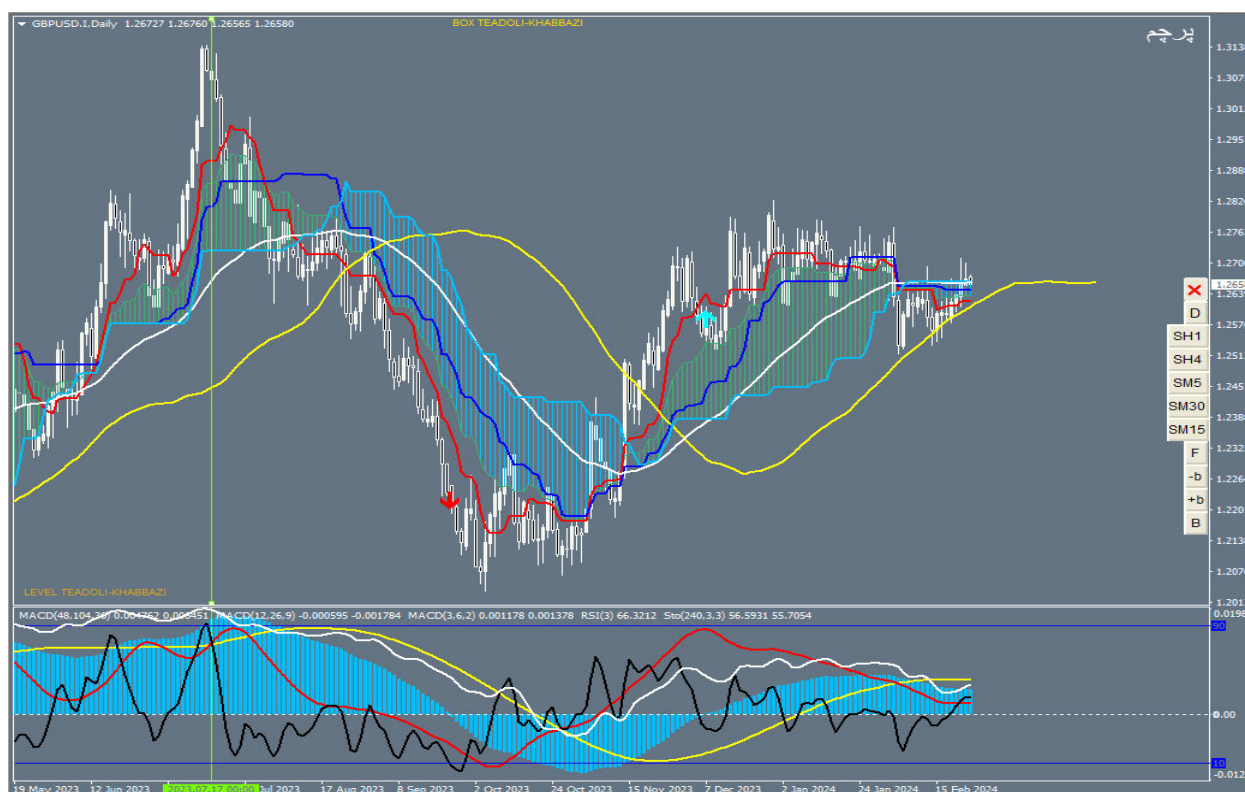
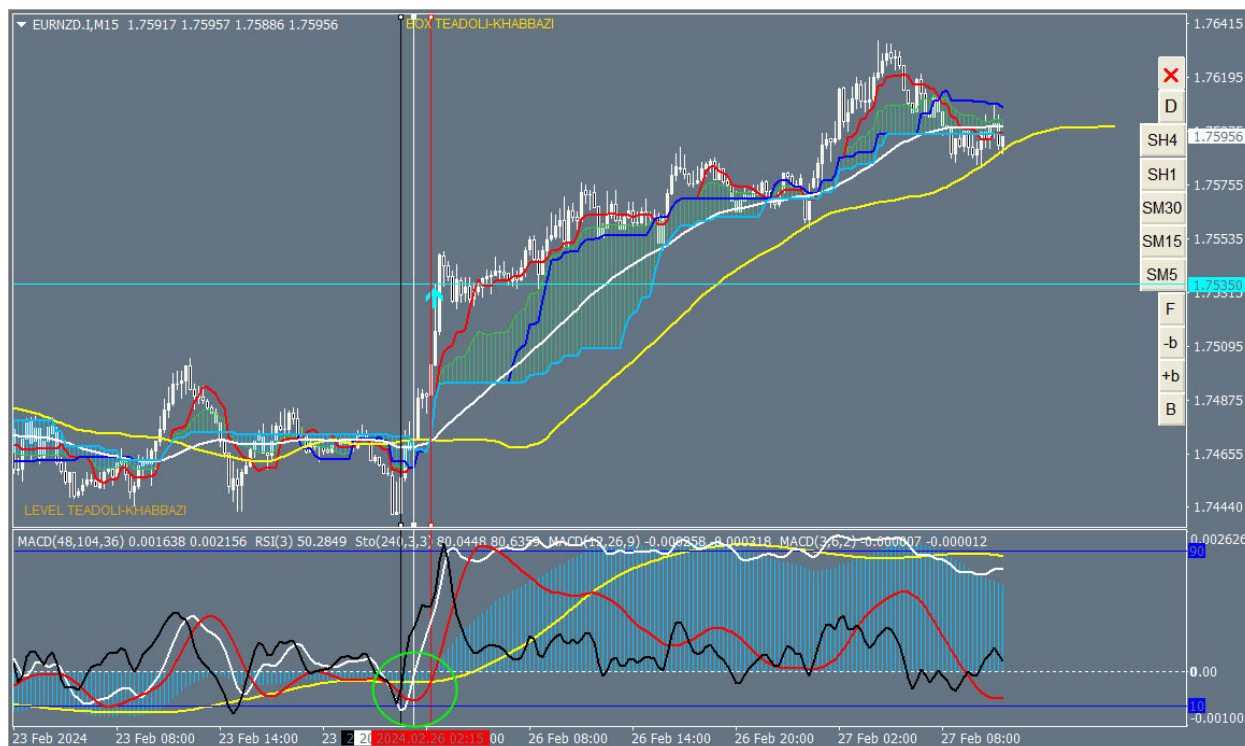


گاهی یک قله یا دره هیستو فیک، هیچ رنگی به خود نمی گیرد(چرخه ای به آن دست نیافته است).

در این شرایط اگر پرچم در مخالف جهت هیستو زده شد، با آن همراه می شویم.



از دیگر موقعیت های خوب برای زدن (ظاهر شدن) پرچم، غیر از هیستو صفر یا هیستو فیک، نزدیک کف یا سقف با هم جهتی با خط زرد می باشد.



در کل در موقعیت های:

– هیستو صفر یا هیستو فیک وقتی سیکل مشکی، سیکل قرمز را در خلاف تغییر فاز هیستو، کراس می کند.

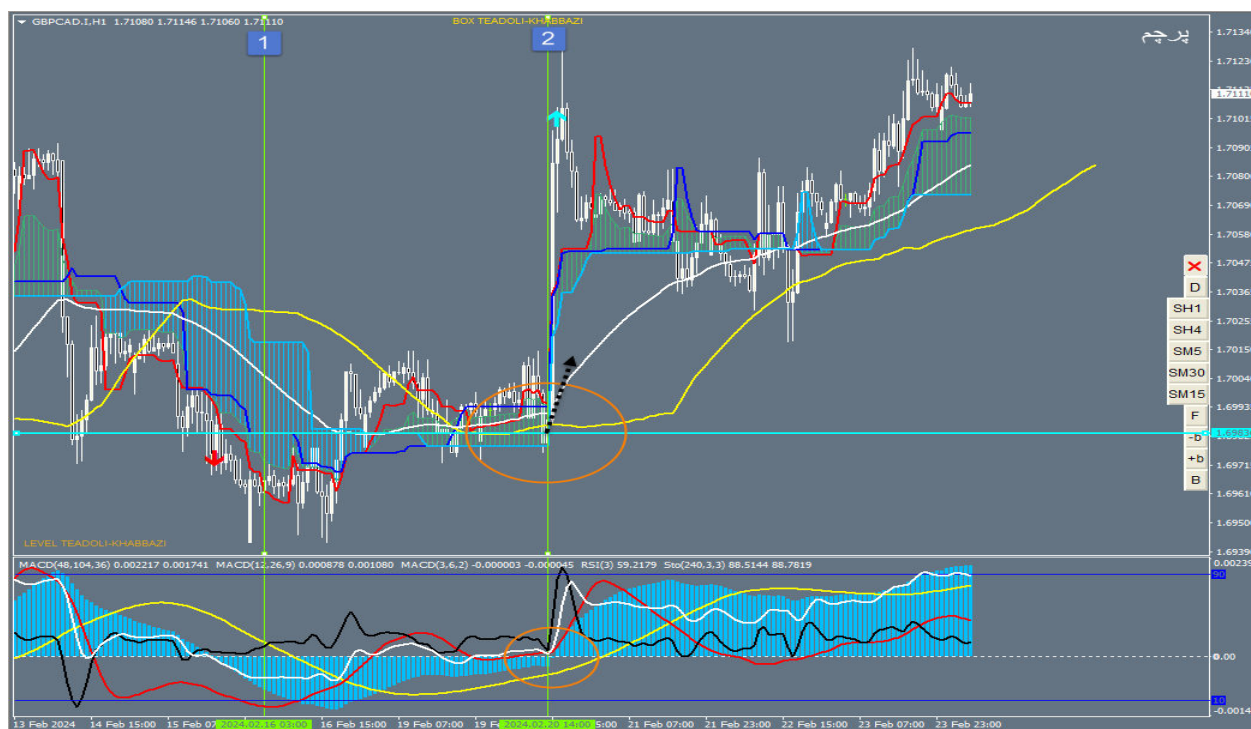
– کراس خطوط مشکی و قرمز با خط زرد، وقتی که خط زرد در واگرایی است تا با این هم جهتی، واگرایی خط زرد تمام شود.

– فلتی که سه اشباع را پوشش داده است.

به دنبال هم زمانی چرخه ها باشید.

در شکست سطوح یا محورها، هم جهتی چرخه ها منظور شود. یکی از دلایل پولبک به سطح شکسته شده؛ هم شکل شدن اجزا یا همزمانی چرخه ها است.

در خط اول، پرچم در حالت افقی است و اجزاء ایچی نیز هم جهت نیستند. با خرید زمان و پولبک به فلت چرخه، در خط دوم، همزمانی و هم شکلی برای یک حرکت خوب، صورت گرفته است.

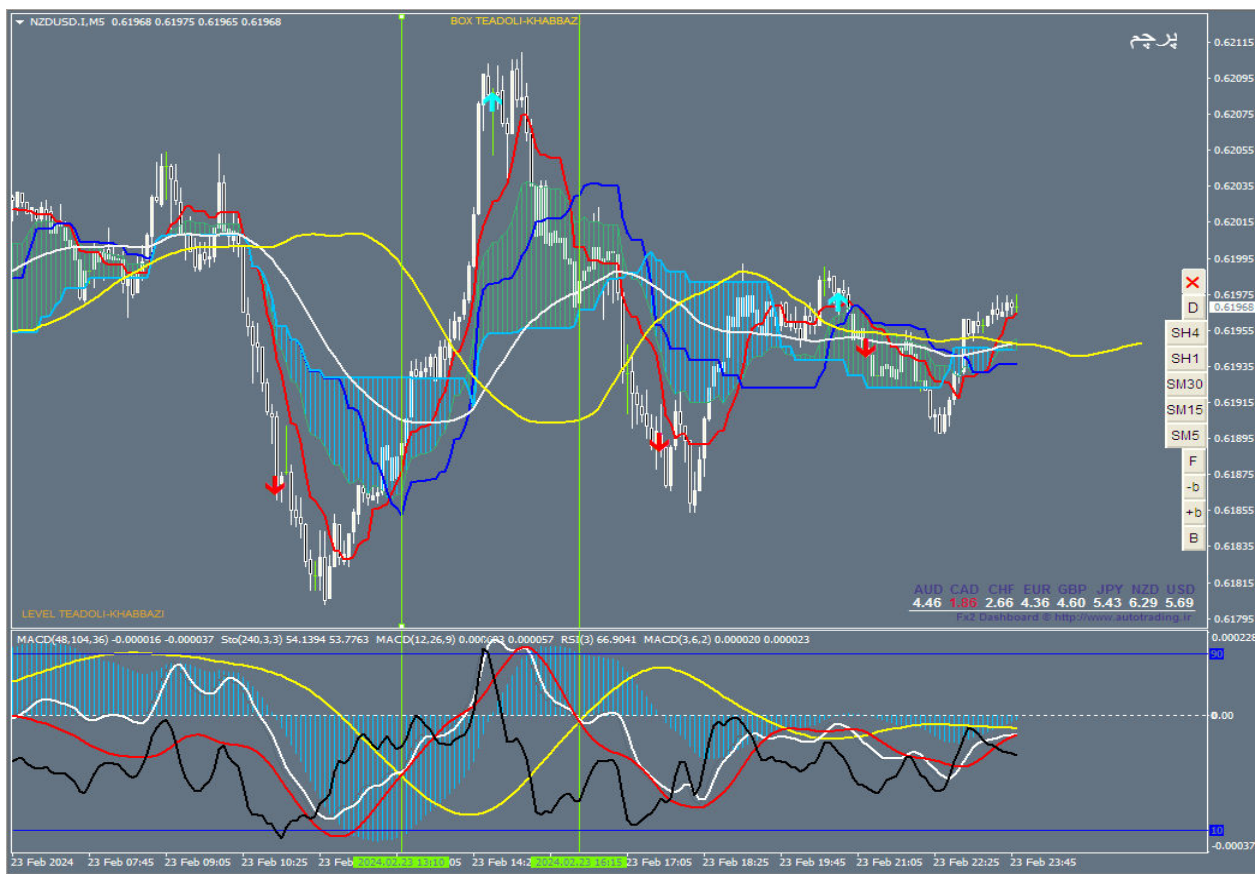


فاصله زمانی تشکیل پرچم، یعنی فاصله رنگ های پرچم از یکدیگر، بسته به شتاب حرکت دارد. در حرکت رنج، این زمان زیاد و معمولاً کراس ها به صورت افقی می باشند. اما در حرکت پر شتاب کراس ها به صورت عمودی و نوار های رنگی، باریک (با فاصله کم از یکدیگر) هستند؛ یعنی فاصله زمانی کراس ها با خط زرد، کم است. هم زمانی رنگ ها (یکی شدن رنگ ها) در پرچم، نشان از حرکت شارپ دارد.

در شکل، در خط اول خطوط سفید و قرمز با هیستو هم شکل شده اند و پرچمی با شتاب حرکت شکل گرفته که دو رنگ آن هم زمان، رنگ زرد را کراس کرده اند.

در خط دوم، هیستو فیک است؛ یعنی هیستو تغییر فاز داده اما کندل از آن عبور نکرده است؛ شتاب خوبی به قیمت داده است.





تراز هیستو با فلت اشباع، تعامل خوبی با یکدیگر دارند.

وقتی در چارت تراز هیستو است؛ پس معمولاً(نه همیشه) در میز، حداقل، اشباع خطوط مشکی و قرمز را خواهیم داشت؛ اما هر جا میز در اشباع باشد؛ الزاماً تراز هیستو نخواهیم داشت؛ چون از قبل شاید با اشباع چرخه کوچک تر، تراز زده باشد. در واقع تراز هیستو می تواند اولین اشباع بعد از تغییر روند(سوینگ جدید) را نشان دهد.

در این شرایط :

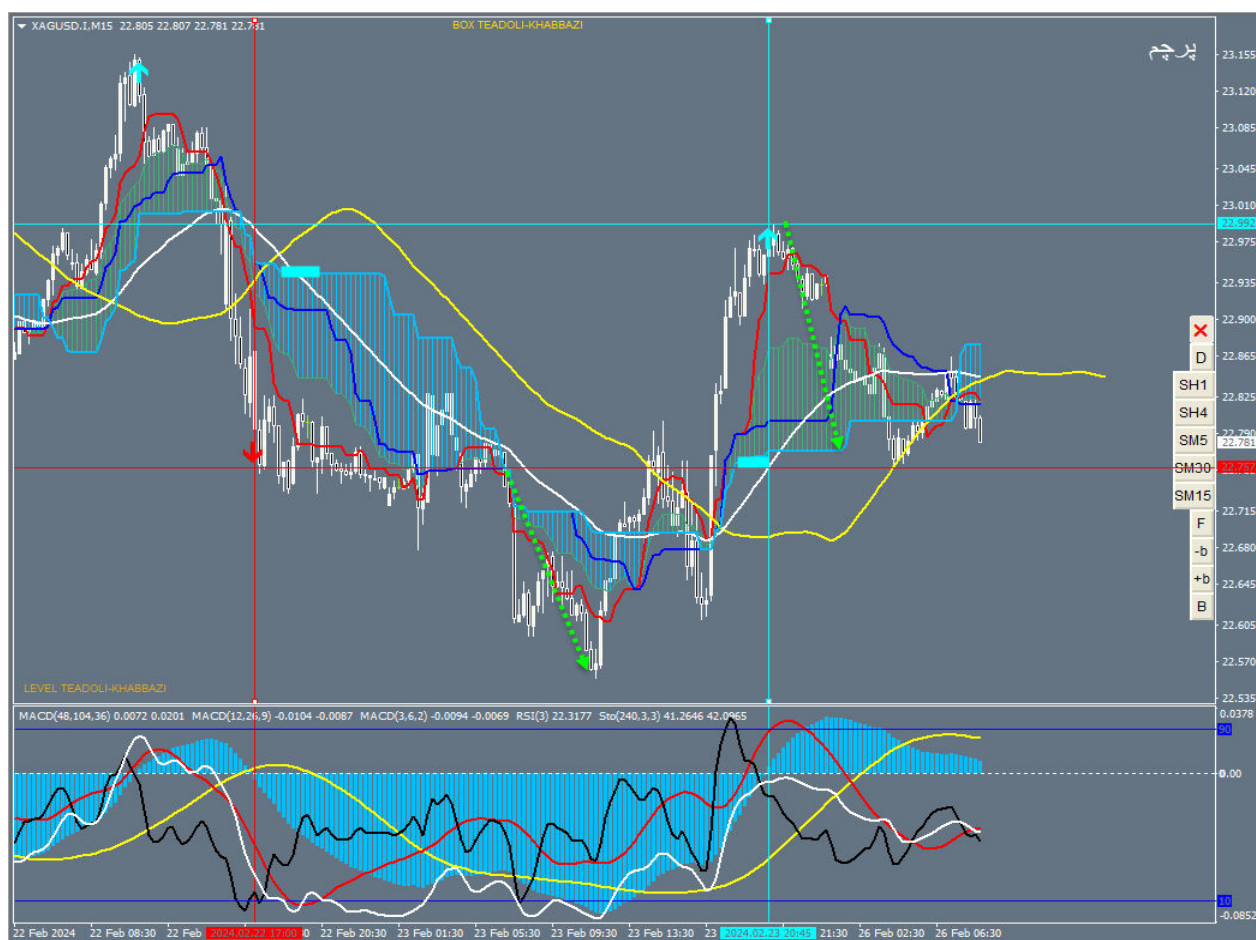
قیمت با تاج یا بدون تاج فلت قرمز، این سطح را خواهد شکست تا خطوط قرمز و مشکی ادامه روند دهند تا با خط زرد به اشباع برسند.

یا تراز هیستو نخواهد شکست و هیستو فیک قیمت را به سمت تاج فلت چرخه، شارژ خواهد کرد.

در شکل، در خط عمود قرمز، قیمت بدون تاج فلت قرمز، تراز هیستو قرمز را شکسته است و در اشباع، تراز قرمز نقش فلت مشکی را بازی کرده است که این تراز به دو دلیل فلت چرخه و بسته شدن چرخه هیستو، می تواند تاج شود. تراز هیستو فیروزه ای نشکسته است و قیمت تحت تاثیر دافعه تراز و جاذبه فلت، پرتاب شده است.

فلت چرخه و کلیه محورها می توانند در همان تایم یا تایم دیگر در نقش یکدیگر ظاهر شوند. این پویایی باعث می شود هر شخص با هر کدام که راحت تر است در تایم دلخواهش ترید نماید.

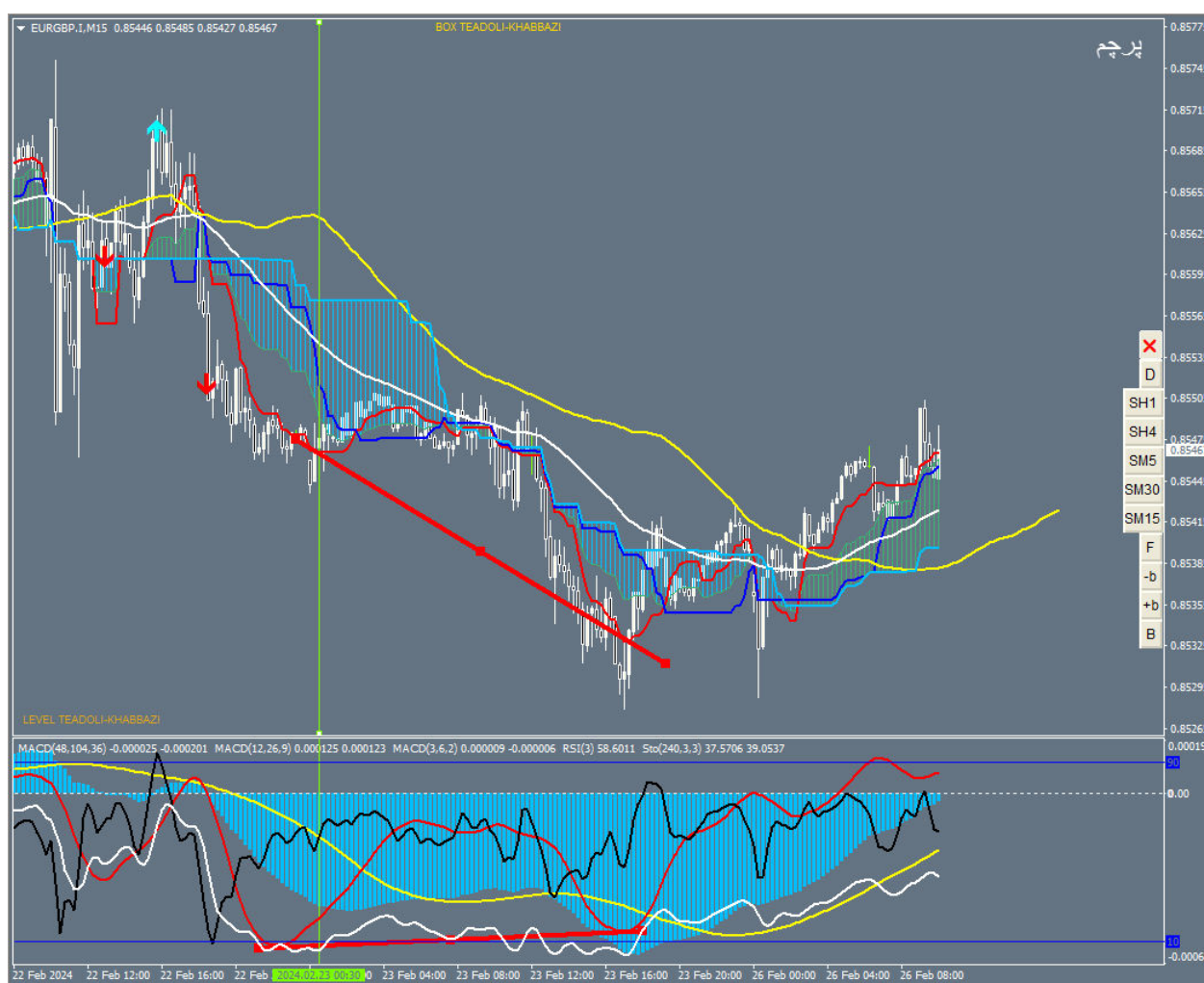
اگر در تایم چهار ساعته قیمت با تاج فلت قرمز، برگشت می کند و سطح قرمز را می شکند تا خط زرد به اشباع برود(ایچی)؛ در تایم یک ساعته همین رفتار را با تراز هیستو(گام متعادل) و در تایم پانزده دقیقه با محور فرکتال(ستاپ توازن) مشاهده می کنید.



وقتی در میز اندیکاتوری پرچم(مخصوصا بدون رنگ سفید) زده می شود(ظاهر می شود) اما در چارت سویچ تعادلی متناظر با آن ظاهر نمی شود، واگرایی داریم.

اتمام واگرایی قرمز، رسیدن خط زرد به اشباع خواهد بود.

در تایم پایین تر می توان ستاپ توازن را در این موقعیت مشاهده نمود.



وقتی در شکل مربوط به سیکل های ایچیموکو دقت کنید مشاهده می کنید:

وقتی سیکل مشکی به تنهایی در جهت خلاف دو سیکل دیگر می چرخد چاره ای جزء برگشت به چرخه بزرگ تر را ندارد. پس قیمت فلت مشکی را تاج کرده یا نکرده، سطح مشکی را می شکند تا با سیکل قرمز هم جهت شود.

وقتی چرخه های مشکی و قرمز، در کنار هم در اشباع قرار گرفتند؛ اگر این دو سیکل با سیکل زرد هم جهت نباشند، پس میز در موقعیت هیستو صفر یعنی ترید فاز چهارم (عدم تقارن) می باشد. کراس این دو سیکل با سیکل زرد شروع رالی دوم را خبر می دهد تا همه سیکل ها هم جهت شوند.

این هم جهتی را در شکل مربوط به سیکل های ایچیموکو، در ابتدا یا انتهای موج می بینید یعنی وقتی که هر سه سیکل بر روی یکدیگر واقع هستند. این شرایط در میز اندیکاتوری در کف یا سقف ها اتفاق می افتد وقتی این سه و خط سفید در اشباع هستند. اوج این همزمانی چرخه ها را هم شکلی هیستو در میز و خطی شدن ایچی در چارت، به صورت همزمان به شما نشان می دهد.

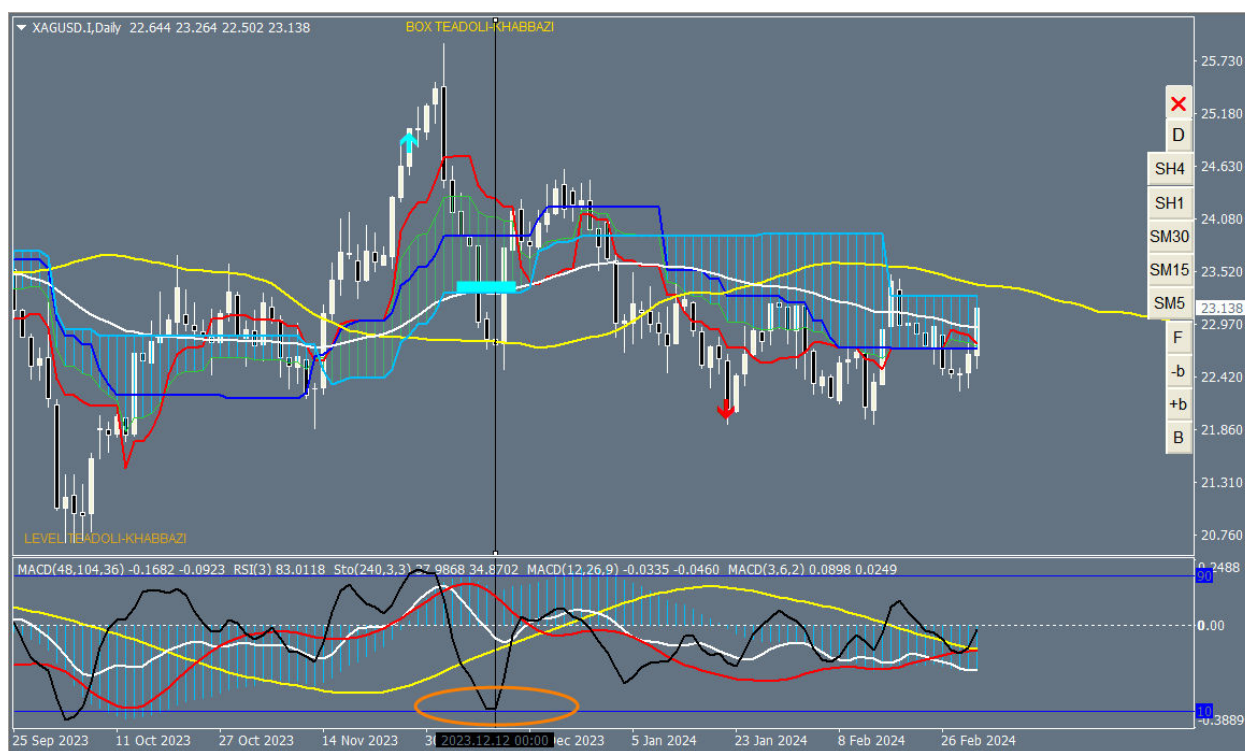
در این شرایط دو حالت پیش می آید. یا در میز با همراهی خط سفید، روند خوبی شکل می گیرد و یا با عدم حمایت خط سفید، در گام بعدی که در این فاصله واگرایی خطوط زرد نیز برقرار شده است؛ روند خوبی با هم زمانی چرخه ها، شکل خواهد گرفت.

همراهی سفید دقیقا مطابقت می کند با واکنش چارت به فلت چرخه که اگر سنکو اسپن B این فلت را شکست، چارت روند خوبی را شروع می کند در غیر این صورت این فلت یک ریورس خوبی به ما خواهد داد تا هم زمانی چرخه ها مجدداً در این تایم و یا با اشباع تایم بالاتر، شکل گیرد.

به عبارت بهتر طبق شکل سیکل ها، همزمانی چرخه ها و نه الزاما کراس آنها با یکدیگر، مهم است. پس تغییر زوم و جابجایی چارت با این بینش مهم نیست.

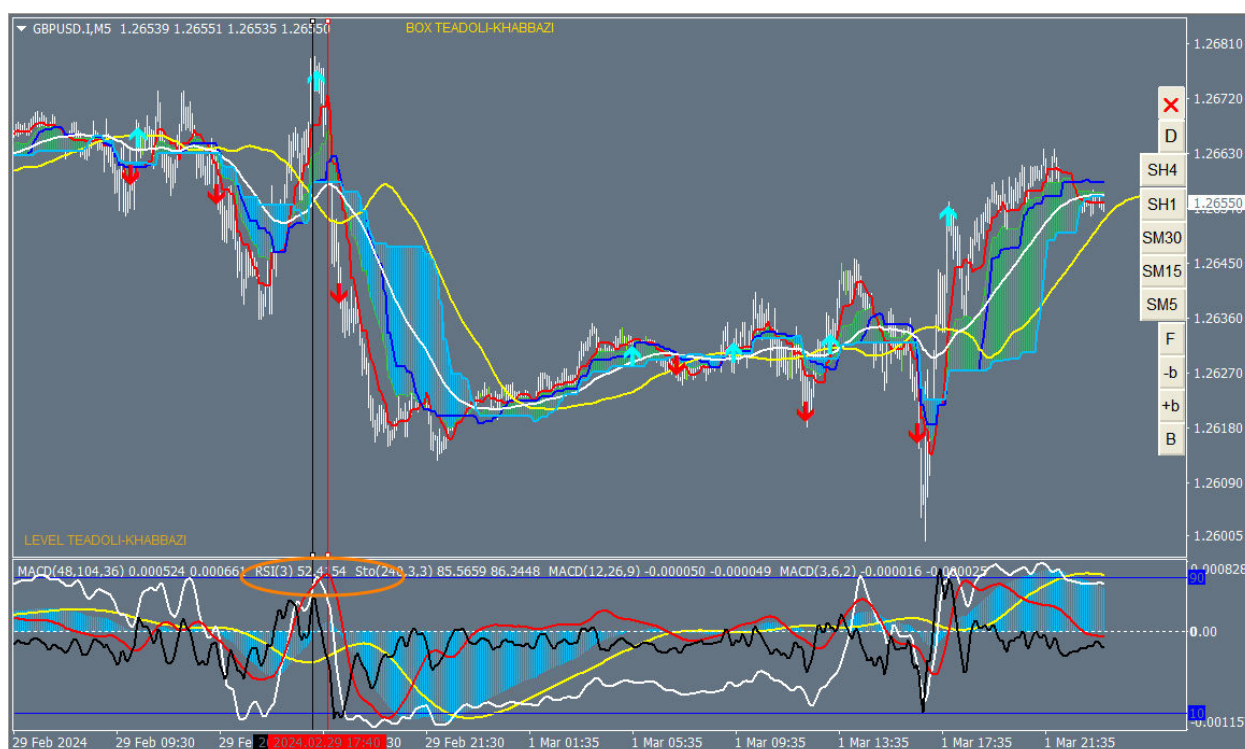
از آنجا که با رها و شناور بودن اجزا میز شاید بعضی از افراد طبق عادت دیرینه مانوس نباشند؛ مطالب فوق را با این دید مرور می کنیم تا همخوانی میز با ایچی دقیقا مشخص شود :

وقتی سیکلی مثلا با توجه به شرایط اشباع که قبلا بیان شد، سنجاق به تراز 10 یا 90 باشد، یعنی با جابجایی چارت از این تراز جدا نشود (زوم مهم نیست چون ما چارت را در همان تایم تحلیل کرده و بر اساس آن که اشراف به سایر تایم ها نیز داریم ترید می کنیم)، اگر در میز مشاهده می شود که خط مشکی با خط قرمز یا هیستو کراس کرده است به این معنی است که در چارت قیمت که معادلش، خط مشکی در میز است، به تنکن که معادلش، خط قرمز در میز است و کوموی ایچی که معادلش، هیستو در میز است، خواهد رسید. اما این به تنهایی کافی نیست زیرا شاید این اتفاق، در خلاف جهت مورد نظر ما و یا با رنج شدن قیمت بیفتد و در ضمن چرخه مشکی به تنهایی کاری نمی تواند بکند.



پس سطح مربوط به خط مشکی می شکند یا قیمت رنج می شود تا چرخه های مشکی و قرمز کنار یکدیگر در اشباع باشند. حال تصور کنید قرمز هم حالت سنجاق شده داشته باشد. در این صورت با کراس خط مشکی با قرمز در میز، کراس قیمت با تنکن را در چارت خواهیم داشت. حال باید در پی تثبیت سیکل زرد در اشباع در کنار آن دو سیکل دیگر باشیم تا یک حرکت خوب شکل بگیرد.

اگر سیکل زرد قبلا در همین فازی که چرخه های قرمز و مشکی بوده اند؛ در اشباع بوده است پس تمایلی به این که بخواهد به این دو موج، مجددا در اشباع بپیوندد را ندارد. در این صورت در چارت، هیستو را مشاهده می کنیم که به سمت قرمز و مشکی کشیده می شود؛ اما تغییر فاز نمی دهد که به اصطلاح این حالت را هیستو صفر می نامیم. پس به ناچار خطوط مشکی و قرمز، سیکل زرد را کراس کرده و همه هم جهت برای اشباع مخالف حرکت می کنند که همان ترید فاز چهارم می شود.



حال وقتی با هم در تراز مقابل به اشباع رسیدند باز تصور کنید همه فیکس هستند. در این صورت همه کراس ها یعنی پرچم در میز اعتبار دارد و از آن جا که این چرخه ها در میز اندیکاتوری، معادل اجزا یا سیکل های ایچی در چارت هستند؛ به خوبی در این شرایط، کراس و سویچ ایچی را می توان پیش بینی نمود :

با کراس خط مشکی با خط قرمز در میز، قیمت به تنکن در چارت رسیده است یا خواهد رسید.

با کراس خط مشکی و هیستو در میز، قیمت به کوموی ایچی در چارت رسیده است یا خواهد رسید

با کراس خط مشکی با خط زرد در میز، قیمت به فلت سنکو اسپن B در چارت(ترید تعادلی) رسیده است یا خواهد رسید.

با کراس خط قرمز با خط زرد در میز، کراس تنکن با کیجن در چارت اتفاق افتاده یا خواهد افتاد که تارگت سطح 161 از فیبو کراس از نزدیکترین قله یا دره اش وین خوبی دارد.

با کراس هیستو با خط زرد در میز، سویچ کومو در ایچی اتفاق افتاده یا خواهد افتاد.

با کراس خط سفید با چرخه زرد در میز، سویچ تعادلی در چارت اتفاق افتاده یا خواهد افتاد که تارگت سطح 161 از فیبو تعادلی، از قله یا دره اش، وین خوبی دارد.

وقتی همه اجزا در میز و به ناچار در ایچی در چارت در کنار هم در اشباع به صورت فیکس هستند؛ اگر با شروع حرکت و رسیدن خطوط مشکی و قرمز به اشباع مخالف، سفید در کنار آنها بود یعنی با هم و در کنار هم، روند خوبی را شکل خواهند داد؛ در این زمان چارت، فلت چرخه را پشت سر گذاشته است.



اما اگر درست زمانی که قرمز در اشباع است، خط سفید در میز، سویچ تعادلی مخالف
بزند؛ نوار سفید هنوز این حرکت را تایید نکرده است.



واکنش خط سفید با خط زرد در میز بعد از همزمانی چرخه ها، تعامل سنکو اسپن B با فلت چرخه در چارت را به خوبی روایت می کند.

وقتی چرخه ها در اشباع به صورت فیکس هستند، پرچم، جهت پیش بینی رفتار اجزا ایچی، قابل استناد است.

در اشباع چرخه های مشکی و قرمز، معمولاً تراز هیستو است که اگر کلا نشکند؛ یعنی مشکی و قرمز در چرخه زرد نیستند و با برگشت شان، باید بشوند. این همان ترید فاز چهارم یعنی عدم تقارن می باشد که بجای هیستو صفر با شتاپ هیستو فیک خواهد بود. اما اگر تراز بشکند یعنی دو سیکل دیگر در مسیر حرکت چرخه زرد می باشند و زودتر از زرد، به اشباع رسیده اند؛ پس هیستو نیز در اشباع به آنها خواهد پیوست.

بازی قیمت از تراز هیستو تا فلت هیستو و سپس بالعکس، جهت شکست تراز را بارها و بارها در چارت خواهید دید.

حال تصور کنید چارت، قیمت را پشت تراز نگه دارد تا چرخه زرد در اشباع به قرمز و مشکی برسد، انگیزه کمی برای چارت است تا تراز هیستو را بشکند؛ پس فلت هیستو فیک با این هم زمانی چرخه ها اگر در اشباع فیکس باشند؛ احتمال بیشتری برای تاج دارد.

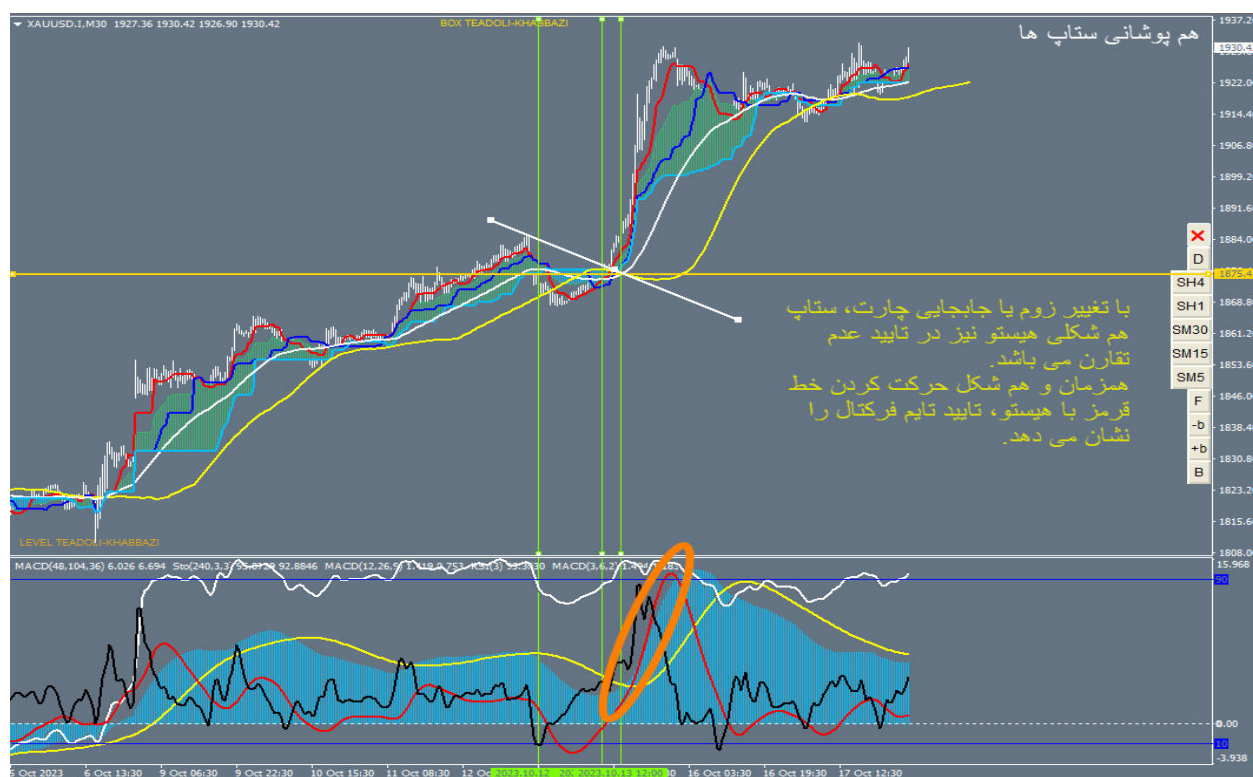
هم پوشانی ستاپ ها :

پلن اصلی در سبک تعادل ورود از قله یا دره با تایید فرکتال و زمان و میز اندیکاتوری می باشد. پس اگر ستاپی یا ستاپ هایی در راستای این پلن باشد، هم افزایی بیشتری به پلن و آرامش خاطر زیادتری به تریدر می دهد.

مثال اول

هم زمان با اتمام عدم تقارن، خط قرمز بر روی هیستو افتاده و با یکدیگر حرکت می کنند. پس در شروع رالی دوم با هم شکلی هیستو، ستاپ تقارن، تایید فرکتالی را هم دارد.

ورود با هم شکلی هیستو جهت شکست محور فرکتال و ورود در پایان هم شکلی هیستو، به قصد تاج این محور یا فلت سنکو اسپن B خواهد بود.

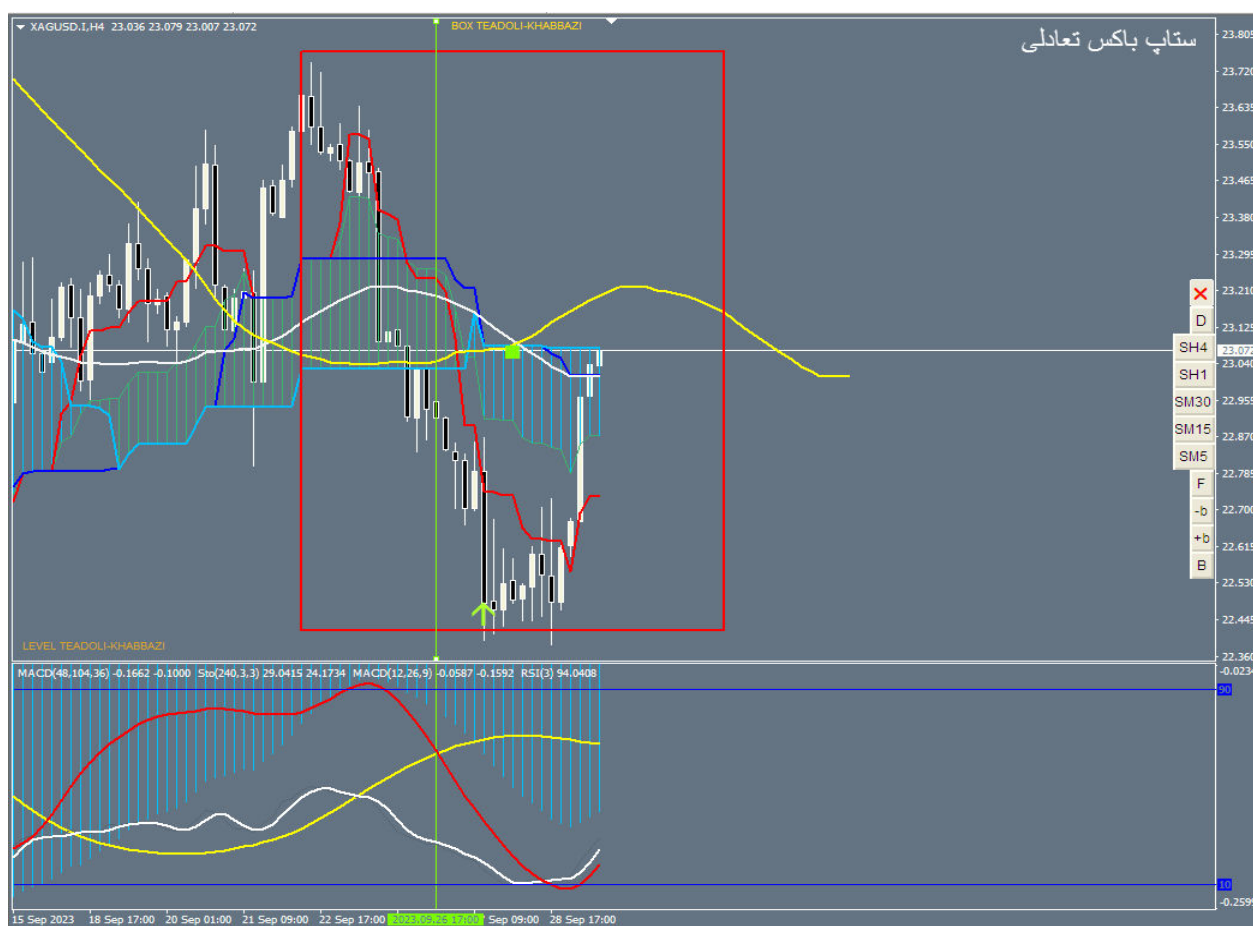


مثال دوم

با استفاده از عدم تقارن، در خط عمود سبز می توان حرکت شارپ تا انتهای باکس تعادلی را ترید سل زد. سپس با استفاده از ستاپ باکس تعادلی تا مرکز باکس ترید خرید زد.

در انتهای باکس تعادلی خط قرمز در میز، در سطح 10 است. پس کف تایم یک ساعته (خط زرد واقع در تراز 10 در تایم یک ساعته) را نشان می دهد. لذا امکان اصلاح تا مرکز باکس می باشد.

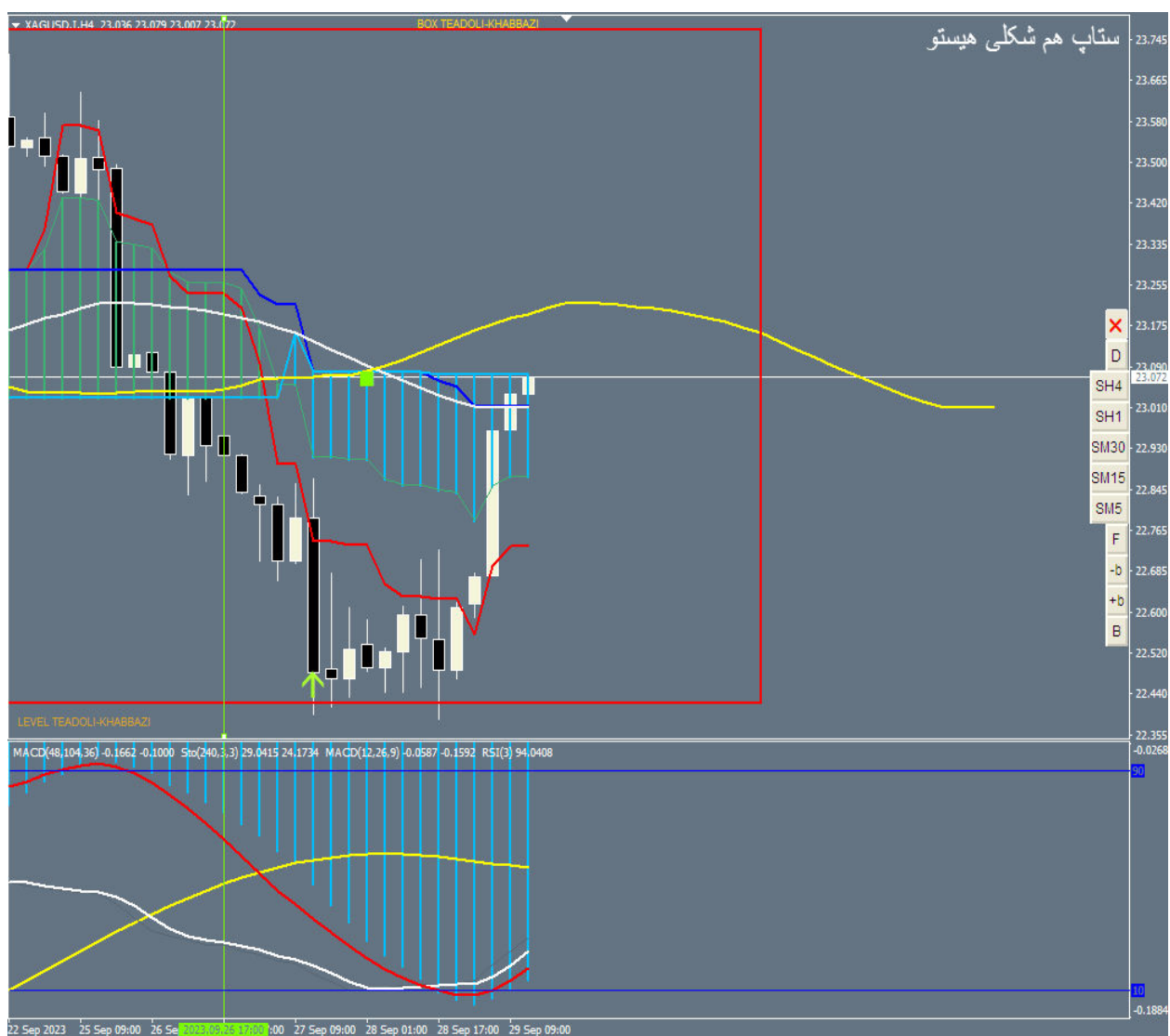
از تایید فرکتالی برای تاچ پولبک استفاده می کنیم. در واقع سویچ تعادلی بر روی فلت اشباع قرمز قرار گرفته است که احتمال تاچ مرکز باکس را زیاد می کند.



در شکل قبل، زوم را یکی مثبت می کنیم. در میز هم شکلی هیستو داریم.

هم شکلی هیستو در شروع با عدم تقارن و در برگشت با ستاپ باکس تعادلی هم زمان شده است. با توجه به ستاپ باکس تعادلی مرکز باکس تاچ می شود و با توجه به ستاپ هم شکلی هیستو، قیمت تا کراس خط قرمز در میز با خط زرد از کف باکس به سمت مرکز آن، برگشت خواهد نمود. درصد تاچ فلت هم شکلی هیستو را نیز منظور نمایید.

این همراهی ستاپ ها با یکدیگر از امتیازات سبک تعادل است، سعی کنید در جهت پلن معاملاتی اتان از آنها استفاده نمایید.



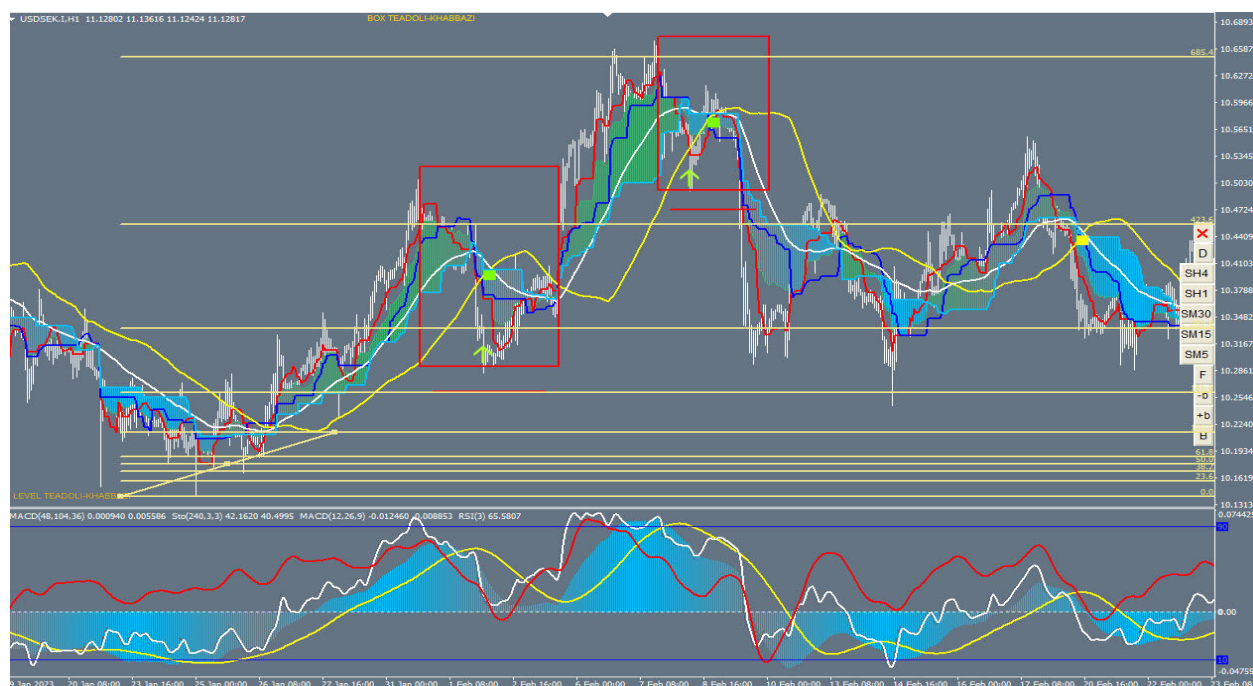
مثال سوم

در باکس سمت چپ، با ستاپ باکس تعادلی انتظار داریم قیمت از انتهای باکس، مرکزش را تاج نماید. این انتظار هم زمان شده با حالت عدم تقارن، پس هم، مرکز باکس تاج شده و هم، قیمت، حرکتش را ادامه داده است.

در باکس سمت راست، با ستاپ باکس تعادلی انتظار برگشت قیمت از انتهای باکس(نه محل فلش چون هنوز سویچی زده نشده است) به مرکز باکس را داریم. اما در انتهای باکس، حرکت پر شتاب اجزا ایچی و در میز اندیکاتوری، تغییر فاز هیستو را داریم. لذا ترید خرید از کف باکس برای پولبک به مرکز باکس، پر ریسک است.

اما اگر قیمت به مرکز باکس پولبک زد؛ ترید از پولبک با ستاپ ریورس از سویچ تعادلی، بسیار مطمئن خواهد بود. همچنین اگر باکس شکست؛ می توانیم با ترید سل، با آن همراه شویم.

پس با عدم تقارن در باکس سمت چپ اطمینان به تاج فلت مرکز باکس داریم و با تقارن در باکس سمت راست، مترصد شکست انتهای باکس برای تشکیل پترن S فرکتال در ستاپ توازن می باشیم.



باکس های تعادلی می تواند در چرخش های قیمت مخصوصا اگر شارپ باشند، شکل گیرند. اگر هدف، تغییر روند باشد؛ ستاپ تقارن، در وضعیت تقارن و اگر ادامه روند باشد؛ ستاپ تقارن، در وضعیت عدم تقارن خواهد بود.

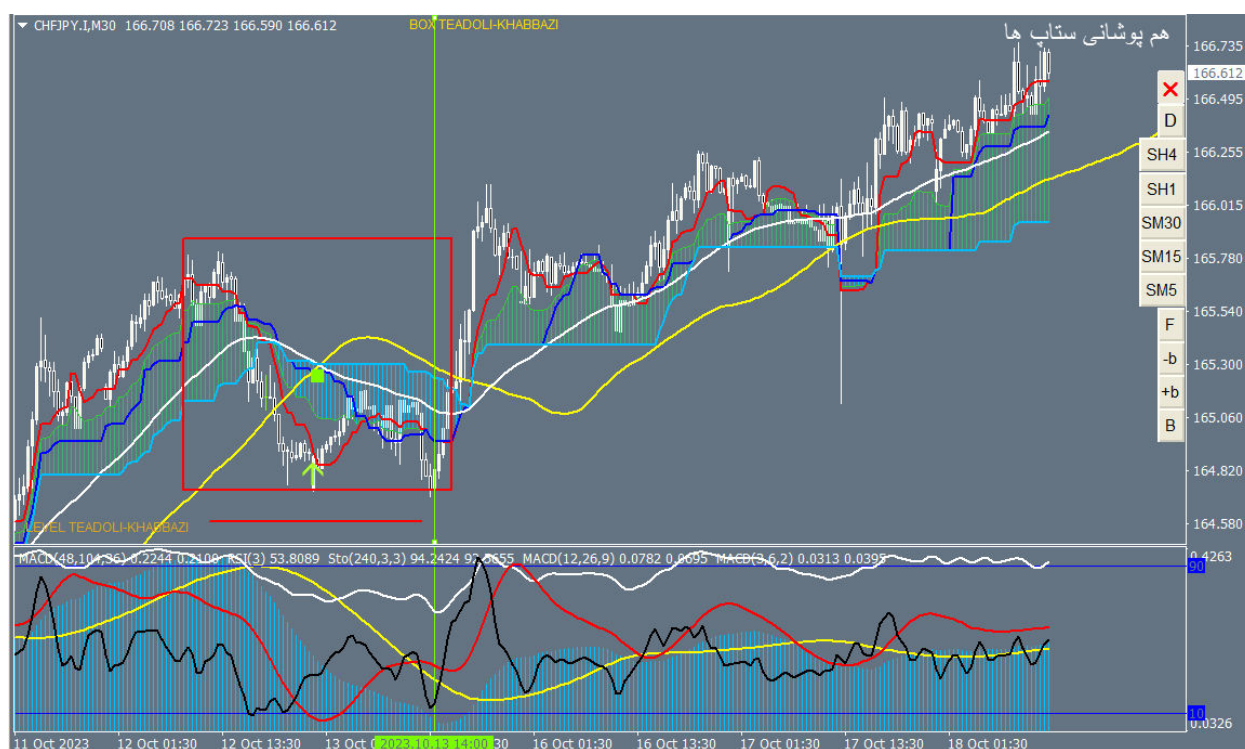
در وضعیت تقارن، باکس تعادلی در جهت سویچ تعادلی، یعنی از انتهایش می شکند و در وضعیت عدم تقارن، باکس تعادلی در خلاف جهت سویچ تعادلی، یعنی از ابتدایش می شکند.

مثال چهارم

میز اندیکاتوری به علت اولویت بالاتر، با ستاپ تقارن در وضعیت عدم تقارن، احتمال
تاچ مرکز باکس را بیشتر کرده است.

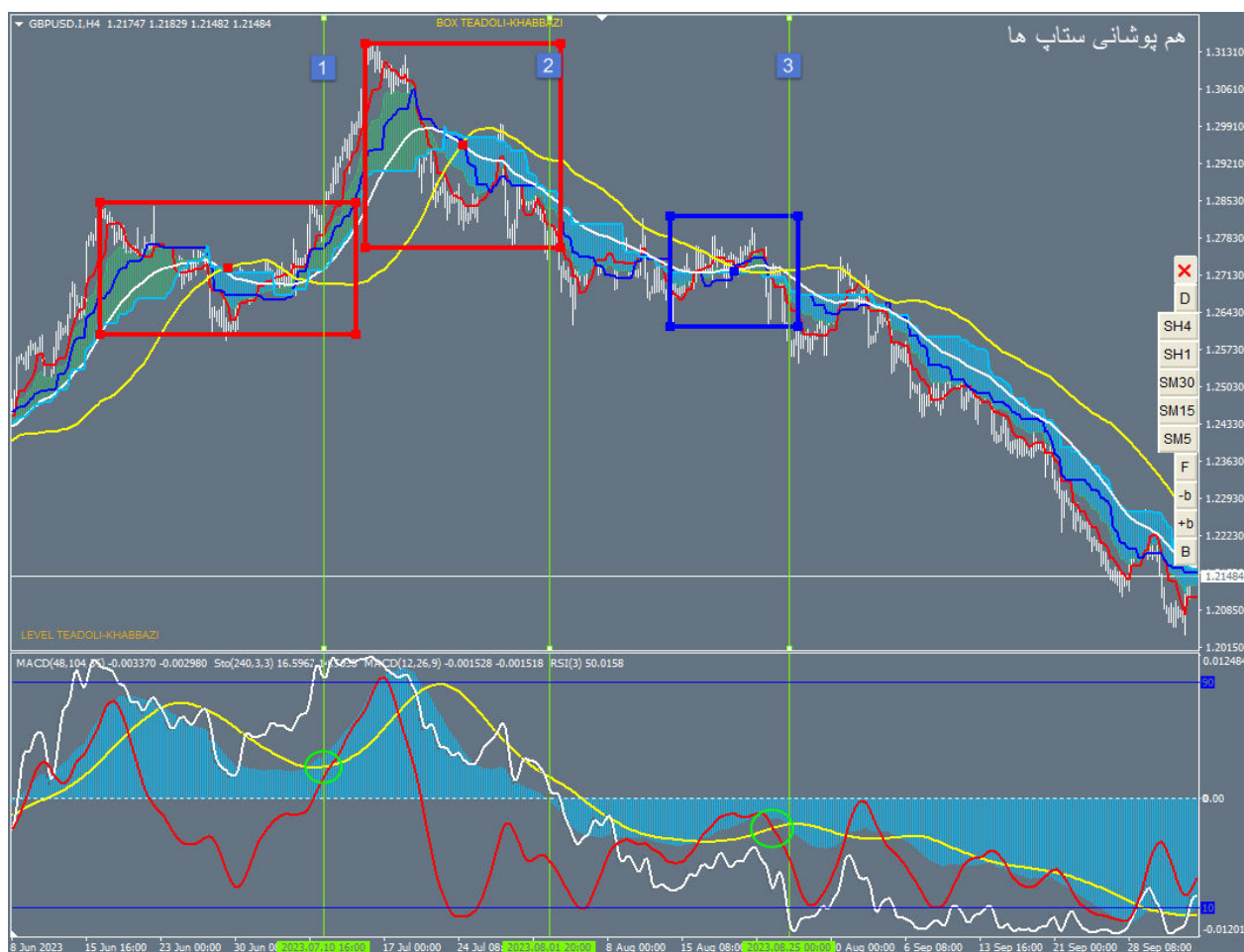
انتهای باکس تعادلی و یا فلت چرخه مربوط به قله یا دره فرکتال، نقطه صفر تردید فاز
چهارم را مشخص می کند.

در شکل، انتهای باکس تعادلی هم سطح با فلت چرخه قرمز شده است.



مثال پنجم

در خط اول، باکس تعادلی نزولی بر روی سویچ نزولی رسم شده است. برای شروع روند نزولی، انتظار شکست انتهای باکس را داریم. اما باکس با توجه به وضعیت عدم تقارن، از ابتدایش شکسته شده است؛ پس ادامه روند صعودی را خواهیم داشت. در خط دوم، باکس تعادلی نزولی بر روی سویچ نزولی رسم شده است. برای شروع روند نزولی، باید انتهای باکس با تقارن، بشکند. انتهای باکس شکسته شده و همزمان هیستو نیز در میز تغییر فاز می دهد. پس روند نزولی که شروع شده است؛ تایید می شود. در خط سوم، باکس تعادلی صعودی بر روی سویچ صعودی رسم شده است. برای شروع روند صعودی انتظار شکست انتهای باکس را داریم. اما باکس از ابتدایش شکسته شده است. پس با عدم تقارن، ادامه روند نزولی قبل را شاهد هستیم.

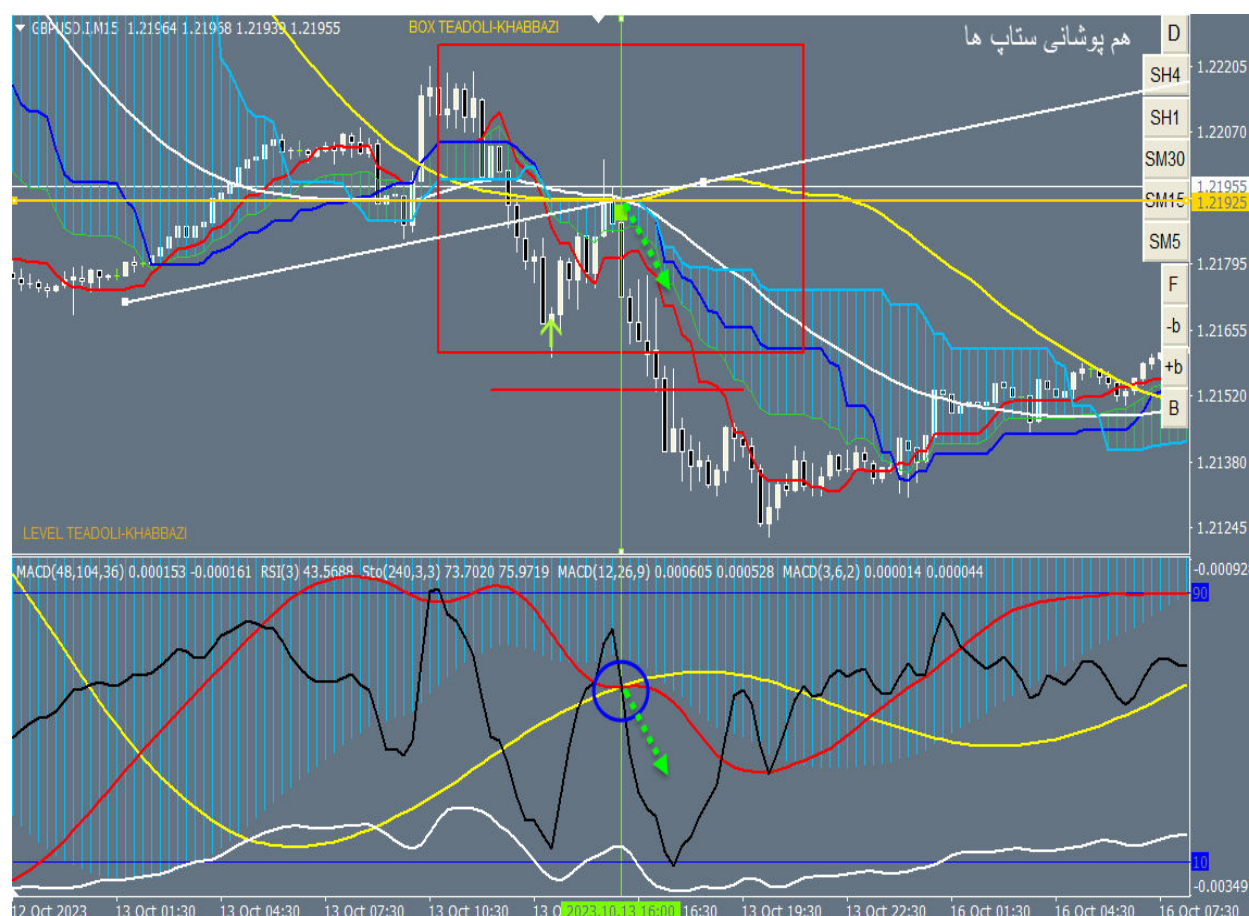


مثال ششم

در مرکز باکس تعادلی، پولبک به محور استاتیک یا همان تاج مرکز باکس تعادلی در ستاپ باکس تعادلی را داریم. پولبک به خط روند شکسته شده را نیز داریم.

ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن است. با ستاپ ریورس از سویچ تعادلی، ستاپ توازن شکل می گیرد. ستاپ باکس تعادلی در ابتدا و انتهای توازن، ترید های مطمئنی را فراهم می کند.

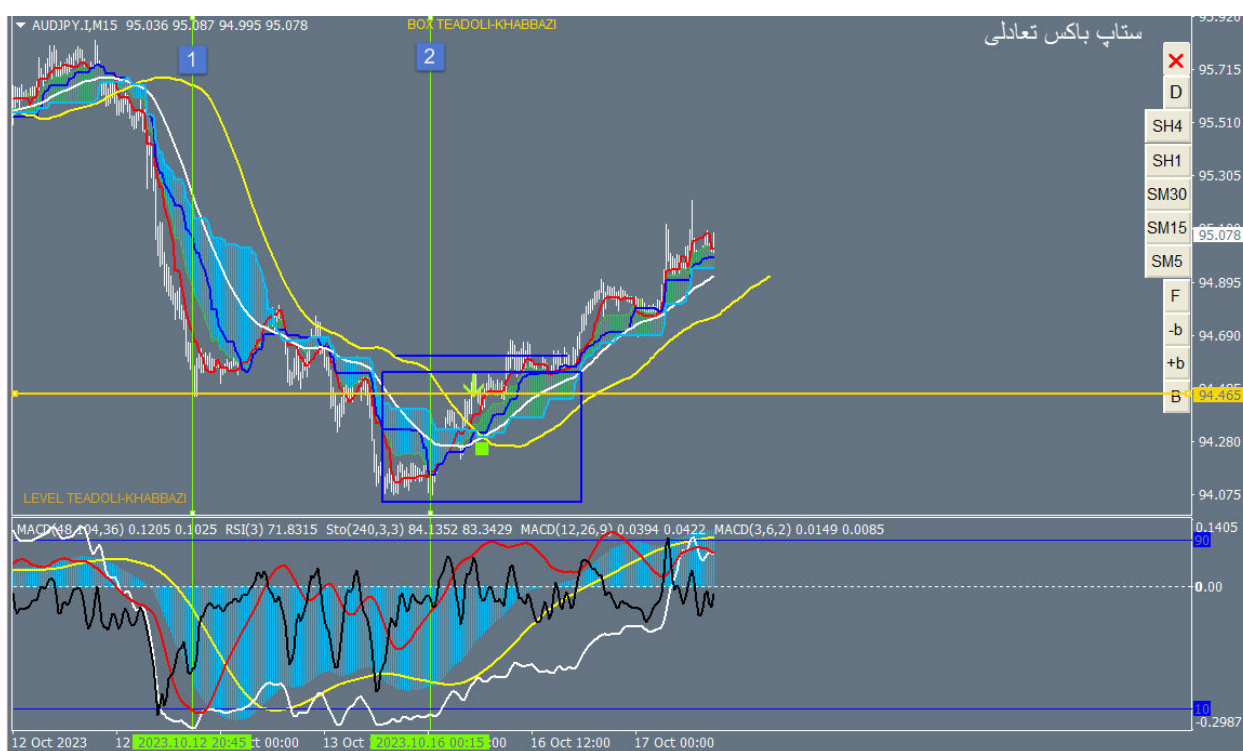
اگر باکس تعادلی در ابتدای توازن باشد؛ ترید از ابتدای باکس و اگر در انتهای توازن باشد؛ ترید از مرکز باکس بعد از پولبک به آن صورت می گیرد.



مثال هفتم

در خط اول، قیمت متناظر با خطوط قرمز و زرد در سطح 10، در یک سطح هستند. پس این سطح، کف مطمئن در تایم پانزده دقیقه می باشد که شکسته شده است. از این سطح، خط زرد در چارت با خط زرد در میز، واگرایی دارند.

اتمام واگرایی در خط دوم است. در خط دوم اگر میز را در تایم یک ساعته بررسی کنیم ، خط زرد در تراز 10 می باشد. در تایم پانزده دقیقه در خط دوم، کف معتبر باکس تعادلی را هم داریم. پس حداقل، سطح شکسته شده در خط اول یعنی انتهای باکس تعادلی، تاج خواهد شد.



مثال هشتم

انتهای باکس تعادلی وقتی بشکند معمولا سطح 261 از فیبو تعادلی اش را می دهد. اگر انتهای باکس تعادلی در ستاپ باکس تعادلی قبل از تاچ مرکز آن شکسته شود؛ تا رسیدن خط زرد در میز به اشباع، این حرکت ادامه یافته و سپس قیمت برگشت می کند. در برگشت قیمت، انتهای باکس به عنوان تارگت اول و سپس مرکز باکس به عنوان تارگت دوم منظور می شود. این رفتار را بسیار در چارت خواهید دید. این همان اتفاقی است که با شکست تراز هیستو یا محور فرکتال، در تایمی دیگر یا همین تایم در چارت می افتد.

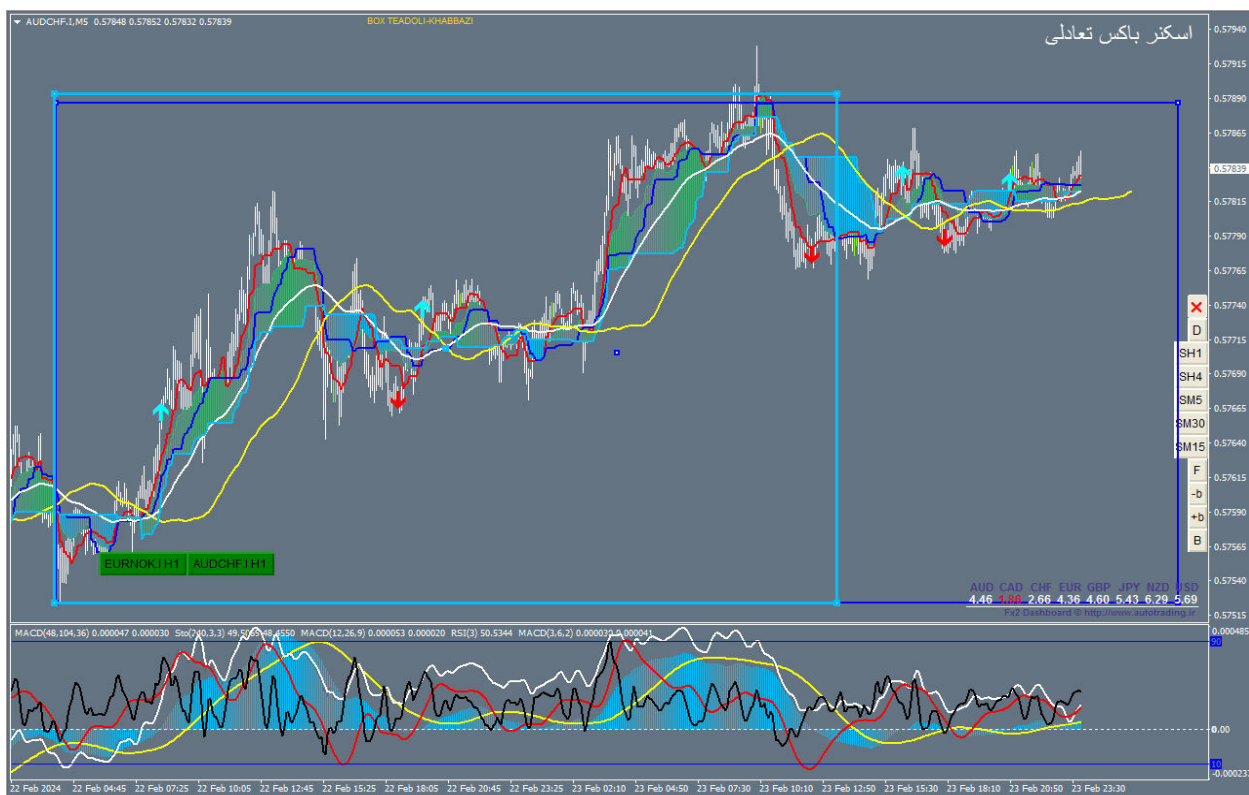
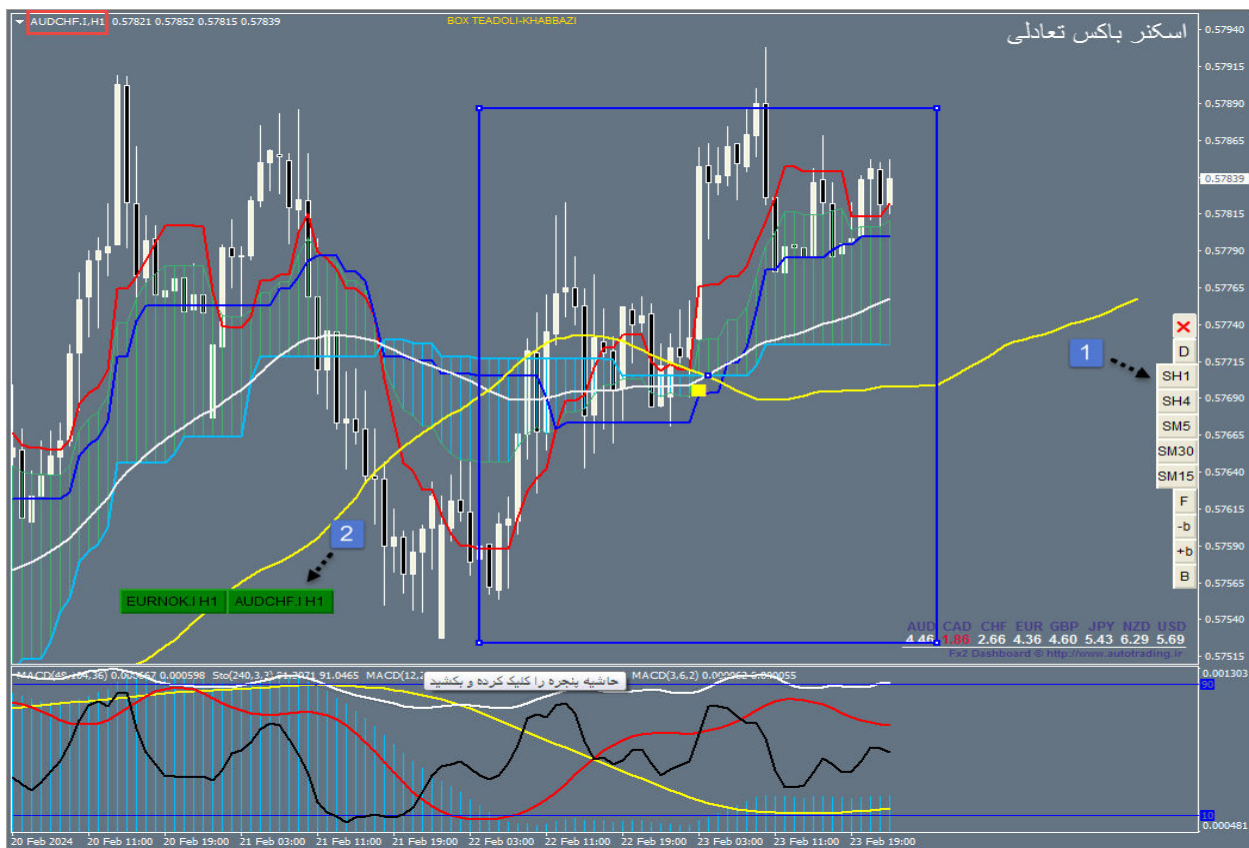
حرکت برای تاچ انتها یا مرکز باکس از حرکت زرد از اشباع به سمت آن شروع خواهد شد. شروع این حرکت را می توان با هیستو صفر یا فیک، در تایم پایین تر مشاهده کرد. زیرا در هیستو صفر یا فیک می دانیم که زرد تغییر فاز نخواهد داد و نهایت اشباع میز، همان هیستو صفر یا فیک خواهد بود؛ پس در حالت عدم تقارن با اشباع قرمز و تاچ فلتش، چارت جمع می شود.

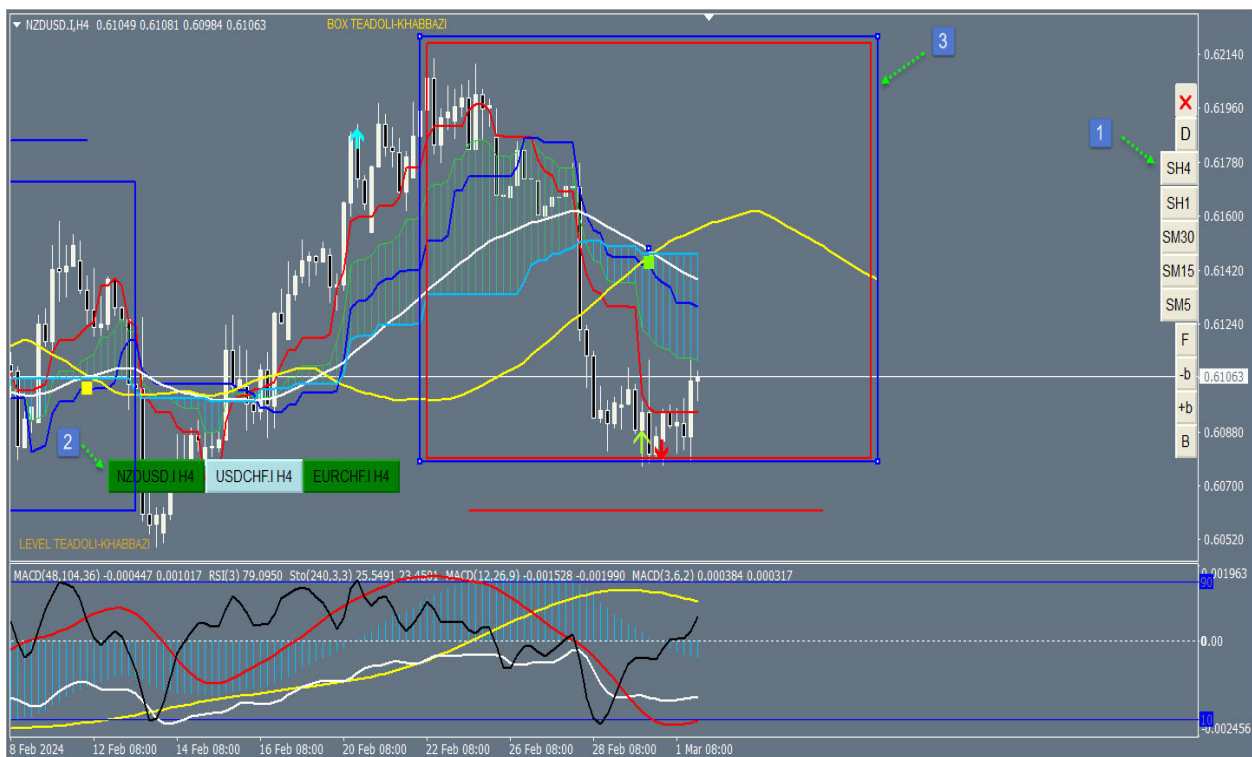
به عبارت بهتر همه ستاپ ها و اطلاعات را با تغییر تایم، می توانیم به بن بست هیستو صفر در حالت عدم تقارن کشانده و فقط با فن توازن ترید کنیم.

اگر ستاپ باکس تعادلی در تایم پایین تر می تواند با ستاپ توازن خودش را نشان دهد؛ پس از اسکنر باکس تعادلی می توان در نقش اسکنر باکس فرکتال در تایم یک چهارم یا پایین تر استفاده کرد.

در این صورت اگر در تایمی توازن جمع نشد و مجددا در جهت ادامه روند ستاپ توازن جدیدی صورت گرفت، به تایم چهار برابری آن تایم رفته و انتهای روند و برگشت را از انتهای باکس تعادلی و یا اگر شکسته باشد؛ با اشباع خط زرد گرفت.

در ادامه دو نمونه از کاربرد اسکنر باکس تعادلی برای نمایش باکس فرکتال، آورده شده است.

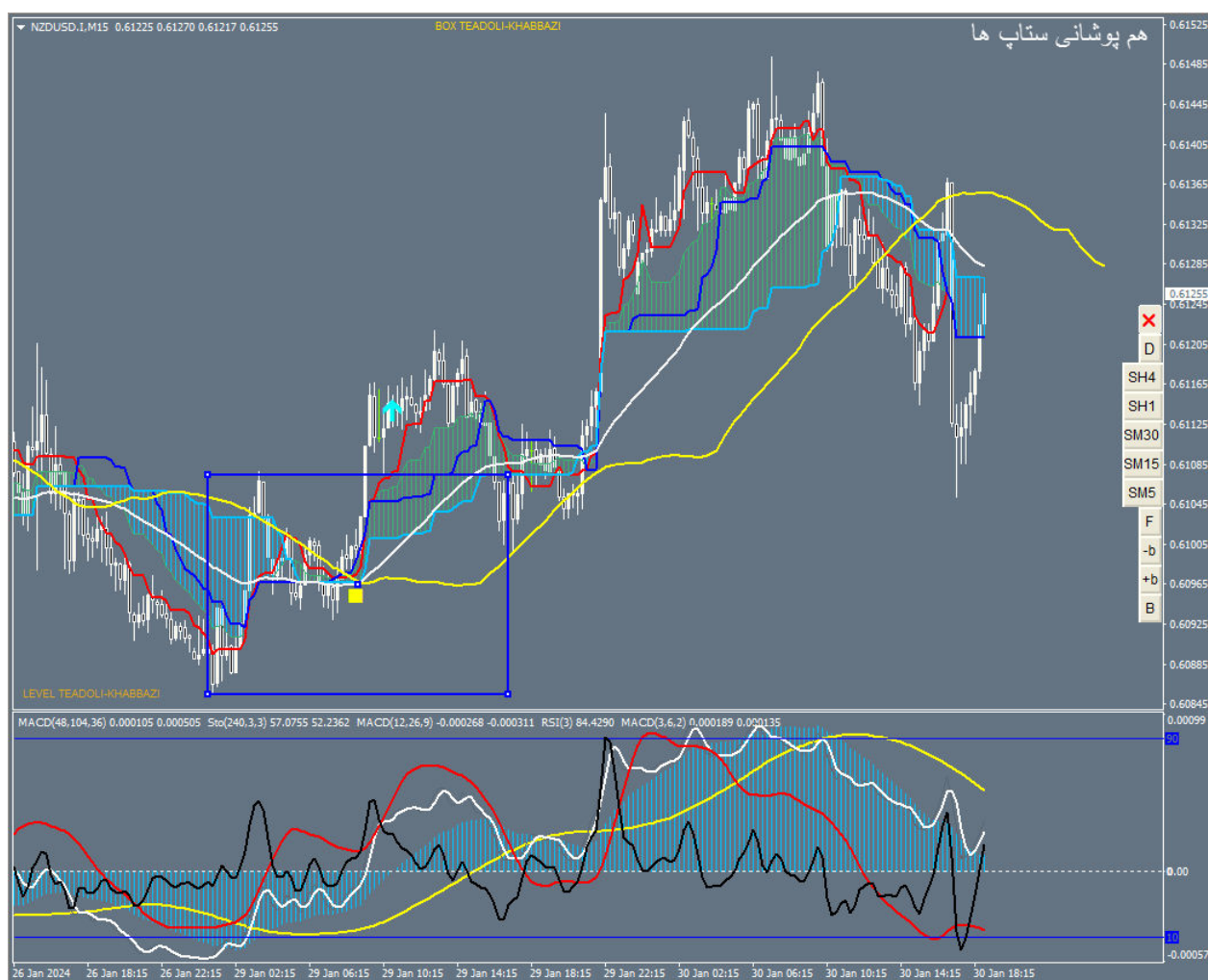


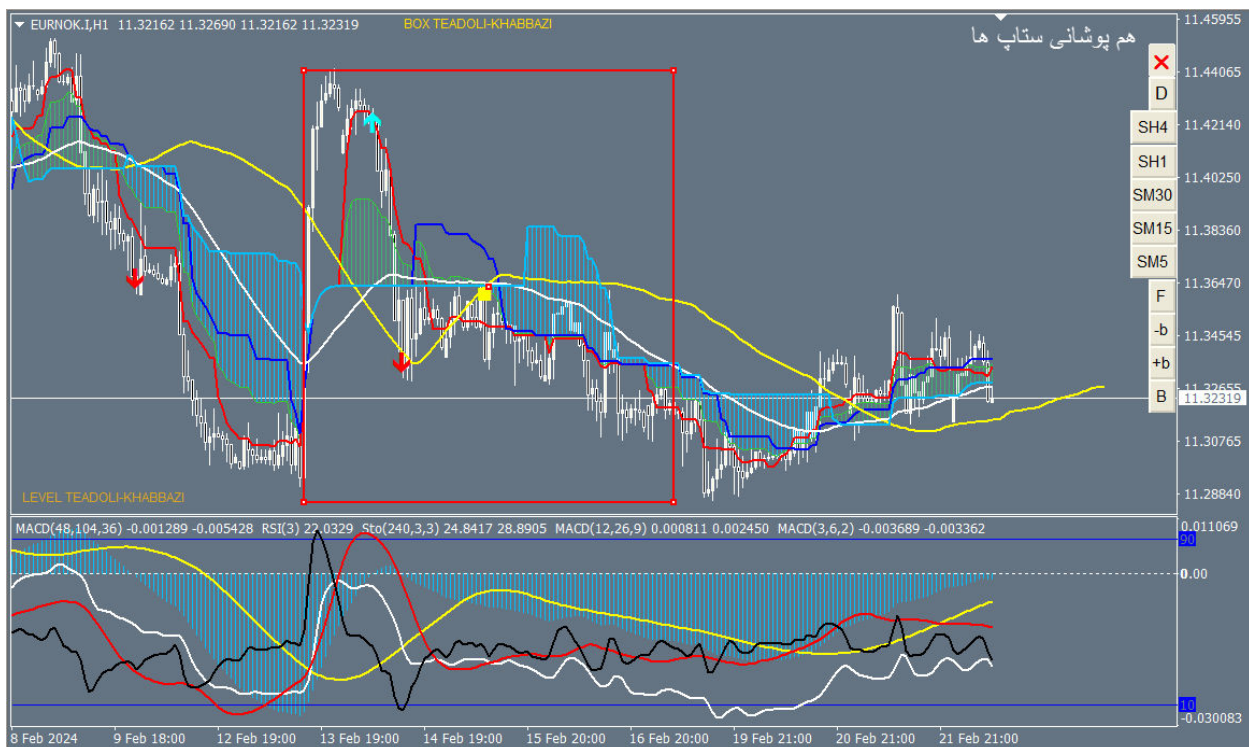


مثال نهم

پاراگراف زیر تعامل پنج ستاپ سبک تعادل را در تشکیل پترن N، بیان می کند. این، نمایش نهایت تعاملی است که می تواند در یک سبک، حکم فرما باشد.

حرکت شارپ می تواند توسط ستاپ هم شکلی هیستو، منجر به ستاپ باکس تعادلی شود به صورتی که قیمت، مرکز باکس تعادلی را در محل سویچ تعادلی تاج کند و ستاپ پترن زمانی و یا همراهی کیجن، شکل بگیرد و با حرکت قیمت از سویچ تعادلی با توجه به ستاپ ریورس از سویچ تعادلی، با پنج ستاپ سبک تعادل که به صورت متوالی شکل می گیرند؛ پترن N ساخته شود.





سبک تعادل از دو موینگ تشکیل شده است که فضای بین این دو، کوموی تعادلی نامیده می شود. اگر قیمت از موینگ زرد عبور کند، به صورتی که موینگ سفید را همراه خود کند تا از موقعیت 26 کندل گذشته خود عبور نماید، در این صورت سویچ تعادلی ظاهر می شود. به عبارت بهتر کوموی تعادلی یک فضای ابری مقاومتی در برابر تغییر روند قیمت خواهد بود. پس قیمت تا این فضا را نشکند یعنی از موینگ زرد خروج نکند، سویچ تعادلی، یعنی کراس دو موینگ، ظاهر نخواهد شد.

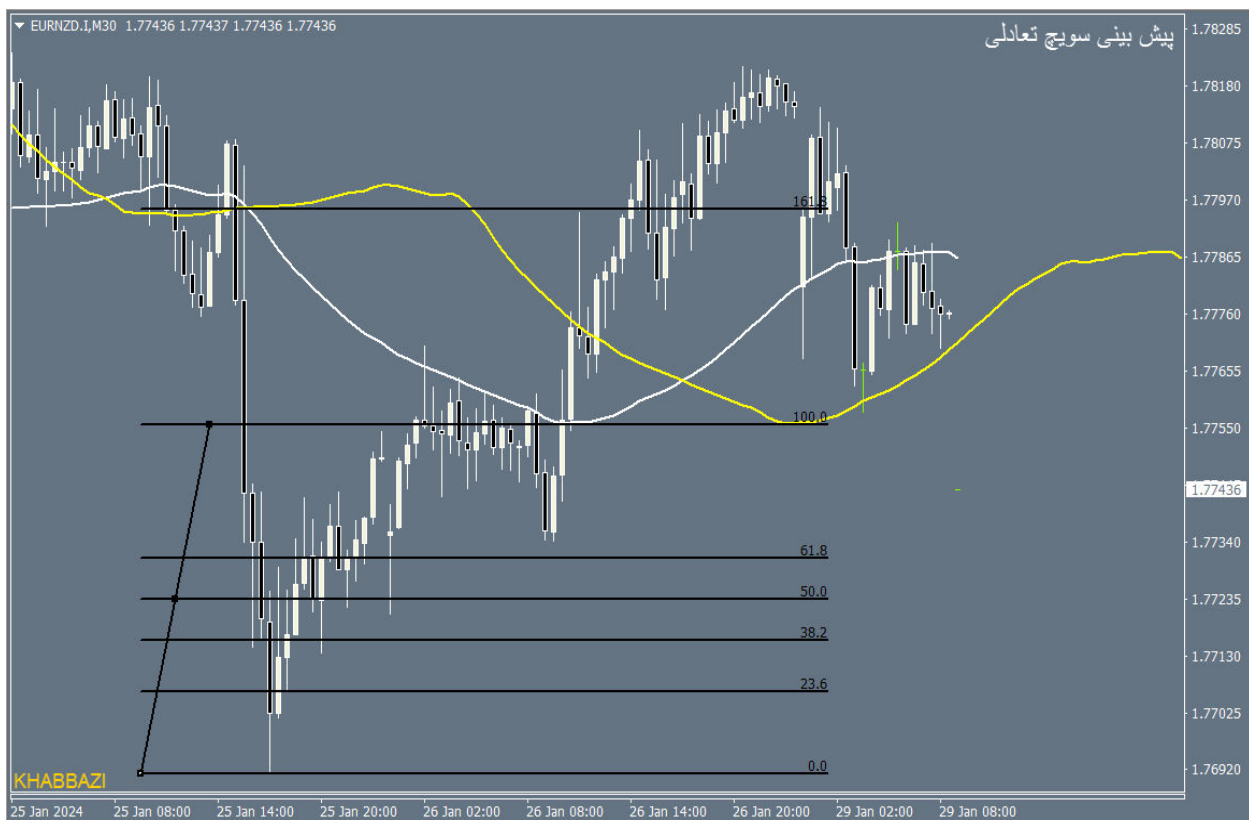
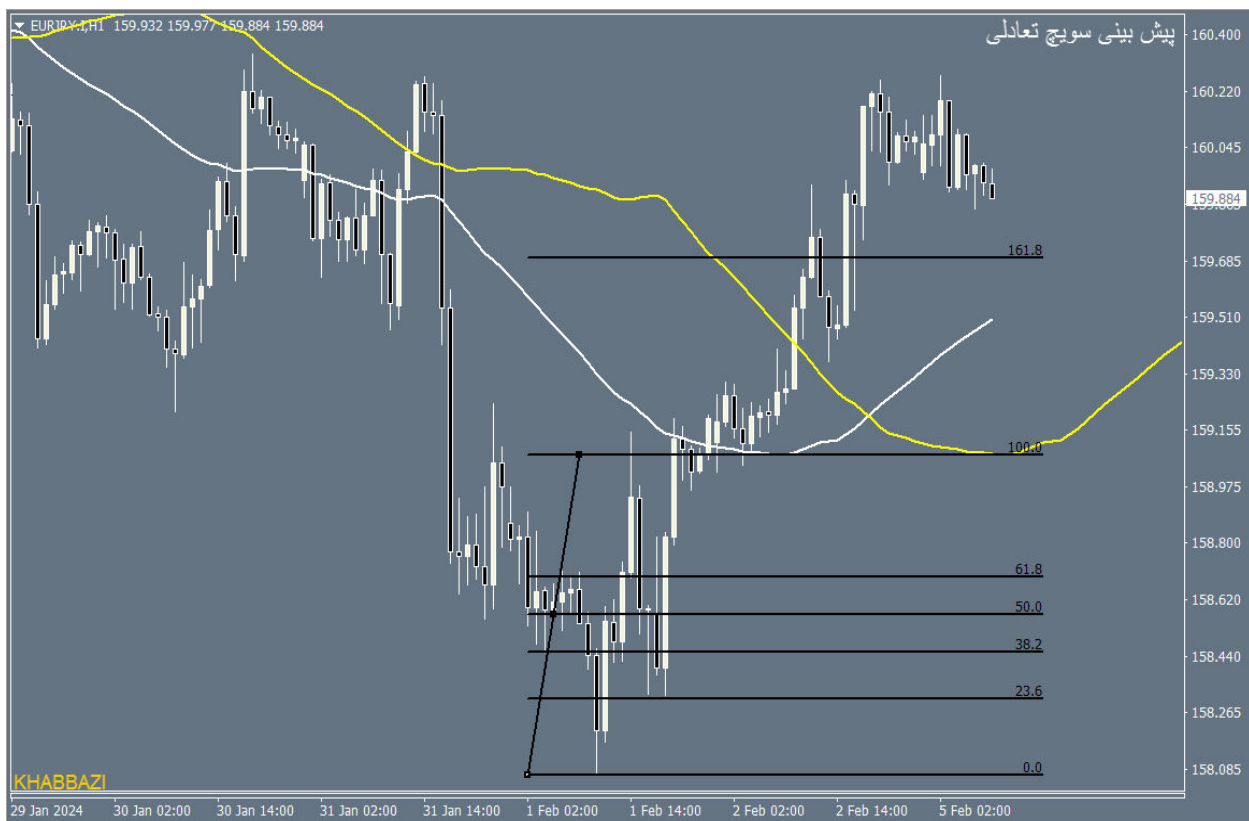
پس می توان با کراس کندل با موینگ زرد، تشکیل سویچ تعادلی را پیش بینی کرد و یک ترید با تارگت حداقلی، یعنی سطح 161 از فیبو تعادلی را انجام دهیم. سطح صد از فیبو را بر روی ابتدای خمیدگی موینگ ها می گذاریم که بعد از ظاهر شدن سویچ تعادلی، آن را بر روی سویچ قرار خواهیم داد و با رسیدن قیمت به تارگت اولیه می توان ریسک فری کرد.

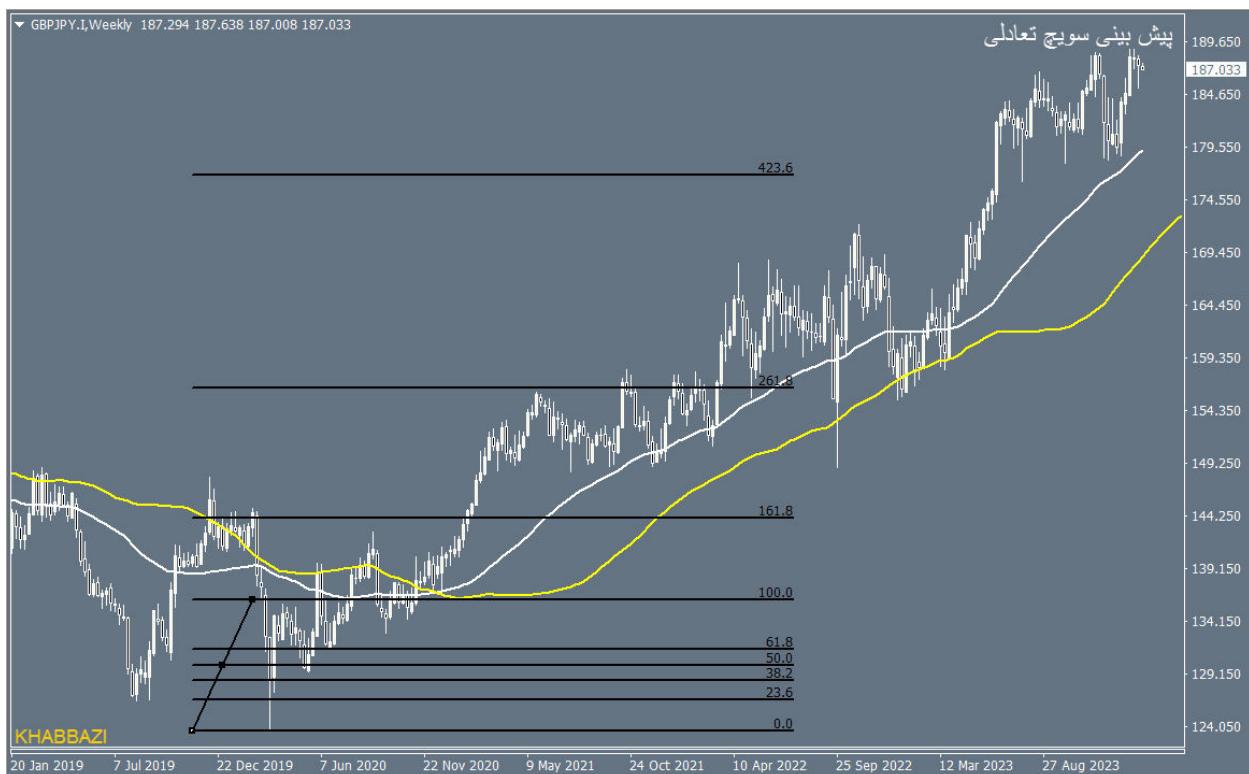
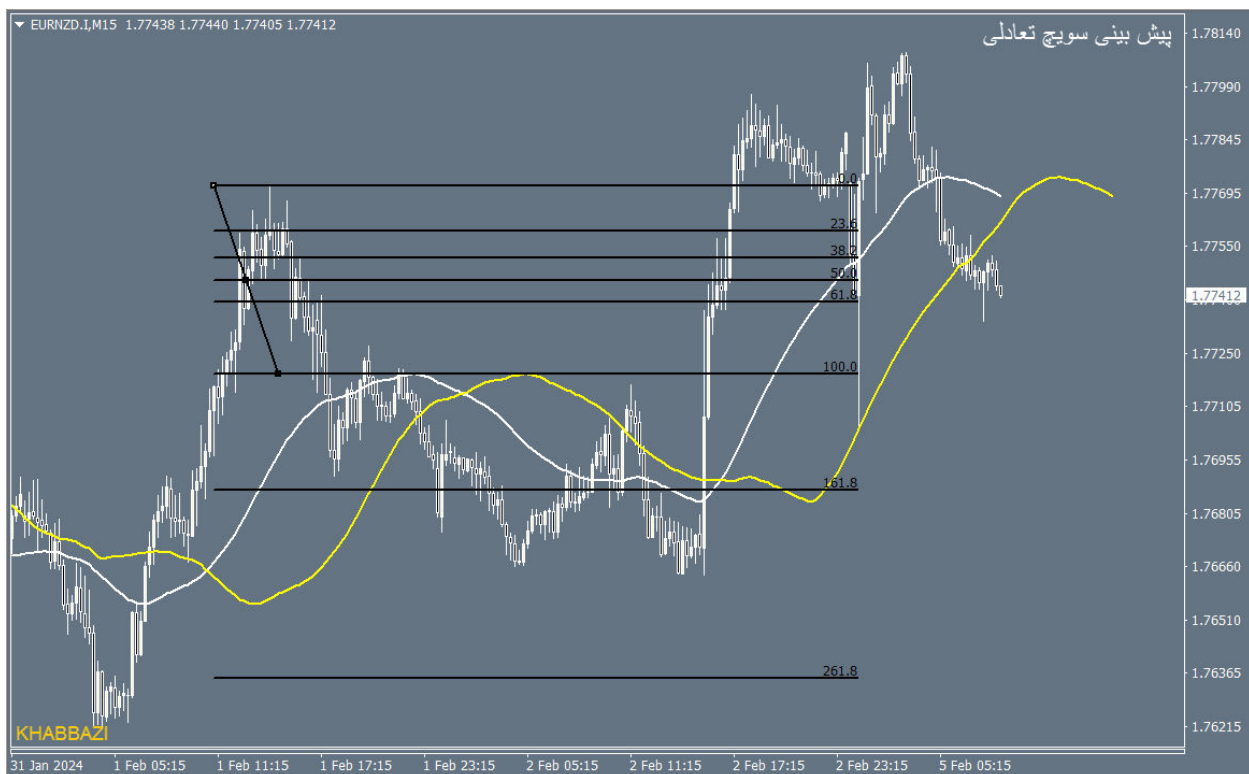
در شکل، کومو باریک می باشد و کندلی که موینگ زرد را کراس کرده است چسبیده به موینگ است و از آن فاصله نگرفته است و گام حرکتی بلند می باشد. این بهترین وضعیت برای ورود می باشد؛ زیرا تارگت خوبی دارد.



با ظاهر شدن سویج تعادلی، سطح صد از فیبو را بر روی آن جابجا می کنیم.





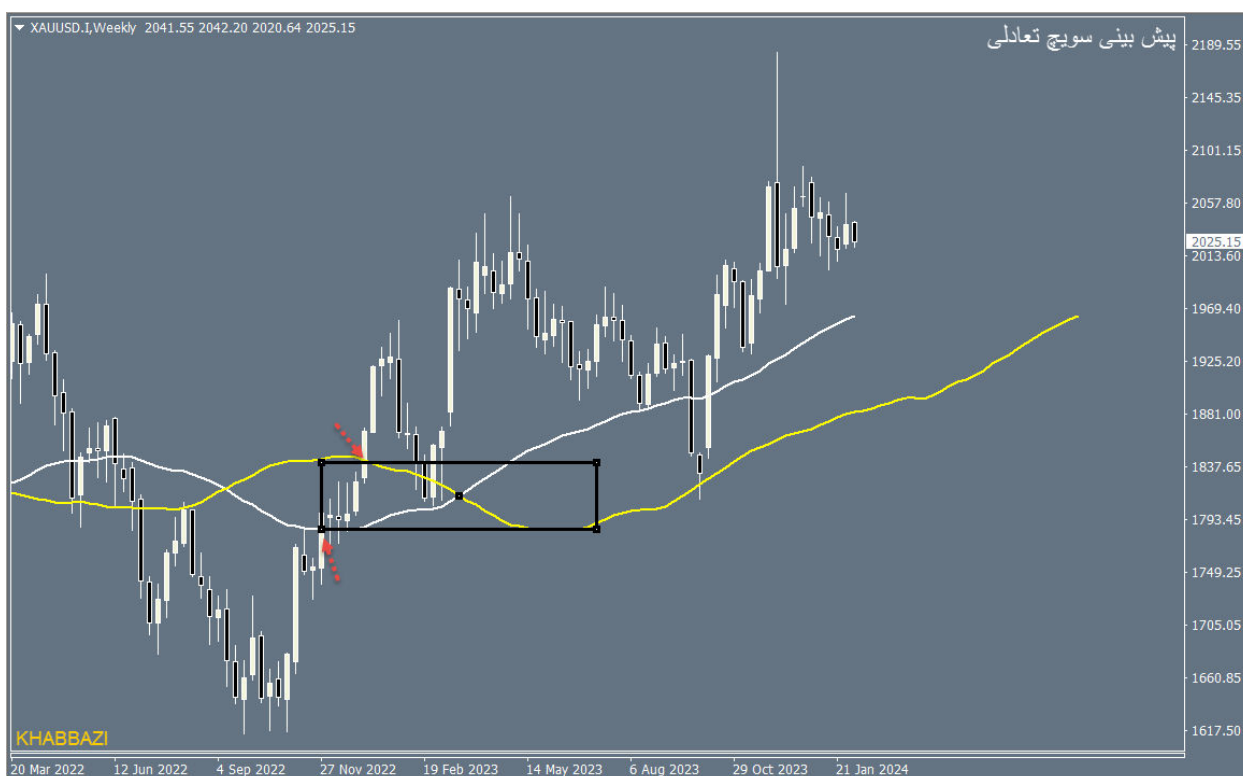


باکس پیش بینی سویچ تعادلی

محل سویچی که در آینده ظاهر خواهد شد، در محدوده **باکس پیش بینی** می باشد.

باکس پیش بینی باکسی است که توسط محل کراس قیمت با موینگ سفید(که همان شروع انحنای موینگ است) و کراس قیمت با موینگ زرد شکل می گیرد. کراس قیمت با دو موینگ ارتفاع باکس را معلوم می کند و پهنای باکس مهم نیست.

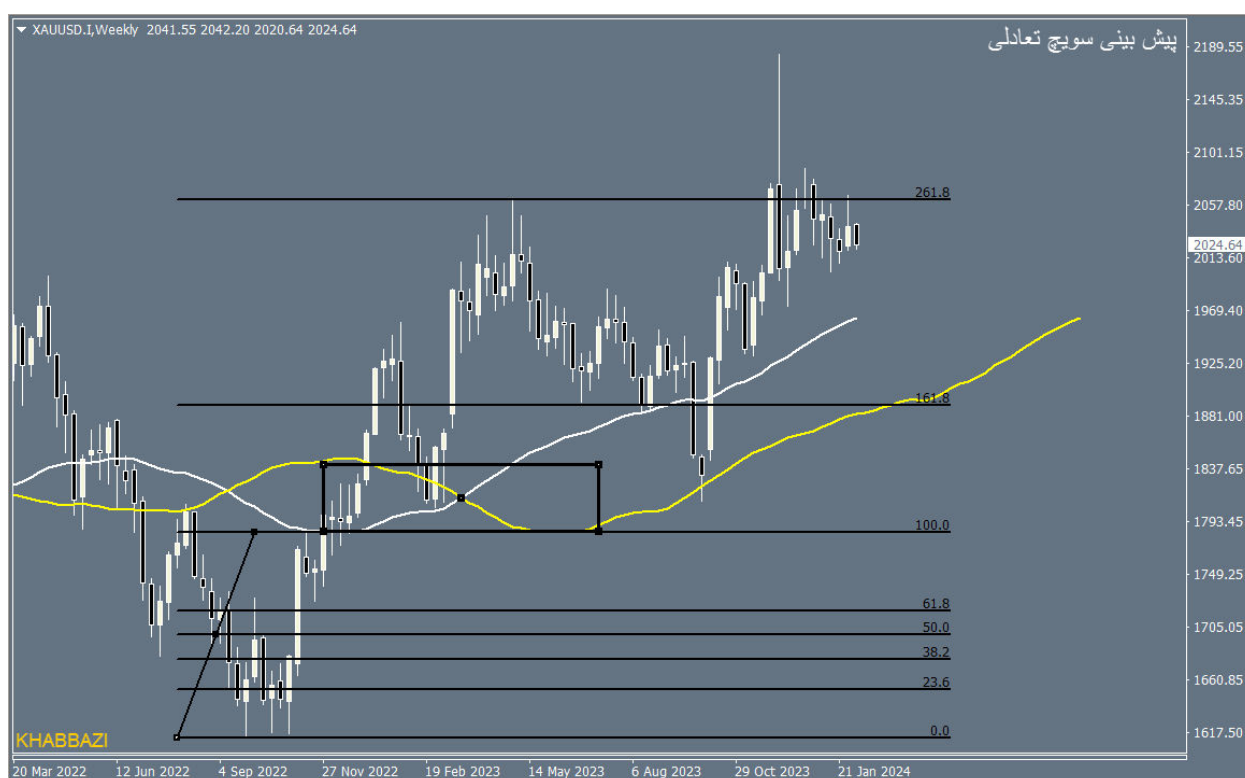
سویچ تعادلی که در آینده ظاهر خواهد شد، در داخل باکس خواهد نشست.



به جای فیبو تعادلی، می توان از فیبو کانال تعادلی با اولویت سطح 161 آن نیز جهت تارگت گذاری استفاده نمود.

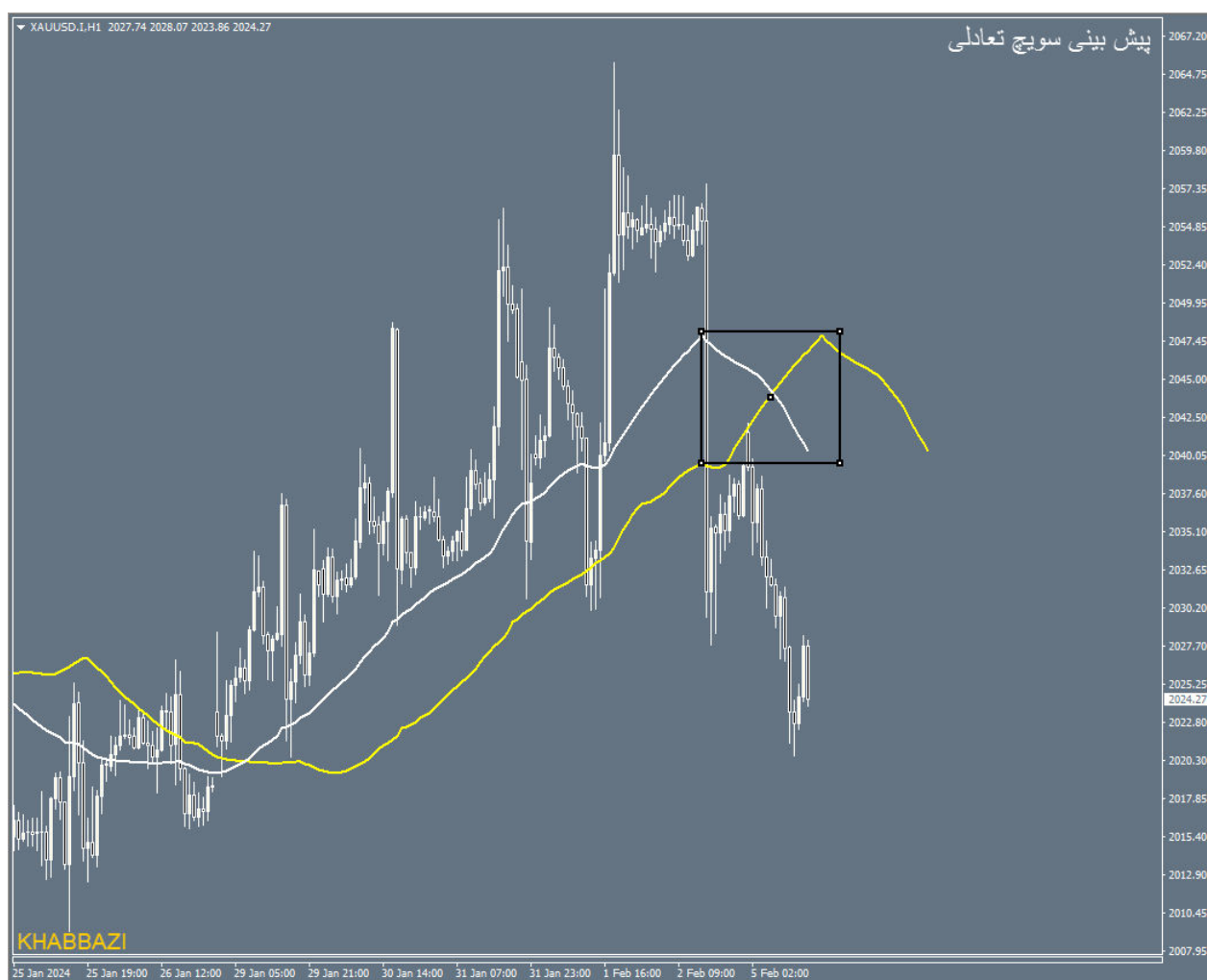
همچنین اندیکاتور فرکتال را از نرم افزار متاتریدر به چارت اضافه نمود و از ترید تعادلی نیز جهت تارگت گذاری استفاده نمود.

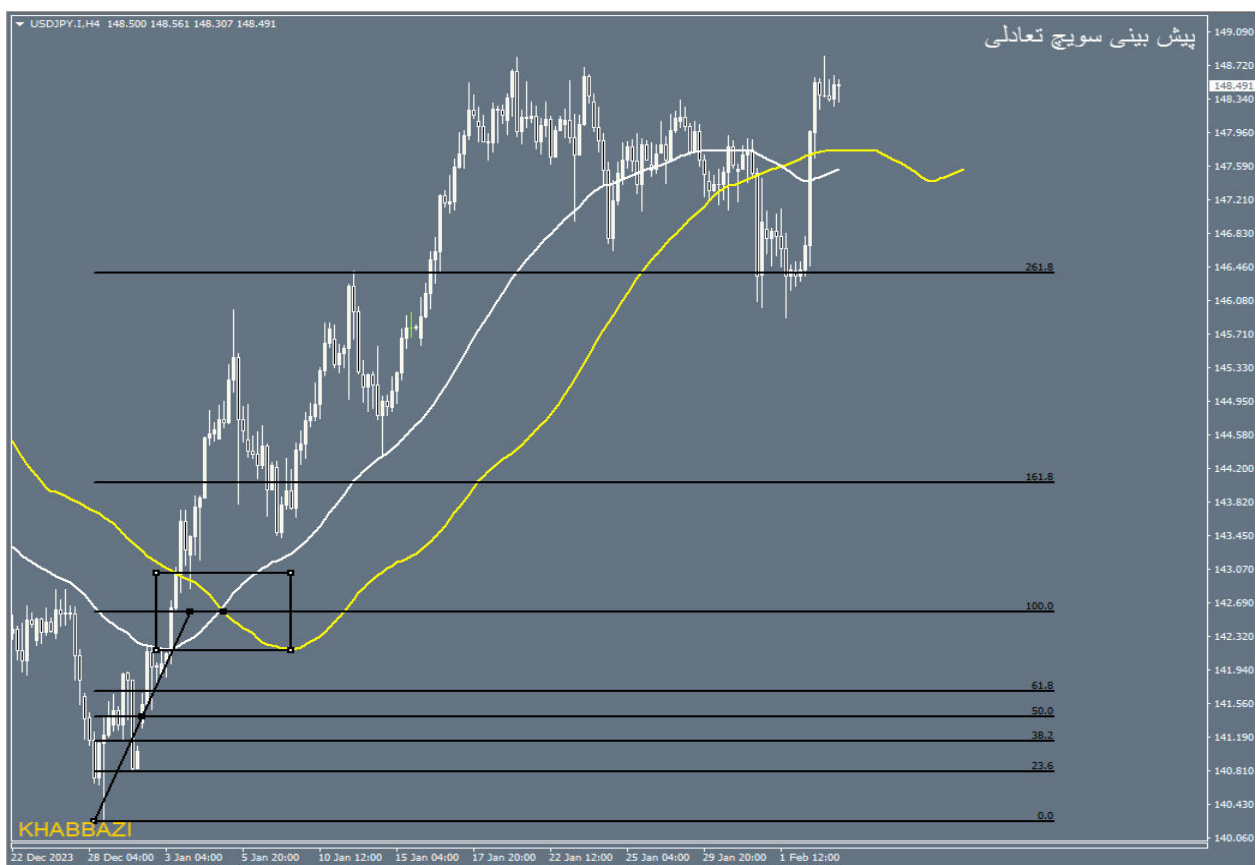
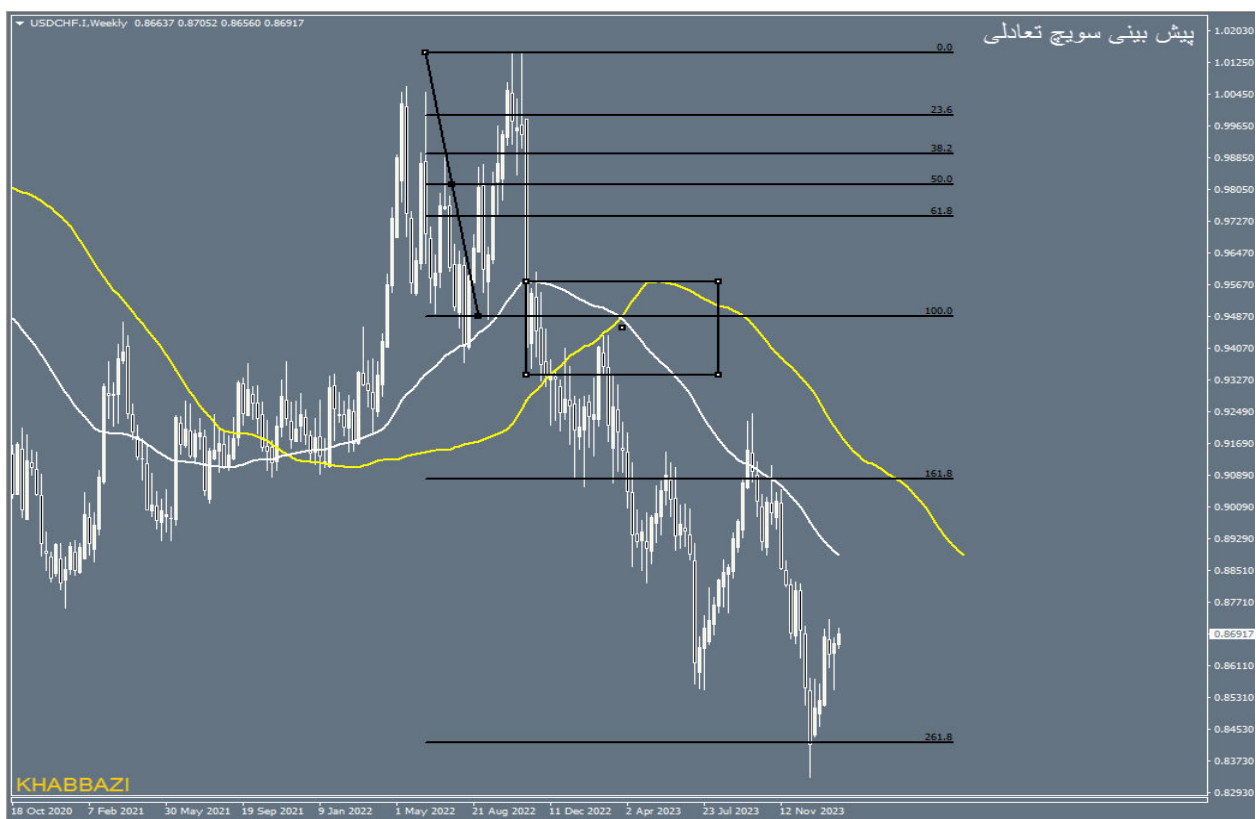
در همه مثال ها، فقط از فیبو تعادلی استفاده شده است.



در حرکات خوش ریتم، موینگ ها، خطی می شوند و زاویه خوبی با یکدیگر می سازند. در این صورت، تداعی کنند خط روند موینگ می شوند. در این شرایط، بعد از ظاهر شدن سویچ تعادلی، مشاهده می شود که بیشتر اوقات، مرکز سویچ، با تنظیم انتهای افقی باکس پیش بینی، محل تقاطع دو قطر آن می شود.

در این وضعیت معمولا تارگت، سطح 261 از فیبو می باشد.

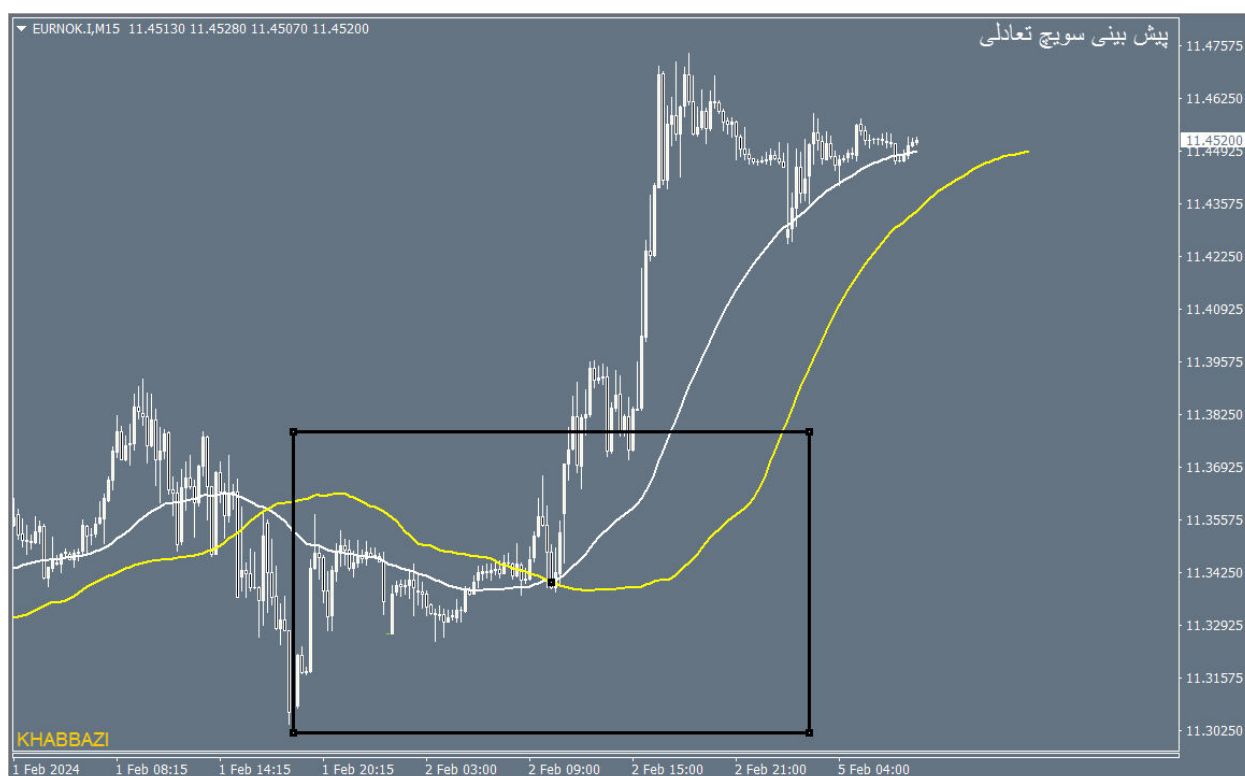


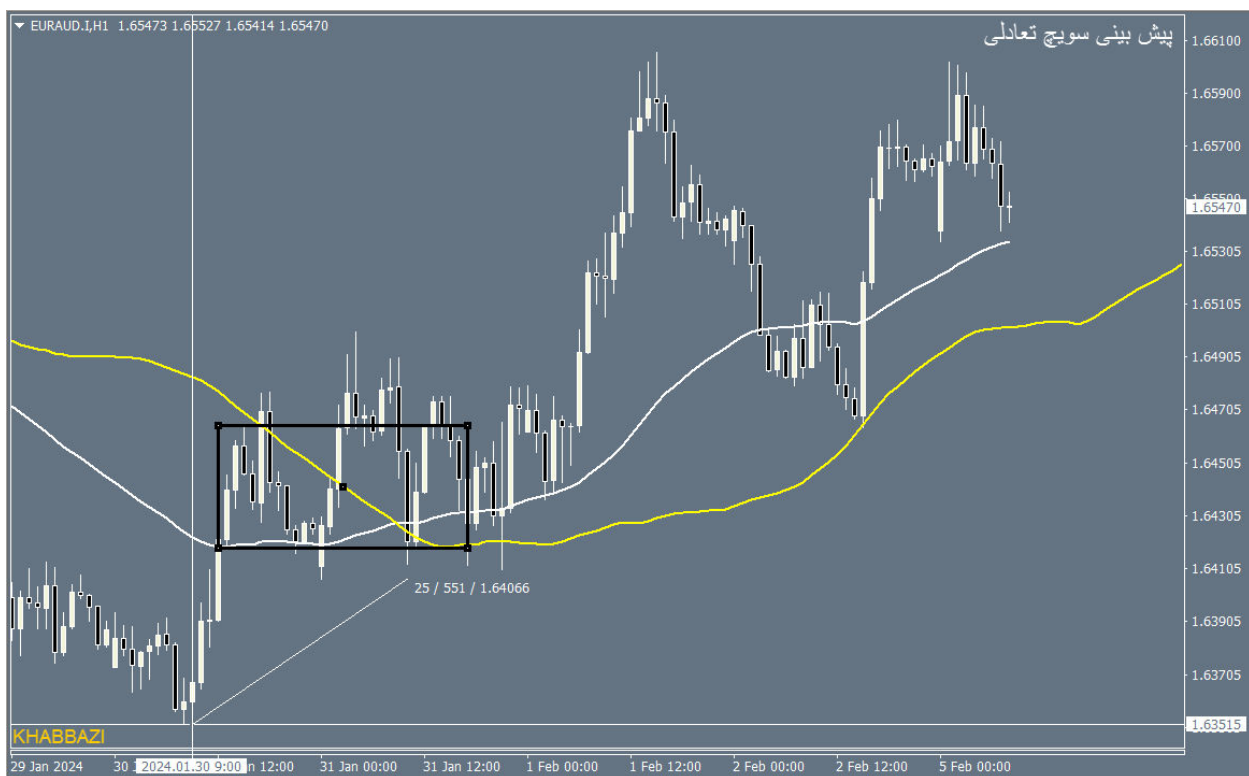
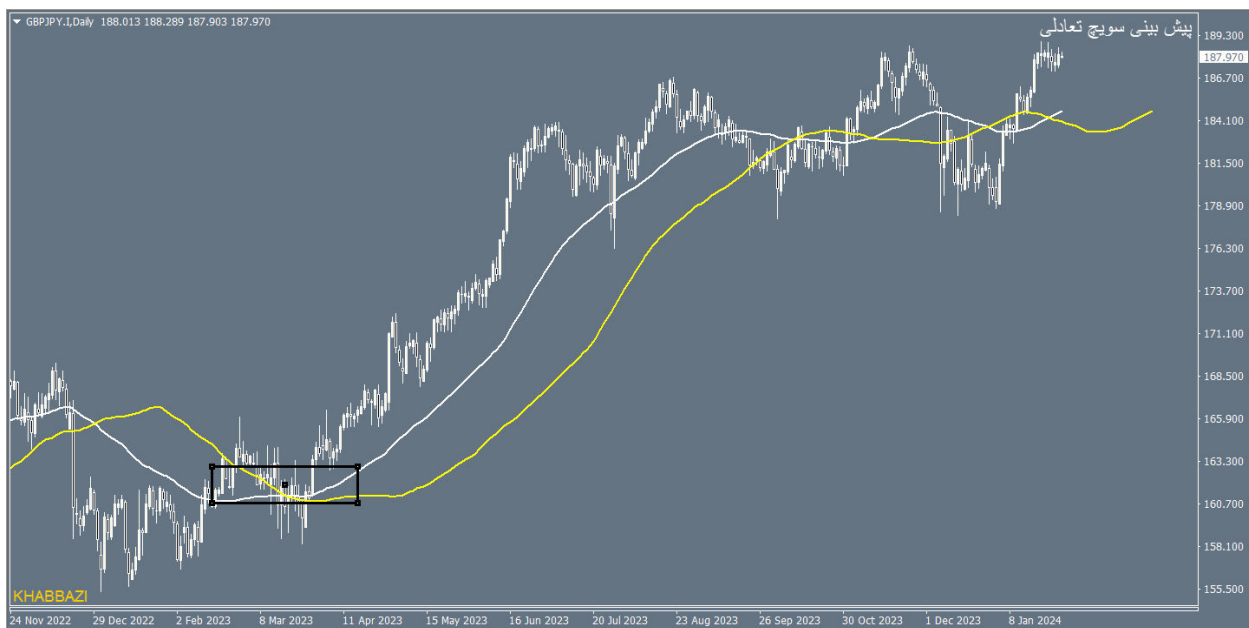


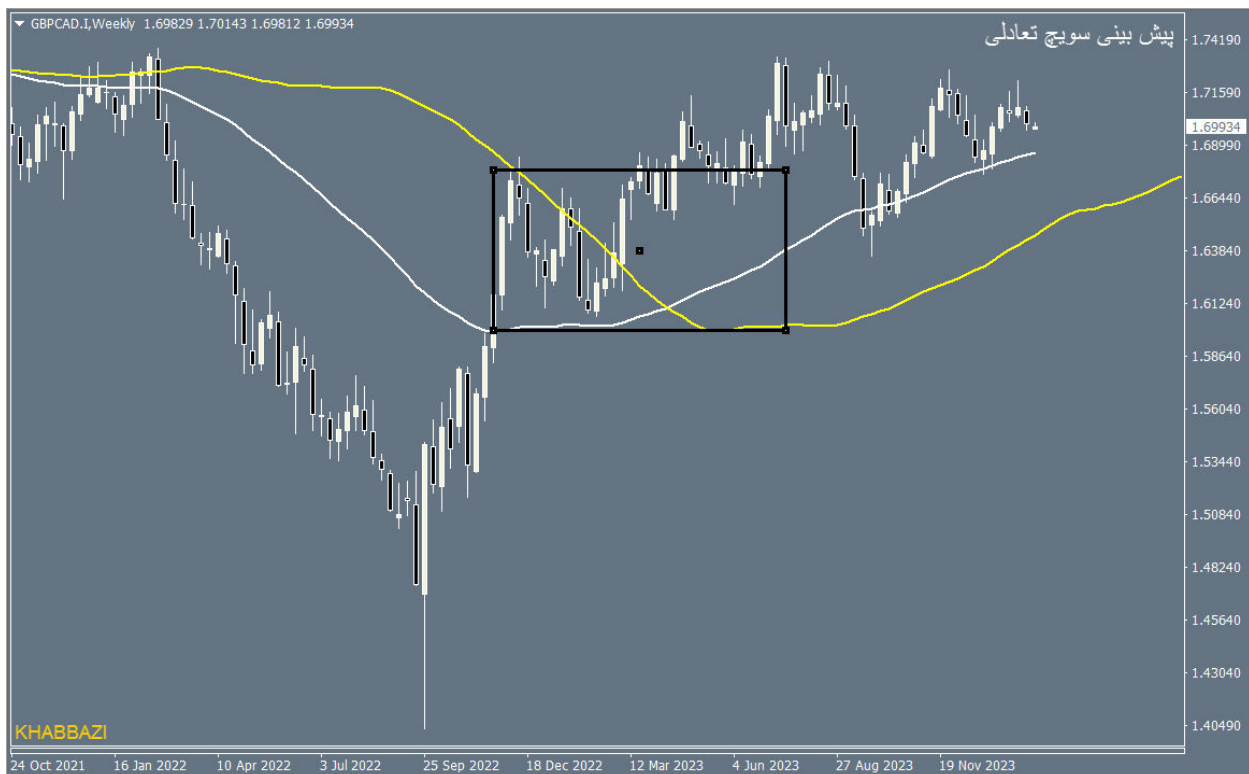
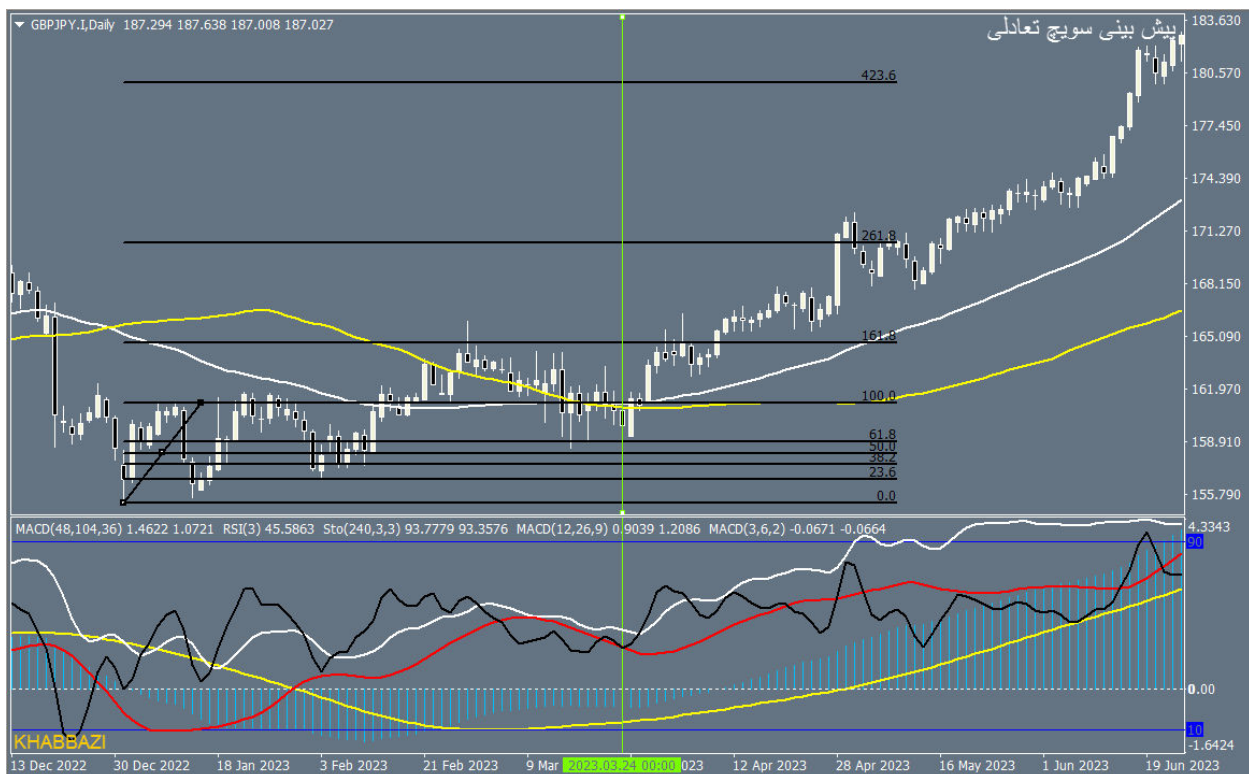
مثلت زمان

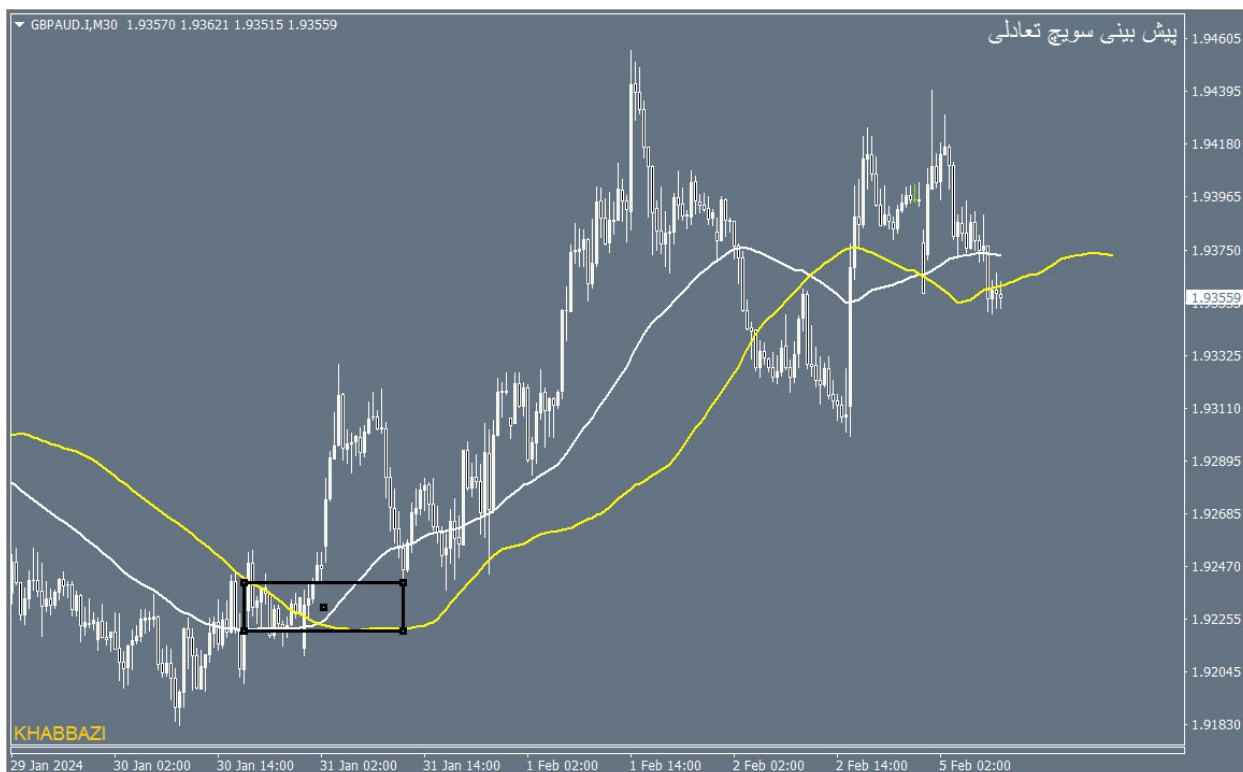
در بعضی از اوقات، موینگ سفید به شکل خط افقی ظاهر می شود و تقریباً ضلع افقی از باکس را می پوشانند. در این شرایط مخصوصاً با تایید زمان، تارگت حداقلی، باکس تعادلی و سپس سطح 261 از فیبو تعادلی می باشد.

منظور از تایید زمان این است، که کندلی که قبل از حرکت مورد نظر، بر روی سویچ تعادلی خواهد نشست و با ستاپ ریورس از سویچ، ستاپ پترن زمانی را شکل خواهد داد، نسبت به قله یا دره شروع حرکت، با یکی از اعداد زمان در ایچی یعنی 17، 26 یا 52 کندل فاصله داشته باشد.









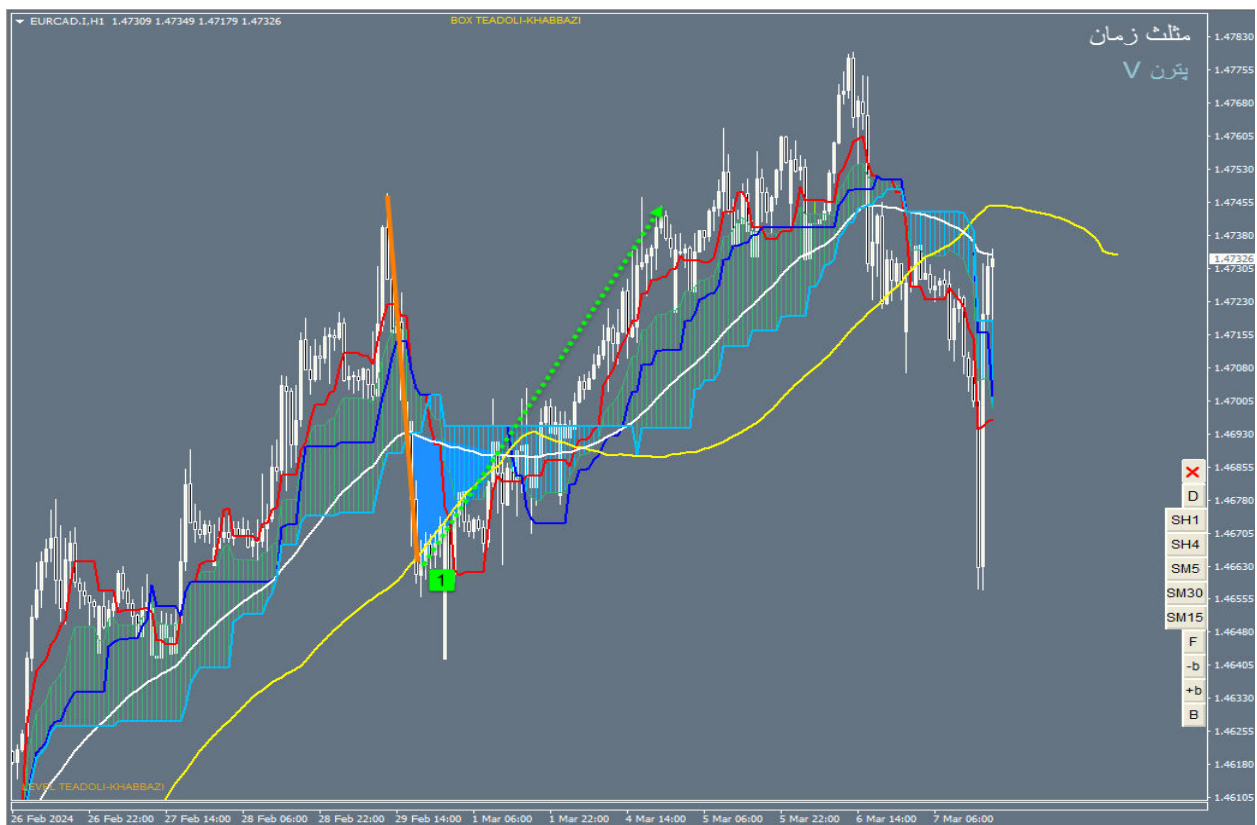
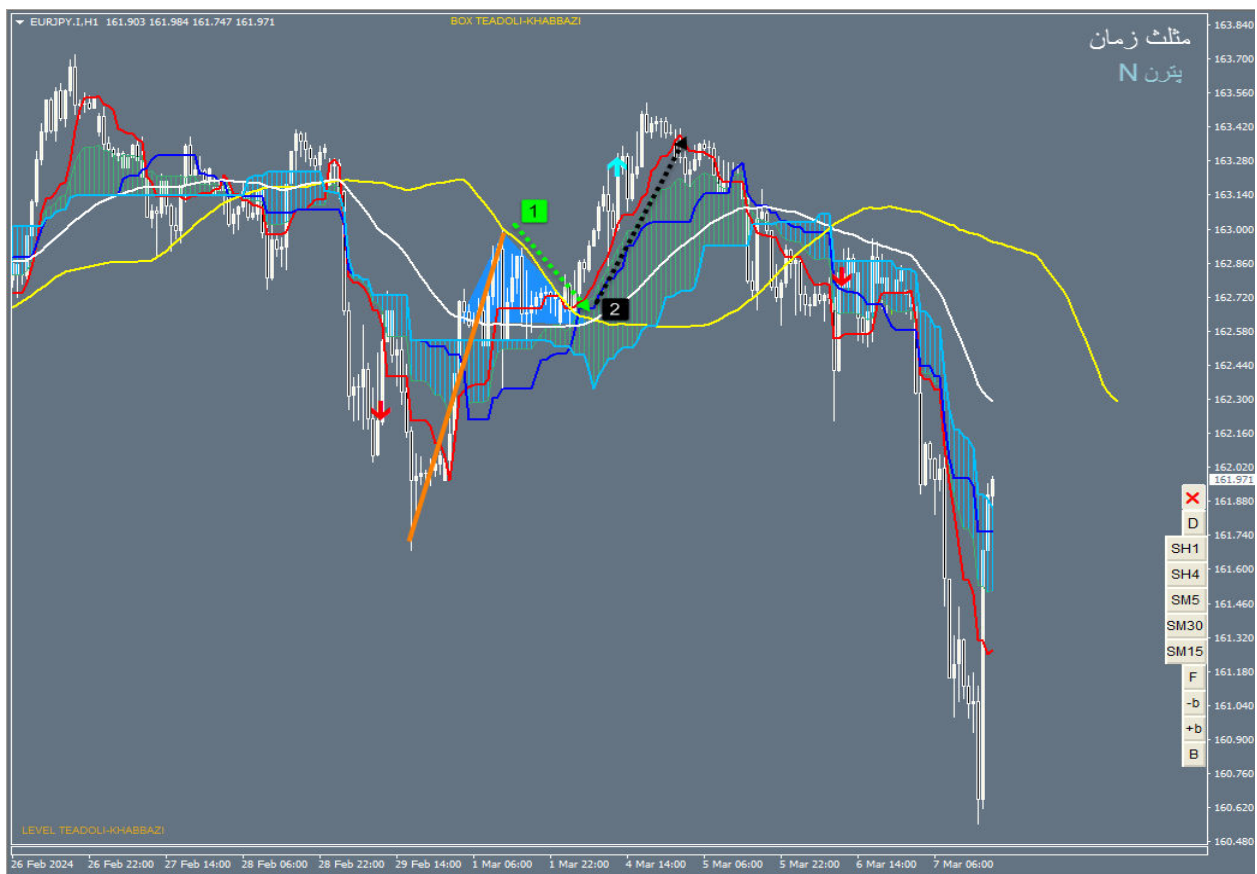
اگر محل کراس کندل با موینگ سفید و زرد را به یکدیگر وصل کنیم و دو ضلع دیگر را موینگ سفید و زرد منظور کنیم، مثلث حاصل می شود که آن را **مثلث زمان** می نامیم.

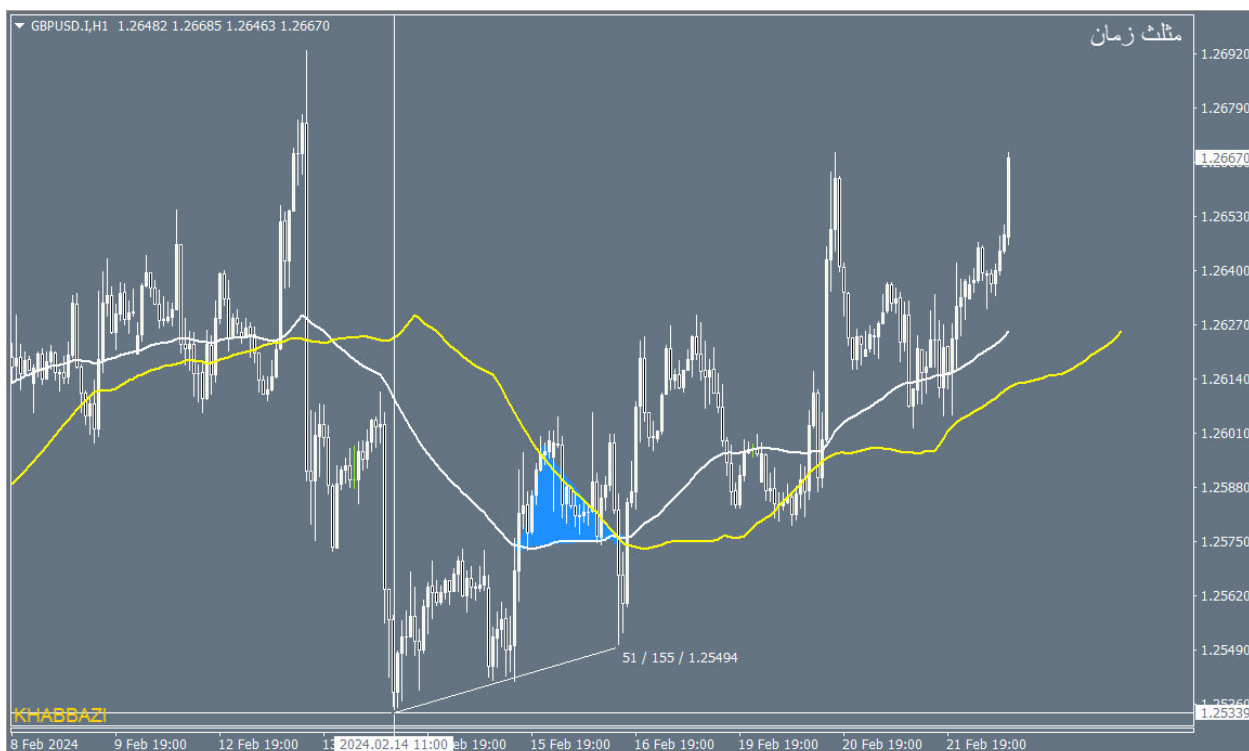
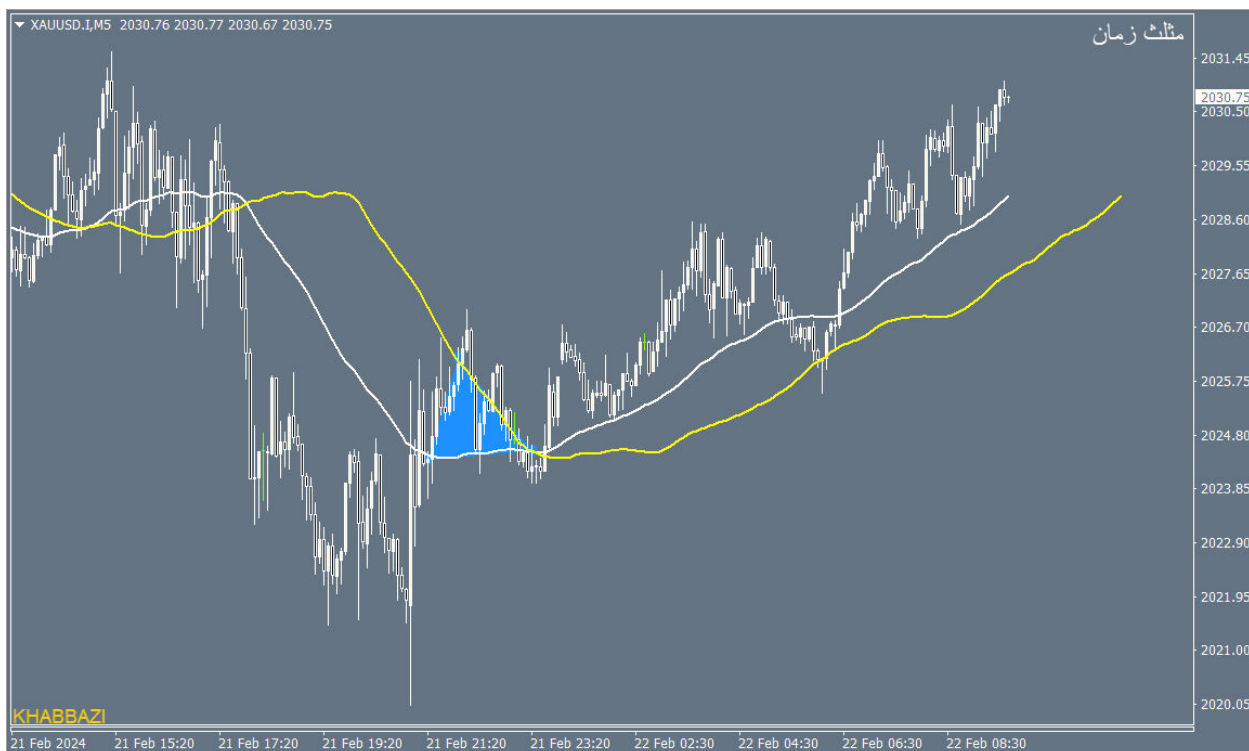
مثلث زمان دو ترید را شامل می شود.

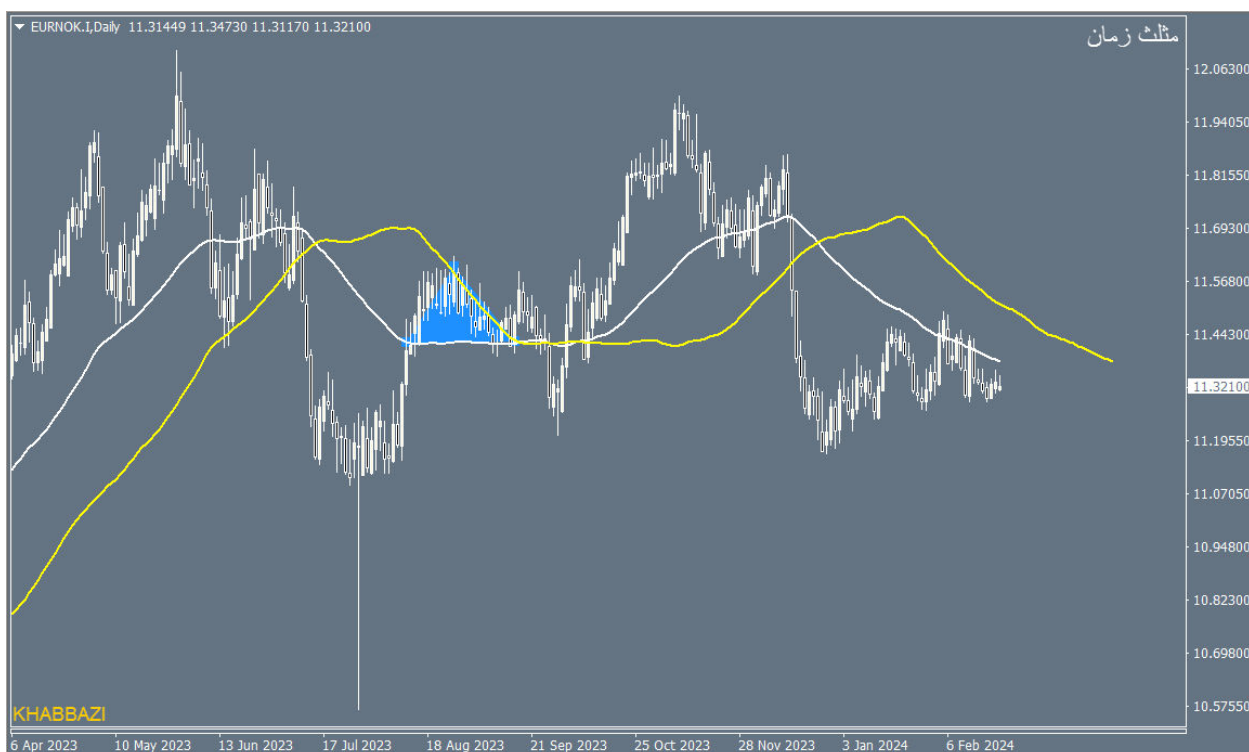
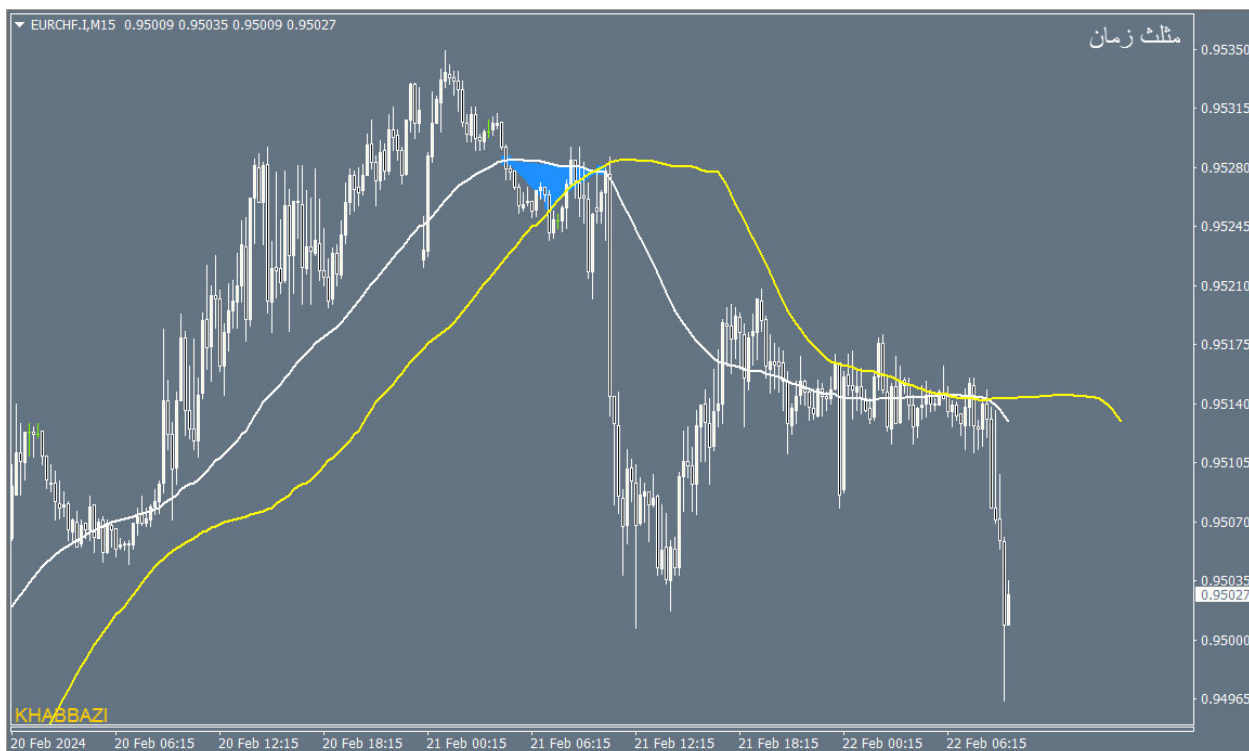
ترید اول تاچ فلت موینگ سفید از محل کراس کندل با موینگ زرد است. در واقع با این ترید تشکیل مثلث زمان را پیش بینی می کنیم. این ترید می تواند به عنوان ترید اسکالپی باشد که با ترید فاز سوم در ستاپ توازن، از تایم پایین تر ورود کرد.

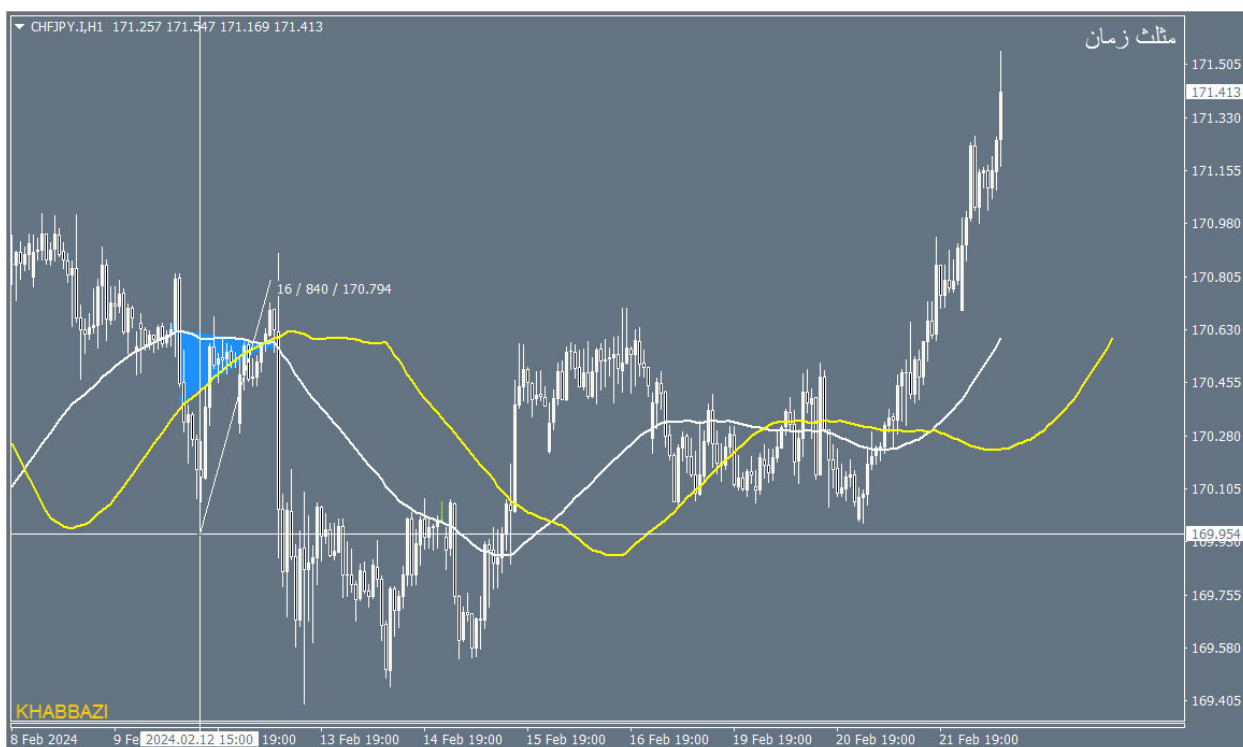
ترید دوم بعد از تشکیل مثلث به منظور پترن سازی (V_N) می باشد.

در واقع این مثلث نصف باکس پیش بینی را می پوشاند. در راس مثلث، سویچ تعادلی در عدد زمان قرار دارد که به عنوان سکوی پرتاب قیمت عمل می کند.

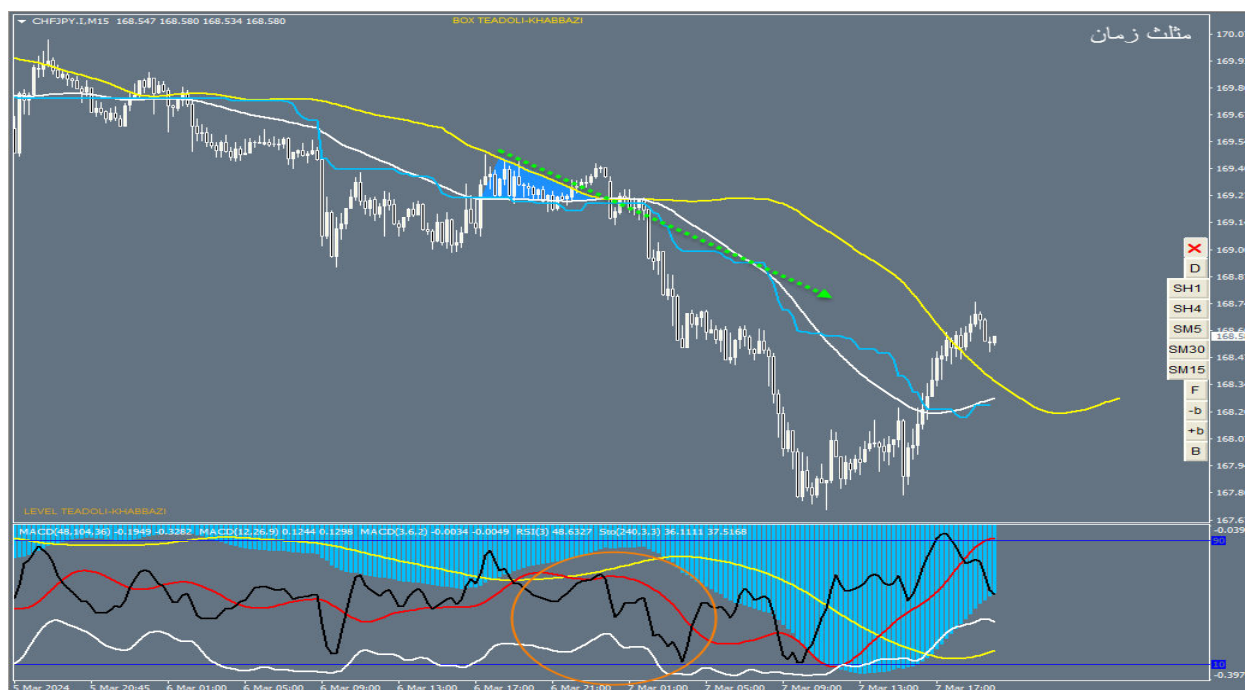
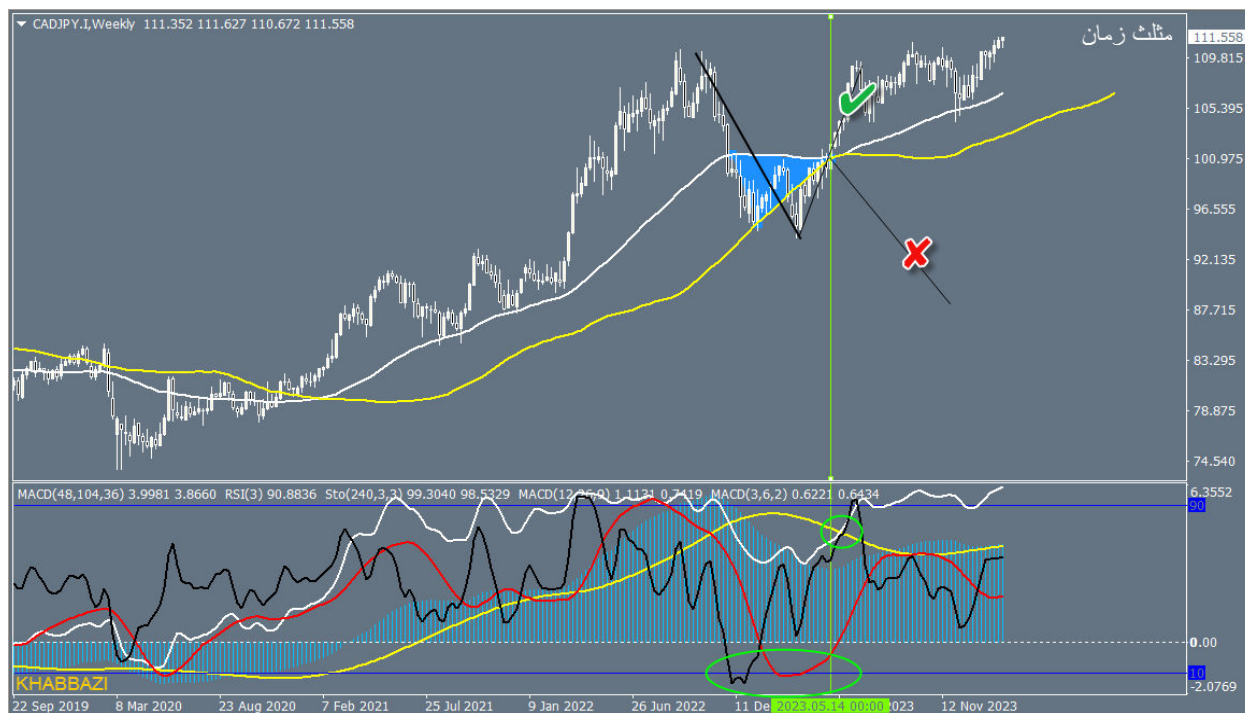


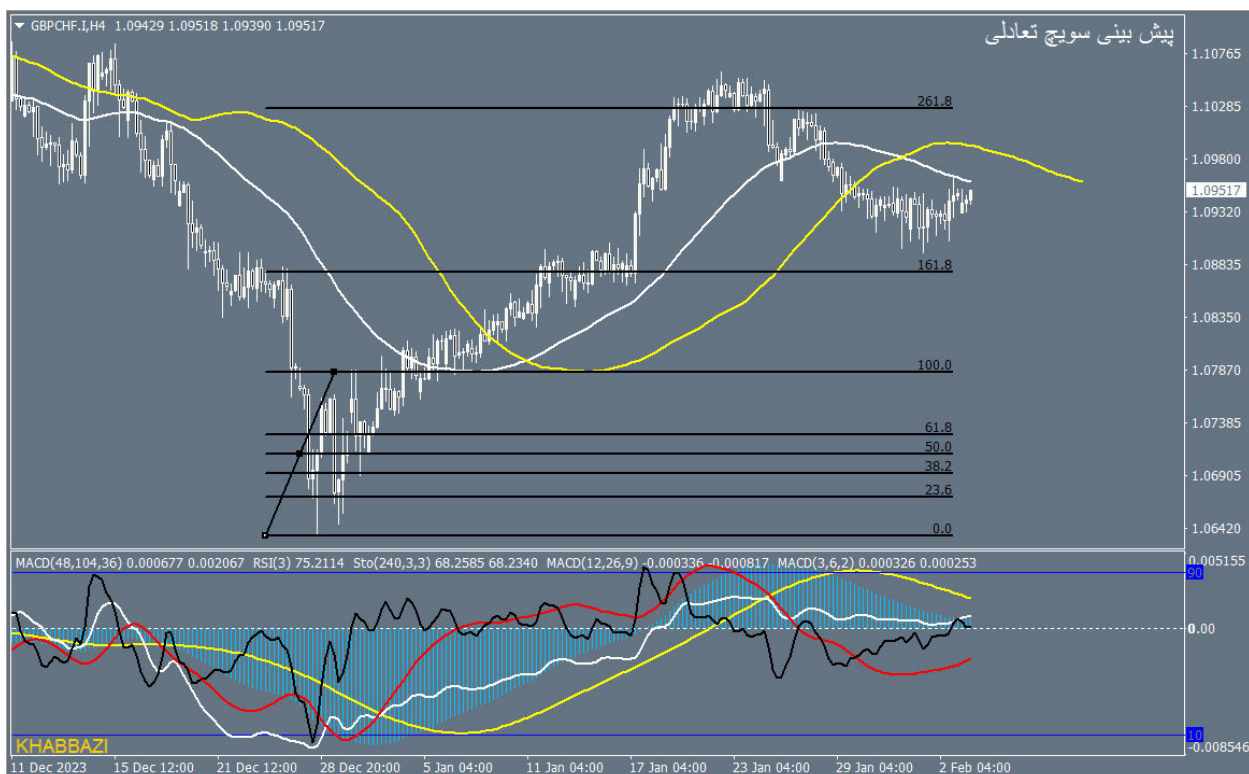
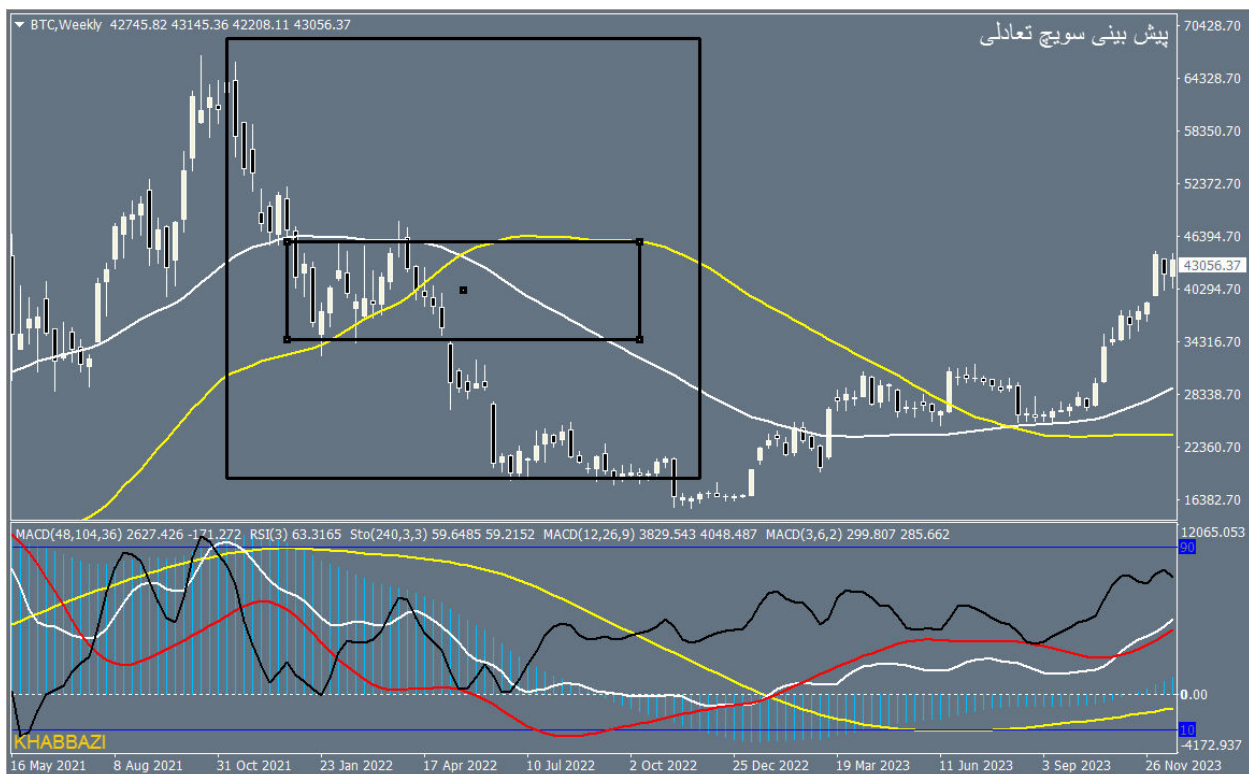


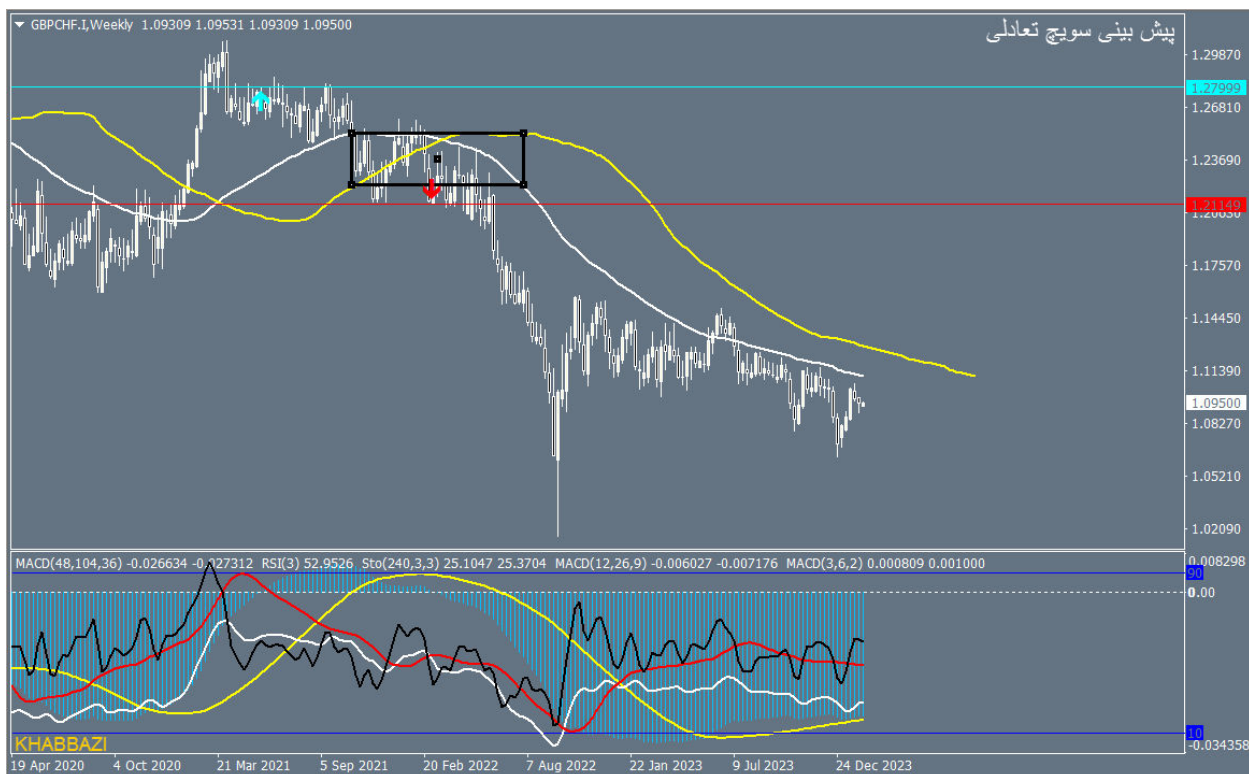




اگر چه فقط با دو موینگ مانند فاز اول یا فاز دوم یا تاج فلت موینگ سفید قبل از تشکیل مثلث زمان و ... امکان ترید فراهم می باشد؛ اما برای بهبود وین ریت و ریوارد و موقعیت های بیشتر می توان از میز اندیکاتوری، از موارد هم پوشانی سیکل ها به صورت ستاپ هم شکلی هیستو، پرچم، هیستو صفر یا فیک... استفاده نمود.

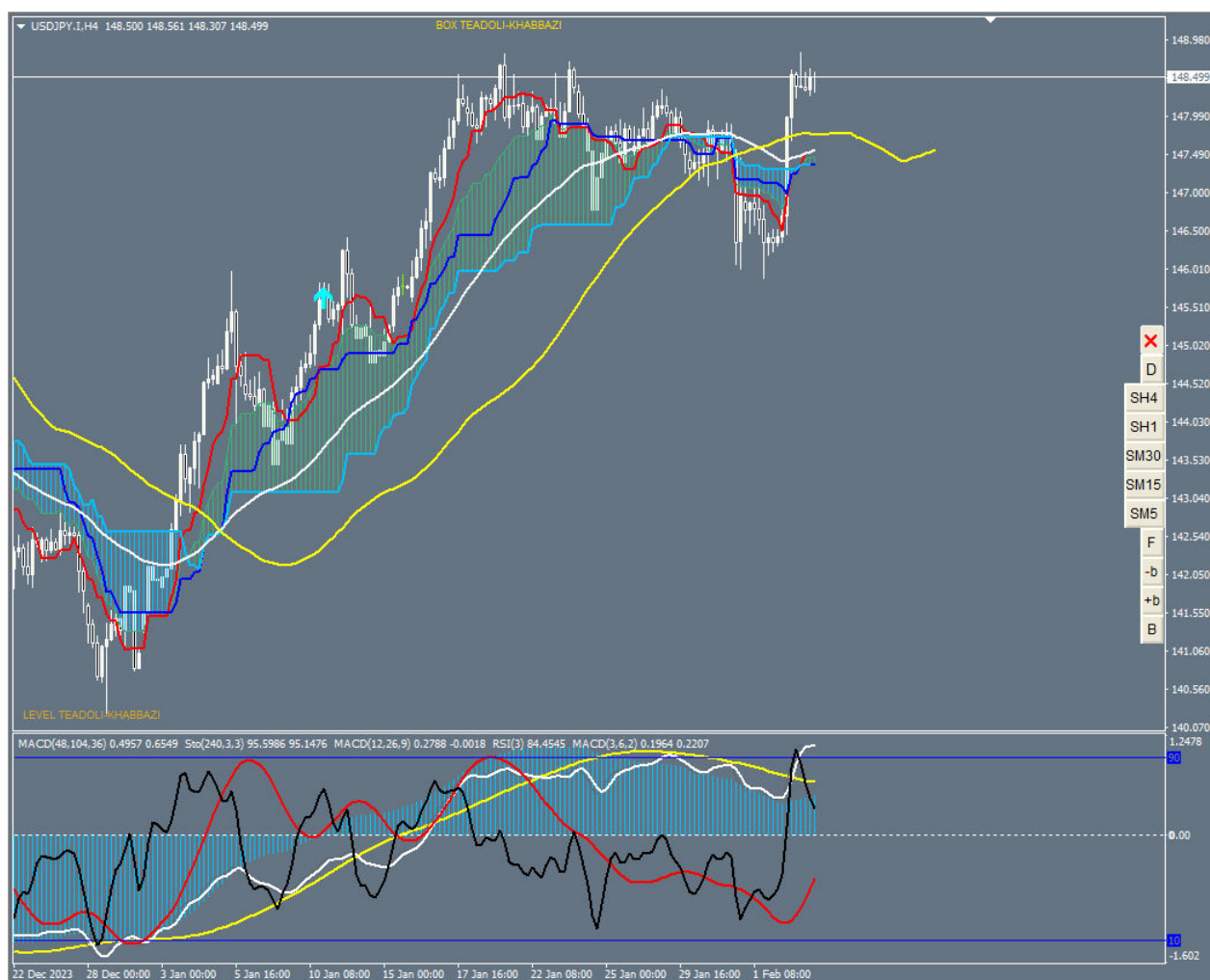






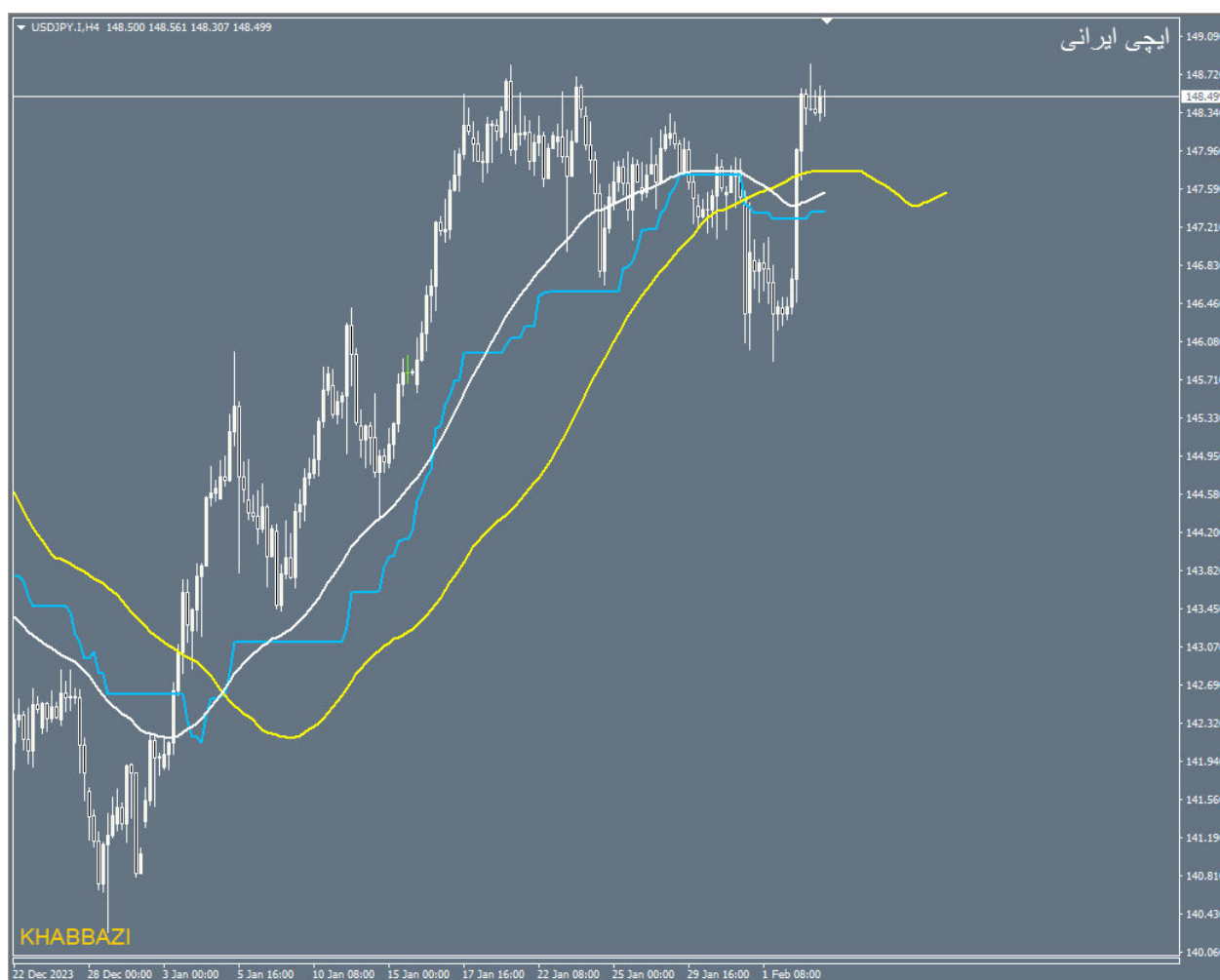
در صورت تمایل می توان یک جزء در نقش کراس تعادلی به موینگ ها اضافه کرد. کراس تعادلی، هر اندیکاتوری که به آن تسلط دارید، می تواند باشد. کاربرد کراس تعادلی بر می گردد به ماهیت آن اندیکاتوری که استفاده نموده اید. اما از جمله وظیفه یک کراس تعادلی خوب این است که تغییر روند(در حد چرخش قیمت) را زودتر از سویچ تعادلی نشان دهد.

کوالیتی لاین می تواند یکی از اجزا ایچی ایرانی باشد. در تمپلیت سبک تعادل از ایچی با شیفیت صفر در کنار کوموی تعادلی استفاده شده است تا ستاپ های متنوعی را از تعامل دو سیستم، بتوان استخراج کرد.



برای دوستان مبتدی که با ایچی آشنا نیستند و اصراری هم به یادگیری آن ندارند، الزامی به استفاده از ایچی در این سبک نیست. اما اگر تمایل به پیش بینی سویچ تعادلی دارند؛ می توانند از ایچی ایرانی استفاده کنند. در آن از سنکو اسپن **B** با شیفیت صفر، در کنار موینگ ها به عنوان کراس تعادلی استفاده شده است.

علت استفاده از این جزء از ایچی، دوره بزرگتر آن می باشد. اگر چه در بعضی از موارد در حرکات شتاب دار، کندی آن باعث از دست رفتن موقعیت خواهد شد، اما اعتبار خوبی به پیش بینی سویچ و تارگت حداقلی آن می دهد. در ضمن حرکت سنکو در محدوده سویچ تعادلی، با توجه به میانگین دره و قله بودنش در **52** کندل، قابل پیش بینی می باشد.

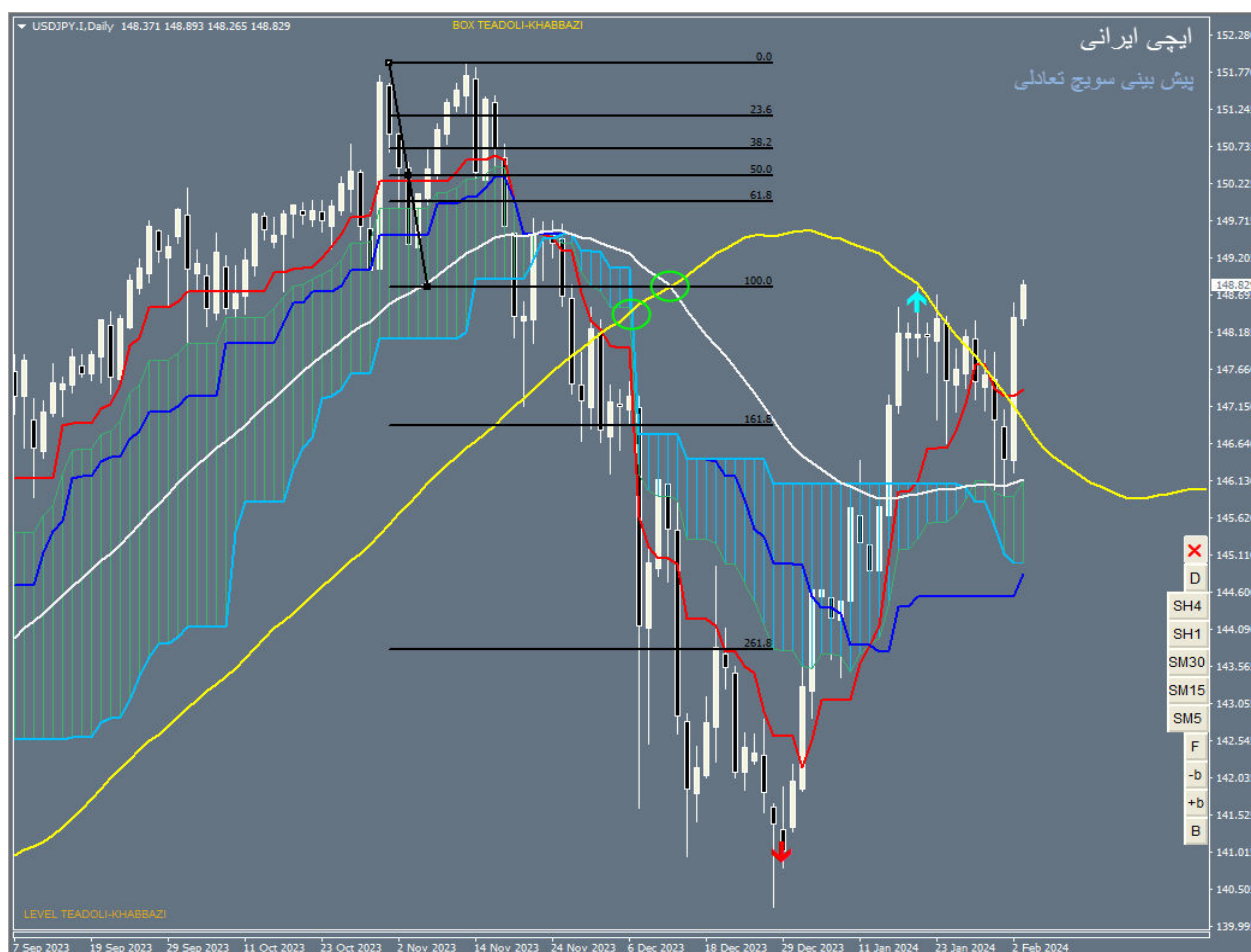


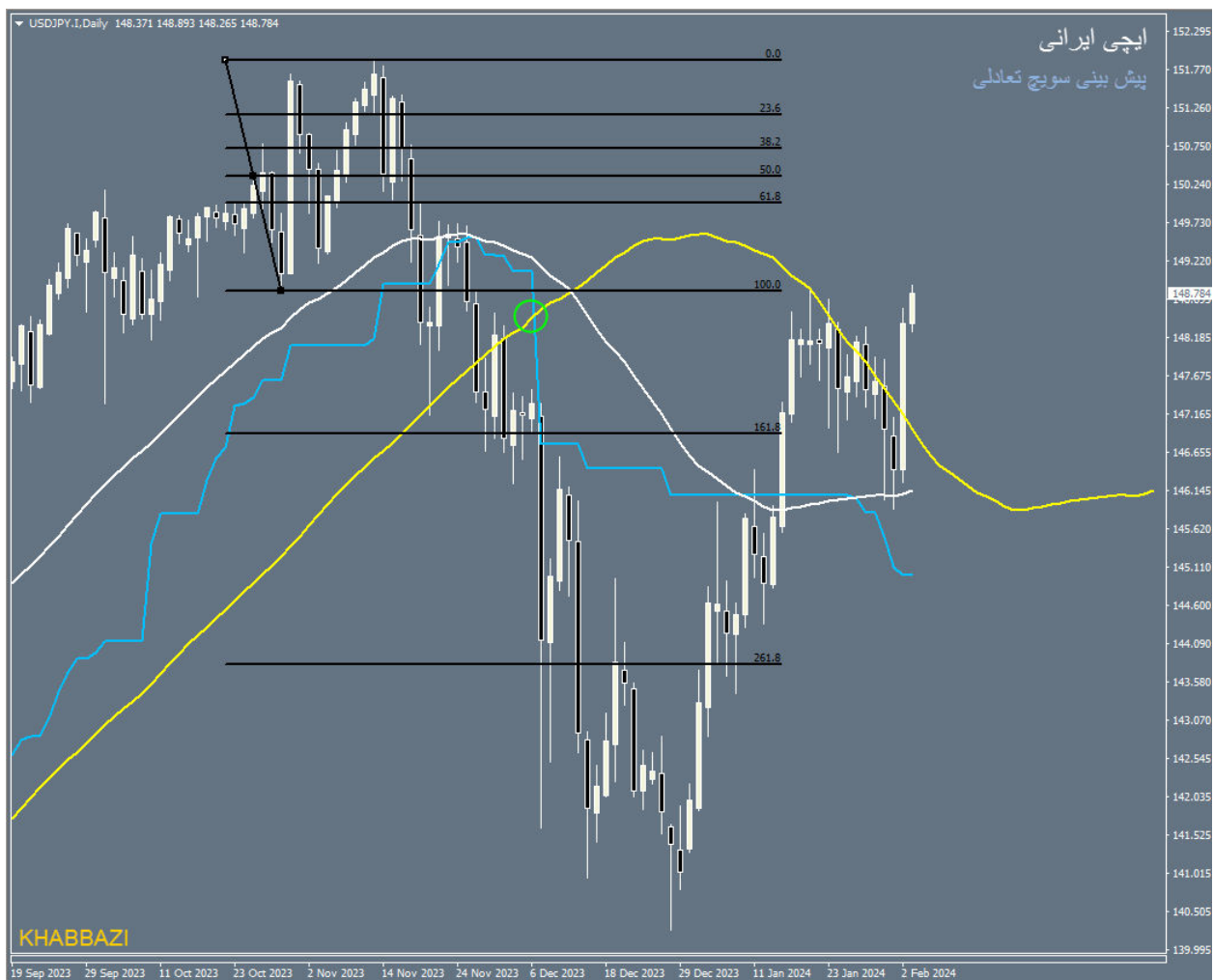
حالت اول

مثال اول

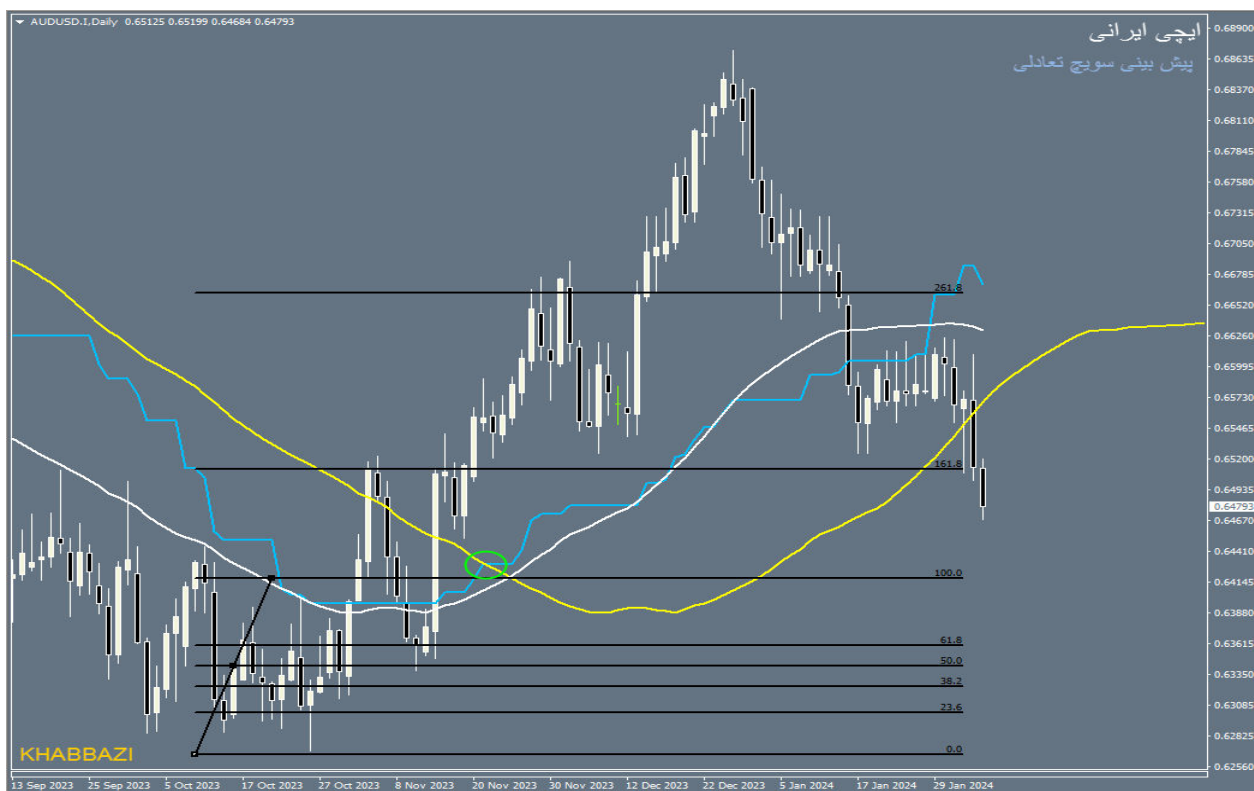
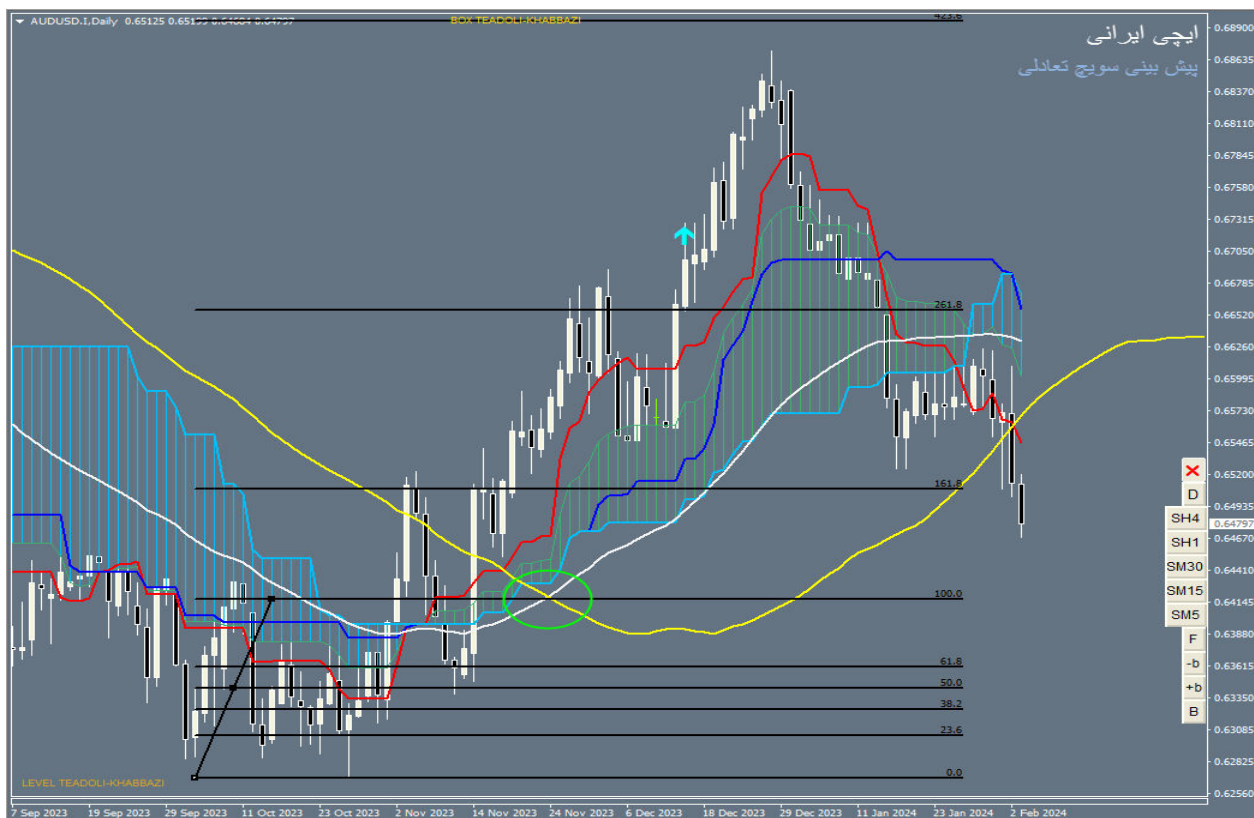
وقتی کندل موینگ زرد را کراس می کند، اگر سنکو اسپن **B** در جهت کندل(نه به صورت افقی یعنی فلت)، موینگ زرد را کراس کند، سویچ تعادلی در آینده بیرون از کوموی ایچی ظاهر خواهد شد(البته این حالت اگر ایچی به صورت کامل در چارت استفاده شده باشد، قابل مشاهده است).

تارگت حداقلی آن، سطح **261** از سویچ تعادلی خواهد بود. در این شرایط معمولاً حرکت چارت شارپ است. لذا دقت کنید اگر در هنگام کراس سنکو اسپن **B** با موینگ زرد، چارت، تارگتش را داده باشد، از این ترید با این ستاپ خودداری شود.





مثال دوم

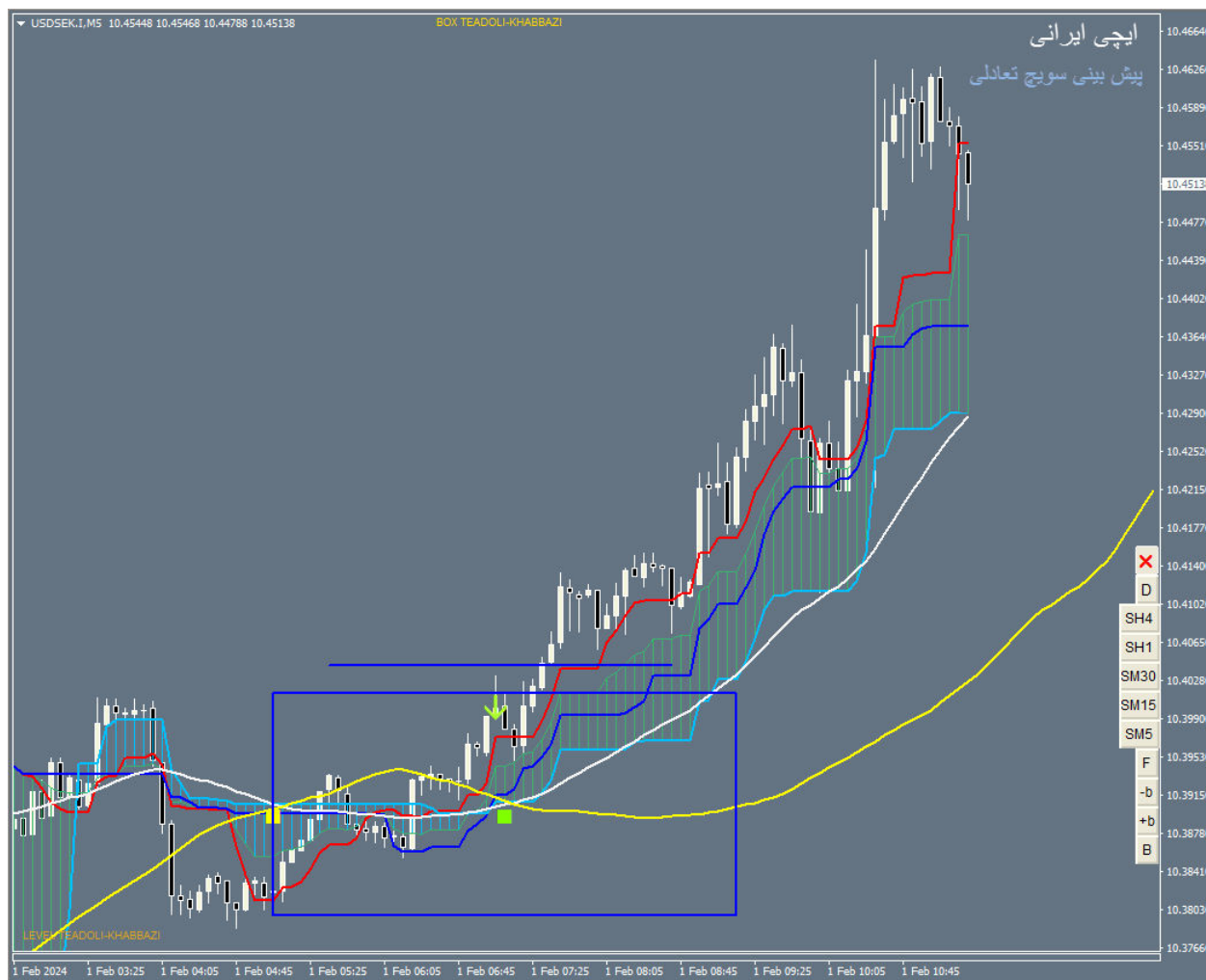


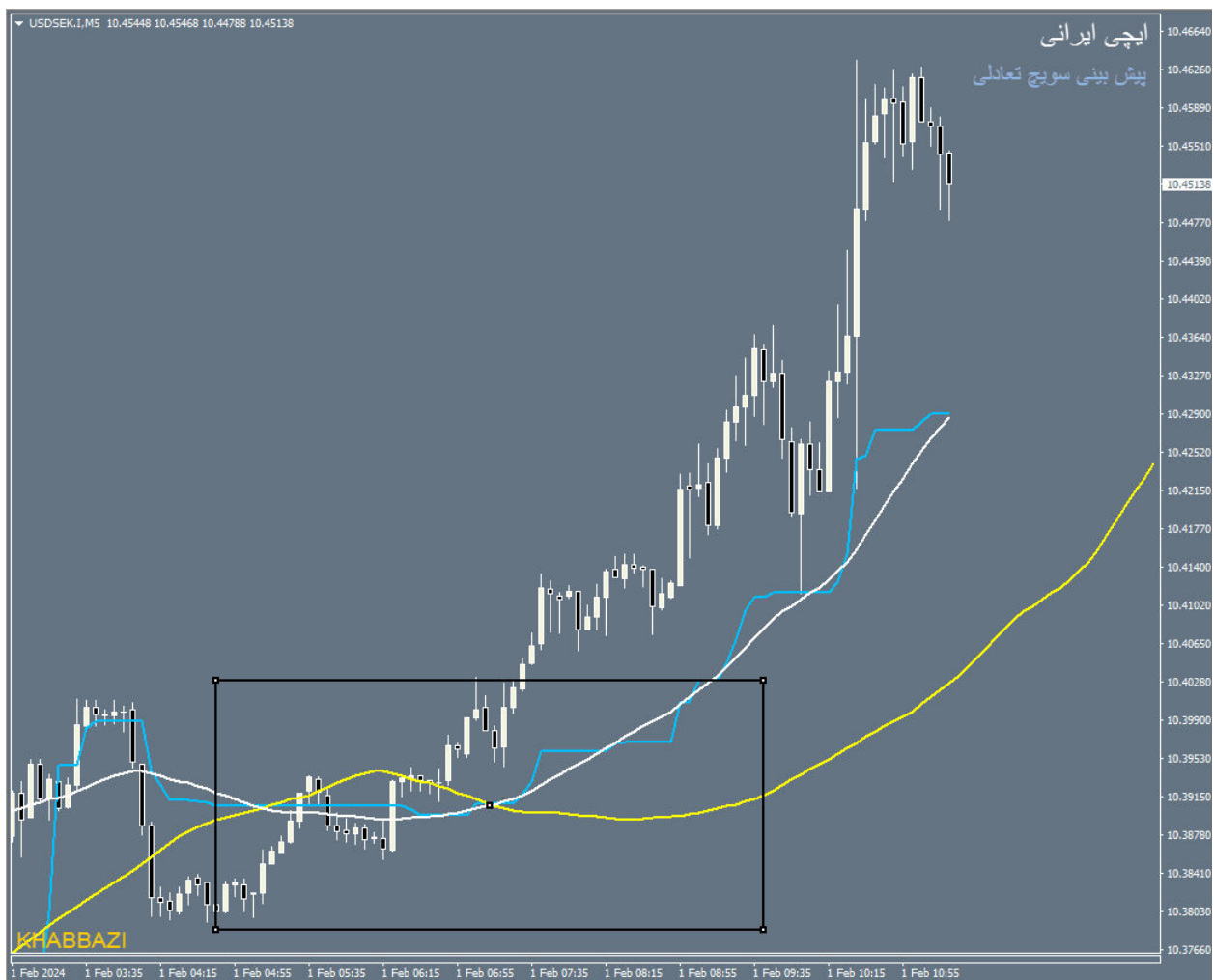
حالت دوم

مثال اول

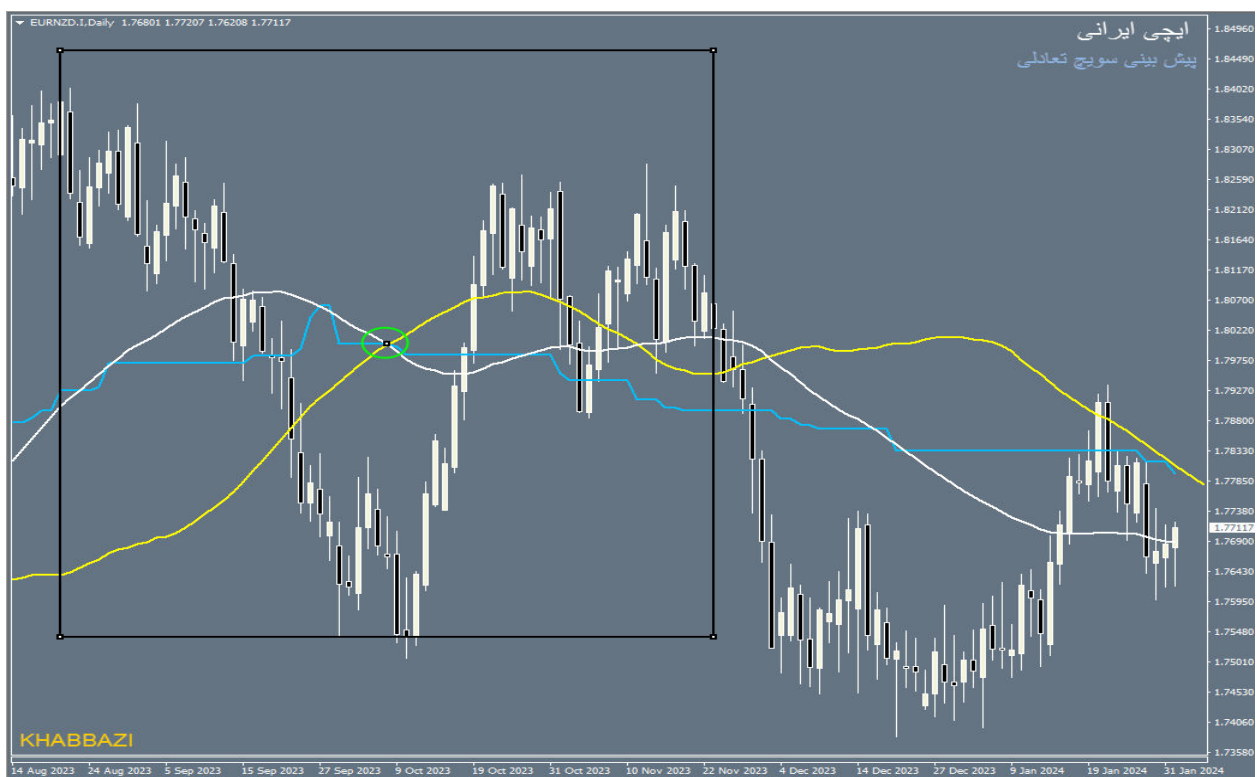
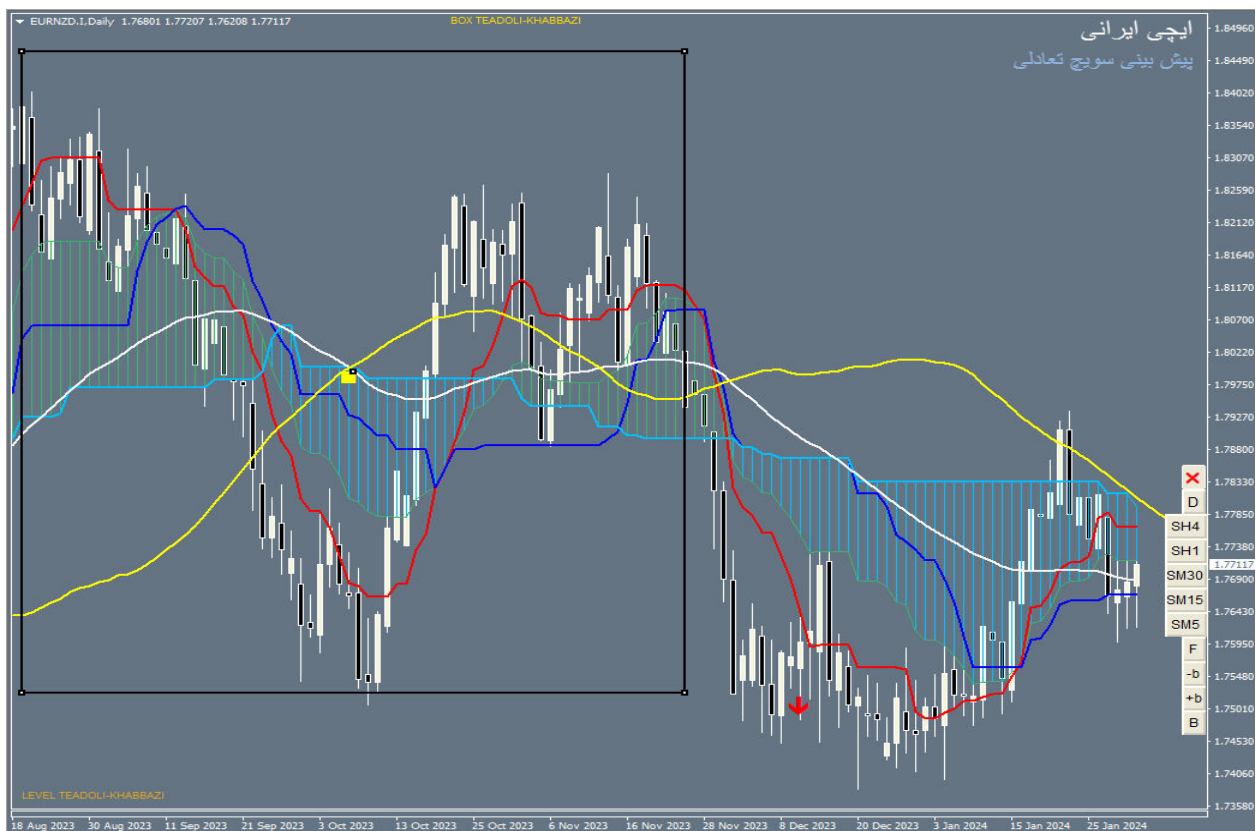
وقتی کندل موینگ زرد را کراس می کند، اگر سنکو اسپن **B** به صورت فلت باشد، سویچ تعادلی در آینده بر روی همین فلت واقع خواهد شد؛ پس تارگت حداقلی آن، انتهای باکس تعادلی می باشد.

جهت ورود سریع تر، فلت باقی ماندن سنکو **B** تا زمانی که سویچ تعادلی ظاهر شود، قابل پیش بینی می باشد.





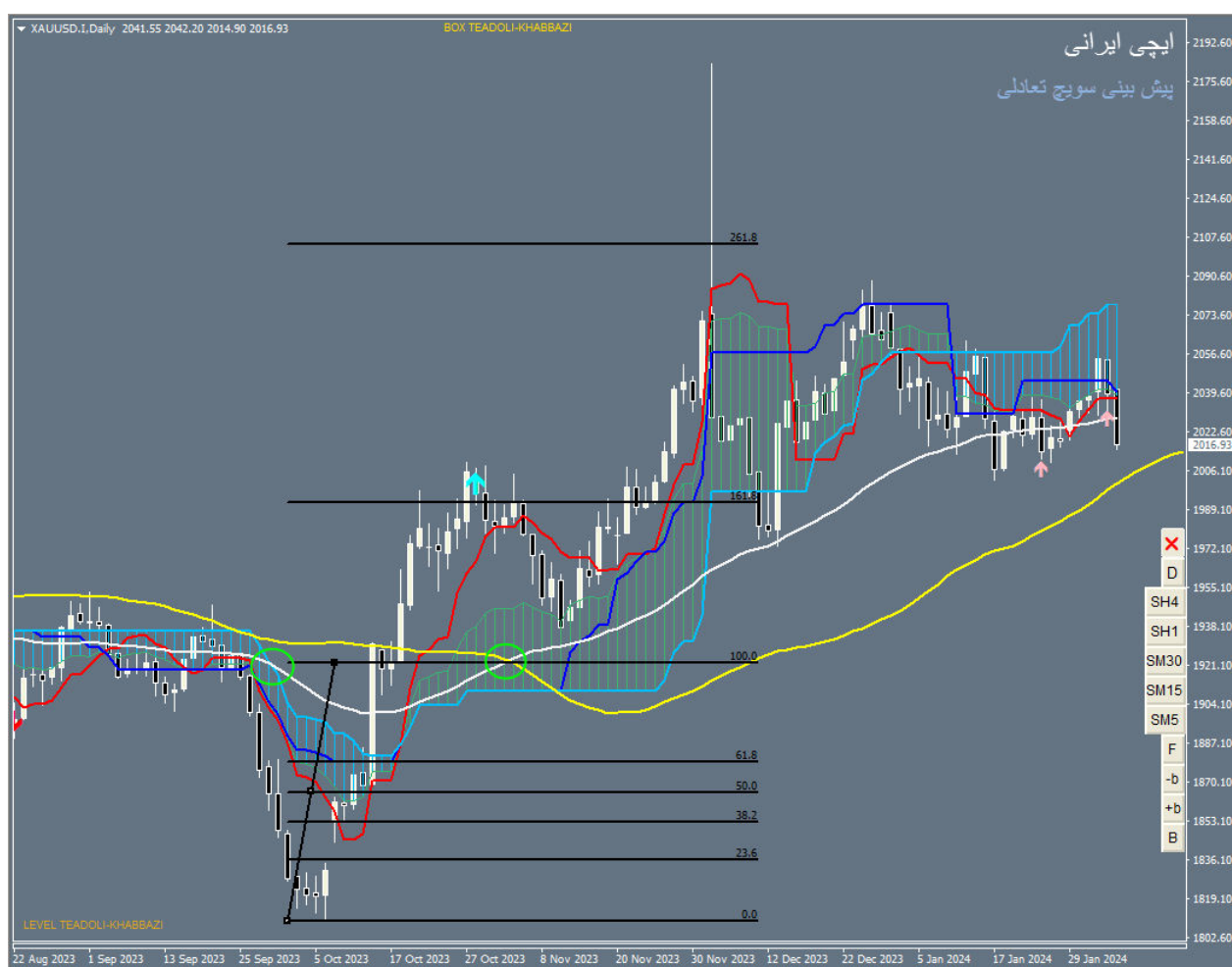
مثال دوم

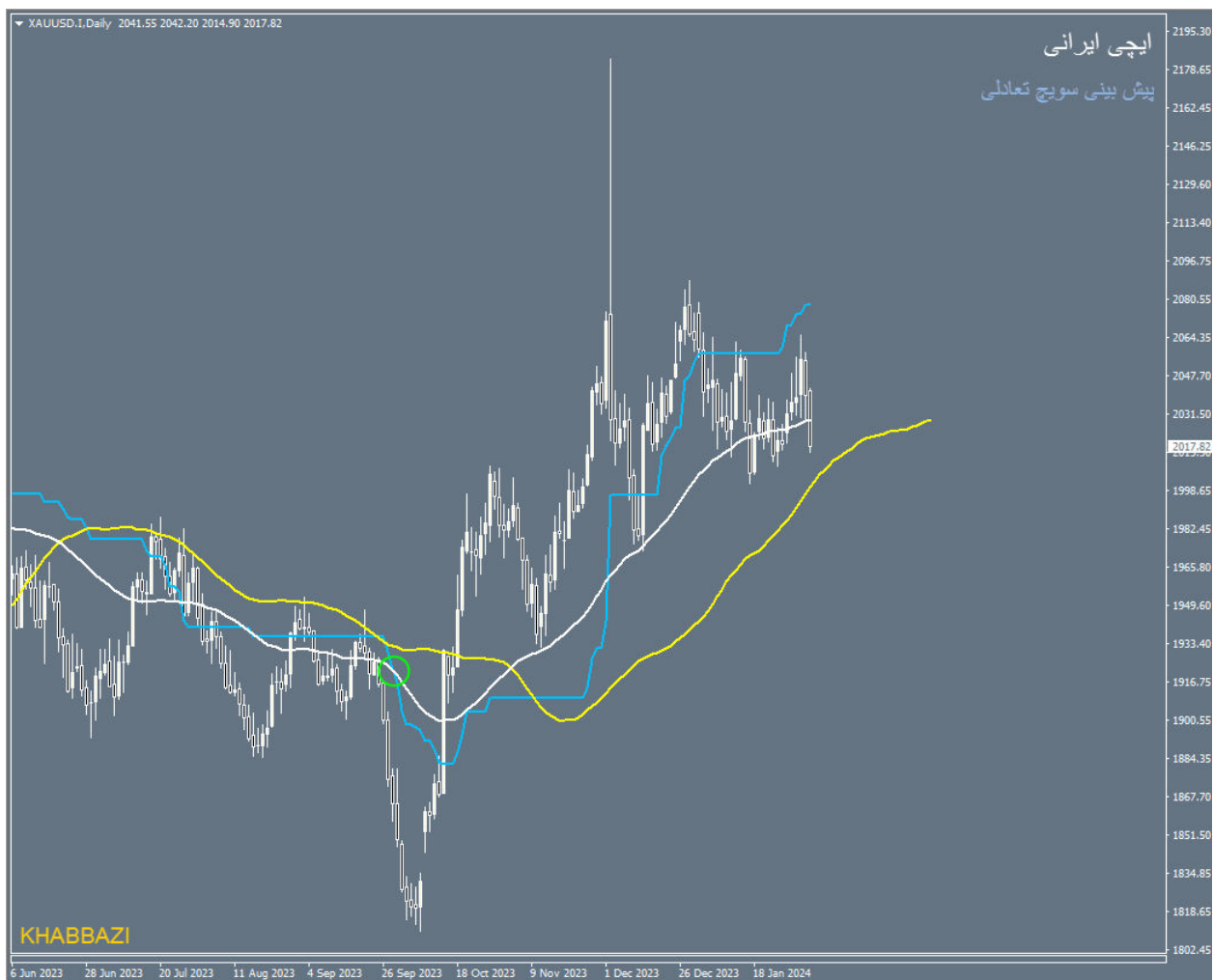


حالت سوم

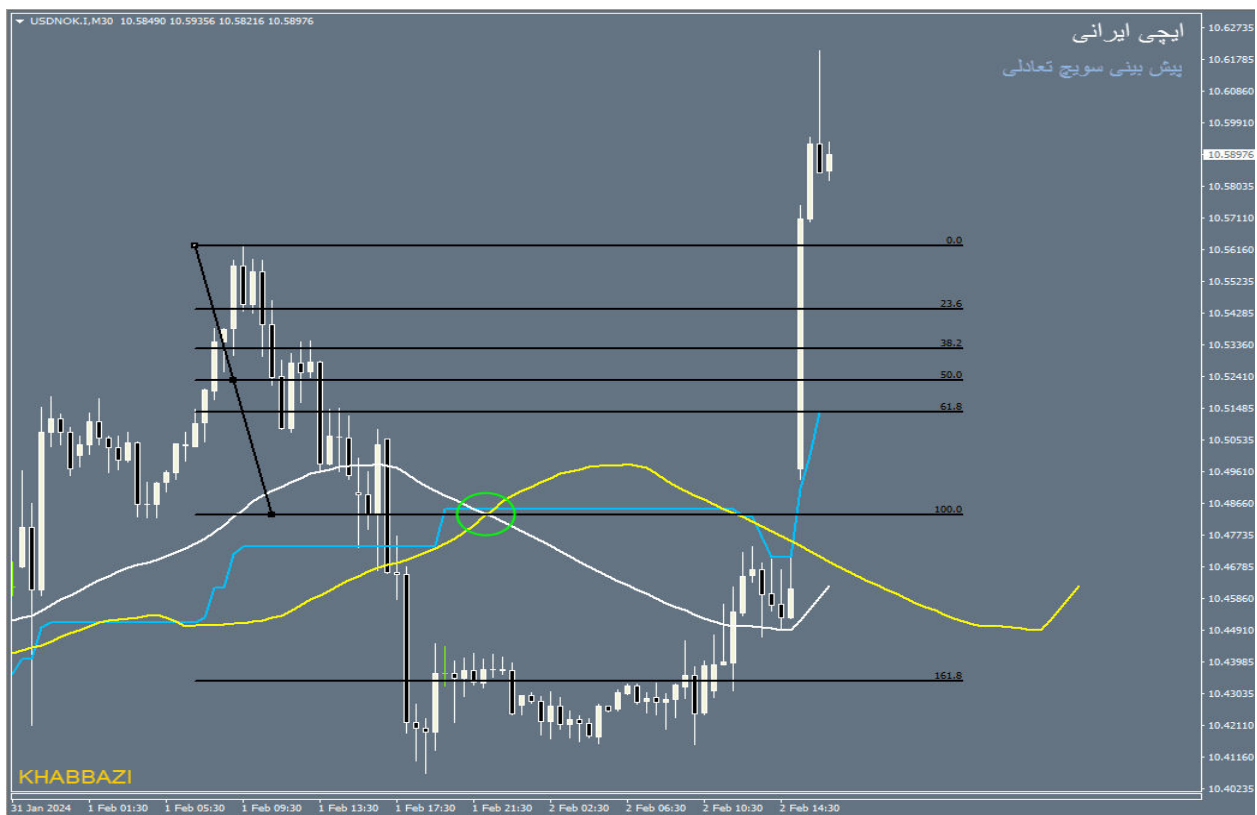
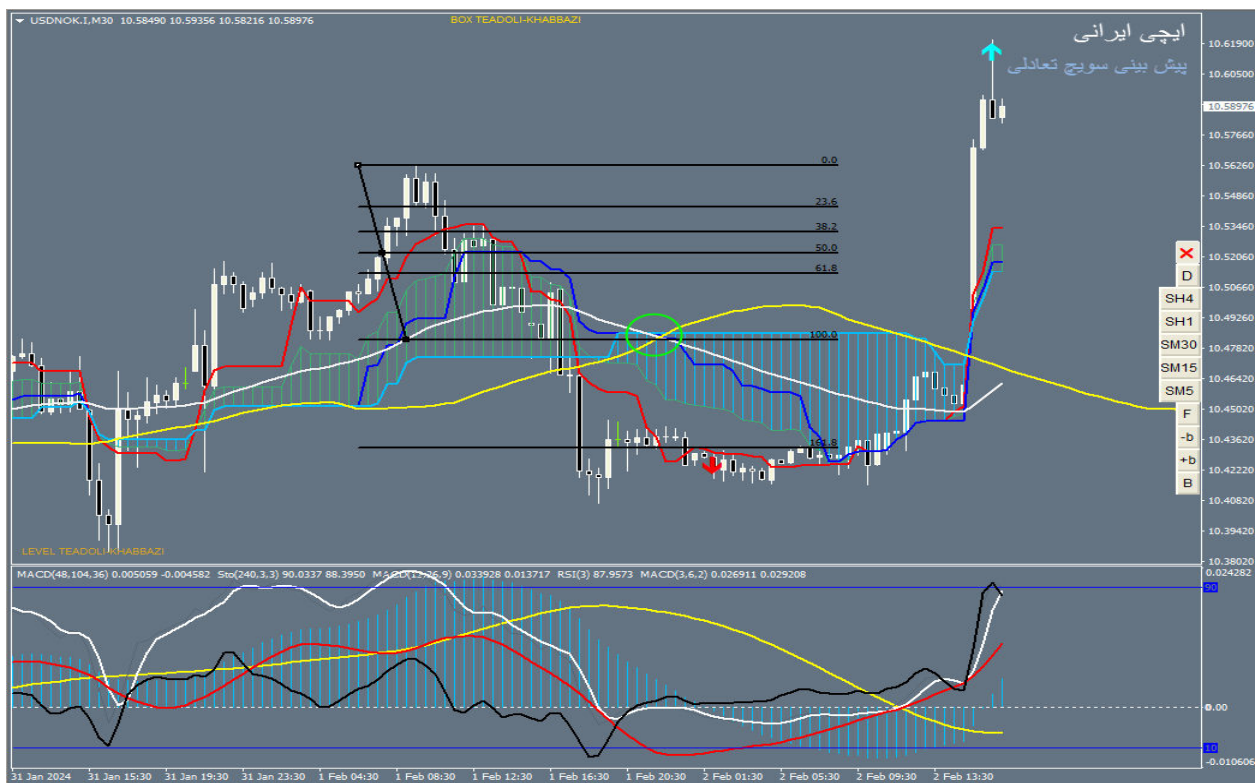
مثال اول

وقتی کندل موینگ زرد را کراس می کند، اگر سنکو اسپن **B** از طرف موینگ سفید، از کوموی تعادلی خارج شود، سویچ تعادلی در آینده داخل کوموی ایچی خواهد افتاد. پس تارگت حداقلی آن، سطح **161** از فیبو تعادلی می باشد.





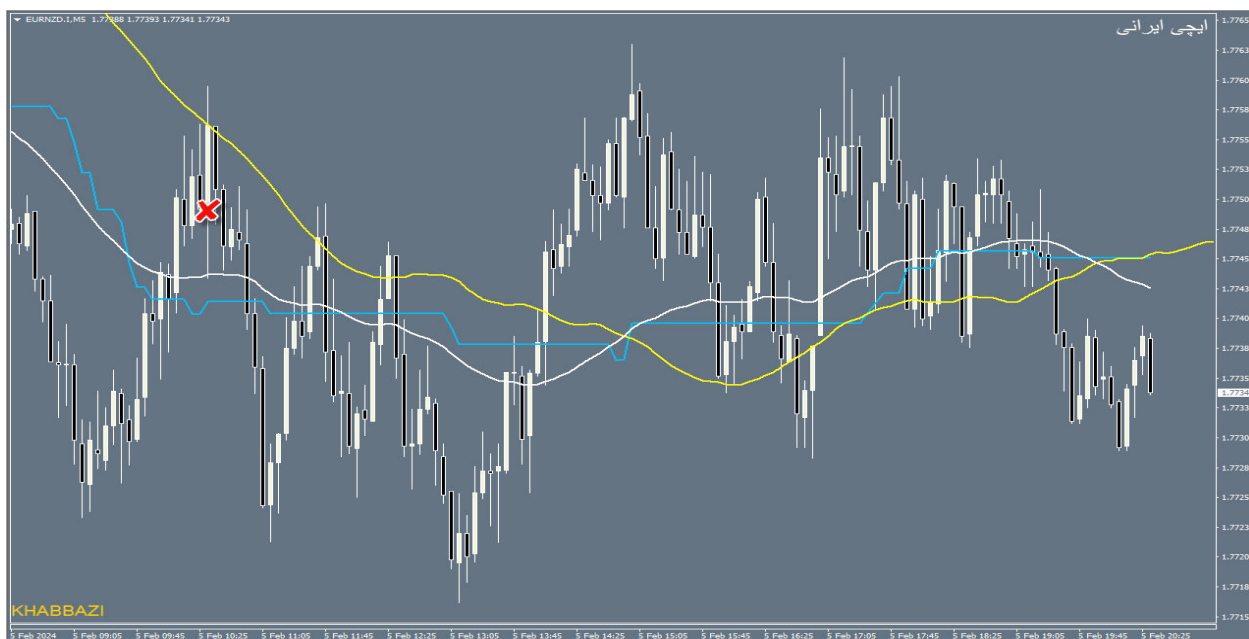
مثال دوم



اگر کندل از موینگ زرد عبور کند، اما سنکو اسپن B از کومو خروج نکند، ریورس داریم.
در تایم پایین تر این ریورس، خودش را در توازن، با ترید فاز چهارم نشان می دهد.

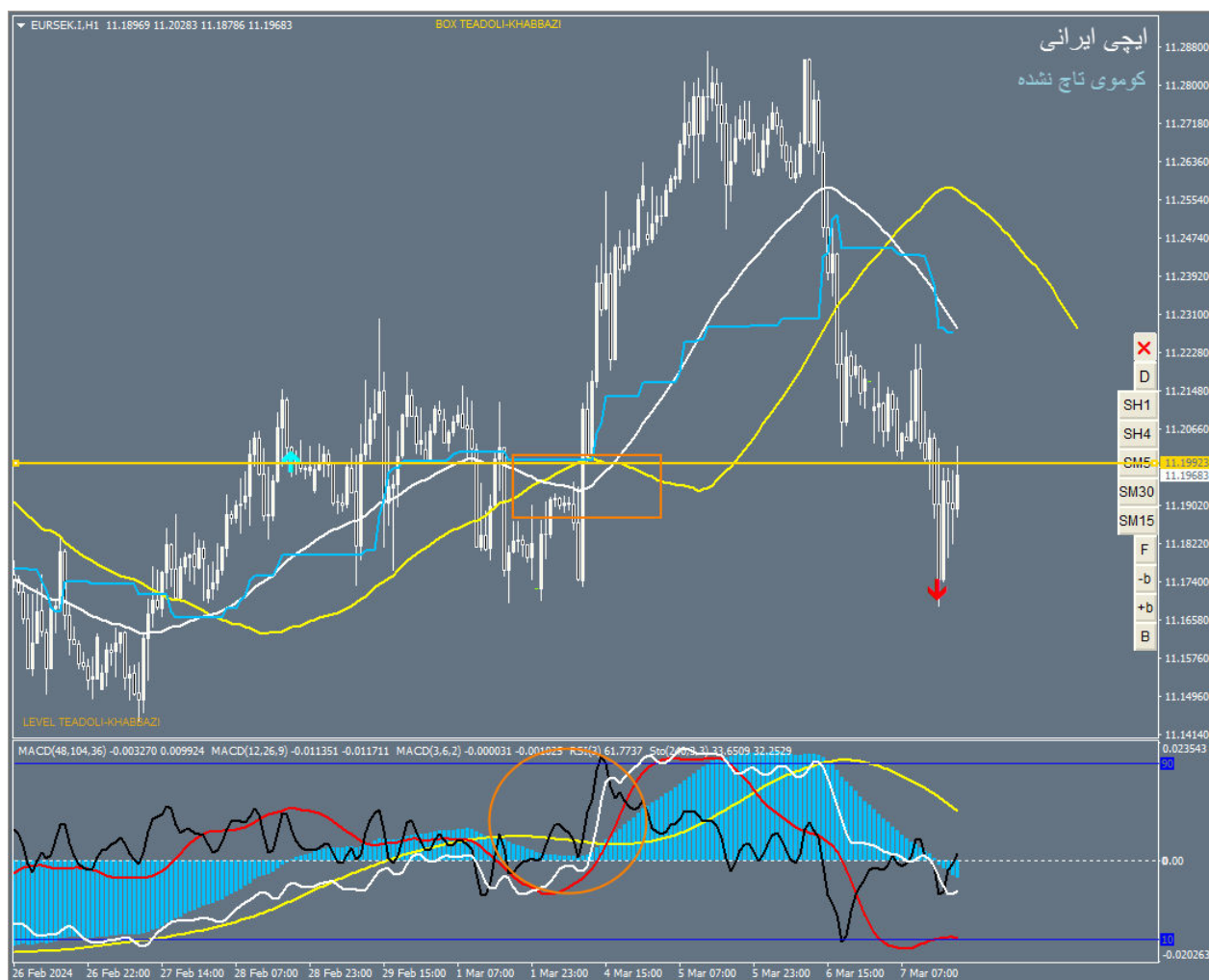


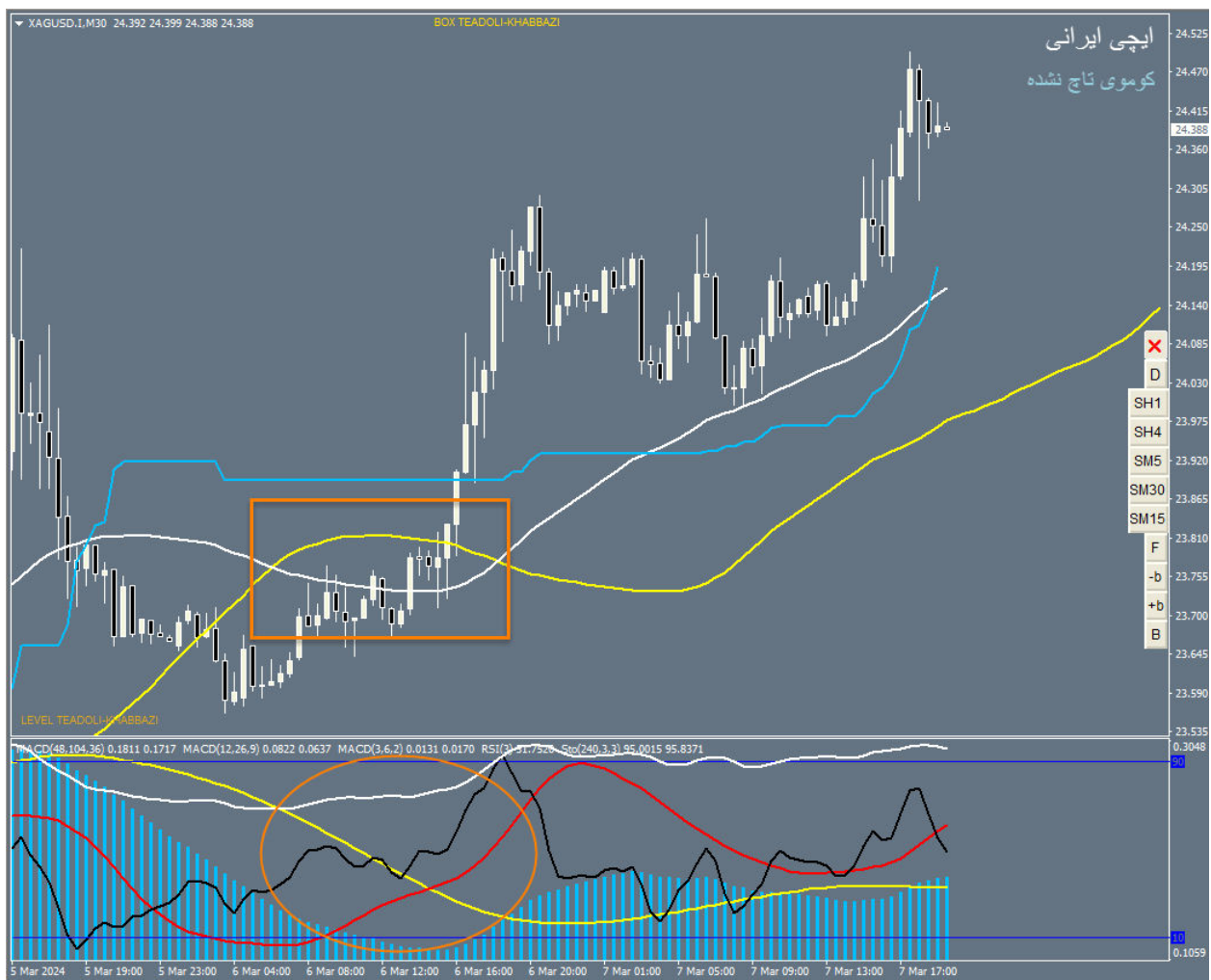
اگر سنکو اسپن B از کومو خروج شود، اما کندل همراهی نکند(کندل از موینگ زرد خروج نکند)، تغییر روندی را نخواهیم دید.



در حرکات شتاب دار که معمولا در ترید فاز چهارم در حالت عدم تقارن دیده می شود؛ بعضی اوقات کوموی تعادلی شکل می گیرد که سنکو اسپن **B** آن را کراس نکرده است. به این کوموی تعادلی، **کوموی تاج نشده** می گوئیم.

تاج سویچ تعادلی مربوط به کوموی تاج نشده، یکی از تارگت ها در مسیر ترید(فاز چهارم) می تواند باشد. در واقع به عنوان دلیل اصلی برای ورود به ترید، لحاظ نشود.





فاز هفتم

تراز هیستو

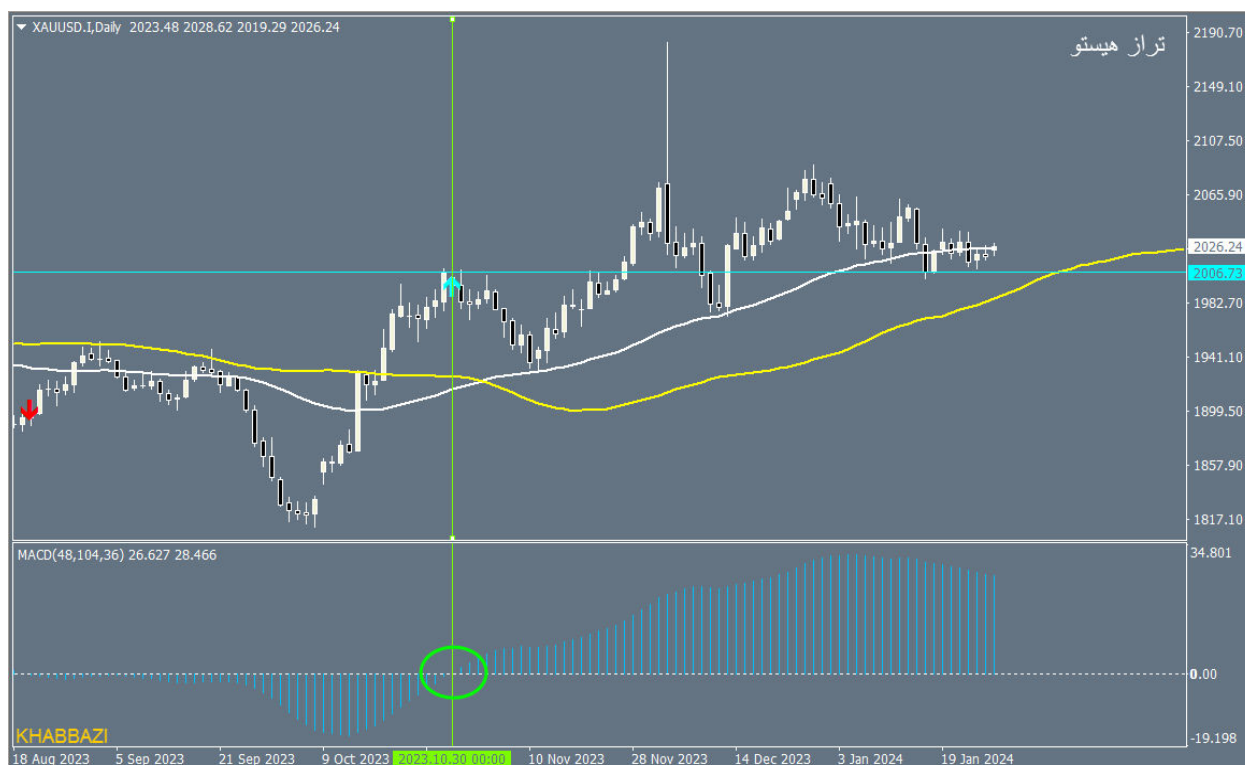
هر گاه هیستو مکدی با تنظیمات چهار برابری مکدی دیفالت، در میز اندیکاتوری تغییر فاز دهد، کندل متناظر با این تغییر فاز را در نظر می گیریم و یا با یک پیکان یا خط عمود آن را مارک می کنیم.

این کار را می توانیم به اندیکاتور نیز بسپاریم تا :

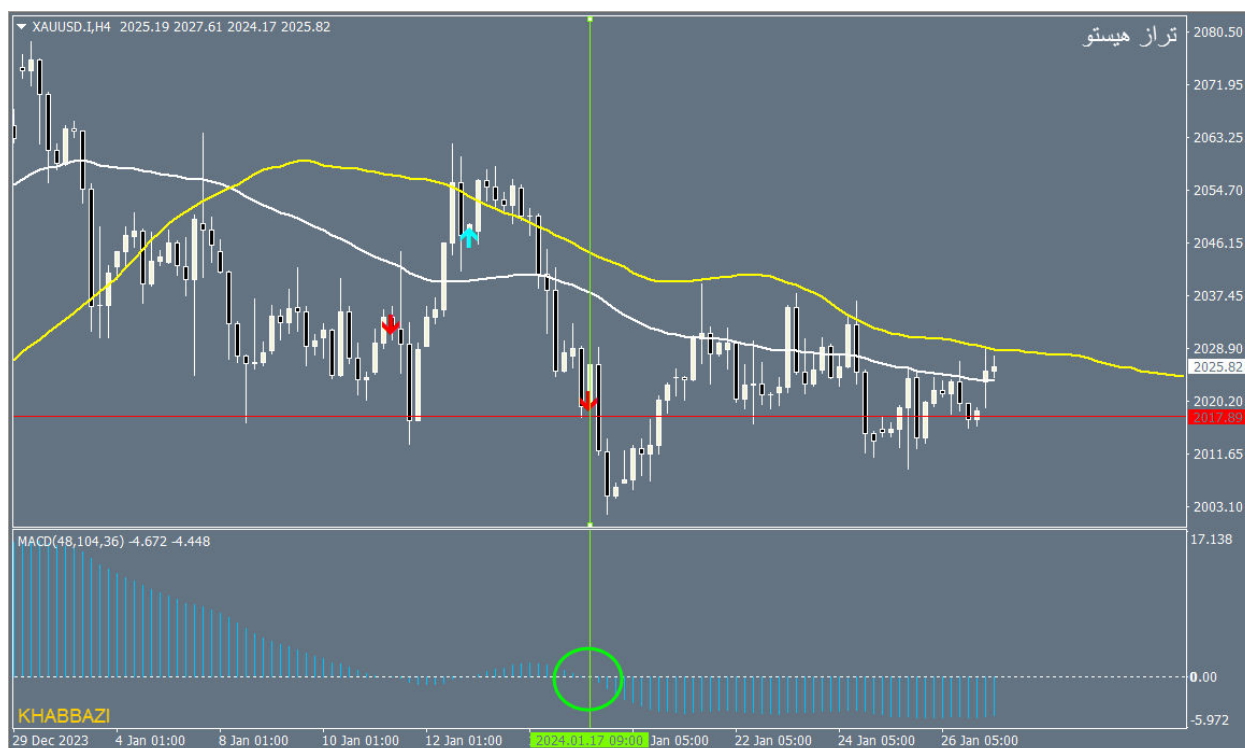
اولا چشم با رصد دائم میله های هیستو خسته نشود.

دوما پیکان های اندیکاتور، نشانگر خوبی برای ریورس های سوینگ و یا پیش بینی تشکیل سویچ تعادلی جدید می باشد.

اگر تغییر فاز هیستو به صورت صعودی باشد، یعنی هیستو گرام مربوط به مکدی چهار برابر، تراز صفرش را به سمت بالا کراس کند، بالای کندل مارک شده، یک خط افقی می اندازیم و آن را تراز(محور) هیستو می نامیم.



اگر تغییر فاز هیستو به صورت نزولی باشد، یعنی هیستو گرام مربوط به مکدی چهار برابر، تراز صفرش را به سمت پایین کراس کند، پایین کندل مارک شده، یک خط افقی می اندازیم و آن را تراز(محور) هیستو می نامیم.



محور یا تراز هیستو در چارت را معادل لول صفر هیستو در میز منظور می کنیم. حال از موقعیت هایی که با بررسی وضعیت چارت(قیمت و اندیکاتورها) نسبت به تراز هیستو در چارت و مقایسه آن با وضعیت اجزا میز اندیکاتوری با تراز صفر هیستو در میز، بدست می آید، می توان بهره برد.

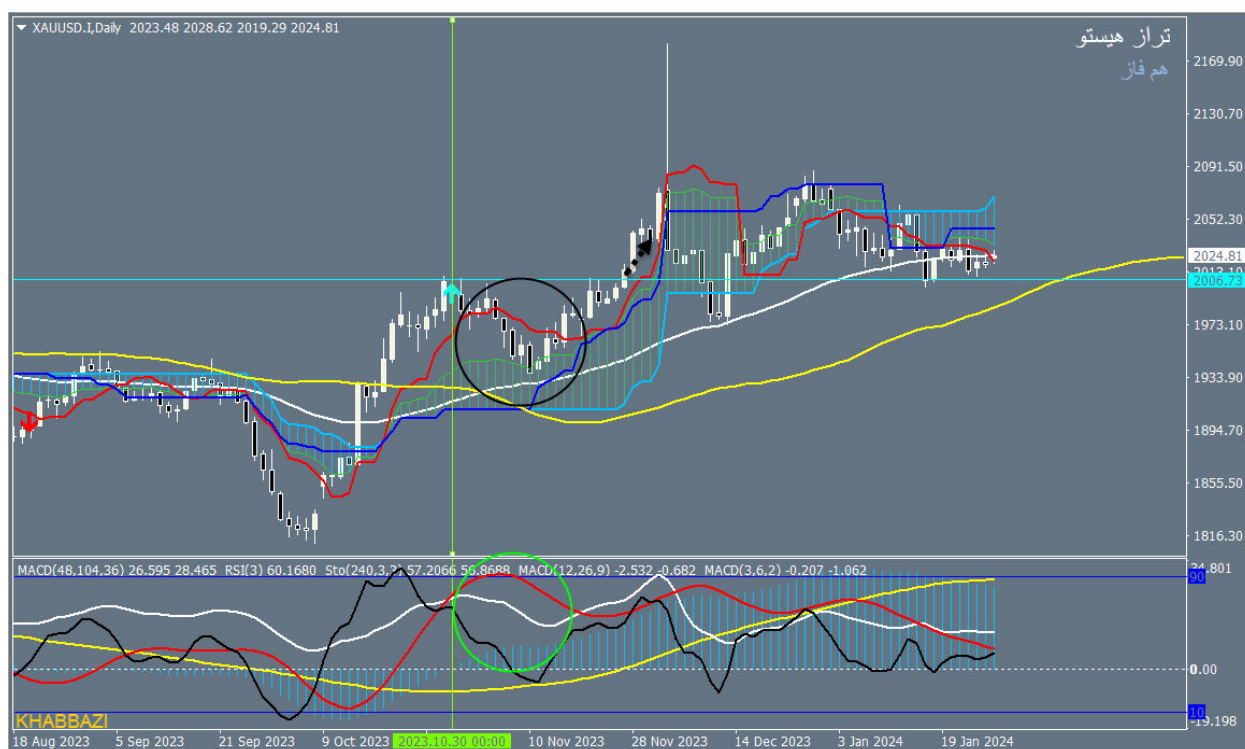
شکست تراز هیستو توسط قیمت، به منزله این است که تایم های کوچک(چرخه ها) هم جهت یا هم فاز با تایم(چرخه) بالاتر شده اند و عدم شکست تراز هیستو توسط قیمت یعنی تایم بالا، حرکت تایم پایین را تایید نکرده است.

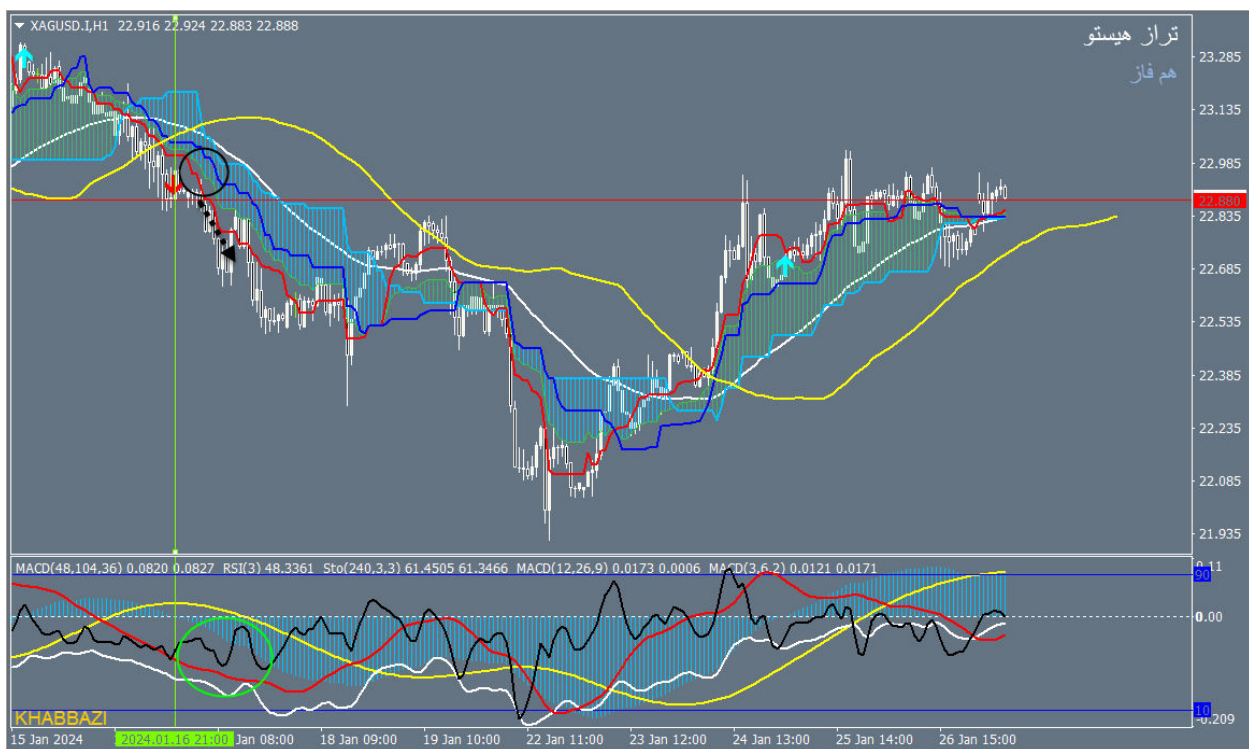
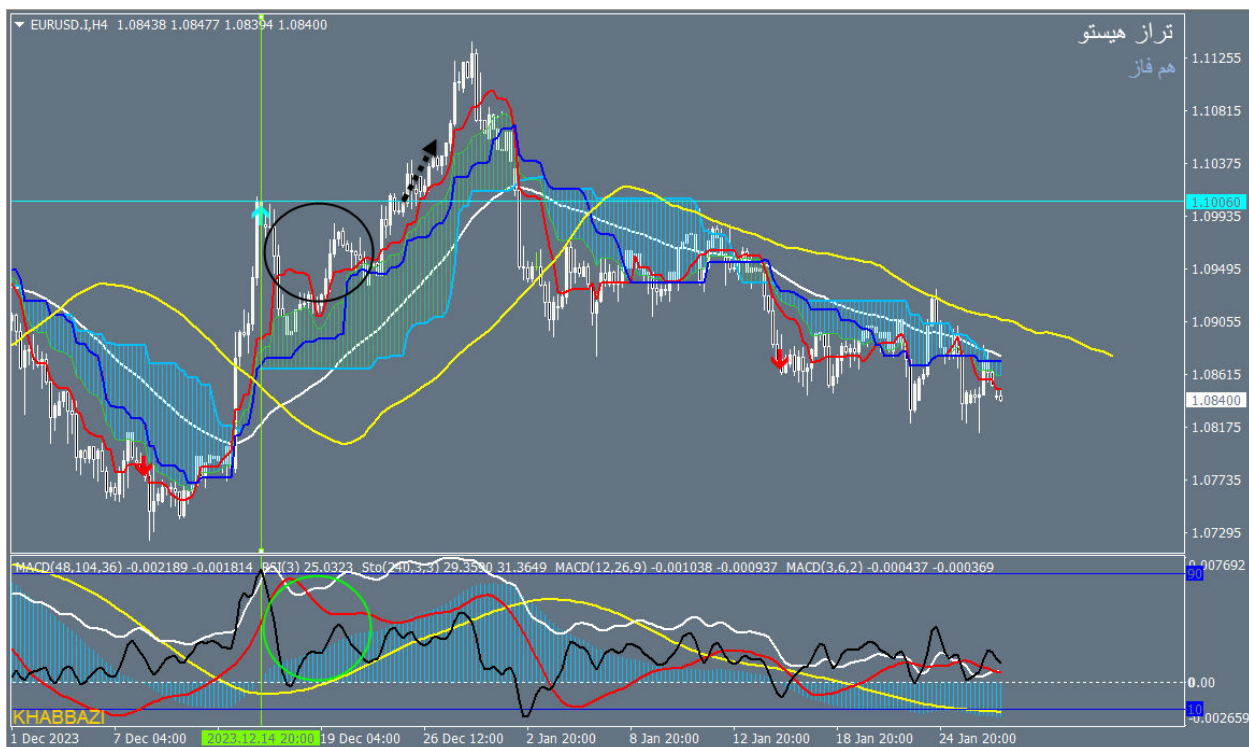
کاربرد تراز هیستو :

1_ وقتی در میز اندیکاتوری، اجزا از تراز هیستو عبور کرده اند، اما این اتفاق هنوز در چارت نیفتاده است، پس چارت و میز با توجه به تراز هیستو هایشان، در یک موقعیت یا فاز نیستند.

انتظار داریم در صورت شکست تراز توسط حرکت خزنده تنکن، چارت و میز نسبت به ترازهایشان، هم فاز شوند.

حرکت خزنده یعنی اکثرا هنگام شکست تراز هیستو توسط تنکنسن، قیمت به تنکن چسبیده است.

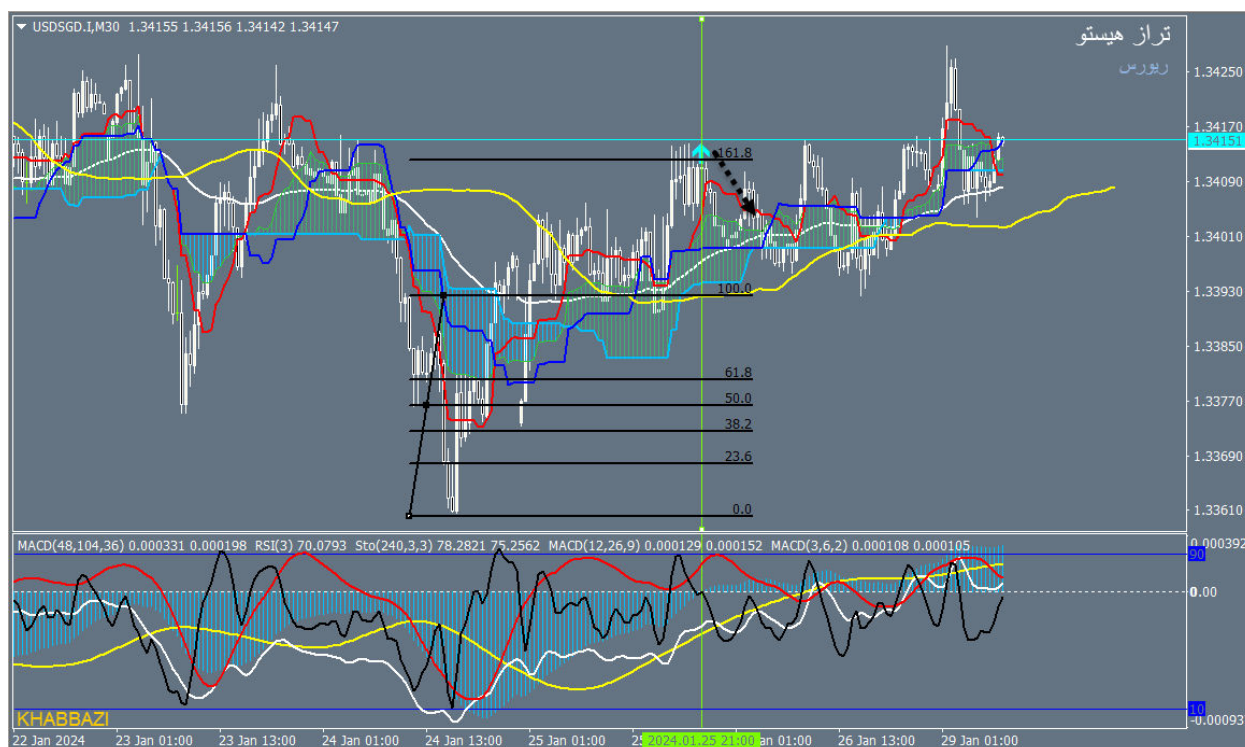


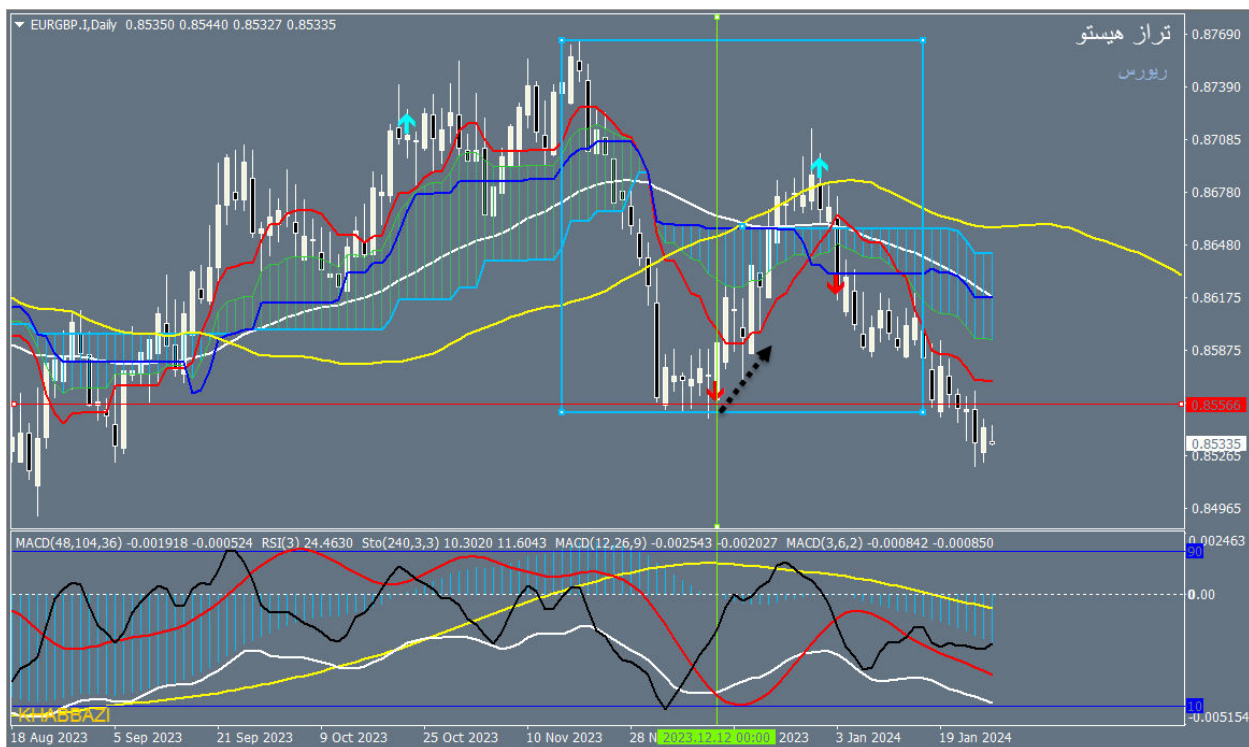
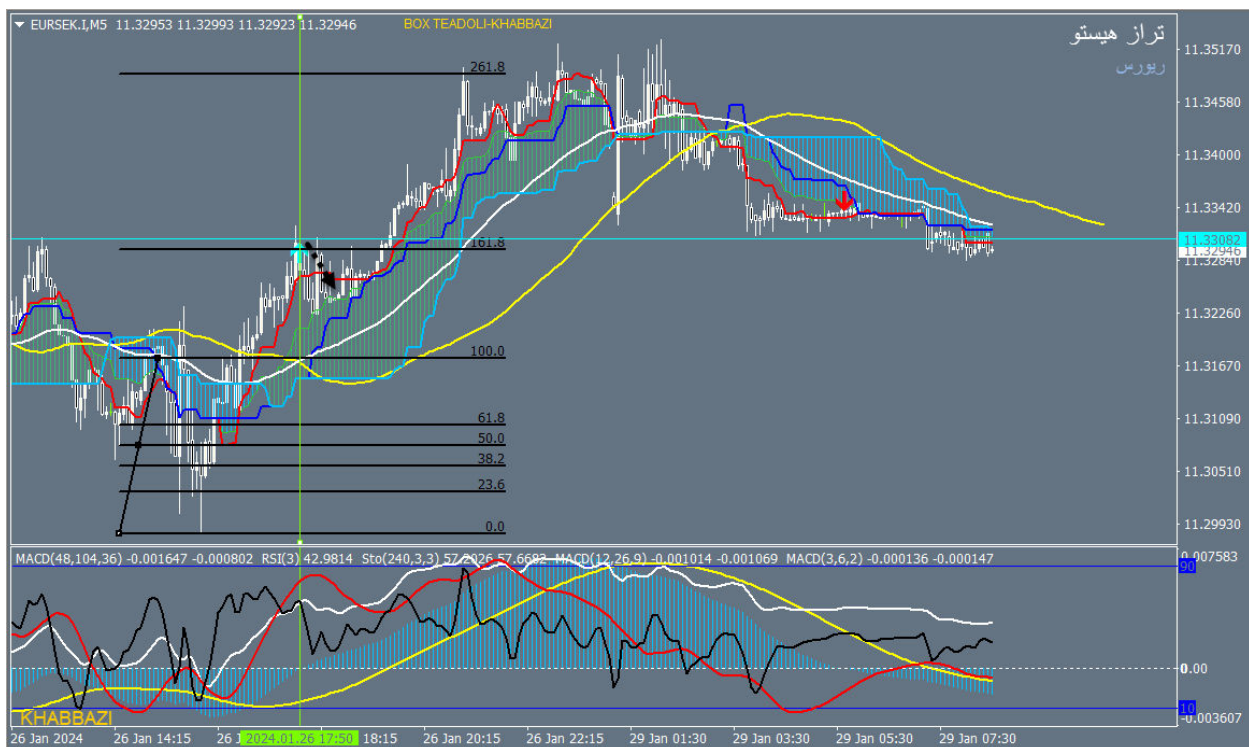


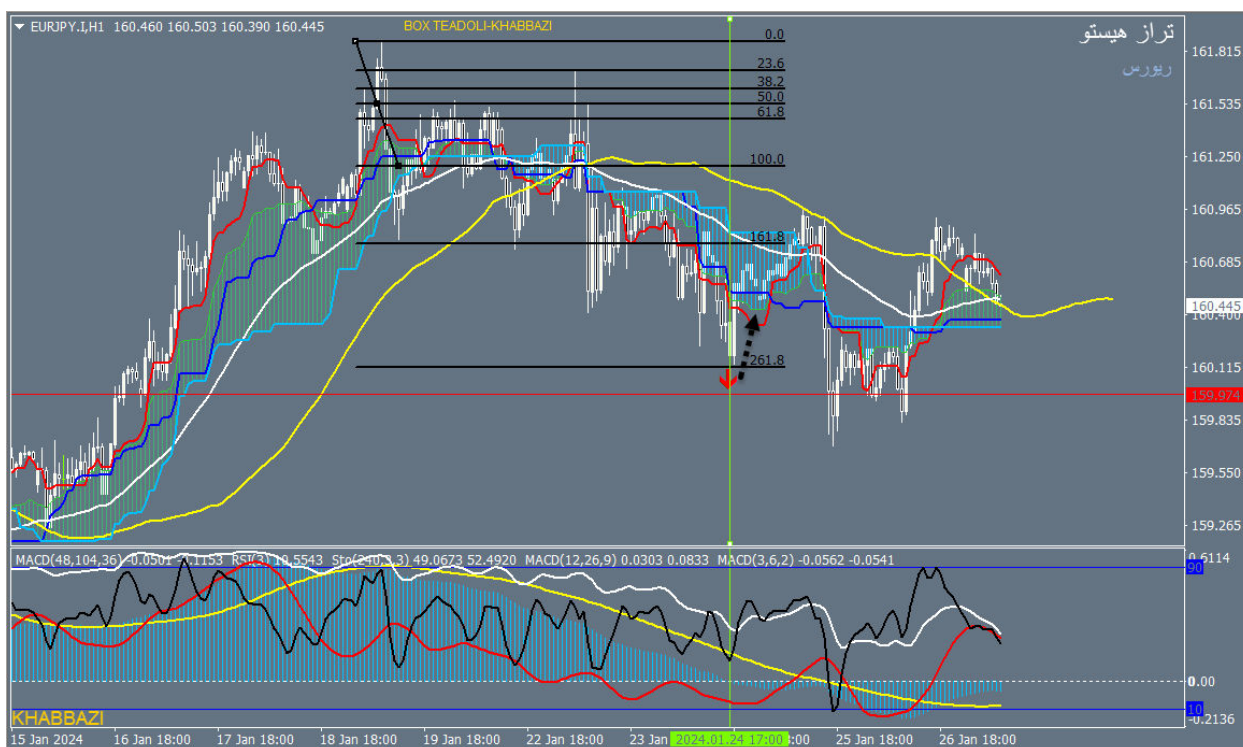
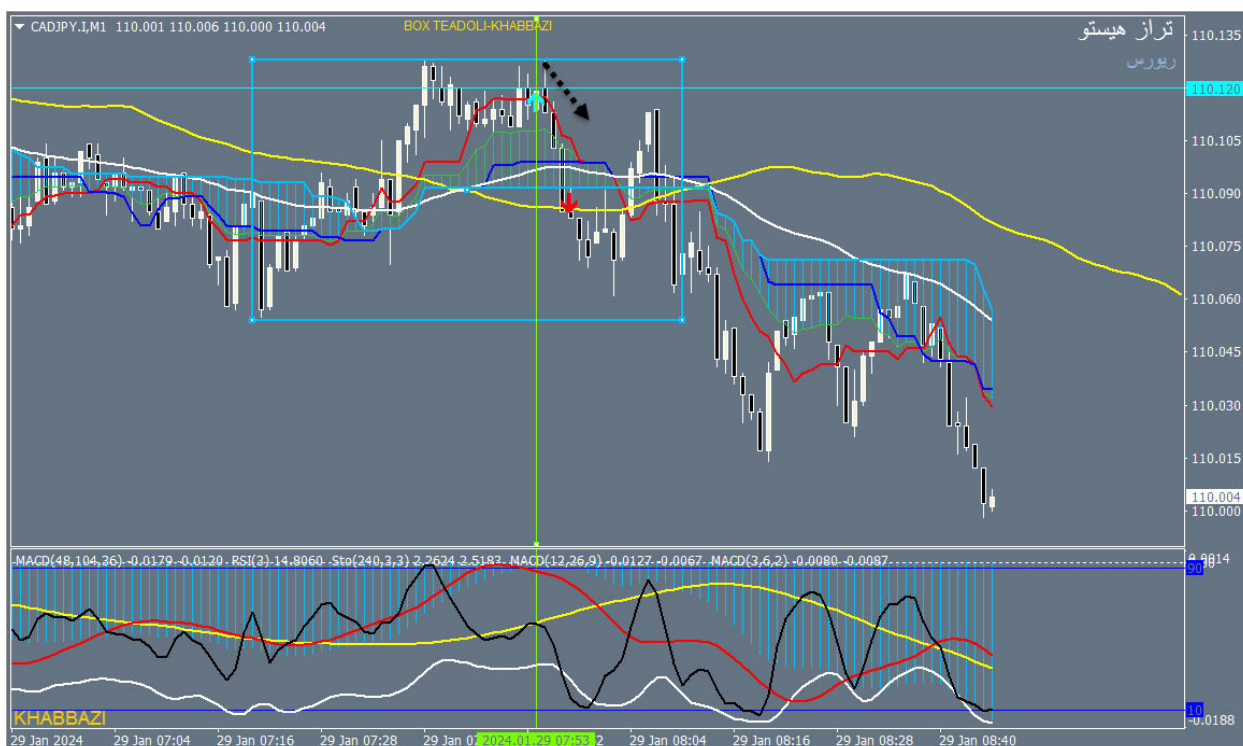
2_ هر گاه تراز هیستو و تارگت حداقلی سویچ تعادلی مربوطه اش، در یک سطح قیمتی باشند (روی یکدیگر باشند)، احتمال واکنش (ریورس یا اصلاح) است.

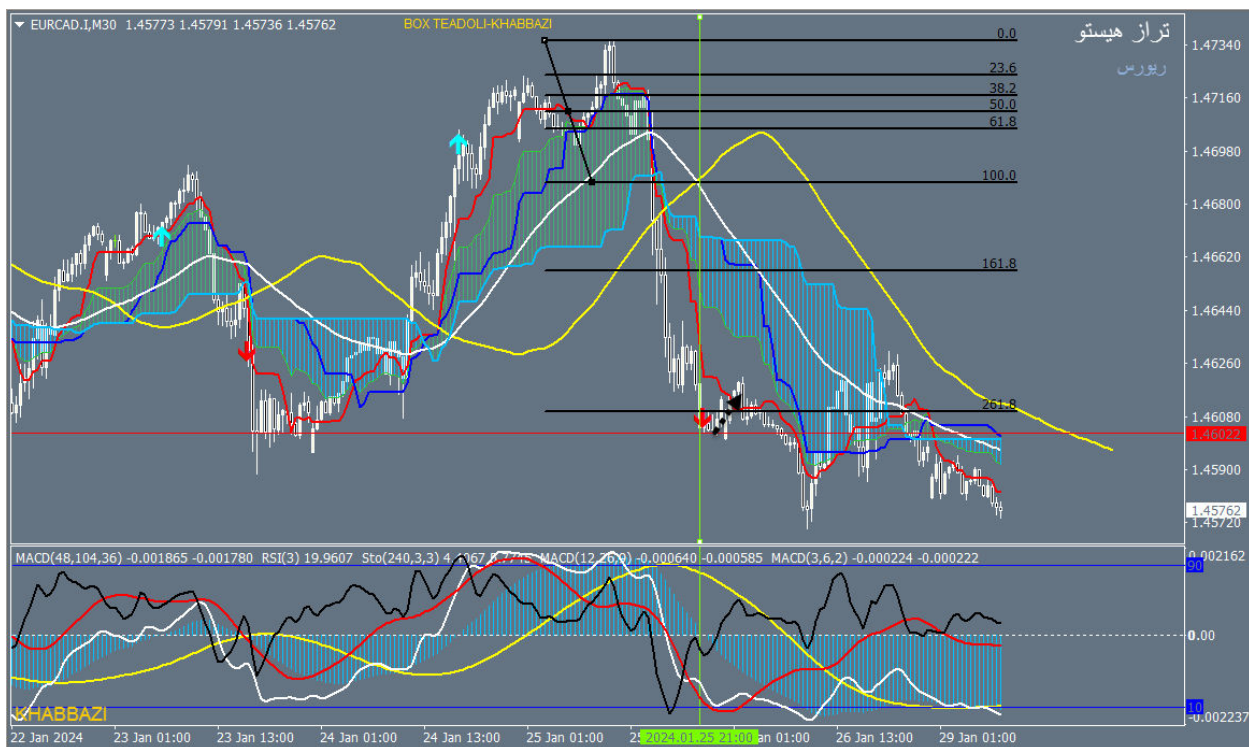
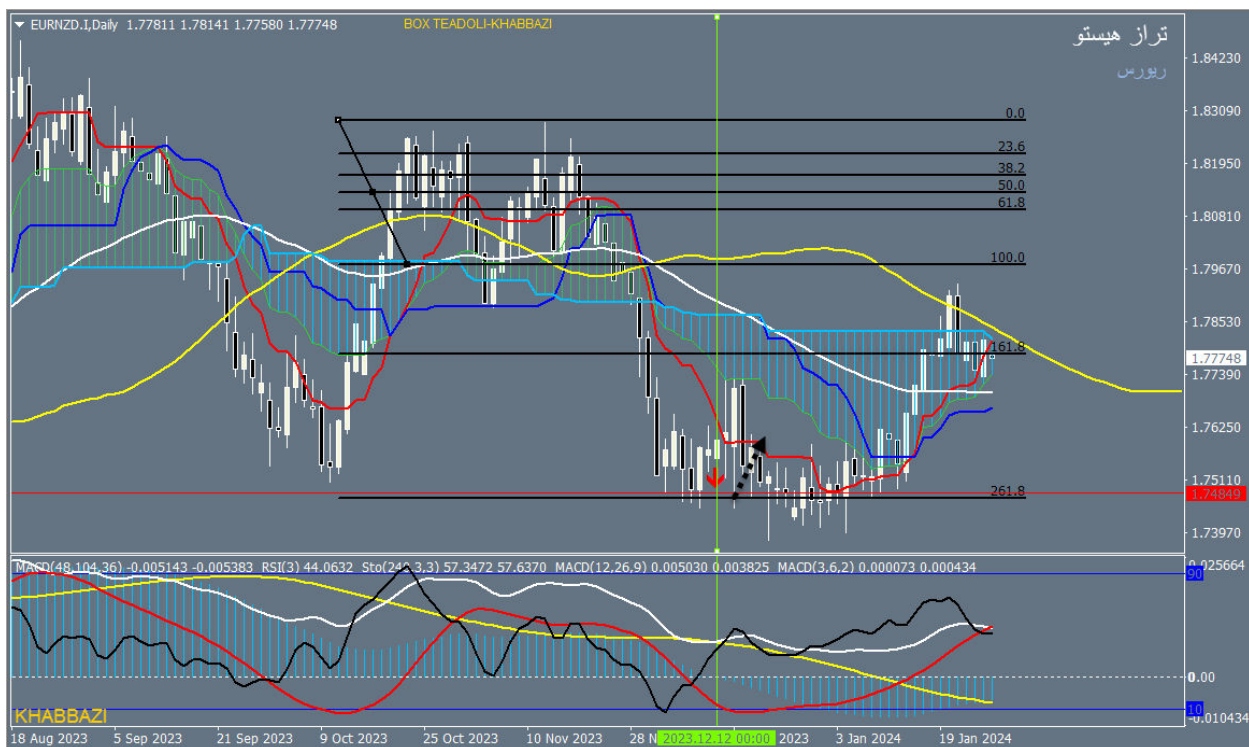
بعد از ریورس در صورتی که قیمت (تنکن)، تراز هیستو را بشکند، می تواند تا سطح تعادلی بعدی حرکت نماید تا خط قرمز از نظر موقعیت نسبت به تراز هیستو، با میز هم شکل یا متقارن شود.

هرگاه سویچ تعادلی و تغییر فاز هیستو و اشباع میز اندیکاتوری و تارگت حداقلی سویچ تعادلی در یک خط زمان باشند، ریورس (واکنش قیمت) داریم.









3_ هر گاه قیمت نتواند از تراز هیستو رد شود، هیستو فیک می باشد.

هیستو فیک معمولا بین دو هیستو بزرگ مخالف جهتی، جا خوش می کند و باعث پرتاب قیمت می شود.

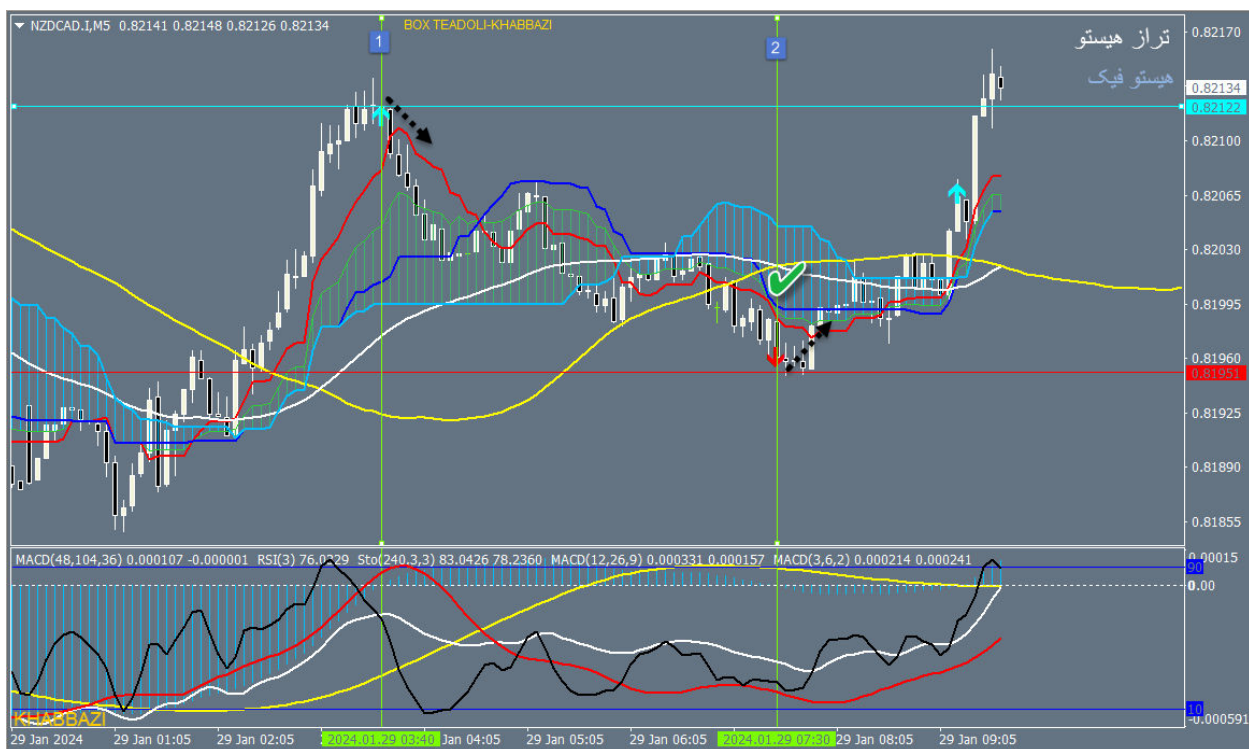
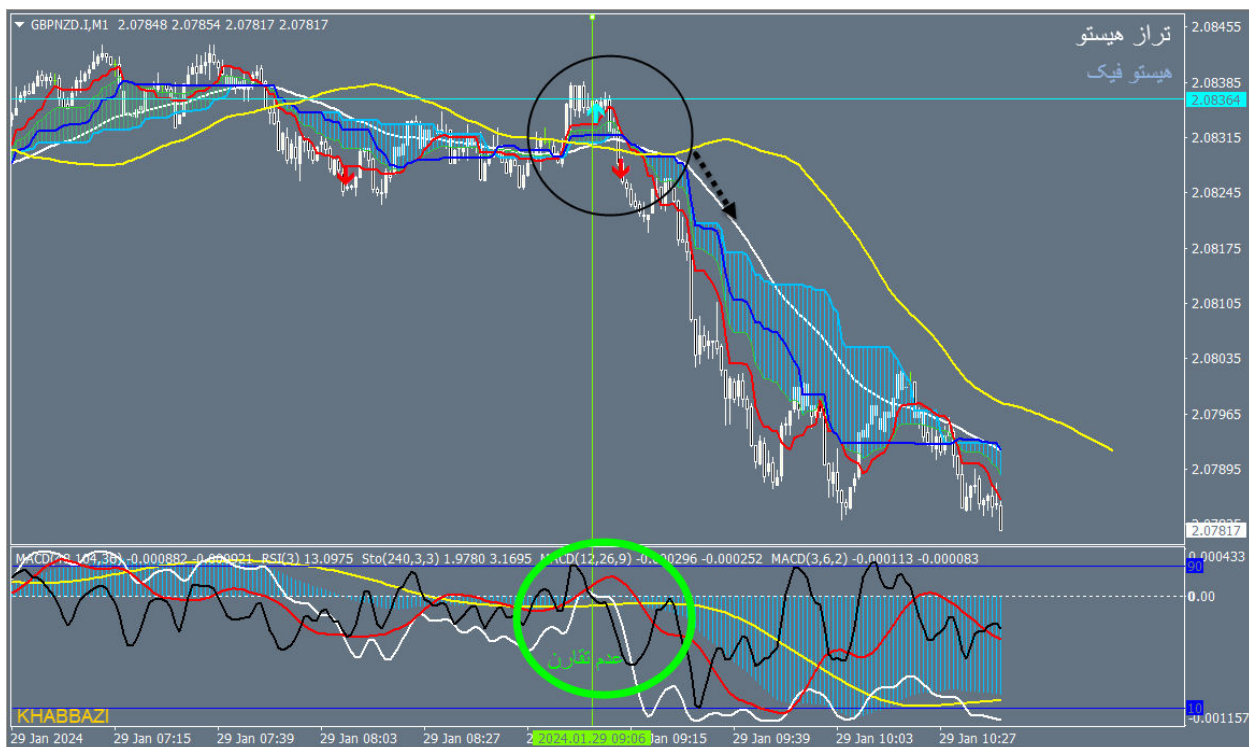
با برگشت قیمت از تراز هیستو فیک، سویچ تعادلی جدید می زند و تارگت حداقلی سطح 161 آن وین ریت خوبی دارد.

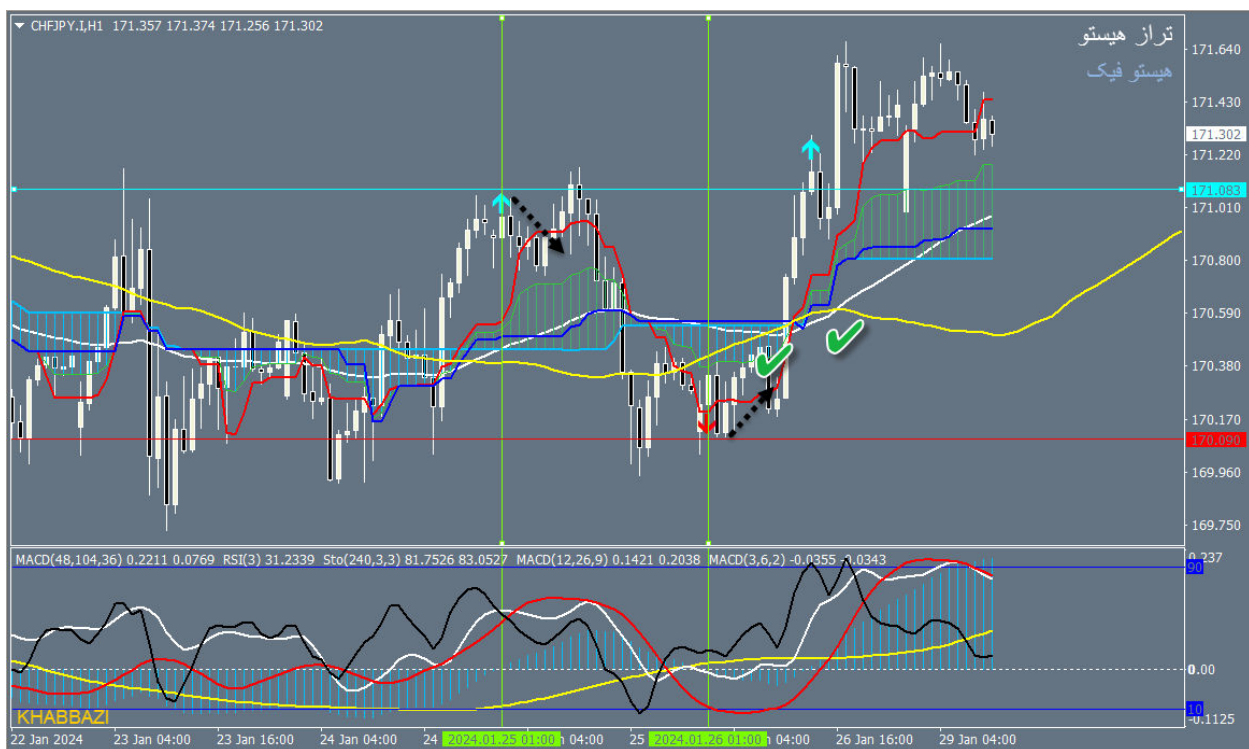
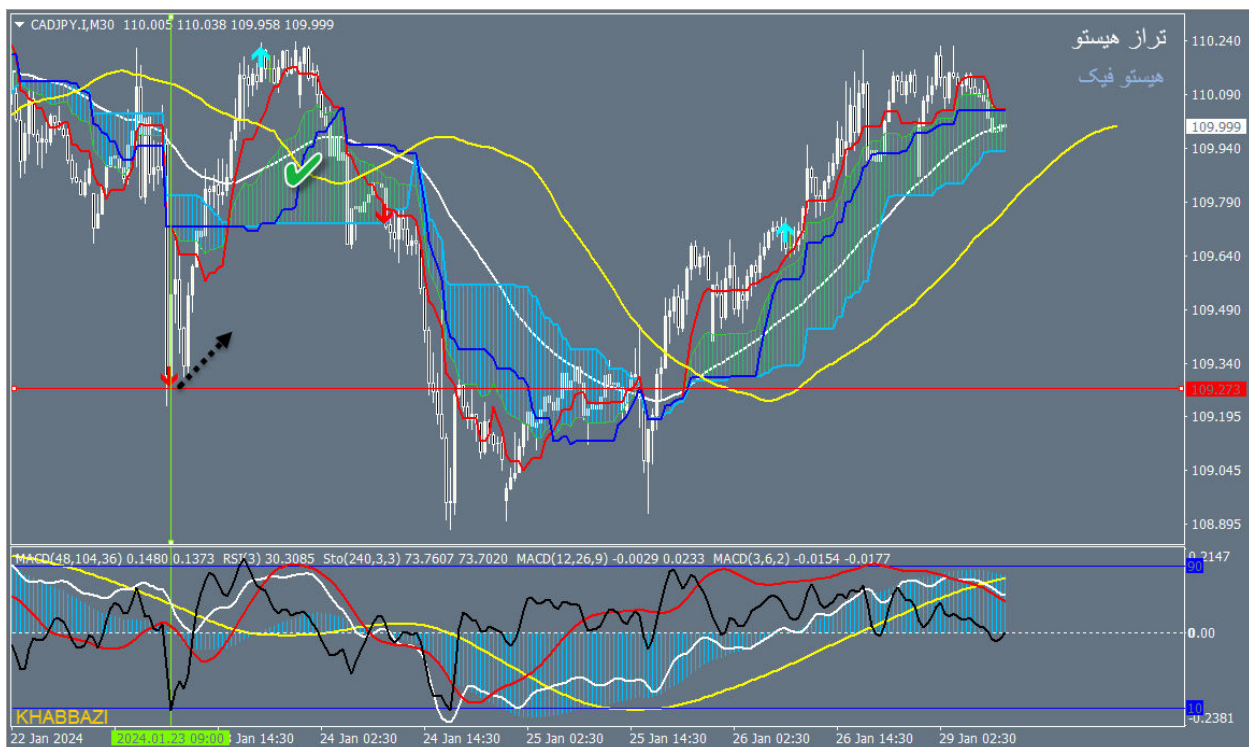
همزمانی اشباع میز اندیکاتوری با تراز هیستو، باعث فیک شدن هیستو می شود که ارمغان آن، ظاهر شدن تراز جدید قبل از تشکیل سویچ تعادلی جدید خواهد بود(پیش بینی سویچ تعادلی).

در ستاپ تقارن در حالت عدم تقارنش، صفر شدن هیستو(هیستو صفر) و یا هیستو فیک، نقطه صفر ورود برای ستاپ توازن می باشد.

در خط اول قیمت از تراز هیستو عبور نکرده است، پس هیستو فیک است و در برگشت، باعث تغییر فاز هیستو شده است. این تغییر فاز باعث ظاهر شدن سویچ تعادلی جدیدی می شود که اگر این سویچ و تراز قبلش در یک راستا باشند، طبق کاربرد قبلی امکان ریورس نیز می باشد.

برای اطمینال از اشباع بودن قرمز در خط دوم، می توان به تایم فرکتال رفت و با اشباع خط زرد یعنی در تراز 10 بودن آن، تایید اشباع خط قرمز را در تایم اصلی گرفت.





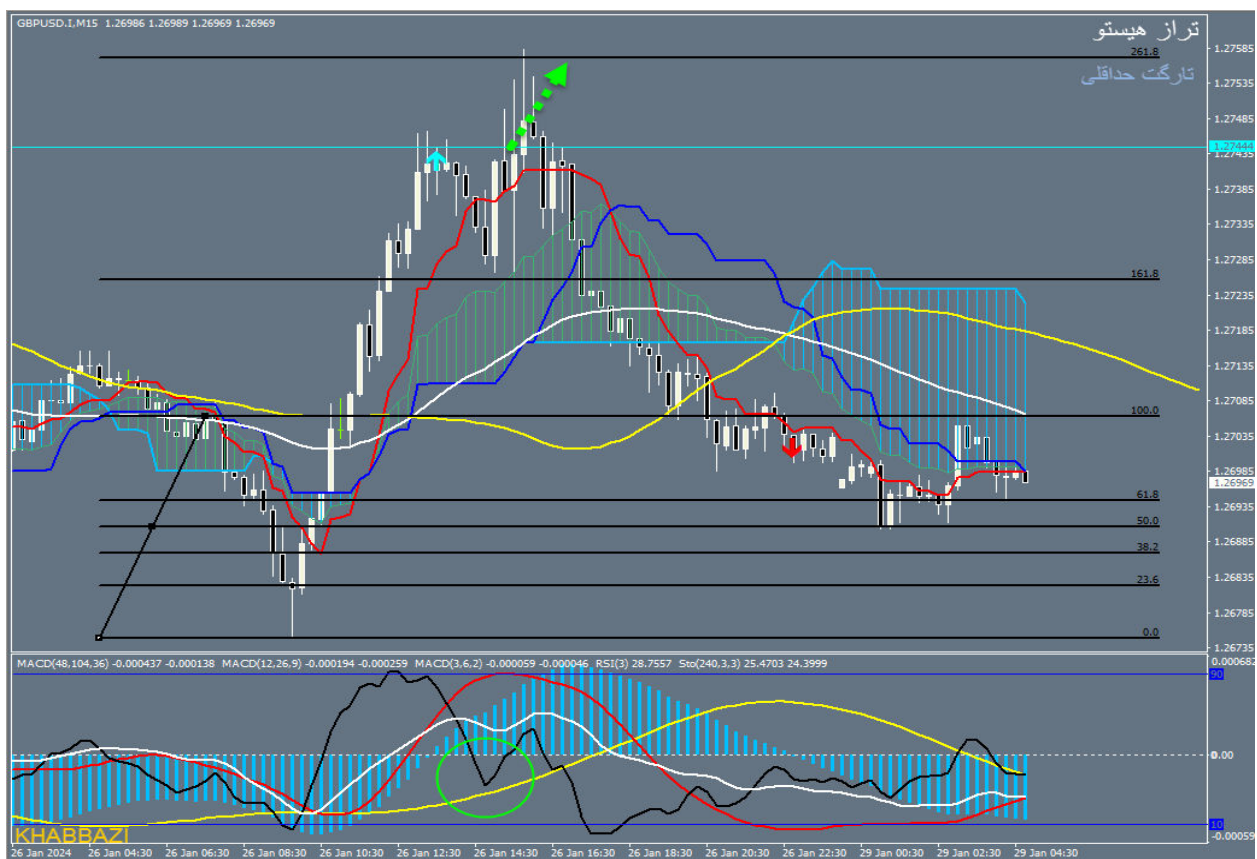
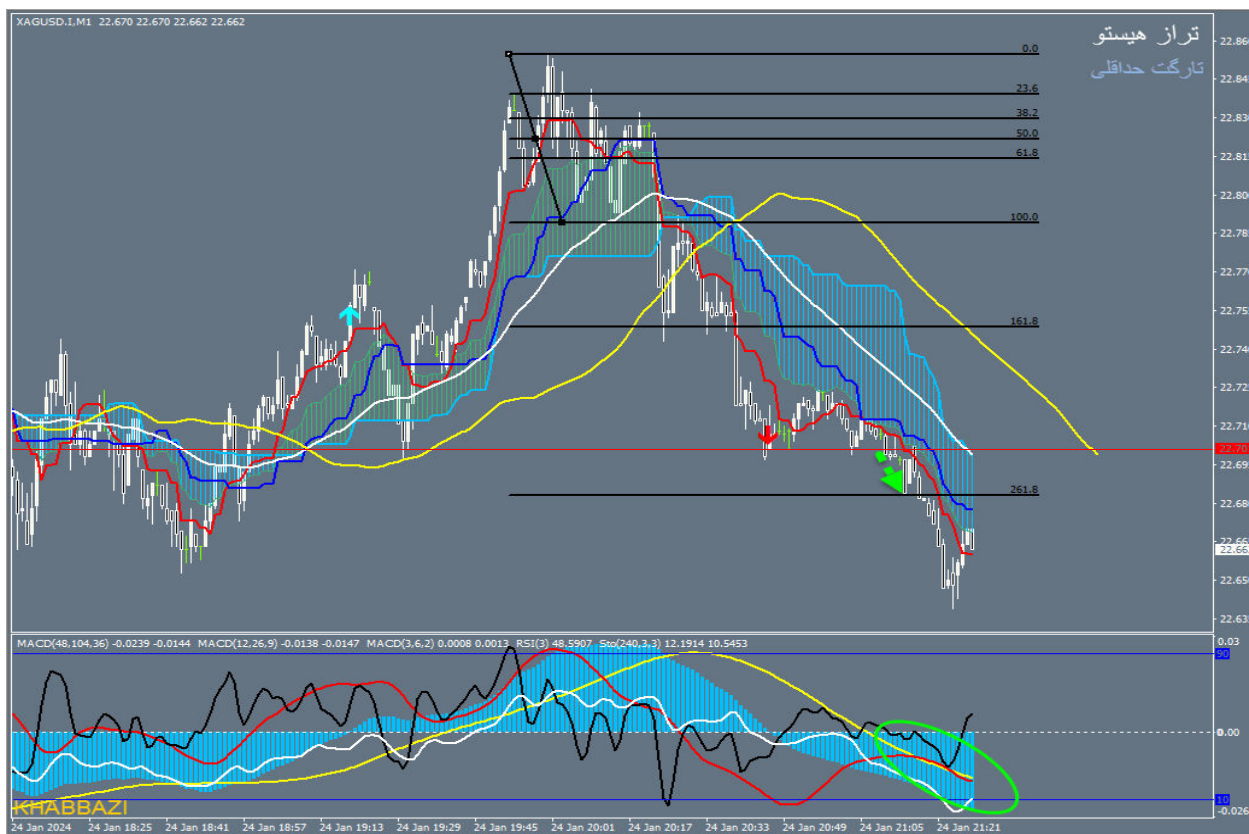
4_ هر گاه تراز هیستو ظاهر شود، اما سویچ تعادلی، تارگت حداقلی اش را نداده باشد، منتظر می شویم تا تراز هیستو بشکند. حال تا تارگت حداقلی اش با قیمت همراه می شویم.

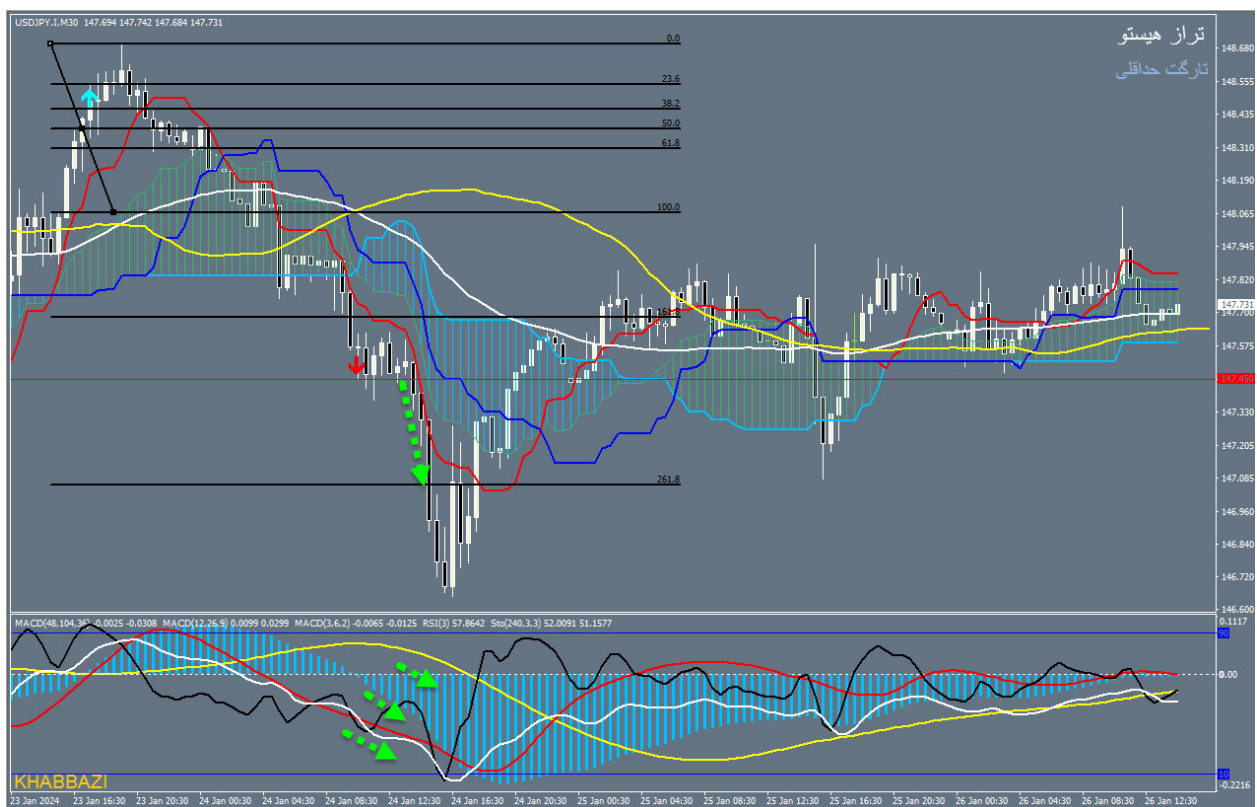
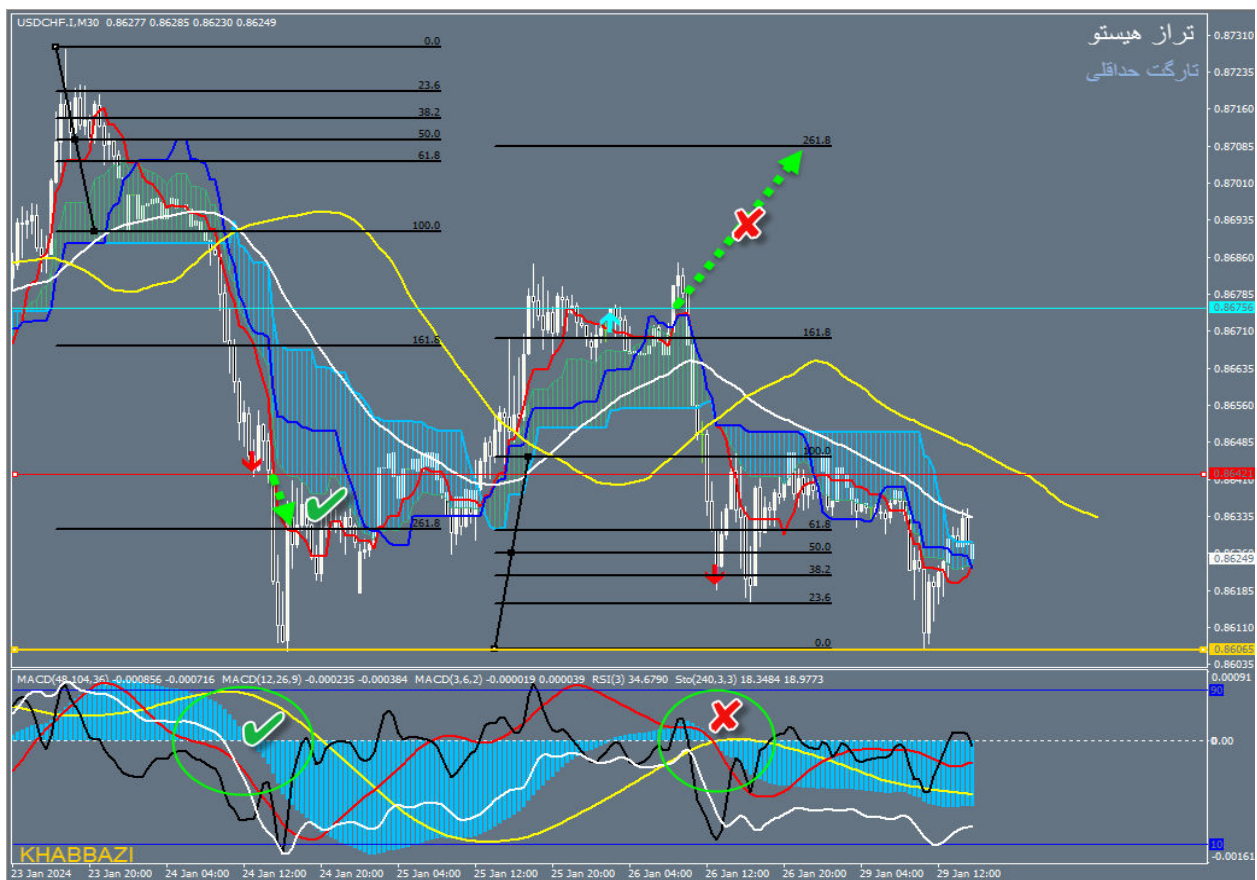
اگر میز اندیکاتوری (خطوط قرمز و مشکی)، موافق جهت تغییر فاز هیستو باشند، یعنی خط زرد را در جهت تارگت تراز، کراس کرده باشند، به علت هم جهتی سایکل ها، اطمینال بیشتری به دادن تارگت حداقلی می باشد.

اگر قبل از دادن تارگت حداقلی، خط زرد در میز به اشباع برود، ریسک فری می کنیم. تارگت حداقلی هر سویچ تعادلی با توجه به موقعیت این سویچ نسبت به ایچی با شیفیت صفر بدست می آید.

تارگت حداقلی هر سویچ تعادلی اگر سویچ تعادلی، داخل کومو باشد سطح 161 از فیبو تعادلی، اگر روی فلت سنکو B باشد، انتهای باکس تعادلی و اگر خارج از کومو باشد، سطح 261 از فیبو تعادلی می باشد.

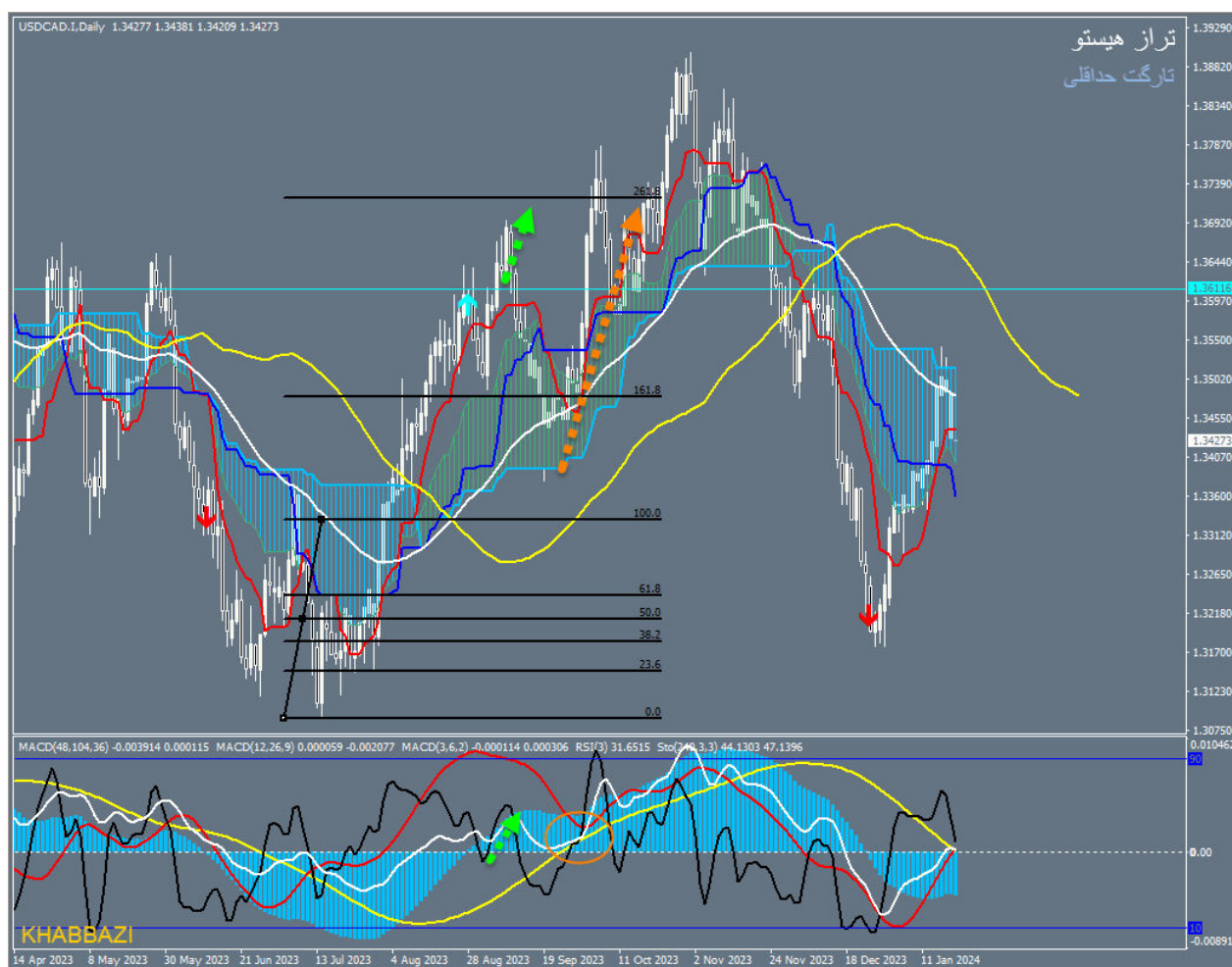
سطح صد از فیبو یا مرکز باکس بر روی سویچ تعادلی و سطح صفر از فیبو یا ابتدای باکس بر دره یا قله شروع حرکت قرار می گیرد.





ورود مطمئن در این تیپس، بعد از شکست تراز می باشد. این تیپس می تواند به صورت مکانیکی یعنی هیچ تحلیلی انجام شود. اما با در نظر گرفتن شرایط میز و یا ورود از کف مطمئن در همین تایم به امید تاج تراز هیستو و سپس شکست تراز هیستو و دسترسی به تارگت حداقلی سویچ تعادلی و یا انتقال محدوده تارگت به ستاپ توازن در تایم پایین تر که به آن تسلط داریم، وین و ریوارد بهتری به تیپس خواهد داد.

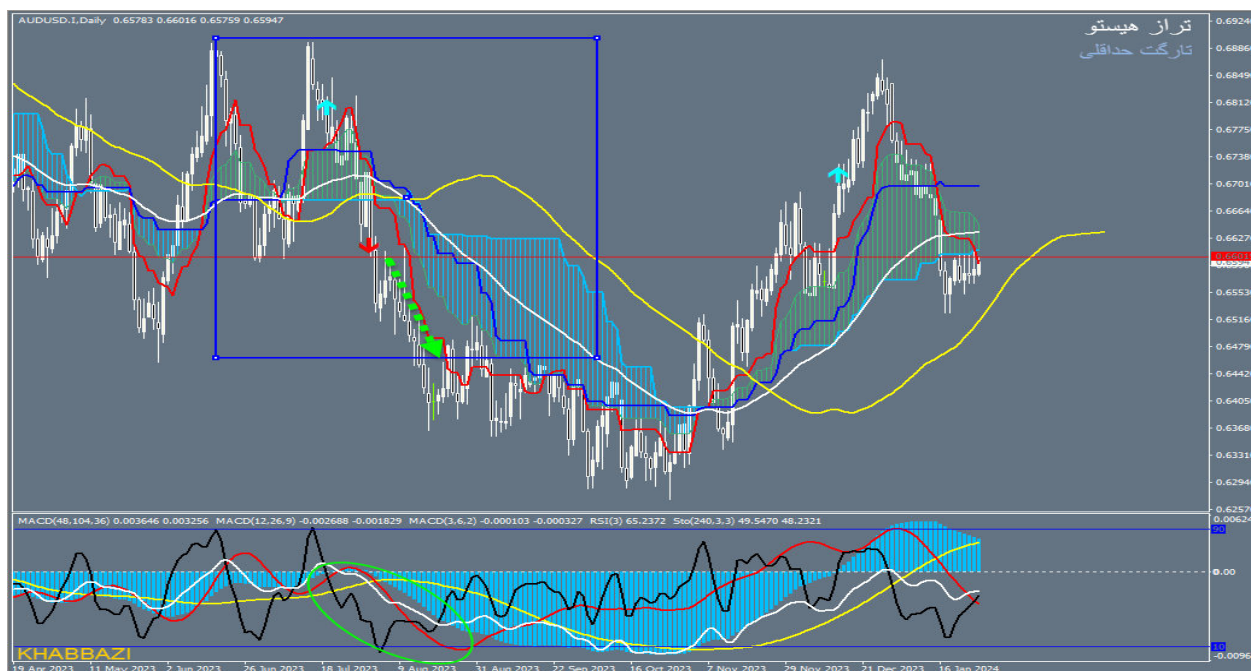
این تیپس(بدون قطعیت) یاد آور این تیپس از ایچی است که تا قله را نزند، کف خورده نخواهد شد و بالعکس.



شکست تراز هیستو می تواند همراه با حالت عدم تقارن از ستاپ تقارن باشد.

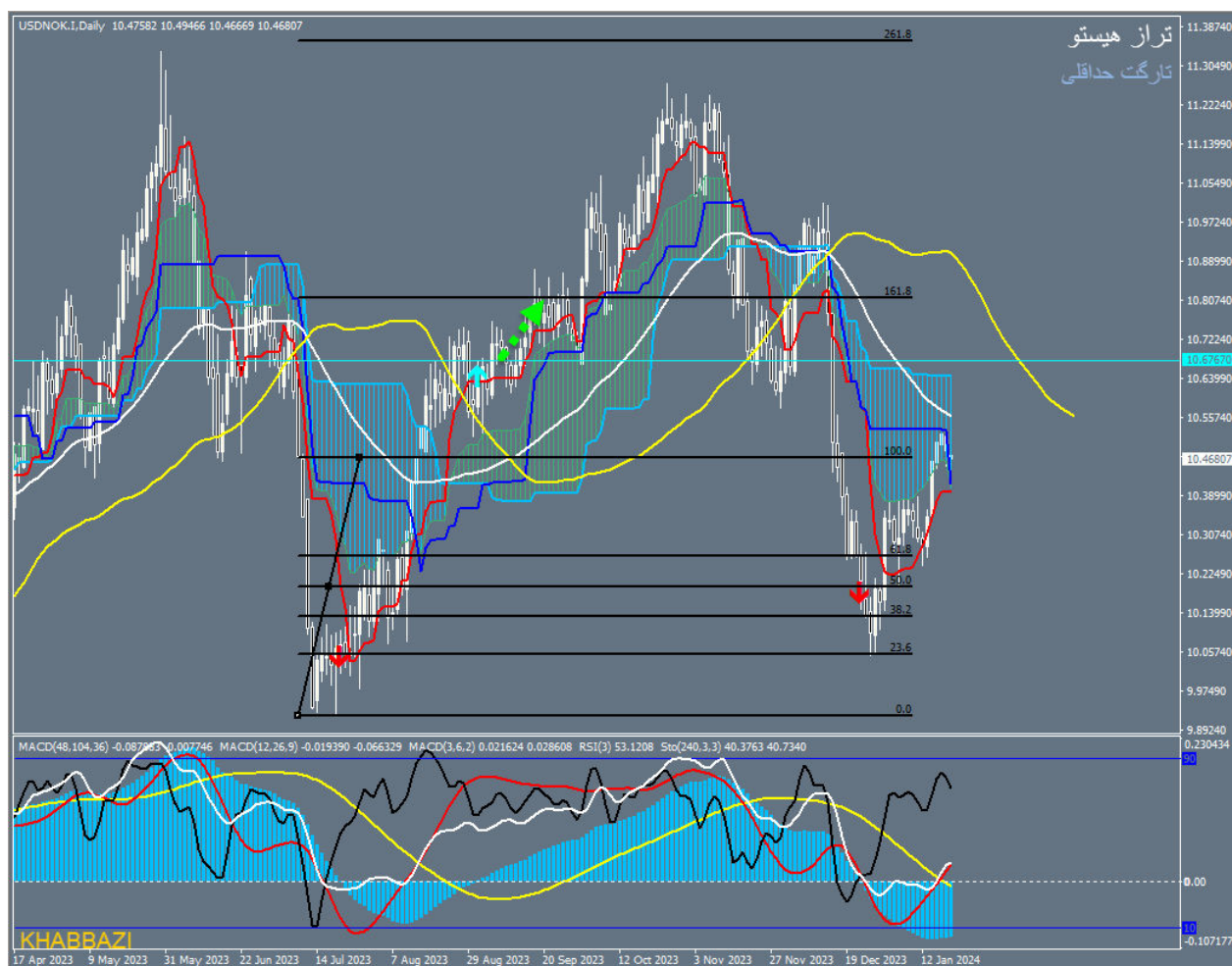


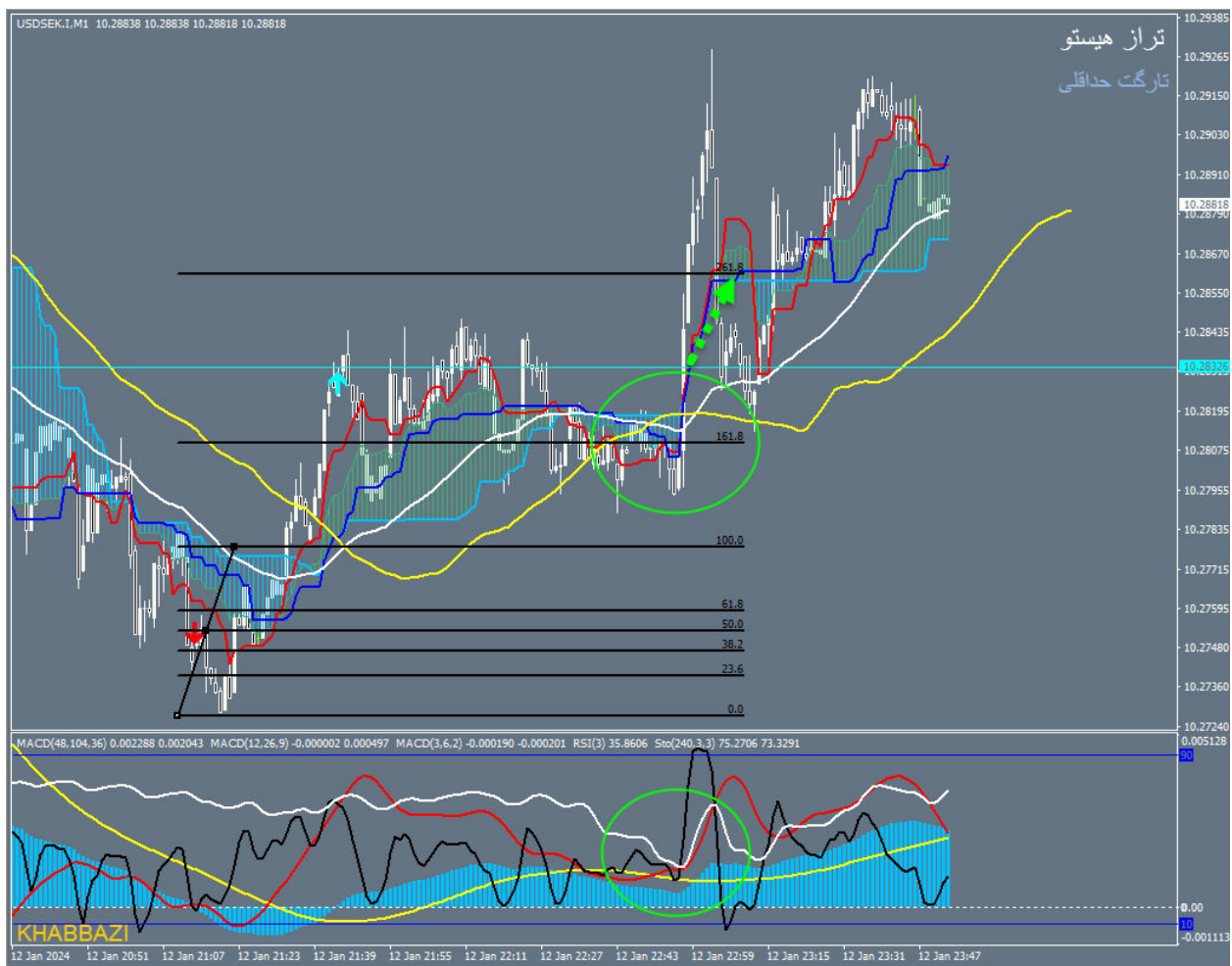
ستاپ هم شکلی هیستو، خبر از شکست تراز هیستو می دهد.



وقتی گام حرکتی(لگ اول حرکت تا وقتی سویچ تعادلی ظاهر شود) بلند باشد، تارگت حداقلی معمولاً سطح **161** از فیبو تعادلی می باشد؛ زیرا سویچ تعادلی داخل کوموی ایچی می افتد.

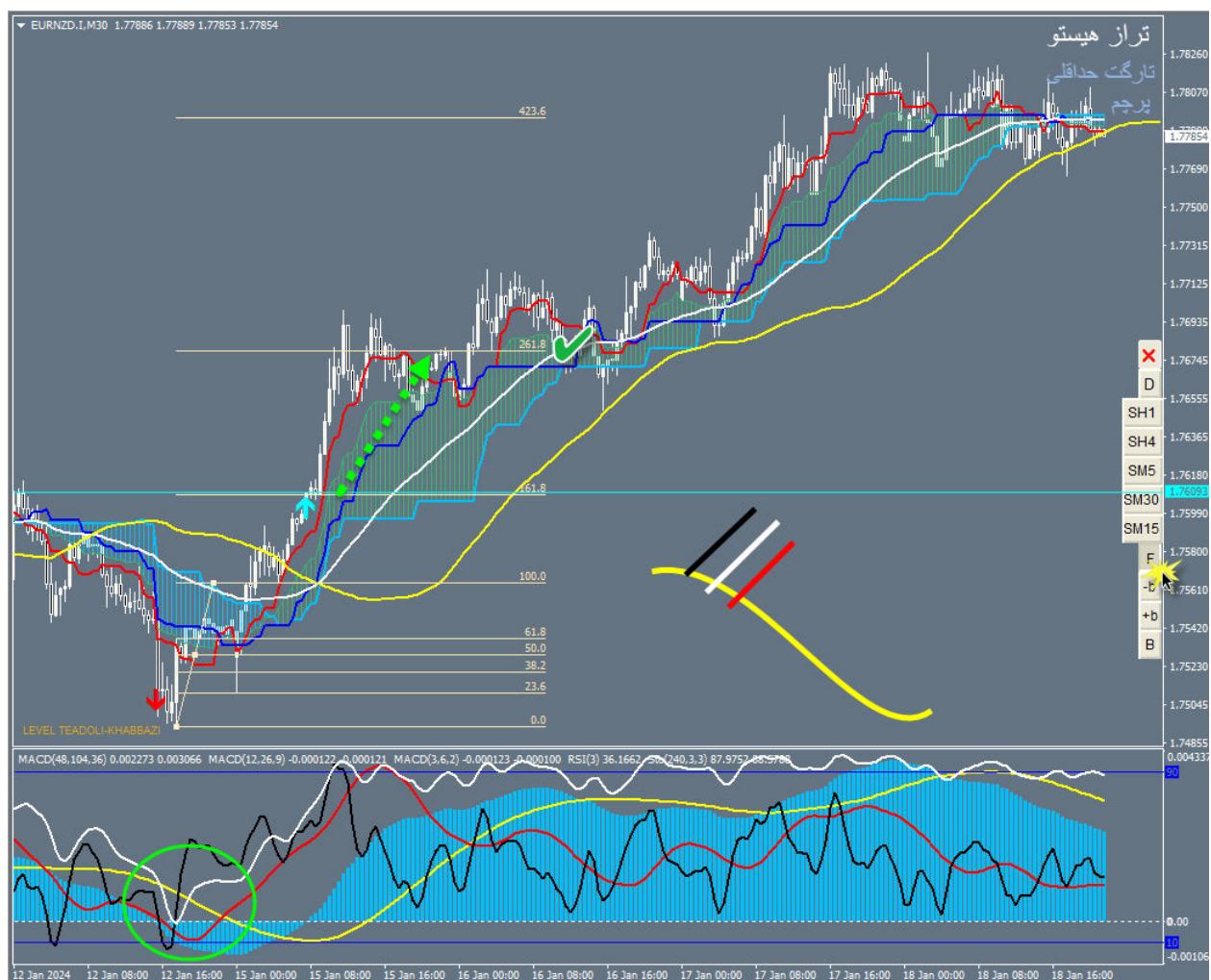
پس اگر قبل از سطح **161**، تراز هیستو شکسته شده باشد، تاچ تارگت اطمینان بیشتری دارد.

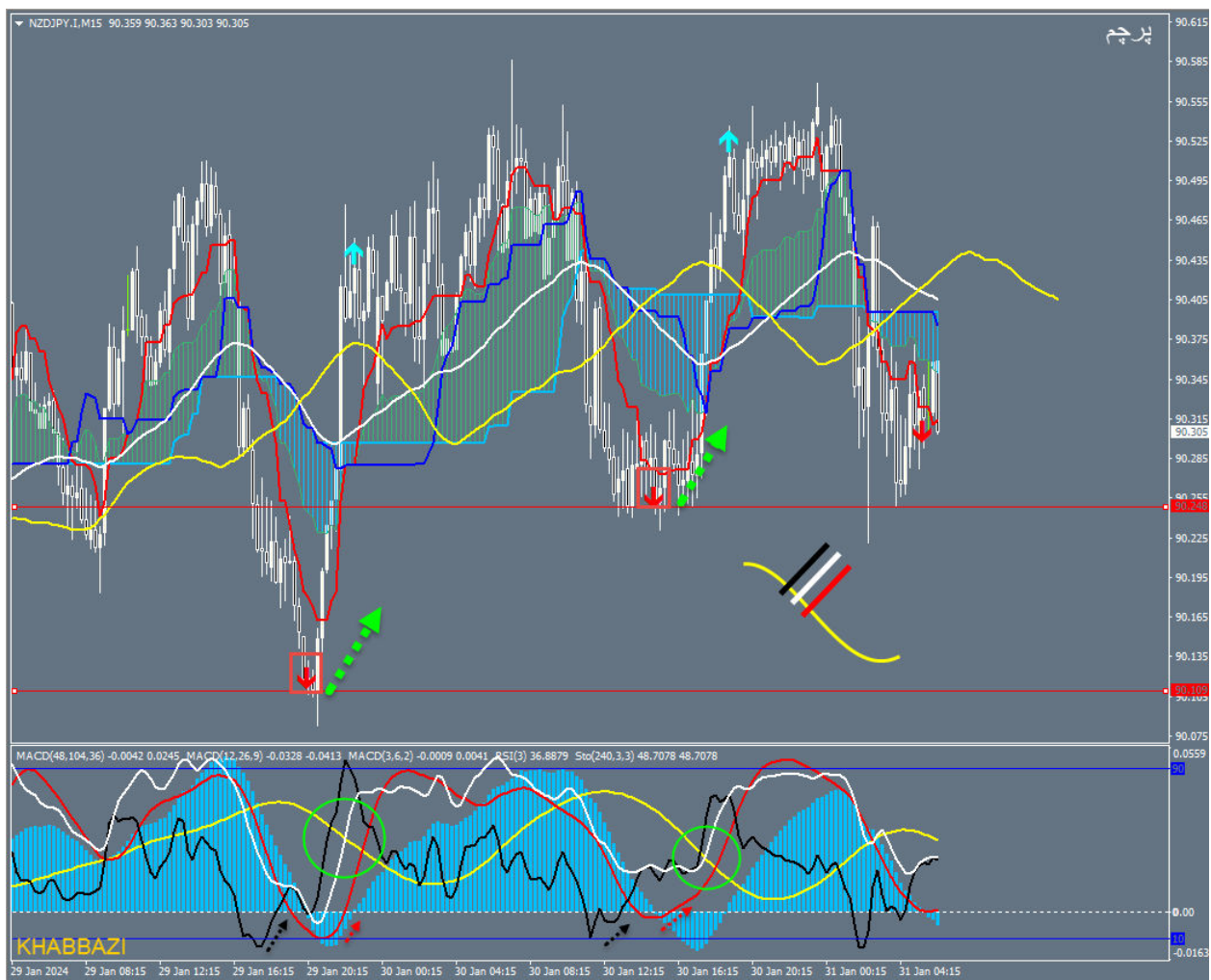




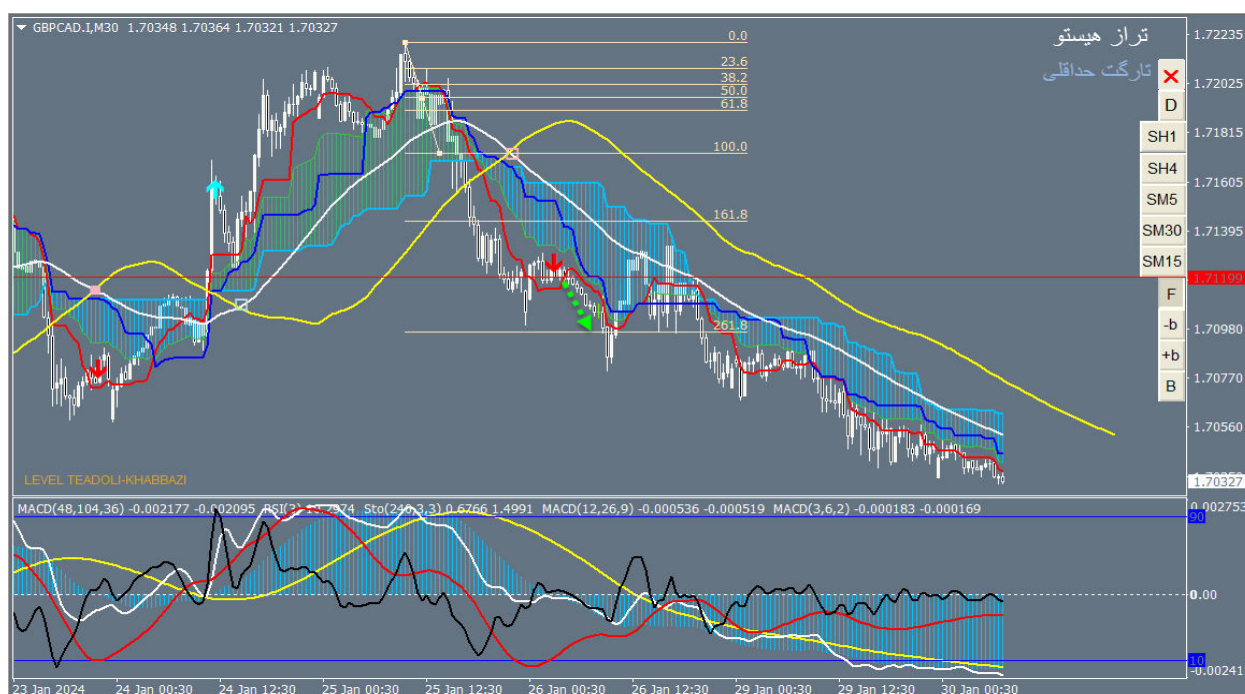
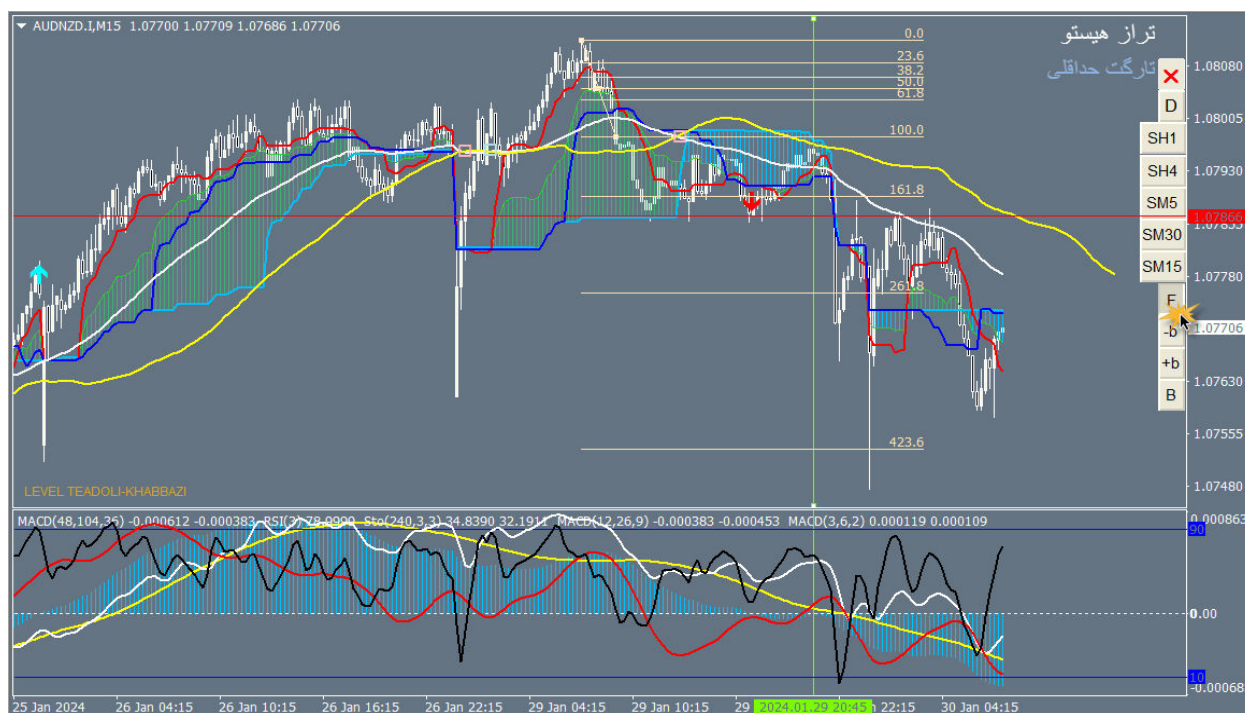
پرچم، وضعیت میز اندیکاتوری در محدوده داخل دایره را نشان می دهد که دلالت بر توالی دوره ها یا چرخه ها دارد.

شروع حرکت با تایم کوچک یعنی خط مشکی و بعد خط قرمز می باشد.





می توان با استفاده از اندیکاتور تراز هیستو، بعد از ظاهر شدن پیکان مربوط به تغییر فاز هیستو، بر روی آن کلیک کرد تا تراز هیستو ظاهر شود و با استفاده از اندیکاتور لول، با توجه به موقعیت سویچ تعادلی نسبت به ایچی، فیو(F) یا باکس تعادلی(B) رسم کرد و با همان اندیکاتور ها نیز این موارد را پاک نمود.



5_ هر گاه تراز هیستو قبل از سویچ تعادلی باشد، سویچ تعادلی در آینده ظاهر خواهد شد؛ پس تارگت 161 سطح فیبوی آن مطمئن است. این موقعیت، اکثرا بعد از هیستو فیک، فراهم می شود.

هر گاه دو پیکان مربوط به تغییر فاز هیستو به صورت متوالی ظاهر شوند و بین آنها سویچ تعادلی نباشد، سویچ تعادلی ظاهر خواهد شد.

پیش بینی سویچ تعادلی صعودی :

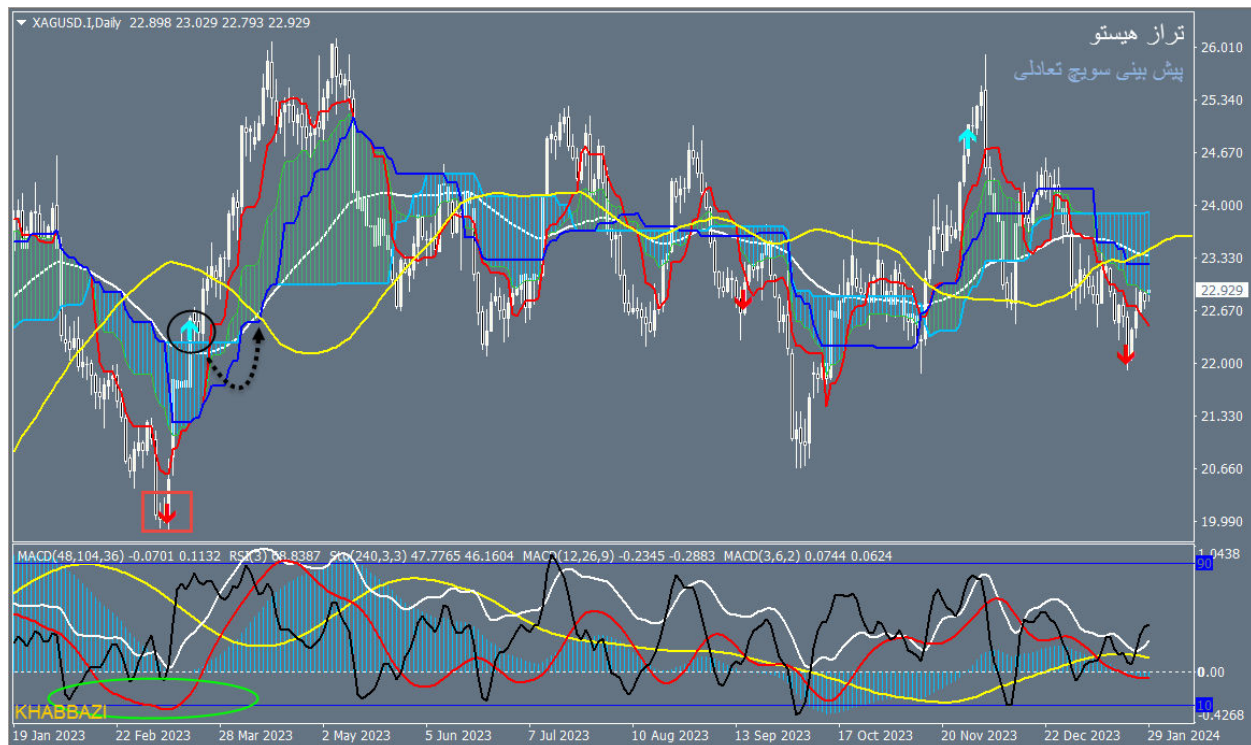
هر گاه خطوط مشکی یا قرمز یا زرد و یا برای اطمینان بیشتر وقتی هر سه در میز اندیکاتوری، در تراز 10 هستند و سطح قیمتی مربوط به هر سه تقریبا یک محدوده است، هم زمانی چرخه ها را داریم.

اجازه می دهیم قیمت با حرکتش به سمت بالا، بالای موینگ سفید مستقر شده و فلت سنکو B را کراس کند. تاچ فلت سنکو توسط قیمت به منزله تثبیت هیستو در میز و در ادامه، چرخش آن می باشد.

سپس سویچ صعودی کوموی ایچی زده شود و هیستو تغییر فاز دهد، در این صورت سویچ تعادلی صعودی ظاهر خواهد شد.

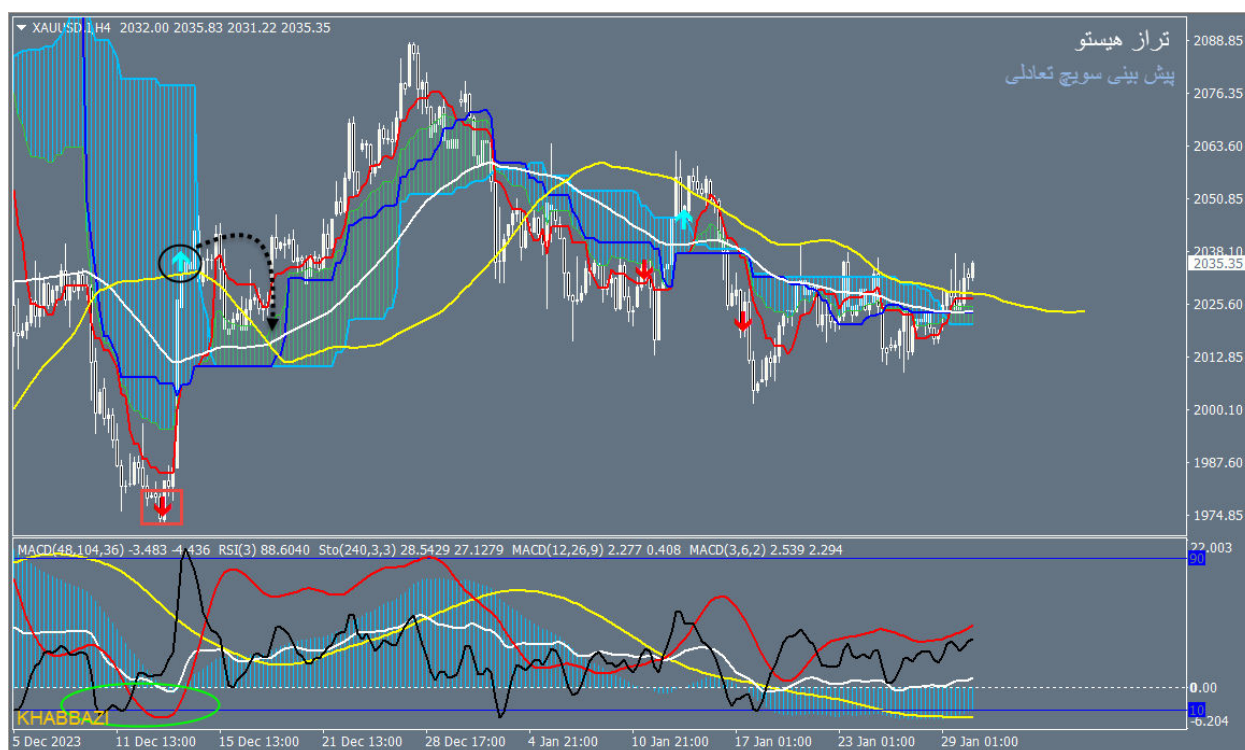
تارگت حداقلی سویچ با توجه به موقعیت آن نسبت به ایچی، مشخص است. می توانیم ترید اسکلیپی یا روند دار انجام دهیم.

در شکل چون تراز هیستو همزمان با کراس کندل با فلت ایچی و موینگ است و گام حرکتی نیز خوب می باشد، پس می توان ترید نمود.



در شکل چون تراز هیستو نسبت به موقعیت موینگ و فلت سنکو اسپن B دور می باشد، در موقعیت ظاهر شدن تراز، ترید نمی کنیم.

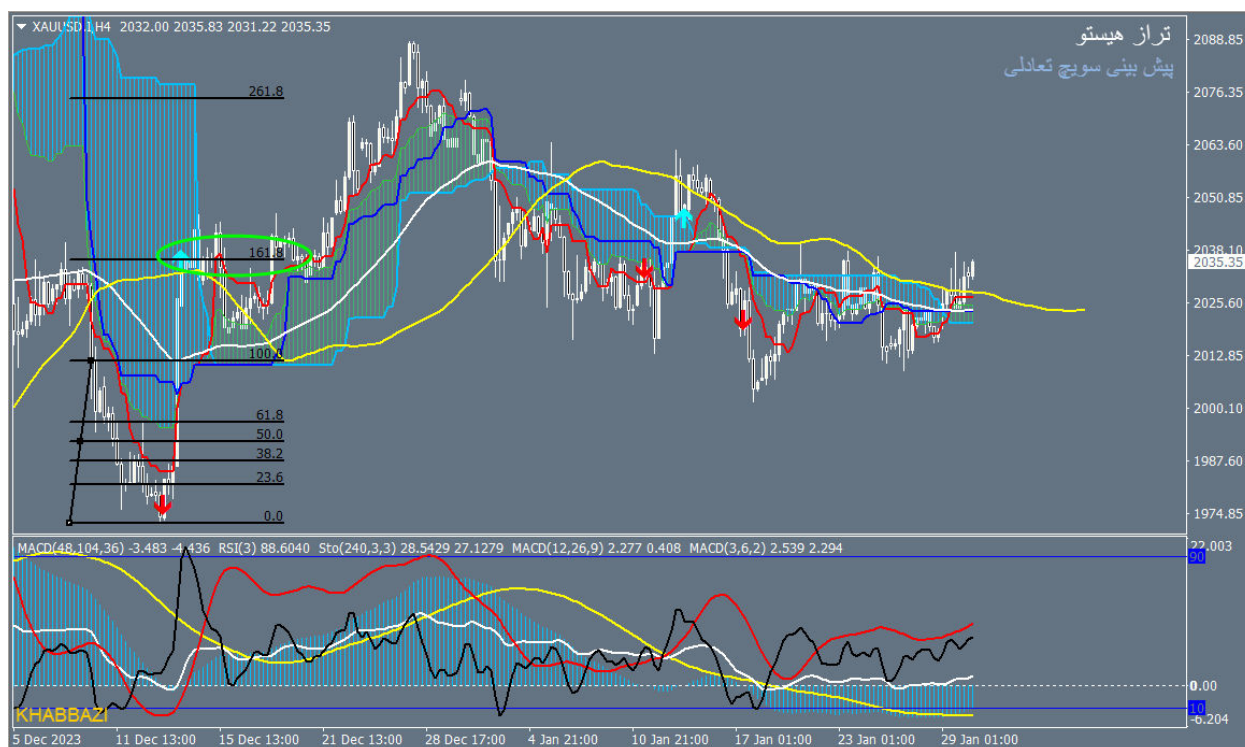
اما با برگشت قیمت به فلت ایچی، اگر تارگت حداقلی را نداده باشد، می توان ترید زد.



در زمان ظاهر شدن پیکان مربوط به اندیکاتور تراز هیستو، سویچ تعادلی زده نشده است(ظاهر نشده است)، پس تارگت حداقلی را چگونه مشخص کنیم؟

برای اطمینان دهی بیشتر به تاج تارگت، سطح صد از فیبو را در محل انحنای موینگ ها، قرار می دهیم.

با توجه به شکل چون قبل از سویچ تعادلی، تارگت حداقلی اش را داده است، از این ترید به منظور این ستاپ منصرف می شویم.

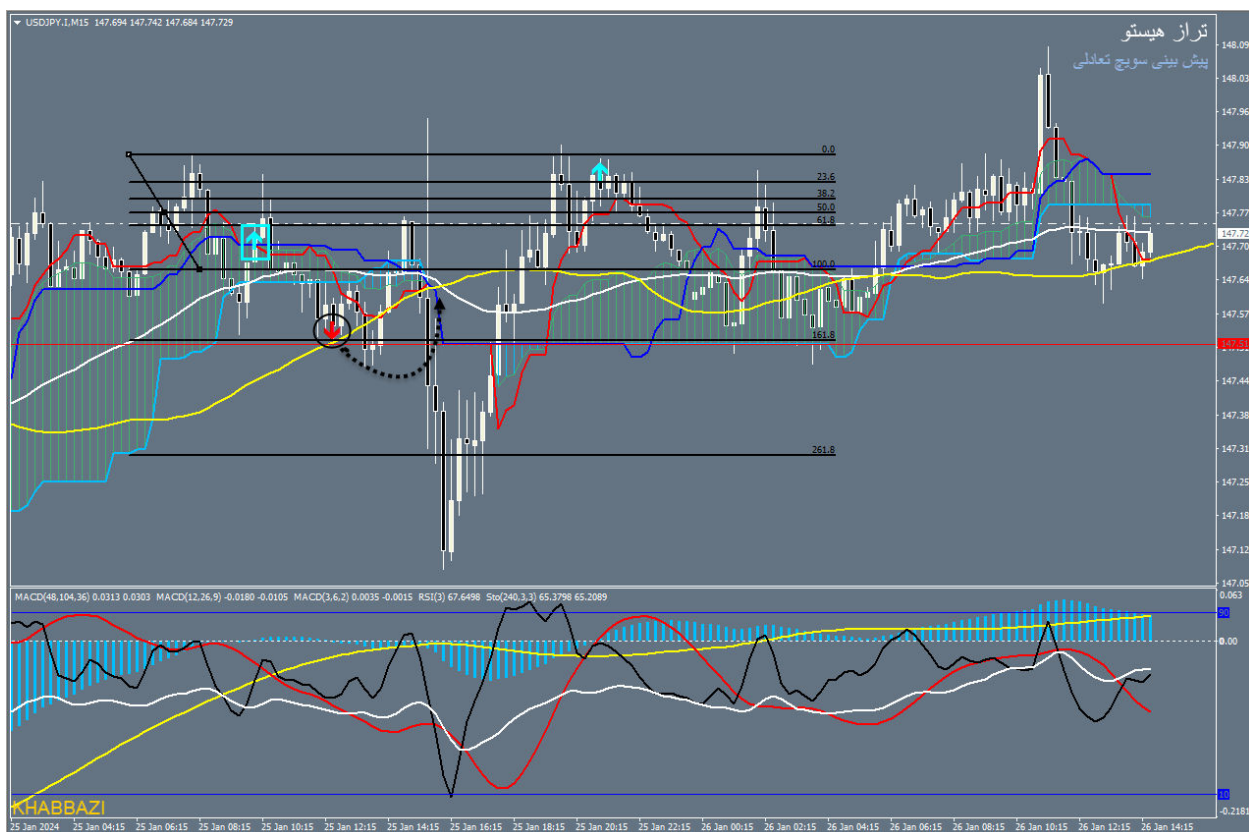


پیش بینی سویچ تعادلی نزولی :

هر گاه خطوط مشکی یا قرمز یا زرد یا برای اطمینان بیشتر وقتی هر سه در میز اندیکاتوری، در تراز 90 هستند و سطح قیمتی مربوط به هر سه تقریباً یک محدوده است، هم زمانی چرخه ها را داریم.

اجازه می دهیم قیمت با حرکتش به سمت پایین، در زیر موینگ سفید مستقر شده و فلت سنکو B را کراس کند. تاچ فلت سنکو توسط قیمت به منزله تثبیت هیستو در میز و در ادامه، چرخش آن می باشد.

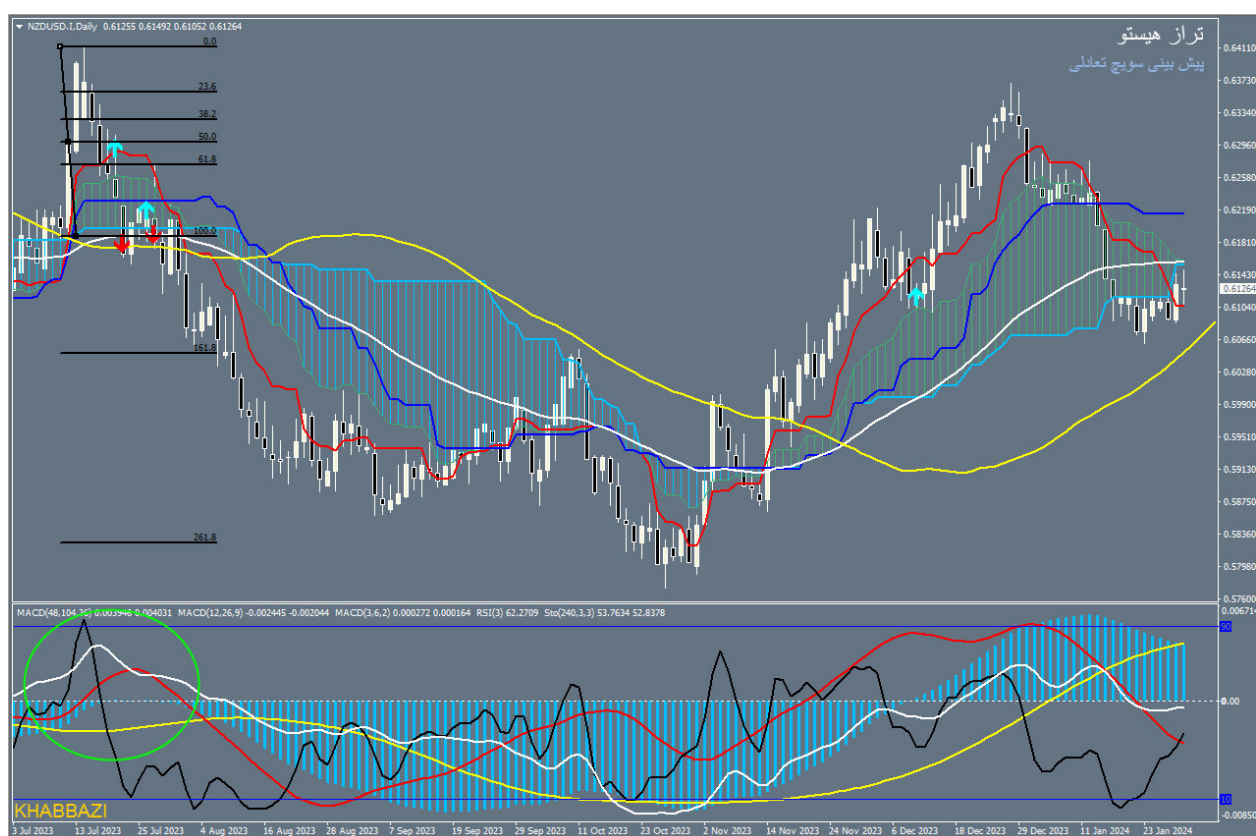
سپس سویچ نزولی کوموی ایچی زده شود و هیستو تغییر فاز دهد، در این صورت سویچ تعادلی نزولی ظاهر خواهد شد.



شکل بهترین حالت ورود را نشان می دهد. زیرا هنگام تغییر فاز هیستو، کندل در پایین و چسبیده به فلت های موینگ و سنکو B می باشد.

هر چه قله شروع حرکت از محل کراس کندل با موینگ دورتر باشد (گام حرکتی بلند تر باشد) تارگت بیشتری در پیش رو خواهد بود.

میز اندیکاتوری در وضعیت نقطه صفر از حالت عدم تقارن، از ستاپ تقارن می باشد.

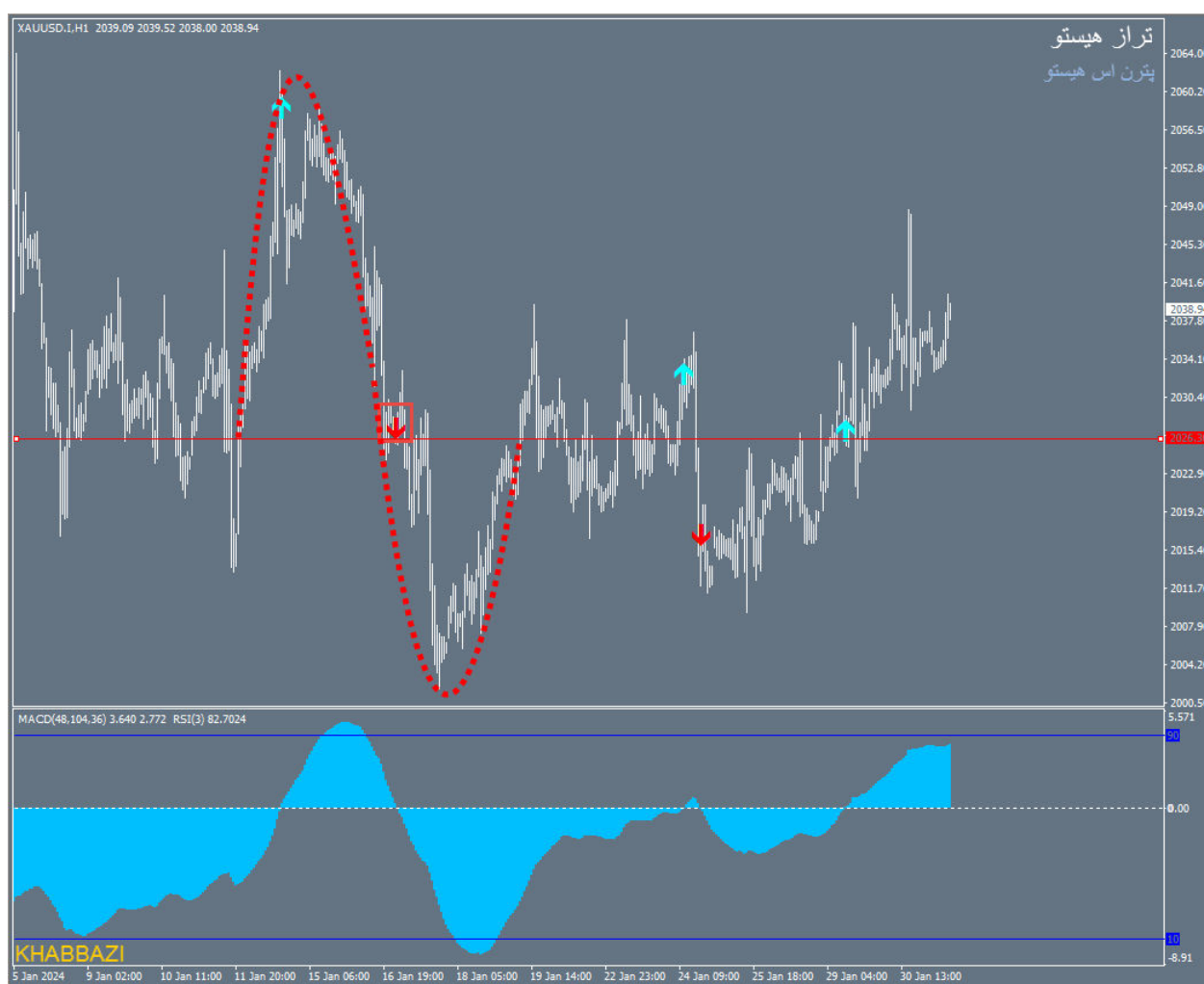


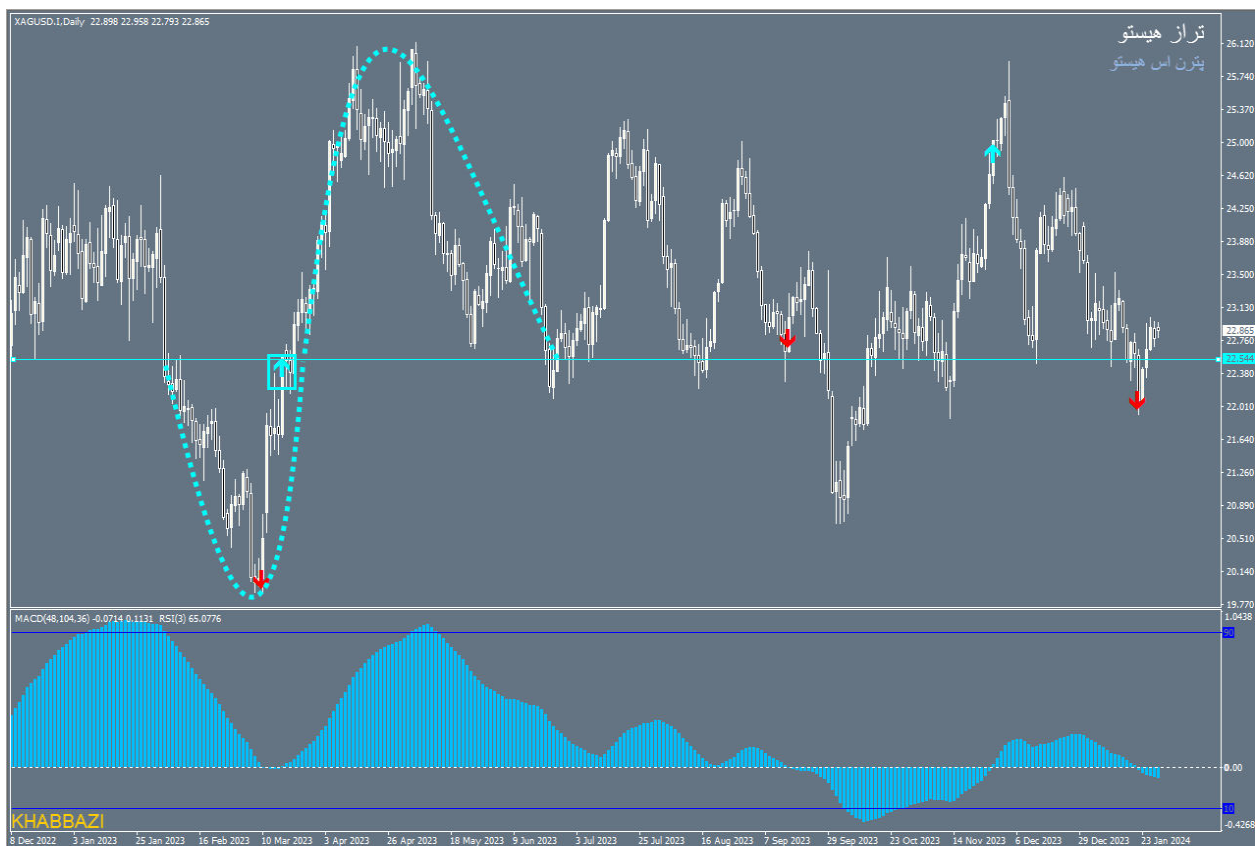


6_ اگر روند قوی نباشد و هیستو نیز فیک نشود، اجزا میز، صفر هیستو را دور می زنند.

پس این اتفاق در چارت نیز، با چرخش قیمت به دور تراز(محور) هیستو خواهد افتاد.

تراز هیستو، محور پترن S هیستو می باشد.







اگر چه پترن S هیستو بر روی اکثرا تراز یا محور هیستوها شکل می گیرد؛ اما بهتر است تردید به این منظور، در مسیر تارگت پینل اصلی ما قرار گیرد تا این که بخواهیم به صورت یک ستاپ مستقل استفاده کنیم.

در ستاپ توازن حساب ویژه تری بر روی این پترن باز می کنیم.

محور هیستو جایی است که با ریورس از آن، چرخه می تواند بسته شود و چرخه جدیدی شکل بگیرد.

7- بعضی اوقات که پترن S فرکتال شکل می گیرد، یعنی کندل به محور فرکتال بازگشت می کند (تارگت ترید چهارم)، همزمان در میز اندیکاتوری، تغییر فاز هیستو را نیز مشاهده می کنیم. به عبارت بهتر، محور فرکتال و محور (تراز) هیستو بر روی یکدیگر هستند.

در بعضی از موارد، محور هیستو بر روی محور تعادل استاتیک می افتد.

از نظر فرکتال زمانی، محور (تراز) هیستو در تایم چهار برابری می تواند نقش محور فرکتال یا تعادل استاتیک را در تایم اصلی در ستاپ توازن، بازی کند.

به یکی شدن محور هیستو با محور فرکتال یا محور استاتیک، هم پوشانی محورها، می گوییم.

بررسی ستاپ تقارن در هم پوشانی محورها، موقعیت ترید پنجم در ستاپ توازن، با توجه به بسته شدن چرخه ها را فراهم می کند.

در لحظه برخورد قیمت به محورها، قیمت با ستاپ تقارن در حالت تقارنش، قصد ادامه حرکت در جهتی که باعث شکست محور فرکتال شده است را دارد و یا با تکمیل چرخه قبل، با حالت عدم تقارن در ستاپ تقارن، قیمت بر می گردد و چرخه جدیدی را می خواهد شروع نماید.

در واقع در هم پوشانی محورها اگر هیستو فیک باشد، حالت عدم تقارن و اگر هیستو فیک نباشد حالت تقارن از ستاپ تقارن، بر قرار خواهد بود و پترن S بعدی، یعنی چرخه تعادل استاتیک مربوط به سویچ تعادل قبلی که در ابتدای رالی اول است، بسته (تاچ) خواهد شد.

در سبک تعادل چهار محور فرکتال، تعادل استاتیک، هیستو و تعادل دینامیک است که محور فرکتال قبل از محور استاتیک می باشد و با توجه به پویایی سبک، تراز هیستو می تواند از قبل از محور فرکتال تا بعد از محور تعادل استاتیک جابجا شود.

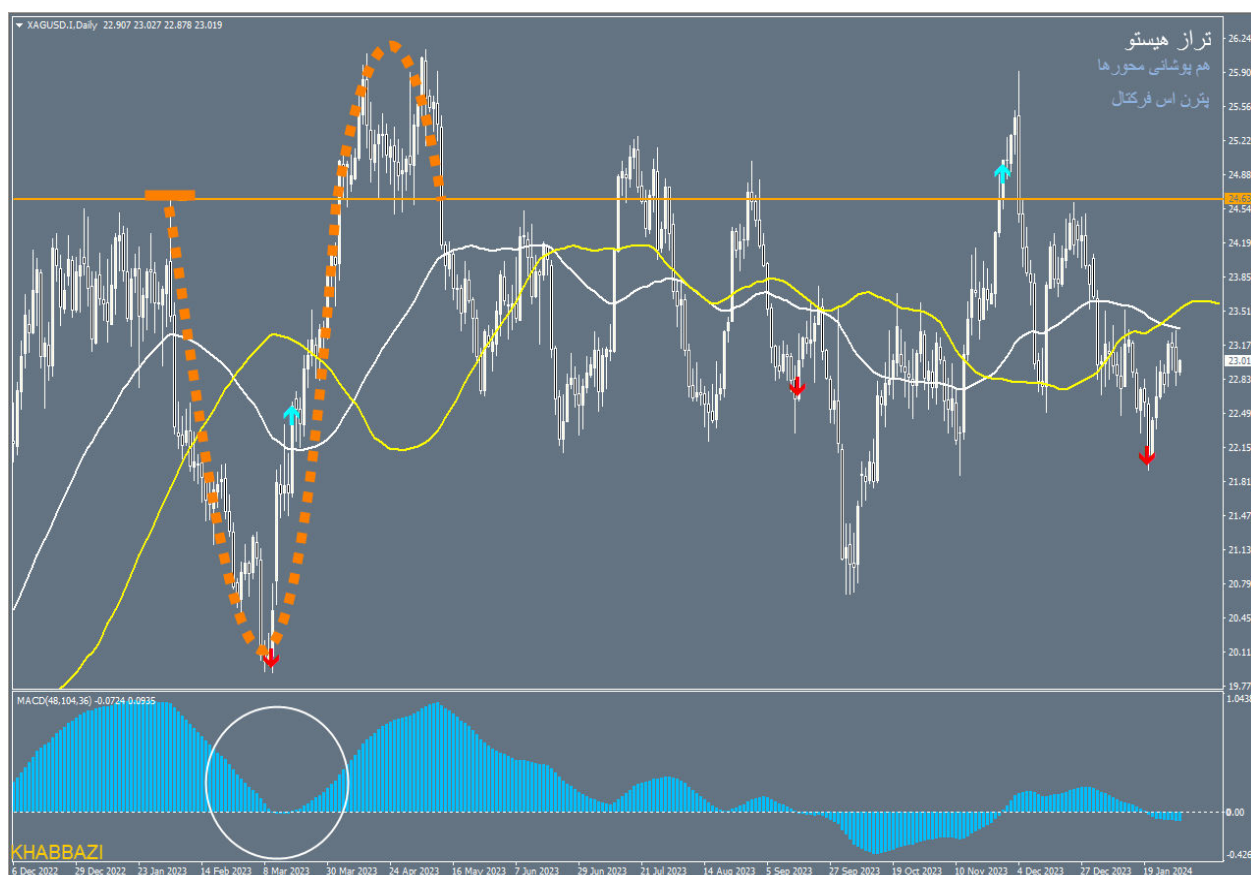
از هم پوشانی محور دینامیک چون مورب می باشد، برای تایید محوری که تارگتش برای ما اولیت دارد و می خواهیم با رسیدن قیمت به آن، از ترید خارج شویم، استفاده می کنیم و یا برای تارگت نهایی بعد از آخرین محور، استفاده می شود.

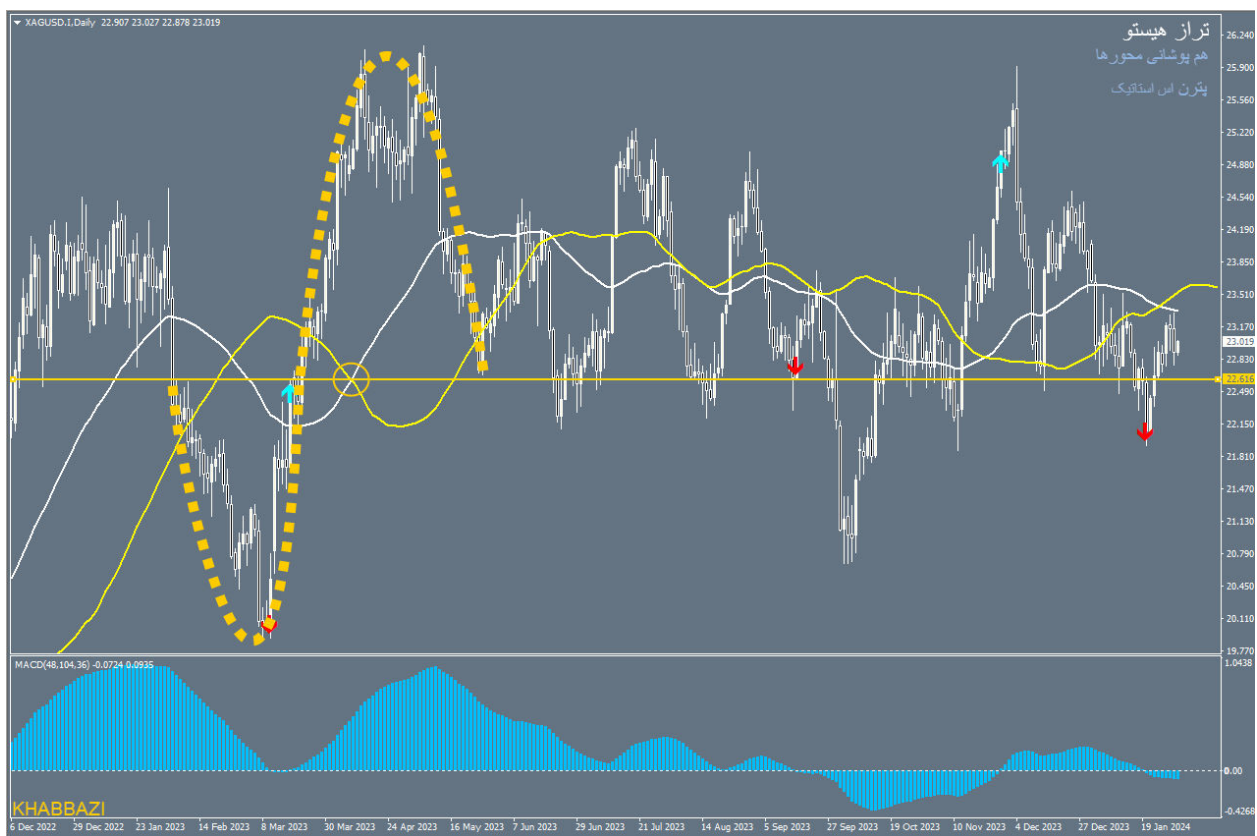
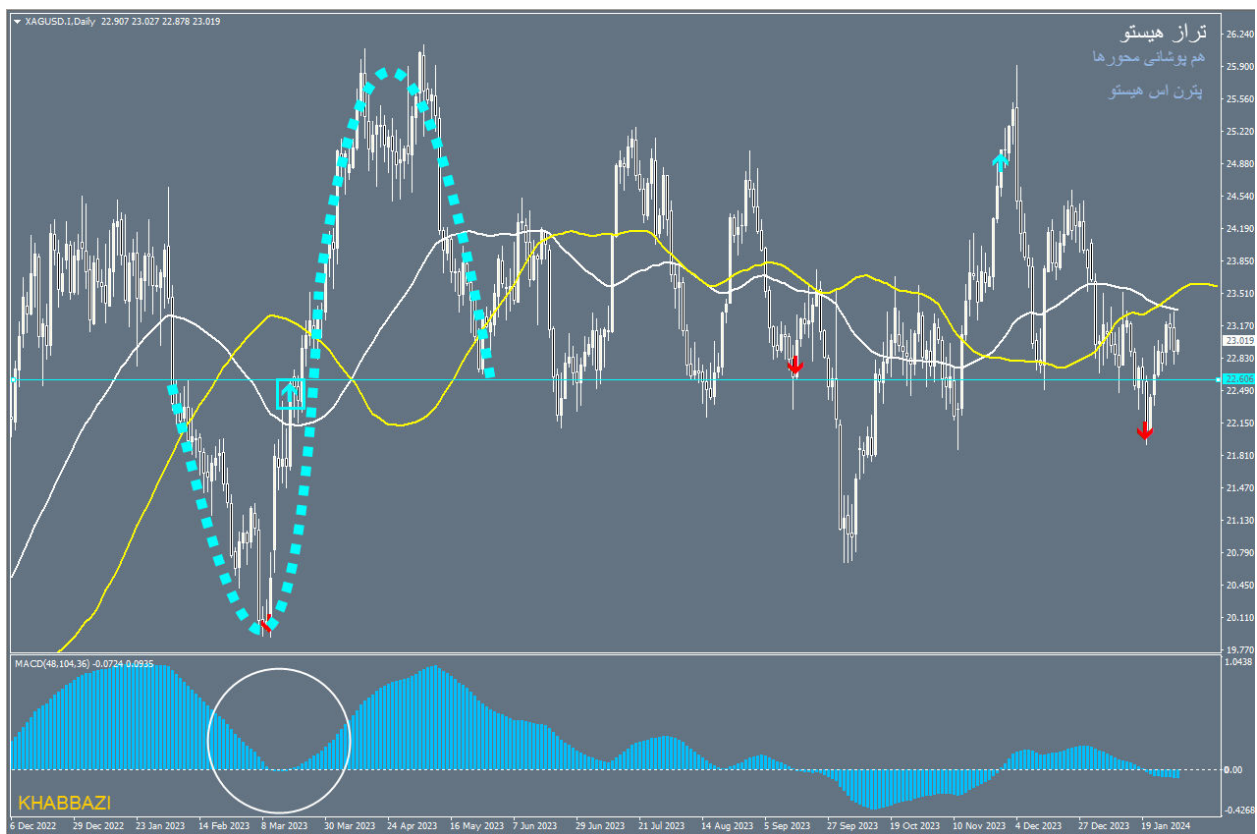
جهت سهولت، از اندیکاتور رسم ابزار استفاده کرده و هر محوری را با یک رنگ ثابت نشان دهید.

در این صورت با تغییر تایم، با توجه به توالی و اولویت این محورها از منظر تارگت گذاری، این رنگ بندی، راهنمای خوبی خواهد بود.

مثال اول

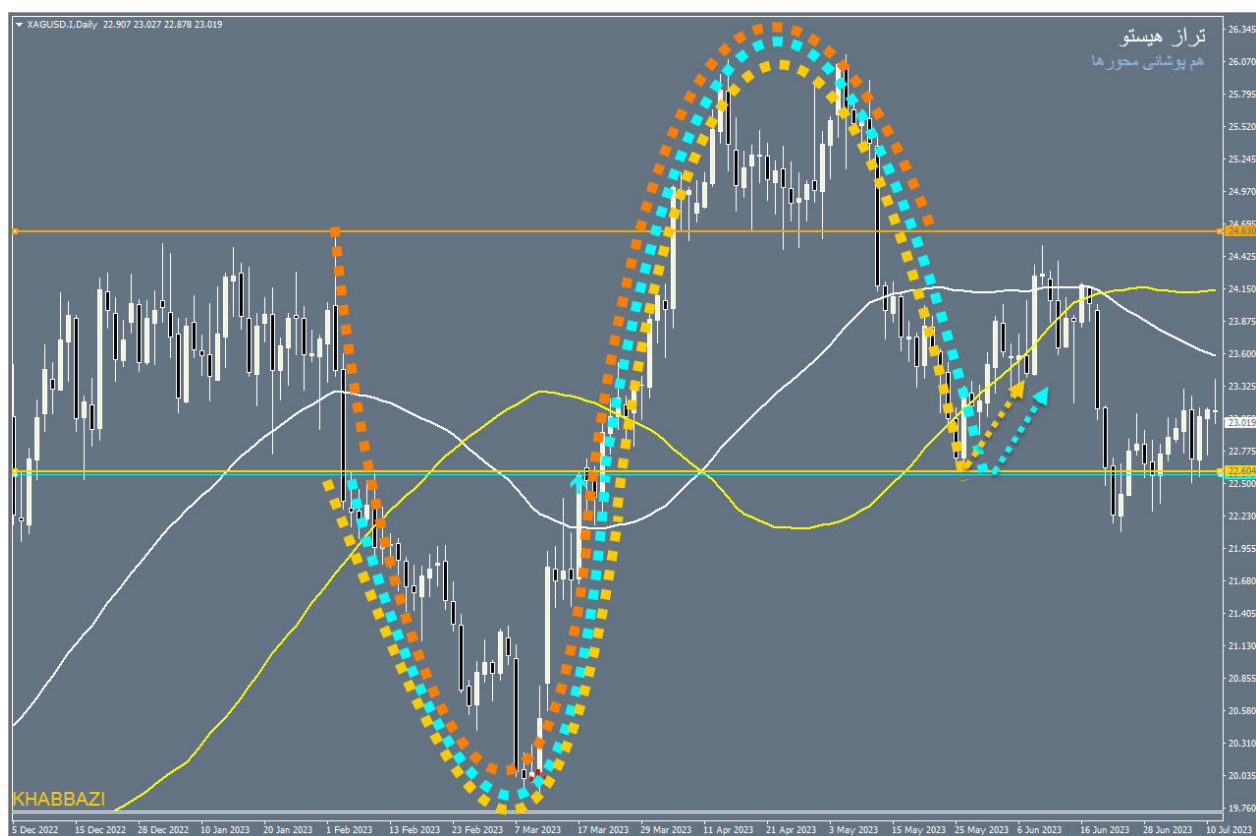
در شکل، محور و پترن S فرکتال به رنگ نارنجی، محور و پترن S هیستو به رنگ پیکان اندیکاتور تراز هیستو و محور و پترن S تعادل استاتیک، به رنگ طلایی می باشند.



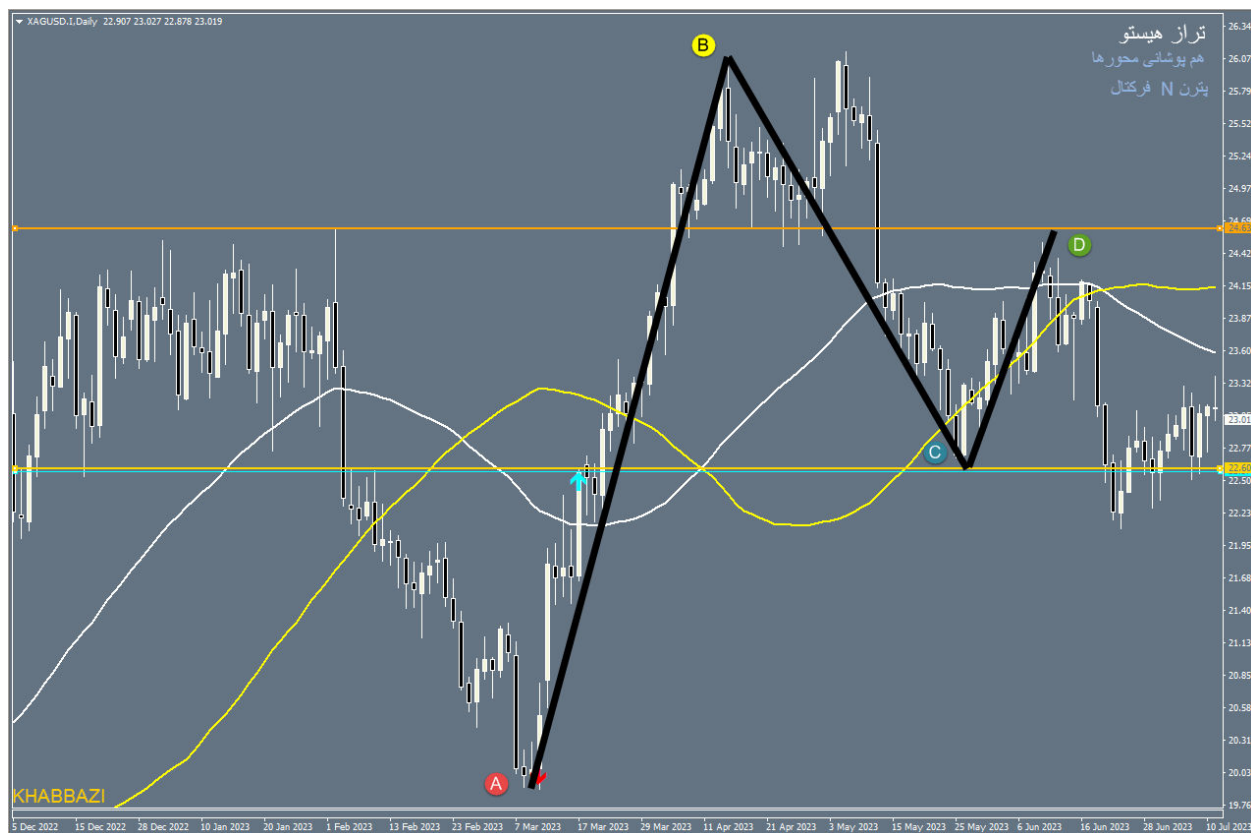


محور هیستو دقیقا بر روی محور تعادل استاتیک قرار گرفته است و آن را پوشانده است.

دو سایکل یا چرخه هیستو و استاتیک، داخل محور فرکتال شروع شده اند و بعد از آن بسته شده اند.



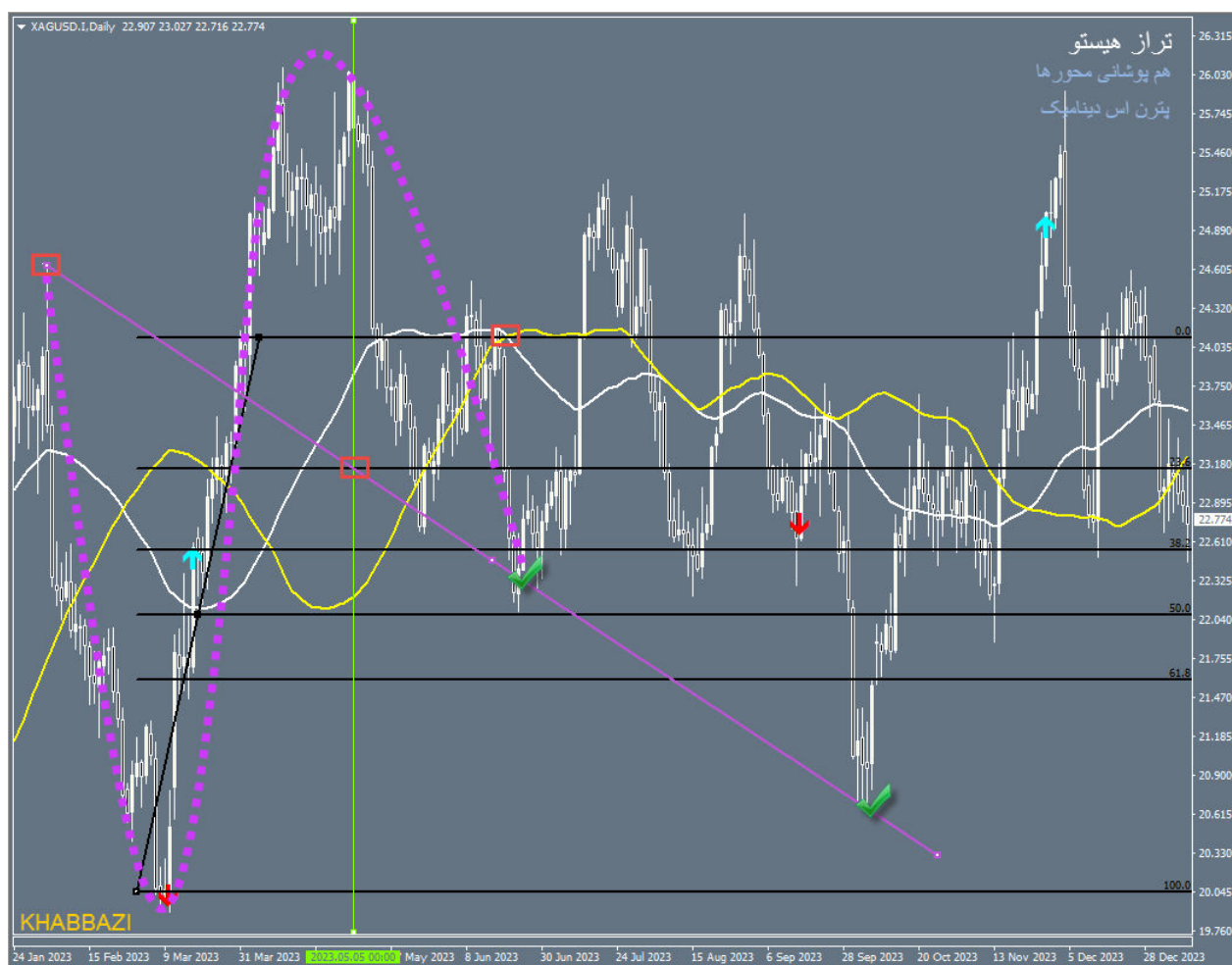
با توجه به دو ترید اصلی توازن که از (قله به دره یا دره به قله) (A) و سپس معکوس آن (B) می باشد و بسته شدن چرخه و شروع چرخه جدید (C)، پترن N شکل می گیرد. این پترن را پترن فرکتال می نامیم.



چرخش قیمت به دور محور تعادل دینامیک پترن S دینامیک را می سازد.

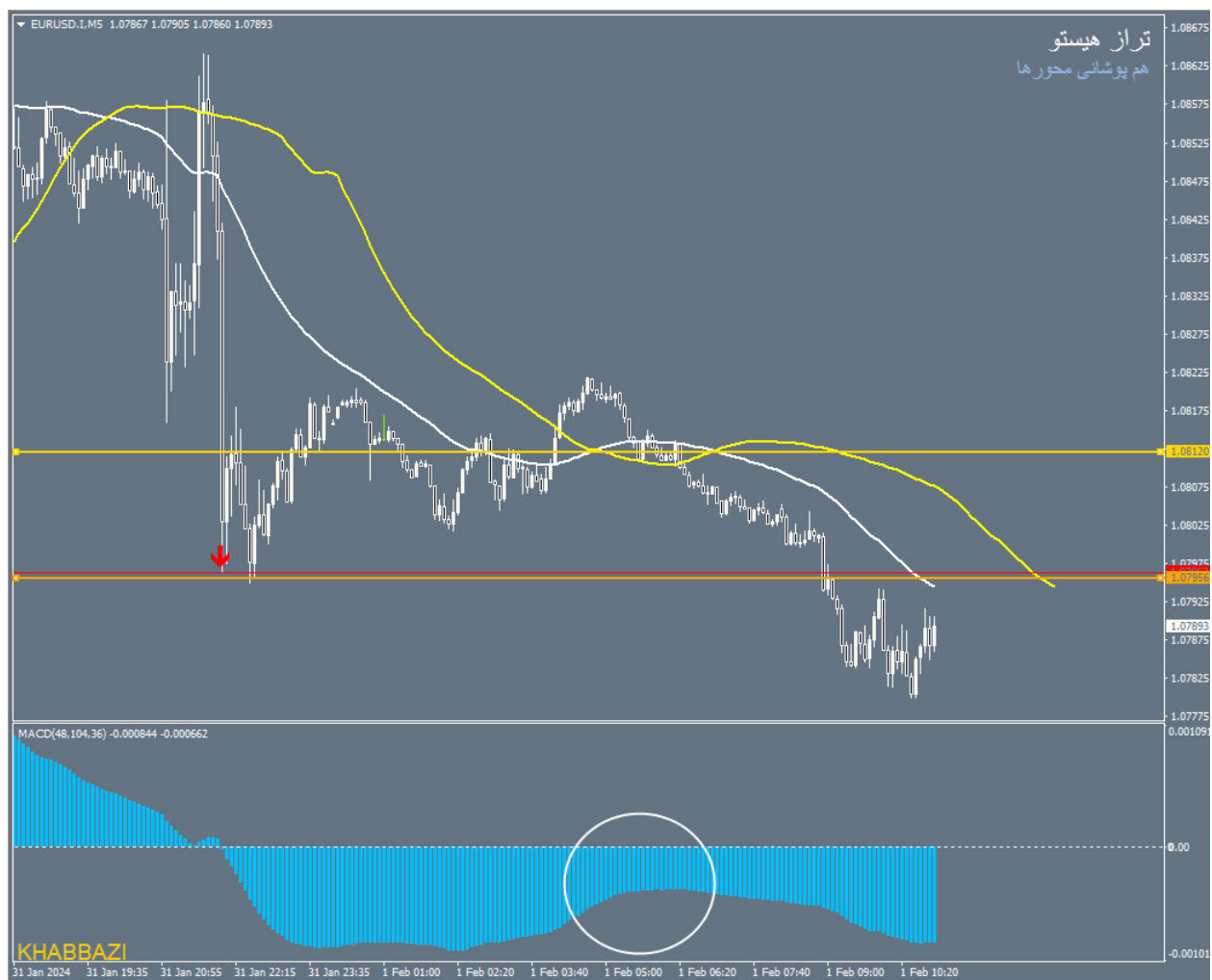
با هم پوشانی محور دینامیک با محورهای دیگر می توان تایید بیشتری برای بستن سیکل در آن محور داشت.

همچنین محور دینامیک برای تارگت نهایی، بعد از بستن همه چرخه ها کار برد دارد.



مثال دوم

محور فرکتال و هیستو هم پوشانی دارند.



مثال سوم

محور استاتیک و هیستو هم پوشانی دارند.



مثال چهارم

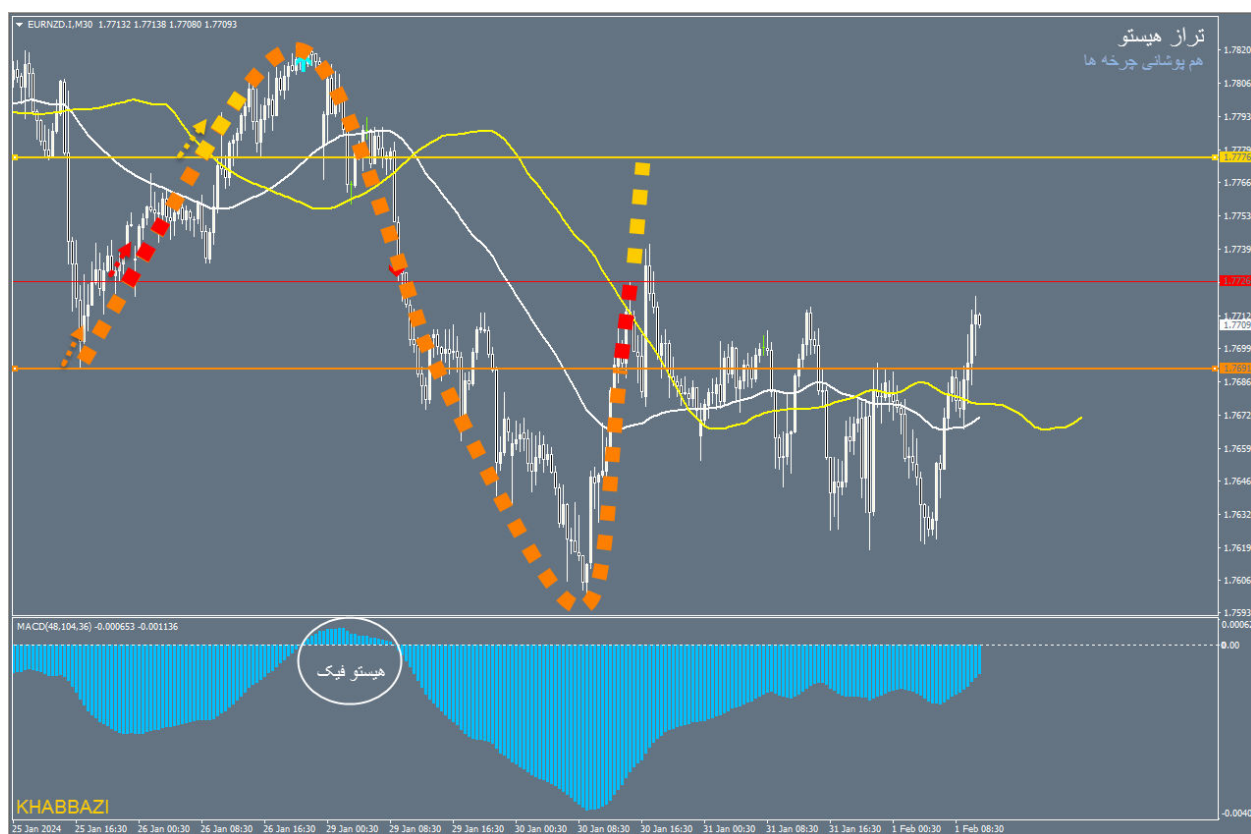
هم پوشانی محورها وجود ندارد. اما چرخه ها همیشه با هم، هم پوشانی دارند.

در بحث زمان از هم زمانی(هم پوشانی) دره و قله ها در تایم های فرکتال و در اینجا از هم پوشانی چرخه های مربوط به محورها، استفاده می کنیم.

لحاظ کردن این موارد با هم در یک ترید، آرامش و اطمینان به تریدمان خواهد داد.

ماهیت پترن فرکتال، زمانی، ماهیت پترن استاتیک، قیمتی و ماهیت پترن هیستو، مولتی تایمی می باشد.

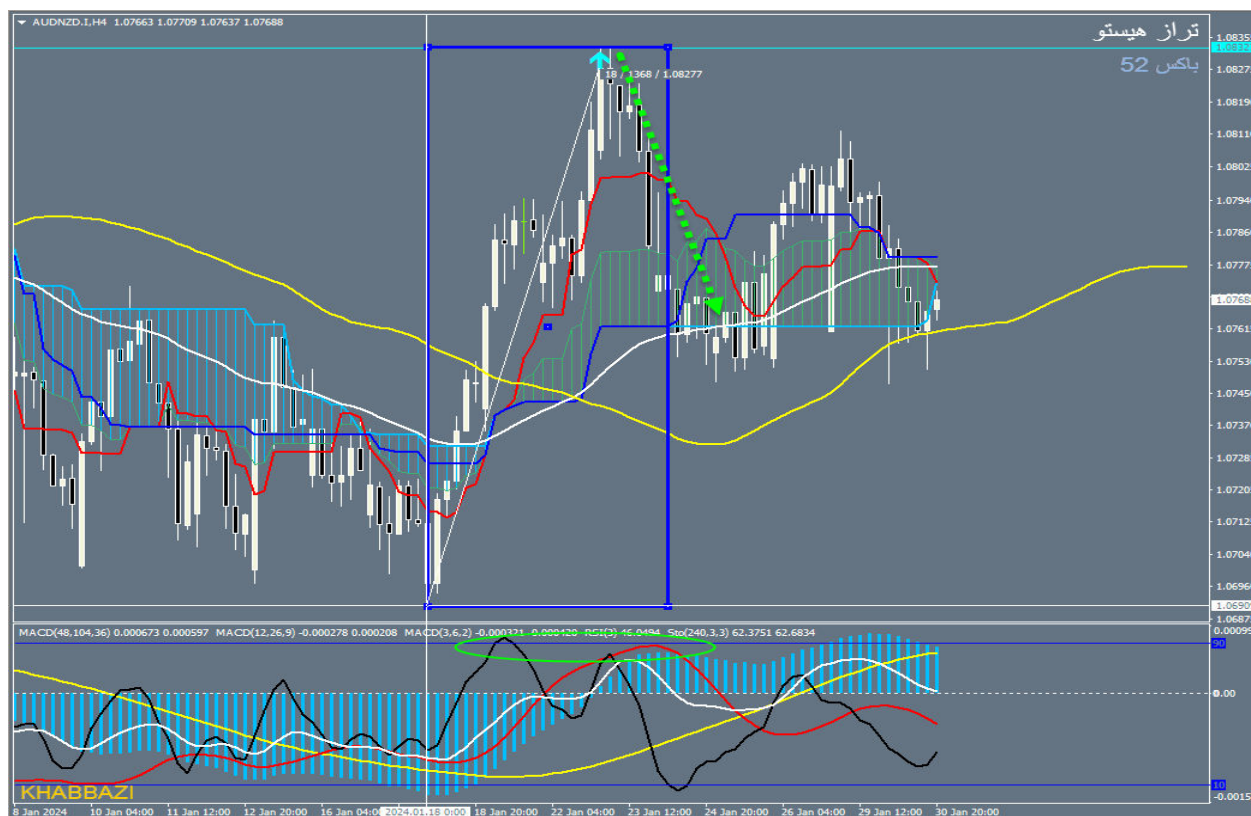
شکل به بهترین حالت، هم پوشانی پترن ها را نشان می دهد.



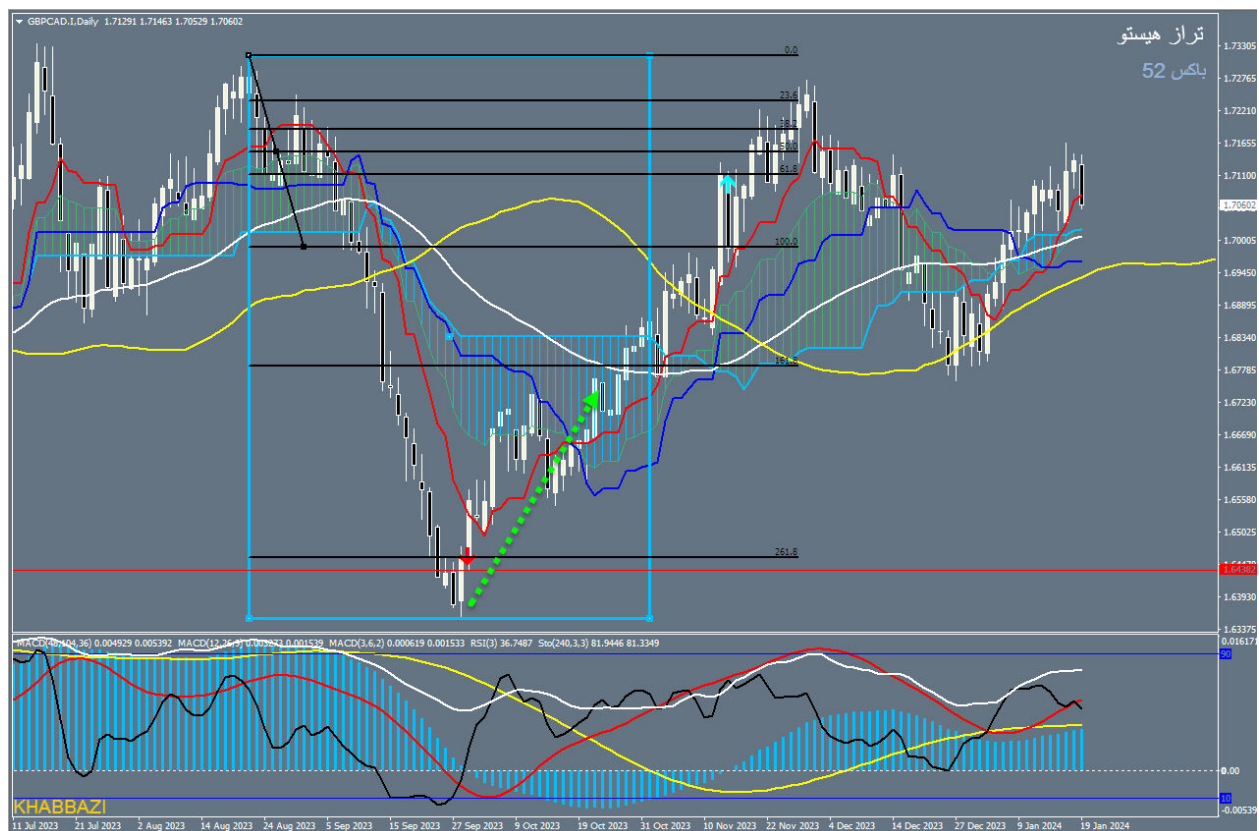
8_ باکس 52

یکی از کاربرد های تراز هیستو، ریورس در حد یک لگ کامل با هیستو فیک می باشد. حال می توانیم با استفاده از اعداد زمان ایچی، به این ریورس، جنس زمان هم بدهیم. برای این منظور از باکس 26 یا 52 استفاده می کنیم. در سبک تعادل از باکس 52 استفاده می شود و مرکز باکس، وضعیت باکس 26 را هم نشان می دهد.

اگر در انتهای باکس 52 یا مرکز آن، یعنی در کندل 52 یا کندل 26، تراز هیستو باشد، مخصوصا اگر همزمان با تراز، سویچ تعادلی تارگت حداقلی اش را هم داده باشد، با تایید میز، می توان اطمینال به فیک بودن هیستو داشت. در واقع در این شرایط، **زمان تاج تارگت ترید تعادلی** می باشد. این فیک بودن می تواند باعث پرتاب قیمت و ایجاد ستاپ هم شکلی هیستو و یا کراس برابری شود. با ستاپ ترید تعادلی 26 یا 52 تارگت گذاری می کنیم.



در راستای مرکز باکس 52، که همان انتهای باکس 26 یعنی کندل 26 از شروع حرکت می باشد، تراز هیستو با تارگت حداقلی سویچ و اشباع میز را داریم.

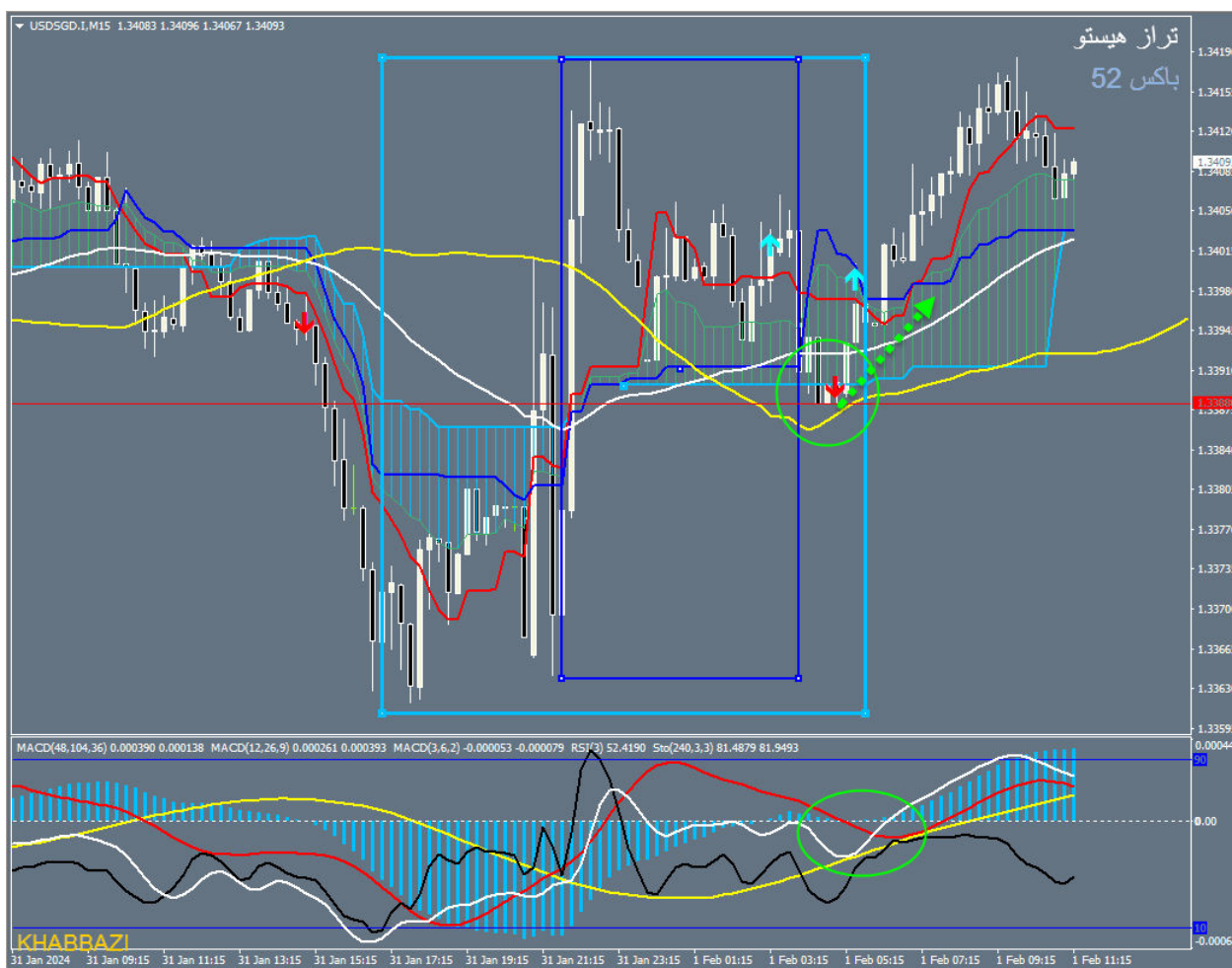


در کندل 52 از باکس 52 و یا کندل 26 از باکس 26، تراز هیستو قرار دارد؛ که کندل بر روی فلت می باشد و ستاپ همراهی کیجن نیز بر قرار است.

در میز اندیکاتوری چرخه ها نیز هم جهت می باشند.

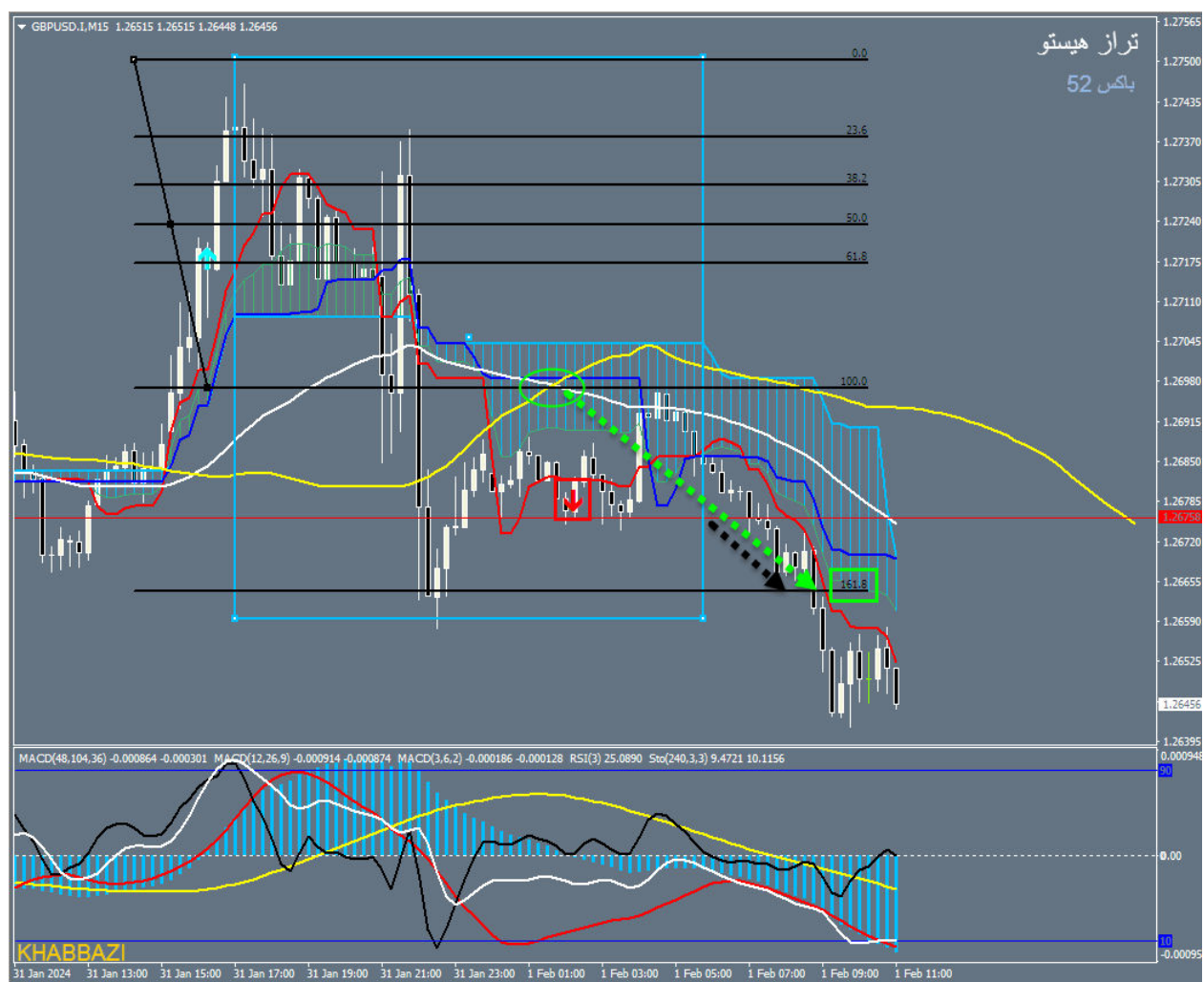
یعنی تایم های پایین با تایم بالا هم جهت شده اند.

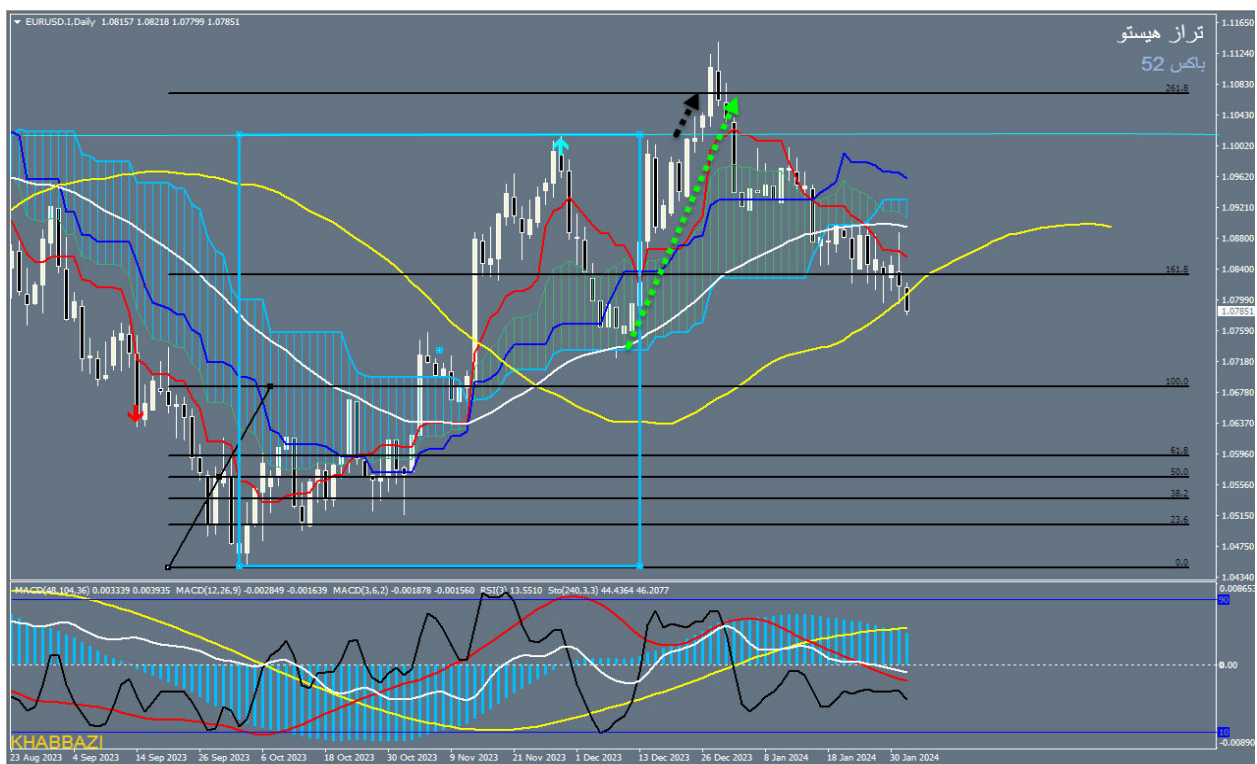
پس هیستو فیک است.



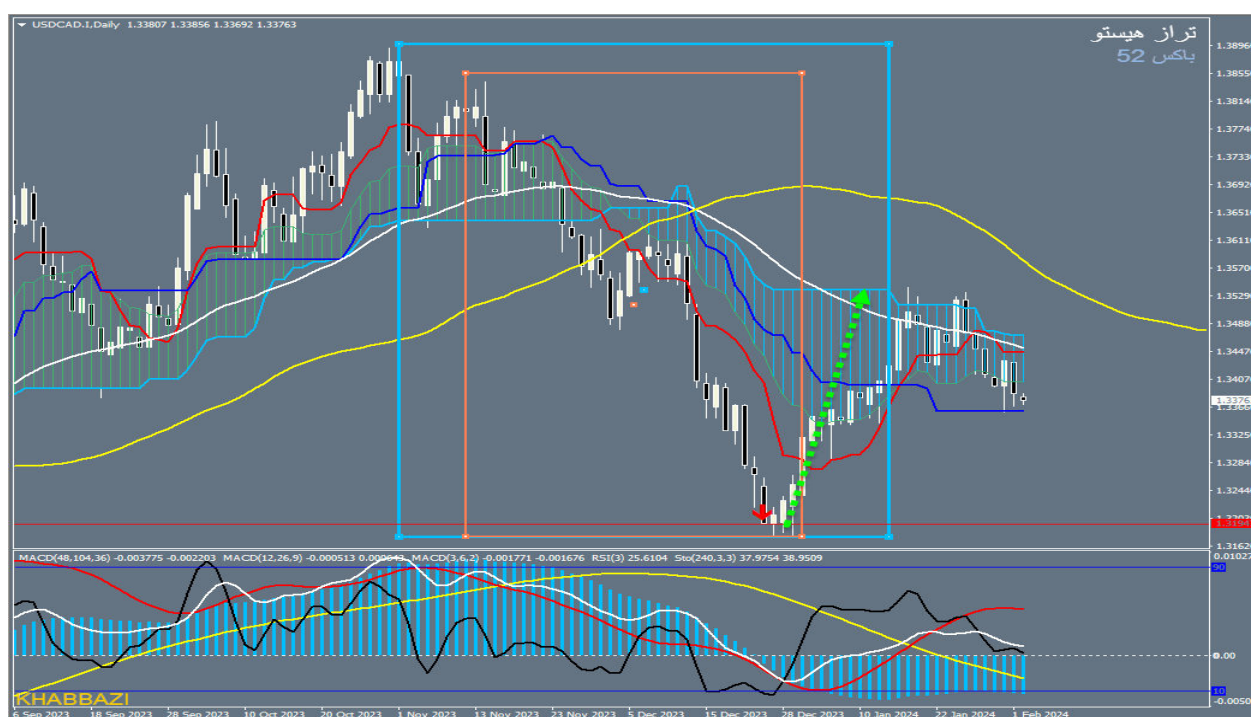
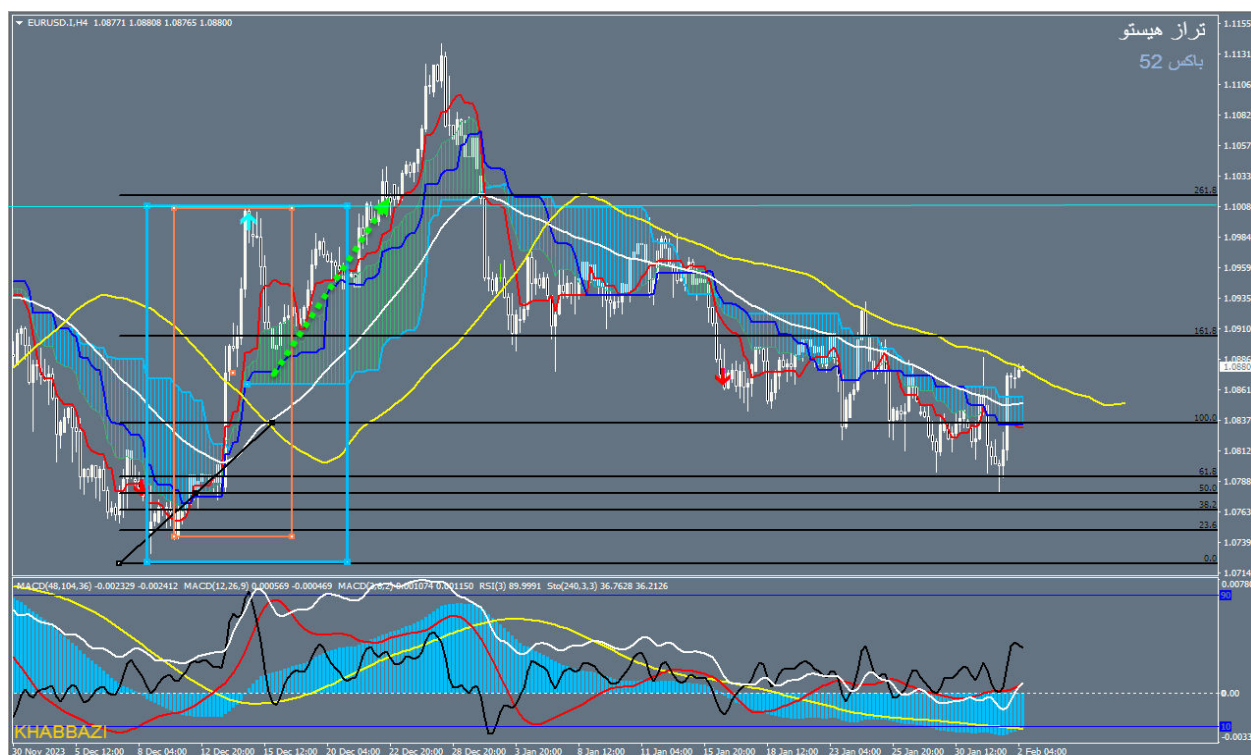
کاربرد دیگر باکس 52، به جای ریورس، ترید در جهت روندی که شکل گرفته است، می باشد. با استفاده از باکس 52، به تراز هیستو قالبی از جنس زمان می دهیم.

اگر داخل باکس 52، تراز هیستو ظاهر شود، اما سویچ تعادلی تارگت حداقلی اش را نداده باشد، اجازه اصلاح قیمت از تراز هیستو را می دهیم. برای اتمام اصلاح و شروع ترید تا شکست تراز و تاج تارگت حداقلی سویچ از امکانات داخل باکس استفاده می کنیم. اتمام اصلاح تاج فلت یا تارگت ترید تعادلی یا یک سطح از فیبو و یا محور تعادل استاتیک و یا برخورد به موینگ زرد خواهد بود. به هر حال نیاز به نقطه مطمئنی داریم تا ریسک به ریوارد خوبی به ما بدهد (پیکان سبز). مگر این که یک اسکالپ مکانیکی از شکست تراز هیستو تا تارگت حداقلی سویچ تعادلی بخواهیم، انجام دهیم (پیکان مشکی).





باکس نارنجی بین دره و قله یک دوره 26 کندلی رسم شده است که طبق ترید تعادلی، قیمت تا مرکز این باکس، اصلاح می کند. مرکز باکس، تکیه گاه مطمئنی برای ترید به قصد شکست تراز و تارگت حداقلی سویچ تعادلی می باشد.



گام متعادل :

از نظر سبک تعادل، چارت از حرکتی که انجام می دهد و منجر به زدن سویچ تعادلی می شود؛ چهار هدف دارد:

1_ تارگت حداقلی سویچ(قیمت)

2_ اشباع میز(فرکتال)

3_ تغییر فاز هیستو(مولتی تایم)

4_ رسیدن به سه هدف قبل با گام اول، همزمان با ظاهر شدن سویچ تعادلی(زمان).

به همین جهت، از مرکز سویچ تعادلی، برای تحلیل ادامه این حرکت و رسم سطوح تعادلی، استفاده می شود. در واقع کوتاهی یا بلندی گام اول، در هدف نهایی تاثیر دارد.

گام حرکتی متعادل، شامل زمان و قیمت می باشد. چارت سعی می کند در زمان مشخص به قیمت مشخصی برسد تا تعادل زمانی و قیمتی(گام حرکتی متعادل) برقرار شود.

حال اگر در روبروی سویچ تعادلی، یکی از موارد گام متعادل، مهیا نباشد قیمت بعد از اصلاح، سعی می کند با شکست سطح قبلی اش، به آن نیز برسد و اگر همه شرایط در روبروی سویچ تعادلی، برقرار شده باشد؛ ریورس از این محل خواهیم داشت.

اگر هشت مورد مربوط به کاربرد تراز هیستو را تمرین کرده باشید، گام متعادل برداشتی است که خودتان به آن رسیده اید.

در غیر این صورت آن موارد و در ادامه شکل های بعد را با دید گام متعادل بررسی نمایید.

در شکل های بعدی، خط زمان(خط عمود سبز رنگ) بر روی سویچ تعادلی انداخته شده است.

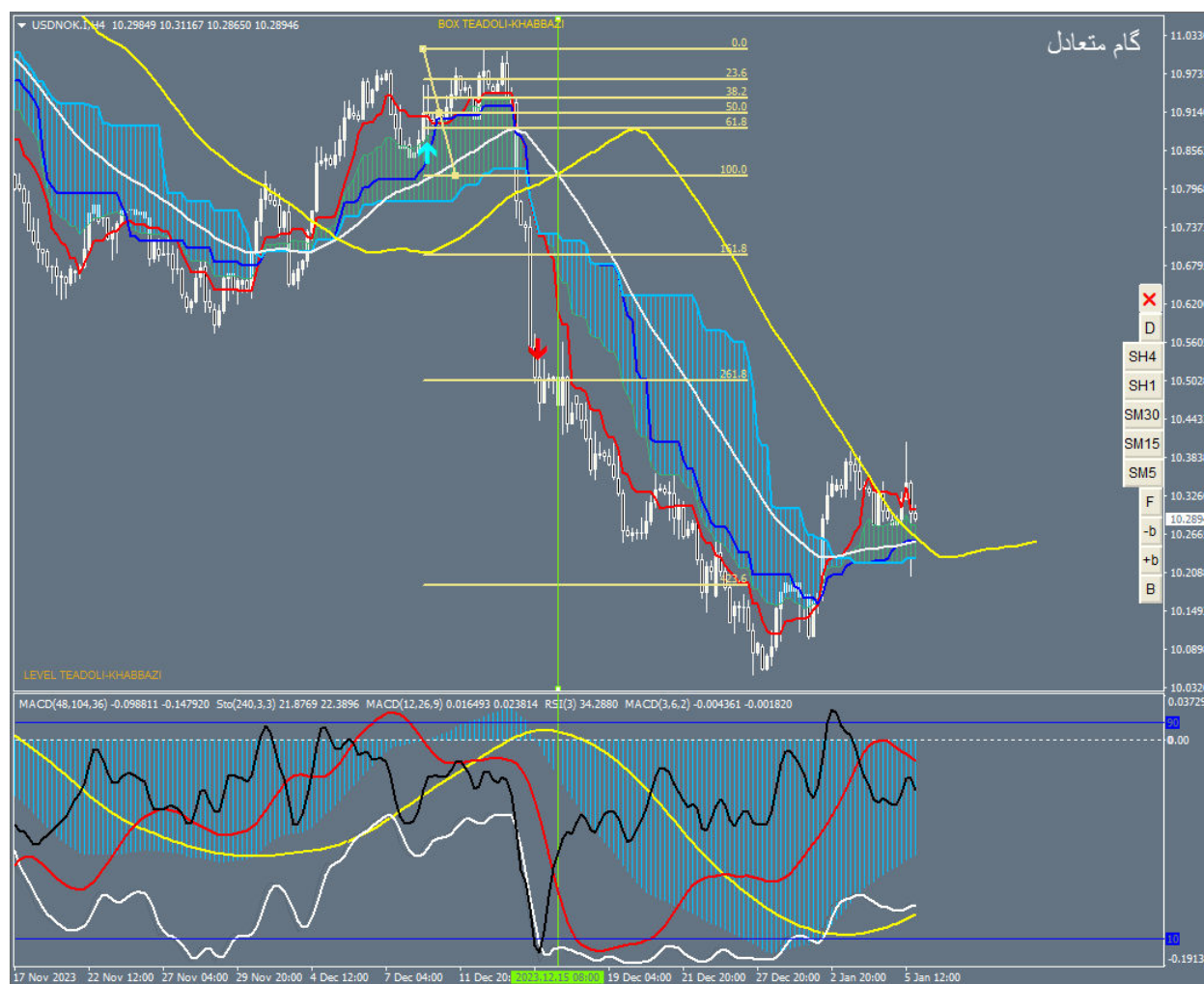
مثال اول

سویچ تعادلی در روبروی خودش به تارگت حداقلی اش و اشباع در میز اندیکاتوری(با چرخه های قرمز و مشکی در تراز 10 بودن) و تغییر فاز هیستو رسیده است.

پس قیمت ریورس یا اصلاح می کند و یا رنج می شود.

هدف از شکست تراز هیستو، با توجه به برقرار شدن همه شرایط گام متعادل، رسیدن خط زرد در میز به تراز 90 و یا سطح بعدی فیبو می باشد.

هر کدام، زودتر محقق شد، تا محقق شدن مورد بعدی، ریسک فری می کنیم.



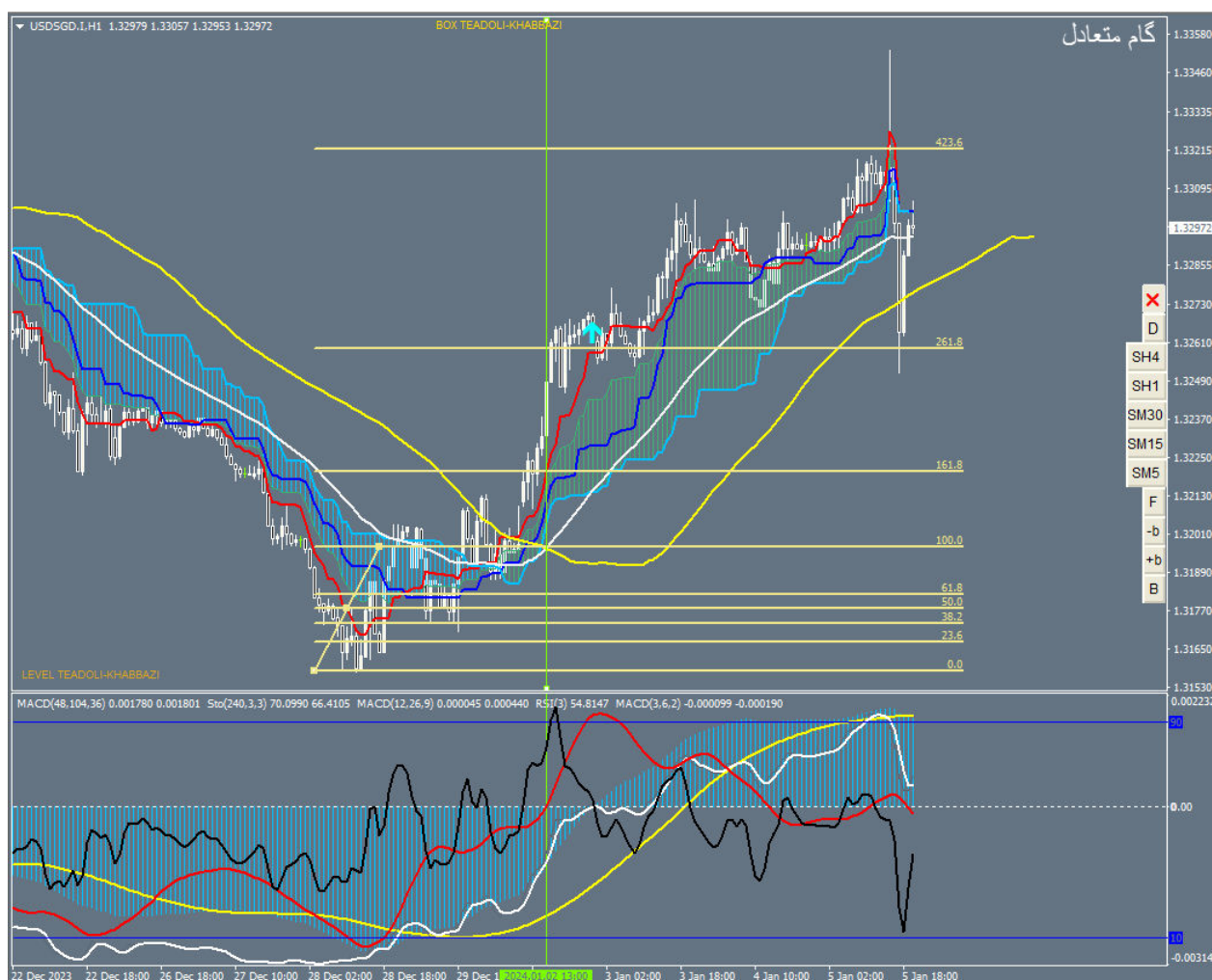
مثال دوم

کندل با خرید زمان(رنج شدن) در سطح 261 از فیبو، متعادل شده است.

یعنی چهار شرط گام تعادلی اش برقرار شده است.

پس با شکست تراز، هدف رسیدن به سطح بعدی فیبو تعادلی و یا رسیدن زرد به تراز 90 می باشد.

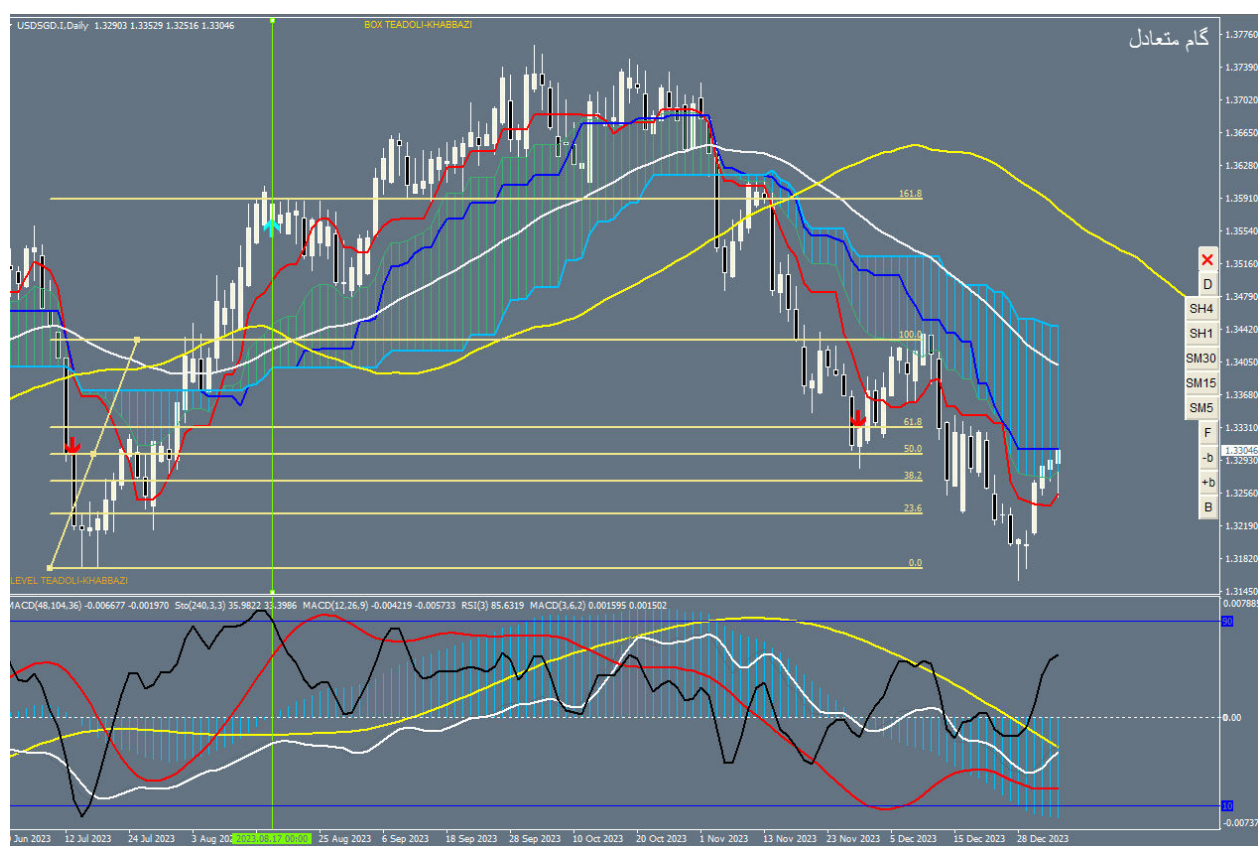
هر کدام زودتر حادث شد، تا برقرار شدن هدف بعدی، ریسک فری می کنیم.



مثال سوم

قیمت قبل از زدن سویچ تعادلی به چهار شرط گام متعادل رسیده است. پس حرکتش شارپ بوده است. این مورد معمولاً بعد از هیستو فیک اتفاق می افتد.

بعد از اتمام اصلاح، هدفش از شکست تراز هیستو، سطح تعادلی بعدی یعنی باکس تعادلی و یا رسیدن خط زرد به تراز 90 در میز خواهد بود.

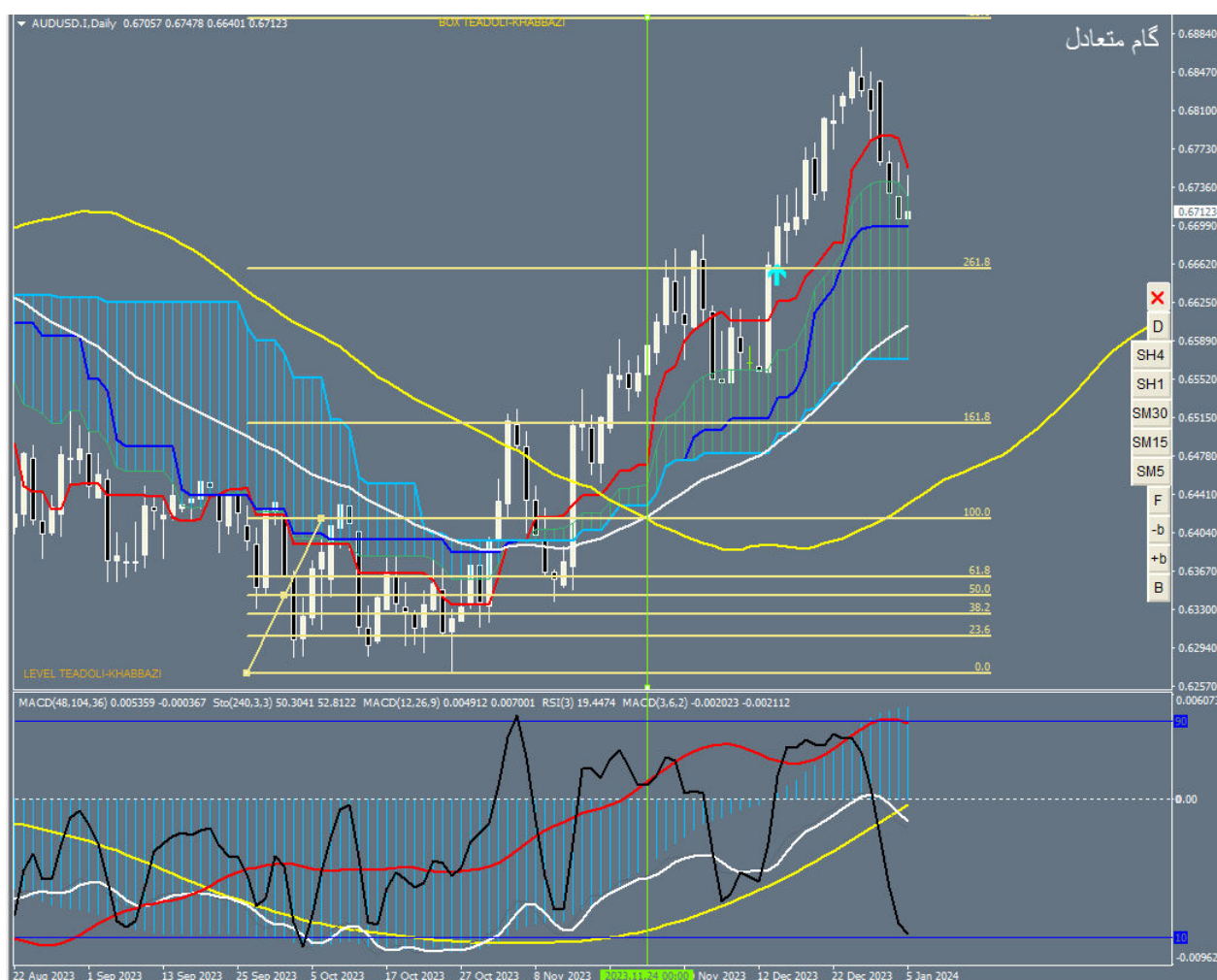


مثال چهارم

سویچ تعادلی در روبروی خودش، هیچ یک از شروط گام متعادل را ندارد.

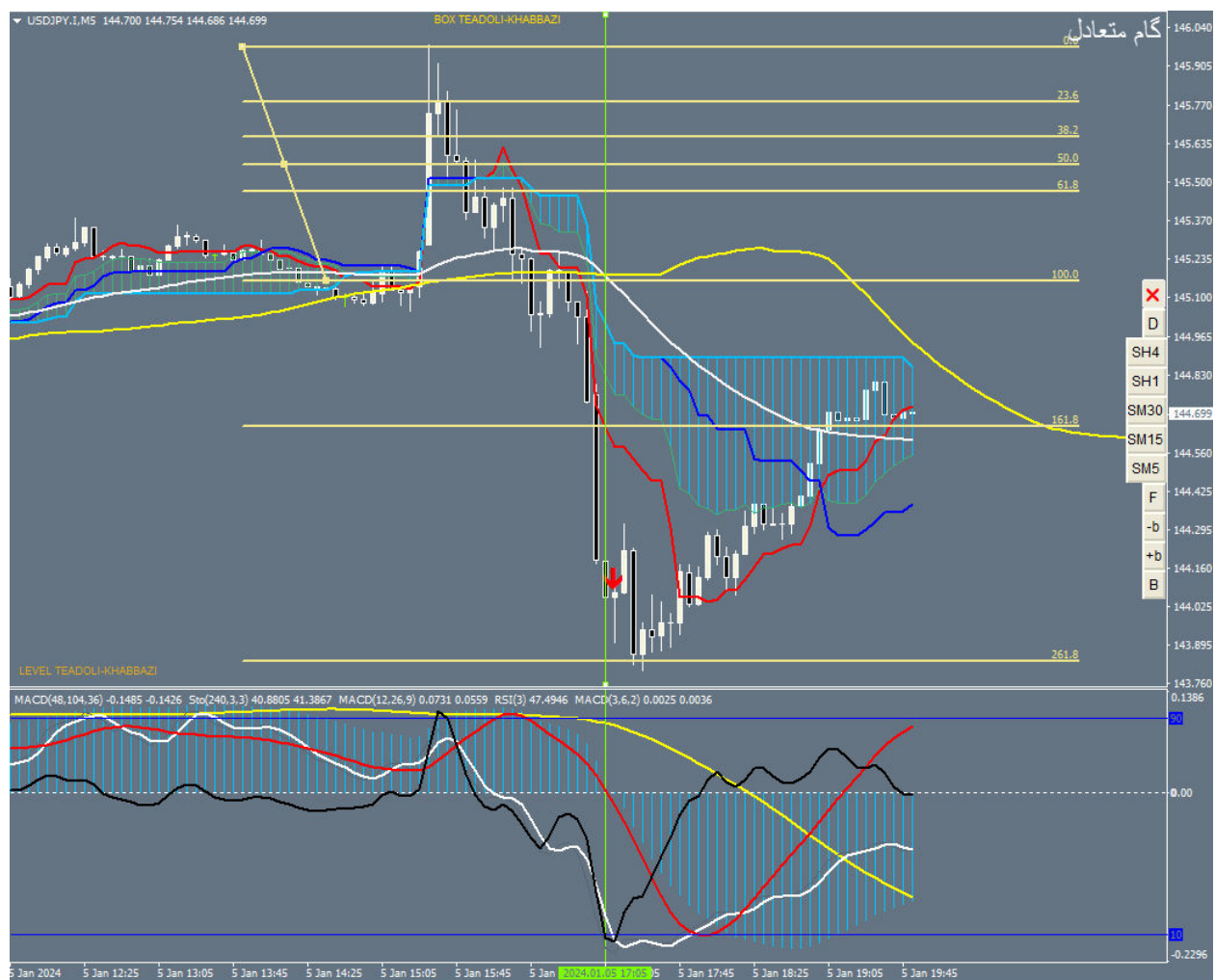
بعد از چند کندل به تارگت حداقلی اش می رسد و پس از اصلاح، باعث تغییر فاز هیستو هم شده است.

هدف قیمت از شکست تراز هیستو، اشباع خواهد بود.



مثال پنجم

سویچ تعادلی در روبروی خودش به سه شرط باقی مانده از گام متعادل رسیده است پس بر می گردد.

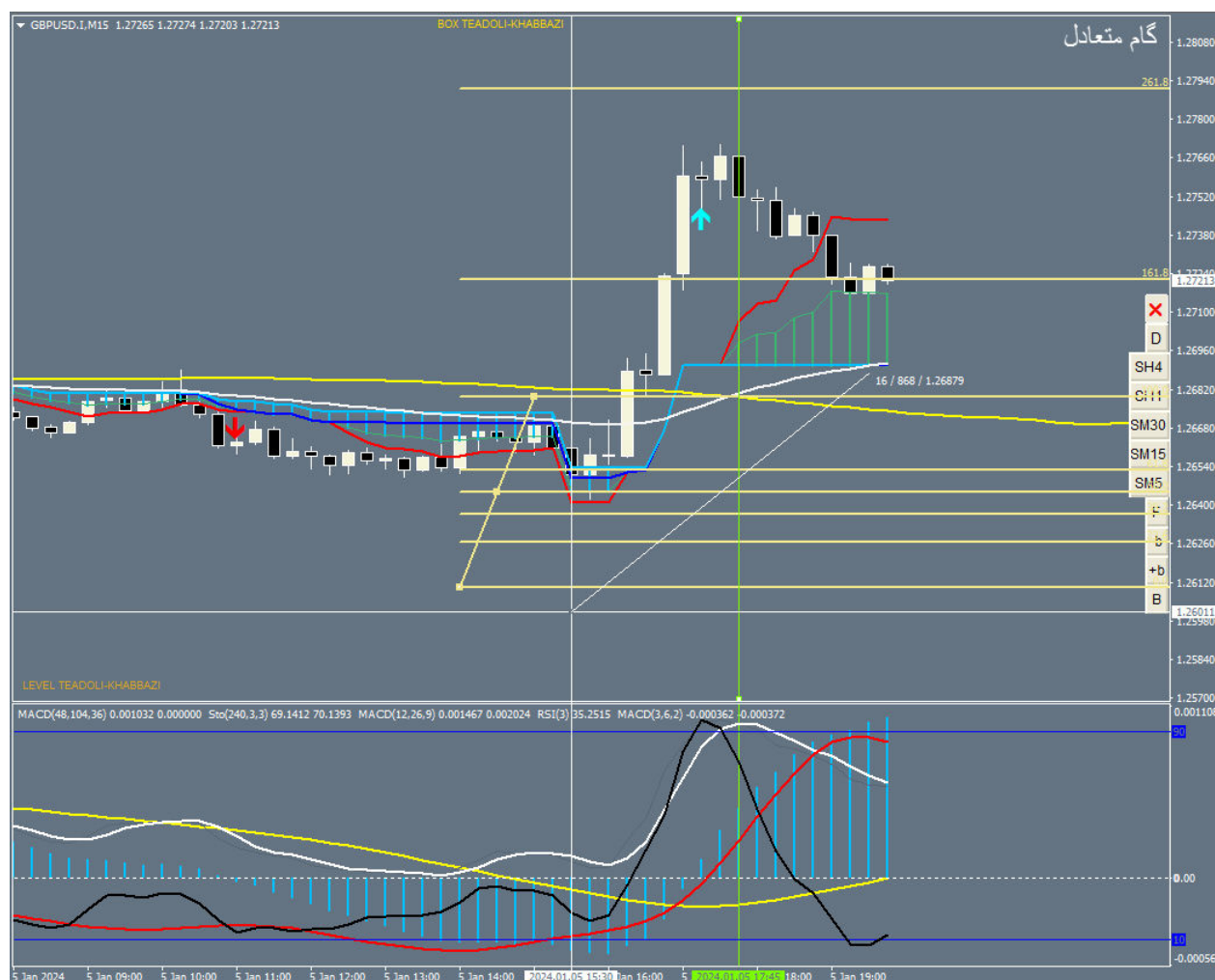


مثال ششم

سویچ تعادلی در روبروی خودش باعث تغییر فاز هیستو و اشباع میز شده است.

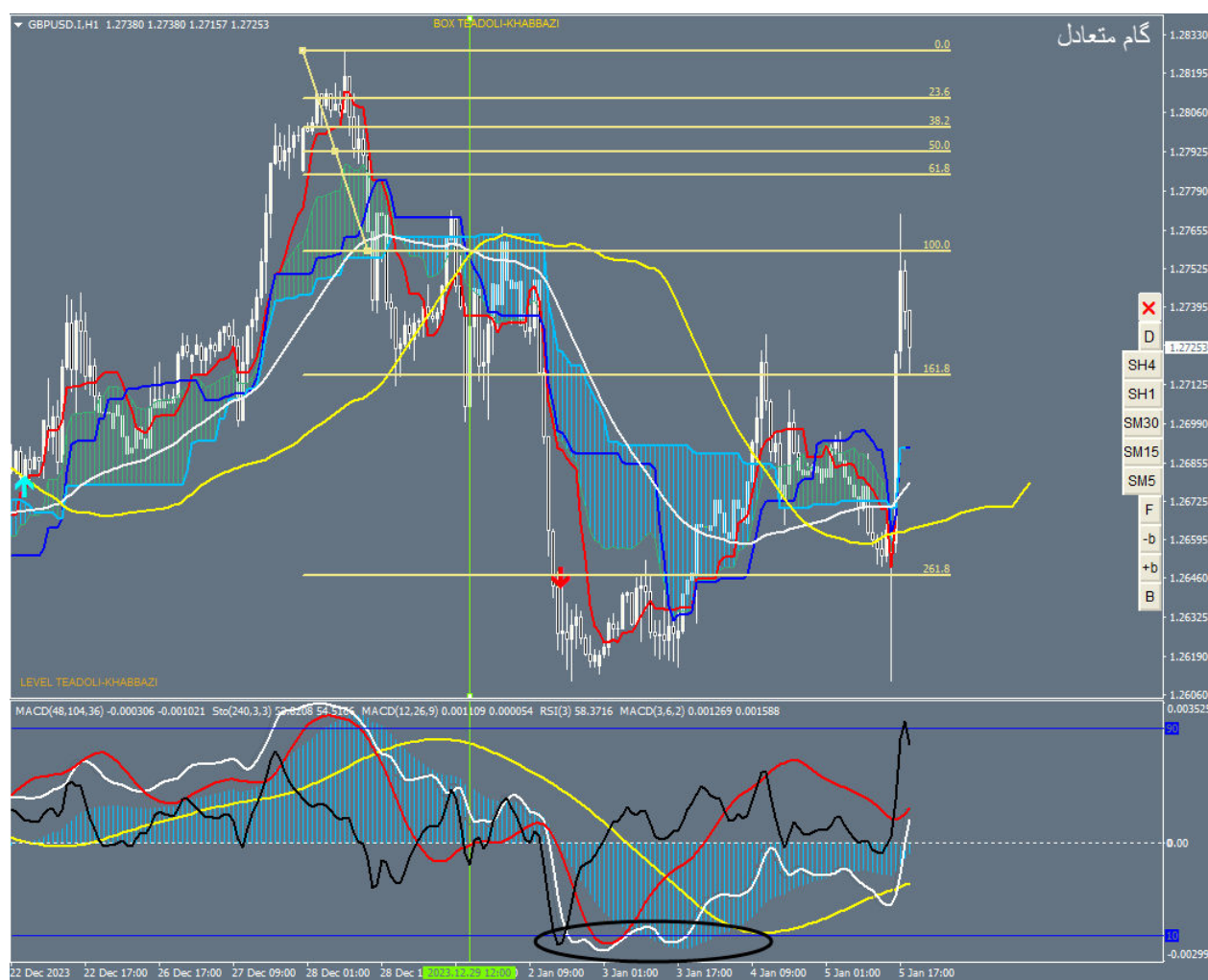
شرط باقی مانده برای متعادل شدن، رسیدن به تارگت حداقلی سطح 261 می باشد.
می توان صبر نمود با شکست تراز هیستو، ترید برای رسیدن به این تارگت را زد.

یا از یک نقطه مطمئن مثلا از پولبک به فلت سنکو اسپن B، خصوصا در اعداد زمانی ایچی، 17 یا 26 یا 52، تا تارگت حداقلی سویچ تعادلی، ترید نمود.



مثال هفتم

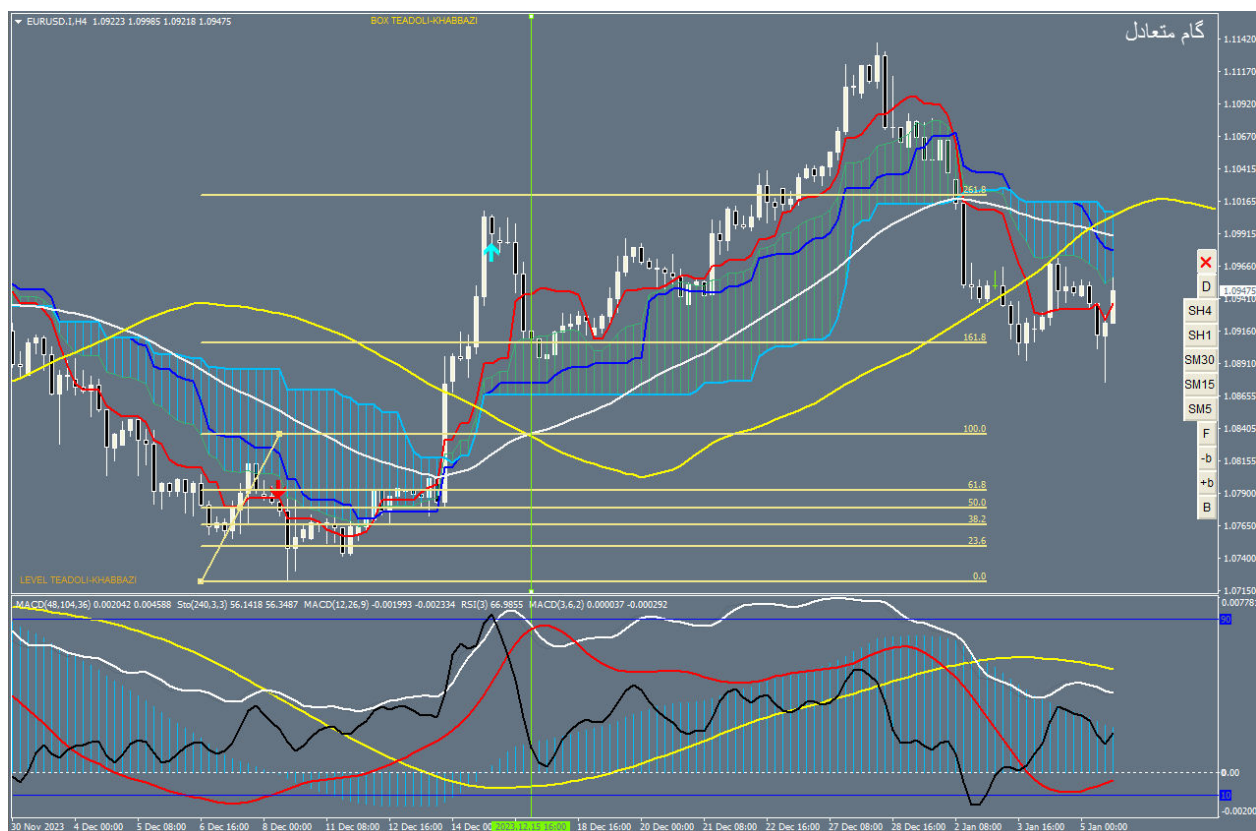
سویچ تعادلی در روبروی خودش فقط شرط تارگت حداقلی را بدست آورده است. پس با شکست این سطح، نزول را ادامه داده و بعد از تغییر فاز هیستو، با به اشباع بردن میز، برگشت نموده است.



مثال هشتم

چارت با یک حرکت شتاب دار فقط باعث تغییر فاز هیستو شده است. پس با یک اصلاح، حرکتش را با ستاپ همراهی کیجن ادامه داده و با شکست تراز هیستو، به تارگت حداقلی اش رسیده است.

سپس حرکتش را تا رسیدن به شرط سوم تعادل، یعنی به اشباع بردن میز، ادامه داده است.



پنل اصلی سبک تعادل

ستاپ توازن

ستاپ توازن با توجه به موارد زیر به عنوان ستاپ اصلی سبک تعادل انتخاب شده است :

1_ دو ترید متوالی از دره به قله یا قله به دره و بلافاصله معکوس آن که امکان اضافه کردن حجم یا ترید های اسکالپ در هر دو مسیر وجود دارد.

2_ همه ستاپ های مجموعه سبک تعادل می توانند داخل ستاپ توازن تشکیل شوند و یا اگر این ستاپ ها در تایم بالا باشند؛ در حکم تایید ستاپ توازن در تایم پایین تر می باشند.

3_ این ستاپ شامل همه استراژی ها مانند، واگرایی، شکست سطح، پولبک به سطح، زمان، فرکتال، مولتی تایم، فیبو، باکس، کانال، پرایس، ایچی، NDS (باز و بسته شدن سایکل ها)، ... می باشد.

4_ رفتارشناسی خوبی که پشت ستاپ توازن است باعث می شود بعد از تسلط به آن، امکان استفاده از ستاپ بدون اندیکاتور به صورت مستقل و یا در کنار هر سبک دیگری وجود داشته باشد. این ستاپ، تکرار رفتار معمول قیمت (شکست سطح مهم و برگشت به آن) می باشد.

5_ سود آوری ستاپ توسط افراد مبتدی، تست شده است.

پنل اصلی با این فرض بیان می شود که یک فرد از قبل، همه فازها را تمرین و ترید کرده است و حال تمام تجربیاتش را در قالب یک ستاپ، می خواهد سازماندهی کند.

اگر مطلب جدیدی بیاموزیم و بخواهیم در کنار پنل اصلی به عنوان یک پنل مستقل به آن نگاه کنیم، کم کم این استراژی ها زیاد شده و علاوه بر این که تمرکز را از ما می گیرد، تحلیل های متفاوت با پنل های متفاوت در یک موقعیت، ما را سرگردان کرده و انرژی زیادی را از ما خواهد گرفت.

ضمن این که گستردگی روش ها، باعث خواهد شد در نهایت عامل موفقیت یا شکست ما دقیقا مشخص نباشد. اما اگر هر ایده جدیدی در ابتدا به صورت مستقل تست شود و بعدا با ستاپ توازن یا هر ستاپی که در آن مهارت داریم و به سود رسیده ایم، همگام شود؛ یعنی از آن ایده، به عنوان یک تایید نه شرط در توازن، استفاده کنیم، می توان ضمن آرامش و اطمینان خوبی که به ما می دهد، وین و ریوارد بهتری به ستاپ اصلی ما نیز بدهد.

دقت شود سبک تعادل بر اساس سطوح تعادلی می باشد و این شرط لازم برای هر ترید می باشد. برای اطمینان بخشی بیشتر به ترید از آنجا که در میز اندیکاتوری، مکدی چهار برابر، معادل تایم باز منظور شده است، پس اعتبار سنجی خوبی به ترید با سطوح تعادلی خواهد داد که به عنوان شرط لازم دوم، می توان منظور کرد.

سایر موارد مانند تحلیل زمانی یا رالی باکس یا باکس فرکتال یا...، نه به عنوان شرط لازم و نه به عنوان شرط کافی(قطعیت) خواهند بود. بلکه فقط در حد یک تایید و اعتبار بیشتر می باشد؛ چرا که در خیلی از موارد با بر قرار بودن همه شرایط، باز واکنشی قیمت به آنها نخواهد داشت.

مسلما شکل های مجموعه، اگر چه همه در لایو بازار می باشند؛ اما حالت درست بودن ستاپ را، نشانه رفته است و بررسی وین ریت ستاپ ها بر عهده شما می باشد. آن چیزی که برای یک ستاپ مهم است، برآیند آن می باشد که برای هر شخص متفاوت خواهد بود. مشخص کردن سود آور بودن یا نبودن سبک تعادل، زمانی زیادی را از شما نخواهد گرفت.

شخصا هیچ تعصب و اصرار و ادعایی برای استفاده از مجموعه سبک تعادل نداشته و ندارم، اگر چه بسیار خرسند خواهم بود از این که بتواند همراه و همیار شما در حد چند گام، در مسیر موفقیت شما باشد.

ستاپ توازن

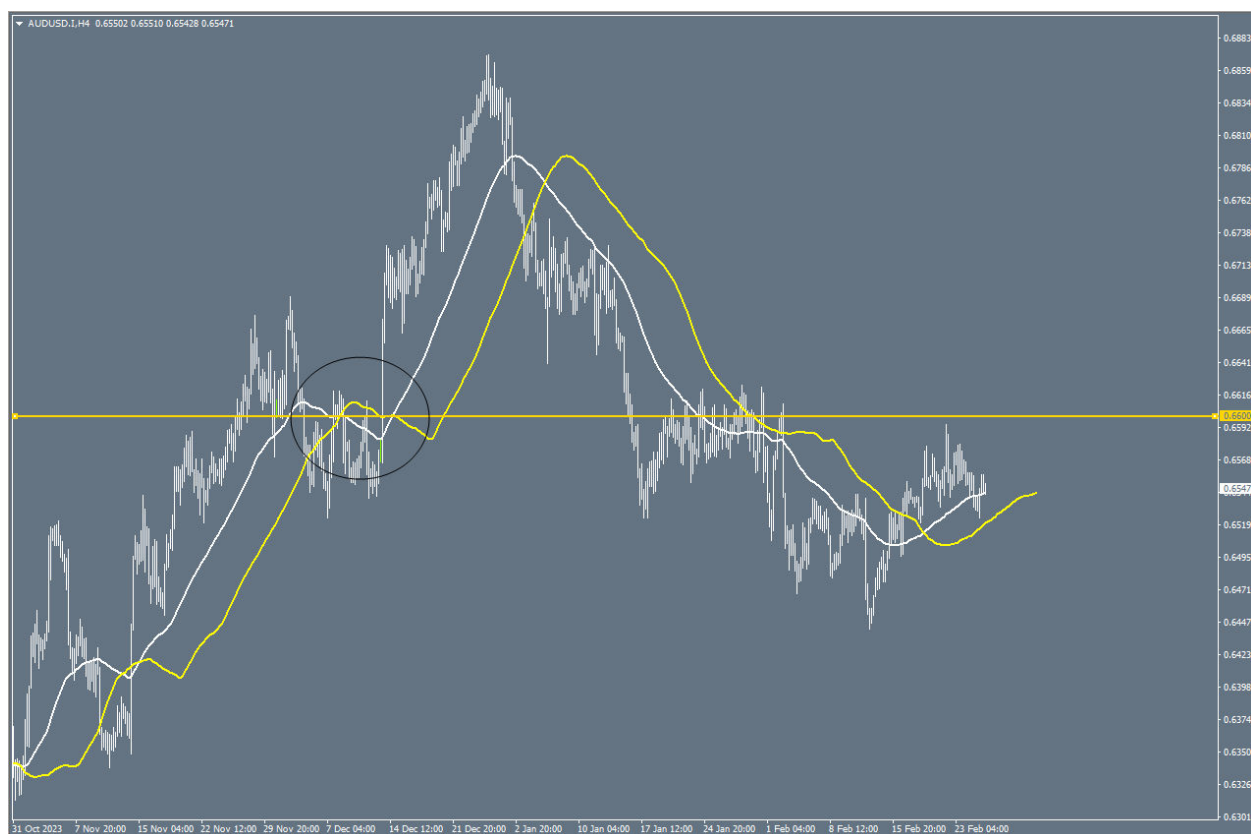
توازن به معنی هم وزن بودن می باشد. این هم وزنی می تواند شامل قیمت و یا زمان و یا هر دو باشد. از ستاپ توازن، انتظار داریم (یعنی فقط پیش بینی می کنیم) که قیمت به اندازه حرکت قبلی (رالی اول)، حرکت یا رالی دوم را نیز انجام دهد.

به منظور قابل شناسایی کردن این موقعیت برای فرد مبتدی تا با یک نگاه بدون نیاز به واکاوی موارد پرایسی، بتواند آن را تشخیص دهد و در ترید های نخست نیز، طعم با سبز بسته شدن تریدش را بچشد، نیاز به یک الگو می باشد تا تحلیل را به جای پرایسی، شکل گرا نماید.

مسلماً بعد از رسیدن به سود مستمر، ناخود آگاه، ذهنیت پرایسی در فرد، شکل گرفته خواهد بود و نیازی به آن الگو نخواهد داشت.

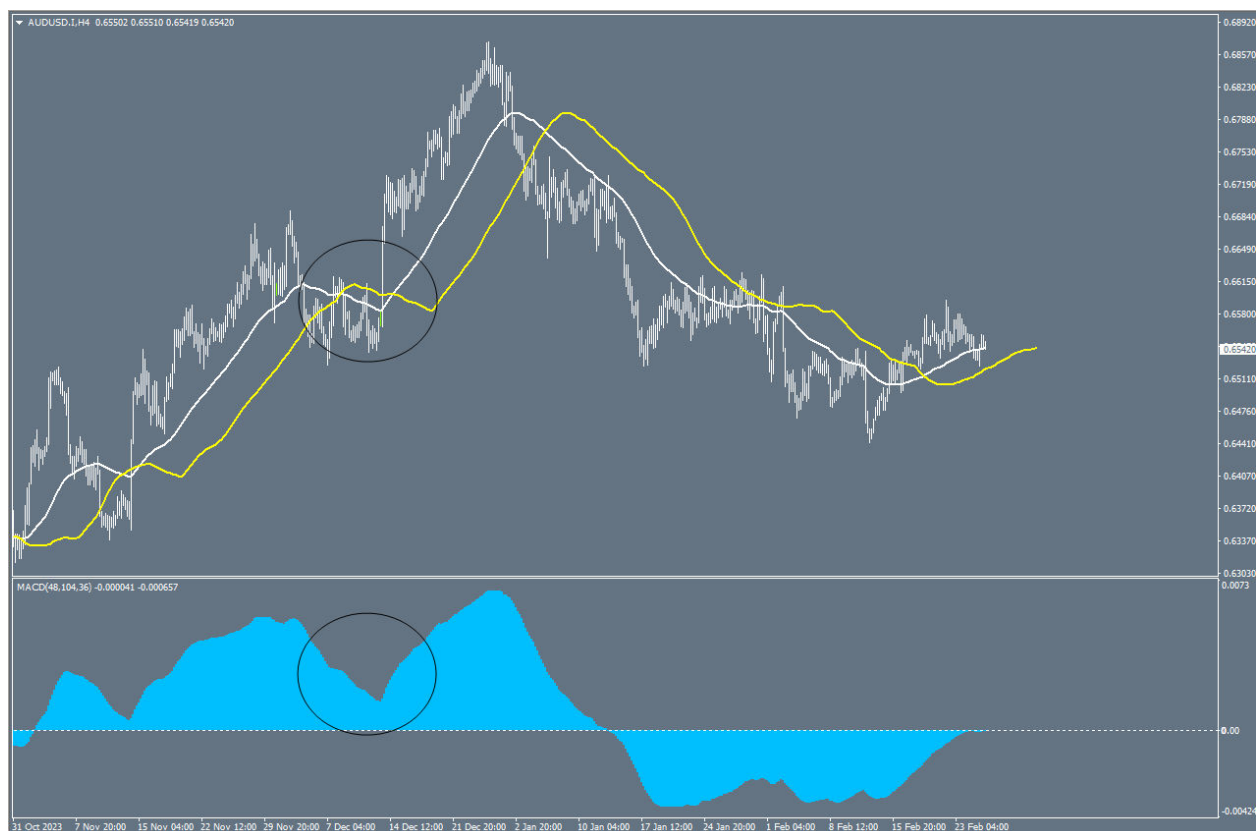
در واقع آن الگو در وقت خودش وظیفه اش را به خوبی انجام داده داده است.

الگوی ستاپ توازن، دو سویچ تعادلی به مثابه دو کفه ترازو می باشد که در حالت ایده آل، در روبروی هم تراز شده اند تا دو رالی هم وزن را به ما بدهند. در واقع افقی بودن شاهین ترازو ملاک برقرار بودن این ستاپ می باشد. شاهین ترازو، محور تعادل استاتیک می باشد که هر دو سویچ بر آن بنا شده اند.



توازن در شرایط بیان شده، موقعیت های کمی را نصیب ما می کند. پس مثل هر ترازویی که میزان دقت (درصد خطا) آن مشخص است، برای ستاپ توازن نیز یک تفرانس یا تقریب منظور می کنیم.

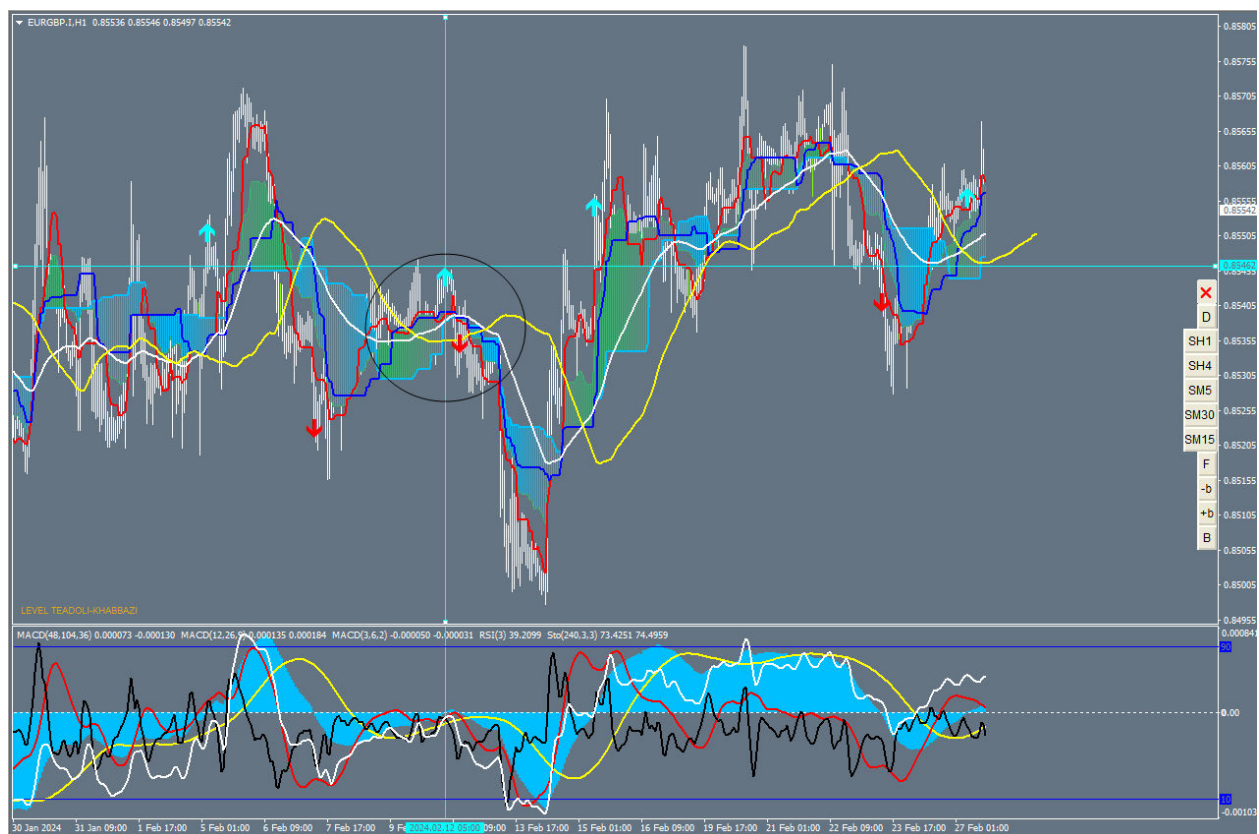
میزان غیر ترازى این دو کفه را ستاپ تقارن در حالت عدم تقارن مشخص می کند. با ظاهر شدن سویچ تعادلى جدید، تا جایی که هیستو مکدى چهار برابر، در جهت این سویچ جدید، تغییر فاز ندهد، این سویچ، وزنه یا اعتباری برای تغییر کفه ترازو یعنی تغییر روند ندارد، پس در حد یک اصلاح به آن نگاه کرده و آن را فیک می نامیم.



از نظر ایچی، در حالت عدم تقارن، کوموی جدیدی که با زدن سویچ تعادلی جدید شکل گرفته است، چون باعث تغییر فاز هیستو نشده است، فیک می باشد. کوموی فیک باعث پرتاب قیمت و سپس بازگشت قیمت تا سطح تعادلی پنجاه درصدش و تاج کومو می شود. حرکت پرشتاب حاصل از کومو فیک، معمولاً همراه با کراس برابری می باشد.



هیستو فیک باعث زدن سویچ تعادلی جدید و در دسترس شدن تارگت حداقلى آن قبل از تشکیل آن خواهد شد.



بررسی ستاپ توازن صعودی

ستاپ توازن ترید لگ **CD** از پترن **N** در قالب سه ترید و بلافاصله، ترید چهارم با برگشت قیمت می باشد.

ترید شماره اول از نقطه **C** است که در این مسیر، ترید شماره دوم، بعد از پولبک و تثبیت قیمت و ترید شماره سوم به صورت اسکپ می تواند صورت گیرد و با رسیدن قیمت به نقطه **D** و بسته شدن ترید های قبل، ترید شماره چهارم را از نقطه **D** تا برگشت قیمت به سطح **B** انجام داد.

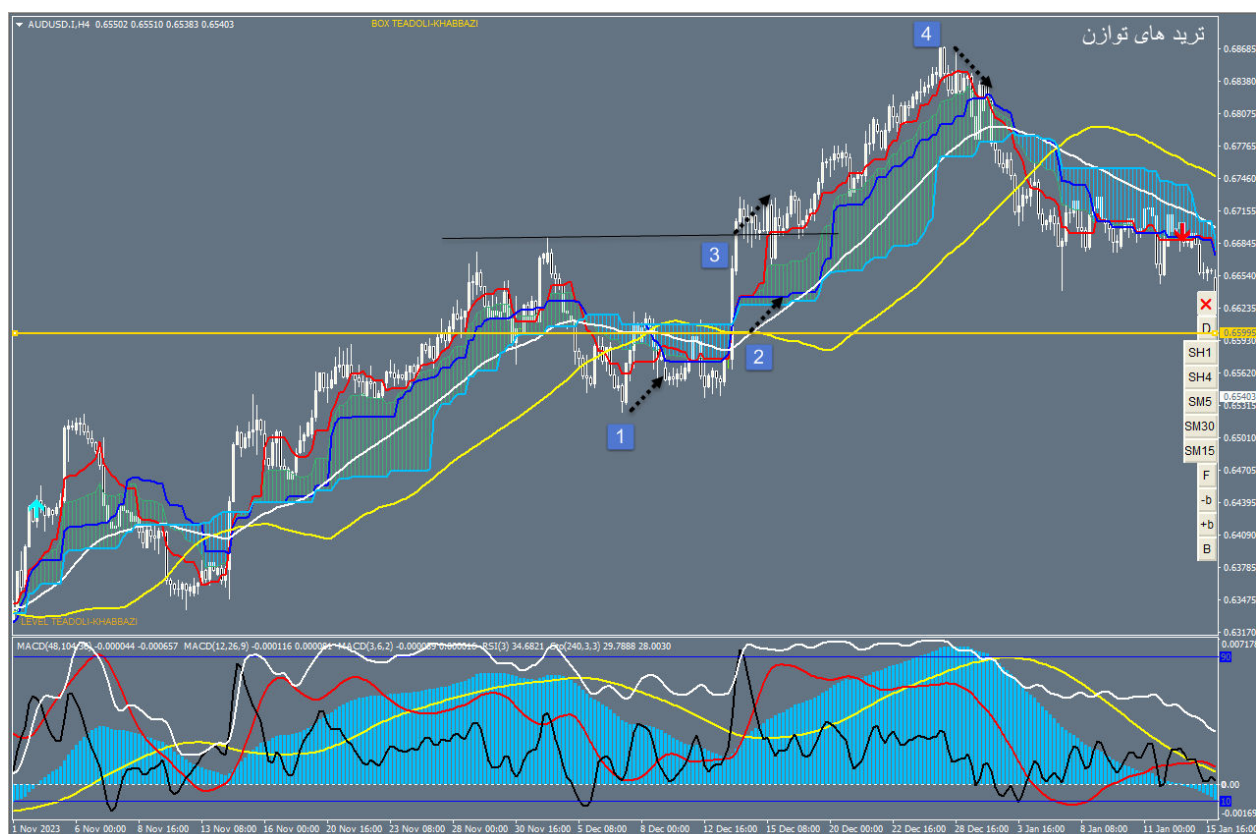
ترید سوم، در جهت باز شدن سیکل فرکتال می باشد و ترید چهارم برای بسته شدن این چرخه خواهد بود.

این چهار ترید را قبلا به صورت مجزا مشق کرده اید.



در کل مجموعه، شکل ها از لایو بازار می باشد. در این قسمت پایانی نیز سعی شده است همه موارد، در یک موقعیت، در لایو بیان شود. این موقعیت را در همه تایم ها چارت اصلی می نامیم.

اما از آنجا که موقعیت ستاپ توازن در لایو بازار، شاید جمیع تاییدات را نداشته باشد، لذا برای انتقال مطلب، آن تایید که در چارت اصلی برقرار نیست از موقعیتی دیگر در لایو یا گذشته بازار استفاده شده است.



ترید اول : ترید از دره

ترید اول در ستاپ توازن صعودی، در ادامه روند صعودی است که از قبل شروع شده است. این ترید شروع رالی دوم بعد از اتمام اصلاح مربوط به رالی اول می باشد. در واقع باید مطمئن شویم که:

اولا، نقطه **C** به عنوان کف معتبر می باشد و از این دره، قیمت، نزول نخواهد کرد.

دوما، دلیلی برای پرتاب(کنده شدن) از نقطه **C**(کف)، باشد.

برای این منظور از تایم اصلی یعنی تایمی که ستاپ توازن در آن برقرار است و تایم فرکتال، یعنی تایم یک چهارم تایم اصلی و همچنین تایم چهار برابری، تاییدهای لازم را بررسی می کنیم.

در ترید اول، هنوز توازنی شکل نگرفته است و در واقع تشکیل سویچ تعادلی دوم را پیش بینی می کنیم.

تارگت اول ترید، تاج محور استاتیک سویچ تعادلی سمت چپی توازن و تارگت دوم آن تاج محور فرکتال و تارگت نهایی این ترید، تارگت ترید سوم یعنی قله خواهد بود. با توجه به حد ضرر ترید که همان نقطه ورود یا کمی دورتر می باشد، این ترید ریسک به ریوارد خوبی دارد. این که با هر تارگت ریسک فری نمایید و یا تا انتهای ترید سوم حدود ضرر و سود را جابجا نکنید؛ به خودتان بستگی دارد.

اما بهتر است تا تریدی هنوز، تارگت اولش را نداده است، ریسک فری نکنیم. زیرا اگر قرار بر این باشد که بلافاصله بعد از به سود رفتن یک ترید و قبل از رسیدن به تارگت اولش ریسک فری کنیم، نشانه عدم اطمینان به تریدمان است. در این صورت هیچ گونه برداشتی از بازدهی ترید نخواهیم داشت.

شاید چندین بار در یک یا چند موقعیت توازن، حد ضرر کم را بپذیریم تا بتوانیم رالی دوم را شکار کنیم اگر قرار بر این باشد بعد از چند ضرر، با ریسک فری بی موقع،

جلوی رشد ترید در سود رفته را بگیریم؛ در نهایت هیچ پلنی نتیجه مثبتی نخواهد داشت.

هدف از ترید اول پذیرش یک حد ضرر کم در قبال یک تارگت مناسب می باشد. به عبارت بهتر ریسک به ریوارد ترید تا وین ریت آن، ملاک می باشد. پس باید از نظر روان شناسی با حد ضرر های کم و متوالی کم نیاوریم تا بتوانیم با یک ترید موفق،

آنها را جبران کرده و با تمرین و تجربه، وین ریت آن را نیز بهبود بخشیده تا به سود نیز برسیم.

ترید اول اگر چه نسبت به ترید های دیگر شاید حرفه ای بودن بیشتری را از نظر تکنیکال، مدیریت روان و سرمایه، طلب نماید؛ اما از آن ترید هایی است که با پذیرش حداقل ضرر، و بی خیال تارگت شدن، می توان ریوارد بسیار خوبی از آن گرفت.

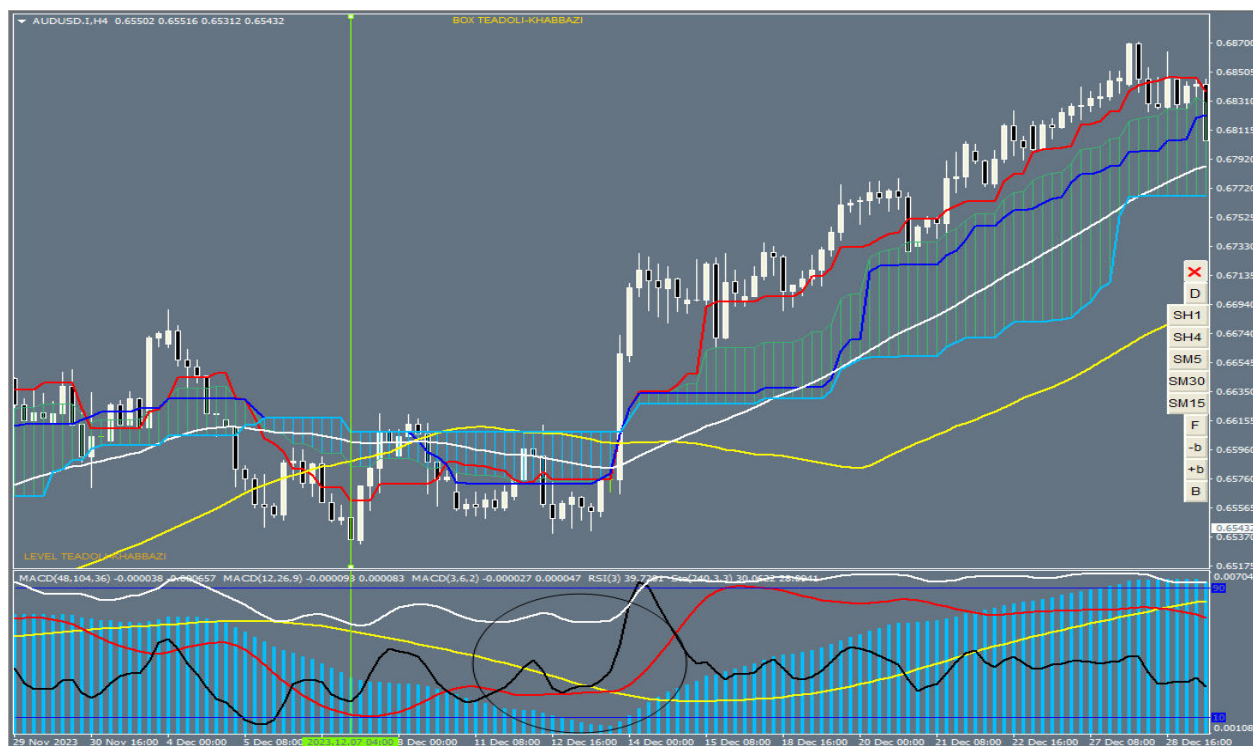
تاییدات تردید اول در تایم اصلی

1_عدم تقارن

در تایمی که انتظار توازن داریم، یعنی هنوز سویچ دوم توازن ظاهر نشده است و عملاً توازنی در کار نیست، ستاپ تقارن باید در حالت عدم تقارن باشد. برای این منظور بعد از زدن سویچ تعادلی نزولی، هیستو نباید نزولی شود یعنی تغییر فاز بدهد.

این همان اطمینانی است که می توانیم از کف بودن نقطه C داشته باشیم.

در این حالت در میز اندیکاتوری چرخه بزرگتر یعنی زرد، با عدم تغییر فازش، نزولی شدن چرخه های مشکی و قرمز را تایید نمی کند. سیکل های قرمز و مشکی در بن بست هیستو صفر، به ناچار در جهت سیکل زرد برگشت نموده و با کراسشان با زرد یک پرچم صعودی می زنند. پرچم در این شرایط قابل استناد است چون بر اساس اشباع مطمئن سیکل ها، همزمانی شکل گرفته است. برای استارت ستاپ توازن، هیستو فیک را نیز می توان منظور کرد تا عامل پرتاب قیمت باشد.



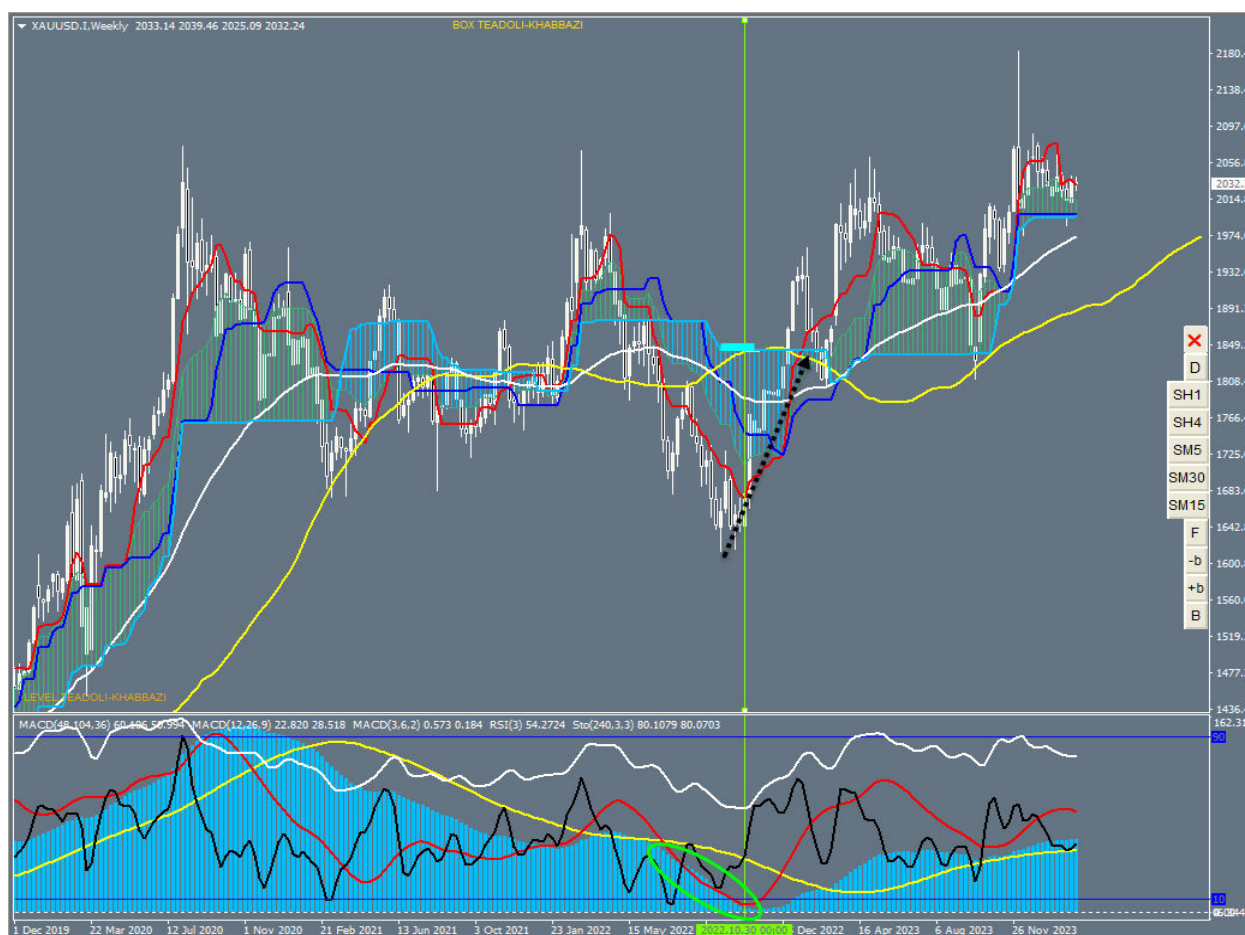
2_ تاج فلت چرخه

وقتی طبق توضیحات قبل می خواهیم در لایو ترید اول را انجام دهیم، به سادگی بررسی گذشته بازار که چالش و معمای آن حل شده است نیست. زیرا علت ورود را بر اساس عدم تغییر فاز هیستو نهاده ایم.

وقتی به این اطمینان می رسیم که در چارت، قیمت خودش را بالای موینگ سفید مستقر کرده و با فلت سنکو اسپن **B** چفت شده باشد؛ در این صورت، زمان ترید اول گذشته است. یا اگر در میز منتظر زدن پرچم بشویم تا خاطرمان از عدم صفر شدن هیستو جمع شود، باز دیر می باشد و دیگر ترید از نقطه صفر نخواهد بود.

چهار مورد به تنهایی یا ترکیبی، اطمینال خوبی به ترید اول می دهند :

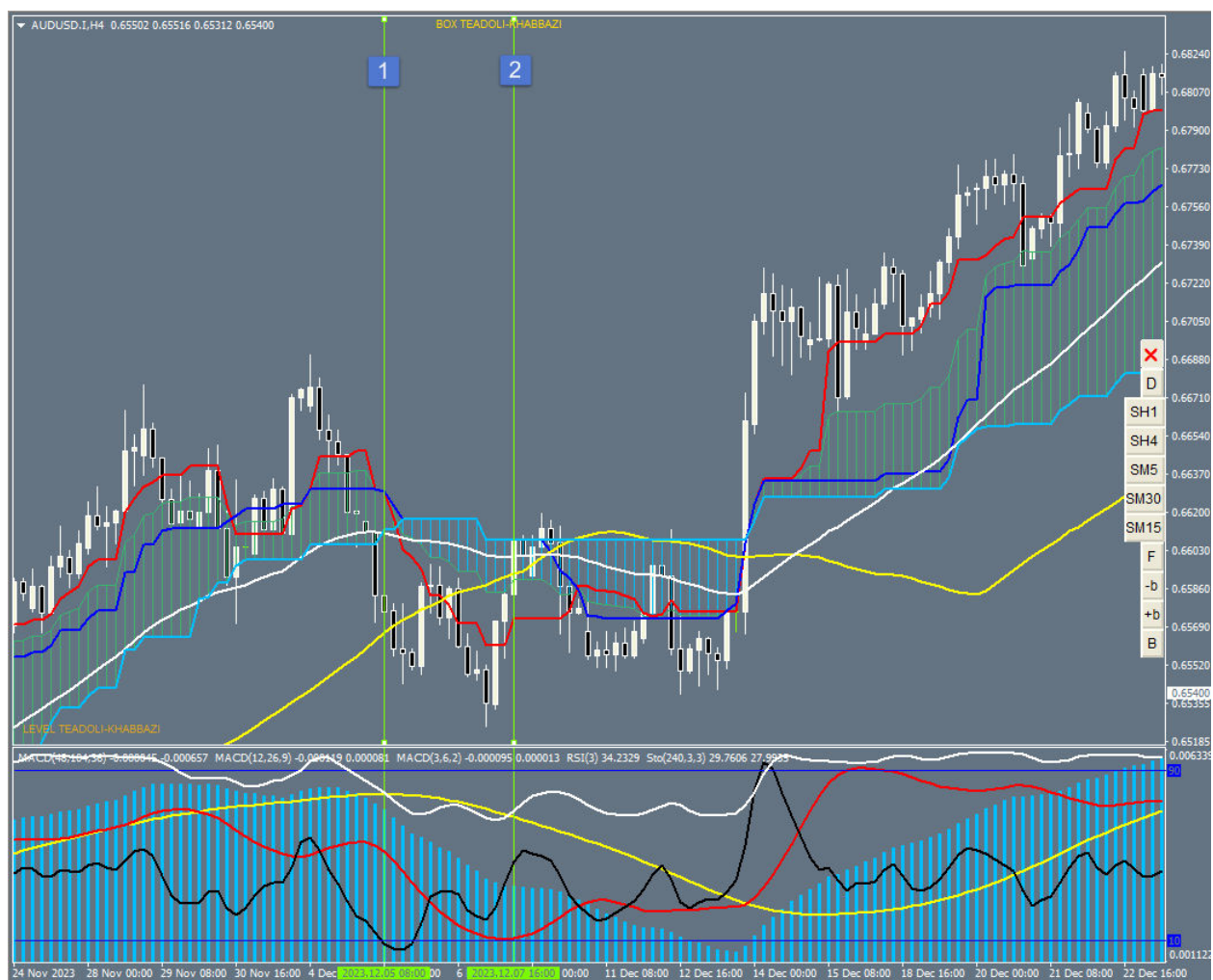
مورد اول، تاج فلت هم شکلی هیستو می باشد.



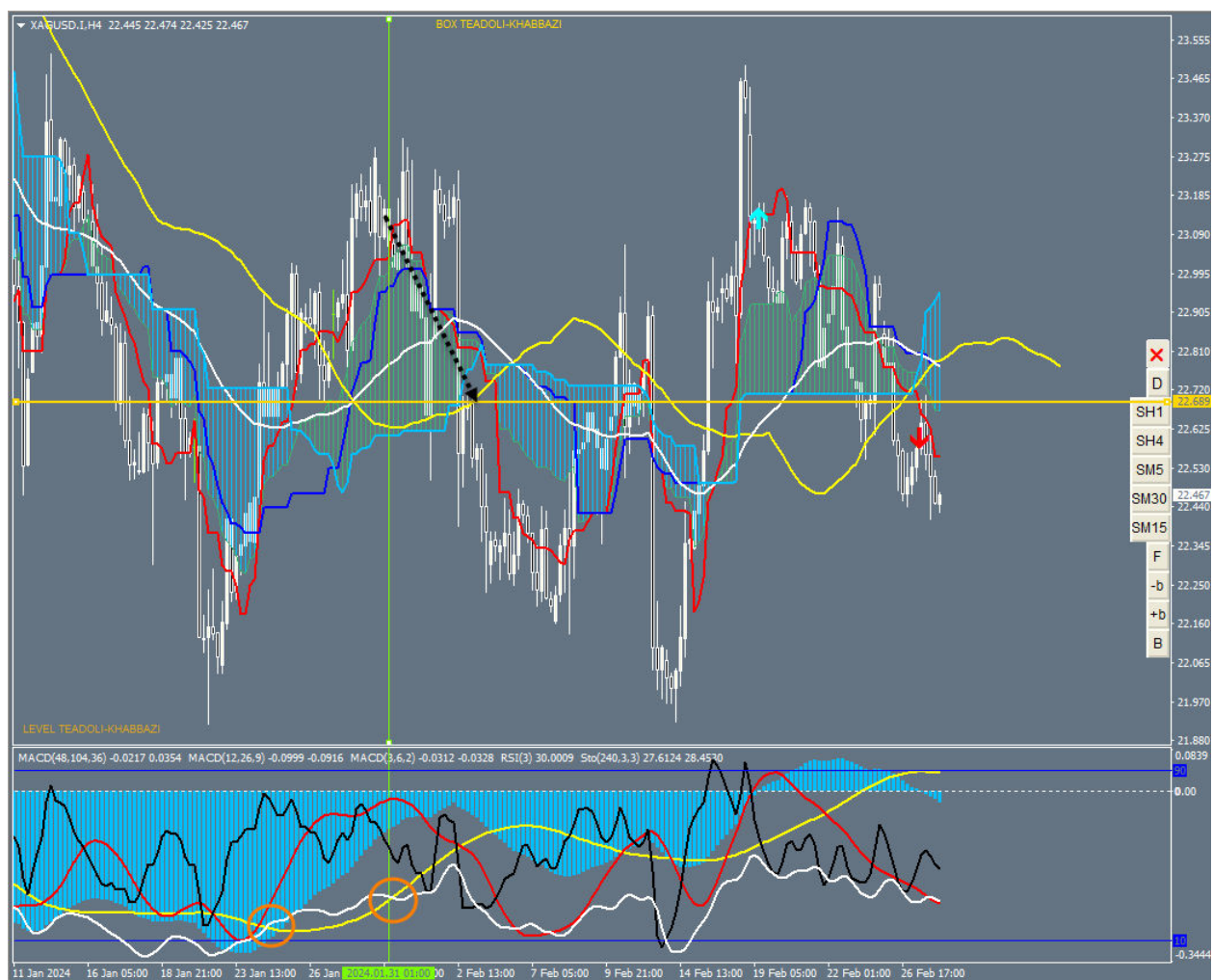
مورد دوم، پرچم با اولویت رنگ سفید(پرچم سفید) است که معمولا پرچم قبلی با وضعیت سفید در رنگ سوم می باشد. البته به شرطی که هنوز قیمت در دره باشد.

در خط اول رنگ سفید، سومین رنگ پرچم است. در خط دوم رنگ سفید رنگ اول پرچم است و به این معنی است که محور استاتیک سویچ تعادلی، تاچ خواهد شد.

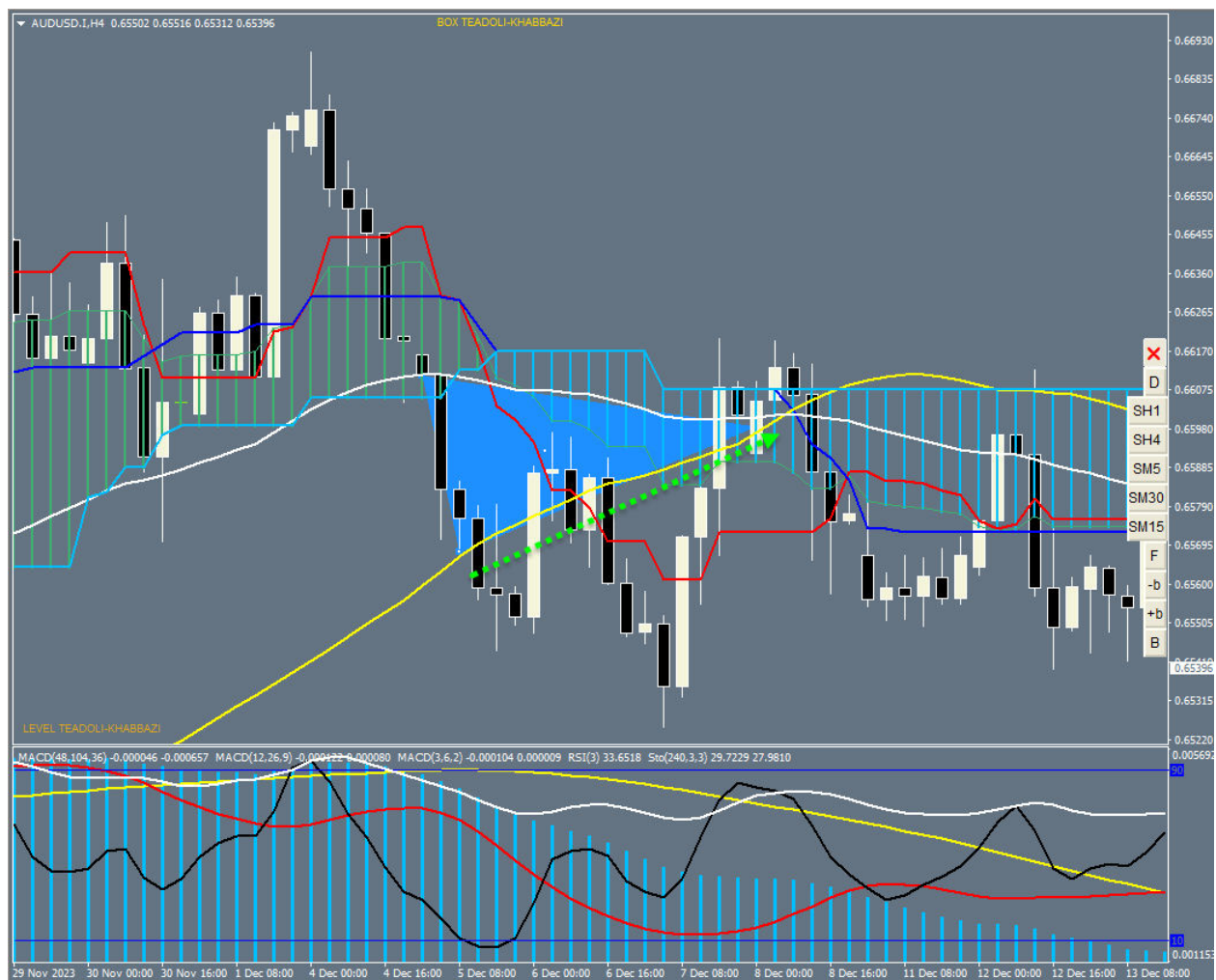
اما در شکل بعد، در خط دوم این تاچ انجام شده است و موقعیت از دست رفته است.



در شکل بعد، پرچم در موقعیتی تایید داده است که قیمت فاصله مناسبی از تارگت دارد.



مورد سوم فلت شدن موینگ سفید می باشد که با تاج آن، مثلث زمان جهت پترن زمانی شکل می گیرد.

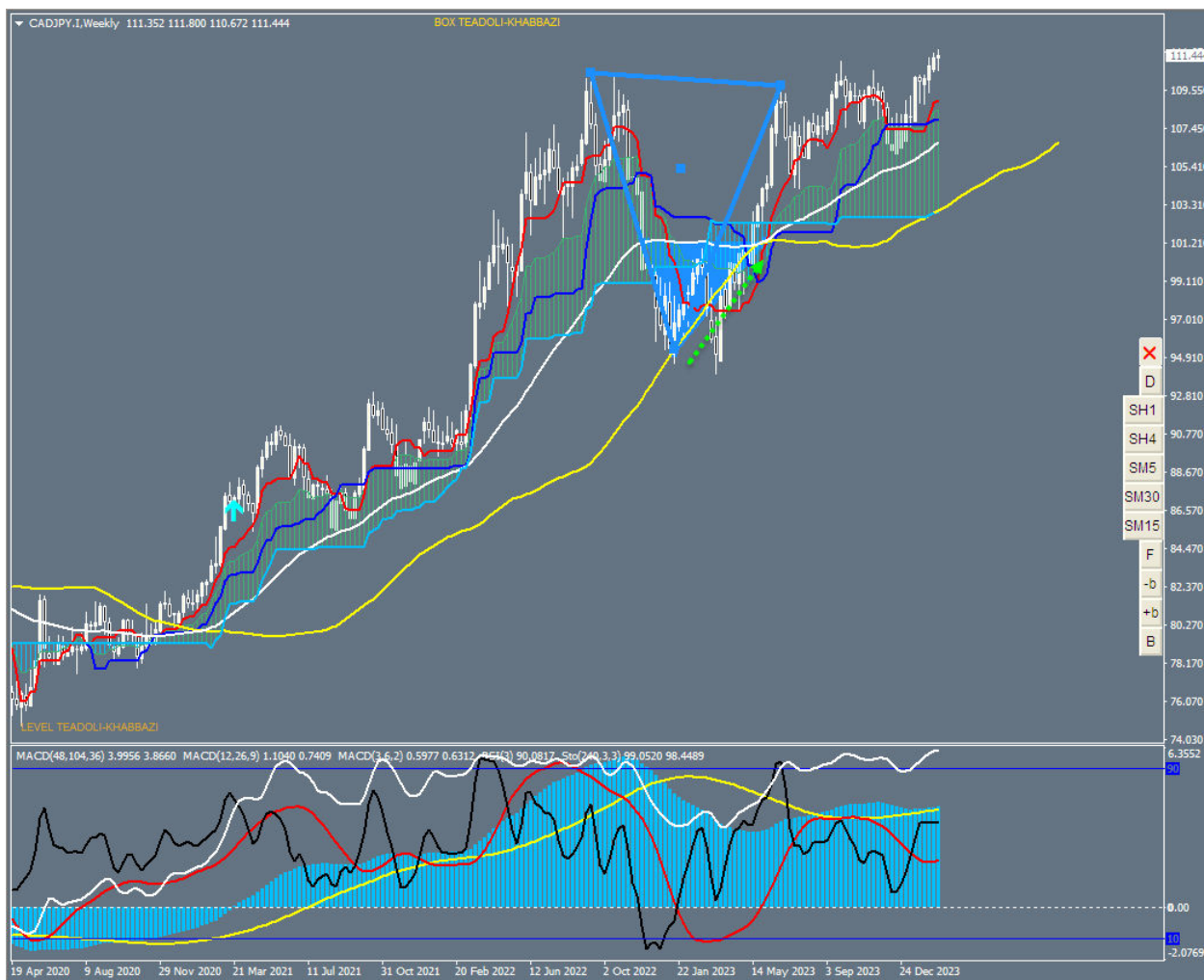


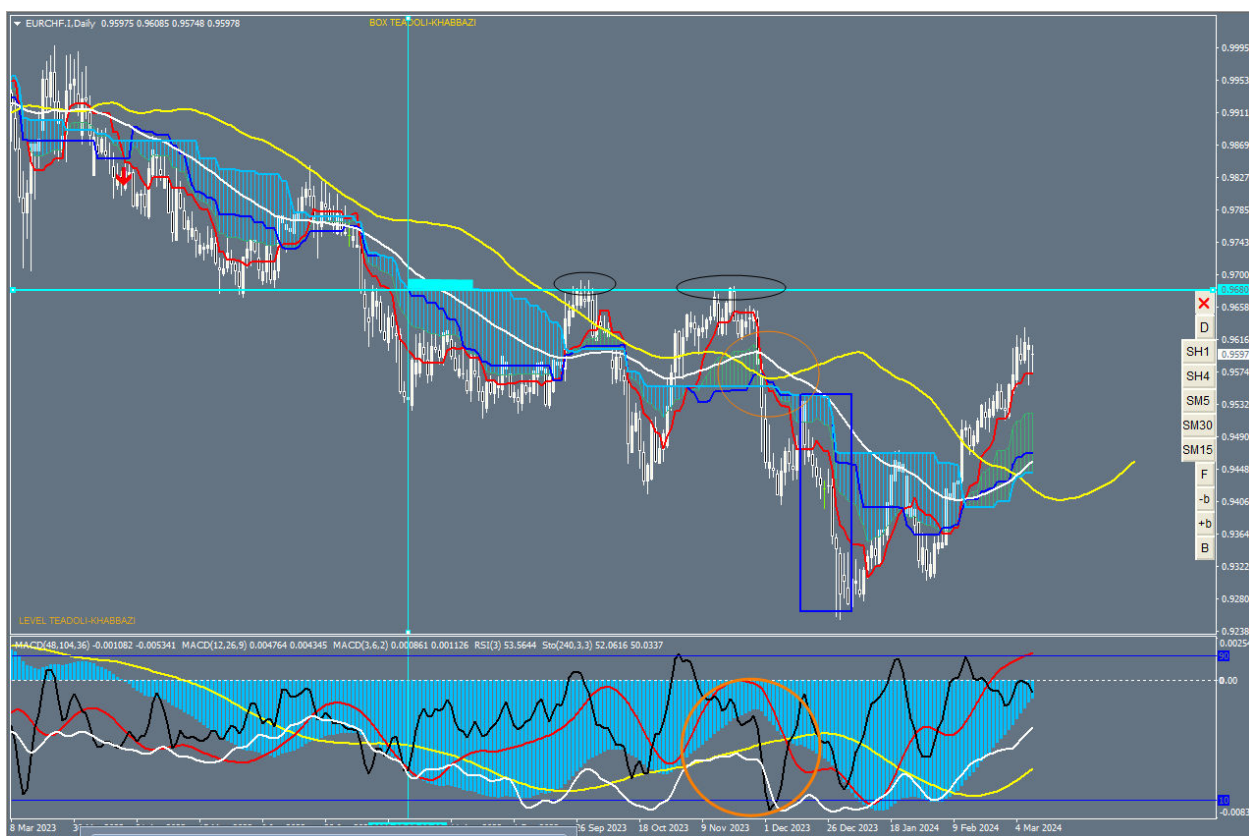
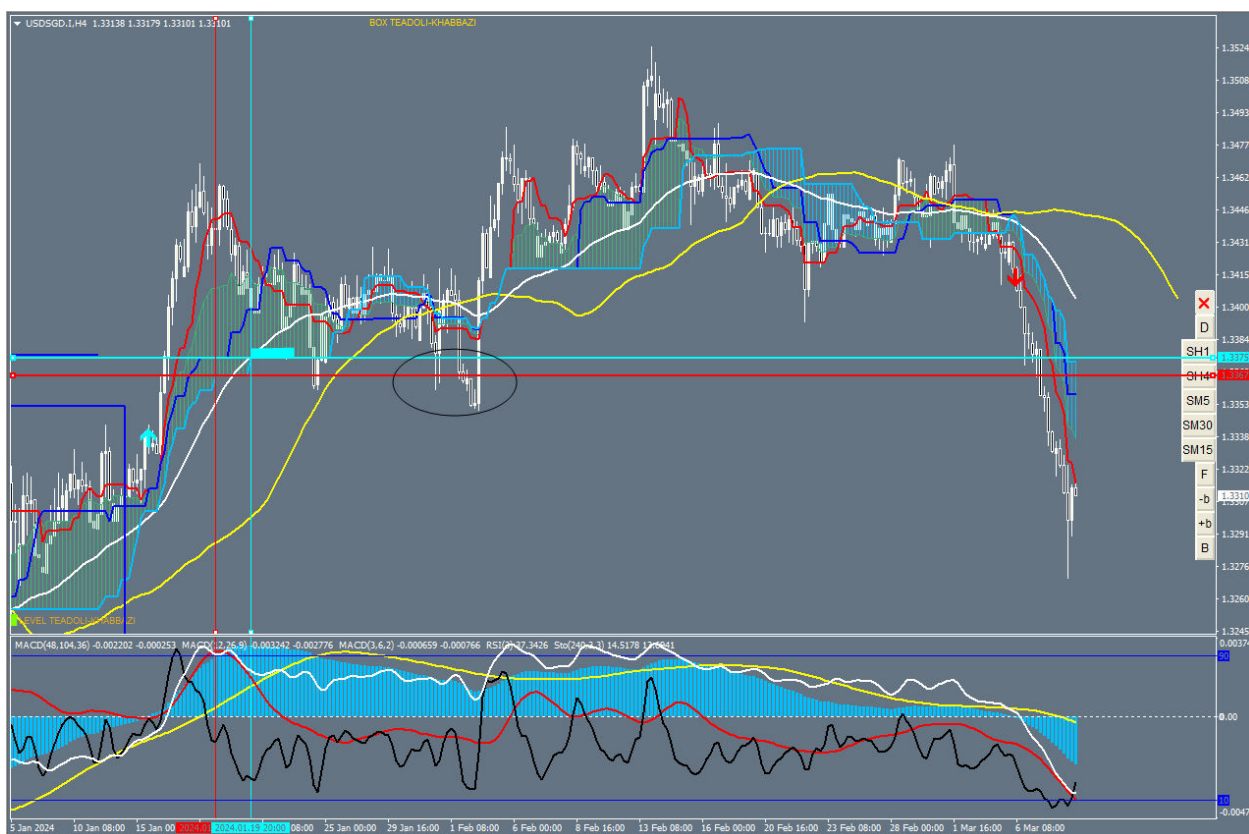
مثلث زمان سه امتیاز دارد.

اولا با فلت شدن موینگ سفید خبر می دهد که این موینگ تاچ خواهد شد تا مثلث شکل بگیرد.

دوما با تشکیل مثلث، یک الگوی پرتاب قیمت داریم که تارگت حداقلی آن مثلث کراس می باشد.

سوما، جهت پرتاب قیمت برای تشکیل نوع پترن (N OR V) را میز اندیکاتوری معلوم می کند.



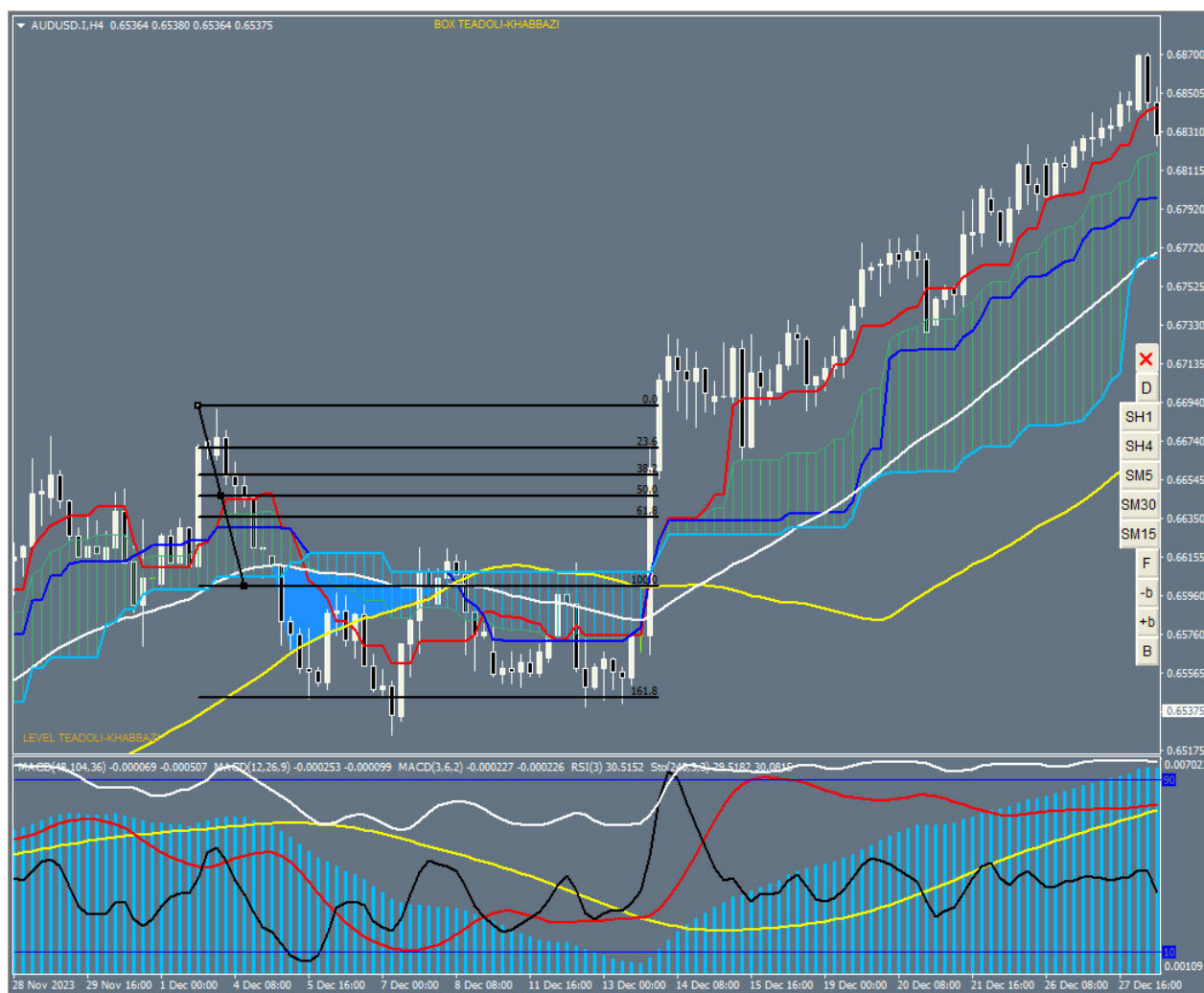


3_ سطوح تعادلی

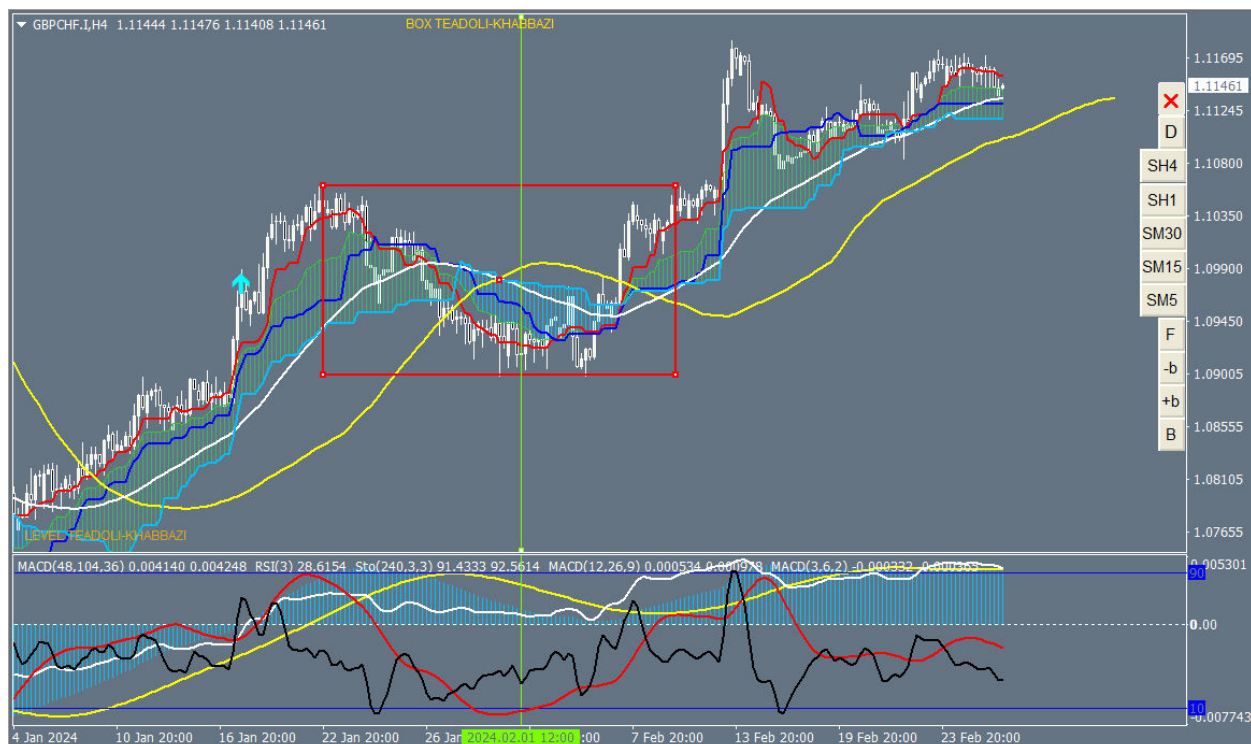
سویچ اول توازن حداکثر یک سطح بیشتر از تارگت حداقلی اش را خواهد داد و این تارگت بیشتر برای این منظور است که هیستو را به سطح صفرش بچسباند.

لذا بیشترین نقاط برگشت از دره را از سطوح 161 یا باکس تعادلی مربوط به سویچ تعادلی نزولی در لگ BC در ستاپ توازن خواهید دید و در نهایت سویچی با تارگت سطح 423 را در این مسیر نخواهید دید.

اگر سویچ تعادلی سطوح 161 از فیبو تعادلی و باکس تعادلی را پشت سر بگذارد، یکی از نقاط مطمئن برای منظور کردن نقطه C، سطح 261 و حتی یکی دو کندل بیشتر از آن، برای خشک کردن هیستو خواهد بود.



شروع ترید اول با ستاپ باکس تعادلی، کف مطمئنی را می سازد.

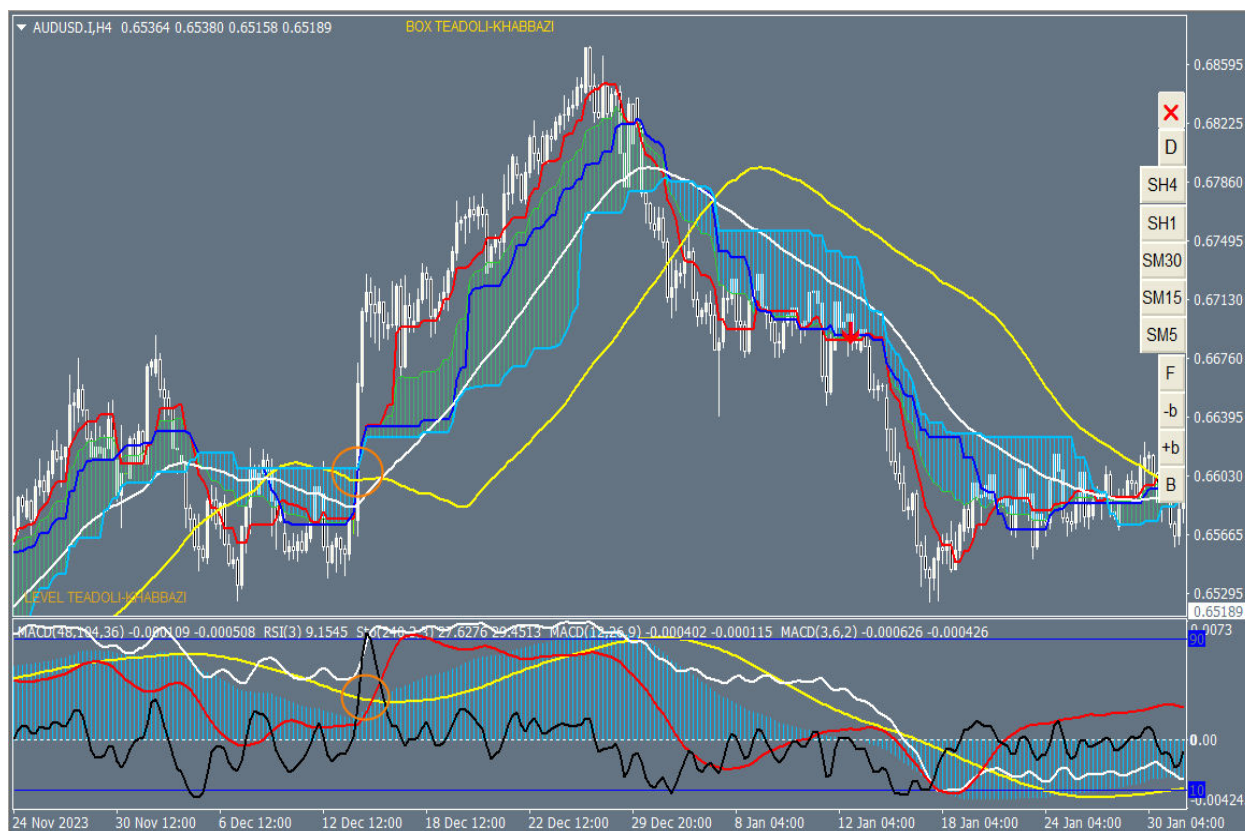


4_ خطی شدن ایچی

عمدا از اصطلاح عامیانه خشک شدن هیستو به جای صفر شدن هیستو، استفاده شده است تا این ذهنیت را به شما بدهد که اگر سه سیستم میز و موینگ ها و ایچی، در یک راستا و در نهایت از یک جنس هستند، پس معادل این خشک شدن هیستو در ایچی چیست؟

معادل هیستو صفر، خطی شدن ایچی در همین تایم و شاید در تایم پایین تر برای ورود زودتر می باشد. خطی شدن یعنی همه اجزا به صورت یک خط، یعنی سنکو اسپن **B** دیده می شوند. این شرایط (آشوب) نقطه ای است که شروع حرکت با جزء کوچک یعنی تنکنسن می باشد.

در میز اندیکاتوری همزمان با خطی شدن ایچی، پرچم صعودی، هم جیتی چرخه های میز را نشان می دهد. چرخه های کوچک تر یعنی مشکی و قرمز در مسیر چرخه بزرگ تر یعنی زرد قرار گرفته اند.



دوستان ایچی کار علاقه مند به کراس معتبر، هم شکلی 17 معتبر، پیش بینی کومو فیک، کراس برابری، انتهای واگرایی، ... هستند، همه این موارد، در کوچه بن بست هیستو صفر یا هیستو فیک در همان تایم یا تایم بالاتر می باشد.

دید(رفتارشناسی قیمت) :

هر حرکتی(واگرایی یا زدن کراس ایچی یا سویچ تعادلی یا ...)، با ستاپ تقارن در حالت تقارنش، در تایم بالاتر ادامه می یابد و با ستاپ تقارن در حالت عدم تقارنش(هیستو صفر یا هیستو فیک)، در همان تایم یا تایم بالاتر، پایان می پذیرد.

انتهای حرکات کوچک مثل اصلاح تایم بالا را می توان در تایم پایین تر با هیستو صفر یا هیستو فیک مشخص کرد.

انتهای حرکات بزرگ مثل واگرایی بعد از یک روند طولانی در تایم پایین را می توان در تایم بالاتر، با هیستو صفر یا هیستو فیک مشخص کرد.

تاییدات ترید اول در تایم چهار برابری

قیمت در تایم اصلی در نقطه **C**، در ابتدا نیاز به یک تکیه گاه دارد تا ریزش نکند و سپس نیاز به یک انگیزه یا انرژی تا از این سکو، جدا شود.

تکیه گاه همان فلت سنکو اسپن **B** در تایم چهار برابری و انگیزه جدا شدن از مغناطیس فلت، ستاپ های سبک تعادل می باشد.

در واقع تریدر لازم است فقط با ستاپ ها در حد دلیل و جهت حرکت قیمت، آشنا باشد و سپس برای ترید به تایمی رجوع کند که ستاپ توازن در آن برقرار است و به آن تسلط دارد.

به عبارت بهتر، ستاپ توازن که در تایم اصلی است به صورت یک سطح یا محور مهم در تایم چهار برابری دیده می شود که جدا شدن قیمت از محل پولبک زده به این سطح، در حکم ترید اول ستاپ توازن در تایم اصلی و یا کوچکتر خواهد بود.

وقتی از ستاپ ها برای حالت عدم تقارن یا هر مورد دیگر استفاده می کنید با توجه به فیکس بودن اجزاء ایچی و موینگ، هنر نمایی شما در این خواهد بود که با تغییر زوم یا جابجای چارت، قالب آن ستاپ را به میز بدهید.

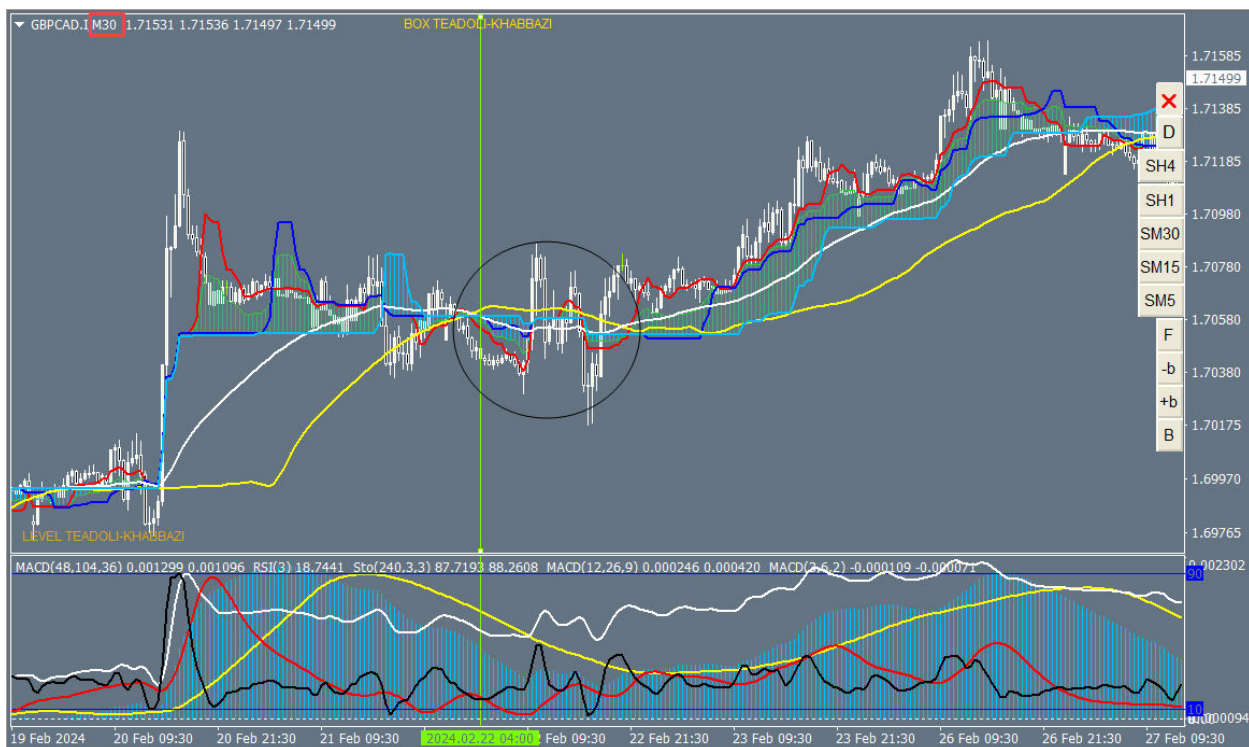
در ادامه، برای هر مورد دو شکل گذاشته می شود. شکل اول مربوط به تایم چهار برابری و شکل دوم به صورت همزمان، تایم اصلی یا مناسب را نشان می دهد.

1_ ستاپ همراهی کیجنسن

اگر در شکل دقت نمایید از خط سفید موس، قیمت حرکتش را شروع کرده است تا وقتی که سیکل مشکی در میز اندیکاتوری به اشباع رفته است. حال یک اصلاح کرده تا خط عمود سبز که کندل 26 باشد و با کیجن و شکست تراز هیستو، حرکتش را ادامه داده است.

شروع حرکت، اصلاح و ادامه حرکت در ایچی همان داستان پولبک به فلت و ادامه حرکت یا اصلاح از تراز هیستو و بعد، شکست آن و یا اصلاح از محور فرکتال در ستاپ توازن و سپس شکست آن می باشد. همه این موارد شکل های متفاوت از حرکت قیمت میباشد که در تایم های متفاوت به قالب متفاوت خودش را نشان می دهد. این که با کدام شکل راحت تر و مسلط تر هستید و یا می خواهید بدون این ظواهر، مستقیم با قیمت رودر رو شوید؛ به شما بر می گردد.

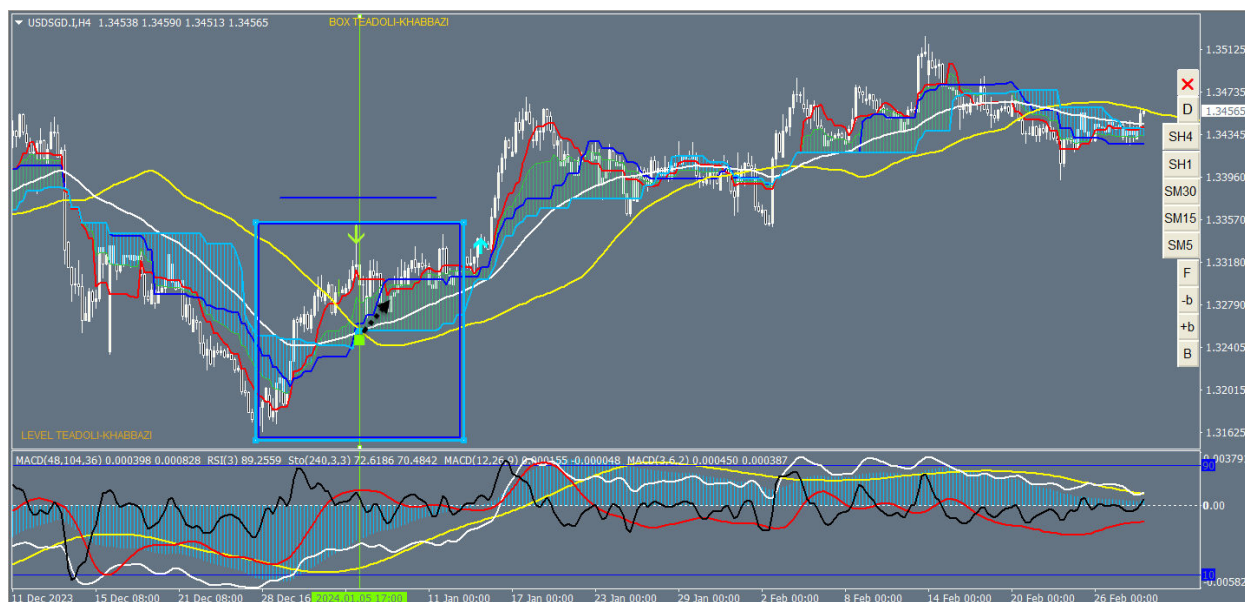


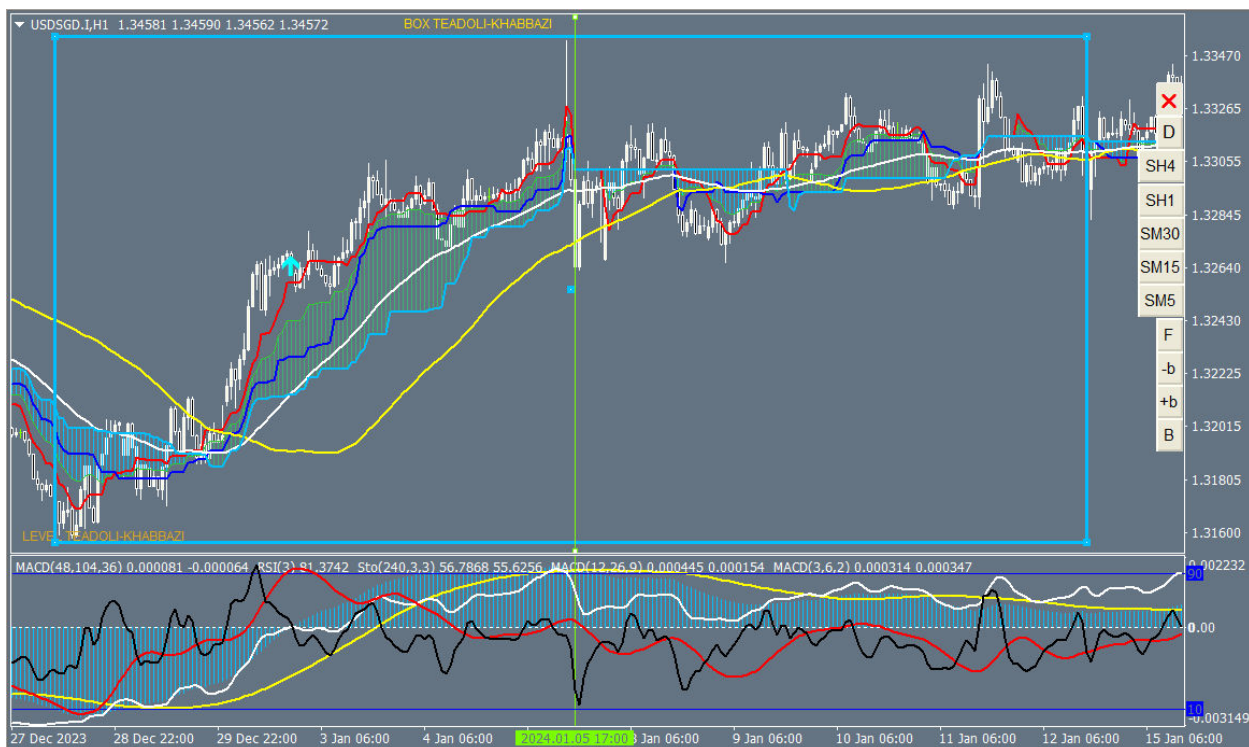


2_ ستاپ باکس تعادلی

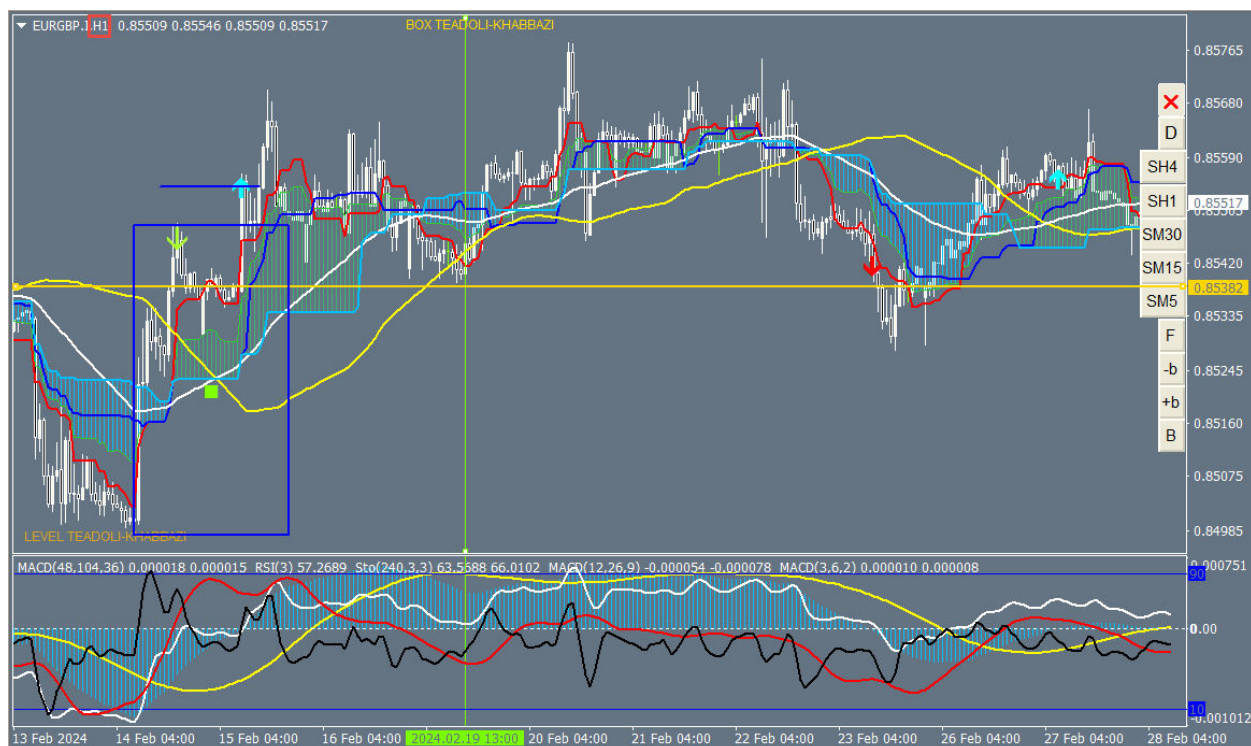
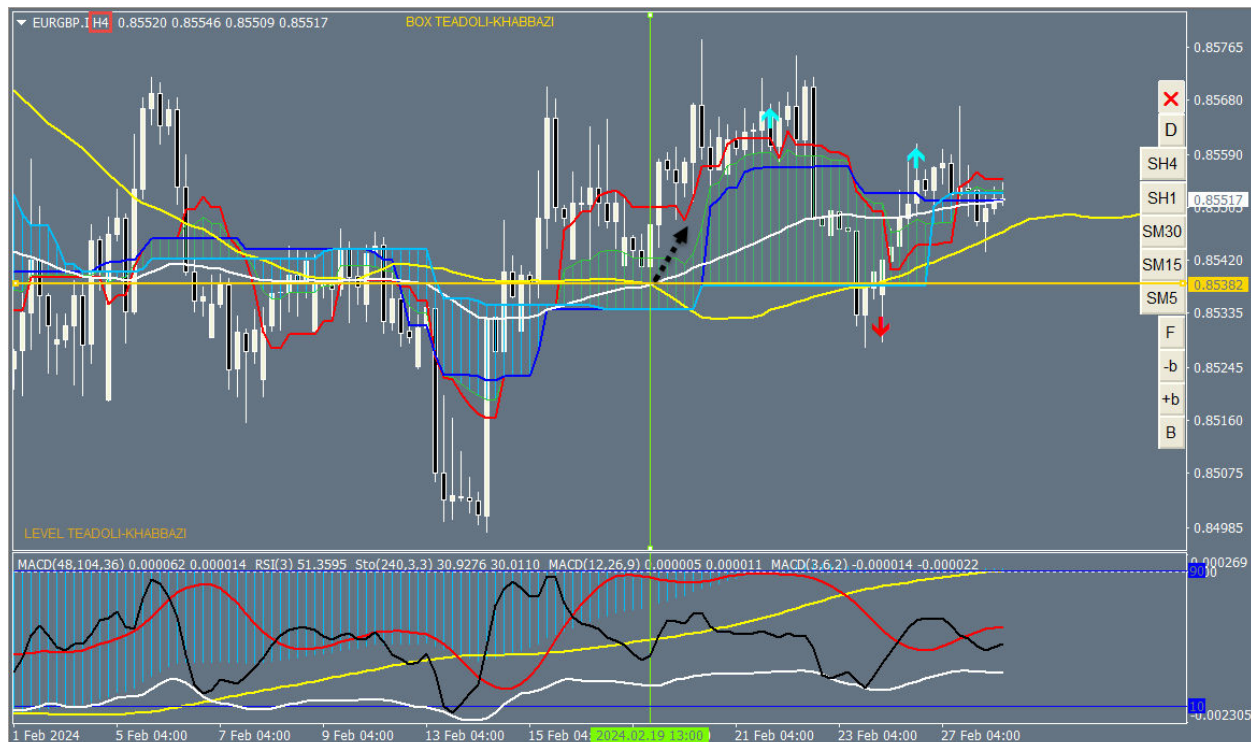
وقتی در تایم بالا ستاپ باکس تعادلی بر قرار است؛ آن تایم پایین تری برای ستاپ توازن ملاک قرار گیرد که انتهای باکس تعادلی، در نقش محور فرکتال باشد. در این صورت برگشت از محور تعادل استاتیک تایم بالا، در نقش ترید اول ستاپ توازن در تایم پایین خواهد بود.

از ابتدای باکس حرکتی شروع شده است و تا انتهای باکس تعادلی ادامه داشته است. سپس تا مرکز باکس اصلاح کرده است و حرکتش را از مرکز باکس برای شکست انتهای باکس ادامه می دهد. این رفتاری است که در اکثر باکس های تعادلی می توان مشاهده کرد. این رفتار را در تایم پایین به صورت غلو شده یعنی ستاپ توازن می توان دید.

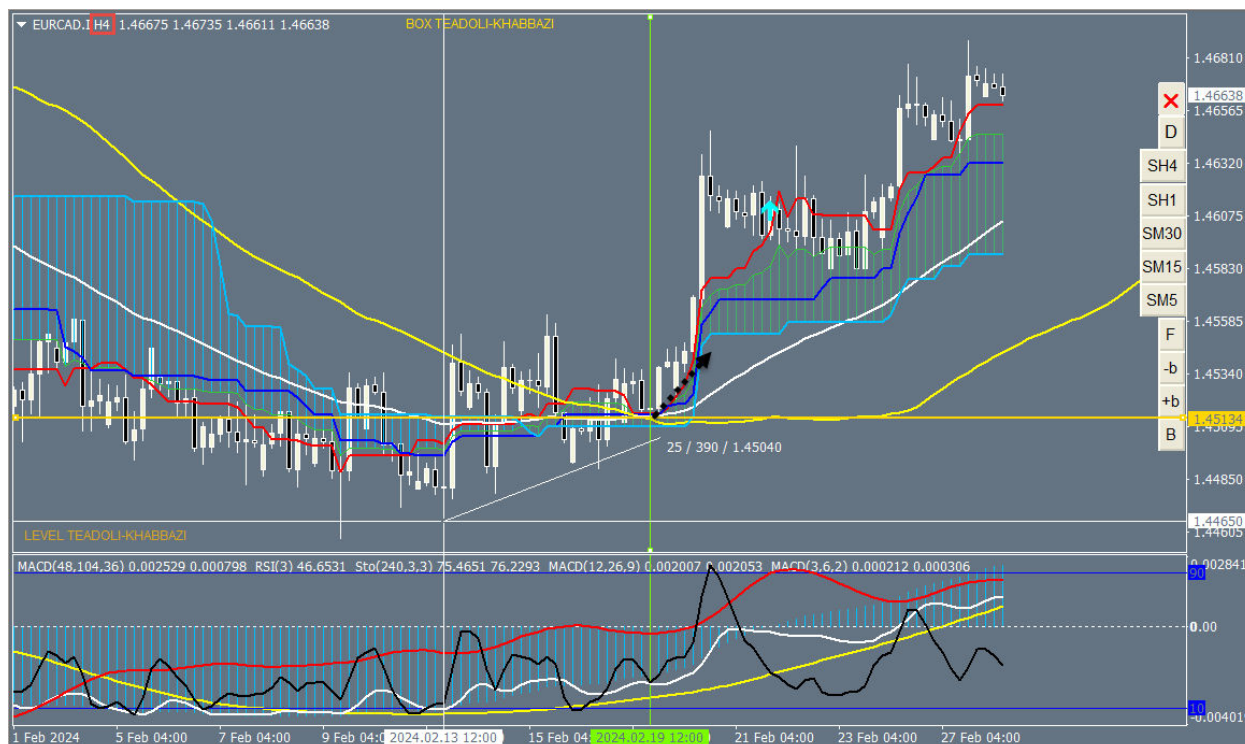




3_ ستاپ ریورس سویچ تعادلی



4_ ستاپ پترن زمانی



5_ رپورس از تراز هیستو

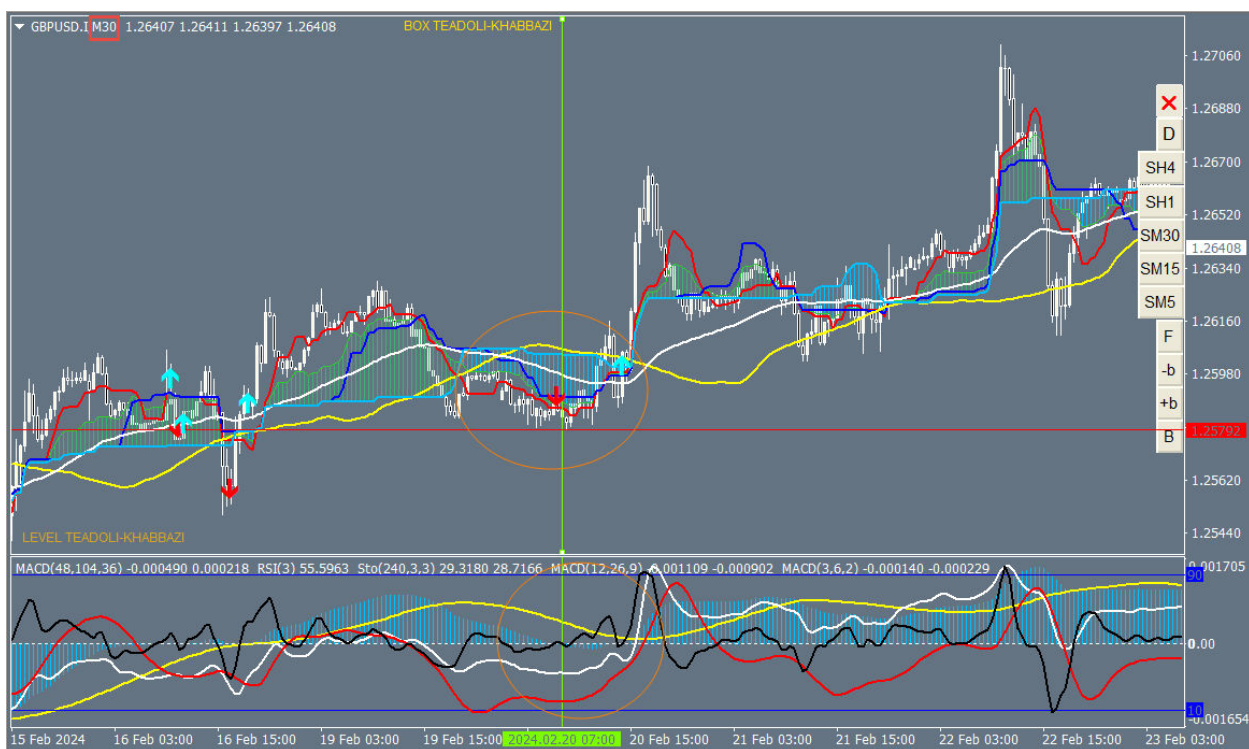
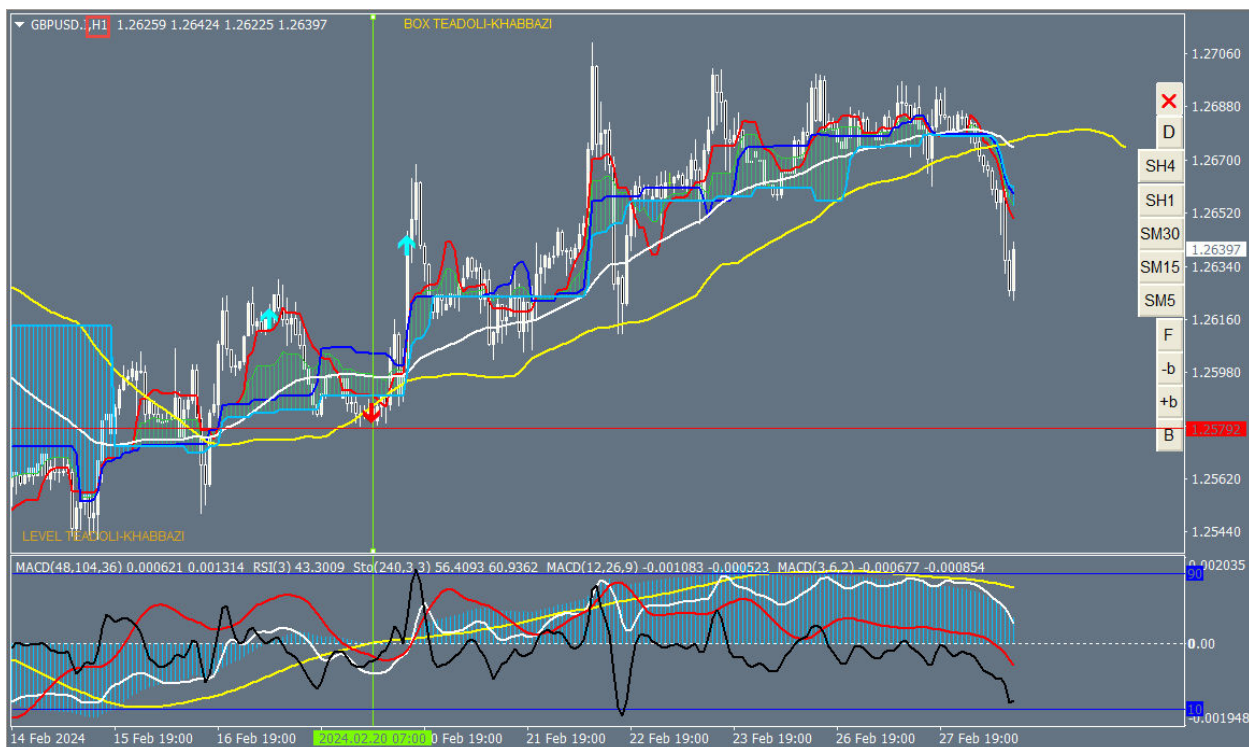
تراز هیستو محوری است که با توجه به پویایی سبک بین محورهای دیگر جابجا می شود و گاهی حتی در نقش یکی از آنها ظاهر می شود. در حالتی اگر محور هیستو اتمام اصلاح حرکت را نشان دهد، شکست آن شروع رالی دوم یعنی ترید اول توازن خواهد بود. شکست قبلی محور، نویز یا فیک می باشد.

در مواردی تراز مربوط به هیستو فیک می باشد و از قبل شکسته نشده است و قرار بر شکست نیز ندارد. در این صورت اگر بر روی محور در تایم بالا خط افقی بیندازیم، این خط در تایم اصلی که ستاپ توازن است در نقطه C خواهد بود و انتهای لگ BC را نشان می دهد.

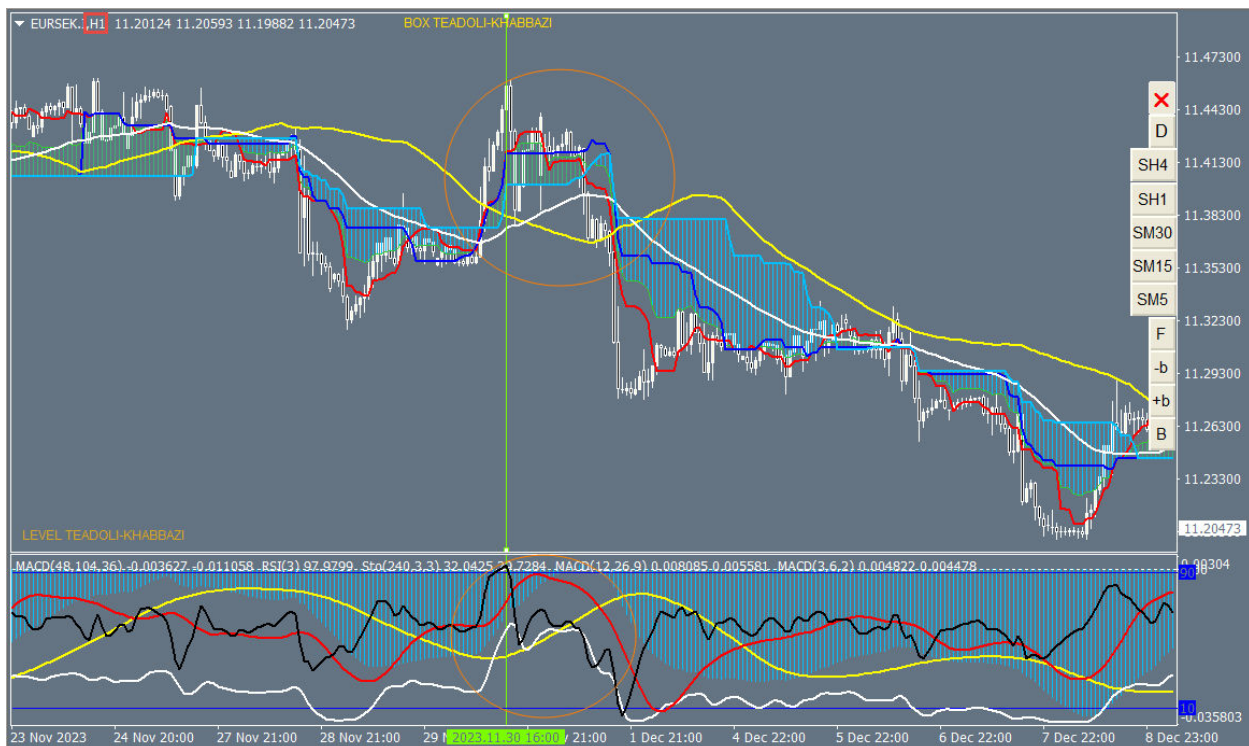
برای مشخص کردن انتهای حرکت کوچک در تایم بالا، به تایم پایینی رجوع می کنیم که هیستو صفر یا هیستو فیک در آن، در حکم بن بست برای آن حرکت باشد.

پس در ابتدا، کلیه ستاپ ها را می توان از دید ترید اول ستاپ توازن، بررسی نمود.

در حرکت سینوسی، هر نقطه شروعی، در حکم یک خط پایان و هر خط پایانی در حکم یک شروع، می تواند باشد.



بازنشر : رسانه آموزشی فراچارت



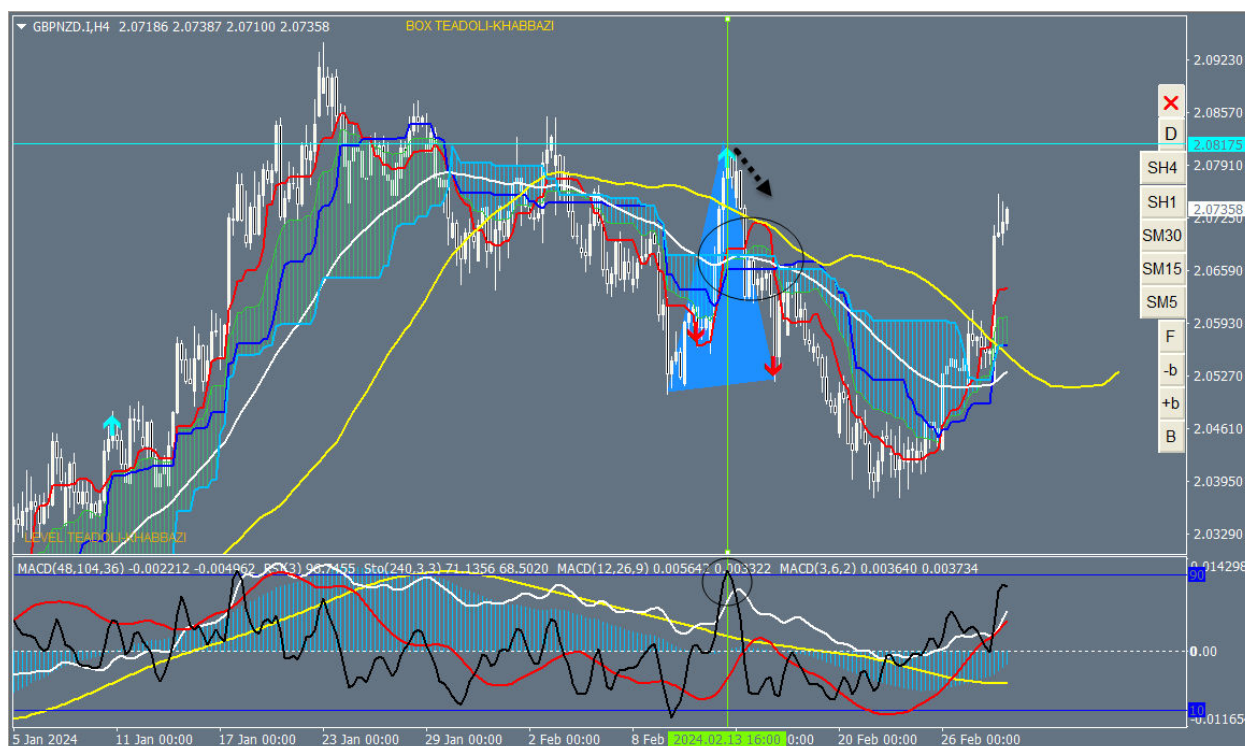
در شکل بعد دقت فرمایید.

ریورس از موینگ زرد با ریورس از تراز هیستو فیک، هر دو بر قرار می باشند.

میز نیز فقط اشباع سیکل مشکی را خبر می دهد پس خط مشکی بر می گردد و حول سیکل های قرمز و زرد می چرخد.

همین اتفاق در چارت با کراس خطی می افتد و تنکن به دور فلت دو سیکل دیگر یعنی کیجن و سنکو اسپن B می چرخد.

تارگت اول کراس خطی، تاچ سطح قبلی یعنی مثلث کراس می باشد.



تاییدات ترید اول در تایم فرکتال

نقطه **C** در تایم اصلی به عنوان یک دره مینور است؛ اما در تایم فرکتال به عنوان یک دره مائور خواهد بود. لذا هر چه که از قبل برای اعتبار سنجی دره یا قله، تست و تمرین کرده ایم برای اعتبار دره **C**، بررسی می کنیم.

از جمله این موارد رالی باکس و باکس فرکتالی می باشند که می توان در تایم های پایین تر از فرکتال بررسی کرد؛ اما ضمن اعتبار دهی خوبی که می دهند، جزء شرط اصلی دره بودن نقطه **C** نیستند.

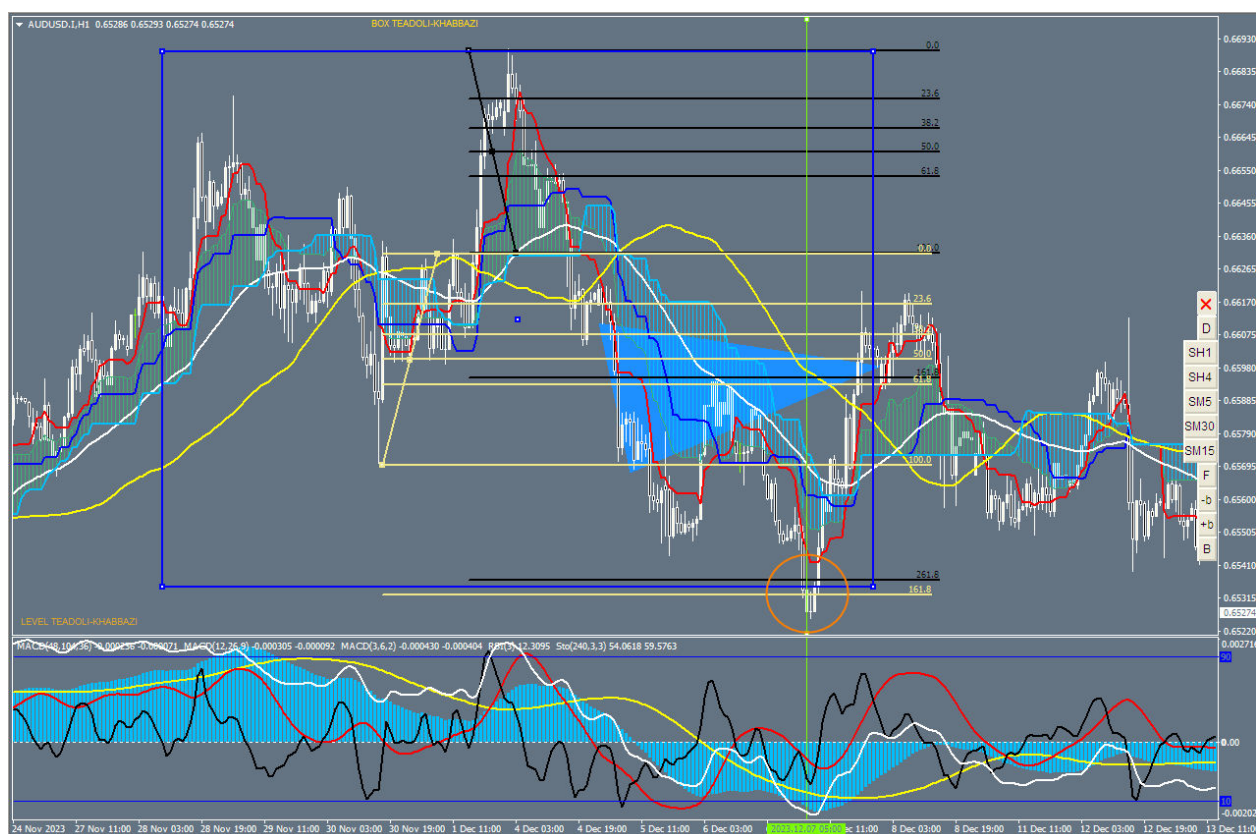
لذا در این قسمت فقط دو شرط لازم را بررسی می کنیم و این دو باکس را برای تایم اصلی که توازن در آن است؛ جهت ترید های بعد منظور خواهیم کرد.

مسئله **شرط لازم** فقط هم پوشانی تعادلی همزمان با در اشباع بودن میز (خط زرد در تراز **10** باشد و یا قبلا بوده و اکنون در حال واگرایی است) می باشد.

1_ هم پوشانی تعادلی

برای هم پوشانی تعادلی می توان از تمام تایم فریم ها استفاده کرد.

در شکل، از باکس مساحت کراس استفاده شده است. از آنجا که انتظار داریم رالی دوم در حد رالی اول باشد، این باکس را از محدوده اولین فلت کیجن تا آخرین فلت تنکن در رالی اول بدست می آوریم و سپس به شروع رالی دوم، منتقل می کنیم.



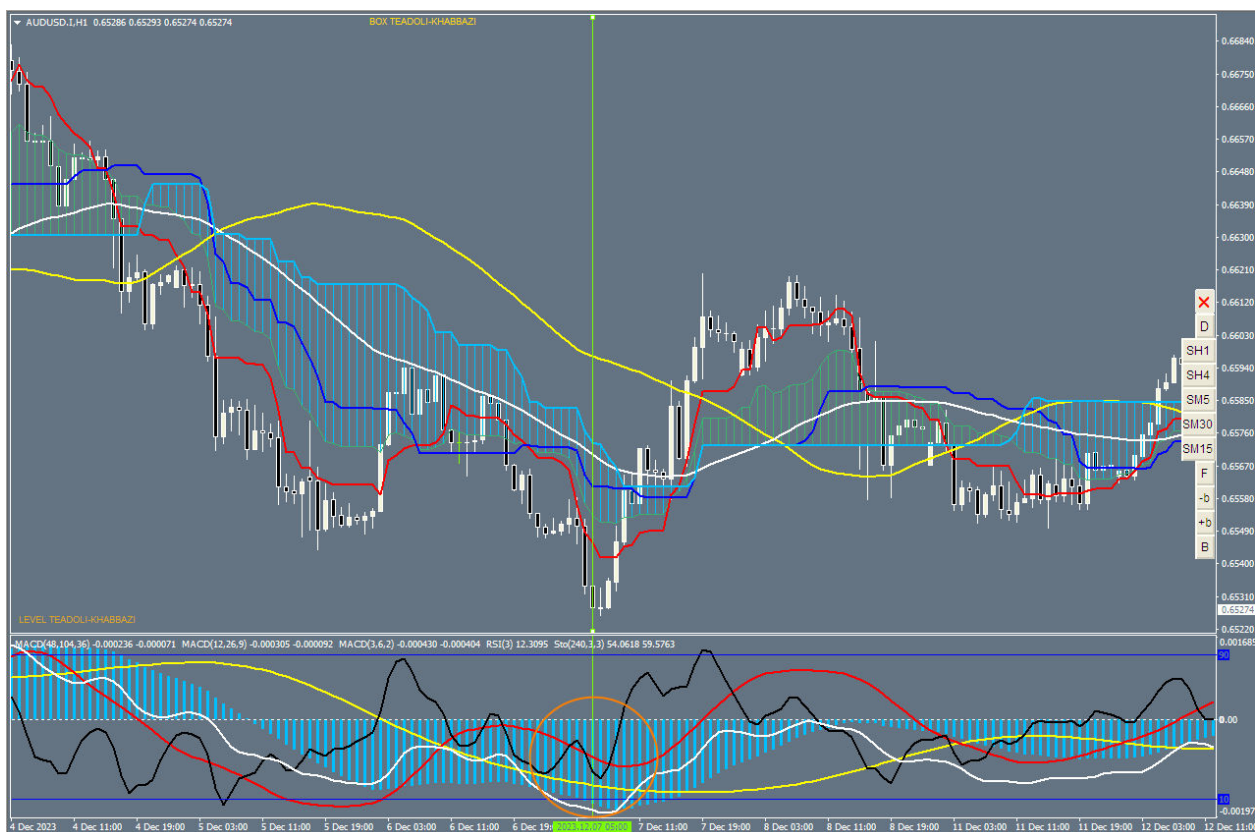
2_ اشباع یا واگرایی سیکل زرد در میز

در هم پوشانی تعادلی، هم پوشانی یا هم زمانی چرخه ها معمولا بر قرار است.

اگر چه پرچم صعودی قبل از خط عمود سبز زده شده است؛ اما چرخه های کوچک یعنی مشکی و قرمز هم مسیر چرخه بزرگ یعنی زرد نیستند.

چارت با خرید زمان، وقتی همه چرخه ها، هم جهت شدند استارت رالی دومش را می زند.

کراس خط زرد با هیستو اش و کراس کندل با فلت سنکو **B** به معنی تایید انتهای هیستو و چرخش آن می باشد.



ترید دوم : پولبک

هر گاه قیمت از نقطه **C** برگشت نماید؛ با تکیه زدن بر موینگ سفید و فلت سنکو **B** که آنها را شکسته است، بتواند از موینگ زرد عبور نماید، به طوری که موینگ سفید را همراه خود سازد تا موینگ زرد را کراس کند، سویچ تعادلی تشکیل خواهد شد.

این سویچ با سویچ تعادلی قبلی با توجه به این که در محدوده ای هستند که هیستو تغییر فاز نداده است، یا اگر داده است قیمت از تراز هیستو عبور نکرده است، تشکیل ستاپ توازن را می دهند.

اگر حرکت قیمت در ترید اول توازن به صورت شتاب دار باشد، امکان پولبک به محور استاتیک را نخواهد داشت؛ اما اگر با شتاب کافی نباشد، به محور استاتیک پولبک خواهد زد و چرخه استاتیک را خواهد بست. این پولبک نقطه شروع ترید دوم توازن یعنی چرخه جدید می باشد.

تارگت اول این ترید محور فرکتال می باشد که می تواند با رسیدن قیمت به آن تا تارگت ترید سوم ریسک فری نمود.

حد ضرر در ترید دوم همان حد ضرر ترید اول یعنی نقطه **C** می باشد مگر این که فاصله بین نقطه **C** تا محور استاتیک زیاد باشد و ترید، ریسک به ریوارد خوبی نداشته باشد.

در این صورت اگر یک دره پرایسی در این محدوده باشد که بتواند به عنوان سطح پرایسی به عنوان حد ضرر انتخاب شود؛ ترید می زنیم.

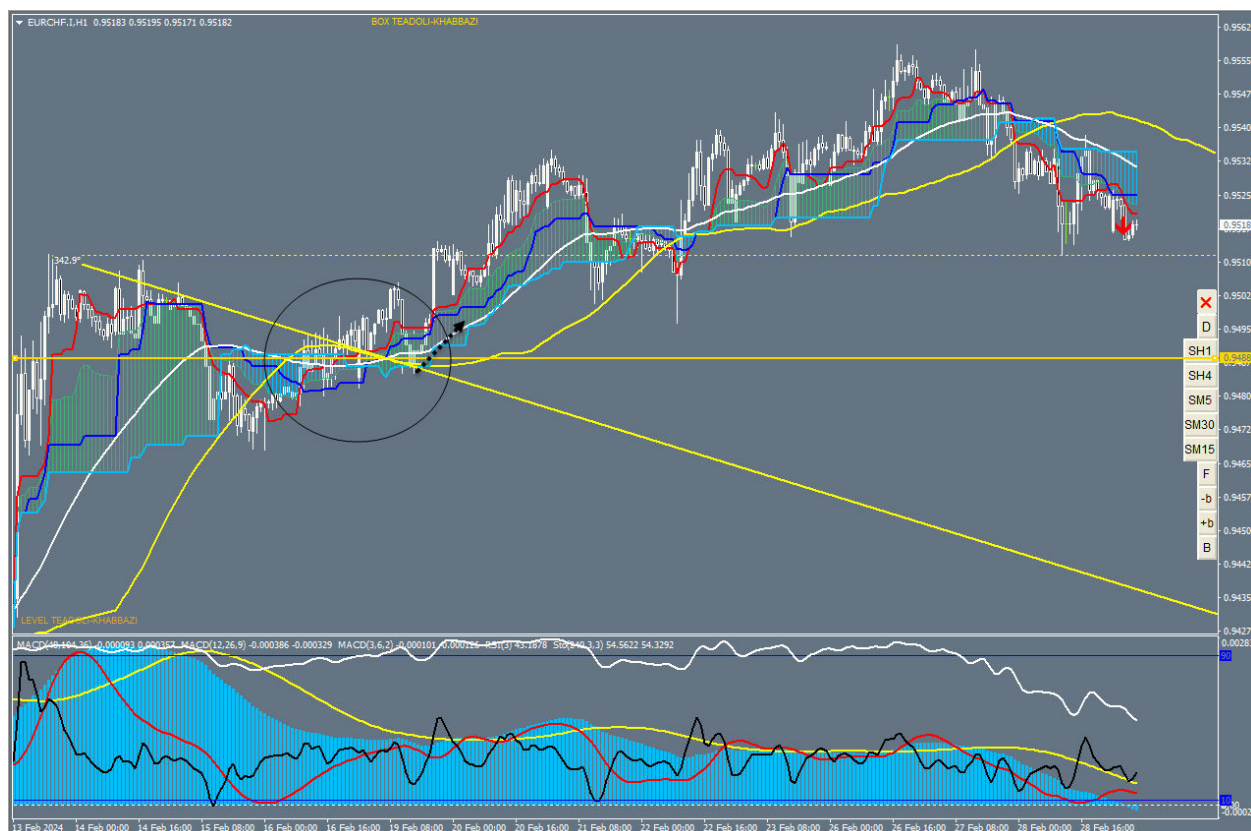
همین دره چون تحت حمایت موینگ زرد و محور استاتیک است اگر چه با نقطه ورود فاصله کمی دارد؛ اما مطمئن می باشد.

در محدوده ترید دوم دو محور تعادل استاتیک و دو خط روند داریم.

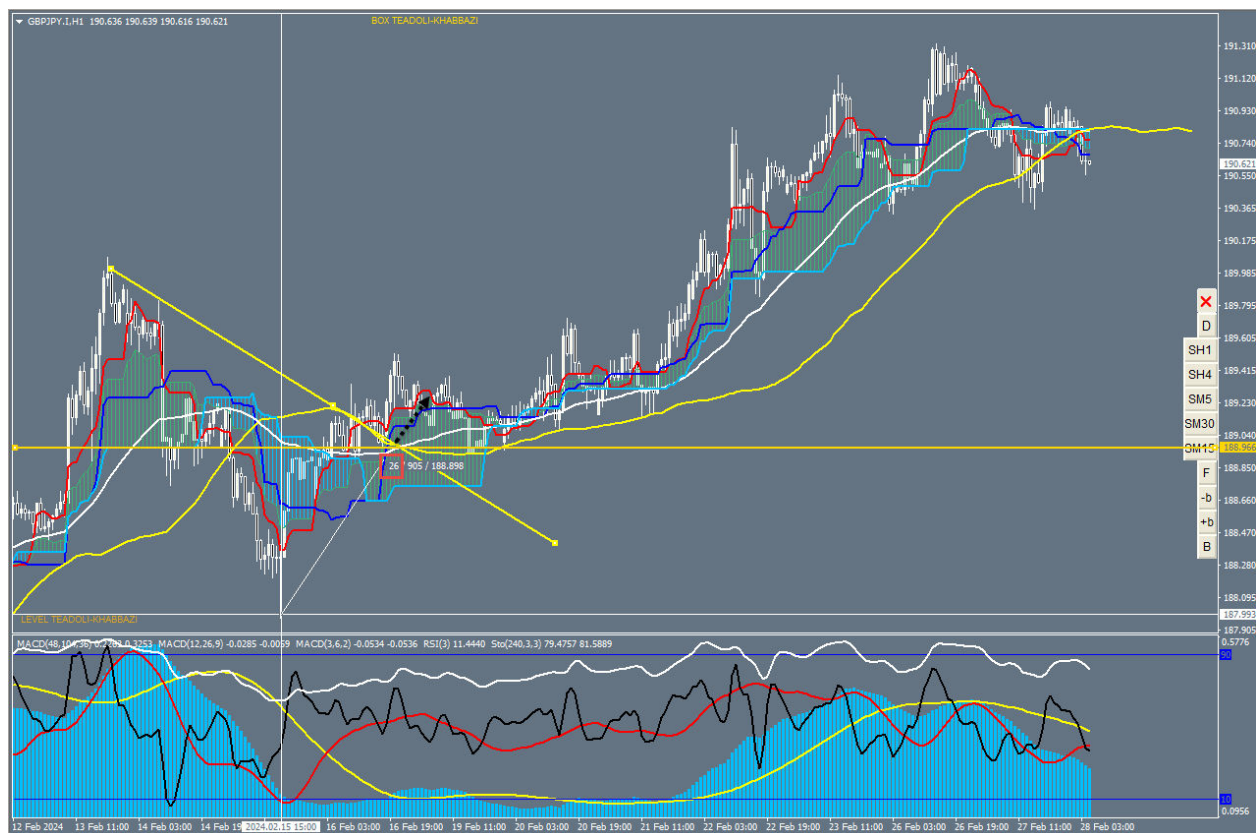
از اتصال نقطه **B** از پترن فرکتال یعنی قله فرکتال، به سویچ تعادلی اول، خط روند موینگ سفید و از اتصال نقطه **B** به سویچ تعادلی دوم، خط روند موینگ زرد حاصل می شود.

هر کدام، موینگ هم رنگ خودش را پوشش داد؛ به عنوان خط روند منظور می شود. بعضی اوقات هر دو تایید خط روند را دارند که کاربرد هر یک، متفاوت می باشد.

اگر هنگامی که خط روند زرد، محور استاتیک را کراس می کند؛ کندل نیز حاضر باشد، حمایت استاتیک و دینامیکی را همزمان دارد؛ که زمان خوبی برای ترید دوم می باشد.

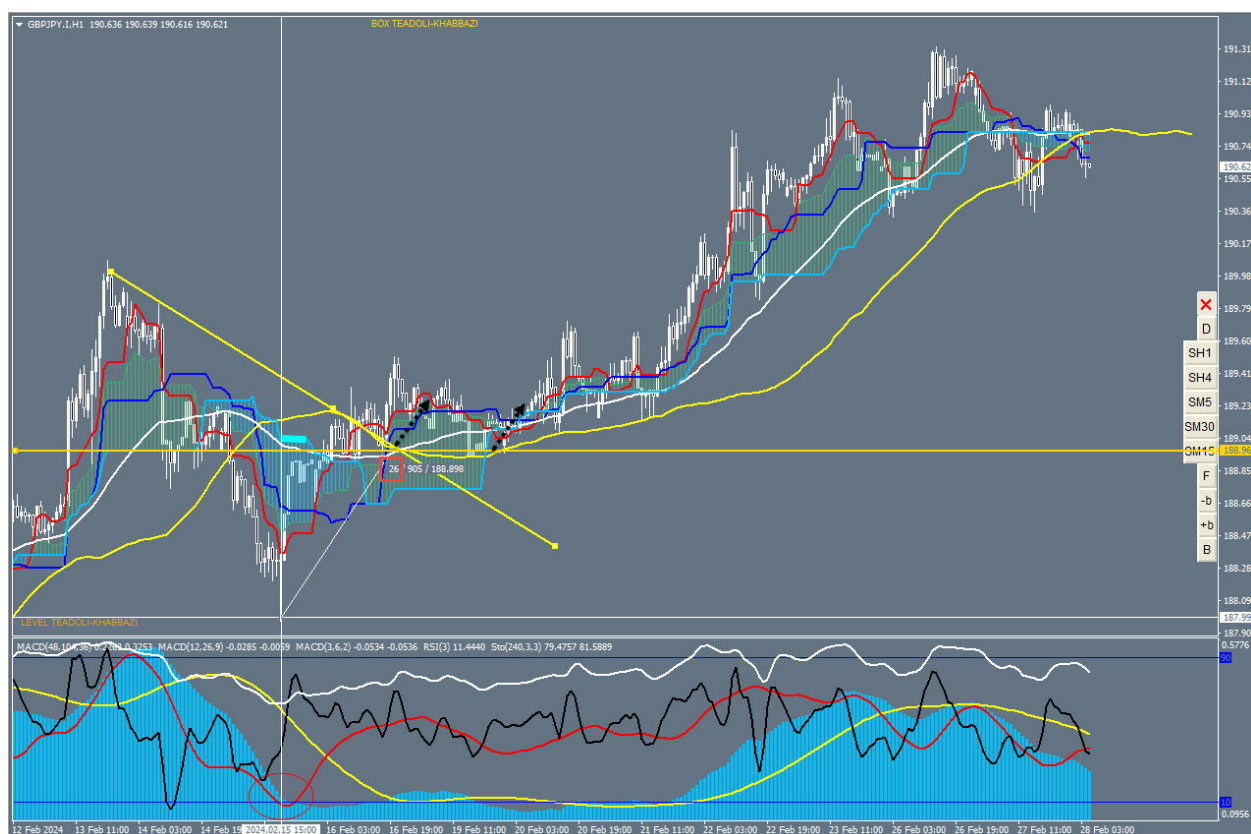


کندل واقع بر روی کراس موینگ زرد با سویچ تعادلی، اگر شامل یکی از دوره های زمانی ایچی باشد، در واقع ستاپ پترن زمانی است که بهترین دلیل برای ورود به عنوان ترید دوم ستاپ توازن می باشد.



در شکل علاوه بر حمایت های محور استاتیک و دینامیک (موینگ زرد) و زمان، فلت چرخه مربوط به اشباع سیکل قرمز، بعد از هم شکلی هیستو را نیز داریم.

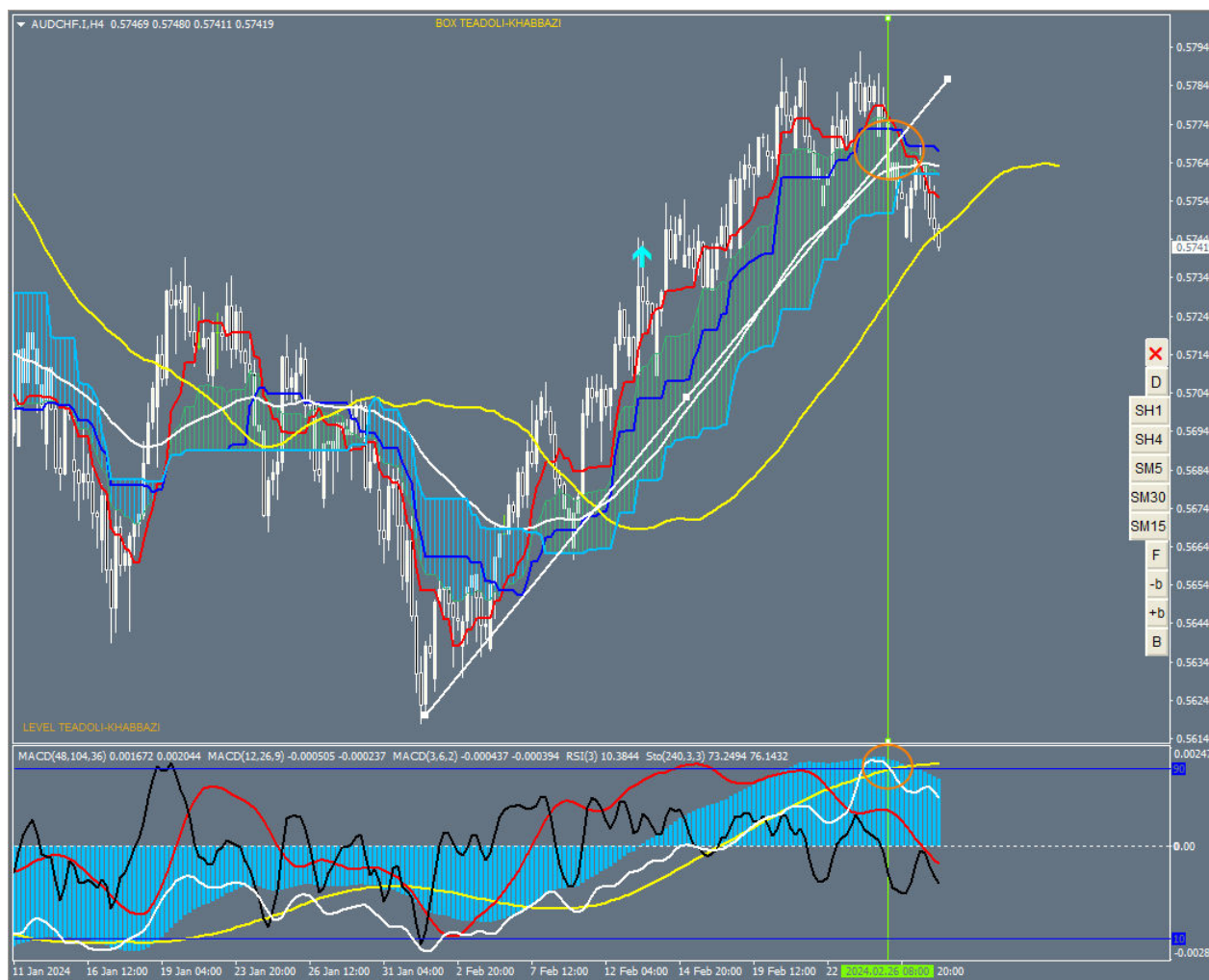
این فلت سطح مهمی برای تحلیل ادامه چارت مخصوصا از نظر ایچی می باشد که با محور تعادل استاتیک هم سطح شده است.



کراس کندل با خط روند سفید اگر همزمان شود با سویچ تعادلی صعودی در میز، مخصوصا در پرچمی که خط سفید رنگ اول آن است (قبل از آن، پرچمی بوده است که رنگ سفید در آخر بوده است)؛ نشان از تاچ محور استاتیک سویچ اول توازن یعنی سمت چپی دارد.

این ترید، با توجه به مومنتوم قبلی چارت، گاهی به عنوان ترید اول است؛ یعنی در این شرایط هنوز قیمت حرکتش را از کف شروع نکرده است و گاهی وقتی کندل موینگ سفید را کراس کرده است؛ قیمت بر روی محور سویچ تعادلی حضور دارد و تشکیل سویچ تعادلی دوم و شکل گیری ستاپ توازن را پیش بینی می کند که ترید دوم حساب می شود و گاهی به صورت موقعیت ورود در بین ترید اول و دوم توازن می باشد.

در شکل، کندل بعد از شکست خط روند سفید، بر روی فلت چرخه نشسته و نقطه صفر حرکت را داده اند.



ورود از پولبک به فلت چرخه به عنوان نقطه صفر یک ستاپ، با پذیرش حد ضرر کم و لات پایین و بی خیال از تارگت شدن، بسیار عملکرد بهتری خواهد داشت تا بخواهید با لات خارج از قواره حسابتان، حساب و روانتان را پریشان کنید.

در واقع در این گونه ترید ها با خودت کنار آمده اید که یک دلار ضرر، یا ده دلار سود می کنید. در این صورت دلیلی برای رصد دائم چارت ندارید؛ چون از قبل یک دلار ضرر را پذیرفته اید و پنل را نیز قبلا در دمو یا حساب سنتی تمرین کردید و اطمینان دارید که در نهایت سود ده می باشد.

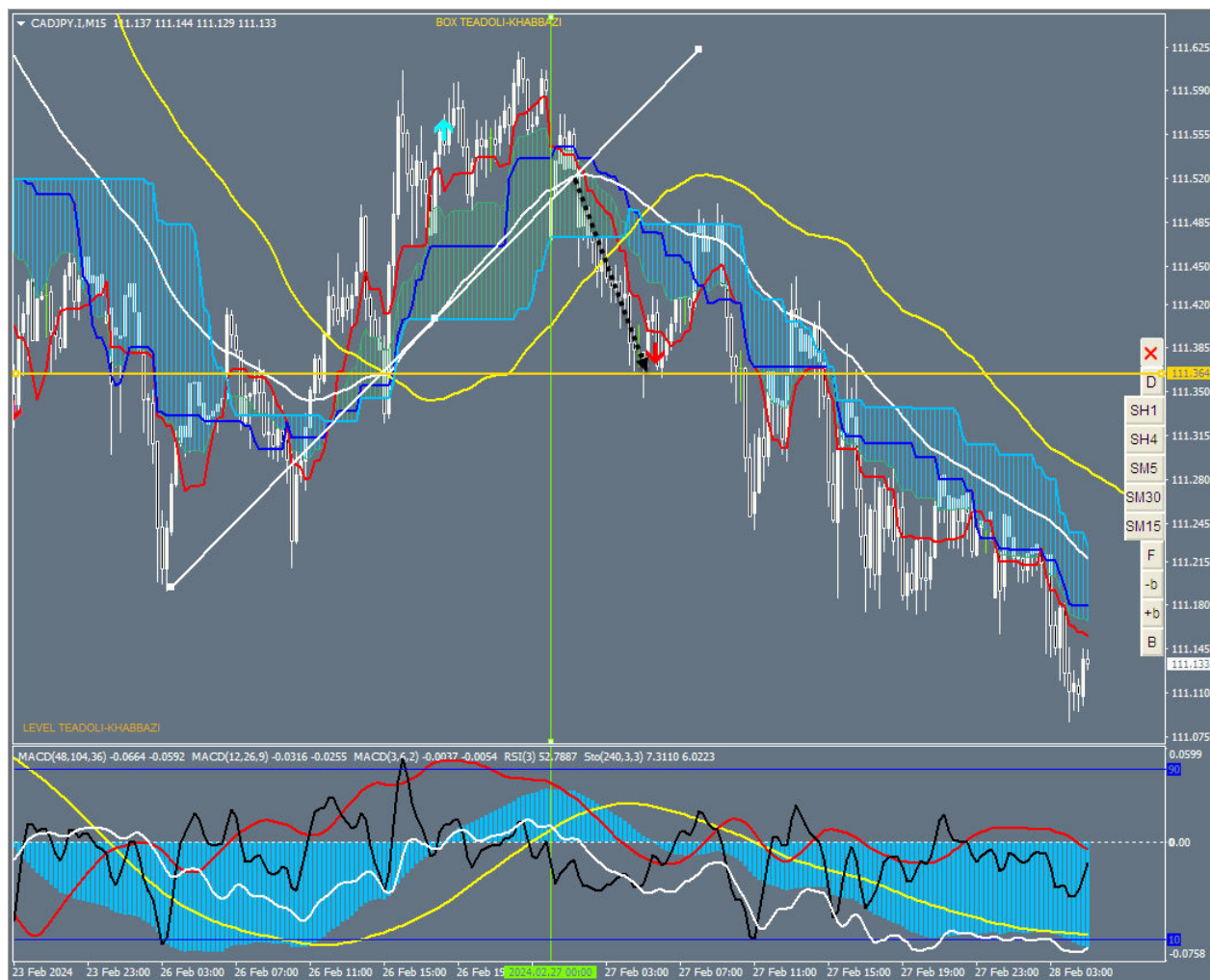
بعضی از دوستان دقیقا بر عکس عمل می کنند یعنی به جای ریسک در سود در ضرر ریسک می کنند. در این صورت هیچ پلنی جوابگو نیست. این دوستان یا لات تریدشان مناسب با موجودی اشان نیست یا حد ضرر نمی گذارند و یا با به ضرر رفتن ترید، دائم حد ضرر را به دورتر منتقل می کنند.

اگر با میز اندیکاتوری رفیق شوید نه تنها به ایچی و موینگ ها نیاز ندارید به قیمت هم کاری ندارید. برای رفاقت اولاً باید بها داد؛ وقت گذاشت و طرف را همانطور که هست بپذیرید و در فکر تغییر ذات او نباشید.

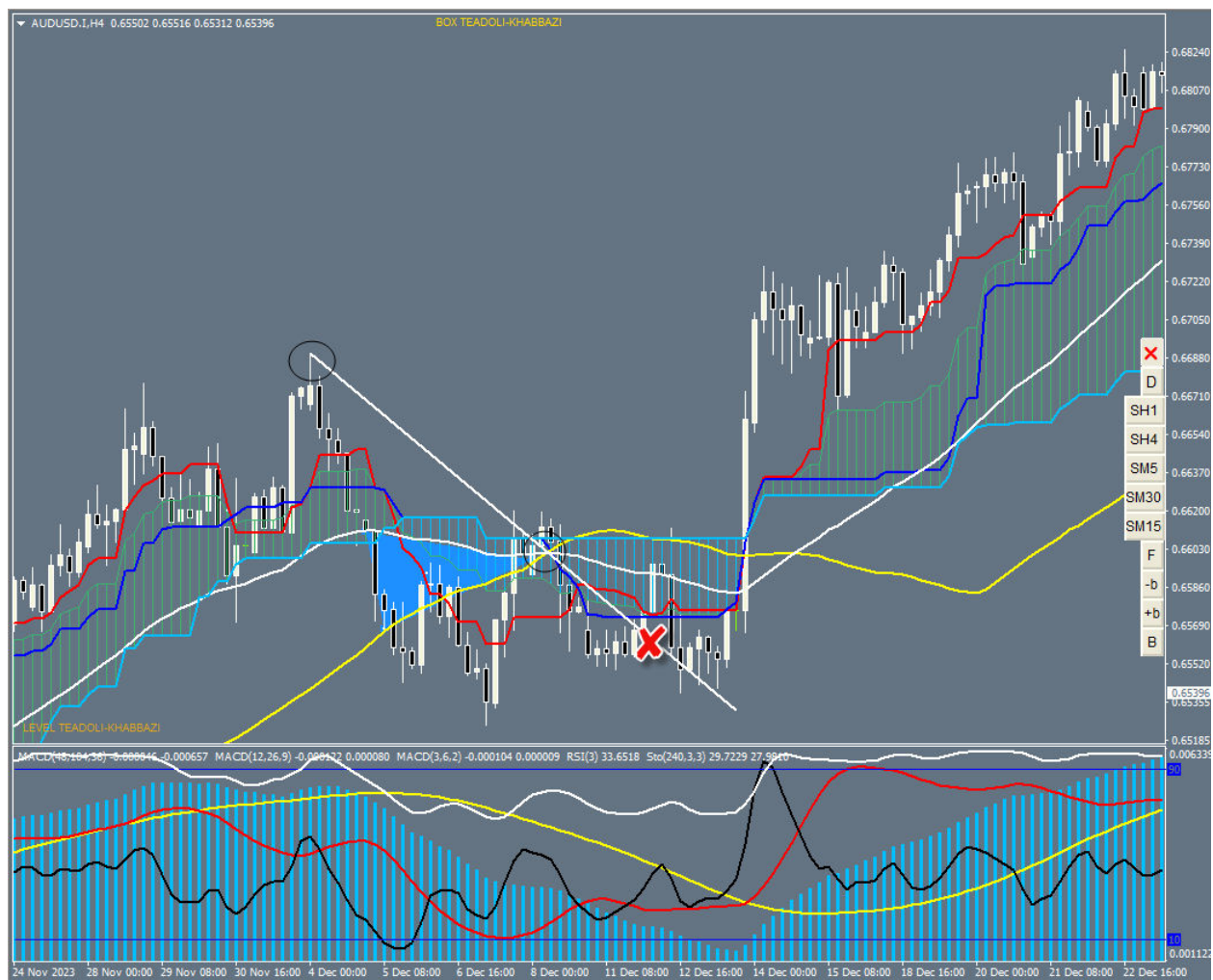
برای میز از اوقات فراغت تان نه زمانی که باید در کنار خانواده باشید؛ وقت بگذارید؛ چارت را کلاً ببندید و فقط با میز، موقعیت هم زمانی سه سیکل را برای روند گیری و همچنین موقعیت برگشت دو موج قرمز و مشکی از اشباع را تا هم فاز با موج زرد شوند (ترید اول توازن)، پیش بینی نمایید.

در این پیش بینی از شکل مربوط به سیکل های فرکتال زمانی به عنوان قطب نما استفاده کنید تا بدانید در هر لحظه در میز در کجای آن موج ها هستید. در سبک تعادل سعی شده است با شکل و اسامی متفاوت، این رفتار شناسی آموزش داده شود.

دقت شود شکست خط روند سفید، که همزمان با زدن سویچ تعادلی در میز است با هدف تاج فلت چرخه و سپس محور استاتیک سویچ سمت قبلی، می تواند برای هر سویچ تعادلی استفاده شود و محدود به ستاپ توازن نیست.



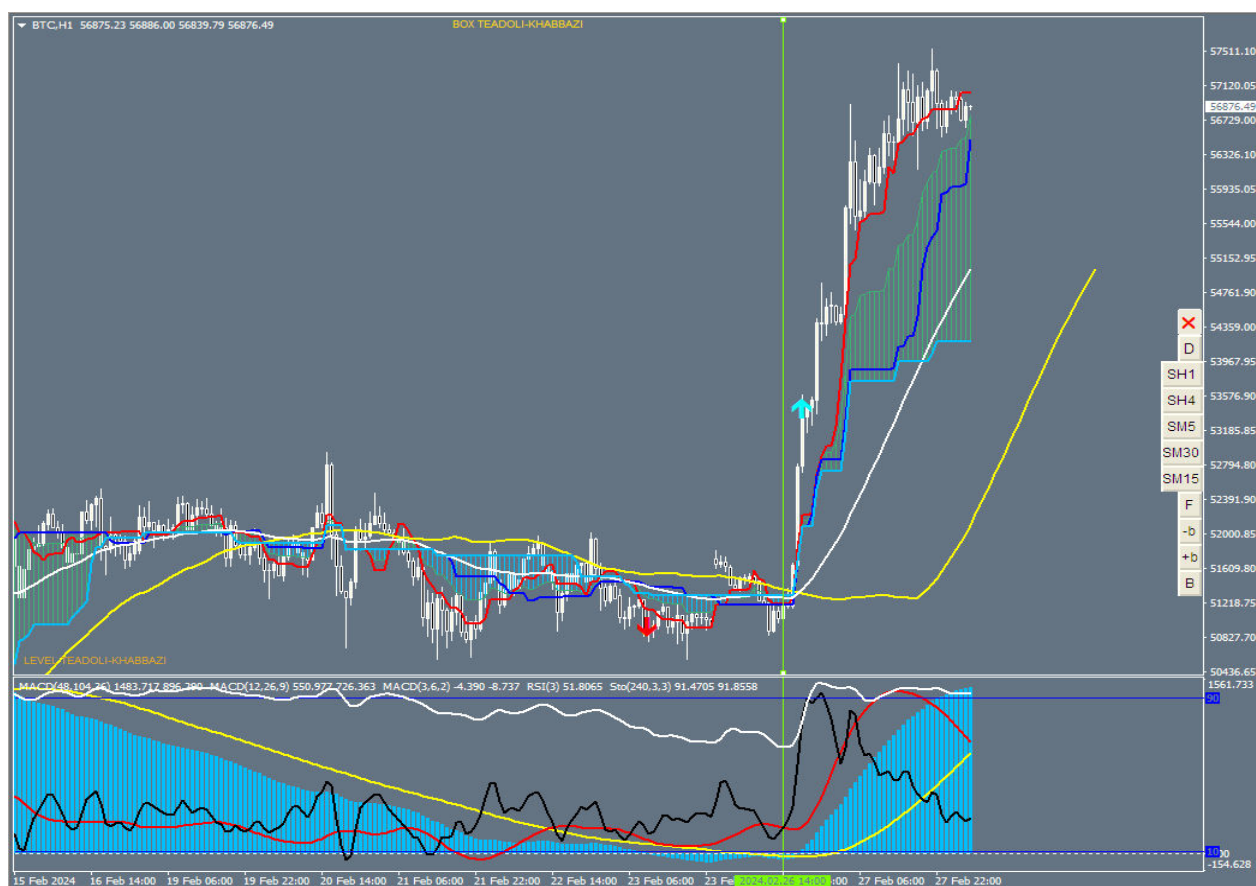
هر گاه طبق شکل، خط سفید را از قله فرکتال و سویچ تعادلی عبور دهیم؛ بر روی موینگ سفید نیفتد، اگر چه موینگ سفید خطی باشد؛ اما به عنوان خط روند منظور نمی شود. چون زاویه یا شیب مناسب را ندارد.



بعد از پرچم، شتاب ستاپ هم شکلی هیستو، تایید خوبی برای پوشش دادن به ترید دوم و سوم جهت دستیابی به اهدافشان می باشد. هم شکلی هیستو یعنی تایم فعلی با تایم فرکتال هم زمان حرکت را شروع کرده اند؛ به عبارت بهتر یعنی دو سیکل یا چرخه، همزمانی دارند.

در شکل، سیکل قرمز با هیستو، همزمانی دارند یعنی با هم استارت حرکت شان را زده اند. در ظاهر، هم شکلی ندارند اما در زمان شروع حرکتشان بر روی هم بوده اند و رنج و اصلاح یعنی گذر زمان با توجه به دوره متفاوتشان، آنها را از هم جدا کرده است.

در خط عمود سبز دقت کنید. میز زودتر از ایچی و موینگ ها با کراس خط مشکی با سیکل قرمز در هیستو صفر یا آشوب که ایچی خطی شده است، خبر از حرکت شارپ داده است. در توازن در ترید اول، پرچمش معتبر است زیرا تکلیف سفید از قبل حل شده است و سنکو B در چارت یا هیستو(خط زرد) در میز، تمایل به تغییر فاز ندارند.



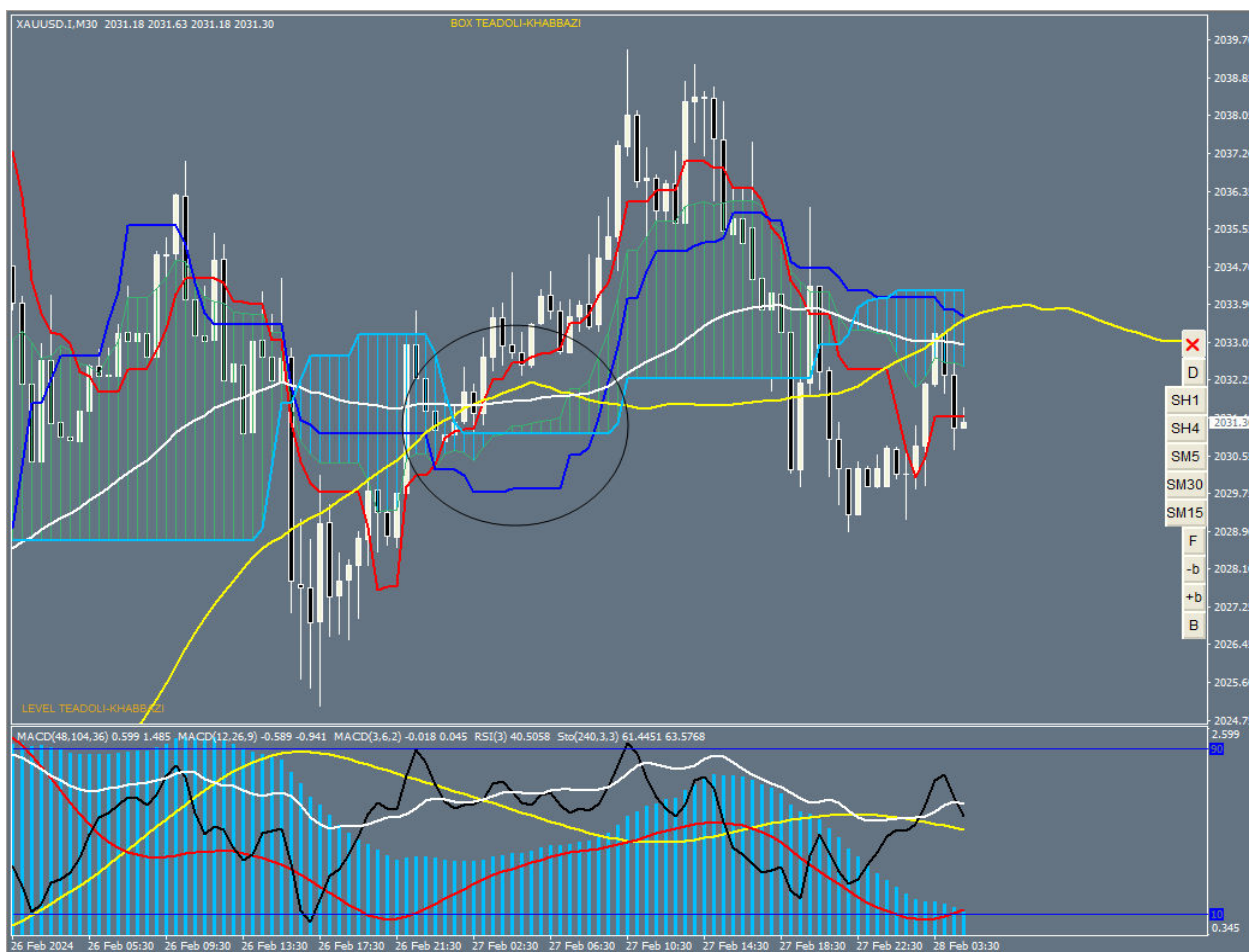
باکس پیش بینی سویچ تعادلی می تواند این ترید را پوشش دهد.

در محدوده توازن، سنکو اسپن B دو حالت دارد :

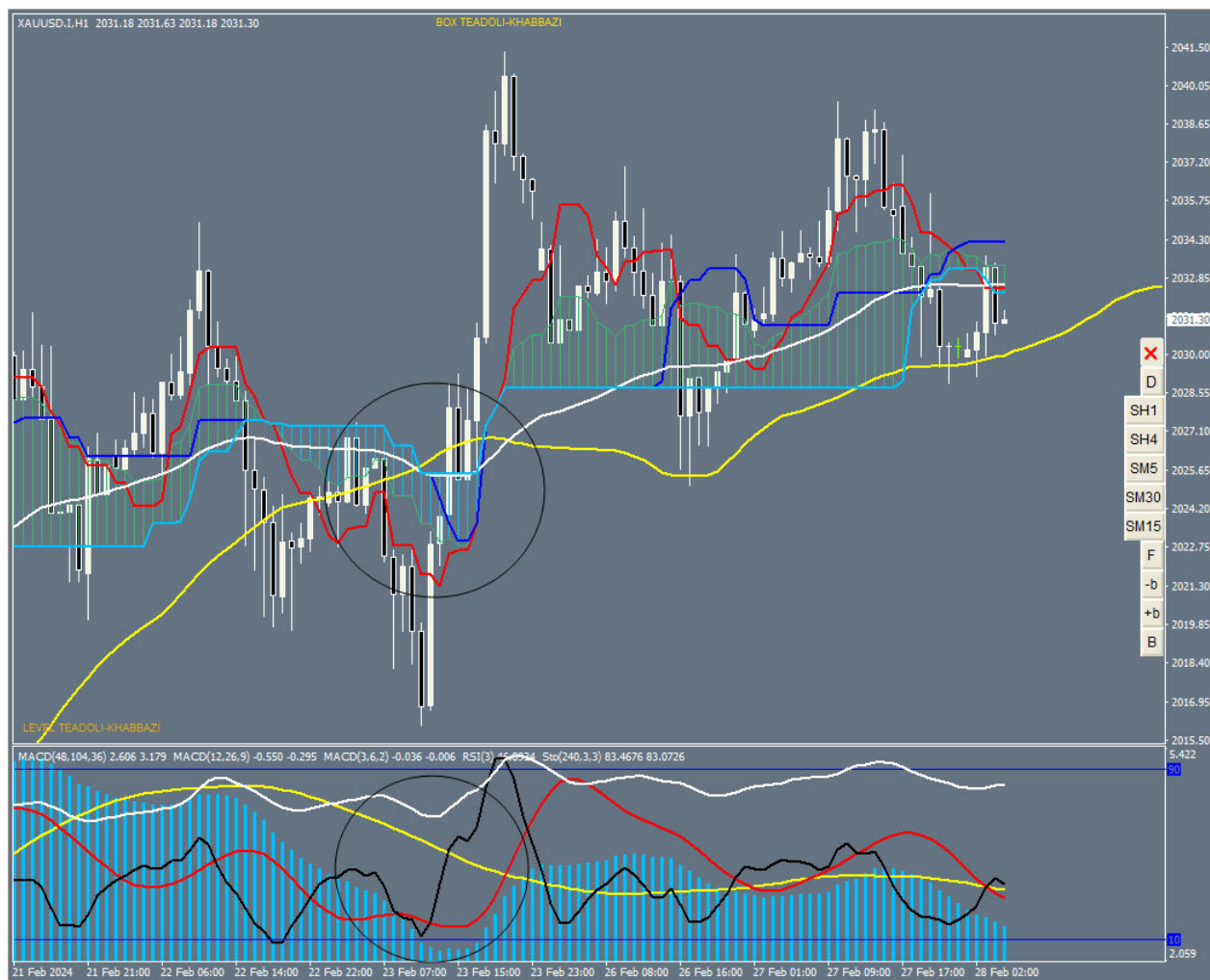
1_ سنکو اسپن B فلت می شود و بعد با سویچ تعادلی سمت راست، هم مسیر می شود. در این صورت یک کوموی تعادلی دارید که حداقل سنکو B از آن عبور نکرده است.

کوموی تعادلی تاچ نشده، باعث پرتاب قیمت شده و در برگشت قیمت، تاچ آن، یکی از تارگت ها می باشد.

اگر ایچی کاملا خطی نشود، تنکن به دور کیجن و سنکو B که بر روی هم قرار دارند و فلت هستند، می چرخد؛ یعنی کراس خطی شکل می گیرد و به همین دلیل، تارگت اول، محور فرکتال است که همان مثلث (کتاب ترید تعادلی) می باشد.



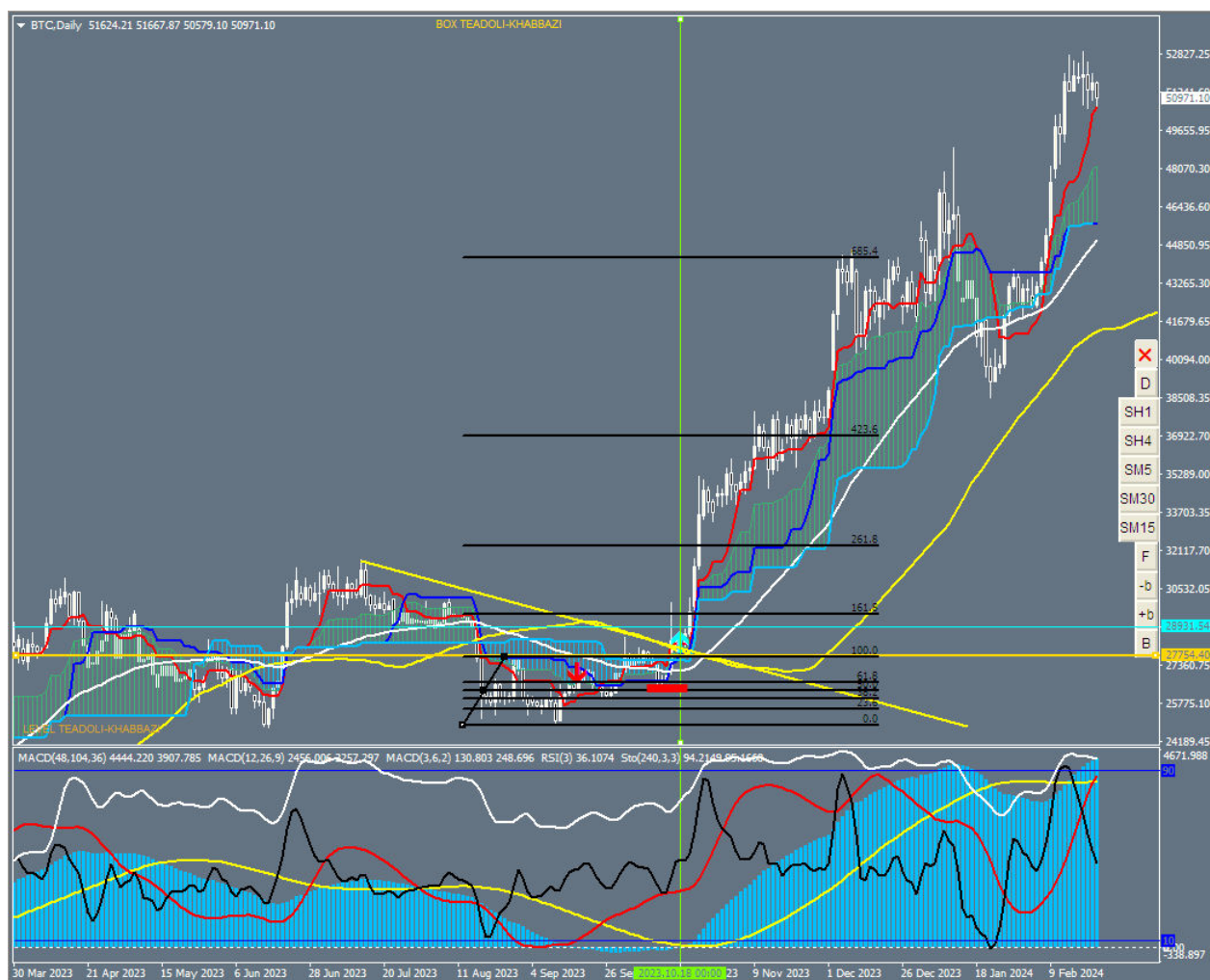
2_ در محدوده توازن، سنکو اسپن B، یک چرخش خلاف سویچ دوم توازن یعنی سویچ لایو بازار می زند و سپس همه اجزاء ایچی به صورت آبشاری در جهت سویچ تعادلی دوم، نزول می کنند.



اگر در نقطه پولبک، تراز هیستو باشد، شکست آن دلیل خوبی برای ترید دوم می باشد و با توجه به گام متعادل، تارگت این شکست طبق شکل، شاید شکست محور فرکتال، یعنی ترید سوم را هم پوشش دهد.

اگر چه دره به عنوان حد ضرر بهترین گزینه است؛ اما حد ضرر نشان داده شده، حمایت های خوبی را در بالاتر دارد.

در ترید دوم و سوم، چارت معمولاً شتاب خوبی دارد.

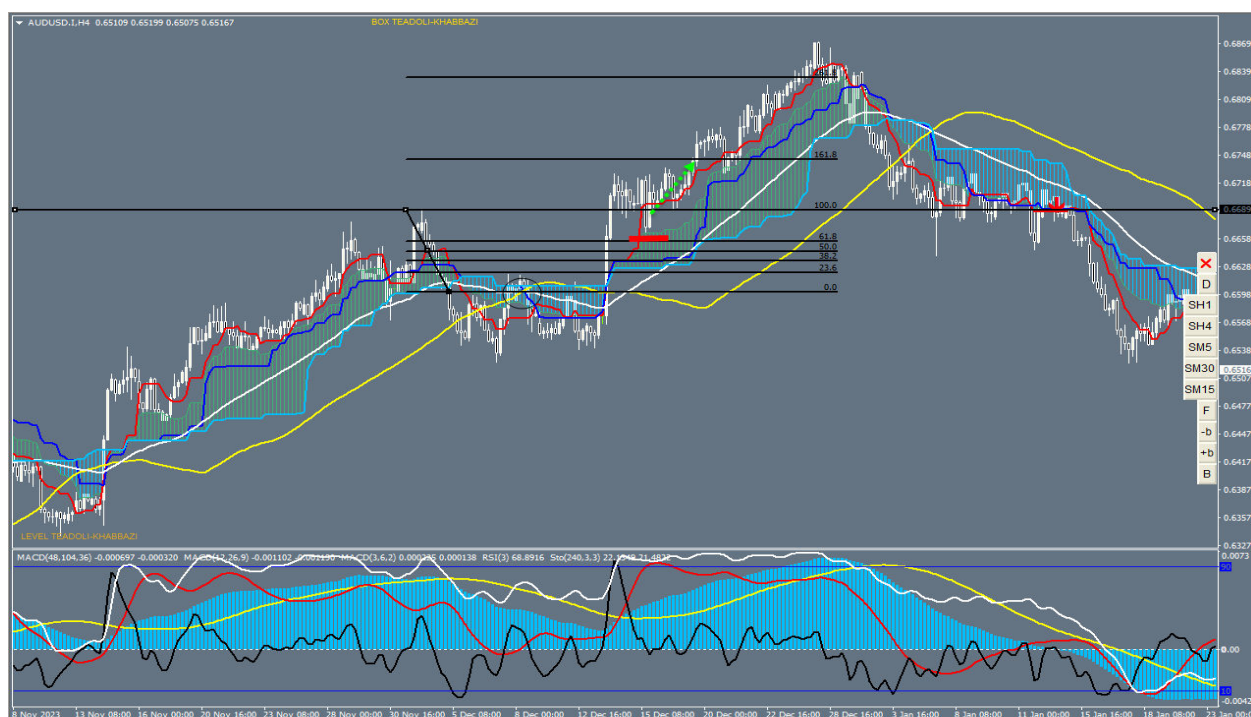


ترید سوم : شکست محور فرکتال

محور فرکتال در واقع قله مینور تایم اصلی و قله مائور تایم فرکتال می باشد. پس سطح معتبری می باشد که با شکست آن می توان ورود کرد و با توجه به اعتبارش امکان برگشت به این سطح نیز وجود دارد که زمان برگشت، انتهای تارگت ترید سوم و شروع ترید چهارم خواهد بود. حد ضرر این ترید یک دره پرایسی ما بین دو محور فرکتال و استاتیک است. اما بهترین حد ضرر کمی پایین تر از محور استاتیک خواهد بود با توجه به زیاد بودن حد ضرر و این که معمولا در این محدوده قیمت دارای شتاب است؛ با کنده شدن قیمت از محور فرکتال می توان حد ضرر را به کمی پایین تر از محور فرکتال و سپس به تارگت اول این ترید منتقل نمود.

اگر هنوز با ترید اول و دوم همراه هستید ترید سوم با شکست معتبر محور با تارگت سطح 161 از فیبو کانال تعادلی با سویچ اول و یا سطح 261 از فیبو تعادلی با سویچ دوم بسیار معتبر می باشد.

هر کدام تارگتشان کمتر بود را می توان با حجم مناسب با رعایت مدیریت سرمایه، به صورت اسکالپ ترید نمود و یا به عنوان تارگت اول منظور نمود و ریسک فری کرد.



این که در توازن با کدام ترید راحت تر هستید و ورود و خروج تان به چه صورت می باشد، شخصی سازی می باشد؛ که در طول زمان با توجه به وقت و سرمایه و روحیه اتان خودتان انجام خواهید داد و این بهترین حالت، مخصوص شخص شما خواهد بود.

بعضی از موارد با تجربه، با گذر زمان و نه فقط صرف مطالعه، بدست می آید و عمومیت ندارد.

ترید اول در صورت تسلط در آن اگر از نظر روانشناسی کم نیاورید، در عوض حد ضرر کم و شاید متوالی، می توان رالی دوم را شکار کرد که ریوارد عالی دارد.

از نظر روانشناسی کم آوردن یعنی با چند بار ضرر کردن کلا از این ترید منصرف شوید که دلیلش این است که هنوز با لات یک صدم و حساب سنتی به آن مسلط نشده اید و با حساب دلاری این ترید را استارت زده اید پس به آن اطمینان ندارید.

مورد دوم روانشناسی این که وقتی تریدی در سود نشسته است اجازه رشد به آن بدهیم چرا که هدف اصلی، یک رالی در حد رالی اول است.

ترید سوم با توجه به وین ریتش، در صورت ورود با شکست معتبر و تارگت بیان شده؛ یک ترید اسکالپی می تواند باشد که حجم زیاد، با رعایت مدیریت سرمایه، تارگت کم اما مطمئن آن را پوشش دهد.

سبک تعادل همه سلیقه ها را از نظر ورود تکنیکالی یا ترید کوتاه، بلند یا میان مدتی جواب می دهد.

در ترید سوم با شکست یک سطح پرایسی رو در رو هستیم. از نظر سایر تایم ها این سطح را می توان به شکل های متفاوت مثل تراز هیستو مشاهده کرد و شکست محور فرکتال تایم اصلی را با تایید از تایم بالاتر و شروع شکست از تایم پایین تر گرفت.

ترید سوم با تیپس شکست تراز هیستو، با توجه به گام متعادل، پوشش خوبی به شکست محور فرکتال می دهد.

البته باید دقت کرد بیس توازن بر عدم تغییر فاز هیستو می باشد.

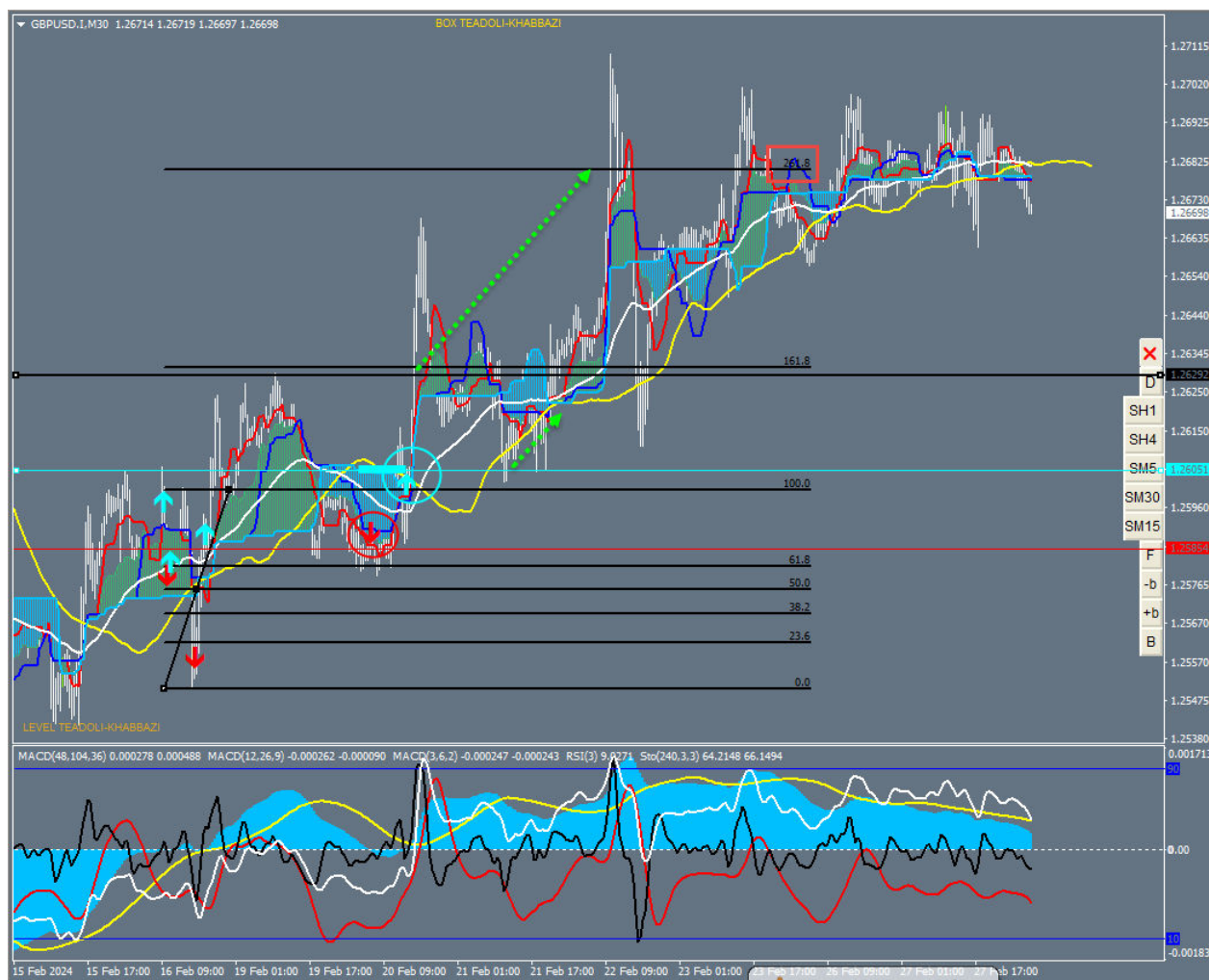
پس در شرایطی، در نقطه C هیستو، فیک می باشد و برگشت قیمت همراه با زدن تراز جدید، فیک بودن تراز قبلی را تایید کند.

با شکست تراز جدید، تارگت حداقلی سویچ و یا اشباع خط زرد، می تواند شکست محور فرکتال را تضمین کند.

شکل بعد با ریسک به ریوارد خوب بسیار در چارت تکرار می شود.

تراز هیستو قرمز رنگ، فیک می باشد. باعث تشکیل تراز جدید فیروزه ای رنگ شده است که در نهایت با سویچ تعادلی جدیدی که ظاهر خواهد شد؛ ستاپ توازن شکل می گیرد. تراز جدید در محدوده محور تعادل استاتیک جدید یعنی سطح صد از فیبو تعادلی و فلت چرخه می باشد.

واکنش قیمت به این سه سطح که در کنار یکدیگر هستند را با پیکان سبز کوچک مشاهده می کنید. سویچ جدید خارج از کوموی ایچی می باشد پس شکست تراز و تارگت حداقلی سطح 261 فیبو تعادلی آن، شکست محور فرکتال که همان سطح 161 از فیبو باشد را تضمین می کند(پیکان بزرگ).



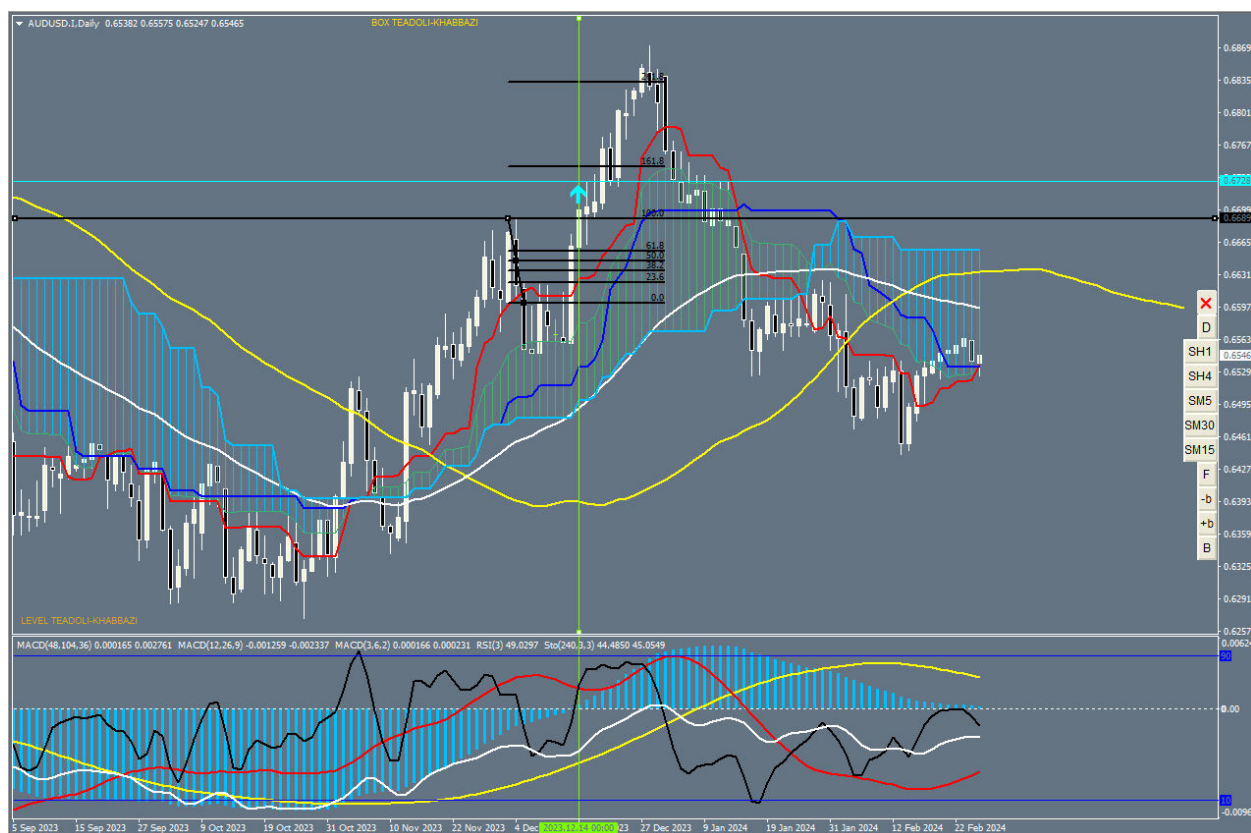
در شکل، تراز هیستو دقیقا همان محور فرکتال می باشد.



هم پوشانی تراز از تایم بالاتر، اطمینان بیشتری به ترید سوم می دهد. مخصوصا اگر تایم بالاتر تایم چهار برابری باشد و تراز قبل از محور فرکتال باشد و هنوز طبق تیپس تراز هیستو، تارگت حداقلی اش را نیز نداده باشد.

در شکل از آنجا که تارگت حداقلی را تراز داده است؛ پس طبق گام متعادل هدف از شکست تراز، به اشباع بردن چرخه زرد می باشد.

این اشباع، تارگت رالی دوم تایم چهار ساعته را پوشش می دهد.

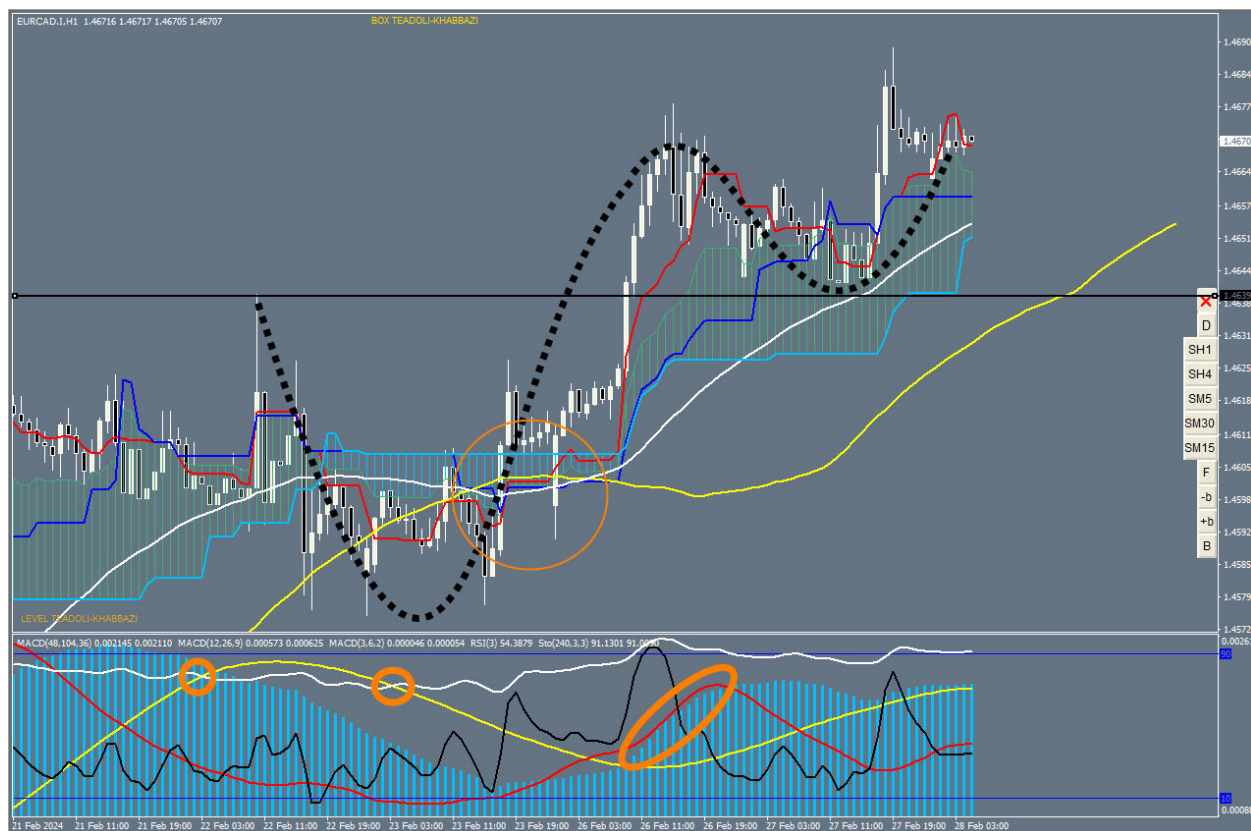


تمام مطالب مجموعه در خدمت یکدیگر هستند. حجم زیاد مطالب دست شما را از نظر انتخاب ستاپ باز می گذارد و یا از نظر هم پوشانی خاطر جمعی بیشتری می دهد و یا تقدم و تاخر آنها، نقطه ورود را بهینه می کند.

در صورت تمایل، ستاپ توازن تایم پایین با محور فرکتالاش را در تایم بالا می توان به صورت تراز هیستو دید و یا در تایم بالاتر به صورت فلت چرخه مشاهده نمود.

همه، همزمان، یک تحلیل را به شما می دهند.

هم شکلی هیستو، پشتوانه ای برای شکست محور فرکتال، می تواند باشد.



ترید چهارم : قله

قله تایم اصلی به عنوان تارگت نهایی ترید های اول و دوم و سوم توازن می باشد. در این سطح، تریدها بسته می شود و بلافاصله ترید چهارم با حد ضرر ناچیز استارت می خورد.

به عبارت بهتر در این موقعیت چرخش سیکل ها را داریم و بر خلاف ترید اول که چرخش سیکل های مشکی و قرمز را حول سیکل زرد داشتیم؛ در این نقطه، چرخش همه سیکل ها، با هم خواهد بود.

(به شکل مربوط به سیکل های فرکتال زمانی و تیک های گذاشته شده دقت فرمایید)

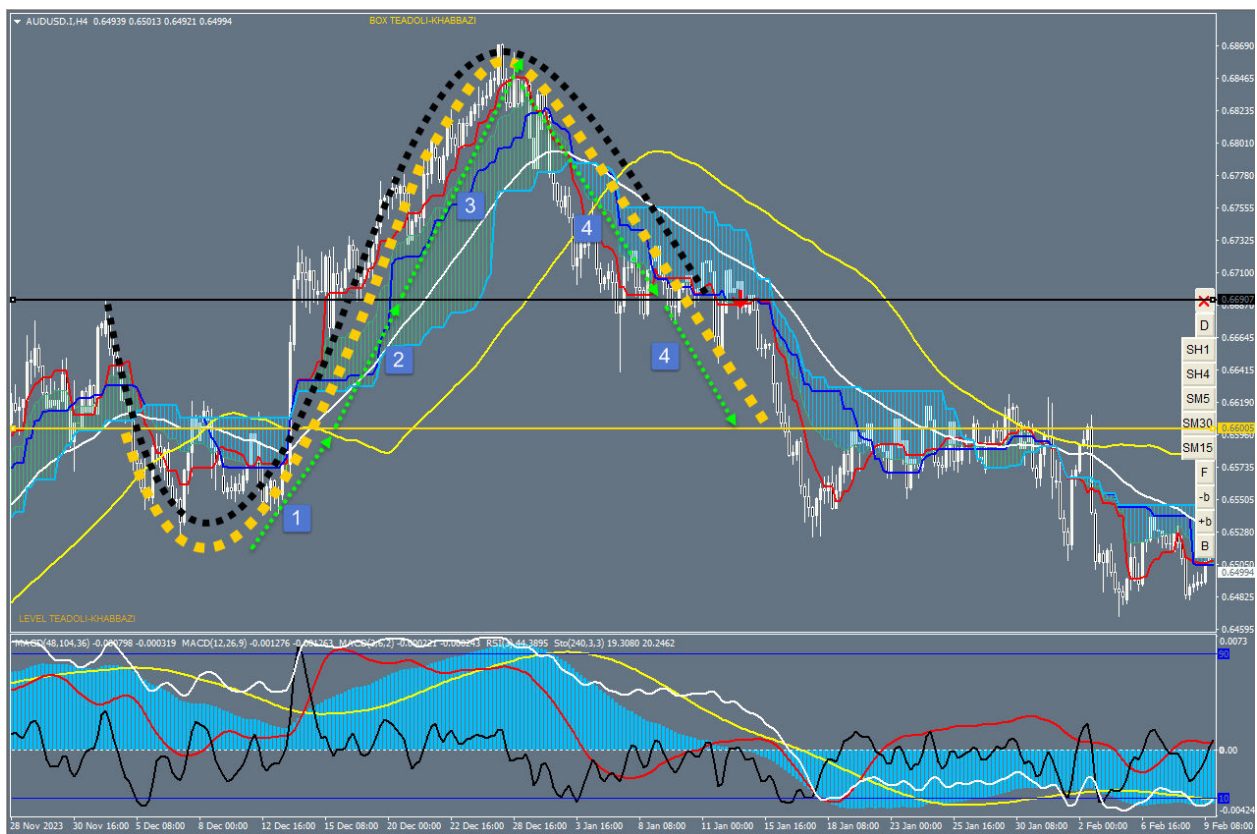
تارگت اول ترید چهارم، برگشت به محور فرکتال می باشد. تاج محور استاتیک توازن و سپس تاج محور استاتیک سویچ شروع رالی اول ستاپ توازن، مخصوصا اگر قبلا تاج نشده باشد؛ به عنوان تارگت نهایی این ترید خواهد بود.

در مسیر محور فرکتال تا تارگت نهایی، می توانیم نیم نگاهی به محور هیستو مربوط به قبل از مسیر ترید چهارم و همچنین محور دینامیک تعادل نیز داشته باشیم.

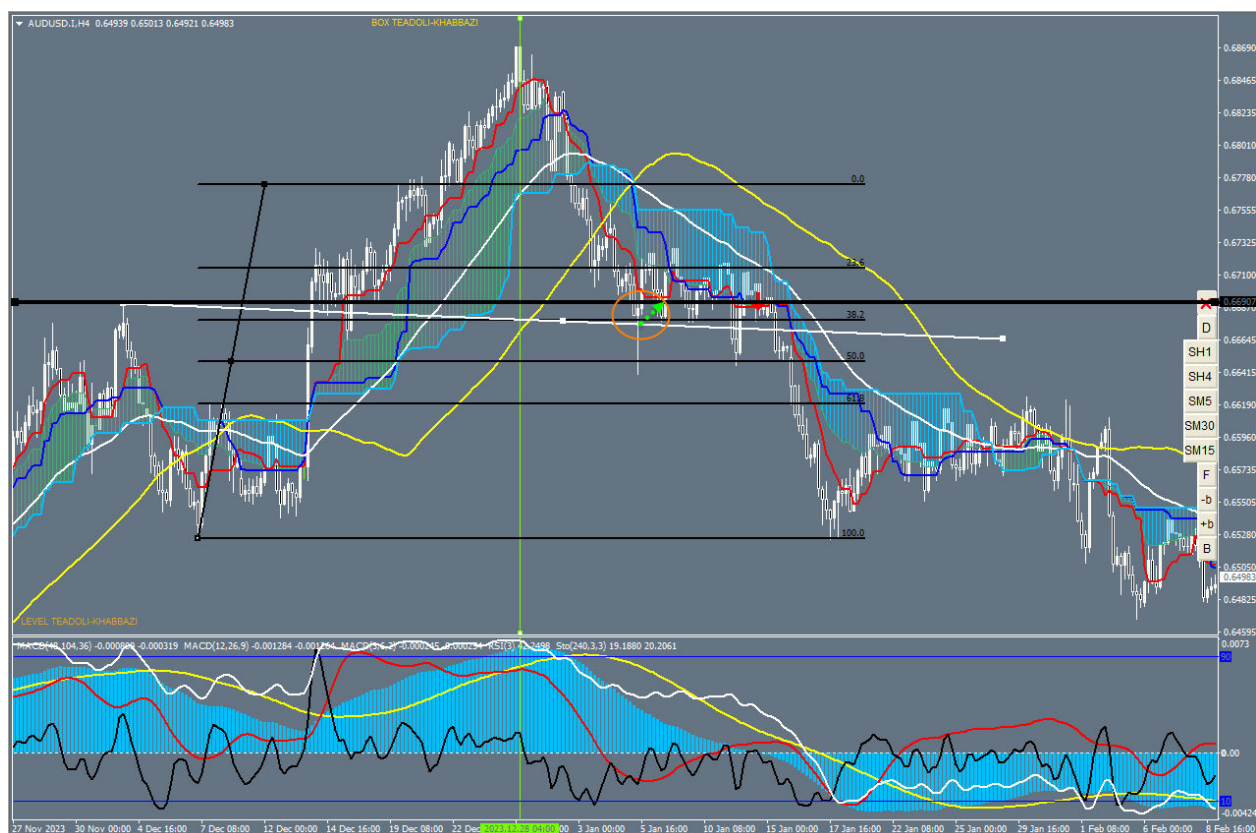
محور هیستو مخصوصا اگر بر روی یکی از محورهای فرکتال یا استاتیک بیفتد به معنی سطح مهمی است که امکان تاج آن جهت بستن دو سیکل یا چرخه زیاد است.

با پولبک قیمت به هر محور، در واقع آن سیکل یا چرخه بسته می شود و می تواند چرخه جدیدی به عنوان ترید پنجم توازن شروع شود.

با ترید دوم و سوم توازن، چرخه یا سیکل ها باز و با ترید چهارم توازن، بسته میشوند.

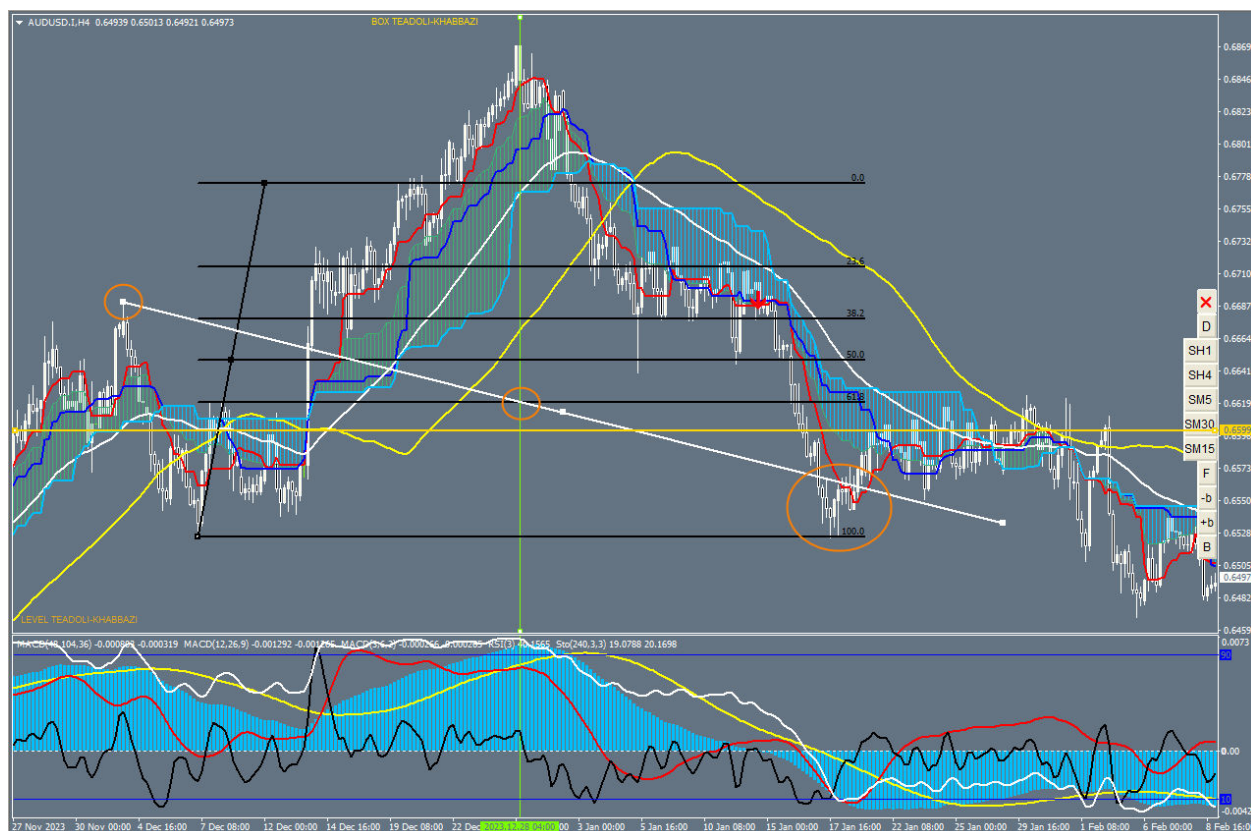


از محور دینامیک می توان مانند گن تعادلی استفاده کرد. هر خط از آن که با یکی از محورها کراس می کند؛ سطح خوبی برای واکنش قیمت است اگر کندل در محل کراس دو محور، قرار گیرد.



اما مهمترین خط از کانال تعادلی، می تواند آن محور دینامیکی باشد که بر روی یا نزدیک آخرین محور افقی قبل از محور استاتیک واقع در شروع روند، یعنی رالی اول باشد تا به عنوان یک محور دینامیکی برای جمع کردن چرخه های افقی عمل کند و به عنوان تارگت ترید چهارم منظور شود.

واکنش تکنکسن به این محور از نظر بسته شدن پترن S دینامیک، قابل بررسی می باشد.



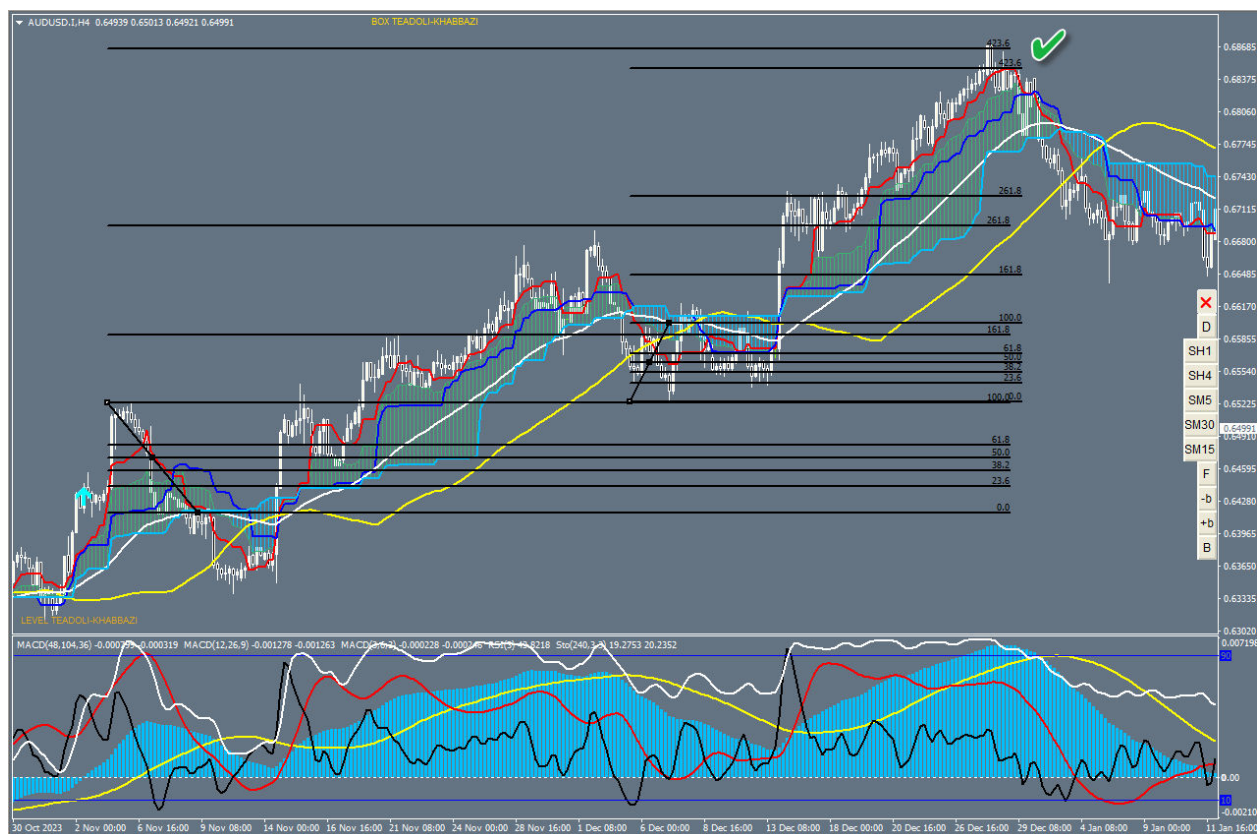
در واقع تمام امکانات سبک در خدمت ستاپ توازن است تا با هر ستاپی ورود نکنیم، هر جایی خط روند رسم نکنیم، هر جایی به دنبال هم پوشانی تعادلی نباشیم و...

این **مشقی** است تا در یک **فن** ماهر شویم.

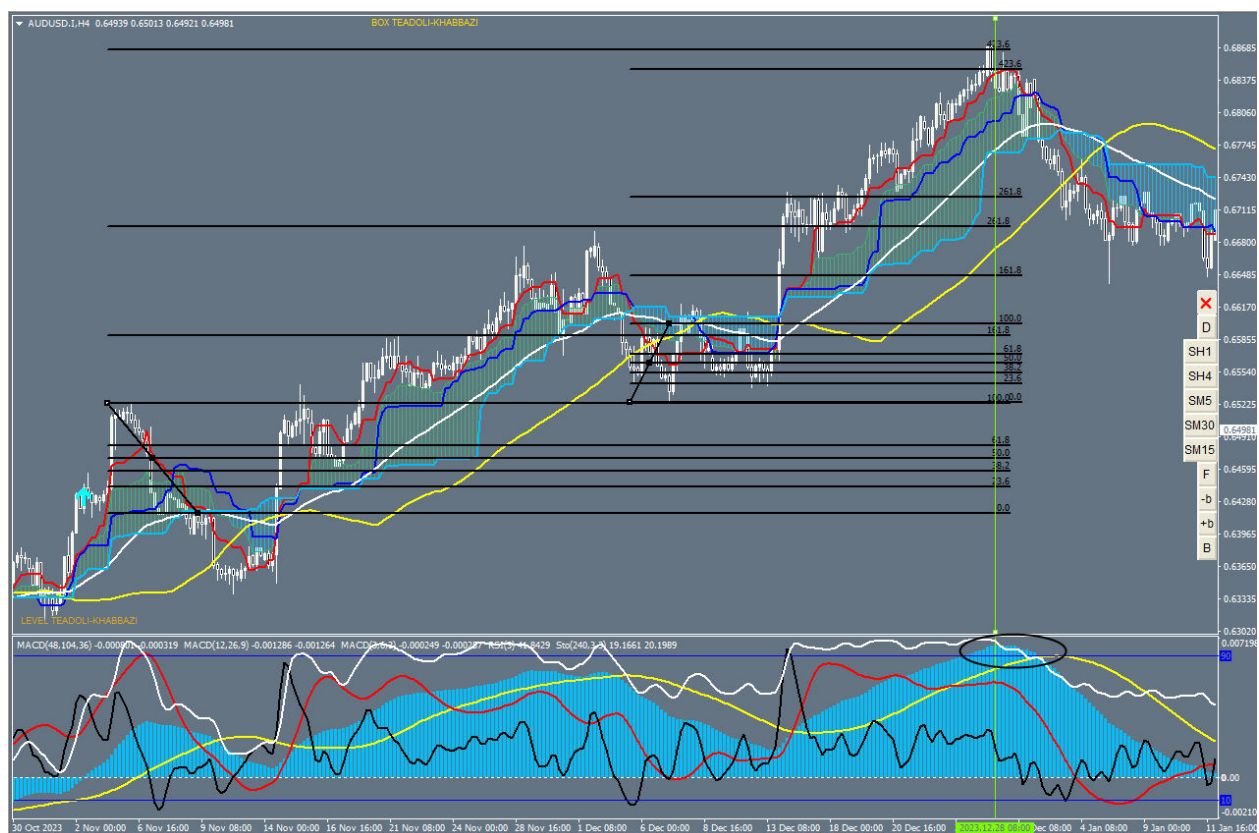
برای اعتبار سنجی قله تایم اصلی، جهت بستن ترید سوم یا ترید های قبل اگر هنوز بسته نشده اند و باز کردن ترید چهارم، تاییدات را بررسی می کنیم.

تاییدات تایم اصلی

1_ هم پوشانی تعادلی

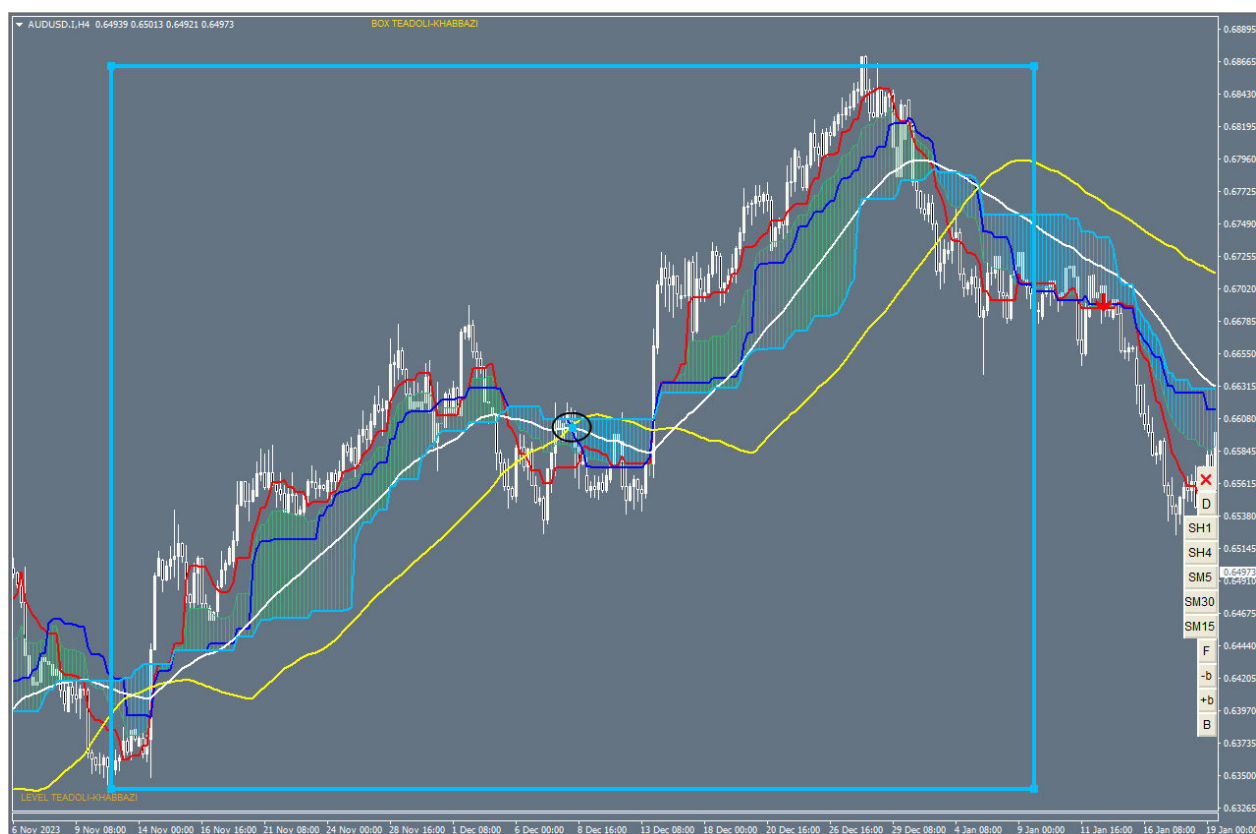


2_ اشباع میز که اگر در قله فرکتال، خط قرمز در اشباع باشد؛ در تایم اصلی با رسیدن خط زرد به اشباع، ترید را می بندیم.



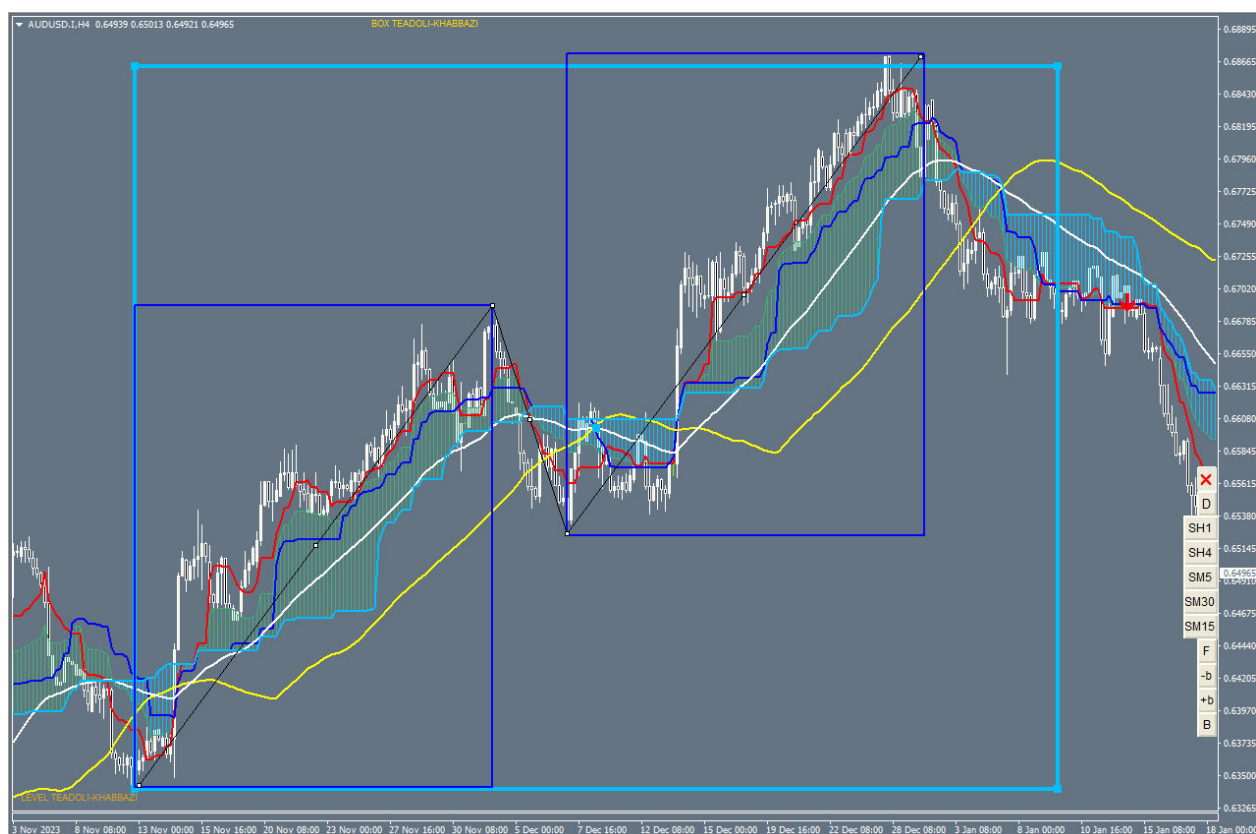
3_ باکس فرکتال

اگر چه باکس فرکتال از شرایط این ترید نیست؛ اما اطمینان خوبی به ترید می دهد که اگر برقرار باشد، هم پوشانی تعادلی و اشباع میز یا هم زمانی چرخه ها نیز برقرار خواهد بود.



4_ رالی باکس

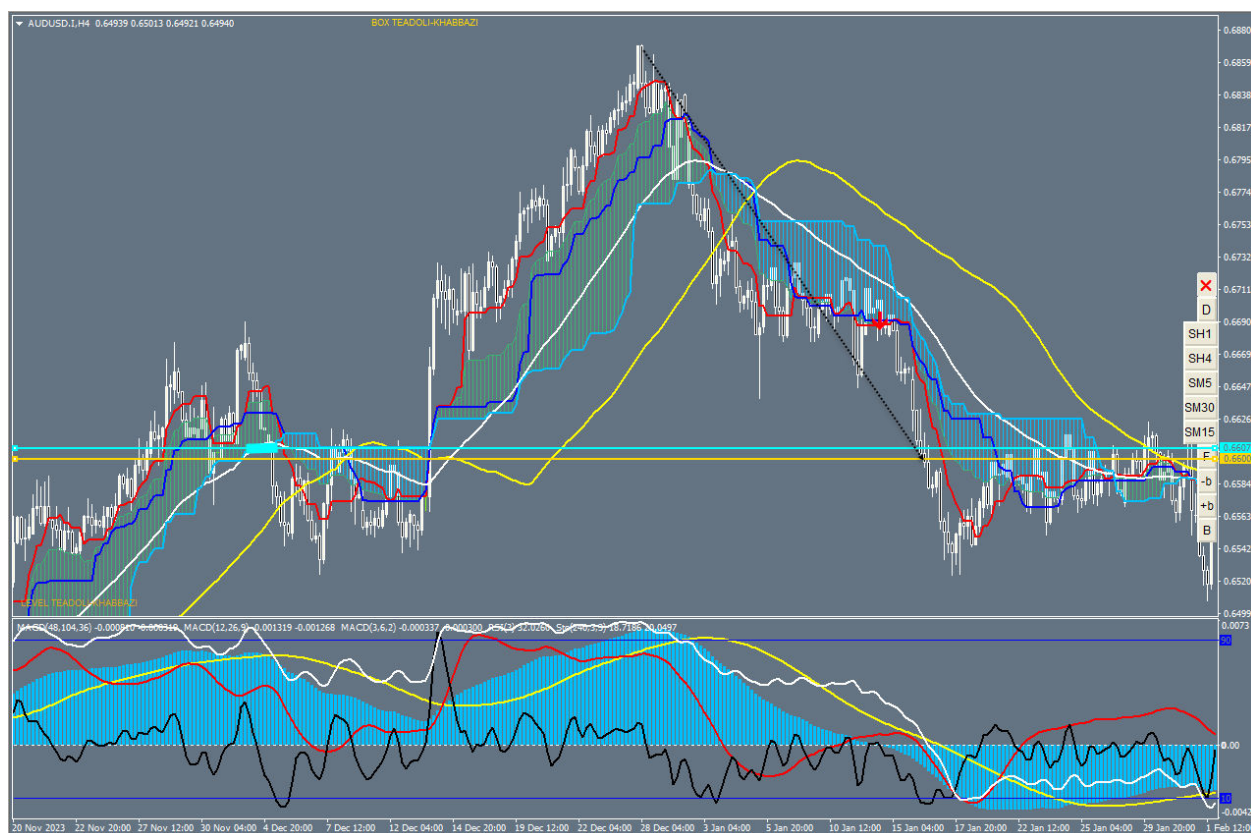
رالی باکس، اگر چه جزء شرایط لازم نیست، اما اطمینان خوبی به ترید می دهد. وقتی رالی باکس ها از نظر زمان و قیمت هم وزن می باشند؛ شرایط لازم (هم پوشانی تعادلی و اشباع میز) و شرایط اعتباری مثل باکس فرکتال، معمولا برقرار خواهد بود.



5_ تاج کومو فیک

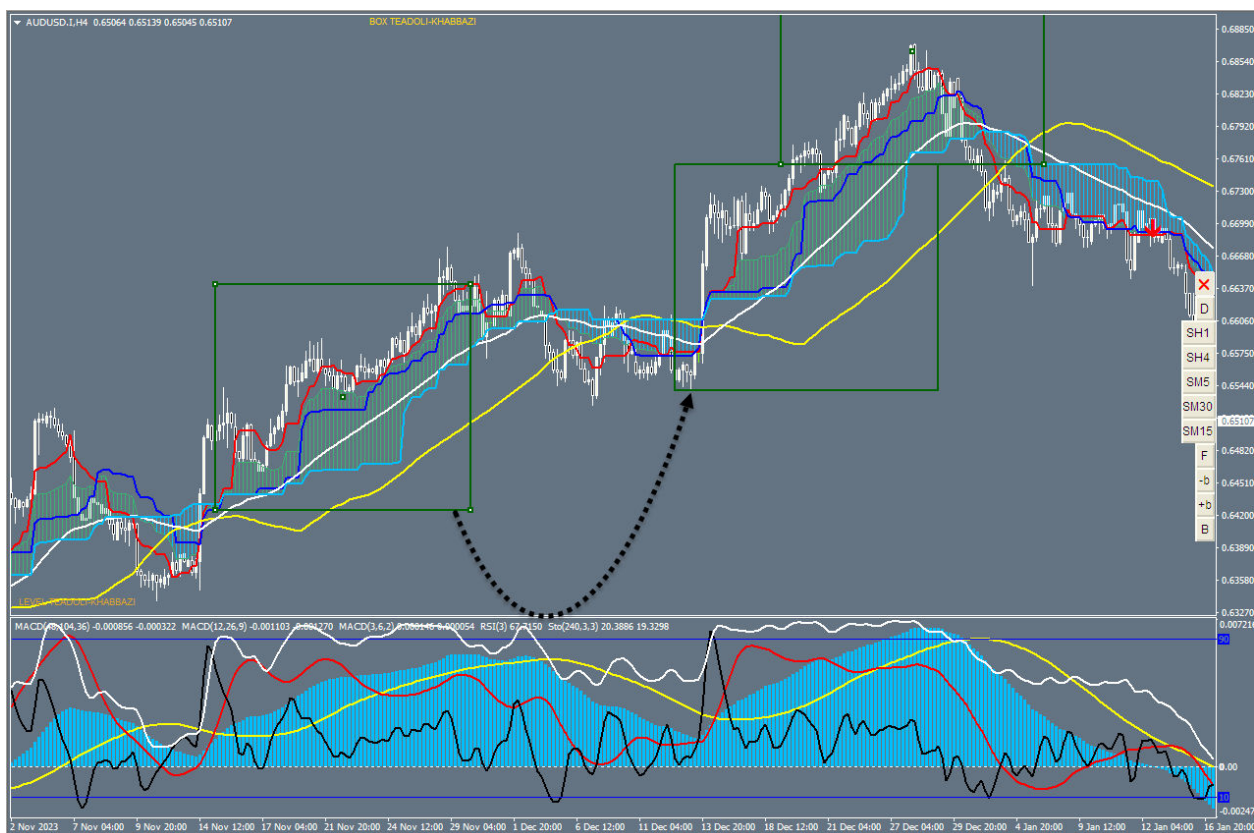
کوموی ایچی در مسیر ترید اول توازن، چون باعث تغییر فاز هیستو نشده است، فیک می باشد. از طرفی این کومو، هم پوشانی با محور تعادل سویچ سمت راستی ستاپ توازن دارد و در مجاورت فلت چرخه قله فرکتال می باشد.

پس احتمال تاج کومو به دلیل این که در مسیر ترید چهارم توازن می باشد؛ زیاد است.



6_ باکس مساحت کراس

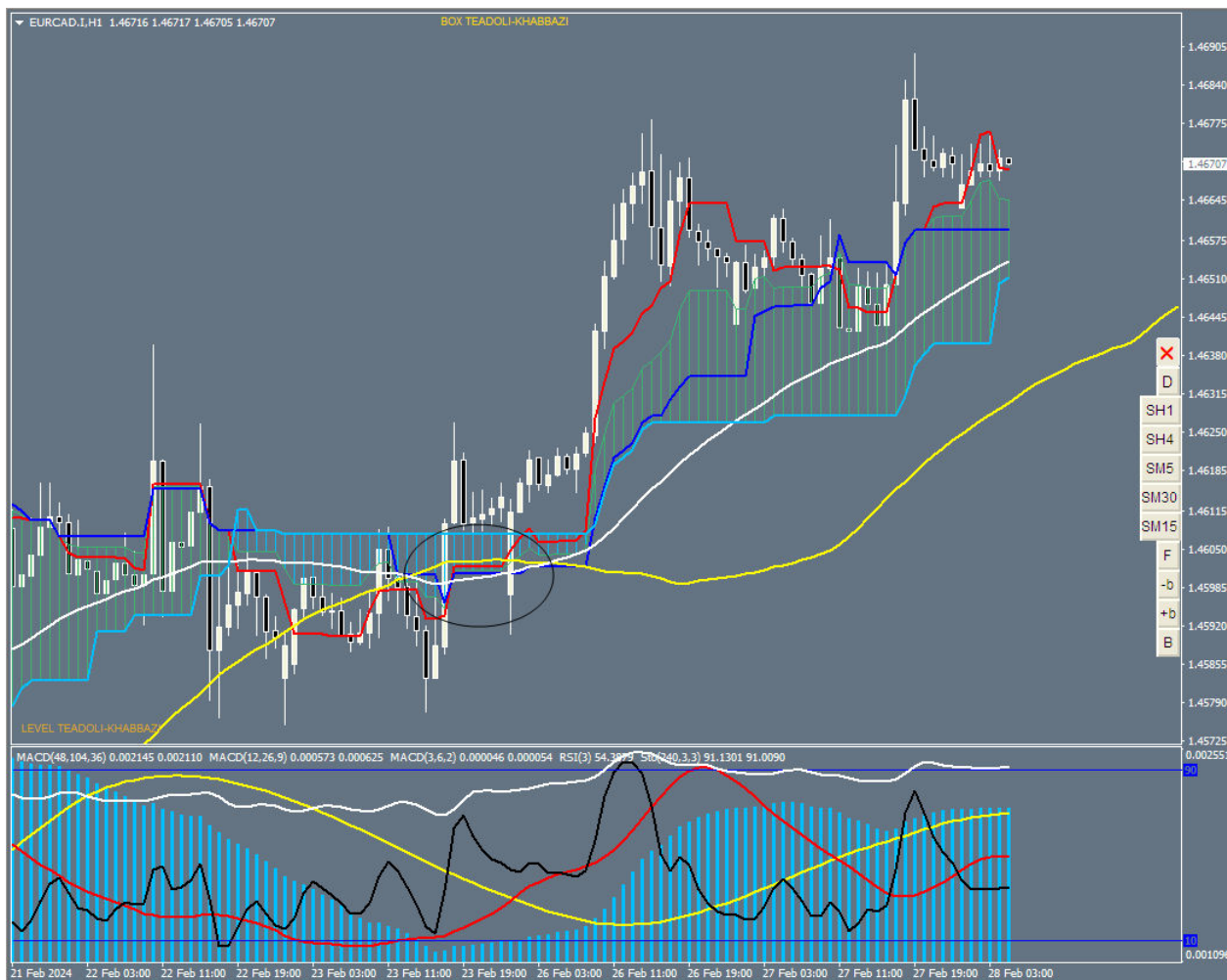
باکس مساحت کراس دقیقا مفهوم ارتباط دو کفه ترازو یا رالی باکس ها را در بر دارد. یعنی رالی دوم را با رالی اول می سنجمیم و با احتساب مساحت، در توازن فضا سازی کرده و ابعاد دهی می کنیم.



7- تاج کوموی تعادلی تاج نشده

کوموی تعادلی تاج نشده، کومویی است که سنکو اسپن B آن را کراس نکرده است. این کومو در داخل یا مجاورت کوموی فیک ایچی و همچنین فلت چرخه می باشد. پس سطح مهمی است که تاج محور استاتیک آن در ترید چهارم، به عنوان یک تارگت منظور می شود.

در سبک تعادل از سطحی به نام سطح جامانده، بدهکار یا طلبکار نام برده نشده است تا نکند با این ذهنیت، یک فرد مبتدی کل سرمایه اش را تا تاج آن سطح از دست بدهد. اگر پترن S هیستو ها را بررسی کنید با وین خوبی شکل می گیرند با این وجود باز در سبک، ذهنیت سطح جامانده برای آنها، به فرد مبتدی القا نشده است.



تاییدات تایم چهار برابری

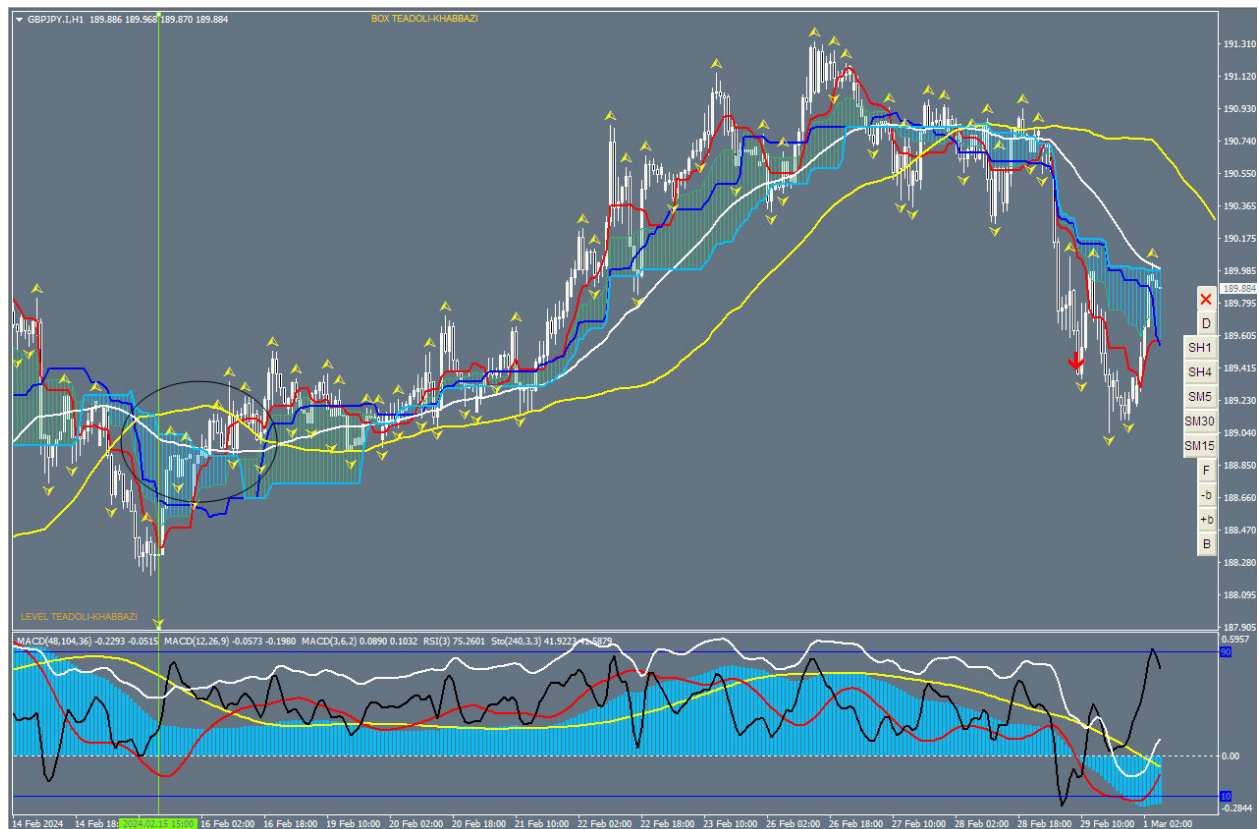
توازن در تایم اصلی، در حکم فلت سنکو B در تایم بالاتر مخصوصا چهار برابری می باشد. در این صورت ستاپ های مربوط به تاچ فلت سنکو B در تایم چهار برابری، می تواند، ترید چهارم توازن را در تایم اصلی، پوشش دهد.

از آنجا که چارت اصلی در تایم چهار ساعته می باشد و تایم شانزده ساعته در پیش فرض متاتریدر نیست در این قسمت برای هر مورد دو شکل مربوط به تایم اصلی و تایم چهار برابری آن از چارت های متفاوت گذاشته می شود.

شما می توانید اگر نرم افزارتان تایم شانزده ساعته دارد در همین تایم چک کنید و یا برای متا تریدر، این تایم را بسازید.

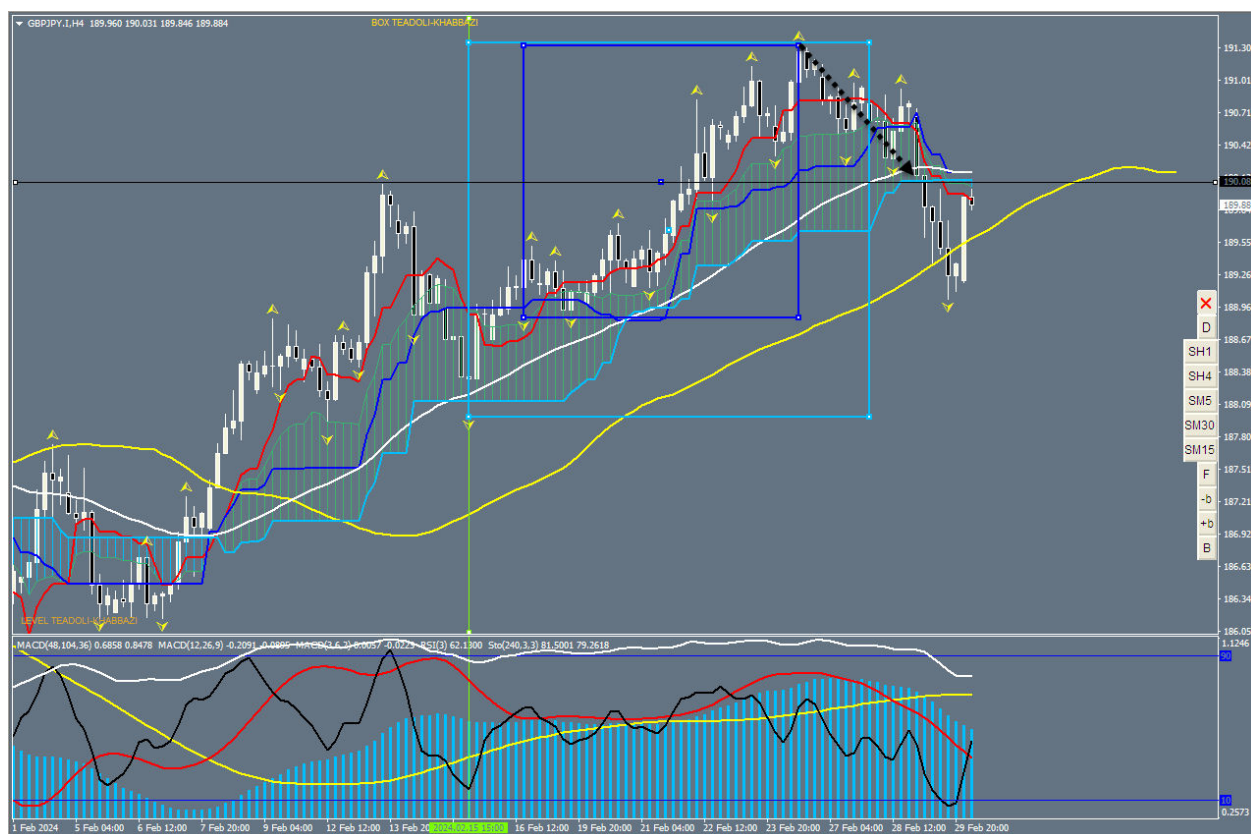
مسئله همه این موارد همزمان در یک چارت برقرار نیست؛ زیرا به عنوان شروط لازم نیستند؛ پس چاره ای جزء استفاده از چارت های متفاوت در این قسمت، نخواهد بود.

1_ ترید تعادلی 26 یا 52



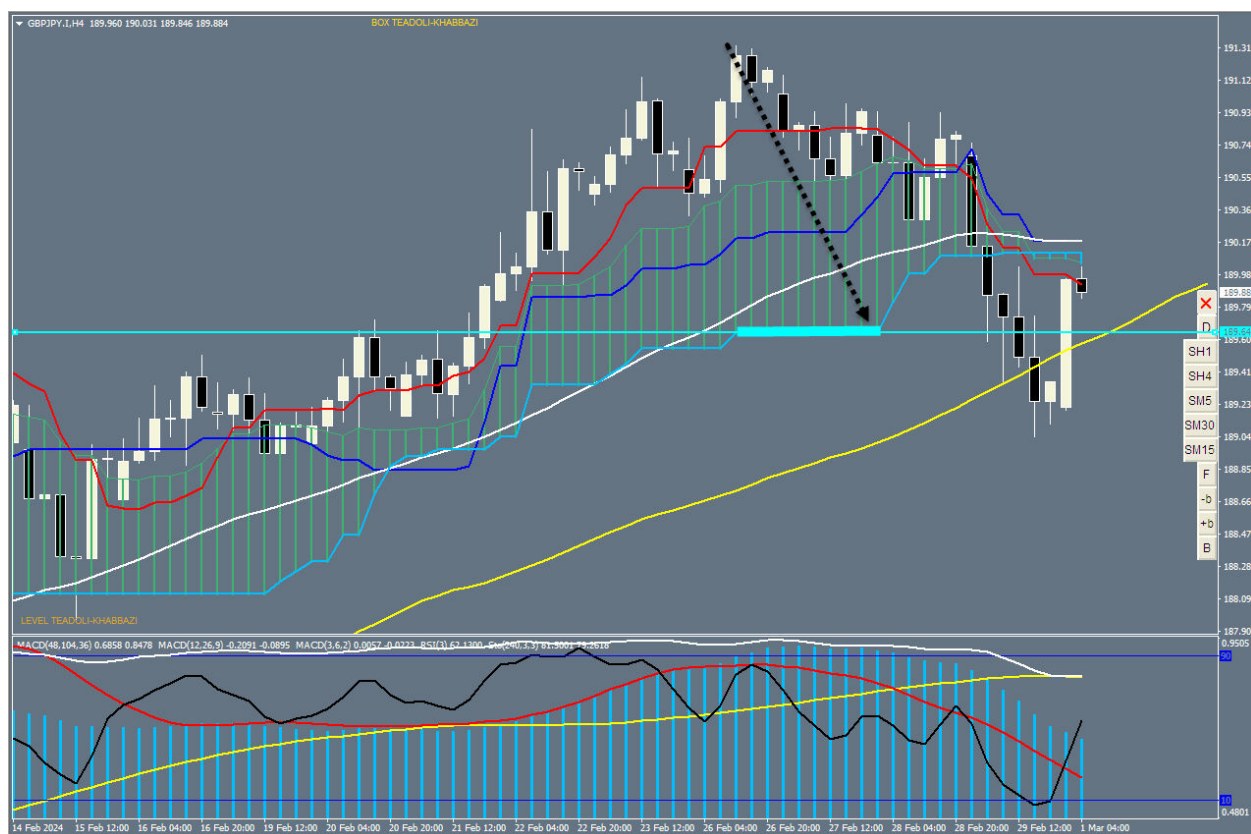
مرکز باکس دره و قله، فلت سنکو اسپن B که در آینده تشکیل و معمولا، تاج خواهد شد را پیش بینی کرده است.

این فلت دقیقا محور فرکتال تایم فرکتال شده است.



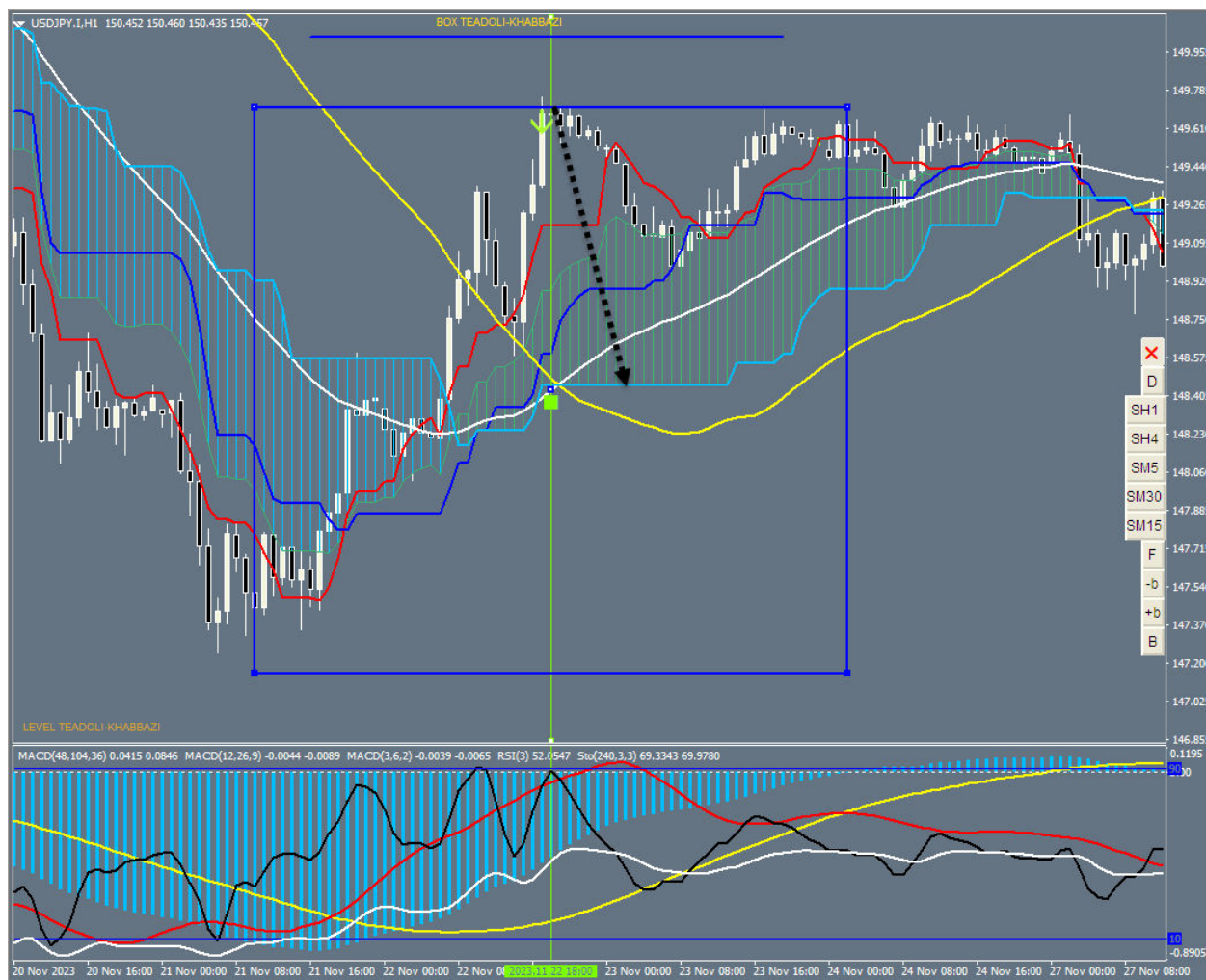
2_ فلت چرخه

در چارت قبل، فلت چرخه در تایم چهار برابری، در مسیر تارگت ترید چهارم ستاپ توازن در تایم یک ساعته است.

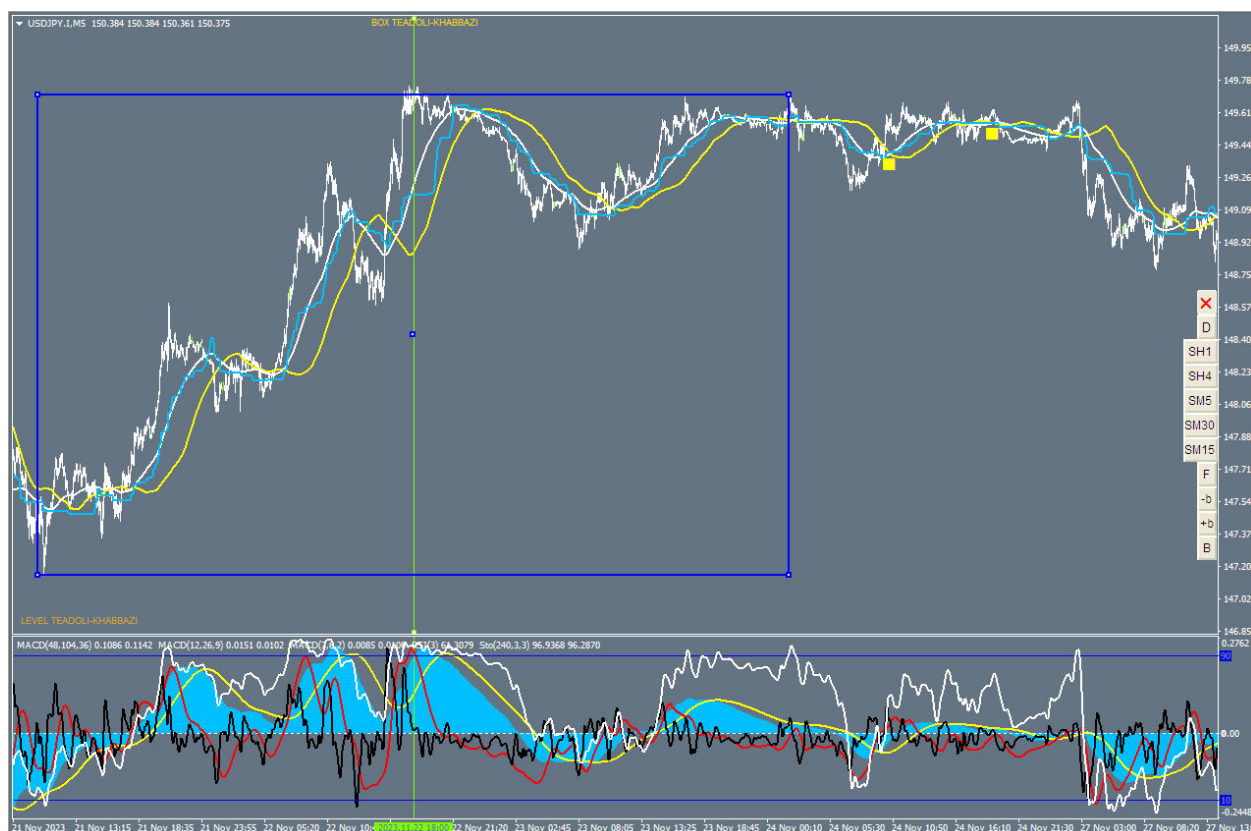


3_ ستاپ باکس تعادلی

از آنجا که اندیکاتور باکس تعادلی با تغییر تایم باکس را حذف می کند، یک باکس بر روی باکس تعادلی رسم می کنیم، تا در تایم پایین تر بتوانیم آن را رصد کنیم.



اسکنر باکس تعادلی می تواند برای تایم پایین تر به عنوان اسکنر باکس فرکتال عمل نمایند.



اگر پایان توازن های متوالی را می خواهید مشخص کنید، جوابش در تایم بالاتر:

– سطحی است که از آنجا فلتش باید تاج شود.

– هیستو صفر یا هیستو فیک خواهد بود.

اگر پایش، حرکت به سمت تاج فلت باشد؛ یعنی چرخه ها همه در قله اند و باید برگردند، یعنی همزمانی چرخه ها را داریم.

اما اگر پایان این رالی ها در تایم بالاتر هیستو صفر شد، یعنی چرخه های مشکی و قرمز در مسیر چرخه زرد نیستند و اکنون باید با زرد هم جهت شوند.

به عبارت بهتر ترید چهارم توازن در یک تایم همزمان با ترید اول توازن در تایمی دیگر خواهد بود و این داستان رفتارشناسی قیمت است.

چرخه تمام می شود تا چرخه ای دیگر شکل بگیرد.

کم کم به این ذهنیت می رسید که در این مسیر دوار، تایم ها نیز حالت فیکس شده ای ندارند و بهترین تایم را همیشه قانون نوشته ای تعیین نخواهد کرد، بلکه ذهنت شما تعیین می کند.

آن تایمی بهترین است که چارت را به صورتی که مورد انتظارتان است، نشان دهد.

هیچ ثباتی وجود ندارد دنبال ثبات نباشید؛ تا با یک سطح تاج نشده که باید تاج شود؛ سرمایه امان را نبازید.

بایدی در کار نیست و یا حداقل در این سبک نیست.

اگر بعد از همه این تمرین ها، به این نتیجه برسید که با ورود از یک نقطه مطمئن با لات متناسب با حسابتان و پذیرش حد ضرر کم اما در سطح درست، در پی سود معقول باشید، پس روانشناسی شما هم در این مدت فزبنندی، شکل گرفته است.

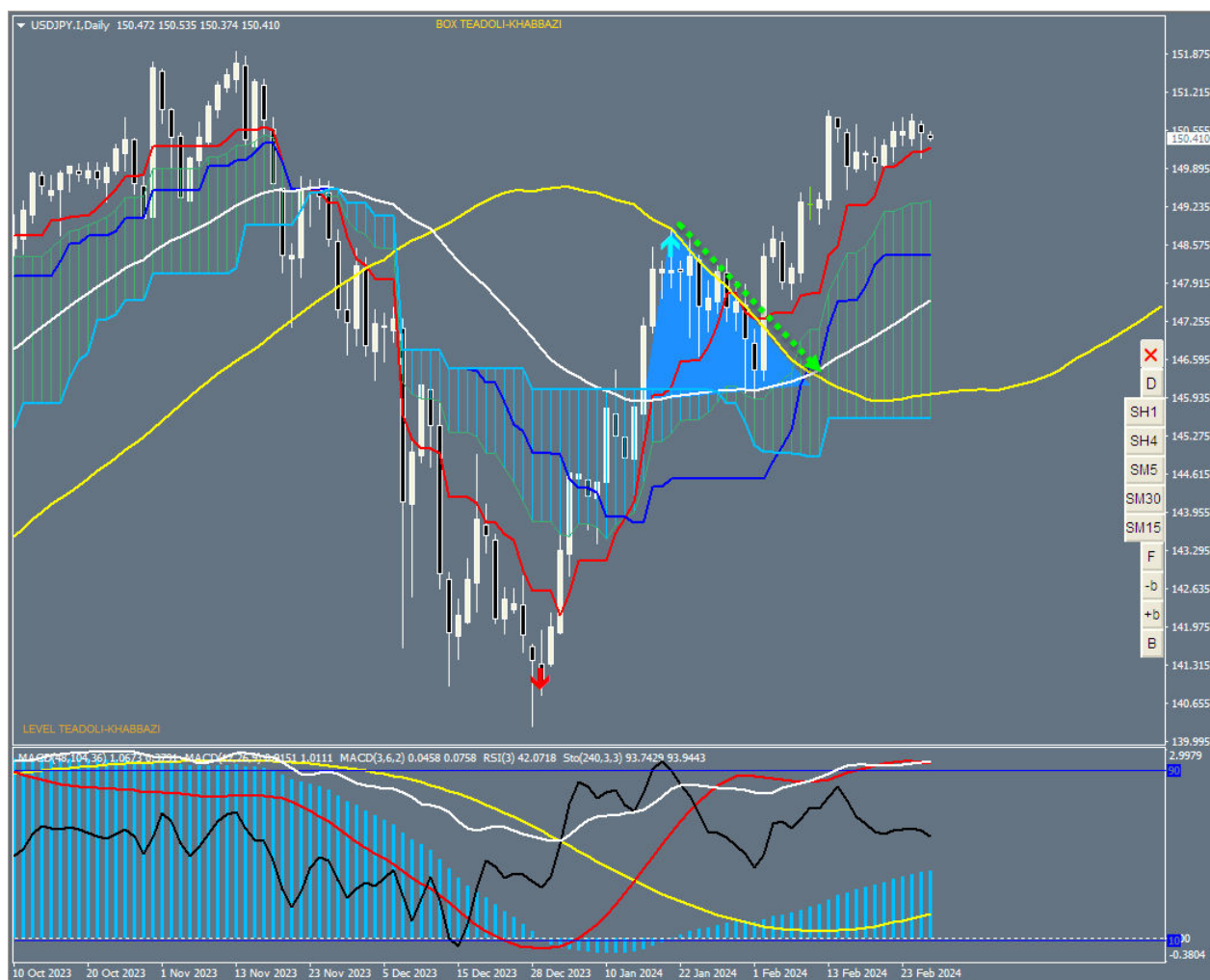
اما اگر کل موجودی اتان را بابت آن ستاپی که گفته شده است تاج خواهد شد؛ بریزید هنوز فصل با آرامش به سود رسیدنتان در بازار، فرا نرسیده است؛ اگر چه به خوبی، همه فاز ها را تمرین کرده باشید.

این همان زمانی است که متوجه می شوید بازار مالی، نبرد یک نفره است و در این شرایط غیر از خودت، کاری از کسی بر نمی آید.

4_ مثلث زمان

برای این که بتوان مثلث زمان را در قواره ستاپ توازن دید، اختلاف تایم ها باید زیاد باشد.

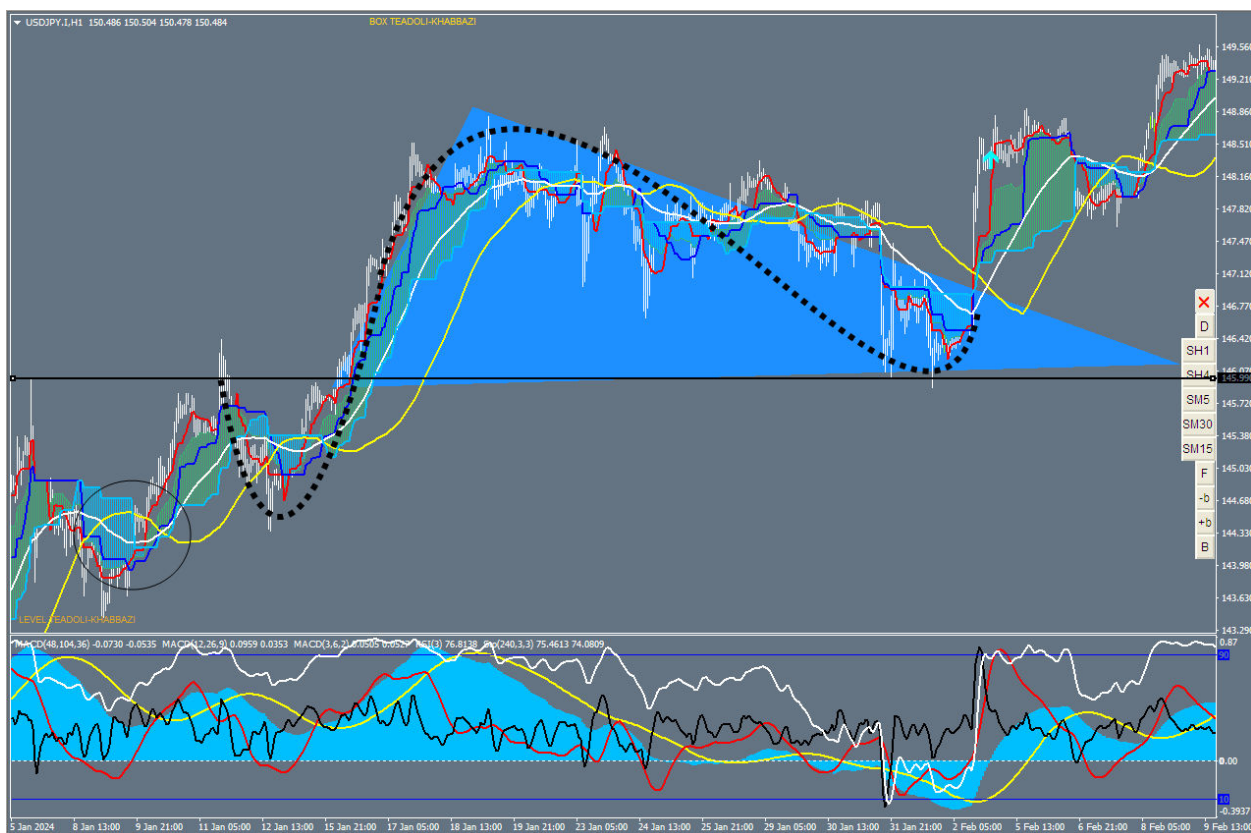
به تایمی رجوع می کنیم که تاج فلت موینگ سفید در مثلث، در قالب ترید چهارم ستاپ توازن باشد.



موینگ فلت در تایم روزانه، در نقش محور فرکتال در تایم یک ساعته است.

به عبارت بهتر مثلث تایم بالا، توازن قبل را بسته و با تکمیل شدن پترن زمانی، ادامه روند قبلی را پی گرفته است.

چرخه فرکتال بسته شده و چرخه جدیدی باز شده است.



6_ هیستو صفر در تایم بالاتر

وقتی در چندین تایم، چارت در اشباع مثلا تراز 90 می باشد این به معنی هم زمانی چرخه ها می باشد که امکان دارد تایم بعدی نیز به همین صورت باشد و یا یک ریزش خوب داشته باشیم. در چارت اصلی نشان داده شده، این حالت برقرار است.

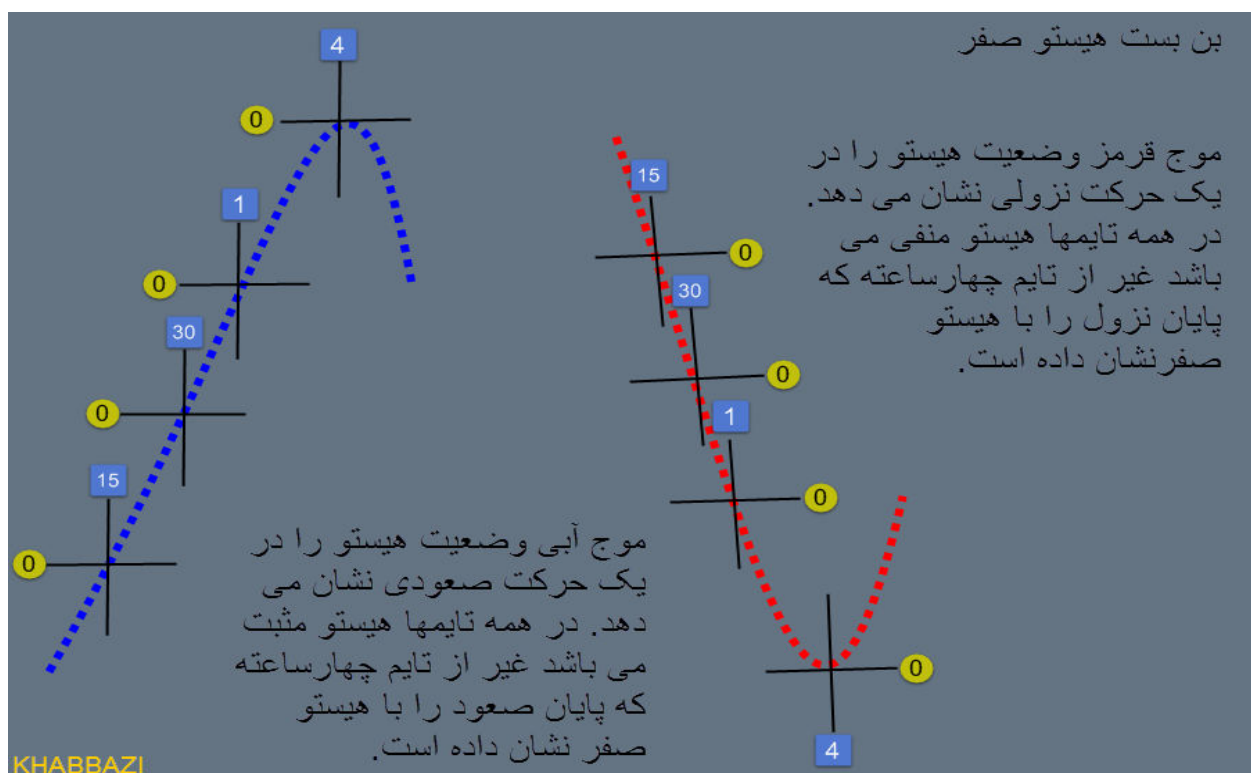
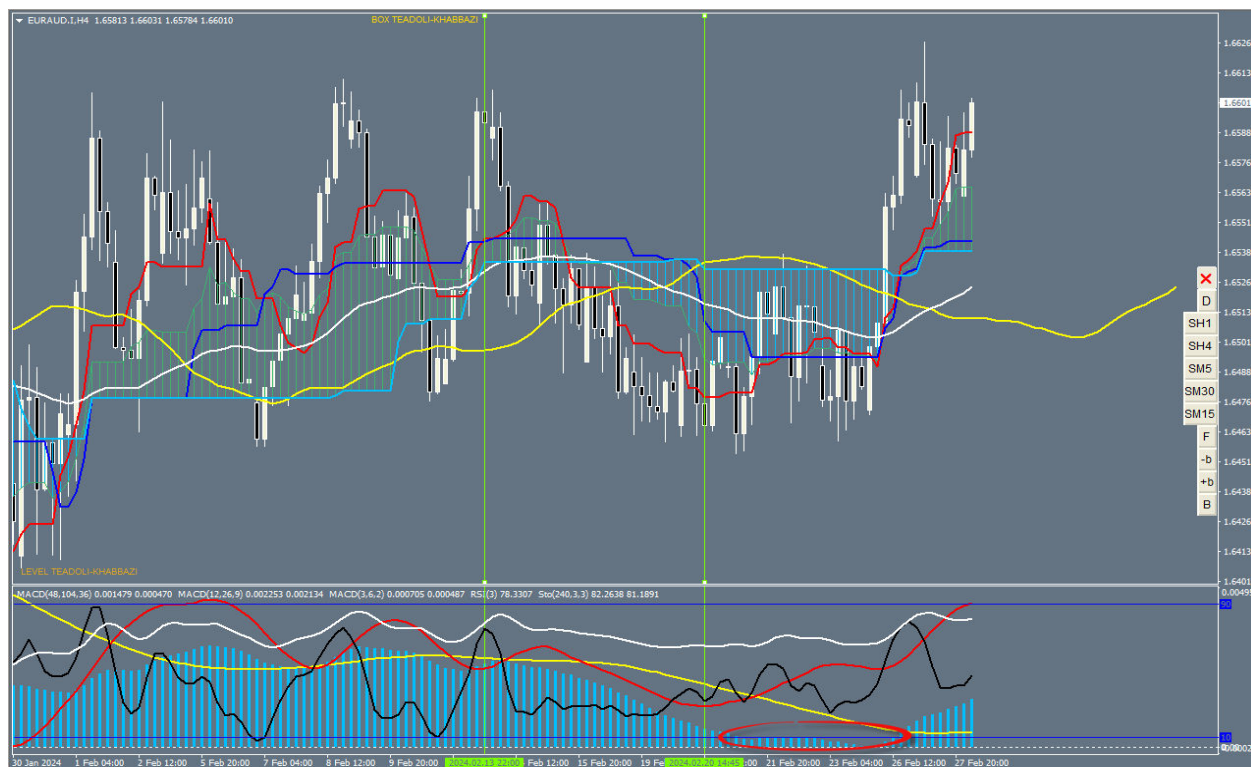
اما وقتی می خواهیم انتهای حرکت بزرگ را که از تایم کوچک تر شروع شده است مشخص نماییم، اولین تایم بزرگ تری خواهد بود که فاز هیستو در آن، مخالف فاز هیستو در تایم های قبل باشد و در اثر این حرکتی که شروع شده، تغییر فاز هم ندهد.

شکل، محدوده یک حرکت بزرگ را در تایم پانزده دقیقه نشان می دهد.

در این تایم و تایم های سی دقیقه و پانزده دقیقه نیز، هیستو منفی است.

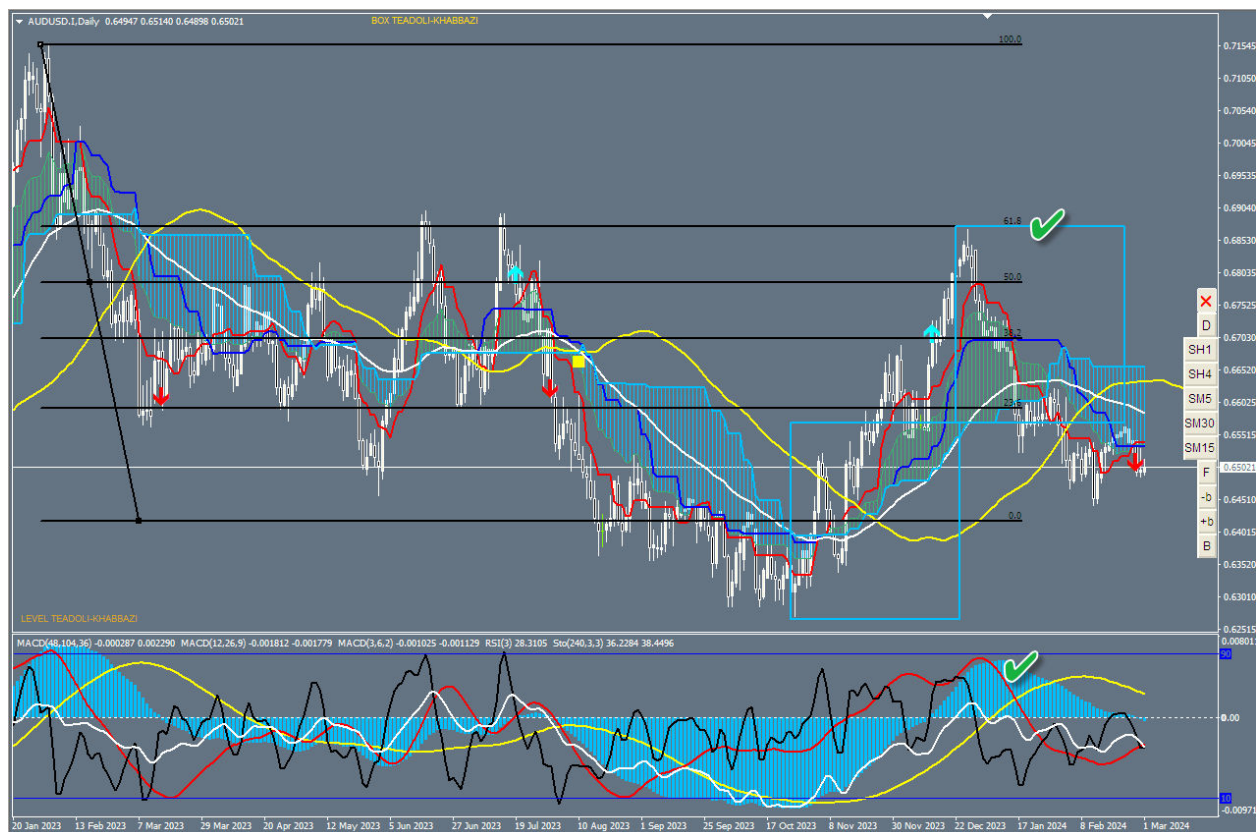


انتهای این حرکت بزرگ که در تایم های کوچک برقرار است، هیستوی تایم چهار ساعته است که مثبت است و تمایل به تغییر فاز ندارد.



7_ هم پوشانی تعادلی

اگر چه وضعیت چارت با استفاده از میز اندیکاتوری در تایم فرکتال و چهار برابری، در چارت اصلی مشهود است؛ باز قابل بررسی می باشد.



8_ اشباع فرکتال

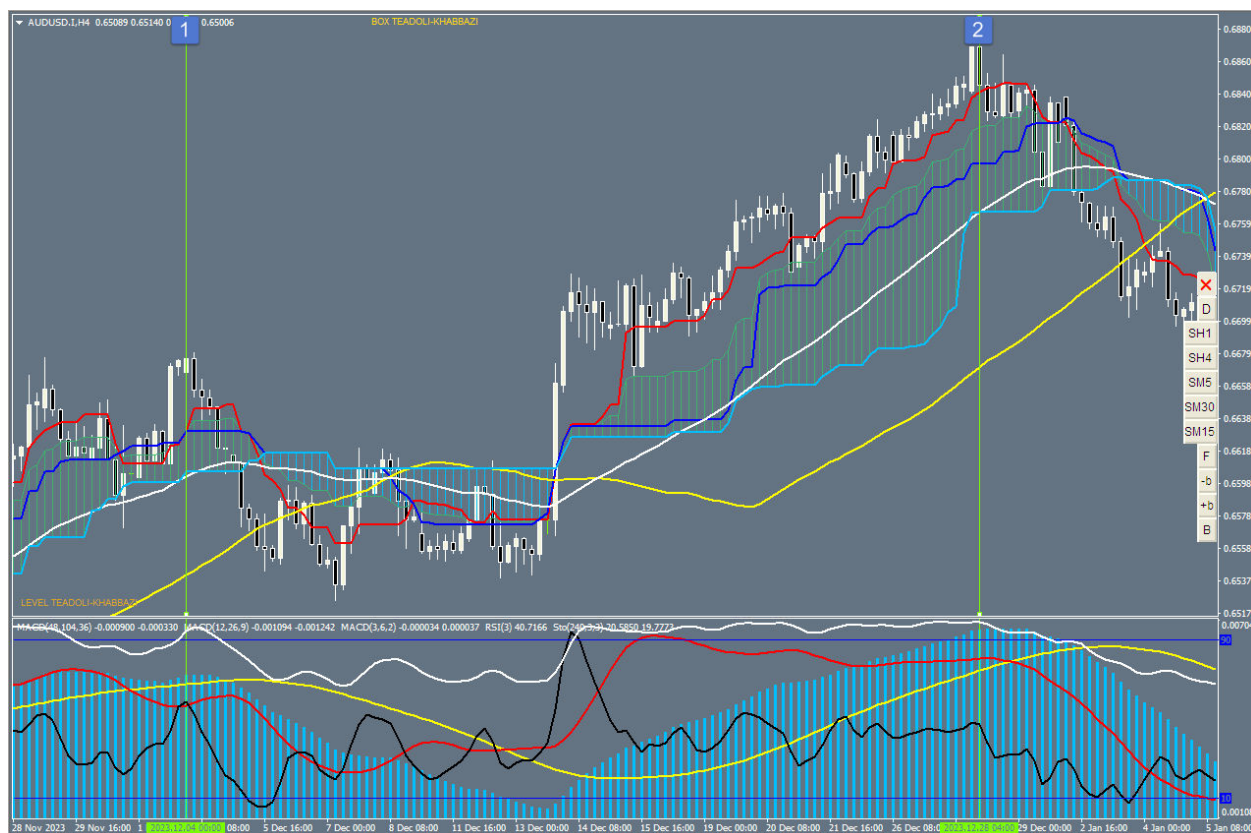
اگر در قله فرکتال، خط زرد در اشباع باشد با رسیدن خط زرد به اشباع در تایم چهار برابری تایم فرکتال، ترید را می بندیم.

در میز، سیکل زرد در خط اول که بر روی قله فرکتال است؛ اگر چه در تراز 90 نیست؛

در اشباع می باشد. با چپ و راست کردن چارت چرخه زرد را در تراز 90 مشاهده خواهید نمود.

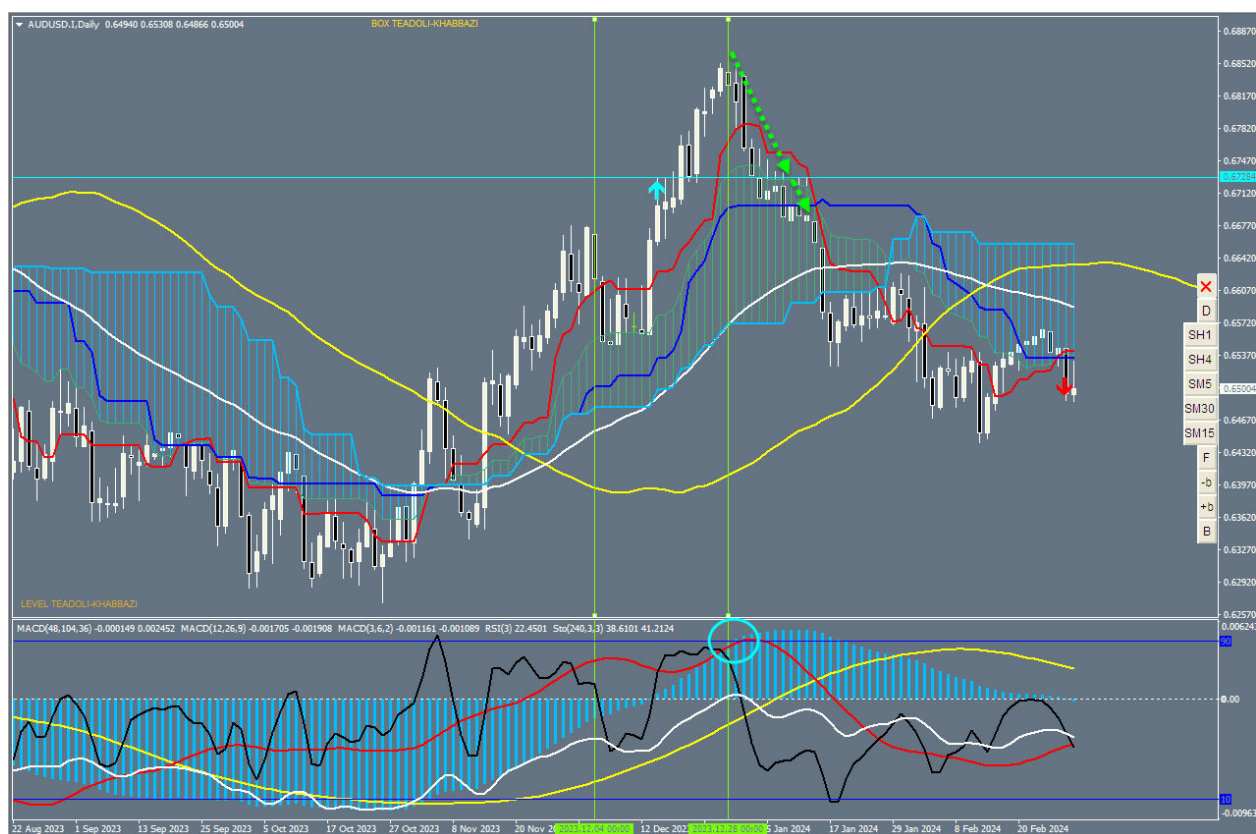
پس ترید چهارم که برگشت قیمت بعد از شکست سطح فرکتال به محور فرکتال می باشد؛ وقتی خواهد بود که در تایم چهار برابری تایم چهار ساعته یعنی تایم شانزده ساعته، چرخه زرد به تراز 90 برسد.

گاهی این مورد، در تایم روزانه نیز برقرار می شود؛ اگر چه همیشگی نیست.



شکست تراز هیستو نیز خبر از ادامه حرکت تا تارگت به اشباع رفتن خط زرد را می دهد.

سپس با چرخش قیمت، حول محور فرکتال و محور هیستو، چرخه های آنها بسته می شود.

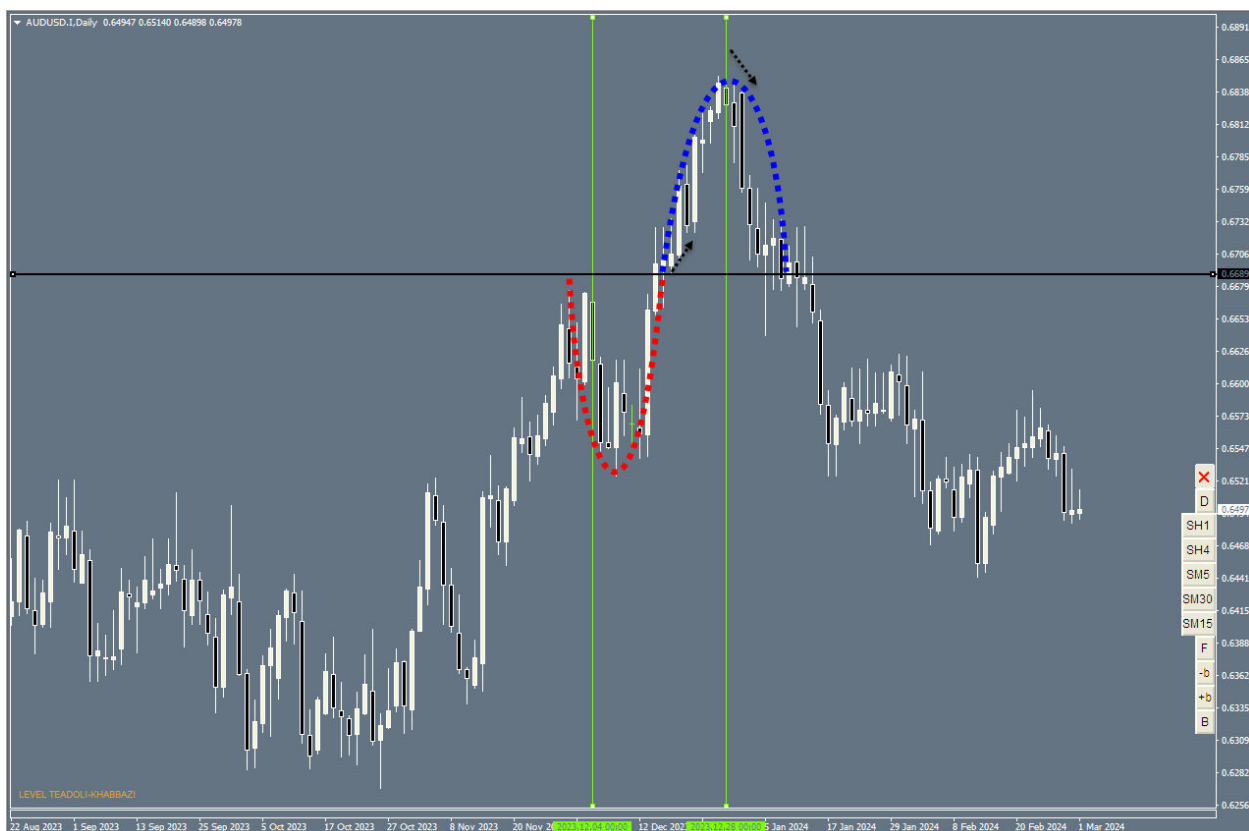


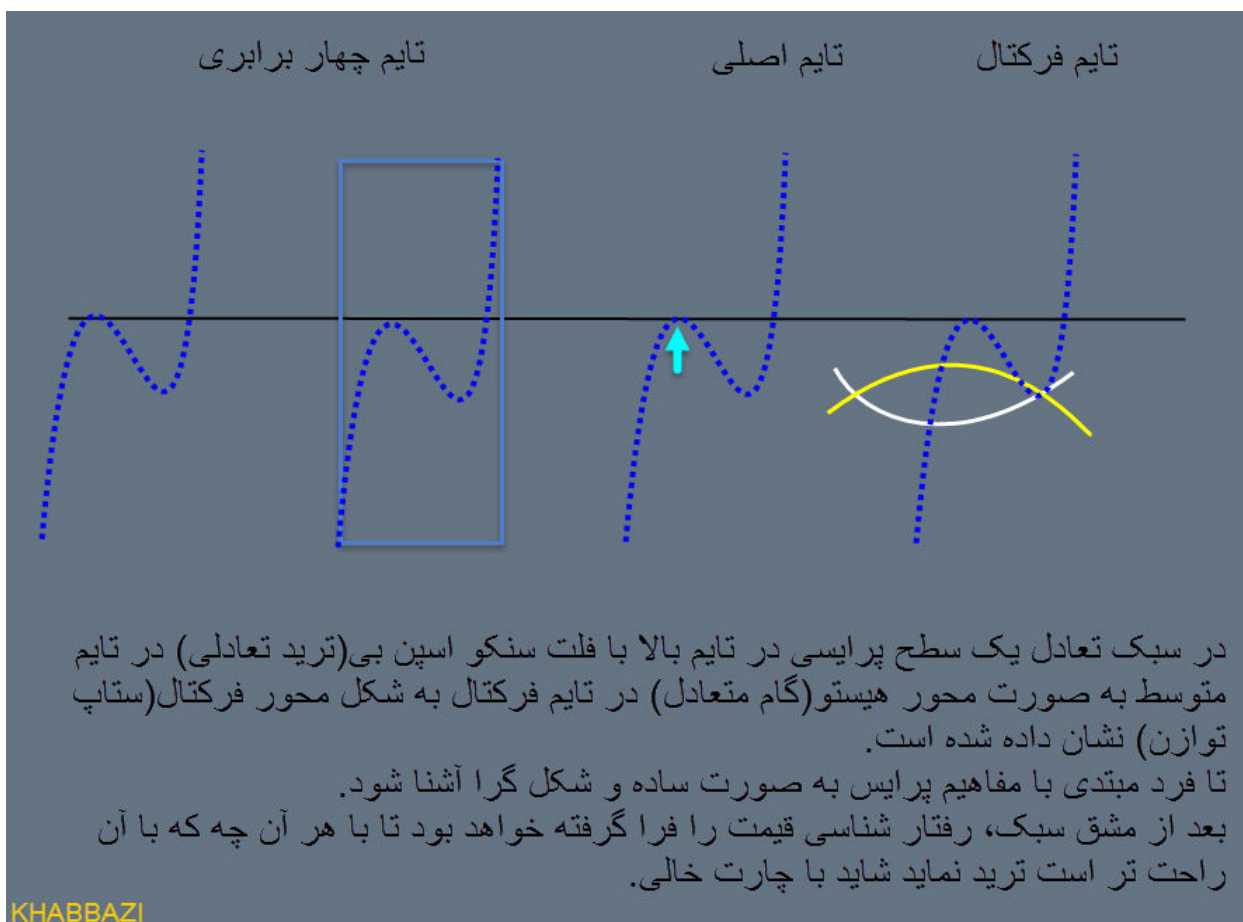
حال شکل بعد را ملاحظه فرمایید. چارت قبل بدون اندیکاتور می باشد.

تمام سعی سبک در این مجموعه این بوده است که به صورت ساده به فرد مبتدی این سطح را با محور فرکتال(ستاپ توازن) یا محور هیستو(گام متعادل) یا فلت سنکو اسپن B(ترید تعادلی) نشان دهد تا در همان روز اول بتواند ترید کند و طعم سود را نیز در کنار ضرر بچشد.

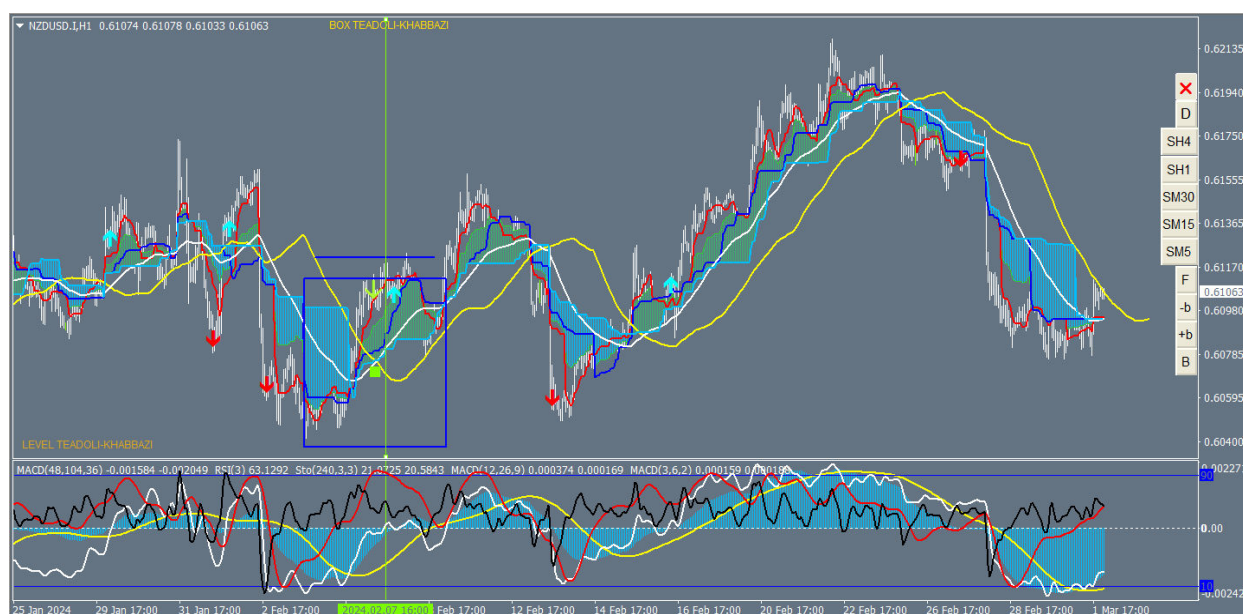
بعد از اتمام فاز بندی، این سطح را بخواهید فقط با قیمت، ستاپ توازن، ترید تعادلی، گام متعادل و یا همه با هم(فرکتال)، تحلیل نمایید، فقط به خود شما بستگی خواهد داشت.

اگر بخواهد با چارت خالی ترید کنید؛ اما وابسته به ابزار تعادلی باشید؛ در قسمت پرایس تعادلی، می توان محل باکس را در چارت خالی پیش بینی کرد. اگر چه دو اندیکاتور موجود در سایت فراچارت این کار را بدون نیاز به موینگ ها، انجام می دهد.





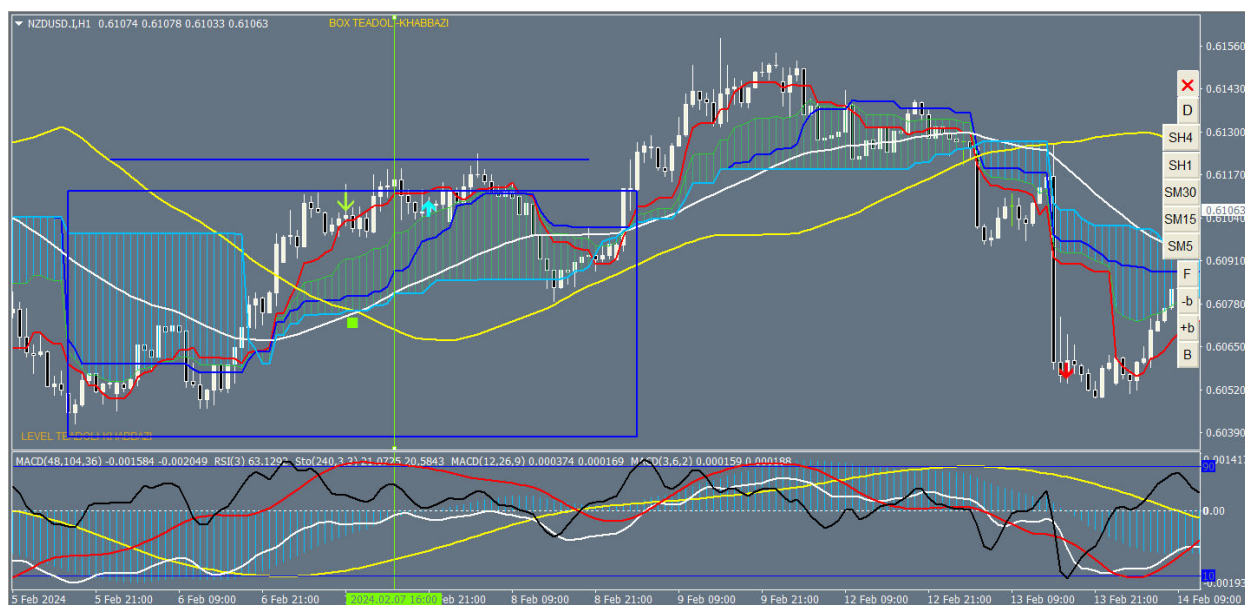
در راستای عکس قبل که در آن یک رفتار و موقعیت پرایسی از دیدگاه های متفاوت نشان داده شده است، چارت بعد را به همراه توضیحاتش، ملاحظه فرمایید.



– چارت از نظر ایچی و ستاپ باکس تعادلی :

در خط عمود، قیمت همزمان در گیر انتهای باکس تعادلی و کشش فلت چرخه می باشد. پس تا مرکز باکس اصلاح کرده است و چون در انتهای باکس تعادلی سیکل مشکی و قرمز در اشباع بوده اند؛ پس هدف چارت از شکست باکس، به اشباع رفتن چرخه زرد خواهد بود. وقتی سیکل زرد به اشباع رسید همه چرخه ها همزمان شده و به سطح مهم مرکز باکس، برگشت می کنند.

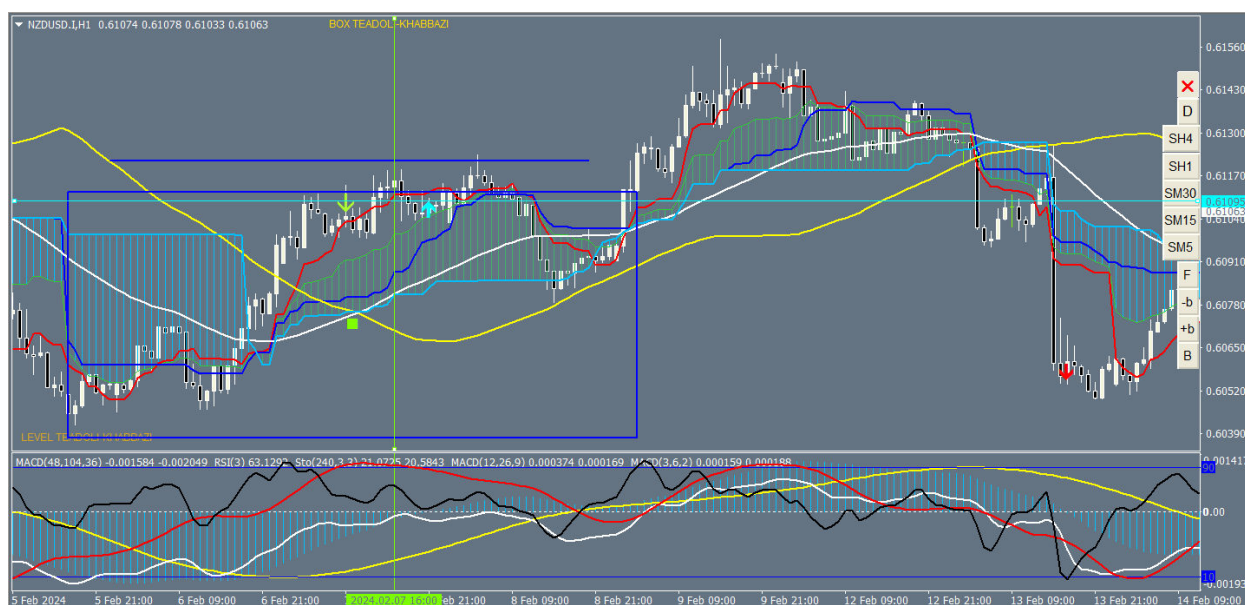
بارها این مورد را در چارت ها خواهید دید. گاهی اوقات قیمت بدون تاج مرکز باکس، آن را می شکند در این صورت، برگشت از اشباع سیکل زرد اعتبار خوبی پیدا می کند.



– چارت از نظر گام متعادل و تراز هیستو :

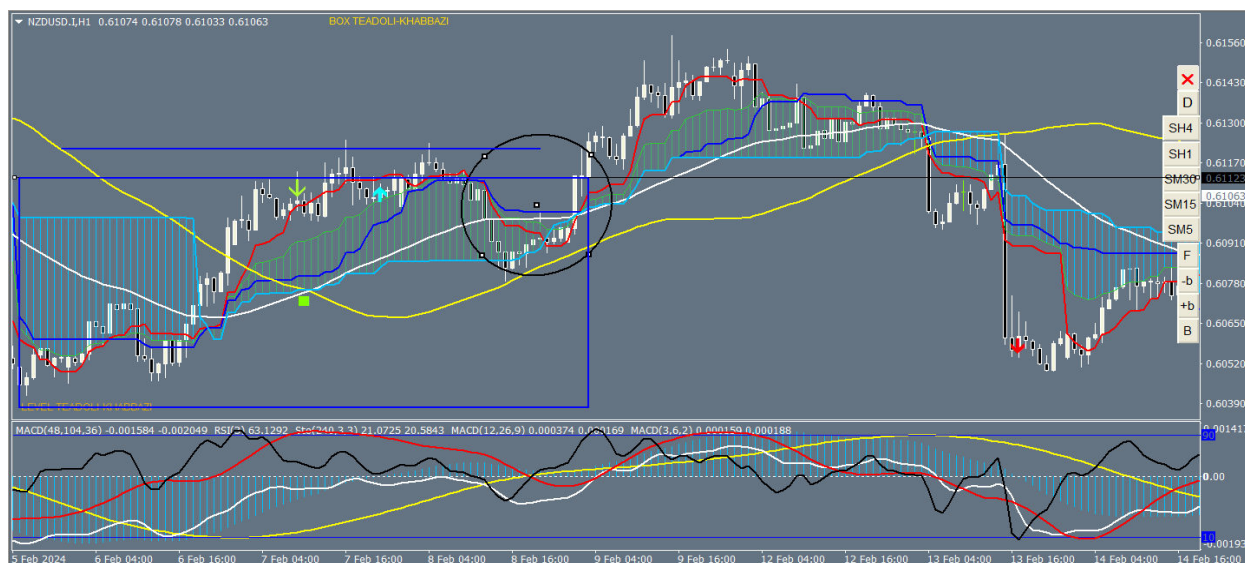
قیمت در خط عمود با اشباع قرمز در خط تراز، اصلاح می کند. اصلاح تراز معمولاً تا یک سطح تعادلی (یا فلت سنکو B) می باشد. قیمت با شکست تراز هیستو چون تارگت حداقلی اش را از قبل داده است، پس هدفش اشباع سیکل زرد است.

بعد از اشباع رفتن خط زرد، قیمت جهت بستن پترن S هیستو، تراز را تاچ می کند.



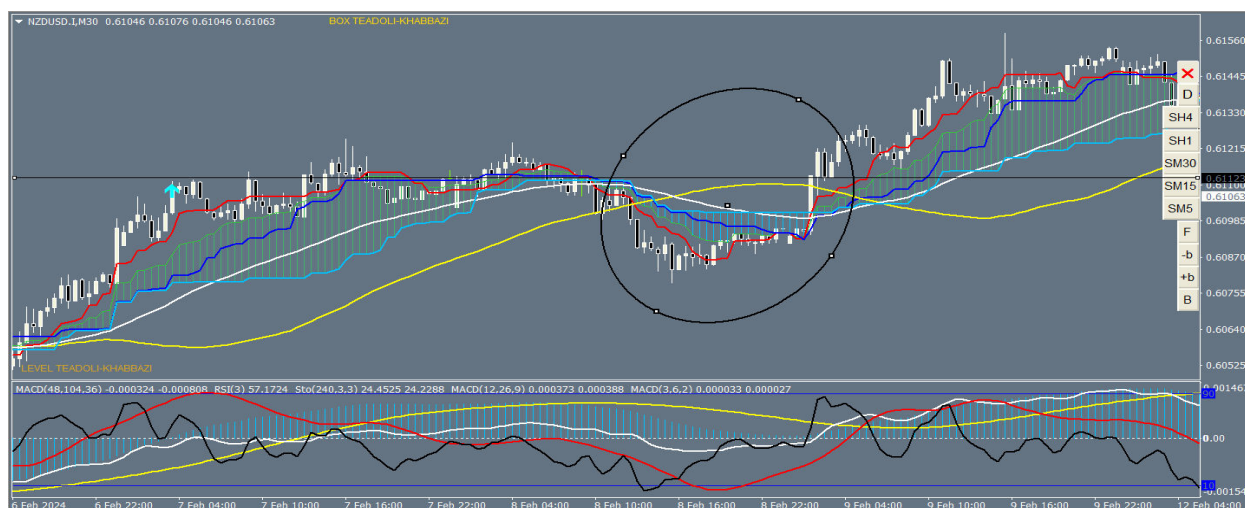
– چارت از نظر تعادل و یا پرایس :

چارت حرکتی را شروع کرده و در انتهای باکس تعادلی اصلاح می کند و در ادامه، این سطح را می شکند. این رفتار یادآور ستاپ توازن در تایم پایین تر است. نماد ستاپ توازن، کراس خطی، در تایم بالاتر و یا همان تایم می باشد که با دایره مارک شده است.



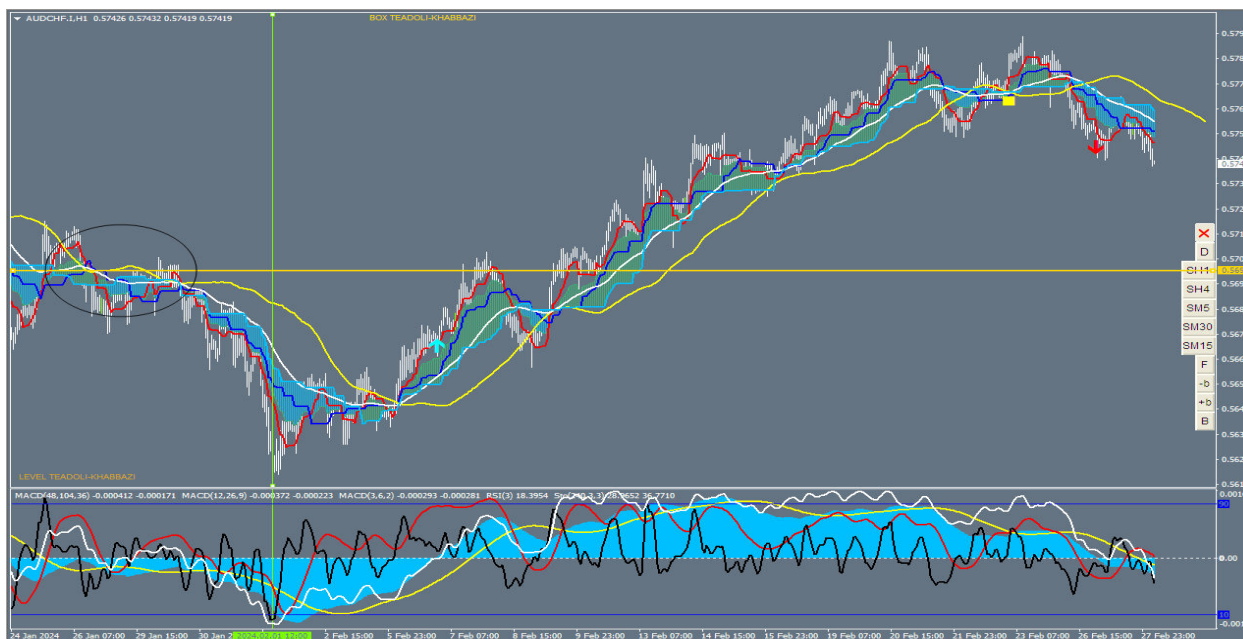
انتهای باکس تعادلی و یا محور هیستو و یا کراس خطی در تایم بالا به محور فرکتال در ستاپ توازن در تایم پایین تبدیل شده اند.

پس تنوع مطالب سرگردانتان نکند، همه در یک راستا می باشند.

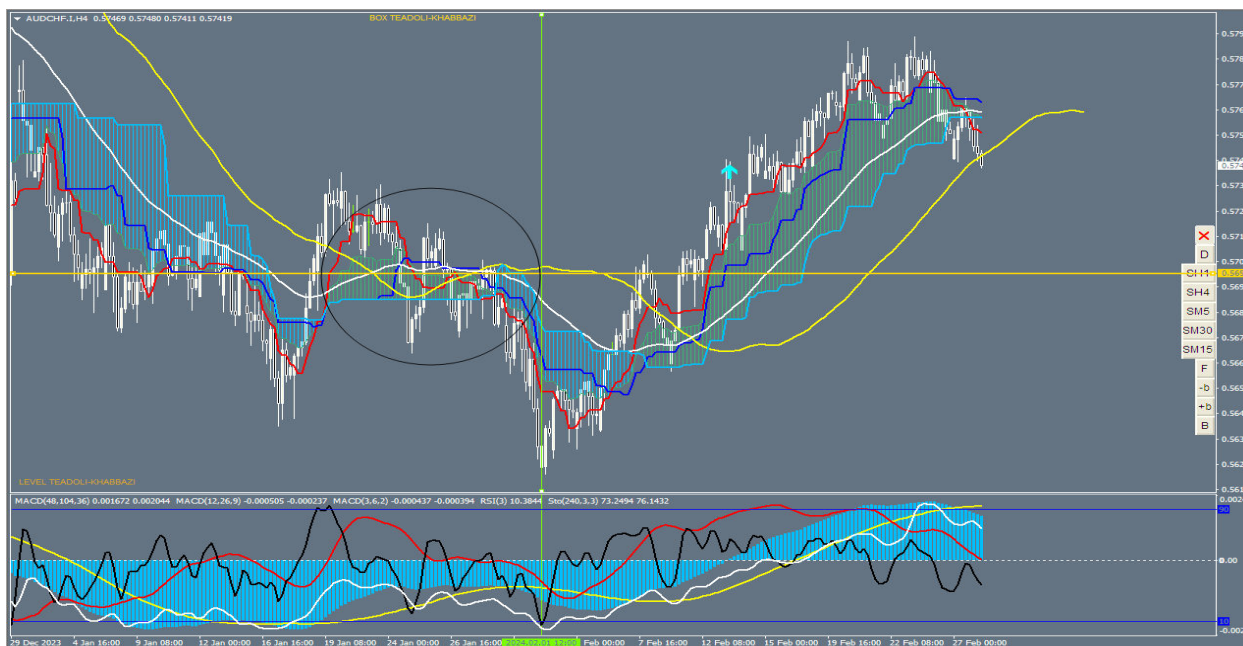


9_ فرکتال ستاپی

فرکتال ستاپی اشاره دارد به این که یک ستاپ دقیقاً در یک وضعیت، در تایم اصلی و تایم فرکتالش برقرار است.



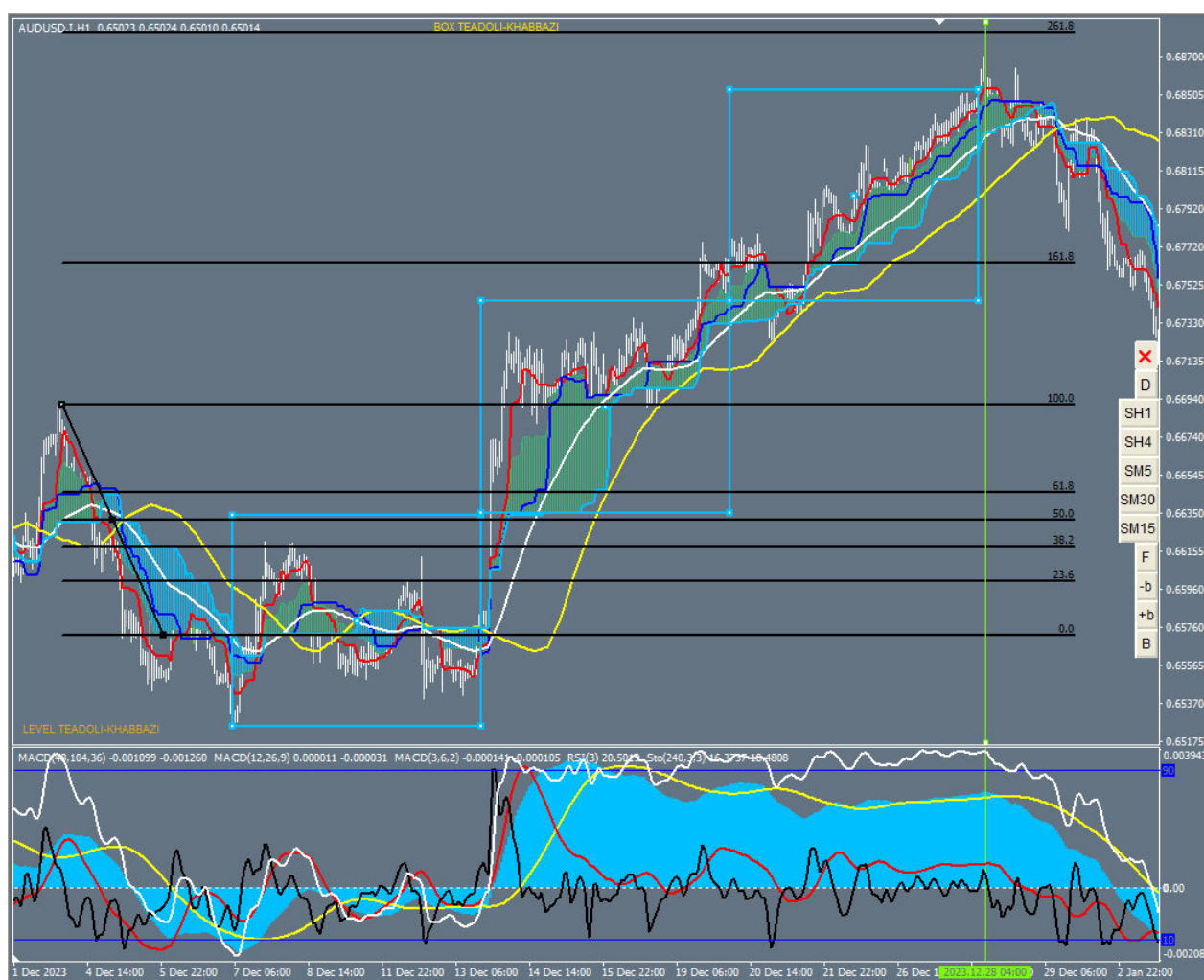
در شکل بعد خطوط همان خطوط تایم یک ساعته است که دقیقاً با همان نقش در تایم چهار ساعته عمل کرده اند.



تاییدات تایم فرکتال

1_ هم پوشانی تعادلی

وقتی هم پوشانی تعادلی را بررسی می کنید بارها این شما پیش خواهد آمد که به هیچ طریقی فیبو جواب نمی دهد، این آن زمانی است که چارت با زبان بی زبانی می گوید من خودم را با باکس بسته ام.



2_ اتمام واگرایی

با شکست محور فرکتال اگر سیکل زرد آنجا در اشباع باشد؛ واگرایی می دهد که در تایم چهار برابری، وقتی سیکل زرد به اشباع رفت؛ تمام می شود.

با شکست محور فرکتال اگر سیکل قرمز آنجا در اشباع باشد؛ واگرایی می دهد که در همان تایم، وقتی سیکل زرد به اشباع رفت؛ تمام می شود.

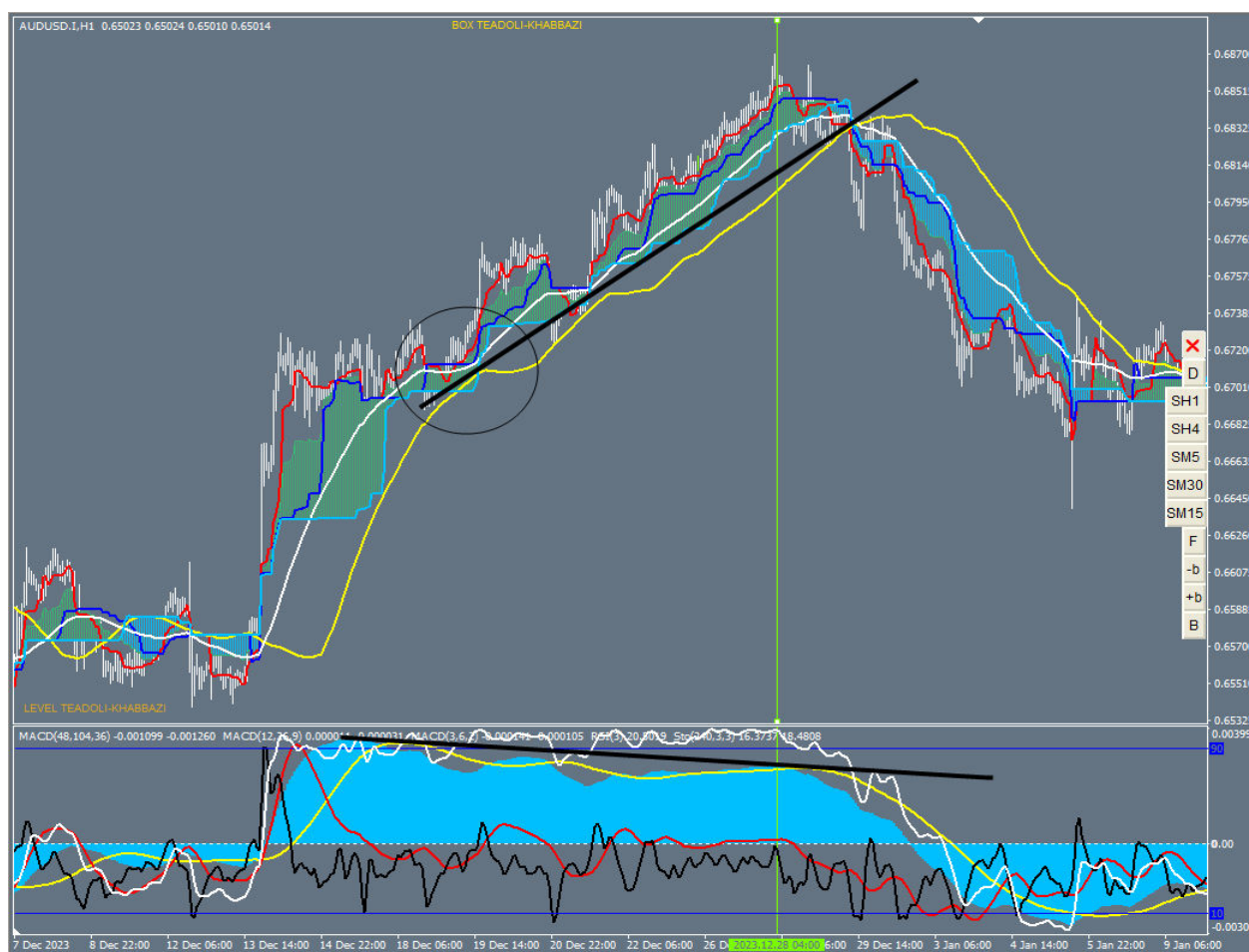
ترکیب واگرایی با فرکتال، شروع و پایان مشخصی به واگرایی می دهد تا با واگرایی چرخه زرد یا چرخه قرمز، طبق شکل سیکل های ایچیموکو، بدانید در هر زمان چارت، در کجای این چرخه ها، چرخ می زند.

در شکل در محدوده دایره، کومو تعادلی باریک شده است و هیستو نیز کمی به سمت صفر کشیده شده است. به تایم پایین تر می رویم.

محدوده دایره به صورت ستاپ توازن خودش را نشان می دهد و هیستو به سمت صفر میل می کند.

مجدداً به تایم پایین تر می رویم. هیستو صفر به هیستو فیک تبدیل می شود و باز به تایم پایین تر که برویم؛ به فلت چرخه ای که تاج می شود؛ می رسیم که شروع یک حرکت را گزارش می کند.

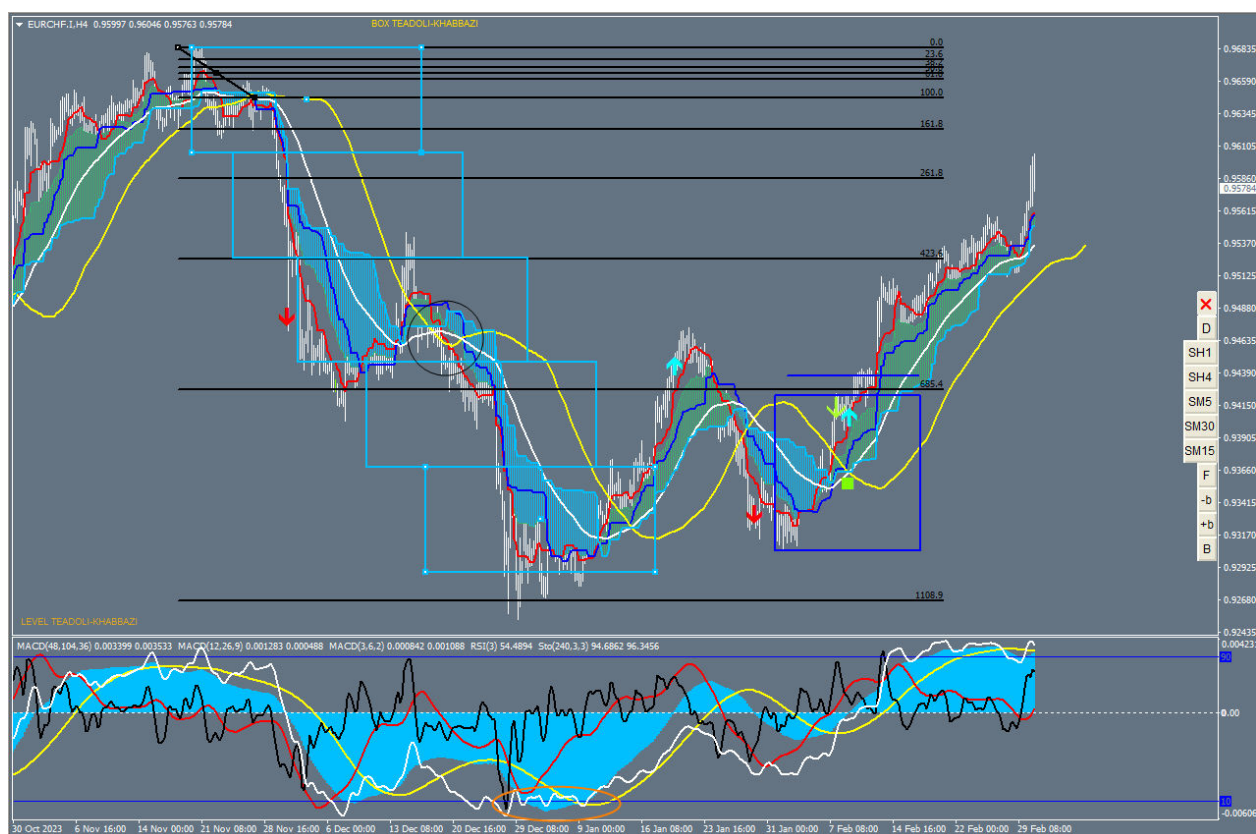
شما با هر کدام که راحت تر هستید؛ ترید نمایید. همه یک مفهوم را می رسانند. سبک تعادل یک موقعیت را در تایم های متفاوت به صورت های متفاوت نشان می دهد، انتخاب تایم و پلن، تنوعی است که سبک در اختیار شما قرار داده است.



بررسی ستاپ توازن نزولی

از آنجا که ستاپ توازن به صورت کامل در حالت صعودی توضیح داده شد؛ در این قسمت مواردی که در ستاپ توازن نزولی در چارت اصلی برقرار است، به صورت شکل وار بیان می شود.

هم پوشانی تعادلی و هم زمانی چرخه ها در میز اندیکاتوری



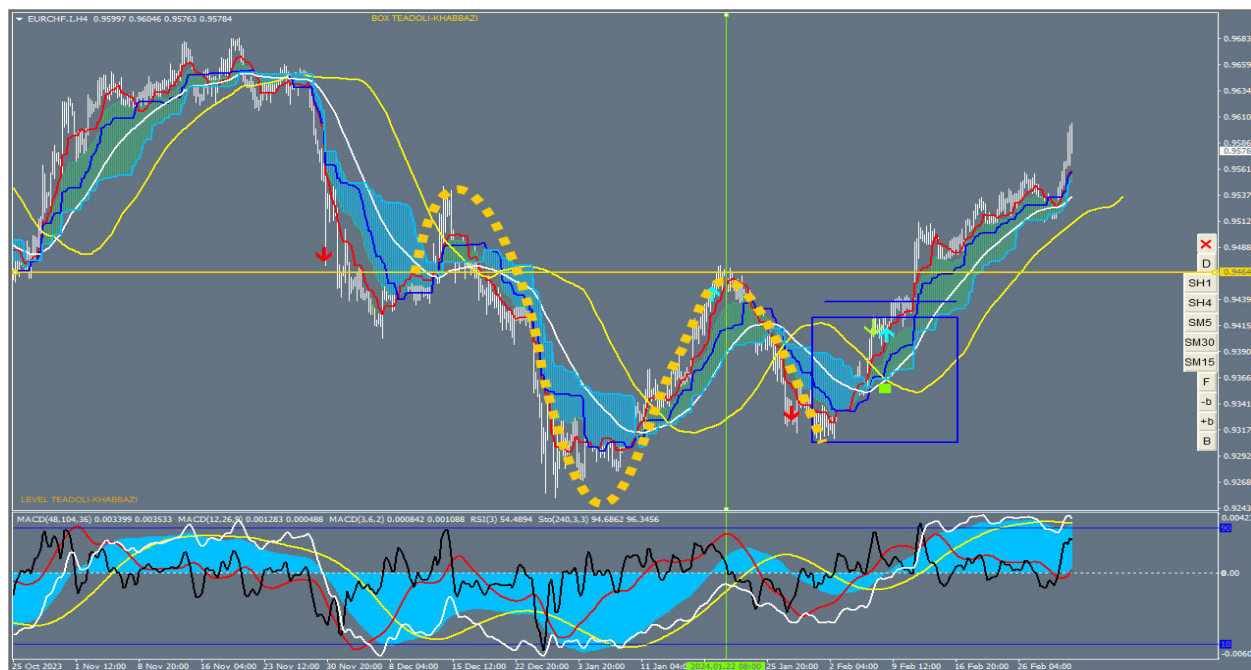
باکس فرکتال



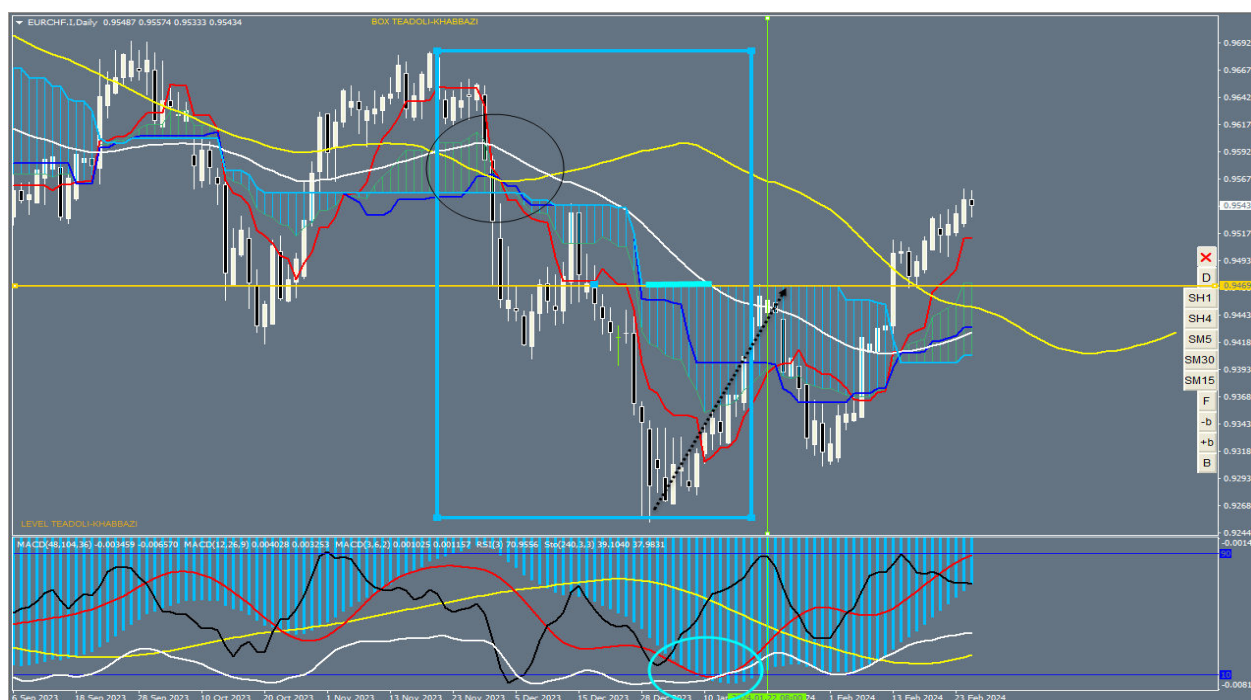
رالی باکس



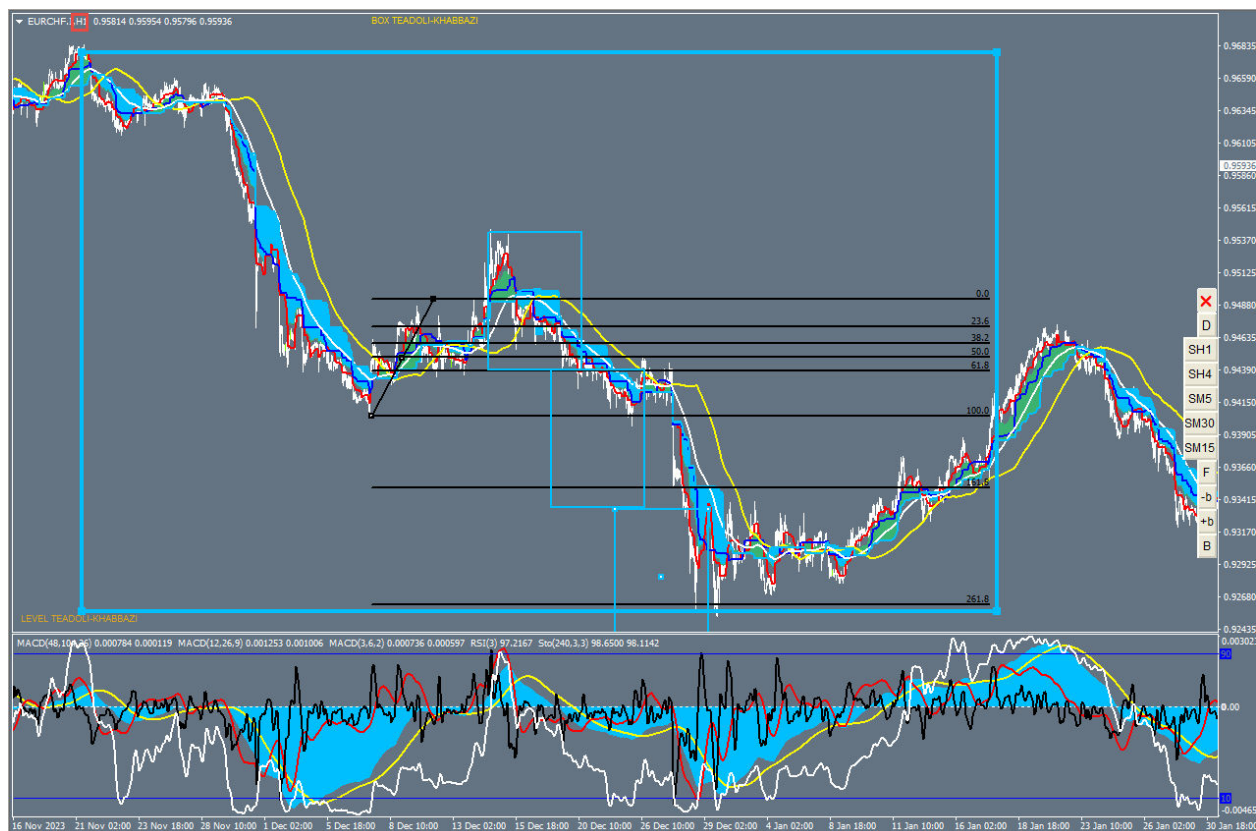
ترید چهارم(بسته شدن چرخه تعادل استاتیک) و ترید پنجم(باز شدن چرخه جدید تعادل استاتیک)



تایید تایم چهار برابری با تاج فلت هم پوشانی فرکتال ستاپی(ستاپ توازن برقرار است)



تایید تایم فرکتال



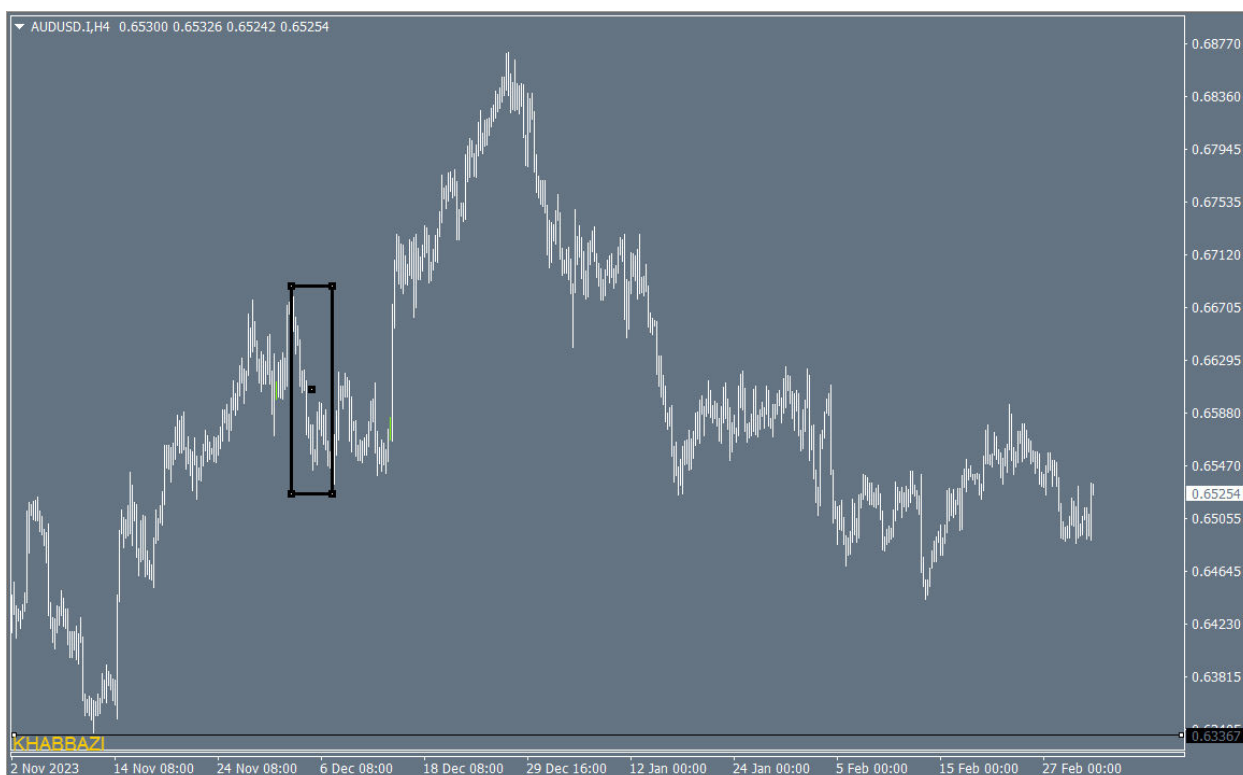
پرایس تعادلی

وقتی با سبک تعادل به سود مستمر رسیدید، در واقع رفتار شناسی قیمت را فرا گرفته اید؛ که میز اندیکاتوری، بیشترین نقش را در این بینش داشته است.

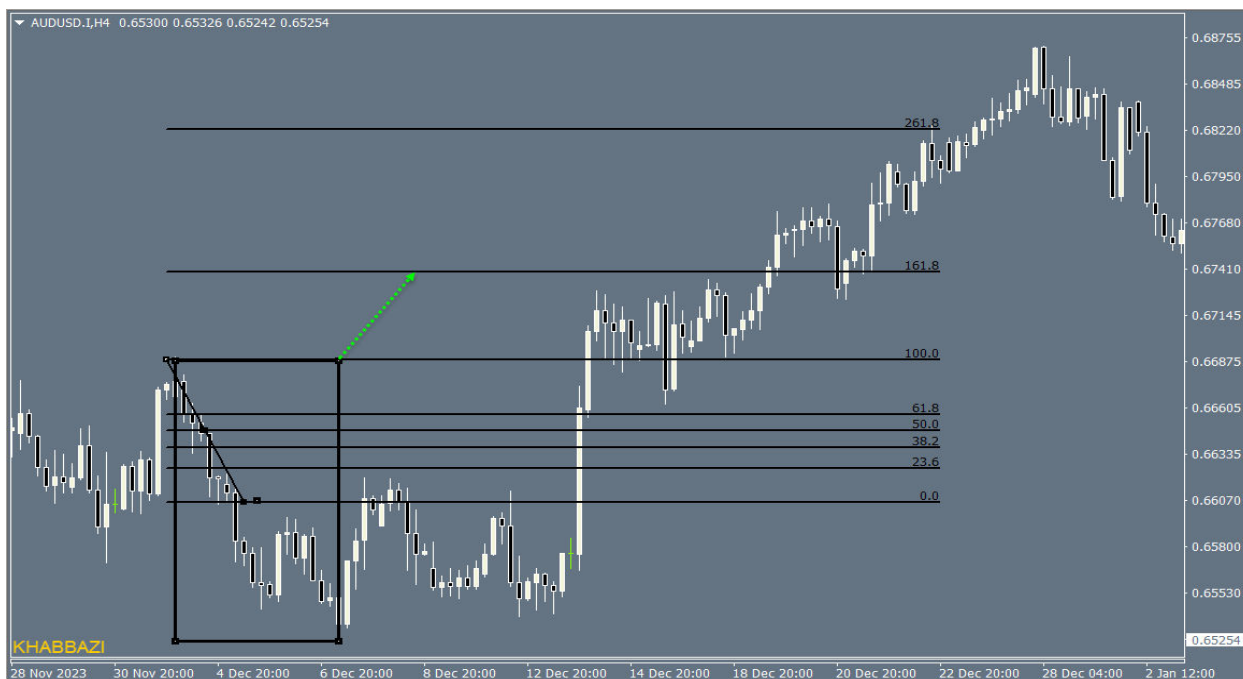
با این ذهنیت، می توانید با چارت بدون اندیکاتور ترید نمایید و تحلیل تان پرایسی باشد.

برای این منظور یک حرکت خوب را در نظر گرفته که اصلاح نیز کرده باشد. هر گاه اصلاح چارت تمام شد و روند قبلی اش را ادامه داد و سطح قبلی که دره یا قله تایم فرکتال یعنی محور فرکتال می باشد را به صورت معتبر شکست؛ ورود کنید.

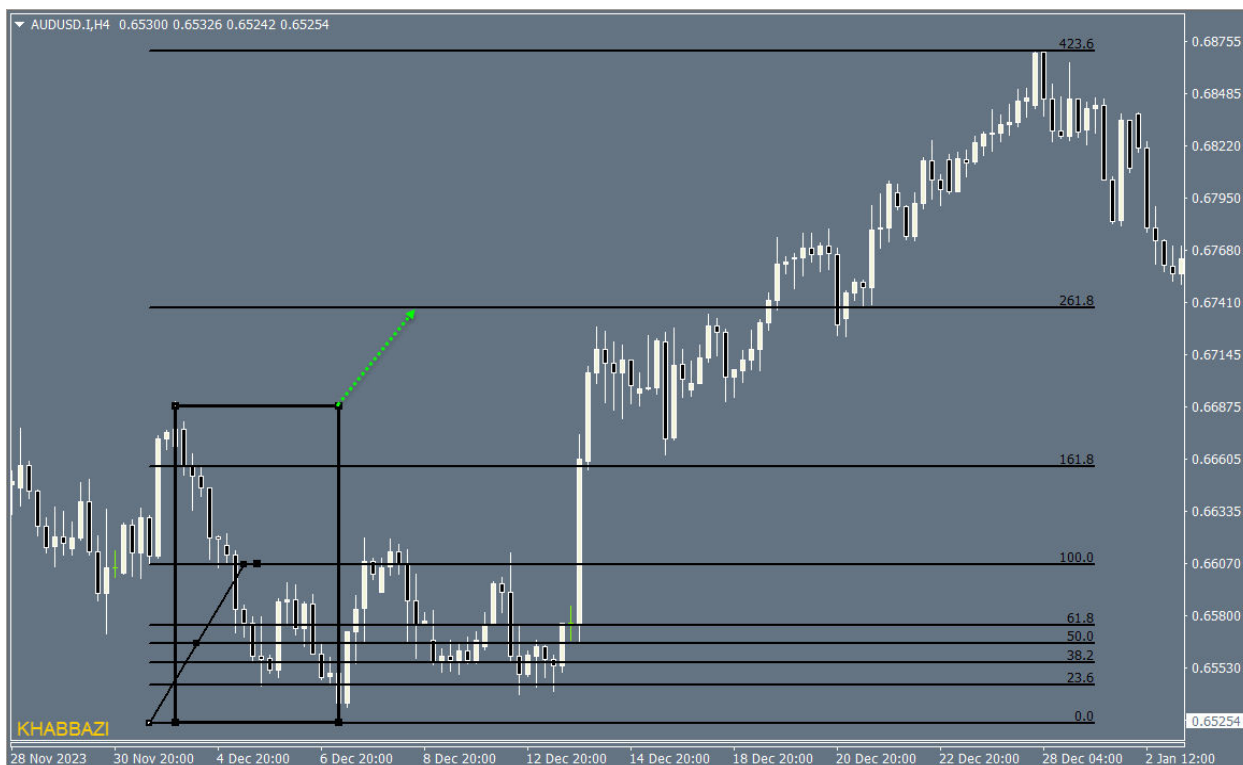
برای تارگت گذاری باکسی را بر روی دره و قله فرکتال انداخته و مرکز آن را به عنوان سویچ تعادلی منظور نمایید. این باکس در واقع همان باکس تعادلی است.



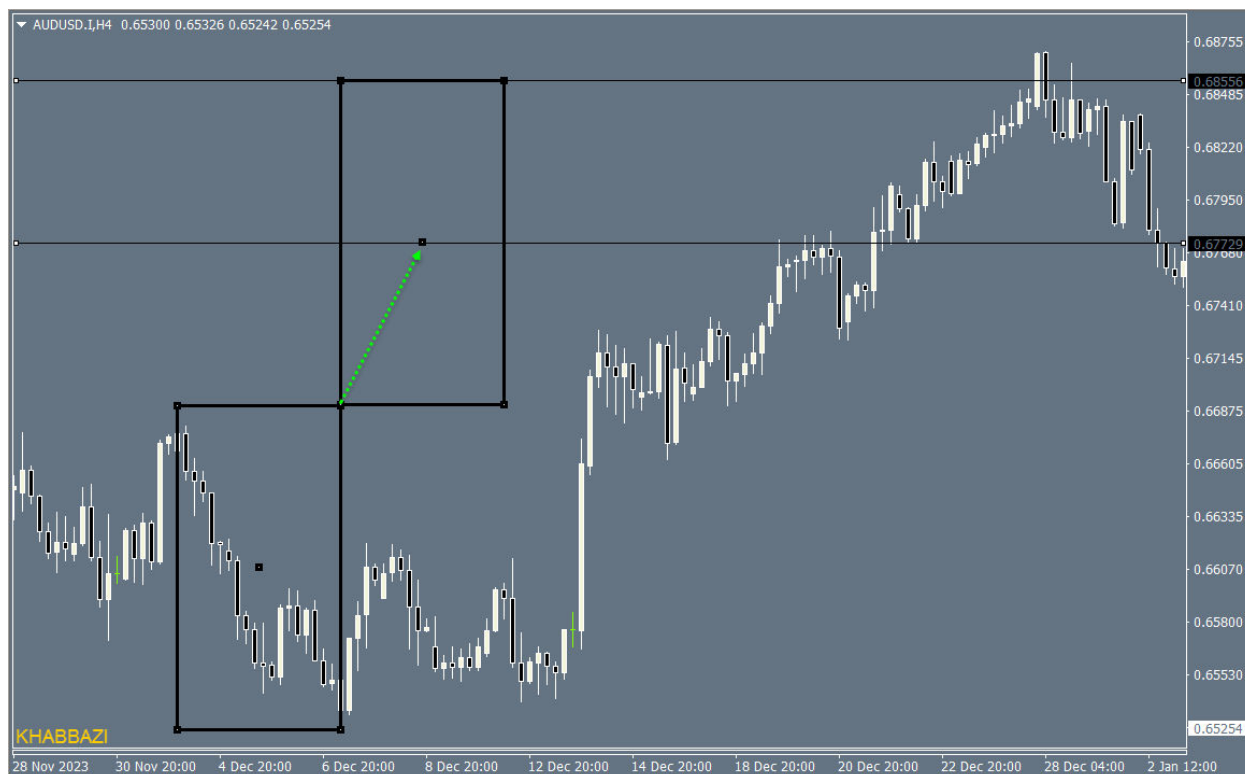
با شکست ابتدای باکس پیش بینی، تارگت اول را می توان سطح **161** از فیبو کانال تعادلی در نظر گرفت.



برای تارگت اول می توان سطح **261** از فیبو تعادلی را نیز منظور کرد.

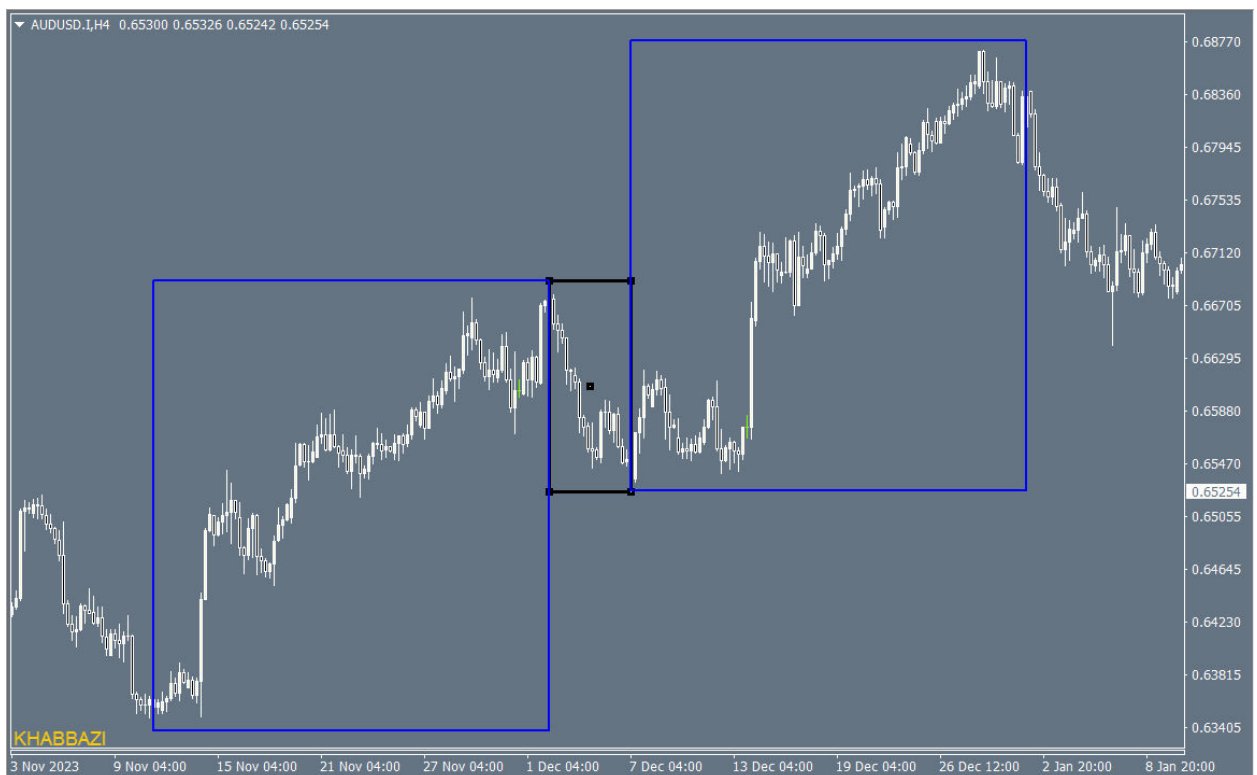
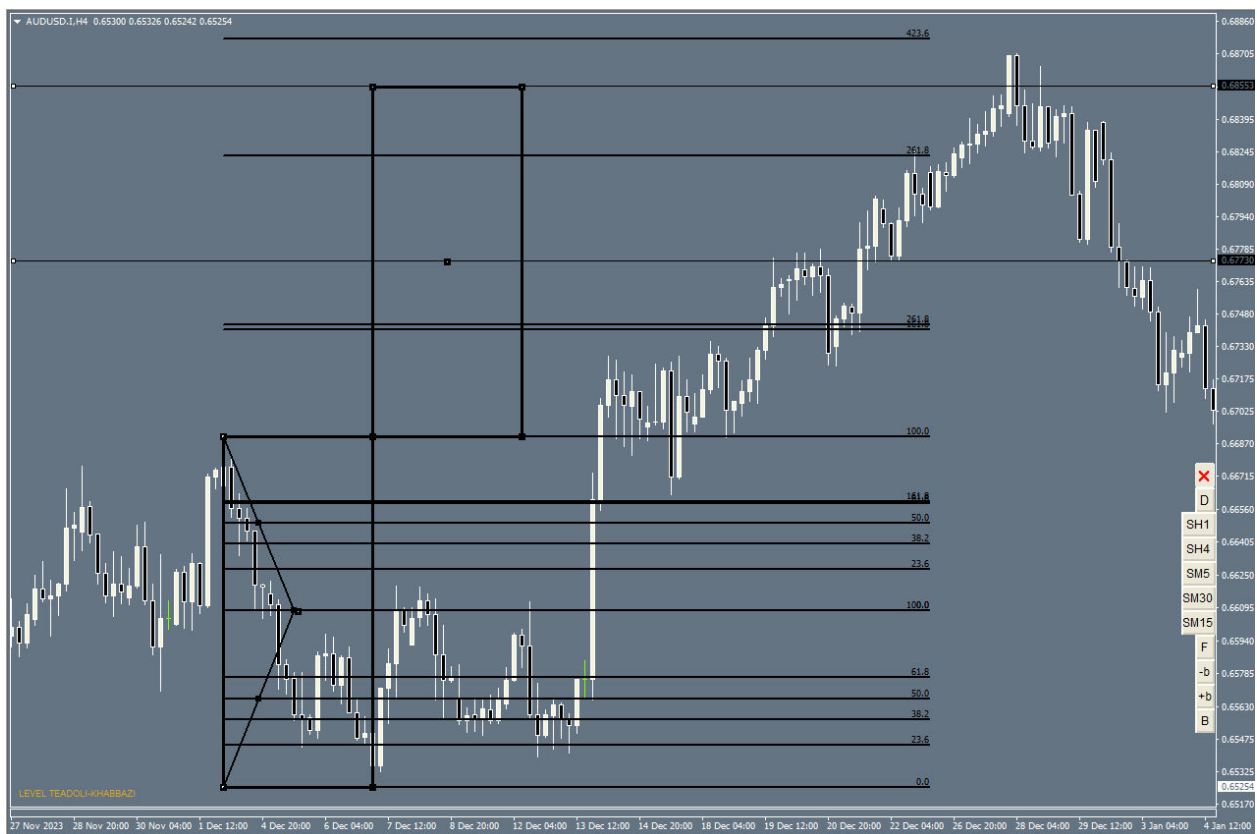


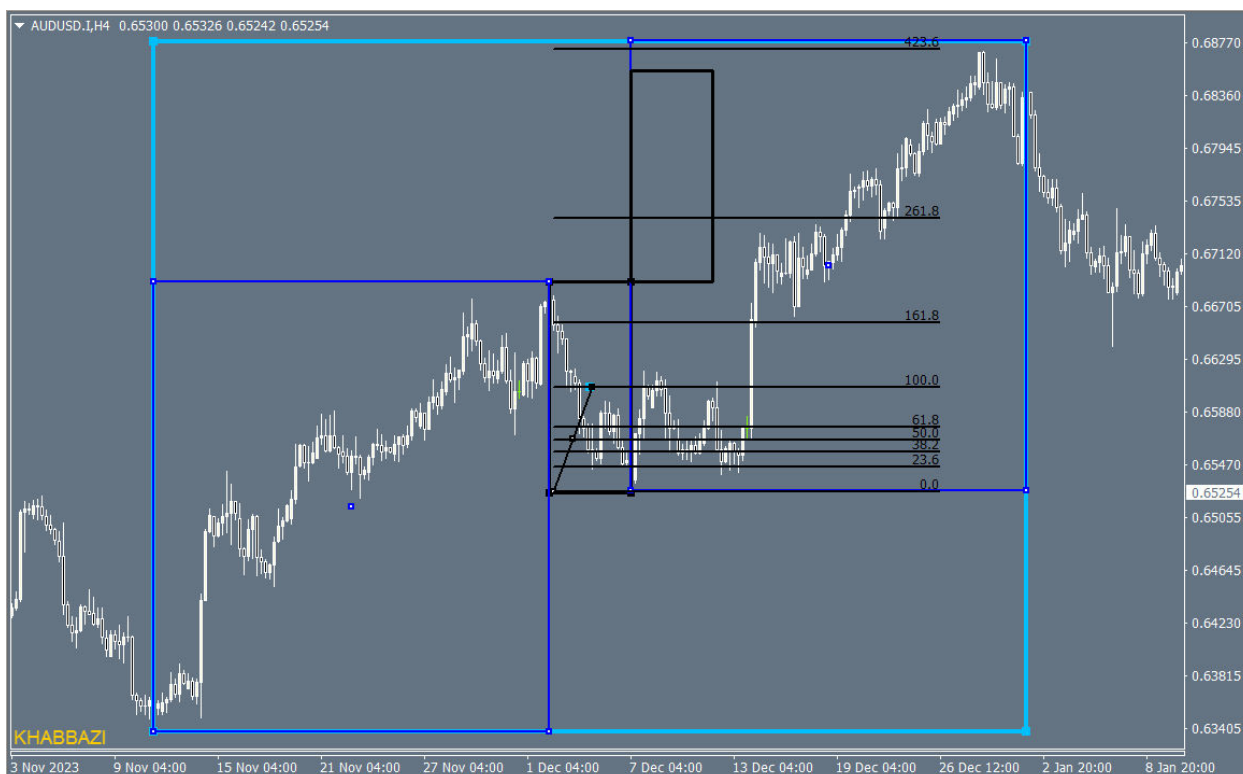
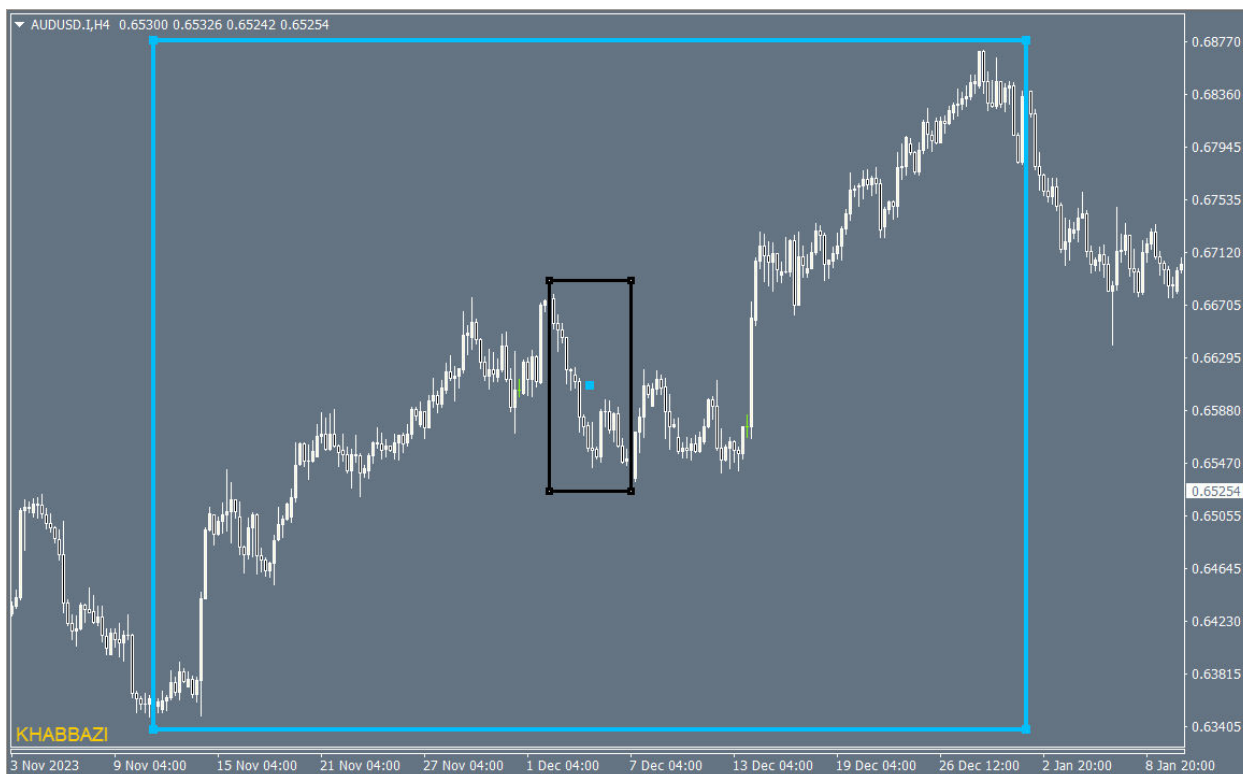
تارگت اول می تواند مرکز باکس تعادلی دوم نیز باشد.



از آنجا که تنها ابزار تحلیل، ابزار تعادلی البته با پشتوانه تجربه های قبلی می باشد پیشنهاد می شود تارگت اول را کمترین مقدار منظور کرده و با رسیدن قیمت به آن حد ضرر را به این نقطه منتقل کرده و تارگت بعدی را سطح تعادلی بعدی در نظر بگیرید.

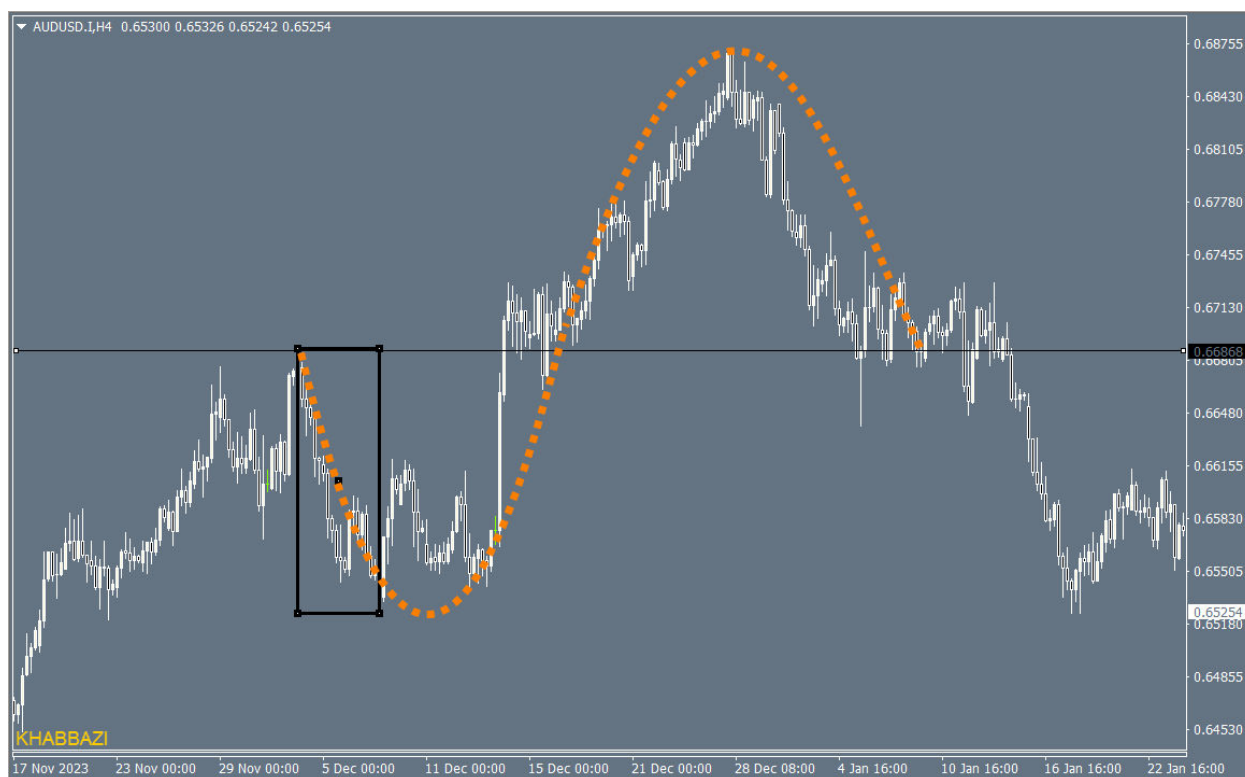
هم پوشانی تعادلی مخصوصا اگر در کنار رالی باکس و باکس فرکتال باشد، به عنوان تارگت نهایی اعتبار خوبی دارد.



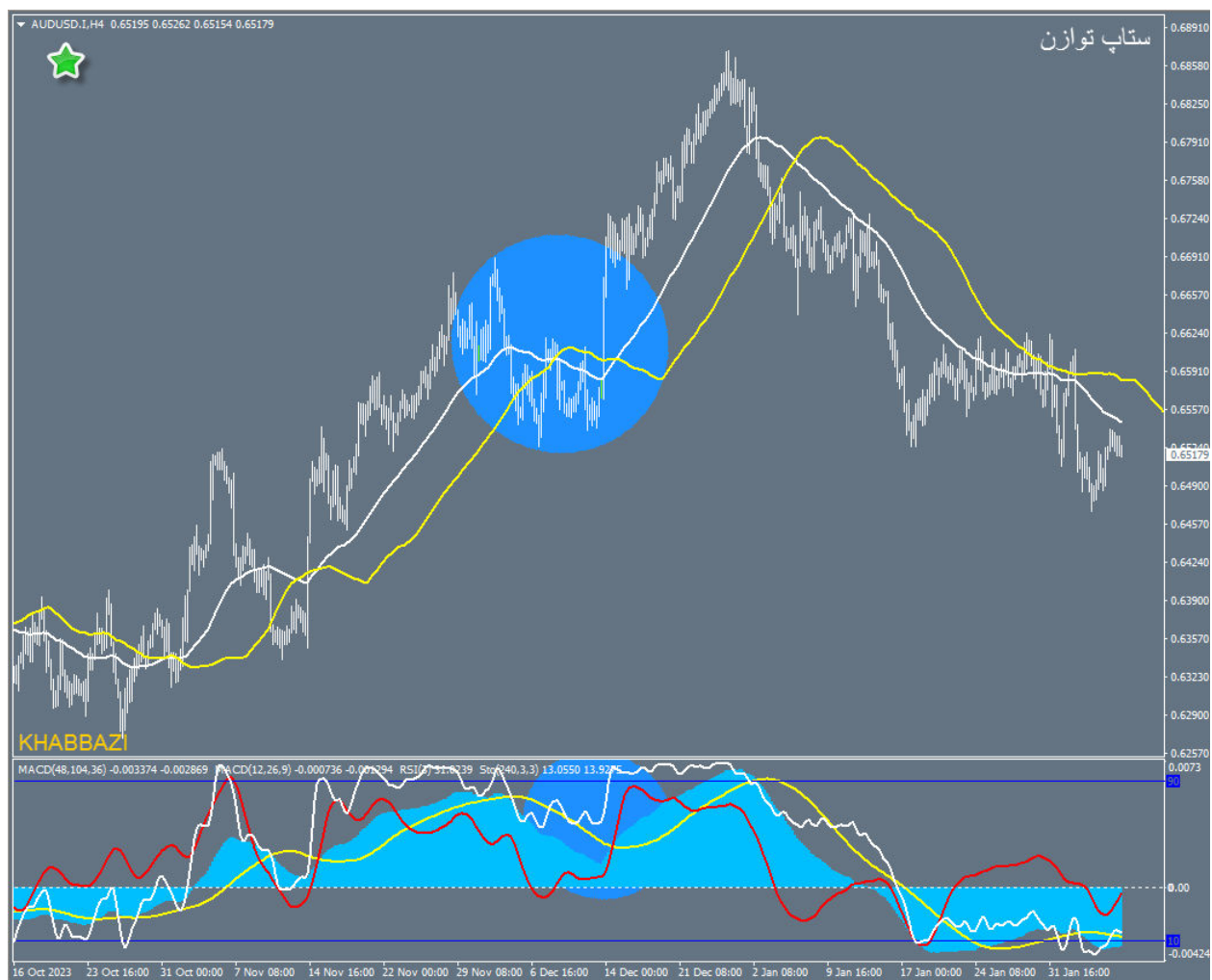


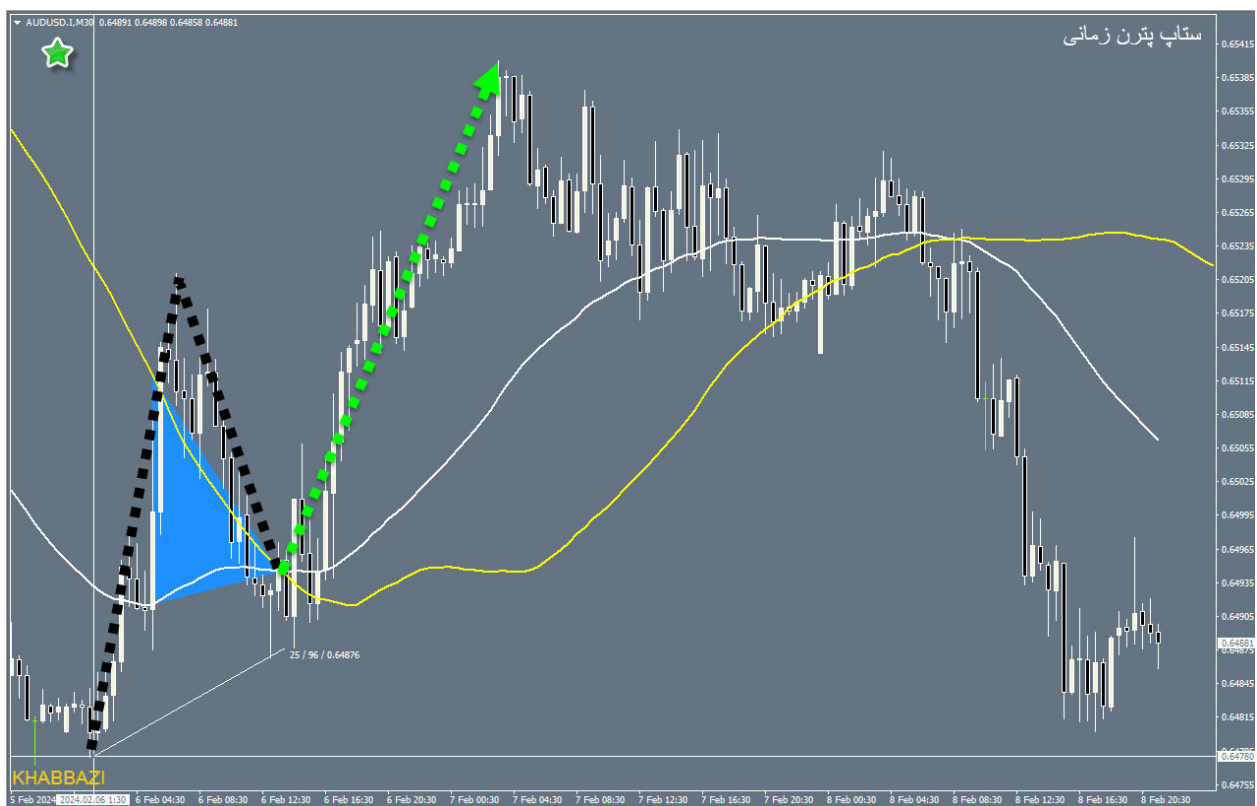
با واکنش قیمت به هم پوشانی تعادلی در همین تایم و بررسی تایم های چهار برابری و فرکتال(کاری که میز اندیکاتوری به تنهایی انجام می داد)، ترید قبل را بسته و ترید معکوس تا برگشت به سطح شکسته شده یعنی نقطه ورود ترید اول انجام می شود.

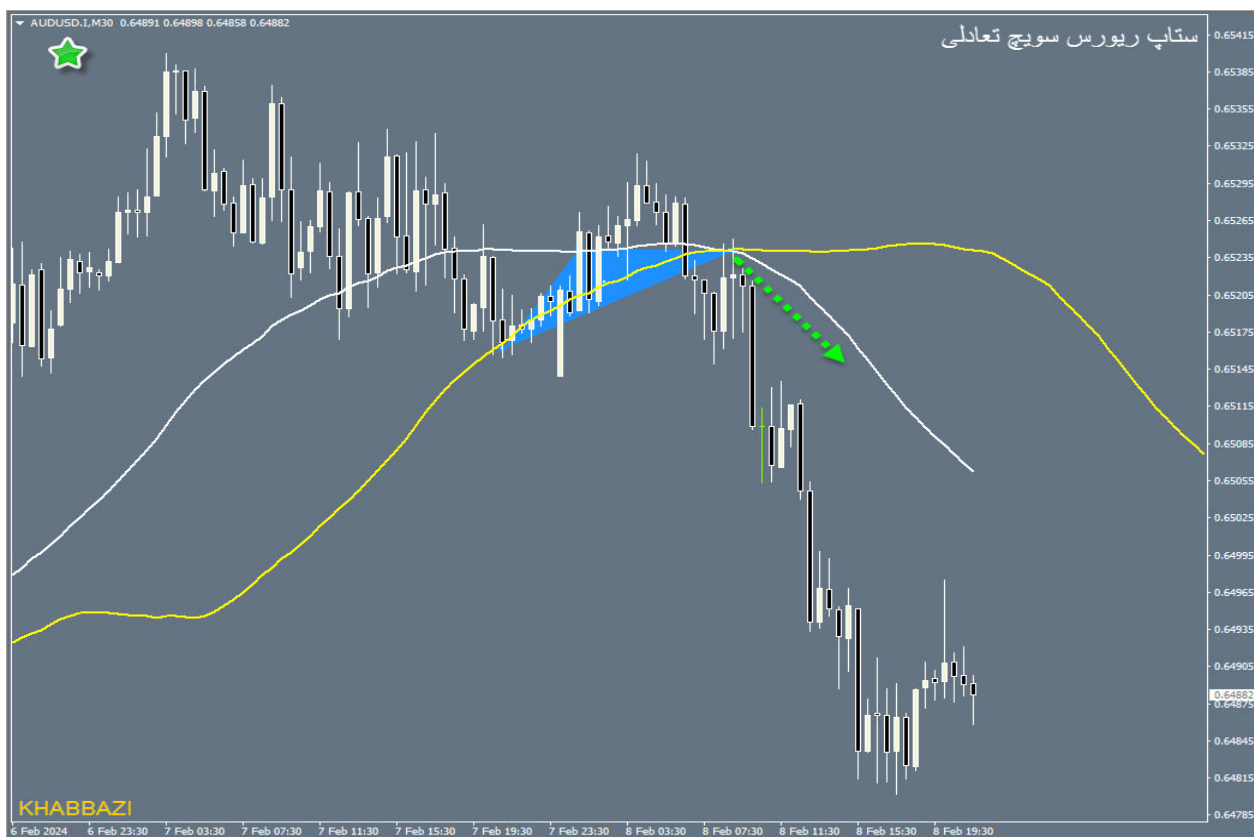
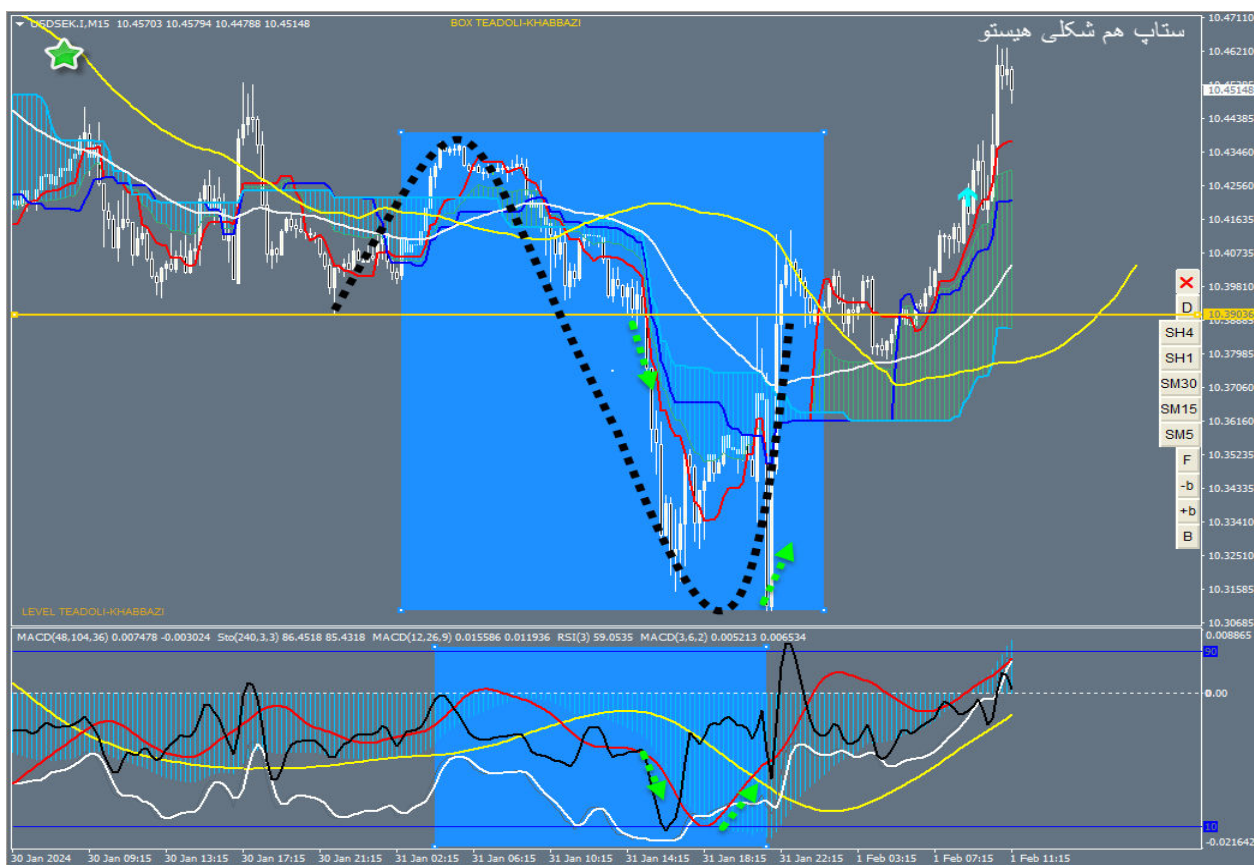
در ترید معکوس با برگشت قیمت به ابتدای باکس تعادلی، ریسک فری کرده و تارگت های بعدی را می توان مرکز آن و سپس ابتدای رالی باکس اول، منظور کرد.

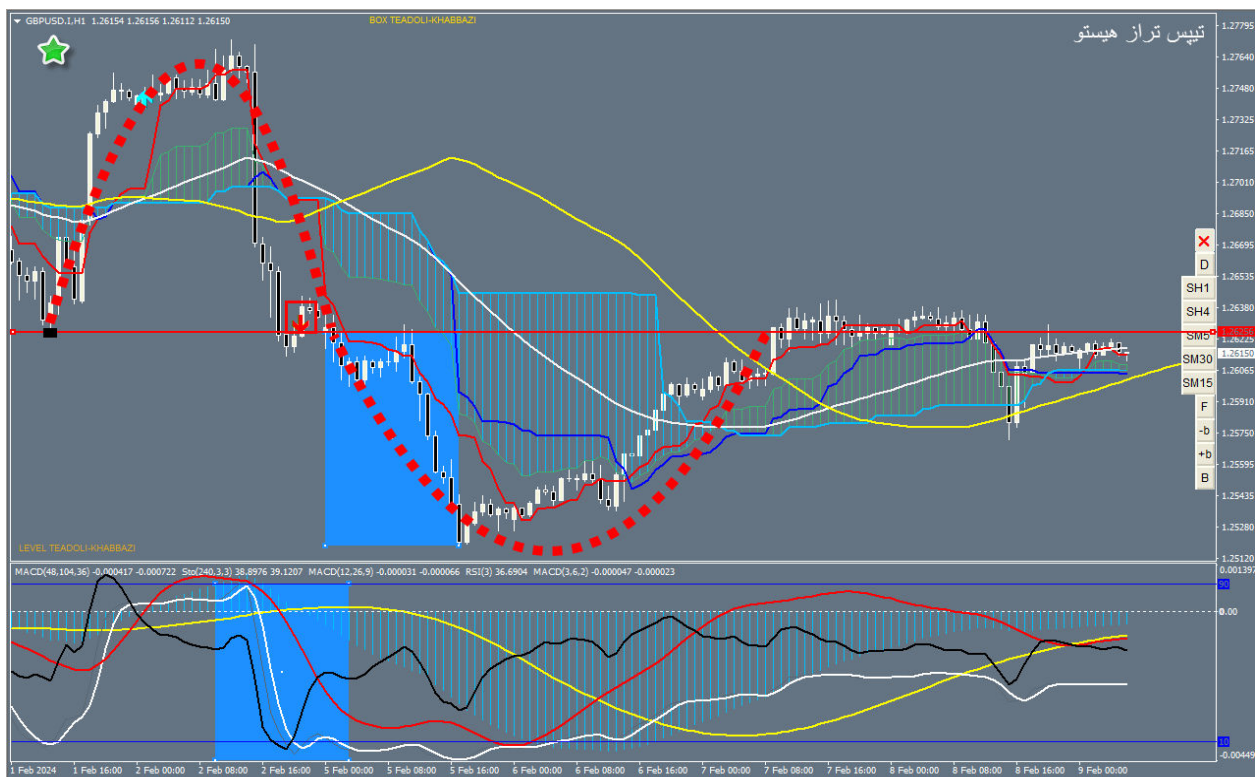
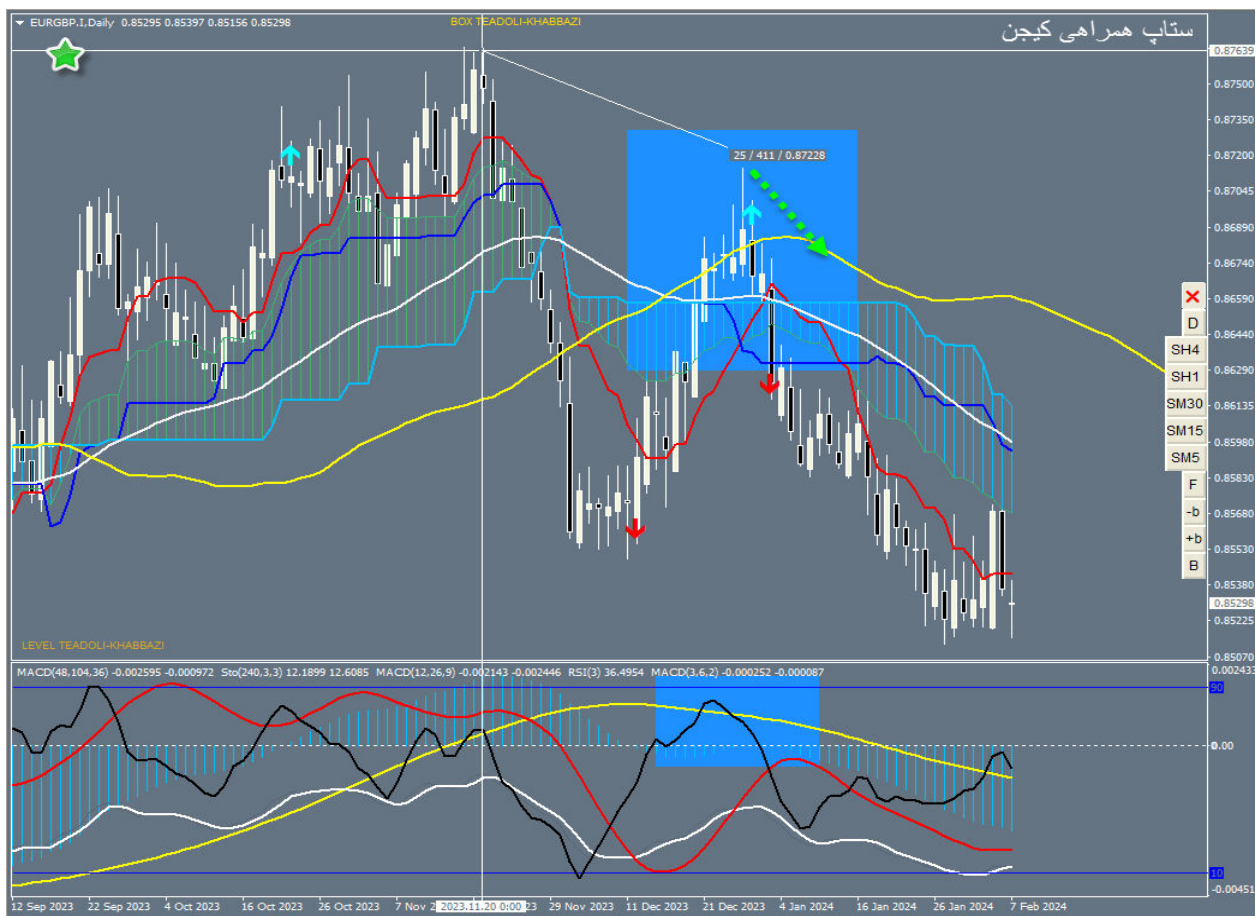


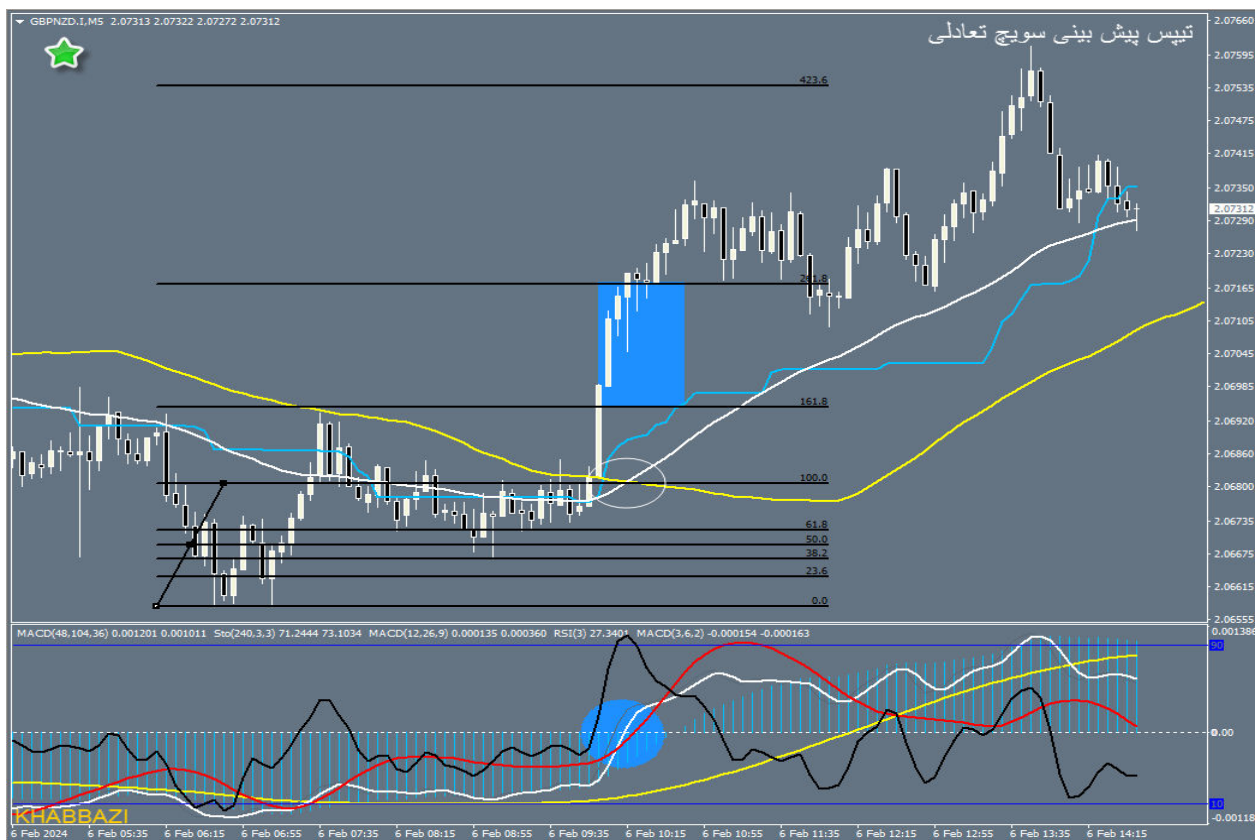
مجموعه عکس

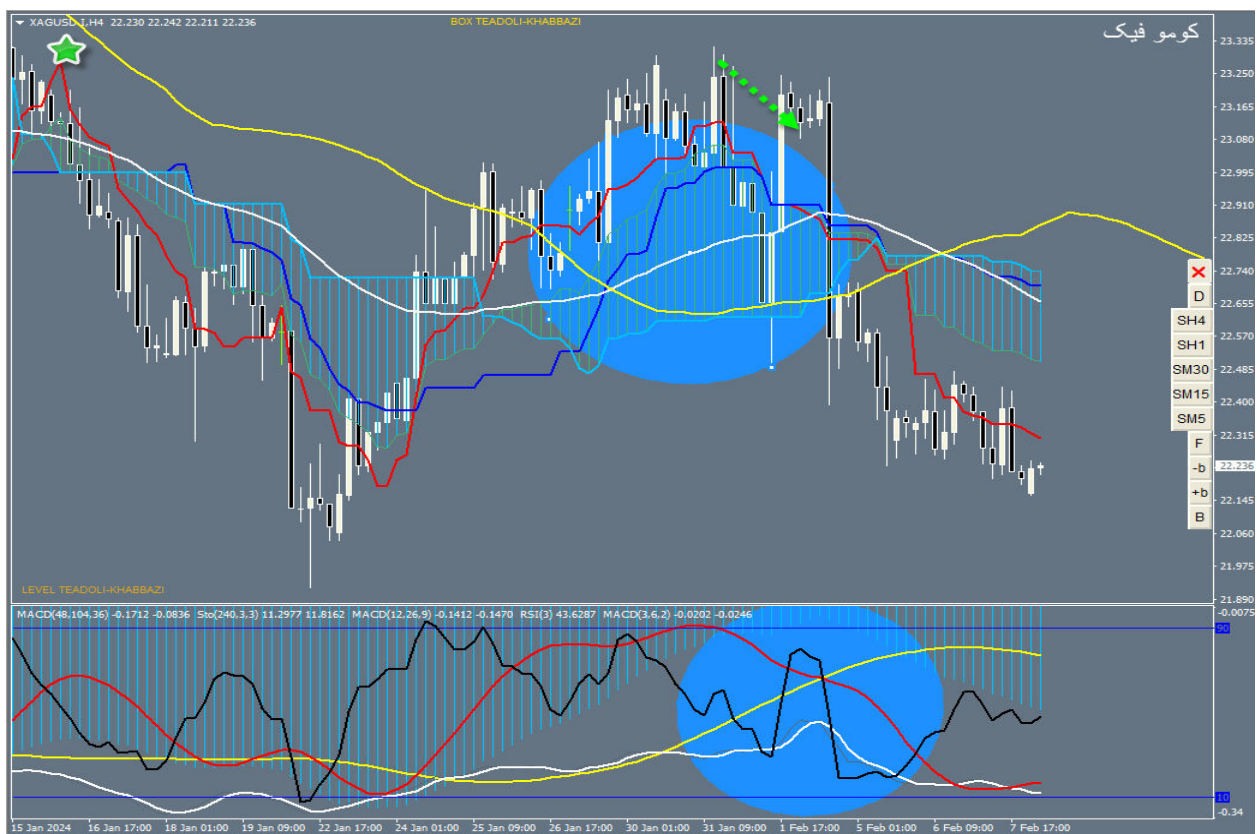


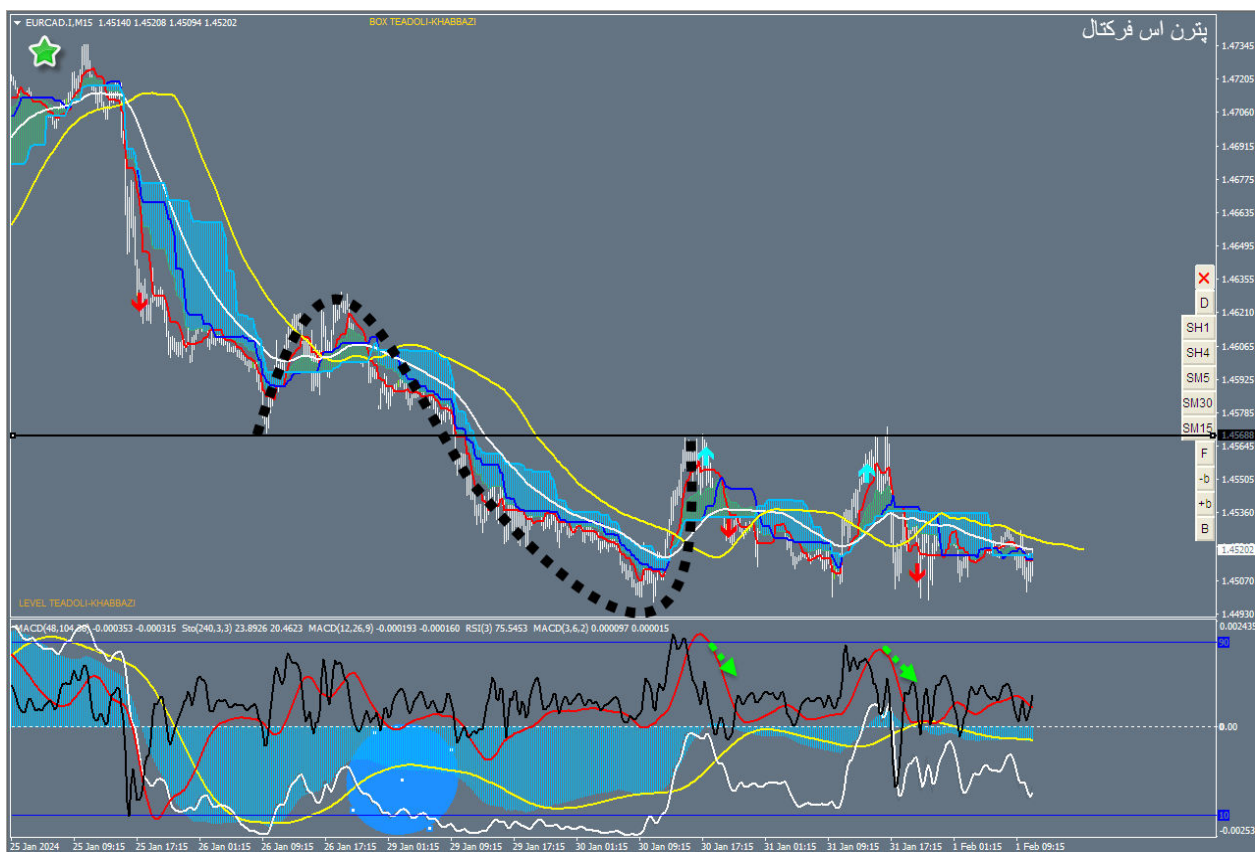
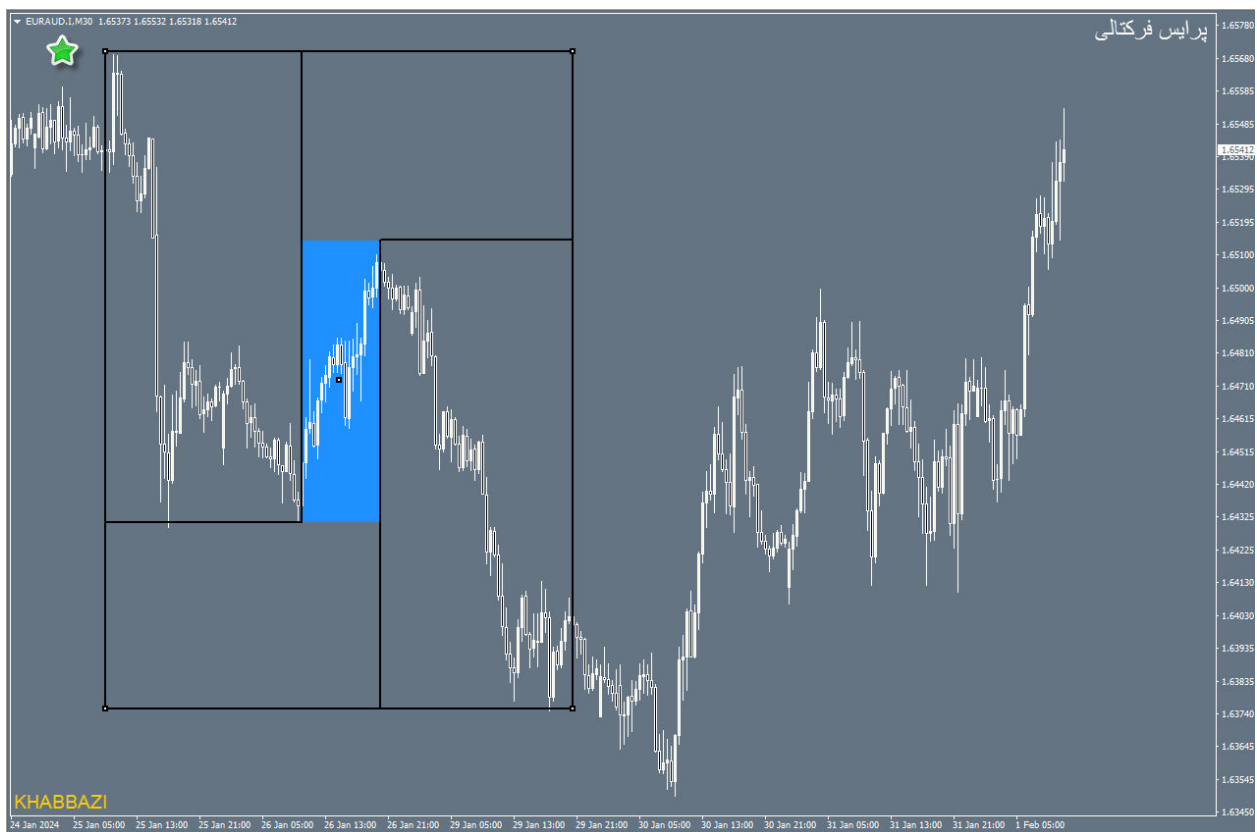


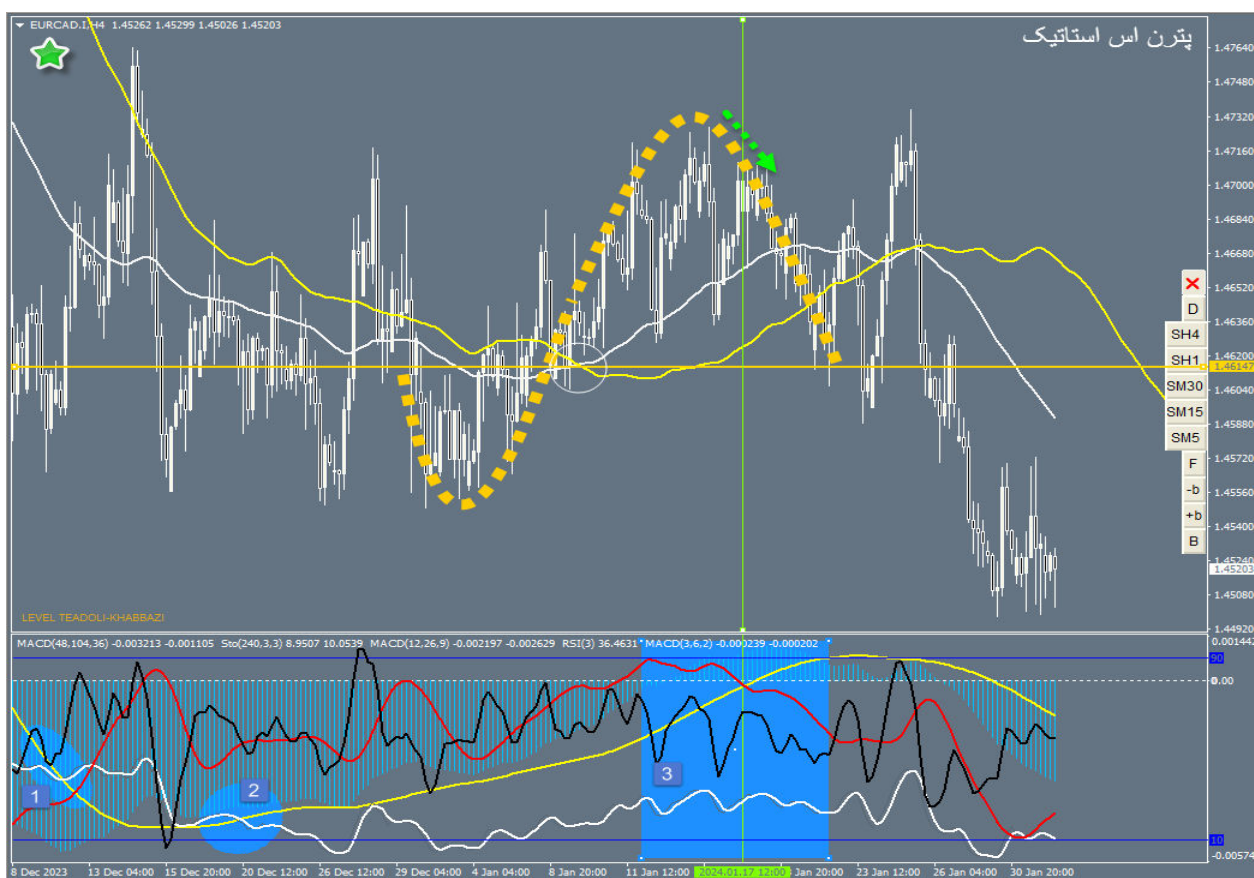
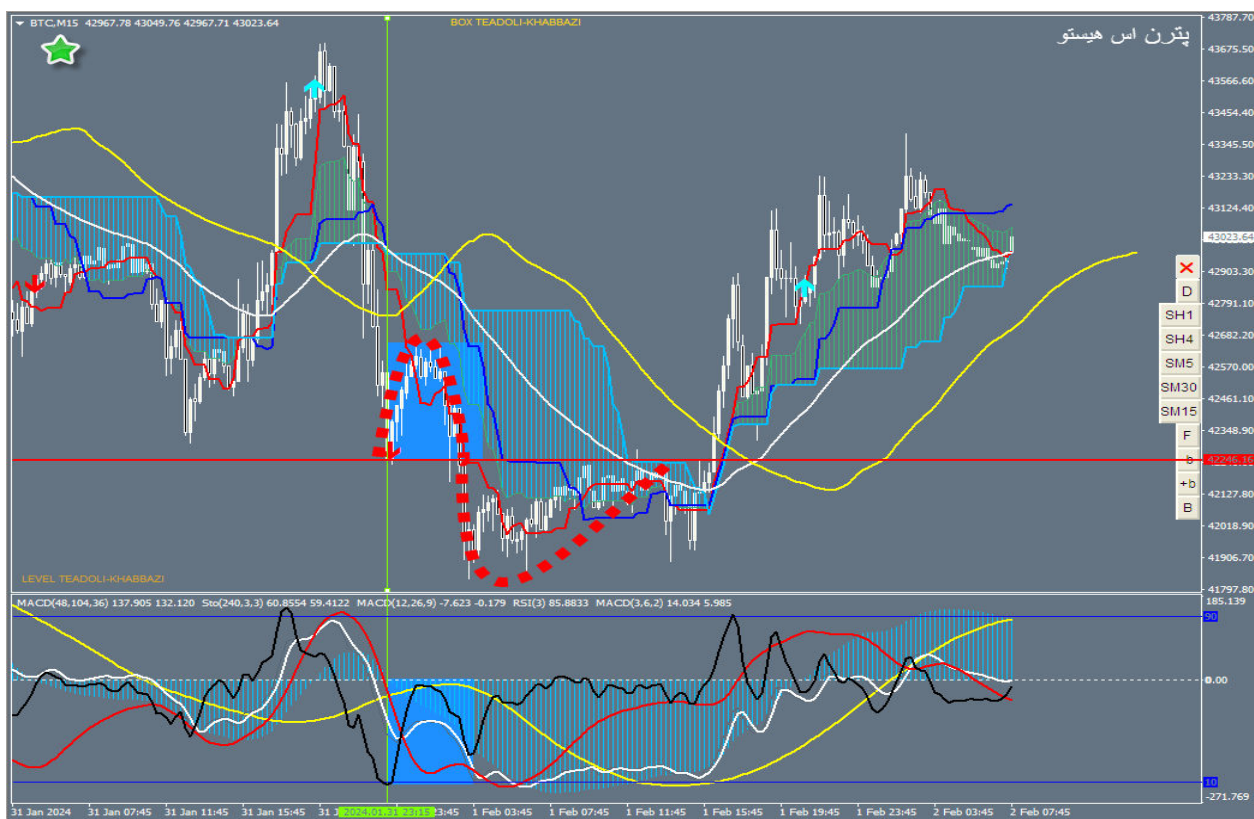


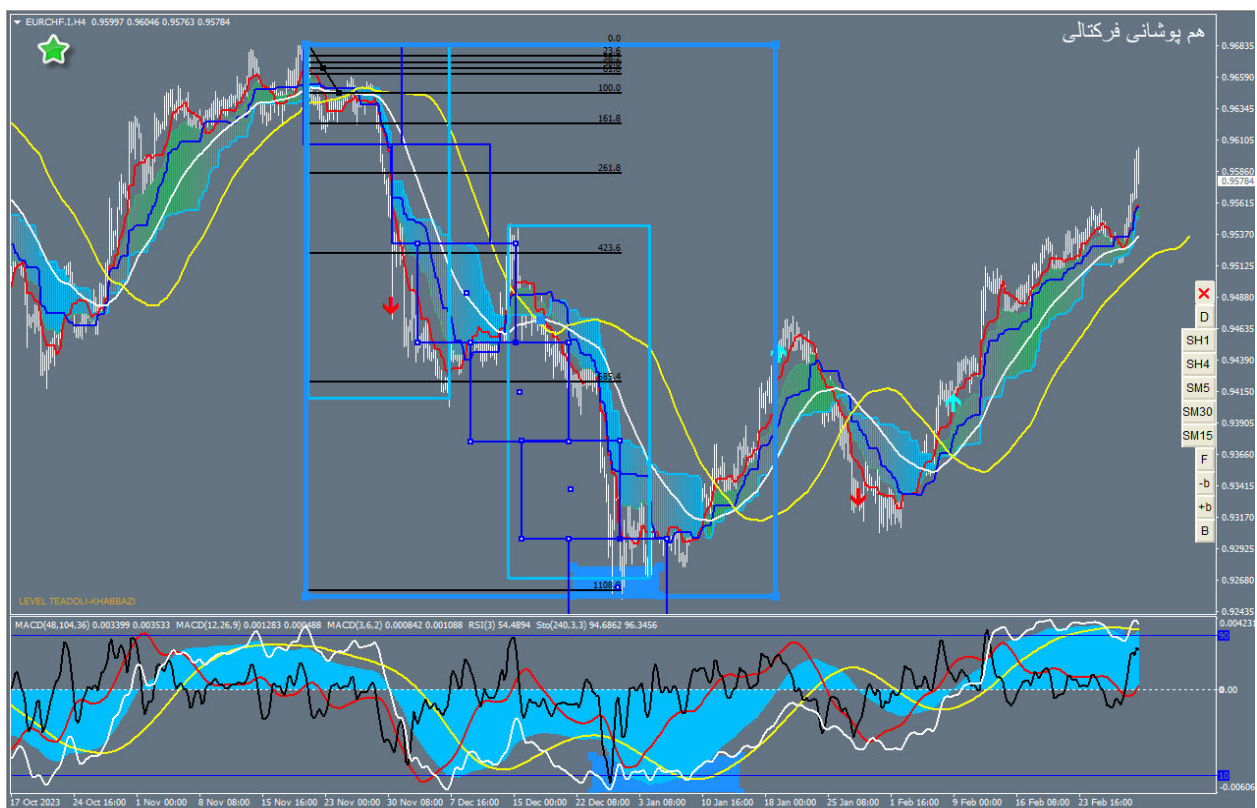
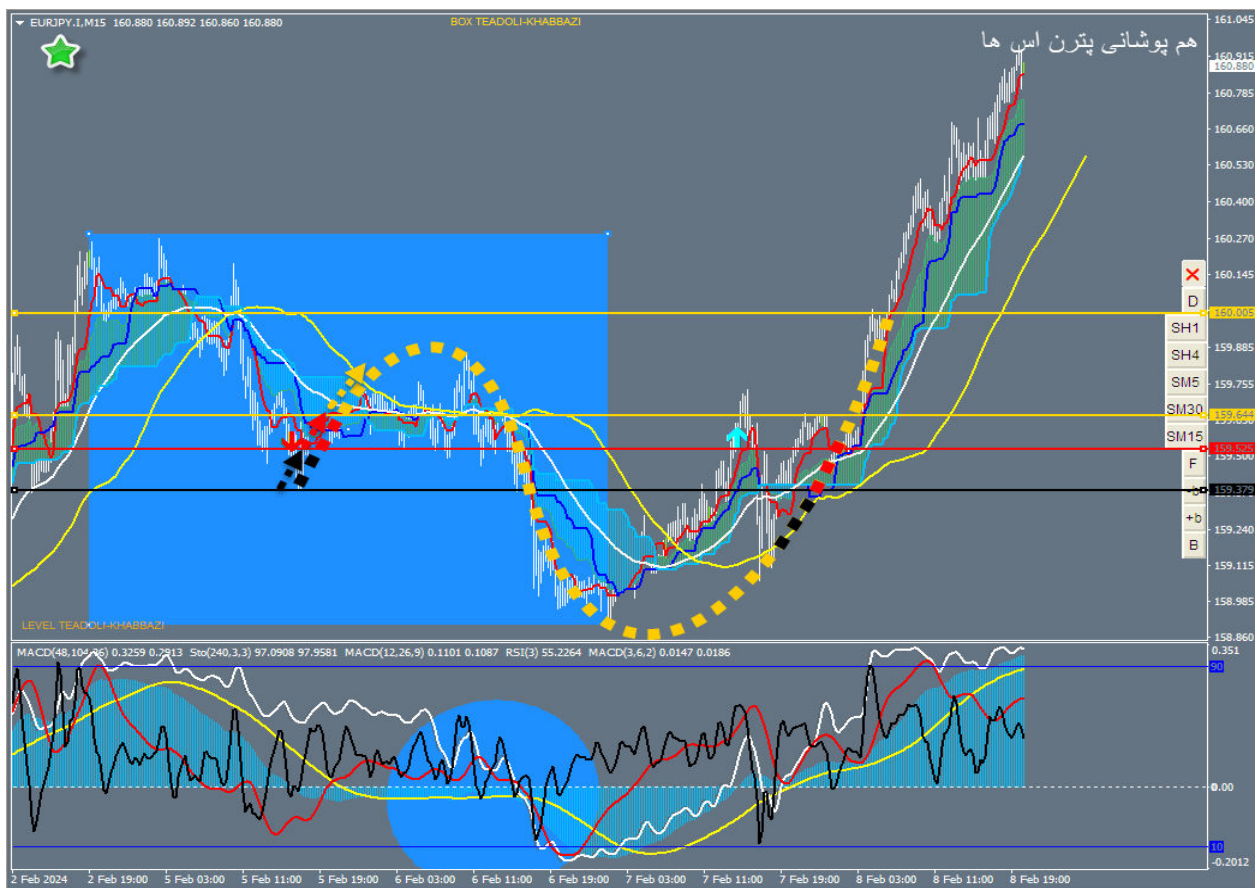


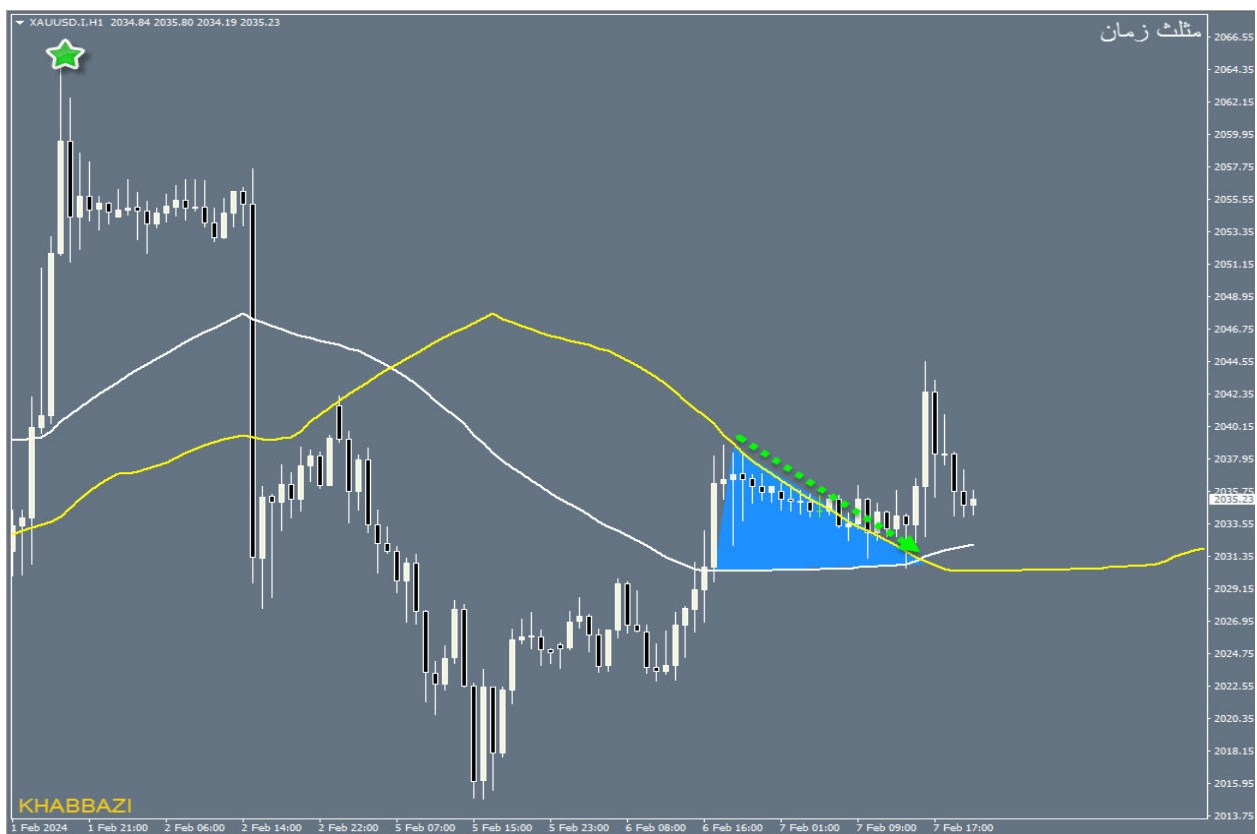
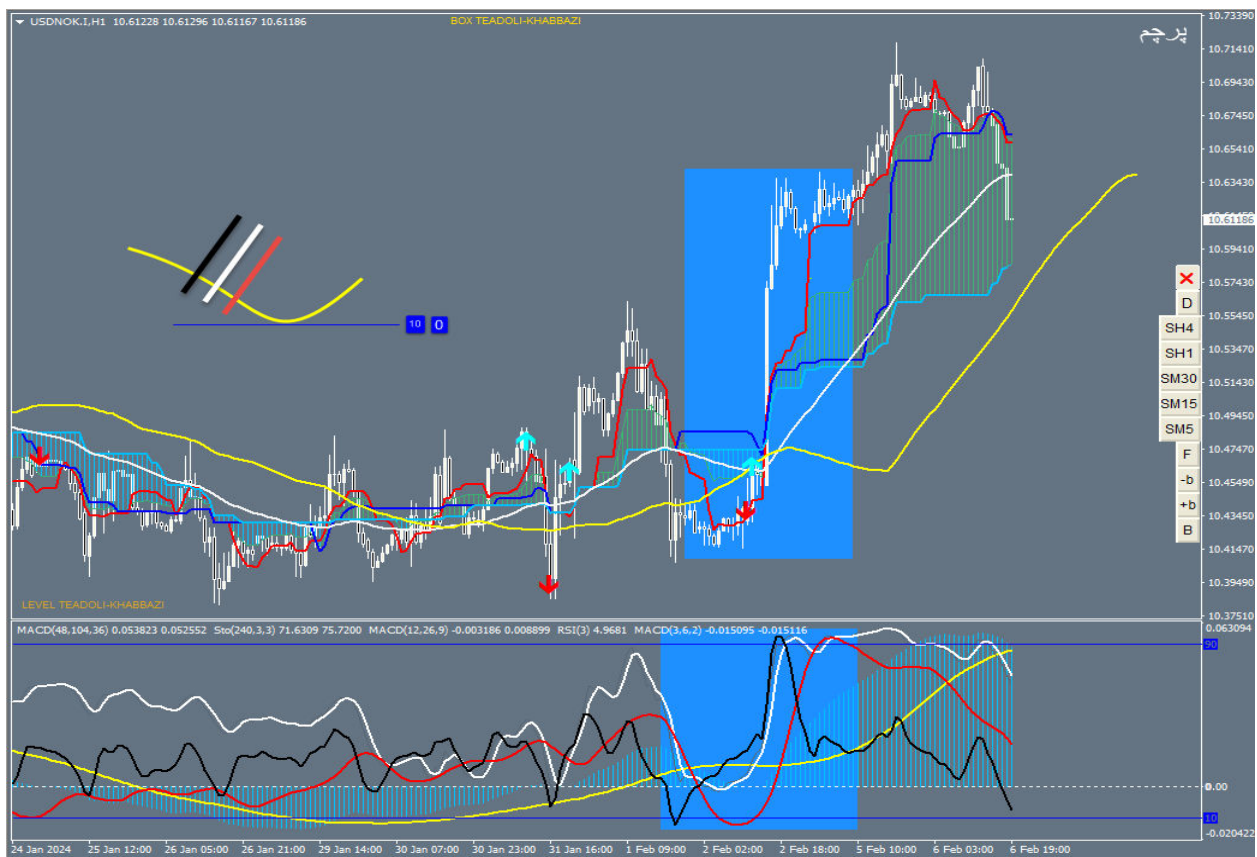


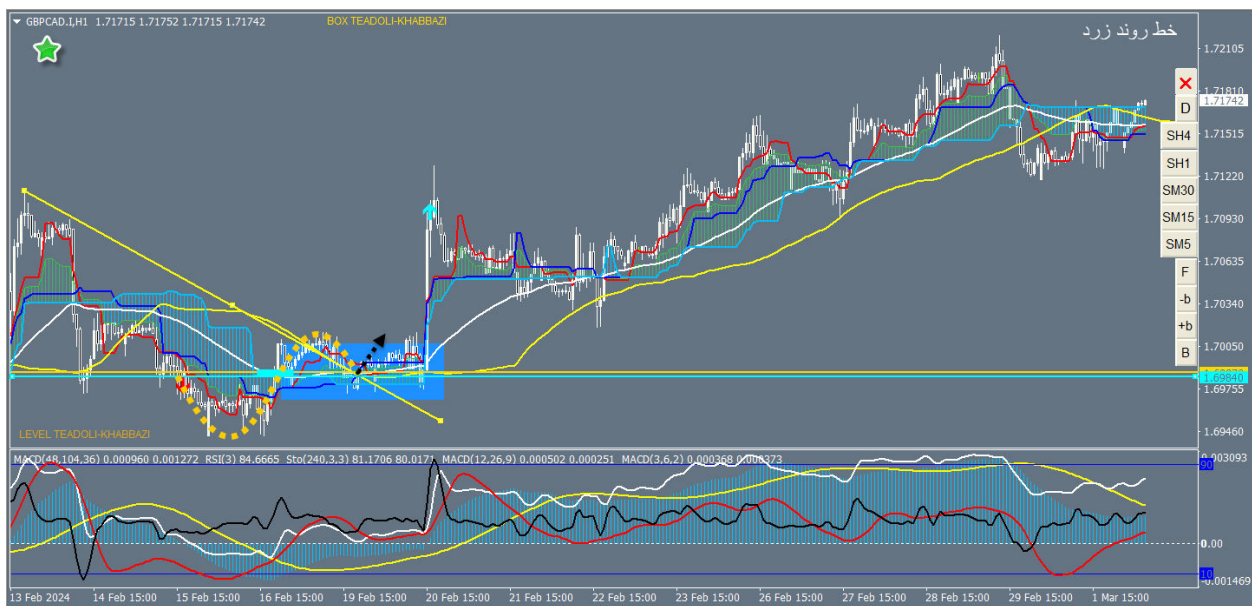
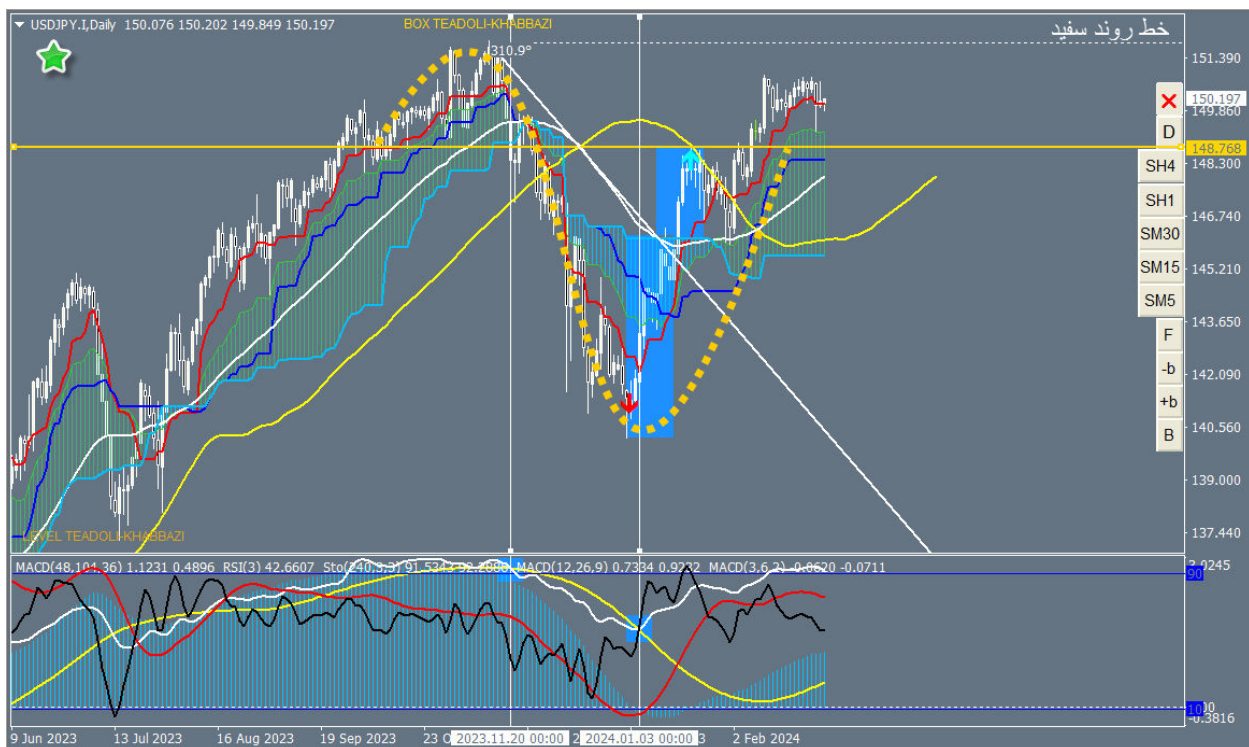


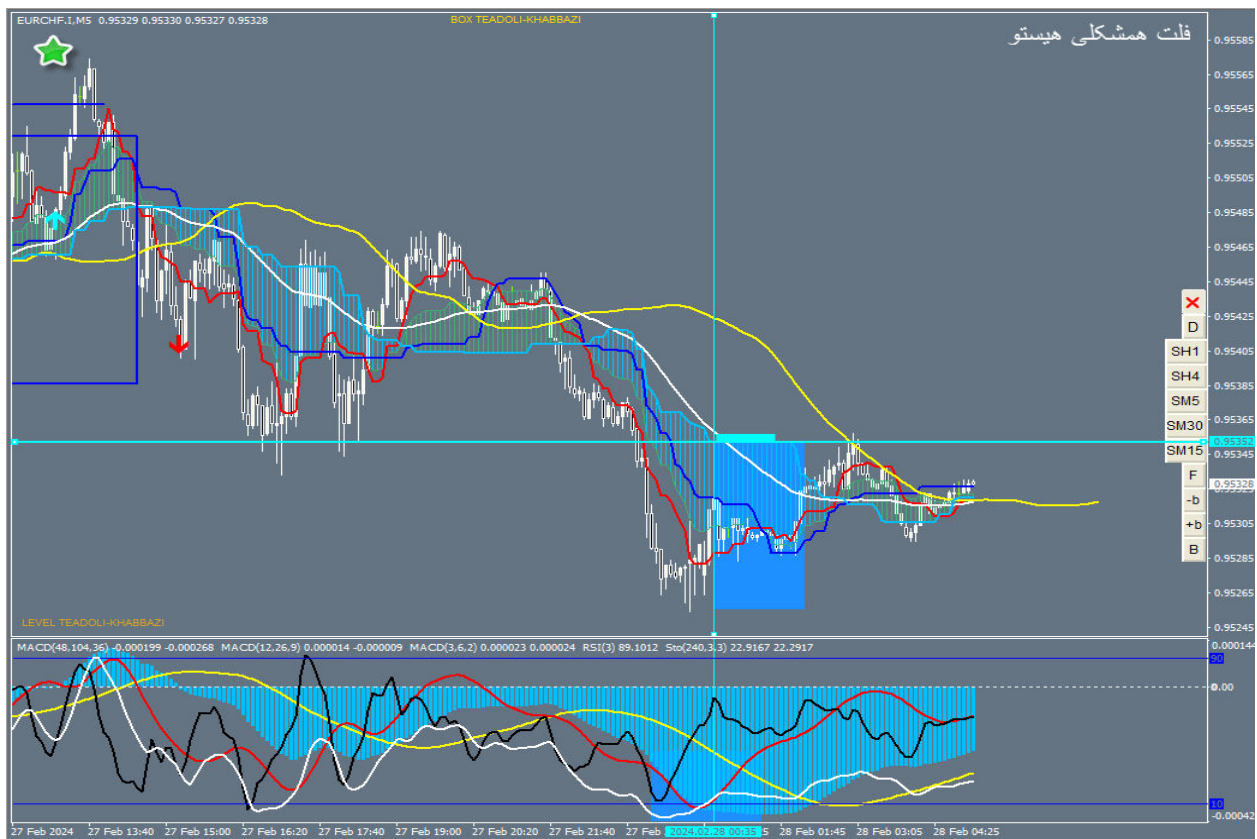
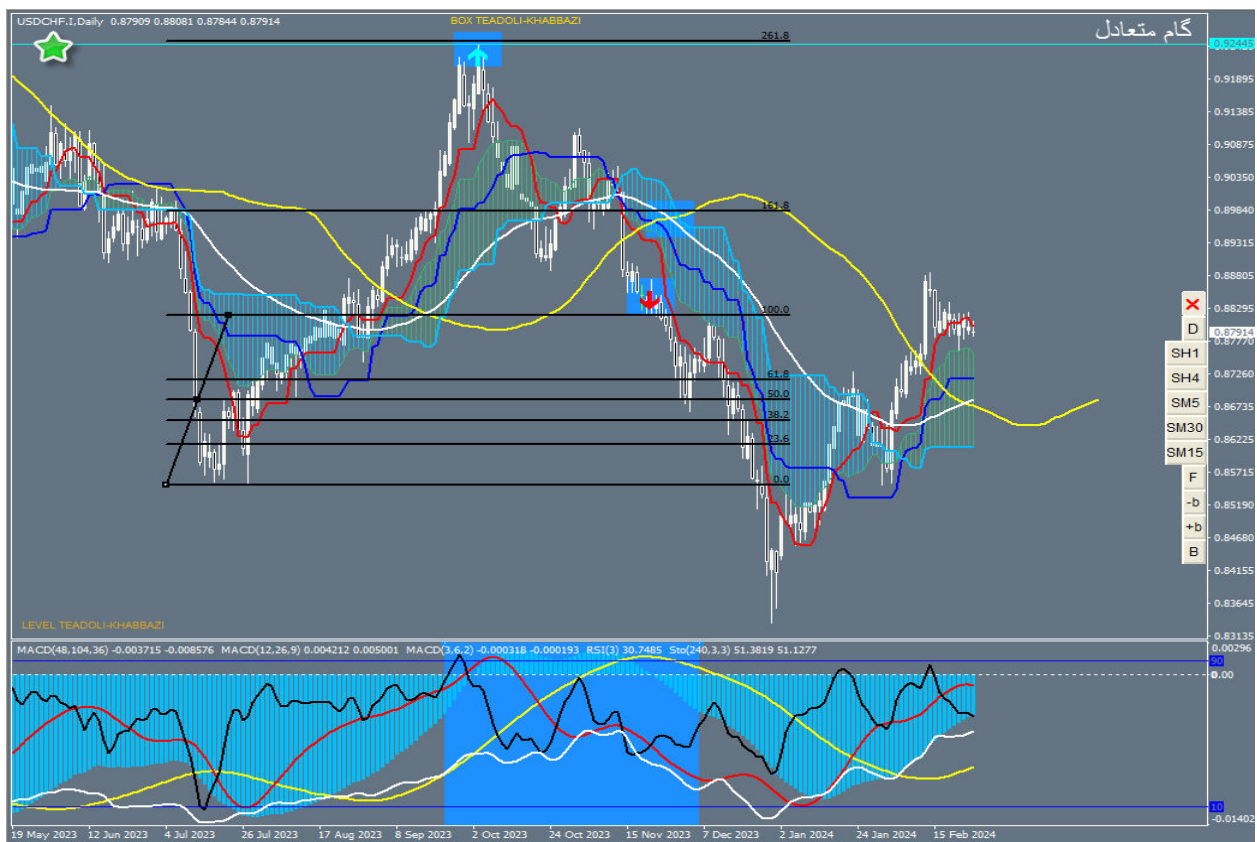


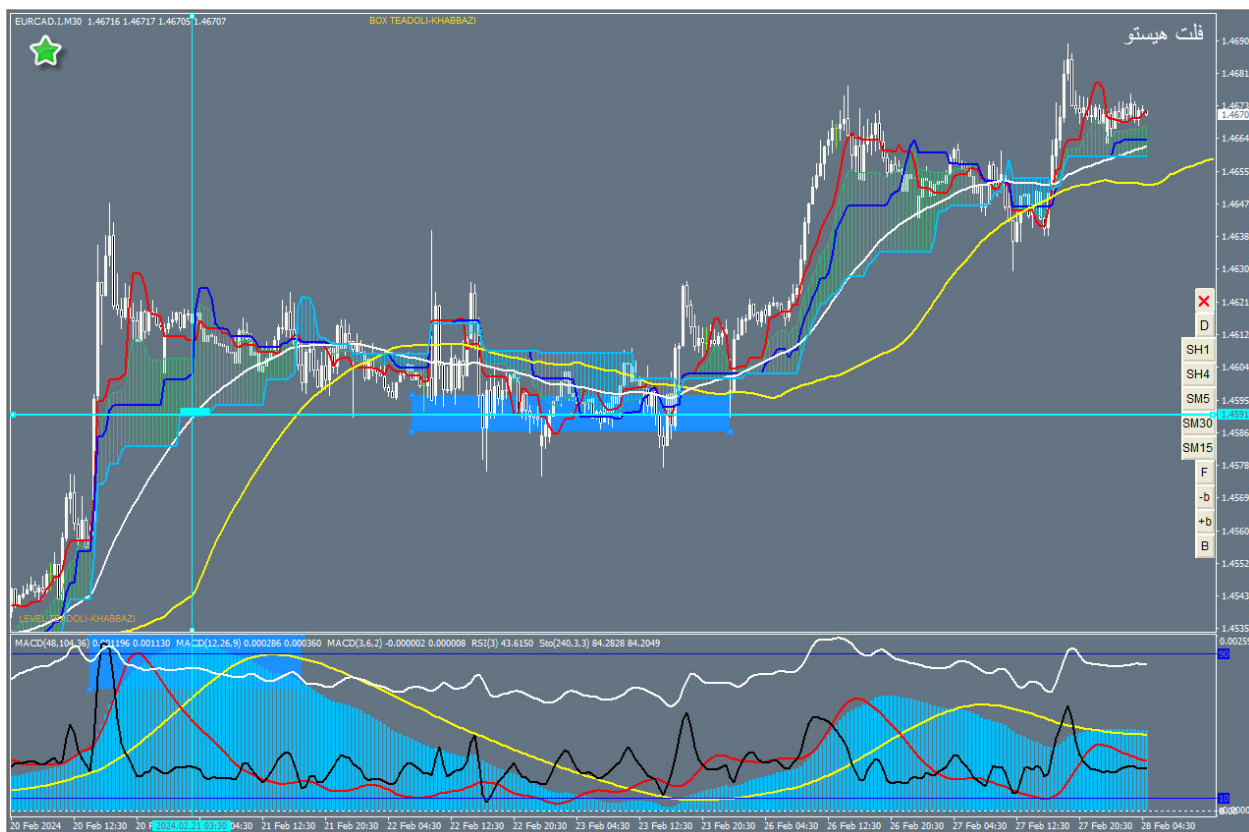


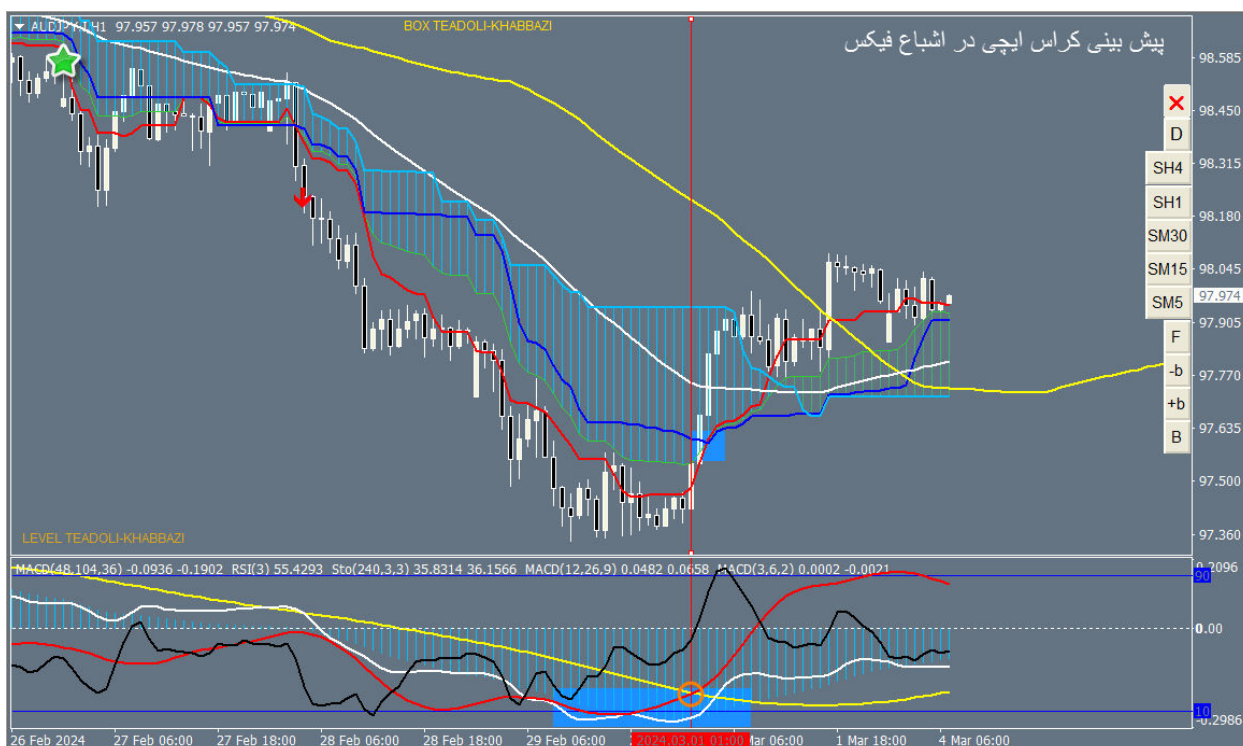


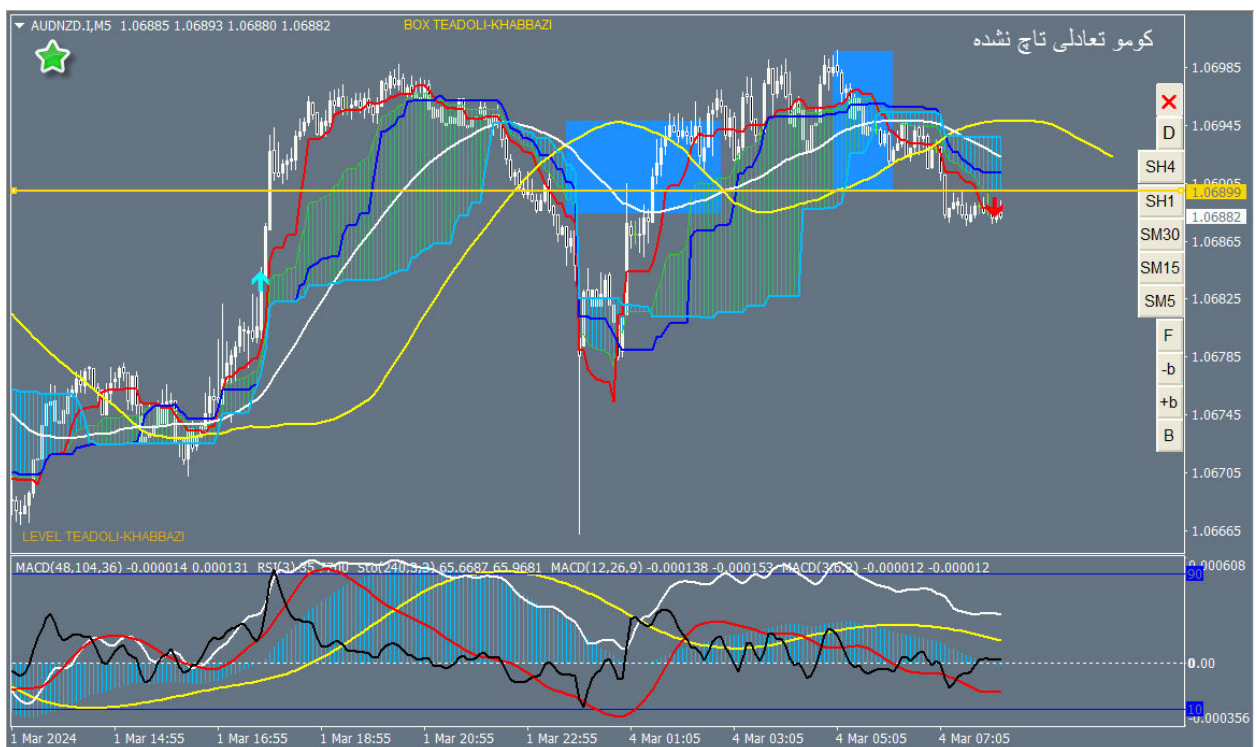
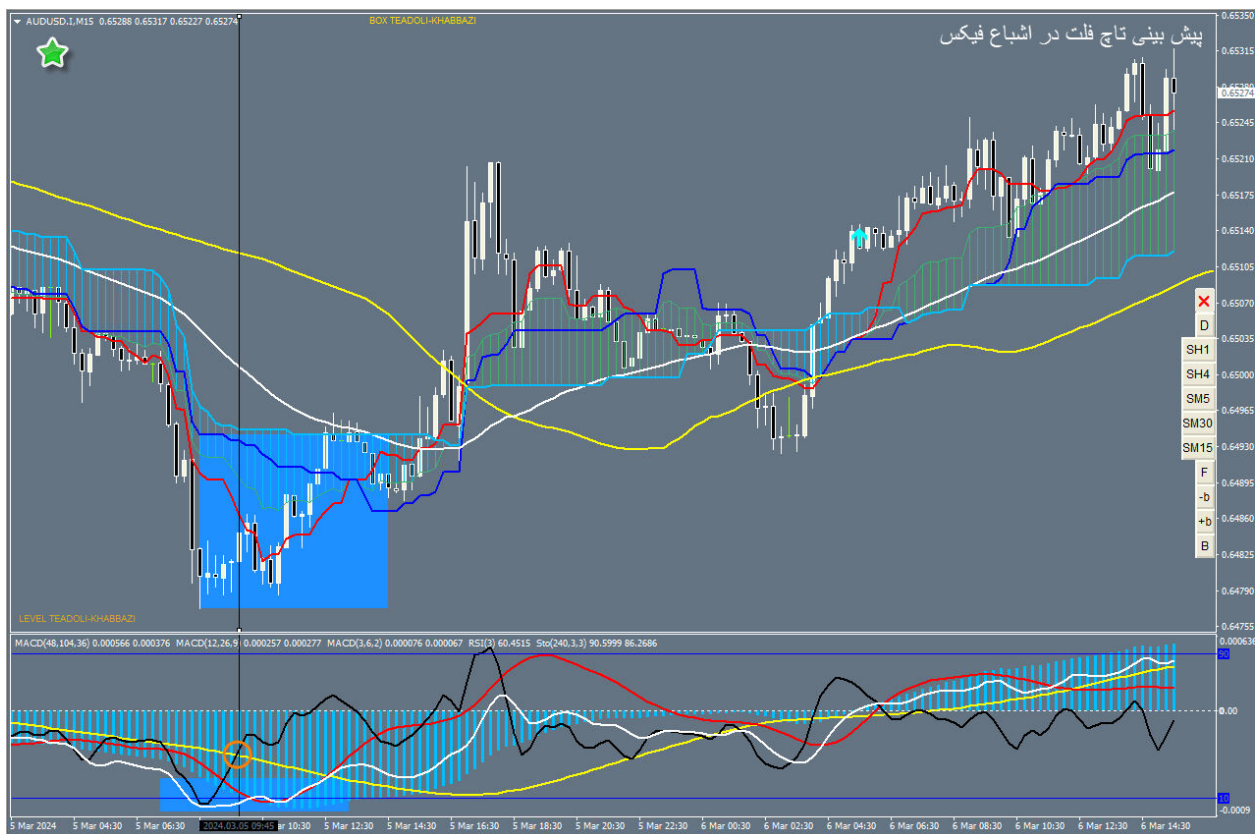


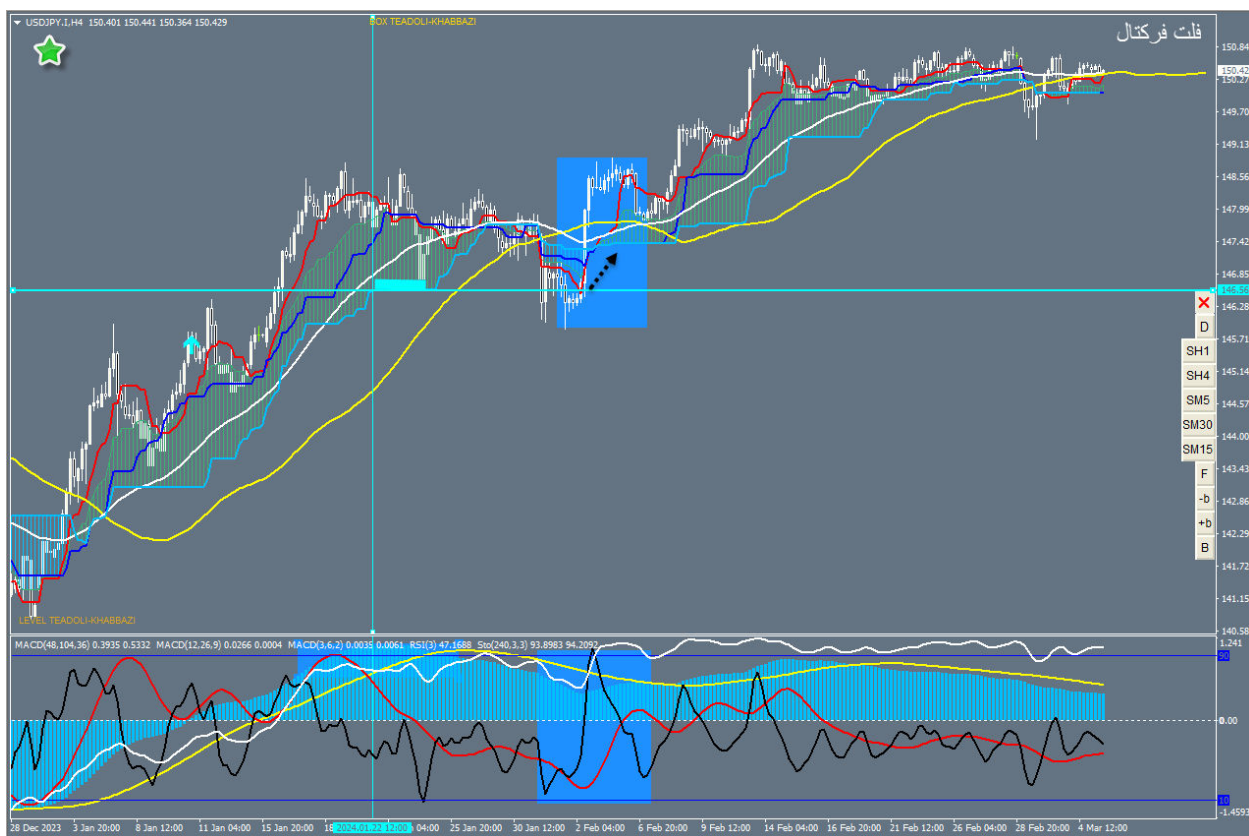
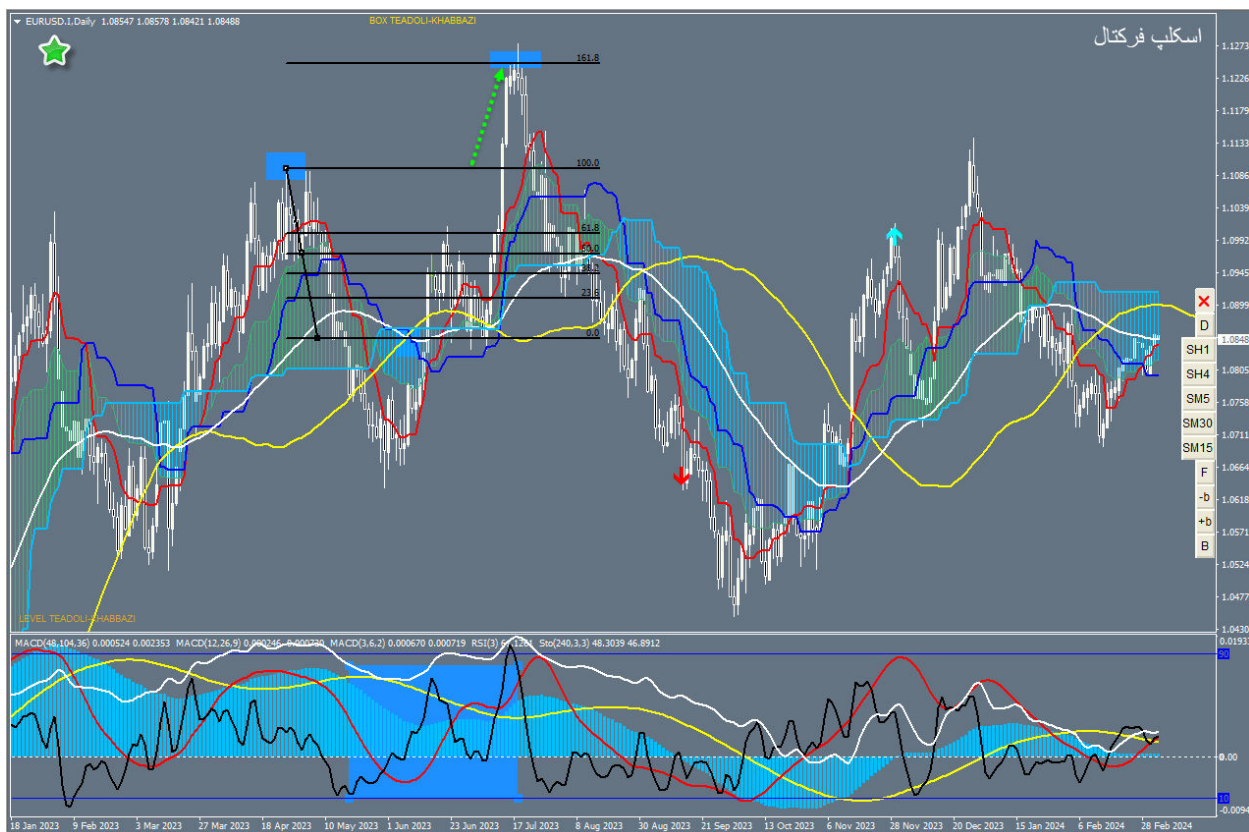




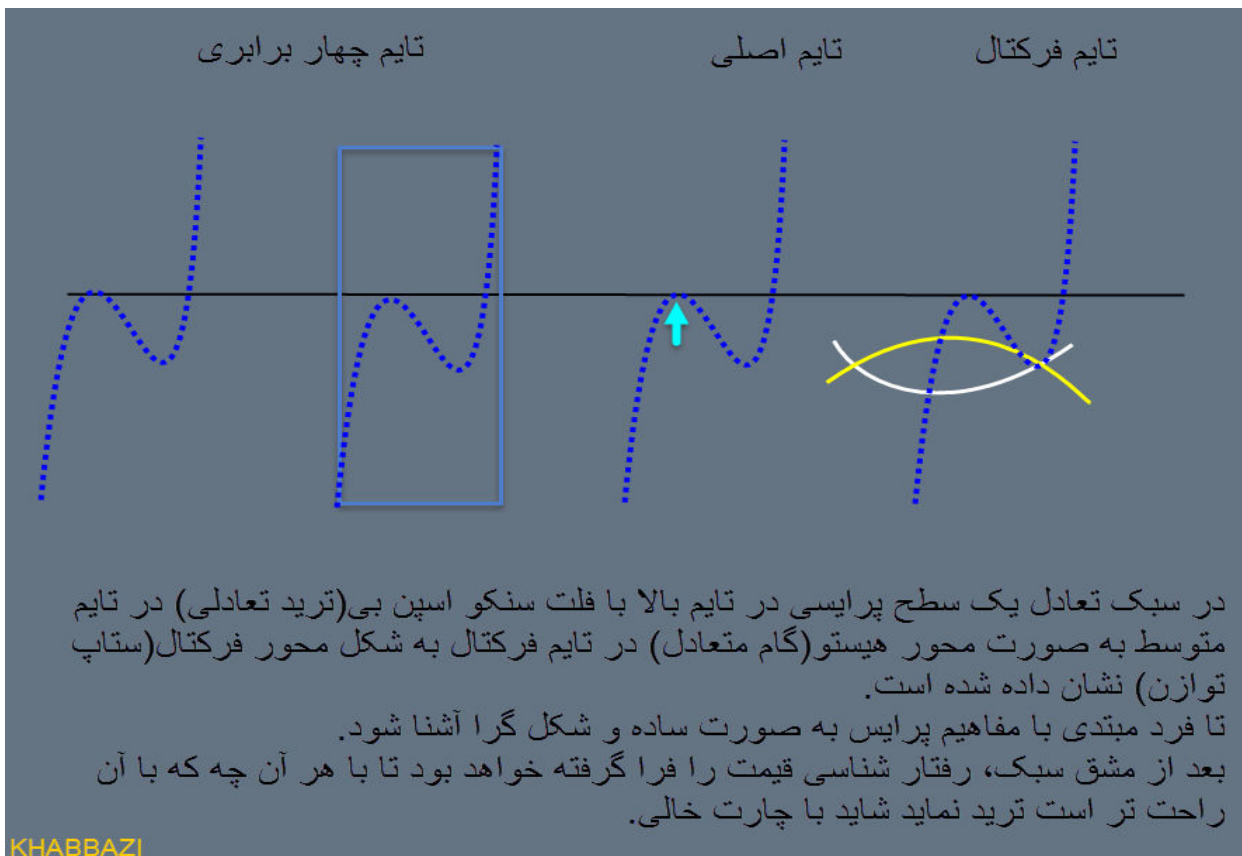
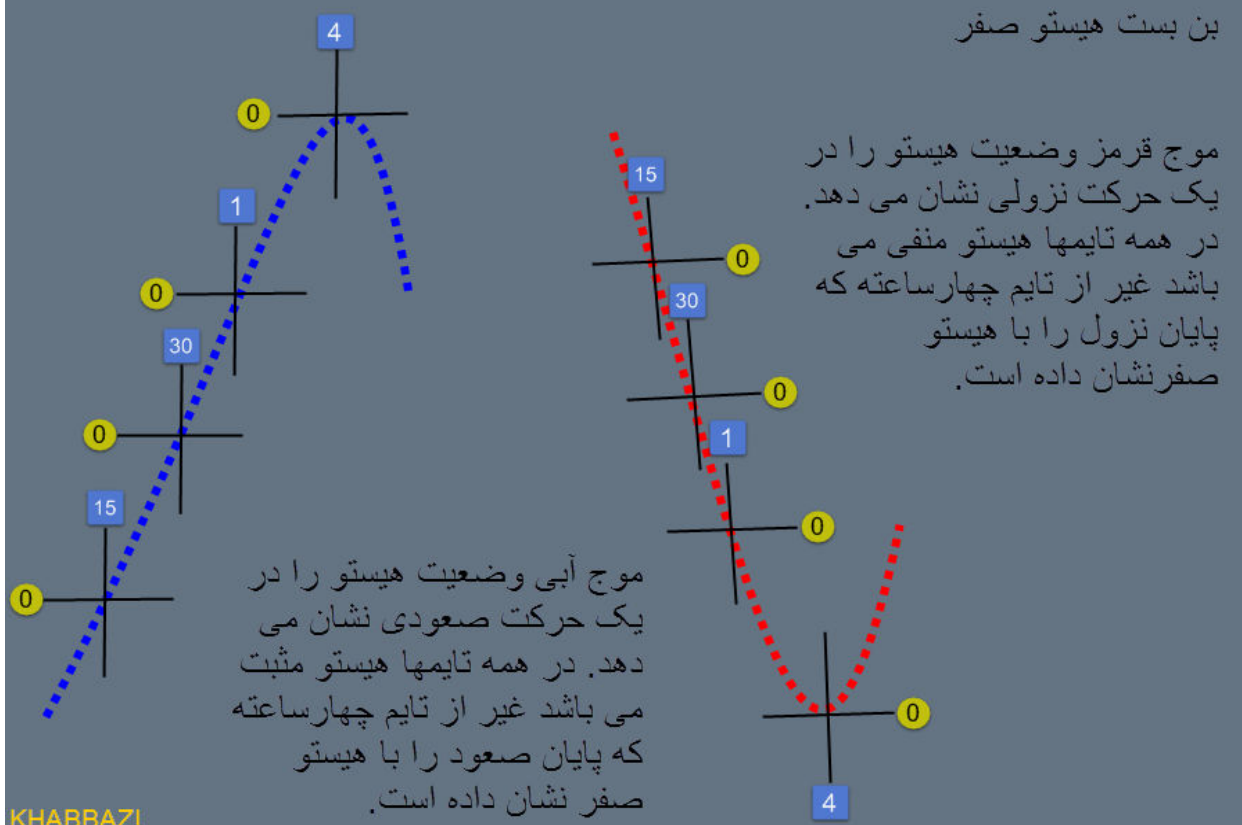








بن بست هیستو صفر

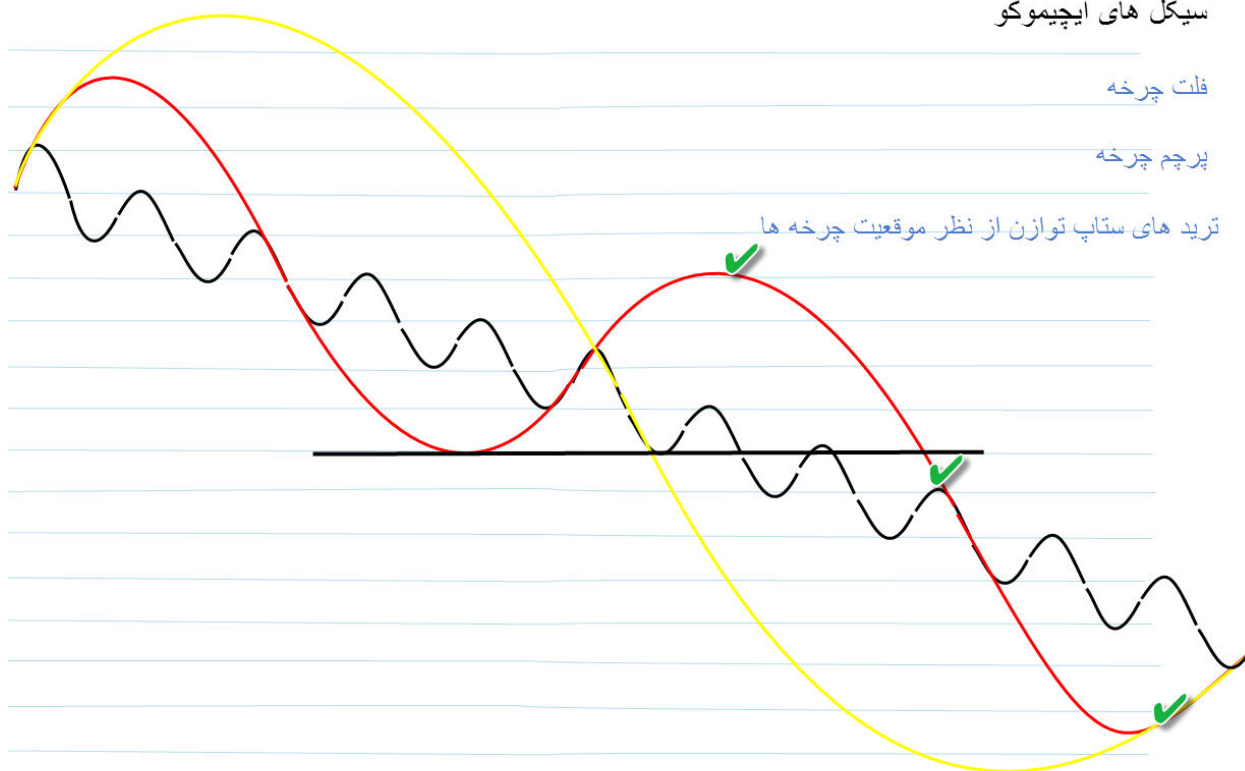


سیکل های ایچیموکو

فلت چرخه

پرچم چرخه

ترید های ستاپ توازن از نظر موقعیت چرخه ها



KHABBAZI

سخن پایانی

مجموعه معاملاتی سبک تعادل، کاملاً شخصی و ابداعی است که ماحصل پنج سال تلاش مستمر و شبانه روزی می باشد.

این سبک سطوح تعادلی را در چارت مربوط به هر بازار مالی (فارکس-کریپتو-بورس)، به صورت دقیق نشان می دهد.

در سبک تعادل، سطح تعادلی به صورت ساده و شکل گرا همزمان از تایم بالا به پایین به شکل فلت سنکو اسپن B، محور هیستو، محور فرکتال و محور تعادل استاتیک خودش را نشان می دهد.

در این سبک حرکت قیمت به صورت پترن S دیده می شود که با چرخش قیمت حول محورها، شکل می گیرد.

وقتی یک فرد با مشق سبک تعادل، به سود مستمر رسید، سبک این ذهنیت را به ایشان داده است که بتواند همه این قالب ها را که در حکم پوشش بر روی قیمت، انداخته شده است، کنار زده و با قیمت ترید نماید.

هیچ درآمدی به هیچ روشی غیر از ترید، از بازار مالی نداشته و نخواهم داشت.

اگر سبک تعادل جواب می دهد سودش برایم کافی است و اگر قابلیت سود دهی نداشته باشد، درآمذزایی از آن را از طریق کانال و گروه و کتاب و پکیج و دوره،... از نظر وجدانی، شرعی و قانونی درست نمی دانم.

خدمت به هموطن را وظیفه خود دانسته و خدا را شاکر هستم که این لیاقت را به من عطا کرد. در آینده نیز اگر توفیق باشد، فقط به همین منوال با افتخار در خدمت خواهم بود.

سبز و پر سود باشید.

نوروز 03

مجید خبازی